قرآن بلند مرتبه

هدف من از ترجمه ی قرآن، ارائه ترجمه ای کاملاً دقیق از قرآن بود به گونه ای که آنچه را در آیه های قرآن بیان شده است، عیناً بیان نماید و هنگامی که خواننده، این ترجمه را می خواند، همان برداشتی را از ترجمه داشته باشد که انگار عرب زبان است و نگارش عربی قرآن را خوانده است. عدم توجه به این موضوع باعث می شود که خواننده هنگامی که ترجمه غیر دقیق را می خواند برداشتی کاملاً متفاوت با آن چیزی که در آیه بیان شده است را به دست آورد .

در این نگارش، من ابتدا ترجمه ی آیات قرآن را در زیر هر آیه نوشته ام و پس از ترجمه، در بعضی از آیات، توضیحاتی را در داخل پرانتز در پایین ترجمه آن آیه نوشته ام که این توضیحات در بعضی موارد درک من از آن آیه بوده و در بعضی موارد در مورد موضوعاتی است که به نظر من در آیه به آنها اشاره شده است و یا می توان به آنها اشاره نمود. خواننده می تواند در صورت تمایل، این توضیحات را مطالعه نموده و به دیدگاه نویسنده پی ببرد.

اسلامی که توسط برخی از اعتقادات و مذاهب اسلام به مردم معرفی شده است، باعث شده که از دیدگاه بسیاری از مسلمانان و اکثر غیر مسلمانان، اسلام به صورت دینی خشن و غیر انسانی و دینی سختگیر با حرام های بسیار و دینی که پیروان آن می توانند کسانی که هم عقیده با خود نیستند را مورد آزار قرار دهند و دینی که در آن می توان پیروان اعتقادات دیگر را به دلیل اعتقادشان کشت، شناخته شود. این فهم آنان از اسلام، به دلیل ناآگاهی آنان از اسلام حقیقی است و نتیجه ی آن، یا پیروی از آن اسلام دروغین است و یا بیزاری از اسلام. اگر مسلمانان به جای پذیرفتن این دروغ ها تحت عنوان اسلام، برای فهم اسلام حقیقی، به قرآن مراجعه می نمودند، دیگر سخن این دروغ پردازان جایگاهی نمی داشت. خداوند در آیه 155 سوره انعام بیان می کند: (و این کتابی است که نازلش کردیم، که خجسته است، پس پیروی کنید از آن، و حذر کنید، شاید شما مورد رحمت واقع شوید.) و همچنین خداوند در آیه 6 سوره جاثیة بیان می کند: (آن است آیات خدا، که می خوانیم آن را برای تو به حقیقت، پس به کدامین سخن پس از خدا و آیاتش ایمان می آورند).

البته اگر حتی حقیقت نمایان شود، برخی به دروغی که پیرو آن هستند، دلبستگی دارند و تمایلی به حقیقت نخواهند داشت همانگونه که امروزه و در طول تاریخ پس از اسلام، اکثر مسلمانان، عرب زبان بوده و هستند و زبان قرآن را می فهمند ولی همچنان پیرو اعتقادات دروغین پدران خود هستند و به حقیقت و پذیرش آن میلی ندارند. خداوند در آیه 170 سوره بقره بیان می کند: (و اگر گفته شد به آنان، که پیروی کنید آنچه را نازل کرد خدا، گفتند بلکه پیروی می کنیم آنچه را یافتیم بر آن پدرانمان را، آیا اگر پدرانشان درک نمی کردند چیزی را و هدایت نشدند) .

خداوند در آیه 7 سوره آل عمران نکته ای را بیان می کند که باید برای خواندن قرآن و درک درست از آیات قرآن، آن را مورد توجه قرار داد. خداوند در این آیه بیان می کند: (اوست آنکه نازل کرد بر تو کتاب را، از آن آیاتی استوار (یا دقیق) است، آنان اصل (یا مادر) کتاب هستند، و دیگری شبیه هم ها هستند، پس لیکن کسانی که در دل هایشان منحرف شدن است، پس پیروی می کنند آنچه شبیه شد از آن، طلب کردنِ در آشوب افکندن و طلب کردنِ تفسیر آن، و نمی داند تفسیر آن را جز خدا، و متبحران در دانش می گویند ایمان آوردیم به آن، همه از نزد ربّ ما است، و یادآوری نمی کند جز خردمندان)

این آیه ی قرآن، بیان کننده ی نکات مهمی در خواندن قرآن و فهم دستورات اسلام در قرآن است. بیان شده که در قرآن دو نوع آیه وجود دارد. یک نوع، آیات اصلی قرآن هستند که آیاتی استوار یا دقیق هستند و دسته دیگر، آیات شبیه به هم هستند. آیات اصلی، همان آیاتی هستند که دستورات و حلال و حرام دین را به صورت کاملاً آشکار بیان نموده است مثلاً در آیه ای بیان شده که خوردن گوشت حیوان مرده حرام است. در این آیه به وضوح این حرام دین را بیان نموده و با خواندن آن می توان به این حرام دین پی برد. آیات شبیه به هم، آیاتی هستند که دستوری از دین در آنها وجود ندارد و بسیاری از آیات قرآن، در این دسته جای می گیرند. برای مثال آیاتی که در مورد ماجرای فرعون و ماجراهای اقوام گذشته بیان شده است. در این آیه بیان شده است که کسانی که در دل هایشان منحرف شدن است، پیروی

می کنند از آیات شبیه به هم، و طلب می کنند در آشوب افکندن را، و طلب می کنند تفسیر آیات شبیه به هم را، و تفسیر آن را جز خداوند نمی داند.

این دقیقاً همان اتفاقی است که در دین اسلام رخ داده است و بسیاری از احکام و دستورات دروغین را تحت عنوان اسلام از طریق تفسیر آیات، بیان کرده اند و مسلمانان ناآگاه از قرآن و حقیقت، آنها را به عنوان اسلام پذیرفته اند. ده ها جلد کتاب تحت عنوان تفسیر قرآن نوشته شده است که بیان کننده ی دین اسلام هستند، در حالی که در این آیه بیان شده که تفسیر این آیات را تنها خدا می داند، و حتی پیامبر هم از تفسیر آن ها آگاهی نداشته است و اصلاً این آیات بیان کننده ی دستورات دینی نیستند و آیات اصلی نیستند و پیروی از آنان را کسانی انجام می دهند که در دل هایشان منحرف شدن است. در کتاب هایی تحت عنوان رساله ی توضیح المسائل، احکام و حلال و حرام دین را نوشته اند و بسیاری از این احکام، اصلاً در قرآن وجود ندارد و وقتی پرسیده می شود که این حکم که در قرآن نیست از کجا آمده است، یکی از پاسخ های آنها این است که این حکم از تفسیر آیه ای در قرآن پیدا شده است که این همان انحرافی است که در این آیه، بیان شده است.

خداوند در آیه 33 سوره اعراف بیان می کند: (بگو همانا حرام کرد ربّ من گناهان بسیار زشت را، چه آشکار شد از آن و چه پنهان شد، و گناه، و ستم به غیر از بایسته شدن را، و اینکه شریک قائل شوید با خدا آنچه که هرگز نازل نکرد بر آن دلیلی را، و اینکه بگویید بر خدا آنچه را نمی دانید). در این آیه، خداوند به پیامبر بیان نموده است که بگو این چیزهایی را که در این آیه بیان شده، خداوند حرام کرده است. کارهایی که گناهان بسیار زشت به شمار می آیند، در قرآن بیان شده است. کارهایی که گناه به شمار می آیند نیز در قرآن بیان شده اند. ستم به غیر از بایسته شدن، یعنی انجام کاری که ستم است مگر در حالتی که ستم به شمار نمی آید مثلاً اگر فردی که جنایتکار است را زندانی کنند این زندانی کردن حکم ستمی را دارد که بایسته شده است ولی اگر همین مجازات را بر فردی که جنایتی نکرده است اعمال کنند، ستم کرده اند. اینکه شریک قائل شوند با خدا، آنچه را که هرگز نازل نکرد بر آن دلیلی را، یعنی بدون آنکه خداوند آیه ای نازل کرده باشد که بیان کند اینها با خدا شریک هستند، با خدا شریک قائل شوند یا به عبارت دیگر به چندین خدا اعتقاد داشته باشند. ملاک تشخیص کارهایی که گناهان بسیار زشت و گناهان هستند، قرآن است و نه حدس و گمان افراد. ملاک تشخیص ستم، هم می تواند قرآن باشد و هم می تواند کارهایی را شامل شود که به صورت مشخص ستم هستند مثلاً آزار رساندن به دیگران و یا آزار رساندن به حیوانات. و در نهایت یکی دیگر از کارهایی که حرام شده، عبارت است از اینکه بگویید بر خدا آنچه را نمی دانید، یعنی به خدا دروغ ببندید، که ملاک تشخیص این نیز قرآن است.

خداوند در آیه 116 سوره نحل بیان می کند: (و نگویید برای آنچه توصیف می کند زبان هایتان، دروغ را، که این حلال است و این حرام است، تا دروغ ببافید بر خدا، دروغ را، همانا کسانی که دروغ می بافند بر خدا، دروغ را، رستگار نمی شوند). در این آیه بیان شده که از جانب خود و به دروغ، چیزها را حلال و حرام اعلام نکنید و بر خدا دروغ نبندید و کسانی که بر خدا دروغ می بافند، رستگار نمی شوند. این اتفاقی است که در اسلام، بسیار رخ داده است و تحت عنوان سنت پیامبر در مذهب سنی و تحت عنوان احادیث و روایات پیامبر و امامان در مذهب شیعه، بسیاری از چیزهایی را که در قرآن حرام دانسته نشده است را به دروغ حرام اعلام نموده اند و بسیاری از احکام دروغین را به اسلام نسبت داده اند در حالی که هیچ کدام از آنها در قرآن بیان نشده است و اسلام دروغین را جایگزین اسلام حقیقی کرده اند. تنها راه پی بردن به اسلام حقیقی، خواندن قرآن است و هر چیزی که در قرآن حرام اعلام شده، حرام است و اگر چیزی در قرآن حرام اعلام نشده باشد، حرام نیست.

خداوند در آیه 136 سوره نساء در مورد آنچه که یک مسلمان باید به آنها اعتقاد داشته باشد اینگونه بیان می کند: (ای کسانی که ایمان آوردید، ایمان آورید به خدا و فرستاده اش، و کتاب، آنچه را نازل کرد بر فرستاده اش، و کتاب، آنچه را نازل کرد از قبل، و کسی که کفر ورزد به خدا و فرشتگانش و کتاب هایش و فرستادگانش و روز واپسین، پس به درستی گمراه شد، گمراهی دوری)

در این آیه مواردی که یک فرد مسلمان باید به آنها ایمان داشته باشد را بیان کرده است. نه در این آیه و نه در دیگر آیات قرآن، چیزی به عنوان ایمان به امامت وجود ندارد و این دروغی است که به خدا و دین نسبت داده اند و پیروان مذهب شیعه به آن باور دارند. در این آیه بیان شده، ای کسانی که ایمان آوردید، ایمان آورید به خدا و پیامبر اسلام، و قرآن و کتاب هایی که خداوند بر پیامبران قبل از پیامبر اسلام نازل نمود، و کسی که کفر ورزد به خدا و فرشتگان خدا و کتاب های نازل شده بر پیامبران و پیامبران خدا و روز قیامت، به درستی به گمراهی دوری دچار شده است.

در ادامه نمونه هایی از آیات قرآن آورده شده است که با توجه به آنها می توان به جایگاه قرآن در اسلام پی برد و اینکه برای فهم اسلام حقیقی باید فقط به قرآن مراجعه نمود.

خداوند در آیه 155 سوره انعام بیان می کند: (و این کتابی است که نازلش کردیم، که خجسته است، پس پیروی کنید از آن، و حذر کنید، شاید شما مورد رحمت واقع شوید) و همچنین در آیه 52 سوره اعراف بیان می کند: (و یقیناً به درستی آوردیم برای آنان کتابی را، به روشنی بیان کردیم آن را بر اساس دانشی، هدایت و مهربانی ای است برای جماعتی که ایمان می آورند) و در آیه 59 سوره یونس بیان می کند: (بگو آیا دیدید آنچه را نازل کرد خدا برای شما از روزی ای، پس قرار دادید از آن، حرامی و حلالی را، بگو آیا خدا اجازه داد برای شما، یا بر خدا دروغ می بافید) و در آیه 1 سوره هود بیان می کند: (الف لام راء، کتابی است که استوار کرده شد آیاتش، سپس به روشنی بیان کرده شد از نزد صاحب حکمتی آگاه) و در آیه 8 سوره حج بیان می کند: (و از مردم کسی است که جر و بحث می کند به دلیل خدا، بدون دانشی و نه هدایتی و نه کتابی روشنایی بخش) و در آیه 1 سوره نمل بیان می کند: (طا سین، آن آیات قرآن و کتابی آشکار است) و در آیه 2 سوره نمل در ادامه آیه 1 سوره نمل بیان می کند: (هدایتی و مژده برای مؤمنان است) و خداوند در آیه 157 سوره صافات در پاسخ به دروغ هایی که کافران به خداوند نسبت داده بودند، بیان می کند: (پس بیاورید کتابتان را، اگر بودید راستگویان) و در آیه 29 سوره ص بیان می کند: (کتابی است که نازل کردیم آن را بر تو، به صورت با برکت، تا بیندیشند در آیات آن، و تا به یاد آورند خردمندان) و در آیه 23 سوره زمر بیان می کند: (خدا نازل کرد نیکوترین سخن را، کتابی با آیات به صورت شبیه هم، می لرزد از آن، پوست های کسانی که می ترسند از ربّشان، سپس نرم می شود پوست هایشان و دل هایشان به به یاد آوردن خدا، آن هدایت خدا است، هدایت می کند با آن کسی را که می خواهد، و کسی را که گمراه کند خدا، پس نیست برای او از هدایت کننده ای) و در آیه 30 سوره احقاف بیان می کند: (گفتند ای قوم ما، همانا ما شنیدیم کتابی را که نازل شد از پس از موسی، به صورت تصدیق کننده است برای آنچه در برابر آن است، هدایت می کند به حقیقت، و به راهی راست) و در آیه 9 سوره حدید بیان می کند: (اوست آنکه نازل می کند بر بنده اش آیاتی آشکار را، تا بیرون آوَرَد شما را از تاریکی ها به نور، و همانا خدا به شما، یقیناً بسیار دل رحم بخشایشگر است) .

در اینجا به برخی از دروغ هایی که تحت عنوان اسلام، بیان شده است اشاره خواهم نمود. البته اینها بیان نمونه هایی است و برای فهم دین حقیقی، باید فقط به قرآن مراجعه نمود.

در آیه 15 سوره یونس، خداوند بیان می کند: (و اگر خوانده شود بر آنان آیات ما، که دلایل است، گفت کسانی که امید ندارند به دیدار ما، بیاور از قرآنی غیر از این، یا عوض کن آن را، بگو نباشد برای من اینکه آن را عوض کنم از جانب خودم، پیروی نمی کنم جز آنچه را وحی می شود به من، همانا من می ترسم اگر نافرمانی کردم از ربّم، از عذاب روزی بزرگ). پیامبر در زمینه ی دین، فقط از قرآن پیروی می کرده است و چیزی را در زمینه ی دین، از خود بیان نمی کرده است و در مورد دین، فقط آیات قرآن را بیان می کرده است. پس این احکامی که تحت عنوان اسلام، به مردم معرفی شده است ولی در قرآن بیان نشده اند، از کجا به وجود آمده اند. آیا غیر از این است که آنها چیزی جز دروغ هایی که به خدا نسبت داده اند، چیز دیگری نیستند.

در قرآن چیزی تحت عنوان نجس و پاک وجود ندارد. در قرآن فقط در آیه هایی بیان شده که اگر آلوده به منی هستید و می خواهید نماز بخوانید، قبل از خواندن نماز، آلودگی را شستشو کنید. این مفهومی که به عنوان نجس و پاک بیان کرده اند و برخی از چیزها و حیوانات را نجس معرفی کرده اند، جز دروغ در دین نیست. در قرآن چیزی به نام غسل جنابت با این آدابی که بیان می کنند وجود ندارد و فقط بیان شده که آلودگی با منی را بشویید.

در قرآن چیزی به نام احکام ادرار و مدفوع کردن وجود ندارد. اینکه بیان می کنند رو به قبله نباید ادرار و مدفوع کرد، دروغ است.

اینکه بیان می کنند زن ها در هنگام عادت ماهیانه نباید نماز بخوانند، دروغ است.

در قرآن چیزی تحت عنوان احکام ظرف ها و اینکه می گویند خوردن و آشامیدن در ظرف طلا و نقره حرام است، وجود ندارد و این احکام دروغ هستند.

در قرآن چیزی تحت عنوان احکام وضو وجود ندارد و فقط در قرآن بیان شده که وقتی می خواهید نماز بخوانید، صورت خود را بشویید و دست ها را تا آرنج بشویید و دست را به سر بمالید و به پاها تا برآمدگی ها بمالید. اینکه آدابی برای وضو بیان کرده اند و می گویند اگر به غیر از این آداب وضو بگیرید، وضو باطل است، جز دروغ در دین نیست. چیزی وضو را باطل نمی کند و اینکه می گویند اگر بادی از معده خارج شد یا فرد ادرار و مدفوع کرد، وضو و نمازش باطل است، جز دروغ نمی گویند. اینکه می گویند اگر چیزی به بدن چسبیده باشد مثلاً لاک ناخن، که مانع رسیدن آب به محل وضو شود، وضو باطل است، دروغ است. وضو گرفتن فقط برای نماز خواندن است و نه برای کارهای دیگر، و اینکه مثلاً می گویند قبل از لمس کردن خط قرآن باید وضو گرفت و اگر بدون وضو خط قرآن را لمس کنید، گناه است، جز دروغ نگفته اند .

اینکه برای میت احکامی را بیان کرده اند مثلاً می گویند باید مرده را غسل داد و باید کفن پوشاند و باید بر او نماز خوانده شود، و اینکه به چه روشی دفن شود، همگی دروغ هایی است که بر دین بسته اند. البته با توجه به آنچه در آیه ای از قرآن بیان شده، می توان فهمید که پیامبر بر میت نماز می خوانده است ولی این فقط کاری بوده که پیامبر به خواست خود انجام می داده و واجب دین نیست. مثلاً اگر پیامبر به خواست خود هر روز حمام می کرده به این معنی نیست که حمام روزانه واجب دین است، زیرا در قرآن بیان نشده که این کار را انجام دهید.

آنچه در مورد شب اول قبر و زنده شدن مرده در شب اول قبر و مورد سؤال واقع شدن او بیان می کنند، همگی دروغ است. بر اساس آنچه در قرآن بیان شده است، فردی که می میرد، در هنگام قیامت زنده می شود و در آن روز به حساب افراد رسیدگی خواهد شد.

آنچه در قرآن در مورد تیمم کردن و روش آن در آیه های 43 سوره نساء و 6 سوره ی مائده بیان شده، حکم اسلام است و غیر از آن هر چه را بیان می کنند دروغ است.

آنچه که در قرآن در مورد نماز بیان شده است و آن نمازهایی که در قرآن بیان شده که خوانده شود و زمان آن نیز بیان شده است، حکم دین در مورد نماز و وقت آنها است و آنچه را غیر از آنها به نام اسلام واجب دانسته اند، مانند نماز آیات، و یا احکامی که بیان می کنند و در قرآن در مورد نماز بیان نشده است، جز دروغ بر دین نیستند. در قرآن در مورد تعداد رکعت های نماز صحبتی نشده است و اینکه به عنوان مثال بیان می کنند حتماً باید نماز صبح دو رکعت باشد، دروغ است. اینکه بیان می کنند نماز مسافر باید شکسته باشد، دروغ است. احکامی که در مورد پوشاندن بدن در نماز بیان می کنند، دروغ است و در قرآن بیان نشده که نمازگزار باید بدن خود را بپوشاند، چه مرد باشد یا زن. آنچه در مورد شکیات نماز بیان می کنند، همگی دروغ است. خروج باد از معده باعث باطل شدن نماز نمی شود. اگر نماز عشا را در هنگام مغرب بخوانید، نماز عشا نخوانده اید و نماز شما جزو نماز مغرب بوده است

بنابراین باید زمان نمازها را طبق آنچه در قرآن بیان شده است، رعایت نمود. اینکه می گویند فرد دیگری می تواند به جای میت نمازهای نخوانده اش را بخواند، دروغ بر دین بسته اند. چیزی تحت عنوان نماز قضا در قرآن بیان نشده است و این هم دروغ است. نماز جمعه همان مانند همان نمازی است که فرد در روزهای دیگر می خواند و تفاوتی با روزهای دیگر ندارد، فقط تفاوت آن این است که در قرآن دارای اهمیت بیشتری دانسته شده است .

آنچه در مورد روزه گرفتن و احکام آن در قرآن بیان شده است، حکم روزه در اسلام است و غیر از آن، آنچه را به نام احکام روزه بیان کرده اند، دروغ است مانند اینکه می گویند اگر غبار به حلق برسد یا اگر روزه دار سیگار بکشد، یا فردی که جُنُب باشد، روزه اش باطل می شود، دروغ هستند. آنچه در مورد گناه بودن خوردن و آشامیدن در انظار عموم در ماه رمضان، بیان کرده اند، دروغ بر دین بسته اند و مجازات هایی که برای این عمل به نام دین بیان کرده اند نیز دروغ است.

چیزی تحت عنوان خمس مال در اسلام وجود ندارد و این خمس در حقیقت خوردن مال مردم به ناحق است .

در قرآن میزان دادن زکات و مالی که به آن زکات تعلق می گیرد مشخص نشده است و بنابراین میزان آن به تصمیم خود فرد بستگی دارد و هر مالی را می تواند شامل شود. آنچه را که در مورد زکات بیان می کنند و به اسلام نسبت می دهند، در حالی که در قرآن بیان نشده است، دروغ است. چیزی تحت عنوان زکات فطره در قرآن بیان نشده است و این نیز دروغ است.

کسی به جای کس دیگر نمی تواند نماز بخواند یا به حج رود. اینکه می گویند کسی به نیابت از دیگری می تواند به حج برود، دروغ است.

امر به معروف و نهی از منکر واجب دین نیست و به عنوان کاری پسندیده در قرآن معرفی شده است. امر به معروف و نهی از منکر به معنای اجبار کردن دیگران به کارهای پسندیده یا جلوگیری از انجام گناه با اجبار نیست بلکه فقط از طریق گفتار می باشد و پذیرفتن یا نپذیرفتن آن توسط دیگران، به تصمیم خود آنها بستگی دارد. آن چیزی که تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر به عنوان واجب اسلام معرفی کرده اند جز دروغی نسبت داده شده به اسلام نیست. خداوند در قرآن بیان کرده که در دین هیچ اجباری نیست. خداوند در آیه 99 سوره یونس به پیامبر بیان می کند: (و اگر می خواست ربّت، یقیناً ایمان می آورد کسی که در زمین است همه شان همگی، آیا پس تو مجبور می کنی مردم را تا باشند مؤمنان). و همچنین در آیه 108 سوره یونس خداوند به پیامبر بیان می کند: (بگو ای مردم، به درستی آمد نزد شما حقیقت از ربّتان، پس کسی که هدایت شد، پس همانا هدایت می شود برای خودش، و کسی که گمراه شد پس همانا گمراه می شود علیه خود، و نیستم بر شما کارگزار).

در مورد اموال، با توجه به آنچه در آیات قرآن در این مورد بیان شده است، خوردن مال یکدیگر به باطل، حرام است و این به آن معنا است که مثلاً اگر معامله ای یا فعالیت مالی ای انجام داده ایم، این معامله و فعالیت مالی بر اساس روال درست و مورد قبول معامله، صورت گرفته باشد. اینکه می گویند اگر معامله در مورد چیزی باشد که حرام شده است، آن معامله نادرست است، صحیح نیست مثلاً می گویند چون خوردن گوشت خوک در اسلام حرام دانسته شده است، اگر کسی در کار تهیه و فروش غذا از گوشت خوک باشد، مالی که به دست می آورد حرام است، این کاملاً نادرست و دروغ است زیرا معامله و کسب درآمد شما باید به گونه ای باشد که مال مردم را به ناحق به دست نیاورید و اینکه چه چیزی معامله شده است ارتباطی با این موضوع ندارد، فردی که برای خرید گوشت خوک به شما مراجعه می کند و از شما گوشت خوک را خریداری می کند، در ازای کالایی که در معامله ای از شما خریده است، به شما مبلغی را پرداخت می کند و این معامله طبق روال درست معامله صورت گرفته است. بنابراین این معامله درست بوده و مالی که به دست آورده اید حلال است. حال اینکه آن فرد این گوشت را بخورد یا نخورد به خود او مربوط می شود .

بیان می کنند که قمار حرام است و این نیز دروغ است. قمار در قرآن حرام نشده است و فقط توصیه شده که انجام نشود.

بیان می کنند که ربا حرام است و ربا را هر گونه سودی یا زیادی در مالی می دانند که در ازای آن مال گرفته می شود. این گفته کاملاً نادرست است. ربا در قرآن حرام دانسته شده است ولی به چه چیزی در قرآن ربا گفته می شود. در آیه ی 130 سوره آل عمران بیان شده: (ای کسانی که ایمان آوردید، نخورید سود را به صورت هم اندازه های دو برابر کرده شده، و حذر کنید از خدا، شاید شما رستگار شوید). بیان شده هم اندازه های دو برابر کرده شده. بیان کرده اند که در زمان پیامبر، در میان اعراب اینگونه رسم بوده است که اگر کسی بدهی خود را نمی توانسته بدهد بدهی او دو برابر می شده است و اگر باز نمی توانسته بدهی دو برابر شده اش را برگرداند دوباره آن بدهی دو برابر کرده شده، دو برابر می شده است و این ادامه می یافته است. اینگونه ربا در قرآن حرام شده است و نه گرفتن سود بر روی مال.

اینکه می گویند در اسلام واجب است که پسرها را ختنه کنند، دروغ است و این در قرآن بیان نشده است.

آنچه تحت عنوان احکام نگاه کردن بیان می کنند همگی دروغ است و نگاه کردن مرد به زن و زن به مرد چه با لذت و چه بی لذت، در قرآن حرام دانسته نشده است. آنچه تحت عنوان محرم و نامحرم بیان کرده اند نیز دروغ است. در قرآن چیزی تحت عنوان مرد و زن محرم و نامحرم و اینکه تماس بدن مرد و زن نامحرم حرام است، بیان نشده است. تماس بدنی مرد و زن چه با لذت و چه بی لذت، اشکالی ندارد و فقط در قرآن در مورد آمیزش جنسی مرد و زن، مواردی بیان شده است. آنچه تحت عنوان احکام پوشش بدن بیان کرده اند همگی دروغ است. در قرآن چیزی تحت عنوان پوشاندن بدن توسط مرد و زن بیان نشده است.

آنچه در مورد حیوانات حرام گوشت و حلال گوشت بیان کرده اند دروغ است. آن چیزهایی که در قرآن خوردنشان حرام دانسته شده، حرام هستند و خوردن بقیه ی چیزها حلال است.

نوشیدن شراب را حرام دانسته اند که دروغ است و در قرآن نوشیدن شراب حرام نشده و فقط توصیه شده که نوشیده نشود. البته منظور از این توصیه هم مواقعی بوده که فرد آنقدر می نوشد که مست می شود.

اینکه می گویند زن نمی تواند قاضی شود دروغ است و اینکه می گویند شهادت زن به اندازه ی نصف مرد ارزش دارد نیز دروغ است. در قرآن هیچ تفاوتی بین زن و مرد از نظر انسانیت و از نظر این موارد، بیان نشده است .

اینکه موسیقی را حرام کرده اند، اینکه رقصیدن را حرام کرده اند، اینکه آواز خواندن زنان را حرام کرده اند، اینکه خود ارضایی را حرام کرده اند، اینکه مجازات زناکار را سنگسار شدن و اعدام بیان کرده اند، اینکه مجازاتی برای بی احترامی به خدا و قرآن و پیامبر در نظر گرفته اند و حتی این افراد را به نام خدا و دین اعدام می کنند، همگی دروغ است. خداوند در آیه ی 140 سوره ی نساء بیان می کند: (و به درستی نازل کرد بر شما در کتاب، اینکه اگر شنیدید آیات خدا، مورد انکار قرار می گیرد آن، و آن مسخره می شود، پس ننشینید با آنان تا وارد شوند در سخنی غیر از آن، همانا شما بدین ترتیب مثل آنان هستید، همانا خدا گردآورنده منافقان و کافران در جهنم است همگی) و خداوند در آیه ی 180 سوره اعراف بیان می کند: (و برای خدا است نیکوترین نام ها، پس صدا کنید او را با آن، و رها کنید کسانی را که هتک حرمت می کنند به نام های او، جزا داده خواهند شد، آنچه را انجام می دادند)، این است آنچه که در قرآن بیان شده است و آن جنایات ارتباطی با اسلام ندارد .

اینها نمونه هایی از دروغ هایی است که بیان شد. برای پی بردن به اسلام حقیقی، باید همه ی آنچه که به نام اسلام بیان شده است را کنار گذاشت و به قرآن مراجعه کرد و با خواندن قرآن، اسلام حقیقی را درک کرد.

سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1 حمد)

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2 حمد)

ستایش برای خدا است که پروردگار جهانیان است

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3 حمد)

بخشاینده بخشایشگر است

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (4 حمد)

صاحب روز حساب است

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5 حمد)

تو را می پرستیم و از تو یاری می خواهیم

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (6 حمد)

هدایت کن ما را به راه راست

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (7 حمد)

راه کسانی که نعمت دادی به آنان، نه مورد خشم واقع شده بر آنان، و نه گمراهان

سوره بقره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الم (1 بقره)

الف لام میم

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ (2 بقره)

آن کتابی است که نیست شک در آن، هدایتی است برای پرهیزکاران

(در سه آیه ی بعدی، ویژگی های پرهیزکاران را بیان نموده است. در این آیه بیان شده که وسیله ی هدایت پرهیزکاران، قرآن است)

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (3 بقره)

کسانی که ایمان می آورند به پنهان و بر پا می دارند نماز را، و از آنچه روزی دادیم به آنان، خرج می کنند

(منظور از انفاق در آیات قرآن، خرج کردن در راه خدا است)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (4 بقره)

و کسانی که ایمان می آورند به آنچه نازل شد به تو، و آنچه نازل شد از قبل تو، و به آخرت آنان یقین می کنند

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (5 بقره)

آنان بر هدایتی از ربّشان هستند و آنان خود، رستگارانند

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (6 بقره)

همانا کسانی که کفر ورزیدند، یکسان است برای آنان، چه هشدار دادی به آنان، یا هرگز هشدار ندادی به آنان، ایمان نمی آورند

خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (7 بقره)

مُهر زد خدا بر دلهایشان و بر شنوایی ایشان و بر چشم هایشان، پوششی را، و برای آنان عذابی بزرگ است

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (8 بقره)

و از مردم کسی است که می گوید ایمان آوردیم به خدا و به روز واپسین، و نیستند آنان از مؤمنان

(مؤمن کسی است که به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشد. افرادی که خود را مؤمن معرفی کرده اند، می توانند حقیقت را نگفته باشند. ایمان داشتن یا نداشتن یک فرد قابل تشخیص برای دیگران نیست و فقط خداوند و خود شخص در این مورد آگاهی دارد.)

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (9 بقره)

نیرنگ می زنند با خدا و کسانی که ایمان آوردند، و نیرنگ نمی زنند جز بر خودشان، و درک نمی کنند

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (10 بقره)

در دلهایشان بیماری است، پس افزود به آنان خدا، بیماری ای را، و برای آنان عذابی دردناک است به سبب آنچه دروغ می گفتند

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (11 بقره)

و اگر گفته شد به آنان تباه نکنید در زمین، گفتند همانا ما اصلاح کننده ها هستیم

(تباه کردن در زمین یا همان فساد کردن در زمین که مد نظر قرآن است، دارای تعریف مشخص خود می باشد و در قرآن در آیات دیگری به تعریف آن پرداخته شده است. همه ی کافران تباه کننده در زمین

نیستند. و ممکن است افرادی که دم از ایمان و دین می زنند، بر اساس تعریف قرآن، تباه کنندگان در زمین باشند.)

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ (12 بقره)

آگاه باشید همانا آنان تباه کنندگان هستند، و لیکن درک نمی کنند

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ (13 بقره)

و اگر گفته شد به آنان ایمان آورید چنانکه ایمان آوردند مردم، گفتند آیا ایمان بیاوریم آنچنان که ایمان آورد نادانان، آگاه باشید همانا آنان خود نادانان هستند و لیکن نمی دانند

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ (14 بقره)

و اگر روبرو شدند با کسانی که ایمان آورده اند، گفتند ایمان آوردیم، و اگر با شیطانهایشان خلوت کردند، گفتند همانا ما با شما هستیم، همانا ما مسخره کنندگان هستیم

(این هم بیان کننده ی این موضوع است که ایمان داشتن و نداشتن، یک موضوع درونیِ هر فرد است و قابل تشخیص برای افراد دیگر نمی باشد و چه بسا تلاش برای تشخیص و اهمیت دادن به ایمان افراد توسط دیگران، ایجاد کننده ی انگیزه ای برای برخی افراد کافر گردد که برای منفعت خود، خودشان را مؤمن معرفی نمایند.)

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (15 بقره)

خدا مسخره می کند آنان را، و مهلت می دهد به آنان تا در بیدادگریشان سرگشته می شوند

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (16 بقره)

آنان کسانی هستند که خریدند گمراهی را به هدایت، پس سود نکرد تجارت آنان، و نبودند هدایت شدگان

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (17 بقره)

مَثَل آنان همچون مثل کسی است که آتشی افروخت، پس وقتی که روشنایی داد آنچه را پیرامونش است، زدود خدا نورشان را، و رها کرد آنان را در تاریکیهایی که نمی بینند

صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (18 بقره)

ناشنوایانِ لال هایِ نابینایان هستند، پس آنان باز نمی گردند

أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (19 بقره)

یا مانند ابر بارانی از آسمان که در آن تاریکی ها و رعد و برق است، قرار می دهند انگشتانشان را در گوش هایشان از صاعقه ها، از احتیاط مرگ، و خدا بر کافران احاطه کننده است

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (20 بقره)

نزديك است كه برق بربايد چشمانشان را، هرگاه كه روشن كرد براى آنان، حركت كردند در آن، و اگر تاريک شد، ايستادند، و اگر خدا مى خواست يقيناً مى برد شنوايى و بينايى هايشان را، همانا خدا بر هر چيزى تواناست

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (21 بقره)

اى مردم بپرستيد ربّتان را، آنكه آفريد شما و كسانى از قبل شما را، شايد حذر مى كنيد

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (22 بقره)

آنكه قرار داد براى شما زمين را بسترى، و آسمان را بنائى، و نازل كرد از آسمان آبى را، پس بيرون آورد با آن از ميوه ها، روزى اى را براى شما، پس قرار ندهيد براى خدا همتايانى، و شما مى دانيد

(منظور از قرار دادن همتايانى براى خدا، شرک به خداوند است به اين معنا كه اعتقاد داشتن به چندين خدا به جاى اعتقاد به يک خداى يگانه. بت پرستان نيز در زمره ى مشركان قرار دارند)

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (23 بقره)

و اگر بوديد در شک، از آنچه نازل كرديم بر بنده مان، پس بياوريد سوره اى مثل آن را، و فرا خوانيد گواهانتان را از غير خدا، اگر بوديد راستگويان

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (24 بقره)

پس اگر هرگز انجام نداديد، و هرگز انجام نمى دهيد، پس حذر كنيد از آتشى كه هيزم آن مردم و سنگ ها هستند، كه آماده شد براى كافران

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (25 بقره)

و مژده ده كسانى را كه ايمان آوردند و انجام دادند شايسته ها را، همانا براى آنان باغ هايى است كه جارى مى شود از زير آن رودها، هر بار روزى داده شدند از آن، از ميوه اى، روزى اى را، گفتند اين است آنچه روزى داده شديم از قبل، و داده شدند با آن متشابهى را، و براى آنان است در آن همسرانى پاک شده، و آنان در آن هميشگى ها هستند

(منظور از باغ در قرآن، همان بهشت است كه در فارسى به كار برده مى شود.)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (26 بقره)

همانا خدا شرم نمی کند اینکه بزند مَثَلی را، چه به پشه ای، پس چه به بالاتر از آن، پس لیکن کسانی که ایمان آوردند، پس می دانند همانا آن حقیقت است از ربّشان، و لیکن کسانی که کفر ورزیدند، پس می گویند چه چیز می خواسته خدا از این مثل، گمراه می کند با آن بسیاری را، و هدایت می کند با آن بسیاری را، و گمراه نمی کند با آن، جز از راه حق دور شوندگان را

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (27 بقره)

کسانی که می شکنند پیمان خدا را از پس از پیمان آن، و قطع می کنند آنچه را فرمان داد خدا به آن، اینکه با آن پیوند برقرار شود، و فساد می کنند در زمین، آنان خود زیان دیدگان هستند

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (28 بقره)

چگونه کفر می ورزید به خدا، و بودید مردگانی، پس زنده کرد شما را، سپس شما را می میراند، سپس به شما زندگی می بخشد، سپس به او برگردانده می شوید

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (29 بقره)

اوست کسی که آفرید برای شما، آنچه در زمین است را همگی، سپس قصد کرد به آسمان، پس منظم کرد آنان را هفت آسمان، و او به هر چیزی داناست

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (30 بقره)

و هنگامی که ربّ تو به فرشتگان گفت، همانا من قرار دهنده ام در زمین جانشینی را، گفتند آیا قرار می دهی در آن کسی را که تباه می کند در آن، و می ریزد خونها را، و ما تسبیح می گوییم به ستایش تو، و به پاکی می ستاییم برای تو، گفت همانا من می‌دانم آنچه را نمی‌دانید

(در این آیه یکی از کارهایی که تباه کردن در زمین (=فساد در زمین) است، بیان شده است و آن ریختن خون ها است و البته منظور ریختن خون به ناحق است.)

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (31 بقره)

و آموخت به آدم نام ها را، همه اش را، سپس پدیدار کرد آنها را به فرشتگان، پس گفت مرا خبر دهید از نام های اینان، اگر بودید راستگویان

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (32 بقره)

گفتند منزهی تو، نیست دانشی برای ما جز آنچه را آموختی به ما، همانا تو خود، دانای صاحب حکمت هستی

قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (33 بقره)

گفت ای آدم، خبر ده آنان را از نام های آنان، پس وقتی که خبر داد آنان را از نام هایشان، گفت آیا نگفتم به شما، همانا من می دانم پنهان آسمان ها و زمین را، و می دانم آنچه را آشکار می سازید و آنچه را پنهان می داشتید

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (34 بقره)

و هنگامی که گفتیم به فرشتگان، سجده کنید به آدم، پس سجده کردند جز ابلیس، که امتناع کرد و کبر ورزید، و بود از کافران

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (35 بقره)

و گفتیم ای آدم، اقامت گزین تو و همسرت در باغ، و بخورید از آن سعادتمندانه از هر کجا که خواستید، و نزدیک نشوید به این درخت، پس می شوید از ستمکاران

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (36 بقره)

پس لغزاند آن دو را شیطان از آن، پس خارج کرد آن دو را از آنچه بودند در آن، و گفتیم فرود آیید، بعضی از شما بر بعضی دشمن هستید، و برای شما در زمین، اقامتگاهی و کالایی است تا هنگامی

فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (37 بقره)

پس دریافت کرد آدم از ربّش کلماتی را، پس بازگشت به او، همانا او (= خداوند) خود بسیار بازگشت کننده ی بخشایشگر است

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (38 بقره)

گفتیم فرود آیید از آن همگی، پس اگر آمد نزد شما از من هدایتی، پس کسی که پیروی کرد هدایت مرا، پس نیست ترسی بر آنان، و نه آنان اندوهگین می شوند

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (39 بقره)

و کسانی که کفر ورزیدند و تکذیب کردند آیات ما را، آنان همنشینان آتش هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ (40 بقره)

ای فرزندان اسرائیل، به یاد آورید نعمتم را، که نعمت دادم به شما، و وفا کنید به پیمانم، تا وفا کنم به پیمانتان، و از من، پس بترسید

وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ (41 بقره)

و ایمان آورید به آنچه نازل کردم، تصدیق کننده است بر آنچه نزد شما است، و نباشید نخستین کافر به آن، و نفروشید آیات من را به بهایی اندک، و از من، پس حذر کنید

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (42 بقره)

و نپوشانید حقیقت را با باطل، و پنهان نکنید حقیقت را، در حالی که شما می دانید

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (43 بقره)

و بر پا دارید نماز را، و بدهید زکات را، و رکوع کنید با رکوع کنندگان

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (44 بقره)

آیا دستور می دهید مردم را به فرمانبرداری (یا نیکویی)، و فراموش می کنید خودتان را، و شما می خوانید کتاب را، آیا پس درک نمی کنید

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (45 بقره)

و یاری بخواهید با شکیبایی و نماز، و همانا آن یقیناً بزرگ است جز بر مطیعان

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (46 بقره)

کسانی که گمان می برند همانا آنان ملاقات کنندگان ربّشان هستند، و همانا آنان به او بازگشت کنندگان هستند

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (47 بقره)

ای فرزندان اسرائیل، به یاد آورید نعمتم را، که نعمت دادم به شما، و همانا من صاحب فضل دانستم شما را بر جهانیان

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ (48 بقره)

و حذر کنید از روزی که مجازات نمی کند کسی را به جای کسی با چیزی، و قبول نمی شود از او وساطتی، و گرفته نمی شود از او معادلی، و آنان یاری نمی شوند

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (49 بقره)

و هنگامی که نجات دادیم شما را از خاندان فرعون، به شما عذاب می چشانند، عذاب بد را، سر می برند پسرانتان را و زنده می گذارند زنانتان را، و در آن آزمونی بزرگ بود از ربّتان

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (50 بقره)

و هنگامی که شکافتیم بر شما دریا را، پس نجات دادیم شما را، و غرق کردیم خاندان فرعون را، و شما می نگرید

وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (51 بقره)

و هنگامی که وعده گذاشتیم با موسی چهل شب را، سپس گرفتید گوساله را از پس از او، و شما ستمکاران بودید

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (52 بقره)

سپس درگذشتیم از شما از پس از آن، شاید شما سپاسگزاری می کنید

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (53 بقره)

و هنگامی که دادیم به موسی کتاب و جدا کننده ی حق از باطل را، شاید شما هدایت یابید

(منظور از جدا کننده ی حق از باطل، همان کتاب است که از جانب خداوند به موسی نازل شد.)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (54 بقره)

و هنگامی که گفت موسی به قومش، ای قوم من، همانا شما ستم کردید به خودتان با گرفتن گوساله، پس بازگردید به پدید آورنده تان، پس بکشید خودتان را، آن بهتر است برای شما نزد پدید آورنده تان، پس بازگشت (=خداوند) بر شما، همانا او خود، بسیار بازگشت کننده بخشایشگر است

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (55 بقره)

و هنگامی که گفتید ای موسی، هرگز ایمان نمی آوریم به تو، تا ببینیم خدا را آشکارا، پس گرفت شما را آذرخش، و شما می نگرید

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (56 بقره)

سپس برانگیختیم شما را از پس از مرگتان، شاید شما سپاسگزاری می کنید

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (57 بقره)

و سایه افکندیم بر شما ابر را، و نازل کردیم بر شما شهد گیاه و بلدرچین، بخورید از پاکیزه ها که روزی دادیم به شما، و بر ما ستم نکردند، و لیکن بر خودشان ستم می کردند

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (58 بقره)

و هنگامی که گفتیم وارد شوید به این آبادی، پس بخورید از آن هر کجا که خواستید به صورت سعادتمند، و وارد شوید از در، سجده کنان، و بگویید درخواست کردن آمرزش گناه را، تا بیامرزیم برای شما گناهان (به قولی گناهان عمد) شما را، و خواهیم افزود نیکوکاران را

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (59 بقره)

پس تغيير دادند كسانی كه ستم كردند، سخنی غير از آنچه گفته شد به آنان، پس نازل كرديم بر كسانی كه ستم كردند كثافتی (يا عذابی) از آسمان، به سبب اينكه از راه حق دور می شدند

وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (60 بقره)

و هنگامی كه موسی برای قوم خود درخواست آب كرد، پس گفتيم بزن با عصايت به سنگ، پس جوشيد از آن دوازده چشمه، به درستی می دانست همه ی مردمان، محل نوشيدنشان را، بخوريد و بياشاميد از روزی خدا، و خراب نكنيد در زمين، تباه كنندگان

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (61 بقره)

و هنگامی كه گفتيد ای موسی، هرگز شكيبايی نمی كنيم بر خوراک يگانه، پس صدا كن برای ما ربّت را، كه بيرون آورد برای ما از آنچه می رویاند زمين، از سبزيجاتش و خيارش و سيرش و عدسش و پيازش، گفت آيا عوض می كنيد آنچه را كه آن پست تر است با آنچه كه آن بهتر است، وارد شويد به مصر، پس همانا برای شما است آنچه را كه خواستيد، و زده شد بر آنان خواری و تنگدستی، و سزاوار شدند به خشمی از خدا، آن به سبب اينكه همانا آنان كفر می ورزيدند به آيات خدا، و می كشتند پيامبران را به غير از حق، آن به سبب آنچه كه نافرمانی كردند و تجاوز می كردند است

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (62 بقره)

همانا كسانی كه ايمان آوردند، و كسانی كه يهودی شدند، و مسيحيان و صابئين، كسی كه ايمان آورد به خدا و روز واپسين، و انجام داد شايسته ای را، پس برای آنان پاداششان نزد ربّشان است، و نيست ترسی بر آنان، و نه آنان اندوهگين می شوند

(بيان شده كه از كسانی كه ايمان آوردند و كسانی كه يهودی و مسيحی و صابئی هستند، كسانی كه ايمان آوردند به خدا و روز قيامت، و كاری نيكو انجام دادند، آنها در روز قيامت نگرانی نخواهند داشت. نكته ای كه در اينجا قابل ذكر است، دروغ هايی است كه در طول تاريخ، پس از اسلام به نام دين و در جهت منافع متجاوزان بيان گرديد و تجاوزهای خود به پيروان اديان ديگر و قتل و غارت های خود را تحت اين عنوان كه پيروان اديان ديگر، كافر هستند و جنگ با آنها در راه دين است و با اين كار، پاداش بهشت برای ما است، توجيه نمودند و حال آنكه اسلام حق تجاوز را به مسلمان نداده است.)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (63 بقره)

و هنگامی كه گرفتيم پيمانتان را، و بالا برديم بالايتان كوه (=احتمالاً كوه طور) را، بگيريد آنچه را داديم به شما با قدرت، و به ياد آوريد آنچه را در آن است، شايد شما حذر می كنيد

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (64 بقره)

سپس شما روی برتافتید از پس از آن، پس اگر نبود مزیت خدا بر شما، و مهربانی او، یقیناً بودید از زیان دیدگان

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (65 بقره)

و یقیناً به درستی شناختید کسانی را که تجاوز کردند از شما در شنبه، پس گفتیم به آنان، باشید میمون هایی خوار و رانده شده

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ (66 بقره)

پس قرار دادیم آن را درس عبرتی (یا مجازاتی) برای آنکه در برابر آن است، و آنکه پشت سر آن است، و پندی برای پرهیزکاران

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (67 بقره)

و هنگامی که گفت موسی به قومش، همانا خدا به شما فرمان می دهد اینکه ذبح کنید گاوی را، گفتند آیا ما را به مسخره می گیری، گفت پناه می برم به خدا، اینکه باشم از نادانان

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ (68 بقره)

گفتند صدا کن برای ما ربّت را، که آشکار کند برای ما، که چیست آن، گفت همانا او می گوید همانا آن گاوی است نه پیر از کار افتاده و نه جوان، میانسالی است بین آن، پس انجام دهید آنچه را امر می شوید

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ (69 بقره)

گفتند صدا کن برای ما ربّت را، که آشکار کند برای ما، که چیست رنگ آن، گفت همانا او می گوید همانا آن گاوی است زرد روشن، رنگش شاد می کند بینندگان را

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (70 بقره)

گفتند صدا کن برای ما ربّت را، که آشکار کند برای ما، که چیست آن، همانا گاو مشابه شد برای ما، و همانا ما اگر خواست خدا، یقیناً هدایت یافتگان هستیم

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ (71 بقره)

گفت همانا او می گوید همانا گاوی است که نه رام است که شخم می زند زمین را، و نه آبیاری می کند زمین زراعی را، قابل قبول است، نیست علامتی در آن، گفتند اکنون آوردی حقیقت را، پس سر بریدند آن را، و نزدیک بود انجام ندهند

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (72 بقره)

و هنگامی که کشتید شخصی را، پس به ستیزه برخاستید به علت آن، و خدا خارج کننده است آنچه را پوشیده می داشتید

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (73 بقره)

پس گفتیم بزنید به او با بعضی از آن، اینچنین زنده می کند خدا مردگان را، و نشان می دهد به شما آیاتش را، شاید شما درک می کنید

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (74 بقره)

سپس سنگ شد (یا سخت شد) دلهایتان از پس از آن، پس آن مانند سنگ است، یا شدیدتر از نظر سختی، و همانا از سنگ، برای اینکه فوران می کند از آن رودها، و همانا از آن، برای اینکه می شکافد، پس خارج می شود از آن آب، و همانا از آن، برای اینکه سقوط می کند از ترس خدا، و نیست خدا بی خبر از آنچه انجام می دهید

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (75 بقره)

آیا پس حریص می شوید (=مسلمانان) به اینکه ایمان بیاورند به شما، و به درستی گروهی از آنان می شنیدند (یا درک می کردند) سخن خدا را، سپس تحریف می کردند (یا مایل می کردند) آن را، از پس از آنچه فهمیدند آن را، و آنان می دانند

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (76 بقره)

و اگر روبرو شدند با کسانی که ایمان آوردند، گفتند ایمان آوردیم، و اگر آن دو خلوت کردند، بعضی از آنها به بعضی گفتند، آیا برایشان می گویید از آنچه گشود (یا در میان گذاشت، یاد داد) خدا به شما، تا با شما جر و بحث کنند با آن نزد ربّتان، آیا پس نمی فهمید

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (77 بقره)

آیا نمی دانند همانا خدا می داند آنچه را پنهان می کنند و آنچه را آشکار می کنند

وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (78 بقره)

و از آنان بی‌سوادانی هستند که کتاب را جز آرزوها، نمی‌دانند و جز گمان نمی برند

(بیان شده که از آنان، افرادی بی سواد هستند که دانشی به کتابی که نازل شده از سوی خداوند، ندارند و دین خود را به جای مراجعه به کتاب وحی شده از سوی خداوند، بر اساس گمان ها و آرزوهای خود تعریف می کنند.)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (79 بقره)

پس وای بر کسانی که کتاب را با دستهای خود می‌نویسند، سپس می‌گویند این از جانب خداست، تا آن را به بهای ناچیزی بفروشند، پس وای بر آنان از آنچه نوشت دستهایشان، و وای بر آنان از آنچه به دست می‌آورند

(در ادیان قبل از اسلام، در کتاب های وحی شده از سوی خداوند در آن ادیان، تحریف هایی صورت گرفت، به این معنا که تغییراتی در آن کتاب ها داده شد و این تغییرات را، وحی شده از جانب خداوند معرفی نمودند. در دین اسلام، قرآن که از سوی خداوند به پیامبر اسلام نازل گردید، از هر گونه تحریف حفظ گردید و این بسیار مهم است به این دلیل که اگر فردی قرآن را بخواند، می تواند مطمئن باشد که این، همان وحی خداوند به پیامبر است و تغییری در آن در طول زمان، داده نشده است. ولی پس از درگذشت پیامبر، دین اسلام دستخوش تحریف گردید، به این معنا که دستورات زیادی تحت عنوان اسلام، جایگزین اسلام گردید و اکثر مسلمانان به جای مراجعه به قرآن و فهم دین واقعی خود از طریق قرآن، پیروِ این انحرافات از دین، گشتند.)

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (80 بقره)

و گفتند هرگز نمی رسد به ما آتش جز روزهایی اندک، بگو آیا گرفتید نزد خدا پیمانی را، پس هرگز خلف وعده نمی کند خدا پیمانش را، یا می گویید بر خدا آنچه را نمی‌دانید

(این آیه بیان کننده ی دروغ هایی است که تحت عنوان دین و خدا، ساخته اند که هیچگونه دانشی به آن ندارند و همین اتفاق در اسلام به فراوانی رخ داده است.)

بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (81 بقره)

آری، کسی که به دست آورد بدی ای را، و احاطه کرد او را گناهش، پس آنان همنشینان آتشند، آنان در آن همیشگی ها هستند

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (82 بقره)

و کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، آنان همنشینان باغ هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ (83 بقره)

و هنگامی که گرفتیم عهد فرزندان اسرائیل را، که نپرستید جز خدا را، و به پدر و مادر نیکی ای را، و صاحب خویشاوندی و یتیمان و بی چیزان را، و بگویید به مردم زیبایی ای را، و به پا دارید نماز را، و بدهید زکات را، سپس روی گرداندید جز اندکی از شما، و شما روی گردان ها هستید

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (84 بقره)

و هنگامی که گرفتیم عهدتان را، که نریزید خون هایتان را، و بیرون نکنید خودتان را از خانه هایتان (یا شهرهایتان)، سپس اقرار کردید و شما گواهی می دهید

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (85 بقره)

سپس شما اینان هستید که می کشید جان هایتان را، و بیرون می کنید گروهی از خودتان را از خانه هایشان (یا شهرهایشان)، یاری می رسانید علیه آنان به گناه و تجاوز، و اگر آمدند نزد شما اسیرانی، با فدیه آزاد می کنید آنان را، و آن حرام شده بر شما، بیرون راندن آنها، آیا پس ایمان می آوردید به بخشی از کتاب، و کفر می ورزید به بخشی، پس نیست جزای کسی که انجام می دهد آن را از شما، جز خواری ای در زندگی دنیا، و روز قیامت برگردانده می شوند به عذاب نیرومندتر، و نیست خدا ناآگاه از آنچه انجام می دهید

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ (86 بقره)

آنان کسانی هستند که خریدند زندگی دنیا را به آخرت، پس تخفیف داده نمی شود از آنان عذاب، و نه آنان یاری شوند

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (87 بقره)

و یقیناً به درستی دادیم به موسی کتاب را، و فرستادیم از پس از او فرستادگان را، و دادیم به عیسی پسر مریم دلایل را، و حمایت کردیم او را با روح مقدس، آیا پس هرگاه آورد نزد شما فرستاده ای، آنچه را دوست نداشت جان هایتان، کبر ورزیدید، پس گروهی را تکذیب کردید و گروهی را می کشید

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ (88 بقره)

و گفتند دلهای ما، جلدها (یا پوشینه ها) است، بلکه لعنت کرد آنان را خدا، به سبب کفرشان، پس اندکی هستند که ایمان می آورند

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (89 بقره)

و هنگامی که آمد آنان را کتابی از نزد خدا، به صورت تصدیق کننده برای آنچه نزد آنان است، و از قبل خواستار پیروزی می شدند بر کسانی که کفر ورزیدند، پس هنگامی که آمد نزد آنان آنچه که شناختند، کفر ورزیدند به آن، پس لعنت خدا بر کافران

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (90 بقره)

بد است آنچه فروختند به آن، جان هایشان را، اینکه کفر ورزند به آنچه نازل کرد خدا، از روی نافرمانی، اینکه نازل می کند خدا از مزیتش، به کسی که می خواهد از بندگانش، پس برگشتند به خشمی روی خشم، و برای کافران، عذابی اهانت آمیز است

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (91 بقره)

و اگر گفته شد به آنان، ایمان آورید به آنچه نازل کرد خدا، گفتند ایمان می آوریم به آنچه نازل شد به ما، و کفر می ورزند به آنچه پشت سر آن است، و آن حقیقت است، به صورت تصدیق کننده به آنچه نزد آنان است، بگو پس چرا می کُشید پیامبران خدا را از قبل، اگر بودید مؤمنان

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (92 بقره)

و یقیناً به درستی آورد موسی برای شما دلایل را، سپس گرفتید گوساله را از پس از آن، و شما ستمکار بودید

(اشاره دارد به ماجرای گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در زمان موسی.)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (93 بقره)

و هنگامی که گرفتیم عهدتان را، و بالا بردیم بالایتان کوه (=احتمالاً منظور کوه طور است) را، بگیرید آنچه را دادیم به شما با قدرت، و بشنوید، گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم، و القاء کرده شدند در دل هایشان گوساله را، به سبب کفرشان، بگو بد است، آنچه امر می کند شما را به آن، ایمانتان، اگر بودید مؤمنان

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (94 بقره)

بگو اگر بود برای شما، خانه آخرت نزد خدا به طور خالص، از غیر از مردم، پس درخواست کنید مرگ را، اگر بودید راستگویان

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (95 بقره)

و هرگز درخواست آن را نمی کنند هیچگاه، به سبب آنچه پیش انداخت دست هایشان، و خدا داناست به ستمکاران

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (96 بقره)

و یقیناً می یابی آنها را حریص ترین مردم به زندگی، و از کسانی که شریک قائل شدند، دوست دارد هر یک از آنها اگر عمر دراز می یافت، هزار سال، و نیست آن، دور کننده او از عذاب، اینکه عمر دراز می یافت، و خدا بیناست به آنچه انجام می دهند

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (97 بقره)

بگو چه کسی بود دشمنی برای جبرئیل، پس همانا او نازل کرد آن را بر دل تو به اجازه خدا، به صورت تصدیق کننده بر آنچه در برابر آن است، و هدایتی و مژده است برای مؤمنان

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ (98 بقره)

کسی که بود دشمنی برای خدا و فرشتگانش و فرستادگانش و جبرئیل و میکال، پس همانا خدا دشمنی است برای کافران

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (99 بقره)

و یقیناً به درستی نازل کردیم به تو آیاتی را به صورت دلایل، و کفر نمی ورزد به آن، جز از راه حق دور شوندگان

أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (100 بقره)

آیا هر بار که عهد بستند پیمانی را، آن را دور انداخت گروهی از آنها، بلکه بیشتر آنها ایمان نمی آورند

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (101 بقره)

پس وقتی که آمد نزد آنان، فرستاده ای از نزد خدا، به صورت تصدیق کننده به آنچه با آنان است، دور انداخت گروهی از کسانی که داده شدند کتاب، کتاب خدا را عقب پشت هایشان، مانند اینکه همانا آنان نمی دانند

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (102 بقره)

و پیروی کردند آنچه را تلاوت می کند شیطان ها، در حکومت سلیمان، و کفر نورزید سلیمان، و لیکن شیطان ها کفر ورزیدند، یاد می دهند به مردم جادو، و نازل نشد بر دو فرشته در بابل، هاروت و ماروت، و آن دو تعلیم نمی دهند هیچ کس را، تا آنکه بگویند همانا ما در آشوب افکندنی هستیم، پس کافر نشو، پس یاد می گیرند از آن دو، آنچه را جدایی می افکنند با آن، میان شخص و همسرش را، و نیستند آنها از ضرر زننده ها با آن به کسی، جز با اجازه خدا، و یاد می گیرند آنچه را زیان می رساند به آنان، و سود نمی رساند به آنان، و یقیناً به درستی دانستند یقیناً کسی که خرید آن را، نیست برای او در آخرت بهره و نصیبی، و یقیناً بد است آنچه را فروختند به آن، جان هایشان را، اگر می دانستند

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (103 بقره)

و اگر همانا آنها ایمان می آوردند و حذر می کردند، یقیناً پاداشی از نزد خدا، بهتر است اگر می دانستند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (104 بقره)

ای کسانی که ایمان آوردید، نگویید مراعات ما را بکن، و بگویید مشاهده کن ما را، و بشنوید، و برای کافران عذابی دردناک است

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (105 بقره)

دوست ندارد کسانی که کفر ورزیدند از اهل کتاب، و نه قائلان به شریک برای خدا، که نازل شود بر شما، از خوبی ای از ربّتان، و خدا اختصاص می دهد به مهربانی اش، کسی را که می خواهد، و خدا دارنده مزیت بزرگ است

مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (106 بقره)

آنچه را باطل کنیم از آیه ای، یا از یاد ببریم آن را، می آوریم بهتر از آن را، یا مثل آن را، آیا هرگز ندانستی همانا خدا بر همه چیز توانا است

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (107 بقره)

آیا هرگز ندانستی همانا خدا، برای اوست سلطه ی آسمان ها و زمین، و نیست برای شما از غیر خدا، از دوستی و نه یاری کننده ای

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (108 بقره)

یا می خواهید اینکه درخواست کنید از فرستاده تان، مانند آنچه خواسته شد از موسی از قبل، و کسی که جایگزین کند کفر را با ایمان، پس به درستی گم کرد راه راست را

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (109 بقره)

دوست داشت بسیاری از اهل کتاب، اگر باز می گردانند شما را از پس از ایمانتان، به صورت کافران، به سبب حسدی از نزد جان هایشان، از پس از آنچه آشکار شد برای آنان از حقیقت، پس ببخشید و روی برتابید، تا بیاورد خدا دستورش را، همانا خدا بر هر چیزی توانا است

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (110 بقره)

و به پا دارید نماز را و بدهید زکات را، و آنچه را پیش فرستید برای جان هایتان از خوبی، می یابید آن را نزد خدا، همانا خدا به آنچه انجام می دهید بینا است

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (111 بقره)

و گفتند هرگز داخل نمی شود به باغ، جز کسی که بود یهودی یا مسیحیان، آن آرزوهایشان است، بگو بیاورید دلیلتان را، اگر بودید راستگویان

(اشاره به حرف های بی اعتباری دارد که تحت عنوان دینشان، یهودیان و مسیحیان بیان می کرده اند. در اسلام نیز از اینگونه حرف های بی اعتبار که با عنوان دین مطرح می شود، کم نیست و هیچ دلیل و پشتوانه ای در قرآن ندارند.)

بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (112 بقره)

آری، کسی که به تسلیم واداشت جهتش را برای خدا، و او بسیار نیکوکار است، پس برای او است پاداشش نزد ربّش، و نیست ترسی برای آنان، و آنان اندوهگین نمی شوند

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (113 بقره)

و گفت یهود، نیست مسیحیان بر چیزی، و گفت مسیحیان، نیست یهود بر چیزی، و آنان می خوانند کتاب را، اینچنین گفت کسانی که نمی دانند، مثل گفتار آنان را، پس خدا حکم می کند بین آنان روز قیامت، در آنچه در آن اختلاف می کردند

(یهودیان به مسیحیان و مسیحیان به یهودیان می گفته اند که جایگاهی ندارید، و این در حالی بیان می شده است که آنان تورات و انجیل را می خوانند و همین گونه سخنان را نیز کسانی که علمی ندارند، بیان می کنند. از اینگونه سخنان در مورد ادیان دیگر و در مورد مذاهب گوناگون اسلام، از طرف مسلمانان، هم امروزه و هم در طول تاریخ، بسیار مشاهده می شود و به بیان این آیه، این سخنان نادرست است و در روز قیامت، خداوند بین آنان حکم می کند.)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (114 بقره)

و چه کسی ستمکارتر است از کسی که، بازداشت سجده گاه های خدا را، از اینکه یاد شود در آن نام او، و کوشش کرد در خرابی آن، آنان را نبود برایشان، اینکه داخلش شوند جز بیمناکان، برای آنان در دنیا خواری ای است، و برای آنان در آخرت، عذابی بزرگ است

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (115 بقره)

و برای خداست مشرق و مغرب، پس هر جا که رو گردانید، پس آنجا جهت خداست، همانا خدا گشایش ایجاد کننده ی داناست

(بیان شده که به هر طرف روی شما باشد، به سوی خدا است.)

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ (116 بقره)

و گفتند گرفت خدا فرزندی را، منزه است او، بلکه برای اوست آنچه در آسمان ها و زمین است، همه برای او اطاعت کنندگان هستند

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (117 بقره)

پدید آورنده آسمانها و زمین است، و اگر حکم داد به کاری، پس همانا می گوید به او باش، پس باشد

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (118 بقره)

و گفت کسانی که نمی دانند، چرا با ما سخن نمی گوید خدا، یا بر ما نمی آید آیه ای، مانند آن را، گفت کسانی که از قبل آنان بودند، مثل گفتار آنان را، مشابه شد دلهایشان، به درستی آشکار کردیم آیات را برای گروهی که یقین می کنند

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (119 بقره)

همانا فرستادیم تو را به حقیقت، مژده دهنده ای و هشدار دهنده ای، و درباره همنشینان آتش بسیار گرم و سوزان، از تو پرسشی نمی شود

(خداوند به پیامبر می فرماید که ما تو را به عنوان مژده دهنده و هشدار دهنده فرستادیم و تو مسئول به جهنم رفتن ساکنین جهنم در روز قیامت نیستی.)

وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (120 بقره)

و هرگز راضی نخواهد شد از تو یهود و نه مسیحیان، تا آنکه پیروی کنی آیین آنان را، بگو همانا هدایت خدا، خود هدایت است، و یقیناً اگر پیروی کنی خواسته هایشان را، پس از آنچه که آمد نزد تو از دانش، نیست برای تو از خدا، از دوستی و نه یاری کننده ای

(بیان شده که یهودیان و مسیحیان در صورتی از پیامبر راضی می شده اند که پیامبر از دین آنان پیروی کند. و خداوند به پیامبر می فرماید که اگر پس از آنچه که از دانش، نزد تو آمده است، از آنگونه خواسته های آنان، پیروی کنی، از جانب خداوند حمایت نمی شوی.)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (121 بقره)

کسانی که دادیم به آنان کتاب را، که می خوانند آن را شایستگی خواندن آن، آنان ایمان می آورند به آن، و کسی که کفر ورزد به آن، پس آنان خود زیان دیدگانند

(به اهمیت کتاب آسمانی در ادیان از جمله اسلام، اشاره شده است.)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (122 بقره)

ای فرزندان اسرائیل، به یاد آورید نعمتم را، آنچه را نعمت دادم به شما، و همانا من صاحب فضل دانستم شما را بر جهانیان

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ (123 بقره)

و حذر کنید از روزی که مجازات نمی کند کسی را به جای کسی، چیزی را، و قبول نمی شود از او معادلی، و به او سود ندهد وساطتی، و نه آنان یاری می شوند

وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (124 بقره)

و هنگامی که آزمود ابراهیم را ربّش با کلماتی، پس کامل کرد آنها را، گفت همانا من قرار دهنده تو هستم برای مردم به عنوان الگو، گفت و از نسل من، گفت داده نمی شود پیمان من به ستمکاران

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (125 بقره)

و هنگامی که خانه را محل اجتماع مردم، برای مردم، و دارای امنیت قرار دادیم، و انتخاب کنید از محل اقامت (یا جای دو پای) ابراهیم، محل نماز گزاردنی، و متعهد کردیم به ابراهیم و اسماعیل، اینکه شما دو نفر پاکیزه کنید خانه مرا برای طواف کنندگان (یا گردش کنندگان) و مقیمان و رکوع کنندگان سجده گزار

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (126 بقره)

و هنگامی که گفت ابراهیم، ربّ، قرار بده این مکان را دارای امنیت، و روزی بده ساکنین آن را از میوه ها، کسی را که ایمان آورد از آنان، به خدا و روز واپسین، گفت و کسی که کفر ورزید، پس برخوردارش می کنم اندکی، سپس ناچارش می کنم به عذاب آتش، و بد برگشتنی است

(در این آیه، ابراهیم از خداوند، خواسته های مطرح شده در آیه را برای مؤمنان می خواهد و در جواب، خداوند می فرماید، افرادی که ایمان نیاوردند را نیز در دنیا شامل این نعمت ها خواهم کرد و در قیامت جایگاه کافران، عذاب آتش است.)

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (127 بقره)

و هنگامی که بالا می بَرَد ابراهیم پایه های خانه را، و اسماعیل، ربّ ما، قبول کن از ما، همانا تو خود شنوای دانایی

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (128 بقره)

ربّ ما، قرار بده ما را تسلیم کنندگان برای تو، و از نسل ما جماعتی تسلیم کننده را برای تو، و نشانمان بده عبادت های ما را، و بازگرد بر ما، همانا تو خود بسیار بازگشت کننده ی بخشایشگر هستی

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (129 بقره)

ربّ ما، و بفرست در آنها فرستاده ای از آنان، که می خواند برای آنان آیات تو را، و می آموزد به آنها کتاب و حکمت را، و پاک می کند آنان را، همانا تو خود ارجمند صاحب حکمت هستی

وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (130 بقره)

و چه کسی روی بر می گرداند از آیین ابراهیم، جز کسی که بی خرد است جانش، و یقیناً به درستی برگزیدیم او را در دنیا، و همانا او در آخرت، یقیناً از شایسته ها است

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (131 بقره)

هنگامی که گفت به او ربّش، تسلیم شو، گفت تسلیم شدم به ربّ جهانیان

وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (132 بقره)

و سفارش کرد به آن، ابراهیم، فرزندانش را، و یعقوب، ای فرزندان من، همانا خدا برگزید برای شما دین را، پس نمیرید جز اینکه، و شما تسلیم کنندگان هستید

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (133 بقره)

یا بودید شاهدان، هنگامی که یعقوب را مرگ فرا رسید، هنگامی که گفت به فرزندانش، چه می پرستید از پس از من، گفتند می‌پرستیم خدای تو و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را، خدایی یگانه را، و ما برای او تسلیم کنندگان هستیم

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (134 بقره)

آن جماعتی است که به درستی سپری شد، برای آن است آنچه را کسب کرد، و برای شما است آنچه را کسب کردید، و سؤال نخواهید شد از آنچه انجام می دادند

(هیچ کسی مسئول اعمال دیگری نیست و برای عملی که دیگری انجام داده است، در روز قیامت مورد سؤال واقع نمی شود.)

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (135 بقره)

و گفتند باشید یهودیان یا مسیحیان، تا هدایت شوید، بگو بلکه آیین ابراهیم یکتاپرست، و نبود از مشرکان

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (136 بقره)

بگویید ایمان آوردیم به خدا، و آنچه نازل شد به ما، و آنچه نازل شد به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و قبیله ها، و آنچه داده شد به موسی و عیسی، و آنچه داده شد به پیامبران از ربّشان، از هم تفکیک نمی کنیم میان هیچ یک از آنان را، و ما برای او تسلیم کنندگان هستیم

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (137 بقره)

پس اگر ایمان آوردند به مثل آنچه ایمان آوردید به آن، پس به درستی هدایت شدند، و اگر روی برتافتند، پس همانا آنان در مخالفت ورزیدنی هستند، پس بسنده خواهد بود تو را از آنان، خدا، و او شنوای داناست

(بحث ایمان به کتاب های آسمانیِ پیامبران، با بحث پیروی از آن کتاب ها، متفاوت است. پیروان هر دینی، به کتاب پیامبر خود مراجعه می کنند برای مثال مسیحیان به انجیل و یهودیان به تورات و مسلمانان به قرآن. یک فرد مسلمان برای پی بردن به دین خود، به تورات و انجیل مراجعه نمی کند ولی به تورات و انجیل و همه ی کتاب های آسمانی، ایمان دارد. در این آیه بیان شده که اگر پیروان ادیان دیگر نیز به خدا و به همه ی کتاب های آسمانی پیامبران همچون ایمان مسلمانان، ایمان داشته باشند، هدایت شدگان هستند. به عبارت دیگر برای هدایت یافته بودن، حتماً لازم نیست مسلمان بود، و پیروان ادیان دیگر نیز می توانند از هدایت شدگان باشند.)

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (138 بقره)

رنگ خدا است، و چه کسی نیکوتر است از خدا در مورد رنگ، و ما برای او پرستندگان هستیم

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ (139 بقره)

بگو آیا جر و بحث می‌کنید با ما به دلیل خدا، و او ربّ ما و ربّ شماست، و برای ما است کارهای ما، و برای شماست کارهای شما، و ما برای او صادقانه ها هستیم

(چرا باید پیروان ادیان مختلف با هم به مجادله بپردازند در حالی که همگی پرستنده ی یک خدای یگانه هستند. موردی دیگر که در این آیه به آن اشاره شده است، این است که هر کسی مسئول و پاسخگوی اعمال خود است و هیچ کسی به دلیل اعمال دیگری، مورد سؤال واقع نمی شود.)

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (140 بقره)

یا می‌گویید همانا ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و قبیله ها، بودند یهودیان یا مسیحیان، بگو آیا شما داناترید یا خدا، و کیست ستمکارتر از کسی که پنهان کرد گواهی ای را نزدش از خدا، و نیست خدا غافل از آنچه انجام می دهید

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (141 بقره)

آن جماعتی است که به درستی سپری شد، برای آن است آنچه کسب کرد و برای شماست آنچه کسب کردید، و سؤال نخواهید شد از آنچه انجام می دادند

(مسئولیت عمل هر کسی با خود اوست و هیچ کسی به خاطر عمل فردی دیگر، مورد سؤال واقع نمی شود.)

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (142 بقره)

خواهند گفت بی خردان از مردم، چه روی برتافت آنان را از جهتشان، که بودند بر آن، بگو برای خداست مشرق و مغرب، هدایت می کند کسی را که می خواهد به راه راست

(احتمالاً در مورد تغییر قبله ی مسلمانان بیان شده است.)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (143 بقره)

و این گونه قرار دادیم شما را جماعتی میانه، تا باشید گواهان بر مردم، و که باشد فرستاده بر شما به عنوان گواه، و قرار ندادیم جهت را که بودی بر آن، جز تا بدانیم کسی که پیروی می کند فرستاده را، از کسی که بر می گردد بر دو پاشنه ی پایش (=منظور به عقب برگشتن است)، و همانا بود یقیناً بزرگ، جز بر کسانی که هدایت کرد خدا، و بر آن نبود خدا تا از بین ببرد ایمانتان را، همانا خدا به مردم یقیناً بسیار دل رحم بخشایشگر است

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (144 بقره)

به درستی می بینیم چرخش صورتت در آسمان را، پس یقیناً تعیین می کنیم تو را به جهتی که از آن خرسند شوی، پس روی برتاب جهتت را به ناحیه ی مسجدالحرام، و هر کجا که بودید، پس روی برتابید جهت هایتان را به ناحیه ی آن، و همانا کسانی که داده شده اند کتاب را، یقیناً می دانند همانا آن حقیقت است از ربّشان، و نیست خدا غافل از آنچه انجام می دهند

(به تغییر قبله اشاره دارد.)

وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (145 بقره)

و یقیناً اگر بیاوری برای کسانی که داده شده اند کتاب را، هر آیه ای (یا نشانه ای) را، پیروی نمی کنند جهت تو را، و نیستی تو پیرو جهت آنان، و نیست بعضی از آنان پیرو جهت بعضی، و یقیناً اگر پیروی کردی خواسته های آنان را، از پس از آنچه آمد نزد تو از دانش، همانا تو بدین ترتیب یقیناً از ستمکارانی

(منظور از اینکه اگر پیروی کردی از خواسته های آنان پس از آنچه که آمد نزد تو از دانش، آن خواسته ای است که مغایر با آن چیزی بوده است که در قرآن آمده است و به معنای هر خواسته ای نیست و در این آیه، احتمالاً در مورد قبله بیان شده است.)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (146 بقره)

کسانی که دادیم به آنان کتاب را، می شناسند او را مانند اینکه می شناسند پسرانشان را، و همانا گروهی از آنان یقیناً مخفی می کنند حقیقت را، و آنان می دانند

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (147 بقره)

حقیقت از ربّ تو است، پس به هیچ وجه نباش از شک کنندگان

وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (148 بقره)

و برای همه، جهتی است، که او روی تابنده به آن است، پس سبقت گیرید در نیکی ها، هر کجا که باشید، می آورد شما را خدا، همگی را، همانا خدا به هر چیزی توانا است

(پیروان هر دینی، جهتی دارند که به آن رو می کنند، مثلاً مسلمانان برای نماز به مسجد الحرام رو می کنند و یهودیان، به جهتی دیگر، ولی آنچه که مهم است انجام کارهای نیک است.)

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (149 بقره)

و از هر کجا خارج شدی، پس بگردان جهتت را به ناحیه ی مسجد الحرام، و همانا آن یقیناً حقیقت است از ربّت، و نیست خدا غافل از آنچه انجام می دهید

(جهت یا به عبارت دیگر قبله ی مسلمانان، مسجدالحرام است.)

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (150 بقره)

و از هر جا خارج شدی، پس بگردان جهتت را به ناحیه ی مسجد الحرام، و هر جا که بودید، پس بگردانید جهت هایتان را به ناحیه ی آن، تا نباشد برای مردم بر شما عذری، جز کسانی که ستم کردند از آنان، پس از آنان نترسید، و بترسید از من، و تا تمام کنم نعمتم را بر شما، و شاید شما هدایت شوید

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (151 بقره)

مانند اینکه فرستادیم در شما، فرستاده ای از شما را، که می خواند بر شما آیه های ما را، و پاک می کند شما را، و به شما می آموزد کتاب و حکمت را، و به شما می آموزد آنچه را هرگز نمی دانستید

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ (152 بقره)

پس به یاد آورید مرا، تا به یاد آورم شما را، و سپاسگزاری کنید از من، و کفر نورزید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (153 بقره)

ای کسانی که ایمان آوردید، یاری خواهید با شکیبایی و نماز، همانا خدا با شکیبایان است

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (154 بقره)

و نگویید به کسی که کشته می شود در راه خدا، مردگان، بلکه زنده ها هستند و لیکن درک نمی کنید

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (155 بقره)

و یقیناً می آزماییم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی، و کمبود از دارایی ها و جان ها و میوه ها، و مژده ده شکیبایان را

(برخی آزمایش خدا را مجازاتی معرفی می کنند که به دلیل گناهکار بودن افراد، بر آنان نازل شده است و این سخن نادرست است و در این آیه بیان شده است که این ها آزمایش خداوند هستند و به شکیبایان مژده داده است و در دو آیه ی بعدی در مورد آنان توضیح داده است.)

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (156 بقره)

کسانی که اگر اصابت کرد به آنان بلایی، گفتند همانا ما از خدا هستیم و همانا ما به او بازگردنده ها هستیم

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (157 بقره)

آنان برایشان، تسبیح هایی است از ربّشان، و مهربانی ای است، و آنان خود هدایت شدگان هستند

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَآئِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلاَ جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ(158 بقره)

همانا صفا و مروه از نشانه های خداست، پس کسی که قصد کرد خانه را، یا بازدید کرد، پس نیست گناهی بر او، که دور آن دو بچرخد، و هر که متقاعد شود به نیکی ای، پس همانا خدا سپاس دارنده داناست

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (159 بقره)

همانا کسانی که پنهان می کنند آنچه را نازل کردیم از دلایل و هدایت، از پس از آنکه آشکار کردیم آن را برای مردم در کتاب، آنان هستند که خدا لعنتشان می کند، و لعنت کنندگان لعنتشان می کنند

(نکته ای که در این آیه می توان مشاهده نمود، این است که دلایل و هدایت، برای مردم در کتاب خدا، آشکار گشته است و نکته این است که اگر کسی خواهان هدایت است، تنها باید به یک جا مراجعه کند و آن در دین اسلام، قرآن است و در ادیان دیگر، کتاب دینِ خودشان است.)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (160 بقره)

جز کسانی که بازگشتند و اصلاح نمودند و آشکار کردند، پس آنان را باز می گردم به آنها، و من بسیار بازگشت کننده بخشایشگرم

(معنی کلمه ی توبه، بازگشتن است و در این ترجمه به جای کلمه توبه، از معنی آن استفاده می شود.)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (161 بقره)

همانا کسانی که کفر ورزیدند و مردند، و آنان کافران بودند، آنان را برایشان، لعنت خدا و فرشتگان و مردم، همگی است

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (162 بقره)

همیشگی ها در آن هستند، سبک نمی شود از آنان عذاب، و آنان مهلت داده نمی شوند

وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (163 بقره)

و خدای شما، خدایی یگانه است، نیست خدایی جز او، بخشاینده ی بخشایشگر است

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (164 بقره)

همانا در آفرینش آسمان ها و زمین، و جانشینی شب و روز، و کشتی هایی که جاری می شود در دریا، به سبب آنچه نفع می رساند به مردم، و آنچه که نازل کرد خدا از آسمان از آب، پس زنده کرد با آن زمین را پس از مرگش، و پراکند در آن از هر جنبنده ای، و گرداندن بادها، و ابرِ تحت تصرف بین آسمان و زمین، یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که درک می کنند

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ (165 بقره)

و از مردم، کسی است که می گیرد از غیر خدا همتایانی را، آنان را دوست دارند مانند دلبستگی به خدا، و کسانی که ایمان آوردند، دلبستگی نیرومندتری به خدا دارند، و اگر ببیند کسانی که ستم کردند، هنگامی که می بینند عذاب را، همانا قدرت برای خداست همگی، و همانا خدا نیرومند عذاب است

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ (166 بقره)

هنگامی که بیزاری جست کسانی که مورد پیروی قرار گرفتند، از کسانی که پیروی کردند، و دیدند عذاب را، و از همه سو قطع کرد از آنان، پیوندها را

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ (167 بقره)

و گفت کسانی که پیروی کردند، اگر همانا برای ما بار دیگری بود، پس بیزاری می جوییم از آنان، آنچنان که بیزاری جستند از ما، اینچنین به آنان نشان می دهد خدا، کارهایشان را، افسوس هایی بر آنان است و نیستند آنان از بیرون روندگان از آتش

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (168 بقره)

ای مردم، بخورید از آنچه در زمین است به صورت حلالِ پاک، و پیروی نکنید گام های شیطان را، همانا او برای شما دشمنی آشکار است

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (169 بقره)

همانا شما را امر می کند به بدی و گناه بسیار زشت، و اینکه بگویید بر خدا آنچه را نمی دانید

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللّهُ قَالُواْ بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لاَ يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلاَ يَهْتَدُونَ(170 بقره)

و اگر گفته شد به آنان، که پیروی کنید آنچه را نازل کرد خدا، گفتند بلکه پیروی می کنیم آنچه را یافتیم بر آن پدرانمان را، آیا اگر پدرانشان درک نمی کردند چیزی را، و هدایت نشدند

(آنچه که نازل کرد خدا در اسلام، قرآن است و بیان شده که از آن پیروی کنید. و در ادامه بیان شده که آن ها در جواب می گویند، پیروی می کنیم آنچه را که پدرانمان را بر آن یافتیم. در اسلام از پس از پیامبر، اسلام را به خواست خود و با دروغ هایی که تحت عنوان دین، به نام اسلام و خدا بیان کردند، تغییر دادند و احکام و دستورات و حلال و حرام های دروغین را وارد اسلام کردند و به عنوان اسلام، مردم آنها را پذیرفتند و نسل اندر نسل، منتقل کرده و از آن پیروی کردند و این در حالی است که قرآن که اصل و واقعیت دین است، در دسترس بوده و هست.)

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (171 بقره)

و مَثَل کسانی که کفر ورزیدند، مانند مثل کسی است که با فریاد جلو می راند آنچه را که نمی شنود جز صدایی و بانگی را، ناشنوایان لال های کورانی هستند، پس آنان درک نمی کنند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (172 بقره)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بخورید از پاک ها، آنچه را روزی دادیم به شما، و سپاسگزاری کنید برای خدا، اگر او را می پرستیدید

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (173 بقره)

همانا حرام کرد بر شما مردار، و خون، و گوشت خوک، و آنچه با صدای بلند گفته شد بر آن از غیر خدا، پس کسی که ناگزیر شود، غیر از طلب کننده ای (یا ستم کننده ای) و نه دشمنی کننده ای، پس نیست گناهی بر او، همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(این چیزهای که خوردنش حرام شده است، در صورتی که فرد ناچار گردد به خوردن آنها، تحت شرایطی که مطرح شده، در خوردن آنها، گناهی نیست.)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (174 بقره)

همانا کسانی که پنهان می کنند آنچه را نازل کرد خدا از کتاب، و می فروشند آن را به بهایی اندک، آنان نمی خورند در شکم هایشان جز آتش را، و سخن نمی گوید با آنان خدا در روز قیامت، و پاک نمی کند آنان را، و برای آنان عذابی دردناک است

(در اینجا نیز به اهمیت کتاب آسمانی نازل شده توسط خداوند در دین، و جایگاه آن در دین، اشاره شده است.)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ (175 بقره)

آنان کسانی هستند که خریدند گمراهی را به هدایت، و عذاب را به آمرزشِ گناه، پس چگونه به شکیبایی فرا خواند آنان را بر آتش

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (176 بقره)

آن به سبب این است که همانا خدا نازل کرد کتاب را به حقیقت، و همانا کسانی که اختلاف داشتند در کتاب، یقیناً در مخالفت ورزیدن دوری هستند

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (177 بقره)

نیست فرمانبرداری (یا نیکویی)، اینکه روی گردانید صورت هایتان را به سوی مشرق و مغرب، و لیکن فرمانبرداری (یا نیکویی)، کسی است که ایمان آورد به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب و پیامبران، و داد دارایی را برای دلبستگیِ به او، به خویشاوندان و یتیمان و بی چیزان و مسافر و گدایی کنندگان، و به خاطر بردگان، و برپا داشت نماز را، و داد زکات را، و وفا کنندگان به عهدشان، اگر عهد

بستند، و شکیبایان در فقر و سختی و هنگام رنج، آنان کسانی هستند که راست گفتند، و آنان خود پرهیزکاران هستند

(تحت عنوان دین، برخی از اعمال، به عنوان کارهای نیک و کارهای دارای پاداش، مطرح گردیده است که ساختگی بوده و هیچ گونه نیکی به شمار نمی آید، و با خواندن قرآن، می توان پی به حقیقت بُرد و کار نیک را از غیر نیک تشخیص داد.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (178 بقره)

ای کسانی که ایمان آوردید، مقرر کرده شد بر شما مقابله به مثل، در کشته شدگان آزاد با آزاد، و برده با برده، و زن با زن، پس کسی که مورد عفو قرار گرفت بر او، از برادرش چیزی را، پس دنباله روی به مشهور، و اجرای به او به صورت نیکوتر، آن تخفیفی است از ربّتان، و مهربانی ای است، پس کسی که تجاوز کرد پس از آن، پس برای او عذابی دردناک است

(در این آیه که بیان می کند آزاد با آزاد و برده با برده و زن با زن، شاید به این دلیل بوده که اعراب به صورت قبیله بوده اند و برای اینکه اگر از یک قبیله، فردی مرتکب قتل شد و فردی از قبیله ی دیگر را کشت، قبیله ی مقتول در پی انتقام، از افراد قبیله ی قاتل، کشتار انجام ندهد و فقط جان یک نفر گرفته شود و همچنین در صورت قصاص برای مقتول آزاد، به جای فردی آزاد، برده ای را و در صورت قصاص برای مقتول مرد، زنی را قربانی نکنند. چرا که بعضاً شاید در میان اعراب جاهلیت، ارزش زن و برده را پایین تر از مرد می دانسته اند. نکته دیگر اینکه در این آیه بیان نشده که در قصاص، قاتل باید قصاص گردد و این می تواند نشان دهنده ی این باشد که قصاص قاتل برای قتلی که انجام داده است، در اسلام مطرح نیست و این آیه برای جلوگیری از کشتار افراد برای انتقام مقتول آورده شده است. و در ادامه ی آیه، بیان شده کسی که مورد عفو قرار گرفت بر او، آن مهربانی ای است و اگر کسی بعد از این مهربانی، تجاوز کرد، برای او عذابی دردناک است.)

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (179 بقره)

و برای شما در مقابله به مثل، زندگی است، ای خردمندان، شاید شما حذر می کنید

(شاید به این دلیل در آن زندگی است که با این قانون مقابله به مثل، از جنگ و کشتار زیاد بین دو قبیله خودداری می شود و چه بسا اگر قبیله ی مقتول به این نتیجه برسد که کشتن بی گناهی به جای قاتل، کار خوبی نیست، از کشتن او خودداری نماید.)

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (180 بقره)

مقرر شد بر شما، اگر فرا رسید یکی از شما را مرگ، اگر ترک کرد مالی را، وصیت برای پدر و مادر و نزدیکان به مشهور، حقیقتی است بر پرهیزکاران

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (181 بقره)

پس کسی که تغییر داد آن را پس از آنکه شنید آن را، پس همانا گناه آن بر کسانی است که تغییر می دهند آن را، همانا خدا شنوای دانا است

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (182 بقره)

پس کسی که ترسید از وصیت کننده، در مورد انحرافی از راه حق یا گناهی، پس اصلاح کرد بین آنان را، پس نیست گناهی بر او، همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(در آیه ی قبلی در مورد کسی بیان شده است که وصیتِ تعیین شده را تغییر می دهد و این کار گناه است، ولی در این آیه بیان شده است که اگر کسی بین وصیت کننده و وارث را آشتی دهد، تا وصیت کننده وصیت را به درستی بنویسد، گناهی بر آن فرد نیست.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (183 بقره)

ای کسانی که ایمان آوردید مقرر شد بر شما روزه، همان گونه که مقرر شد بر کسانی از قبل شما، شاید شما حذر کنید

أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (184 بقره)

روزهای شمرده شده ای (یا اندکی)، پس هر کس از شما که بود بیمار یا در مسافرت، پس تعدادی از روزهای دیگر را، و بر کسانی که تحمل می کنند آن را (یا آن برایشان طاقت فرساست)، به عنوان جایگزین، خوراک بی چیزی است، پس کسی که بخشید نیکویی (یا مالی) را، پس آن بهتر است برای او، و اینکه روزه بگیرید بهتر است برای شما، اگر می دانستید

(روزه در روزهایی بر مسلمانان مقرر شده است و بیان شده که اگر شخص بیمار بود و یا در سفر بود، در روزهایی دیگر به همان تعداد روز که روزه نگرفته، به جای آن روزها، روزه بگیرد و در ادامه بیان شده که اگر روزه گرفتن برای کسی سخت است یعنی به هر دلیلی با بی میلی و ناراحتی روزه می گیرد و اگر بگیرد، آن را تحمل می کند، برای این افراد، جایگزینی مطرح شده است که به جای روزه گرفتن، آن کار را انجام دهند و آن، به ازای هر روز روزه، غذا دادن به بی چیزی است و البته اگر بیشتر از این، بخششی انجام دهد ، یعنی بیشتر از یک بی چیز را غذا دهد، آن برای او بهتر خواهد بود. در انتهای آیه بیان شده که اگر روزه بگیرید، بهتر است برای شما.

نکته ای که باید به آن توجه نمود این است که افراد بسیاری، یا به دلیل بیماری و مسافرت، و یا به دلیل عدم تمایل به روزه گرفتن، روزه نمی گیرند و این موضوع در این آیه به روشنی بیان شده است، ولی شاهد آن هستیم که به نام دین و خدا، با افرادی که در ماه رمضان اقدام به خوردن و آشامیدن می کنند، برخورد می شود و در برخی از موارد، مجازات هایی مثل شلاق را نیز به نام دین برای آنان اعمال می کنند که این ها همگی دروغ هایی است که به دین نسبت داده اند و آن را قوانین اسلام نامیده اند. نکته دیگر اینکه در قرآن بیان نشده که نباید در جلوی کسی که روزه گرفته است و یا اینکه نباید به صورت آشکار در ماه رمضان، غذا خورد. اینها نیز نمونه هایی از دروغ هایی است که به دین بسته اند. حتی اگر بیان می شد که در ماه رمضان نباید به صورت آشکار چیزی خورده شود، این به معنای مجازات کردن افرادی که این کار را انجام می دهند نیست و اجباری در دین وجود ندارد و هر کسی مسئول کار خود است.)

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (185 بقره)

ماه رمضان است، که نازل شد در آن قرآن، هدایتی است برای مردم، و دلایلی از هدایت، و جداکننده حق از باطل است، پس هر کس از شما این ماه را مشاهده کرد، پس باید آن را روزه بدارد، و کسی که بود بیمار یا در مسافرت، پس تعدادی از روزهای دیگر را، می خواهد خدا بر شما آسانی را، و نمی خواهد بر شما سختی را، و تا تعداد را کامل کنید، و تا بزرگ بشمارید خدا را برای آنکه هدایتتان کرد، و شاید شما شکرگزاری می کنید

(روزه باید در ماه رمضان گرفته شود. اگر فردی به دلیل بیماری و یا مسافرت، تعدادی از روزها را روزه نگرفت، باید در روزهای دیگری غیر از ماه رمضان، به همان تعداد روز که روزه نگرفته، روزه بگیرد. قوانینی را به نام اسلام تحت عنوان قوانین روزه، که در قرآن بیان نشده است، به دروغ به اسلام نسبت داده اند، مثلاً بیان می کنند که اگر تعداد روزهای مسافرت کمتر از این تعداد روز بود، نباید روزه بگیرد و اگر بیشتر بود، باید روزه بگیرد و یا اگر به عمد روزه ای را در ماه رمضان نگرفت در روزهای دیگر باید به ازای هر روز، به این تعداد روز، روزه بگیرد و یا اگر مسافری قبل از ظهر مسافرت کرده است روزه نگیرد و اگر بعد از ظهر مسافرت رفته است، روزه بگیرد.

نکته ای دیگر که در این آیه بیان شده است، در مورد قرآن است. بیان شده، قرآن، هدایتی برای مردم و دلایلی از هدایت و جدا کننده ی حق ار باطل است. اساس هدایت در اسلام، قرآن است به این معنی که اگر فردی بخواهد در دین، راه هدایت را از گمراهی، تشخیص دهد، تنها منبع در اسلام، قرآن است و جدا کننده ی حق از باطل است به این معنی که با خواندن قرآن می توان به دین حقیقی پی برد و برای مثال اگر فردی چیزی را به نام دین بیان کرد، پی برد که آیا حقیقت است یا دروغ.)

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (186 بقره)

و اگر سؤال کرد از تو، بندگان من، درباره من، پس همانا من نزدیکم، جواب می دهم درخواست صدا کننده را، اگر مرا بخواند، پس باید پاسخ دهند مرا، و باید به من ایمان آورند، شاید آنان هدایت یابند

أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (187 بقره)

حلال شد بر شما شب روزه، آمیزش کردن با زنانتان، آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید، دانست خدا که همانا شما خیانت می کردید به خودتان، پس بازگشت بر شما، و بخشید از شما، پس اکنون آمیزش کنید با آنان، و طلب کنید آنچه را که مقرر کرد خدا برای شما، و بخورید و بیاشامید تا آشکار شود برای شما رشته روشنی از رشته سیاه از سپیده دم، سپس کامل کنید روزه را تا شب، و آمیزش نکنید با آنان (=زنان)، و شما مقیمان در سجده گاه ها هستید، آن حد های خدا است، پس به آن نزدیك نشوید، این گونه آشکار می کند خداوند آیاتش را برای مردم، شاید آنان حذر می کنند

(در هنگام روزه داری، با زنان آمیزش نمی توان کرد ولی در شب های روزهای روزه داری، آمیزش کردن با زنانتان، حلال شده است. روش روزه گرفتن به این صورت بیان شده است که شب ها تا زمانی که رشته ای نور در تاریکی شب در هنگام سپیده دم پدیدار شد، می توانید بخورید و بیاشامید و با زنانتان آمیزش کنید ولی زمانی که روشنایی ظاهر شد، روزه شروع می شود و تا زمان شب، یعنی هنگامی که آسمان کاملاً تاریک می شود، روزه ادامه می یابد.

بیان شده که اگر در سجده گاه ها (=مسجدها) اقامت دارید، با زنان آمیزش نکنید و این از حدهای خداوند است و بیان شده که به آن نزدیک نشوید.)

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (188 بقره)

و نخورید دارایی هایتان را بینتان به باطل، و متوسل نشوید با آن (=کنایه از رشوه دادن است) به حکمرانان، تا بخورید گروهی از دارایی های مردم را به گناه، و شما می دانید

(منظور از خوردن مال مردم به باطل، تصاحب مالی است که از دارایی های شما نباشد و همچنین حقی برای تصاحب آن، برای شما نباشد. برخی تحت عنوان حکم اسلام، نوع معامله را نیز در باطل بودن یا نبودن مال، مؤثر می دانند و می گویند که اگر چیزی که در اسلام حرام شده است، معامله گردد، درآمد حاصل از این معامله حرام است، که این کاملاً نادرست است. برای مثال خوردن گوشت خوک در اسلام حرام شمرده شده است حال اگر کسی به مسلمانان گوشت خوک بفروشد، خوردن گوشت خوک برای مسلمانان حرام است ولی پولی که آن فرد از فروش گوشت خوک به دست آورده است، حرام نیست. زیرا معامله ای انجام داده و مالی را به باطل تصاحب نکرده است.

در ادامه در مورد دادن بخشی از مال به حاکم، برای تصاحب اموال مردم به باطل، به روش قانونی، مطرح شده است و نکته ی آن، این است که با قانونی و موجه نشان دادن تصرف مال مردم به باطل، این مال حلال نمی شود.)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (189 بقره)

می پرسند از تو درباره ماه های نو، بگو آن هنگام ها است برای مردم و حج، و نیست فرمانبرداری (یا نیکی) به اینکه بیایید به خانه ها از پشت های آن، و لیکن فرمانبرداری (یا نیکی)، کسی است که حذر کرد، و بیایید به خانه ها از درهای آن، و حذر کنید از خدا، شاید شما رستگار شوید

(اشاره ای به نمونه ای از کارهای بی ارتباط با دین دارد که تحت عنوان دین و به عنوان نیکی، در میان مسلمانان پذیرفته شده است و بیان شده نیکی، حذر کردن است.)

وَقَاتِلُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلاَ تَعْتَدُواْ إِنَّ اللّهَ لاَ يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ(190 بقره)

و بجنگید در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، و تجاوز نکنید، همانا خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد

(یکی از قوانین جنگ در اسلام را بیان نموده است. به مسلمانان اجازه ی تجاوز و شروع جنگ داده نشده است و بیان شده خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد و مسلمانان تنها با کسانی که با مسلمانان وارد جنگ شده اند، می توانند بجنگند.)

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُم مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلاَ تُقَاتِلُوهُمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاء الْكَافِرِينَ (191 بقره)

و بکشید آنها را، هر کجا به ایشان رسیدید، و آنان را بیرون برانید از جایی که شما را بیرون راندند، و در آشوب افکندن، نیرومندتر است از کشتن، و نجنگید با آنان نزدیک مسجد الحرام، تا آنکه بجنگند با شما در آن، پس اگر با شما جنگیدند، پس آنان را بکشید، اینچنین است سزای کافران

(این آیه در ارتباط با درگیری و در آشوب افکندنی است که از سوی کافران برای مسلمانان ایجاد شده بوده است. می توان دریافت که کافران وارد جنگ با مسلمانان شده بوده اند که این آیه نازل شده است و در آیه ی قبل بیان شده که بجنگید در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، و در انتهای آیه می فرماید اگر در نزدیک مسجدالحرام با شما نجنگیدند، در آنجا با آنها نجنگید و اگر در آنجا با شما جنگیدند، آنها را بکشید. در آشوب افکندنی که در این آیه به آن اشاره شده است، همان درگیری و بیرون کردن مسلمانان از آنجایی که بوده اند، بوده است و مسلماً این بیرون کردن به صورت مسالمت آمیز نمی توانسته بوده باشد و همراه با جنگ بوده است.)

فَإِنِ انتَهَوْاْ فَإِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ(192 بقره)

پس اگر دست برداشتند، پس همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(در این آیه بیان شده که اگر کافران از دشمنی کردن دست برداشتند، شما نیز دست بردارید.)

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لاَ تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلهِ فَإِنِ انتَهَواْ فَلاَ عُدْوَانَ إِلاَّ عَلَى الظَّالِمِينَ (193 بقره)

و بجنگید با آنان، تا آنکه نباشد در آشوب افکندنی، و باشد دین برای خدا، پس اگر دست برداشتند، پس نیست ستم کردن جز بر ستمکاران

(این آیه در ادامه ی دو آیه ی قبل است و می فرماید که اگر از جنگ و اقدامات خود دست برداشتند، پس شما نیز نباید بر آنان تجاوز کنید.)

(نکته ی دیگر در مورد این آیه، این است که تنها به دلیل کافر بودن گروهی، نمی توان با آنان دشمنی و جنگ کرد و تنها در هنگامی مسلمانان می توانند با جماعتی وارد جنگ شوند که آن جماعت در جایگاه آغاز کننده ی تعرض و جنگ علیه مسلمانان باشد. در طول تاریخِ پس از اسلام، بسیاری از جنگ ها توسط مسلمانان، به نام خدا و اسلام آغاز گردیده است که با توجه به قوانین جنگ در قرآن، همگی آنها تجاوز به حساب آمده و ناحق است.)

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُواْ عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُواْ اللهَ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ(194 بقره)

ماه حرام (یا مقدس) به ماه حرام، و حرام ها (یا مقدس بودن ها) به صورت مقابله به مثل است، پس کسی که تجاوز کرد بر شما، پس تجاوز کنید بر او، مثل آنکه تجاوز کرد بر شما، و حذر کنید از خدا، و بدانید همانا خدا با پرهیزکاران است

(اینکه ماه حرام است به آن معنی نیست که اگر به شما در آن تجاوز شد، شما دست نگه دارید و بیان شده شما نیز تجاوز کنید مانند تجاوزی که به شما شده است.)

وَأَنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّـهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّـهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (195 بقره)

و در راه خدا خرج کنید، و گرفتار نکنید با دست هایتان به نابود شدن، و نیکی کنید، همانا خدا بسیار نیکو کاران را دوست دارد

(به اندازه ای در راه خدا خرج کنید که خودتان به بدبختی گرفتار نشوید.)

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (196 بقره)

و برای خدا، حج و عمره را کامل کنید و اگر بازداشته شدید، پس آنچه فراهم شد از حیوان قربانی، و سرهایتان را کوتاه نکنید تا برسد حیوان قربانی به مکانش، و هر کس بود از شما بیمار، یا با او است آزاری از سرش، پس به عنوان جایگزین، از روزه ای یا صدقه ای یا قربانی ای (=آنچه برای عبادت خدا و پرهیزکاری تقدیم کنند)، پس اگر آسوده خاطر شدید، پس کسی که برخوردار شد از عمره به حج، پس آنچه فراهم شد از حیوان قربانی، پس کسی که هرگز نیافت، پس روزه ی سه روزه در حج، و هفت، اگر برگشتید، آن دهی کامل شده است، آن برای کسی است که هرگز نبود ساکن آن، حضور یابندگان مسجد الحرام، و حذر کنید از خدا، و بدانید همانا خدا نیرومند کیفر است

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (197 بقره)

حج، ماه های دانسته شده است پس هر کس بایسته کرد در آنان حج را، پس نیست آمیزش جنسی، و نه دور شدن از راه حق، و نه مشاجره در حج، و آنچه را انجام می‌دهید از نیکویی، می داند آن را خدا، و تدارک ببینید، پس همانا بهترین توشه، پرهیزکاری است، و حذر کنید از من، ای خردمندان

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ (198 بقره)

بر شما گناهی نیست اینکه طلب کنید مزیتی از ربّتان، پس اگر رفتید از عرفات، پس به یاد آورید خدا را نزدیک مشعر الحرام، و به یاد آورید او را چنانکه هدایت کرد شما را، و همانا بودید از قبل آن، یقیناً از گمراهان

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (199 بقره)

سپس بروید از هر جا که رفت مردم، و از خداوند طلب عفو کنید، همانا خدا بسیارآمرزنده ی بخشایشگر است

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ (200 بقره)

پس اگر انجام دادید عبادت هایتان را، پس به یاد آورید خدا را، مانند به یاد آوردنتان در مورد پدرانتان، یا به یاد آوردنی نیرومندتر، پس از مردم کسی است که می‌گوید ربّ ما، به ما بده در دنیا، و نیست برای او در آخرت، از بهره مندی ای

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (201 بقره)

و از آنان کسی است که می گوید ربّ ما، بده به ما در دنیا نیکی ای و در آخرت نیکی ای، و ما را از عذاب آتش نگه دار

أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (202 بقره)

آنان برایشان بهره ای است از آنچه به دست آوردند، و خدا شتابنده در شمارش است

وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (203 بقره)

و به یاد آورید خدا را در روزهایی به حساب آمده (یا اندک)، پس کسی که شتاب کند در دو روز، پس گناهی بر او نیست، و هر که به تاخیر اندازد، گناهی بر او نیست، برای کسی است که حذر کرد، و حذر کنید از خدا، و بدانید همانا شما به او جمع کرده می شوید

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ (204 بقره)

و از مردم کسی است که به تعجب می آورد تو را، سخنش در زندگی دنیا، و شاهد می گیرد خدا را بر آنچه در دلش است، و او سرسخت ترین دشمنان است

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ (205 بقره)

و اگر روی برتافت، کوشش کرد در زمین، تا تباه کند در آن، و نابود کند زراعت و خلق (یا نسل) را، و خدا دوست ندارد تباه شدن را

(برخی از مردم به گونه ای سخن می گویند که شنونده گمان می برد، که او فردی درستکار است در حالی که او بدترین دشمنان است و در حالی که کوشش کننده در زمینه ی تباهی در زمین است.)

(در این آیه، به مفهوم فساد یا تباهی در زمین اشاره شده است و آن نابود کردن زراعت و خلق است.)

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ (206 بقره)

و اگر گفته شد به او حذر کن از خدا، گرفت او را ارجمندی (یا غرور) به گناه، پس بسنده است او را جهنم، و یقیناً بد بستری است

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (207 بقره)

و از مردم کسی است که می فروشد جان خود را برای طلب خشنودی خدا، و خدا مهربان است به بندگان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (208 بقره)

ای کسانی که ایمان آوردید، داخل شوید به تسلیم، همگی، و پیروی نکنید از گام های شیطان، همانا او برای شما دشمنی آشکار است

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (209 بقره)

پس اگر لغزیدید از پس از آنکه آمد برای شما دلایل، پس بدانید همانا خدا ارجمند صاحب حکمت است

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (210 بقره)

آیا انتظار می کشند جز اینکه بیاید نزد آنان خدا، در سایبان هایی از ابر، و فرشتگان، و تصمیم قطعی گرفته شد در کار (یا موضوع)، و به خدا برگردانده می شود کارها

سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (211 بقره)

سؤال کن از فرزندان اسرائیل، که چقدر دادیم به آنان از نشانه ی آشکار (یا دلیل)، و کسی که جایگزین کند نعمت خدا را، از پس از آنکه آمد نزد او، پس همانا خدا نیرومند کیفر است

زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (212 بقره)

آراسته شد برای کسانی که کفر ورزیدند، زندگی دنیا، و مسخره می کنند از کسانی که ایمان آوردند را، و کسانی که حذر کردند، بالای آنان هستند در روز قیامت، و خدا روزی می دهد کسی را که می خواهد بدون حساب

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (213 بقره)

بود مردم جماعتی یگانه، پس برانگیخت خدا پیامبران را، مژده دهندگان و هشدار دهندگان، و نازل کرد با آنان، کتاب را به حقیقت، تا قضاوت (یا حکم) کنند بین مردم، در آنچه اختلاف داشتند در آن، و اختلاف نداشت در آن، جز کسانی که داده شدند آن را، از پس از آنکه آمد نزد آنان دلایل، به سبب ستم (یا نافرمانی) بین آنان، پس هدایت کرد خدا، کسانی را که ایمان آوردند، از آنچه اختلاف داشتند در آن از حقیقت، با اجازه اش، و خدا هدایت می کند کسی را که می خواهد، به راه راست

(بیان شده، کتاب نازل شده است به همراه پیامبران، تا آنان به وسیله ی آن، بین مردم در مورد اختلافات آنان، قضاوت کنند و این جایگاه کتاب آسمانی در ادیان مختلف را نشان می دهد. در اسلام، قرآن را رها

کرده اند و به استناد روایات و احادیث، احکام دین اسلام را استخراج نموده اند که بسیاری از این احکام، دروغین و بی اعتبار از لحاظ قرآن بوده و باعث گمراهی مسلمانان شده است که یکی از مهم ترین دلایل این اتفاق، ناآگاهی مسلمانان از قرآن است.)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (214 بقره)

یا گمان کردید که داخل می شوید به بهشت، و هنوز نیامد نزد شما مَثَل کسانی که سپری شدند از قبل شما، مبتلا شد آنان را فقر و سختی، و لرزانده شدند، تا بگوید فرستاده و کسانی که ایمان آوردند با او، چه وقت است یاری خدا، آگاه باشید، همانا یاری خدا نزدیک است

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (215 بقره)

از تو می پرسند که چه چیزی را خرج می کنند، بگو آنچه را که خرج کردید از دارایی ای (یا نیکویی ای)، پس برای پدر و مادر و نزدیکتران و یتیمان و بی چیزان و مسافر است، و آنچه را انجام دهید از نیکویی ای، پس همانا خدا به آن داناست

(بیان شده که آن چیزی را که در راه خدا خرج می کنند به افرادی تعلق می گیرد که در این آیه بیان شده است.)

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (216 بقره)

مقرر شد بر شما جنگ، و آن سختی (یا بیزاری) است برای شما، و چه بسا اینکه کراهت دارید چیزی را، و آن بهتر است برای شما، و چه بسا اینکه دوست دارید چیزی را، و آن بدی ای است برای شما، و خدا می داند و شما نمی دانید

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (217 بقره)

می پرسند از تو درباره ماه حرام (یا مقدس)، درباره جنگیدن در آن، بگو جنگیدن در آن بزرگ است و بازداشتن از راه خدا و کفر به او و مسجد الحرام و بیرون کردن ساکنین آن از آن، بزرگتر است نزد خدا، و در آشوب افکندن، بزرگتر است از کشتن، و کنار نمی کشند، با شما می جنگند تا شما را باز می گردانند از دینتان، اگر توانایی انجام یافتند، و کسی که برگردد از شما از دینش، پس بمیرد و او کافر باشد، پس آنان، باطل شد کارهایشان در دنیا و آخرت، و آنان همنشینان آتش هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

(در مورد جنگیدن در ماه حرام، بیان شده است که جنگیدن در آن، بزرگ است ولی بازداشتن از راه خدا و مجبور کردن افراد به کفر ورزیدن به خدا، و بیرون کردن ساکنین مسجدالحرام از آن، بزرگتر است نزد خدا، و این کارها که در آشوب افکندن است، بزرگتر است از کشتن در ماه حرام. این به آن معنا

است که درست است که ماه حرام است و جنگیدن در آن بزرگ و نادرست است ولی وقتی این اتفاقات در ماه حرام به مسلمانان تحمیل می شود، جنگیدن مسلمانان در ماه حرام، ایرادی ندارد. و در ادامه بیان شده که دشمنان کنار نمی کشند و با شما می جنگند تا اگر توانستند شما را از دینتان باز دارند و به کفر برگردانند. نکته ی دیگر این است که این اتفاقات که در این آیه بیان شده است، ابتدا از جانب دشمنان به مسلمانان تحمیل شده است و شروع کننده ی جنگ، دشمنان بوده اند.)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (218 بقره)

همانا کسانی که ایمان آوردند، و کسانی که مهاجرت کردند و تلاش کردند در راه خدا، آنان امید دارند به مهربانی خدا، و خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (219 بقره)

می پرسند از تو درباره شراب و قمار، بگو در آن دو، گناهی بزرگ و فایده هایی برای مردم است، وگناه آن دو بزرگتر است از سود آن دو، و از تو می‌پرسند چه چیزی خرج کنند، بگو مال مازاد بر خرج را، این گونه آشکار می‌گرداند خداوند برای شما آیات را، شاید بیندیشید

(شراب و قمار در این آیه، حرام شمرده نشده است و فقط بیان شده که در آن دو، گناهی بزرگ و فایده هایی برای مردم است، وگناه آن دو بزرگتر است از سود آن دو. اینکه در آنها گناهی بزرگ است به معنای گناه بودن خود این اعمال نیست، بلکه به این معنی است که با انجام آنها ممکن است فرد مرتکب گناهی گردد، برای مثال فردی که در حال مستی مرتکب جنایت شده است، در این حالت، جنایت یک گناه بزرگ است ولی مستی گناه نیست.)

(در مورد خرج کردن در راه خدا، بیان شده که مالی را در راه خدا خرج کنید که مازاد بر خرج است یعنی خودتان به آن برای گذران زندگی نیازمند نیستید.)

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (220 بقره)

در دنیا و آخرت، و می پرسند از تو درباره یتیمان، بگو اصلاح کردن برای آنان بهتر است، و اگر نشست و برخاست کنید با آنان، پس برادران شمایند، و خدا می شناسد تباه کننده را از اصلاح کننده، و اگر می خواست خدا، یقیناً شما را به رنج و زحمت می انداخت، همانا خدا ارجمند صاحب حکمت است

وَلاَ تَنكِحُواْ الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَّ وَلأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلاَ تُنكِحُواْ الْمُشِرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُواْ وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُوْلَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللّهُ يَدْعُوَ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ(221 بقره)

و ازدواج نکنید با زنان مشرك، تا ایمان بیاورند (=آن زنان)، و یقیناً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرك است، اگرچه شما را به شگفت آورد، و به عقد در نیاورید مردان مشرک را، تا ایمان بیاورند، و یقیناً برده ی با ایمان بهتر است از مشرکی، اگرچه شما را به شگفت آورد، آنان فرا می خوانند به آتش، و خدا

فرا می خواند به باغ و آمرزش، با اجازه خود، و آشکار می سازد آیاتش را برای مردم، شاید آنان به یاد می آورند

(ازدواج با مردان و زنان مشرک، تا زمانی که ایمان نیاورده اند، منع شده است.)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (222 بقره)

و می پرسند از تو درباره عادت ماهانه زنان، بگو آن آزاری است، پس کناره گیری کنید از زنان در عادت ماهانه، و به آنان نزدیک نشوید تا پاکیزه شوند، پس چون پاکیزه شدند، پس بیایید نزد آنان از جایی که فرمان داد به شما خدا، همانا خدا دوست دارد بسیار بازگشت کنندگان را، و دوست دارد پاک شوندگان را

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (223 بقره)

زنان شما، زمین زراعی هستند برای شما، پس بیایید به زمین زراعیتان، آنطور که خواستید، و پیشی گیرید برای خودتان، و حذر کنید از خدا، و بدانید همانا شما ملاقات کنندگان او هستید، و مژده ده مؤمنان را

(در آیه قبلی بیان شده که بیایید نزد زنان از جایی که خدا فرمان داد به شما، و در آیه بعدی بیان شده زنان شما زمین زراعی شما هستند، پس بیایید به زمین زراعیتان آنطور که خواستید. منظور از تشبیه زنان به زمین زراعی، حاملگی زنان و تولد فرزند است و به نظر می رسد که منظور از این تشبیه، بیان جای انجام رابطه ی جنسی در زنان است به این معنی که بچه در رحم مادر به وجود می آید و باید از طریق واژن عمل جنسی را انجام داد و این محل همان جایی است که در آیه قبلی بیان کرده: پس بیایید نزد آنان از جایی که فرمان داد به شما خدا.)

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (224 بقره)

و قرار ندهید خدا را آماجی برای سوگندهایتان، اینکه مورد قبول واقع شوید، و حذر کنید، و اصلاح کنید بین مردم را، و خدا شنوای داناست

(بیان شده برای مورد قبول واقع شدن، مرتباً به خدا سوگند نخورید.)

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (225 بقره)

سرزنش نمی کند شما را خدا، به سبب باطل در سوگندهایتان، و لیکن سرزنش می کند شما را به سبب آنچه به دست آورد دل هایتان، و خدا بسیار آمرزنده بردبار است

(برای سوگندهای باطل مورد سرزنش قرار نمی گیرید بلکه به سبب آنچه دل هایتان به دست آورد، مورد سرزنش واقع می شوید.)

لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (226 بقره)

برای کسانی که سوگند می خورند برای دست کشیدن از زنانشان، انتظار چهار ماه است، پس اگر بازگشتند، پس همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (227 بقره)

و اگر تصمیم قطعی به طلاق گرفتند، پس همانا خدا شنوای داناست

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَٰلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (228 بقره)

و زنان طلاق داده شده، منتظر بمانند با خودشان، سه پاکی از حیض (یا سه حیض) را، و حلال نیست برای آنان، اینکه مخفی کنند آنچه را آفریده است خدا در رحم هایشان، اگر ایمان می داشتند به خدا و روز بازپسین، و شوهرانشان سزاوارترند به برگرداندنشان به دلیل آن، اگر خواستند به اصلاح، و برای آنان (=زنان) است مثل آنچه که بر آنان (=زنان) است از مشهور، و برای مردان است بر آنان (= زنان) رتبه ای، و خداوند ارجمند صاحب حکمت است

(زنانی که طلاق داده شده اند باید به اندازه سه پاکی از حیض را صبر کنند و این به دلیل این است که مطمئن شوند حامله نیستند و حلال نیست برای آنان اینکه اگر حامله هستند، حاملگی خود را مخفی کنند و شوهرانشان به برگرداندن آنان به دلیل حاملگی آنان، سزاوارترند، البته اگر اصلاح بین خود را خواستارند و مشکلی با زندگی در کنار یکدیگر ندارند. و برای زنان نیز همانطور که مورد عمل مشهوری از جانب مردان واقع می شوند، مشهوری است همانند آن، که می توانند برای مردان انجام دهند. ولی برای مردان بر زنان رتبه ای است و به این معنی است که مردان به دلیل این رتبه ای که بیان شده، می توانند پیش قدم شوند و دل خانم را به دست آورند. و این رتبه ی مطرح شده به معنای وظیفه ای برای زنان در قبال مردان نیست بلکه بیان وضع موجود است.)

(سه پاکی از حیض که زنان بعد از طلاق باید صبر کنند، برای اطمینان از این موضوع است که حامله نیستند. حال اگر بتوان از روش های دیگر که امروزه قابل استفاده است و مشخص می کند که خانم حامله است یا نه، استفاده نمود، دیگر نیازی به صبر کردن تا سه پاکی نیست.)

الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (229 بقره)

طلاق دو بار است پس نگاه داشتن به مشهور یا رها کردن با نیکی، و حلال نیست برای شما (=مردان) اینکه بگیرید از آنچه به آنان دادهاید چیزی را، مگر اینکه آن دو بترسند که آن دو به پا نمی دارند حدهای خدا را، پس اگر ترسیدید که آن دو به پا نمی دارند حدهای خدا را، پس نیست گناهی بر آن دو در آنچه زن فدیه (یا جایگزین) داد به او، آن حدهای خدا است، پس تجاوز نکنید به آن، و کسی که تجاوز کند به حدهای خدا، پس آنان خود ستمکارانند

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (230 بقره)

پس اگر او (=زن) را طلاق داد پس حلال نیست برای او (=مرد) از این پس، تا ازدواج کند (= زن) با همسری غیر از او (=مرد)، پس اگر طلاق داد او (=زن) را، پس نیست گناهی بر آن دو، اینکه به یکدیگر بازگردند، اگر گمان می برند آن دو، اینکه به پا می دارند حدهای خدا را، و آن حدهای خدا است که آشکار می کند آن را برای جماعتی که می دانند

(تا دو بار طلاق میان زن و شوهر، آن دو می توانند به یکدیگر باز گردند ولی بار سوم اگر طلاق دادند، دیگر نمی توانند به یکدیگر بازگردند مگر اینکه زن با مردی دیگر ازدواج کند و از او طلاق بگیرد که در این حالت می تواند دوباره به شوهر قبلی خود بازگردد.)

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (231 بقره)

و اگر طلاق دادید زن ها را، پس رسیدند به مهلتشان، پس نگاهشان دارید به مشهور، یا رهایشان کنید به مشهور، و آنان را نگه ندارید برای ضرر رساندن، تا تجاوز کنید، و کسی که انجام دهد آن را، پس به درستی ستم کرد به خودش، و نگیرید آیات خدا را به مسخره، و به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، و آنچه را نازل کرد بر شما از کتاب و حکمت، پند می دهد شما را با آن، و حذر کنید از خدا، و بدانید همانا خدا بر همه چیز داناست

(بیان شده که خداوند نازل کرد بر شما کتاب و حکمت را، که پند می دهد به شما با آن. کتاب و حکمت همان قرآن است که از جانب خداوند نازل شده است و خداوند توسط قرآن به مردم پند می دهد.)

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (232 بقره)

و اگر طلاق دادید زن ها را، پس رسیدند به مهلتشان، پس منع نکنید آنها را، اینکه ازدواج کنند با همسرانشان، اگر موافقت کردند بینشان به مشهور، آن را، پند داده می شود به آن، کسی که ایمان می آورد از شما به خدا و روز واپسین، آن پاک تر است برای شما، و پاکیزه تر است، و خدا می داند و شما نمی دانید

(اگر زن و شوهر از یکدیگر طلاق گرفتند و زن رسید به سه پاکی، پس زن ها را منع نکنید که دوباره ازدواج کنند با همسرانشان، اگر در میان خود به صورت مشهور، به توافق رسیدند.)

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (233 بقره)

و مادران شیر بدهند فرزندانشان را دو سال کامل، برای کسی است که خواست اینکه کامل کند شیرخوارگی را، و بر پدر نوزاد است روزی آنان، و لباس آنان، به نیکی، تکلیف نمی شود کسی جز توانش، دچار ضرر نشود مادری به سبب فرزندش، و نه پدر نوزادی به سبب فرزندش، و بر ارث برنده مانند آن است، پس اگر آن دو خواستند از شیر گرفتن بچه را، با رضایت از آن دو و مشورت، پس نیست گناهی بر آن دو، و اگر بخواهید اینکه کسی را برای شیر دادن به فرزندانتان اجیر کنید، پس نیست

گناهی بر شما، اگر تحویل دادید آنچه را موافقت کردید به نیکی، و حذر کنید از خدا، و بدانید همانا خدا به آنچه انجام می دهید بیناست

(اگر کسی بخواهد دوران شیرخوارگی نوزاد را کامل کند، باید دو سال به نوزاد شیر دهد و در دوران شیردادن مادر، بر عهده پدر نوزاد است روزی و پوشاک آنان به نیکی، البته در حد توانش. و نباید مادر و پدر و ارث برنده به دلیل نوزاد دچار ضرر شوند. و اگر پدر و مادر با رضایت و مشورت یکدیگر، خواستند نوزاد را از شیر بگیرند، گناهی بر آنان نیست و اگر برای شیر دهی به نوزاد خود، کسی را اجیر کنید، گناهی بر شما نیست البته به شرط آنکه دستمزدی را که با او موافقت کرده اید، به نیکی به او بدهید.)

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلاَ جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ(234 بقره)

و کسانی که میرانده می شوند از شما، و رها می کنند همسرانی را، منتظر بمانند (=همسران) با خودشان چهار ماه و ده روز، پس اگر رسیدند به مهلتشان، پس نیست گناهی بر شما در آنچه انجام دادند برای خودشان به مشهور، و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است

(این چهار ماه و ده روز برای آشکار شدن علائم ظاهری بارداری در زنان حامله است، و اگر بتوان با روش های دیگری به این موضوع پی برد، دیگر نیازی به انتظار چهار ماه و ده روز نخواهد بود.)

وَلاَ جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاء أَوْ أَكْنَنتُمْ فِي أَنفُسِكُمْ عَلِمَ اللهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِن لاَّ تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلاَّ أَن تَقُولُواْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا وَلاَ تَعْزِمُواْ عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىَ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ(235 بقره)

و نیست گناهی بر شما در آنچه به طور ضمنی گفتید از آن، از خواستگاری زنان، یا پنهان کردید در خودتان، دانست خدا همانا شما به یاد خواهید آورد آنان (=زنان) را، و لیکن وعده ملاقات نگذارید با آنان به گونه ی سرّی، جز اینکه بگویید گفتاری مشهور را، و تصمیم قطعی نگیرید به گره ی ازدواج، تا برسد به مقرر کردن مهلتش، و بدانید همانا خدا می داند آنچه در جان هایتان است، پس حذر کنید از او، و بدانید همانا خدا بسیار آمرزنده بردبار است

(این آیه در مورد زنانی بیان شده که در آیه قبل در مورد آنان صحبت شده است و منظور از مقرر کردن مهلت آنان، رسیدن آنان به چهار ماه و ده روز است.)

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (236 بقره)

نیست گناهی بر شما، اگر طلاق دادید زنان را، تا هرگز آمیزش نکرده اید با آنها، یا معین نکردید برایشان سهم معینی را، پس بهره مند کنید آنان را، بر توانگر به اندازه ی توانش، و بر تنگدست به اندازه توانش، کالایی به مشهور، حقیقتی است بر بسیار نیکوکاران

وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (237 بقره)

و اگر طلاق دادید آنان را از قبل از اینکه آمیزش کنید با آنان، و به درستی تعیین کردید برای آنان سهم معینی را، پس نصف آنچه را تعیین کردید، جز اینکه صرفنظر کنند، یا صرفنظر کند آنکه به دست اوست گره ازدواج، و اینکه صرفنظر کنید، نزدیک تر است به پرهیزکاری، و فراموش نکنید مزیت را بینتان، همانا خدا به آنچه انجام می دهید بیناست

(اگر قبل از آمیزش جنسی با زنان، آنها را طلاق دهید، دو حالت امکان دارد وجود داشته باشد، یک حالت اینکه مهریه ای برای آنان تعیین کرده اید و حالت دیگر اینکه مهریه ای تعیین نکرده اید. اگر تعیین کرده اید، نصف مهریه را باید بپردازید مگر اینکه صرفنظر کنند از آن، و صرفنظر کردن نزدیک تر است به پرهیزکاری، و اگر تعیین نکرده اید، مهریه به آنان تعلق نمی گیرد ولی مردان به اندازه توانشان، چیزی به زن ها بدهند.)

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (238 بقره)

حفاظت کنید بر نمازها، و نماز وسط (یا میانه)، و به پا خیزید برای خدا فرمانبرداران

(منظور از نماز وسط، نماز صبح و نماز مغرب است و این دو نماز از اهمیت بالایی برخوردارند.)

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (239 بقره)

پس اگر ترسیدید، پس پیاده رونده ها یا سواره ها، پس اگر آسوده خاطر شدید، پس به یاد آورید خدا را، چنانکه آموخت به شما آنچه را هرگز نمی دانستید

(و اگر در وقت نماز دچار تهدیدی هستید و نمی توانید برای نماز توقف کنید، پس در حال حرکت نماز را بخوانید و وقتی امنیت یافتید، پس خداوند را به یاد آورید.)

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (240 بقره)

و کسانی که میرانده می شوند از شما، و رها می کنند همسرانی را، وصیتی برای همسرانشان، کالایی را تا سال، بدون بیرون کردن، پس اگر بیرون رفتند (=زنان)، پس نیست گناهی بر شما در آنچه انجام دادند برای خودشان از مشهور، و خدا ارجمند صاحب حکمت است

(بیان شده برای همسران خود وصیتی را در نظر بگیرید و به این صورت باشد که تا یک سال بعد از مردن فرد، همسرانش را از خانه بیرون نکنند و نیاز آنها را به آنها بدهند. پس اگر زودتر از یک سال، خودشان با میل خود در خانه نماندند، گناهی بر شما نیست.)

وَلِلْمُطَلَّقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (241 بقره)

و برای زنان طلاق داده شده، کالایی به مشهور، حقیقتی است بر پرهیزگاران

(بیان شده که برای زنانی که طلاق داده اید نیز چیزی را در وصیت قرار دهید که مشهور باشد و به آنها بدهید. منظور از مشهور این است که در هر زمانی به گونه ای رسم است و طبق رسمی که در زمان شما است، در این مورد اقدام کنید.)

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (242 بقره)

اینچنین آشکار می کند خدا برای شما آیاتش را، شاید شما درک می کنید

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (243 بقره)

آیا هرگز ندیدی کسانی که خارج شدند از خانه هایشان، و آنان هزاران بودند، از احتیاط مرگ، پس گفت به آنان خداوند، بمیرید سپس زندشان کرد، همانا خدا یقیناً صاحب مزیت است بر مردم، و لیکن بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (244 بقره)

و بجنگید در راه خدا، و بدانید همانا خدا شنوای داناست

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (245 بقره)

کیست آنکه قرض می دهد به خدا، قرضی نیکو را، پس می افزاید به آن برای او چندین و چند برابر، و خدا تنگ می گیرد و وسعت می دهد، و به او بازگردانده می شوید

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (246 بقره)

آیا هرگز ندیدی بزرگان قوم از فرزندان اسرائیل را، از پس از موسی، هنگامی که گفتند به پیامبری که برای آنان بود، که برانگیز برای ما پادشاهی را، تا بجنگیم در راه خدا، گفت آیا چه بسا شما، اگر مقرر شد بر شما جنگیدن، اینکه نجنگید، گفتند، و ما را چه شده که نجنگیم در راه خدا، و به درستی اخراج شدیم از خانه هایمان، و پسرانمان، پس وقتی که مقرر شد بر آنان جنگیدن، پشت کردند جز اندکی از آنان، و خدا داناست به ستمکاران

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (247 بقره)

و گفت به آنان، پیامبرشان، همانا خدا به درستی برانگیخت برای شما، طالوت را به عنوان پادشاه، گفتند چگونه باشد برای او سلطه بر ما، و ما شایسته تریم بر سلطه از او، و هرگز داده نشد به او توانگری ای از دارایی، گفت همانا خدا انتخاب کرد او را بر شما، و افزود او را از نظر گسترش در علم و بدن، و خدا می دهد سلطه اش را به کسی که می خواهد، و خدا گشایش ایجاد کننده ی داناست

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (248 بقره)

و گفت به آنان پیامبرشان، همانا نشانه ی سلطه ی او این است که نزد شما بیاید صندوقی، که در آن آرامش است از ربّتان، و باقیمانده ای است از آنچه ترک کرد خاندان موسی و خاندان هارون، حمل می کند آن را فرشتگان، همانا در آن یقیناً نشانه ای است برای شما، اگر بودید مؤمنان

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (249 بقره)

پس وقتی که خارج شد طالوت با لشکریان، گفت همانا خدا آزمایش کننده شماست با رودخانه ای، پس کسی که نوشید از آن، پس نیست از من، و کسی که هرگز آن را نخورد، پس همانا او از من است، جز کسی که با کف دست، برداشت یک کف دست را با دستش، پس نوشیدند جز اندکی از آنان، پس وقتی که از آن گذشت، او و کسانی که با او بودند، گفتند نیست توان برای ما امروز، بر جالوت و لشکریانش، گفت کسانی که گمان می کنند همانا آنان ملاقات کنندگان خدا هستند، چه بسیار از جماعتی اندک، که پیروز شد بر جماعتی بسیار زیاد، با اجازه خدا، و خدا با شکیبایان است

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (250 بقره)

و وقتی که بیرون آمدند به جالوت و لشکریانش، گفتند ربّ ما، بریز بر ما شکیبایی ای را، و استوار کن قدم هایمان را، و یاری کن ما را بر گروه کافران

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (251 بقره)

پس آنان را شکست دادند با اجازه خدا، و کُشت داوود، جالوت را، و داد به او خدا، سلطه و حکمت را، و به او یاد داد از آنچه می خواهد، و اگر دفع نمی کرد خدا مردم را، بعضی از آنان را با بعضی، یقیناً تباه می شد زمین، و لیکن خدا دارای مزیتی است بر جهانیان

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (252 بقره)

آن آیات خدا است، می خوانیم آن را بر تو به حقیقت، و همانا تو یقیناً از فرستادگان هستی

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (253 بقره)

آن پیامبران را صاحب فضل دانستیم، بعضی از آنان را بر بعضی، از آنها کسی است که سخن گفت با خدا، و بالا برد بعضی از آنان را از نظر رتبه ها، و دادیم به عیسی پسر مریم دلایل را، و حمایت کردیم او را با روح مقدس، و اگر می خواست خدا، یکدیگر را نمی کشت، کسانی از پس از آنان، از پس از آنچه آمد نزد آنان دلایل، و لیکن اختلاف داشتند، پس، از آنان کسی است که ایمان آورد، و از آنان کسی است که کفر ورزید، و اگر می خواست خدا، یکدیگر را نمی کشتند، و لیکن خدا انجام می دهد آنچه را می خواهد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (254 بقره)

ای کسانی که ایمان آوردید، خرج کنید از آنچه روزی دادیم به شما، از قبل از اینکه بیاید، روزی که نیست داد و ستدی در آن، و نه دوستی ای، و نه شفاعتی، و کافران خود ستمکاران هستند

(در روز قیامت نه داد و ستدی است و نه دوستی ای و نه شفاعتی.)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (255 بقره)

خداست، نیست خدایی جز او، زنده و دائم الوجود است، او را نمی گیرد خواب آلودگی، و نه خواب، برای اوست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، کیست آن کس که شفاعت می کند نزد او، جز با اجازه او، می داند آنچه در برابر آنان است و آنچه پشت سرشان است، و احاطه نمی کنند به چیزی از دانش او، جز به آنچه خواست، وسعت یافته تختش، آسمان ها و زمین را، و دشوار نیست برای او نگهداری آن دو، و او بلند قدر بزرگ است

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (256 بقره)

نیست اجباری در دین، به درستی آشکار شد هدایت از گمراهی، پس کسی که کفر ورزد به تجاوزگر (یا بُت)، و ایمان آورد به خدا، پس به درستی متوسل شد به تکیه گاهی استوارتر، که نیست شکافی در آن، و خدا شنوای داناست

(اجباری در دین نیست، هدایت از گمراهی مشخص شده است و این انتخاب هر شخص است که هدایت را انتخاب کند یا گمراهی را. این اجباری نبودن، هم در مورد ایمان و کفر بیان شده است که اساسی ترین و مهمترین بخش اعتقادی در دین است، به گونه ای که در آیات قرآن بیان شده است که اگر فردی کافر باشد، اگر حتی فرد درستکار و نیکوکاری هم باشد، به دلیل کفر، کلیه ی نیکی های او باطل است و او وارد جهنم می شود، و هم در مورد موارد جزئی تر مثل احکام و دستورات دین می باشد. با وجود اینکه خداوند در قرآن، هم در این آیه و هم در آیات دیگر، عدم اجبار در دین را بیان نموده است، چگونه و با استناد به کدام آیه از قرآن، در طول تاریخ پس از اسلام، شاهد اجبار در مورد ایمان آوردن و اجبار در اجرای دستورات دین، تحت عنوان دین، به مردم هستیم. آزادی در پذیرش ایمان و انجام دستورات دین، که توسط جوامع غیر مسلمان به رسمیت شناخته می شود، همان چیزی است که در قرآن بیان شده است ولی هنوز بسیاری از مسلمانان، آن را قبول ندارند.)

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (257 بقره)

خدا دوست کسانی است که ایمان آوردند، آنان را بیرون می کند از تاریکی ها به نور، و کسانی که کفر ورزیدند، دوستان آنان، تجاوزگر (یا بت) است، بیرون می کنند آنان را، از نور به تاریکی ها، آنان همنشینان آتش هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (258 بقره)

آیا هرگز ندیدی آنکه را مجادله کرد با ابراهیم برای ربّش، که داد به او خدا، سلطه را، هنگامی که گفت ابراهیم، ربّ من آن است که زنده می کند و می میراند، گفت من زنده می کنم و می میرانم، گفت ابراهیم، پس همانا خدا می آورد خورشید را از مشرق، پس بیاور آن را از مغرب، پس حیرت زده شد آنکه کفر ورزید، و خدا هدایت نمی کند گروه ستمکاران را

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (259 بقره)

یا مانند آنکه عبور کرد بر آبادی ای، و آن تو خالی شده بود بام هایش، گفت چگونه زنده می کند این را خدا، پس از مرگش، پس میراند او را خدا، صد سال، سپس او را برانگیخت، گفت چقدر درنگ کردی، گفت درنگ کردم روزی یا بخشی از روز را، گفت بلکه درنگ کردی صد سال، پس نگاه کن به غذایت و نوشیدنی ات، هرگز تغییر نکرده، و نگاه کن به الاغت، و تا قرار دهیم تو را نشانه ای برای مردم، و بنگر به استخوان ها، که چگونه بلندش می کنیم، سپس می پوشانیم بر آن گوشتی را، پس وقتی که آشکار شد برای او، گفت می دانم همانا خدا بر همه چیز تواناست

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (260 بقره)

و هنگامی که گفت ابراهیم، ربّ، نشانم بده چگونه زنده می کنی مردگان را، گفت آیا هرگز ایمان نیاوردی، گفت بله، و لیکن تا اطمینان یابد دل من، گفت پس بگیر چهار تا از پرنده، انتقال بده آنها را به خود، سپس قرار ده بر هر کوهی، از آنان بخشی را، سپس فرا بخوان آنان را، تا نزد تو بیایند به سرعت، و بدان همانا خدا ارجمند صاحب حکمت است

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (261 بقره)

مَثَل کسانی که خرج می کنند دارایی هایشان را در راه خدا، مانند مثل دانه ای است که رویانیده هفت خوشه را، در هر خوشه ای صد دانه است، و خدا دو برابر می کند برای کسی که می خواهد، و خدا گشایش ایجاد کننده ی داناست

الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّـهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى ۙ لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (262 بقره)

کسانی که خرج می کنند دارایی هایشان را در راه خدا، سپس پیگیری نمی کنند آنچه را خرج کردند، با منت نهادن و نه آزاری، برای آنان پاداششان نزد ربّشان است، و نه بیمی بر آنان است و نه آنان اندوهگین می شوند

(کسانی که در راه خدا از دارایی هایشان خرج می کنند و پس از این عمل نیک، منّت و آزاری در ازای این بخشش خود نمی رسانند، برای آنان پاداششان نزد خداوند است.)

قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (263 بقره)

گفتاری مشهور و عفو، بهتر از صدقه ای است که به دنبال آن است آزاری، و خداوند بی نیاز بردبار است

(اینکه با کسی که کمکی می خواهد، به نیکی صحبت کنی بهتر است از صدقه دادنی که به دنبال آن، آزاری دهی.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (264 بقره)

ای کسانی که ایمان آوردید، باطل نکنید صدقه هایتان را با منت و آزار، مانند کسی که خرج می کند دارایی اش را برای ریاکاری کردن (یا دورویی) به مردم، و ایمان نمی آورد به خدا و روز واپسین، پس مَثَل او مانند مثل سنگ صاف و سختی است که بر آن خاکی است، پس به آن اصابت کرد باران تندی، پس رها کرد آن را سخت و صاف، توانا نمی شوند بر چیزی از آنچه فراهم کردند، و خدا هدایت نمی کند جماعت کافران را

(صدقه ای که به دنبال آن منّت و آزار باشد، باطل است و پاداشی نخواهد داشت.)

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (265 بقره)

و مَثَل کسانی که خرج می کنند دارایی هایشان را برای طلب خشنودی خدا، و استواری خودشان، مانند مثل باغی است بر تپه ای، که اصابت کرد به آن رگباری، پس آورد دو برابر ثمرش را، پس اگر هرگز به آن اصابت نکرد رگباری، پس باران ملایمی، و خدا به آنچه انجام می دهید بیناست

أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (266 بقره)

آیا دوست دارد یکی از شما، اینکه باشد برای او باغی از درختان خرما و انگورها، جاری می شود از زیر آن رودها، برای اوست در آن، از همه ی میوه ها، و اصابت کرد به او پیری (=صاحب باغ) و برای او است فرزندانی ناتوان، پس اصابت کرد به آن (=باغ) گردبادی که در آن آتش است، پس آتش گرفت، اینچنین آشکار می کند خدا برای شما آیاتش را، شاید شما تفکر کنید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (267 بقره)

ای کسانی که ایمان آوردید، خرج کنید از پاکیزه هایی که به دست آوردید، و از آنچه خارج کردیم برای شما از زمین، و قصد نکنید ناپاک (یا ناشایست) از آن را تا خرج کنید، و نبودید گیرنده آن، جز اینکه چشم پوشی کنید در آن، و بدانید همانا خدا بی نیاز ستوده است

(از چیزهای پاکیزه ای که به دست آوردید و از آنچه خارج کرد خدا برای شما از زمین، در راه خدا خرج کنید و چیزی را که ناشایست است و اگر به شما می خواستند بدهند، جز در حالت چشم پوشی در آن، نمی گرفتید، برای بخشش انتخاب نکنید.)

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (268 بقره)

شیطان به شما وعده می دهد فقر را، و شما را به گناه بسیار زشت امر می کند، و خدا وعده می دهد به شما، آمرزش گناه را از خود، و مزیتی را، و خداوند گشایش ایجاد کننده ی داناست

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (269 بقره)

می دهد حکمت را به کسی که می خواهد، و کسی که داده می شود حکمت را، پس به درستی به او داده شد نیکویی فراوانی، و یادآوری نمی کند جز خردمندان

وَمَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ اللّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ(270 بقره)

و آنچه را خرج کردید از خرج کردن، یا بر خود واجب کردید از نذر، پس همانا خدا می داند آن را، و نیست برای ستمکاران از یاری کنندگان

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (271 بقره)

اگر آشکار کنید صدقه ها را، پس خوب است آن، و اگر پنهانش کنید و بدهید آن را به مستمندان، پس آن بهتر است برای شما، و می پوشاند از شما، از گناهانتان را، و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است

(صدقه را اگر به صورت آشکارا بدهید خوب است ولی اگر به صورت پنهانی آن را به مستمندان بدهید، آن بهتر است و به هر شکل، از گناهان شما را، می پوشاند.)

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (272 بقره)

نیست بر تو هدایت آنان، و لیکن خدا هدایت می کند کسی را که می خواهد، و آنچه را خرج می کنید از دارایی ای، پس برای خودتان است، و خرج نمی کنید جز برای طلب کردن جهت (یا خشنودی) خدا، و آنچه را خرج می کنید از دارایی ای، به طور کامل داده می شود به شما، و شما مورد ستم واقع نمی شوید

(هدایت و گمراهی افراد، به خواست خداوند بستگی دارد و خداوند کسی را که بخواهد، هدایت می کند و کسی را که بخواهد گمراه می نماید، بنابراین اینکه افرادی، هدایت دیگران را وظیفه ی خود می دانند و برای هدایت دیگران، هر کاری را مجاز دانسته و به نام دین، مردم را به کارهایی که آن را دین می نامند، مجبور می کنند، جز دروغ نمی گویند و رفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد و هر کسی مسئول اعمال خود است و به خاطر اعمال دیگران بازخواست نمی شود.)

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (273 بقره)

برای نیازمندان است، کسانی که تحت فشار گذاشته شدند در راه خدا، نمی توانند حرکتی در زمین را، فرد بی اطلاع، آنان را، توانگران می پندارد از امتناع ورزیدن، می شناسی آنان را از چهره شان، درخواست نمی کنند از مردم با اصرار ورزیدن، و آنچه را خرج می کنید از دارایی ای، پس همانا خدا به آن داناست

الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (274 بقره)

کسانی که خرج می کنند دارایی هایشان را شب و روز، نهان و آشکارا، پس برای آنان، پاداششان نزد ربّشان است، و نیست ترسی بر آنان، و نه آنان اندوهگین می شوند

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (275 بقره)

کسانی که می خورند ربا (یا سود، فایده) را، بر نمی خیزند جز مانند اینکه بر می خیزد آنکه آزار می دهد او را شیطان از تماس، آن به سبب این است که همانا آنان گفتند، همانا خرید و فروش مانند ربا است، و حلال کرد خدا خرید و فروش را، و حرام کرد ربا را، پس کسی که آمد نزد او اندرزی از ربّش، پس دست برداشت، پس برای او است آنچه سپری شده، و کارش به خداست، و کسی که دوباره آغاز کرد، پس آنان همنشینان آتش هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (276 بقره)

نابود می کند خدا ربا را، و زیاد می کند صدقات را، و خدا دوست ندارد هر بسیار کفر ورزنده ی (یا بسیار ناسپاس) گناهکاری را

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (277 بقره)

همانا کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، و بر پا داشتند نماز را، و دادند زکات را، برای آنان پاداششان نزد ربّشان است، و نیست ترسی بر آنان، و نه آنان اندوهگین می شوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (278 بقره)

ای کسانی که ایمان آوردید، حذر کنید از خدا، و رها کنید آنچه ادامه داشت از ربا، اگر بودید مؤمنان

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (279 بقره)

پس اگر هرگز نکردید، پس آگاه باشید به جنگی از خدا و فرستاده اش، و اگر بازگشتید، پس برای شما است بخش های اصلی دارایی هایتان، ستم نمی کنید و مورد ستم واقع نمی شوید

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (280 بقره)

و اگر بود دارای دشواری ای، پس عقب انداختنی تا توانگری ای، و اینکه صدقه دادید، بهتر است برای شما، اگر می دانستید

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (281 بقره)

و حذر کنید از روزی که برگردانده می شوید در آن، به خدا، سپس کامل داده می شود به هر کسی، آنچه را به دست آورد، و آنان مورد ستم واقع نمی شوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (282 بقره)

ای کسانی که ایمان آوردید اگر قرض دادید وامی را تا مهلتی مشخص، پس بنویسید آن را، و باید بنویسد آن را بین شما، نویسنده ای با عدل (یا راستی)، و دریغ نورزد نویسنده، اینکه بنویسد، مانند آنچه به او یاد داد خدا، پس باید بنویسد، و باید املا کند آنکه بر اوست مال (=بدهکار)، و باید حذر کند از خدا، ربّش، و کم نکند از آن چیزی را، پس اگر بود آنکه بر اوست مال (=بدهکار)، کم عقل یا ناتوان، یا توانایی ندارد اینکه املا کند او، پس باید املا کند دوست او با عدل (یا راستی)، و به گواهی بخواهید دو گواه را از مردانتان، پس اگر هرگز نبودند دو مرد، پس مردی و دو زن، از کسی که خشنودید از گواهان، اینکه اگر فراموش کرد یکی از آن دو، پس یادآوری کند یکی دیگر از آن دو، و دریغ نورزد گواهان، اگر تا فرا خوانده شدند، و ملول نشوید اینکه می نویسید آن را، کوچک یا بزرگ، تا مهلتش، آن عادلانه تر است نزد خدا، و درست تر است برای گواهی، و نزدیک تر است که شک نکنید، جز اینکه باشد تجارتی حاضر، که آن را دست به دست می کنید بینتان، پس نیست بر شما گناهی، که آن را ننویسید، و شاهد گیرید اگر داد و ستد کردید، و زیان نبیند نویسنده و نه گواه، و اگر انجام دهید، پس همانا آن از راه حق دور شدنی است از شما، و حذر کنید از خدا، و به شما می آموزد خدا، و خدا بر هر چیزی داناست

(بیان شده که به گواهی بخواهید دو مرد از مردانتان را و اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن را به گواهی بگیرید. این دو مرد و یا یک مرد و دو زن به دلیل این بیان شده که اگر یکی از آن دو، چه دو مرد و چه دو زن، فراموش کرد، دیگری به یاد آورد، پس در هنگام شهادت دادن حتماً لازم نیست که همه ی شاهدان برای شهادت حاضر شوند، بلکه یکی از آنها به تنهایی اگر شهادت دهد کافی است. نکته دیگر اینکه این یک مرد و دو زن به معنی این نیست که شهادت دادن یک زن به اندازه ی نصف شهادت دادن یک مرد است، بلکه حتی اگر یک زن هم برای شهادت دادن آنچه که بر آن گواه بوده، حاضر شود، کافی است.

نکته ی دیگر اینکه چرا بیان نشده یک مرد و یک زن، و بیان شده یک مرد و دو زن، دلیل آن در قرآن بیان نشده است و می توان احتمال های گوناگونی برای آن بر شمرد از جمله جایگاه اجتماعی زنان در خانواده و جامعه در روزگاران قدیم و یا میزان تسلط مردان بر زنان در آن روزها، که شاید به این دلایل

و برای اینکه گواهی دادن در اثر تأثیر عوامل دیگر به خطر نیفتد، به جای اینکه یک زن بیان شود، دو زن بیان شده است و این هیچ ارتباطی به تفاوت بین زن و مرد و یا چیزهایی که در طول تاریخ بر علیه زنان تحت عنوان دین به دروغ بیان شده است، ندارد.)

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (283 بقره)

و اگر بودید در سفر، و هرگز نیافتید نویسنده ای را، پس گروهای گرفته شده، پس اگر مطمئن شد بعضی از شما به بعضی، پس باید بازگرداند آنکه مورد اعتماد قرار گرفت، امانت او را، و باید حذر کند ازخدا، ربّش، و کتمان نکنید گواهی را، و کسی که آن را کتمان کند، پس همانا او گناهکار است دلش، و خدا به آنچه انجام می دهید داناست

(اگر قرضی دادید و نویسنده ای نیافتید که بنویسد، پس چیزی را گرو بگیرید و اگر اطمینان کردید و گرو نگرفتید، پس باید کسی که به او اعتماد شده، امانت را بازگرداند. و کسی که گواهی را کتمان کند، دلش گناهکار است.)

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (284 بقره)

برای خداست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و اگر آشکار کنید آنچه در جان هایتان است، یا پنهانش کنید، محاسبه می کند شما را با آن، پس می آمرزد برای کسی که می خواهد، و عذاب می کند کسی را که می خواهد، و خدا بر هر چیزی توانا است

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (285 بقره)

ایمان آورد فرستاده، به آنچه نازل شد به او از ربّش، و مؤمنان، همه ایمان آورد به خدا و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش، از هم تفکیک نمی کنیم بین هیچ کدام از فرستادگانش را، و گفتند شنیدیم و اطاعت کردیم، آمرزش تو را ربّ ما، و به تو است برگشتن

(از مواردی را که یک مسلمان باید به آنها ایمان داشته باشد، را بیان کرده است.)

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (286 بقره)

به انجام کاری وا نمی دارد خدا، کسی را جز توانش، برای اوست آنچه به دست آورد و بر اوست آنچه به دست آورد، ربّ ما، نگیر ما را (یا سرزنش نکن ما را) اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم، ربّ ما، و حمل نکن بر ما بار سنگینی را، چنانکه حمل کردی آن را بر کسانی از قبل ما، ربّ ما، و وا ندار ما را به حمل آنچه نیست توان برای ما بر آن، و عفو کن از ما، و بیامرز برای ما، و مهربانی کن به ما، تو دوست ما هستی، پس یاری کن ما را بر جماعت کافران

سوره آل عمران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الم (1 آل عمران)

الف لام میم

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (2 آل عمران)

خدا است، نیست خدایی جز او، زنده ی دائم الوجود است

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ (3 آل عمران)

نازل کرد بر تو کتاب را به حقیقت، تصدیق کننده است بر آنچه در برابر آن است، و نازل کرد تورات و انجیل را

(قرآن تصدیق کننده است برای کتاب های قبل از خود، نظیر تورات و انجیل.)

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (4 آل عمران)

از قبل، هدایتی است برای مردم، و نازل کرد جدا کننده حق از باطل را، همانا کسانی که کفر ورزیدند به آیات خدا، برای آنان عذابی نیرومند است، و خدا ارجمند صاحب انتقام است

(کتاب های آسمانی در ادیان مختلف، وسیله ی هدایت است برای مردم، یعنی پیروان ادیان به وسیله ی خواندن کتاب آسمانی دین خود، می توانند راه هدایت را تشخیص دهند. قرآن، جدا کننده ی حق از باطل است، یعنی مسلمانان با خواندن قرآن می توانند حق را از باطل در زمینه ی دین، تشخیص دهند. از پس از آمدن اسلام، بسیاری از اعتقادات و احکام دروغین تحت عنوان اسلام، مطرح گردید و مردم بی اطلاع و ناآگاه از حقیقت، باطل را به جای حق پذیرفتند. این در حالی است که قرآن که بیان کننده ی حق است و نشان دهنده ی اسلام واقعی است، مورد توجه قرار نگرفته است.)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (5 آل عمران)

همانا خدا، پنهان نیست از او چیزی، در زمین و نه در آسمان

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (6 آل عمران)

اوست آنکه شکل می دهد به شما در رحم ها، آنگونه که می خواهد، نیست خدایی جز او، ارجمند صاحب حکمت است

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (7 آل عمران)

اوست آنکه نازل کرد بر تو کتاب را، از آن آیاتی استوار (یا دقیق) است، آنان اصل (یا مادر) کتاب هستند، و دیگری شبیه هم ها هستند، پس لیکن کسانی که در دل هایشان منحرف شدن است، پس پیروی می کنند آنچه شبیه شد از آن، طلب کردنِ در آشوب افکندن و طلب کردنِ تفسیر آن، و نمی داند تفسیر آن را جز خدا، و متبحران در دانش می گویند ایمان آوردیم به آن، همه از نزد ربّ ما است، و یادآوری نمی کند جز خردمندان

(این آیه ی قرآن، بیان کننده ی نکات مهمی در خواندن قرآن و فهم دستورات اسلام در قرآن است. بیان شده که در قرآن دو نوع آیه وجود دارد. یک نوع، آیات اصلی قرآن هستند که آیاتی استوار یا دقیق هستند و دسته دیگر، آیات شبیه به هم هستند. آیات اصلی، همان آیاتی هستند که دستورات و حلال و حرام دین را به صورت کاملاً آشکار بیان نموده است مثلاً در آیه ای بیان شده که خوردن گوشت حیوان مرده حرام است. در این آیه به وضوح این حرام دین را بیان نموده و با خواندن آن می توان به این حرام دین پی برد. آیات شبیه به هم، آیاتی هستند که دستوری از دین در آنها وجود ندارد و بسیاری از آیات قرآن، در این دسته جای می گیرند. برای مثال آیاتی که در مورد ماجرای فرعون و ماجراهای اقوام گذشته بیان شده است. در این آیه بیان شده است که کسانی که در دل هایشان منحرف شدن است، پیروی می کنند از آیات شبیه به هم، و طلب می کنند در آشوب افکندن را، و طلب می کنند تفسیر آیات شبیه به هم را، و تفسیر آن را جز خداوند نمی داند.

این دقیقاً همان اتفاقی است که در دین اسلام رخ داده است و بسیاری از احکام و دستورات دروغین را تحت عنوان اسلام از طریق تفسیر آیات، بیان کرده اند و مسلمانان ناآگاه از قرآن و حقیقت، آنها را به عنوان اسلام پذیرفته اند. ده ها جلد کتاب تحت عنوان تفسیر قرآن نوشته شده است که بیان کننده ی دین اسلام هستند، در حالی که در این آیه بیان شده که تفسیر این آیات را تنها خدا می داند، و حتی پیامبر هم از تفسیر آن ها آگاهی نداشته است و اصلاً این آیات بیان کننده ی دستورات دینی نیستند و آیات اصلی نیستند و پیروی از آنان را کسانی انجام می دهند که در دل هایشان منحرف شدن است. در کتاب هایی تحت عنوان رساله ی توضیح المسائل، احکام و حلال و حرام دین را نوشته اند و بسیاری از این احکام، اصلاً در قرآن وجود ندارد و وقتی پرسیده می شود که این حکم که در قرآن نیست از کجا آمده است، پاسخ می دهند که این حکم از تفسیر آیه ای در قرآن پیدا شده است که این همان انحرافی است که در این آیه، بیان شده است.)

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (8 آل عمران)

ربّ ما، منحرف نساز دل های ما را، پس از هنگامی که هدایت کردی ما را، ببخش بر ما از نزدت مهربانی ای را، همانا تو خود بسیار بخشنده ای

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (9 آل عمران)

ربّ ما، همانا تو جمع کننده مردم هستی برای روزی که نیست شکی در آن، همانا خدا تخلف نمی کند وعده را

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ (10 آل عمران)

همانا کسانی که کفر ورزیدند، هرگز بی نیاز نمی سازد از آنان، دارایی هایشان و نه فرزندانشان، از خدا چیزی را، و آنان خود، هیزم آتش هستند

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (11 آل عمران)

مانند عادت خاندان فرعون، و کسانی که از قبل آنان، تکذیب کردند آیات ما را، پس گرفت آنان را خدا به سبب گناهانشان، و خدا نیرومند کیفر است

(در مورد اقوام گذشته که در قرآن ماجرای آنان بیان شده است و بر آنان از جانب خداوند عذاب نازل شده است، یکی از پیش نیازهای رخ دادن عذاب خداوند، کفر ورزیدن آنها بوده است و تنها بر کسانی از آن اقوام، عذاب نازل می شده است که کافر بوده اند. و یکی دیگر از پیش نیازها، علاوه بر کافر بودن، عملی بوده است که آنها انجام می داده اند و باعث رخ دادن عذاب می شده است. در این آیه می فرماید که کفر ورزیدند، پس گرفت آنان را خدا، به سبب گناهانشان.)

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (12 آل عمران)

بگو به کسانی که کفر ورزیدند، بر شما غلبه خواهد شد و جمع کرده می شوید به جهنم، و بد بستری است

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ (13 آل عمران)

به درستی بود برای شما نشانه ای در دو گروهی که رو به رو شدند، گروهی می جنگد در راه خدا، و دیگری کافر است، می بینند آنان را دو برابر آنها، عقیده ی چشم است، و خدا حمایت می کند با یاری اش کسی را که می خواهد، همانا در آن یقیناً پندی است برای صاحب بینایی ها

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (14 آل عمران)

آراسته شد برای مردم دلبستگی جنبش های نفس در طلب لذت از زنان، و فرزندان، و گنجینه های پر از طلا و نقره، و اسب های نشاندار، و چهار پایان و زراعت، آن کالای زندگی دنیا است، و خدا نزدش بازگشت نیکو است

(این دلبستگی ها برای مردم آراسته شده است و هیچ ایرادی در آنها وجود ندارد. به نام اسلام به دروغ، بعضی در طول تاریخ تلاش کرده اند به گونه ای وانمود کنند که این دلبستگی ها خوب نیست و اگر فردی بخواهد فردی درستکار باشد و در قیامت اهل بهشت باشد، باید از این دلبستگی ها دوری نماید. با خواندن قرآن می توان به حقیقت پی برد، برای مثال در مورد پیامبر اسلام، ایشان چندین همسر داشته اند و در داستان برخی از پیامبران که در قرآن بیان شده است، مانند سلیمان، می خوانیم که ایشان پادشاهی بوده اند که از امکانات مالی و قدرت و ثروت، هیچ گونه محدودیتی نداشته اند و یکی از علاقه مندی های ایشان، اسب بوده است.)

قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (15 آل عمران)

بگو آیا با خبر کنم شما را به بهتر از آن، برای کسانی که حذر کردند، نزد ربّشان، باغ هایی است که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن، و همسران پاک شده، و رضایتی از خدا، و خدا بینا است به بندگان

(این دلبستگی هایی که در زندگی دنیا وجود دارد، خوب است و اگر انسان پرهیزکار باشد، خداوند بهتر از این ها را نیز در جهان دیگر به پرهیزکاران وعده داده است و در دو آیه ی بعد در مورد این افراد توضیح داده است.)

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (16 آل عمران)

کسانی که می گویند، ربّ ما، همانا ما ایمان آوردیم، پس بیامرز برای ما گناهانمان را، و حفاظت کن ما را از عذاب آتش

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ (17 آل عمران)

شکیبایان و راست گویان و اطاعت کنندگان و خرج کنندگان و طلب عفو کنندگان به سحرها

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (18 آل عمران)

گواهی داد خدا، همانا او است، نیست خدایی جز او، و فرشتگان و صاحبان دانش به صورت ایستاده به عدل هستند، نیست خدایی جز او، ارجمند صاحب حکمت است

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (19 آل عمران)

همانا دین نزد خدا، تسلیم شدن است، و اختلاف نداشت کسانی که داده شدند کتاب را، جز از پس از آنچه آمد نزد آنان دانش، ستمی (یا نافرمانی ای) بین آنان، و کسی که کفر ورزد به آیات خدا، پس همانا خدا شتابنده شمارش است

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (20 آل عمران)

پس اگر با تو جرّ و بحث کردند، پس بگو تسلیم کردم جهتم را برای خدا، و کسی که پیروی کرد مرا، و بگو به کسانی که داده شدند کتاب، و بی سوادان، آیا تسلیم شدید، پس اگر تسلیم شدند پس به درستی هدایت یافتند، و اگر روی گرداندند، پس همانا بر تو است رساندن، و خدا بینا است به بندگان

(وظیفه ی پیامبر، تنها رساندن وحی خداوند به مردم است و مردم برای پذیرفتن و نپذیرفتن، آزادی تصمیم گیری دارند.)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (21 آل عمران)

همانا کسانی که کفر می ورزند به آیات خدا، و به قتل می رسانند پیامبران را به غیر از حقیقت، و به قتل می رسانند کسانی را که امر می کنند به عدل، از مردم، پس بشارت ده آنان را به عذابی دردناک

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (22 آل عمران)

آنان کسانی هستند که باطل شد کارهایشان در دنیا و آخرت، و نیست برای آنان از یاری دهندگان

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ (23 آل عمران)

آیا هرگز ننگریستی به کسانی که داده شده اند بهره ای از کتاب، فراخوانده می شوند به کتاب خدا، تا قضاوت کند (یا حکم صادر کند) بین آنان، سپس روی بر می تابد گروهی از آنان، و آنان روی برگردانندگانند

(بیان کننده ی جایگاه کتاب خدا در ادیان مختلف است مثلاً تورات برای یهودی ها و انجیل برای مسیحیان و قرآن برای مسلمانان. این مورد که در این آیه بیان شده، در اسلام نیز مطرح است و در طول تاریخ پس از اسلام، احکام و قوانین دروغین تحت عنوان اسلام، مطرح شده است و از آنان برای قضاوت در مورد مردم استفاده می شود و حکم صادر می شود، در حالی که هیچ کدام از این احکام دروغین در قرآن مطرح نشده است و آنها را از منابعی تحت عنوان احادیث و سنّت و تفسیر قرآن، به دست آورده اند و پیروی از این منابع، چیزی جز گمراهی به همراه ندارد. برای مثال حکم شلاق برای روزه خواری، که اصلاً جایگاهی در قرآن ندارد و اصلاً خوردن و آشامیدن در ماه رمضان در جامعه، از نظر قرآن برای فردی که روزه نمی گیرد، اشکالی ندارد و بسیاری از اعمالی هم که در قرآن، گناه شمرده شده اند، مجازاتی برای فرد انجام دهنده ی آن در دنیا تعیین نشده است و حساب آن با خداست.)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (24 آل عمران)

آن به سبب این است که همانا آنان گفتند، هرگز به ما نمی رسد آتش، جز روزهایی اندک، و فریب داد آنان را در دینشان، آنچه دروغ می بستند

(در این آیه، نمونه ای از دروغ هایی را که پیروان برخی از ادیان، تحت عنوان دین خود گفته اند را بیان کرده است.)

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (25 آل عمران)

پس چگونه است، اگر آنان را گرد آوریم برای روزی که نیست شک در آن، و تمام و کامل داده شد به هر جانی، آنچه را به دست آورد، و آنان مورد ستم واقع نمی شوند

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (26 آل عمران)

بگو بار خدایا، صاحب سلطه، می دهی سلطه را به کسی که می خواهی، و سلب می کنی سلطه را از کسی که می خواهی، و بزرگوار می کنی کسی را که می خواهی، و خوار می کنی کسی را که می خواهی، به دست تو است نیکویی، همانا تو بر همه چیز توانایی

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (27 آل عمران)

داخل می کنی شب را در روز، و داخل می کنی روز را در شب، و خارج می کنی زنده را از مرده، و خارج می کنی مرده را از زنده، و روزی می دهی کسی را که می خواهی، بی حساب

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (28 آل عمران)

نباید بگیرد مؤمنان، کافران را دوستان، از غیر مؤمنان، و کسی که انجام دهد آن را، پس نیست از خدا در چیزی، جز اینکه حذر کنید از آنان، پرهیزکاری ای را، و شما را بر حذر می دارد خدا از خودش، و به خدا است عاقبت کار (یا بازگشت)

(اینکه بیان شده مؤمنان نباید کافران را به عنوان دوست بگیرند از غیر مؤمنان، به این معنی است که دوستی مؤمن با کافر به گونه ای نباشد که پشتیبانی از کافر بر علیه مؤمنان به ناحق کند. در آیات قرآن در مورد پیمان هایی بیان شده است که پیامبر با کافران بسته بود و خداوند به پیامبر فرمود که اگر آنان به پیمان خود پایبند ماندند، تو نیز پایبند باش، که خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.)

قُلْ إِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (29 آل عمران)

بگو اگر پنهان کنید آنچه در سینه هایتان است، یا آشکار کنید آن را، می داند آن را خدا، و می داند آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و خدا بر هر چیزی تواناست

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (30 آل عمران)

روزی که می یابد هر کسی، آنچه را انجام داد از نیکویی، احضار شده، و آنچه را انجام داد از بدی، دوست دارد اگر همانا بین آن و بین او، زمانی دور باشد، شما را بر حذر می دارد خدا از خودش، و خدا بسیار دل رحم است به بندگان

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (31 آل عمران)

بگو اگر دوست داشتید خدا را، پس پیروی کنید مرا، تا دوست بدارد شما را خدا، و بیامرزد برای شما، گناهانتان را، و خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(در مورد دین، مسلمان فقط باید قرآن را ملاک عمل و تشخیص دین قرار دهد و نباید به احادیث و روایات مراجعه کند زیرا مراجعه به غیر از قرآن برای شناخت دین و تشخیص دستورات دین، منجر به گمراهی و انحراف از دین می گردد. در آیات قرآن، در جاهای مختلف، این مفهوم را مشاهده می نماییم. در قرآن، در آیات مختلف بیان شده است که پیامبر نیز تنها از قرآن پیروی می کرده است و اگر ما بخواهیم بدانیم که رفتار پیامبر تحت عنوان دین، چگونه بوده است، باید به قرآن مراجعه نماییم. در این آیه و آیات مشابه با آن، که از زبان پیامبر اسلام و پیامبران دیگر، بیان شده است که پیروی کنید مرا، منظور در مورد ایمان آوردن است یعنی همچون من به خدا ایمان آورید و در آیه بعد نیز به این مفهوم پرداخته است.)

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (32 آل عمران)

بگو اطاعت کنید خدا را، و فرستاده را، پس اگر روی برتافتید، پس همانا خدا دوست ندارد کافران را

(در این آیه نیز همان توضیح آیه قبل صادق است و نکته دیگر این است که ایمان آوردن یا نیاوردن هر کسی، مربوط به خود فرد است و هیچ اجباری در این مهمترین موضوع دین، وجود ندارد. در مورد اطاعت کردن از پیامبر، اگر منظور در زمینه دین باشد، طبق آیات قرآن، پیامبر چیزی غیر از وحی خداوند که همان قرآن است را در مورد دین، بیان نمی کرده است و بنابراین پس از درگذشت پیامبر، اطاعت از پیامبر، جایگاهی ندارد و قرآن در زمینه دین، ملاک فهم دین است و اگر منظور از اطاعت از پیامبر، در مورد موضوعاتی غیر از دین باشد، این موضوعات اصلاً ارتباطی با دین ندارند و پس از درگذشت پیامبر، اطاعت از آن موضوعات جایگاهی ندارد برای مثال پیامبر در جنگی، به مردم گفته است که برای جنگ حاضر شوید، این موضوعی است که مربوط به آن زمان بوده و اصلاً موضوعی مربوط به دین نیست و نباید برای شناخت دین، به جستجو و بررسی روایات و احادیث پیامبر پرداخت که نتیجه ی آن، گمراهی و انحراف از دین واقعی است.)

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (33 آل عمران)

همانا خدا برگزید آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را، بر جهانیان

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (34 آل عمران)

نسل بعضی از آن از بعضی است، و خدا شنوای داناست

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (35 آل عمران)

هنگامی که گفت زن عمران، ربّ، همانا من نذر کردم برای تو آنچه در شکمم است، به صورت آزاد شده، پس قبول کن از من، همانا تو خود، شنوای دانایی

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (36 آل عمران)

پس وقتی که او را زایید، گفت، ربّ، همانا من زاییدم آن را دختر، و خدا داناتر است به آنچه زایید، و نیست مذکر مانند ماده، و همانا من او را نامیدم مریم، و همانا من او را پناه دادم به تو، و نسل او را، از شیطان ملعون

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (37 آل عمران)

پس قبولش کرد ربّ او، با پذیرفتنی نیکو، و رویاندش به صورت رشد کردنی نیکو، و سرپرستی کرد او را زکریا، هرگاه که داخل شد بر او زکریا، بالای خانه (یا بهترین جای خانه)، یافت نزد او روزی ای را، گفت ای مریم، از کجاست برای تو این، گفت آن از نزد خداست، همانا خدا روزی می دهد کسی را که می خواهد بی حساب

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (38 آل عمران)

آن زمان (یا آنجا)، صدا کرد زکریا ربّش را، گفت، ربّ، ببخش بر من از نزدت نسلی پاک را، همانا تو شنونده دعایی

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (39 آل عمران)

پس صدا کرد او را فرشتگان، و او ایستاده درود می فرستد در بهترین جای خانه، همانا خدا تو را بشارت می دهد به یحیی، تصدیق کننده است بر کلمه ای از خدا، و آقا و رها کننده چیزی از روی شرم، و پیامبری از شایستگان است

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (40 آل عمران)

گفت، ربّ من، چگونه باشد برای من پسری، و به درستی به من رسید پیری، و زن من نازاست، گفت اینچنین خدا انجام می دهد آنچه را می خواهد

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (41 آل عمران)

گفت، ربّ من، قرار بده برای من نشانه ای، گفت نشانه تو اینکه سخن نمی گویی سه روز جز اشاره، و یادآوری کن ربّت را بسیار، و تسبیح بگو از شامگاه (یا اول شب) و بامداد

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (42 آل عمران)

و هنگامی که گفت فرشتگان، ای مریم، همانا خدا برگزید تو را، و پاکیزه کرد تو را، و برگزید تو را بر زنان جهانیان

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (43 آل عمران)

ای مریم، اطاعت کن برای ربّت، و سجده کن و رکوع کن با رکوع کنندگان

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (44 آل عمران)

آن از خبرهای پنهان است که آن را وحی می کنیم به تو، و نبودی نزد آنان، هنگامی که می اندازند قلمهایشان را، که کدامشان سرپرستی کند مریم را، و نبودی نزد آنان، هنگامی که با یکدیگر نزاع می کنند

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (45 آل عمران)

هنگامی که گفت فرشتگان، ای مریم، همانا خدا تو را بشارت می دهد به کلمه ای از خود، که نام آن مسیح، عیسی پسر مریم است، صاحب منزلت است در دنیا و آخرت، و از نزدیک شده ها است

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ (46 آل عمران)

و سخن می گوید با مردم، در گهواره و میانسالی، و از شایسته ها است

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (47 آل عمران)

گفت، ربّ، چگونه باشد برای من فرزندی، و هرگز با من آمیزش نکرده انسانی، گفت اینچنین خدا خلق می کند آنچه را می خواهد، اگر حکم کرد به کاری، پس همانا می گوید به او، باش، پس باشد

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ (48 آل عمران)

و به او می آموزد کتاب و حکمت و تورات و انجیل را

وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (49 آل عمران)

و فرستاده ای به فرزندان اسرائیل است، همانا من به درستی برایتان آوردم نشانه ای از ربّتان، همانا من خلق می کنم برای شما از گِل، مانند شکل پرنده را، پس می دمم در آن، پس باشد پرنده ای با اجازه خدا، و بهبود می بخشم کور مادر زاد را، و بیماری پیسی گرفته را، و زنده می کنم مردگان را با اجازه خدا، و با خبرتان می کنم از آنچه می خورید و آنچه را ذخیره می کنید در خانه هایتان، همانا در آن یقیناً نشانه ای است برای شما، اگر بودید مؤمنان

وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَلِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (50 آل عمران)

و تصدیق کننده به آنچه در برابر من است از تورات، و تا حلال کنم برای شما بعضی از آنچه حرام شد بر شما، و برایتان آوردم نشانه ای از ربّتان را، پس حذر کنید خدا را، و از من اطاعت کنید

(منظور از اطاعت کنید از من در این آیه، ایمان آوردن است.)

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (51 آل عمران)

همانا خدا، ربّ من و ربّ شما است، پس بپرستید او را، این راه راست است

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (52 آل عمران)

پس وقتی که احساس کرد عیسی، از آنان کفر را، گفت چه کسی یاران من است به خدا، گفت حواریون، ما یاران خدا هستیم، ایمان آوردیم به خدا، و گواه باش به اینکه همانا ما تسلیم کنندگان هستیم

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (53 آل عمران)

ربّ ما، ایمان آوردیم به آنچه نازل کردی، و پیروی کردیم فرستاده را، پس مقرر کن ما را با گواهی دهندگان

(ایمان آوردن به معنی پیروی کردن نیست، برای مثال پیروان دین اسلام به پیامبران قبل از اسلام و کتاب های آنان ایمان دارند ولی پیرو آن ادیان نیستند و یا فردی مسیحی به پیامبر اسلام و قرآن می تواند

ایمان داشته باشد ولی پیرو آن نیست. در این آیه حواریون بیان کرده اند که ایمان آوردیم به انجیل و پیروی کردیم عیسی را، که منظور از پیروی کردیم عیسی را، مسیحی شدن است.)

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (54 آل عمران)

و نیرنگ زدند، و نیرنگ زد خدا، و خدا بهترین نیرنگ زنندگان است

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (55 آل عمران)

هنگامی که گفت خدا، ای عیسی، همانا من میراننده تو هستم، و بالا برنده تو هستم به خود، و پاکیزه کننده تو هستم از کسانی که کفر ورزیدند، و قرار دهنده هستم کسانی که پیروی کردند تو را، بالای کسانی که کفر ورزیدند، تا روز قیامت، سپس به من بازگشت شما است، پس حکم می کنم بین شما در آنچه در آن اختلاف می کردید

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (56 آل عمران)

پس لیکن کسانی که کفر ورزیدند، پس عذابشان می کنم، عذابی نیرومند در دنیا و آخرت، و نیست برای آنان از یاری دهندگان

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (57 آل عمران)

و لیکن کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، پس به طور کامل به آنها می دهد پاداش هایشان را، و خدا دوست ندارد ستمکاران را

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ (58 آل عمران)

آن را که می خوانیم آن را بر تو، از آیات و به یاد آوردن صاحب حکمت است

إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (59 آل عمران)

همانا مَثَل عیسی نزد خدا، مانند مثل آدم است، خلق کرد او را از خاک، سپس گفت به او باش، پس باشد

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (60 آل عمران)

حقیقت از ربّ تو است، پس نباش از تردید کنندگان

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (61 آل عمران)

پس کسی که با تو جرّ و بحث کرد در آن، از پس از آنکه آمد نزد تو از دانش، پس بگو بیایید تا دعوت کنیم پسرانمان و پسرانتان را، و زنانمان و زنانتان را، و خودمان و خودتان را، سپس با تضرع دعا می کنیم، پس قرار می دهیم لعنت خدا را بر دروغگویان

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (62 آل عمران)

همانا این یقیناً خود، داستان های حقیقت است، و نیست از خدایی جز خدا، و همانا خدا یقیناً خود، ارجمند صاحب حکمت است

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ (63 آل عمران)

پس اگر روی گرداندند، پس همانا خدا داناست به تباه کنندگان

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (64 آل عمران)

بگو ای اهل کتاب، بیایید به کلمه ای که یکسان است بین ما و بین شما، که نپرستیم جز خدا را، و شریک نگیریم با او چیزی را، و نگیرد بعضی از ما بعضی را، ربّ ها (یا سروران) از غیر خدا، پس اگر روی گرداندند، پس بگویید گواه باشید به اینکه همانا ما تسلیم کنندگان هستیم

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنْزِلَتِ التَّوْرَاةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (65 آل عمران)

ای اهل کتاب، برای چه جر و بحث می کنید به دلیل ابراهیم، و نازل نشد تورات و انجیل جز از پس از او، آیا پس درک نمی کنید

هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (66 آل عمران)

آگاه باشید، شما اینان هستید که جر و بحث کردید در آنچه برای شما بر آن دانشی است، پس برای چه جر و بحث می کنید در آنچه نیست برای شما بر آن دانشی، و خدا می داند و شما نمی دانید

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (67 آل عمران)

نبود ابراهیم یهودی و نه مسیحی، و لیکن بود یکتا پرست تسلیم کننده، و نبود از قائلان به شریک برای خدا

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ (68 آل عمران)

همانا شایسته ترین مردم به ابراهیم، یقیناً کسانی هستند که پیروی کردند او را، و این پیامبر و کسانی که ایمان آوردند، و خدا دوست مؤمنان است

(منظور از کسانی که پیروی کردند ابراهیم را، کسانی هستند که مانند ابراهیم، یکتا پرست تسلیم کننده هستند و منظور از پیروی کردن از پیامبران که در آیات قرآن بیان می شود، پیروی کردن از رفتارهای پیامبران در موقعیت های گوناگون، و روایات بر جا مانده از آنان، و سخنانی که به آنان نسبت داده شده، نیست و منظور از پیروی، این است که مانند پیامبران، ایمان بیاورند.)

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (69 آل عمران)

دوست داشت جماعتی از اهل کتاب، اگر شما را گمراه کنند، و گمراه نمی کنند جز خودشان را، و درک نمی کنند

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (70 آل عمران)

ای اهل کتاب، برای چه کفر می ورزید به آیات خدا، و شما گواهی می دهید

(کفر ورزیدن به آیات خدا از جانب اهل کتاب، به معنی اعتقاد نداشتن آنان به خدا و کتاب خودشان نیست و منظور، کفر ورزیدن به قرآن است یعنی آنان به قرآن ایمان نداشته اند.)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (71 آل عمران)

ای اهل کتاب، برای چه می پوشانید حقیقت را با باطل، و مخفی می کنید حقیقت را، و شما می دانید

وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (72 آل عمران)

و گفت جماعتی از اهل کتاب، ایمان آوردیم به آنچه نازل شد بر کسانی که ایمان آوردند، آغاز روز، و کفر ورزیدند پایان آن، شاید آنان بر می گردند

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (73 آل عمران)

و ایمان نیاورید جز به کسی که پیروی کرد دین شما را، بگو همانا هدایت، هدایتِ خداست، اینکه داده شود به کسی، مثل آنچه به شما داده شد، یا جر و بحث کنند با شما نزد ربّتان، بگو همانا مزیت به دست خداست، آن را می دهد به کسی که می خواهد، و خدا گشایش ایجاد کننده ی داناست

(آنها به هم می گفته اند که تنها به کسی ایمان آورید که پیروی می کنند از دین شما و همچنین به یکدیگر می گفته اند که با مسلمانان نزد ربشان جر و بحث کنید.)

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (74 آل عمران)

اختصاص می دهد به مهربانی اش، کسی را که می خواهد، و خدا دارای مزیت بزرگ است

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (75 آل عمران)

و از اهل کتاب، کسی است که اگر اعتماد کنی به او به پوست گاوی که پر از طلا کرده باشند، باز می گرداند آن را به تو، و از آنان کسی است که اگر اعتماد کنی به او به دیناری، باز نمی گرداند آن را به تو، مگر تا زمانی که بودی بر او به صورت ایستاده، آن به این سبب است که همانا آنان گفتند، نیست بر علیه ما به دلیل بی سوادان راهی، و می گویند بر خدا دروغ را، و آنان می دانند

(بیان شده که از اهل کتاب بر خدا دروغ می بسته اند و می گفته اند که از جانب بی سوادان بر ما راهی نیست و یعنی اگر هر عملی را بر علیه آنان انجام دهیم، خداوند ما را به خاطر آن عمل مجازات نمی کند. این عیناً مانند دروغی است که برخی از مسلمانان در طول تاریخ در مورد اهل کتاب بیان می کرده اند.)

بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (76 آل عمران)

آری، کسی که ادا کند عهدش را، و حذر کند، پس همانا خدا دوست دارد پرهیزکاران را

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (77 آل عمران)

همانا کسانی که می فروشند پیمان خدا را، و سوگندهایشان را به بهایی اندک، آنان را نیست بهره و نصیبی برایشان در آخرت، و با آنان سخن نمی گوید خدا، و نگاه نمی کند به آنان روز قیامت، و پاکشان نمی کند، و برای آنان عذابی دردناک است

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (78 آل عمران)

و همانا از آنان، یقیناً گروهی می پیچانند زبانهایشان را به کتاب، تا به حساب بیاورید آن را از کتاب، و نیست آن از کتاب، و می گویند آن از نزد خداست، و نیست آن از نزد خدا، و می گویند بر خدا دروغ، و آنان می دانند

(در مورد افرادی بیان شده است که بر خدا دروغ می بندند و چیزهایی که در کتاب خدا نیست را به نام خدا و از جانب خدا بیان می کنند. همانند این اتفاق در اسلام نیز افتاده است و در طول تاریخ پس از ظهور اسلام تا به امروز، بسیاری از احکام دروغین را تحت عنوان اسلام بیان کرده اند و می گویند که اینها از جانب خداوند است و با خواندن قرآن می توان پی برد که اینها جز دروغ نیستند.)

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ (79 آل عمران)

نبود برای انسانی، اینکه به او بدهد خدا، کتاب و حکم و پیامبری را، سپس بگوید به مردم، باشید بندگانی برای من از غیر خدا، و لیکن باشید خداشناسان، به سبب آنکه یاد می دادید از کتاب، و به سبب آنکه درس می خواندید

وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (80 آل عمران)

و به شما امر نمی کند، اینکه بگیرید فرشتگان و پیامبران را ربّ هایی، آیا امر می کند شما را به کفر، پس از هنگامی که شما تسلیم کنندگان هستید

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَى ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (81 آل عمران)

و هنگامی که گرفت خدا، پیمان پیامبران را، که هر زمان دادم به شما از کتاب و حکمت، سپس آمد نزد شما فرستاده ای که تصدیق کننده است بر آنچه با شماست، یقیناً ایمان بیاورید به او، و یقیناً یاری کنید او را، گفت آیا اقرار کردید و گرفتید بر آن بار سنگین مرا، گفتند اقرار کردیم، گفت پس گواهی دهید، و من با شما از گواهان هستم

فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (82 آل عمران)

پس کسی که روی گرداند پس از آن، پس آنان خود از راه حق دور شوندگان هستند

أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (83 آل عمران)

آيا پس غير از دين خدا را طلب می كنند، و برای او تسليم كرد هر كس كه در آسمان ها و زمين است، به صورت فرمانبردار، و به صورت بيزار بودن، و به او باز گردانده می شوند

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (84 آل عمران)

بگو ايمان آورديم به خدا، و آنچه نازل شد بر ما، و آنچه نازل شد بر ابراهيم و اسماعيل و اسحاق و يعقوب و قبيله ها، و آنچه داده شد به موسی و عيسی و پيامبران از ربّشان، جدا نمی كنيم بين هيچ يک از آنان را، و ما برای او تسليم كنندگان هستيم

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (85 آل عمران)

و كسی كه طلب كند غير از تسليم شدن را به عنوان دين، پس هرگز پذيرفته نمی شود از او، و او در آخرت از زيانكاران است

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (86 آل عمران)

چگونه هدايت می كند خدا، گروهی را كه كفر ورزيدند پس از ايمانشان، و گواهی دادند كه همانا فرستاده حقيقت است، و آمد نزد آنان دلايل، و خدا هدايت نمی كند جماعت ستمكاران را

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (87 آل عمران)

آنان سزايشان اين است كه همانا بر آنان لعنت خدا و فرشتگان و مردم است، همگی

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (88 آل عمران)

هميشگی ها در آن هستند، تخفيف نمی پذيرد از آنان عذاب، و نه آنان مهلت داده می شوند

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (89 آل عمران)

جز كسانی كه بازگشتند از پس از آن، و اصلاح كردند، پس همانا خدا بسيار آمرزنده بخشايشگر است

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ (90 آل عمران)

همانا كسانی كه كفر ورزيدند پس از ايمانشان، سپس افزودند كفر را، هرگز قبول نشود بازگشت آنان، و آنان خود گمراهان هستند

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوِ افْتَدَى بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (91 آل عمران)

همانا كسانی كه كفر ورزيدند و مردند، و آنان كافران بودند، پس هرگز پذيرفته نمی شود از هيچ يک از آنان، به اندازه گنجايش زمين، طلايی را، اگرچه فديه دهد با آن، آنان برايشان عذابی دردناک است و نيست برای آنان از ياری دهندگان

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (92 آل عمران)

هرگز نمی رسید به فرمانبرداری (یا نیکویی)، تا آنکه خرج می کنید از آنچه دوست دارید، و آنچه را خرج می کنید از چیزی، پس همانا خدا به آن داناست

(برای نیکوکاری، باید از آنچه که به آن علاقه دارید در راه خدا خرج کنید.)

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَاةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَاةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (93 آل عمران)

هر خوراکی، بود حلال برای فرزندان اسرائیل، جز آنچه را حرام کرد اسرائیل بر خودش، از قبل از اینکه نازل شود تورات، بگو پس بیاورید تورات را، پس بخوانید آن را، اگر بودید راستگویان

فَمَنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (94 آل عمران)

پس کسی که دروغ گفت بر خدا، دروغی را از پس از آن، پس آنان خود، ستمکاران هستند

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (95 آل عمران)

بگو راست گفت خدا، پس پیروی کنید آیین ابراهیم یکتاپرست را، و نبود از قائلان به شریک برای خدا

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ (96 آل عمران)

همانا نخست خانه ای که قرار داده شد برای مردم، یقیناً آن است که به مکه است، به صورت با برکت است، و هدایت است برای جهانیان

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (97 آل عمران)

در آن نشانه های دلایل است، محل اقامت (یا جای دو پای) ابراهیم، و کسی که داخل آن شد، بود دارای امنیت، و برای خداست بر مردم، قصد کردن خانه، کسی که توانایی انجام یافت به آن راهی را، و کسی که کفر ورزید، پس همانا خدا بی نیاز است از جهانیان

(رفتن به حج، کاری است که هر کسی که توانایی انجام دارد، باید انجام دهد.)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ (98 آل عمران)

بگو ای اهل کتاب، برای چه کفر می ورزید به آیات خدا، و خدا گواه است بر آنچه انجام می دهید

(در این آیه، منظور از آیات خدا، قرآن است.)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (99 آل عمران)

بگو ای اهل کتاب، برای چه باز می دارید از راه خدا، کسی را که ایمان آورد، می خواهید آن را کج، و شما گواهان هستید، و نیست خدا بی خبر از آنچه انجام می دهید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ (100 آل عمران)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر اطاعت کنید گروهی از کسانی را که داده شدند کتاب را، باز می گردانند شما را پس از ایمانتان، به صورت کافران

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَى عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (101 آل عمران)

و چگونه کفر می ورزید، و شما را، خوانده می شود بر شما آیات خدا، و همراه شما فرستاده او است، و کسی که چنگ زند به خدا، پس به درستی هدایت شد به راه راست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (102 آل عمران)

ای کسانی که ایمان آوردید، حذر کنید از خدا، شایستگی پرهیزکاری او، و هرگز نمیرید جز اینکه، و شما تسلیم کنندگان هستید

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (103 آل عمران)

و چنگ زنید به طناب خدا همگی، و از هم جدا نشوید، و به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، هنگامی که بودید دشمنان، پس به هم وصل کرد بین دل هایتان را، پس گردیدید به سبب نعمت او، برادران، و بودید بر لبه حفره ای از آتش، پس نجاتتان داد از آن، اینچنین آشکار می کند خدا برای شما آیاتش را، شاید شما هدایت یابید

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (104 آل عمران)

و باید که باشد از شما، جماعتی که فرا می خوانند به نیکویی، و امر می کنند به مشهور، و منع می کنند از ناشایست، و آنان خود، رستگاران هستند

(این آیه به معنای واجب شدن فرا خواندن به نیکویی و امر کردن به مشهور و منع کردن از ناشایست در اسلام، نیست، بلکه بیان می کند که باید باشد از شما جماعتی که این کار را انجام می دهد و بیان شده که آنانی که این کار را انجام می دهند، رستگاران هستند. در حقیقت این آیه، بیان کننده ی یک اتفاق است که به صورت خود به خود از سوی افرادی انجام می پذیرد. برای مثال فردی که به کارهای خیریه مشغول است و بی هیچ چشم داشتی مردم را به کمک کردن تشویق می کند. این آیه بیان کننده ی یک عملِ واجب دین نیست زیرا بیان شده که باید باشد از شما جماعتی که این کار را انجام می دهد و اگر کاری واجب دین باشد، بیان می کند که این کار را انجام دهید و منظورش همه هستند و نه فقط گروهی از افراد. موضوع دیگر اینکه این آیه به این معنا نیست که مسلمانان گروهی را به این کار بگمارند و به آنها وظیفه ی انجام این کار را بدهند، زیرا در پایان این آیه بیان شده که آنها خود رستگاران هستند و اگر به فردی وظیفه ی انجام این کار را بدهی و آن فرد نه به میل خود، بلکه برای انجام وظیفه ای که به عهده ی او گذاشته اند این کار را انجام دهد، الزاماً اینگونه نیست که از رستگاران باشد، و اینکه چه بسا این فرد کافر باشد و همه ی اعمالش باطل شود.)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (105 آل عمران)

و نباشید مانند کسانی که از هم جدا شدند، و اختلاف داشتند، از پس از آنکه آمد نزد آنان دلایل، و آنان برایشان عذابی بزرگ است

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (106 آل عمران)

روزی که سفید می شود چهره هایی، و سیاه می شود چهره هایی، پس لیکن کسانی که سیاه شد چهره هایشان، آیا کفر ورزیدید پس از ایمانتان، پس بچشید عذاب را به سبب آنکه کفر ورزیدید

وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (107 آل عمران)

و لیکن کسانی که سفید شد صورت هایشان، پس در مهربانی خدا هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعَالَمِينَ (108 آل عمران)

آن آیات خداست که می خوانیم آن را بر تو به حقیقت، و نمی خواهد خدا ستمی برای جهانیان

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (109 آل عمران)

و برای خداست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و به خدا برگردانده می شود کارها

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (110 آل عمران)

بودید بهترین جماعتی که پدیدار شد برای مردم، امر می کنید به مشهور و منع می کنید از ناشایست، و ایمان می آورید به خدا، و اگر ایمان می آورد اهل کتاب، یقیناً بود بهتر برایشان، از آنان با ایمانان هستند و بیشترشان از راه حق دور شوندگان هستند

(امر کردن به مشهور و منع کردن از ناشایست، واجب دین نیست و در این آیه به اتفاقی که رخ داده است، اشاره شده است، یعنی افرادی به دلخواه خود این کار را انجام می دهند. نکته ی دیگر اینکه امر کردن به مشهور و منع کردن از ناشایست، به معنای اجبار کردن افراد به انجام کارهای شایسته و بازداشتن با اجبار افراد از ناشایست ها نیست، بلکه دعوت کردن به انجام دادن یا ندادن این کارها است، و طبق آیات قرآن هیچ گونه اجباری در دین وجود ندارد و حتی پیامبر هم در کار دین حق نداشته مردم را به انجام دادن یا ندادن کاری اجبار کند. بیان شده که اگر اهل کتاب ایمان می آورد، برایشان بهتر می بود، منظور از ایمان آوردن اهل کتاب، ایمان آوردن آنها به قرآن است و اهل کتاب به خداوند ایمان داشته اند و اگر به قرآن و پیامبر اسلام ایمان می آوردند برایشان بهتر می بود و البته در ادامه بیان شده که برخی از آنها ایمان آورده اند و بیشترشان ایمان نیاورده اند. نکته ای که می توان به آن اشاره کرد این است که ایمان آوردن به معنای پیروی کردن نیست و همانگونه که یک مسلمان به همه ی پیامبران و همه ی کتاب های آسمانی ایمان دارد ولی فقط پیرو دین خود است، یک مسیحی یا یهودی هم می تواند به قرآن و پیامبر اسلام ایمان داشته باشد ولی پیرو دین خود باشد.)

لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ (111 آل عمران)

هرگز به شما ضرر نمی رسانند جز آزاری را، و اگر با شما بجنگند، به شما پشت کنان فرار می کنند، سپس یاری نمی شوند

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (112 آل عمران)

زده شد بر آنان خواری، هر کجا دیده شوند، جز به طنابی از خدا و طنابی از مردم، و برگشتند به خشمی از خدا، و زده شد بر آنان شدت فقر، آن به سبب این است که همانا آنان کفر می ورزیدند به آیات خدا، و می کشتند پیامبران را به غیر حقیقت (یا عدل)، آن به سبب آنکه نافرمانی کردند و تجاوز می کردند

لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ (113 آل عمران)

نیستند یکسان از اهل کتاب، جماعتی به صورت ایستاده هستند، می خوانند آیات خدا را ساعتهای شب، و آنان سجده می کنند

يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (114 آل عمران)

ایمان می آورند به خدا و روز واپسین، و امر می کنند به مشهور، و منع می کنند از ناشایست، و می شتابند در نیکی ها، و آنان از شایستگان هستند

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (115 آل عمران)

و آنچه را انجام دهند از نیکی ای، پس هرگز از جهت آن مورد ناسپاسی قرار نخواهند گرفت، و خدا داناست به پرهیزگاران

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (116 آل عمران)

همانا کسانی که کفر ورزیدند، هرگز بی نیاز نمی کند از آنان دارایی هایشان، و نه فرزندانشان، از خدا چیزی را، و آنان همنشینان آتش هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللهُ وَلَكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (117 آل عمران)

مَثَل آنچه خرج می کنند در این زندگی دنیا، مانند مثل بادی است که در آن سرمای شدید است، اصابت کند به زراعت گروهی که ستم کردند به خودشان، پس آن را نابود ساخت، و ستم نکرده به آنان خدا، و لیکن خودشان ستم می کنند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (118 آل عمران)

ای کسانی که ایمان آوردید، نگیرید همراهانی از غیرتان را، کوتاهی نمی کنند در مورد شما تباهی را، دوست داشتند که در مخمصه می افتادید، به درستی پدیدار شد تنفر شدید از زبانهایشان، و آنچه را پنهان می کند سینه هایشان، بزرگتر است، به درستی آشکار کردیم برای شما آیات را، اگر درک می کردید

(در مورد اتفاقات زمان نزول آیه است و ارتباطی با زمان های دیگر ندارد.)

هَا أَنْتُمْ أُولَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (119 آل عمران)

هان، شما آنهایید که دوست دارید آنها را، و دوست ندارند شما را، و ایمان می آورید به کتاب، همه اش را، و اگر روبرو شدند با شما، گفتند ایمان آوردیم، و اگر ترک کردند، گاز می گیرند بر شما سر انگشتان را از خشم، بگو بمیرید با خشمتان، همانا خدا داناست به حقیقت سینه ها

(در مورد اهل کتاب و اتفاقات آن زمان است و ارتباطی به زمان های دیگر ندارد. نکته دیگر اینکه آنها در آن زمان هنگامی که با مسلمانان روبرو می شده اند، می گفته اند که به کتاب و پیامبر شما ایمان آوردیم. این نشان دهنده ی این نکته است که ایمان آوردن به معنای پیروی کردن نیست و پیروان ادیان دیگر نیز می توانند به قرآن و پیامبر اسلام ایمان داشته باشند ولی پیرو اسلام نباشند و پیرو دین خود باشند. همانگونه که مسلمانان به همه ی کتاب های ادیان و پیامبران خدا ایمان دارند ولی پیرو آنها نیستند و پیرو اسلام هستند و در هر دینی هم، ایمان داشتن به معنای پیروی کردن نیست برای مثال فردی که مسلمان است، به قرآن ایمان دارد ولی ممکن است بعضی از دستورات قرآن را انجام ندهد.)

إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (120 آل عمران)

اگر به شما برسد خوبی ای، آنان را بد حال می کند، و اگر به شما اصابت کند بدی ای، خوشحالی می کنند بر آن، و اگر صبر کنید و حذر کنید، به شما ضرر نمی رساند نیرنگشان، چیزی را، همانا خدا به آنچه انجام می دهند احاطه کننده است

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (121 آل عمران)

و وقتی که صبح زود، رفتی از بستگانت، که آماده کنی مؤمنان را، محل های نشستن برای جنگ، و خدا شنوای داناست

إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (122 آل عمران)

هنگامی که قصد کرد دو طائفه از شما، اینکه ضعف نشان دهند، و خدا دوست آن دو است، و بر خدا پس باید توکل کند مؤمنان

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (123 آل عمران)

و یقیناً به درستی شما را یاری کرد خدا به بدر، و شما خوارها بودید، پس حذر کنید از خدا، شاید شما سپاسگزاری می کنید

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ (124 آل عمران)

هنگامی که گفتی به مؤمنان، آیا هرگز شما را کفایت نمی کند، اینکه شما را یاری دهد ربّتان، با سه هزار از فرشتگان فرستاده شدگان

بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (125 آل عمران)

آری، اگر صبر کنید و حذر کنید، و در همین لحظه خروشان بر شما بتازند، شما را یاری می کند ربّتان، با پنج هزار از فرشتگان نشاندار

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (126 آل عمران)

و آن را قرار نداد خدا جز مژده ای برای شما، و تا آرامش یابد دل هایتان به آن، و نیست یاری، جز از نزد خداوند ارجمند صاحب حکمت

لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ (127 آل عمران)

تا قطع کند برخی از کسانی که کفر ورزیدند، یا خوار کند آنان را، پس بر می گردند نا امیدان

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ (128 آل عمران)

نیست برای تو از کار، چیزی، یا باز گردد بر آنان، یا عذابشان کند، پس همانا آنان ستمکاران هستند

(اینکه خداوند با کافران چه می کند، ارتباطی به پیامبر ندارد. اگر بخواهد آنها را می بخشد و اگر بخواهد آنها را عذاب می کند.)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (129 آل عمران)

و برای خداست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، می آمرزد برای کسی که می خواهد، و عذاب می کند کسی را که می خواهد، و خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (130 آل عمران)

ای کسانی که ایمان آوردید، نخورید سود را به صورت هم اندازه های دو برابر کرده شده، و حذر کنید از خدا، شاید شما رستگار شوید

(بیان شده نخورید سود را به صورت هم اندازه های دو برابر کرده شده. بیان کرده اند که در زمان پیامبر، در میان اعراب اینگونه بوده است که اگر کسی بدهی خود را نمی توانسته بدهد بدهی او دو برابر می شده است و اگر باز نمی توانسته بدهی دو برابر شده اش را برگرداند دوباره آن بدهیِ دو برابر کرده شده، دو برابر می شده است و این ادامه می یافته است. این شکل از ربا، در قرآن حرام شده است و گرفتن سود بر روی مال، حرام نشده است.)

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (131 آل عمران)

و حذر کنید آتشی را که آماده شده برای کافران

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (132 آل عمران)

و اطاعت کنید خدا و فرستاده را، شاید شما مورد ترحم واقع شوید

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (133 آل عمران)

و بشتابید به آمرزشی از ربّتان، و باغی که وسعتش آسمان ها و زمین است، آماده شد برای پرهیزکاران

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (134 آل عمران)

کسانی که خرج می کنند در راحتی و سختی، و نگه دارندگان خشم، و عفو کنندگان از مردم، و خدا دوست دارد بسیار نیکوکاران را

(برخی از ویژگی های افراد پرهیزکار را بیان کرده است.)

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (135 آل عمران)

و کسانی که اگر انجام دادند گناه بسیار زشتی را، یا ستم کردند به خودشان، به یاد آوردند خدا را، پس طلب عفو کردند برای گناهانشان، و چه کسی می آمرزد گناهان را جز خدا، و هرگز پافشاری نکردند بر آنچه انجام دادند، و آنان می دانند

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (136 آل عمران)

آنان پاداششان، آمرزشی از ربّشان است، و باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند، و چه نیکوست پاداش انجام دهندگان

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (137 آل عمران)

به درستی سپری شد از قبل شما روش هایی، پس حرکت کنید در زمین، پس بنگرید چگونه بود پایان کار تکذیب کنندگان

هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ (138 آل عمران)

این آشکار شدنی است برای مردم، و هدایتی و پندی است برای پرهیزکاران

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (139 آل عمران)

و سستی نکنید و اندوهگین نشوید، و شما برترین ها هستید اگر بودید مؤمنان

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (140 آل عمران)

اگر به شما برسد جراحتی، پس به درستی رسید گروه را، جراحتی مثل آن، و آن روزها را به تناوب انجام می دهیم بین مردم، و تا بداند خدا کسانی را که ایمان آوردند، و بگیرد از شما گواهان را، و خدا دوست ندارد ستمکاران را

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ (141 آل عمران)

و تا خالص گرداند خدا، کسانی را که ایمان آوردند، و پی در پی نقصان دهد کافران را

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ (142 آل عمران)

آیا پنداشتید اینکه داخل می شوید به بهشت، و در حالی که نداند خدا کسانی را که تلاش کردند از شما، و بداند شکیبایان را

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (143 آل عمران)

و یقیناً به درستی تمنا می کردید مرگ را، از قبل از اینکه روبرو شوید با آن، پس به درستی آن را دیدید، و شما می نگرید

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (144 آل عمران)

و نیست محمد جز فرستاده ای، به درستی سپری شد از قبل او، فرستادگان، آیا پس اگر مُرد یا کشته شد، بر می گردانید بر گذشته هایتان، و کسی که بر می گردد بر گذشته اش، پس هرگز ضرر نمی رساند به خدا چیزی را، و جزا خواهد داد خدا، سپاسگزاران را

(بیان شده که پیامبر اسلام، پیامبری مانند دیگر پیامبران است، و بیان شده که اگر محمد از دنیا رفت، دوباره می خواهید به کفر برگردید و بیان شده کسی که دوباره کافر شود، به خداوند ضرر نمی رساند و خداوند سپاسگزاران را پاداش خواهد داد.)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ (145 آل عمران)

و نبود برای جانی، اینکه بمیرد جز به اجازه خدا، مقرر کردنی است مدت دار، و کسی که بخواهد پاداش دنیا را، به او می دهیم از آن، و کسی که بخواهد پاداش آخرت را، به او می دهیم از آن، و جزا خواهیم داد سپاسگزاران را

(مرگ هر کسی با اجازه ی خداوند اتفاق می افتد و زمان آن مشخص شده است.)

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (146 آل عمران)

و چه بسیار از پیامبری، که جنگید همراه او منسوبانِ به ربّ بسیاری، پس سست نشدند برای آنچه به آنها اصابت کرد در راه خدا، و ناتوان نشدند و تسلیم نشدند، و خدا دوست دارد شکیبایان را

وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (147 آل عمران)

و نبود گفتار آنان، جز اینکه گفتند، ربّ ما، بیامرز بر ما گناهانمان را، و زیاده رَوی ما را در کارمان، و استوار کن پاهایمان را، و یاری کن ما را بر گروه کافران

فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (148 آل عمران)

پس داد به آنان خدا، پاداش دنیا را، و خوبی پاداش آخرت را، و خدا دوست دارد بسیار نیکوکاران را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (149 آل عمران)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر اطاعت کنید کسانی را که کفر ورزیدند، باز می گردانند شما را بر گذشته هایتان، پس به صورت زیانکاران در می آیید

(منظور از باز می گردانند شما را بر گذشته هایتان، این است که شما دوباره کافر می شوید.)

بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ (150 آل عمران)

بلکه خدا است دوست شما، و اوست بهترین یاری دهندگان

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ (151 آل عمران)

القا خواهیم کرد در دل های کسانی که کفر ورزیدند، ترس را، به سبب آنکه شریک قائل شدند با خدا، آنچه را هرگز نازل نکرد بر آن، برهانی را، و پناهگاه آنان آتش است، و بد است منزل ستمکاران

(یکی از موارد مورد توجه در این آیه، این است که بیان شده، شریک قائل شدند با خدا، آنچه را هرگز نازل نکرد بر آن، برهانی را. یعنی کافران با خداوند همتایانی را قرار داده اند و به آنها اعتقاد دارند که دلیلی برای این اعتقاد آنها، از جانب خداوند نازل نشده است.

در زمینه ی موارد اعتقادی و مواردی که مربوط به دین است، ملاک دین، کتاب خدا است و در اسلام، قرآن ملاک دین است. کسانی که موارد اعتقادیشان و موضوعات دینیشان در قرآن نیامده و از منابع دیگر به آنها رسیده اند، دچار گمراهی شده اند. برای مثال در مذهب شیعه، از جنبه های اعتقادی شیعیان، امامت است. سؤال از پیروان مذهب تشیع این است که در کجای قرآن در مورد امامت حرفی زده شده است و کدام آیه در مورد امامت نازل شده است که با توجه به آن، به این اعتقاد دینی رسیده اید و همچنین در زمینه ی دستورات دینی مسلمانان در مذاهب مختلف، بسیاری از احکام را تحت عنوان دین می توان مشاهده کرد که هیچ کدام از آنها در قرآن نیستند و کلیه ی این اعتقادات و احکام، جز دروغی که بر دین و بر خداوند بسته اند و جز گمراهی، چیز دیگری نیستند.)

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (152 آل عمران)

و یقیناً به درستی، راست گفت به شما خدا، وعده اش را، هنگامی که می کشتید آنان را با اجازه او، تا ناگهان سست شدید و نزاع کردید در کار، و نافرمانی کردید از پس از آنکه نشان داد به شما، آنچه را دوست دارید، از شما کسی است که می خواهد دنیا را، و از شما کسی است که می خواهد آخرت را، سپس برگرداند شما را از آنان، تا بیازماید شما را، و یقیناً به درستی بخشید از شما، و خدا صاحب مزیت است بر مؤمنان

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (153 آل عمران)

هنگامی که بالا می روید و منتظر نمی مانید برای کسی، و فرستاده صدا می کند شما را به طرف دیگرتان، پس جزا داد به شما اندوهی بر اندوهی را، تا اندوهگین نشوید بر آنچه از دست دادید، و نه آنچه اصابت کرد به شما، و خدا آگاه است به آنچه انجام می دهید

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (154 آل عمران)

سپس نازل کرد بر شما از پس از اندوه، چُرتی قابل اعتماد را، دچار می شود جماعتی از شما را، و جماعتی را به درستی اندوهگین کرد آنان را، جانهایشان، گمان می برند به خدا غیر از حقیقت را، گمان نادانی، می گویند آیا برای ما است از کار، از چیزی، بگو همانا کار همه اش برای خداست، پنهان می کنند در خودشان آنچه را آشکار نمی کنند، برای تو می گویند اگر بود برای ما از کار، چیزی را، کشته نمی شدیم اینجا، بگو اگر بودید در خانه هایتان، یقیناً بیرون می آمد کسانی که نوشته شد بر آنان به قتل رساندن، به آرامگاه هایشان، و تا بیازماید خدا آنچه را در سینه هایتان است، و تا خالص گرداند آنچه را در دل هایتان است، و خدا داناست به حقیقت سینه ها

(منظور از جمله آیا برای ما است از کار، از چیزی، این است که آیا ما در کاری، دارای اختیار بر آن هستیم و می توانیم نتیجه را تغییر دهیم.)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (155 آل عمران)

همانا کسانی که روی برتافتند از شما، روز رویارویی دو گروه، همانا دچار لغزش کرد آنان را شیطان، به بعضی از آنچه به دست آوردند، و یقیناً به درستی بخشید خدا از آنان، همانا خدا بسیار آمرزنده ی بردبار است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًّى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (156 آل عمران)

ای کسانی که ایمان آوردید، نباشید مانند کسانی که کفر ورزیدند و گفتند به برادرانشان، اگر حرکت کردند در زمین، یا بودند مهاجمان، اگر بودند نزد ما، نمی مردند و کشته نمی شدند، تا قرار دهد خدا آن را حسرتی در دل هایشان، و خدا زنده می کند و می میراند، و خدا به آنچه انجام می دهید بینا است

وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (157 آل عمران)

و یقیناً اگر کشته شدید در راه خدا، یا مردید، یقیناً آمرزش گناه از خدا و مهربانی ای، بهتر است از آنچه گردآوری می کنند

وَلَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ (158 آل عمران)

و یقیناً اگر مردید یا کشته شدید، یقیناً به خدا جمع کرده می شوید

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (159 آل عمران)

پس به سبب آنچه مهربانی ای است از خدا، نرم خو شدی بر آنان، و اگر بودی تند خوی سخت دل، یقیناً پراکنده می شدند از اطراف تو، پس ببخش از آنان، و طلب عفو کن برای آنان، و مشورت کن با آنان در کار، پس اگر تصمیم قطعی گرفتی، پس کار خود را بسپار بر خدا، همانا خدا دوست دارد توکل کنندگان را

(در این آیه بیان شده که پیامبر رفتاری ملایم داشته و این خوش رفتاری ناشی از مهربانی ای است که خداوند نسبت به پیامبر داشته، و خداوند به پیامبر می فرماید که آنان را ببخش و برای آنان طلب عفو کن و در کارها با آنان مشورت کن. این رفتار خوب پیامبر دقیقاً مخالف آن چیزی است که جماعتی گمراه، تحت عنوان دین و سنت پیامبر، انجام می دهند و همه گونه جنایت و ستم را در حق مردم انجام می دهند و آن را از جانب خدا و پیامبر معرفی می کنند.)

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (160 آل عمران)

اگر یاری کند شما را خدا، پس نیست غلبه کننده ای بر شما، و اگر دست از یاری شما بکشد، پس چه کسی است آنکه یاری کند شما را از پس از او، و بر خدا، پس باید کار خود را بسپارند مؤمنان

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (161 آل عمران)

و نبود برای پیامبری، اینکه خیانت کند، و کسی که خیانت کند، بیاید با آنچه خیانت کرد، روز قیامت، سپس کامل داده می شود به هر کسی، آنچه را به دست آورد، و آنان مورد ستم واقع نمی شوند

أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (162 آل عمران)

آیا پس کسی که پیروی کرد خشنودی خدا را، مانند کسی است که برگشت به خشمی از خدا، و پناهگاه آن جهنم است، و بد برگشتن است

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (163 آل عمران)

آنان را مرتبه هایی است نزد خدا، و خدا بیناست به آنچه انجام می دهند

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (164 آل عمران)

یقیناً به درستی، منت گذاشت خدا، بر مؤمنان، هنگامی که برانگیخت در آنان فرستاده ای از خودشان را، می خواند بر آنان آیات او را، و پاک و منزه می کند آنان را، و یاد می دهد به آنان کتاب و حکمت را، و همانا بودند از قبل، یقیناً در گمراهی آشکاری

(همه ی این کارهایی که بیان شده که پیامبر انجام می دهد، به وسیله ی قرآن است. برای آنان آیات خدا را می خواند که همان قرآن است، پاک و منزه می کند آنان را، که این هم با خواندن آیات قرآن و دعوت مردم به ایمان صورت می گیرد و البته پیامبر فقط وحی خداوند را به مردم می رساند و آنان را به ایمان دعوت می کند و اینکه کسی این دعوت را بپذیرد یا نه، به تصمیم خود آن فرد بستگی دارد و خداوند در قرآن می فرماید که نیست بر تو هدایت آنان، و لیکن خدا هدایت می کند کسی را که می خواهد. به آنان کتاب و حکمت را یاد می دهد و کتاب و حکمت، همان قرآن است. البته با خواندن قرآن می توان به سخن قرآن و دین اسلام به راحتی پی برد و قرآن برای مردم فرستاده شده و پیامبر فقط رابط رساندن قرآن به مردم بوده است و در قرآن خداوند می فرماید که ما قرآن را آسان کردیم.)

أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (165 آل عمران)

آیا وقتی که به شما اصابت کرد مصیبتی، که به درستی رساندید دو برابر آن را، گفتید از کجاست این، بگو آن از نزد خودتان است، همانا خدا بر همه چیز تواناست

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ (166 آل عمران)

و آنچه اصابت کرد به شما روز برخورد دو گروه، پس به اجازه خدا است، و تا بداند مؤمنان را

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (167 آل عمران)

و تا بداند کسانی که منافق بودند (یا کفر را پنهان کردند و به ایمان تظاهر کردند)، و گفته شد به آنان، بیایید بجنگید در راه خدا، یا عقب بزنید، گفتند اگر می دانستیم جنگیدن را، یقیناً پیروی می کردیم از شما، آنان را، به کفر در آن روز نزدیک تر است از آنان به ایمان، می گویند با دهان هایشان آنچه را نیست در دل هایشان، و خدا داناتر است به آنچه پنهان می کنند

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (168 آل عمران)

کسانی که گفتند به برادرانشان و نشستند، اگر اطاعت می کردند ما را، کشته نمی شدند، بگو پس دفع کنید از خودتان مرگ را، اگر بودید راستگویان

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (169 آل عمران)

و در نظر نگیر کسانی را که کشته شدند در راه خدا، مردگان، بلکه زندگانند، نزد ربّشان روزی داده می شوند

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (170 آل عمران)

شادمانان هستند به آنچه داد به آنان خدا از مزیتش، و بشارت می دهند به کسانی که هرگز نپیوستند به آنان از پشتشان، که نه ترسی بر آنان است و نه آنان اندوهگین می شوند

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (171 آل عمران)

شادمان می شوند به نعمتی از خدا و مزیتی، و همانا خدا از بین نمی برد پاداش مؤمنان را

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ (172 آل عمران)

کسانی که پاسخ دادند به خدا و فرستاده، از پس از آنچه اصابت کرد به آنان جراحت، برای کسانی که نیکوکاری کردند از آنان، و حذر کردند، پاداشی بزرگ است

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (173 آل عمران)

کسانی که گفت به آنان مردم، همانا مردم به درستی گرد آمدند برای شما، پس بترسید از آنان، پس افزود به آنان ایمان را، و گفتند بسنده است ما را خدا، و چه خوب کارگزار است

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (174 آل عمران)

پس بازگشتند با نعمتی از خدا و مزیتی، هرگز نرسید به آنان بدی ای، و پیروی کردند خشنودی خدا را، و خدا دارنده مزیت بزرگ است

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (175 آل عمران)

همانا آن شیطان است که می ترساند دوستانش را، پس نترسید از آنان، و از من بترسید، اگر بودید مؤمنان

وَلَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (176 آل عمران)

و تو را اندوهگین نسازند کسانی که شتاب می کنند در کفر، همانا آنان هرگز ضرر نمی رسانند به خدا چیزی را، می‌خواهد خدا که در آخرت برای آنان نصیبی قرار ندهد، و برای آنان عذابی بزرگ است

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (177 آل عمران)

همانا کسانی که خریدند کفر را به ایمان، هرگز زیان نمی رسانند به خدا چیزی را، و برای آنان عذابی دردناک است

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (178 آل عمران)

و گمان نکنند کسانی که کفر ورزیدند چنین است که مهلت می دهیم به آنان، بهتر است برای خودشان، همانا مهلت می دهیم به آنان، تا بیفزایند گناهی را، و برای آنان عذابی اهانت آمیز است

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ (179 آل عمران)

بر آن نیست خدا، تا رها کند مؤمنان را بر آنچه شما بر آن هستید، تا جدا کند ناپاک را از پاک، و بر آن نیست خدا تا با اطلاع کند شما را بر راز، و لیکن خدا برمی گزیند از فرستادگانش، کسی را که می خواهد، پس ایمان آورید به خدا و فرستادگانش، و اگر ایمان آورید و حذر کنید، پس برای شما است پاداشی بزرگ

وَلاَ يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَاللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ(180 آل عمران)

و گمان نکنند کسانی که بخل می‌ورزند از آنچه داد به آنان خدا از مزیتش، آن بهتر است برای آنان، بلکه آن بدی ای است برای آنان، به گردن آویخته خواهند شد آنچه را بخل ورزیدند از آن، روز قیامت، و برای خداست میراث آسمان ها و زمین، و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (181 آل عمران)

یقیناً به درستی، شنید خدا گفتار کسانی را که گفتند همانا خدا تهی دست است و ما توانگرانیم، خواهیم نوشت آنچه را گفتند، و پیامبران کُشی آنان را به غیر از عدل، و می گوییم بچشید عذاب آتش را

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (182 آل عمران)

آن به سبب آنچه از پیش فرستاد دست هایتان، و همانا خدا نیست بسیار ستمگر به بندگان

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (183 آل عمران)

کسانی که گفتند همانا خدا عهد بسته به ما، اینکه ایمان نیاوریم به فرستاده ای، تا بیاورد برای ما قربانی ای، که بخورد آن را آتش، بگو به درستی آمد شما را فرستادگانی از قبل من، با دلایل و با آنچه گفتید، پس برای چه کشتید آنان را، اگر بودید راستگویان

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (184 آل عمران)

پس اگر تکذیب کردند تو را، پس به درستی تکذیب شد فرستادگانی از قبل تو، آوردند دلایل و کتاب ها و کتاب نور بخش را

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (185 آل عمران)

هر جانی چشنده مرگ است، و همانا کامل داده می شود پاداش هایتان روز قیامت، پس کسی که دور شد از آتش و داخل شود به باغ، پس به درستی کامیاب شد، و نیست زندگی دنیا جز کالای فریب دادن

لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (186 آل عمران)

یقیناً آزموده می شوید در دارایی هایتان و جان هایتان، و یقیناً می شنوید از کسانی که کتاب داده شده اند از قبل شما، و از کسانی که شریک قائل شدند، آزاری بسیار را، و اگر شکیبایی کنید و حذر کنید، پس همانا آن از قاطعیت کارها است

(در برابر آزاری که از جانب کافران و از جانب پیروان ادیان دیگر متوجه مسلمانان بوده است، خداوند مسلمانان را به شکیبایی و حذر کردن دعوت کرده است.)

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ (187 آل عمران)

و هنگامی که گرفت خدا پیمان کسانی را که داده شدند کتاب را، اینکه یقیناً باید آشکار کنید آن را برای مردم، و آن را پنهان نکنید، پس آن را پشت سرشان انداختند، و فروختند آن را به بهای ناچیزی، پس بد است آنچه را می خرند

(خداوند از کسانی که پیرو ادیانی هستند که دارای کتاب هستند، پیمان گرفته است که آشکار کنند کتاب را برای مردم، و آن را پنهان نکنند. دقیقاً همین مسئله را در مورد اسلام می توان مشاهده نمود و آن به این صورت است که در طول تاریخِ پس از ظهور اسلام، اسلام واقعی که در قرآن آشکار است، کنار گذاشته شده است و اسلام غیر واقعی با احکام دروغین تحت عنوان اسلام، معرفی شده است.)

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (188 آل عمران)

گمان نکن کسانی را که شادمانی می کنند بر آنچه انجام دادند، و دوست دارند اینکه ستایش شوند بر آنچه هرگز انجام ندادند، پس گمان نکن آنان را با مایه نجات از عذاب، و برای آنان عذابی دردناک است

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (189 آل عمران)

و برای خداست سلطه ی آسمان ها و زمین، و خدا بر هر چیزی توانا است

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (190 آل عمران)

همانا در آفرینش آسمان ها و زمین، و جایگزینی شب و روز، یقیناً نشانه هایی است برای خردمندان

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (191 آل عمران)

کسانی که به یاد می آورند خدا را به حالت ایستاده و نشسته و بر پهلوهایشان، و می اندیشند در آفرینش آسمان ها و زمین، ربّ ما، نیافریدی این را بیهوده، منزهی تو، پس نگاه دار ما را از عذاب آتش

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (192 آل عمران)

ربّ ما، همانا تو کسی را که داخل کنی به آتش، پس به درستی خوارش کردی، و نیست برای ستمکاران، از یاری کنندگان

رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (193 آل عمران)

ربّ ما، همانا ما شنیدیم ندا کننده ای فرا می خواند برای ایمان، اینکه ایمان آورید به ربّتان، پس ایمان آوردیم، ربّ ما، پس بیامرز بر ما گناهانمان را، و بپوشان از ما بدی هایمان را، و بمیران ما را با نیکوکاران

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (194 آل عمران)

ربّ ما، و بده به ما آنچه را به ما وعده دادی با فرستادگانت، و خوار نکن ما را روز قیامت، همانا تو تخلف نمی کنی وعده را

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (195 آل عمران)

پس پاسخ داد بر آنان ربّشان، همانا من از بین نمی برم عملِ عمل کننده را از شما، از مرد یا زن، بعضی از شما از بعضی هستید، پس کسانی که مهاجرت کردند و اخراج شدند از خانه هایشان (یا شهرهایشان) و اذیت شدند در راه من و جنگیدند و کشته شدند، یقیناً می پوشانم از آنان بدی هایشان را، و یقیناً داخل می کنم آنان را به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، پاداش کار خوبی از نزد خدا، و خدا نزدش پاداش کار خوب نیکو است

لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ (196 آل عمران)

تو را نفریبد تغییر کسانی که کفر ورزیدند در شهرها

مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (197 آل عمران)

کالایی اندک است، سپس پناهگاه آنان جهنم است و بد بستر است

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ (198 آل عمران)

لیکن کسانی که حذر کردند از ربّشان، برای آنان باغ هایی است که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند، بخششی است از نزد خدا، و آنچه نزد خداست برگزیده تر است برای نیکوکاران

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (199 آل عمران)

و همانا از اهل کتاب، یقیناً کسی است که ایمان می آورد به خدا و آنچه نازل شد به شما و آنچه نازل شد به آنان، مطیعان برای خدا هستند، نمی فروشند آیات خدا را به بهایی ناچیز، آنان برایشان، پاداششان نزد ربّشان است، همانا خدا شتابنده شمارش است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (200 آل عمران)

ای کسانی که ایمان آوردید، شکیبایی کنید و شکیباتر باشید و سنگر بگیرید (یا در مرزها استقرار یابید)، و حذر کنید از خدا، شاید شما رستگار شوید

سوره نساء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (1 نساء)

ای مردم، حذر کنید از ربّتان، که آفرید شما را از جانی (یا تنی) یگانه، و آفرید از آن، جفتش را، و منتشر کرد از آن دو، مردان بسیاری و زنان را، و حذر کنید از خدا، آنکه درخواست می کنید از او، و خویشاوندی ها، همانا خدا بود بر شما مراقب

(در مورد آفرینش انسان بیان شده است. خداوند ابتدا یک انسان آفرید و سپس جفت او را از همان انسانی که آفریده بود، آفرید. و از آن دو، مردان و زنان را به وجود آورد. نکته ای که در اینجا می توان به آن اشاره کرد این است که زن و مرد هیچ تفاوتی از لحاظ انسانیت و ارزش و مقام، با یکدیگر ندارند و تنها از لحاظ ظاهری تفاوت هایی با یکدیگر دارند که این زیبایی خلقت خداوند است.)

وَآتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (2 نساء)

و بدهید به یتیمان، دارایی هایشان را، و عوض نکنید ناپسند را با نیکو، و نخورید اموالشان را به اموالتان، همانا آن بود گناهی بزرگ

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا (3 نساء)

و اگر ترسیدید که عادل نباشید برای یتیمان، پس ازدواج کنید، آنکه را خوشایند بود برای شما از زنان، دوتا دوتا و سه تا سه تا و چهارتا چهارتا، پس اگر بیم دارید که عادل نباشید، پس یگانه ای یا کنیزانتان را، آن نزدیک تر است به اینکه از حق منحرف نشوید

وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (4 نساء)

و بدهید به زنان، مهریه هایشان را به عنوان بخشش، پس اگر رها کردند برای شما، از چیزی از آن را به شخصه، پس بخورید آن را به صورت گوارای لذیذ

(مهریه ی زنان را باید به آنان داد ولی اگر از آن یا بخشی از آن صرفنظر کردند، اشکالی ندارد که آن قسمت صرفنظر کرده شده را ندهید.)

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (5 نساء)

و ندهید به کم عقلان، دارایی هایتان را که قرار داد خدا برای شما پایه و اساس، و روزی بدهید به آنان از آن، و بپوشانید آنان را، و بگویید بر آنان سخنی مشهور را

(بیان کرده که دارایی های خود را که پایه و اساس زندگی شماست، به کم عقلان ندهید و به آنها از آن روزی بدهید و لباس برای آنها تهیه کنید و با آنها به صورت مشهور سخن بگویید.)

وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (6 نساء)

و بیازمایید یتیمان را، تا اگر رسیدند به زناشویی، پس اگر دریافتید با ایشان عقل (یا ادراک) را، پس تحویل دهید به آنان، دارایی هایشان را، و نخورید آن را به صورت زیاده روی و با شتاب، اینکه بزرگ شوند، و کسی که بود توانگر، پس باید خودداری کند، و کسی که بود تهیدست، پس باید بخورد به مشهور، پس اگر تحویل دادید به آنان، دارایی هایشان را، پس گواه گیرید بر آنان، و کافی است تا خدا حسابگر باشد

(کسی که از نظر مالی بی نیاز است، نباید از مال یتیم که در دستش قرار دارد، استفاده کند و کسی که تهیدست است باید به صورت مشهور از آن استفاده کند و زیاده روی در استفاده از آن نکند و هنگامی که به سن زناشویی رسیدند و دارای عقل بودند، باید دارایی آنان را به آنان تحویل دهد.)

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا (7 نساء)

برای مردان سهمی است از آنچه ارث باقی گذاشت پدر و مادر و خویشاوندان، و برای زنان سهمی است از آنچه ارث باقی گذاشت پدر و مادر و خویشاوندان، از آنچه کم شد از آن یا زیاد شد، سهمی است تعیین کرده شده

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (8 نساء)

و اگر حاضر شد در تقسیم، خویشاوندان و یتیمان و بینوایان، پس روزی دهید آنان را از آن، و بگویید به آنان گفتاری مشهور را

(بیان شده که اگر در تقسیم ارث، خویشاوندان و یتیمان و بینوایان حضور یافتند، چیزی به آنها بدهید و مقدار چیزی که می دهید بستگی به نظر شما دارد و با آنها به صورت مشهور صحبت کنید.)

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (9 نساء)

و باید بترسد، کسانی که اگر ترک کردند از پشتشان، فرزندانی ناتوان را، که ترسیدند بر آنان، پس باید بپرهیزند از خدا، و باید بگویند گفتاری درست کرداری را

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (10 نساء)

همانا کسانی که می خورند دارایی های یتیمان را به ستم، همانا می خورند در شکم هایشان آتشی را، و وارد خواهند شد به آتشی فروزان

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (11 نساء)

توصیه می کند به شما خدا، در مورد فرزندانتان، برای پسر مثل سهم دو دختر است، پس اگر بودند زنانی بیشتر از دو تن، پس برای آنان است دو سوم آنچه ترک کرد، و اگر بود یک تن (=یک زن)، پس برای او است نصف، و برای پدر و مادرش، برای هر یک از آن دو، یک ششم از آنچه ترک کرد، اگر بود برای او فرزندی، پس اگر هرگز نباشد برای او فرزندی، و از او ارث برد پدر و مادرش، پس برای مادرش یک سوم، پس اگر بود برای او برادرانی، پس برای مادرش یک ششم است، از پس از وصیتی است که سفارش می کند به آن، یا بدهکاری ای، پدران شما و پسران شما، نمی دانید کدامشان نزدیک تر هستند بر شما از نظر نفع، سهمی معین از خدا است، همانا خدا است دانای صاحب حکمت

(در مورد نحوه ی تقسیم ارث صحبت شده است و بیان شده، توصیه می کند خدا در مورد فرزندانتان، و این به معنای واجب بودن عمل کردن به این شکل نیست و تصمیم با صاحب مال است که به چه صورت تقسیم را در وصیت نامه خود انجام دهد البته اگر وصیتی وجود نداشت، بیان شده که به این صورت انجام شود. بیان شده بر اساس این توصیه، سهم پسر دو برابر سهم دختر است و در ادامه بیان می کند که اگر ورثه فقط دختر باشند و پسری نباشد و دختران دو یا بیشتر از دو دختر بودند، ارثی که به آنها بر اساس این توصیه می رسد، برابر دو سوم کل ارث است و اگر وارث فقط یک دختر بود و پسری نبود، برای آن دختر نصف ارث خواهد بود. برای پدر و مادر، اگر برای ارث باقی گذارنده فرزندی بوده است، هر کدام از پدر و مادر یک ششم از کل ارث را می برند و اگر فرزندی نداشته باشد و فقط پدر و مادر از او ارث می برند، مادرش یک سوم از ارث را می برد و بقیه برای پدر است. ولی اگر برای درگذشته برادرانی بود، برای مادرش یک ششم از ارث است. اینها همه پس از انجام وصیت صاحب مال و احیاناً اگر بدهکاری ای داشته است، پس از پرداخت بدهی او، انجام می گیرد و اولویت با وصیت و بدهکاری های درگذشته است. اگر فرد در وصیت نامه ی خود تقسیم ارث را به صورت برابر بین پسران و دخترانش انجام دهد، دیگر سهم پسر دو برابر سهم دختر نخواهد بود و باید طبق وصیت فرد انجام پذیرد و یا اگر در وصیت نامه اش برای مثلاً پدرش یا مادرش ارثی در نظر نگرفته باشد، باید طبق وصیت نامه انجام گیرد. ولی اگر وصیت نامه را انجام دهند و پس از انجام وصیت نامه، چیزی باقی بماند که در وصیت نامه ی فرد تکلیف آن مشخص نشده است، باید بر اساس این توصیه، آن مال تقسیم گردد.)

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (12 نساء)

و برای شما نیمی از آنچه ترک کرد همسرانتان (=زنانتان)، اگر هرگز نباشد برای آنان فرزندی، پس اگر بود برای آنان فرزندی، پس برای شما است یک چهارم از آنچه را ترک کردند، از پس از وصیتی که سفارش می کنند به آن یا بدهکاری ای، و برای آنان (=زنان شما) یک چهارم از آنچه ترک کردید، اگر هرگز نباشد برای شما فرزندی، پس اگر بود برای شما فرزندی، پس برای آنان (=زنان شما) یک هشتم از آنچه ترک کردید، از پس از وصیتی که سفارش می کنید به آن یا بدهکاری ای، و اگر مردی که از او ارث می برند کلالة بود (=آنکه بی پدر و بی فرزند باشد)، یا زنی، و برای او برادری یا خواهری است، پس برای هر یک از آن دو، یک ششم است، پس اگر بودند بیشتر از آن، پس آنان شریکان هستند در یک سوم، از پس از وصیتی که سفارش می کند به آن یا بدهکاری ای، غیر از زیانبار، سفارشی است از خدا، و خدا دانای بردبار است

(بیان شده که شوهر از ارثی که همسرش بر جای می گذارد اگر همسرش فرزندی نداشته باشد، نیمی از ارث را می برد و اگر همسرش فرزندی داشته باشد یک چهارم از ارث را می برد البته پس از اجرای وصیت و پرداخت بدهکاری های درگذشته این کار انجام می شود. بیان شده زن از شوهرش اگر شوهر او فرزندی نداشته باشد یک چهارم از ارث را می برد و اگر برای شوهر او فرزندی باشد، یک هشتم ارث را می برد البته پس از اجرای وصیت و پرداخت بدهکاری های درگذشته این کار انجام می شود. بیان شده که اگر مرد یا زن درگذشته کلالة بود و برای او برادر یا خواهری بود، برای برادر یا خواهر درگذشته، یک ششم از ارث است و اگر بیشتر از یک برادر یا خواهر بودند، آنها در یک سوم از ارث شریک خواهند بود و باید این یک سوم را به صورت مساوی بین خود تقسیم کنند. البته این کار پس از اجرای وصیت و پرداخت بدهکاری های درگذشته انجام می شود. نکته اینکه همه ی مواردی که به آن اشاره شده است، پس از انجام وصیت فرد و پرداخت بدهکاری های او انجام می شود و اگر در وصیت خود، به گونه ی دیگری سفارش کرده بود، باید به همان صورتِ وصیت نامه انجام پذیرد. البته انجام وصیت و پرداخت بدهکاری فرد مشروط بر این است که زیانی به بار نیاورد.)

تِلْكَ حُدُودُ اللهِ وَمَن يُطِعِ اللهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (13 نساء)

آن حدهای خداست، و کسی که اطاعت کند خدا و فرستاده اش را، داخل می کند او را به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند و آن موفقیت بزرگ است

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ (14 نساء)

و کسی که نافرمانی کند خدا و فرستاده اش را، و تجاوز کند به حدهای او، داخل می کند او را به آتشی که همیشگی در آن است، و برای او عذابی اهانت آمیز است

وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (15 نساء)

و آن زنان که انجام می دهند گناه بسیار زشتی را از زنان (=همسران) شما، پس به گواهی بخواهید بر آنان چهار تا از خودتان را، پس اگر گواهی دادند، پس نگه دارید آنان را در خانه ها، تا کامل می گیرد آنان را مرگ، یا قرار دهد خدا برای آنان راهی را

(در مورد همسرانی (=زنانی) که مرتکب زنا می شوند، بیان شده است و منظور زنان شوهردار هستند و نه زنان بدون شوهر. بیان شده که برای اثبات اینکه آنها مرتکب این کار شده اند یا نه، باید چهار شاهد از مسلمانان در این مورد شهادت دهند یعنی این چهار شاهد باید انجام این عمل را دیده باشند و شهادت هم بدهند. البته شهادت دادن اجباری نیست و می تواند فردی شاهد این عمل باشد ولی نخواهد که شهادت بدهد و اگر تعداد زیادی هم شاهد این عمل باشند ولی شهادت ندهند، انجام این عمل به اثبات نخواهد رسید و در نتیجه مجازاتی هم در پی نخواهد داشت. پس اگر شهادت دادند، بیان شده که آن زنان را در خانه نگه دارید تا یا بمیرند و یا حکمی جدید در مورد آنها از جانب خدا آورده شود و در آیه های دیگری در قرآن، حکم دیگری به جای نگه داشتن در خانه آورده شده است و در نتیجه این مجازات قابل اجرا نیست.)

وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنْكُمْ فَآذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا (16 نساء)

و آن دو مرد که آن دو، مرتکب آن می شوند از شما، پس آزارشان دهید آن دو را، پس اگر بازگشتند و اصلاح کردند، پس رو گردانید از آن دو، همانا خدا بسیار بازگشت کننده ی بخشایشگر است

(در مورد رابطه ی جنسی دو مرد با یکدیگر بیان شده است. بیان شده که اگر این کار را انجام دادند، آن دو را آزار دهید و منظور از آزار، زدن و یا کشتن آن ها نیست بلکه آزار رفتاری و زبانی است. و بیان شده که اگر آن دو بازگشتند و رفتار خود را اصلاح کردند، دیگر نباید آنها را آزار دهید و خداوند بخشایشگر است.

نکته ای که در مورد این دو آیه باید به آن اشاره کرد این است که مجازات این رفتار چه در مورد آیه ی اول و چه در مورد آیه ی دوم، کشتن افراد انجام دهنده ی آن نیست و در طول تاریخ پس از اسلام، شاهد این هستیم که در بسیاری از موارد به نام خدا و اسلام، این افراد را به روش های گوناگون از جمله سنگسار کردن، به قتل می رسانند و این جز دروغ بستن به خدا و دین و ریختن خون به ناحق نیست و برای دروغ بستن به خدا و دین و ریختن خون به ناحق، عذاب جهنم وعده داده شده است.)

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ فَأُوْلَئِكَ يَتُوبُ اللهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللهُ عَلِيمًا حَكِيمًا(17 نساء)

همانا بازگشت بر خدا، برای کسانی است که انجام می دهند بدی ای را به سبب نادانی، سپس باز می گردند از نزدیک، پس آنان را باز می گردد خدا بر آنان، و است خدا دانای صاحب حکمت

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الآنَ وَلاَ الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُوْلَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا(18 نساء)

و نیست بازگشت برای کسانی که انجام می دهند بدی ها را، تا اگر فرا رسید یکی از آنان را مرگ، گفت همانا من بازگشتم حالا، و نه کسانی که می میرند و آنان کافران هستند، آنان را مهیا کردیم برایشان، عذابی دردناک

(این دو آیه در مورد بازگشت به خدا یا همان توبه کردن بیان شده است.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَرِثُواْ النِّسَاء كَرْهًا وَلاَ تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُواْ بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلاَّ أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِن كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَن تَكْرَهُواْ شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (19 نساء)

ای کسانی که ایمان آوردید، حلال نیست برای شما، اینکه ارث برید زنان را از روی اکراه، و فشار نیاورید بر آنان تا ببرید بعضی از آنچه را دادید به آنان، جز اینکه انجام دهند گناه بسیار زشتی را به صورت آشکار، و همنشینی کنید با آنان به مشهور، پس اگر کراهت داشتید از آنان، پس چه بسا اینکه کراهت دارید از چیزی، و قرار می دهد خدا در آن، خوبی بسیاری را

(در مورد به ارث بردن زنان، در حالتی که رضایتی در مورد این کار از طرف زن و مرد وجود ندارد، اشاره شده است و بیان شده که زنان را تحت فشار نگذارید تا چیزی را که به آنها برای ازدواج داده اید از آنها باز پس گیرید، مگر اینکه آنها به صورت آشکار زنا کرده باشند. و بیان شده که به صورت مشهور با زنان همنشینی کنید و با آنها بد رفتاری نکنید.)

وَإِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا (20 نساء)

و اگر خواستید جایگزینی همسر جای همسر را، و دادید یکی از آنان را مال بسیاری، پس نگیرید از او چیزی را، آیا آن را می گیرید با افترایی (یا تهمتی)، و گناهی آشکار

(بیان شده که اگر خواستید همسر خود را با همسر دیگر عوض کنید و اگر حتی به او مال بسیاری را داده بودید، نباید از او چیزی را پس بگیرید و آن دارایی مال او است، نه مال شما.)

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (21 نساء)

و چگونه می گیرید آن را، و به درستی ملحق شد (یا پیوست) بعضی از شما به بعضی، و گرفتند (=زنان) از شما پیمانی محکم را

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا (22 نساء)

و ازدواج نکنید آنکه را ازدواج کرد پدرانتان از زنان، جز آنچه به درستی سپری شد، همانا آن است گناهی بسیار زشت، و بیزاری و بد راهی

(بیان شده که با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده اند، ازدواج نکنید. البته اگر قبل از آمدن این آیه این کار را کرده اید، ایرادی ندارد.)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (23 نساء)

حرام شد بر شما مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و دختران خواهر، و مادرهایتان، آنان که شما را شیر دادند، و خواهرهایتان از شیر خوردن، و مادران زنانتان و نادختری هایتان، آنان که در دامان شما هستند از زنانتان، آنانکه نزدیکی کردید با آنان

(=زنانتان)، پس اگر هرگز نزدیکی نکرده اید با آنان (=زنانتان)، پس نیست گناهی بر شما، و زن های پسرانتان، کسانی که (=پسرانی که) از نسل شما هستند، و اینکه جمع کنید بین دو خواهر را، جز آنچه به درستی سپری شد، همانا خدا است بسیار آمرزنده بخشایشگر

(در مورد زنانی که برای مردان حرام شده اند، بیان شده است. در انتهای آیه بیان شده، اینکه جمع کنید بین دو خواهر را، منظور این است که با دو خواهر همزمان نمی توان بود ولی اگر از یکی جدا شدید می توانید با دیگری باشید.)

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (24 نساء)

و زنان شوهردار از زنان، جز کنیزانتان، مقرر کردن خدا بر شما است، و حلال شد برای شما آنچه پشت آن است، اینکه طلب کنید با دارایی هایتان، مردان ازدواج کننده، نه مردان هم بستر شونده، پس آنچه را بهره مند شدید با آن از آنان، پس بدهید مزدشان را به عنوان سهمی معین، و نیست گناهی بر شما در آنچه موافقت کردید بر آن از پس از سهمی معین، همانا خدا بود دانای صاحب حکمت

(و در ادامه ی آیه قبلی، در این آیه بیان شده که زنان شوهردار بر شما حرام هستند به جز کنیزانتان (=برده های زن) که اگر شوهر هم داشته باشند، ایرادی ندارد. و زنانی که در گروه حرام ها نبودند، برای شما حلال هستند که طلب کنید با دارایی هایتان، البته مردان ازدواج کننده باید با دارایی هایشان طلب کنند و نه مردان هم بستر شونده. و بیان شده که آن چیزی را که به توافق رسیدید تا پس از بهره مندی از آنان، به آنها بدهید، به آنها بدهید و اگر پس از توافق بر سر چیزی، با یکدیگر در مورد تغییر آن به توافق رسیدید، ایرادی ندارد.)

وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (25 نساء)

و کسی که هرگز توانایی انجام ندارد از شما از نظر توانگری، اینکه ازدواج کند با زنان آزاد مؤمن، پس از کنیزانتان، از کنیزان مؤمن جوانتان، و خدا داناتر است به ایمانتان، بعضی از شما از بعضی هستید، پس ازدواج کنید با آنان با اجازه خانواده شان، و بدهید به آنان مزدهایشان را به مشهورِ زنان آزاد، نه زنان هم بستر شونده و نه زنان گیرندگان دوستان، پس اگر شوهر دار شدند، پس اگر انجام دهند گناه بسیار زشتی را، پس بر آنان است نصف آنچه بر زنان آزاد است از عذاب، آن برای کسی است که ترسید از دشواری از شما، و اینکه شکیبایی کنید بهتر است برای شما، و خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(بیان شده که اگر کسی توانایی مالی برای ازدواج با زنان آزاد مؤمن را ندارد، می تواند با کنیزان مؤمن جوان ازدواج نماید و مزد یا همان مهریه ی آنها را باید به همان صورت که برای زنان آزاد مرسوم است، برای کنیزان در نظر بگیرند و مانند پرداختی که به زنان هم بستر شونده یا زنان گیرنده ی دوستان می دهند، نباید باشد یعنی کنیز بودن آنان، به این معنی نیست که برای آنان آنچه مرسوم است را به جا نیاورند. بیان شده که اگر کنیزی که با او ازدواج کرده اید، مرتکب زنا شد، مجازات او، نصف

مجازات زنان آزاد شوهرداری است که مرتکب زنا شده اند. در ادامه بیان شده که اگر بتوانید تحمل کنید و با کنیزان ازدواج نکنید، بهتر است.)

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (26 نساء)

می خواهد خدا تا آشکار کند برای شما، و هدایت کند شما را به روش های کسانی که از قبل شما بودند، و بازگردد بر شما، و خدا دانای صاحب حکمت است

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا (27 نساء)

و خدا می خواهد اینکه بازگردد بر شما، و می خواهند کسانی که پیروی می کنند امیال (یا جنبش های نفس در طلب لذت) را، اینکه مایل شوید به کجی بزرگی

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (28 نساء)

می خواهد خدا اینکه سبک کند از شما، و آفریده شد انسان به صورت ضعیف

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (29 نساء)

ای کسانی که ایمان آوردید، نخورید دارایی هایتان را میانتان به باطل، جز اینکه باشد داد و ستدی با رضایتی از شما، و نکشید جان هایتان را، همانا خدا بود به شما بخشاینده

(بیان شده که مال یکدیگر را به باطل نخورید و در صورتی می توانید از مال یکدیگر بهره مند شوید که داد و ستدی با رضایت، میانتان صورت پذیرد و بیان شده که نکشید جان هایتان را.)

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (30 نساء)

و کسی که انجام دهد آن را از روی تجاوز و ستم، پس به زودی می سوزانیم او را با آتشی، و بود آن بر خدا آسان

إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا (31 نساء)

اگر اجتناب کنید بزرگ ها را که نهی می شوید از آن، بپوشانیم از شما بدی هایتان را، و داخل کنیم شما را به جایگاهی ارجمند

(بیان شده که اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید اجتناب کنید، خداوند بدی هایتان را از شما می پوشاند و شما را به جایگاهی ارجمند وارد می نماید. این پوشاندن بدی ها در این حالت از جانب خدا، به صورت خود به خود صورت می پذیرد و نیازی به توبه برای بخشش آن ها نیست. گناهان بزرگ در قرآن بیان شده اند و با خواندن قرآن قابل تشخیص هستند.)

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (32 نساء)

آرزو نکنید آنچه را صاحب فضل دانست خدا با آن، بعضی از شما را بر بعضی، برای مردان سهمی است از آنچه به دست آوردند، و برای زنان سهمی است از آنچه به دست آوردند، و تقاضا کنید از خدا از مزیتش، همانا خدا بود بر هر چیزی دانا

(اینکه خدا برخی را در مواردی صاحب فضل دانسته است بر دیگران، به معنی برتری این افراد از نظر انسانیت بر دیگران نیست و همه، چه مرد و چه زن، از لحاظ انسانیت برابر هستیم و حتی پیامبران نیز مانند دیگر انسان ها، انسان بوده اند و فراتر از انسان نبوده اند.)

وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (33 نساء)

و برای همه قرار دادیم وارثانی را، از آنچه ترک کرد پدر و مادر و نزدیکان، و کسانی که منعقد کرد دست های راستتان، پس بدهید به آنان سهمشان را، همانا خدا است بر هر چیزی گواه

(میزان سهمی که هر کدام از وارثان از ارث می برند، در آیات قرآن مشخص شده است ولی اولویت با وصیتی است که فرد از دنیا رفته کرده است و اگر وصیت کرده باشد، باید طبق وصیت، مال تقسیم شود. منظور از عبارت کسانی که منعقد کرد دست های راستتان، افرادی هستند که شما با آنها عهد و پیمانی را منعقد کرده اید.)

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا (34 نساء)

مردان توانااها بر انجام کار برای زنان هستند، به سبب آنچه صاحب فضل دانست خدا بعضی از آنان (=مردان) را بر بعضی، و به سبب آنچه خرج کردند از دارایی هایشان، پس زنان شایسته، اطاعت کننده ی نگهدارندگان هستند برای پنهان، بر آنچه حفظ کرد خدا، و آنان(=زنان) را که می ترسید از ناسازگاریشان، پس پندشان دهید، و ترک کنید آنان را در خوابگاه ها، و روی برتابید از آنان، پس اگر اطاعت کردند از شما، پس طلب نکنید بر آنان راهی را، همانا خدا بود شریف بزرگ

(اینکه در این آیه مطرح شده مردان توانااها بر انجام کار برای زنان هستند، به معنای برتر بودن مردان بر زنان نیست بلکه یک موضوعی را که در برخی موارد می تواند به صورت خود به خود، وجود داشته باشد، را بیان می کند.)

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (35 نساء)

و اگر ترسیدید از مخالفت ورزیدن بین آن دو، پس برانگیزید داوری از بستگان او (=مرد)، و داوری از بستگان او (=زن) را، اگر آن دو بخواهند آشتی دادنی را، آشتی می دهد خدا بین آن دو را، همانا خدا است دانای آگاه

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (36 نساء)

و بپرستید خدا را، و شریک قائل نشوید با او چیزی را، و به پدر و مادر نیکی ای را، و به خویشاوند و یتیمان و بی چیزان و پناهنده خویشاوند و پناهنده غریب و یارِ سفر و مسافر و بردگانتان، همانا خدا دوست ندارد کسی را که بود متکبر فخر کننده ای

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (37 نساء)

کسانی که خِسَّت به خرج می دهند و امر می کنند مردم را به خست، و مخفی می کنند آنچه را که داد به آنان خدا از مزیتش، و مهیا کردیم برای کافران عذابی اهانت آمیز را

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (38 نساء)

و کسانی که خرج می کنند دارایی هایشان را برای ریا کاری کردن (یا دو رویی نشان دادن) با مردم، و ایمان نمی آورند به خدا و نه به روز واپسین، و کسی که باشد شیطان برای او همنشینی، پس بد همنشینی است

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّـهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّـهُ ۚوَكَانَ اللَّـهُ بِهِمْ عَلِيمًا (39 نساء)

و چه چیزی علیه آنان است اگر ایمان آوردند به خدا و روز واپسین، و خرج می کردند از آنچه روزی داد به آنان خدا، و بود خدا به آنان دانا

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (40 نساء)

همانا خدا ستم نمی کند مقدار بسیار ناچیزی را، و اگر باشد نیکی ای، آن را دو برابر می کند، و می دهد از نزدش پاداشی بزرگ را

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا (41 نساء)

پس چگونه است اگر آوردیم از هر جماعتی گواهی را، و آوردیم تو را بر اینان گواه

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا (42 نساء)

در آن روز، دوست دارد کسانی که کفر ورزیدند و نافرمانی کردند از فرستاده، اگر مسطح کرده می شد با آنان زمین، و مخفی نمی کنند از خدا گفتاری را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا (43 نساء)

ای کسانی که ایمان آوردید، نزدیک نشوید به نماز، و شما مستان هستید، تا آنکه بدانید آنچه را می گویید، و نه آلوده به منی، جز عبور کننده های راه، تا شستشو کنید، و اگر بودید بیماران یا در مسافرت، یا آمد یکی از شما از گودی (محلی گود که در آن قضای حاجت می کردند) یا لمس کردید زنان را، پس هرگز نیافتید آبی را، پس قصد کنید خاک پاکی را، پس بمالید به صورت هایتان و دست هایتان، همانا خدا بود بخشنده ای بسیار آمرزنده

(بیان شده که اگر مست هستید به نماز نپردازید تا آنکه هوشیار شوید و بدانید آنچه را که می گویید، و همچنین در حالی که آلوده به منی هستید نیز به نماز نپردازید تا شستشو کنید و آلودگی را بر طرف نمایید. مگر هنگامی که در حال حرکت در راهی هستید. حال اگر بیمار بودید و یا در مسافرت هستید و امکان شستشو نداشتید و یا اینکه از محل قضای حاجت می آیید و یا با زنان آمیزش کرده اید و آبی برای شستشو نیافتید، پس به جای شستشو کردن با آب، خاکی پاک را به صورتتان و دست هایتان بمالید و بعد به نماز بپردازید.

نکته ی قابل توجه اینکه وقتی در این آیه بیان می شود که از محل قضای حاجت آمدید، منظور ادرار و مدفوع کردن نیست، زیرا در این آیه در ابتدا بیان می کند که اگر آلوده به منی هستید، و بیان نشده که در حالی که آلوده به ادرار و مدفوع هستید هم به نماز نپردازید، در نتیجه منظور وقتی است که در محل قضای حاجت، فرد آلوده به منی شده است و در ادامه بیان می کند که یا با زنان آمیزش کرده اید، در نتیجه منظور از محل قضای حاجت، انجام کاری است که باعث می شود فرد به منی آلوده شود یا به عبارت دیگر، خود ارضایی کرده باشد.)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ (44 نساء)

آیا هرگز ننگریستی به کسانی که داده شدند بهره ای از کتاب، می خرند گمراهی را، و می خواهند اینکه گم کنید راه را

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا (45 نساء)

و خدا داناتر است به دشمنان شما، و کافی است تا خدا به صورت دوست باشد، و کافی است تا خدا به صورت یاری کننده باشد

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (46 نساء)

از کسانی که یهودی شدند، کج می کنند (یا جابجا می کنند) کلمات را از مکان هایش، و می گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم، و بشنو غیر از به گوش رسانده شده، و رعایت ما را بکن، و با پیچ و خم دادن به زبان هایشان و طعنه زدن در دین، و اگر همانا آنها گفتند شنیدیم و اطاعت کردیم، و بشنو و بنگر به ما، یقیناً بود بهتر برای آنان، و درست تر بود، و لیکن لعنت کرد آنان را خدا به سبب کفرشان، پس ایمان نمی آورند جز اندکی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (47 نساء)

ای کسانی که داده شدید کتاب، ایمان آورید به آنچه نازل کردیم، که تصدیق کننده است برای آنچه با شما است، از قبل اینکه محو کنیم (یا بی نور کنیم) چهره هایی را، پس آن را بازگردانیم بر پشت هایش، یا لعنت کنیم آنها را آنچنان که لعنت کردیم همنشینان شنبه را، و بود فرمان خدا انجام شده

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا (48 نساء)

همانا خدا نمی آمرزد اینکه شریک قائل گردیده شود با او، و می آمرزد آنچه را پایین تر از آن است، برای کسی که می خواهد، و کسی که شریک قائل شود با خدا، پس به درستی دروغ بافت گناهی بزرگ را

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (49 نساء)

آیا هرگز ننگریستی به کسانی که موجه جلوه می دهند خودشان را، بلکه خدا پاک و منزه می کند کسی را که می خواهد، و مورد ستم واقع نمی شوند به اندازه نخ نازک شکاف هسته خرمایی

انْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُبِينًا (50 نساء)

بنگر چگونه دروغ می بندند بر خدا دروغی را، و کافی است تا آن گناهی آشکار است

(در آیه های 49 و 50 نساء، آنچه بیان شده را می توان برای مثال، شرح حال کسانی دانست که شکلی حق به جانب به خود می گیرند و خود را فردی با ایمان نشان می دهند و احکام و حلال و حرام دروغی از خود در می آورند و به خدا و دین نسبت می دهند.)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا (51 نساء)

آیا هرگز ننگریستی به کسانی که داده شدند بهره ای از کتاب، ایمان می آورند به بت و شیطان، و می گویند به کسانی که کفر ورزیدند، که اینان هدایت یافته ترند از کسانی که ایمان آوردند، به راه

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (52 نساء)

آنان کسانی هستند که لعنت کرد آنان را خدا، و کسی را که لعنت کند خدا، پس هرگز نیابی برای او یاری کننده ای

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذًا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا (53 نساء)

آیا برای آنان بهره ای از سلطه است، پس بدین ترتیب نمی دهند به مردم، فرو رفتگی پشت هسته خرمایی را

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (54 نساء)

آیا حسد می ورزند به مردم بر آنچه داد به آنان خدا از مزیتش، پس به درستی دادیم به خاندان ابراهیم، کتاب و حکمت را، و دادیم به آنان سلطه ای بزرگی را

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَى بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا (55 نساء)

پس، از آنان کسی است که ایمان آورد به او، و از آنان، کسی است که بازداشت از او، و کافی است جهنم به صورت زبانه آتش

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (56 نساء)

همانا کسانی که کفر ورزیدند به آیات ما، به زودی می اندازیم آنان را در آتشی، هر وقت که بریان شد پوست هایشان، عوض می کنیم آنان را با پوست هایی غیر از آن، تا بچشند عذاب را، همانا خدا است ارجمند صاحب حکمت

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (57 نساء)

و کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، داخل خواهیم کرد آنان را به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند برای همیشه، برای آنان در آن همسرانی پاک شده است، و داخل می کنیم آنان را به سایه ای پایدار

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (58 نساء)

همانا خدا امر می کند به شما، اینکه برگردانید سپرده ها را به صاحبش، و اگر قضاوت کردید میان مردم، اینکه قضاوت کنید به دادگری، همانا خدا، چه خوب است آنچه را که پند می دهد شما را به آن، همانا خدا بود شنوای بینا

(بیان شده که سپرده ها را به صاحبش برگردانید، یعنی مال مردم را به ناحق نخورید و اگر میان مردم قضاوت می کنید، به دادگری و عدالت قضاوت نمایید. فرقی ندارد که میان چه کسانی را قضاوت می کنید، چه مسلمان است و چه پیروی ادیان دیگر و چه کافر، نباید چیزی در قضاوت عادلانه تأثیر بگذارد.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (59 نساء)

ای کسانی که ایمان آوردید، اطاعت کنید از خدا، و اطاعت کنید از فرستاده، و از صاحب منصبان از شما، پس اگر نزاع کردید در چیزی، پس برگردانید آن را به خدا و فرستاده، اگر ایمان می آوردید به خدا و روز واپسین، آن بهتر است و نیکوترین تفسیر است

(این آیه بیان می کند که از صاحب منصبان اطاعت کنید، دستوراتی که صاحب منصب ممکن است بدهد، دو گونه می تواند باشد، یک دسته دستوراتی است که ارتباطی با دین ندارد و دسته دیگر دستوراتی است که با دین ارتباط دارد. بیان شده که اطاعت کنید از خدا و اطاعت کنید از پیامبر و افراد صاحب منصبتان، ولی اگر در مورد چیزی به اختلاف رسیدید، آن موضوع را به خدا و فرستاده برگردانید و اختلاف خود را از این طریق بر طرف نمایید. نکته ی قابل توجه این است که گاهی اوقات از طرف صاحب منصبان، مثلاً در گذشته، فرمانده ی لشکر یا خلیفه شهری، دستوری داده می شود که با دین مغایرت دارد و اگر فرد بخواهد به دستور خداوند در آن مورد عمل کند باید موضوع را به خدا و فرستاده برگرداند. به خدا برگرداندن موضوع به معنای بررسی موضوع در قرآن است و یعنی قرآن را بخواند و به حقیقت پی ببرد. برگرداندن موضوع به پیامبر، به این معنا است که از پیامبر بپرسد و نکته ای که در این مورد قابل توجه است این است که پیامبر در حال حاضر در بین مسلمانان نیست و در

زمانی که این آیه نازل شده است پیامبر در بین مسلمانان بوده و این امکان وجود داشته که افراد موضوعات مورد نظر خود را از او بپرسند ولی امروزه این کار جایگاهی ندارد، و نکته دیگر اینکه بر اساس آیات قرآن، پیامبر چیزی به غیر از قرآن در مورد موضوعات دین بیان نمی کرده است و برای اینکه ما در حال حاضر که پیامبر در دنیا نیست، بفهمیم که نظر پیامبر در زمان حیات ایشان در مورد موضوع مورد نظر چه بوده، باید قرآن را بخوانیم و پیامبر نیز همان چیزی را که در قرآن بیان شده، بیان می کرده است. امروزه مراجعه به روایات و سخنان پیامبر برای پی بردن به حقیقت و دستورات دین، جز گمراهی و انحراف از دین، نتیجه ای نخواهد داشت.

نکته دیگر اینکه در مذهب شیعه، پیروان این مذهب معتقدند که امامان در جایگاه صاحب منصبان بوده اند و اطاعت از آنها در این آیه مطرح شده است. صاحب منصب به همه ی افرادی می گویند که مسئولیتی را بر عهده دارند مثلاً در گذشته فرمانده ی لشکر یا خلیفه، صاحب منصب بوده اند. بر فرض اینکه در زمان حیات امامانِ مذهب شیعه، آنها را بتوانیم جزو صاحب منصبان به حساب آوریم، در این آیه بیان شده که اگر در مورد موضوعی به اختلاف رسیدید، به قرآن و پیامبر مراجعه کنید، و امامان مذهب شیعه در این مورد، جایگاهی بالاتر از دیگر صاحب منصبان ندارند، پس چگونه است که در مذهب شیعه، بیشتر احکام دینی را از احادیث و روایات امامانِ خود استخراج می کنند و حال آنکه بیشتر این احکام در قرآن نیامده است. نکته دیگر اینکه اطاعت از صاحب منصب مربوط به همان زمان و مکان صاحب منصب است و ارتباطی به زمان های دیگر و مکان های دیگر ندارد، مثلاً مسلمانی که در مکه بوده، ارتباطی با خلیفه ی دمشق نداشته است و الزامی برای اطاعت از آن نداشته و مسلمانی که در لشکر بوده، از دستورات فرمانده لشکر صد سال پیش از خود، اطاعت نمی کند. بنابراین امامان مذهب شیعه حتی اگر صاحب منصب هم بوده اند، برای زمان خود بوده اند و صحبت ها و دستورات آنها، چه برای زمان خودشان و چه برای زمان های دیگر، منبع تولید کننده احکام دین نبوده و نیست. مذهب اهل سنت نیز از لحاظ گمراهی و انحراف از اسلام، دست کمی از شیعه ندارد و با اینکه آنها به امامت اعتقادی ندارند ولی بسیاری از احکام دین را به جای قرآن، از روایات و احادیث پیامبر به وجود آورده اند و حال آنکه بسیاری از این احکام در قرآن نیامده است.)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (60 نساء)

آیا هرگز ننگریستی به کسانی که ادعا می کنند که همانا آنان ایمان آوردند به آنچه نازل شد به تو، و آنچه نازل شد از قبل تو، می خواهند اینکه طرح شکایت کنند به شیطان، و به درستی امر شدند به اینکه کفر ورزند به آن، و می خواهد شیطان، اینکه گمراهشان کند گمراهی دوری

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا (61 نساء)

و اگر گفته شد به آنان، بیایید به آنچه نازل کرد خدا، و به پیام آور، دیدی منافقان (یا متظاهران به ایمان با کفر باطنی) را، باز می دارند از تو بازداشتنی را

(در دو آیه ی قبلی بیان شده، کسانی که ادعا می کنند که ایمان آورده اند به آنچه که به تو و قبل از تو نازل شده است، می خواهند برای قضاوت بینشان به شیطان مراجعه کنند، که شاید منظور قوانین دوران بت پرستی است، و این در حالی است که امر شدند به کفر ورزیدن به شیطان. و در ادامه بیان شده که اگر به آنان گفته شد که برای قضاوت، به آنچه که خدا نازل کرده و به فرستاده مراجعه کنید، منافقان،

افراد را از این کار باز می دارند. نکته ی قابل توجه در این آیات این است که، در پس از ظهور اسلام، برخی از کسانی که ادعا می کردند ایمان آورده اند، هنوز به دنبال اجرای قوانین و دستورالعمل های بت پرستی بوده اند و اگر از آنان خواسته می شده که بر اساس قرآن قضاوت کنند، اکراه داشته اند و چه بسا بسیاری از قوانین و کارهایی که امروزه به دروغ تحت عنوان اسلام نامیده شده است و هیچ ارتباطی با قرآن و اسلام ندارند، از این ناشی شده باشد. نکته دیگر اینکه، بیان شده برای قضاوت کردن، به قرآن مراجعه کنید و به فرستاده مراجعه کنید که البته فرستاده نیز چیزی غیر از آنچه در قرآن آمده است، برای قضاوت بیان نمی کرده است، و این نشان دهنده ی جایگاه قرآن در دین است.)

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا (62 نساء)

پس چگونه است اگر به آنان اصابت کند بلایی، به سبب آنچه از پیش فرستاد دست هایشان، سپس آمدند نزد تو، سوگند می خورند به خدا، که نمی خواستیم جز نیکی و آشتی را

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (63 نساء)

آنان کسانی هستند که می داند خدا آنچه را در دل هایشان است، پس روی برگردان از آنان، و پند بده به آنان، و بگو به آنان در جان هایشان، سخنی رسا را

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (64 نساء)

و نفرستادیم از فرستاده ای را، جز تا اطاعت شود با اجازه خدا، و اگر همانا آنان، هنگامی که ستم کردند به خودشان، آمدند نزد تو، پس طلب عفو کردند از خدا، و طلب عفو کرد برای آنان فرستاده، یقیناً یافتند خدا را بسیار بازگشت کننده ای بخشایشگر

(منظور از اطاعت کردن از فرستاده، ایمان آوردن است.)

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (65 نساء)

پس نه، و سوگند به ربّ تو، ایمان نمی آورند، تا داور کنند تو را در آنچه نزاع کرد بین آنان، سپس نیابند در خودشان تنگنایی از آنچه حکم کردی، و تسلیم شوند تسلیم شدنی

(بیان شده که آنان ایمان نمی آورند مگر اینکه تو را در آن موضوعی که در مورد آن اختلاف دارند، داور کنند و سپس از حکم تو ناراحت نشوند و تسلیم حکم تو شوند.)

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا (66 نساء)

و اگر همانا ما مقرر می کردیم بر آنان، اینکه بکشید جان هایتان را، یا خارج شوید از خانه ها (یا شهرها) یتان، انجام نمی دادند آن را جز اندکی از آنان، و اگر همانا آنان انجام می دادند آنچه را پند داده می شوند به آن، یقیناً بود بهتر برایشان، و نیرومند تر از نظر استواری

وَإِذًا لَآتَيْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا (67 نساء)

و بدین ترتیب یقیناً می دادیم به آنان از نزدمان، پاداشی بزرگ را

وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (68 نساء)

و یقیناً هدایت می کردیم آنان را به راهی راست

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (69 نساء)

و کسی که اطاعت کند خدا و فرستاده را، پس آنان با کسانی هستند که نعمت داد خدا بر آنان، از پیامبران و بسیار راستگویان و گواهان و شایسته ها، و مناسب بود آنان را از نظر دوست

(اطاعت فرستاده در دو جنبه می تواند باشد، جنبه ی اول در مورد مسائلی است که ارتباطی با دین نداشته و پیامبر از مسلمانان خواسته هایی داشته و آنان به اطاعت کردن دعوت شده اند، مثلاً پیامبر در مورد مسئله ای از مسلمانان می خواسته تا در محلی جمع شوند. جنبه ی دوم در مورد مسائلی بوده که ارتباط با دین داشته است و در این مورد پیامبر چیزی جز آنچه که در قرآن آمده، بیان نمی کرده است. بنابراین امروزه که پیامبر در دنیا نیست، اطاعت از پیامبر جایگاهی ندارد و ملاک دین تنها قرآن است.)

ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا (70 نساء)

آن مزیت است از خدا، و کافی است تا خدا دانا باشد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا (71 نساء)

ای کسانی که ایمان آوردید، بگیرید اسلحه تان را، پس به راه افتید دسته های متفرق، یا به راه افتید همگی

(این آیه در مورد زمانی بیان شده است که آیه نازل شده است و ارتباطی به زمان های دیگر ندارد.)

وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا (72 نساء)

و همانا از شما یقیناً کسی است که یقیناً درنگ می کند، پس اگر به شما اصابت کرد بلایی، گفت به درستی نعمت داد خدا بر من، هنگامی که هرگز نبودم با آنان به صورت شاهد

وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا (73 نساء)

و یقیناً اگر اصابت کرد به شما مزیتی از خدا، یقیناً می گوید مانند اینکه هرگز نبود بین شما و بین او محبتی، ای کاش من بودم با آنان، پس کامیاب می شدم موفقیتی بزرگ را

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (74 نساء)

پس باید بجنگد در راه خدا، کسانی که می فروشند زندگی دنیا را به آخرت، و کسی که بجنگد در راه خدا، پس کشته شود یا پیروز گردد، پس به زودی به او خواهیم داد پاداشی بزرگ را

(این آیه در مورد زمانی بیان شده که آیه نازل شده است و در مورد جنگی بیان شده که در آن زمان روی داده است و ارتباطی با دیگر زمان ها ندارد.)

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (75 نساء)

و شما را چه شده که نمی جنگید در راه خدا، و ضعیف شمرده شدگان از مردان و زنان و کودکان، کسانی که می گویند ربّ ما، خارجمان کن از این آبادی با سکنه ی ستمکار، و قرار بده برای ما از نزدت، دوستاری، و قرار بده برای ما از نزدت، یاری کننده ای را

(این آیه در مورد زمانی بیان شده که آیه نازل شده است و در مورد جنگی بیان شده که در آن زمان روی داده است و ارتباطی با دیگر زمان ها ندارد.)

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (76 نساء)

کسانی که ایمان آوردند، می جنگند در راه خدا، و کسانی که کفر ورزیدند، می جنگند در راه شیطان، پس بجنگید با دوستان شیطان، همانا نیرنگ شیطان بود ناتوان

(این آیه در مورد زمانی بیان شده که آیه نازل شده است و در مورد جنگی بیان شده که در آن زمان روی داده است و ارتباطی با دیگر زمان ها ندارد.)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا (77 نساء)

آیا هرگز ننگریستی به کسانی که گفته شد به آنان، بازدارید دست هایتان را و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را، پس وقتی که مقرر شد برای آنان جنگ، ناگهان گروهی از آنان می ترسند از مردم، مانند ترسیدن از خدا، یا ترسیدن شدیدتر، و گفتند ربّ ما، برای چه مقرر کردی بر ما جنگیدن را، چرا به تأخیر نینداختی ما را تا فرصتی نزدیک، بگو کالای دنیا اندک است و آخرت بهتر است برای کسی که حذر کرد، و مورد ستم واقع نمی شوند به اندازه نخ نازک شکاف هسته خرمایی

(منظور از عبارت باز دارید دست هایتان را، این است که وارد جنگ نشوید.)

أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (78 نساء)

هر جا که باشید، به شما می رسد مرگ، اگر چه بودید در برج های سخت بنیان، و اگر به آنان برسد نیکی ای، می گویند این از نزد خدا است، و اگر به آنان برسد بدی ای، می گویند این از نزد تو است، بگو همگی از نزد خدا است، پس چه شده است اینان را، جماعتی که نزدیک نیستند به اینکه بفهمند سخنی را

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (79 نساء)

آنچه رسید به تو از نیکی ای، پس از خداست، و آنچه رسید به تو از بدی ای، پس از خودت است، و فرستادیم تو را برای مردم فرستاده ای، و کافی است تا خدا باشد گواه

مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (80 نساء)

کسی که اطاعت کند فرستاده را، پس به درستی اطاعت کرد خدا را، و کسی که روی برتافت، پس نفرستادیم تو را بر آنان نگهبان (یا مواظبت کننده)

(این آیه یک از آیاتی است که بیان کننده ی عدم اجبار در دین است و به پیامبر بیان کرده که کسانی که از تو اطاعت نمی کنند، ما تو را بر آنان نگهبان نفرستاده ایم و نشان دهنده ی این است که حتی پیامبر هم اجازه وادار کردن کسی به کاری را نداشته است پس چگونه است که افرادی تحت عنوان اسلام، مردم را به انجام کارهایی که آن را اسلام نامیده اند، وادار می کنند و در این راه، از هیچ جنایت و ستمی فرو گذار نمی کنند.

این اطاعت کردن از پیامبر که در این آیه بیان شده است، در مورد موضوعی بیان شده که در زمان پیامبر بوده است و احتمالاً در مورد جنگی است که در آیات قبل در مورد آن صحبت شده است و در آیه بعد هم در این مورد صحبت شده است.)

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (81 نساء)

و می گویند اطاعتی، پس اگر بیرون آمدند از نزد تو، شبانه چاره اندیشی کرد جماعتی از آنان، غیر از آنچه می گویی، و خدا می نویسد آنچه را شبانه چاره اندیشی می کنند، پس روی برگردان از آنان، و کار خود را بسپار بر خدا، و کافی است تا خدا باشد کارگزار

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (82 نساء)

آیا پس فکر نمی کنند در قرآن، و اگر بود از نزد غیر از خدا، یقیناً می یافتند در آن اختلاف بسیاری را

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (83 نساء)

و اگر آمد آنان را موضوعی از امنیت یا ترس، منتشرش ساختند، و اگر عودت می دادند آن را به فرستاده، و به متولیان امر از آنان، یقیناً درک می کرد آن را، کسانی که در می یابند آن را از آنان، و اگر نبود مزیت خدا بر شما، و مهربانی او، یقیناً پیروی می کردید شیطان را، جز اندکی

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا (84 نساء)

پس بجنگ در راه خدا، به انجام کاری وادار نکن جز خودت را، و تشویق کن مؤمنان را، چه بسا خدا، اینکه بازدارد قدرت (یا زیان) کسانی را که کفر ورزیدند، و خدا نیرومندتر است از نظر قدرت (یا زیان)، و نیرومندتر است از نظر درس عبرت دادن

(به پیامبر بیان شده که در راه خدا بجنگ، به انجام کاری وادار نکن جز خودت را، و تشویق کن مؤمنان را. این نیز بیان کننده ی عدم اجبار در دین است و به پیامبر بیان شده که مؤمنان را به جنگیدن تشویق کن و بیان شده که آنان را مجبور نکن.)

مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا (85 نساء)

کسی که کوشش کند (برای خواسته کسی) وساطت نیکی ای را، باشد برای او سهمی از آن، و کسی که کوشش کند (برای خواسته کسی) وساطت بدی را، باشد برای او بهره ای از آن، و است خدا بر همه چیز نیرومند

(بیان شده که کسی که برای خوبی رساندن به دیگری، پا درمیانی کند، برای او از جانب خدا، سهمی از آن خواهد بود و کسی که برای آسیب رساندن به دیگری، پا در میانی کند، برای او از جانب خدا، سهمی از آن خواهد بود.)

وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا (86 نساء)

و اگر به شما درود فرستاده شد با درود فرستادن، پس درود فرستید به نیکوتر از آن، یا آن را برگردانید، همانا خدا بود بر هر چیزی حسابگر

(بیان شده که پاسخ خوبی را با خوبی ای بهتر از آن، یا حداقل مانند آن بدهید.)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (87 نساء)

خداست، نیست خدایی جز او، یقیناً شما را جمع می کند به روز قیامت، نیست شکی در آن، و چه کسی راستگوتر است از خدا، از نظر سخن

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (88 نساء)

پس چه شده شما را، که به دلیل منافقان (=متظاهران به ایمان با کفر باطنی) دو گروه شدید، و خدا سرنگونشان کرد به سبب آنچه به دست آوردند، آیا می خواهید اینکه هدایت کنید کسی را که گمراه کرد خدا، و کسی را که گمراه کند خدا، پس هرگز نمی یابی برای او راهی را

(در مورد اتفاقی بیان شده است که در آن زمان روی داده است.)

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (89 نساء)

دوست داشتند اگر کافر می شوید، مانند اینکه کفر ورزیدند، که پس باشید یکسان، پس نگیرید از آنان دوستان، تا هجرت کنند در راه خدا، پس اگر روی گرداندند، پس بگیریدشان و بکشیدشان هر جا یافتیدشان، و نگیرید از آنان دوستی، و نه یاری کننده ای

(در آیه های قبلی در مورد جنگی که روی داده است، صحبت شده است و در ادامه بیان شد که اگر به شما درود فرستاده شد، در پاسخ آن، درود فرستید، که این نشان دهنده ی این است که مسلمانان جنگ را

با کسانی باید انجام دهند که آنها با مسلمانان وارد جنگ شده بوده اند و این آیه نیز در مورد کسانی صحبت کرده که جنگ را با مسلمانان شروع کرده بوده اند و با مسلمانان می جنگیده اند.)

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (90 نساء)

جز کسانی که می پیوندند به گروهی، که بین شما و بین آنان پیمانی است، یا آمدند نزد شما، در حالی که به تنگ آمده است سینه هایشان از اینکه با شما بجنگند، یا بجنگند با قومشان، و اگر می خواست خدا، یقیناً مسلط می کرد آنان را بر شما، پس یقیناً با شما می جنگیدند، پس اگر کناره گیری کردند از شما، پس هرگز نجنگیدند با شما، و ابلاغ کردند به شما درود (یا تسلیم)، پس قرار نداد خدا برای شما بر آنان راهی را

(در این آیه از گروهی صحبت شده است که به جماعتی پیوسته اند که مسلمانان با آن جماعت پیمان بسته اند، و بیان شده که با آنها نجنگید و همچنین بیان شده که اگر کسی نزد مسلمانان آمد و تمایلی به جنگ با مسلمانان و جنگ با دشمنان مسلمانان نداشت و از جنگیدن با شما کناره گیری کرد و هرگز با شما نجنگید و به شما درود فرستاد، پس حق جنگیدن با او را ندارید.)

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا (91 نساء)

خواهید یافت دیگران را، که می خواهند اینکه از شما احساس امنیت کنند، و احساس امنیت کنند از قومشان، هر بار که بازگردانده شدند به در آشوب افکندن، واژگون شدند در آن، پس اگر هرگز از شما کناره گیری نکردند و ابلاغ نکردند به شما درود (یا تسلیم)، و بازنداشتند دست هایشان را، پس بگیرید آنها را و بکُشید آنها را هر کجا که رسیدید به آنان، و آنانند که قرار دادیم برای شما بر آنان دلیلی آشکار را

(در مورد افرادی بیان شده که می خواهند هم از شما و هم از قومشان احساس امنیت کنند و اگر در موقعیت آن قرار گرفتند، با مسلمانان وارد جنگ شدند، و بیان شده که اگر از جنگ با مسلمانان کناره گیری نکردند و به مسلمانان درود نفرستادند و از جنگ با مسلمانان دست بر نداشتند، با آنان وارد جنگ شوید.)

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (92 نساء)

و نبود برای مؤمنی، اینکه بکُشد مؤمنی را جز به اشتباه، و کسی که کشت مؤمنی را به اشتباه، پس آزاد کردن برده ای مؤمن، و خونبهای پذیرفته شده به خانواده اش، جز اینکه صدقه دهند، پس اگر بود از جماعتی که دشمن است برای شما، و آن مؤمن است، پس آزاد کردن برده ای مؤمن، و اگر بود از جماعتی که بین شما و بین آنان پیمان است، پس خونبهای پذیرفته شده به خانواده اش و آزاد کردن برده

ای مؤمن، پس کسی که هرگز نیافت، پس روزه گرفتن دو ماه پشت سر هم، بازگشتی است از خدا، و خدا دانای صاحب حکمت است

(بیان شده که مؤمن نباید مؤمنی را بکشد مگر به صورت غیر عمد، و اگر به اشتباه این اتفاق افتاد، باید طبق توضیحی که داده شده، عمل نماید یعنی برده ای مؤمن را آزاد نماید و خونبهای پذیرفته شده را به خانواده ی کشته شده بپردازد مگر اینکه خانواده ی کشته شده از دریافت خونبها صرفنظر نماید و این خودداری از دریافت خونبها توسط خانواده کشته شده، صدقه برای آنان حساب می شود. و همچنین بیان شده که اگر کشته شده از جماعتی بود که دشمن شما هستند، و کشته شده مؤمن است، فقط برده ای مؤمن را آزاد نمایید و خونبها نیازی نیست بپردازید و بیان شده که اگر کشته شده مؤمن است و از جماعتی است که دشمن شما هستند ولی میان شما و آنان پیمان وجود دارد، باید خونبها به خانواده کشته شده پرداخت شود و برده ای مؤمن آزاد گردد. نکته ای که قابل توجه است این است که خونبها دارای میزان مشخصی در قرآن نیست و میزان آن بستگی به نظر پذیرفته شده در همان زمان دارد. نکته دیگر اینکه بیان شده اگر برده ای نیافت، باید به جای آزاد کردن برده، دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد.)

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (93 نساء)

و کسی که بکُشد مؤمنی را از روی عمد، پس کیفرش جهنم است، همیشگی در آن است، و خشم گرفت خدا بر او، و لعنتش کرد، و آماده نمود برای او عذابی بزرگ را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (94 نساء)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر حرکت کردید در راه خدا، پس بررسی کنید، و نگویید به کسی که ابلاغ کرد به شما درود (یا تسلیم)، که نیستی مؤمن، طلب می کنید کالای زندگی دنیا را، پس نزد خداست غنیمت های بسیاری، مانند آن بودید از قبل، پس منت نهاد خدا بر شما، پس بررسی کنید، همانا خدا بود به آنچه انجام می دهید آگاه

(در جنگ، در مورد کسی که به شما درود فرستاده است یا به عبارتی بیان کرده که دشمن شما نیست، باید بررسی کنید و اگر به نتایج توضیح داده شده در آیات قبل دست یافتید، باید طبق همان آیات اقدام کنید و مؤمن بودن یا نبودن آن فرد، اصلاً جایگاهی برای نتیجه گیری و تصمیم گیری در مورد او ندارد و باعث نمی شود که به او تعرض داشته باشید.)

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (95 نساء)

برابر نیست نشستگان از مؤمنان، غیر از زیان دیدگان، و تلاش کنندگان در راه خدا با دارایی هایشان و جان هایشان، صاحب فضل دانست خدا تلاش کنندگان با دارایی هایشان و جان هایشان را بر نشسته ها از نظر رتبه، و همگی را وعده داد خدا به نیکوتر، و صاحب فضل دانست خدا تلاش کنندگان را بر نشسته ها، به صورت پاداشی بزرگ

دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (96 نساء)

رتبه هایی از او، و آمرزش گناه و مهربانی ای، و بود خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (97 نساء)

همانا کسانی که جانشان را می گیرد فرشتگان، که ستمگران به جان هایشان هستند، گفتند در چه بودید، گفتند بودیم ضعیف شمرده شدگان در زمین، گفتند آیا هرگز نبود زمین خدا وسیع، بنابراین مهاجرت کنید در آن، پس آنان پناهگاهشان جهنم است و بد برگشتنی است

(در مورد افرادی بیان شده است که از کافران بوده اند و دلیل کافر بودن خود را اجبار شدن به کفر بیان می کنند و می گویند که ما از کسانی بودیم که ضعیف بودیم و قادر به مخالفت با اجبار کنندگان نبودیم.)

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (98 نساء)

جز ضعیف شمرده شدگان از مردان و زنان و کودکان، که توانایی انجام نمی یابند، توانمندی ای را، و هدایت نمی شوند به راهی

(در ادامه آیه قبل، این افراد را از کسانی که در آیه قبل در مورد آنها توضیح داده شد، مستثنی کرده است و بیان شده کسانی که واقعاً توانایی مهاجرت ندارند و راهی پیش پای آنها نیست، جزو آنها نیستند و جایگاه آنها جهنم نیست. این آیه و آیه قبل، در زمانی بیان شده است که به مسلمانان گفته شد از مکه به مدینه مهاجرت کنند.)

فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا (99 نساء)

پس آنان را، چه بسا خدا اینکه عفو کند از آنان، و بود خدا عفو کننده ی بسیار آمرزنده

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (100 نساء)

و کسی که مهاجرت کند در راه خدا، می یابد در زمین پناهگاهی بسیار را، و توانگری ای را، و کسی که بیرون می آید از خانه اش به صورت هجرت کننده به خدا و فرستاده اش، سپس به او می رسد مرگ، پس به درستی قرار گرفت پاداشش بر خدا، و بود خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا (101 نساء)

و اگر حرکت کردید در زمین، پس نیست بر شما گناهی، اینکه کوتاه کنید از نماز، اگر ترسیدید اینکه در آشوب افکنند شما را کسانی که کفر ورزیدند، همانا کافران بودند برای شما دشمنی آشکار

(بیان شده که اگر در حال سفر بودید و این احتمال را می دادید که اگر نماز را به صورت کامل بخوانید، مورد حمله قرار می گیرید، ایرادی ندارد که نماز را کوتاه کنید. در قرآن، چیزی به عنوان نماز شکسته در سفر بیان نشده است و نماز در سفر مانند نماز در حالت عادی است و کوتاه تر نیست.)

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ

أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (102 نساء)

و اگر بودی همراه آنان، پس بر پا داشتی برای آنان نماز را، پس باید بایستد جماعتی از آنان با تو، و باید بگیرند اسلحه شان را، پس اگر سجده کردند پس باید باشند از پشتتان، و باید بیاید جماعتی دیگر که هرگز نماز نخوانده اند، پس باید نماز بخوانند با تو، و باید بگیرند وسیله ی بر حذر شدنشان را و اسلحه شان را، دوست دارد کسانی که کفر ورزیدند، اگر غفلت کنید از اسلحه تان و بار و بنه تان، پس غلبه کنند بر شما در هجومی یگانه، و نیست گناهی بر شما، اگر بود با شما زیان اندکی از باران، یا بودید بیماران، اینکه زمین گذارید اسلحه تان را، و بگیرید وسیله ی بر حذر شدنتان را، همانا خدا آماده نمود برای کافران عذابی اهانت آمیز را

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (103 نساء)

پس اگر به جا آوردید نماز را، پس به یاد آورید خدا را به حالت ایستاده و نشسته و بر پهلوهایتان، پس اگر آسوده خاطر شدید، پس بر پا کنید نماز را، همانا نماز بود بر مؤمنان، مقرر کردنی دارای وقت مشخص

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (104 نساء)

و سستی نکنید در طلب کردن جماعتی، که اگر احساس درد می کردید، پس همانا آنان احساس درد می کنند آنچنان که احساس درد می کنید، و امید دارید از خدا آنچه را امید ندارند، و بود خدا دانای صاحب حکمت

(در مورد اتفاقات زمانی بیان شده است که آیه نازل شده است.)

إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللّهُ وَلاَ تَكُن لِّلْخَآئِنِينَ خَصِيمًا (105 نساء)

همانا ما نازل کردیم به تو کتاب را به حقیقت، تا حکم کنی بین مردم با آنچه به تو نمایاند خدا، و نباش برای خیانتکاران به صورت جانبدار

(به پیامبر بیان شده که قرآن رانازل کردیم تا با آن بین مردم حکم کنی. پیامبر نیز برای قضاوت میان مردم، باید به قرآن مراجعه می نموده است و از خود حکمی صادر نمی کرده که در قرآن بیان نشده باشد. پس چگونه است که مسلمانان چه شیعه و چه سنی، به نام سنت پیامبر، احکامی را تحت عنوان اسلام صادر می کنند که در قرآن نیامده است. برای پی بردن به حکمی که پیامبر در زمان خود برای موضوعی صادر می کرده است، به جای مراجعه به تاریخ و آنچه سنت پیامبر می نامند، باید به قرآن مراجعه نمود. نکته دیگر در این آیه، جایگاه قرآن در اسلام است و اینکه برای پی بردن به اسلام واقعی، باید قرآن را خواند.)

وَاسْتَغْفِرِ اللّهَ إِنَّ اللّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (106 نساء)

و طلب مغفرت کن از خدا، همانا خدا است بسیار آمرزنده بخشایشگر

وَلاَ تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللهَ لاَ يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا(107 نساء)

و جر و بحث نکن به خاطر کسانی که به خودشان خیانت می‌کنند، همانا خدا دوست ندارد کسی را که بود بسیار خیانت کار گناهکار

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (108 نساء)

پنهان می کنند از مردم، و پنهان نمی کنند از خدا، و او با آنان است هنگامی که شبانه چاره اندیشی می کنند آنچه را (خداوند) خرسند نیست از سخن، و بود خدا به آنچه انجام می دهند احاطه کننده

هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (109 نساء)

هان، شما اینانید که جر و بحث کردید به خاطر آنان در زندگی دنیا، پس چه کسی جر و بحث می کند به خاطر آنان در روز قیامت، یا چه کسی باشد بر آنان کارگزار

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا (110 نساء)

و کسی که انجام دهد بدی ای را، یا ستم کند به خودش، سپس طلب مغفرت کند از خدا، می یابد خدا را بسیار آمرزنده بخشایشگر

وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (111 نساء)

و کسی که به دست آوَرَد گناهی را، پس همانا به دست می آورد آن را ضد خودش، و بود خدا دانای صاحب حکمت

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا (112 نساء)

و کسی که به دست آوَرَد خطایی یا گناهی را، سپس متهم کند به آن، بی گناهی را، پس به درستی حمل کرد افترایی (یا تهمتی)، و گناهی آشکار را

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا (113 نساء)

و اگر نبود مزیت خدا بر تو و مهربانی اش، یقیناً اهتمام ورزید جماعتی از آنان، اینکه تو را گمراه کنند، و گمراه نمی کنند جز خودشان را، و به تو زیان نمی رسانند از چیزی، و نازل کرد خدا بر تو کتاب و حکمت را، و به تو آموخت آنچه را هرگز نمی دانستی، و بود مزیت خدا بر تو بزرگ

(کتاب و حکمت همان قرآن است و پیامبر با قرآن، آنچه را نمی دانست، یاد گرفت.)

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (114 نساء)

نیست نیکویی در بسیاری از رازگوییشان، جز کسی که امر کرد به صدقه ای یا مشهوری، یا آشتی دادن میان مردم، و کسی که انجام دهد آن را برای طلب خشنودی خدا، پس به زودی می دهیم به او پاداشی بزرگ را

(سخن نیکو سخنی است که امر کند به صدقه ای یا انجام کار مشهوری، و یا برای آشتی دادن میان مردم باشد و کسی که این سخنان نیکو را برای خشنودی خدا بگوید، پاداشی بزرگ از جانب خدا خواهد داشت.)

وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (115 نساء)

و کسی که مخالفت ورزد با فرستاده، از پس از آنچه آشکار گشت برای او از هدایت، و پیروی کند غیر از راه مؤمنان را، می گماریمش بر آنچه به عهده گرفت، و می سوزانیم او را در جهنم، و بد برگشتنی است

(در مورد مشرکان بیان شده است و منظور از آنچه که برای او از هدایت آشکار گشته است، قرآن است.)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (116 نساء)

همانا خدا نمی آمرزد اینکه شرک ورزیده شود به او، و می آمرزد آنچه پایین تر از آن است، برای کسی که می خواهد، و کسی که شرک ورزد با خدا، پس به درستی گمراه شد، گمراهی دوری را

إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا (117 نساء)

نمی خوانند از غیر او جز ماده هایی را، و نمی خوانند جز شیطان گردنکش را

(مشرکان، خدایان ماده ای را می پرستیدند و آنها را صدا می زده اند و بیان شده که صدا نمی زنند جز شیطان را.)

لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا (118 نساء)

لعنت کرد او را خدا، و (شیطان) گفت یقیناً می گیرم از بندگانت، سهمی تعیین شده را

وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا (119 نساء)

و یقیناً گمراهشان می کنم، و یقیناً دچار آرزو می کنم آنان را، و یقیناً امر می کنم به آنان، پس یقیناً می شکافند گوش های چهار پایان (یا دام) را، و یقیناً امر می کنم به آنان، پس یقیناً تغییر می دهند آفرینش خدا را، و کسی که بگیرد شیطان را به عنوان دوست از غیر خدا، پس به درستی زیان کرد، زیانی آشکار را

(مواردی که در آیه به آن اشاره شده، که انجام می دهند، مربوط به کارهایی است که احتمالاً در آن روزگار توسط مشرکان انجام می شده است و احتمالاً مربوط به اعتقادات آنها بوده است. نکته دیگر

اینکه در آیه هایی از قرآن از جمله این آیه، در مورد آرزو صحبت شده است و منظور از آرزو، آرزوهایی که ممکن است افراد در زندگی داشته باشند نیست و منظور افکار و اعتقادات نادرست افراد در زمینه خدا و دین است.)

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (120 نساء)

وعده می دهد به آنان و آرزومندشان می کند، و وعده نمی دهد شیطان جز فریب دادن را

(منظور از آرزومندشان می کند، نتیجه همان وعده های شیطان به گمراه شدگان است و منظور آرزوهای روزمره افراد نیست.)

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا (121 نساء)

آنان پناهگاهشان جهنم است، و نمی یابند از آن گریزگاهی را

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (122 نساء)

و کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، آنان را داخل خواهیم کرد به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن برای همیشه هستند، وعده ی خدا حقیقت است و چه کسی راستگوتر است از خدا، در مورد گفتار

لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (123 نساء)

نیست به آرزوهایتان و نه آرزوهای اهل کتاب، کسی که انجام دهد بدی ای را، جزا داده می شود به آن، و نمی یابد برای خود از غیر خدا دوستی و نه یاری کننده ای را

(اینکه در قیامت، چگونه به حساب افراد رسیدگی می شود، ارتباطی با آرزوهای افراد و چیزهایی که در این مورد می گویند، ندارد و حقیقت هر طور که باشد، همان است و با این حرف ها و آرزوها تغییر نمی کند. آن چیزی که در قرآن در این مورد بیان شده است، حقیقت است و به چیزهای دیگری که در این مورد بیان می شود، نباید توجه کرد.)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا (124 نساء)

و کسی که انجام دهد از شایسته ها را، از مرد یا زن، و او مؤمن است، پس آنان داخل می شوند به باغ، و مورد ستم واقع نمی شوند به اندازه فرو رفتگی پشت هسته خرما

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (125 نساء)

و چه کسی است نیکوتر از نظر دین، از کسی که تسلیم شد جهتش برای خدا، و او بسیار نیکوکار است، و پیروی کرد آیین ابراهیم یکتاپرست را، و انتخاب کرد خدا ابراهیم را، به عنوان دوست صمیمی

(تسلیم کردن جهت برای خدا یک موضوع اعتقادی است و ارتباطی با رفتار ندارد، ولی نیکوکار بودن یک موضوع رفتاری است.)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا (126 نساء)

و برای خداست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و بود خدا به هر چیزی احاطه کننده

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا (127 نساء)

و از تو حکم می خواهند در مورد زنان، بگو خدا حکم می دهد به شما در مورد آنان، و آنچه خوانده می شود بر شما در کتاب، در مورد زنان یتیمی است که نمی دهید به آنان، آنچه را نوشته شد برای آنان، و زنانی که رغبت دارید اینکه ازدواج کنید با آنان، و ضعیف شمرده شدگان از بچه ها، و اینکه برخیزید برای یتیمان به عدل، و آنچه انجام دهید از نیکویی، پس همانا خدا بود به آن، دانا

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (128 نساء)

و اگر زنی ترسید از شوهرش، به دلیل ناسازگاری، یا روی برگرداندنی، پس نیست گناهی بر آن دو، اینکه آشتی دهند بینشان را، آشتی ای، و آشتی بهتر است، و حاضر کرده شد در جان ها، بُخل ورزیدن، و اگر نیکی کنید و حذر کنید، پس همانا خدا بود به آنچه انجام می دهید آگاه

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (129 نساء)

و هرگز نمی توانید اینکه عدالت را رعایت کنید بین زنان، اگر چه آرزومند بودید، پس مایل نشوید همه گرایش را، پس واگذارید او را مانند بلاتکلیف، و اگر اصلاح کنید و حذر کنید، پس همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(در مورد افرادی که چند زن دارند، بیان شده است و بیان کرده که همه توجه خود را به سمت یک زن نکنید و دیگری را بدون توجه رها کنید.)

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا (130 نساء)

و اگر از یکدیگر جدا شدند، بی نیاز می کند خدا همگی را از توانگری اش، و خدا گشایش ایجاد کننده ی صاحب حکمت است

(در مورد طلاق گرفتن زن و شوهر بیان شده است.)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا (131 نساء)

و برای خداست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و یقیناً به درستی سفارش کردیم کسانی را که داده شدند کتاب از قبل شما، و شما را، اینکه حذر کنید از خدا، و اگر کفر ورزید، پس همانا برای خداست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و خدا بی نیاز ستوده است

(کفر و ایمان انسان ها، فرقی برای خداوند ندارد و خداوند بی نیاز است.)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (132 نساء)

و برای خداست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و کافی است تا خدا کارگزار باشد

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا (133 نساء)

اگر بخواهد، می برد شما را ای مردم، و می آورد دیگران را، و بود خدا بر آن توانا

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (134 نساء)

کسی که خواسته پاداش دنیا را، پس نزد خداست پاداش دنیا و آخرت، و بود خدا شنوای بینا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (135 نساء)

ای کسانی که ایمان آوردید، باشید توانایان بر انجام کار به عدل، گواهان برای خدا، اگرچه علیه خودتان یا پدر و مادرتان یا خویشاوندان باشد، اگر باشد بی نیاز یا نیازمند، پس خدا سزاوارتر است به آن دو، پس پیروی نکنید از خواسته، اینکه عدالت را رعایت کنید، و اگر ترجیح دهید یا روی برگردانید، پس همانا خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است

(بیان شده که به عدالت رفتار کنید و برای خدا گواهی درست دهید اگرچه بر علیه خودتان و یا پدر و مادر و خویشاوندان شما باشد و همچنین چه بی نیاز یا نیازمند باشد، و از خواسته ها پیروی نکنید و عدالت را رعایت کنید، و اگر غیر از این را انجام دهید، خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

اعتقادات فرد و دوستی و دشمنی او با شما، و موارد دیگر، نباید باعث شود که عدالت تحت تأثیر قرار گیرد.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (136 نساء)

ای کسانی که ایمان آوردید، ایمان آورید به خدا و فرستاده اش، و کتاب، آنچه را نازل کرد بر فرستاده اش، و کتاب، آنچه را نازل کرد از قبل، و کسی که کفر ورزد به خدا و فرشتگانش و کتاب هایش و فرستادگانش و روز واپسین، پس به درستی گمراه شد، گمراهی دوری

(مواردی که یک فرد مؤمن باید به آنها ایمان داشته باشد را بیان کرده است. نه در این آیه و نه در دیگر آیات قرآن، چیزی به عنوان ایمان به امامت وجود ندارد و این دروغی است که در مورد دین و خدا بیان شده است و پیروان شیعه آن را پذیرفته اند. در این آیه بیان شده، ای کسانی که ایمان آوردید، ایمان آورید به خدا و پیامبر اسلام، و قرآن و کتاب هایی که خداوند بر پیامبران قبل از پیامبر اسلام نازل نمود، و

کسی که کفر ورزد به خدا و فرشتگان خدا و کتاب های نازل شده بر پیامبران و پیامبران و روز قیامت، به درستی به گمراهی دوری دچار شده است.)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا (137 نساء)

همانا کسانی که ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، سپس ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، سپس افزودند به کفر، هرگز بر آن نبود خدا تا بیامرزد برای آنان، و نه تا هدایت کند آنان را به راهی

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (138 نساء)

مژده ده منافقین (یا متظاهران به ایمان با کفر باطنی) را، به اینکه همانا برای آنان عذابی دردناک است

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (139 نساء)

کسانی که می گیرند کافران را دوستان از غیر مؤمنان، آیا طلب می کنند نزد آنان ارجمندی را، پس همانا ارجمندی برای خداست همگی

(در مورد منافقان بیان شده، و منظور از اینکه می گیرند کافران را دوستان از غیر مؤمنان، دوستی معمولی با کافران نیست و منظور این است که دوست کافران هستند و با همکاری با کافران، علیه مؤمنان اقدام می کنند.)

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللّهِ يُكَفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلاَ تَقْعُدُواْ مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ إِنَّ اللّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (140 نساء)

و به درستی نازل کرد بر شما در کتاب، اینکه اگر شنیدید آیات خدا، مورد انکار قرار می گیرد آن، و آن مسخره می شود، پس ننشینید با آنان، تا وارد شوند در سخنی غیر از آن، همانا شما بدین ترتیب مثل آنان هستید، همانا خدا گردآورنده منافقان و کافران در جهنم است، همگی

(بیان شده که در قرآن نازل شد به مسلمانان، که اگر شنیدید که در جمعی، آیات قرآن مورد انکار قرار می گیرد و مورد تمسخر قرار می گیرد، در آن جمع ننشینید تا هنگامی که به سخنی دیگر بپردازند و وقتی موضوع حرفشان عوض شد می توانید در میان آنها بنشینید، و اگر در هنگام بیان این سخنان، در میان آنان بنشینید، شما نیز مانند آنان خواهید بود. در قرآن بیان نشده که اگر این سخنان را از کسی شنیدید، به او حمله کنید و او را بکشید یا مورد آزار قرار دهید، بلکه تنها بیان شده که در میان آنها ننشینید. پس چگونه است که افرادی تحت عنوان اسلام و خدا، به بهانه ی توهین به اسلام و قرآن و خدا و پیامبر ، جنایات انجام می دهند. این افراد بویی از اسلام و انسانیت نبرده اند و تنها می خواهند جنایت خود را تحت عنوان دین، برای کسانی که آگاهی ای از دین واقعی ندارند، موجه جلوه دهند.)

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (141 نساء)

کسانی که منتظر می مانند به شما، پس اگر بود برای شما گشودنی از خدا، گفتند آیا هرگز نبودیم با شما، و اگر بود برای کافران بهره ای، گفتند آیا هرگز چیره نبودیم بر شما، و شما را منع نمی کردیم از

مؤمنان، پس خدا قضاوت می کند بین شما روز قیامت، و هرگز قرار نمی دهد خدا برای کافران بر مؤمنان راهی را

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (142 نساء)

همانا منافقان (یا متظاهران به ایمان با کفر باطنی)، نیرنگ می زنند با خدا، و او نیرنگ می زند به آنان، و اگر برخاستند به نماز، برخاستند کسل (یا بی حال)، دورویی نشان می دهند (یا ریاکاری می کنند) برای مردم، و به یاد نمی آورند خدا را جز اندکی

(منافقان دو رویی نشان می دهند برای مردم و اگر نماز هم بخوانند، برای دو رویی است و به حالت کسل برای نماز بلند می شوند، ولی این به آن معنا نیست که هر کسی برای نماز خواندن کسل است، منافق است. منظور از کسل بودن این است که آنها اعتقادی به خدا ندارند و این نماز خواندن آنها نه به دلیل اعتقاد آنها، بلکه فقط به دلیل این است که خود را مؤمن نشان دهند.)

مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (143 نساء)

دودلان (یا مردّدان) مابین آن، نه به اینان و نه به اینان هستند، و کسی را که گمراه کند خدا، پس هرگز نمی یابی برای او راهی را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا (144 نساء)

ای کسانی که ایمان آوردید، نگیرید کافران را دوستان، از غیر مؤمنان، آیا می خواهید اینکه قرار دهید برای خدا بر خودتان دلیلی آشکار را

(دوستی با کافران برای مؤمنان ایرادی نداشته است ولی اگر این دوستی به گونه ای می بوده که فرد به کافران بر علیه مؤمنان کمک کند، و با مؤمنان دشمنی داشته باشد، منظور این آیه است.)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (145 نساء)

همانا منافقان در قعر پایین تر از آتش هستند و هرگز نمی یابی برای آنان یاری کننده ای را

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (146 نساء)

جز کسانی که بازگشتند و اصلاح کردند و چنگ زدند به خدا، و خالصانه کردند دینشان را برای خدا، پس آنان با مؤمنان هستند و به زودی می دهد خدا به مؤمنان، پاداشی بزرگ را

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا (147 نساء)

دست به کار نمی شود خدا به عذاب شما، اگر سپاسگزاری کردید و ایمان آوردید، و خدا سپاس دارنده داناست

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظُلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (148 نساء)

دوست ندارد خدا بلند گفتن به بدی از گفتار را، جز کسی که مورد ستم واقع شد و بود خدا شنوای دانا

(بیان شده که خداوند دوست ندارد که بدی های افراد را برای دیگران بیان کنید مگر اینکه مورد ستم واقع شده باشید. بنابراین کسی که می خواهد کار درست را انجام دهد، نباید با دیگران در مورد بدی ها و گناهان دیگران صحبت کند.)

إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا (149 نساء)

اگر آشکار کنید خوبی ای را، یا پنهانش کنید، یا صرفنظر کنید از بدی ای (=بدی را ببخشید)، پس همانا خدا بسیار آمرزنده ی تواناست

(در ادامه آیه قبل بیان شده که اگر خوبی دیگران را آشکار کنید یا آشکار نکنید اشکالی ندارد و اگر از بدی کسی صرفنظر کنید، این کار پسندیده است.)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (150 نساء)

همانا کسانی که کفر می ورزند به خدا و فرستادگانش، و می خواهند اینکه جدا کنند بین خدا و فرستادگانش را، و می گویند ایمان می آوریم به بعضی، و کفر می ورزیم به بعضی، و می خواهند اینکه بگیرند بین آن راهی را

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (151 نساء)

آنان خود کافرانند در حقیقت، و آماده کردیم برای کافران، عذابی اهانت آمیز را

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (152 نساء)

و کسانی که ایمان آوردند به خدا و فرستادگانش (=پیامبرانش)، و هرگز جدا نکردند بین هیچ یک از آنان را، آنان را به زودی می دهد به آنان، پاداش هایشان را، و بود خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر

(ایمان آوردن به پیامبران به معنی پیروی از همه ی آنها نیست، بلکه ایمان یک موضوع اعتقادی است و برای مثال یک مسلمان به همه ی پیامبران اعتقاد دارد ولی فقط پیرو دین خود است. یک فرد مسیحی و یهودی هم می تواند به همه ی پیامبران اعتقاد داشته باشد ولی پیرو دین خود باشد.)

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُبِينًا (153 نساء)

از تو درخواست می کند اهل کتاب، اینکه نازل کنی بر آنان کتابی را از آسمان، پس به درستی درخواست کردند از موسی، بزرگتر از آن را، پس گفتند نشانمان بده خدا را آشکارا، پس آنان را گرفت آذرخش به سبب ستمشان، سپس گرفتند گوساله را از پس از آنچه آمد نزد آنان از دلایل، پس درگذشتیم از آن، و دادیم به موسی دلیلی آشکار را

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (154 نساء)

و بالا برديم بالای سر آنان، کوه (یا کوه طور) را به پیمانشان، و گفتیم به آنان، داخل شوید به در، سجده کنان، و گفتیم به آنان، تجاوز نکنید در شنبه، و گرفتیم از آنان پیمانی محکم را

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (155 نساء)

پس به سبب آنچه پیمان شکنی آنان است، و کفر آنان به آیات خدا، و کشتن آنان از پیامبران به غیر حقیقت، و گفتار آنان که دل های ما پوشینه ها است، بلکه مهر زد خدا بر آن به سبب کفرشان، پس ایمان نمی آورند جز اندکی

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا (156 نساء)

و به سبب کفر آنان، و گفتارشان بر مریم، که دروغی (یا افترایی) بزرگ است

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا (157 نساء)

و گفتار آنان که همانا ما کشتیم مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده ی خدا را، و نکشتند او را، و به صلیب نکشاندند او را، و لیکن مبهم شد بر آنان، و همانا کسانی که اختلاف داشتند در آن، یقیناً در شک هستند از آن، نیست برای آنان به آن از دانشی، جز پیروی از گمان، و نکشتند او را بدون تردید

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (158 نساء)

بلکه بالا برد او را خدا به خود، و خدا ارجمند صاحب حکمت است

وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا (159 نساء)

و نیست از اهل کتاب، جز اینکه یقیناً ایمان می آورد به او پیش از مرگش، و روز قیامت، باشد بر آنان به عنوان گواه

فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا (160 نساء)

پس به سبب ستمی از کسانی که یهودی شدند، حرام کردیم بر آنان پاک هایی را که حلال دانسته شد برای آنان، و به سبب بازداشتن آنان از راه خدا، بسیاری را

وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (161 نساء)

و ربا گرفتنشان، و به درستی نهی شدند از آن، و خوردن آنان از دارایی های مردم به باطل، و آماده کردیم برای کافران از آنان، عذابی دردناک را

لَكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا (162 نساء)

لیکن خبره ها در دانش از آنان، و مؤمنان، ایمان می آورند به آنچه نازل شد به تو، و آنچه نازل شد از قبل تو، و برپادارندگان نماز و دهندگان زکات و مؤمنان به خدا و روز واپسین، آنان را خواهیم داد به آنان، پاداشی بزرگ را

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (163 نساء)

همانا ما وحی کردیم به تو، مانند اینکه وحی کردیم به نوح و پیامبران از پس از او، و وحی کردیم به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و قبیله ها و عیسی و ایّوب و یونس و هارون و سلیمان، و دادیم به داوود زبور را

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا (164 نساء)

و فرستادگانی که به درستی داستان آنان را گفتیم بر تو از قبل، و فرستادگانی که هرگز حکایت نکردیم آنان را بر تو، و سخن گفت خدا با موسی، سخن گفتنی

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (165 نساء)

پیام آورانی که بشارت دهندگان و بیم دهندگان هستند، تا نباشد برای مردم بر خدا بهانه ای پس از فرستادگان، و بود خدا ارجمند صاحب حکمت

(پیامبران از جانب خدا به پیامبری برگزیده شدند تا مردم این بهانه را که اگر پیامبری برای ما بود، ایمان می آوردیم، را نداشته باشند.)

لَكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (166 نساء)

لیکن خدا گواهی می دهد به آنچه نازل کرد به تو، نازل کرد آن را با دانشش، و فرشتگان گواهی می دهند، و کافی است تا خدا گواه باشد

(خداوند گواهی می دهد که قرآن با دانش خدا، از جانب خدا نازل شده است.)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا (167 نساء)

همانا کسانی که کفر ورزیدند و بازداشتند از راه خدا، به درستی گمراه شدند، گمراهی دوری

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا (168 نساء)

همانا کسانی که کفر ورزیدند و ستم کردند، هرگز بر آن نبود خدا تا بیامرزد بر آنان، و نه تا هدایت کند آنان را به راهی

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (169 نساء)

جز راه جهنم، جاودانان در آن برای همیشه، و بود آن بر خدا آسان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (170 نساء)

ای مردم، به درستی آمد نزد شما فرستاده، با حقیقت از ربّتان، پس ایمان آورید، بهتر است برای شما، و اگر کفر ورزید، پس همانا برای خداست آنچه در آسمان ها و زمین است، و بود خدا دانای صاحب حکمت

(یکی از نکته های این آیه، عدم اجبار در پذیرفتن ایمان است و هر کسی آزاد است که ایمان بیاورد یا کفر ورزد. پس چگونه است که کاری را که خداوند برای کسی اجباری در آن قرار نداده، افرادی تحت عنوان خدا می خواهند مردم را به آن مجبور کنند و در این زمینه از هیچ ظلم و جنایتی فروگذار نمی کنند. حقیقت این است که این افراد هیچ بویی از دین و حتی انسانیت نبرده اند.)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (171 نساء)

ای اهل کتاب، تعصب نشان ندهید در دینتان، و نگویید بر خدا جز حقیقت را، همانا مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده ی خدا و کلمه ی اوست، که ابلاغ کرد آن را به مریم، و روحی است از او، پس ایمان آورید به خدا و فرستادگانش، و نگویید سه، دست بردارید، بهتر است برای شما، همانا خدا، خدایی یگانه است، منزه است او، اینکه باشد برای او فرزندی، برای اوست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و کافی است تا خدا کارگزار باشد

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (172 نساء)

هرگز سرپیچی نمی کند مسیح، اینکه باشد بنده ای برای خدا، و نه فرشتگان نزدیک، و کسی که سرپیچی کند از پرستش او، و کبر ورزد، پس جمع خواهد کرد آنان را به خود، همگی را

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (173 نساء)

پس لیکن کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، پس به طور کامل به آنان می دهد پاداش هایشان را، و بر آنان می افزاید از مزیتش، و لیکن کسانی که امتناع ورزیدند و و کبر ورزیدند، پس عذاب می کند آنان را، عذابی دردناک، و نمی یابند برای خود از غیر خدا، دوستی و نه یاری کننده ای را

(منظور از کسانی که کبر می ورزند، کسانی است که کافر هستند.)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا (174 نساء)

ای مردم، به درستی آمد نزد شما دلیلی از ربّتان، و نازل کردیم به شما نوری آشکار را

(دلیلی از ربّ و نوری آشکار که نازل شده است، قرآن است.)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (175 نساء)

پس لیکن، کسانی که ایمان آوردند به خدا و چنگ زدند به او، پس داخل خواهد کرد آنان را در مهربانی ای از خود و مزیتی، و هدایت می کند آنان را به خود، به راهی راست

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (176 نساء)

از تو فتوا می خواهند، بگو خدا فتوا می دهد به شما برای کلاله، اگر مردی مُرد که نیست برای او فرزندی، و برای اوست خواهری، پس برای او (=خواهر) است نیمی از آنچه ترک کرد، و او (=مرد) ارث می برد از آن (=خواهر)، اگر هرگز نبود برای او (=خواهر) فرزندی، پس اگر بودند دو (=خواهر)، پس برای آن دو است دو سوم از آنچه ترک کرد، و اگر بودند برادرانی، مردانی و زنانی، پس برای مذکر مانند سهم دو مؤنث است، آشکار می کند خدا برای شما تا گمراه نشوید، و خدا به هر چیزی داناست

(در انتهای آیه که بیان شده اگر بودند برادرانی، مردانی و زنانی، پس برای مذکر مانند سهم دو مؤنث است، منظور این است که اگر فرد از دنیا رفته، هم خواهر داشته باشد و هم برادر، در این حالت سهم هر مرد، دو برابر سهم هر زن است.)

سوره مائده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (1 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، وفا کنید به قراردادها (یا پیمان ها)، حلال شد برای شما حیوان چهارپای دام (دام یا حیوانات اهلی)، جز آنچه خوانده می شود بر شما، غیر از حلال دانندگان شکار کردن، و در حالی که شما در حال احرام هستید، همانا خدا حکم صادر می کند آنچه را بخواهد

(این آیه در مورد زمان حج و افرادی که در حال انجام حج هستند، بیان شده است. در این آیه بیان شده که حلال شد برای شما حیوان چهارپای دام (دام یا حیوانات اهلی)، جز آنچه خوانده می شود بر شما، غیر از حلال دانندگان شکار کردن، و در حالی که شما در حال احرام هستید. یعنی اگر در حال احرام بودید، می توانید از گوشت حیوانات چهارپای دام برای خوراک استفاده نمایید البته به غیر از مواردی که در قرآن، خوردن گوشت آنها حرام دانسته شده است مثلاً خوردن گوشت حیوان مرده، حرام دانسته شده است. در ادامه بیان شده که شکار کردن در حال احرام، حرام است. این آیه بیان کننده گوشت های حلال و حرام در دین نیست و فقط در مورد افرادی بیان شده که در حال احرام در حج هستند.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (2 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، حلال نکنید مناسک و آداب دینی خدا را، و نَه ماه حرام را، و نه قربانی را، و نه قربانی های نشاندار را، و نه قصد کنندگان خانه مقدس را، که می طلبند مزیتی از ربّشان و خشنودی ای را، و اگر از احرام در آمدید، پس شکار کنید، و شما را نکشاند کینه ورزی جماعتی که بازداشتند شما را از مسجدالحرام، اینکه تجاوز کنید، و یکدیگر را یاری کنید بر فرمانبرداری (یا نیکی) و پرهیزکاری، و یکدیگر را یاری نکنید بر گناه و تجاوز، و حذر کنید از خدا، همانا خدا نیرومند کیفر است

(در این آیه در مورد حج صحبت شده است و بیان شده که اگر از احرام در آمدید، می توانید شکار کنید و از گوشت شکار برای خوراک استفاده کنید.)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (3 مائده)

حرام شد بر شما مردار، و خون، و گوشت خوک، و آنچه با صدای بلند گفته شد برای غیر از خدا به آن، و خفه شده، و حیوانی که در اثر کتک زدن بمیرد، و کشته شده در اثر سقوط از بلندی، و کشته شده در اثر شاخ زدن حیوان دیگر، و آنچه را خورد جانور درنده، جز آنچه را سر بریدید، و آنچه سر بریده شده بر بُت، و اینکه قسمت می کنید با تیرهای بدون پَر (=در جاهلیت با آن قمار می کردند)، آن دوری از راه حق است، امروز نومید شد کسانی که کفر ورزیدند از دینتان، پس نترسید از آنان و بترسید از من، امروز کامل کردم برای شما دینتان را، و تمام کردم بر شما نعمتم را، و راضی شدم برای شما تسلیم شدن را به عنوان دین، پس کسی که ناگزیر شد در گرسنگی، غیر از گرایش یابنده بر گناه، پس همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(آن چیزهایی که در اسلام خوردن آن حرام دانسته شده است، در این آیه بیان شده است و منظور از اینکه بیان شده آنچه را خورد جانور درنده، جز آنچه را سر بریدید، این است که اگر جانور درنده از حیوانی خورده و حیوان را در حالی که زنده است، سر بریده اید، حلال است. اگر کسی در حال گرسنگی ناگزیر شد تا از چیزهایی که حرام شده است بخورد، بدون گرایش داشتن به گناه، اشکالی ندارد. منظور از مردار، حیوانی است که خودش مرده است و حیوانی که توسط شما کشته شده، مردار نیست. اینکه در شکار، حیوانی را مثلاً با تیر بکشید، حلال است.)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (4 مائده)

می پرسند از تو چه چیز حلال شد برای آنان، بگو حلال شد برای شما پاک ها، و آنچه را یاد دادید از حیوانات شکاری، به عنوان مربیان حیوانات شکاری به آنان یاد می دهید از آنچه به شما یاد داد خدا، پس بخورید از آنچه نگه داشته اند برای شما، و به یاد آورید نام خدا را بر آن، و حذر کنید از خدا، همانا خدا شتابنده در شمارش است

(آنچه را که حیوان های شکاری ای که شما آنها را برای شکار کردن تعلیم داده اید تا برای شما شکار کنند، شکار کرده اند، حلال است و نام خدا را بر شکار آنها به یاد آورید.)

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ حِلٌّ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلُّ لَّهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلاَ مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَن يَكْفُرْ بِالإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ(5 مائده)

امروز حلال شد برای شما پاک ها، و خوراک کسانی که داده شدند کتاب، حلال است برای شما، و خوراک شما حلال است برای آنان، و زنان آزاد از زنان مؤمن، و زنان آزاد از کسانی که داده شدند کتاب از قبل شما، اگر دادید به آنان پاداش هایشان را، مردان ازدواج کننده، نه مردان هم بستر شونده، و نه مردان گیرنده ی دوستان، و کسی که کفر ورزد به ایمان، پس به درستی تباه شد عملش، و او در آخرت از زیانکاران است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (6 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر برخاستید به نماز، پس بشویید صورت هایتان و دست هایتان را تا آرنج ها، و بمالید به سرهایتان و پاهایتان تا دو برآمدگی، و اگر بودید آلوده به منی، پس پاکیزه کنید، و اگر بودید بیمار یا بر سفر، یا آمد یکی از شما از گودی (=گودی ای که برای قضای حاجت مورد استفاده قرار می گرفته است) یا لمس کردید زنان را، پس هرگز نیافتید آبی، پس قصد کنید خاکی پاک را، پس بمالید به صورت هایتان و دست هایتان از آن، نمی خواهد خدا تا قرار دهد بر شما از در تنگنا بودنی را، و لیکن می خواهد تا پاکیزه گرداند شما را، و تا تکمیل کند نعمتش را بر شما، شاید شما سپاسگزاری کنید

(بیان شده که وقتی برای نماز برخاستید، قبل از نماز خواندن، بشویید صورت های خود را، و بشویید دست های خود را تا آرنج، و دست خود را به سر و پاهایتان، تا دو برآمدگی بمالید. این همان کاری است که نام آن را وضو گذاشته اند ولی نکته این است که روش شستن خاصی بیان نشده است یعنی مثلاً بیان نشده که دست ها را از بالا به پایین بشویید یا از پایین به بالا، و به هر شکلی که شسته شود ایرادی ندارد، پس بر اساس کدام آیه از قرآن، شیعه یک روش از شستن را فقط درست می داند و اهل سنت یک روش دیگر را، و می گویند که اگر طبق این آداب شستشو را انجام ندهید، وضو باطل است. نکته دیگر اینکه این شستشو را باید وقتی که برای نماز خواندن بلند می شوید، قبل از خواندن نماز، انجام دهید و اینکه گفته می شود اگر وضویی که قبلاً گرفته اید در اثر ادرار و مدفوع نکردن و خارج نشدن باد از معده، باطل نشده باشد، دیگر نیازی به گرفتن وضو ندارید، کاملاً نادرست است و نمی شود که مثلاً برای نماز صبح وضو گرفته باشید و با همان وضو نماز ظهر را بخوانید. نکته دیگر اینکه در قرآن بیان نشده که ادرار و مدفوع کردن و یا خروج باد از معده، باعث باطل شدن وضو می شود و یا بیان نشده که خروج باد از معده باعث باطل شدن نماز می شود و اینها همگی دروغ هایی است که به دین بسته اند.

نکته دیگر اینکه بیان شده اگر آلوده به منی بودید، قبل از نماز خواندن، خود را پاکیزه کنید، ولی اگر بیمار بودید و به دلیل بیماری، امکان شستشو نداشتید و یا در سفر بودید و نمی توانستید خود را بشویید و یا اینکه آمد یکی از شما از محل قضای حاجت، یا با زنان آمیزش کردید و به این صورت های بیان شده، به منی آلوده بودید و آبی نیافتید تا آلودگی را بر طرف کنید، با خاکی پاک آنطور که بیان شده، انجام دهید. این کار به جای شستشوی منی با آب است.

اینکه بیان شده اگر از محل قضای حاجت آمدید، به معنای ادرار و مدفوع کردن نیست بلکه به معنای انجام کاری است که فرد را آلوده به منی می کند یعنی انجام خود ارضایی، زیرا در اینجا صحبت از آلودگی به منی است و نه ادرار و مدفوع. در جایی از قرآن بیان نشده که اگر در بدن یا لباس شما، ادرار و مدفوع بود، نمی توانید نماز بخوانید. در مورد پاکیزه کردن آلودگی به منی، منظور شستن محلی است که به منی آلوده شده است و نه کل بدن. بر اساس کدام آیه از قرآن، بیان می کنند که اگر منی از بدن خارج شد باید کاری به نام غسل را انجام دهید و برای آن آدابی را نیز بیان کرده اند و گفته اند که اگر طبق این آداب، کل بدن را نشویید، غسل شما باطل است و نماز شما نیز قبول نخواهد بود. اینها نیز همان دروغ هایی است که بر دین بسته اند. البته اگر فردی به خواسته خود برای شستشوی منی، کل بدن خود را بشوید، ایرادی ندارد ولی این چیزی نیست که در قرآن بیان شده باشد.)

وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (7 مائده)

و به یاد آورید نعمت خدا بر شما را، و پیمانش را، که پیمان بست با شما بر آن، هنگامی که گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم، و حذر کنید از خدا، همانا خدا داناست به حقیقت سینه ها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (8 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، باشید تواناها به انجام کار برای خدا، گواهان به عدل، و نکشاند شما را کینه ورزی جماعتی، بر اینکه عادل نباشید، عادل باشید، آن نزدیک تر است به پرهیزکاری، و حذر کنید از خدا، همانا خدا آگاه است به آنچه انجام می‌دهید

(بیان شده که گواهی دهندگان به عدل باشید و اگر از جماعتی کینه دارید، این کینه ورزی باعث نشود که عادل نباشید، و عادل باشید که آن به پرهیزکاری نزدیک تر است و از خدا حذر کنید. اینکه شما گواهی به عدل بدهید و عادل باشید، دین و ایمان فرد مقابل نباید تأثیری در آن داشته باشد، یعنی اگر فردی کافر باشد و فردی دیگر مؤمن، و حق با کافر است و شما این را می دانید، باید به درستی گواهی دهید و دروغ نگویید و یا اگر یک طرف دوست شما است و طرف دیگر دشمن شما، و حق با دشمن شما است، نباید دروغ بگویید و باید گواهی درست بدهید.)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (9 مائده)

وعده داد خدا به کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، برای آنان آمرزش گناه و پاداشی بزرگ است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (10 مائده)

و کسانی که کفر ورزیدند و تکذیب کردند آیات ما را، آنان همنشینان جهنم هستند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (11 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، هنگامی که اهتمام ورزید جماعتی، اینکه دراز کنند به شما دست هایشان را، پس بازداشت دست هایشان را از شما، و حذر کنید از خدا، و بر خدا پس باید توکل کند مؤمنان

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (12 مائده)

و یقیناً به درستی گرفت خدا پیمان فرزندان اسرائیل را، و برانگیختیم از آنان دوازده سرپرست، و گفت خدا، همانا من با شما هستم، یقیناً اگر به پا داشتید نماز را و دادید زکات را و ایمان آوردید به فرستادگانم و ارج گذاشتید به آنان و قرض دادید به خدا، قرضی نیکو را، یقیناً می پوشانم از شما بدی هایتان را، و یقیناً داخل می کنم شما را به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، پس کسی که کفر ورزید پس از آن، از شما، پس به درستی گمراه شد از راه راست

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (13 مائده)

پس به سبب آنچه پیمان شکنی آنان است، آنان را لعنت کردیم و قرار دادیم دل هایشان را به صورت سخت، جابجا می کنند کلمه ها را از محل هایش، و فراموش کردند بهره ای از آنچه یادآوری کرده شدند به آن، و پیوسته مطلع می شوی بر خیانت کننده ای از آنان، جز اندکی از آنان، پس عفو کن از آنان، و روی برتاب، همانا خدا دوست دارد بسیار نیکوکاران را

(خداوند به پیامبر می فرماید که در پاسخ خیانت آنان، آنان را عفو کن و از آنان روی برتاب، و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. نکته اینکه بخشش و عدم توجه به خیانت آنان، توصیه شده است و این کار، نیکوکاری به حساب آمده است. پس چگونه است که برخی افراد به نام دین و خدا، از هیچ ظلم و جنایتی دریغ نمی کنند و در توجیه کار خود می گویند که پیامبر نیز اینگونه انجام می داده است، در حالی که قرآن خلاف این را می گوید و یک مسلمان برای شناخت دین خود باید به قرآن مراجعه کند و نه به منابع دیگر از جمله روایات و احادیث، که این جز گمراهی نیست. طبق آیات قرآن، پیامبر نیز در زمینه دین، از قرآن پیروی می کرده است، بنابراین اگر بخواهیم بدانیم که پیامبر در موقعیتی در زمینه ی دین، چگونه رفتار می کرده است و چه بیان می کرده است، درست این است که قرآن را بخوانیم تا اینکه به روایات و تاریخ مراجعه کنیم.)

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (14 مائده)

و از کسانی که گفتند همانا ما مسیحیان هستیم، گرفتیم پیمانشان را، پس فراموش کردند بهره ای از آنچه یادآوری کرده شدند به آن، پس برانگیختیم بین آنان دشمنی و تنفر شدید تا روز قیامت، و به زودی با خبر می کند آنان را خدا، به آنچه درست می کردند

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (15 مائده)

ای اهل کتاب، به درستی آمد نزد شما فرستاده ی ما، آشکار می کند برای شما بسیاری از آنچه را پنهان می کردید از کتاب، و صرفنظر می کند از بسیاری، به درستی آمد شما را از خدا، نوری و کتابی آشکار

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (16 مائده)

هدایت می کند با آن، خدا، کسی را که پیروی کرد خشنودی او را، به راه های درود (یا تسلیم)، و خارج می کند آنان را از تاریکی ها به روشنایی، با اجازه اش، و هدایت می کند آنان را به راه راست

(در آیه ی قبل بیان شده است که از جانب خدا برای شما نوری و کتابی آشکار که همان قرآن است آمده است، و در این آیه بیان شده که خدا با قرآن، هدایت می کند کسی را که پیروی کرد خشنودی خدا را، به راه های درود، و خارج می کند آنها را از تاریکی ها به روشنایی با اجازه اش، و آنان را به راه راست هدایت می کند. در این آیات، بیان شده که توسط قرآن این کارها انجام می پذیرد و این جایگاه قرآن را در اسلام نشان می دهد، پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان به جای مراجعه به قرآن و شناخت دین خود در قرآن، به منابع دیگر از جمله احادیث و روایات مراجعه می کنند که این خود عامل گمراهی آنان شده است.)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (17 مائده)

یقیناً به درستی کفر ورزید کسانی که گفتند همانا خدا خود، مسیح پسر مریم است، بگو پس چه کسی مالک است از خدا چیزی را، اگر خواست اینکه هلاک کند مسیح پسر مریم را و مادرش را و کسی را که در زمین است، همگی، و برای خداست سلطه ی آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است، می آفریند آنچه را می خواهد، و خدا بر هر چیزی توانا است

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (18 مائده)

و گفت یهودیان و مسیحیان، ما پسران خدا و دوستان او هستیم، بگو پس برای چه عذاب می کند شما را به سبب گناهانتان، بلکه شما انسان هستید، از کسی که آفرید، می آمرزد برای کسی که می خواهد و عذاب می کند کسی را که می خواهد، و برای خداست سلطه ی آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است، و به او است عاقبت کار

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (19 مائده)

ای اهل کتاب، به درستی آمد نزد شما فرستاده ی ما، آشکار می کند برای شما بر وقفه ای از فرستادگان، اینکه بگویید نیامد نزد ما از مژده دهنده و نه هشدار دهنده ای، پس به درستی آمد نزد شما مژده دهنده و هشدار دهنده ای، و خدا بر هر چیزی توانا است

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (20 مائده)

و هنگامی که گفت موسی به قومش، ای قوم من، به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، هنگامی که قرار داد همراه شما پیامبرانی را، و قرار داد شما را مالکانی (یا پادشاهانی)، و داد به شما آنچه را هرگز نداد به هیچ کسی از جهانیان

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (21 مائده)

ای قوم من، داخل شوید به زمینِ پاکیزه شده، که مقرر کرد خدا برای شما، و بر نگردید به پشت هایتان، پس به صورت زیانکاران در می آیید

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ (22 مائده)

گفتند ای موسی، همانا در آن جماعتی مستبد هستند و همانا ما هرگز داخل آن نمی شویم تا خارج شوند از آن، پس اگر خارج شوند از آن، پس همانا ما وارد شوندگان هستیم

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (23 مائده)

گفت دو مرد از کسانی که می ترسند، که نعمت داد خدا بر آن دو، داخل شوید بر آنان از در، پس اگر داخل آن شدید پس همانا شما غلبه کنندگان هستید، و بر خدا پس توکل کنید، اگر بودید مؤمنان

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (24 مائده)

گفتند ای موسی، همانا ما هرگز داخل آن نمی شویم هیچگاه، تا زمانی که در آن هستند، پس برو تو و ربّت، پس شما دو تا بجنگید، همانا ما در اینجا نشسته ها هستیم

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (25 مائده)

گفت ربّ، همانا من مالک نمی شوم جز خودم و برادرم را، پس جدا کن بین ما و بین جماعت از راه حق دور شوندگان را

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (26 مائده)

گفت پس همانا آن حرام شده است بر آنان چهل سال، سرگردان هستند در زمین، پس تأسف نخور بر جماعت از راه حق دور شوندگان

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (27 مائده)

و بخوان بر آنان خبر پسران آدم را به حقیقت، هنگامی که قربانی کردند عامل نزدیکی به خدا را، پس قبول شد از یکی از آن دو، و هرگز قبول نشد از دیگری، گفت یقیناً تو را می کشم، گفت همانا قبول می کند خدا از پرهیزگاران

لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (28 مائده)

یقیناً اگر دراز کنی به من دستت را تا مرا بکشی، نیستم من گسترنده ی دستم به تو تا بکشم تو را، همانا من می ترسم از خدا ربّ جهانیان

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (29 مائده)

همانا من می خواهم اینکه برگردی به گناهم و گناهت، پس باشی از همنشینان آتش، و آن پاداش ستمکاران است

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (30 مائده)

پس متقاعد شد برای او جانش، کشتن برادرش را، پس کشت او را، پس گردید از زیان کاران

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ (31 مائده)

پس برانگیخت خدا کلاغی را که زمین را می کَنَد، تا به او نشان دهد چگونه بپوشاند شرمساری برادرش را، گفت ای وای، آیا عاجز بودم اینکه باشم مانند این کلاغ، پس پوشیده سازم شرمساری برادرم را، پس گردید از پشیمان ها

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (32 مائده)

به دلیل آن، مقرر کردیم بر فرزندان اسرائیل همانا آن را، که کسی که کشت جانی را به غیر از جانی یا تباهی در زمین، پس مانند این است که همانا کشت مردم را همگی، و کسی که زنده اش کرد، پس مانند این است که همانا زنده کرد مردم را همگی، و یقیناً به درستی آمد نزد آنان فرستادگان ما با دلایل، سپس همانا بسیاری از آنان پس از آن در زمین، یقیناً اسراف کاران هستند

(خداوند بر فرزندان اسرائیل مقرر کرد که اگر کسی کشت جانی را بدون آنکه او مرتکب قتل یا تباهی در زمین شده باشد، مانند این است که همه ی انسان ها را کشته است و اگر زنده کرد جانی را، مانند این است که همه مردم را زنده کرده است. منظور از تباهی در زمین یا همان فساد در زمین، در قرآن بیان شده است.)

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (33 مائده)

همانا سزای کسانی که می جنگند با خدا و فرستاده اش، و تلاش می کنند در زمین تباهی ای را، این است که بسیار کشته شوند، یا به صلیب کشانده شوند، یا کاملاً بریده شود دستهایشان و پاهایشان از بر عکس هم، یا تبعید شوند از زمین، آن برای آنان خواری ای است در دنیا، و برای آنان در آخرت، عذابی بزرگ است

(این مجازات هایی که در این آیه مطرح شده است، مربوط به زمان پیامبر است و ارتباطی با زمان های دیگر ندارد، زیرا بیان شده، کسانی که می جنگند با خدا و فرستاده اش، و نکته دیگر اینکه، مربوط به اتفاقی است که در زمان پیامبر افتاده است و این آیه نازل شده است و برای همان اتفاق این آیه نازل شده

است و ارتباطی با همه ی جنگ های پیامبر ندارد زیرا در قرآن، قانون جنگ بیان شده است و بیان شده که نباید اسیر را کشت، و این فردی که در جنگ با لشکر پیامبر، به اسارت در می آمده، در حال جنگ با لشکر پیامبر بوده است. بنابراین امروزه نمی توان برای کسی با عنوان جنگ با خدا و پیامبر و فساد در زمین، این مجازات ها را در نظر گرفت.)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (34 مائده)

جز کسانی که بازگشتند از قبل اینکه توانا شوید بر آنان، پس بدانید همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(این آیه در ادامه ی آیه ی قبل آمده است و بیان کرده که اگر فردی که جزو افرادی است که مجازات برای آنان در آیه قبل بیان شده، قبل از اینکه به دست شما بیفتد، خودش از عمل خود دست بردارد، دیگر نباید مجازات شود.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (35 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، حذر کنید از خدا، و طلب کنید به او عامل نزدیکی ای را، و تلاش کنید در راه او، شاید شما رستگار شوید

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (36 مائده)

همانا کسانی که کفر ورزیدند، اگر همانا برای آنان آنچه در زمین است همگی، و مثل آن با آن باشد، تا فدیه دهند و آزاد کنند با آن، از عذاب روز قیامت، قبول نمی شود از آنان، و برای آنان عذابی دردناک است

يُرِيدُونَ أَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ (37 مائده)

می خواهند اینکه بیرون آیند از آتش، و نیستند آنان از بیرون روندگان از آن، و برای آنان عذابی همیشگی است

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (38 مائده)

و مرد دزد و زن دزد را، پس قطع کنید دست های آن دو را، سزایی به سبب آنچه به دست آوردند، درس عبرتی (یا مجازاتی) از خدا است، و خداوند ارجمند صاحب حکمت است

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (39 مائده)

پس کسی که بازگشت بعد از ستمش، و اصلاح کند، پس همانا خدا باز می گردد بر او، همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(بیان شده که فردی که دزدی کرده، ولی پس از آن بازگشت و کار خود را اصلاح کرد، دیگر نباید مجازات گردد و خداوند بسیار آمرزنده بخشایشگر است.)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (40 مائده)

آیا هرگز ندانستند همانا خدا، برای اوست سلطه ی آسمان ها و زمین، عذاب می کند کسی را که می خواهد، و می آمرزد بر کسی که می خواهد، و خدا بر هر چیزی توانا است

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (41 مائده)

ای فرستاده، اندوهگین نکند تو را کسانی که می شتابند در کفر، از کسانی که گفتند ایمان آوردیم با دهان هایشان، و هرگز ایمان نیاورد دل هایشان، و از کسانی که یهودی شدند، بسیار شنوندگان برای دروغ هستند، بسیار شنوندگان برای جماعتی دیگر که هرگز نیامدند نزد تو، کج می کنند (یا تغییر مکان می دهند) کلمات را از پس از محل های آن، می گویند اگر داده شد به شما این، پس بگیرید آن را، و اگر هرگز داده نشد به شما آن، پس حذر کنید، و کسی را که بخواهد خدا، در آشوب افکندن او را، پس هرگز مالک نیستی برای او از خدا چیزی را، آنان کسانی هستند که هرگز نخواست خدا، اینکه پاکیزه گرداند دلهایشان را، برای آنان در دنیا خواری ای است، و برای آنان در آخرت عذابی بزرگ است

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (42 مائده)

بسیار شنوندگان برای دروغ هستند، پُرخوران برای مال حرام، پس اگر آمدند نزد تو، پس قضاوت کن (یا حکم صادر کن) بین آنان، یا روی بگردان از آنان، و اگر روی گردانی از آنان، پس هرگز زیان نمی رسانند به تو چیزی را، و اگر قضاوت کردی (یا حکم صادر کردی)، پس قضاوت کن (یا حکم صادر کن) بین آنان به عدل، همانا خدا دوست دارد عادلان را

(بیان شده که اگر برای قضاوت نزد تو آمدند، یا بین آنان قضاوت کن یا روی بگردان از آنان، ولی اگر بین آنان قضاوت کردی، پس به عدل قضاوت کن و خداوند عادلان را دوست دارد.)

وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (43 مائده)

و چگونه قاضی می کنند تو را، و نزد آنان تورات است، در آن قضاوت (یا حکم) خداست، سپس روی بر می تابند از پس از آن، و نیستند آنان از مؤمنان

(بیان شده که با اینکه آنان یهودی هستند و کتاب آنان تورات است و در تورات قضاوت خدا است، چگونه برای قضاوت به تو مراجعه می کنند و تو را قاضی می کنند.)

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (44 مائده)

همانا ما نازل کردیم تورات را، در آن هدایتی و روشنایی ای است، قضاوت می کند (یا حکم صادر می کند) با آن، پیامبرانی که تسلیم شدند، برای کسانی که یهودی شدند، و خداشناسان و دانشمندان صالح، با آنچه سپرده شدند از کتاب خدا، و بودند بر آن گواهان، پس نترسید از مردم و بترسید از من، و نفروشید آیات مرا به بهایی اندک، و کسی که هرگز حکم نکرد با آنچه نازل کرد خدا، پس آنان خود کافران هستند

(بیان شده که ما نازل کردیم تورات را، که در آن هدایت و روشنایی است و با تورات، پیامبرانی که تسلیم شدند، برای کسانی که یهودی شدند، قضاوت می کردند و همچنین خداشناسان و دانشمندان صالح نیز با آن قضاوت می کردند و بر آن گواه بودند. پس نترسید از مردم، و بترسید از من، و نفروشید آیات مرا به بهایی اندک، و کسی که هرگز حکم نکرد با آنچه نازل کرد خدا، پس آنان خود کافران هستند. این آیه بیان کننده ی اهمیت و جایگاه کتاب ادیان مختلف در آن ادیان است و بیان شده که برای قضاوت، پیروان هر دینی باید به کتاب خود مراجعه کنند و بر اساس آن قضاوت نمایند. چگونه است که بسیاری از مسلمانان، برای قضاوت و تشخیص حق از باطل در زمینه دین، قرآن را ملاک قرار نمی دهند و حکم هایی برای کارهایی، به نام دین و خدا صادر می کنند که در قرآن نیامده است برای مثال در کدام آیه از قرآن، حکم شلاق برای مشروب خواری آمده است و یا در کدام آیه از قرآن، حکم سنگسار برای زنا آمده است و یا در کدام آیه از قرآن، حکم شلاق برای روزه خواری آمده است و همچنین بسیاری از مثال های دیگر. در برخی از مواردی که در این زمینه می توان مثال زد، حتی آن عمل که این مجازات های دروغین را تحت عنوان دین و خدا برای آن در نظر می گیرند، گناه نیست. این موارد جز دروغ بستن به دین و خدا نیستند و در حقیقت ظلمی است که به مردم روا داشته می شود.)

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (45 مائده)

و مقرر کردیم بر آنان در آن، همانا جان با جان و چشم با چشم و بینی با بینی و گوش با گوش و دندان با دندان، و زخمها مقابله به مثل است، پس کسی که صدقه داد با آن، پس آن پوشاننده گناه برای او است، و کسی که هرگز حکم نکرد با آنچه نازل کرد خدا، پس آنان خود ستمکاران هستند

(بر یهودیان در تورات مقرر شده که مجازات آسیب زننده به اعضایی که در آیه آمده است و کلیه زخم ها، مقابله به مثل است و بیان شده کسی که از مقابله به مثل خطاکار درگذرد، این بخشش باعث پوشانده شدن گناه برای او می شود. و بیان شده کسی که هرگز حکم نکرد با آنچه نازل کرد خدا، پس آنان خود ستمکاران هستند و این نیز بیانگر اهمیت و جایگاه کتاب نازل شده از سوی خداوند در ادیان مختلف است.)

وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ (46 مائده)

و فرستادیم به دنبال آنان، عیسی پسر مریم را، تصدیق کننده برای آنچه در برابر او بود از تورات، و دادیم به او انجیل را، که در آن هدایتی و روشنایی ای است، و تصدیق کننده است برای آنچه در برابر آن است از تورات، و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران

(در انجیل، کتاب دینی مسیحیان، هدایت و روشنایی است برای مسیحیان، و هدایت و اندرزی است برای پرهیزکاران مسیحی. بنابراین یک فرد مسیحی اگر بخواهد هدایت شود و دین خود را بشناسد، باید به انجیل مراجعه کند.)

وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (47 مائده)

و باید قضاوت کند (یا حکم صادر کند) اهل انجیل، با آنچه نازل کرد خدا در آن، و کسی که هرگز قضاوت نکرد (یا حکم صادر نکرد) با آنچه نازل کرد خدا، پس آنان خود از راه حق دور شوندگان هستند

(بیان شده که مسیحیان، باید با آنچه خدا در انجیل نازل کرده است، قضاوت کنند و کسی که هرگز قضاوت نکرد با آنچه خدا نازل کرده است، آنان خود از راه حق دور شوندگان هستند.)

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (48 مائده)

و نازل کردیم به تو کتاب را به حقیقت، تصدیق کننده است بر آنچه در برابر آن است از کتاب، و به صورت گواه (یا مسلط) است بر آن، پس قضاوت کن (یا حکم صادر کن) بین آنان، با آنچه نازل کرد خدا، و پیروی نکن خواسته هایشان را، به جای آنچه آمد نزد تو از حقیقت، برای همه قرار دادیم از شما، آیینی و راهی آشکار را، و اگر می خواست خدا، یقیناً قرار می داد شما را جماعتی یگانه، و لیکن تا شما را بیازماید در آنچه داد به شما، پس سبقت گیرید در کارهای نیک، به خدا است بازگشت شما همگی، پس باخبر می کند شما را به آنچه اختلاف داشتید

(خداوند به پیامبر می فرماید که قضاوت کن بین آنان با قرآن. پس چگونه است که در حالی که خود پیامبر باید برای صدور حکم میان مردم به قرآن توجه می نموده است، مسلمانان به جای مراجعه به قرآن، به روایات و احادیث نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر برای صدور حکم مراجعه می کنند و احکامی را به اسلام نسبت داده اند که اصلاً در قرآن وجود ندارد. این نشان دهنده گمراهی بسیاری از مسلمانان است.

در این آیه بیان شده که برای هر جماعتی آیین و راهی آشکار قرار دادیم، به این معنا که برخی یهودی هستند و برخی مسیحی و برخی مسلمان و ... و اگر خدا می خواست، شما را جماعتی یگانه قرار می داد یعنی مثلاً همه را مسلمان قرار می داد، و این عدم یگانگی برای آن است که خداوند انسان ها را در آنچه به آنها داده است بیازماید، پس در کارهای نیک بشتابید و بازگشت همگی انسان ها به خدا است و آنگاه خداوند انسان ها را به آنچه در آن اختلاف داشتند، با خبر می سازد.)

وَأَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (49 مائده)

و اینکه قضاوت کن (یا حکم صادر کن) میان آنان با آنچه نازل کرد خدا، و پیروی نکن از خواسته هایشان، و بر حذر باش از آنان، اینکه تو را در آشوب بیندازند (یا تو را گمراه کنند) از بعضی از آنچه نازل کرد خدا به تو، پس اگر روی گرداندند، پس بدان چنین است که می خواهد خدا، اینکه به آنان برسد از بعضی از گناهانشان، و همانا بسیاری از مردم یقیناً از راه حق دور شوندگان هستند

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (50 مائده)

آیا پس قضاوت (یا حکم) نادانی (یا دوره جاهلیت) را می خواهند، و چه کسی نیکوتر از خدا است از نظر قضاوت (یا حکم)، برای جماعتی که یقین می کنند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (51 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، نگیرید یهودیان و مسیحیان را دوستان، بعضی از آنان دوستان بعضی هستند، و کسی که به عنوان دوست بگیرد آنان را از شما، پس همانا او از آنان است، همانا خدا هدایت نمی کند جماعت ستمکاران را

(این آیه مربوط به همان زمان و مربوط به اتفاقی است که در آن زمان افتاده است و مربوط به زمان های دیگر نیست. منظور از به عنوان دوست گرفتن در این آیه، همکاری و همراهی و کمک به آنان بر علیه مسلمانان است و منظور دوست بودن با آنان نیست و دوست عادی بودن ربطی به ستمکار بودن ندارد. در دو آیه بعدی، در این ارتباط، توضیح داده شده است.)

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسَرُّوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ (52 مائده)

پس می بینی کسانی را که در دل هایشان بیماری ای است، می شتابند به آنان، می گویند می ترسیم از اینکه به ما برسد پیشامدی، پس چه بسا خدا، اینکه بیاورد گشودنی را، یا فرمانی از نزدش، پس بگردند بر آنچه پنهان کردند در خودشان، پشیمان ها

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ (53 مائده)

و می گوید کسانی که ایمان آوردند، آیا اینان کسانی هستند که قسم می خوردند به خدا، سوگندهای با تلاششان را، که همانا آنان یقیناً با شما هستند، باطل شد کارهایشان، پس گردیدند زیان کاران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (54 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، کسی که بازگردد از شما از دینش، پس به زودی می دهد خدا به جماعتی که دوست دارد آنان را، و دوست دارند او را، به صورت مطیعان برای مؤمنان، ارجمندان (یا نیرومندان) برای کافران هستند، تلاش می کنند در راه خدا، و نمی ترسند از سرزنشِ سرزنش کننده ای، آن مزیت خداست، می دهد آن را به کسی که می خواهد، و خدا گشایش ایجاد کننده ی داناست

(در قرآن نیامده که کسی را که از دینش بازگردد، مورد آزار قرار دهید یا او را بکشید. کسانی که تحت عنوان خدا و دین، این جنایات و ستم ها را انجام می دهند، هم در مورد دروغی که به دین و خدا بسته اند پاسخ خواهند داد و هم برای جنایات و ستم هایی که کرده اند، بازخواست خواهند شد و در روز قیامت به وعده ی عذاب خداوند خواهند رسید. نکته دیگر اینکه این آیه در مورد اتفاقاتی که در آن زمان روی داده است، نازل شده است و به این معنا نیست که همواره با کافران دشمنی داشته باشید. در قرآن بیان شده که اگر مثلاً کافران به مسلمانان تعرض نکرده باشند و جنگی را شروع نکرده باشند، مسلمانان

حق ندارند به آنان تعرض کنند و با آنان وارد جنگ شوند. حتی در قرآن در آیه ای، خداوند به پیامبر بیان می کند که با کافرانی که با آنها پیمان بسته ای، اگر آنها پیمان شکنی نکرده اند، با آنان بر سر پیمانی که بسته ای، بمان.)

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (55 مائده)

همانا دوستتان، خدا و فرستاده اش و کسانی که ایمان آوردند، هستند، کسانی که بر پا می دارند نماز را و می دهند زکات را، و آنان رکوع کنندگان هستند

(در این آیه، با توجه به اتفاقی که در آن زمان روی داده است و دشمنی ای که بین مسلمانان و کافران روی داده است، به مسلمانان بیان شده که دوست شما خدا و پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند، هستند و در مورد مؤمنان توضیح داده شده است و در آیه بعد در مورد کسانی بیان شده که از خدا و پیامبر و مؤمنان روی می گردانند و به عبارت دیگر با کافران دوستی می کنند و علیه مسلمانان هستند.)

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (56 مائده)

و کسی که روی گرداند از خدا و فرستاده اش و کسانی که ایمان آوردند، پس همانا جماعت خدا خود، غلبه کنندگان هستند

(آیه های 55 و 56 نیز در مورد معنی عبارت به عنوان دوست نگیرید در آیه 51 است.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَتَّخِذُواْ الَّذِينَ اتَّخَذُواْ دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاء وَاتَّقُواْ اللّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (57 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، نگیرید کسانی را که گرفتند دینشان را به مسخره، و بازی کردن، از کسانی که داده شدند کتاب از قبل شما، و کافران را، به عنوان دوستان، و حذر کنید از خدا، اگر بودید مؤمنان

(بیان شده کسانی را که دینشان را به مسخره و بازی گرفتند از کسانی که اهل کتاب هستند یعنی مثلاً یهودی و مسیحی هستند و همچنین کافران را، به عنوان دوست نگیرید. توضیح عبارت به عنوان دوست نگیرید در این آیه نیز مانند توضیح آیه 51 است.)

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلاَةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لاَّ يَعْقِلُونَ (58 مائده)

و اگر فرا خواندید به نماز، گرفتند آن را به مسخره و بازی کردنی، آن به سبب این است که همانا آنان جماعتی هستند که درک نمی کنند

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ (59 مائده)

بگو ای اهل کتاب، آیا عیب می گیرید از ما، جز اینکه ایمان آوردیم به خدا و آنچه نازل شد به ما و آنچه نازل شد از قبل، و همانا بیشترتان از راه حق دور شوندگان هستید

(بیان شده که به اهل کتاب بگو، آیا از ما عیبجویی می کنید، جز این است که ایمان آوردیم به خدا و آنچه نازل شد به ما یعنی قرآن و آنچه نازل شد از قبل یعنی کتاب های ادیان دیگر مانند تورات و انجیل.)

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (60 مائده)

بگو آیا با خبرتان کنم به بدتر از آن، جزایی نزد خدا را، کسی را که لعنت کرد او را خدا، و خشم گرفت بر او، و قرار داد از آنان میمون ها و خوک ها، و پرستید بت (یا شیطان) را، آنان بدتر هستند از نظر مکان، و گمراه ترند از راه راست

(این آیه در پاسخ حرفی بیان شده است که آنها به مسلمانان گفته بودند.)

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ (61 مائده)

و اگر آمدند نزد شما، گفتند ایمان آوردیم، و به درستی داخل شدند با کفر، و آنان به درستی خارج شدند با آن، و خدا داناتر است به آنچه پنهان می کردند

وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (62 مائده)

و می بینی بسیاری از آنان را، می شتابند در گناه و تجاوز و مال حرام خوردنشان، یقیناً بد است آنچه انجام می دادند

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (63 مائده)

چرا منعشان نمی کند خداشناسان و دانشمندان صالح، از گفتار گناهشان و مال حرام خودنشان، یقیناً بد است آنچه را می ساختند

(این منع کردن، به معنای اجبار کردن آنان به انجام ندادن این کارها نیست بلکه به معنای دعوت کردن آنان است.)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (64 مائده)

و گفت یهود، دست خدا بسته است، بسته باد دست هایشان، و لعنت شدند به سبب آنچه گفتند، بلکه دو دست او گشاده است، خرج می کند آنطور که می خواهد، و یقیناً می افزاید بسیاری از آنان را، آنچه نازل شد به تو از ربّت، بر بیدادگری و کفر، و انداختیم بین آنان، دشمنی و نفرت را تا روز قیامت، هر بار که برافروختند آتشی برای جنگ، خاموشش کرد خدا، و تلاش می کنند در زمین برای تباهی ای، و خدا دوست ندارد تباه کنندگان را

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (65 مائده)

و اگر همانا اهل کتاب ایمان می آوردند و حذر می کردند، یقیناً می پوشاندیم از آنان بدی هایشان را، و یقیناً داخل می کردیم آنان را به بهشت های ناز و نعمت

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (66 مائده)

و اگر همانا آنان اجرا می کردند تورات و انجیل و آنچه را نازل شد به آنان از ربّشان، یقیناً می خوردند از بالایشان و از زیر پاهایشان، از آنان جماعتی میانه رو هستند، و بسیاری از آنان، بد است آنچه را انجام می دهند

(این آیه نیز اهمیت کتاب نازل شده از سوی خداوند در هر دین را در زمینه دین، نشان می دهد.)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (67 مائده)

ای پیام آور، برسان آنچه نازل شد به تو از ربّت، و اگر هرگز انجام ندادی، پس نرساندی فرستادن او را، و خدا تو را حفظ می کند از مردم، همانا خدا هدایت نمی کند جماعت کافران را

(در این آیه، به پیامبر بیان شده است که آنچه را که از سوی خداوند به تو نازل شده است، که همان آیات قرآن است، به مردم ابلاغ کن و خداوند تو را از مردم محافظت می کند. مسئولیت پیامبر، رساندن آیات قرآن به مردم است که از سوی خداوند به او وحی می شد و پیامبر نیز آیات را بدون هیچ تغییری به مردم بیان می نمود.)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (68 مائده)

بگو ای اهل کتاب، نیستید بر چیزی، تا اجرا کنید تورات و انجیل را، و آنچه نازل شد به شما از ربّتان، و یقیناً می افزاید بسیاری از آنان را، آنچه نازل شد به تو از ربّت، بیدادگری ای و کفری، پس اندوه نخور بر جماعت کافران

(در این آیه بیان شده که اهل کتاب در صورتی کار درست را انجام داده اند که اجرا کنند کتاب دینیِ خودشان را، که برای یهودیان تورات است و برای مسیحیان، انجیل است و برای ادیان دیگر که از سوی خداوند قرار داده شده اند نیز کتاب خودشان.)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (69 مائده)

همانا کسانی که ایمان آوردند و کسانی که یهودی شدند و صابئی ها و مسیحیان، کسی که ایمان آورد به خدا و روز واپسین و انجام داد شایسته ای را، پس نیست ترسی بر آنان، و نه آنان اندوهگین می شوند

(هر فردی، چه مسلمان و چه یهودی، و چه صابئی یا مسیحی باشد، کسی که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد و انجام دهد کاری شایسته را، در روز قیامت ترسی ندارد و اندوهگین نمی شود. این آیه در تناقض است با گفته کسانی که تحت عنوان دین و خدا می گویند که فقط مسلمانان و گاهی پا را فراتر گذاشته و می گویند فقط فلان مذهب مسلمان مثلاً شیعه، در روز قیامت به بهشت می رود و پیروان ادیان دیگر و پیروان مذاهب دیگرِ مسلمان، به جهنم می روند و در طول تاریخ، چه جنایت هایی با همین دروغ بر علیه مردم انجام داده اند. این گفته ها جز دروغی بر خدا و دین نیست و در حقیقت کسانی که این دروغ ها را به خدا و دین نسبت می دهند، باید از عاقبت خود در روز قیامت بترسند.)

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ (70 مائده)

يقيناً به درستی گرفتیم پیمان فرزندان اسرائیل را، و فرستادیم به آنان فرستادگانی را، هرگاه که آمد نزد آنان فرستاده ای، به سبب آنچه دوست نداشت جان هایشان، گروهی را تکذیب کردند و گروهی را می کشند

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (71 مائده)

و پنداشتند که نباشد در آشوب افکندنی، پس کور شدند و کر شدند، سپس بازگشت خدا بر آنان، سپس کور شدند و کر شدند بسیاری از آنان، و خدا بیناست به آنچه انجام می دهند

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (72 مائده)

یقیناً به درستی کفر ورزید، کسانی که گفتند همانا خدا خود، مسیح پسر مریم است، و گفت مسیح، ای فرزندان اسرائیل، بپرستید خدا، ربّ من و ربّتان را، همانا او کسی را که شریک قائل شود با خدا، پس به درستی حرام کرد خدا بر او باغ (=بهشت) را، و پناهگاه او آتش است، و نیست برای ستمکاران از یاری کنندگان

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (73 مائده)

یقیناً به درستی کفر ورزید کسانی که گفتند همانا خدا سومین سه است، و نیست از خدایی جز خدای یگانه، و اگر هرگز دست بر نداشتند از آنچه می‌گویند، قطعاً لمس می کنند کسانی که کفر ورزیدند از آنان، عذابی دردناك را

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (74 مائده)

آیا پس باز نمی گردند به خدا، و طلب آمرزش نمی کنند از او، و خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (75 مائده)

نیست مسیح پسر مریم جز فرستاده ای، به درستی سپری شد از قبل او فرستادگان، و مادر او بسیار راستگو است، هر دو می خوردند خوراک، بنگر چگونه آشکار می کنیم برای آنان آیات را، سپس بنگر چگونه دروغ می بافند

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (76 مائده)

بگو آیا می پرستید از غیر خدا را، آنچه که مالک نمی شود برای شما زیانی و نه فایده ای را، و خدا خود شنوای داناست

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (77 مائده)

بگو ای اهل کتاب، تعصب نشان ندهید در دینتان بدون حقیقت، و پیروی نکنید از خواسته های گروهی که به درستی گمراه شدند از قبل، و گمراه کردند بسیاری را، و گمراه شدند از راه راست

(بیان شده که ای اهل کتاب، پیروی نکنید از خواسته های گروهی که به درستی گمراه شدند از قبل، و گمراه کردند بسیاری را، و گمراه شدند از راه راست. به این معنا که گذشتگان و پدران شما به دروغ، چیزهایی را در دین بیان کردند مثلاً همین موردی که در آیات قبل بیان شد که گفتند مسیح، خدا است و یا گروهی گفتند مسیح پسر خداست و یا برای خدا شریک قائل شدند. بیان شده که از آن ها پیروی نکنید و آنان هم خود گمراه شدند و هم بسیاری را گمراه کردند. همین مورد را می توان در مورد مسلمانان نیز بیان کرد، بسیاری از مسلمانان پیرو آن چیزی هستند که پدران آنان پیرو آن بوده اند و خودشان قرآن را نخوانده اند و در طلب حقیقت نبوده و نیستند. و این در حالی است که پدران آنان پیرو گمراهی هایی بوده اند که نسل در نسل با دروغ بستن در دین ایجاد کرده اند. برای مثال مذهب شیعه در اسلام، به امامت اعتقاد دارد، این در حالی است که در هیچ آیه ای از قرآن، از مسلمانان خواسته نشده که به چیزی به نام امامت اعتقاد داشته باشند. پیروان مذهب شیعه در حقیقت به جای پیروی از قرآن، پیرو همان دروغ و گمراهی ای هستند که گذشتگانشان به خدا و دین بسته اند. برای مثال دیگر در این مورد می توان به احکامی اشاره کرد که پیروان مذهب شیعه و سنی به خدا و دین نسبت داده اند و این در حالی است که بسیاری از این احکام، در قرآن بیان نشده است و آنها این احکام را از منابعی مانند روایت و احادیث پیامبر و امامان به دین نسبت داده اند. این نیز نمونه ای دیگر از گمراهی ای است که آنها پیرو آن هستند.)

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (78 مائده)

لعنت شد کسانی که کفر ورزیدند از فرزندان اسرائیل، بر زبان داوود و عیسی پسر مریم، آن به سبب آنکه نافرمانی کردند و تجاوز می کردند

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (79 مائده)

دست نمی کشیدند از ناشایستی که انجام دادند آن را، یقیناً بد است آنچه انجام می دادند

تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (80 مائده)

می بینی بسیاری از آنان را، که به عنوان دوست می گیرند کسانی را که کفر ورزیدند، یقیناً بد است آنچه از پیش فرستاد برایشان جان هایشان، اینکه خشمگین شد خدا بر آنان، و در عذاب، آنان همیشگی ها هستند

(اینکه به عنوان دوست می گیرند کسانی را که کفر ورزیدند، به معنی دوستی معمولی نیست که دو نفر با هم دوست باشند، بلکه به معنی یاری رساندن و همکاری کردن با آنان بر علیه مسلمانان است.)

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (81 مائده)

و اگر ایمان می آوردند به خدا و پیامبر و آنچه نازل شد به او، نمی گرفتند آنان را دوستان، و لیکن بسیاری از آنان، از راه حق دور شوندگان هستند

(ایمان آوردن آنان به معنی پیروی کردن آنان نیست، یعنی فردی مسیحی می تواند به پیامبر اسلام و قرآن ایمان داشته باشد ولی پیرو دین خود بماند و مسیحی باشد، همانطور که یک مسلمان نیز به همه پیامبران و کتاب های آنان ایمان دارد ولی پیرو اسلام است.)

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (82 مائده)

یقیناً می یابی نیرومندترین مردم از نظر دشمنی، برای کسانی که ایمان آوردند را، یهودیان، و کسانی که شریک قائل شدند، و یقیناً می یابی نزدیک ترینشان را از نظر دوستی برای کسانی که ایمان آوردند، کسانی که گفتند همانا ما مسیحیان هستیم، آن به سبب اینکه همانا از آنان کشیشان و عابدانی (یا دیرنشینانی) هستند و همانا آنان کبر نمی ورزند

(این آیه مربوط به اتفاقات و شرایطِ زمانی است که آیه نازل شده است و ارتباطی به زمان های دیگر ندارد. چه بسا دو جماعت، زمانی بهترین دوستان برای همدیگر باشند و در زمانی دیگر بسیار دشمن شوند و همینطور دو جماعت در زمانی بسیار با هم دشمن باشند و در زمانی دیگر، بسیار با هم دوست شوند.)

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (83 مائده)

و اگر شنیدند آنچه را نازل شد به فرستاده، می بینی چشم هایشان لبریز می شود از اشک، از آنچه شناختند از حقیقت، می گویند ربّ ما، ایمان آوردیم، پس بنویس ما را با گواهان

(این افرادی که در این آیه در مورد آنها صحبت شده است، در حالی که مسیحی بوده اند، به قرآن نیز ایمان داشته اند.)

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (84 مائده)

و نیست بر ما، که ایمان نیاوریم به خدا و آنچه آمد نزد ما از حقیقت، و طمع می ورزیم که داخل کند ما را ربّ ما، با جماعت شایستگان

فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (85 مائده)

پس پاداش داد به آنان خدا، به سبب آنچه گفتند، بهشت هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند، و آن پاداش بسیار نیکوکاران است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (86 مائده)

و کسانی که کفر ورزیدند و تکذیب کردند آیات ما را، آنان همنشینان آتش بسیار گرم و سوزان هستند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (87 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، حرام نکنید نیکوها را، آنچه را حلال کرد خدا بر شما، و تجاوز نکنید، همانا خدا دوست ندارد تجاوزکاران را

(آن چیزی را که خداوند در قرآن حرام نکرده است، حلال است و بیان شده که آن چیزی را که حلال است، حرام نکنید. اگر چیزی که حلال است را به دروغ، تحت عنوان دین حرام کنند، در حقیقت به خدا و دین دروغ بسته اند. خداوند در قرآن آنچه را که گناه است و آنچه را که حرام است بیان نموده است و برای تشخیص گناهان و حرام ها در اسلام، ملاک فقط قرآن است. در مورد ستم نیز، برخی از ستم ها در قرآن بیان شده است و بسیاری دیگر از کارهایی که ستم هستند و در قرآن به آنها اشاره نشده است، به راحتی قابل تشخیص هستند برای مثال آزار رساندن به انسان ها و حیوانات، ستم است.)

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (88 مائده)

و بخورید از آنچه روزی داد به شما خدا، حلالی پاک را، و حذر کنید از خدا، آنکه شما به او مؤمنان هستید

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (89 مائده)

بازخواست نمی کند شما را خدا به باطل در سوگندهایتان، و لیکن بازخواست می کند شما را به آنچه محکم کردید سوگندها را، پس پوشاننده ی آن، غذا دادن به ده بی چیز، از متوسط آنچه می خورانید به خانواده هایتان، یا پوشاکشان، یا آزاد کردن برده ای، پس کسی که هرگز نیافت، پس روزه داری سه روز، آن پوشاننده سوگندهایتان است، اگر سوگند خوردید، و نگهداری کنید سوگندهایتان را، اینچنین آشکار می کند خدا برای شما آیاتش را، شاید شما سپاسگزاری کنید

(بیان شده که خداوند شما را در مورد سوگندهای دروغی که به صورت عادت به زبانتان می آورید، بازخواست نمی کند ولی در مورد سوگندهای دروغی که به صورت محکم و با جدیت در مورد چیزی بیان می کنید، شما را بازخواست می کند. لیکن اگر این کار را کردید، برای پاک کردن گناه آن، خداوند شرایطی را قرار داده است که در آیه به آنها اشاره شده است و در مورد شرایط، بیان شده که اگر کسی امکان انجام دادن این کارها را نداشت، به عنوان جایگزین، سه روز روزه بگیرد. و در آخر خداوند توصیه می کند که نگهداری کنید سوگندهایتان را.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (90 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، همانا شراب و قمار و بتها (یا چیزهای نصب شده) و تیرهای بدون پر (در جاهلیت با آنها قمار می کردند)، وسوسه ای است از کار شیطان، پس از او (=شیطان) اجتناب ورزید، شاید رستگار شوید

(بیان شده که این چیزها، وسوسه ی شیطان هستند به وسیله ی کاری که شیطان انجام می دهد، پس از شیطان اجتناب ورزید شاید رستگار شوید و در آیه ی بعد، در این مورد توضیح بیشتری بیان شده است.)

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (91 مائده)

همانا می‌خواهد شیطان، اینکه وارد کند میان شما، دشمنی و نفرت را، درشراب و قمار، و شما را بازدارد از به یاد آوردن خدا، و از نماز، پس آیا شما دست بردارندگانید

(در این آیه، در مورد وسوسه ای که شیطان به وسیله ی کارش انجام می دهد، توضیح داده شده است و بیان شده که شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و نفرت وارد کند و شما را از به یاد آوردن خدا و از نماز باز دارد و در انتهای آیه بیان شده که آیا شما از شراب و قمار دست بردارندگانید.

شراب و قمار در قرآن حرام دانسته نشده اند ولی بیان شده که با نوشیدن شراب و انجام قمار، این امکان وجود دارد که میان افراد دشمنی و نفرت ایجاد شود و فرد از به یاد آوردن خدا و از نماز، بازماند. و در انتهای آیه بیان شده که آیا شما از شراب و قمار دست بردارندگانید و این نیز نشان دهنده ی این است که شراب و قمار حرام نشده اند ولی بهتر است که از آنها دست بردارید.)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (92 مائده)

و اطاعت کنید از خدا، و اطاعت کنید از فرستاده، و برحذر باشید، پس اگر روی گرداندید، پس بدانید چنین است که بر فرستاده ی ما، رساندن آشکار است

(یک نکته ای که در این آیه قابل توجه است، عدم اجبار در دین است و بیان شده که اگر روی گرداندید پس بدانید چنین است که بر فرستاده ی ما، رساندن آشکار است، یعنی کار پیامبر فقط رساندن وحی به مردم است و پذیرفتن یا نپذیرفتن آن، به تصمیم افراد بستگی دارد.)

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (93 مائده)

نیست بر کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، گناهی در آنچه خوردند، اگر که حذر کردند و ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، سپس حذر کردند و ایمان آوردند، سپس حذر کردند و نیکوکاری کردند (یا به نیکویی رفتار کردند)، و خدا دوست دارد بسیار نیکوکاران را

(این آیه، احتمالاً در ادامه آیه 90 و 91 سوره مائده، بیان شده است.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (94 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، یقیناً شما را می آزماید خدا با چیزی از شکار، که می رسد به آن دست هایتان و نیزه هایتان، تا بداند خدا، کسی را که از او می ترسد به پنهان، پس کسی که تجاوز کند پس از آن، پس برای اوست عذابی دردناک

(توضیح این آیه در دو آیه ی بعد داده شده است.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (95 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، نکشید شکار را در حالی که شما مُحرم هستید، و کسی که آن را کشت از شما، از روی عمد، پس جریمه ای مانند آنچه کشت از دام، حکم صادر می کند به آن، دو صاحب عدل از شما، قربانی ای رسیده به کعبه، یا پوشاننده ی گناه با خوراک به بی چیزها، یا معادل آن روزه ای، تا بچشد شدت کارش را، عفو کرد خدا از آنچه سپری شد، و کسی که از سر گرفت، پس انتقام می گیرد خدا از او، و خدا ارجمند صاحب انتقام است

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (96 مائده)

حلال شد بر شما شکار دریا و خوراکش، کالایی برای شما و برای کاروان، و حرام شد بر شما شکار خشکی، تا هنگامی که بودید در حالت مُحرم، و حذر کنید از خدا، آنکه به او جمع کرده می شوید

(تحت عنوان اسلام به دروغ بیان کرده اند که برخی از صیدهای دریایی با ویژگی هایی که بیان کرده اند، حرام است. در قرآن در مورد صید دریا و اینکه برخی از صید دریا حرام است، چیزی بیان نشده است و وقتی در قرآن خوردن چیزی حرام نشده است، پس حلال است. دراین آیه نیز که برای زمانی که فرد مُحرم است، بیان شده است، بیان شده که شکار دریا و خوراکش بر شما حلال شد. بنابراین خوردن کلیه ی صید دریا و موجودات دریایی، حلال هستند.)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (97 مائده)

قرار داد خدا کعبه، خانه ی مقدس (یا حرام) را پایه و اساسی برای مردم، و ماه مقدس (یا حرام) را، و قربانی و قربانی های نشاندار را، آن را تا بدانید همانا خدا می داند آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و همانا خدا به هر چیزی داناست

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (98 مائده)

بدانید همانا خدا نیرومند کیفر، و همانا خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (99 مائده)

نیست بر فرستاده جز رساندن، و خدا می داند آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می کنید

(پیامبر جز رساندن وحی خداوند به مردم، مسئولیتی نداشته است و آن وحی نیز آیات قرآن هستند، و پیامبر مردم را به پذیرش وحی خداوند و پذیرش ایمان مجبور نمی کرده است و حق این کار را هم نداشته است.)

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (100 مائده)

بگو مساوی نیست ناپاک و پاک، اگرچه تو را به شگفت آورد فراوانی ناپاک، پس حذر کنید از خدا ای خردمندان، شاید شما رستگار شوید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (101 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، نپرسید (یا تقاضا نکنید) از چیزهایی که اگر آشکار شود برای شما، بد حال می کند شما را، و اگر بپرسید (یا تقاضا کنید) از آن، هنگامی که نازل می شود قرآن، آشکار شود برای شما، خودداری کرد خدا از آن، و خدا بسیار آمرزنده بردبار است

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ (102 مائده)

به درستی پرسید (یا تقاضا کرد) آن را جماعتی از قبل شما، سپس گردیدند به سبب آن، کافران

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (103 مائده)

قرار نداد خدا از بحیرة (=شتری که پنجمین حمل مادر خود باشد)، و نه سائبة (=شتری که ده شکم زاییده باشد)، و نه وصیلة (=شتری که در یک شکم دو بچه بزاید)، و نه حام (=شتر نری که برای جفت گیری ماده ها استفاده می شد) (توضیح: این چهار نوع شتر را اعراب جاهلیت، کشتن و خوردن آن را بر خود حرام کرده بودند)، و لیکن کسانی که کفر ورزیدند، دروغ می بندند بر خدا، دروغی را، و بیشترشان درک نمی کنند

(در این آیه چند مورد از چیزهایی را که کافران بر خود حرام کرده بودند، بیان شده است و بیان شده که خداوند این چیزها را قرار نداده است و کسانی که کفر ورزیدند بر خدا دروغ می بندند. در اسلام نیز، افرادی تحت عنوان اسلام و به نام خدا، بسیاری از چیزها را حرام کرده اند که در قرآن حرام شمرده نشده است و کار اینها نیز دروغ بستن به خدا است، لیکن فهم حقیقت آسان است و راه آن، خواندن قرآن است.)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (104 مائده)

و اگر گفته شد به آنان، بیایید به آنچه نازل کرد خدا، و به فرستاده، گفتند بسنده است ما را آنچه که یافتیم بر آن پدرانمان را، آیا اگر پدرانشان نمی دانستند چیزی را، و هدایت نمی یافتند

(در این آیه بیان شده است که اگر گفته شد به آنان، بیایید به آنچه نازل کرد خدا، و به فرستاده. آنچه را خداوند نازل کرده است، قرآن است و بیان شده به قرآن مراجعه کنید، این نشان دهنده ی این است که راه تشخیص حلال و حرام دین، خواندن قرآن است، و بیان شده به پیامبر مراجعه کنید، آن به دلیل این است که در زمانی که پیامبر در میان مردم بوده است، افراد می توانسته اند برای فهم دین و برای پاسخ سؤالات خود، به پیامبر نیز مراجعه کنند زیرا پیامبر در زمینه ی دین، چیزی جز قرآن بیان نمی کرده است، ولی پس از درگذشت پیامبر، تنها باید به قرآن مراجعه نمود و نه به روایات و احادیث پیامبر، زیرا این کار باعث گمراهی می شود همانگونه که امروزه این اتفاق افتاده است و هر دروغی را به نام پیامبر به دین نسبت داده اند.

نکته ی دیگر اینکه در ادامه بیان شده است که آنها در جواب می گفته اند بسنده است ما را آنچه که یافتیم بر آن پدرانمان را، و خداوند می فرماید آیا اگر پدرانشان نمی دانستند چیزی را و هدایت نمی یافتند. این نیز همان اتفاقی است که امروزه شاهد آن هستیم و اکثر افراد در زمینه ی دین، پیرو گذشتگان خود هستند و به این توجه نمی کنند که آیا گذشتگان درست می گفته اند یا نه، و به دنبال فهم حقیقت در زمینه دین نیستند.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (105 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، برای (یا علیه) شما است جان هایتان، به شما ضرر نمی رساند کسی که گمراه شد، اگر هدایت شدید، به خدا است بازگشتتان همگی، پس با خبر می سازد شما را به آنچه انجام می دادید

(این آیه بیان کننده ی این است که هر کسی مسئول کار خود است و اعمال کسی که گمراه شد، اگر شما هدایت شدید، به شما ضرر نمی رساند.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ (106 مائده)

ای کسانی که ایمان آوردید، گواهی بینتان، اگر فرا رسید یکی از شما را مرگ، هنگام وصیت، دو نفر صاحبان عدل از شما، یا دو تای دیگر از غیر شما، اگر شما حرکت کردید در زمین، پس به شما مبتلا شد مصیبت مرگ، آن دو را نگه می دارید از پس از نماز، پس آن دو سوگند می خورند به خدا، اگر شک کردید، که نمی فروشیم آن را به بهایی، اگرچه بود خویشاوند، و پنهان نمی کنیم گواهی خدا را، همانا ما بدین ترتیب یقیناً از گناهکاران هستیم

(بیان شده که اگر یکی از شما را مرگ فرا رسید، برای وصیت کردن، دو نفر که صاحب عدل هستند از میان خود به عنوان شاهد انتخاب کنید و اگر در سفر هستید و از افراد خود کسی را نیافتید، از غیر خودی ها دو نفر را انتخاب کنید و اگر شک کردید به راستگویی آنان، پس از نماز، آنان را نگه دارید تا سوگند بخورند به خدا، که نمی فروشیم گواهی را به بهایی، اگرچه بود به نفع خویشاوند ما، و پنهان نمی کنیم گواهی خدا را، همانا ما بدین ترتیب یقیناً از گناهکاران هستیم.)

فَإِنْ عُثِرَ عَلَى أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (107 مائده)

پس اگر پی برده شد بر اینکه همانا آن دو سزاوار شدند به گناهی، پس دو نفر دیگر، آن دو می ایستند در جای آن دو، از کسانی که سزاوار شد بر آنان از دو نفر قبلی، پس آن دو سوگند می خورند به خدا، که یقیناً گواهی ما شایسته تر است از گواهی آن دو، و تجاوز نکردیم، همانا ما بدین ترتیب یقیناً از ستمکاران هستیم

(بیان شده که اگر فهمیدند که دو گواهی دهنده دروغ گفته اند، پس دو نفر دیگر از کسانی که آنها به واسطه دروغ گواهان قبلی ضرر کرده اند، در جای آن دو می ایستند پس آن دو سوگند می خورند به

خدا، که یقیناً گواهی ما درست تر است از گواهی آن دو، و دروغ نگفتیم، که اگر این کار را کرده باشیم یقیناً از ستمکاران هستیم.)

ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَى وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (108 مائده)

آن نزدیک تر است به اینکه بیاورند گواهی را در جهتش، یا بترسند اینکه برگردانده شود سوگندها پس از سوگندهایشان، و حذر کنید از خدا و بشنوید، و خدا هدایت نمی کند جماعت از راه حق دور شوندگان را

(با این روشی که گفته شد احتمال بیشتری دارد که گواهی درست بدهند و اینکه بترسند از اینکه پس از سوگندی که می خورند، سوگندشان برگردانده شود. البته امروزه با روشی که وصیت نامه را می توان به صورت ثبت قانونی نوشت دیگر مشکلی در زمینه ی اجرای وصیت نامه پیش نخواهد آمد و دیگر نیازی به گرفتن گواه بر وصیت نامه وجود ندارد.)

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (109 مائده)

روزی که جمع می کند خدا، فرستادگان را، پس می گوید چه چیزی جواب داده شدید، گفتند نیست دانشی برای ما، همانا تو خود بسیار دانای نهان ها هستی

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (110 مائده)

هنگامی که گفت خدا، ای عیسی پسر مریم، به یاد آور نعمتم را بر تو و بر مادرت، هنگامی که حمایتت کردم با روح مقدس (یا پاک)، سخن گفتی با مردم در گهواره و میانسالی، و هنگامی که به تو یاد دادم کتاب و حکمت و تورات و انجیل را، و هنگامی که خلق می کنی از گِل مانند شکل پرنده را با اجازه من، پس می دمی در آن، پس باشد پرنده ای با اجازه من، و شفا می دهی کور مادر زاد را و پیسی گرفته را با اجازه من، و هنگامی که خارج می کنی مردگان را با اجازه من، و هنگامی که دفع کردم فرزندان اسرائیل را از تو، هنگامی که برایشان آوردی دلایل را، پس گفت کسانی که کفر ورزیدند از آنان، نیست این جز جادوگریِ آشکاری

(پیامبران، انسان هایی بوده اند مانند دیگر انسان ها، و از نظر انسان بودن فرقی با انسان های دیگر نداشته اند. تفاوت آنها در این بوده که آنها از سوی خدا برای مسئولیت پیامبری برگزیده می شدند تا پیام خداوند را به مردم برسانند و مردم را به ایمان دعوت نمایند. کارهایی که پیامبران تحت عنوان معجزه انجام می داده اند، نه با قدرت آنان، بلکه با قدرت و خواست خداوند توسط آنان صورت می گرفته است.)

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ (111 مائده)

و هنگامی که وحی کردم به حواریون، اینکه ایمان آورید به من و به فرستاده ام، گفتند ایمان آوردیم و گواهی بده به اینکه همانا ما تسلیم کنندگان هستیم

(کلمه مسلمان به فارسی یعنی تسلیم کننده، و مسلمان یا همان تسلیم کننده، فقط برای دین اسلام نیست و پیروان ادیان الهی در زمان پیامبر خود، هنگامی که به خدا و پیامبر خدا ایمان می آوردند، مسلمان بوده اند.)

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (112 مائده)

هنگامی که گفت حواریون، ای عیسی پسر مریم، آیا می تواند ربّت، اینکه نازل کند بر ما سفره ای (یا خوراکی) از آسمان، گفت حذر کنید از خدا، اگر بودید مؤمنان

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (113 مائده)

گفتند می خواهیم اینکه بخوریم از آن، و آرامش یابد (یا مطمئن شود) دل هایمان، و بدانیم اینکه به درستی به ما راست گفتی، و باشیم بر آن از گواهان

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (114 مائده)

گفت عیسی پسر مریم، ای خدا ربّ ما، نازل کن بر ما سفره ای (یا خوراکی) از آسمان، که باشد برای ما جشنی، برای نخستین ما و واپسین ما، و نشانه ای از تو، و روزی ده ما را، و تو بهترین روزی دهندگانی

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (115 مائده)

گفت خدا، همانا من نازل کننده آن هستم بر شما، پس کسی که کفر ورزد بعد آن از شما، پس همانا من عذاب می کنم او را، عذابی که عذاب نکنم او را، هیچ کسی از جهانیان را

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (116 مائده)

و هنگامی که گفت خدا، ای عیسی پسر مریم، آیا تو گفتی به مردم، بگیرید مرا و مادرم را دو خدا از غیر خدا، گفت پاک و منزهی تو، مرا نسزد اینکه بگویم آنچه را نیست برای من از حقیقت، اگر گفته بودم آن را، پس به درستی می دانستی آن را، می دانی آنچه در جانم است و نمی دانم آنچه در خودت است، همانا تو خود بسیار دانای نهان ها هستی

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (117 مائده)

نگفتم به آنان جز آنچه امر کردی مرا به آن، اینکه بپرستید خدا ربّ من و ربّتان را، و بودم بر آنان به صورت گواه، تا در میان آنها بودم، پس وقتی که میراندی (یا کاملاً گرفتی) مرا، بودی تو مراقب بر آنان، و تو بر هر چیزی گواه هستی

إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (118 مائده)

اگر عذابشان کنی، پس همانا آنان بندگان تو هستند، و اگر بیامرزی بر آنان، پس همانا تو خود ارجمند صاحب حکمت هستی

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (119 مائده)

گفت خدا، این روزی است که نفع می رساند راستگویان را، راستیشان، برای آنان باغ هایی است که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن برای همیشه هستند، خرسند شد خدا از آنان، و خرسند شدند از او، آن موفقیت بزرگ است

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (120 مائده)

برای خداست سلطه ی آسمان ها و زمین و آنچه در آنها است، و او بر هر چیزی توانا است

سوره انعام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (1 انعام)

ستایش برای خدا است، آنکه آفرید آسمان ها و زمین را، و قرار داد تاریکی ها و روشنایی را، سپس کسانی که کفر ورزیدند، با ربّشان برابر می کنند

(با ربشان برابر می کنند، می تواند به این معنا باشد که مشرکان، خدایانی را می پرستند و آنها را مانند خدا می دانند.)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ (2 انعام)

او کسی است که آفرید شما را از گِل، سپس تحقق بخشید مهلتی را، و مهلتی معلوم نزد او است، سپس شما شک می ورزید

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ (3 انعام)

و اوست خدا در آسمان ها و در زمین، می داند راز شما و آشکار شما را، و می داند آنچه را کسب می کنید

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (4 انعام)

و نزدشان نیامد از آیه ای از آیات ربّشان، جز اینکه بودند از آن روی گردان ها

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (5 انعام)

پس به درستی تکذیب کردند حقیقت را وقتی که نزد آنها آمد، پس به زودی به سراغشان می آید خبرهای آنچه را مسخره می کردند

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (6 انعام)

آیا هرگز ندیدند چقدر هلاک کردیم از قبلشان از نسلی را، که توانمند کردیم آنان را در زمین، آنچه که هرگز توانمند نکردیم برای شما، و فرستادیم آسمان را بر آنان بسیار ریزنده، و قرار دادیم رودها را که جاری می شود از زیر آنان، پس هلاک کردیم آنان را به سبب گناهانشان، و پدید آوردیم از پس از آنان نسل های دیگری را

(خداوند آنها را به دلیل اینکه کافر بودند، به سبب گناهانشان هلاک کرد. البته هلاک شدن اقوام گذشته توسط خداوند، پیش نیازهای دیگری هم داشته که در آیات قرآن بیان شده است.)

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (7 انعام)

و اگر نازل می کردیم بر تو کتابی در کاغذی، پس لمس می کردند آن را با دست هایشان، یقیناً می گفت کسانی که کفر ورزیدند، نیست این جز جادوگری ای آشکار

(بیان شده که اگر حتی کتابی را بر تو در کاغذ، نازل می کردیم به جای اینکه به تو به این صورت وحی کنیم، باز هم کسانی که کفر ورزیدند می گفتند که نیست این جز جادوگری ای آشکار، و ایمان نمی آوردند.)

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ (8 انعام)

و گفتند چرا نازل نشد برای آن فرشته ای، اگر نازل می کردیم فرشته ای را، یقیناً تصمیم قطعی گرفته می شد در مورد موضوع، سپس مهلت داده نمی شوند

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ (9 انعام)

و اگر قرار می دادیم او را فرشته ای، یقیناً قرار می دادیم او را مردی، و یقیناً مشتبه می کردیم برای آنان، آنچه را مشتبه می کنند

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (10 انعام)

و یقیناً به درستی مسخره کرده شدند فرستادگانی از قبل تو، پس احاطه کرد به کسانی که مسخره کردند از آنان، آنچه را که آن را مسخره می کردند

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (11 انعام)

بگو حرکت کنید در زمین، سپس بنگرید چگونه بود پایان کار تکذیب کنندگان

(یکی دیگر از عواملی که وجود آن در کنار عوامل دیگر، باعث هلاک کرده شدن اقوامی از سوی خداوند شد، این بود که آنها کافر بودند و هیچگاه خداوند قومی را هلاک نکرد مگر اینکه افراد با ایمان

را می رهانید. البته این به آن معنا نیست که خداوند هر کسی یا قومی را که کافر بوده به هلاکت می رسانده است و عوامل دیگری نیز مؤثر بودند که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.)

قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (12 انعام)

بگو برای کیست آنچه در آسمان ها و زمین است، بگو برای خداست، مقرر کرد بر خودش مهربانی را، یقیناً شما را جمع می کند به روز قیامت، که نیست شکی در آن، کسانی که زیان کردند جان هایشان را، پس آنان ایمان نمی آوردند

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (13 انعام)

و برای اوست آنچه آرام شد در شب و روز، و او شنوای داناست

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (14 انعام)

بگو آیا غیر از خدا را بگیرم به عنوان دوست، آفریننده آسمان ها و زمین، و او طعام می دهد و غذا داده نمی شود، بگو همانا من امر شدم به اینکه باشم نخستین کسی که تسلیم کرد، و به هیچ وجه نباش از قائلان به شریک برای خدا

(در این آیه بیان شده که آیا غیر از خدا را بگیرم به عنوان دوست، این به آن معنی نیست که پیامبر به جز خداوند با کس دیگری دوست نبوده و نباید دوست باشد، و منظور از دوست، دوستی معمولی بین افراد نیست، بلکه منظور دوستی ای است که جهت گیری افراد و عکس العمل آنها را نیز تعیین می کند. مثلاً در آیه هایی بیان شد که نگیرید کافران را به عنوان دوست از غیر از مؤمنان، و در آنجا توضیح داده شد که منظور دوستی معمولی نیست بلکه منظور کمک و همکاری با کافران بر علیه مؤمنان است. در اینجا منظور از دوست، می تواند ایمان داشتن به خداوند به عنوان یگانه آفریدگار باشد. در ادامه بیان شده که بگو همانا من امر شدم به اینکه باشم نخستین کسی که تسلیم کرد، و به هیچ وجه نباش از قائلان به شریک برای خدا. تسلیم کردن به معنی ایمان آوردن است و در ادامه نیز بیان شده که به هیچ وجه مشرک نباش.)

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (15 انعام)

بگو همانا من می ترسم اگر نافرمانی کردم از ربّم، از عذاب روزی عظیم

مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (16 انعام)

کسی که بازگردانده شود از آن، در آن روز، پس به درستی ترحم کرد بر او، و آن موفقیت آشکار است

(منظور از کسی که بازگردانده شود از آن، در آن روز، این است که کسی که در روز قیامت، وارد عذاب نشود.)

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (17 انعام)

و اگر به تو برساند خدا از ضرری را، پس نیست بر طرف کننده ای برای آن جز او، و اگر به تو برساند از خوبی ای را، پس او بر هر چیزی تواناست

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (18 انعام)

و او غلبه کننده است بالای بندگانش، و او صاحب حکمت آگاه است

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (19 انعام)

بگو کدام چیز بزرگترین گواهی است، بگو خدا گواه است بین من و بین شما، و وحی شده به من این قرآن، تا هشدارتان دهم با آن، و به کسی که رسید، آیا همانا شما یقیناً گواهی می دهید، اینکه همانا با خدا، خدایان دیگری است، بگو گواهی نمی دهم، بگو همانا او خدایی یگانه است، و همانا من رها هستم از آنچه شریک قائل می شوید

(خداوند به پیامبر بیان کرده که بگو، وحی شده به من این قرآن، تا هشدارتان دهم با آن. پیامبر وحی خداوند را که همان قرآن است، بدون هیچ تغییری به مردم می رسانده است و با بیان آیات قرآن، به مردم هشدار می داده است. پیامبر چیزی را از خود به خدا نسبت نمی داده است و در مورد دین، چیزی را جز قرآن بیان نمی کرده است. پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان تحت عنوان سنت پیامبر، احکام و دستوراتی را به نام خدا و اسلام بیان می کنند که در قرآن وجود ندارد. با کمی تفکر می توان به این نتیجه رسید که اگر کسی می خواهد به رفتار و گفتار پیامبر در زمینه دین پی ببرد، باید قرآن را بخواند و مراجعه به احادیث و روایات نسبت داده شده به پیامبر، چیزی جز گمراهی به دنبال نخواهد داشت.)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (20 انعام)

کسانی که دادیم به آنان کتاب را، او را می شناسند، مانند آنکه می شناسند پسرانشان را، کسانی که زیان کردند جان هایشان را، پس آنان ایمان نمی آورند

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (21 انعام)

و چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغ بافت بر خدا، دروغی را، یا تکذیب کرد آیاتش را، بی تردید رستگار نمی شود ستمکاران

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (22 انعام)

و روزی که گرد هم می آوریمشان همگی را، سپس می گوییم به کسانی که شریک قائل شدند، کجاست شریکانتان، کسانی که می پنداشتید

ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (23 انعام)

سپس هرگز نبود در آشوب افکندن آنان، جز اینکه گفتند سوگند به خدا ربّمان، نبودیم قائلان به شریک برای خدا

انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (24 انعام)

بنگر چگونه دروغ گفتند بر خودشان، و گم شد از آنان، آنچه را دروغ می بستند

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (25 انعام)

و از آنان کسی است که گوش می دهد به تو، و قرار دادیم بر دل هایشان پوشش هایی را، اینکه بفهمند آن را، و در گوش هایشان سنگینی ای را، و اگر ببینند هر نشانه ای را، ایمان نمی آورند به آن، تا اگر آمدند نزد تو، با تو جر و بحث می کنند، می گوید کسانی که کفر ورزیدند، نیست این جز افسانه های نخست ها

(کافران به قرآن می گفته اند که جز افسانه های گذشته ها نیست.)

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (26 انعام)

و آنان نهی می کنند از آن، و دور می شوند از آن، و هلاک نمی کنند جز خودشان را، و درک نمی کنند

وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (27 انعام)

و اگر ببینی هنگامی که نگه داشته شدند بر آتش، پس گفتند، ای کاش ما باز گردانده شویم و تکذیب نکنیم آیات ربّمان را، و باشیم از مؤمنان

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (28 انعام)

بلکه ظاهر شد برای آنان آنچه را پنهان می کردند از قبل، و اگر بازگردانده شدند، یقیناً برگشتند بر آنچه نهی شدند از آن، و همانا آنان یقیناً دروغگویان هستند

(مشرکان هنگامی که در روز قیامت در آتش نگه داشته می شوند، می گویند ای کاش ما بازگردانده شویم و تکذیب نکنیم آیات ربّمان را، و باشیم از مؤمنان، و بیان شده که اگر بازگردانده شوند، یقیناً دوباره به تکذیب می پردازند و آنان دروغگویان هستند.)

وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (29 انعام)

و گفتند نیست آن جز زندگی ما در دنیا، و نیستیم ما از برانگیخته شدگان

(و آنان گفتند که جز زندگی دنیای ما، زندگی دیگری نیست و دوباره زنده نمی شویم.)

وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (30 انعام)

و اگر ببینی هنگامی که نگه داشته شدند بر ربّشان، گفت آیا نیست این از حقیقت، گفتند آری، سوگند به ربّ ما، گفت پس بچشید عذاب را به سبب آنچه کفر می ورزیدید

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (31 انعام)

به درستی زیان کرد کسانی که تکذیب کردند دیدار خدا را، تا ناگهان آمد نزد آنان هنگام قیامت به صورت غافلگیرانه، گفتند ای حسرت بر ما بر آنچه از دست دادیم در آن، و آنان حمل می کنند بارهای سنگینشان را بر پشت هایشان، آگاه باشید بد است آنچه بار به دوش می کشند

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (32 انعام)

و نیست زندگی دنیا جز بازی کردنی و سرگرمی ای، و یقیناً خانه ی آخرت بهتر است برای کسانی که حذر می کنند، آیا پس درک نمی کنید

(لعب و لهو به معنی بازی کردن و سرگرمی است و اینها واژه هایی هستند که بسیاری از کارها را می توان زیر مجموعه ی آنها تعریف کرد. لهو و لعب چیز بدی نیست، و در قرآن بیان نشده که لهو و لعب گناه است. در این آیه، بیان شده که زندگی دنیا لعب و لهو است. پس چگونه است که تحت عنوان دین، افرادی به دروغ، به گونه ای بیان کرده اند که لهو و لعب گناه است و بسیاری از چیزها را به دروغ، تحت عنوان خدا و دین حرام کرده اند و دلیل آن را لهو و لعب بودن آنها بیان کرده اند. در این آیه کل زندگی دنیا، لهو و لعب معرفی شده است، پس ای کسانی که لهو و لعب را گناه معرفی می کنید، از زندگی دنیا خارج شوید چرا که طبق گفته شما، گناه است. بسیاری از مثال ها را می توان برای واژه های لهو و لعب بیان کرد از جمله ازدواج کردن، مسافرت کردن، مهمانی گرفتن، مسابقه دادن، و طبق این آیه، زندگی دنیا. پس بر طبق دروغ این افراد، همه ی این کارها گناه هستند. مواردی که در قرآن، گناه معرفی شده اند، به صورت مشخص، بیان شده اند که چه کارهایی هستند.

در این آیه بیان شده یقیناً خانه ی آخرت بهتر است برای کسانی که حذر می کنند، منظور از کسانی که حذر می کنند، افرادی هستند که از خداوند حذر می کنند و یعنی افراد با ایمانی و درستکاری هستند.)

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (33 انعام)

به درستی می دانیم همانا آن را، که یقیناً اندوهگین می سازد تو را آنچه که می گویند، پس همانا آنان تو را تکذیب نمی کنند، و لیکن ستمکاران، آیات خدا را انکار می کنند

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَإِ الْمُرْسَلِينَ (34 انعام)

و یقیناً به درستی تکذیب کرده شد فرستادگان از قبل تو، پس بردباری کردند بر آنچه تکذیب شدند و اذیت شدند تا نزدشان آمد یاری ما، و نیست تبدیل کننده ای برای کلمه های خدا، و یقیناً به درستی آمد نزد تو از خبر فرستادگان

وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (35 انعام)

و اگر بود بزرگ بر تو روی گردانیشان، پس اگر توانستی اینکه طلب کنی تونلی در زمین یا نردبانی در آسمان، پس بیاوری برای آنان نشانه ای را، و اگر می خواست خدا، یقیناً جمعشان می کرد بر هدایت، پس به هیچ وجه نباش از نادانان

(یک نکته ای که در این آیه می توان به آن پی بُرد، عدم اجبار در پذیرش هدایت است و بیان شده که اگر می خواست خدا، یقیناً جمعشان می کرد بر هدایت. و پیامبر تنها دعوت کننده ی مردم به پذیرش بوده است و اجبار کننده نبوده است.)

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (36 انعام)

همانا پاسخ می دهد کسانی را که می شنوند، و مردگان را، بر می انگیزد آنان را خدا، سپس به او بازگردانده می شوند

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (37 انعام)

و گفتند چرا نازل نشد بر او نشانه ای از ربّش، بگو همانا خدا توانا است بر اینکه نازل کند نشانه ای را، و لیکن بسیاری از آنان نمی دانند

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ (38 انعام)

و نیست از حیوانی در زمین، و نه پرنده ای که پرواز می کند با دو بالش، جز جماعت هایی امثال شما، کوتاهی نکردیم در مقرر کردن از چیزی، سپس به ربّشان گرد هم آورده می شوند

(همه ی حیوانات، جماعت هایی مانند انسان ها هستند و همه ی آنها مانند انسان ها، به سوی ربّشان گرد هم آورده می شوند.)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَنْ يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (39 انعام)

و کسانی که تکذیب کردند آیات ما را، ناشنواها و لال ها در تاریکی ها هستند، کسی را که بخواهد خدا، گمراه می کند او را، و کسی را که بخواهد، قرار می دهد او را بر راه راست

(هدایت و گمراهی افراد، توسط خداوند و به خواست او صورت می پذیرد.)

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (40 انعام)

بگو آیا درک کردید، اگر آمد نزد شما عذاب خدا، یا بیاید شما را هنگام قیامت، آیا غیر از خدا را صدا می زنید، اگر بودید راستگویان

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ (41 انعام)

بلکه او را صدا می زنید، پس بر طرف می کند آنچه را صدا می زنید به او، اگر خواست، و فراموش می کنید آنچه را شریک قائل می شوید

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (42 انعام)

و یقیناً به درستی فرستادیم به جماعت هایی از قبل تو، پس گرفتیم آنان را به فقر و سختی، شاید آنان فروتنی کنند

(بیان شده که به سوی جماعت های قبل از پیامبر اسلام، پیامبران فرستاده شدند و برای اینکه آنان ایمان آورند، آنان به فقر و سختی مبتلا شدند.)

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (43 انعام)

پس چرا هنگامی که آمد نزد آنان رنج ما، فروتنی نکردند، و لیکن سخت شد دل هایشان، و آراست برای آنان شیطان، آنچه را انجام می دادند

(بیان شده که چرا آنان هنگامی که به رنج از جانب ما مبتلا شدند، ایمان نیاوردند.)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ (44 انعام)

پس وقتی که فراموش کردند آنچه را یادآوری کرده شدند به آن، باز کردیم بر آنان درهای هر چیزی را، تا اگر شادمان شدند به آنچه داده شدند، گرفتیم آنان را غافلگیرانه، پس ناگهان آنان ناامیدان بودند

(بیان شده که وقتی که آنان ایمان نیاوردند، درهای نعمت را به روی آنان باز کردیم تا اینکه شادمان شدند و سپس آنان را به صورت غافلگیرانه از میان بردیم.)

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (45 انعام)

پس بریده شد ریشه جماعتی که ستم کردند، و ستایش برای خداوند، ربّ جهانیان است

(چند آیه قبل، در مورد جماعت هایی بیان شده است که به سوی آنان از جانب خداوند، پیامبرانی فرستاده شد و پیامبران، آنان را به ایمان دعوت کردند ولی آنان دعوت پیامبرشان را نپذیرفتند، و در نهایت شرایط عذاب خداوند برای آنان فراهم شده است. این عذاب، ارتباطی با فقر و قحطی و بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله و غیره، و کشته شدن انسان ها توسط این بلایا، ندارد که عده ای تحت عنوان دین، به دروغ می خواهند این اتفاقات را به عنوان عذاب خداوند معرفی کنند. عذاب خداوند هنگامی بر قومی نازل می شده است که پیش نیازهای آن، اتفاق می افتاده است و این پیش نیازها در آیه هایی از قرآن، بیان شده اند، یکی از این پیش نیازها، کافر بودن آن جماعت ها و ایمان نیاوردن آنها پس از اینکه توسط پیامبرشان به ایمان دعوت می شده اند، بوده است.)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ (46 انعام)

بگو آیا درک کردید اگر گرفت خدا شنواییتان را و چشم هایتان را، و مهر زد بر دل هایتان، چه کسی خداست غیر از خدا، که می آورد نزد شما آن را، بنگر چگونه تبدیل می کنیم آیات را، سپس آنان منصرف می شوند

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ (47 انعام)

بگو آیا درک کردید اگر آمد نزد شما عذاب خدا، غافلگیرانه یا آشکارا، آیا هلاک می شود جز جماعت ستمکاران

(عذاب خداوند بر هر قومی که نازل می شده است، افرادی که مؤمن بوده اند و عذاب شامل آنها نمی شده است، توسط خداوند نجات می یافتند.)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (48 انعام)

و نمی فرستیم فرستاده شدگان را، جز بشارت دهندگان و بیم دهندگان، پس کسی که ایمان آورد و اصلاح کرد، پس نیست ترسی بر آنان، و نه آنان اندوهگین می شوند

(پیامبران جز برای بشارت دادن و بیم دادن فرستاده نمی شدند، اینکه کسی دعوت آنان را بپذیرد یا نپذیرد، به انتخاب خودش بوده و اجباری در کار نبوده است. این نشان دهنده ی عدم اجبار در ایمان و دین است، پس چگونه است که افرادی تحت عنوان خدا و دین، مردم را به پذیرش و انجام دادن یا انجام ندادن کاری مجبور می کنند و در این زمینه هر گونه ظلم و جنایتی را نیز به نام خدا و دین جایز می دانند و این در حالی است که حتی پیامبران نیز حق اجبار کسی به ایمان و دین را نداشته اند.)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (49 انعام)

و کسانی که تکذیب کردند آیات ما را، لمس می کنند آنان، عذاب را، به سبب آنکه از راه حق دور شدند

(منظور از کسانی که تکذیب کردند آیات خدا را، کافران هستند.)

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (50 انعام)

بگو نمی گویم به شما که نزد من انبارهای خدا است، و نمی دانم پنهان را، و نمی گویم به شما که همانا من فرشته ای هستم، پیروی نمی کنم جز آنچه که وحی می شود به من، بگو آیا مساوی است نابینا و بینا، آیا پس تفکر نمی کنید

(خداوند به پیامبر می گوید که بگو نمی دانم پنهان را. پیامبر نیز آگاه بر غیب نبوده است، پس چگونه است که شیعه می گوید پیامبر و امامان شیعه، از همه غیب آسمان ها و زمین آگاه بوده اند و داستان های بسیاری را نیز در مورد این موضوع ساخته اند. اینها جز دروغ بستن به خدا و دین نیست و با این دروغ ها، تلاش دارند مذهب دروغ خود و گمراهی ای که در آن هستند و احکام دروغی که به خدا و دین نسبت می دهند را موجه جلوه دهند. اساساً اعتقاد به امامت در مذهب شیعه، با توجه به کدام آیه از قرآن به وجود آمده است و در کدام آیه از قرآن از مسلمانان خواسته شده که به چیزی با عنوان امامت، اعتقاد داشته باشند.

در ادامه بیان شده که خداوند به پیامبر می گوید که بگو، پیروی نمی کنم جز آنچه که وحی می شود به من. آنچه که به پیامبر وحی می شده است، همان قرآن است و پیامبر در مورد دین، جز از قرآن پیروی نمی کرده است و در مورد دین، چیزی را به غیر از قرآن بیان نمی کرده است، پس چگونه است که در اسلام تحت عنوان سنت پیامبر و روایات و احادیث، بسیاری از دستورات دین و حلال و حرام را در دین درست کرده اند که در قرآن وجود ندارد و از این احکام دروغین پیروی می کنند. اینها همه دروغ هایی است که در طول تاریخ به خدا و دین بسته اند و برای توجیه آنها، برای مردمی که قرآن را نخوانده اند و از دین واقعی بی خبرند، بیان می کنند که اینها همان چیزی است که پیامبر می گفته است و

انجام می داده است. در حالی که اگر کسی بخواهد بداند پیامبر در زمینه دین، چه می گفته و چگونه عمل می کرده، باید قرآن را بخواند زیرا طبق گفته قرآن، پیامبر جز از قرآن پیروی نمی کرده است.)

وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (51 انعام)

و بیم ده با آن، کسانی را که می ترسند، اینکه گرد هم آورده شوند به ربّشان، نیست برای آنان از غیر او، دوستی، و نه طلب عفو کننده ای، شاید آنان حذر می کنند

(خداوند به پیامبر بیان می کند که با قرآن، هشدار ده.)

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ (52 انعام)

و از خود نران، کسانی را که صدا می کنند ربّشان را صبح زود (یا بامداد) و شامگاه (یا اول شب)، می خواهند جهت او را، نیست برای (یا علیه) تو از حساب کردن آنان از چیزی، و نیست از حساب کردن تو برای (یا علیه) آنان از چیزی، پس آنان را از خود می رانی، پس باشی از ستمکاران

(به پیامبر بیان شده که کسانی را که صدا می کنند ربّشان را، صبح زود (یا بامداد) و شامگاه (یا اول شب)، و می خواهند جهت ربشان را، از خود نران، و از حساب اعمال آنان چیزی به تو نمی رسد و از حساب اعمال تو نیز چیزی به آنان نمی رسد و اگر آنان را از خود برانی، از ستمکاران خواهی بود. یکی از نکات این آیه، این است که هر کسی مسئول کار خود است و پاسخگوی اعمال دیگران نخواهد بود.)

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ (53 انعام)

و اینچنین آزمودیم بعضی از آنان را با بعضی، تا بگویند آیا اینان هستند که منت گذاشت خدا بر آنان از میان ما، آیا نیست خدا داناتر به سپاسگزاران

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (54 انعام)

و اگر آمد نزد تو کسانی که ایمان می آورند به آیات ما، پس بگو درود بر شما، مقرر کرد ربّتان بر خودش مهربانی را، همانا او کسی را که انجام داد از شما، بدی ای را به سبب نادانی، سپس بازگشت از پس از آن و اصلاح کرد، پس همانا او بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(در این آیه در مورد توبه کردن و توبه ای که باعث بخشش گناه می شود، بیان شده است.)

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ (55 انعام)

و اینچنین به تفصیل بیان می کنیم آیات را، و تا آشکار شود راه بدکاران

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (56 انعام)

بگو همانا من نهی شدم اینکه پرستش کنم کسانی را که صدا می زنید از غیر خدا، بگو پیروی نمی کنم خواسته هایتان را، به درستی گمراه شدم بدین ترتیب، و نیستم من از هدایت شدگان

(بیان شده که ای پیامبر، بگو اگر از خواسته ی شما پیروی کنم و مشرک شوم، گمراه شده ام و از هدایت شدگان نخواهم بود.)

قُلْ إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (57 انعام)

بگو همانا من بر دلیلی از ربّم هستم، و تکذیب کردید آن را، نیست نزد من آنچه را که به عجله وا می دارید آن را، نیست قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن) جز برای خدا، نقل می کند حقیقت را، و او بهترین جدا کنندگان است

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ (58 انعام)

بگو اگر همانا نزد من بود آنچه را به عجله وا می دارید آن را، یقیناً تصمیم قطعی گرفته می شد در مورد موضوع، بین من و بین شما، و خدا داناتر است به ستمکاران

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (59 انعام)

و نزد او است کلیدهای پنهان، نمی داند آن را جز او، و می داند آنچه در خشکی و دریا است، و نمی افتد از برگی، جز اینکه می داند آن را، و نه دانه ای در تاریکی های زمین، و نه تری ای و نه خشکی ای، جز اینکه در کتابی (یا مقرر کردنی) آشکار است

(به پیامبر بیان شده که بگو پنهان (=غیب) را جز خدا نمی داند و خداوند بر همه چیز آگاه است. ولی در اعتقادات شیعه، به جز خداوند، پیامبر و امامانِ شیعه نیز بر غیب آگاهی دارند، اینها دروغ هایی است که بر خدا و دین بسته اند و گمراهی های خود را با این دروغ ها، موجه جلوه می دهند.)

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَى أَجَلٌ مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (60 انعام)

و اوست آنکه جان شما را می گیرد به شب، و می داند آنچه را کسب روزی کردید به روز، سپس بر می انگیزد شما را در آن (=روز)، تا تحقق بخشیده شود مهلتی مشخص، سپس به او بازگشت شماست، سپس شما را با خبر می سازد به آنچه انجام می دادید

(خداوند جان انسان ها را هنگام شب در هنگام خواب می گیرد و در هنگام بیدار شدن، جان را به بدن بر می گرداند.)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ (61 انعام)

و او غلبه کننده است بالای بندگانش، و می فرستد بر شما نگهبانانی، تا اگر آمد یکی از شما را مرگ، جان او را گرفت فرستادگان ما، و آنان کوتاهی نمی کنند

(اینکه می گویند فرشته ای به نام عزرائیل مسئول گرفتن جان انسان ها است، نادرست است و در قرآن بیان شده که فرشتگانی مسئول این کار هستند، و فقط یک فرشته به نام عزرائیل مسئول این کار معرفی نشده است.)

ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ (62 انعام)

سپس بازگردانده شدند به خدا، دوست آنان به حقیقت، آگاه باشید برای اوست قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن)، و او سریع ترین حسابگران است

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (63 انعام)

بگو چه کسی شما را نجات می دهد از تاریکی های خشکی و دریا، او را می خوانید التماسانه و مخفیانه، یقیناً اگر نجاتمان داد از این، یقیناً خواهیم بود از سپاسگزاران

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ (64 انعام)

بگو خدا نجات می دهد شما را از آن، و از هر اندوهی، سپس شما شریک قائل می شوید

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (65 انعام)

بگو او توانا است بر اینکه برانگیزد بر شما عذابی را از بالایتان، یا از زیر پاهایتان، یا شما را به صورت گروه ها به جان هم اندازد، و بچشاند به بعضی از شما عذاب بعضی را، بنگر چگونه صرف می کنیم آیات را، شاید آنان بفهمند

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (66 انعام)

و تکذیب کرد آن را قوم تو، و آن حقیقت است، بگو نیستم بر شما کارگزاری

(به پیامبر بیان شده که قوم تو آن را تکذیب کرد و آن حقیقت است و بگو بر شما کارگزار نیستم. این آیه نشان دهنده ی عدم اجبار در پذیرش ایمان و دین است و اینکه بپذیرند یا نپذیرند، تصمیم فردی است و بیان شده که ای پیامبر بگو بر شما کارگزار نیستم و این نیز بیان کننده ی این است که مسئولیت پیامبر تنها بیان وحی خداوند و دعوت به ایمان بوده است و نه اجبار کردن کسی به پذیرش، و به جای دیگران برای پذیرش ایمان، تصمیم نمی گرفته است.)

لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (67 انعام)

برای هر خبری محل استقراری است، و به زودی می دانید

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلاَ تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (68 انعام)

و اگر دیدی کسانی وارد می شوند در آیات ما، پس روی گردان از آنان تا وارد شوند در سخنی غیر از آن، و اگر تو را به فراموشی اندازد شیطان، پس منشین پس از یادآوری، با جماعت ستمکاران

(بیان شده که اگر دیدی کسانی در مورد آیات قرآن بد گویی می کنند یا نظر بد می دهند، در میان آنان ننشین تا اینکه در مورد چیز دیگری صحبت کنند، و آن موقع می توانی در میان آنان بنشینی، و اگر فراموش کردی که در آن هنگام در میان آنان ننشینی، پس هنگامی که به یاد آوردی، با جماعت ستمکار ننشین. بیان نشده که اگر دیدید کسی در مورد قرآن بدگویی می کند او را بگیرید و بکشید. این نیز نمونه ای از دروغ ها و جنایاتی است که به خدا و دین نسبت می دهند.)

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (69 انعام)

و نیست بر کسانی که حذر می کنند، از حساب آنان از چیزی، و لیکن یادآوری، شاید آنان حذر می کنند

(و بیان شده که از حساب اعمال کسانی که در آیه قبل بیان شد که در مورد قرآن بدگویی می کنند، چیزی متوجه کسانی که این کار را انجام نمی دهند، نیست، یعنی هر کسی مسئول کار خودش است و به خاطر گناه کسی، فرد دیگری بازخواست نمی شود. و در ادامه بیان شده لیکن یادآوری، شاید آنان حذر می کنند، که این نیز نشان دهنده ی عدم اجبار در دین است و اینکه کسی نمی تواند دیگران را به انجام کاری و یا انجام ندادن کاری اجبار کند. نمونه ای دیگر از دروغ هایی که به خدا و دین نسبت داده اند، کارهای است که تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر انجام می دهند و می گویند که امر به معروف و نهی از منکر از واجبات اسلام است و به این بهانه، مردم را به انجام دادن یا انجام ندادن کارهایی که آن را احکام دین می نامند، مجبور می کنند و در این کار از هیچ توهین و ظلم و جنایتی علیه مردم فروگذار نمی کنند. نکته اول اینکه امر به معروف و نهی از منکر واجب دین نیست و در قرآن بیان نشده که باید این کار را انجام دهید و بیان شده که افرادی این کار را به خواست خود انجام می دهند، نکته دیگر اینکه امر به معروف و نهی از منکر به معنی اجبار افراد به انجام دادن یا انجام ندادن کاری نیست و فقط به معنی دعوت دیگران به آن است و در قرآن در آیات مختلف این موضوع بیان شده است که در دین اجباری وجود ندارد و هر کسی خود تصمیم گیرنده برای اعمال خود است و حتی پیامبر هم حق مجبور کردن کسی را در زمینه دین نداشته است.)

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذْ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (70 انعام)

و رها کن کسانی را که گرفتند دینشان را بازی کردنی و سرگرمی ای، و آنان را فریب داد زندگی دنیا، و یادآوری کن با آن، اینکه در موقعیت مهلک قرار داده شود جانی به سبب آنچه به دست آورد، نیست برای آن از غیر خدا، دوستی و نه طلب عفو کننده ای، و اگر برابر کند هر برابر کردنی را، گرفته نمی شود از او، آنان کسانی هستند که در موقعیت مهلک قرار داده شدند به سبب آنچه به دست آوردند، برای آنان نوشیدنی ای از آب گرم و عذابی دردناک است، به سبب آنکه کفر می ورزیدند

(منظور از کسانی که گرفتند دینشان را بازی کردنی و سرگرمی ای، کافران هستند. منظور از واژه آن، در یادآوری کن با آن، قرآن است. اینکه جانی در روز قیامت در موقعیت مهلک قرار گیرد، به سبب اعمال خود اوست و هیچ کس نمی تواند برای او طلب عفو کند جز خداوند، و اگر این فرد برای رهایی از عذاب، هر چیزی را به عنوان جایگزین در نظر بگیرد، تا برای رهایی از عذاب بدهد، از او پذیرفته نمی شود و برای آنان عذابی دردناک است، به سبب اینکه کفر ورزیدند.)

قُلْ أَنَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (71 انعام)

بگو آیا صدا کنیم از غیر خدا، آنچه را نفعی به ما نمی رساند، و به ما ضرر نمی رساند، و باز گردانده شویم بر گذشته هایمان، پس از هنگامی که هدایت کرد ما را خدا، مانند آن کسی که شیفته و سرگشته کرد او را شیطان ها، در زمین سردرگم، برای او است همنشینانی که صدا می زنند او را به هدایت، که به سوی ما بیا، بگو همانا هدایت خدا خود هدایت است، و امر شدیم تا تسلیم شویم برای ربّ جهانیان

(منظور از بازگردانده شویم به گذشته هایمان، این است که دوباره کافر شویم.)

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (72 انعام)

و اینکه به پا دارید نماز را و حذر کنید از او، و اوست آنکه به او، گرد هم آورده می شوید

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (73 انعام)

و اوست آنکه آفرید آسمان ها و زمین را به حقیقت، و روزی که می گوید باش، پس باشد، سخنش حقیقت است، و برای او است سلطه روزی که دمیده می شود در صور (یا شیپور)، دانای پنهان و آشکار است، و اوست صاحب حکمت آگاه

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (74 انعام)

و هنگامی که گفت ابراهیم به پدرش آزر، آیا می گیری بت ها را خدایان، همانا من می بینم تو را و قوم تو را در گمراهی آشکاری

(پیامبران از سوی خداوند به پیامبری برگزیده شدند، ولی اینکه کسی را خداوند به پیامبری انتخاب می کرده است، به این معنی نبوده که اعضای خانواده او نیز افراد با ایمان و یا افرادی نیکوکار بوده اند. ابراهیم، پیامبر خدا بود ولی پدرش کافر بود، نوح پیامبر خدا بود ولی پسرش کافر بود و در میان کسانی که بر آنها عذاب نازل شد، قرار داشت، لوط پیامبر خدا بود ولی همسرش در میان عذاب شدگان قرار گرفت. پس چگونه است که مذهب شیعه به واسطه ی اینکه محمد پیامبر خدا بوده است، اعضای خانواده ی او را نیز هم راستای او قرار داده اند و آنان را مقدس می دانند و حتی علی را که داماد پیامبر بود را نیز اولین امام خود می دانند، این اعتقاد دروغین امامت که شیعه به آن باور دارد بر اساس کدام آیه از قرآن به وجود آمده است و کار به اینجا ختم نمی شود و در مذهب شیعه، فرزندان امامان شیعه را نیز امامزاده می نامند و آنان را مقدس دانسته و به زیارت آنان می پردازند. اینها نمونه هایی از گمراهی پیروان مذهب شیعه است.)

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (75 انعام)

و اینچنین نشان می دهیم به ابراهیم، عظمت آسمان ها و زمین را، و تا باشد از یقین کنندگان

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (76 انعام)

پس وقتی که تاریک شد بر او شب، دید ستاره ای را، گفت این ربّ من است، پس وقتی که غروب کرد، گفت دوست ندارم نا پدیدها را

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (77 انعام)

پس وقتی که دید ماه را طلوع کننده، گفت این ربّ من است، پس وقتی که غروب کرد، گفت یقیناً اگر هرگز هدایت نمی کرد مرا ربّم، یقیناً بودم از جماعت گمراهان

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (78 انعام)

پس وقتی که دید خورشید را طلوع کننده، گفت این ربّ من است، این بزرگتر است، پس وقتی که غروب کرد، گفت ای قوم من، همانا من رها هستم از آنچه شریک قائل می شوید

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (79 انعام)

همانا من چرخاندم جهتم را به آنکه آفرید آسمان ها و زمین را، به صورت یکتا پرست، و نیستم من از قائلان به شریک برای خدا

(این چیزهایی که ابراهیم بیان می کرد، به خاطر این بود که قومش را به این نکته متوجه سازد که آنان چیزهایی را می پرستند که در جایگاه پرستیدن نیستند و می خواست در نهایت به این نتیجه برسد که خدای یگانه است که باید پرستیده شود و نه خورشید و ماه و ستاره.)

وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِّي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (80 انعام)

و جر و بحث کرد با او قومش، گفت آیا با من جر و بحث می کنید در مورد خدا، و به درستی هدایت کرد مرا، و نمی ترسم از آنچه شریک قائل می شوید با او، جز اینکه بخواهد ربّ من چیزی را، در بر گرفت ربّ من هر چیزی را از نظر دانش، آیا پس به یاد نمی آورید

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (81 انعام)

و چگونه بترسم از آنچه شریک قائل شدید، و نمی ترسید، همانا شما شریک قائل شدید با خدا، آنچه را هرگز نازل نکرد به آن برای شما دلیلی را، پس کدام دو گروه سزاوارتر است به امنیت، اگر می دانستید

(ابراهیم به قومش بیان کرد که همانا شما شریک قائل شدید با خدا، آنچه را هرگز نازل نکرد برای شما دلیلی را برای پرستش آن.)

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (82 انعام)

کسانی که ایمان آوردند و هرگز نپوشاندند ایمانشان را با ستمی، آنان برایشان امنیت است، و آنان هدایت شدگان هستند

وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (83 انعام)

و آن دلیل ما است که دادیم آن را به ابراهیم برای قومش، بالا می بریم رتبه های کسی را که می خواهیم، همانا ربّ تو صاحب حکمت داناست

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (84 انعام)

و بخشیدیم به او اسحاق و یعقوب را، همگی را هدایت کردیم، و نوح را هدایت کردیم از قبل، و از نسلش داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را، و اینچنین جزا می دهیم بسیار نیکوکاران را

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ (85 انعام)

و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را، همگی از شایستگان هستند

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ (86 انعام)

و اسماعیل و یسع و یونس و لوط را، و همگی را صاحب فضل دانستیم بر جهانیان

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (87 انعام)

و از پدرانشان و نسل هایشان و برادرانشان، و برگزیدیم آنان را، و هدایت کردیم آنان را به راهی راست

ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (88 انعام)

آن هدایت خداست، هدایت می کند با آن، کسی را که می خواهد از بندگانش، و اگر شریک قائل شدند، یقیناً تباه شد از آنان، آنچه را انجام می دادند

أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ (89 انعام)

آنان کسانی هستند که دادیم به آنان کتاب و قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن) و پیامبری را، پس اگر کفر ورزد به آن، اینان، پس به درستی صاحب اختیار کردیم به آن، جماعتی را که نیستند به آن از کافران

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْعَالَمِينَ (90 انعام)

آنان کسانی هستند که هدایت کرد خدا، پس از هدایتِ آنان پیروی کن، بگو درخواست نمی کنم از شما برای آن، پاداشی را، نیست آن جز یادآوری ای برای جهانیان

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (91 انعام)

و بزرگ نشمردند خدا را شایستگی بزرگ شمردنش، هنگامی که گفتند نازل نکرد خدا بر انسانی، چیزی را، بگو چه کسی نازل کرد کتاب را، که آورد آن را موسی، نوری و هدایتی برای مردم، قرار می دهید

آن را ورق ها، آشکار می کنید آن را، و پنهان می کنید بسیاری را، و یاد داده شدید آنچه را هرگز ندانستید شما و نه پدرانتان، بگو خدا، سپس رها کن آنان را در بررسی کردنشان، بازی می کنند

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (92 انعام)

و این کتابی است که نازل کردیم آن را با برکت، تصدیق کننده است آنچه را در برابر آن است، و تا هشدار دهی مرکز آبادی ها (=مکه) را، و کسی که پیرامون آن است، و کسانی که ایمان می آورند به آخرت، ایمان می آورند به آن، و آنان بر نمازهایشان محافظت می کنند

(معنای تصدیق کننده است آنچه را در برابر آن است، این است که قرآن، کتاب های پیامبران قبل از اسلام را صادق می شمارد. معنای تا هشدار دهی مرکز آبادی ها (=مکه) را، و کسی که پیرامون آن است، این است که پیامبر اسلام تنها مسئولیت دعوت مردم آن شهر و مردمی که پیرامون آن بوده اند، را داشته است. نکته قابل توجه این است که خداوند، محمد را در میان اعراب در مکه به پیامبری برگزید و پیامبر اسلام مسئولیت دعوت مردم آن شهر و مردم پیرامون آن شهر را به ایمان، بر عهده داشت. خداوند در هر قومی که می خواست آنها را به ایمان دعوت نماید، از میان همان مردم، پیامبری را برای آنها انتخاب می نمود. پس از درگذشت پیامبر اسلام، اعراب تحت عنوان اسلام و گسترش آن، به سرزمین های بسیاری حمله کردند و به غارت و خونریزی در آن سرزمین ها پرداختند، حال آنکه خداوند در قرآن بیان نموده که تجاوزکاران را دوست ندارد و طبق قانون جنگ که در قرآن بیان شده است، مسلمانان حق حمله به کسی را که با آنان وارد جنگ نشده است، ندارند و بر اساس قرآن، پیامبر نیز تنها برای دعوت مردم جایی که در آن حضور داشته است، برگزیده شده بوده است و نه کشورها و سرزمین های دیگر. این نشان دهنده ی دروغ هایی است که افرادی برای توجیه اعمال خود و دستیابی به منافع خود، به خدا و دین از ابتدای اسلام تا به امروز، نسبت می داده اند.)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ (93 انعام)

و چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغ بافت بر خدا، دروغی را، یا گفت وحی شده به من، و هرگز وحی نشد به او چیزی، و کسی که گفت نازل خواهم کرد مثل آنچه را نازل کرد خدا، و اگر ببینی هنگامی که ستمکاران در سختی های مرگ هستند و فرشتگان، گشوده ها است دست هایشان، خارج کنید جان هایشان را، امروز جزا داده می شوید با عذاب خواری، به سبب آنکه می گفتید بر خدا، غیر از حقیقت را، و از آیات او کبر می ورزیدید

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (94 انعام)

و یقیناً به درستی پیش ما آمدید تنها، آنچنان که آفریدیم شما را دفعه اول، و ترک کردید آنچه را اختیار دادیم (یا مالک کردیم) شما را، پشت سرهایتان، و نمی بینیم با شما طلب عفو کنندگانتان را، کسانی که پنداشتید همانا آنان در شما شریکان هستند، یقیناً به درستی بریده شد بین شما، و ضایع شد از شما آنچه را می پنداشتید

(معنی ترک کردید آنچه را اختیار دادیم (یا مالک کردیم) شما را پشت سرهایتان، این است که خداوند انسان ها را در زندگی دنیا، در چیزهایی مالک می گرداند مثلاً به کسی دارایی می دهد و غیره، و هنگام مرگ، افراد آن چیزی را که در آن مالک شده بودند را پشت سر خود ترک می کنند. منظور از نمی بینیم با شما طلب عفو کنندگانتان را، کسانی که پنداشتید همانا آنان در شما شریکان هستند، آن خدایانی است که مشرکان به پرستش آنها می پرداخته اند و انتظار داشته اند که آنان برای مشرکان، طلب عفو نمایند و حالا با آنان نیستند. منظور از یقیناً به درستی بریده شد بین شما، و ضایع شد از شما آنچه را می پنداشتید، این است که بین مشرکان و خدایانشان، جدایی ایجاد شد و آن چیزهایی که آنان خیال می کردند، تباه شد.)

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (95 انعام)

همانا خدا شکافنده ی دانه و هسته است، خارج می کند زنده را از مرده، و خارج کننده ی مرده از زنده است، آن است خدا، پس چگونه دروغ می بافید

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (96 انعام)

شکافنده ی صبحدم است و قرار داد شب را سکونتی، و خورشید و ماه را محاسبه ای، آن تقدیر ارجمند داناست

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (97 انعام)

و اوست آنکه قرار داد برای شما ستارگان را، تا هدایت یابید با آن در تاریکی های خشکی و دریا، به درستی به روشنی بیان کردیم آیات را برای جماعتی که می دانند

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (98 انعام)

و اوست آنکه شما را به وجود آورد از جانی (یا تنی) یگانه، پس محل استقراری و مخزنی (یا به امانت گذاشته شده ای)، به درستی به روشنی بیان کردیم آیات را برای جماعتی که می فهمند

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (99 انعام)

و اوست آنکه نازل کرد از آسمان آبی را، پس خارج کردیم با آن، گیاه را از همه چیز، پس خارج کردیم از آن، سرسبزی (یا کِشت) را، خارج می کنیم از آن، دانه ای روی هم افتاده را، و از درخت خرما، از شکوفه ی آن، خوشه های خرمای نزدیک، و باغ هایی از انگورها و زیتون و انار، شبیه به هم و غیر شبیه به هم، بنگرید به میوه اش، اگر میوه داد، و رسیدن آن را، همانا در آن، یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که ایمان می آورند

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ (100 انعام)

و قرار دادند برای خدا شریکان جن، و آفرید آنان را، و سر هم کردند برای او پسران و دخترانی را به غیر از دانش، پاک و منزه است او، و برتر است از آنچه توصیف می کنند

(بیان شده که مشرکان برای خدا شریکانی را از جن قرار دادند و این در حالی است که خداوند جن را آفریده است و برای خدا بدون دانش، پسران و دخترانی را قرار دادند، و خدا پاک و منزه است و برتر است از آنچه توصیف می کنند.)

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (101 انعام)

پدید آورنده آسمان ها و زمین است، چگونه باشد برای او فرزندی، و هرگز نبود برای او همنشینی، و آفرید همه چیز را، و او بر هر چیزی داناست

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (102 انعام)

آن است خدا ربّ شما، نیست خدایی جز او، آفریننده همه چیز است، پس بپرستید او را، و او بر هر چیزی کارگزار است

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (103 انعام)

درک نمی کند او را چشم ها، و او درک می کند چشم ها را، و او پر محبت آگاه است

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (104 انعام)

به درستی آمد نزد شما بینش هایی از ربّتان، پس کسی که نگریست، پس برای خود او است، و کسی که نابینا شد، پس علیه او است، و من بر شما نگهدارنده نیستم

(یک نکته در این آیه، عدم اجبار در زمینه دین و ایمان است و اینکه اگر کسی ایمان بیاورد یا کافر باشد، انتخاب خود اوست و اجباری در دین وجود ندارد و در انتهای آیه بیان شده، من بر شما نگهدارنده نیستم، پس چگونه است که گروهی در طول تاریخ تا به امروز، تحت عنوان خدا و دین، مردم را مجبور به انجام کارهایی کرده اند که آن را دین نامیده اند، این رفتار آنان هیچ ارتباطی با دین نداشته و جز دروغی بر خدا و دین نیست.)

وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (105 انعام)

و اینچنین صرف می کنیم آیات را، و تا بگویند آموخته ای، و تا آشکار کنیم آن را برای جماعتی که می دانند

(کافران به پیامبر می گفته اند که قرآن را کسی به تو یاد داده است و از جانب خداوند نیست.)

اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (106 انعام)

پیروی کن آنچه را وحی شده به تو از ربّت، نیست خدایی جز او، و روی گردان از قائلان به شریک برای خدا

(در این آیه به پیامبر بیان شده که از قرآن پیروی کن. این نشان دهنده این است که پیامبر در زمینه ی دین، تنها از قرآن باید پیروی می کرده است. پس چگونه است که در اسلام، بسیاری از دستورات دینی را از سنت پیامبر که همان رفتار و گفتاری است که می گویند پیامبر انجام می داده و بیان کرده است،

به دست آورده اند، و بسیاری از این دستورات دینی به دست آمده از سنت پیامبر، در قرآن بیان نشده است. مگر غیر از این است که طبق آنچه در قرآن بیان شده، پیامبر باید تنها از قرآن پیروی می کرده است، اینجاست که گمراهی بسیاری از مسلمانان آشکار می گردد. آنها پیرو دروغ ها و گمراهی هایی هستند که فقط نام آن را اسلام گذاشته اند.

در ادامه بیان شده که روی گردان از قائلان به شریک برای خدا. این نشان دهنده ی این است که در اسلام واقعی، هیچ اجبار در پذیرش ایمان و دین، و هیچ گونه تجاوز به پیروان اعتقادات دیگر وجود ندارد و به پیامبر تنها بیان شده که از آنها روی گردان. پس بر اساس کدام آیه از قرآن، بسیاری از مسلمانان به خود این اجازه را می دهند که به حقوق پیروان ادیان دیگر و پیروان اعتقادات دیگر تعرض کنند و حتی آنان را به قتل برسانند و یا حتی اگر این کارها را انجام نمی دهند، به انجام این کارها به عنوان کارهای درست باور دارند. این کارها چیزی جز ظلم و جنایت نیست.)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (107 انعام)

و اگر می خواست خدا، شریک قائل نمی شدند، و قرار ندادیم تو را بر آنان نگهدارنده ای (یا نگهبانی)، و نیستی تو بر آنان کارگزاری

(در این آیه در ادامه ی آیه قبل، بیان شده که اگر خداوند می خواست، آنها شریک قائل نمی شدند و ما تو را نگهدارنده آنان قرار ندادیم و تو به جای آنان تصمیم گیرنده نیستی. این نیز نشان دهنده ی رفتار درست است و نشان دهنده این است که هیچ گونه اجباری در پذیرش ایمان و هیچ اجباری در زمینه دین وجود ندارد و حتی پیامبر نیز حق اجبار کردن کسی را به ایمان و دین نداشته است.)

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (108 انعام)

دشنام ندهید کسانی را که صدا می کنند از غیر خدا، پس دشنام می دهند به خدا، ستم کردنی با بی دانشی، اینچنین آراستیم برای هر جماعتی، عملشان را، سپس به ربّشان، بازگشتشان است، پس آنان را با خبر می سازد به آنچه انجام می دادند

(در این آیه بیان شده که به خدایان مشرکان دشنام ندهید زیرا که آنان نیز به تلافی این کار شما، به خداوند از روی ستمی که ناشی از بی دانشی است، دشنام خواهند داد و بیان شده که بازگشت آنان به خداوند است و خداوند آنان را به آنچه انجام می دادند باخبر خواهد کرد.)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ (109 انعام)

و سوگند خوردند به خدا، سوگندهای با کوششان را، که یقیناً اگر آمد نزد آنان آیه ای (یا نشانه ای)، یقیناً ایمان می آورند به آن، بگو همانا آیات (یا نشانه ها) نزد خداست، و شما چه می دانید، همانا آن اگر آمد، ایمان نمی آورند

(به پیامبر می گفته اند که اگر معجزه ای برای ما بیاوری، حتماً ایمان می آوریم، خداوند به پیامبر می فرماید که به آنها بگو معجزه ها نزد خداست و در ادامه خداوند بیان می کند که شما نمی دانید، اگر معجزه هم برای آنان انجام گیرد، ایمان نخواهند آورد.)

وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (110 انعام)

و بسیار دگرگون می کنیم قلب هایشان را، و چشم هایشان را، چنانکه هرگز ایمان نیاوردند به آن دفعه اول، و آنان را وا می گذاریم در بیدادگریشان، سرگشته می شوند

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ (111 انعام)

و اگر همانا ما نازل می کردیم به آنان فرشتگان را، و سخن می گفت با آنان مردگان، و گرد هم می آوردیم برای آنان همه چیز را در جلو، بر آن نبودند تا ایمان بیاورند، جز اینکه بخواهد خدا، و لیکن بیشتر آنان نادانی می کنند

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (112 انعام)

و اینچنین قرار دادیم برای هر پیامبری به عنوان دشمنی، شیطان های انسان و جن را، وحی می کند بعضی از آنها به بعضی، گفتار نیکوی بیهوده را، و اگر می خواست ربّ تو، انجام نمی دادند آن را، پس رها کن آنان و آنچه را دروغ می بافند

وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ (113 انعام)

و تا گوش فرا دهد به آن، قلب های کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، و تا راضی شوند به آن، و تا انباشته کنند آنچه را آنان انباشته کنندگان هستند

(در آیه 112 به پیامبر بیان شده است که برای هر پیامبری، دشمنی از شیطان های انسان و جن قرار دادیم که برخی از آنها به برخی گفتارهای نیکوی بیهوده وحی می کند. و به پیامبر بیان شده که آنها را و آنچه را که دروغ می بافند، رها کن. یک نکته در این آیه، عکس العملی است که به پیامبر بیان شده تا در مقابل این دشمنان انجام دهد و آن توجه نکردن به آنان است. به پیامبر بیان نشده که آنها را بگیر و بکش و یا زندانی کن و یا آنان را آزار بده، یعنی همان کارهایی که افرادی تحت عنوان خدا و دین با مردم انجام می دهند، بلکه بیان شده که آنها را رها کن. و نکته دیگر که در این دو آیه قابل ذکر است، آزادی بیان در اسلام است حتی اگر آن چیزی که بیان می شود در جهت تبلیغ کفر باشد و یا در جهت بدگویی از دین و خداپرستی باشد. در این آیات بیان شده رها کن آنها و آنچه را که دروغ می بافند، تا گوش دهد به آن، قلب های کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، و تا راضی شوند به آن، و تا انباشته کنند آنچه را آنان انباشته کنندگان هستند.)

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (114 انعام)

آیا پس غیر از خدا را طلب کنم به عنوان داور، و اوست آنکه نازل کرد به شما کتاب را، به صورتِ به روشنی بیان کرده شده، و کسانی که دادیم به آنان کتاب را، می دانند همانا آن نازل شده است از ربّ تو به حقیقت، پس به هیچ وجه نباش از تردید کنندگان

(اگر کسی مسلمان باشد و بخواهد خدا را به عنوان داور انتخاب نماید، باید به قرآن مراجعه نماید. پس چگونه است که به نام خدا و دین، احکامی را صادر می کنند که هیچ جایی در قرآن ندارند. نکته دیگر در این آیه این است که قرآن را خداوند نازل کرد و آن به روشنی بیان کرده شده است یعنی هر کسی که آیات قرآن را بخواند یا بشنود، آیات قرآن برای او قابل فهم است. این جز دروغی بر دین نیست که افرادی در طول تاریخ تا به امروز گفته اند که قرآن برای همه قابل فهم نیست و برای فهم آن نیاز است که افرادی خاص که دارای دانشی خاص هستند آن را بخوانند و برای بقیه ی مردم توضیح بدهند. قرآن در میان اعرابی نازل شد که به جز تعداد اندکی از آنان، همگی بی سواد بودند و حتی پیامبر نیز بی سواد بود، و خداوند قرآن را با بیانی روشن و قابل فهم برای همه، نازل کرد. این افرادی که این حرف ها را می زنند، جز دروغی بر خدا و دین نمی گویند و قصد آنان، در نا آگاهی نگه داشتن مردم است زیرا منفعت آنان در نا آگاه نگه داشتن مردم و دروغ بافتن به خدا و دین، حاصل می گردد و اگر مردم مسلمان به آگاهی از اسلام حقیقی برسند، دیگر دروغ هایی که به خدا و دین بسته شده است را نخواهند پذیرفت.)

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (115 انعام)

و کامل شد سخن ربّت، به صورت راستی و دادگری، نیست تبدیل کننده ای برای کلمات او، و او شنوای داناست

وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (116 انعام)

و اگر اطاعت کنی از بیشتر کسانی را که در زمین هستند، تو را گمراه می کنند از راه خدا، پیروی نمی کنند جز از گمان، و آنان جز حدس نمی زنند (یا دروغ نمی گویند)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (117 انعام)

همانا ربّ تو خود، داناتر است به کسی که گمراه می شود از راه او، و او داناتر است به هدایت شدگان

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (118 انعام)

پس بخورید از آنچه به یاد آورده شد نام خدا بر آن، اگر بودید به آیات او، مؤمنان

(در این آیه در مورد خوردن گوشت حیوانات، بیان شده که از آنچه که به یاد آورده شد نام خدا بر آن، بخورید.)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ (119 انعام)

و شما را چه شده که نمی خورید از آنچه به یاد آورده شد نام خدا بر آن، و به درستی به روشنی بیان کرد برای شما، آنچه را حرام کرد برای شما، جز آنچه را مجبور شدید به آن، و همانا بسیاری یقیناً گمراه می کنند با خواسته هایشان با بی دانشی، همانا ربّ تو خود داناتر است به تجاوزکاران

(بیان شده که چرا از آنچه که به یاد آورده شد نام خدا بر آن، نمی خورید و خداوند به صورت واضح برای شما آنچه که حرام است را بیان نمود. آن چیزهایی که حرام شده است، در قرآن بیان شده اند و

چیزی که در قرآن حرام شمرده نشده است، حلال است. بیان شده که بسیاری گمراه می کنند افراد را با خواسته هایشان با بی دانشی، و همانا خداوند داناتر است به تجاوزکاران. این تجاوز کاران همان کسانی هستند که با دروغ بستن به خدا و دین، حلال خدا را حرام می کنند. همان اتفاقی که در میان مسلمانان قابل مشاهده بوده و هست و تحت عناوینی همچون سنت پیامبر، و روایات و احادیث، از خود قوانین دین و حلال و حرام دین را به دروغ ساخته اند و به خدا و دین نسبت داده اند.)

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ (120 انعام)

و رها کنید گناه آشکار، و پنهان آن را، همانا کسانی که به دست می آورند گناه را، جزا داده خواهند شد به سبب آنچه انباشته می کردند

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (121 انعام)

و نخورید از آنچه هرگز به یاد آورده نشد نام خدا بر آن، و همانا آن یقیناً دور شدن از راه حق است، و همانا شیطان ها، یقیناً وحی می کنند به دوستانشان، تا جر و بحث کنند با شما، و اگر اطاعتشان کردید، همانا شما یقیناً قائلان به شریک برای خدا هستید

(قسمتی از این آیه که بیان می کند اگر اطاعتشان کردید همانا شما یقیناً قائلان به شریک برای خدا هستید، مربوط به اتفاقی است که در زمان نزول آیه افتاده است و ارتباطی با زمان های دیگر ندارد. زیرا در این آیه، موضوعی را که آنها با مسلمانان برای آن جر و بحث می کرده اند را بیان ننموده است و اطاعت کردن در مورد هر موضوعی، به معنای شرک ورزیدن به خداوند نیست.)

أَوَمَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (122 انعام)

آیا کسی که بود مرده، پس زنده اش کردیم و قرار دادیم برای او نوری را، که گام بر می دارد بر آن در مردم، مانند کسی است که مَثَل آن در تاریکی ها است، نیست بیرون رونده از آن، اینچنین آراسته شد برای کافران، آنچه را انجام می دادند

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (123 انعام)

و اینچنین قرار دادیم در هر آبادی ای، بزرگان بدکار آن را، تا فریب دهند در آن، و فریب نمی دهند جز خودشان را، و درک نمی کنند

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ (124 انعام)

و اگر آمد نزد آنان آیه ای، گفتند هرگز ایمان نمی آوریم، تا داده شویم مانند آنچه داده شد به فرستادگان خدا، خدا داناتر است کجا قرار می دهد فرستادنش را، اصابت خواهد کرد به کسانی که مرتکب جرم شدند، خواری ای نزد خدا، و عذابی نیرومند به سبب آنچه فریب می دادند

(بیان شده که اگر نزد آنان آیه ای آمد، آنها گفتند تا مانند این آیه به خود ما نازل نشود، ایمان نمی آوریم، و بیان شده که خداوند داناتر است به اینکه چه کسی را به عنوان پیامبر انتخاب نماید. منظور از کسانی

که مرتکب جرم شدند، همان کسانی هستند که گفتند هرگز ایمان نمی آوریم، تا داده شویم مانند آنچه داده شد به فرستادگان خدا، و با این سخنان خود، دیگران را فریب می دادند.)

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (125 انعام)

پس کسی را که بخواهد خدا، اینکه او را هدایت کند، می گشاید سینه اش را برای تسلیم شدن، و کسی را که بخواهد، اینکه گمراهش کند، قرار می دهد سینه اش را به صورت تنگ، در تنگنا بودنی، مانند این است که همانا به زحمت بالا می رود در آسمان، اینچنین قرار می دهد خدا، وسوسه ی شیطان را بر کسانی که ایمان نمی آورند

(هدایت و گمراهی افراد، به خواست خداوند صورت می پذیرد. کسی را که بخواهد هدایت نماید، سینه اش را برای تسلیم شدن می گشاید و کسی را که بخواهد گمراهش کند، سینه اش را به صورت تنگ قرار می دهد.)

وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (126 انعام)

و این راه ربّ تو است که مستقیم است، به درستی به روشنی بیان کردیم آیات را، برای جماعتی که یادآوری می کنند

(بیان شده که آیات قرآن را به صورت واضح بیان کردیم، برای جماعتی که آیات را در خاطرشان به یاد می آورند.)

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (127 انعام)

برای آنان منزل درود (یا امنیت) است نزد ربّشان، و او دوست آنان است به سبب آنچه انجام می دادند

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (128 انعام)

و روزی که گرد هم می آورد آنان را همگی، ای جماعت جن، به درستی بسیار یافتید از انسان، و گفت دوستان آنان از انسان، ربّ ما، بهره مند شد بعضی از ما از بعضی، و رسیدیم به مُهلتمان که زمان تعیین کردی برای ما، گفت آتش منزل شماست، همیشگی ها در آن، جز آنچه را خواست خدا، همانا ربّ تو صاحب حکمت داناست

(در روز قیامت، بیان می شود که ای جماعت جن، بسیار از انسان ها را دوست خود یافتید، و انسان هایی که دوستانِ جماعت جن بودند می گویند، خدایا، بعضی از ما از بعضی بهره مند شد تا اینکه به زمان مرگمان رسیدیم که زمان آن را برای ما تعیین کرده بودی، و در جواب به آنها گفته می شود که جایگاه شما برای همیشه در آتش است، جز آنچه را خدا بخواهد. منظور از انسان هایی که دوستان جماعت جن بودند، کافران هستند.)

وَكَذَلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (129 انعام)

و اینچنین مقام می دهیم بعضی از ستمکاران را بر بعضی، به سبب آنچه به دست می آوردند

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (130 انعام)

ای جماعت جن و انسان، آیا هرگز نیامد برای شما، فرستادگانی از شما، که نقل می کنند برای شما آیات من را، و به شما هشدار می دهند دیدار این روزتان را، گفتند گواهی دادیم بر خودمان، و فریب داد آنان را زندگی دنیا، و گواهی دادند بر خودشان، همانا آنان بودند کافران

(بیان شده که ای جماعت جن و انسان، آیا هرگز نیامد برای شما پیامبرانی از خود شما، که نقل می کنند برای شما آیات من را، و به شما هشدار می دهند دیدار این روزتان را. نکته اینکه پیامبرانِ جماعت جن، از جن هستند و پیامبران جماعت انسان، از انسان ها هستند.)

ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ (131 انعام)

آن از این روی است که هرگز نبود ربّ تو هلاک کننده ی آبادی ها به ستم، و ساکنین آن بی خبران هستند

(یکی دیگر از مواردی که باید انجام می شد تا عذاب خداوند بر قومی نازل شود، این بوده که پیامبری از جانب خداوند برای دعوت مردم آن قوم، انتخاب می شد و پس از انجام دعوت پیامبر، و نپذیرفتن دعوت از جانب مردم، و در صورتی که موارد پیش نیاز دیگر برای نزول عذاب تحقق می یافت، اگر خواستِ خداوند این بود که عذاب بر آنها نازل شود، عذاب نازل می شده است.)

وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (132 انعام)

و برای همه رتبه هایی است از آنچه انجام دادند، و نیست ربّ تو بی خبر از آنچه انجام می دهند

(هر کسی به واسطه ی اعمال خود، رتبه ای دارد و خداوند بی خبر از اعمال افراد نیست. برای مثال در قرآن برای کافران عذاب جهنم وعده داده شده است. حال تصور کنید که فردی هم کافر بوده و هم جنایتکار، و فردی دیگر، کافر بوده ولی جنایتکار نبوده است، آیا هر دوی این ها یک عذاب را تجربه می کنند، جواب منفی است، هر کسی با توجه به اعمالش رتبه ای دارد و این دو فرد نیز رتبه های متفاوتی دارند و تجربه آنها از عذاب نیز با هم فرق خواهد داشت.)

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ (133 انعام)

و ربّ تو، توانگر دارای مهربانی است، اگر بخواهد می بَرَد شما را، و جانشین می کند از پس از شما، آنچه را می خواهد، مانند اینکه شما را پدید آورد از نسل جماعت دیگران

إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (134 انعام)

همانا آنچه را وعده داده می شوید، یقیناً آمدنی است و نیستید شما از عاجز کنندگان

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (135 انعام)

بگو ای قوم من، انجام دهید طبق مرتبه تان، همانا من عمل کننده هستم، پس به زودی خواهید دانست چه کسی هست برای او سرانجامِ خانه، به یقین رستگار نمی شود ستمکاران

(منظور از سرانجام خانه، رستگار شدن و ورود به بهشت است. در این آیه بیان شده بگو ای قوم من، انجام دهید طبق مرتبه تان، همانا من عمل کننده هستم، این نشان دهنده عدم اجبار در زمینه ایمان و دین است و هر کسی خود تصمیم گیرنده در این زمینه است.)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (136 انعام)

و قرار دادند برای خدا، از آنچه خلق کرد از زراعت و دام، سهمی را، پس گفتند این برای خدا است به ادعایشان، و این برای شریکان ما است، پس آنچه بود برای شریکانشان، پس نمی رسد به خدا، و آنچه بود برای خدا، پس آن می رسد به شریکانشان، بد است آنچه حکم می کنند

وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (137 انعام)

و این چنین آراست، برای بسیاری از قائلان به شریک برای خدا، کشتن فرزندانشان را، شریکانشان، تا هلاکشان کنند، و تا مشتبه کنند بر آنان دینشان را، و اگر می خواست خدا، انجام نمی دادند آن را، پس رها کن آنان را و آنچه دروغ می بافند

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (138 انعام)

و گفتند این دام و زراعت حرام است، آن را نخورَد جز کسی که می خواهیم به ادعایشان، و دام که حرام شد پشت های آن، و دام که به یاد نمی آورند نام خدا را بر آن، دروغی است بر او، جزا خواهد داد به آنان، به سبب آنچه دروغ می بستند

(خداوند به کسانی که به خدا دروغ می بندند، جزایشان را خواهد داد. در این آیه به مواردی از دروغ هایی که افرادی بر خدا بسته بوده اند، اشاره شده است. نمونه های بسیار دیگری از دروغ بستن به خدا را می توان مثال زد که حلال خدا را تحت عنوان دین حرام کرده اند، در حالی که هیچ کدام از این چیزهایی که به دروغ حرام کرده اند، در قرآن حرام نشده است. در مذهب های شیعه و سنی، بسیاری از احکام و حلال و حرام های دین را، با دروغ بستن به خدا و تحت عناوین سنت پیامبر میان اهل سنت، و سنت پیامبر و احادیث پیامبر و امامان در مذهب شیعه، درست کرده اند و به خدا و دین نسبت داده اند.)

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (139 انعام)

و گفتند آنچه در شکم های این دام است خالص برای مردان ما است، و حرام شده است بر همسران ما، و اگر باشد مرده، پس آنان در آن شریکان هستند، جزا خواهد داد به آنان توصیفشان را، همانا او صاحب حکمت داناست

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (140 انعام)

به درستی زیان کرد، کسانی که کشتند فرزندانشان را از روی نادانی با بی دانشی، و حرام کردند آنچه را روزی داد به آنان خدا، به صورت دروغی بر خدا، به درستی گمراه شدند و نبودند هدایت شدگان

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (141 انعام)

و اوست آنکه پدید آورد باغ هایی داربستی شده و غیر داربستی شده را، و درخت خرما، و کشت، با میوه های گوناگون آن، و زیتون و انار، شبیه به هم و غیر شبیه به هم، بخورید از میوه اش اگر میوه داد، و بدهید بایستگی آن را روز چیدنش، و زیاده روی نکنید، همانا او دوست ندارد زیاده روها را

(در انتهای آیه، بیان شده که بخورید از میوه اش اگر میوه داد، و بدهید بایستگی آن را روز چیدنش، و زیاده روی نکنید، همانا او دوست ندارد زیاده روها را. معنای بدهید بایستگی آن را روز چیدنش، این است که در هنگامی که برداشت محصول را انجام می دهید، به اندازه ای که می دانید، از محصول به نیازمندان بدهید. بیان شده که زیاده روی نکنید، یکی از مواردی که در قرآن بیان شده زیاده روی نکنید، خرج کردن در راه خدا است، حتی در زمینه کمک به نیازمندان نیز نباید زیاده روی نمود و البته میزان کمک کردن، برای همه افراد یکسان نیست و این یک موضوع شخصی است و بستگی به تصمیم فرد دارد که به چه میزان کمک نماید، ولی در مجموع بیان شده که زیاده روی نکنید. افرادی که به نام خدا و دین، برای زکات، مقدار معینی را مشخص کرده اند، جز دروغ بر خدا و دین نبسته اند.)

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (142 انعام)

و از دام، به صورت بارکش و به صورت گوشتی (یا ذبحی) را، بخورید از آنچه روزی داد به شما خدا، و پیروی نکنید گام های شیطان را، همانا او برای شما دشمنی آشکار است

ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنْثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (143 انعام)

هشت تا به صورت جفت، از گوسفند دو تا، و از بز دو تا، بگو آیا دو نر را حرام کرد یا دو ماده را، یا آنچه را در بر گرفت بر آن، رحم های دو ماده، با خبر کنید مرا از دانش، اگر بودید راستگویان

(خداوند به پیامبر بیان کرده که بگو آیا خدا خوردن نرها را حرام کرد، یا خوردن ماده ها را، یا خوردن جنینی که در شکم ماده ها است. اگر دانشی به این دارید که خداوند اینها را حرام کرده است، مرا با خبر کنید. این نشان دهنده ی دروغی است که به خدا نسبت داده بوده اند و چیزهایی را که خداوند خوردن آنها را حرام نکرده است، با دروغ بستن به خداوند، حرام کرده بودند. نمونه های دیگری از این دروغ ها را که به خدا و دین بسته اند می توان مثال زد که حلال خدا را حرام کرده اند و خداوند در قرآن، آنها را حرام نکرده است.)

وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنْثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (144 انعام)

و از شتر دو تا، و از گاو دو تا، بگو آیا دو نر را حرام کرد یا دو ماده را، یا آنچه را در بر گرفت بر آن رحم های دو ماده، یا بودید گواهان هنگامی که سفارش کرد به شما خدا، این را، پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغ بافت بر خدا، دروغی را، تا گمراه کند مردم را با بی دانشی، همانا خدا هدایت نمی کند جماعت ستمکاران را

(خداوند به پیامبر بیان کرده که بگو آیا خدا خوردن نرها را حرام کرد یا خوردن ماده ها را، یا خوردن جنینی که در شکم ماده ها است، یا آنکه شما گواه بودید هنگامی که خداوند این را به شما سفارش می کرد. این نیز بیان کننده ی دروغ هایی است که بر خدا بسته بودند. و در ادامه بیان شده که چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغ بافت بر خدا تا گمراه کند مردم را با بی دانشی. این نمونه ای از دروغ هایی است که بر خدا بسته اند و بسیاری از این دروغ ها را می توان در آن چیزی که مسلمانان تحت عنوان اسلام به آن باور دارند، یافت. تنها راه تشخیص این دروغ ها، خواندن قرآن است تا به این وسیله با اسلام واقعی بتوان آشنا شد.)

قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (145 انعام)

بگو نمی یابم در آنچه وحی شده به من، حرام شده ای را بر خورنده ای، که آن را بخورد، جز اینکه باشد مرده ای یا خون ریخته ای یا گوشت خوکی، پس همانا آن وسوسه ی شیطان است، یا دور شدن از راه حق است، که با صدای بلند گفته شد از غیر از خدا بر آن، پس کسی که مجبور شد غیر از طلب کننده ای (یا ستم کننده ای)، و نه دشمنی کننده ای، پس همانا ربّ تو بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(در این آیه به پیامبر بیان شده که بگو نمی یابم در قرآن حرام شده ای را برای خوردن، جز اینکه باشد مرده یا خون ریخته یا گوشت خوک، و البته وسوسه شیطان یا دور شدن از راه حق است که با صدای بلند، نامی غیر از نام خدا بر حیوانی که می خواهند بکشند، برده شود. خوردن همه چیز غیر از این مواردی که بیان شد، حلال است.)

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (146 انعام)

و بر کسانی که یهودی شدند حرام کردیم همه ناخن داران را، و از گاو و گوسفند، حرام کردیم بر آنان پیه های آن دو را، جز آنچه را حمل کرد پشت های آن دو یا روده ها یا آنچه به استخوان است، آن را جزا دادیم به آنان به سبب ستمشان، و همانا ما یقیناً راستگویان هستیم

(در این آیه خداوند بیان کرده که بر یهودیان چیزهایی که در این آیه بیان شده را حرام کردیم. نکته این است که این چیزها بر مسلمانان حرام نیستند. بسیاری از حیوانات ناخن دار، درندگان هستند که بر یهودیان، خوردن آنها حرام شد، ولی بر مسلمانان حرام نشده است. کسانی که به نام خدا و تحت عنوان دین، به دروغ چیزهایی که حلال است را حرام اعلام کرده اند، همان ستمکارانی هستند که بر خدا دروغ بسته اند تا مردم را گمراه نمایند.)

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (147 انعام)

پس اگر تکذیب کردند تو را، پس بگو ربّ شما دارای مهربانیِ گشایش ایجاد کننده است، و برگردانده نمی شود عذابش از جماعت بدکاران

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (148 انعام)

خواهد گفت کسانی که شریک قائل شدند، اگر می خواست خدا، شریک قائل نمی شدیم، و نه پدرانمان، و حرام نمی کردیم از چیزی را، اینچنین تکذیب کرد کسانی از قبل از آنان، تا چشیدند عذاب ما را، بگو آیا نزد شما است از دانش، پس خارج کنید آن را برای ما، پیروی نمی کنید جز از گمان، و شما جز دروغ نمی گویید (یا حدس نمی زنید)

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (149 انعام)

بگو پس برای خداست دلیل نافذ، پس اگر می خواست یقیناً هدایت می کرد شما را، همگی

قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَٰذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (150 انعام)

بگو بیاورید گواهانتان را، کسانی که گواهی می دهند که همانا خدا حرام کرد این را، پس اگر گواهی دادند، پس گواهی نده با آنان، و پیروی نکن خواسته های کسانی را که تکذیب کردند آیات ما را، و کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، و آنان با ربّشان همتا می کنند

(در مورد دروغ هایی بیان شده است که به خدا و دین نسبت داده اند و حلال خدا را به دروغ حرام کرده اند. خداوند به پیامبر می فرماید که به آنها بگو بیاورید گواهانتان را، کسانی که گواهی می دهند که همانا خدا حرام کرد این را، پس اگر گواهی دادند، پس گواهی نده با آنان، و پیروی نکن خواسته های کسانی را که تکذیب کردند آیات ما را. اگر خداوند چیزی را حرام کرده باشد، آن را در قرآن بیان کرده است و اگر چیزی در قرآن حرام دانسته نشده باشد، پس حلال است. دقیقاً همین اتفاق در اسلام افتاده است و بسیاری از چیزهایی که خداوند در قرآن حرام اعلام نکرده است را با عناوینی مانند سنت پیامبر و روایات و احادیث، حرام کرده اند. اینها همان دروغ هایی است که به خدا نسبت داده اند و بسیاری از مسلمانان پیرو همین گمراهی ها شده اند.)

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (151 انعام)

بگو بیایید تا بخوانم آنچه را حرام کرد ربّتان برای شما، اینکه شریک قائل نشوید با او چیزی را، و به پدر و مادر نیکی ای انجام دهید، و نکشید فرزندانتان را از فقر، ما روزی می دهیم به شما و به آنان، و نزدیک نشوید به گناهان بسیار زشت، آنچه آشکار شد از آن، و آنچه پنهان شد، و نکشید جانی را که حرام کرد خدا، جز به حقیقت، آن است که سفارش کرد شما را به آن، شاید شما درک کنید

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (152 انعام)

و نزدیک نشوید به مال یتیم، جز به آن صورتی که آن نیکوتر است، تا برسد به سن بلوغ (یا سن ادراک، سن تمیز و تشخیص)، و کامل کنید پیمانه و ترازو را به عدل، به انجام کاری وا نمی داریم کسی را جز توانایی اش، و اگر گفتید، پس عادل باشید اگرچه بود خویشاوند، و پیمان خدا را بجا آورید، آن است که سفارش کرد شما را به آن، شاید شما یادآوری کنید

(در دو آیه 151 و 152، خداوند به پیامبر بیان می کند که بگو، بیایید تا بخوانم آنچه را حرام کرد خدا برای شما، و این موارد عبارتند از: شریک قائل نشوید برای خدا، به پدر و مادر نیکی کنید، فرزندانتان را به دلیل فقر نکشید، گناهان بسیار زشت را، چه آشکار و چه پنهان، انجام ندهید و البته این گناهان در قرآن بیان شده اند، جانی را که خداوند کشتن آن را حرام کرده است، جز به حقیقت نکشید و در مورد این نیز در قرآن توضیح داده شده است، به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به صورتی که نیکوتر است تا به سن بلوغ برسد که البته در این مورد در قرآن توضیح داده شده است، پیمانه و ترازو را به عدل کامل کنید، و در ادامه بیان شده که به انجام کاری وا نمی داریم کسی را جز توانایی اش، و این به آن معنا است که بر اساس امکاناتی که دارید، پیمانه و ترازو را کامل کنید. زیرا در گذشته ترازوها به گونه ای بوده است که دقت ترازوهای امروزی را نداشته اند و اگر به این دلیل، مقداری کم و زیاد می شده است و نه به دلیل عمد، بر اساس این توضیح در ادامه آیه، ایرادی نداشته است، و بیان شده که اگر گفتید، پس عادل باشید اگرچه بود خویشاوند، یعنی اگر مثلاً گواهی دادید، گواهی درست بدهید و به این موضوع که برای چه کسی یا علیه چه کسی گواهی می دهید، کاری نداشته باشید، و پیمان خدا را به جا آورید.)

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (153 انعام)

و همانا این راه من است که راست است، پس پیروی کنید آن را، و پیروی نکنید راه ها را، پس پراکنده کند شما را از راه او، آن است که سفارش کرد شما را به آن، شاید شما حذر می کنید

(خداوند بیان کرده است که همانا این راه من است که راست است، پس پیروی کنید آن را، و پیروی نکنید راه ها را، پس پراکنده کند شما را از راه او. راه خداوند در اسلام، آن چیزی است که در قرآن بیان شده است و بیان شده که پیروی نکنید از راه های دیگر و اگر از راه های دیگر پیروی کنید، شما را از راه خداوند پراکنده خواهد کرد.)

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (154 انعام)

سپس دادیم به موسی کتاب را به طور کامل، برای کسی که نیکوکاری کرد، و به روشنی بیان کردنی برای هر چیزی، و هدایتی و مهربانی ای، شاید آنان به دیدار ربّشان ایمان می آورند

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (155 انعام)

و این کتابی است که نازلش کردیم، که خجسته است، پس پیروی کنید از آن، و حذر کنید، شاید شما مورد رحمت واقع شوید

(در این آیه خداوند بیان نموده که قرآن را نازل کردیم پس از قرآن پیروی کنید. با خواندن قرآن می توان به واقعیت دین اسلام پی برد و به دروغ هایی که به خدا و دین نسبت داده شده است، آگاه گردید.)

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ (156 انعام)

اینکه بگویید همانا نازل شد کتاب بر دو جماعت از قبل ما، و همانا بودیم از مطالعه آنان، یقیناً بی خبران

(در ادامه آیه قبل، در مورد قوم پیامبر اسلام بیان شده، برای اینکه در قیامت نگویید که به یهودیان و مسیحیان کتاب نازل شد و ما از آن کتاب ها بی خبر بودیم. در قیامت اگر از مسلمان ها پرسیده شود که چرا به جای پیروی از قرآن، پیرو دروغ هایی بودید که به خدا و دین نسبت داده بودید، آنها جوابی نخواهند داشت زیرا قرآن از سوی خداوند برای آنها نازل شده است و آنها می توانستند به جای پیروی از دروغ و گمراهی، به قرآن برای شناخت حقیقت مراجعه نمایند.)

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ (157 انعام)

یا بگویید اگر همانا ما را نازل می شد برای ما کتاب، یقیناً بودیم هدایت یافته تر از آنان، پس به درستی آمد نزد شما دلیلی از ربّتان، و هدایتی و مهربانی ای، پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که تکذیب کرد آیات خدا را، و روی گرداند از آن، جزا خواهیم داد کسانی را که روی می گردانند از آیات ما، به عذابی بد، به سبب آنچه روی می گرداندند

(در ادامه ی آیه قبل بیان شده، و برای اینکه نگویید اگر برای ما کتاب نازل می شد، یقیناً هدایت یافته تر از یهودیان و مسیحیان می بودیم پس به درستی آمد نزد شما دلیلی از ربّتان، و هدایتی و مهربانی ای، که منظور قرآن است و با خواندن قرآن می توان هدایت را از گمراهی تشخیص داد و هدایت شد.)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (158 انعام)

آیا انتظار می کشند جز این را که نزدشان بیاید فرشتگان، یا بیاید ربّ تو، یا بیاید بعضی از آیات ربّ تو، روزی که می آید بعضی از آیات ربّ تو، سود نمی دهد کسی را ایمانش، که هرگز ایمان نیاورده از قبل، یا به دست نیاورده در ایمانش نیکویی ای را، بگو منتظر باشید، همانا ما منتظران هستیم

(بیان شده روزی که می آید بعضی از آیات خداوند، کسی که تا آن موقع ایمان نیاورده است، اگر در آن هنگام ایمان بیاورد، دیگر برای او فایده ای ندارد، و همچنین کسی که ایمان آورده بوده، ولی نیکویی ای به دست نیاورده، یا به عبارت دیگر، انسان خوبی نبوده است، به او نیز ایمانش سودی نمی رساند.)

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (159 انعام)

همانا کسانی که از هم تفکیک کردند دینشان را، و بودند گروه ها (یا فرقه ها)، نیستی از آنان در چیزی، همانا کار آنان به خداست، سپس با خبرشان می کند به آنچه انجام می دادند

(دین اسلام یک پیامبر دارد به نام محمد، و یک کتاب دارد به نام قرآن، که از سوی خداوند نازل شده است. پس چگونه است که از آن، مذاهب مختلف و به عبارتی دیگر، فرقه های مختلف درست شده است. کسی که پیرو اسلام واقعی است، مذهبی ندارد و پیرو مذاهب شیعه و سنی و غیره نیست، فقط مسلمان است و برای شناخت دستورات دین خود، فقط قرآن را ملاک قرار می دهد.)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (160 انعام)

کسی که آمد با نیکی، پس برای او است ده تا مثل آن، و کسی که آمد با بدی، پس جزا داده نمی شود جز مثل آن را، و آنان مورد ستم واقع نمی شوند

قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (161 انعام)

بگو همانا من را، هدایتم کرد ربّم به راه راست، به دینی پایدار، آیین ابراهیم یکتاپرست، و نبود از قائلان به شریک برای خدا

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (162 انعام)

بگو همانا نماز من، و عبادت (یا قربانی) من، و زندگی من و مرگ من، برای خدا، ربّ جهانیان است

لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (163 انعام)

نیست شریکی برای او، و به آن امر کرده شدم، و من اولین تسلیم کنندگان هستم

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (164 انعام)

بگو آیا غیر از خدا را طلب کنم به عنوان ربّ، و او ربِّ همه چیز است، و کسب نمی کند هر جانی (یا کسی) جز برای خود، و حمل نمی کند حمل کننده ای بار دیگری را، سپس به ربّتان بازگشتتان است، پس با خبر می کند شما را به آنچه در آن اختلاف داشتید

(بیان شده که هر کسی هر خوبی یا بدی را انجام دهد، فقط به حساب خود او ثبت می شود، و هیچ کسی در روز قیامت، بار دیگری را حمل نمی کند یعنی هر کسی تنها مسئول اعمال خود است.)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (165 انعام)

و اوست کسی که قرار داد شما را جانشینان زمین، و بالا بُرد بعضی از شما را بالای بعضی، از نظر رتبه ها، تا شما را بیازماید در آنچه داد به شما، همانا ربّ تو شتابنده کیفر است، و همانا او یقیناً بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

(بیان شده که خداوند بعضی از انسان ها را از نظر رتبه بالاتر از بعضی قرار داد تا بیازماید آنها را، در آنچه که به آنها داد. یعنی مثلاً خداوند به بعضی از نظر ثروت، نسبت به بعضی دیگر رتبه داده است و به بعضی از نظر قدرت، رتبه داده است و به بعضی از لحاظ دانش و غیره. اینها نمونه هایی از رتبه هایی هستند که می توان مثال زد.)

سوره اعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

المص (1 اعراف)

الف لام میم صاد

كِتَابٌ أُنْزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنْذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (2 اعراف)

کتابی است که نازل شد به تو، پس نباشد در سینه ات تنگ شدنی از آن، تا هشدار دهی با آن، و یادآوری ای است برای مؤمنان

(به پیامبر بیان شده است که قرآن نازل شد به تو، پس در سینه ات تنگ شدنی از آن نباشد، تا با قرآن هشدار دهی، و قرآن یادآوری ای است برای مؤمنان. یک نکته اینکه پیامبر با بیان آیه های قرآن، به مردم هشدار می داده است و چیزی از خود در زمینه ی دین، بیان نمی کرده است و نکته ی دیگر اینکه قرآن یادآوری ای است برای مؤمنان، یعنی یک فرد مسلمان با خواندن قرآن، دین حقیقی برایش یادآوری می شود. اگر کسی بخواهد بفهمد که پیامبر به مردم چگونه هشدار می داده است و در زمینه دین به مردم چه می گفته است، باید قرآن را بخواند، و مسلمانان نیز برای پی بردن به اسلام حقیقی، باید قرآن را بخوانند، زیرا قرآن یادآوری ای است برای مؤمنان.)

اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (3 اعراف)

پیروی کنید آنچه را نازل شد به شما از ربّتان، و پیروی نکنید از غیر او، دوستان را، اندکی است که یادآوری می کنید

(بیان شده که از قرآن که نازل شد به شما از ربّتان، پیروی کنید و از دوستانی به غیر از خداوند، پیروی نکنید. یک نکته اینکه بیان شده از قرآن پیروی کنید، یعنی یک مسلمان در زمینه دین باید به قرآن مراجعه نماید و برای فهم دستورات دین خود، قرآن را بخواند. نکته دیگر اینکه، از دوستانی به غیر از او پیروی نکنید، منظور از دوستان و پیروی از دوستان، دوستی های معمولی و پیروی در همه ی زمینه ها نیست، بلکه منظور پیروی کردنی است که جنبه دینی دارد و منظور این است که در زمینه دین باید از خدا پیروی کنید نه از غیر از خدا، و برای پیروی از خدا، باید از قرآن پیروی نمود. پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان به جای پیروی از قرآن، به منابعی دیگر برای شناخت دین و دستورات دینی خود مراجعه می کنند مانند سنت پیامبر و احادیث و روایات نسبت داده شده به پیامبر و امامان شیعه، و از دستوراتی تحت عنوان دستور خدا و دین پیروی می کنند که در قرآن بیان نشده است. این جز گمراهی و دروغ بستن به خدا نیست و بسیاری از مشکلات جوامع مسلمان در طول تاریخ تا به امروز، از همین گمراهی ناشی شده است زیرا بسیاری از مسلمانان دم از دین و پیروی از دین می زنند، ولی آنچه را که دین و اسلام نامیده اند، ارتباطی با اسلام واقعی ندارد و پیرو گمراهی ها و دروغ هایی هستند که فقط نام آن را اسلام گذاشته اند.)

وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ (4 اعراف)

و بسیار از آبادی که هلاکش کردیم، پس آمد نزد آن، عذاب (یا قدرت) ما به صورت شبیخون، یا آنان در نیمروز، خوابیده ها بودند

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (5 اعراف)

پس نبود ادعای آنان، هنگامی که آمد نزد آنان عذاب ما، جز اینکه گفتند همانا ما بودیم ستمکاران

(هنگامی که عذاب خداوند برای آنان اتفاق می افتاده، آنان در آن هنگام می گفته اند که ما ستمکاران بودیم.)

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ (6 اعراف)

پس یقیناً می پرسیم از کسانی که فرستاده شد به آنان، و یقیناً می پرسیم از فرستاده شدگان

(از کسانی که پیامبران نزد آنان آمدند، و از پیامبران، پرسش خواهد شد.)

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ (7 اعراف)

پس یقیناً حکایت می کنیم بر آنان از دانش، و نبودیم حاضر نشده ها

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (8 اعراف)

و وزن در آن روز، حقیقت است، پس کسی که سنگین باشد ترازوهایش، پس آنان خود رستگاران هستند

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ (9 اعراف)

و کسی که سبک شد ترازوهایش، پس آنان کسانی هستند که زیان کردند جان هایشان را، به سبب آنچه به آیات ما ستم می کردند

(کسی که سنگین شد ترازوهایش، به این معناست که ارزش خوبی هایش از بدی هایش بیشتر باشد و کسی که سبک شد ترازوهایش، به این معناست که ارزش خوبی هایش از بدی هایش کمتر باشد. کسانی که سبک شد ترازوهایشان، زیان کرده اند جان هایشان را به سبب اینکه به آیات خداوند ستم می کردند.)

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (10 اعراف)

و یقیناً به درستی توانمند کردیم شما را در زمین، و قرار دادیم برای شما در آن وسایل زندگی را، اندکی است که سپاسگزاری می کنید

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (11 اعراف)

و یقیناً به درستی آفریدیم شما را، سپس شما را شکل دادیم، سپس گفتیم به فرشتگان، سجده کنید به آدم، پس سجده کردند جز ابلیس، که هرگز نبود از سجده کنندگان

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (12 اعراف)

گفت چه بازداشت تو را که سجده نکنی هنگامی که امر کردم به تو، گفت من بهتر هستم از او، خلق کردی مرا از آتش، و خلق کردی او را از گِل

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (13 اعراف)

گفت(=خداوند) پس فرود آی از آن، پس تو را نسزد اینکه تکبر کنی در آن، پس خارج شو، همانا تو از تحقیر شدگان هستی

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (14 اعراف)

گفت(=ابلیس) مهلتم ده تا روزی که برانگیخته می شوند

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (15 اعراف)

گفت(=خداوند) همانا تو از مهلت یافتگان هستی

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (16 اعراف)

گفت(=ابلیس) پس به سبب اینکه گمراهم کردی، یقیناً می نشینم برای آنان، بر راه تو، که راست است

ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (17 اعراف)

سپس یقیناً می روم نزد آنان، از پیش روی آنان، و از پشت سرشان، و از طرف راستشان، و از طرف چپشان، و نمی یابی بیشترشان را سپاس دارندگان

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ (18 اعراف)

گفت(=خداوند) خارج شو از آن، نکوهیده ای رانده، یقیناً کسی که تو را پیروی کرد از آنان، یقیناً پُر می کنم جهنم را از شما، همگی

وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (19 اعراف)

و ای آدم، سکونت کن تو و همسرت (یا همنشینت) در باغ، پس بخورید از هر کجا که خواستید، و نزدیک نشوید به این درخت، پس می شوید از ستمکاران

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (20 اعراف)

پس وسوسه کرد برای آن دو، شیطان، تا آشکار کند برای آن دو، آنچه پنهان کرده شد از آن دو، از شرمساری های آن دو، و گفت شما دو نفر را منع نکرد ربّتان از این درخت، جز اینکه می شوید دو فرشته، یا می شوید از همیشگی ها

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (21 اعراف)

و سوگند خورد برای آن دو، که همانا من یقیناً برای شما، یقیناً از نصیحت کنندگان هستم

فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ (22 اعراف)

پس سقوط داد آن دو را با فریب دادن، پس وقتی که چشیدند (=آن دو) درخت را، پدیدار شد برای آن دو، شرمساری هایشان، و شروع کردند که بچسبانند بر خود از برگ درخت باغ، و صدا کرد آن دو را ربّشان، آیا هرگز منع نکردم شما را از آن درخت، و هرگز نگفتم به شما، همانا شیطان برای شما دشمنی آشکار است

(این آیه هایی که در مورد ماجرای آدم و همسرش در بهشت بیان شده است، درباره اتفاقی است که در بهشت روی داده است و باید و نبایدی را برای مسلمان ها مطرح نکرده است، و نمی توان از این آیه ها مثلاً این حکم را مطرح کرد که افراد باید شرمساری هایشان را بپوشانند.)

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (23 اعراف)

گفتند ربّ ما، ستم کردیم به خودمان، و اگر هرگز نیامرزیدی بر ما، و هرگز ترحم نکردی بر ما، یقیناً خواهیم بود از زیان دیدگان

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (24 اعراف)

گفت فرود آیید، بعضی از شما برای بعضی دشمن هستید، و برای شما در زمین قرارگاهی است، و کالایی است تا زمانی

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ (25 اعراف)

گفت در آن زندگی می کنید و در آن می میرید، و از آن بیرون آورده می شوید

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (26 اعراف)

ای فرزندان آدم، به درستی نازل کردیم بر شما لباسی، که پنهان کند شرمساری هایتان را، و لباسی گرانبها، و لباس پرهیزکاری، آن بهتر است، آن از آیات خداست، شاید آنان یادآوری می کنند

(این آیه به معنای لزوم پوشاندن قسمتی از بدن با لباس نیست، بلکه یکی از کاربردهای لباس را بیان می کند و بیان نکرده که فلان قسمت از بدن خود را بپوشانید، بلکه بیان شده ، لباسی که پنهان کند شرمساری هایتان را، بر شما نازل کردیم. این یکی از کاربردهای لباس است که بیان شده است و اگر کسی خواست می تواند از لباس برای این منظور استفاده نماید. نکته دیگر اینکه روی صحبت در این آیه، مسلمانان نیستند و بیان شده، ای فرزندان آدم، و روی صحبت، همه ی انسان ها هستند. نکته دیگر در مورد لغت شرمساری است، شرمساری به معنای چیز خاصی نیست و شرمساری می تواند برای افراد مختلف، تعاریف متفاوتی داشته باشد و ممکن است در حالی که یک فرد از چیزی احساس شرمساری می کند، فرد دیگر این احساس را به آن موضوع نداشته باشد. برای مثال فردی از اینکه قسمتی از بدنش معلوم باشد، ممکن است احساس شرمساری کند و لباسی بپوشد که آن قسمت از بدنش را بپوشاند و فردی دیگر بر عکس، دوست داشته باشد که لباسی بپوشد که آن قسمت از بدنش را نپوشاند. در این آیه بیان شده، به درستی نازل کردیم بر شما لباسی که پنهان کند شرمساری هایتان را، و لباسی گرانبها، و لباس پرهیزکاری، آن بهتر است، آن از آیات خداست، شاید آنان یادآوری می کنند. کاربرد دیگر لباس، گرانبها بودن آن و نشان دهنده بودن ثروت فرد است، و در ادامه نوع دیگری از لباس، لباس پرهیزکاری معرفی شده است و بیان شده که لباس پرهیزکاری بهتر است.)

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (27 اعراف)

ای فرزندان آدم، در آشوب نیفکند شما را شیطان، چنانکه خارج کرد پدر و مادرتان را از بهشت، در می آوَرَد از آن دو لباس آن دو را، تا نشان دهد به آن دو شرمساری هایشان را، همانا او می بیند شما را، او و جماعتش، از جایی که نمی بینید آنها را، همانا ما قرار دادیم شیطان ها را دوستان، برای کسانی که ایمان نمی آورند

(بیان شده، ای فرزندان آدم، در آشوب نیفکند شما را شیطان، مانند اتفاقی که برای آدم و همسرش افتاد. اینکه در آشوب افکندن شیطان، به چه صورت است، برای مسلمانان در قرآن به روشنی بیان شده است و یک فرد مسلمان می تواند با خواندن قرآن، به دین خود پی ببرد و هدایت را از گمراهی تشخیص دهد. اتفاقی که برای آدم و همسرش در بهشت افتاد، ارتباطی با این دنیا ندارد و نمی توان با استناد به آن اتفاق، حکم دینی برای اسلام بیان کرد و مثلاً گفت که حکم اسلام این است که قسمتی خاص از بدن را باید بپوشانید. اگر حکم اسلام این بود که قسمتی از بدن را باید پوشاند، خداوند در قرآن به صورت واضح این را بیان می کرد و قسمت مورد نظر را نیز مشخص می نمود. می توان این مثال را که در این آیه بیان شده است و ماجرای آدم و همسرش را مطرح کرده است، با لباس پرهیزکاری که در آیه ی قبل بیان شد، توضیح داد یعنی ای فرزندان آدم، مواظب باشید که شیطان لباس پرهیزکاری را از شما در نیاورد.)

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (28 اعراف)

و اگر انجام دادند گناه بسیار زشتی را، گفتند یافتیم بر آن پدرانمان را، و خدا امرمان کرد به آن، بگو همانا خدا امر نمی کند به گناه بسیار زشت، آیا می گویید بر خدا آنچه را نمی دانید

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ (29 اعراف)

بگو امر کرد ربّ من به عدل، و اینکه مستقیم کنید جهت هایتان را نزد هر سجده گاهی، و صدا کنید او را به صورتی که صادقانه ها برای او باشد دین، چنانکه خلق کرد شما را، بر می گردید

فَرِيقًا هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ (30 اعراف)

گروهی هدایت شد، و گروهی بایسته شد بر آنان گمراهی، همانا آنان گرفتند شیطان ها را دوستان، از غیر خدا، و می پندارند که همانا آنان هدایت شدگان هستند

(منظور از عبارت همانا آنان گرفتند شیطان ها را دوستان، از غیر خدا، این است که آنها به جای دوستی با خدا، دوستی با شیطان ها را انتخاب کردند.)

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (31 اعراف)

ای فرزندان آدم، بگیرید زینتتان را نزد هر سجده گاهی، و بخورید و بیاشامید و زیاده روی نکنید، همانا او دوست ندارد زیاده روی کننده ها را

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (32 اعراف)

بگو چه کسی حرام کرد زینت (یا وسیله تزیین) خدا را، که خارج کرد (یا آشکار کرد) برای بندگانش، و پاک ها از روزی را، بگو آن برای کسانی است که ایمان آوردند در زندگی دنیا، و به صورت خالص، روز قیامت، اینچنین به روشنی بیان می کنیم آیات را، برای جماعتی که می دانند

(این آیه نشان دهنده ی این موضوع است که افرادی به خیال باطل خود، به دروغ بیان می کرده اند که زینت و یا به عبارتی زیبایی های دنیا، حرام است و روزی های پاک یعنی روزی هایی که در قرآن حرام دانسته نشده اند را حرام می دانسته اند. خداوند در این آیه به پیامبر بیان می کند که بگو، چه کسی این چیزهایی که بیان شده را حرام کرده است و بگو آن برای کسانی است که ایمان آوردند در زندگی دنیا، و در روز قیامت به صورت خالص برای آنان خواهد بود.

این آیه نیز نمونه ای دیگر از دروغ ها و گمراهی هایی را نشان می دهد که افرادی در طول تاریخ تا به امروز، تحت عنوان خدا و دین بیان کرده اند و با این دروغ ها، افرادی را که از اسلام واقعی آگاهی ندارند و قرآن را نخوانده اند، گمراه می کنند. برای مثال، بسیاری از زیبایی ها را تحت عنوان دین، حرام کرده اند که در قرآن بیان نشده است، مثلاً موسیقی را حرام کرده اند یا رقصیدن را حرام کرده اند یا اینکه به دروغ، واجبی را در دین، تحت عنوان حجاب معرفی کرده اند و بسیاری از موارد دیگر را که می توان در این مورد مثال زد، که اینها همگی نمونه هایی از دروغ هایی است که به خدا و دین بسته اند.)

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (33 اعراف)

بگو همانا حرام کرد ربّ من گناهان بسیار زشت را، چه آشکار شد از آن و چه پنهان شد، و گناه، و ستم به غیر از بایسته شدن را، و اینکه شریک قائل شوید با خدا آنچه که هرگز نازل نکرد بر آن دلیلی را، و اینکه بگویید بر خدا آنچه را نمی دانید

(در این آیه، خداوند به پیامبر بیان نموده است که بگو این چیزهایی را که در این آیه بیان شده، خداوند حرام کرده است. کارهایی که گناهان بسیار زشت به شمار می آیند، در قرآن بیان شده است. کارهایی که گناه به شمار می آیند نیز در قرآن بیان شده اند. ستم به غیر از بایسته شدن، یعنی انجام کاری که ستم است مگر در حالتی که ستم به شمار نمی آید مثلاً اگر فردی که جنایتکار است را زندانی کنند این زندانی کردن حکم ستمی را دارد که بایسته شده است ولی اگر همین مجازات را بر فردی که جنایتی نکرده است اعمال کنند، ستم کرده اند. اینکه شریک قائل شوند با خدا، آنچه را که هرگز نازل نکرد بر آن دلیلی را، یعنی بدون آنکه خداوند آیه ای نازل کرده باشد که بیان کند اینها با خدا شریک هستند، با خدا شریک قائل شوند. ملاک تشخیص کارهایی که گناهان بسیار زشت و گناهان هستند، قرآن است و نه حدس و گمان افراد. ملاک تشخیص ستم، هم می تواند قرآن باشد و هم می تواند کارهایی را شامل شود که به صورت مشخص ستم هستند مثلاً آزار رساندن به دیگران و یا آزار رساندن به حیوانات. و در

نهایت یکی دیگر از کارهایی که حرام شده، عبارت است از اینکه بگویید بر خدا آنچه را نمی دانید، یعنی به خدا دروغ ببندید، که ملاک تشخیص این نیز قرآن است.)

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (34 اعراف)

و برای هر جماعتی مهلتی است، پس اگر آمد مهلت آنان، تأخیر نمی کنند ساعتی را، و پیش نمی افتند

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (35 اعراف)

ای فرزندان آدم، چون بیاید نزد شما فرستادگانی از شما، که بازگویی می کنند بر شما آیات مرا، پس کسی که حذر کرد و اصلاح کرد، پس نیست ترسی بر آنان، و نه آنان اندوهگین می شوند

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (36 اعراف)

و کسانی که تکذیب کردند آیات ما را، و کبر ورزیدند از آن، آنان همنشینان آتش هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

(در این آیه منظور از کسانی که کبر می ورزند از آیات، کافران هستند.)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (37 اعراف)

پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغ بافت بر خدا، دروغی را، یا تکذیب کرد آیات او را، آنان را می رسد به آنان، سهمشان از مقرر کردن، تا اگر آمد نزد آنان فرستادگان ما، تا بمیرانند آنان را، گفتند کجاست آنچه صدا می زدید از غیر خدا، گفتند گم شدند از ما، و گواهی دادند علیه خودشان، همانا آنان بودند کافران

(بیان شده که کسی ستمکارتر نیست از کسانی که دروغ می بافند بر خدا، و همچنین کسانی که کافر هستند. منظور از عبارت، آنان را می رسد به آنان، سهمشان از مقرر کردن، این است که در زندگی دنیا، آنچه را که خداوند در زندگی دنیا برای آنان مقرر نموده است، به آنان می رسد.)

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ (38 اعراف)

گفت داخل شوید در جماعت هایی که به درستی گذشت از قبل شما از جن و انسان، در آتش، هرگاه که داخل شد جماعتی، لعنت کرد مشابهش را، تا در صورتی که ملحق شدند در آن همگی، گفت دیگرانشان به اوّلیشان، ربّ ما، اینان گمراهمان کردند، پس بده به آنان عذابی دو برابر از آتش را، گفت برای همه دو برابر است، و لیکن نمی دانید

(در مورد کسانی بیان شده که در جهنم وارد می شوند و بیان شده که جماعت های نسل های بعد در مورد نسل های قبل تر، به خداوند می گویند، اینان گمراهمان کردند پس به آنان دو برابر عذاب بده. نکته

اینکه اگر افراد، خودشان فکر کنند و پیرو گذشتگانشان بدون فکر نباشند، به واسطه گذشتگان خود گمراه نمی شوند و با فکر، راه خود را انتخاب می نمایند. ولی بسیاری از افراد، اینگونه هستند که فقط به گذشتگان خود نگاه می کنند و همان راهی را که آنان رفته اند، ادامه می دهند.)

وَقَالَتْ أُولاَهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (39 اعراف)

و گفت اوّلییشان به دیگرشان، پس نبود برای شما بر ما از مزیتی، پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه کسب می کردید

(در جواب گفتار نسل های بعد نسبت به نسل های قبل، نسل های قبل به آنان می گویند برای شما بر ما مزیتی نیست، پس بچشید عذاب را به سبب آنچه که کسب می کردید. واقعیت هم همین است زیرا اگر هر کسی می خواست که خودش راهش را انتخاب کند و به راهی به غیر از راه گذشتگان خود برود، می توانست این کار را انجام دهد.)

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ (40 اعراف)

همانا کسانی که تکذیب کردند آیات ما را، و کبر ورزیدند از آن، گشوده نمی شود برای آنان درهای آسمان، و داخل نمی شوند به بهشت، تا فرو رود شتر در سوراخ سوزن خیاطی، و اینچنین جزا می دهیم بدکاران را

(بیان شده که برای کافران درهای آسمان باز نمی شود و به بهشت وارد نمی شوند، مگر اینکه شتر در سوراخ سوزن وارد شود، و این مَثَل بیان کننده ی این است که این اتفاق هیچگاه نمی افتد.)

لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (41 اعراف)

برای آنان از جهنم بستری است، و از بالای آنان پوشاننده ها است، و اینچنین جزا می دهیم ستمکاران را

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (42 اعراف)

و کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، به انجام کاری وا نمی داریم کسی را جز توانش، آنان همنشینان بهشت هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (43 اعراف)

و در می آوریم آنچه در سینه هایشان است از کینه، جاری می شود از زیر آنان رودها، و گفتند ستایش برای خداست، آنکه هدایت کرد ما را به این، و بر آن نبودیم تا هدایت بیابیم، اگر که هدایت نمی کرد ما را خدا، یقیناً به درستی آمد فرستادگان ربّمان به حقیقت، و صدا کرده شدند، اینکه آن است باغی که به ارث بردید آن را به سبب آنچه انجام می دادید

(بهشتیان اگر کینه ای نسبت به هم داشته اند، خداوند در بهشت، این کینه را از دل آنها بر طرف می نماید.)

وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (44 اعراف)

و صدا کرد همنشینان بهشت، همنشینان آتش را، اینکه به درستی یافتیم آنچه را به ما وعده داد ربّمان، به صورت حقیقت، پس آیا یافتید آنچه را وعده داد ربّتان به صورت حقیقت، گفتند بله، پس اعلام کرد ندا دهنده ای بینشان، اینکه لعنت خدا بر ستمکاران

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ (45 اعراف)

کسانی که باز می دارند از راه خدا، و می خواهند آن را به صورت کج شده، و آنان به آخرت، کافران هستند

(این آیه در مورد توضیح ستمکاران آیه قبل، بیان شده است.)

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ (46 اعراف)

و بین آن دو حایلی است، و بر اعراف، مردانی هستند، می شناسند همگی را با شکلشان، و صدا زدند همنشینان بهشت را، اینکه درود بر شما، هرگز واردش نشدند، و آنان طمع می ورزند

(اعراف احتمالاً همان حایلی است که بین بهشت و جهنم است. بر اعراف مردانی هستند که همه بهشتیان و جهنمیان را از روی شکلشان می شناسند و هنوز وارد بهشت نشده اند ولی دوست دارند که وارد بهشت شوند. احتمالاً افرادی که بر اعراف قرار دارند، کسانی هستند که نه آنها را به بهشت راه داده اند و نه آنها را وارد جهنم کرده اند.)

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (47 اعراف)

و اگر برگردانده شد چشمانشان به دیدار همنشینان آتش، گفتند ربّ ما، قرار نده ما را با جماعت ستمکاران

وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (48 اعراف)

و صدا کرد همنشینان اعراف، مردانی را که می شناسند آنان را از شکلشان، گفتند بی نیاز نکرد از شما جماعتتان، و آنچه که کبر می ورزیدید

أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (49 اعراف)

آیا اینان کسانی هستند که سوگند می خوردید که نمی دهد به آنان خدا، از مهربانی ای را، داخل شوید به باغ، نیست ترسی بر شما، و نه شما اندوهگین می شوید

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ (50 اعراف)

و صدا کرد همنشینان آتش، همنشینان بهشت را، اینکه بریزید بر ما از آب، یا از آنچه روزی داد به شما خدا، گفتند همانا خدا حرام کرد آن دو را بر کافران

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (51 اعراف)

کسانی که گرفتند دینشان را سرگرمی ای و بازی کردنی، و فریب داد آنان را زندگی دنیا، پس امروز از یاد می بریم آنان را، چنانکه از یاد بردند دیدار این روزشان را، و آنچه که انکار می کردند آیات ما را

(در مورد کافران بیان شده است.)

وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (52 اعراف)

و یقیناً به درستی آوردیم برای آنان کتابی را، به روشنی بیان کردیم آن را بر اساس دانشی، هدایت و مهربانی ای است برای جماعتی که ایمان می آورند

(قرآن هدایت و مهربانی ای است برای جماعتی که ایمان می آورند و به روشنی بیان شده است. یک مسلمان برای فهم دین خود، و برای فهم هدایت از گمراهی در زمینه دین، باید فقط به قرآن مراجعه کند و قرآن به روشنی و به صورت واضح بیان شده است و قابل فهم برای هر کسی است که آن را بخواند.)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (53 اعراف)

آیا انتظار می کشند جز تفسیر آن را، روزی که می آید تفسیر آن، می گویند کسانی که آن را فراموش کردند از قبل، به درستی آمد فرستادگان ربّمان به حقیقت، پس آیا برای ما از شفاعت کنندگان است، پس شفاعت کنند برای ما، یا بازگردانده شویم، پس انجام دهیم غیر از آنچه انجام می دادیم، به درستی زیان کردند جان هایشان را، و گم شد از آنان، آنچه را دروغ می بستند

(عبارت آیا انتظار می کشند جز تفسیر آن را، در مورد قرآن بیان شده و منظور از روزی که می آید تفسیر آن، روزی است که آن به حقیقت می پیوندد.)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (54 اعراف)

همانا ربّ شما خداست، آنکه آفرید آسمان ها و زمین را در شش هنگام، سپس قصد کرد بر عرش، می پوشاند شب را بر روز، طلب می کند آن را شتابان، و خورشید و ماه و ستارگان، تسخیر شده ها هستند به امر او، آگاه باشید برای او است آفریدن و فرمان، پر برکت است خدا، ربّ جهانیان

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (55 اعراف)

صدا کنید ربّتان را التماسانه و پنهانی، همانا او دوست ندارد تجاوزگران را

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (56 اعراف)

و تباه نکنید در زمین پس از اصلاح آن، و صدا کنید او را با ترس و طمع، همانا مهربانی خدا نزدیک است برای بسیار نیکوکاران

(در دو آیه قبل، در مورد نحوه صدا کردن خداوند توضیح داده است. در آیه 55 بیان شده که خدا را به صورت التماسانه و پنهانی صدا کنید و در آیه 56 بیان شده که خداوند را با ترس و طمع صدا کنید. نکته دیگر اینکه در آیه ی 55 بیان شده که خداوند تجاوزگران را دوست ندارد و در آیه 56 بیان شده که تباه نکنید در زمین پس از اصلاح آن. فساد کردن در زمین یعنی تباه کردن و خراب کردن آن، یعنی به عنوان مثال، همان کاری که افرادی تحت عنوان خدا و دین، انجام می دهند و کشتار و ویرانی به بار می آورند.)

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (57 اعراف)

و اوست آنکه می فرستد بادها را مژده ای در برابر مهربانی اش، تا اگر بردارد ابری سنگین را، سوق دادیم آن را بر سرزمین مرده، پس نازل کردیم بر آن آب را، پس خارج کردیم با آن از همه ی میوه ها، اینچنین خارج می کنیم مردگان را، شاید شما یادآوری می کنید

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (58 اعراف)

و سرزمین پاک، خارج می شود گیاهش با اجازه ربّش، و آنکه خراب شد، خارج نمی شود جز کمی، اینچنین صرف می کنیم آیات را برای جماعتی که سپاسگزاری می کنند

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (59 اعراف)

یقیناً به درستی فرستادیم نوح را به قومش، پس گفت ای قوم من، بپرستید خدا را، نیست برای شما از خدایی غیر از او، همانا من می ترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (60 اعراف)

گفت بزرگان از قومش، همانا ما یقیناً می بینیم تو را در گمراهی آشکاری

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (61 اعراف)

گفت ای قوم من، نیست با من گمراهی ای، و لیکن من فرستاده ای هستم از ربّ جهانیان

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (62 اعراف)

به شما می رسانم فرستادن های (یا پیام های) ربّم را، و نصیحت می کنم برای شما، و می دانم از خدا آنچه را نمی دانید

أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (63 اعراف)

آیا تعجب کردید اینکه آمد برای شما به یاد آوردنی از ربّتان، بر مردی از شما، تا هشدار دهد به شما، و تا حذر کنید، و شاید شما مورد رحمت واقع شوید

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ (64 اعراف)

پس تکذیب کردند او را، پس نجات دادیم او را، و کسانی که با او در کشتی بودند را، و غرق کردیم کسانی را که تکذیب کردند آیات ما را، همانا آنان بودند جماعتی نابینا

(در این آیات، بیان شده که قوم نوح کافر بوده اند و ایمان نیاوردند. یکی از شرط هایی که باید در مورد قومی وجود می داشته تا عذاب بر آنها نازل می شده است، کافر بودن آنها بوده است و البته شرایط دیگری نیز در کنار این شرط باید وجود می داشته است که در قرآن بیان شده است.)

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (65 اعراف)

و به عاد، برادرشان هود را، گفت ای قوم من، بپرستید خدا را، نیست برای شما از خدایی غیر از او، آیا پس حذر نمی کنید

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (66 اعراف)

گفت بزرگان کسانی که کفر ورزیدند از قومش، همانا ما یقیناً می بینیم تو را در بی خردی ای، و همانا ما یقیناً می پنداریم تو از دروغگویان

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (67 اعراف)

گفت ای قوم من، نیست با من بی خردی ای، و لیکن من فرستاده ای از ربّ جهانیان هستم

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (68 اعراف)

به شما می رسانم پیام های ربّم را، و من برای شما نصیحت کننده ای امانت دار هستم

أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (69 اعراف)

آیا تعجب کردید اینکه آمد نزد شما به یاد آوردنی از ربّتان، بر مردی از شما، تا هشدار دهد به شما، و به یاد آورید هنگامی که قرار داد شما را جانشینان، از پس از قوم نوح، و به شما افزود در آفریدن، از نظر فراوانی، پس به یاد آورید نعمت های خدا را، شاید شما رستگار شوید

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (70 اعراف)

گفتند آیا به نزد ما آمده ای تا بپرستیم خدا را، یگانگی اش را، و واگذاریم آنچه را می پرستید پدرانمان، پس بیاور نزد ما آنچه را وعده می دهی به ما، اگر بودی از راستگویان

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (71 اعراف)

گفت به درستی رخ داد بر شما از ربّتان وسوسه ی شیطان و خشمی، آیا با من جر و بحث می کنید به دلیل اسم هایی که نامگذاری کردید آن را، شما و پدرانتان، نازل نکرد خدا بر آن از دلیلی، پس منتظر باشید، همانا من با شما از منتظران هستم

فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ (72 اعراف)

پس نجات دادیم او را، و کسانی که با او بودند با مهربانی ای از ما، و قطع کردیم ریشه ی کسانی که تکذیب کردند آیات ما را، و نبودند مؤمنان

(در مورد قوم عاد نیز که عذاب بر آنها نازل شد، یکی از شرط هایی که در مورد آنها برای نازل شدن عذاب وجود داشت، کافر بودن آنها بوده است.)

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (73 اعراف)

و به ثمود، برادرشان صالح را، گفت ای قوم من، بپرستید خدا را، نیست برای شما از خدایی، غیر از او، به درستی آمد برای شما دلیلی از ربّتان، این ماده شتر خداست، برای شما نشانه ای است، پس آن را رها کنید تا بخورد در زمین خدا، و نرسانید به آن آسیبی را، پس شما را بگیرد عذابی دردناک

(صالح به قوم ثمود بیان کرد که برای شما دلیلی از جانب خداوند آمده است که همان ماده شتر بود. صالح به قومش گفت آن را رها کنید تا در زمین غذا بخورد و به آن آسیبی نزنید و اگر به آن آسیبی برسانید، عذابی دردناک به شما خواهد رسید.)

وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (74 اعراف)

و به یاد آورید هنگامی که قرار داد شما را جانشینان، از پس از عاد، و آماده کرد برای شما در زمین، می گیرید از زمین های هموار قصرهایی را، و می تراشید کوه ها را به صورت خانه ها، پس به یاد آورید نعمت های خدا را، و خراب نکنید در زمین، تباه کنندگان

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (75 اعراف)

گفت بزرگان کسانی که کبر ورزیدند از قومش، به کسانی که ناتوان شمرده شدند، به کسی که ایمان آورد از آنان، آیا می دانید همانا صالح فرستاده شده ای است از ربّش، گفتند همانا ما به آنچه فرستاده شد به او، مؤمنان هستیم

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (76 اعراف)

گفت کسانی که کبر ورزیدند، همانا ما به آنچه ایمان آوردید به آن، کافران هستیم

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (77 اعراف)

پس زخمی کردند (یا سر بریدند) ماده شتر را، و تجاوز کردند از فرمان ربّشان، و گفتند ای صالح، بیاور برای ما آنچه را وعده می دهی به ما، اگر بودی از فرستاده شدگان

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (78 اعراف)

پس گرفت آنان را زلزله، پس گردیدند در منزلشان (یا شهرشان) دَمَر افتادگان

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ (79 اعراف)

پس روی برتافت از آنان، و گفت ای قوم من، یقیناً به درستی به شما رساندم پیام ربّم را، و نصیحت کردم برای شما، و لیکن دوست ندارید نصیحت کنندگان را

(در این آیات، در مورد قوم ثمود مواردی بیان شد از جمله اینکه آنها کافر بودند، پیامبری برای دعوت آنان از جانب خداوند برگزیده شد که به دعوت آنان پرداخت ولی ایمان نیاوردند، در زمین تباهی و خرابی به بار می آوردند، به ماده شتر آسیب رساندند و سپس بر آنان عذاب نازل شد. نکته اینکه با وجود کافر بودن آنها، که یکی از پیش نیازهای نزول عذاب از جانب خداوند بر اقوام گذشته بوده است، و وجود پیش نیاز دیگر که برگزیده شدن پیامبری برای دعوت آنان به ایمان بوده است و اینکه آنها ایمان نیاوردند، تا زمانی که آنها به ماده شتر آسیبی نرسانده بودند، عذاب بر آنها نازل نگردید.)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (80 اعراف)

و لوط را هنگامی که گفت به قومش، آیا انجام می دهید گناه بسیار زشت را، که از شما پیشی نگرفت بر آن، از کسی از جهانیان

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ (81 اعراف)

همانا شما یقیناً انجام می دهید با مردان، شهوت (یا جنبش نفس در طلب لذت) را، از غیر زنان، بلکه شما جماعتی زیاده رو هستید

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (82 اعراف)

و نبود پاسخ قومش جز اینکه گفتند، خارجشان کنید از آبادیتان، همانا آنان انسان هایی هستند که پاک می شوند

(قوم لوط در پاسخ دعوت پیامبرشان، گفتند که آنان را از آبادیتان بیرون کنید.)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (83 اعراف)

پس نجات دادیم او و خانوادهاش را، غیر از زنش، که از باقیماندگان بود

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (84 اعراف)

و بارانیدیم بر آنان بارانی را، پس بنگر چگونه بود پایان کار بدکاران

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (85 اعراف)

و به مدین، برادرشان شعیب را، گفت ای قوم من، بپرستید خدا را، نیست برای شما از خدایی غیر از او، به درستی آمد نزد شما دلیلی از ربّتان، پس کامل کنید پیمانه و ترازو را، و کم نکنید از مردم، چیزهایشان را، و فساد نکنید در زمین پس از اصلاح آن، آن بهتر است برای شما، اگر بودید مؤمنان

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (86 اعراف)

و ننشینید بر هر راهی، که تهدید می کنید و باز می دارید از راه خدا، کسی را که ایمان آورد به او، و می خواهید آن را به صورت کج، و به یاد آورید هنگامی را که بودید اندک، پس بسیارتان کرد، و بنگرید که چگونه بود پایان کار فسادکنندگان

وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (87 اعراف)

و اگر جماعتی از شما ایمان آورد به آنچه فرستاده شدم بر آن، و جماعتی هرگز ایمان نیاوردند، پس شکیبایی کنید تا قضاوت کند (یا حکم صادر کند) خدا بین ما، و او بهترین داوران است

(کافران قوم شعیب برای کسانی که ایمان می آوردند، مزاحمت ایجاد می کردند و آنها را تهدید می کردند و از راه خدا باز می داشتند و شعیب به آنها می گفت بنگرید به سرنوشت فساد کنندگان، و شعیب از آنها می خواست که اگر ایمان نمی آورند، حداقل برای کسانی که ایمان آورده اند مزاحمت ایجاد نکنند و شکیبا باشند تا خداوند در قیامت بین دو گروه قضاوت کند. کافر بودن قوم شعیب تنها دلیل برای نازل شدن عذاب بر آنها نبود و کارهای دیگر آنها که پیش نیازهایی برای نازل شدن عذاب بر آنها بود در کنار کافر بودن آنها، باعث عذاب آنها شد.)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ (88 اعراف)

گفت بزرگان کسانی که کبر ورزیدند از قومش، یقیناً تو را بیرون می کنیم ای شعیب، و کسانی که ایمان آوردند با تو، از آبادیمان، یا یقیناً روی می آورید در آیین ما، گفت آیا اگر متنفران باشیم

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (89 اعراف)

به درستی دروغ بافتیم بر خدا دروغی را، اگر روی آوردیم در آیین شما، پس از هنگامی که نجاتمان داد خدا از آن، و نباشد برای ما اینکه روی آوریم در آن، جز اینکه بخواهد خدا ربّ ما، در بر گرفت ربّ ما همه چیز را از نظر دانش، بر خدا توکل کردیم، ربّ ما، باز کن بین ما و بین قوم ما را به حقیقت، و تو بهترین گشایندگانی

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ (90 اعراف)

و گفت بزرگان کسانی که کفر ورزیدند از قومش، یقیناً اگر پیروی کردید از شعیب، همانا شما بدین ترتیب یقیناً زیانکاران هستید

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (91 اعراف)

پس آنان را گرفت زلزله، پس گرديدند در خانه شان (يا شهرشان) دمر افتاده ها

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ (92 اعراف)

كسانی كه تكذيب كردند شعيب را، مانند اينكه هرگز اقامت نكردند در آن، كسانی كه تكذيب كردند شعيب را، بودند خود زيانكاران

(عذاب بر كافران از قوم شعيب نازل شد.)

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ (93 اعراف)

پس روی برتافت از آنان، و گفت ای قوم من، يقيناً به درستی رساندم به شما پيام های ربّم را، و نصيحت كردم برای شما، پس چگونه اندوهگين كرد بر جماعت كافران

(در مورد قوم ثمود، ويژگی هايی برای اين قوم بيان شده است از جمله اينكه كافر بودند و و پيامبری برای دعوت آنان از جانب خداوند برگزيده شد ولی آنان ايمان نياوردند، و پيمانه و ترازو را كم می كردند و مال مردم را به ناحق می خوردند، و در زمين تباهی ايجاد می كردند، و كسانی را كه ايمان می آوردند، از راه خدا باز می داشتند، و پيامبرشان به آنان می گفت كه اگر جماعتی از شما ايمان آورد و جماعتی ايمان نياورد، شكيبايی كنيد تا خداوند بين ما قضاوت نمايد، و بزرگان قوم به پيامبر و مؤمنان گفتند كه يا به آيين ما روی می آوريد و يا شما را از آباديمان بيرون خواهيم كرد و جواب پيامبر و مؤمنان اين بود كه بر خداوند توكل كرديم و از خداوند خواستند كه بين آنها و بين كافران را به حقيقت باز گرداند.)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ (94 اعراف)

و نفرستاديم در آبادی ای از پيامبری را، جز اينكه گرفتيم ساكنين آن را به تنگدستی و سختی، شايد آنان فروتنی و زاری كنند

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (95 اعراف)

سپس جايگزين كرديم جای بدی را با خوبی، تا صرفنظر كردند و گفتند به درستی دچار شد پدرانمان را سختی و رفاه، پس گرفتيم آنان را به صورت غافلگيری، و آنان درک نمی كنند

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (96 اعراف)

و اگر همانا ساكنين آبادی ها، ايمان می آوردند و حذر می كردند، يقيناً می گشوديم بر آنان فزونی هايی از آسمان و زمين، و ليكن تكذيب كردند، پس گرفتيم آنان را به سبب آنچه به دست می آوردند

(در اين آيه، يكی از پيش شرط هايی كه بايد وجود می داشته تا عذاب بر قومی از جانب خداوند نازل می شده است، ايمان نياوردن آنان بوده است. يعنی عذاب بر اقوامی نازل می شده است كه آنها كافر بوده اند و پيامبری برای دعوت آنها به ايمان، از جانب خداوند برگزيده می شد ولی آنها ايمان نمی آوردند و

در کنار کافر بودن، پیش شرط های دیگری هم باید می داشته اند تا عذاب نازل می شده است. در این آیه بیان شده است، و لیکن تکذیب کردند، پس گرفتیم آنان را به سبب آنچه به دست می آوردند یعنی آنها کفر ورزیدند و بر آنها عذاب را به سبب اعمالشان نازل کردیم. یعنی عذاب خداوند بر اقوامی نازل می شده است که هم ایمان نمی آورده اند و هم کاری می کرده اند که باعث می شده عذاب بر آنها نازل گردد.)

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ (97 اعراف)

آیا پس آرامش یافت ساکنین آبادی ها، اینکه می آید نزد آنان قدرت (یا رنج) ما، به صورت شبیخون، و آنان خوابیده ها هستند

أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ (98 اعراف)

یا آرامش یافت ساکنین آبادی ها، اینکه می آید نزد آنان قدرت (یا رنج) ما در روز، و آنان بازی می کنند

(بیان شده که آیا ساکنین آبادی ها از اینکه عذاب ما در شب یا در روز بر آنها نازل شود، ایمن شده اند.)

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (99 اعراف)

آیا پس آرامش یافتند از نیرنگ خدا، پس آسوده خاطر نمی شود از نیرنگ خدا، جز جماعت زیان کاران

أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (100 اعراف)

آیا هرگز نمایان نکرد برای کسانی که ارث می برند زمین را از پس از ساکنین آن، اینکه اگر می خواهیم مبتلا می کردیم آنان را به گناهانشان، و مهر می زنیم بر دل هایشان، پس آنان نمی شنوند

تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ (101 اعراف)

آن آبادی هایی است که نقل می کنیم بر تو از اخبارش، و یقیناً به درستی آمد نزد آنان، فرستادگانشان با دلایل، پس بر آن نبودند تا ایمان بیاورند به آنچه تکذیب کردند از قبل، اینچنین مهر می زند خدا بر دل های کافران

(ماجرای اقوامی که در قرآن بیان شده که بر آنان عذاب نازل شده است، همگی در این ویژگی مانند هم بوده اند و آن اینکه همگی کافر بوده اند و برای همگی آنها، پیامبرانشان با دلایل، نزد آنان آمد و آنان ایمان نیاوردند.)

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (102 اعراف)

و نیافتیم بر بیشترشان از پیمان، و همانا یافتیم بیشترشان را یقیناً از راه حق دورشوندگان

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (103 اعراف)

سپس برانگیختیم از پس از آنها موسی را، با نشانه هایمان به فرعون و بزرگانش، پس ستم کردند به آن، پس بنگر چگونه بود پایان کار تباه کنندگان

وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (104 اعراف)

و گفت موسی، ای فرعون، همانا من فرستاده ای از ربّ جهانیان هستم

حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (105 اعراف)

شایسته است بر اینکه نگویم بر خدا جز حقیقت را، به درستی آوردم نزد شما دلیلی از ربّتان را، پس بفرست با من فرزندان اسرائیل را

قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (106 اعراف)

گفت اگر آورده ای نشانه ای را، پس بیاور آن را، اگر بودی از راستگویان

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ (107 اعراف)

پس انداخت عصایش را، پس ناگهان آن ماری آشکار است

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ (108 اعراف)

و در آورد دستش را، پس ناگهان آن سفید است برای بینندگان

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (109 اعراف)

گفت بزرگان از قوم فرعون، همانا این، یقیناً جادوگری داناست

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (110 اعراف)

می خواهد اینکه بیرون کند شما را از سرزمینتان، پس چه چیز فرمان می دهید

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (111 اعراف)

گفتند عقب انداز او و برادرش را، و بفرست در شهرها، گرد هم آورندگان را

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (112 اعراف)

بیاورند نزد تو هر جادوگر دانایی را

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (113 اعراف)

و آمد جادوگران نزد فرعون، گفتند همانا برای ما یقیناً پاداشی است، اگر بودیم ما، غلبه کنندگان

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (114 اعراف)

گفت بله، و همانا شما یقیناً از نزدیکان هستید

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ (115 اعراف)

گفتند ای موسی، یا اینکه می افکنی، و یا اینکه باشیم ما اندازنده ها

قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ (116 اعراف)

گفت بیندازید، پس وقتی که انداختند، جادو کردند چشم های مردم را، و ترساندند آنان را، و آمدند با جادویی بزرگ

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (117 اعراف)

و وحی کردیم به موسی، اینکه بینداز عصایت را، پس ناگهان آن، بلعید آنچه را به دروغ بافته بودند

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (118 اعراف)

پس ثابت شد حقیقت، و باطل گشت آنچه را انجام می دادند

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ (119 اعراف)

پس مغلوب شدند آنجا، و بازگشتند ذلیلان

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (120 اعراف)

و افتاده شدند جادوگران، به صورت سجده کنندگان

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (121 اعراف)

گفتند ایمان آوردیم به ربّ جهانیان

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ (122 اعراف)

ربّ موسی و هارون

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (123 اعراف)

گفت فرعون، ایمان آوردید به او، قبل از اینکه باخبر ساخت برای شما، همانا این یقیناً نیرنگی است که نیرنگ زدید در شهر، تا خارج کنید از آن ساکنینش را، پس به زودی خواهید دانست

(فرعون به جادوگران گفت، آیا قبل از اینکه موسی برای شما در مورد اعتقادش توضیح دهد به او ایمان آوردید، این نشان دهنده ی نیرنگ شما است.)

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (124 اعراف)

یقیناً کاملاً قطع می کنم دست هایتان و پاهایتان را از بر عکس هم، سپس یقیناً شما را به صلیب می کشانم، همگی را

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (125 اعراف)

گفتند همانا ما به ربّمان، بازگردنده ها هستیم

وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (126 اعراف)

و انتقام نمی گیری از ما جز اینکه ایمان آوردیم به نشانه های ربّمان، وقتی که آمد نزد ما، ربّ ما بریز بر ما شکیبایی ای را، و بمیران ما را تسلیم کنندگان

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ (127 اعراف)

و گفت بزرگان از قوم فرعون، آیا رها می کنی موسی و قومش را، تا تباه کنند در زمین، و رها کند تو را و خدایانت را، گفت خواهیم کشت پسرانشان را، و زنده می گذاریم زنانشان را، و همانا ما بالای آنان، چیره شوندگان هستیم

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (128 اعراف)

گفت موسی به قومش، کمک طلبید از خدا، و شکیبایی کنید، همانا زمین برای خداست، آن را میراث می دهد به کسی که می خواهد از بندگانش، و پایان کار برای پرهیزکاران است

قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (129 اعراف)

گفتند اذیت شدیم از قبل اینکه نزد ما بیایی، و از پس از آنکه پیش ما آمدی، گفت شاید ربّتان، اینکه هلاک کند دشمنتان را، و شما را جانشین گرداند در زمین، پس بنگرد چگونه انجام می دهید

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (130 اعراف)

و یقیناً به درستی گرفتیم خاندان فرعون را با قحط سالی و کاستی از میوه ها، شاید آنان یادآوری می کنند

فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (131 اعراف)

پس اگر آمد نزد آنان خوبی، گفتند برای ما است این، و اگر به آنان برسد بدی ای، شگون بد می زنند به موسی و کسی که با او است، آگاه باشید، همانا نصیب آنها نزد خداست، و لیکن بسیاری از آنان نمی دانند

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (132 اعراف)

و گفتند هر آنچه برای ما بیاوری آن را، از نشانه ای، تا ما را جادو کنی با آن، پس نیستیم ما برای تو از مؤمنان

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ (133 اعراف)

پس فرستادیم بر آنان طوفان و ملخ ها و مورچه ی ریز و قورباغه ها و خون، نشانه هایی جزء جزء شده، پس کبر ورزیدند، و بودند جماعتی بدکاران

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (134 اعراف)

و وقتی که رخ داد بر آنان درد و رنج، گفتند ای موسی، صدا کن برای ما ربّت را، به سبب آنچه متعهد کرد نزد تو، یقیناً اگر بر طرف کردی از ما درد و رنج را، یقیناً ایمان می آوریم به تو، و یقیناً می فرستیم با تو، فرزندان اسرائیل را

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ (135 اعراف)

پس وقتی که بر طرف کردیم از آنان درد و رنج را، تا مهلتی که آنان رسیده ها به آن بودند، ناگهان آنان نقض می کنند

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (136 اعراف)

پس انتقام گرفتیم از آنان، پس غرقشان کردیم در دریا، به سبب اینکه همانا آنان تکذیب کردند آیات ما را، و بودند از آن، بی خبران

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (137 اعراف)

و میراث قرار دادیم برای جماعت کسانی که ناتوان شمرده می شدند، مشرق های زمین را، و مغرب های آن را، که مبارک کردیم در آن، و کامل شد کلمه ی ربّ تو، که نیکوتر است، بر فرزندان اسرائیل، به سبب آنکه شکیبایی کردند، و از میان بردیم آنچه را می ساخت فرعون و قومش، و آنچه را می سازند

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (138 اعراف)

و گذراندیم فرزندان اسرائیل را از دریا، پس آمدند بر جماعتی که ملازمت داشتند بر بتهایی، که برای آنان است، گفتند ای موسی، قرار ده برای ما خدایی، چنانکه برای آنان خدایانی است، گفت همانا شما جماعتی هستید که نادانی می کنید

إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (139 اعراف)

همانا اینان را، نابود و تباه شده است، آنچه آنان در آن هستند، و باطل است آنچه انجام می دادند

قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (140 اعراف)

گفت آیا غیر از خدا را برایتان طلب کنم، خدایی را، و او صاحب فضل دانست شما را، بر جهانیان

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (141 اعراف)

و هنگامی که نجاتتان دادیم از خاندان فرعون، که به شما عذاب را می چشانند، عذاب بدی را، بسیار می کشند پسرانتان را، و زنده می گذارند زنانتان را، و در آن آزمایشی از ربّتان است، که بزرگ است

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (142 اعراف)

و وعده گذاشتیم با موسی سی شب، و کاملش کردیم با ده، پس کامل شد وعده ی ربّش با چهل شب، و گفت موسی به برادرش هارون، جانشین من باش در قومم، و اصلاح کن، و پیروی نکن راه تباه کنندگان را

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (143 اعراف)

و وقتی که آمد موسی به وعده گاه ما، و سخن گفت با او ربّش، گفت ربّ، نشانم بده تا نگاه کنم به تو، گفت هرگز مرا نمی بینی، و لیکن نگاه کن به کوه، پس اگر ماندگار شد در مکانش، پس به زودی می بینی مرا، پس وقتی که آشکار شد ربّ او بر کوه، قرار داد آن را منهدم کردنی، و فرو افتاد موسی به صورت بی هوش، پس وقتی که به هوش آمد گفت، پاک و منزهی تو، بازگشتم به تو، و من اولین مؤمنان هستم

قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (144 اعراف)

گفت ای موسی، همانا من برگزیدم تو را بر مردم، با پیام هایم و با سخنم، پس بگیر آنچه را دادم به تو، و باش از سپاسگزاران

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ (145 اعراف)

و نوشتیم برای او در لوح ها، از هر چیزی پندی را، و بیان روشنی برای هر چیزی، پس بگیر آن را با قدرت، و امر کن قومت را، که بگیرند نیکوترینش را، نشانتان خواهم داد منزلِ از راه حق دور شوندگان را

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (146 اعراف)

منصرف خواهم کرد از آیاتم، کسانی را که تکبر می کنند در زمین، به غیر از حقیقت، و اگر ببینند هر نشانه ای را، ایمان نمی آورند به آن، و اگر ببینند راه خِرَد (یا هدایت) را، نمی گیرند آن را به عنوان راه، و اگر ببینند راه گمراهی را، می گیرند آن را به عنوان راه، آن به سبب این است که همانا آنان تکذیب کردند آیات ما را، و بودند از آن، بی خبران

(منظور از کسانی که تکبر می کنند در زمین، کافران هستند.)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (147 اعراف)

و کسانی که تکذیب کردند آیات ما را، و دیدار آخرت را، تباه شد کارهایشان، آیا جزا داده می شوند جز آنچه را انجام می دادند

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ (148 اعراف)

و گرفت قوم موسی از پس از او، از زیورشان گوساله ای به صورت کالبد، که برای او صدای گوساله ای است، آیا هرگز ندیدند همانا آن، با آنان سخن نمی گوید، و هدایتشان نمی کند به راهی، گرفتند آن را، و بودند ستمکاران

وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (149 اعراف)

و وقتی که به شدت پشیمان شدند، و دیدند همانا آنان به درستی گمراه شدند، گفتند یقیناً اگر هرگز به ما رحم نکرد ربّ ما، و نیامرزد برای ما، یقیناً خواهیم بود از زیانکاران

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (150 اعراف)

و وقتی که برگشت موسی به قومش، به صورت خشمگین اندوهگین، گفت بد است آنچه جانشینی مرا کردید از پس از من، آیا پیش افتادید از امر ربّتان، و انداخت لوح ها را، و گرفت سر برادرش را در حالی که می کشد او را به طرف خود، گفت پسر مادر، همانا قوم، ناتوان شمرد مرا، و نزدیک بود آنان مرا بکشند، پس مرا دشمن شاد نکن، و قرار نده مرا با جماعت ستمکاران

(بیان شده که موسی از کار قوم خود خشمگین شد و لوح هایی را که خداوند به او داده بود و در آن تورات بود، به زمین انداخت. نکته ای که در اینجا قابل ذکر است، این است که تورات، کتاب خداوند برای یهودیان است، مانند قرآن که کتاب خداوند برای مسلمانان است. و آن لوح هایی که خداوند به موسی داده بود، نسخه اولیه تورات یهودیان بوده است و خداوند در آیات قبل بیان نموده که نوشتیم برای او در لوح ها. موسی پیامبر خداوند بود و این رفتار موسی، که لوح ها را به زمین انداخته است، در قرآن به معنای بی احترامی به تورات و وحی خداوند شناخته نشده است. پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان در حالی که در طول عمر خود، قرآن را نمی خوانند و به معنای آن توجهی نمی کنند، تنها تصور می کنند که مهم این است که قرآن را ببوسند و موقع برداشتن و گذاشتن آن، با احتیاط این کار را انجام دهند و اگر یک موقع قرآن از دست آنان رها شد و به زمین افتاد، آن را سریع برداشته و ببوسند. حال آنکه کتاب های خداوند از جمله قرآن، برای این نازل شد که خوانده شوند و به محتوای آنان توجه شود و برای اینگونه به اصطلاح احترام گذاشتن ها و بوسیدن ها نازل نشده اند. مشاهده شده که برخی از مسلمانان، به بهانه ی بی احترامی کردن به قرآن، فردی را که این رفتار را انجام داده، به نام خدا و دین، کشته اند. این ها، ریختن خون به ناحق است و در اینجا باید به آن دسته از افرادی که فکر می کنند دینشان، این گونه رفتارها و جنایات را به آنها توصیه می کند، بیان کرد که عمل هر کسی مربوط به خود اوست، و شما نیز اگر خیلی دین برایتان مهم است، به جای این دروغ هایی که به خدا و دین می بندید، قرآن را بخوانید تا از واقعیت دین خود آگاه شوید.)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (151 اعراف)

گفت، ربّ من، بیامرز بر من و بر برادرم، و ما را داخل کن در مهربانی ات، و تو رحیم ترین رحم کنندگان هستی

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ (152 اعراف)

همانا کسانی که گرفتند گوساله را، به آنان خواهد رسید خشمی از ربّشان، و خواری ای در زندگی دنیا، و اینچنین جزا می دهیم تهمت زنندگان را

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (153 اعراف)

و کسانی که انجام دادند بدی ها را، سپس بازگشتند از پس از آن، و ایمان آوردند، همانا ربّ تو از پس از آن، یقیناً بسیار آمرزنده بخشایشگر است

وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (154 اعراف)

و وقتی که فروکش کرد از موسی خشم، گرفت لوح ها را، و در رونوشت آن، هدایت و مهربانی ای است برای کسانی که آنان، از ربّشان می ترسند

وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (155 اعراف)

و برگزید موسی از قومش، هفتاد مرد را برای وعده ی ما، پس وقتی که آنان را گرفت زلزله، گفت ربّ، اگر می خواستی هلاکشان می کردی از قبل، و مرا، آیا ما را هلاک می کنی به سبب آنچه انجام داد بی خردان از ما، نیست آن جز در آشوب افکندن تو، گمراه می کنی با آن، کسی را که می خواهی، و هدایت می کنی کسی را که می خواهی، تو دوست ما هستی، پس بیامرز بر ما، و ترحم کن بر ما، و تو بهترین آمرزندگانی

وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (156 اعراف)

و مقرر کن بر ما در این دنیا خوبی را، و در آخرت، همانا ما هدایت شدیم به تو، گفت عذابم را، می رسانم آن را به کسی که می خواهم، و مهربانی ام فراگرفته همه چیز را، پس مقرر خواهم کرد آن را، برای کسانی که حذر می کنند، و می دهند زکات را، و کسانی که آنان، به آیات ما ایمان می آورند

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (157 اعراف)

کسانی که پیروی می کنند فرستاده، پیامبر بی سواد را، آنکه می یابند او را، نوشته شده نزدشان، در تورات و انجیل، امر می کند آنان را به مشهور، و منع می کند آنان را از ناشایست، و حلال می کند برای آنان پاک ها را، و حرام می کند برای آنان ناپاکان را، و زمین می گذارد از آنان، بار سنگین آنان

را، و غل هایی (=طوق آهنی یا چرمی که بر دست یا گردن بندند) را که بود برای آنان، پس کسانی که ایمان آوردند به او، و ارج گذاشتند به او، و کمک کردند به او، و پیروی کردند نوری را که نازل شد با او، آنان خود رستگاران هستند

(منظور از پیامبر بی سواد، پیامبر اسلام است و منظور از نوری که نازل شده با او، قرآن است. بیان شده، آنهایی که از قرآن پیروی کردند. یک مسلمان برای شناخت اسلام حقیقی، فقط باید به قرآن مراجعه نماید و مراجعه به منابع دیگر برای شناخت اسلام، از جمله گفتار و رفتار نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، نتیجه ای جز گمراهی از اسلام حقیقی، نخواهد داشت. نکته دیگر اینکه، منظور از حلال می کند برای آنان پاک ها را، و حرام می کند برای آنان ناپاکان را، این نیست که پیامبر حلال و حرام دین را از جانب خود مشخص می کرده، بلکه خداوند حلال و حرام دین را در قرآن مشخص کرده است و پیامبر وحی خداوند را که همان قرآن است، به مردم می رسانده است. بر اساس آیات قرآن، پیامبر در زمینه ی دین، فقط از قرآن پیروی می کرده است و از جانب خود، حلال و حرام درست نمی کرده است.)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (158 اعراف)

بگو ای مردم، همانا من فرستاده ی خدا هستم به شما، همگی، آنکه برای اوست سلطه ی آسمان ها و زمین، نیست خدایی جز او، زنده می کند و می میراند، پس ایمان آورید به خدا و فرستاده اش، پیامبر بی سواد، آنکه ایمان می آورد به خدا و کلماتش، و پیروی کنید از او، شاید شما هدایت شوید

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (159 اعراف)

و از قوم موسی، جماعتی هدایت می کنند به حقیقت، و به آن باز می گردند

وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (160 اعراف)

و تقسیم کردیم آنان را به دوازده قبیله، به صورت جماعت ها، و وحی کردیم به موسی، هنگامی که نوشیدنی خواست از او، قومش، اینکه بزن با عصایت به سنگ، پس فوران کرد از آن دوازده چشمه، به درستی دانست هر جماعتی محل نوشیدنشان را، و سایبان کردیم برای آنان ابر را، و نازل کردیم برای آنان شهد گیاه و بلدرچین، بخورید از پاک ها، آنچه را روزی دادیم به شما، و به ما ستم نکردند، و لیکن به خودشان ستم می کردند

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (161 اعراف)

و هنگامی که گفته شد به آنان، سکونت کنید در این آبادی، و بخورید از آن، هر جا که خواستید، و بگویید حطَّة (= گناهان ما را فرو ریز)، و داخل شوید از دروازه سجده کنان، تا بیامرزیم برای شما گناهانتان را، خواهیم افزود بسیار نیکوکاران را

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ (162 اعراف)

پس عوض کرد، کسانی که ستم کردند از آنان، سخنی غیر از آنچه را گفته شد به آنان، پس فرستادیم بر آنان، درد و رنجی از آسمان، به سبب آنچه ستم می کردند

وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (163 اعراف)

و بپرس از آنان، از آبادی ای که بود در نزدیکی دریا، هنگامی که تجاوز می کنند در شنبه، هنگامی که می آید نزد آنان ماهی هایشان، روز شنبه شان، آشکارا، و روزی که وارد روز شنبه نمی شوند، نمی آید نزد آنان، اینچنین آنان را آزمایش می کنیم، به سبب آنچه از راه حق دور می شوند

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (164 اعراف)

و هنگامی که گفت جماعتی از آنان، برای چه پند می دهید جماعتی را که خدا هلاک کننده ی آنها است، یا عذاب کننده ی آنها است با عذابی نیرومند، گفتند عذری است به ربّتان، و شاید آنان می پرهیزند

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (165 اعراف)

پس وقتی که از یاد بردند آنچه را یادآوری کرده شدند به آن، نجات دادیم کسانی را که منع می کنند از بدی، و گرفتیم کسانی را که ستم کردند، با عذابی دلیر، به سبب آنچه از راه حق دور می شدند

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (166 اعراف)

پس وقتی که تجاوز کردند از آنچه نهی شدند از آن، گفتیم به آنان، باشید بوزینگانی رانده شده

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (167 اعراف)

و هنگامی که اعلام کرد ربّت، یقیناً بر می انگیزد بر آنان تا روز قیامت، کسی را که می چشاند به آنان، عذابی بد را، همانا ربّ تو یقیناً شتابنده کیفر است، و همانا او یقیناً بسیار آمرزنده بخشایشگر است

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (168 اعراف)

و تقسیم کردیم آنان را در زمین به صورت جماعت هایی، از آنان شایستگان هستند، و از آنان غیر آن، و آزمودیم آنان را با خوبی ها و بدی ها، شاید آنان باز می گردند

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (169 اعراف)

پس جانشین شد از پس از آنان، جانشینی، به میراث بردند کتاب را، می گیرند بخششِ این نزدیک تر را، و می گویند آمرزیده خواهد شد بر ما، و اگر نزدشان بیاید بخششی مانند آن، می گیرند آن را، آیا هرگز گرفته نشد بر آنان عهد کتاب، اینکه نگویند بر خدا جز حقیقت را، و آموختند آنچه در آن است، و منزل آخرت بهتر است برای کسانی که حذر می کنند، آیا پس درک نمی کنید

(اینکه آنان می گویند آمرزیده خواهد شد بر ما، همان دروغی است که بر خدا می بندند، و در ادامه بیان شده، آیا هرگز گرفته نشد بر آنان عهد کتاب، اینکه نگویند بر خدا جز حقیقت را.)

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (170 اعراف)

و کسانی که متوسل می شوند به کتاب، و بر پا داشتند نماز را، همانا ما تباه نمی کنیم پاداش اصلاح کنندگان را

(متوسل شدن به کتاب، یعنی برای شناخت حقیقت دین خود، کتاب نازل شده از سوی خداوند را می خوانند و به آن مراجعه می کنند. یک مسلمان برای شناخت دین خود، باید فقط به قرآن مراجعه کند و مراجعه به منابع دیگر مانند سنت پیامبر و روایات و احادیث، چیزی جز گمراهی را سبب نخواهد شد.)

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (171 اعراف)

و هنگامی که بالا بردیم کوه را بالایشان، مانند اینکه همانا آن سایبان است، و گمان کردند همانا آن فرود آینده است بر آنان، بگیرید آنچه را دادیم به شما، با قدرت، و به یاد آورید آنچه در آن است، شاید شما حذر می کنید

(منظور از آنچه، در عبارت بگیرید آنچه را دادیم به شما با قدرت، و به یاد آورید آنچه در آن است، تورات یهودیان است.)

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (172 اعراف)

و هنگامی که گرفت ربّت از فرزندان آدم، از پشت هایشان، نسلشان را، و آنان را گواه گرفت بر خودشان، آیا نیستم ربّتان، گفتند بله، گواهی دادیم، اینکه بگویید روز قیامت، همانا ما بودیم از این، بی خبران

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ (173 اعراف)

یا بگویید، همانا شریک قائل شدند پدرانمان از قبل، و بودیم نسلی از پس از آنان، آیا پس ما را هلاک می کنی به سبب آنچه انجام داد باطل کنندگان

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (174 اعراف)

و اینچنین به روشنی بیان می کنیم آیات را، و شاید آنان باز می گردند

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (175 اعراف)

و بخوان بر آنان، خبر آنکه را دادیم به او آیاتمان را، پس جدا شد از آن، پس دنبال کرد او را شیطان، پس بود از گمراهان

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (176 اعراف)

و اگر خواستیم، یقیناً بالا می بردیم او را با آن، و لیکن او روی آورد به زمین، و پیروی کرد خواسته اش را، پس مَثَل آن، مانند مَثَل سگ است، اگر حمله کنی بر او، له له می زند، یا او را رها کنی، له له می زند، آن مثل جماعت کسانی است که تکذیب کردند آیات ما را، پس نقل کن داستان ها را، شاید آنان بیندیشند

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ (177 اعراف)

بد است مثل جماعت کسانی که تکذیب کردند آیات ما را، و خودشان ستم می کردند

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضْلِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (178 اعراف)

کسی را که هدایت کند خدا، پس او هدایت شده است، و کسی را که گمراه کند، پس آنان خود زیانکاران هستند

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (179 اعراف)

و یقیناً به درستی آفریدیم برای جهنم، بسیاری از جن و انسان را، برای آنان دل هایی است که نمی فهمند با آن، و برای آنان چشم هایی است که نمی بینند با آن، و برای آنان گوش هایی است که نمی شنوند با آن، آنان مانند دام هستند، بلکه آنان گمراه ترند، آنان خود بی خبران هستند

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (180 اعراف)

و برای خدا است نیکوترین نام ها، پس صدا کنید او را با آن، و رها کنید کسانی را که هتک حرمت می کنند به نام های او، جزا داده خواهند شد، آنچه را انجام می دادند

(بیان شده که رها کنید کسانی را که هتک حرمت می کنند به نام های خدا، و برای آنچه که انجام می دهند، جزا داده خواهند شد. پس با توجه به کدام آیه از قرآن، برخی تحت نام خدا و دین، افرادی را به جرم توهین به خدا و قرآن و دین و پیامبر، مورد آزار قرار می دهند و یا آنان را می کشند. این جز دروغ بستن به خدا و دین نیست و جز جنایتی که تحت عنوان دین انجام می دهند نیست.)

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (181 اعراف)

و از کسی که آفریدیم، جماعتی هستند که هدایت می کنند به حقیقت، و به آن دادگر هستند

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (182 اعراف)

و کسانی که تکذیب کردند آیات ما را، نزدیک خواهیم کرد آنان را، از جایی که نمی دانند

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (183 اعراف)

و مهلت می دهم به آنان، همانا نیرنگ من نیرومند است

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ (184 اعراف)

آیا هرگز اندیشه نکردند که نیست با همنشین آنان، از دیوانگی ای، نیست او جز هشدار دهنده ای آشکار

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (185 اعراف)

آیا هرگز ننگریستند در عظمت آسمان ها و زمین، و آنچه را آفرید خدا از چیزی، و اینکه چه بسا، اینکه به درستی نزدیک شده باشد مهلتشان، پس به کدامین سخن، پس از آن، ایمان می آورند

مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (186 اعراف)

کسی را که گمراه کند خدا، پس نیست هدایت کننده ای برای او، و رها می کند آنان را در بیدادگریشان، گیج می شوند

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (187 اعراف)

می پرسند از تو از هنگام قیامت، که چه وقت لنگر انداختنش است، بگو همانا دانش آن نزد ربّم است، آشکار نمی کند آن را تا زمان آن، جز او، سنگین باشد در آسمان ها و زمین، نمی آید نزد شما جز به صورت غافلگیری، می پرسند از تو، مانند اینکه همانا تو بسیار دانایی از آن، بگو همانا دانش آن نزد خدا است و لیکن بسیاری از مردم نمی دانند

(بیان شده که از پیامبر می پرسیده اند که هنگام قیامت چه وقت است. خداوند به پیامبر بیان نموده که به آنها بگو، دانش آن نزد خداوند است و آن اتفاق را تا زمانش، آشکار نمی کند و وقتی که رخ می دهد، به صورت غافلگیرانه رخ می دهد. در ادامه خداوند به پیامبر بیان می کند که از تو این را می پرسند انگار که تو از آن آگاهی داری. پیامبر هم از هنگام قیامت آگاهی نداشته است و زمانی که آن رخ می دهد، به صورت غافلگیرانه رخ می دهد و مردم تا قبل از رخ دادن آن، از آن آگاهی ندارند. پس چگونه است که با بیان احادیث و سخنانی که به پیامبر و امامان شیعه نسبت می دهند، از اتفاقاتی که در زمان قبل از وقوع قیامت رخ می دهد، خبر می دهند و نشانه های بسیاری را برای آن بیان می کنند. کسی که هنگام رخ دادن یک اتفاق را نمی داند و در هنگام رخ دادن آن، غافلگیر می شود، چگونه از اتفاقاتی که قبل از وقوع آن رخ می دهد، آگاهی خواهد داشت و چگونه می تواند بیان کند که هنگامی که این اتفاقات رخ داد، هنگام رخ دادن آن اتفاق، نزدیک است، اگر افراد نشانه های قبل از وقوع یک اتفاق را بدانند، دیگر از وقوع آن، غافلگیر نخواهند شد. در آیات قرآن بیان شده که جز خداوند، کسی از زمان قیامت آگاهی ندارد و حتی پیامبر نیز نمی دانسته است. اینها نمونه هایی از دروغ هایی است که به دین نسبت داده و می دهند و با استفاده از این دروغ ها، افراد بسیاری را گمراه کرده و می کنند.)

قُل لاَّ أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلاَ ضَرًّا إِلاَّ مَا شَاء اللّهُ وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لاَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَاْ إِلاَّ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (188 اعراف)

بگو مالک نیستم برای خودم سودی و نه زیانی را، جز آنچه را خواست خدا، و اگر می دانستم پنهان را، یقیناً بسیار درخواست می کردم از خوبی، و به من نمی رسید بدی، نیستم من جز هشدار دهنده ای و بشارت دهنده ای، برای جماعتی که ایمان می آورند

(در این آیه خداوند به پیامبر بیان نموده که بگو، مالک نیستم برای خودم سودی و نه زیانی را، جز آنچه را خواست خدا، و اگر می دانستم پنهان (=غیب) را، یقیناً بسیار درخواست می کردم از خوبی، و به من نمی رسید بدی، نیستم من جز هشدار دهنده ای و بشارت دهنده ای، برای جماعتی که ایمان می آورند. پیامبر هم پنهان یا غیب را نمی دانسته است، پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان، باور دارند که پیامبر و فراتر از پیامبر، در مذهب شیعه، امامان شیعه، آگاهی کامل به پنهان یا غیب داشته اند. اینها نمونه هایی از دروغ هایی است که به خدا و دین بسته اند و هدف آنها از این دروغ ها، گمراه کردن افراد از دین حقیقی و توجیه کردن دروغ های دیگری است که به خدا و دین بسته اند و می بندند.

نکته ی دیگر اینکه، در انتهای آیه، خداوند به پیامبر بیان کرده که بگو، نیستم من جز هشدار دهنده ای و بشارت دهنده ای، برای جماعتی که ایمان می آورند، این نشان دهنده ی این است که تنها وظیفه پیامبر، هشدار دادن و بشارت دادن بر اساس قرآن بوده است و در این زمینه، هیچ گونه اجباری برای کسی نبوده است، و بیان می کند، نیستم من جز هشدار دهنده ای و بشارت دهنده ای، برای جماعتی که ایمان می آورند. ایمان آوردن و نیاوردن هر فردی، تنها به خود او و تصمیم او بستگی دارد و پیامبر کسی را به ایمان آوردن، اجبار نمی کرده است و بر اساس آیات قرآن، حق این کار را هم نداشته است. در طول تاریخ تا به امروز، برخی تحت عنوان خدا و دین، مردم را به کارهایی وادار می کنند که آن را دین می نامند و در این راه، دست به هر جنایت و ستمی نیز می زنند و آن را نیز حکم خدا و دین معرفی می کنند، اینها فاسدها و جنایتکارانی هستند که فساد و جنایت خود را با عنوان خدا و دین، برای مردم ناآگاه، موجه جلوه می دهند و اکثر افراد که از دین حقیقی که همان قرآن است، آگاهی ندارند، گمان می برند که اسلام، این گونه کارهایی است که آنها انجام می دهند.)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (189 اعراف)

اوست آنکه آفرید شما را از جانی (یا تنی) یگانه، و قرار داد از آن، همسرش (یا همنشینش) را، تا آرامش یابد به آن، پس وقتی که مشغول کرد با او (=کنایه از آمیزش کرد با او)، حامله شد حاملگی سبک، پس راه سپرد با آن، پس وقتی که سنگین شد، صدا کردند خدا، ربّشان را، که یقیناً اگر دادی به ما شایسته ای را، یقیناً خواهیم بود از سپاسگزاران

(آفرینش زن و مرد به این صورت بوده که خداوند یک انسان آفرید و سپس از همان انسانی که آفرید، جنس دیگرش را به وجود آورد. پس انسان ها، چه زن و چه مرد، همگی انسان هستند و همگی از یک انسان به وجود آمده اند و تفاوتی از لحاظ انسانیت ندارند. اینکه افرادی بین زن و مرد تفاوت قائل می شوند و زن را از نظر ارزش، کمتر از مرد می دانند و این دیدگاه خود را به خدا و دین نسبت می دهند، جز دروغ نمی گویند. نکته ی دیگر اینکه، زن و مرد از هم آرامش می گیرند، و گفتار افرادی که تحت عنوان خدا و دین، بیان می کنند که زن و مرد در جامعه نباید با هم در ارتباط باشند و ارتباط زن و مرد گناه است و یا بیان می کنند که به دلیل اینکه می تواند باعث گناه شود، نباید صورت گیرد، جز دروغی بر خدا و دین نیست. بعضاً در طول تاریخ، افرادی به نام خدا و دین، زن ها را در خانه زندانی می کرده اند و یا در بیرون از خانه، زن را محدود می کرده و می کنند، اینها جز دروغ بستن به خدا و دین

نیست و همین اعمال این مسلمانان نا آگاه از اسلام حقیقی، باعث عقب ماندگی جوامع اسلامی در طول تاریخ شده و باعث از دست رفتن آرامش و بیماری های روانی و افسردگی در میان مردان و زنان جوامع مسلمان شده است. آن رفتاری که در ارتباط میان زن و مرد حرام دانسته شده است، به وضوح در قرآن بیان شده است و غیر از آنچه در قرآن حرام دانسته شده، رفتارها و ارتباط های دیگر میان زن و مرد، از نظر دین، ایرادی ندارد و اینکه مثلاً از جانب خود رفتاری و ارتباطی را که در قرآن حرام دانسته نشده است حرام اعلام کنند، به این عنوان که ممکن است باعث شود که یک رفتار حرام از نظر دین اتفاق بیفتد، جز دروغ بستن به خدا و دین نیست.)

فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (190 اعراف)

پس وقتی که داد به آن دو، شایسته ای را، قرار دادند برای او شریکانی را، در آنچه داد به آن دو، پس منزه (یا دور) است خدا، از آنچه شریک قائل می شوند

أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (191 اعراف)

آیا شریک قائل می شوند، آنچه را خلق نمی کند چیزی را، و خود آفریده می شوند

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (192 اعراف)

و توانایی ندارند برای آنان یاری ای را، و نه خودشان را یاری می کنند

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ (193 اعراف)

و اگر صدا کنید آنان را به هدایت، پیروی نمی کنند از شما، یکسان است برای شما، چه صدا کنید آنان را، چه شما ساکتان باشید

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (194 اعراف)

همانا کسانی را که صدا می کنید از غیر خدا، بندگانی امثال شما هستند، پس صدا کنید آنان را، پس باید پاسخ دهند برای شما، اگر بودید راستگویان

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنْظِرُونِ (195 اعراف)

آیا برای آنان است پاهایی که راه می روند با آن، یا برای آنان دست هایی است که با خشونت حمله ور شوند با آن، یا برای آنان چشم هایی است که ببینند با آن، یا برای آنان گوش هایی است که می شنوند با آن، بگو صدا کنید شریکانتان را، سپس نیرنگ بزنید برای من، پس مرا مهلت ندهید

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (196 اعراف)

همانا دوست من خداست، آنکه نازل کرد کتاب را، و او به عنوان دوست می گیرد شایستگان را

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (197 اعراف)

و کسانی را که صدا می زنید از غیر او، توانایی ندارند یاری شما را، و نه خودشان را یاری می کنند

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (198 اعراف)

و اگر صدا کنید آنان را به هدایت، نمی شنوند، و آنها را می بینی نگاه می کنند به تو، و آنان نمی بینند

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (199 اعراف)

بگیر عفو کردن را، و امر کن به نیکوکاری (یا رسم نیکو)، و روی برگردان از نادان ها

(عفو کردن اشتباهات دیگران، یک رفتار پسندیده است که خداوند به آن توصیه کرده است. خداوند بیان کرده که عفو کن و دیگران را به نیکوکاری دعوت کن و از نادانان روی بگردان. یک گروه از نادانان با توجه به آیات قبل، مشرکان هستند و خداوند بیان کرده که از آنان روی بگردان، بیان نشده که به آنها تعرض کن و آنان را مورد آزار قرار بده و یا جان و مال آنها را تهدید کن. کسانی که به نام خدا و دین و سنت پیامبر و روایات و احادیث نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، پیروان اعتقادات دیگر را مورد آزار قرار می دهند و به آنها ظلم می کنند و جان و مال آنها را مورد تهدید قرار می دهند، جز دروغ بر خدا و دین نمی بندند و در حقیقت فاسدهایی هستند که فساد خود را به خدا و دین نسبت می دهند و با این کار، رفتار و جنایات خود را برای مسلمانان ناآگاه از اسلام حقیقی، موجه جلوه می دهند.)

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (200 اعراف)

و اگر تفرقه ایجاد کند در تو شیطان، تفرقه ایجاد کردنی را، پس پناه ببر به خدا، همانا او شنوای داناست

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (201 اعراف)

همانا کسانی که حذر کردند، اگر لمس کرد آنان را چرخنده ای از شیطان، به یاد آوردند، پس ناگهان آنان بینندگان هستند

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ (202 اعراف)

و برادرانشان، آنان را می کشانند در گمراهی، سپس کوتاهی نمی کنند

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَى إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (203 اعراف)

و اگر هرگز برایشان نیاوردی آیه ای را، گفتند چرا انتخاب نکردی آن را، بگو همانا پیروی می کنم آنچه را وحی می شود به من از ربّم، این بینش هایی است از ربّتان، و هدایت و مهربانی ای است برای جماعتی که ایمان می آورند

(بیان شده که اگر پیامبر آیه ای را برای آنان نمی آورد، آنان به پیامبر می گفتند که چرا آیه ای را انتخاب نکردی. خداوند به پیامبر بیان می کند که بگو، همانا پیروی می کنم آنچه را وحی می شود به من از ربّم. پیامبر از جانب خود آیه ای را برای مردم نمی آورد و تنها آیاتی را که از جانب خداوند به او وحی می شد، بدون هیچ تغییری برای مردم بیان می کرد. خود پیامبر در زمینه ی دین، تنها از قرآن پیروی می کرد و حرام و حلالی را از خود در نمی آورد و به خدا و دین نسبت نمی داد. پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان، پیرو اسلامی هستند که بسیاری از احکام آن در قرآن وجود ندارد و وقتی از آنها دلیل این اتفاق پرسیده می شود، پاسخ می دهند که این احکام، سنت پیامبر است، یعنی شیوه و

رفتاری است که پیامبر آن را در زمینه دین انجام می داده و سفارش کرده است. و شیعه حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و امامت را نیز بخشی از اعتقادات دینی خود کرده و بسیاری از احکام دین را برگرفته از امامت می داند. چگونه ممکن است که پیامبری که فقط از قرآن پیروی می کرده، احکام و حلال و حرامی را از جانب خود به دین اضافه نماید که در قرآن بیان نشده است. این ها دروغ هایی است که به خدا و دین نسبت داده اند و جز پیرو گمراهی نیستند.)

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (204 اعراف)

و اگر خوانده شد قرآن، پس گوش کنید به آن، و ساکت باشید، شاید شما مورد رحمت واقع شوید

وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ (205 اعراف)

و به یاد آور ربّت را در خودت، به صورت التماس و ترس، و نه آشکارا از سخن، بر پگاهان (=مابین فجر و طلوع آفتاب)، و تنگِ غروب ها (=زمان بین عصر و غروب)، و نباش از فراموش کنندگان

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ (206 اعراف)

همانا کسانی که نزد ربّت هستند، کبر نمی ورزند از پرستش او، و او را تسبیح می گویند، و برای او سجده می کنند

سوره انفال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (1 انفال)

می پرسند از تو از زیادی ها (=غنیمت ها)، بگو زیادی ها (=غنیمت ها) برای خدا و فرستاده است، پس حذر کنید از خدا، و اصلاح کنید حقیقت بینتان را، و اطاعت کنید از خدا و فرستاده اش، اگر بودید مؤمنان

(منظور از زیادی ها، غنیمت هایی است که در یکی از جنگ های پیامبر، بر جای مانده بوده است و در مورد آنها از پیامبر سؤال می کرده اند که برای کیست، و این مربوط به همه ی جنگ های پیامبر نمی شده است و مربوط به همه ی زمان ها نیست و فقط مربوط به همان جنگ بوده است.)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (2 انفال)

همانا مؤمنان کسانی هستند که اگر به یاد آورده شد خدا، ترسید دل هایشان، و اگر خوانده شود بر آنان آیاتش، اضافه کرد به آنان، ایمان را، و بر ربّشان توکل می کنند

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (3 انفال)

کسانی که بر پا می دارند نماز را، و از آنچه روزی دادیم به آنان، خرج می کنند

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (4 انفال)

آنان خود، مؤمنان هستند به حقیقت، برای آنان رتبه هایی است نزد ربّشان، و آمرزش گناهی، و روزی ای ارجمند

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ (5 انفال)

چنانکه تو را خارج کرد ربّت از خانه ات به حقیقت، و همانا گروهی از مؤمنان، یقیناً متنفران هستند

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ (6 انفال)

جر و بحث می کنند با تو به دلیل حقیقت، پس از آنچه آشکار شد، مانند اینکه چنین است که به جلو رانده می شوند به مرگ، و آنان نگاه می کنند

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (7 انفال)

و هنگامی که وعده می دهد به شما خدا، که یکی از دو جماعت، همانا آن برای شما است، و دوست دارید همانا غیر از دارنده ی اسلحه را، که باشد برای شما، و می خواهد خدا اینکه ثابت کند حقیقت را با سخنانش، و قطع کند ریشه کافران را

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (8 انفال)

تا ثابت کند حقیقت را، و باطل کند باطل را، اگرچه بیزار بود بدکاران

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ (9 انفال)

هنگامی که یاری می طلبید از ربّتان، پس پاسخ داد برای شما، همانا من یاری کننده ی شما هستم با هزار از فرشتگان پیاپی

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (10 انفال)

و قرار نداد آن را خدا جز مژده ای، و تا آرامش یابد با آن دل هایتان، و نیست یاری کردنی جز از نزد خدا، همانا خدا ارجمند صاحب حکمت است

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (11 انفال)

هنگامی که می پوشاند به شما خواب سبک قابل اعتمادی را از خود، و نازل می کند بر شما از آسمان آبی را، تا پاکیزه گرداند شما را با آن، و می بَرَد از شما درد و رنج شیطان را، و تا پیوند دهد بر دل هایتان، و استوار کند با آن، قدم ها را

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (12 انفال)

هنگامی که وحی می کند ربّت به فرشتگان، که همانا من با شما هستم، پس استوار بدارید کسانی را که ایمان آوردند، خواهم افکند در دل های کسانی که کفر ورزیدند ترس را، پس بزنید بالای گردن ها را، و بزنید از آنان همه ی انگشتان را

(در مورد جنگی بیان شده است که در زمان پیامبر، میان مسلمانان و کافران روی داده است.)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (13 انفال)

آن به سبب این است که همانا آنان مخالفت ورزیدند (یا دشمنی کردند) با خدا و فرستاده اش، و کسی که دشمنی کند با خدا و فرستاده اش، پس همانا خدا نیرومند کیفر است

(شروع کننده ی جنگ، کافران بوده اند.)

ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ (14 انفال)

آن است، پس بچشید آن را، و همانا برای کافران عذاب آتش است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ (15 انفال)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر روبرو شدید با کسانی که کفر ورزیدند به صورت جلو رفتن، پس به آنان پشت نکنید

(به مسلمانان بیان شده که از میدان جنگ فرار نکنید.)

وَمَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (16 انفال)

و کسی که در آن روز به آنها پشت کند، جز خود را کنار کشنده ای برای جنگ، یا به صورت جانبدار به جماعتی، پس به درستی بازگشت به خشمی از خدا، و پناهگاه او جهنم است، و بد سرانجامی است

(بیان شده، کسی که از دشمن در آن روز فرار کند، به خشمی از خدا بازگشته است و پناهگاه او جهنم است، مگر کسی که برای نبردی، عقب نشینی می کند یا برای حمایت از همرزمان خود، عقب نشینی می کند. این آیه در مورد همان جنگ بیان شده است و مربوط به همه ی جنگ ها نیست.)

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (17 انفال)

پس هرگز نکشتید آنها را، و لیکن خدا کشت آنها را، و نینداختی هنگامی که انداختی، و لیکن خدا پرتاب کرد، و تا بیازماید مؤمنان را با آن، آزمایشی نیکو، همانا خدا شنوای داناست

ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ (18 انفال)

آن است، و همانا خدا سست کننده ی نیرنگ کافران است

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ (19 انفال)

اگر خواستار پیروزی می شوید، پس به درستی آمد نزد شما پیروزی ای، و اگر دست بردارید، پس آن بهتر است برای شما، و اگر از سر گیرید، از سر می گیریم، و هرگز بی نیاز نمی کند از شما، جماعتتان چیزی را، اگرچه بسیار شد، و همانا خدا با مؤمنان است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ (20 انفال)

ای کسانی که ایمان آوردید، اطاعت کنید از خدا و فرستاده اش، و روی گردان نشوید از او، و شما می شنوید

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (21 انفال)

و نباشید مانند کسانی که گفتند شنیدیم، و آنان نمی شنوند

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (22 انفال)

همانا بدترین جنبندگان نزد خدا، ناشنواهای لال هستند، کسانی که درک نمی کنند

(منظور از ناشنواهای لال، کسانی نیستند که در شنوایی و گفتار مشکل دارند بلکه کسانی هستند که براساس آنچه در این آیه بیان شده است، درک نمی کنند.)

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ (23 انفال)

اگرچه می دانست خدا در آنان خوبی ای را، یقیناً به آنها می شنواند، و اگر می شنواند به آنان، یقیناً روی می گرداندند، و آنان روی گردان ها هستند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (24 انفال)

ای کسانی که ایمان آوردید، پاسخ دهید برای خدا و برای فرستاده، اگر صدا کرد شما را، برای آنچه به شما زندگی می بخشد، و بدانید همانا خدا حائل است بین شخص و دل او، و همانا او است که به او گرد هم آورده می شوید

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (25 انفال)

و حذر کنید از در آشوب افکندنی، که اصابت نمی کند به کسانی که ستم کردند از شما به صورت مخصوص، و بدانید همانا خدا نیرومند کیفر است

وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (26 اعراف)

و به یاد آورید هنگامی که شما اندکی ضعیف شمرده شدگان در زمین بودید، می ترسید از اینکه بِرُباید شما را مردم، پس پناه داد به شما، و حمایت کرد شما را با یاری کردنش، و روزی داد به شما از پاک ها، شاید شما سپاسگزاری می کنید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (27 انفال)

ای کسانی که ایمان آوردید، خیانت نکنید به خدا و فرستاده، و خیانت نکنید به امانت هایتان، و شما می دانید

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (28 انفال)

و بدانید چنین است که دارایی هایتان و فرزندانتان، در آشوب افکندنی هستند، و همانا خدا است که نزد او پاداشی بزرگ است

(این آیه مربوط به موضوعی است که در آن زمان اتفاق افتاده بوده است و این آیه در ادامه ی آیه قبل آمده است و این آیه جزو آیه های متشابه هستند یعنی حکم دین در آنها نیست.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (29 انفال)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر حذر کنید از خدا، قرار می دهد برای شما، جدا کننده ی حق از باطل را، و می پوشاند از شما بدی هایتان را، و می آمرزد برای شما، و خدا دارای مزیت بزرگ است

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (30 انفال)

و هنگامی که نیرنگ می کند با تو، کسانی که کفر ورزیدند، تا تو را حبس کنند، یا تو را بکشند، یا تو را بیرون کنند، و نیرنگ می کنند، و نیرنگ می کند خدا، و خدا بهترین نیرنگ کنندگان است

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (31 انفال)

و اگر خوانده شود بر آنان آیات ما، گفتند به درستی شنیدیم، اگر می خواهیم یقیناً می گفتیم مثل این را، نیست این جز افسانه های اولین ها

(هنگامی که آیات قرآن بر کافران خوانده شده است، آنان گفته اند که اگر می خواستیم، می توانستیم مانند این آیات را بیان کنیم و این آیات جز داستان های گذشتگان نیستند.)

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (32 انفال)

و هنگامی که گفتند خدایا، اگر بود این خود، حقیقت از نزد تو، پس بباران بر ما سنگ هایی از آسمان، یا بیاور بر ما عذابی دردناک را

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (33 انفال)

و بر آن نبود خدا تا عذابشان کند، و تو همراه آنان هستی، و نبود خدا عذاب کننده ی آنان، و آنان طلب آمرزش می کنند

(بیان شده که خداوند تصمیم نداشت که آنان را عذاب کند، در حالی که تو (=پیامبر) همراه آنان هستی و در حالی که آنان طلب آمرزش می کنند.)

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (34 انفال)

و چیست برای آنان، که عذاب نکند آنان را خدا، و آنان باز می دارند از مسجدالحرام (یا مسجد مقدس)، و نبودند دوستان او، نیست دوستان او جز پرهیزکاران، و لیکن بیشتر آنان نمی دانند

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (35 انفال)

و نبود نمازشان نزد خانه، جز سوت زدن و کف زدن، پس بچشید عذاب را به سبب آنچه کفر می ورزیدید

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ (36 انفال)

همانا کسانی که کفر ورزیدند، خرج می کنند دارایی هایشان را، تا باز دارند از راه خدا، پس خرج خواهند کرد آن را، سپس باشد برای آنان افسوس خوردنی، سپس مغلوب می شوند، و کسانی که کفر ورزیدند، به جهنم گرد آورده می شوند

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (37 انفال)

تا جدا کند خدا، ناپاک را از پاک، و قرار دهد ناپاک را، بعضی از آن را بر بعضی، پس انباشته سازد آن را همگی، پس قرار دهد آن را در جهنم، آنان خود زیانکاران هستند

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ (38 انفال)

بگو به کسانی که کفر ورزیدند، اگر دست بردارند، آمرزیده می شود برای آنان، آنچه که به درستی سپری شد، و اگر از سر گرفتند، پس به درستی گذشت روش نخست ها

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (39 انفال)

و با آنان بجنگید تا نباشد در آشوب افکندنی، و باشد دین همه اش برای خدا، پس اگر دست برداشتند، پس همانا خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست

(اینکه در این آیه بیان شده با کافران بجنگید، شروع کننده ی دشمنی و جنگ، کافران بوده اند و نه مسلمانان، و در آیات قبل بیان شده که آنان باز می دارند از راه خدا و از مسجدالحرام، و دارایی هایشان را برای بازداشتن از راه خدا خرج می کنند. در این آیه بیان شده که با آنان بجنگید تا نباشد در آشوب افکندنی، و این در آشوب افکندن همان دشمنی کردن آنان با مسلمانان بوده است.)

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (40 انفال)

و اگر روی گرداندند، پس بدانید همانا خدا دوست شما است، چه نیکو دوستی است و چه نیکو یاری کننده ای است

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (41 انفال)

و بدانید همانا آنچه را غنیمت گرفتید از چیزی، پس همانا برای خدا است یک پنجم آن، و برای فرستاده و برای خویشاوندان و یتیمان و بی چیزان و مسافر است، اگر ایمان آوردید به خدا و آنچه نازل کردیم بر بنده مان، روز جدا کننده حق از باطل، روز روبه رو شدن دو گروه، و خدا بر هر چیزی تواناست

(منظور از این آیه، غنیمت هایی است که در آن جنگ نصیب مسلمانان شده است و منظور جنگ های دیگر نبوده است. اینکه بیان شده یک پنجم غنیمت ها برای خداست، نوع مصرف آن را در ادامه بیان کرده است و بیان شده برای فرستاده و برای خویشاوندان و یتیمان و بی چیزان و مسافر است. نکته دیگر اینکه چیزی را که شیعه تحت عنوان خمس بیان می کند و می گوید هر کسی باید یک پنجم از دارایی هایش را بدهد تا در زمینه هایی که اعتقاد شیعه می گوید هزینه شود، جز دروغی بر خدا و دین نیست و این مال، مال حرامی است که به نام خدا و با دروغ بستن به خدا از مردم ناآگاه از دین حقیقی، می گیرند. یک پنجمی که در این آیه مطرح شده، از غنیمت جنگی است و نه از دارایی های مردم، و نکته دیگر اینکه در مورد غنیمت های همان جنگی بوده که آیه برای آن نازل شده، و نه در مورد غنیمت های همه ی جنگ ها.)

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (42 انفال)

هنگامی که شما بر مکان مرتفع نزدیک تر بودید، و آنها بر مکان مرتفع دورتر، و کاروان پایین تر از شما بود، اگرچه به یکدیگر وعده دادید، یقیناً اختلاف داشتید در وعده گاه، و لیکن تا تحقق بخشد خدا، کاری را که بود انجام شده، تا هلاک شود کسی که هلاک شد با دلیلی، و زنده می شود کسی که زنده هست با دلیل، و همانا خدا یقیناً شنوای داناست

إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (43 انفال)

هنگامی که نشان می دهد آنان را خدا، در خوابت اندکی، و اگر نشان می داد به تو آنان را بسیاری، یقیناً ضعف نشان می دادید، و یقیناً نزاع می کردید در کار، و لیکن خدا درود فرستاد (یا رهانید)، همانا او داناست به حقیقت سینه ها

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (44 انفال)

و هنگامی که نشان می دهد آنان را، هنگامی که برخورد کردید، در چشم هایتان اندکی، و شما را اندک می کند در چشمانشان، تا تحقق دهد خدا کاری را که بود انجام شده، و به خدا برگردانده می شود کارها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (45 انفال)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر روبرو شدید با جماعتی، پس ایستادگی کنید، و به یاد آورید خدا را بسیار، شاید شما رستگار شوید

(این آیات در مورد جنگی بیان شده است که میان مسلمانان و کافران روی داده است.)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (46 انفال)

و اطاعت کنید از خدا و فرستاده اش، و نزاع نکنید، پس ضعف نشان می دهید، و برود نیرویتان، و شکیبایی کنید، همانا خدا با شکیبایان است

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (47 انفال)

و نباشید مانند کسانی که خارج شدند از خانه هایشان به صورت ناسپاسی و ریا (=دو رویی نشان دادن) برای مردم، و باز می دارند از راه خدا، و خدا به آنچه انجام می دهند احاطه کننده است

وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (48 انفال)

و هنگامی که آراست برای آنان شیطان، کارهایشان را، و گفت نیست غلبه کننده ای برای شما امروز، از مردم، و همانا من فریاد رس هستم برای شما، پس وقتی که رویارو شد دو جماعت، بازگشت بر عقبش و گفت، همانا من رها هستم از شما، همانا من می بینم آنچه را نمی بینید، همانا من می ترسم از خدا، و خدا نیرومند کیفر است

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (49 انفال)

هنگامی که می گوید منافقان (=متظاهران به ایمان با کفر باطنی)، و کسانی که در دل هایشان بیماری ای است، فریب داد اینان را دینشان، و کسی که توکل کند بر خدا، پس همانا خدا ارجمند صاحب حکمت است

وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (50 انفال)

و اگر ببینی هنگامی که می میراند، کسانی را که کفر ورزیدند، فرشتگان می زنند چهره هایشان را و پشت هایشان را، و بچشید عذاب زبانه ی آتش را

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (51 انفال)

آن به سبب آنچه از پیش فرستاد دست هایتان، و همانا خدا نیست بسیار ظالم بر بندگان

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (52 انفال)

مانند عادت خاندان فرعون، و کسانی که از قبل آنان، کفر ورزیدند به آیات خدا، پس گرفت آنان را خدا، به سبب گناهانشان، همانا خدا به صورت قدرتمندِ نیرومند کیفر است

(در مورد نازل شدن عذاب بر اقوامی که داستان آنان در قرآن آمده است، بیان شده، و نکته اینکه یکی از پیش شرط های نازل شدن عذاب بر آنان، کافر بودن آنان بوده است و البته پیش شرط های دیگری نیز باید می بوده تا عذاب نازل شود و بیان شده کفر ورزیدند به آیات خدا، پس گرفت آنان را خدا، به

سبب گناهانشان، یعنی تنها به دلیل کفر ورزیدن، عذاب بر آنان نازل نمی شده است و علاوه بر کفر ورزیدن، گناهانی داشته اند که عذاب بر آنان نازل می شده است.)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (53 انفال)

آن به سبب این است که، همانا خدا هرگز نبود تغییر دهنده ی نعمتی، که نعمت عطا کرد آن را بر جماعتی، تا تغییر دهند آنچه با خودشان است، و همانا خدا شنوای داناست

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ (54 انفال)

مانند عادت خاندان فرعون، و کسانی که از قبل آنان، تکذیب کردند آیات ربّشان را، پس هلاک کردیم آنان را به سبب گناهانشان، و غرق کردیم خاندان فرعون را، و همگی بودند ستمکاران

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (55 انفال)

همانا بدترین جنبندگان نزد خدا، کسانی هستند که کفر ورزیدند، پس آنان ایمان نمی آورند

الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ (56 انفال)

کسانی که عهد بستی با آنان، سپس نقض می کنند پیمانشان را در همه دفعه، و آنان حذر نمی کنند

فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (57 انفال)

پس اگر رسیدی به آنان در جنگ، پس پراکنده کن با آنان، کسی را که پشت آنان است، شاید آنان یادآوری می کنند

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ (58 انفال)

و یا جداً می ترسی از جماعتی برای خیانت، پس نقض کن به آنان به طور یکسان، همانا خدا دوست ندارد خیانت کاران را

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ (59 انفال)

و مپندارند کسانی که کفر ورزیدند، که پیشی گرفته اند، همانا آنان عاجز نمی کنند

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (60 انفال)

و آماده کنید برای آنان، آنچه را توانستید از قدرت، و از اسبهای بسته شده (=منظور اسب های آماده برای جنگ است)، می ترسانید با آن دشمن خدا و دشمنتان را، و دیگران را از غیر آنان، که نمی شناسید آنان را، خدا می شناسد آنان را، و آنچه را خرج می کنید از چیزی در راه خدا، به طور کامل داده می شود به شما، و شما مورد ستم واقع نمی شوید

(بیان شده که از نیروی جنگی و امکانات جنگی، هر آنچه می توانید مهیا نمایید، زیرا باعث ترس در دشمنان می شود و این باعث می شود که از جنگ پیشگیری شود.)

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (61 انفال)

و اگر به صلح مایل شدند پس مایل شو به آن، و بر خدا توکل نما، همانا او شنوای داناست

(خداوند به پیامبر بیان کرده که اگر کافران که دشمنی را آغاز کردند و باعث بروز جنگ شدند، خواستار صلح شدند، تو نیز خواستار صلح شو.)

وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (62 انفال)

و اگر بخواهند اینکه تو را فریب دهند، پس همانا برای تو کفایت است خدا، اوست آنکه پشتیبانی کرد تو را، با یاری کردنش و با مؤمنان

(خداوند به پیامبر بیان نموده که اگر می خواهند با این پیشنهاد صلحشان، تو را فریب دهند، نگران نباش، زیرا خداوند برای حمایت تو کافی است و اوست آنگه از تو پشتیبانی کرد با یاری خود و با مؤمنان.)

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (63 انفال)

و پیوند داد بین دل هایشان را، اگر خرج می کردی آنچه را در زمین است، همگی را، پیوند نمی دادی بین دل هایشان را، و لیکن خدا پیوند داد بین آنان را، همانا او ارجمند صاحب حکمت است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (64 انفال)

ای پیامبر، برای تو کفایت است خدا، و کسی که پیروی کرد تو را از مؤمنان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (65 انفال)

ای پیامبر، تشویق کن مؤمنان را برای جنگ، اگر باشد از شما بیست شکیبا، غلبه می کنند بر دویست، و اگر باشد از شما صد، غلبه می کنند بر هزار، از کسانی که کفر ورزیدند، به سبب اینکه همانا آنان جماعتی هستند که نمی فهمند

(به پیامبر بیان شده که تشویق کن مؤمنان را برای جنگیدن، و بیان نشده که مجبور کن مؤمنان را برای جنگیدن. در دین هیچ اجباری وجود ندارد و حتی پیامبر نیز حق اجبار کسی به کاری را نداشته است. پس چگونه است که افرادی تحت عنوان خدا و دین، مردم را به کارهایی وادار می کنند و از کارهایی به اجبار منع می کنند و در این زمینه از هیچ ظلم و جنایتی فروگذار نمی کنند و این عمل خود را به خدا و دین نسبت می دهند. این گفتار آنان جز دروغی بر خدا و دین نیست.)

الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (66 انفال)

اکنون کاست خدا از شما، و دانست همانا در شما ناتوانی ای را، پس اگر باشد از شما صد شکیبا، غلبه می کنند بر دویست، و اگر باشد از شما هزار، غلبه می کنند بر دو هزار، با اجازه ی خدا، و خدا با شکیبایان است

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (67 انفال)

نبود برای پیامبری، اینکه باشد برای او اسیرانی، تا بسیار بکُشَد در زمین، می خواهید ناپایدار (یا عطای) دنیا را، و خدا می خواهد آخرت را، و خدا ارجمند صاحب حکمت است

(در این آیه بیان شده که هیچ پیامبری حق نداشته که اسیرانی که در جنگ به دست آورده را، بسیار از آنها را بکشد، و شما عطای دنیا که ناپایدار است را می خواهید و خداوند آخرت را می خواهد. مسلمانان اگر در جنگ اسیر بگیرند، حق کشتن اسیر را ندارند.)

لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (68 انفال)

اگر نبود مقرر کردنی از خدا که پیش افتاد، یقیناً لمس می کرد شما را در آنچه گرفتید، عذابی بزرگ

(احتمالاً مسلمانان در این جنگ، اسیرانی را که از کافران گرفته بوده اند را کشته اند و خداوند در آیه ی قبل و در این آیه در این مورد بیان کرده است. در این آیه بیان شده که اگر خداوند زمانی را برای شما مقرر نمی کرد، یقیناً برای این کاری که انجام دادید، به شما عذابی بزرگ می رسید.)

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (69 انفال)

پس بخورید از آنچه غنیمت گرفتید به صورت حلالِ پاک، و حذر کنید از خدا، همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (70 انفال)

ای پیامبر، بگو به کسی که در دستانتان است از اسیران، اگر بداند خدا در دل هایتان نیکویی ای را، به شما می دهد بهتری از آنچه گرفته شد از شما، و بیامرزد برای شما، و خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (71 انفال)

و اگر بخواهند خیانت به تو را، پس به درستی خیانت کردند به خدا از قبل، پس بر آنان مسلط کرد، و خدا دانای صاحب حکمت است

(خداوند به پیامبر بیان نموده که از احتمال خیانت کردن اسیران، نگران نباش و آنها از قبل از این، به خدا خیانت کردند پس خداوند شما را بر آنان مسلط کرد.)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (72 انفال)

همانا کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و تلاش نمودند با دارایی هایشان و جان هایشان در راه خدا، و کسانی که پناه دادند و یاری کردند، آنان، بعضی از آنان دوستان بعضی هستند، و کسانی که ایمان آوردند و هرگز هجرت نکردند، نیست برای شما از دوست داشتن آنان از چیزی، تا هجرت کنند، و اگر

یاری خواستند از شما در دین، پس بر شما است یاری کردن، جز علیه جماعتی که بین شما و بین آنان پیمانی است، و خدا به آنچه انجام می دهید بیناست

(در این آیه بیان شده که اگر کسانی که ایمان آورده اند و هجرت نکرده اند، از شما در زمینه ی دین یاری خواستند، وظیفه ی شما است که به آنها یاری برسانید، به غیر از وقتی که این یاری رساندن شما بر علیه جماعتی باشد که میان شما و آنها پیمانی است، و در این مورد نباید آنها را یاری کنید. یعنی اگر مسلمانان با جماعتی از کافران پیمان بسته بوده اند و این یاری کردن، به معنای نقض پیمان بوده است، مسلمانان نباید این کار را انجام دهند و باید به پیمانی که بسته اند وفادار بمانند.

منظور از هجرت کردن که در این آیه بیان شده است، مهاجرتی است که خداوند از مسلمانان در زمان پیامبر خواسته بود که انجام دهند و از مکه به مدینه بروند و ساکن شوند.)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (73 انفال)

و کسانی که کفر ورزیدند، بعضی از آنان دوستان بعضی هستند، اگر جز آن را انجام می دهید، باشد در آشوب افکندنی در زمین و تباهی ای بزرگ

(بیان شده که از کافران، برخی دوست برخی دیگرند و اگر غیر از این را که در آیه قبل بیان شد انجام دهید، در آشوب افکندنی و تباهی ای بزرگ به وجود خواهد آمد.)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (74 انفال)

و کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و تلاش کردند در راه خدا، و کسانی که پناه دادند و یاری کردند، آنان خود مؤمنان هستند به حقیقت، برای آنان آمرزش گناه و روزی ای سخاوتمند است

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (75 انفال)

و کسانی که ایمان آوردند از پس از این، و هجرت کردند و تلاش کردند با شما، پس آنان از شما هستند، و صاحبان قرابت (یا خویشاوندی)، بعضی از آنان شایسته تر هستند بر بعضی در مقرر کردن خدا، همانا خدا بر هر چیزی داناست

سوره توبه

بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (1 توبه)

رهایی ای است از خدا و فرستاده اش، به کسانی که عهد بستید از مشرکان (یا قائلان به شریک برای خدا)

(بیان شده که از جانب خدا و فرستاده اش، در مورد عهدی که میان مسلمانان و مشرکان بسته شده، دیگر تعهدی وجود ندارد.)

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ (2 توبه)

پس گردش کنید در زمین چهار ماه، و بدانید همانا شما غیر از عاجز کنندگان خدا هستید، و همانا خدا خوارکننده ی کافران است

(بیان شده که چهار ماه وقت دارید و بدانید که شما (=مشرکان) عاجز کنندگان خدا نیستید و خداوند خوار کننده ی کافران است. شروع کننده دشمنی، کافران بوده اند و بیان شده که مشرکان عاجز کننده خداوند نیستند.)

وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (3 توبه)

و اعلامی است از خدا و فرستاده اش به مردم در روز حجِ بزرگتر، همانا خدا رها است از مشرکان، و فرستاده ی او نیز، پس اگر بازگشتید، پس آن بهتر است برای شما، و اگر روی برتافتید، پس بدانید همانا شما غیر از عاجز کنندگان خدا هستید، و مژده ده کسانی را که کفر ورزیدند به عذابی دردناک

(بیان شده که این اعلامی است از جانب خدا و فرستاده اش به مردم، و بیان شده که اگر مشرکان بازگردند، آن برایشان بهتر است و اگر روی گردان شوند، پس بدانند که آنها عاجز کنندگان خدا نیستند. این آیه ها نشان دهنده ی این موضوع است که ابتدا مشرکان پیمان شکنی کرده اند و نه مسلمانان، و بیان شده که اگر مشرکان به پیمان خود بازگردند، برایشان بهتر است.)

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (4 توبه)

جز کسانی که عهد بستید از مشرکان، سپس هرگز ناتمام نکردند از شما چیزی را، و هرگز یاری نرساندند علیه شما به کسی، پس تمام کنید به آنان پیمانشان را تا مدتشان، همانا خدا دوست دارد پرهیزکاران را

(در این آیه بیان شده که این موضوع که مسلمانان دیگر نیاز نیست پیمان خود را با مشرکان نگه دارند، در مورد مشرکانی نیست که پیمانشان را با مسلمانان نقض نکرده اند. در مورد این گروه از مشرکان، خداوند به مسلمانان بیان کرده که به پیمانتان پایبند باشید تا مدت تعیین شده در پیمان، و خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.)

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (5 توبه)

پس اگر سپری شد ماه های حرام، پس بکُشید مشرکان را هر کجا که یافتید آنان را، و بگیرید آنان را، و در تنگنا قرار دهید (یا محاصره کنید) آنان را، و بنشینید برای آنان در همه ی کمینگاه ها، پس اگر بازگشتند و برپا داشتند نماز را و دادند زکات را، پس رها کنید راهشان را، همانا خدا بسیارآمرزنده بخشایشگر است

(این کارهایی که به مسلمانان بیان شده در مورد مشرکان انجام دهند، در واکنش به دشمنی ای بوده که مشرکان شروع کننده ی آن در مورد مسلمانان بوده اند و در مورد همان زمان بیان شده است. بنابراین، مسلمانان شروع کننده ی دشمنی و جنگ نبوده اند و مشرکان آن را شروع کرده اند.)

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (6 توبه)

و اگر یکی از مشرکان طلب حمایت کرد از تو، پس پناهش ده تا بشنود کلام خدا را، سپس برسان او را به مکان امنش، آن به سبب این است که همانا آنان جماعتی هستند که نمی دانند

(بیان شده که اگر کسی از مشرکان که با آنها در حال جنگ هستید، از تو حمایت خواست، به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود، و سپس او را به مکان امنی برسان.)

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (7 توبه)

چگونه باشد برای مشرکان عهدی نزد خدا و نزد فرستاده اش، جز کسانی که عهد بستید نزد مسجدالحرام، پس آنچه را درست شدند برای شما، پس درست شوید برای آنان، همانا خدا دوست دارد پرهیزکاران را

(بیان شده که چگونه برای مشرکان عهدی برای خدا و پیامبر است در حالی که آنها پیمان شکنی کرده اند، به غیر از کسانی که با آنها در مسجدالحرام عهد بسته اید، زیرا آنها بر پیمان خود مانده اند، پس در مورد آنهایی که رفتارشان در مورد شما، منطبق با عهدشان بوده، رفتارتان را برای آنان، منطبق با عهدتان کنید.)

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ (8 توبه)

چگونه است، و اگر غلبه کنند بر شما، حراست نمی کنند برای شما خویشاوندی را، و نه امانی (یا عهدی) را، راضی می کنند شما را با دهان هایشان، و امتناع می کند دل هایشان، و بیشترشان از راه حق دور شوندگان هستند

اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (9 توبه)

فروختند آیات خدا را به بهایی اندک، پس بازداشتند از راه او، همانا آنان، بد است آنچه را انجام می دادند

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ (10 توبه)

حراست نمی کنند برای مؤمنی، خویشاوندی ای را، و نه امانی (یا عهدی) را، و آنان خود، تجاوزکاران هستند

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (11 توبه)

پس اگر بازگشتند و برپا داشتند نماز را و دادند زکات را، پس برادران شما هستند در دین، و به روشنی بیان می کنیم آیات را برای جماعتی که می دانند

(بیان شده که در این حالت، دیگر نباید به جنگ با آنها بپردازید.)

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ (12 توبه)

و اگر نقض کردند سوگندهایشان را از پس از پیمانشان، و بدگویی کردند به دلیل دینتان، پس بجنگید با پیشوایان کفر، همانا آنان را نیست سوگندی برایشان، شاید آنان دست بر می دارند

(بیان شده که اگر آنان به سوگندهایشان عمل نکردند و پیمان شکنی کردند و به دلیل اینکه مسلمان هستید، در مورد شما بدگویی کردند، پس شما نیز به عهدتان وفادار نباشید و با آنها بجنگید. این نشان دهنده ی آن است که پیمان شکنی را مشرکان شروع کرده اند و نه مسلمانان.)

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (13 توبه)

آیا نمی جنگید با جماعتی که نقض کردند سوگندهایشان را، و همّت گماشتند به بیرون کردن فرستاده، و آنان آغاز کردند با شما نخستین بار، آیا می ترسید از آنان، پس خدا سزاوارتر است اینکه بترسید از او، اگر بودید مؤمنان

(بیان شده که مشرکان سوگندهای خود را نقض کردند و خواستند که پیامبر را بیرون کنند و آنان بودند که دشمنی را آغاز کردند. بنابراین مسلمانان آغاز کننده ی دشمنی و جنگ نبوده اند.)

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ (14 توبه)

بجنگید با آنان تا عذابشان کند خدا با دست های شما، و تا آنان را خوار کند، و شما را یاری کند بر آنان، و شفا بخشد سینه های جماعت مؤمنان را

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (15 توبه)

و می برد خشم دل هایشان را، و باز می گردد خدا بر کسی که می خواهد، و خدا دانای صاحب حکمت است

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (16 توبه)

یا پنداشتید اینکه رها می شوید، و وقتی که بداند خدا کسانی را که تلاش کردند از شما، و هرگز نگرفتند از غیر خدا را، و نه فرستاده اش را، و نه مؤمنان را، به عنوان دوست صمیمی، و خدا آگاه است به آنچه انجام می دهید

(منظور از عبارت هرگز نگرفتند از غیر خدا را، و نه فرستاده اش را، و نه مؤمنان را، به عنوان دوست صمیمی، کسانی هستند که علیه پیامبر و مؤمنان، با کسانی که با آنها وارد جنگ شده اند همراهی نمی کنند و منظور از دوست، دوستی عادی میان افراد نیست بلکه منظور همراهی کردن با یکدیگر علیه کسانی است که با آنها دشمنی می کنند.)

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (17 توبه)

نبود برای مشرکان اینکه آباد کنند (یا خدمت کنند) سجده گاه های خدا را، گواهی دهندگان بر خودشان بر کفر هستند، آنان تباه شد کارهایشان، و در آتش، آنان همیشگی ها هستند

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (18 توبه)

همانا آباد می کند (یا خدمت می کند) سجده گاه های خدا را، کسی که ایمان آورد به خدا و روز پایان، و بر پا داشت نماز را و داد زکات را، و هرگز نترسید به جز از خدا، پس شاید آنان، اینکه باشند از هدایت شدگان

(این آیه و آیه قبل، در مورد همان زمان و همان اتفاقی است که در آن زمان روی داده است، و ارتباطی با زمان های دیگر ندارد و به این معنا نیست که اگر کسی خواست در بازسازی مسجدی فعالیت کند، باید در مورد ایمان او تحقیق نمود.)

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (19 توبه)

آیا قرار دادید آبدهی حاجیان را، و آبادانی مسجدالحرام را، مانند کسی که ایمان آورد به خدا و روز واپسین، و تلاش کرد در راه خدا، مساوی نیستند نزد خدا، و خدا هدایت نمی کند جماعت ستمکاران را

(یک فرد می تواند کافر باشد و در عین حال به حاجیان خانه ی خدا خدمت کند و در زمینه ی سازندگی مسجدالحرام، فعالیت داشته باشد. این اعمال این فرد به معنای با ایمان بودن او نیست و به معنای این نیست که در روز قیامت رستگار می شود.)

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (20 توبه)

کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و تلاش کردند در راه خدا با دارایی هایشان و جان هایشان، بزرگتر است از نظر رتبه نزد خدا، و آنان خود کامیابان هستند

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ (21 توبه)

مژده می دهد به آنان ربّشان، به مهربانی ای از خود، و خشنودی ای و باغ هایی، برای آنان در آن، ناز و نعمت دائم است

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (22 توبه)

همیشگی ها در آن برای همیشه هستند، همانا خدا، نزد او پاداشی بزرگ است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (23 توبه)

ای کسانی که ایمان آوردید، نگیرید پدرانتان و برادرانتان را دوستان، اگر دوست داشتند کفر را بر ایمان، و کسی که به عنوان دوست بگیرد آنان را از شما، پس آنان خود ستمکاران هستند

(این دوستی به معنای دوستی معمولی نیست، بلکه به این معنا است که با آنان بر علیه مؤمنان همکاری داشته باشند.)

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (24 توبه)

بگو اگر بود پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و قبیله تان و دارایی هایی که اندوخته اید آن را، و تجارتی که می ترسید از عدم رونق آن، و خانه هایی که خشنودید به آن، محبوبتر به شما از خدا و فرستاده اش، و تلاش در راه او، پس منتظر باشید تا بیاورد خدا از دستورش، و خدا هدایت نمی کند جماعت از راه حق دورشوندگان را

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ (25 توبه)

یقیناً به درستی یاری کرد شما را خدا در جاهای بسیاری، و روز حنین (منظور جنگ حنین است)، هنگامی که شما را به شگفت آورد فراوانیتان، پس هرگز بی نیاز نکرد از شما چیزی را، و تنگ شد بر شما زمین، هر چه که وسیع شد، سپس فرار کردید پشت کنندگان

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (26 توبه)

سپس نازل کرد خدا مِتانتش را بر فرستاده اش و بر مؤمنان، و نازل کرد لشکریانی را که هرگز ندیدید آن را، و عذاب داد کسانی را که کفر ورزیدند، و آن سزای کافران است

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (27 توبه)

سپس بازمی گردد خدا از پس از آن، بر کسی که می خواهد، و خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (28 توبه)

ای کسانی که ایمان آوردید، همانا مشرکان بدجنس هستند، پس نزدیک نشوند به مسجدالحرام، پس از این سالشان، و اگر ترسیدید از تهیدستی ای، پس به زودی توانگر می کند شما را خدا از مزیتش، اگر خواست، همانا خدا دانای صاحب حکمت است

(این آیه مربوط به همان زمان و همان اتفاقی است که در آن زمان رخ داده است و تا قبل از این آیه، مشرکان در مسجدالحرام فعالیت می کردند و با مسلمانان پیمان بسته بودند، ولی هنگامی که پیمان شکنی کردند و با مسلمانان دشمنی کردند و باعث بروز جنگ میان مشرکان و مسلمانان شدند، این آیه نازل شده است.)

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (29 توبه)

بجنگید با کسانی که ایمان نمی آورند به خدا و نه به روز واپسین، و حرام نمی کنند آنچه را حرام کرد خدا و فرستاده اش، و نمی گروند به دین حقیقت از کسانی که داده شدند کتاب، تا بدهند خراج را از دست، و آنان تحقیر شدگان هستند

(این آیه که بیان نموده که بجنگید با کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند و حرام نمی کنند آنچه را که حرام کرد خدا و فرستاده اش، و به یکی از دین هایی که دارای کتاب هستند ایمان نمی آورند، تا آنکه با دست هایشان به شما خراج دهند، به این معنا نیست که به هر کس که دارای این ویژگی ها بود و هر کس که کافر بود، حمله کنید، بلکه این آیه در راستای آیات قبل بیان شده است و شروع کننده ی آن جنگ مشرکان بوده اند و این آیه بیان می کند که با افرادی که جنگ را بر علیه شما شروع کردند، بجنگید و این ویژگی هایی که بیان شده، ویژگی های مشرکانی بوده است که علیه مسلمانان دشمنی کرده بودند. بنابراین اگر مشرکان علیه مسلمانان دشمنی نمی کردند و با مسلمانان وارد جنگ نمی شدند، مسلمانان حق شروع جنگ و حمله به آنان را نداشتند.)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (30 توبه)

و گفت یهود، عُزَیر پسر خدا است و گفت مسیحیان، مسیح پسر خداست، آن گفتار آنان است با دهان هایشان، شبیه شده اند به گفتار کسانی که کفر ورزیدند از قبل، نفرین کرد آنان را خدا، چگونه دروغ می گویند

(این گفتار یهودیان و مسیحیان، که عزیر و مسیح را پسر خدا می دانند، مانند گفتار کسانی است که از قبل ، کفر ورزیدند و این گفتار آنان جز دروغ نیست.)

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (31 توبه)

گرفتند دانشمندان صالح و عابدانشان را، سَروَرهایی از غیر خدا، و مسیح پسر مریم را، و امر نشدند جز تا بپرستند خدایی یگانه را، نیست خدایی جز او، پاک و منزه است او، از آنچه شریک قائل می شوند

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (32 توبه)

می خواهند اینکه خاموش کنند نور خدا را با دهان هایشان، و امتناع می کند خدا، جز اینکه تکمیل کند نورش را، اگرچه بیزار بودند کافران

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (33 توبه)

اوست آنکه فرستاد فرستاده اش را با هدایت و دین حقیقت، تا مطلع کند او را بر دین، همه اش، اگرچه بیزار بود مشرکان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (34 توبه)

ای کسانی که ایمان آوردید، همانا بسیاری از دانشمندان صالح و عابدان، یقیناً می خورند دارایی های مردم را به باطل، و باز می دارند از راه خدا، و کسانی که می اندوزند طلا و نقره را، و خرج نمی کنند آن را در راه خدا، پس مژده ده آنان را به عذابی دردناک

(هنگامی که برای شناخت دین حقیقی، به جای مراجعه به کتاب خدا، به منابع دیگری از جمله همین دانشمندان دینی و عابدان مراجعه شود، و صحت گفتار آنان با آنچه در کتاب خدا آمده است، سنجیده نشود، نتیجه همین می شود که بسیاری از همین دانشمندان دینی و عابدان، به پشتوانه ی نادانی مردم از دین حقیقی، هر دروغی را به نام خدا و دین، به مردم ارائه می دهند و مردم را از دین حقیقی و از راه خدا باز می دارند و تحت عنوان خدا و دین، مال مردم را به باطل می خورند. به عنوان مثال، در مذهب شیعه، آخوندها یک پنجم از دارایی مردم را تحت عنوان خمس، که جز دروغی بر خدا و دین نیست، تصاحب می کنند و مال مردم را به باطل می خورند. نکته دیگر اینکه در مورد خرج کردن در راه خدا و کمک کردن به نیازمندان، و مقدار این کمک، در قرآن توضیح داده شده است و این آیه، جزو آیات بیان کننده حکم اسلام نیست و اینکه در مورد اندوختن طلا و نقره و خرج نکردن آن در راه خدا بیان شده است، مربوط به اتفاقی است که در همان زمان پیامبر روی داده است و مربوط به همه زمان ها نیست و در تأیید این نکته در انتهای آیه به پیامبر بیان می کند که مژده ده آنان را به عذابی دردناک. پس انداز کردن و اندوختن مال اشکالی ندارد و در قرآن بیان شده است که در انفاق کردن زیاده روی نکنید.)

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ (35 توبه)

روزی که گداخته شود روی آن در آتش جهنم، پس داغ نهاده شود با آن، پیشانی هایشان و پهلوهایشان و پشت هایشان، این است آنچه اندوختید برای خودتان، پس بچشید آنچه را می اندوختید

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (36 توبه)

همانا تعداد ماه ها نزد خدا، دوازده ماه است در مقرر کردن خدا، روزی که آفرید آسمان ها و زمین را، از آن چهار تا حرام (یا مقدس) است، آن است دین گرانقدر، پس ستم نکنید در آنها به خودتان، و بجنگید با مشرکان همگی، چنانکه با شما می جنگند همگی، و بدانید همانا خدا با پرهیزکاران است

(مسلمانان شروع کننده جنگ و تجاوز علیه کافران نبوده اند و کافران شروع کننده جنگ و دشمنی بوده اند و در این آیه بیان شده، بجنگید با مشرکان همگی، چنانکه با شما می جنگند همگی.)

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (37 توبه)

همانا عقب انداختن، ازدیاد در کفر است، گمراه کرده می شود با آن، کسانی که کفر ورزیدند، حلال می کنند آن را در سالی، و حرام می کنند آن را در سالی، تا همگام سازند تعداد آنچه را حرام کرد خدا، پس حلال می کنند آنچه را حرام کرد خدا، آراسته شد برای آنان بدی کارهایشان، و خدا هدایت نمی کند جماعت کافران را

(در مورد ماه های حرام، بیان شده است که کسانی که کفر ورزیدند، ماه حرام را در سالی، حلال می کنند و در سالی دیگر، آن را حرام می دانند و این در مورد وقایعی بیان شده است که در زمان پیامبر روی داده است.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (38 توبه)

ای کسانی که ایمان آوردید، شما را چه شده، اگر گفته شد به شما، به راه افتید در راه خدا، چسبیدید و مطمئن شدید به زمین، آیا راضی شدید به زندگی دنیا به جای آخرت، پس نیست کالای زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (39 توبه)

اگر به راه نیفتید، عذاب کند شما را عذابی دردناک، و جایگزین می کند جماعتی را غیر از شما، و به او ضرر نمی زنید چیزی را، و خدا بر همه چیز توانا است

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (40 توبه)

اگر او را یاری نکنید، پس به درستی یاری کرد او را خدا، هنگامی که خارج کردند او را کسانی که کفر ورزیدند، دومین از دو تا، هنگامی که آن دو در غار هستند، هنگامی که می گوید به همنشینش، غم نخور، همانا خدا با ما است، پس نازل کرد خدا متانتش را بر او، و حمایت کرد او را با لشکریانی که هرگز ندیدید آن را، و قرار داد کلمه ی کسانی که کفر ورزیدند را پست تر، و کلمه ی خدا است که آن بالاتر است، و خدا ارجمند صاحب حکمت است

(بیان می کند که اگر پیامبر را یاری نکنید، خداوند یاری کننده او است و خداوند او را یاری کرد هنگامی که کافران باعث خروج او شدند، و هنگامی که پیامبر با فرد دیگری در غار بودند و خداوند او را یاری نمود.)

انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (41 توبه)

به راه افتید به صورت سبک ها و به صورت سنگین ها، و تلاش کنید با دارایی هایتان و جان هایتان در راه خدا، آن بهتر است برای شما، اگر می دانستید

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (42 توبه)

اگر بود ناپایداری (یا عطایی) نزدیک و مسافرتی آسان، یقیناً پیروی می کردند تو را، و لیکن دور شد برای آنان مسافت، و سوگند خواهند خورد به خدا، که اگر توانایی می یافتیم یقیناً خارج می شدیم با شما، هلاک می کنند خودشان را، و خدا می داند همانا آنان یقیناً دروغگویان هستند

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ (43 توبه)

بخشید خدا از تو، برای چه اجازه دادی به آنان، تا آنکه آشکار شود برای تو کسانی که راست گفتند، و بشناسی دروغگویان را

(خداوند به پیامبر بیان کرده که خداوند تو را بخشید برای کاری که انجام دادی، و آن کار این بوده که، بی آنکه پیامبر بفهمد کدام یک از آنان راست می گوید و کدام یک دروغ می گوید، به آنان اجازه داده که با آنان خارج نشوند. پیامبر نیز مانند دیگر انسان ها، اشتباه می کرده است و به چند مورد از اشتباهاتش در قرآن اشاره شده است. پس بنا به کدام آیه از قرآن، پیروان مذهب شیعه، پیامبر و فراتر از آن، امامانی را که به آنان اعتقاد دارند، معصوم می دانند. معصوم در اعتقاد شیعه یعنی فردی که از هر گونه خطا و گناه پاک باشد. اینها نمونه هایی از اعتقادات دروغ و نمونه هایی از دروغ هایی است که به خدا و دین بسته اند.)

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (44 توبه)

از تو اجازه نمی خواهند کسانی که ایمان می آورند به خدا و روز واپسین، اینکه تلاش کنند با دارایی هایشان و جان هایشان، و خدا داناست به پرهیزکاران

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ (45 توبه)

همانا اجازه می خواهند از تو، کسانی که ایمان نمی آورند به خدا و روز واپسین، و تردید کرد دل هایشان، پس آنان در تردیدشان تردد می کنند

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ (46 توبه)

و اگر خواستند خارج شدن را، یقیناً آماده می کردند برای آن لوازمی را، و لیکن بیزار بود خدا برانگیختگی آنان را، پس سرگرم کرد و بازداشت آنان را، و گفته شد بنشینید با نشسته ها

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (47 توبه)

اگر خارج می شدند همراه شما، اضافه نمی کردند به شما جز زحمتی را، و یقیناً سریع حرکت می کردند در میان شما، طلب می کنند برای شما در آشوب افکندن را، و همراه شما بسیار شنونده ها (یا جاسوسان) هستند برای آنان، و خدا داناست به ستمکاران

لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ (48 توبه)

یقیناً به درستی طلب کردند در آشوب افکندن را از قبل، و بسیار دگرگون کردند برای تو کارها را، تا آمد حقیقت و آشکار شد فرمان خدا، و آنان بیزاران هستند

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (49 توبه)

و از آنان کسی است که می گوید اجازه بده برای من و مرا در آشوب نیفکن، آگاه باشید، در آشوب افتادند، و همانا جهنم یقیناً احاطه کننده است بر کافران

إِنْ تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ (50 توبه)

اگر به تو برسد خوبی، آنان را بد حال می کند، و اگر به تو برسد مصیبتی، می گویند به درستی گرفتیم کارمان را از قبل، و روی بر می تابند و آنان شادمانان هستند

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (51 توبه)

بگو هرگز نمی رسد به ما جز آنچه را مقرر کرد خدا برای ما، اوست دوست ما، و بر خدا پس باید توکل کند مؤمنان

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ (52 توبه)

بگو آیا در انتظار بودند بر ما جز یکی از دو خوبی را، و ما در انتظار هستیم بر شما، اینکه به شما برساند خدا، عذابی از نزدش را، یا با دست های ما، پس منتظر باشید، همانا ما با شما منتظران هستیم

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَّلَ مِنْكُمْ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ (53 توبه)

بگو خرج کنید با میل یا با اکراه، هرگز قبول نمی شود از شما، همانا شما بودید جماعتی از راه حق دورشوندگان

وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ (54 توبه)

و منع نکرد آنان را، اینکه قبول شود از آنان خرج کردن هایشان، جز اینکه همانا آنان کفر ورزیدند به خدا و به فرستاده اش، و انجام نمی دهند نماز را جز، و آنان کسل ها هستند، و خرج نمی کنند جز، و آنان بیزاران هستند

(از جماعتی صحبت شده است که در ظاهر ایمان آورده اند ولی در حقیقت، کافر هستند و در ظاهر نماز می خوانند و در راه خدا خرج می کنند، ولی این اعمال آنان، برای ظاهر سازی و با ایمان نشان دادن خودشان است. این نشان دهنده ی این است که ایمان داشتن یا نداشتن افراد، موضوعی نیست که بتوان از ظاهر افراد متوجه شد و امری درونی است و فقط خدا و خود فرد از آن با خبر است. اگر شرایطی برقرار شود که افراد به ایمان یکدیگر اهمیت دهند و رفتارشان با همدیگر را بر اساس ایمان داشتن یا نداشتن یکدیگر، تغییر دهند، اتفاقی که خواهد افتاد، همین ظاهر سازی کردن افراد برای یکدیگر است و این ظاهر سازی به دلیل منفعتی است که برای آن فرد حاصل می شود.

اینکه بیان شده انجام نمی دهند نماز را جز، و آنان کسل ها هستند، این کسل بودن به معنای این است که آنها ایمان ندارند و نمازی که می خوانند به دلیل ظاهرسازی است و نه ایمان.)

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (55 توبه)

پس به شگفت نیاوَرَد تو را دارایی هایشان و نه فرزندانشان، همانا می خواهد خدا تا عذابشان کند با آن در زندگی دنیا، و بیرون رود جان هایشان، و آنان کافران باشند

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ (56 توبه)

و قسم می خورند به خدا، که همانا آنان یقیناً از شما هستند، و نیستند آنان از شما، و لیکن آنان جماعتی هستند که جدا می کنند

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ (57 توبه)

اگر می یابند پناهگاهی یا غارهایی یا کوره راهی را، یقیناً روی گردان شدند و فرار کردند به آن، و آنان سرپیچی می کنند

وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ (58 توبه)

و از آنان کسی است که عیبجویی می کند از تو، به دلیل صدقه ها (یا بخشش ها به منظور ثواب)، پس اگر داده شدند از آن، راضی شدند، و اگر هرگز داده نشدند از آن، ناگهان آنان خشمگین می شوند

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ (59 توبه)

و اگر همانا آنان راضی می شدند آنچه را داد به آنان، خدا و فرستاده اش، و می گفتند کفایت است برای ما خدا، خواهد داد به ما خدا از مزیتش، و فرستاده اش، همانا ما به خدا مشتاقان هستیم

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (60 توبه)

همانا صدقات (یا بخشش ها به منظور ثواب)، برای تهیدستان و بی چیزان و دست اندرکاران برای آن، و پیوند داده شده دل هایشان، و برای بردگان و بدهکاران، و در راه خدا، و مسافر است، سهمی معین از خداست، و خدا دانای صاحب حکمت است

(در این آیه در مورد جاهایی که صدقات باید مصرف شوند، بیان شده است. دست اندر کاران صدقه منظور کسانی هستند که کارشان دریافت صدقات و پرداخت آنان به نیازمندان است. منظور از پیوند داده شده دل هایشان، می تواند کسانی باشد که با دریافت صدقه، به اسلام علاقه مند می شوند و به آن ایمان می آورند. منظور از مصرف صدقه برای بردگان، می تواند این باشد که با صدقه، برده ای را آزاد کنند. منظور از مصرف صدقه برای بدهکاران، این است که فردی که بدهی دارد و قادر به پرداخت آن نیست، با صدقه، بدهی آن پرداخت شود. منظور از در راه خدا، هر هزینه ای است که در راه خداوند باشد. منظور از مصرف صدقه برای مسافر، مسافری است که در راه مانده و هزینه ی سفرش را ندارد و با صدقه به او کمک می شود.)

وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (61 توبه)

و از آنان کسانی هستند که آزار می رسانند پیامبر را، و می گویند او گوش است، بگو گوش بهتر است برای شما، ایمان می آورد به خدا و ایمان می آورد به مؤمنان، و مهربانی ای است برای کسانی که ایمان آوردند از شما، و کسانی که آزار می رسانند فرستاده ی خدا را، برای آنان عذابی دردناک است

(منظور از عبارت او گوش است، زود باور بودن فرد است و آنها می گفته اند که پیامبر زود باور است و هر کسی به او چیزی بگوید، پیامبر آن فرد را راستگو در نظر می گیرد.)

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضُوهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ (62 توبه)

قسم می خورند به خدا برای شما، تا راضی کنند شما را، و خدا و فرستاده اش سزاوارتر است اینکه راضی کنند او را، اگر بودند مؤمنان

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَٰلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ (63 توبه)

آیا هرگز ندانستند، که کسی را که دشمنی کند با خدا و فرستاده اش، پس همانا برای اوست آتش جهنم، همیشگی در آن است، آن خواری بزرگ است

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ (64 توبه)

حذر می کند منافقان (یا متظاهران به ایمان با کفر باطنی)، اینکه نازل شود بر آنان سوره ای که باخبر سازد آنان را به آنچه در دل هایشان است، بگو مسخره کنید، همانا خدا بیرون آورنده است آنچه را حذر می کنید

(بیان شده که منافقان یا همان کسانی که کافرند ولی در ظاهر خود را با ایمان نشان می دهند، نگران هستند از اینکه سوره ای نازل شود که اطلاع رسانی کند درباره آنچه که در دل های آنان است.)

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ (65 توبه)

و یقیناً اگر سؤال کردی از آنان، یقیناً می گویند همانا وارد می شدیم و شوخی می کردیم، بگو آیا به خدا و آیاتش و فرستاده اش مسخره می کردید

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (66 توبه)

عذر خواهی نکنید، به درستی کفر ورزیدید پس از ایمانتان، اگر عفو کنیم از جماعتی از شما، عذاب می دهیم جماعتی را به سبب اینکه همانا آنان بودند بدکاران

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (67 توبه)

مردان و زنان منافق، بعضی از آنان از بعضی هستند، امر می کنند به ناشایست، و منع می کنند از مشهور، و جمع می کنند دست هایشان را (=بخل می ورزند)، فراموش کردند خدا را، پس فراموش کرد آنان را، همانا منافقان خود، از راه حق دورشوندگان هستند

(این به آن معنا نیست که اگر کسی امر کرد به ناشایست و منع کرد از مشهور و در زمینه کمک به نیازمندان بخل ورزید، برچسب منافق و کافر به او زده شود، بیان شده که منافقان این گونه رفتار می کرده اند ولی به این معنی نیست که هر کسی اینگونه رفتار کند، منافق است.)

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ (68 توبه)

وعده داد خدا، مردان و زنان منافق و کافران را، به آتش جهنم، که همیشگی ها در آن هستند، آن کفایت است برای آنان، و لعنت کرد آنان را خدا، و برای آنان عذابی همیشگی است

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (69 توبه)

مانند کسانی از قبل شما، که بودند نیرومندتر از شما از نظر قدرت، و بیشتر از نظر دارایی و فرزندان، پس بهره مند شدند به بهره مندی از خیر و برکتشان، پس بهره مند شدید به بهره مندی از خیر و برکتتان، چنانکه بهره مند شد کسانی از قبل شما به بهره مندی از خیر و برکتشان، و آغاز کردید مانند آنچه آغاز کردند آنان، تباه شد کارهایشان در دنیا و آخرت، و آنان خود زیانکاران هستند

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (70 توبه)

آیا هرگز نیامد برای آنان خبر کسانی از قبل آنان، قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و همنشینان مدین و زیر و رو کننده ها، آمد نزد آنان فرستادگانشان با دلایل، پس بر آن نبود خدا تا ظلم کند به آنها، و لیکن خودشان ستم می کردند

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (71 توبه)

و مردان و زنان مؤمن، بعضی از آنان دوستان بعضی هستند، امر می کنند به مشهور و منع می کنند از ناشایست، و بر پا می دارند نماز را و می دهند زکات را، و فرمانبرداری می کنند از خدا و فرستاده اش، آنان را ترحم خواهد کرد به آنان خدا، همانا خدا ارجمند صاحب حکمت است

(این ویژگی هایی که در این آیه در مورد مؤمنان بیان شده است به معنای آن نیست که اگر کسی این ویژگی ها را نداشته باشد، مؤمن نیست و این آیه از جمله آیاتی نیست که حکم اسلام را بیان می کند و این آیه در مورد همان زمان و اتفاقات آن زمان بیان شده است.)

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (72 توبه)

وعده داد خدا به مردان و زنان مؤمن، باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند، و خانه های پاک در باغ های جاویدان، و خشنودی ای از خدا که بزرگ تر است، آن خود موفقیت بزرگ است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (73 توبه)

ای پیامبر، تلاش کن با کافران و منافقان، و خشن شو بر آنان، و پناهگاه آنان جهنم است و بد برگشتنی است

(این کاری که به پیامبر در این آیه بیان شده است که در برابر کافران و منافقان انجام دهد، مربوط به اتفاقی بوده که در آن زمان از جانب کافران و منافقان روی داده است و به این دلیل نبوده که آنها کافر هستند و در آیه بعدی در این مورد توضیحاتی داده شده است.)

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (74 توبه)

قسم می خورند به خدا که نگفتند، و یقیناً به درستی گفتند کلمه ی کفر را، و کفر ورزیدند پس از تسلیم شدنشان، و اهتمام ورزیدند به آنچه هرگز دست نیافتند، و مجازات نکردند جز اینکه بی نیازشان کرد خدا و فرستاده اش از مزیتش، پس اگر بازگردند باشد بهتر برای آنان، و اگر روی برتابند عذابشان کند خدا با عذابی دردناک در دنیا و آخرت، و نیست برای آنان در زمین از دوستی و نه یاری کننده ای

وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ (75 توبه)

و از آنان کسی است که عهد بست با خدا، که یقیناً اگر داد به ما از مزیتش، یقیناً صدقه می دهیم و یقیناً خواهیم بود از شایستگان

فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ (76 توبه)

پس وقتی که داد به آنان از مزیتش، بخل ورزیدند به آن، و روی برتافتند و آنان روی گردان ها هستند

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (77 توبه)

پس دنبال آنان قرار گرفت دو رویی در دل هایشان، تا روزی که او را دیدار می کنند، به سبب آنچه به جا نیاوردند با خدا، آنچه را وعده دادند به او، و به سبب آنچه دروغ می گفتند

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (78 توبه)

آیا هرگز ندانستند که همانا خدا می داند رازشان را و رازگویی شان را، و همانا خدا بسیار دانای پنهان ها است

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (79 توبه)

کسانی که عیبجویی می کنند داوطلبان از مؤمنان را در صدقه ها، و کسانی که نمی یابند جز تلاششان را، پس مسخره می کنند از آنان را، مسخره کرد خدا از آنان را، و برای آنان عذابی دردناک است

(در مورد کسانی بیان شده که مسخره کننده ی کسانی هستند که مؤمن هستند و می خواهند صدقه بدهند و همچنین مسخره کننده ی کسانی هستند که توانایی زیادی برای صدقه دادن ندارند و اندکی صدقه می دهند.)

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (80 توبه)

طلب عفو کن برای آنان، یا طلب عفو نکنی برای آنان، اگر طلب عفو کنی برای آنان هفتاد بار، پس هرگز نیامرزد خدا برای آنان آن را، به سبب اینکه همانا آنان کفر ورزیدند به خدا و فرستاده اش، و خدا هدایت نمی کند جماعت از راه حق دور شوندگان را

(خداوند به پیامبر بیان کرده که اگر حتی هفتاد بار برای آنان طلب عفو کنی، خداوند برای آنان، آن کار را نمی آمرزد، زیرا آنان به خدا و فرستاده اش کفر ورزیدند.)

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (81 توبه)

شادمان شد بر جای ماندگان به نشستنگاهشان ضدّ فرستاده ی خدا، و بیزار بودند اینکه تلاش کنند با دارایی هایشان و جان هایشان در راه خدا، و گفتند به راه نیفتید در گرما، بگو آتش جهنم نیرومندتر است از نظر گرما، اگر درک می کردند

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (82 توبه)

پس باید بخندند اندکی و باید بگریند بسیاری، سزایی است به سبب آنچه به دست می آوردند

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ (83 توبه)

پس اگر برگرداند تو را خدا به جماعتی از آنان، پس اجازه خواستند از تو برای خارج شدن، پس بگو هرگز خارج نمی شوید با من هیچگاه، و هرگز نمی جنگید با من با دشمنی، همانا شما راضی شدید به نشستن بار اول، پس بنشینید با مخالفت کنندگان

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ (84 توبه)

و نماز نخوان (یا درود نفرست) بر کسی از آنان که مُرد، هیچگاه، و نایست بر قبرش، همانا آنان کفر ورزیدند به خدا و فرستاده اش و مُردند، و آنان از راه حق دور شوندگان هستند

(نماز خواندن بر مرده، واجب دین نیست و در قرآن بیان نشده که اگر کسی مُرد، بر جنازه ی او نماز بخوانید، و با توجه به آنچه در این آیه بیان شده، این کاری بوده که پیامبر انجام می داده است، ولی با توجه به اینکه در قرآن بیان نشده که این کار را انجام دهید، بنابراین، این جزو کارهایی نیست که واجب باشد.)

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (85 توبه)

و تو را به شگفت نیاورد دارایی هایشان و فرزندانشان، همانا می خواهد خدا اینکه عذاب دهد به آنان با آن در دنیا، و به سر آید جان هایشان و آنان کافران هستند

(منظور از عبارت به سر آید جان هایشان و آنان کافران هستند، این است که آنان در حال کفر بمیرند.)

وَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ (86 توبه)

و اگر نازل شد سوره ای، اینکه ایمان آورید به خدا و تلاش کنید با فرستاده اش، اجازه خواست از تو، دارندگان توانگری از آنان، و گفتند رها کن ما را تا باشیم با نشسته ها

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (87 توبه)

راضی شدند به اینکه باشند با مخالفت کنندگان، و مهر زده شد بر دل هایشان، پس آنان درک نمی کنند

لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (88 توبه)

لیکن فرستاده و کسانی که ایمان آوردند با او، تلاش کردند با دارایی هایشان و جان هایشان، و آنان برایشان نعمت ها است، و آنان خود رستگاران هستند

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (89 توبه)

آماده کرد خدا برای آنان باغ هایی را، که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند، آن موفقیت بزرگ است

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (90 توبه)

و آمد پوزش طلبان از بادیه نشینان، تا اجازه داده شود برای آنان، و نشست کسانی که دروغ گفتند به خدا و فرستاده اش، خواهد رسید به کسانی که کفر ورزیدند از آنان، عذابی دردناک

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (91 توبه)

نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر کسانی که نمی یابند آنچه را که خرج می کنند، تنگنایی، اگر نصیحت کردند برای خدا و فرستاده اش، نیست بر بسیار نیکوکاران از راهی، و خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

(با توجه به آنچه در آیات قبل در مورد آنهایی که همراه پیامبر برای جنگ نرفتند بیان شد، در این آیه در مورد افرادی بیان شده که ایرادی ندارد که همراه پیامبر به جنگ نروند و آنان ناتوانان و بیماران و افرادی هستند که امکانات به جنگ رفتن را ندارند و در آیه بعدی نیز در مورد گروهی دیگر از این افراد بیان شده است.)

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ (92 توبه)

و نه بر کسانی که اگر تا نزد تو آمدند تا سوارشان کنی، گفتی نمی یابم آنچه که سوار کنم شما را بر آن، روی بر تافتند و چشمانشان می ریزد از اشک، از اندوهی که چرا نمی یابند آنچه را خرج می کنند

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (93 توبه)

همانا راه بر کسانی است که اجازه می خواهند از تو، و آنان توانگرانند، راضی شدند به اینکه باشند با مخالفت کنندگان، و مهر زد خدا بر دل هایشان، پس آنان نمی دانند

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (94 توبه)

عذر خواهی می کنند به شما اگر بازگشتید به آنان، بگو عذر خواهی نکنید، هرگز ایمان نمی آوریم به شما، به درستی با خبر کرد ما را خدا از خبرهایتان، و خواهد دید خدا کارتان را و فرستاده اش، سپس برگردانده می شوید به آگاه بر پنهان و آشکار، پس با خبر می کند شما را به آنچه انجام می دادید

سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (95 توبه)

قسم خواهند خورد به خدا برای شما، اگر برگشت دادید به آنان، تا روی برگردانید از آنان، پس روی برگردانید از آنان، همانا آنان وسوسه شیطان هستند، و پناهگاه آنان جهنم است، سزایی است به سبب آنچه به دست می آوردند

(بیان شده که اگر به سوی آنها بازگردید، برای شما به خداوند قسم خواهند خورد تا قسم هایشان باعث شود که از آنها روی برگردانید، پس از آنها روی برگردانید.)

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (96 توبه)

قسم می خورند برای شما تا راضی شوید از آنان، پس اگر راضی شوید از آنان، پس همانا خدا راضی نمی شود از جماعت از راه حق دور شوندگان

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (97 توبه)

بادیه نشینان نیرومند تر هستند از نظر کفر و دو رویی، و شایسته است به اینکه ندانند حدهای آنچه را نازل کرد خدا بر فرستاده اش، و خدا دانای صاحب حکمت است

(این آیه در مورد همان زمان و اتفاقات آن زمان بیان شده است و برای همه زمان ها نیست.)

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (98 توبه)

و از بادیه نشینان کسی است که می گیرد آنچه را خرج می کند به عنوان خسارت، و در انتظار است به شما پیشامدهای بد را، برای آنان است پیشامد بد، و خدا شنوای داناست

(بیان شده که از بادیه نشینان، برخی از آنان، آن چیزی را که به عنوان خرج کردن در راه خدا مصرف می کند، خسارتی می داند که به او رسیده است و دلش می خواهد که به شما پیشامدهای بد برسد. این آیه در مورد همان زمان و اتفاقات آن زمان بیان شده است.)

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرُبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (99 توبه)

و از بادیه نشینان کسی است که ایمان می آورد به خدا و روز پایان، و می گیرد آنچه را خرج می کند، نزدیکی هایی نزد خدا و دعاهای فرستاده، آگاه باشید همانا آن نزدیکی است برای آنان، داخل خواهد کرد آنان را خدا در مهربانی اش، همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(و از بادیه نشینان، کسانی هستند که به خدا و روز قیامت ایمان می آورند و اگر چیزی را در راه خدا خرج می کنند، آن را در جهت نزدیک شدن به خدا می دانند و آن را در جهت این می دانند که پیامبر برای آنها دعا کند.)

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (100 توبه)

و پیش افتادگانِ نخست ها از هجرت کنندگان، و یاری کنندگان، و کسانی که پیروی کردند از آنان از نیکی، راضی شد خدا از آنان، و راضی شدند از او، و آماده کرد برای آنان باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن برای همیشه هستند، آن موفقیت بزرگ است

(بیان شده کسانی که اولین نفراتی بودند که هجرت کردند و کسانی که جزو نفرات اولی بودند که یاری کردند، و کسانی که در زمینه ی نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خداوند از آنان راضی شد و آنان از خدا راضی شدند.)

وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ (101 توبه)

و از کسی که پیرامون شما است از بادیه نشینان، منافقان (یا متظاهران به ایمان با کفر باطنی) هستند، و از ساکنان شهر (یا شهر مدینه)، زیاده روی کردند بر دو رویی، نمی شناسی آنان را، ما می شناسیم آنان را، عذاب خواهیم داد به آنان دو بار، سپس باز گردانده می شوند به عذابی بزرگ

(بیان شده که از بادیه نشینان، افرادی منافق هستند و از مردم شهر (احتمالاً شهر مدینه) افرادی هستند که در دو رویی زیاده روی کردند. و در ادامه به پیامبر بیان شده که تو آنان را نمی شناسی و ما آنان را می شناسیم. یک نکته در مورد این آیه، این است که پیامبر از همه چیز آگاهی نداشته است و اعتقاد برخی از مسلمانان که می گویند پیامبر از همه چیز آگاه بوده است، نادرست است و این ها دروغ هایی است که بیان کرده و می کنند .)

وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (102 توبه)

و دیگران اعتراف کردند به گناهانشان، مخلوط کردند کاری شایسته و دیگری بدی ای را، شاید خدا اینکه باز گردد بر آنان، همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (103 توبه)

بگیر از دارایی هایشان صدقه ای را، پاکیزه شان می کنی و نیکویشان می کنی با آن، و درود بفرست برای آنان، همانا نماز (یا دعای) تو، آرامشی است برای آنان، و خدا شنوای داناست

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (104 توبه)

آیا هرگز ندانستند همانا خدا، خود قبول می کند بازگشت را از بندگانش، و می گیرد صدقه ها را، و همانا خدا خود بسیار بازگشت کننده ی بخشایشگر است

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (105 توبه)

و بگو انجام دهید، پس خواهد دید خدا کارتان را، و فرستاده اش و مؤمنان، و برگردانده خواهید شد به دانای پنهان و آشکار، پس با خبر می کند شما را به آنچه انجام می دادید

وَآخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (106 توبه)

و دیگران، عقب انداخته شده ها برای فرمان خدا هستند، یا عذابشان می کند و یا بازگردد بر آنان، و خدا دانای صاحب حکمت است

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (107 توبه)

و کسانی که گرفتند مسجدی را برای ضرر رساندن و کفر و جدایی بین مؤمنان و چشم به راهی برای کسی که جنگید با خدا و فرستاده اش از قبل، و یقیناً با جدیّت سوگند می خورند که نمی خواستیم جز نیکوتر را، و خدا گواهی می دهد که همانا آنان یقیناً دروغگویان هستند

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ (108 توبه)

نایست در آن هیچگاه، یقیناً سجده گاهی که بنیان گذاشته شده بر پرهیزکاری از روز اول، سزاوارتر است اینکه بایستی در آن، در آن مردانی هستند که دوست دارند اینکه پاک شوند، و خدا دوست دارد پاک شوندگان را

(خداوند به پیامبر بیان نموده که در آن مسجد که در آیه ی قبل در مورد آن صحبت شد، برای نماز نایست.)

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (109 توبه)

آیا پس کسی که بنیان گذاشت ساختمانش را بر پرهیزکاری از خدا و خشنودی ای، بهتر است یا کسی که بنیان گذاشت ساختمانش را بر لبه ی پرتگاهی زهوار در رفته، پس فرو ریخت با آن در آتش جهنم، و خدا هدایت نمی کند جماعت ستمکاران را

(این آیه نیز در مورد همان مسجد آیه ی 107 بیان شده است.)

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (110 توبه)

پیوسته، ساختمانشان که ساختند، شکی در دل هایشان است، جز اینکه تکه تکه کند دل هایشان را، و خدا دانای صاحب حکمت است

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (111 توبه)

همانا خدا خرید از مؤمنان جان هایشان را و دارایی هایشان را، به سبب اینکه همانا برای آنان باغ است، می جنگند در راه خدا، پس می کشند و کشته می شوند، وعده ای است بر او به حقیقت، در تورات و انجیل و قرآن، و چه کسی با وفاتر است به عهدش از خدا، پس شادمان شوید به معامله تان، که عهد وفاداری بستید با او، و آن موفقیت بزرگ است

(در این آیه در مورد جنگیدن در راه خدا و کشتن و کشته شدن در راه خدا بیان شده است. در مورد جنگ و قوانین جنگ و اینکه مسلمان چه موقع می تواند وارد جنگ شود، در قرآن به طور کامل بیان شده است و اینگونه نیست که هر فردی به نام خدا و دین، با دیگران وارد جنگ شود و دیگران را بکشد و این کار خود را جنگ در راه خدا بنامد.)

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (112 توبه)

بازگشت کنندگان پرستندگان ستایشگران سیر و سفر کنندگان (یا روزه داران) رکوع کنندگان سجده کنندگان امر کنندگان به مشهور و منع کنندگان از ناشایست و نگه دارندگان برای حدهای خدا و مژده ده مؤمنان را

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (113 توبه)

نبود برای پیامبر و کسانی که ایمان آوردند، اینکه طلب عفو کنند برای مشرکان، اگرچه بودند صاحب خویشاوندی، از پس از آنچه آشکار شد برای آنان، همانا آنان همنشینان آتش بسیار گرم و سوزان هستند

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ (114 توبه)

و نبود آمرزش خواهی ابراهیم برای پدرش، جز از وعده ای که وعده داد آن را به او، پس وقتی که آشکار شد برای او اینکه همانا او دشمنی است برای خدا، رهایی یافت از او، همانا ابراهیم یقیناً بسیار ناله کننده بردبار بود

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (115 توبه)

و نبود خدا تا گمراه کند جماعتی را پس از هنگامی که هدایت کرد آنان را، تا آشکار کند برای آنان چگونه می پرهیزند، همانا خدا بر هر چیزی داناست

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (116 توبه)

همانا خدا، برای اوست سلطه ی آسمان ها و زمین، زنده می کند و می میراند، و نیست برای شما از غیر خدا از دوستی و نه یاری کننده ای

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (117 توبه)

يقيناً به درستی بازگشت خدا بر پیامبر و هجرت کنندگان و یاری کنندگان، کسانی که پیروی کردند از او در ساعت دشواری، از پس از آنکه نزدیک بود منحرف شود دل های گروهی از آنان، سپس بازگشت بر آنان، همانا او به آنان بسیار دل رحم بخشایشگر است

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (118 توبه)

و بر سه کسی که جا گذاشته شدند، تا ناگهان تنگ شد بر آنان زمین با آنکه وسیع شد، و تنگ شد بر آنان جان هایشان، و گمان بردند اینکه نیست پناهگاهی از خدا جز به او، سپس بازگشت بر آنان تا بازگردند، همانا خدا خود بسیار بازگشت کننده ی بخشایشگر است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (119 توبه)

ای کسانی که ایمان آوردید، حذر کنید از خدا و باشید با راستگویان

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (120 توبه)

نبود برای ساکنین شهر (یا شهر مدینه) و کسی که پیرامون آنها است از بادیه نشینان، اینکه بگذرند از فرستاده ی خدا، و نه ترجیح دهند جان هایشان را از جان او، آن به سبب این است که همانا آنان را نمی رسد به آنان تشنگی ای و نه رنجی و نه قحطی ای در راه خدا، و قدم نمی گذارند به قدمگاهی که به خشم می آورد کافران را، و به دست نمی آورند از دشمنی، دستاوردی را، جز اینکه نوشته شد برای آنان به سبب آن، عملی شایسته، همانا خدا از بین نمی برد پاداش بسیار نیکوکاران را

وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (121 توبه)

و خرج نمی کنند خرج کردنی را، به صورت کوچک و نه بزرگی را، و سرزمینی را نمی پیمایند، جز اینکه نوشته شد برای آنان، تا پاداششان دهد خدا نیکوتر از آنچه را انجام می دادند

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (122 توبه)

و نبود مؤمنان را تا به راه افتند همگی، پس چرا به راه نیفتاد از هر گروهی از آنان جماعتی، تا بفهمند از دین، و تا هشدار دهند قومشان را اگر بازگشتند به آنان، شاید آنان حذر می کنند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (123 توبه)

ای کسانی که ایمان آوردید، بجنگید با کسانی که نزدیک شما هستند از کافران، و باید بیابند در شما خشونت را، و بدانید همانا خدا با پرهیزکاران است

(در این آیه، خداوند به مؤمنان بیان می کند که با کافران بجنگند. این جنگ به خاطر اتفاق و دشمنی ای بوده که در آن زمان از سوی کافران علیه مؤمنان رخ داده است و به دلیل این نبوده که چون آنها کافر هستند با آنان باید جنگید و این آیه مربوط به همان زمان است.)

وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (124 توبه)

و اگر آنچه نازل شد از سوره ای، پس از آنان کسی است که می گوید کدامیک از شما را به او افزود این، از نظر ایمان، پس لیکن کسانی که ایمان آوردند، پس افزود به آنها از نظر ایمان، و آنان شادمان می شوند

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ (125 توبه)

و لیکن کسانی که در دل هایشان بیماری ای است، پس افزود به آنها وسوسه شیطانی به وسوسه شیطانشان، و مردند و آنان کافران بودند

أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ (126 توبه)

آیا نمی بینند همانا آنان در آشوب افکنده می شوند در هر سالی یک دفعه یا دو دفعه، سپس باز نمی گردند، و نه آنان یادآوری می کنند

وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (127 توبه)

و اگر نازل نشد سوره ای، نگاه کرد بعضی از آنان به بعضی، آیا می بیند شما را کسی، سپس رفتند (یا برگشتند)، برگرداند خدا دل هایشان را، به سبب اینکه همانا آنان جماعتی هستند که درک نمی کنند

(بیان شده که اگر سوره ای نازل نشد، بعضی از آنان به بعضی دیگر نگاه می کنند و می گویند که آیا خدایی است که شما را ببیند.)

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (128 توبه)

یقیناً به درستی آمد نزد شما فرستاده ای از خودتان، ارجمند است برای او آنچه را در دشواری گرفتار شدید، مشتاق است بر شما، با مؤمنان بسیار دل رحم بخشایشگر است

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (129 توبه)

پس اگر روی برتافتند، پس بگو کفایت است برای من خدا، نیست خدایی جز او، بر او توکل کردم و او ربِّ عرش بزرگ است

(خداوند به پیامبر بیان نموده که اگر روی گرداندند، به آنان بگو که خداوند برای من کافی است و خدایی جز او نیست و بر خدا توکل کردم و او ربّ عرش بزرگ است. یک نکته در این آیه، این است که هیچ اجباری در زمینه دین وجود نداشته است و حتی پیامبر نیز حق این کار را نداشته است و این که افراد در زمینه دین چه کار انجام می دهند، مربوط به تصمیم خود آنان است و کسی این حق را ندارد که کسی را به اجبار به کاری تحت عنوان دین، وادار نماید. پس چگونه است که در طول تاریخ، افرادی تحت

عنوان خدا و دین، مردم را به کارهایی وادار می کرده اند که آن را دین می نامیده اند و به نام خدا از هیچ جنایتی و ستمی دریغ نمی کرده اند. این رفتار آنان هیچ ارتباطی با خدا و دین نداشته و این گفتار آنان جز دروغی بر خدا و دین نبوده است.)

سوره یونس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (1 یونس)

الف لام را، آن آیات کتاب صاحب حکمت است

(قرآن را کتابی معرفی نموده که صاحب حکمت است.)

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ (2 یونس)

آیا بود برای مردم به صورت شگفتی، اینکه وحی کردیم به مردی از آنان، اینکه هشدار ده مردم را، و مژده ده کسانی را که ایمان آوردند، همانا برای آنان پیشی گرفت راستی ای نزد ربّشان، گفت کافران، همانا این یقیناً جادوگری آشکار است

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (3 یونس)

همانا ربّ شما خداست، آنکه آفرید آسمان ها و زمین را در شش هنگام، سپس قصد کرد بر عرش، سر و سامان می دهد کار را، نیست از میانجی ای، جز از پس از اجازه ی او، آن است خدا ربّ شما، پس بپرستید او را، آیا پس یادآوری نمی کنید

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (4 یونس)

به او است بازگشتتان همگی، وعده ی خدا حقیقت است، همانا او آغاز می کند آفرینش را، سپس آن را تکرار می کند (یا باز می گرداند آن را)، تا پاداش دهد کسانی را که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را به عدل، و کسانی که کفر ورزیدند، برای آنان نوشیدنی ای از آب گرم و عذابی دردناک است، به سبب آنچه کفر می ورزیدند

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (5 یونس)

اوست آنکه قرار داد خورشید را روشنایی ای، و ماه را نوری، و مقدّر کرد آن را محل های فرود، تا بدانید شمارش سال ها را و حساب را، نیافرید خدا آن را جز به حقیقت، به روشنی بیان می کند آیات را برای جماعتی که درک می کنند

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ (6 یونس)

همانا در جایگزینی شب و روز، و آنچه آفرید خدا در آسمان ها و زمین، یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که حذر می کنند

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (7 یونس)

همانا کسانی که امید ندارند به دیدار ما، و راضی شدند به زندگی دنیا، و مطمئن شدند به آن، و کسانی که آنان، از آیات ما غفلت کنندگان هستند

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (8 یونس)

آنان پناهگاهشان آتش است، به سبب آنچه به دست می آوردند

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (9 یونس)

همانا کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، هدایت می کند آنان را ربّشان به ایمانشان، جاری می شود از زیر آنان رودها، در باغ های ناز و نعمت

دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (10 یونس)

ادعای آنان در آن این است که منزهی تو ای خدا، و درود آنان در آن سلام است، و پایان ادعای آنان این است که ستایش برای خداوند ربّ جهانیان است

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (11 یونس)

و اگر شتاب ورزد خدا برای مردم در مورد بدی، به اندازه عجله ی آنان به خوبی، یقیناً تصمیم قطعی گرفته می شد به آنان در مورد فرصتشان، پس واگذاریم کسانی را که امید ندارند به دیدار ما، در بیدادگریشان گیج می شوند

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرٍّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (12 یونس)

و اگر لمس کرد انسان را زیانی، صدا کرد ما را بر پهلویش یا به صورت نشسته یا به صورت ایستاده، پس وقتی که بر طرف کردیم از او زیانش را، گذشت مانند اینکه هرگز صدا نکرد ما را به سبب زیانی که لمس کرد او را، اینچنین آراسته شد برای زیاده روی کننده ها، آنچه را انجام می دادند

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (13 یونس)

و یقیناً به درستی هلاک کردیم نسل ها را از قبل شما وقتی که ستم کردند، و آمد نزدشان فرستادگانشان با دلایل، و نبودند تا ایمان بیاورند، اینچنین جزا می دهیم جماعت بدکاران را

(در مورد عذاب خداوند در مورد اقوامی که در گذشته به آنها عذاب رسیده است، بیان شده است. نازل شدن عذاب بر جماعت هایی که به آنها عذاب خداوند رسیده است، پیش نیازهایی داشته است که باید روی می داده اند تا به خواست خداوند عذاب بر آنها نازل می شده است و در این آیه به چند مورد از این پیش نیازها اشاره شده است. یک مورد اینکه آنها کافر بوده اند و مورد دیگر اینکه خداوند برای آنان پیامبرانی را برای دعوت آنان به ایمان می فرستاده است ولی آنان ایمان نمی آورده اند.)

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (14 یونس)

سپس قرار دادیم شما را جانشینان در زمین از پس از آنان، تا ببینیم چگونه انجام می دهید

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (15 یونس)

و اگر خوانده شود بر آنان آیات ما، که دلایل است، گفت کسانی که امید ندارند به دیدار ما، بیاور از قرآنی غیر از این، یا عوض کن آن را، بگو نباشد برای من اینکه آن را عوض کنم از جانب خودم، پیروی نمی کنم جز آنچه را وحی می شود به من، همانا من می ترسم اگر نافرمانی کردم از ربّم، از عذاب روزی بزرگ

(کافران به پیامبر می گفته اند که قرآنی غیر از این قرآن را بیاور و یا اینکه در قرآن تغییر ایجاد کن. خداوند به پیامبر بیان کرده است که به آنها بگو که من نمی توانم و این حق را ندارم که در قرآن از جانب خودم تغییری ایجاد کنم و جز آنچه را که در قرآن به من وحی می شود، پیروی نمی کنم و من می ترسم که از خداوند نافرمانی کنم. پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان، اعتقاد دارند که بخشی از دین در قرآن بیان شده و بخش دیگری از دین، گفته ها و رفتارهایی است که به اعتقاد آنان، پیامبر در مورد دین بیان کرده و انجام می داده است و پیروان مذهب شیعه علاوه بر این، اعتقاد دارند که بخش عمده ای از دین توسط امامان شیعه بیان شده است که در قرآن نیست. بر اساس آنچه در قرآن بیان شده، پیامبر در مورد دین، تنها از قرآن پیروی می کرده و چیزی از خود به دین نسبت نمی داده است، بنابراین اگر کسی می خواهد بداند که پیامبر در زمینه ی دین، چگونه رفتار می کرده و چه بیان می کرده است، باید قرآن را بخواند. این اعتقادات مسلمانان، جز دروغی بر خدا و دین نیست و دقیقاً در جهت همان خواسته ای است که کافران از پیامبر مبنی بر تغییر در قرآن، تقاضا می کرده اند و مسلمانان به دلیل اینکه تغییر در قرآن غیر ممکن بوده است، دین را با این دروغ ها، تغییر داده اند. برای شناخت دین حقیقی، تنها باید قرآن را خواند، و مراجعه به روایات و چگونگی رفتار و گفتار پیامبر و امامان برای شناخت دین، جز گمراهی نتیجه ای نخواهد داشت.)

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (16 یونس)

بگو اگر می خواست خدا، نمی خواندم آن را بر شما، و با خبر نمی کرد شما را از آن، پس به درستی اقامت گزیدم همراه شما، زندگی ای را از قبل آن، آیا پس درک نمی کنید

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (17 یونس)

پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغ بافت بر خدا دروغی را، یا تکذیب کرد آیاتش را، به راستی رستگار نمی شود بدکاران

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (18 یونس)

و می پرستند از غیر خدا آنچه را ضرر نمی رساند به آنان، و سود نمی رساند به آنان، و می گویند اینان میانجی های ما هستند نزد خدا، بگو آیا با خبر می کنید خدا را از آنچه نمی داند در آسمان ها و نه در زمین، پاک و منزه است او، و دور است از آنچه شریک قائل می شوند

(مشرکان می گفته اند که این بت ها، میانجی گری می کنند برای ما در نزد خداوند. این نمونه ای از دروغ هایی است که به خدا می بسته اند. پیروان مذهب شیعه هم از امامان دروغین خود تقاضای میانجی گری نزد خداوند را دارند. چقدر بین مشرکان و شیعیان از این لحاظ شباهت وجود دارد.)

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (19 یونس)

و نبود مردم جز جماعتی یگانه، پس اختلاف داشتند، و اگر نبود کلمه ای که پیش افتاد از ربّت، یقیناً تصمیم قطعی گرفته می شد بین آنان در آنچه در آن اختلاف دارند

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (20 یونس)

و می گویند چرا نازل نشد بر او آیه ای از ربّش، پس بگو همانا پنهان برای خداست، پس منتظر باشید، همانا من با شما از منتظران هستم

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (21 یونس)

و اگر بچشانیم به مردم مهربانی ای از پس از سختی که لمس کرد آنان را، ناگهان برای آنان نیرنگ در آیات ما است، بگو خدا سریع تر است از لحاظ نیرنگ، همانا فرستادگان ما می نویسند آنچه را نیرنگ می زنید

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (22 یونس)

اوست آنکه به حرکت وا می دارد شما را در خشکی و دریا، تا اگر بودید در کشتی، و پیش برد آنان را با بادی پاک، و شادمان شدند با آن، آمد نزد آن بادی توفانی، و آمد آنان را موجی از همه جا، و گمان کردند همانا آنان، که فرا گرفت آنان را، صدا کردند خدا را به صورت صادقانه ها برای او دین، یقیناً اگر نجاتمان دهی از این، یقیناً خواهیم بود از شکر گزاران

فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (23 یونس)

پس وقتی که نجاتشان داد، ناگهان آنان طلب می کنند در زمین از غیر از حقیقت را، ای مردم همانا ستم شما بر خودتان، کالای زندگی دنیا است، سپس به ما است بازگشتتان، پس با خبرتان می کنیم به آنچه انجام می دادید

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (24 يونس)

همانا مَثَل زندگی دنیا، مانند آبی است که نازلش کردیم از آسمان، پس در هم آمیخت با آن گیاه زمین، از آنچه می خورد انسان و دام، تا اگر گرفت زمین گیاهان رنگارنگش را و آراست، و گمان کرد ساکنین آن، همانا آنان تواناها هستند بر آن، آمد نزد آن فرمان ما در شبی یا در روزی، پس قرار دادیم آن را کشت درو شده ای مانند اینکه هرگز وجود نداشته تا دیروز، اینچنین به روشنی بیان می کنیم آیات را برای جماعتی که تفکر می کنند

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (25 يونس)

و خدا فرا می خواند به منزل درود، و هدایت می کند کسی را که می خواهد به راه راست

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (26 يونس)

برای کسانی که نیکی کردند، نیکوتر است و افزایشی است، و نمی پوشاند صورت هایشان را سیاهی (یا تاریکی)، و نه خواری ای، آنان همنشینان باغ هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (27 يونس)

و کسانی که به دست آوردند بدی ها را، سزای بدی با نظیر آن است، و فرا می گیرد آنان را خواری ای، نیست برای آنان از خدا از حفظ کننده ای، مثل اینکه چنین است که پوشانده شد صورت هایشان با قطعه هایی از شب تاریک، آنان همنشینان آتش هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

(در مورد اینکه چه کسانی وارد بهشت می شوند و چه کسانی وارد جهنم می شوند، در قرآن در آیه های مختلفی توضیح داده شده است و اگر قرآن به طور کامل خوانده شود، مشخص است.)

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ (28 يونس)

و روزی که گرد هم می آوریم آنان را همگی، سپس می گوییم به کسانی که شریک قائل شدند، در مکانتان باشید شما و شریکانتان، پس پراکنده کردیم بین آنان را، و گفت شریکانشان، نمی پرستیدید ما را

فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ (29 يونس)

پس کافی است تا خدا باشد گواه بین ما و بین شما، همانا بودیم از پرستش شما یقیناً بی خبران

(آن بت هایی که مشرکان می پرستیدند، در روز قیامت به مشرکان می گویند که ما از اینکه شما ما را می پرستیدید، بی خبر بودیم.)

هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (30 یونس)

آنجا می آزماید هر کسی آنچه را تحویل داد، و برگردانده شدند به خدا، دوستشان به حقیقت، و گم شد از آنان آنچه را دروغ می بافتند

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (31 یونس)

بگو چه کسی روزی می دهد به شما از آسمان و زمین، یا چه کسی مالک می شود شنوایی و بینایی ها را، و چه کسی خارج می کند زنده را از مرده، و خارج می کند مرده را از زنده، و چه کسی سازمان می دهد کار را، پس خواهند گفت خدا، پس بگو آیا پس نمی پرهیزید

فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (32 یونس)

پس آن است خدا ربّ شما به حقیقت، پس چه چیزی است پس از حقیقت جز گمراهی، پس چه وقت (یا چگونه) برگردانده می شوید

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (33 یونس)

اینچنین بایسته شد کلمه ی ربّت بر کسانی که از راه حق دور شدند، همانا آنان ایمان نمی آورند

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (34 یونس)

بگو آیا از شریکانتان، کسی شروع می کند آفریدن را، سپس آن را باز می گرداند (یا تکرار می کند)، بگو خدا شروع می کند آفریدن را، سپس باز می گرداند (یا تکرار می کند) آن را، پس چگونه دروغ می بافید

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (35 یونس)

بگو آیا از شریکانتان، کسی هدایت می کند به حقیقت، بگو خدا هدایت می کند به حقیقت، آیا پس کسی که هدایت می کند به حقیقت، سزاوارتر است اینکه پیروی شود یا کسی که هدایت نمی یابد جز اینکه هدایت کرده شود، پس شما را چه شده، چگونه قضاوت می کنید

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (36 یونس)

و پیروی نمی کنند بیشترشان جز گمان بردنی را، همانا گمان بردن بی نیاز نمی کند از حقیقت چیزی را، همانا خدا داناست به آنچه انجام می دهند

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (37 یونس)

و نبود این قرآن، اینکه دروغ بافته می شود از غیر خدا، و لیکن تأییدی است برای آنچه در برابر آن است، و به روشنی بیان کردن کتاب است، که نیست شکی در آن، از ربّ جهانیان

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (38 یونس)

یا می گویند دروغ بافت آن را، بگو پس بیاورید سوره ای مثل آن، و صدا کنید کسی را که توانایی یافتید از غیر خدا، اگر بودید راستگویان

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (39 یونس)

بلکه تکذیب کردند آنچه را هرگز احاطه نداشتند به دانش آن، و هنوز نزدشان نیامد تفسیر آن، اینچنین تکذیب کرد کسانی از قبل آنان، پس بنگر چگونه بود پایان کار ستمکاران

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (40 یونس)

و از آنان کسی است که ایمان می آورد به آن، و از آنان کسی است که ایمان نمی آورد به آن، و ربّ تو داناتر است به فساد کنندگان

وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ (41 یونس)

و اگر تکذیب کردند تو را، پس بگو برای من است عمل من، و برای شما است عمل شما، شما رهاها هستید از آنچه انجام می دهم، و من رها هستم از آنچه انجام می دهید

(یک نکته ای که در این آیه است، عدم اجبار در دین است و اینکه هیچ کسی حق ندارد کسی را به کاری در مورد دین مجبور کند و حتی پیامبر نیز این حق را نداشته است و خداوند به پیامبر بیان می کند که اگر تو را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، به آنها بگو که عمل من برای من است و عمل شما برای شما است و شما مسئول و پاسخگوی عمل من نیستید و من مسئول و پاسخگوی عمل شما نیستم. این نشان دهنده ی این است که هر کسی مسئول کارهای خود است و هیچ کسی به خاطر اعمال فردی دیگر، بازخواست نخواهد شد، و حتی در مورد ایمان آوردن و نیاوردن نیز، خود فرد تصمیم گیرنده است. پس چگونه است که عده ای به نام خدا و دین، مردم را به انجام کارهایی وادار می کنند که آن ها را دستور دین می نامند و در این زمینه از هیچ جنایتی و ستمی دریغ نمی کنند. اینها ناشی از عدم آگاهی بسیاری از مسلمانان از دین حقیقی است.)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ (42 یونس)

و از آنان کسی است که گوش می دهد به تو، آیا پس تو می شنوانی ناشنوایان را، و اگر درک نمی کردند

وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ (43 یونس)

و از آنان کسی است که می نگرد به تو، آیا پس تو هدایت می کنی نابینایان را، اگرچه نمی دیدند

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (44 یونس)

همانا خدا ستم نمی کند به مردم چیزی را، و لیکن مردم خودشان ستم می کنند

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (45 یونس)

و روزی که گرد هم می آورد آنان را، مانند اینکه هرگز درنگ نکردند جز ساعتی از روز، یکدیگر را می شناسند، بینشان به درستی زیان کرد کسانی که تکذیب کردند دیدار خدا را، و نبودند هدایت شدگان

(در هنگام قیامت، هنگامی که خداوند مردگان را زنده می کند و همگی جمع می شوند، احساس آنها این است که جز ساعتی از روز را درنگ نکرده اند یعنی احتمالاً از لحظه مرگ تا لحظه زنده شدن دوباره در نظر آنان مانند گذشت یک ساعت بوده است.)

وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ (46 یونس)

و اگر به تو نشان دهیم بعضی از آنچه را وعده می دهیم به آنان، یا تو را بمیرانیم، پس به ما است بازگشت آنان، سپس خدا گواه است بر آنچه انجام می دهند

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (47 یونس)

و برای هر جماعتی فرستاده ای است، پس اگر آمد فرستاده ی آنان، تصمیم قطعی گرفته شد بین آنان به عدل، و آنان ستم نمی شوند

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (48 یونس)

و می گویند چه وقت است این وعده، اگر بودید راستگویان

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (49 یونس)

بگو مالک نمی شوم برای خودم ضرری و نه فایده ای را، جز آنچه را خواست خدا، برای هر جماعتی مهلتی است، اگر آمد مهلت آنان، پس تأخیر نمی کنند ساعتی را و پیش نمی افتند

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ (50 یونس)

بگو آیا درک کردید اگر آمد نزد شما عذاب او، شبیخون یا هنگام روز، چه چیز را به عجله می اندازد از او بدکاران

أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (51 یونس)

آیا سپس اگر تا رخ داد، ایمان آوردید به آن اکنون، و به درستی آن را به عجله می انداختید

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (52 یونس)

سپس گفته شد به کسانی که ستم کردند، بچشید عذاب بقا را، آیا جزا داده می شوید جز به آنچه کسب می کردید

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (53 يونس)

و خبر می پرسند از تو، که آیا حقیقت است آن، بگو آری، سوگند به ربّم همانا آن یقیناً حقیقت است، و نیستید شما از عاجز کنندگان

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (54 يونس)

و اگر همانا برای هر کسی که ستم کرد، آنچه در زمین است باشد، یقیناً فدیه می داد با آن، و پنهان کردند پشیمانی را وقتی که دیدند عذاب را، و تصمیم قطعی گرفته شد بین آنان به عدل، و آنان مورد ستم واقع نمی شوند

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (55 يونس)

آگاه باشید، همانا برای خداست آنچه در آسمان ها و زمین است، آگاه باشید، همانا وعده ی خدا حقیقت است، و لیکن بیشترشان نمی دانند

هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (56 يونس)

اوست که زنده می کند و می میراند، و به او برگردانده می شوید

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (57 يونس)

ای مردم، به درستی آمد نزد شما پندی از ربّتان و تندرستی دادنی، برای آنچه در سینه هاست، و هدایتی و مهربانی ای برای مؤمنان

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (58 يونس)

بگو به مزیت خدا و به مهربانی او، پس به آن، پس باید شادمانی کنند، آن بهتر است از آنچه گردآوری می کنند

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ (59 يونس)

بگو آیا دیدید آنچه را نازل کرد خدا برای شما از روزی ای، پس قرار دادید از آن، حرامی و حلالی را، بگو آیا خدا اجازه داد برای شما، یا بر خدا دروغ می بافید

(در این آیه در مورد دروغ بستن به خدا و حرام کردن چیزهایی که خداوند آنها را حرام نکرده است، صحبت شده است و بیان شده که آیا خدا به شما اجازه داد که آنها را حرام کنید یا اینکه بر خدا دروغ می بندید. ملاک حلال و حرام بودن چیزی در اسلام، قرآن است و اگر چیزی در قرآن حرام دانسته شده باشد، حرام است و در غیر این صورت، حلال است. پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان، چیزهایی را حرام می دانند که در قرآن حرام دانسته نشده است و وقتی دلیل حرام بودن آن پرسیده می شود، می گویند بر اساس سنت پیامبر و در مذهب شیعه، بر اساس سنت پیامبر و سخنان امامان شیعه، این چیز حرام است. بر اساس دلیل این گروه از مسلمانان، پیامبر از جانب خود چیزهایی را حرام اعلام کرده است و یعنی بر خدا دروغ بسته است و این کاملاً نادرست است و بر اساس آیات قرآن، پیامبر جز

از آنچه که در قرآن بیان شده، پیروی نمی کرده است و چیزی را از خود در زمینه ی دین بیان نمی کرده است. برای فهم دین حقیقی، باید قرآن را خواند و حرام و حلال دین را فهمید و برای اینکه بفهمیم پیامبر در زمینه ی دین چه می گفته و چگونه عمل می کرده است، باید قرآن را بخوانیم.)

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (60 یونس)

و چه گمان می برند کسانی که دروغ می بافند بر خدا دروغ را، روز قیامت همانا خدا یقیناً دارای مزیتی است بر مردم، و لیکن بیشتر آنان سپاسگزاری نمی کنند

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (61 یونس)

و نمی باشی در کاری، و نمی خوانی از او از قرآنی را، و انجام نمی دهید از کاری را، جز اینکه بودیم بر شما به صورت گواهان، هنگامی که وارد شدید در آن، و از نظر ناپدید نمی شود از ربّ تو از مقدار بسیار ناچیزی در زمین و نه در آسمان، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، جز اینکه در کتابی آشکار است

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (62 یونس)

آگاه باشید، همانا دوستان خدا را نیست ترسی بر آنان، و نه آنان اندوهگین می شوند

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (63 یونس)

کسانی که ایمان آوردند و حذر می کردند

لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (64 یونس)

برای آنان مژده است در زندگی دنیا و در آخرت، نیست جایگزینی ای برای کلمه های خدا، آن خود موفقیت بزرگ است

وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (65 یونس)

و تو را اندوهگین نسازد گفتارشان، همانا ارجمندی برای خداست همگی، او شنوای داناست

(در این آیه به پیامبر بیان شده که گفتار آنان، تو را ناراحت نکند و ارجمندی برای خداست. به پیامبر بیان نشده که هر کسی حرفی نادرست زد، با او برخورد کنید و این نشان دهنده ی این موضوع است که هر کسی می تواند نظر خود و حرف خود را بیان کند، چه سخن درست باشد یا نادرست.)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (66 یونس)

آگاه باشید، همانا برای خداست کسی که در آسمان ها و کسی که در زمین است، و پیروی نمی کند کسانی که صدا می زنند از غیر خدا شریکان را، پیروی نمی کنند جز گمان بردن را، و آنان جز تخمین نمی زنند

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (67 یونس)

اوست آنکه قرار داد برای شما شب را تا آرامش یابید در آن، و روز را آشکار شونده، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که می شنوند

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَٰذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (68 یونس)

گفتند گرفت خدا فرزندی را، پاک و منزه است او، او بی نیاز است، برای اوست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، نیست نزد شما از دلیلی به این، آیا می گویید بر خدا آنچه را نمی دانید

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (69 یونس)

بگو همانا کسانی که دروغ می بافند بر خدا دروغ را، رستگار نمی شوند

مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (70 یونس)

کالایی است در دنیا، سپس به ما است بازگشتشان، سپس می چشانیم به آنان عذاب نیرومند را به سبب آنچه کفر می ورزیدند

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونِ (71 یونس)

و بخوان بر آنان خبر نوح را، هنگامی که گفت به قومش، ای قوم من، اگر بود دشوار بر شما منزلت من و یادآوری من به آیات خدا، پس بر خدا توکل کردم، پس جمع کنید قدرتتان و شریکانتان را، سپس نباشد کارتان برای شما پوشیده، سپس انجام دهید به من و مرا مهلت ندهید

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (72 یونس)

پس اگر روی برتافتید، پس از شما درخواست نکردم از پاداشی را، نیست پاداش من جز بر خدا، و امر شدم اینکه باشم از تسلیم کنندگان

(نوح کسی را به ایمان آوردن اجبار نمی کرده است و فقط به ایمان دعوت می کرده است، حال اگر کسی می خواسته، می پذیرفته و اگر نمی خواسته، نمی پذیرفته است.)

فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ (73 یونس)

پس تکذیب کردند او را، پس نجات دادیم او را و کسی که با او بود در کشتی، و قرار دادیم آنان را جانشینان، و غرق کردیم کسانی را که تکذیب کردند آیات ما را، پس بنگر چگونه بود پایان کار هشدار داده شدگان

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ (74 یونس)

سپس برانگیختیم از پس از او، فرستادگانی را به قومشان، پس آوردند نزد آنان دلایل را، پس بر آن نبودند تا ایمان بیاورند به آنچه تکذیب کردند آن را از قبل، اینچنین مهر می زنیم بر دل های تجاوز کنندگان

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ (75 یونس)

سپس برانگیختیم از پس از آنان موسی و هارون را به فرعون و بزرگانش، با نشانه های ما، پس کبر ورزیدند و بودند جماعتی بدکاران

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ (76 یونس)

پس وقتی که آمد نزد آنان حقیقت از نزد ما، گفتند همانا این یقیناً جادویی آشکار است

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (77 یونس)

گفت موسی آیا می گویید به حقیقت وقتی که آمد نزد شما، که آیا جادو است این، و رستگار نمی شود جادوگران

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ (78 یونس)

گفتند آیا آمدی نزد ما تا منصرف کنی ما را از آنچه یافتیم بر آن پدرانمان را، و باشد برای شما (=دو نفر) عظمت در زمین، و نیستیم ما برای شما از مؤمنان

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (79 یونس)

و گفت فرعون، بیاورید نزد من هر جادوگر دانایی را

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ (80 یونس)

پس وقتی که آمد جادوگران، گفت به آنان موسی، بیندازید آنچه را شما اندازنده ها هستید

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ (81 یونس)

پس وقتی که انداختند، گفت موسی، آنچه را آوردید آن را، جادو است، همانا خدا باطل خواهد کرد آن را، همانا خدا اصلاح نمی کند عمل تباه کنندگان را

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (82 یونس)

و ثابت می کند خدا حقیقت را با کلماتش، اگرچه بیزار بود بدکاران

فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (83 یونس)

پس ایمان نیاورد به موسی جز نسلی از قومش، با ترسی از فرعون و بزرگانش، از اینکه در آشوب افکَنَد آنان را، و همانا فرعون یقیناً برتری جو بود در زمین، و همانا او یقیناً از زیاده روها بود

وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ (84 یونس)

و گفت موسی، ای قوم من، اگر ایمان آورده اید به خدا، پس بر او توکل کنید، اگر بودید تسلیم کنندگان

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (85 یونس)

پس گفتند، بر خدا توکل کردیم، ربّ ما قرار نده ما را در آشوب افکندنی، برای جماعت ستمکاران

(آنها گفتند که بر خدا توکل کردیم و از خداوند خواستند که توسط جماعت ستمکار، در آشوب افکنده نشوند.)

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (86 یونس)

و نجات بده ما را با مهربانی ات، از جماعت کافران

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (87 یونس)

و وحی کردیم به موسی و برادرش، اینکه بگیرید برای قومتان از مصر خانه هایی را، و قرار دهید خانه هایتان را پیش رو قرار گرفته ای، و بر پا دارید نماز را، و مژده ده مؤمنان را

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (88 یونس)

و گفت موسی، ربّ ما، همانا تو دادی به فرعون و بزرگانش زیوری را و دارایی هایی را در زندگی دنیا، ربّ ما تا گمراه کنند از راه تو، ربّ ما نابود کن از دارایی هایشان را، و محکم کن بر دل هایشان، پس ایمان نمی آورند تا ببینند عذاب دردناک را

قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (89 یونس)

گفت به درستی جواب داده شد درخواست شما، پس ایستادگی کنید و پیروی نکنید (=شما دو نفر) راه کسانی را که نمی دانند

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (90 یونس)

و گذراندیم فرزندان اسرائیل را از دریا، پس دنبال کرد آنان را فرعون و لشکریانش از روی ستم و ظلم کردنی، تا ناگهان درک کرد غرق شدن را، گفت ایمان آوردم، به راستی نیست خدایی جز آنکه ایمان آورد به او فرزندان اسرائیل، و من از تسلیم کنندگان هستم

آلْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (91 یونس)

اکنون، و به درستی نافرمانی کردی قبلاً، و بودی از تباه کنندگان

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ (92 یونس)

پس امروز نجات می دهیم تو را، بدنت را تا باشی برای کسی که دنباله روی تو است نشانه ای، و همانا بسیاری از مردم از آیات ما یقیناً بی خبران هستند

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (93 یونس)

و یقیناً به درستی آماده کردیم برای فرزندان اسرائیل جایگاه خیر و نیکی (یا راستی) را، و روزی دادیم به آنان از پاک ها، پس اختلاف نداشتند تا آنکه آمد نزد آنان دانش، همانا ربّ تو داوری می کند بین آنان روز قیامت، در آنچه در آن اختلاف داشتند

فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (94 یونس)

پس اگر بودی در تردیدی از آنچه نازل کردیم به تو، پس بپرس از کسانی که می خوانند کتاب را از قبل تو، یقیناً به درستی آمد نزد تو حقیقت از ربّت، پس به هیچ وجه نباش از تردید کنندگان

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (95 یونس)

و به هیچ وجه نباش از کسانی که تکذیب کردند آیات خدا را، پس باشی از زیان کاران

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (96 یونس)

همانا کسانی که بایسته شد بر آنان کلمه ی ربّت، ایمان نمی آورند

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (97 یونس)

اگرچه آمد نزد آنان هر نشانه ای (یا آیه ای)، تا ببینند عذاب دردناک را

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ (98 یونس)

پس چرا نبود آبادی ای که ایمان آورد، پس به آن سود رساند ایمانش، جز جماعت یونس، وقتی که ایمان آوردند کنار زدیم از آنان عذاب خواری را در زندگی دنیا، و برخوردارشان کردیم تا هنگامی

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (99 یونس)

و اگر می خواست ربّت، یقیناً ایمان می آورد کسی که در زمین است همه شان همگی، آیا پس تو مجبور می کنی مردم را تا باشند مؤمنان

(در این آیه خداوند به پیامبر بیان می کند که اگر خداوند می خواست، همه ی مردم ایمان می آوردند و خداوند بر این کار توانا است، پس آیا با این حال، تو مردم را مجبور می کنی تا ایمان بیاورند. این نشان دهنده ی این است که در دین هیچ اجباری وجود ندارد و هیچ کسی حتی پیامبر، حق ندارد کسی را به کاری در زمینه ی دین مجبور کند. و در آیه ی بعدی نیز خداوند بیان می کند که کسی ایمان نمی آورد جز با اجازه ی خدا، و خداوند وسوسه ی شیطان را بر کسانی که درک نمی کنند، قرار می دهد. پس

چگونه است که برخی به نام خدا و دین، مردم را به انجام دادن یا ندادن کارهایی که آن را دین می نامند، مجبور می کنند و در این راه از هیچ ظلم و جنایتی دریغ نمی کنند. گفتار آنها جز دروغ بستن به خدا و دین نیست و عمل آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد.)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (100 یونس)

و نبود برای کسی اینکه ایمان بیاورد جز با اجازه ی خدا، و قرار می دهد وسوسه شیطان را بر کسانی که درک نمی کنند

قُلِ انْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (101 یونس)

بگو بنگرید چه چیزی در آسمان ها و زمین است، و بی نیاز نمی کند نشانه ها (یا آیات) و هشدارها از جماعتی که ایمان نمی آورند

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (102 یونس)

پس آیا در انتظار هستند جز مثل روزهای کسانی که سپری شدند از قبل آنان، بگو پس در انتظار باشید، همانا من با شما از منتظران هستم

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ الْمُؤْمِنِينَ (103 یونس)

سپس نجات می دهیم فرستادگانمان را، و کسانی که ایمان آوردند، اینچنین حقیقتی است بر ما که نجات دهیم مؤمنان را

(در مورد عذاب خداوند بر اقوامی که در قرآن، ماجرای آنها بیان شده، یک نکته این است که در مورد همه ی آنها، خداوند قبل از فرستادن عذاب بر آنها، پیامبر و کسانی را که ایمان آورده بودند، نجات می داده است و سپس عذاب می فرستاده است. در این آیه نیز به همین نکته اشاره شده است.)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (104 یونس)

بگو ای مردم، اگر بودید در تردیدی از دین من، پس نمی پرستم کسانی را که می پرستید از غیر خدا، و لیکن می پرستم خدا را، آنکه جان شما را می گیرد، و امر شدم اینکه باشم از مؤمنان

وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (105 یونس)

و اینکه مستقیم کن جهتت را برای دین یکتاپرست، و به هیچ وجه نباش از مشرکان

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِنَ الظَّالِمِينَ (106 یونس)

و صدا نکن از غیر خدا، آنچه را نفعی به تو نمی رساند، و به تو ضرر نمی رساند، پس اگر انجام دادی، پس همانا تو بدین ترتیب از ستمکاران هستی

(در این آیه بیان شده که صدا نکن از غیر خدا، آنچه را نفعی به تو نمی رساند، و به تو ضرر نمی رساند، پس چگونه است که شیعیان به جای صدا کردن خدا، امامان خود را صدا می کنند. آیا این عمل آنها مانند عمل مشرکان نیست.)

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (107 يونس)

و اگر به تو برساند خدا زیانی را، پس نیست بر طرف کننده ای برای آن جز او، و اگر بخواهد برای تو خوبی ای را، پس نیست دفع کننده ای برای مزیت او، به دست می آورد آن را، کسی که می خواهد از بندگانش، و او بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

(این آیه در ادامه آیه قبل بیان شده است و بیان کرده که فقط خداوند قادر به انجام این کارها است.)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (108 يونس)

بگو ای مردم، به درستی آمد نزد شما حقیقت از ربّتان، پس کسی که هدایت شد، پس همانا هدایت می شود برای خودش، و کسی که گمراه شد پس همانا گمراه می شود علیه خود، و نیستم بر شما کارگزار

(این آیه نیز نشان دهنده ی عدم اجبار در دین است و اینکه هر کسی خود تصمیم گیرنده است در این مورد که چه راهی را انتخاب کند و در مورد دین چه تصمیمی بگیرد. در این آیه بیان شده که حقیقت از ربتان برای شما آمد و کسی که هدایت شود، برای خودش هدایت می شود و کسی که گمراه شود، بر زیان خود گمراه شده است و پیامبر بر مردم کارگزار نیست یا به عبارت دیگر پیامبر به جای آنها تصمیم گیرنده نیست. پس چگونه است که عده ای حق خود می دانند که به جای مردم تصمیم بگیرند و دیگران را تحت عنوان خدا و دین، به انجام دادن یا ندادن کارهایی وادار کنند. این سخن آنها جز دروغ بستن بر خدا و دین نیست و این رفتار آنها ارتباطی با دین ندارد. نکته دیگر اینکه هدایت یا گمراهی هر کسی به سود یا زیان خود او است.)

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (109 يونس)

و پیروی کن آنچه را وحی کرده می شود به تو، و شکیبایی کن تا داوری کند خدا، و او بهترین داوران است

(در این آیه خداوند به پیامبر بیان کرده که از قرآن پیروی کن و این نشان دهنده ی این است که پیامبر نیز در زمینه ی دین، باید از قرآن پیروی می کرده است، پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان به دنبال یافتن دستورات دین اسلام از طریق رفتار و گفتار پیامبر هستند و به جای اینکه برای شناخت دین اسلام، قرآن را بخوانند، در رفتار و گفتار پیامبر جستجو می کنند و از این طریق دستورات و حرام هایی را در دین درست کرده اند که در قرآن بیان نشده است. این جز دروغ بستن به خدا و دین نیست و جز گمراهی نیست و اگر کسی می خواهد به این پی ببرد که رفتار پیامبر در زمینه دین چگونه باید بوده است، باید قرآن را بخواند. در ادامه ی آیه از پیامبر خواسته شده که شکیبایی کند تا خداوند داوری کند و به پیامبر بیان نشده که با آن گفتار و رفتاری که برای تو خوشایند نیست، برخورد کن و گوینده و انجام دهنده آن را مجازات کن.)

سوره هود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (1 هود)

الف لام راء، کتابی است که استوار کرده شد آیاتش، سپس به روشنی بیان کرده شد از نزد صاحب حکمتی آگاه

(در مورد قرآن بیان شده که قرآن به روشنی بیان کرده شده است از نزد صاحب حکمتی دانا. قرآن به روشنی بیان کرده شده است و برای همه قابل فهم است. بنابراین اگر کسی قرآن را بخواند، می تواند به راحتی به حقیقت دین اسلام پی ببرد.)

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ (2 هود)

که نپرستید جز خدا را، همانا من برای شما از او هشدار دهنده ای و مژده دهنده ای هستم

وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ (3 هود)

و اینکه طلب عفو کنید از ربّتان، سپس بازگردید به او، برخوردار می کند شما را با کالایی نیکو تا مهلتی معین، و می دهد به هر دارنده ی مزیتی مزیتش را، و اگر روی برتافتند، پس همانا من می ترسم برای شما از عذاب روزی بزرگ

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (4 هود)

به خداست بازگشتتان، و او بر هر چیزی تواناست

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (5 هود)

آگاه باشید، همانا آنان منصرف می کنند سینه هایشان را تا پنهان شوند از آن، آگاه باشید هنگامی که روی صورت می اندازند لباس هایشان را، می داند آنچه را پنهان نگه می دارند و آنچه را آشکار می کنند، همانا او داناست به حقیقت سینه ها

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (6 هود)

و نیست از جنبنده ای در زمین، جز اینکه بر خداست روزی اش، و می داند اقامتگاه آن را، و جایگاه موقت آن را، همه در کتابی آشکار است

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (7 هود)

و اوست آنکه آفرید آسمان ها و زمین را در شش هنگام، و بود عرش او بر آب، تا بیازماید شما را، که کدامین شما نیکوتر است از نظر عمل، و یقیناً اگر گفتی همانا شما برانگیخته شدگان هستید از پس از مرگ، یقیناً می گویند کسانی که کفر ورزیدند، نیست این جز جادویی آشکار

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (8 هود)

و یقیناً اگر به تأخیر انداختیم از آنان عذاب را تا نسلی اندک، یقیناً می گویند چه باز می دارد آن را، آگاه باشید روزی که می آید نزد آنان، نیست برگردانده شده ای از آنان، و احاطه کرد به آنان آنچه را به آن مسخره می کردند

وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَئُوسٌ كَفُورٌ (9 هود)

و یقیناً اگر چشاندیم به انسان از ما مهربانی ای را، سپس سلب کردیم آن را از او، همانا او یقیناً نا امید کافر (یا ناسپاس) است

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ (10 هود)

و یقیناً اگر چشاندیم به او دست پر خیری را، پس از سختی که به او رسید، یقیناً می گوید رفت بدی ها از من، همانا او یقیناً شادمان فخر کننده است

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (11 هود)

جز کسانی که شکیبایی کردند و انجام دادند شایسته ها را، آنان برایشان آمرزش گناه و پاداشی بزرگ است

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (12 هود)

پس چه بسا تو رها کننده ی بعضی از آنچه وحی می شود به تو هستی، و تنگ است به آن سینه ات، اینکه می گویند چرا فرستاده نشد بر او گنجی، یا نیامد با او فرشته ای، همانا تو هشدار دهنده ای هستی و خدا بر هر چیزی کارگزار است

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (13 هود)

یا می گویند دروغ بافت آن را، بگو پس بیاورید ده سوره مثل آن دروغ بافته هایی را، و صدا کنید کسی را که توانایی دارید از غیر خدا، اگر بودید راستگویان

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (14 هود)

پس اگر هرگز پاسخ ندادند برای شما، پس بدانید چنین است که نازل شد با دانش خدا، و اینکه نیست خدایی جز او، پس آیا شما تسلیم کنندگان هستید

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (15 هود)

کسی که می خواست زندگی دنیا را و زیور آن را، کامل می دهیم به آنان کارهایشان را در آن، و آنان در آن کم داده نمی شوند

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (16 هود)

آنان کسانی هستند که نیست برای آنان در آخرت جز آتش، و تباه شد آنچه را ساختند در آن، و به صورت باطل است آنچه را انجام می دادند

(آیات 15 و 16 در مورد کافران بیان شده است زیرا بیان شده که کارهایشان باطل می شود، و به این معنی نیست که هر کسی که در این دنیا زندگی خوبی داشته و مرفه بوده است، در آخرت بهره ای نخواهد داشت، انسان می تواند در این دنیا از همه ی نعمت ها و ثروت ها برخوردار باشد و در آخرت نیز اهل بهشت باشد. برای مثال، سلیمان، پیامبر خدا بود و خداوند به او قدرت و ثروت فروان داده بود و در قرآن نیز در مورد او بیان شده است.)

أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (17 هود)

آیا پس کسی که بود بر دلیلی از ربّش، و می خواند آن را گواهی دهنده ای از آن، و از قبل آن کتاب موسی، الگویی و مهربانی ای است، آنان ایمان می آورند به آن، و کسی که کفر ورزد به آن از گروه ها، پس آتش وعده گاه او است، پس نباش در تردیدی از آن، همانا آن حقیقت است از ربّت، و لیکن بیشتر مردم ایمان نمی آورند

(در این آیه بیان شده که بیشتر مردم ایمان نمی آورند. این نشان دهنده ی عدم اجبار در دین و ایمان است و اینکه هر کسی، خود تصمیم گیرنده است که ایمان بیاورد یا نه.)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (18 هود)

و چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغ بافت بر خدا، دروغی را، آنان آشکار می شوند بر ربّشان، و می گوید گواهان، اینان کسانی هستند که دروغ گفتند بر ربّشان، آگاه باشید، لعنت خدا بر ستمکاران است

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (19 هود)

کسانی که باز می دارند از راه خدا، و می خواهند آن را به صورت کج، و آنان به آخرت، خود، کافران هستند

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ (20 هود)

آنان هرگز نبودند عاجز کنندگان در زمین، و نبود برای آنان از غیر خدا از دوستان، دو چندان می شود برای آنان عذاب، توانایی نمی یافتند شنوایی را، و نمی دیدند

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (21 هود)

آنان کسانی هستند که زیان کردند جان هایشان را، و ضایع شد از آنان، آنچه را دروغ می بافتند

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (22 هود)

بی تردید همانا آنان در آخرت، خود، زیانکارترین ها هستند

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَى رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (23 هود)

همانا کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، و فروتنی کردند به ربّشان، آنان همنشینان باغ هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (24 هود)

مَثَل دو گروه، مانند نابینا و ناشنوا و بینا و شنوا است، آیا برابر می شوند از نظر مَثَل، آیا پس یادآوری نمی کنید

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (25 هود)

و یقیناً به درستی فرستادیم نوح را به قومش، همانا من برای شما هشدار دهنده ای آشکار هستم

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ (26 هود)

اینکه نپرستید جز خدا را، همانا من می ترسم بر شما از عذاب روزی دردناک

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ (27 هود)

پس گفت بزرگان کسانی که کفر ورزیدند از قومش، نمی بینیم تو را جز انسانی مثل ما، و نمی بینیم تو را، که پیروی کرد تو را، جز کسانی که فرومایگان ما هستند، بدون تفکر نظر دهندگان، و نمی بینیم برای شما بر ما از مزیتی، بلکه حدس می زنیم که شما دروغگویان هستید

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ (28 هود)

گفت ای قوم من، آیا درک کردید اگر بودم بر دلیلی از ربّم، و داد به من مهربانی ای از نزدش، پس پنهان کرده شد برای شما، آیا مجبور کنیم شما را به آن، و شما برای آن بیزاران هستید

(در این آیه به عدم اجبار در دین و ایمان اشاره شده است. در این آیه نوح به قومش که ایمان نمی آوردند، می گوید که آیا شما را به مهربانی خدا مجبور کنیم در حالی که شما از آن بیزار هستید.)

وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (29 هود)

و ای قوم من، درخواست نمی کنم از شما برای آن مالی را، نیست پاداش من جز بر خدا، و نیستم من دور کننده ی کسانی که ایمان آوردند، همانا آنان ملاقات کنندگان ربّشان هستند، و لیکن من می بینم شما را جماعتی که نادانی می کنید

وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (30 هود)

و ای قوم من، چه کسی یاری می کند من را از خدا، اگر از خود راندم آنان را، آیا پس یادآوری نمی کنید

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (31 هود)

ونمی گویم به شما نزد من انبارهای خداست، و نمی دانم پنهان را، و نمی گویم همانا من فرشته ای هستم، و نمی گویم به کسانی که حقیر می بیند چشمانتان، هرگز نمی دهد به آنان خدا خوبی ای را، خدا داناتر است به آنچه در جان هایشان است، همانا من بدین ترتیب یقیناً از ستمکاران هستم

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (32 هود)

گفتند ای نوح، به درستی جر و بحث کردی با ما، پس زیاد کردی جر و بحث ما را، پس بیاور برای ما آنچه را به ما وعده می دهی، اگر بودی از راستگویان

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (33 هود)

گفت همانا برای شما می آورد آن را خدا، اگر خواست، و نیستید شما از عاجز کنندگان

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (34 هود)

و نفع نمی رساند به شما نصیحت من، اگر خواستم اینکه نصیحت کنم برای شما، اگر خدا می خواست اینکه گمراه کند شما را، اوست ربّ شما، و به او بازگردانده می شوید

(نوح به قومش گفت که نصیحت کردن من برای کسانی که خداوند بخواهد آنان در گمراهی باشند، نفعی ندارد و این نیز می تواند نشان دهنده ی عدم اجبار در پذیرش ایمان باشد.)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ (35 هود)

یا می گویند دروغ بافت آن را، بگو اگر دروغ بافتم آن را، پس بر من است ارتکاب جرم من، و من رها هستم از آنچه مرتکب جرم می شوید

(اعمال هر کسی، مربوط به خود اوست و کسی به خاطر گناه دیگری، مجازات نمی شود.)

وَأُوحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (36 هود)

و وحی شد به نوح، به راستی که هرگز ایمان نمی آورد از قومت جز کسی که به درستی ایمان آورد، پس اندوهگین نشو به آنچه انجام می دادند

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ (37 هود)

و بساز کشتی را زیر نظرما و وحی ما، و حرف نزن با من در مورد کسانی که ستم کردند، همانا آنان غرق شدگان هستند

(احتمالاً نوح در مورد قوم خود از خداوند تقاضا داشته که آنان را عذاب نکند و خداوند به نوح بیان کرده که حرف نزن با من در مورد کسانی که ستم کردند، همانا آنان غرق شدگان هستند.)

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ (38 هود)

و می سازد کشتی را، و هر بار عبور می کرد بر او بزرگانی از قومش، مسخره می کردند به جهت آن، گفت اگر مسخره می کنید از ما را، پس همانا ما مسخره می کنیم از شما را، همانگونه که مسخره می کنید

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ (39 هود)

پس به زودی می دانید که چه کسی را می آید نزد او عذابی، که او را خوار می کند، و فرود می آید بر او عذابی همیشگی

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ (40 هود)

تا آنکه ناگهان آمد فرمان ما، و فوران کرد تنور، گفتیم حمل کن در آن از هر جفتی دو تا و خانواده ات را، جز کسی که پیش افتاد بر او سخن، و کسی که ایمان آورد، و ایمان نیاورد با او جز اندکی

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (41 هود)

و گفت سوار شوید در آن، با نام خدا است حرکت کردنش و لنگر انداختنش، همانا ربّ من یقیناً بسیار آمرزنده بخشایشگر است

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ (42 هود)

و آن جاری می شود با آنان، در موجی که مانند کوه ها است، و صدا کرد نوح پسرش را، و بود در مکان خلوتی، ای پسرکم سوار شو با ما، و نباش با کافران

قَالَ سَآوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (43 هود)

گفت پناه خواهم برد به کوهی که محافظت می کند مرا از آب، گفت نیست حفظ کننده ای امروز از فرمان خدا، جز کسی را که ترحم کرد، و فاصله انداخت بین آن دو را موج، پس بود از غرق شدگان

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (44 هود)

و گفته شد ای زمین، ببلع آبت را، و ای آسمان، دست بردار، و کم شد آب، و تصمیم قطعی گرفته شد در مورد فرمان، و ایستاد بر کوه جودی، و گفته شد دوری بر جماعت ستمکاران

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (45 هود)

و صدا کرد نوح ربّش را، پس گفت ربّ، همانا پسر من از خانواده ی من است، و همانا وعده ی تو حقیقت است، و تو داورترین داوران هستی

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (46 هود)

گفت ای نوح، همانا او نیست از خانواده ات، همانا او عملی غیر شایسته است، پس درخواست نکن از من آنچه را نیست برای تو به آن دانشی، همانا من پند می دهم تو را، اینکه باشی از نادانان

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (47 هود)

گفت ربّ، همانا من پناه می برم به تو، از اینکه درخواست کنم از تو آنچه را نیست برای من به آن دانشی، و اگر نیامرزی بر من و ترحم نکنی بر من، باشم از زیان کاران

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (48 هود)

گفته شد ای نوح، فرود آی با درودی از ما، و نیک بختی هایی بر تو، و بر جماعت هایی از کسی که با تو است، و جماعت هایی که بهره مندشان خواهیم کرد، سپس به آنان می رسد از ما عذابی دردناک

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ (49 هود)

آن از خبرهای پنهان است که وحی می کنیم آن را به تو، نمی دانستی آن را تو و نه قومت از قبل از این، پس شکیبایی کن، همانا پایان کار برای پرهیزکاران است

(پیامبر تا قبل از اینکه خداوند ماجرای اقوام گذشته را به او وحی کند، از آن اتفاقات بی خبر بوده است و اینکه برخی می گویند که پیامبر بر همه چیز آگاهی داشته است، جز دروغی نیست و این دروغ ها را می گویند که توجیهی بر دروغ های بعدی آنها باشد و بتوانند دروغ هایی را به خدا و دین نسبت بدهند.)

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ (50 هود)

و به عاد برادرشان هود را، گفت ای قوم من، بپرستید خدا را، نیست برای شما از خدایی غیر از او، نیستید شما جز دروغ بافندگان

يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ (51 هود)

ای قوم من، درخواست نمی کنم از شما برای آن پاداشی را، نیست پاداش من جز بر آنکه خلق کرد مرا، آیا پس درک نمی کنید

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ (52 هود)

و ای قوم من، طلب عفو کنید از ربّتان، سپس بازگردید به او، بفرستد آسمان را بر شما بسیار ریزان، و بیفزاید به شما قدرتی به قدرتتان، و روی بر نتابید به صورت بدکاران

قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (53 هود)

گفتند ای هود، نیاوردی برای ما دلیلی را، و نیستیم ما رها کننده های خدایانمان به خاطر سخن تو، و نیستیم ما برای تو از مؤمنان

إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (54 هود)

نمی گوییم جز اینکه دچار شدی از بعضی از خدایانمان بدی ای را، گفت همانا من گواه می گیرم خدا را، و گواهی دهید که همانا من رها هستم از آنچه شریک قائل می شوید

مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُونِ (55 هود)

از غیر او، پس توطئه چینی کنید برای من همگی، سپس مرا مهلت ندهید

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (56 هود)

همانا من توکل کردم به خدا، ربّم و ربّتان، نیست از جنبنده ای جز اینکه او گیرنده است از موی جلوی سر آن (=کنایه از کمال تسلط بر آن است)، همانا ربّ من بر راه راست است

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (57 هود)

پس اگر روی برتافتید، پس به درستی رساندم به شما آنچه را فرستاده شدم به آن به شما، و جانشین می کند ربّم جماعتی را غیر از شما، و به او ضرر نمی زنید چیزی را، همانا ربّ من بر هر چیزی نگه دارنده است

(در این آیه نیز عدم اجبار در ایمان و دین مشاهده می شود و اینکه پیامبر خدا مردم را به ایمان دعوت می کرده است و اینکه مردم بپذیرند یا نپذیرند، تصمیم خودشان بوده است.)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (58 هود)

و وقتی که آمد فرمان ما، نجات دادیم هود و کسانی را که ایمان آوردند با او، با مهربانی ای از ما، و نجات دادیم آنان را ازعذابی خشن

وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (59 هود)

و آن عاد است که انکار کردند آیات ربّشان را، و نافرمانی کردند فرستادگانش را، و پیروی کردند فرمان هر مستبد (یا قدرتمند) ستیزه جوی را

وَأُتْبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ (60 هود)

و دنبال کرده شدند در این دنیا با لعنتی، و روز قیامت، آگاه باشید همانا عاد کفر ورزیدند به ربّشان، آگاه باشید دوری بر عاد قوم هود

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ (61 هود)

و به ثمود برادرشان صالح را، گفت ای قوم من، بپرستید خدا را، نیست برای شما از خدایی غیر از او، او خلق کرد شما را از زمین، و به آباد کردن وادار کرد شما را در آن، پس طلب عفو کنید از او، سپس بازگردید به او، همانا ربّ من قریب الوقوع پاسخ دهنده است

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (62 هود)

گفتند ای صالح، به درستی بودی همراه ما به صورت امیدوار کننده قبل از این، آیا منع می کنی ما را اینکه بپرستیم آنچه را می پرستد پدرانمان، و همانا ما یقیناً در تردیدی هستیم از آنچه فرا می خوانی ما را به آن، به شکل مشکوک

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ (63 هود)

گفت ای قوم من، آیا درک کردید اگر بودم بر دلیلی از ربّم، و داد به من از خود مهربانی ای را، پس چه کسی یاری می کند مرا از خدا اگر نافرمانی کردم از او، پس بر من نمی افزایید غیر از زیان کاری را

وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (64 هود)

و ای قوم من، این ماده شتر خدا، برای شما نشانه ای است، پس رها کنید او را تا بخورد در زمین خدا، و به آن نرسانید بدی ای را، پس شما را بگیرد عذابی قریب الوقوع

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ (65 هود)

پس زخمی اش کردند (یا سرش را بریدند)، پس گفت بهره مند شوید در خانه تان (یا شهرتان) سه روز، آن وعده ای بی دروغ است

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (66 هود)

پس وقتی که آمد فرمان ما، نجات دادیم صالح و کسانی را که ایمان آوردند با او، به مهربانی ای از ما، و از خواری در آن روز، همانا ربّ تو خود نیرومند ارجمند است

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (67 هود)

و گرفت کسانی را که ستم کردند، فریاد، پس گردیدند در خانه هایشان زمین گیران

كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِثَمُودَ (68 هود)

مثل اینکه هرگز در آن اقامت نکردند، آگاه باشید همانا ثمود کفر ورزیدند به ربّشان، آگاه باشید دوری بر ثمود

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ (69 هود)

و یقیناً به درستی آمد فرستادگان ما نزد ابراهیم با مژده، گفتند درود، گفت درود، پس درنگ نکرد، اینکه آورد گوساله ای بریان را

فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ (70 هود)

پس وقتی که دید دستانشان دست نمی یابد به آن، نشناخت آنان را، و احساس کرد از آنان حالت ترسی را، گفتند نترس، همانا ما فرستاده شدیم به قوم لوط

وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (71 هود)

و زن او به حال ایستاده، پس خندید، پس مژده دادیم به او اسحاق را، و از پشت اسحاق یعقوب را

قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (72 هود)

گفت ای وای بر من، آیا فرزند آورم و من پیرزن هستم، و این شوهر من سالخورده ای است، همانا این یقیناً چیزی شگفت آور است

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (73 هود)

گفتند آیا تعجب می کنی از فرمان خدا، مهربانی خدا و خیرهای فراوانش بر شما ساکنین خانه، همانا او ستوده ی بلند مرتبه است

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ (74 هود)

پس وقتی که رفت از ابراهیم ترس و آمد نزد او مژده، جر و بحث کرد با ما در مورد قوم لوط

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ (75 هود)

همانا ابراهیم یقیناً بردبار بسیار ناله کننده ی مکرراً بازگردنده بود

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (76 هود)

ای ابراهیم، روی برگردان از این، یقیناً به درستی آمد فرمان ربّت، و همانا آنها را داد به آنها، عذابی رد نشدنی

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (77 هود)

و وقتی که آمد فرستادگان ما نزد لوط، ناراحت شد بر آنان، و راهی برای خلاصی از آن امر نیافت، و گفت این روزی بحرانی است

وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ (78 هود)

و آمد نزد او قومش، شتافتند به او، و از قبل انجام می دادند بدی ها را، گفت ای قوم من، اینان دختران من هستند، آنان پاکیزه تر هستند برای شما، پس حذر کنید از خدا، و مرا خوار نسازید در مورد میهمانانم، آیا نیست از شما مردی که هدایت شده (یا به سن رشد رسیده) است

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (79 هود)

گفتند یقیناً به درستی دانستی که نیست برای ما در دخترانت از بهره ای، و همانا تو یقیناً می دانی آنچه را می خواهیم

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ (80 هود)

گفت اگر همانا در من بر شما قدرتی بود، یا پناه می بردم به گوشه ای نیرومند

قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (81 هود)

گفتند ای لوط، همانا ما فرستادگان ربّت هستیم، هرگز دست نمی یابند به تو، پس حرکت کن با خانواده ات پاسی از شب، و صورت را بر نگرداند از شما کسی جز زنت، به یقین اصابت کننده است به او آنچه اصابت کرد به آنان، همانا وعده آنان بامداد است، آیا نیست بامداد نزدیک

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ (82 هود)

پس وقتی که آمد فرمان ما، قرار دادیم بلند آن را پست آن، و باراندیم بر آن سنگ هایی از سنگ گل بر هم نهاده شده

مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ (83 هود)

نشان دار نزد ربّت، و نیست آن از ستمگران دور

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ (84 هود)

و به مدین برادرشان شعیب را، گفت ای قوم من، بپرستید خدا را، نیست برای شما از خدایی غیر از او، و ناقص نکنید پیمانه و ترازو را، همانا من می بینم شما را با رفاهی، و همانا من می ترسم بر شما از عذاب روزی فراگیرنده

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (85 هود)

و ای قوم من، کامل کنید پیمانه و ترازو را به عدل، و کم نکنید از مردم چیزهایشان را، و خراب نکنید در زمین تباه کنندگان

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (86 هود)

باقیمانده ی خدا بهتر است برای شما، اگر بودید مؤمنان، و نیستم من بر شما نگهبان

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (87 هود)

گفتند ای شعیب، آیا نماز تو فرمان می دهد به تو، اینکه رها کنیم آنچه را می پرستد پدرانمان، یا اینکه انجام می دهیم در دارایی هایمان آنچه را می خواهیم، همانا تو یقیناً خود بردبار هدایت شده ای

(قوم شعیب در پاسخ به شعیب گفتند که آیا نماز تو به تو فرمان می دهد که خدایانی که پدران ما می پرستیدند را رها کنیم و یا آنطور که می خواهیم در دارایی هایمان تصمیم گیرنده نباشیم.)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (88 هود)

گفت ای قوم من، آیا درک کردید اگر بودم بر دلیلی از ربّم، و روزی داد به من از خود، روزی ای نیکو را، و نمی خواهم اینکه مخالفت کنم با شما به آنچه منع می کنم شما را از آن، نمی خواهم جز نیکوسازی آنچه که توانایی یافتم، و نیست موفق شدن من جز با خدا، بر او توکل کردم و به او مکرراً باز می گردم

وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ (89 هود)

و ای قوم من، شما را نکشاند مخالفت ورزیدن با من، اینکه اصابت کند به شما مانند آنچه اصابت کرد به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح، و نیست قوم لوط از شما دور

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ (90 هود)

و طلب عفو کنید از ربّتان، سپس بازگردید به او، همانا ربّ من بخشایشگر بسیار دوستدار (یا پر مهر) است

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (91 هود)

گفتند ای شعیب، نمی فهمیم بسیاری از آنچه را می گویی، و همانا ما یقیناً می بینیم تو را همراهمان به صورت ناتوان، و اگر نبود قبیله ات، یقیناً سنگ می زدیم (یا طرد می کردیم) تو را، و نیستی تو بر ما ارجمند (یا نیرومند)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (92 هود)

گفت ای قوم من، آیا قبیله ی من عزیزتر است برای شما از خدا، و گرفتید او را پشت سرتان از یاد رفته، همانا ربّ من به آنچه انجام می دهید احاطه کننده است

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ (93 هود)

و ای قوم من، انجام دهید طبق جایگاهتان، همانا من عمل کننده هستم، به زودی می دانید چه کسی را به سراغش می آید عذابی که خوار می کند او را، و چه کسی خود دروغگو است، و منتظر باشید، همانا من با شما منتظر هستم

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (94 هود)

و وقتی که آمد فرمان ما، نجات دادیم شعیب را و کسانی که ایمان آوردند با او، با مهربانی ای از ما، و گرفت کسانی که ستم کردند را فریاد، پس گردیدند در خانه هایشان زمین گیران

كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ (95 هود)

مانند اینکه هرگز اقامت نکردند در آن، آگاه باشید دوری بر مدین، چنانکه دور شد ثمود

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ (96 هود)

و یقیناً به درستی فرستادیم موسی را با نشانه هایمان و دلیلی آشکار

إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (97 هود)

به فرعون و بزرگانش، پس پیروی کردند فرمان فرعون را، و نیست فرمان فرعون هدایت کننده (یا هدایت شده)

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ (98 هود)

پیشاپیش قوم خود می آید روز قیامت، پس وارد کرد آنان را به آتش، و بد است بهره ای که در آن وارد می شود

وَأُتْبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ (99 هود)

و دنبال کرده شدند در این با لعنتی، و روز قیامت، بد است بخششی که عطا شده است

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ (100 هود)

آن از خبرهای آبادی ها است که نقل می کنیم آن را بر تو، از آن ایستاده است و درو شده

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ (101 هود)

و ستم نکردیم به آنان، و لیکن ستم کردند خودشان، پس بی نیاز نکرد از آنان، خدایانشان که صدا می کنند از غیر خدا، از چیزی را، وقتی که آمد فرمان ربّت، و بر آنان نیفزودند غیر از هلاکت را

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ (102 هود)

و اینچنین است گرفتن ربّت، اگر گرفت آبادی ها را، و آن (=آبادی) ستمگری است، همانا گرفتن او به صورت دردناکِ نیرومند است

(بیان شده که اینچنین است گرفتن ربّت، اگر گرفت آبادی ها را، و آن آبادی هایی که مورد عذاب قرار گرفتند، ستمگر بودند.)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ (103 هود)

همانا در آن یقیناً نشانه ای است برای کسی که ترسید از عذاب آخرت، آن روزی است که گرد آوری شده اند برای آن، مردم، و آن روزی است که قابل رؤیت است

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ (104 هود)

و آن را به تأخیر نمی اندازیم جز تا مهلتی شمرده شده

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ (105 هود)

روزی که وقتی بیاید، سخن نمی گوید کسی جز با اجازه ی او، پس از آنان بدبخت و نیک بخت است

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ (106 هود)

پس لیکن کسانی که بد بخت کردند، پس در آتش، برای آنان در آن عَرعَر و صدای هق هق است

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ (107 هود)

همیشگی ها در آن هستند، تا تداوم دارد آسمان ها و زمین، جز آنچه را خواست ربّ تو، همانا ربّ تو مؤثر است به آنچه می خواهد

وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ (108 هود)

و لیکن کسانی که نیک بخت شدند، پس در باغ، همیشگی ها در آن هستند، تا تداوم دارد آسمان ها و زمین، جز آنچه را خواست ربّ تو، بخششی است بی قطع شده

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ (109 هود)

پس نباش در شک از آنچه می پرستد، اینان نمی پرستند جز مانند آنچه را می پرستد پدرانشان از قبل، و همانا ما یقیناً کامل دهندگان به آنان هستیم نصیبشان را، بی ناقص شده

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (110 هود)

و یقیناً به درستی دادیم به موسی کتاب را، پس اختلاف پیدا شد در آن، و اگر کلمه ای پیشی نمی گرفت از ربّت، یقیناً تصمیم قطعی گرفته می شد بین آنان، و همانا آنان یقیناً در تردیدی از آن هستند که شبهه انگیز است

وَإِنَّ كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (111 هود)

و همانا همگی را، وقتی که یقیناً به طور کامل به آنان می دهد ربّت، اعمالشان را، همانا او به آنچه انجام می دهند آگاه است

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (112 هود)

پس درست شو، همانگونه که امر شدی، و کسی که بازگشت با تو، و از حد در نگذرید، همانا او به آنچه انجام می‌دهید بیناست

وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ (113 هود)

و تکیه نکنید به کسانی که ستم کردند، پس به شما برسد آتش، و نیست برای شما از غیر خدا از دوستان، سپس یاری نمی شوید

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ (114 هود)

و بر پا دار نماز را دو طرف روز (یا اول و آخر روز)، و ساعات مشترک میان شب و روز از شب، همانا نیکی ها می برد بدی ها را، آن یادآوری است برای یاد کنندگان

(در این آیه بیان شده که اول و آخر روز نماز بخوانید و اول روز می تواند در اوایل صبح باشد، هنگامی که خورشید در حال بالا آمدن است و در آخر روز، می تواند در هنگام عصر باشد، هنگامی که خورشید می خواهد ناپدید شود. نماز در هنگام ساعات مشترک میان شب و روز از شب، منظور نماز صبح و نماز مغرب است و زمان آن هنگامی است که آسمان کمی روشن است ولی هوا تاریک است. در ادامه بیان شده که نیکی ها، بدی ها را می برد یعنی کارهای نیک انسان، بدی های انسان را پاک می کند. یکی از نیکی ها، نماز است و باعث پاک شدن بدی ها می شود. در قرآن در جاهای مختلف در مورد افرادی که روز قیامت رستگار می شوند، بیان شده که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند. این کارهای شایسته باعث می شود که گناهان فرد پاک شوند و فرد رستگار شود.)

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (115 هود)

و شکیبا باش، پس همانا خدا از بین نمی برد پاداش بسیارنیکوکاران را

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ (116 هود)

پس چرا نبود از نسل های از قبل شما، دارندگان باقی مانده ای، که منع می کنند از تباهی در زمین، جز اندکی از کسی که نجات دادیم از آنان، و پیروی کرد کسانی که ستم کردند، آنچه را غرق لذت شدند در آن، و بودند بدکاران

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ (117 هود)

و نبود ربّ تو، تا هلاک کند آبادی ها را به ستم، و ساکنین آن اصلاح گرانند

(یکی دیگر از پیش نیازهایی که باید می بوده تا عذاب بر اقوام گذشته از جانب خداوند نازل می شده است، انجام تباهی در زمین بوده است و تعریف تباهی (یا فساد) در زمین، در قرآن بیان شده است.)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (118 هود)

و اگر می خواست ربّ تو، یقیناً قرار می داد مردم را جماعتی یگانه، و پیوسته گوناگون ها هستند

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (119 هود)

جز کسی را که ترحم کرد ربّ تو، و برای آن آفرید آنان را، و کامل شد کلمه ی ربّت، یقیناً لبریز می کنم جهنم را از جن و مردم، همگی

(بیان شده که اگر خداوند می خواست، همگی مردم را هدایت می نمود، ولی خداوند کسانی را که به آنها ترحم نموده است، و برای ترحم کردن، آنها را آفریده است، هدایت می نماید.)

وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (120 هود)

و همگی آنچه نقل می کنیم بر تو از خبرهای فرستادگان، آنچه است که تثبیت می کنیم با آن قلبت را، و آمد نزد تو در این، حقیقت و پندی، و یادآوری است برای مؤمنان

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ (121 هود)

و بگو به کسانی که ایمان نمی آورند، انجام دهید طبق مقامتان، همانا ما عمل کنندگان هستیم

(این آیه نشان دهنده ی عدم اجبار در ایمان و دین می باشد و اینکه این مربوط به تصمیم شخصی هر کسی است که ایمان بیاورد یا نه، و اینکه چگونه رفتار کند.)

وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (122 هود)

و منتظر باشید، همانا ما منتظران هستیم

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (123 هود)

و برای خداست پنهان آسمان ها و زمین، و به او بازگردانده می شود فرمان (یا کار)، همه اش، پس بپَرَست او را و توکل کن بر او، و نیست ربّ تو بی خبر از آنچه انجام می دهید

سوره یوسف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (1 یوسف)

الف لام راء، آن است آیات کتاب آشکار

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (2 یوسف)

همانا ما نازل کردیم قرآنی را به صورت منسوب به عرب، شاید شما درک می کنید

(قرآن به زبان عربی نازل شده است تا قابل فهم برای عرب زبان ها باشد.)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (3 یوسف)

ما نقل می کنیم بر تو نیکوترین داستان ها را به واسطه ی آنچه وحی کردیم به تو این قرآن را، و همانا بودی از قبل آن یقیناً از بی خبران

(پیامبر قبل از وحی شدن قرآن بر او، از ماجراهای اقوام گذشته که در قرآن بیان شده است، بی خبر بوده است. اینکه برخی بیان می کنند که پیامبر از همه چیز آگاه بوده است و از غیب نیز با خبر بوده، جز دروغی را بیان نمی کنند.)

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (4 یوسف)

هنگامی که گفت یوسف به پدرش، ای پدر من، همانا من دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه را، دیدم آنان را که برای من سجده کنندگان هستند

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ (5 یوسف)

گفت ای پسرم، نقل نکن رؤیایت را بر برادرانت، پس توطئه می چینند برای تو توطئه ای را، همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار است

وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (6 یوسف)

و اینچنین تو را بر می گزیند ربّت، و به تو می آموزد از تعبیر خبرها، و کامل می کند نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب، چنانکه کامل کرد آن را بر دو پدرت از قبل، ابراهیم و اسحاق، همانا ربّ تو دانای صاحب حکمت است

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلسَّائِلِينَ (7 یوسف)

یقیناً به درستی بود در یوسف و برادرانش، نشانه هایی برای پرسشگران

إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَى أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (8 یوسف)

هنگامی که گفتند یقیناً یوسف و برادرش محبوب تر است به پدرمان از ما، و ما جماعتی هستیم، همانا پدر ما یقیناً در گمراهی آشکاری است

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ (9 یوسف)

بکشید یوسف را یا بیندازید او را در سرزمینی، تا جهت پدرتان برایتان خالی شود (کنایه است به معنی اینکه تا محبت پدرتان خالص برای شما شود)، و باشید از پس از آن جماعتی شایسته

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (10 یوسف)

گفت گوینده ای از آنها، نکشید یوسف را، و بیندازید او را در ته چاه، بر می دارد او را بعضی از کاروان، اگر بودید انجام دهندگان

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ (11 یوسف)

گفتند ای پدر ما، تو را چه شده که اعتماد نمی کنی به ما برای یوسف، و همانا ما برای او یقیناً نصیحت کنندگانیم

أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (12 یوسف)

بفرست او را با ما فردا، تا بگردد و بازی کند، و همانا ما برای او یقیناً نگهبانانیم

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ (13 یوسف)

گفت همانا من را، یقیناً اندوهگینم می کند، اینکه ببرید او را، و می ترسم اینکه بخورد او را گرگ، و شما از او بی خبران باشید

قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَاسِرُونَ (14 یوسف)

گفتند یقیناً اگر خورد او را گرگ و ما جماعتی بودیم، همانا ما بدین ترتیب یقیناً زیانکارانیم

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (15 یوسف)

پس وقتی که بردند او را و هم رأی شدند، اینکه قرار دهند او را در ته چاه، و وحی کردیم به او، اینکه یقیناً با خبرشان می کنی به این کارشان، و آنان درک نمی کنند

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ (16 یوسف)

و آمدند نزد پدرشان ابتدای شب، در حالی که گریه می کنند

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ (17 یوسف)

گفتند ای پدر ما، همانا ما رفتیم مسابقه بدهیم و ترک کردیم یوسف را نزد کالایمان، پس خورد او را گرگ، و نیستی تو از مؤمن (یا باور کننده) به ما، اگرچه بودیم راستگویان

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (18 یوسف)

و آوردند بر پیراهنش از خونی دروغین را، گفت بلکه از راه به در کرد برای شما جان هایتان کاری را، پس شکیبایی ای زیبا، و خدا یاری ده است بر آنچه توصیف می کنید

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (19 یوسف)

و آمد کاروانی، پس فرستادند آب آورشان را، پس در چاه انداخت دلوش را، گفت ای مژده، این پسری (یا بنده ای) است، و پنهانش کردند همچون سرمایه ای، و خدا داناست به آنچه انجام می دهند

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ (20 یوسف)

و فروختند او را به قیمت کم، درهم های اندک، و بودند در آن از بی اعتنایان

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (21 یوسف)

و گفت آنکه خرید او را از مصر، به زنش، ارج بگذار منزلت او را، چه بسا اینکه نفع برساند به ما، یا بگیریم او را به فرزندی، و اینچنین تقویت کردیم برای یوسف در زمین، و تا تعلیم دهیم به او از تعبیر خبرها، و خدا غلبه کننده است بر کارش، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (22 یوسف)

و وقتی که رسید به سن بلوغش (یا ادراکش)، دادیم به او داوری کردن (یا حکم صادر کردن) و دانشی، و اینچنین جزا می دهیم بسیار نیکوکاران را

وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (23 یوسف)

و خواست از او، آنکه (=آن زن که) او (=یوسف) در خانه اش بود، از خودش، و بست درها را، و گفت بیا، برای تو است، گفت پناه می برم به خدا، همانا او است ربّ من، نیکو کرد منزلت من را، به یقین رستگار نمی شود ستمکاران

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (24 یوسف)

و یقیناً به درستی قصد کرد به او (=به یوسف)، و قصد کرد به او (=به زن) اگر نبود اینکه دید دلیل ربّش را، اینچنین تا برگرداندیم از او بدی و گناه بسیار زشت را، همانا او از بندگان خالص کننده های ما بود

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (25 یوسف)

و سبقت گرفتند به در، و پاره کرد پیراهنش را از پشت، و آن دو یافتند آقایش (=آقای زن) را کنار در، گفت (=زن) چیست سزای کسی که رغبت داشت به همسرت بدی ای را، جز اینکه زندانی شود یا عذابی دردناک

قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (26 یوسف)

گفت او (=زن) خواست از من از خودم را، و گواهی داد گواهی دهنده ای از خانواده اش (=خانواده ی زن)، اگر پاره شده پیراهنش (=پیراهن یوسف) از جلو، پس راست گفت (=زن)، و او (=یوسف) از دروغگویان است

وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ (27 یوسف)

و اگر پاره شده پیراهنش (=یوسف) از پشت، پس دروغ گفت (=زن)، و او (=یوسف) از راستگویان است

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ (28 یوسف)

پس وقتی که دید پیراهنش (=پیراهن یوسف) را که پاره شد از پشت، گفت همانا آن از نیرنگ شما (=زنان) است، همانا نیرنگ شما بزرگ است

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ (29 یوسف)

یوسف روی برگردان از این، و طلب عفو کن برای گناهت (=زن)، همانا تو (=زن) بودی از خطاکاران

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (30 یوسف)

و گفت زنان در شهر، اینکه زن عزیز درخواست می کند غلام جوانش را از خودش، به درستی دلباخته کرد او را عشقی، همانا ما یقیناً می بینیم او (=زن عزیز) را در گمراهی آشکاری

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (31 یوسف)

پس وقتی که شنید (=زن عزیز) از نیرنگ آنان (=زنان)، فرستاد به آنان (=زنان)، و مهیا کرد برای آنان تکیه گاهی، و داد به هر یک از آنان چاقویی را، و گفت خارج شو بر آنان، پس وقتی که دیدند (=زنان) او (=یوسف) را، بزرگ یافتند او را، و تکه تکه کردند دست هایشان را، و گفتند منزه است خدا، نیست این انسان، نیست این جز فرشته ای ارجمند

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ (32 یوسف)

گفت پس این است آنکه مرا سرزنش کردید به دلیل او، و یقیناً به درستی خواستار بودم او را از خودش، پس پناه بُرد، و یقیناً اگر هرگز انجام نداد آنچه را دستور می دهم به او، یقیناً زندانی می شود، و یقیناً باشد از تحقیر شدگان

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ (33 یوسف)

گفت ربّ، زندان محبوبتر است به من از آنچه فرا می خوانند مرا به آن، و اگر که برنگردانی از من نیرنگ آنان (=زنان) را، متمایل می شوم به آنان، و خواهم بود از نادان ها

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (34 یوسف)

پس پاسخ داد به او ربّش، پس برگرداند از او نیرنگشان را، همانا او خود شنوای داناست

ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّى حِينٍ (35 یوسف)

سپس به ذهن رسید برای آنان (=منظور از آنان، زنان نیست)، از پس از آنچه دیدند نشانه ها را، یقیناً او را زندانی کنند تا هنگامی

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (36 يوسف)

و وارد شد با او در زندان دو غلام جوان، گفت یکی از آن دو، همانا من می بینم خودم را که آب می گیرم شرابی را، و گفت دیگری، همانا من می بینم خودم را که حمل می کنم بالای سرم نانی را که می خورد پرندگان از آن، ما را باخبر کن از تعبیر آن، همانا ما می بینیم تو را از بسیار نیکوکاران

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (37 يوسف)

گفت برای شما دو نفر نمی آید خوراکی ای که روزی داده می شوید با آن، مگر اینکه باخبر می کنم شما دو نفر را به تعبیر آن، قبل از اینکه نزد شما دو نفر بیاید، آن است از آنچه به من تعلیم داد ربّم، همانا من ترک کردم آیین جماعتی را که ایمان نمی آورند به خدا، و آنان به آخرت، خود کافران هستند

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (38 يوسف)

و پیروی کردم آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، نبود برای ما اینکه شریک قائل شویم با خدا از چیزی را، آن از مزیت خدا است بر ما و بر مردم، و لیکن بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند

يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (39 يوسف)

ای دو همنشین زندان من، آیا ربّ های پراکنده بهتر است یا خدای یگانه ی بسیار چیره شونده

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (40 يوسف)

نمی پرستید از غیر او جز نام هایی را، که نامگذاری کردید آن را شما و پدرانتان، نازل نکرد خدا بر آن از دلیلی را، نیست صدور حکم جز برای خدا، فرمان داد که نپرستید جز او را، آن دین ارزشمند (یا درست) است، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند

(بیان شده که پرستش خداوند، دین ارزشمند است.)

يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ (41 يوسف)

ای دو همنشین زندان من، لیکن یکی از شما، پس می نوشاند ربّش را شرابی، و لیکن دیگری به صلیب کشانده می شود، پس می خورد پرندگان از سر او، تصمیم قطعی گرفته شد در کار، که در مورد آن از من پرسیدید

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ (42 يوسف)

و گفت به کسی که گمان برد همانا او نجات یابنده است از آن دو، اینکه به یاد آور مرا نزد ربّت (یا سرورت)، پس از یادش بُرد شیطان، به یاد آوردن سرورش را، پس توقف کرد در زندان چند سالی را

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ (43 يوسف)

و گفت پادشاه، همانا من دیدم هفت گاو ماده ی چاق را، که می خورد آنان را هفت لاغر، و هفت خوشه گندم سبز، و دیگری خشک ها، ای بزرگان، به من نظر دهید در مورد رویای من، اگر برای رویا تعبیر کرده اید

قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ (44 يوسف)

گفتند خواب های پریشان است، و نیستیم ما به تعبیر خواب ها از دانشمندان

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ (45 يوسف)

و گفت آنکه رهایی یافت از آن دو، و به یاد آورد پس از جماعتی، من با خبرتان می کنم از تعبیر آن، پس مرا بفرستید

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ (46 يوسف)

یوسف، ای راستگو، نظر بده به ما در مورد هفت گاو ماده ی چاق، که می خورد آنان را هفت لاغر، و هفت خوشه گندم سبز، و دیگری خشک ها، شاید من برگردم به مردم، شاید آنان می دانند

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ (47 يوسف)

گفت کشت می کنید هفت سال پی در پی، پس آنچه را درو کردید، پس رها کنید آن را در خوشه اش جز اندکی را، از آنچه می خورید

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ (48 يوسف)

سپس می آید از پس از آن هفت بخیل، که می خورند آنچه را از پیش فراهم کردید برای آنان، جز اندکی از آنچه را حفاظت می کنید

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ (49 يوسف)

سپس می آید از پس از آن، سالی که در آن باران بارانده می شود بر مردم، و در آن آب می گیرند (مثلاً از میوه)

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ (50 يوسف)

و گفت پادشاه، نزد من آورید او را، پس وقتی که آمد نزد او فرستاده، گفت بازگرد به سرورت، پس بپرس از او، چیست وضع زنانی که تکه تکه کردند دست هایشان را، همانا ربّ من به نیرنگ آنان آگاه است

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (51 يوسف)

گفت چیست حال شما (=زنان) هنگامی که خواستار بودید یوسف را از خودش، گفتند (=زنان) منزه است خدا، ندانستیم بر او از بدی ای، گفت زن عزیز، اکنون آشکار شد حقیقت من، خواستار بودم او را از خودش، و همانا او یقیناً از راستگویان است

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ (52 يوسف)

آن است، تا بداند همانا من هرگز به او (=مرد) خیانت نکردم به پنهان، و همانا خدا هدایت نمی کند نیرنگ خیانت کاران را

وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (53 يوسف)

و تبرئه نمی کنم جانم را، همانا جان یقیناً بسیار امر کننده ها است به بدی، جز آنچه را ترحم کرد ربّم، همانا ربّ من بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ (54 يوسف)

و گفت پادشاه، بیاورید نزد من او را، تا محرم کنم او را برای خودم، پس وقتی که سخن گفت با او، گفت همانا تو امروز نزد ما بلند مرتبه ی قابل اعتماد هستی

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ (55 يوسف)

گفت قرار ده مرا بر محل های ذخیره اموال سرزمین، همانا من نگهدارنده ای دانا هستم

وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (56 يوسف)

و اینچنین توانمند کردیم برای یوسف در زمین، ساکن می شود از آن هر کجا را که می خواهد، می رسانیم به مهربانیمان کسی را که می خواهیم، و از بین نمی بریم پاداش بسیار نیکوکاران را

وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (57 يوسف)

و یقیناً پاداش آخرت بهتر است برای کسانی که ایمان آوردند و حذر می کردند

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ (58 يوسف)

و آمد برادران یوسف، پس وارد شدند بر او، پس شناخت آنان را، و آنان او را نشناختند

وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (59 يوسف)

و وقتی که آماده کرد آنان را با اسبابشان، گفت بیاورید نزد من برادری که برای شما است از پدرتان، آیا نمی بینید همانا من کامل می کنم پیمانه را، و من بهترین میزبانان هستم

فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ (60 یوسف)

پس اگر هرگز نزد من نیاوردید او را، پس نیست پیمانه ای برای شما نزد من، و نزدیک من نشوید

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ (61 یوسف)

گفتند خواهیم خواست در مورد او از پدرش، و همانا ما یقیناً انجام دهندگان هستیم

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (62 یوسف)

و گفت به غلامانش (یا کارگزارانش)، قرار دهید کالای آنان را در وسایلشان، شاید آنان بشناسند آن را اگر بازگشتند به خانواده شان، شاید آنان بازگردند

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (63 یوسف)

پس وقتی که بازگشتند به پدرشان، گفتند ای پدرِ ما، بازداشته شد از ما پیمانه، پس بفرست با ما برادرمان را، تا پیمانه بگیریم، و همانا ما برای او یقیناً نگهدارندگان هستیم

قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (64 یوسف)

گفت آیا امین شمرم شما را برای او، جز چنانکه مطمئن شدم به شما برای برادرش از قبل، پس خدا بهترین نگهدارنده است، و او مهربانترین رحم کنندگان است

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ (65 یوسف)

و وقتی که باز کردند اسبابشان را، یافتند کالایشان را که بازگردانده شد به آنان، گفتند ای پدرِ ما، چه می خواهیم، این کالایمان است، بازگردانده شد به ما، و آذوقه می آوریم برای خانواده مان، و حفظ می کنیم برادرمان را، و اضافه می کنیم پیمانه شتری را، آن پیمانه ای آسان است

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (66 یوسف)

گفت هرگز او را نخواهم فرستاد با شما، تا به من بدهید عهدی را از خدا، که یقیناً برایم بیاورید او را، جز اینکه احاطه شدید، پس وقتی که نزد او بردند عهدشان را، گفت خدا بر آنچه می گوییم کارگزار است

وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (67 یوسف)

و گفت ای فرزندان من، داخل نشوید از دری یگانه، و وارد شوید از درهای پراکنده، و بی نیاز نمی کنم از شما از خدا از چیزی را، نیست صدور حکم جز برای خدا، بر او توکل کردم، و بر او پس باید توکل کند توکل کنندگان

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (68 یوسف)

و وقتی که داخل شدند از جایی که امر کرد به آنان پدرشان، بی نیاز نمی شد از آنان از خدا از چیزی را، جز نیازی در جان یعقوب، که بر طرف کرد آن را، و همانا او یقیناً دارای دانشی بود به آنچه به او تعلیم دادیم، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (69 یوسف)

و وقتی که داخل شدند بر یوسف، جا داد به او برادرش را، گفت همانا من خود، برادرت هستم، پس اندوهگین نباش به آنچه انجام می دادند

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ (70 یوسف)

پس وقتی که آماده کرد آنان را با اسبابشان، قرار داد ظرف آبخوری را در وسایل سفر برادرش، سپس اعلام کرد ندا دهنده ای، ای کاروان، همانا شما یقیناً دزدان هستید

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ (71 یوسف)

گفتند و روی آوردند بر آنان، که چه چیزی از دست داده اید

قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ (72 یوسف)

گفتند از دست داده ایم جام شاه را، و برای کسی که آورد آن را، بار شتری است، و من به آن ضامنم

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ (73 یوسف)

گفتند به خدا سوگند، یقیناً به درستی دانستید که نیامدیم تا فساد کنیم در زمین، و نبودیم دزدان

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ (74 یوسف)

گفتند پس چیست سزای آن، اگر بودید دروغگویان

قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (75 یوسف)

گفتند سزای آن، کسی است که یافته شد در وسایل سفرش، پس او سزای آن است، اینچنین جزا می دهیم ستمکاران را

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ (76 یوسف)

پس آغار کرد با ظرف های آنان، قبل از ظرف برادرش، سپس خروج آن را طلبید از ظرف برادرش، اینچنین نیرنگ زدیم برای یوسف، نبود تا بگیرد برادرش را در آیین پادشاه، جز اینکه بخواهد خدا، بالا می بریم رتبه های کسی را که می خواهیم، و بالاتر از هر دارنده ی دانشی، دانایی است

قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (77 یوسف)

گفتند اگر دزدی کند، پس به درستی دزدید برادری که برای او است از قبل، پس پنهان نگه داشت آن را یوسف در خودش، و هرگز آن را آشکار نساخت برای آنان، گفت شما بدترید از نظر مرتبه، و خدا داناتر است به آنچه توصیف می کنید

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (78 يوسف)

گفتند ای عزیز، همانا برای او پدری است که سالخورده ای عالی مقام است، پس بگیر یکی از ما را به جای او، همانا ما می بینیم تو را از بسیار نیکوکاران

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ (79 يوسف)

گفت پناه می برم به خدا، اینکه بگیریم جز کسی را که یافتیم کالایمان را نزد او، همانا ما بدین ترتیب یقیناً ستمکارانیم

فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (80 يوسف)

پس وقتی که نا امید شدند از او، کنار کشیدند رازگویان، گفت بزرگ آنان، آیا هرگز نمی دانید همانا پدر شما به درستی گرفت بر شما عهدی از خدا را، و از قبل، آنچه را کوتاهی کردید (یا از حد درگذشتید) در مورد یوسف، پس هرگز ترک نمی کنم سرزمین را، تا اجازه دهد به من پدرم، یا حکم صادر کند خدا برای من، و او بهترین داوران است

ارْجِعُوا إِلَى أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ (81 يوسف)

بازگردید به پدرتان، پس بگویید ای پدرِ ما، همانا پسرت دزدی کرد، و گواهی ندادیم جز به آنچه دانستیم، و نبودیم به پنهان نگهدارندگان

وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (82 يوسف)

و سؤال کن از آبادی ای که بودیم در آن، و کاروانی که رفتیم در آن، و همانا ما یقیناً راستگویانیم

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (83 يوسف)

گفت بلکه از راه به در کرد برای شما جان هایتان موضوعی را، پس شکیبایی ای زیبا، چه بسا خدا، اینکه برایم بیاورد آنها را همگی، همانا او دانای صاحب حکمت است

وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ (84 يوسف)

و روی برتافت از آنان و گفت ای افسوس بر یوسف، و سفید شد دو چشمش از اندوه، پس او اندوهگین بود

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ (85 يوسف)

گفتند به خدا سوگند پیوسته به یاد می آوری یوسف را، تا باشی نیمه جان یا باشی از هلاک شوندگان

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (86 يوسف)

گفت همانا شکایت می کنم اندوه جانکاهم را و غمم را به خدا، و می دانم از خدا آنچه را نمی دانید

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (87 يوسف)

ای فرزندانم بروید، پس دنبال کسب خبر باشید از یوسف و برادرش، و مأیوس نشوید از مهربانی خدا، به یقین نا امید نمی شود از مهربانی خدا جز جماعت کافران

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ (88 يوسف)

پس وقتی که وارد شدند بر او، گفتند ای عزیز، رسید به ما و خانواده ی ما زیان، و آوردیم کالایی اندک را، پس کامل کن برای ما پیمانه را، و صدقه بده بر ما، همانا خدا جزا می دهد بخشندگان را

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ (89 يوسف)

گفت آیا دانستید چه کردید با یوسف و برادرش، هنگامی که شما نادانان بودید

قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (90 يوسف)

گفتند آیا همانا تو یقیناً خود، یوسف هستی، گفت من یوسف هستم و این برادرم است، به درستی منّت گذاشت خدا بر ما، همانا او کسی را که حذر کند و صبر کند، پس همانا خدا ضایع نمی کند پاداش بسیار نیکوکاران را

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ (91 يوسف)

گفتند به خدا سوگند، یقیناً به درستی برتر دانست (یا گرامی داشت) تو را خدا بر ما، و همانا بودیم یقیناً خطاکاران

قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (92 يوسف)

گفت نیست سرزنشی بر شما امروز، می آمرزد خدا برای شما، و او مهربانترین بخشایندگان است

اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ (93 يوسف)

ببرید این پیراهنم را، پس بیندازید آن را بر صورت پدرم تا بینا شود، و بیایید نزد من با خانواده تان، همگی

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ (94 يوسف)

و وقتی که بیرون رفت کاروان، گفت پدرشان، همانا من یقیناً یافتم بوی یوسف را، اگر اینکه سرزنش نمی کنید مرا

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ (95 يوسف)

گفتند به خدا سوگند، همانا تو یقیناً در گمراهی قدیمی ات هستی

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (96 يوسف)

پس وقتی که همانا آمد مژده دهنده، انداخت آن را بر صورتش، پس بینا شد، گفت آیا هرگز نگفتم به شما همانا من می دانم از خدا آنچه را نمی دانید

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ (97 يوسف)

گفتند ای پدر ما، طلب عفو کن برای ما گناهانمان را، همانا ما بودیم خطاکاران

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (98 يوسف)

گفت به زودی طلب عفو می کنم برای شما از ربّم، همانا او خود، بسیار آمرزنده بخشایشگر است

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ (99 يوسف)

پس وقتی که داخل شدند بر یوسف، جا داد به خود، پدر و مادرش را، و گفت داخل شوید به مصر، اگر خواست خدا، ایمن ها

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (100 يوسف)

و بالا برد پدر و مادرش را بر تخت شاهی (یا ارجمندی)، و فرو افتادند برای او سجده کنان، و گفت ای پدر جان، این تعبیر رؤیای من است از قبل، به درستی قرار داد آن را ربّم حقیقتی، و به درستی نیکی کرد به من هنگامی که خارجم کرد از زندان، و آورد شما را از بیابان، از پس از اینکه تفرقه ایجاد کرد شیطان بین من و بین برادرانم، همانا ربِّ من پر محبت است برای آنچه می خواهد، همانا او خود دانای صاحب حکمت است

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (101 يوسف)

ربّ، به درستی دادی به من از سلطه، و به من تعلیم دادی از تعبیر خبرها، آفریننده ی آسمان ها و زمین، تو دوست من در دنیا و آخرت هستی، مرا بمیران به صورت تسلیم کننده، و ملحق کن مرا به شایستگان

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ (102 يوسف)

آن از خبرهای پنهان است که وحی می کنیم آن را به تو، و نبودی نزد آنان هنگامی که هم رأی شدند در کارشان، و آنان نیرنگ می زنند

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (103 یوسف)

و نیستند بیشتر مردم، اگرچه آرزومند بودی، از مؤمنان

(ایمان آوردن و نیاوردن هر فرد، به خود او و تصمیم او بر می گردد و در ایمان و دین، هیچ اجباری وجود ندارد.)

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (104 یوسف)

و تقاضا نمی کنی از آنان برای آن، از پاداشی را، نیست آن جز به یاد آوردنی برای جهانیان

(پیامبر برای رساندن وحی خداوند به مردم و دعوت مردم به ایمان آوردن، از مردمی چیزی طلب نمی کرد و قرآن جز یادآوری کردنی برای مردم نیست. این یادآوری انجام شد، هر کسی بخواهد به آن ایمان می آورد و هر کسی نخواهد ایمان نمی آورد.)

وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (105 یوسف)

و چه بسیار از نشانه در آسمانها و زمین است، می گذرند بر آن، و آنان از آن روی گرداننده ها هستند

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ (106 یوسف)

و ایمان نمی آورد بیشترشان به خدا، به جز اینکه، و آنان مشرکان هستند

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (107 یوسف)

آیا پس آرامش یافتند از اینکه به سراغشان بیاید پوشاننده ای از عذاب خدا، یا به سراغشان بیاید هنگام قیامت به صورت غافلگیری، و آنان احساس نمی کنند

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (108 یوسف)

بگو این راه من است، فرا می خوانم به خدا بر بینشی، من و کسی که پیروی ام کرد را، و پاک و منزه است خدا، و نیستم من از مشرکان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ (109 یوسف)

و نفرستادیم از قبل تو جز مردانی را، که وحی می کنیم به آنان، از ساکنین آبادی ها، آیا پس هرگز حرکت نکردند در زمین، پس ببینند چگونه بود پایان کار کسانی که از قبل آنان بودند، و یقیناً منزل آخرت بهتر است برای کسانی که حذر کردند، آیا پس درک نمی کنید

حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (110 یوسف)

تا ناگهان نا امید شد فرستادگان، و گمان بردند که همانا آنان به درستی دروغ گفته شدند، آمد نزد آنان یاری ما، پس نجات داده شد کسی را که می خواهیم، و بازگشت داده نمی شود عذاب ما از جماعت بدکاران

(در نازل شدن عذاب خداوند بر اقوام گذشته، یک اتفاقی که روی می داده است، این بوده که پیامبر آن قوم که عذاب بر آنها نازل می شده است، نا امید می شده و گمان می برده که به او دروغ گفته شده است، در این زمان، یاری خداوند به پیامبر می رسید و عذاب بر آن اقوام نازل می شد. این می تواند مهمترین پیش نیاز برای وقوع عذاب بر اقوامی که بر آنها عذاب نازل شد باشد.)

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (111 یوسف)

یقیناً به درستی بود در حکایت های آنان، عبرتی برای خردمندان، نبود سخنی که دروغ بافته می شود، و لیکن تأیید آنچه که در برابر آن است، و بیان روشن هر چیزی است، و هدایت و مهربانی ای است برای جماعتی که ایمان می آورند

(قرآن سخنی به دروغ بافته شده نیست و تأیید کتاب های آسمانی قبل از خود است و به روشنی بیان شده است و هدایت و مهربانی است برای کسانی که ایمان می آورند. یک نکته اینکه آیات قرآن به روشنی و به صورت واضح بیان شده است و غیر قابل فهم نیست و اگر کسی قرآن را بخواند، برای او قابل فهم است و نیاز به داشتن تخصص در زمینه ی خاصی برای فهم قرآن ندارد. افرادی که می گویند برای تشخیص دین باید تحصیلات خاصی داشت و فقط افرادی می توانند قرآن را بفهمند که این تحصیلات را داشته باشند و دیگران قادر به فهم قرآن و دین حقیقی نیستند و آنها باید دین خود را به واسطه ی این افراد بفهمند، جز دروغ نمی گویند و هدف آنها پنهان کردن حقیقت و پنهان کردن دین حقیقی از مردم است و آنها می خواهند به واسطه ی نا آگاهی مردم از دین حقیقی، به گمراه کردن آنها ادامه دهند. نکته ی دیگر اینکه قرآن هدایت کننده ی مؤمنان است و فردی که ایمان آورده و مسلمان است و می خواهد به راه راست پی ببرد و در زمینه ی دین، حقیقت را از دروغ تشخیص دهد، باید قرآن را بخواند، و تشخیص دین حقیقی ارتباطی با احادیث و روایات و نحوه ی رفتار و گفتار پیامبر ندارد و مراجعه به این منابع برای فهم دین، جز گمراهی در دین نیست.)

سوره رعد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

المر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (1 رعد)

الف لام میم را، آن است آیات کتاب، و آنچه نازل شد به تو از ربّت، حقیقت است و لیکن بیشتر مردم ایمان نمی آورند

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (2 رعد)

خداست آنکه بالا برد آسمان ها را بدون ستون هایی که آن را ببینید، سپس قصد کرد بر عرش، و مغلوب کرد خورشید و ماه را، همه روان است تا مهلتی مشخص، اداره می کند کار را، به روشنی بیان می کند آیات را، شاید شما به دیدار ربّتان یقین می کنید

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (3 رعد)

و اوست آنکه گستراند زمین را، و قرار داد در آن کوه های استوار را، و رودهایی را، و از هر میوه ای قرار داد در آن دو جفت دوتایی را، پوشیده نگه می دارد شب را بر روز، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که می اندیشند

وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (4 رعد)

و در زمین اجزایی کنار هم است، و باغ هایی از انگورها و زراعت و درختان خرمای هم ریشه و غیر هم ریشه، آب داده می شود با آبی یگانه، و صاحب فضل دانستیم بعضی از آن را بر بعضی در میوه، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که درک می کنند

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (5 رعد)

و اگر شگفت زده شوی، پس به صورت شگفتی، سخن آنان است، آیا اگر بودیم خاک، آیا همانا ما یقیناً در آفریدنی تازه هستیم، آنان کسانی هستند که کفر ورزیدند به ربّشان، و آنان غل هایی در گردن هایشان است، و آنان همنشینان آتش هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثُلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ (6 رعد)

و به عجله می اندازند تو را به بدی قبل از خوبی، و به درستی گذشت از قبل آنان عقوبت ها، و همانا ربّ تو یقیناً دارنده ی آمرزش گناه برای مردم بر ستمشان است، و همانا ربّ تو یقیناً نیرومند کیفر است

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (7 رعد)

و می گویند کسانی که کفر ورزیدند، چرا نازل نشد بر او آیه ای از ربّش، همانا تو هشدار دهنده ای هستی، و برای هر جماعتی هدایت کننده ای است

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ (8 رعد)

خدا می داند آنچه را حمل می کند هر ماده ای (یا مؤنثی)، و آنچه را می کاهد رحم ها، و آنچه را می افزاید، و همه چیز نزد او به اندازه است

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ (9 رعد)

دانای پنهان و آشکار، بزرگِ والا است

سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ (10 رعد)

یکسان است از شما کسی که پنهان نگه داشت سخن را، و کسی که آشکار کرد آن را، و کسی که او پنهان شونده است به شب، و آشکار به روز است

(در همه ی این حالت ها، خداوند از همه چیز آگاه است.)

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (11 رعد)

برای او، فرشتگانِ شب و روز، از برابرش و از پشتش، محافظتش می کنند برای فرمان خدا، همانا خدا تغییر نمی دهد آنچه را با جماعتی است، تا تغییر دهند آنچه را با خودشان است، و اگر خواست خدا بر جماعتی بدی ای را، پس اجتناب ناپذیر است و نیست برای آنان از غیر از او از فرمانروایی

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ (12 رعد)

اوست آنکه به شما نشان می دهد برق را، به صورت ترس و طمع ورزیدن، و پدید می آورد ابر سنگین را

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ (13 رعد)

و تسبیح می گوید تندر به ستایش او، و فرشتگان از ترس او، و می فرستد صاعقه ها را، پس اصابت می کند به آن، کسی را که می خواهد، و آنان جر و بحث می کنند به دلیل خدا، و او نیرومند حیله است

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (14 رعد)

برای او است فرا خوانی به حقیقت، و کسانی که صدا می کنند از غیر او، پاسخ نمی دهند برای آنان چیزی را، جز مانند گسترنده ی کف دستانش به آب، تا برسد به دهانش، و نیست آن رسیده ی به او، و نیست فراخواندن کافران جز در گمراهی

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (15 رعد)

و برای خدا سجده می کند کسی که در آسمان ها و زمین است، به صورت فرمانبردار و به صورت کراهت داشتن، و سایه هایشان به بامدادان (یا مابین فجر و طلوع آفتاب) و تنگ های غروب

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (16 رعد)

بگو چه کسی ربّ آسمان ها و زمین است، بگو خداست، بگو آیا پس، گرفتید از غیر او دوستانی را، که مالک نمی شوند برای خودشان نفعی و نه زیانی را، بگو آیا یکسان است نابینا و بینا، یا آیا یکسان است تاریکی ها و روشنایی، یا قرار دادید برای خدا شریکانی را که آفریدند مانند آفریدن او را، پس مشابه شد آفریدن برای آنان، بگو خدا آفریننده ی همه چیز است و او یگانه ی بسیار چیره شونده است

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (17 رعد)

نازل کرد از آسمان آبی را، پس جاری شد دره هایی به اندازه اش، پس حمل کرد آب بسیار و روانی، کفی گردنده را، و از آنچه روشن می کنند بر آن در آتش، برای طلب کردن زیور آلات یا کالایی، کفی است مانند آن، اینچنین بیان می کند خدا حقیقت و باطل را، پس لیکن کف، پس می رود بی فایده، و لیکن آنچه نفع می رساند به مردم، پس باقی می ماند در زمین، اینچنین بیان می کند خدا مَثَل ها را

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (18 رعد)

برای کسانی که پاسخ دادند برای ربّشان، نیکوتر است، و کسانی که هرگز پاسخ ندادند برای او، اگر همانا برای آنان آنچه در زمین است همگی، و نظیر آن با آن باشد، یقیناً فدیه می دهند آن را و آزاد می کنند، آنان برایشان بد شمارشی است و پناهگاه آنان جهنم است و بد بستری است

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (19 رعد)

آیا پس کسی که می داند، چنین است که نازل شد به تو از ربّت حقیقت، مانند کسی است که او نابینا است، همانا به یاد می آورد خردمندان

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ (20 رعد)

کسانی که وفا می کنند به پیمان خدا، و نقض نمی کنند پیمان را

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (21 رعد)

و کسانی که می پیوندند به آنچه امر کرد خدا به آن، اینکه پیوند داده شود، و می ترسند از ربّشان، و می ترسند از بدی حساب

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (22 رعد)

و کسانی که شکیبایی کردند برای طلب کردن جهت ربّشان، و برپا داشتند نماز را، و خرج کردند از آنچه روزی دادیم به آنان به صورت راز و آشکارا، و دفع می کنند با نیکی، بدی را، آنان برایشان پایان کار منزل است

(یکی از ویژگی های افرادی که رستگار می شوند، اینگونه بیان شده است که پاسخ بدی را با نیکی می دهند.)

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ (23 رعد)

باغ های جاویدان که داخل آن می شوند، و کسی که نیکو شد از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان، و فرشتگان داخل می شوند بر آنان از هر دری

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (24 رعد)

درودی بر شما به سبب آنچه شکیبایی کردید، پس چه خوب است پایان کار منزل

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (25 رعد)

و کسانی که نقض می کنند پیمان خدا را از پس از پیمان آن، و قطع می کنند آنچه را امر کرد خدا به آن، اینکه پیوند داده شود، و تباه می کنند در زمین، آنان برایشان لعنت است، و برای آنان بد منزلی است

(یکی از ویژگی های افرادی که جایگاه آنها جهنم است، اینگونه بیان شده که در زمین فساد ایجاد می کنند و فساد ایجاد کردن به معنی تباهی و خرابی ایجاد کردن است و در مورد آن در قرآن به صورت کامل توضیح داده شده است. پس چگونه است که افرادی به نام خدا و دین، در زمین فساد ایجاد می کنند و کار خود را باعث ورود آنها به بهشت می دانند. این نمونه ای از دروغ هایی است که به خدا و دین بسته اند.)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ (26 رعد)

خدا گسترش می دهد روزی را برای کسی که می خواهد، و تنگ می گیرد، و شادمان شدند به زندگی دنیا، و نیست زندگی دنیا در مقایسه با آخرت، جز کالایی

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ (27 رعد)

و می گوید کسانی که کفر ورزیدند، چرا نازل نشد بر او آیه ای از ربّش، بگو همانا خدا گمراه می کند کسی را که می خواهد، و هدایت می کند به خود، کسی را که مکرراً بازگشت

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (28 رعد)

کسانی که ایمان آوردند و آرامش می یابد دل هایشان با به یاد آوردن خدا، آگاه باشید با به یاد آوردن خدا، آرامش می یابد دل ها

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ (29 رعد)

کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، سعادت برای آنان است و بازگشتی نیکو

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ (30 رعد)

اینچنین فرستادیم تو را در جماعتی که به درستی گذشت از قبل آن، جماعت هایی، تا بخوانی بر آنان آنچه را وحی کردیم به تو، و آنان کفر می ورزند به بخشاینده، بگو اوست ربّ من، نیست خدایی جز او، بر او توکل کردم و به او است بازگشت

(کار پیامبر، خواندن وحی خداوند که همان قرآن است، برای مردم بوده است و پیامبر از جانب خود، چیزی را به خدا نسبت نمی داده است. پس اگر کسی می خواهد بداند که پیامبر در مورد دین، چه چیزی را برای مردم بیان می کرده است، باید قرآن را بخواند.)

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (31 رعد)

و اگر همانا قرآنی بود که به راه انداخته شد با آن کوه ها، یا تکه تکه کرده شد با آن زمین، یا به وسیله آن به سخن در می آمدند مردگان، بلکه برای خداست فرمان همگی، آیا پس هرگز نا امید نشدند کسانی که ایمان آوردند، اینکه اگر بخواهد خدا، یقیناً هدایت می کرد مردم را همگی، و پیوسته کسانی را که کفر ورزیدند، برسد به آنها از آنچه ساختند، حادثه ی ناگواری، یا فرود می آید نزدیکیِ منزلشان، تا بیاید وعده ی خدا، همانا خدا تخلف نمی کند وعده را

(در این آیه بیان شده که اگر خداوند اراده کند، همه ی مردم هدایت می شوند. یک نکته در ارتباط با این آیه، عدم اجبار در ایمان و دین است و کسی حق مجبور کردن دیگران به کاری در زمینه ی دین را ندارد.)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (32 رعد)

و یقیناً به درستی مسخره شدند فرستادگان از قبل تو، پس مهلت دادم به کسانی که کفر ورزیدند، سپس آنان را گرفتم، پس چگونه بود کیفر

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (33 رعد)

آیا پس کسی که خود، مراقبت کننده است بر هر کسی، به آنچه به دست آورد، و قرار دادند برای خدا شریکانی را، بگو نامشان را بگویید، یا با خبر می کنید او را به آنچه نمی داند در زمین، یا آشکار شونده است از گفتار، بلکه آراسته شد برای کسانی که کفر ورزیدند، نیرنگشان، و بازداشته شدند از راه، و کسی را که گمراه کند خدا، پس نیست برای او از هدایت کننده ای

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (34 رعد)

برای آنان عذابی در زندگی دنیا است، و یقیناً عذاب آخرت سخت تر است، و نیست برای آنان از خدا از نگهدارنده ای

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ (35 رعد)

مَثَل باغی که وعده داده شد به پرهیزکاران، جاری می شود از زیر آن رودها، خوراک آن همیشگی است، و سایه ی آن، آن پایان کار کسانی است که حذر کردند، و پایان کار کافران، آتش است

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبِ (36 رعد)

و کسانی که دادیم به آنان کتاب را، شادمان می شوند به سبب آنچه نازل شد به تو، و از جماعت ها، کسی که انکار می کند بعضی از آن را، بگو همانا امر شدم به اینکه بپرستم خدا را، و شریک قائل نشوم با او، به او فرا می خوانم و به او است بازگشت من

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَمَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ (37 رعد)

و اینچنین نازل کردیم آن را قضاوت کردنی (یا حکم صادر کردنی) به صورت منسوب به عرب، و یقیناً اگر پیروی کنی از خواسته های آنان پس از آنچه آمد نزد تو از دانش، نیست برای تو به جای خدا از دوستی و نه نگهدارنده ای

(پیامبر نیز برای قضاوت کردن در زمینه دین، باید به قرآن مراجعه می کرده است و اینگونه نبوده که از جانب خود احکام و دستورات دین را درست کند و از جانب خود حکم دین صادر کند. پس چگونه است که احکامی را به دین اسلام نسبت داده اند که در قرآن بیان نشده است و آنها را از منابعی تحت عنوان سنت پیامبر و احادیث و روایات به دست آورده اند. این احکامی که مسلمانان به آنها اعتقاد دارند و در قرآن بیان نشده اند، جز دروغ هایی نسبت داده شده بر خدا و دین نیستند.)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ (38 رعد)

و یقیناً به درستی فرستادیم فرستادگانی را از قبل تو، و قرار دادیم برای آنان همسرانی و نسلی، و نبود برای فرستاده ای، اینکه بیاورد آیه ای را جز با اجازه ی خدا، برای هر مهلتی، مقرر کردنی است

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (39 رعد)

محو می کند خدا آنچه را می خواهد، و استوار می کند، و نزد او است مادر (یا اصل) کتاب

وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ (40 رعد)

و اگر آنچه را حتماً به تو نشان دهیم، بعضی از آنچه که وعده می دهیم به آنان، یا تو را بمیرانیم، پس همانا بر تو رساندن است و بر ما حساب

(وظیفه ی پیامبر، رساندن وحی خداوند به مردم بوده است و خداوند به حساب اعمال انسان ها رسیدگی می نماید.)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (41 رعد)

آیا هرگز ندیدند همانا ما می آییم به زمین، ناقص می کنیم آن را از ناحیه های آن، و خدا حکم می کند، نیست تحت پیگرد برای حکم صادر کردن او، و او شتابنده حساب است

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ (42 رعد)

و به درستی نیرنگ زد کسانی از قبل آنان، پس برای خداست نیرنگ زدن همگی، می داند آنچه را کسب می کند هر کسی، و خواهد دانست کافران، که برای چه کسی است پایان کار منزل

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (43 رعد)

و می گوید کسانی که کفر ورزیدند، نیستی فرستاده شده ای، بگو کافی است تا خدا گواه باشد بین من و بین شما، و کسی که نزد اوست دانش کتاب

سوره ابراهیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (1 ابراهیم)

الف لام را، کتابی است که نازل کردیم آن را به تو، تا خارج کنی مردم را از تاریکی ها به نور، با اجازه ی ربّشان، به راه ارجمند ستوده

(قرآن کتابی است که می تواند افراد را از تاریکی ها به نور هدایت نماید. این نشان دهنده ی جایگاه قرآن در دین اسلام است و برای فهم دین حقیقی، باید تنها به قرآن مراجعه نمود.)

اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (2 ابراهیم)

خداست آنکه برای اوست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و وای بر کافران از عذابی سخت

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (3 ابراهیم)

کسانی که دوست دارند (یا بهتر می دانند) زندگی دنیا را بر آخرت، و باز می دارند از راه خدا، و طلب می کنند آن را کج، آنان در گمراهی دوری هستند

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (4 ابراهیم)

و نفرستادیم از فرستاده ای جز به زبان (=گویش) قومش، تا آشکار کند برای آنان، پس گمراه می کند خدا کسی را که می خواهد، و هدایت می کند کسی را که می خواهد، و اوست ارجمند صاحب حکمت

(هر پیامبری در میان هر جماعتی که بوده است، به زبان همان مردم صحبت می کرده است و این به این دلیل بوده که مردم، زبان پیامبرشان را بفهمند و اگر به زبان دیگری صحبت می کرد، مردم حرف های او را نمی فهمیدند. اینکه برخی گمان می کنند زبان عربی دارای ارزش و مقام خاصی نسبت به دیگر زبان ها است به این خاطر که قرآن به زبان عربی بیان شده است، کاملاً اشتباه است و دلیل عربی بودن قرآن فقط این بوده که پیامبر در میان اعراب، به پیامبری رسید و وظیفه ی او دعوت اعراب محل زندگی اش به پرستش خداوند و رساندن وحی خداوند به آنها بوده است و اگر قرآن به زبانی غیر از عربی وحی می شد، نه پیامبر و نه اعراب، آن را نمی فهمیدند و فایده ای برای آنها نمی داشت. همانگونه که پیامبران دیگر نیز به زبان جماعت خود صحبت می کردند و کتاب آنها نیز به همان زبان وحی می شده است. نکته ی دیگر اینکه هدایت و گمراهی افراد، به خواست خداوند می باشد و یک نکته ای که در این مورد می توان به آن پی برد، این است که هیچ اجباری در زمینه ی ایمان و دین، وجود ندارد و کسی حق اجبار کسی به ایمان و یا اجبار کسی به کاری در زمینه ی دین را ندارد و اگر خداوند می خواست، همه هدایت می شدند.)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (5 ابراهیم)

و یقیناً به درستی فرستادیم موسی را با نشانه هایمان، اینکه خارج کن قومت را از تاریکی ها به نور، و یادآوری کن به آنان، روزهای خدا را، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای هر بسیار بردبارِ بسیار سپاسگزاری

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (6 ابراهیم)

و هنگامی که گفت موسی به قومش، به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، هنگامی که نجات داد شما را از خاندان فرعون، تحمیل می کنند به شما عذاب بدی را، و سر می بُرند پسرانتان را، و زنده می گذارند زنانتان را، و در آن آزمایشی از ربّتان است که بزرگ است

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (7 ابراهیم)

و هنگامی که اعلام کرد ربّتان، یقیناً اگر سپاسگزاری کردید، یقیناً می افزایم به شما، و یقیناً اگر کفر ورزیدید، همانا عذاب من یقیناً نیرومند است

(ایمان و کفر هر کسی، به تصمیم خود او بستگی دارد.)

وَقَالَ مُوسَى إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (8 ابراهیم)

و گفت موسی اگر کفر ورزید، شما و کسی که در زمین است همگی، پس همانا خدا یقیناً بی نیاز ستوده است

(خداوند نیازی به ایمان آوردن انسان ها ندارد و اگر همه ی کسانی که در زمین هستند، کفر ورزند، او بی نیاز است.)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (9 ابراهیم)

آیا هرگز نرسید به شما خبر کسانی از قبل شما، قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی از پس از آنان، نمی داند آنان را جز خدا، آمد نزد آنان فرستادگانشان با دلایل، پس بردند دست هایشان را به دهان هایشان، و گفتند همانا ما کفر ورزیدیم به آنچه فرستاده شدید به آن، و همانا ما یقیناً در تردیدی هستیم از آنچه فرا می خوانید ما را به آن، به صورت شبهه انگیز

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (10 ابراهیم)

گفت فرستادگانشان، آیا در خدا تردیدی است، آفریننده ی آسمان ها و زمین، فرا می خواند شما را تا بیامرزد برای شما از گناهانتان، و به تأخیر بیندازد شما را تا مهلتی مشخص، گفتند نیستید شما جز انسانی مثل ما، می خواهید اینکه بازدارید ما را از آنچه پرستش می کرد پدرانمان، پس بیاورید برای ما دلیلی آشکار را

(یکی از مهم ترین پیش نیازهای نازل شدن عذاب بر اقوام گذشته، کافر بودن آنها بوده است. در این آیه بیان شده که پیامبران آن اقوام، به آنها می گفته اند که خداوند، شما را به ایمان فرا می خواند تا بیامرزد از گناهانتان، و به تأخیر بیندازد شما را تا مهلتی مشخص. این تأخیر انداختن تا مهلتی مشخص، به این معنا است که به خواست خداوند در این دنیا تا زمان مرگتان زندگی کنید و در روز قیامت به حساب شما رسیدگی شود و عذاب در این دنیا بر شما نازل نشود.)

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (11 ابراهیم)

گفت به آنان فرستادگانشان، نیستیم ما جز انسانی مثل شما، و لیکن خدا منّت می گذارد بر کسی که می خواهد از بندگانش، و نبود برای ما اینکه برای شما بیاوریم دلیلی جز با اجازه ی خدا، و بر خدا پس باید توکل کند مؤمنان

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (12 ابراهیم)

و نیست برای ما اینکه توکل نکنیم بر خدا، و به درستی هدایت کرد ما را به راه هایمان، و یقیناً شکیبایی می کنیم بر آنچه آزار می رسانید به ما، و بر خدا پس باید توکل کند توکلکنندگان

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (13 ابراهیم)

و گفت کسانی که کفر ورزیدند به فرستادگانشان، یقیناً شما را بیرون می کنیم از سرزمینمان، یا یقیناً روی می آورید به آیین ما، پس وحی کرد به آنان ربّشان، یقیناً هلاک می کنیم ستمکاران را

(در مورد عذاب خداوند بر اقوام گذشته، یکی دیگر از پیش نیازهای نازل شدن عذاب بر آنها، کاری بوده که آنها علاوه بر کفر انجام می داده اند و باعث نازل شدن عذاب بر آنها می شده است. در این آیه بیان شده که آنها به پیامبرانشان می گفته اند که یا شما را از سرزمینمان بیرون می کنیم و یا به آیین ما ایمان می آورید و در این هنگام، خداوند بیان کرد که ستمکاران را هلاک می کنیم.)

وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ (14 ابراهیم)

و یقیناً سکونت خواهیم داد شما را در زمین از پس از آنان، آن برای کسی است که ترسید از منزلت من و ترسید از تهدید

وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (15 ابراهیم)

و خواستار پیروزی شدند، و ناکام شد هر مستبد ستیزه گری

مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ (16 ابراهیم)

از پشت سرش جهنم است، و نوشانده می شود از آبی خونابه

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ (17 ابراهیم)

آن را اندک اندک می نوشد و نمی تواند به آسانی فرو برد آن را، و می آید به نزد او مرگ از هر جایی، و نیست او از مرده (یا در حال مرگ)، و از پشت سرش عذابی خشن است

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (18 ابراهيم)

مَثَل کسانی که کفر ورزیدند به ربّشان، اعمالشان مانند خاکستری است که شتابان می شود به آن بادی در روز طوفانی، توانمند نمی شوند از آنچه به دست آوردند بر چیزی، آن خود گمراهی دور است

(کارهای کسانی که کافر هستند، باطل است و در روز قیامت، کارهای آنها برای آنها، سودی نخواهد داشت.)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (19 ابراهيم)

آیا هرگز درک نکردی همانا خدا آفرید آسمان ها و زمین را به حقیقت، اگر بخواهد می برد شما را و می آورد آفریدنی (یا مردمی) تازه را

وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (20 ابراهيم)

ونیست آن بر خدا نیرومند (یا نادر)

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ (21 ابراهيم)

و آشکار شدند برای خدا همگی، پس گفت ناتوانان به کسانی که کبر ورزیدند، همانا ما بودیم برای شما پیروان، پس آیا شما بی نیاز کنندگان هستید از ما از عذاب خدا از چیزی را، گفتند اگر هدایت می کرد ما را خدا، یقیناً هدایت می کردیم شما را، یکسان است بر ما، چه ناشکیبایی کنیم یا شکیبایی کنیم، نیست برای ما از گریزگاهی

(منظور از کسانی که کبر ورزیدند، کافران هستند. بیان شده که افرادی که کافر زیر دست و پیرو کافران قدرتمند بوده اند، در روز قیامت به کافران قدرتمند می گویند که ما در دنیا پیروان شما بودیم، پس آیا اکنون شما مقداری از عذاب خداوند را از ما کم می کنید و آنها در جواب می گویند که اگر خداوند ما را هدایت می کرد، شما را هدایت می کردیم.)

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (22 ابراهيم)

و گفت شیطان، وقتی که تصمیم قطعی گرفته شد در مورد فرمان، همانا خدا وعده داد به شما وعده حقیقت را، و من به شما وعده دادم، پس خلف وعده کردم با شما، و نبود برای من بر شما دلیلی (یا قدرتی)، جز اینکه فرا خواندم شما را، پس پاسخ دادید به من، پس سرزنش نکنید مرا و سرزنش کنید خودتان را، نیستم من فریاد رس شما، و نیستید شما فریاد رس من، همانا من کفر ورزیدم به آنچه شریک قائل شدید مرا از قبل، همانا ستمکاران برایشان عذابی دردناک است

(در مورد گفتگوی شیطان با کافران در هنگام قیامت، بیان شده است.)

وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ (23 ابراهیم)

و داخل کرده شد کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند با اجازه ربّشان، درود بر آنان در آن، سلام است

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (24 ابراهیم)

آیا هرگز درک نکردی چگونه بیان کرد خدا مَثَلی را، کلمه ای پاک، مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار است و شاخه اش در آسمان است

تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (25 ابراهیم)

می دهد میوه اش را هر زمانی با اجازه ی ربّش، و بیان می کند خدا مَثَل ها را برای مردم، شاید آنان به یاد می آورند

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (26 ابراهیم)

و مَثَل کلمه ای ناپاک، مانند درختی ناپاک است که ریشه کن کرده شد از بالای زمین، نیست برای آن از مایه ی ثباتی

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (27 ابراهیم)

تثبیت می کند خدا، کسانی را که ایمان آوردند با سخن استوار در زندگی دنیا و در آخرت، و گمراه می کند خدا ستمکاران را، و انجام می دهد خدا آنچه را می خواهد

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ (28 ابراهیم)

آیا هرگز ننگریستی به کسانی که تغییر دادند نعمت خدا را به کفر، و منزل دادند قومشان را در منزل نابودی

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ (29 ابراهیم)

جهنم، که وارد می شوند به آن، و بد قرارگاهی است

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ (30 ابراهیم)

و قرار دادند برای خدا همتایانی را، تا گمراه کنند از راه او، بگو برخوردار شوید، پس همانا عاقبت کارتان به آتش است

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ (31 ابراهیم)

بگو به بندگانم، کسانی که ایمان آوردند، به پا دارند نماز را، و خرج کنند از آنچه روزی دادیم به آنان، به صورت راز و آشکارا، از قبل از اینکه بیاید روزی که نیست داد و ستدی در آن، و نه دوستی هایی

(بیان شده که خرج کنند از آنچه روزی دادیم به آنان، به صورت راز و آشکارا. منظور از خرج کردن، کمک کردن در راه خدا است و این کمک کردن می تواند هم به صورت پنهانی و هم به صورت آشکارا صورت پذیرد.)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ (32 ابراهیم)

خداست آنکه آفرید آسمان ها و زمین را، و نازل کرد از آسمان آبی را، پس خارج کرد با آن از میوه ها، روزی ای را برای شما، و مغلوب کرد برای شما کِشتی را، تا جاری می شود در دریا با امر او، و مغلوب کرد برای شما رودها را

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (33 ابراهیم)

و مغلوب کرد برای شما خورشید و ماه را، دو سخت کوش، و مغلوب کرد برای شما شب و روز را

وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (34 ابراهیم)

و داد به شما از هر آنچه خواستید آن را، و اگر بشمارید نعمت خدا را، شمارش نمی کنید آن را، همانا انسان یقیناً بسیار ستمگرِ بسیار کفر ورزنده است

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ (35 ابراهیم)

و هنگامی که گفت ابراهیم، ربّ، قرار بده این سرزمین را ایمن، و دور کن مرا و فرزندانم را، اینکه بپرستیم بتان را

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (36 ابراهیم)

ربّ، همانا آنان گمراه کردند بسیاری از مردم را، پس کسی که پیروی کرد مرا، پس همانا او از من است، و کسی که نافرمانی کرد مرا، پس همانا تو بسیار آمرزنده بخشایشگر هستی

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (37 ابراهیم)

ربّ ما، همانا من سکونت دادم از نسلم را، بر دره ای بی زراعت، نزد خانه ات که محترم است، ربّ ما، تا به پا دارند نماز را، پس قرار ده قلب هایی از مردم را که متمایل شود به آنان، و روزی ده آنان را از میوه ها، شاید آنان سپاسگزاری می کنند

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (38 ابراهیم)

ربّ ما، همانا تو می دانی آنچه را مخفی می کنیم، و آنچه را آشکار می کنیم، و پنهان نیست بر خدا از چیزی در زمین و نه در آسمان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ (39 ابراهیم)

ستایش برای خداست، آنکه بخشید به من بر سالمندی، اسماعیل و اسحاق را، همانا ربّ من یقیناً شنونده ی دعا است

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (40 ابراهیم)

ربّ، قرار بده مرا برپا دارنده ی نماز، و از نسل من، ربّ ما، و قبول کن دعای من را

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (41 ابراهیم)

ربّ ما، بیامرز برای من و برای پدر و مادرم و برای مؤمنان، روزی که بر پا می شود حساب

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ (42 ابراهیم)

و گمان نکن خدا را بی خبر، از آنچه انجام می دهد ستمکاران، همانا به تأخیر می اندازد آنان را تا روزی که خیره می شود در آن چشم ها

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ (43 ابراهیم)

نگاه کنندگان به صورت خوار شدن و فروتنی، بلند کرده سرهایشان، بر نمی گردد به آنان چشمشان (=قادر نیستند چشم خود را بگردانند و پلک هایشان به هم نمی خورد)، و قلب هایشان خالی است

وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ أَوَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلُ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ (44 ابراهیم)

و هشدار ده مردم را از روزی که نزدشان می آید عذاب، پس می گوید کسانی که ستم کردند، ربّ ما، به تأخیر بینداز برای ما تا مهلتی نزدیک، تا پاسخ دهیم فراخوانی ات را، و پیروی کنیم فرستادگان را، آیا هرگز سوگند نمی خوردید از قبل، که نیست برای شما از نابودی ای

وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ (45 ابراهیم)

و ساکن شدید در خانه های کسانی که ستم کردند به خودشان، و آشکار شد برای شما، چگونه انجام دادیم با آنان، و بیان کردیم برای شما مَثَل ها را

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (46 ابراهیم)

و به درستی نیرنگ زدند نیرنگشان را، و نزد خدا است نیرنگشان، و اگر بود نیرنگشان، تا نابود شود از آن، کوه ها

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (47 ابراهیم)

پس مپندار خدا را تخلف کننده ی وعده اش با فرستادگانش، همانا خدا ارجمند صاحب انتقام است

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (48 ابراهیم)

روزی که تبدیل می شود زمین به غیر از زمین، و آسمان ها، و بیرون آمدند (یا آشکار شدند) برای خدای یگانه ی بسیار چیره شونده

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (49 ابراهیم)

و می بینی بدکاران را در آن روز، به هم بسته شده های در زنجیرها هستند

سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارُ (50 ابراهیم)

پیراهن هایشان از قطران (=ماده ای سیاه رنگ و بد بو است که به شتران می مالند) است، و می پوشاند صورت هایشان را آتش

لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (51 ابراهیم)

تا جزا دهد خدا به هر کسی، آنچه را به دست آورد، همانا خدا شتابنده حساب است

هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (52 ابراهیم)

این رساندنی است برای مردم، و تا بیم داده شوند با آن، و تا بدانند همانا اوست خدای یگانه، و تا یادآوری شود خردمندان

(قرآن، برای مردم فرستاده شده است تا به وسیله ی آن بیم داده شوند و تا بدانند که خداوند، خدای یگانه است و تا خردمندان، به وسیله ی آن یادآوری کرده شوند.)

سوره حجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ (1 حجر)

الف لام را، آن است آیات کتاب و قرآنی آشکار

(قرآن به صورت واضح و آشکار بیان شده است.)

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (2 حجر)

چه بسا دوست دارد کسانی که کفر ورزیدند، اگر بودند تسلیم کنندگان

ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (3 حجر)

رهایشان کن، که بخورند و برخوردار شوند، و سرگرم کند آنان را آرزو، پس به زودی می دانند

(اجباری در پذیرش ایمان و در زمینه ی دین وجود ندارد. این آیه در مورد کافران بیان شده است.)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ (4 حجر)

و هلاک نکردیم از آبادی ای را، جز، و برای آن مقرر کردنی شناخته شده بود

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (5 حجر)

پیش نمی افتد از جماعتی مهلت آن، و تأخیر نمی کنند

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (6 حجر)

و گفتند، ای آنکه نازل شد بر او یادآوری، همانا تو یقیناً دیوانه ای

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (7 حجر)

چرا برایمان نمی آوری فرشتگان را، اگر بودی از راستگویان

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذًا مُنْظَرِينَ (8 حجر)

نازل نمی کنیم فرشتگان را جز به حقیقت، و نبودند بدین ترتیب مهلت داده شدگان

(بیان شده که اگر فرشتگان را نازل کنیم، مهلت داده شده نخواهند بود.)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (9 حجر)

همانا ما نازل کردیم به یاد آوردن را، و همانا ما برای آن یقیناً نگهدارندگانیم

(بیان شده که ما قرآن را نازل کردیم و ما نگهبانان آن هستیم.)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ (10 حجر)

و یقیناً به درستی فرستادیم از قبل تو، در گروه های نخست ها

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (11 حجر)

و نیامد نزد آنان از فرستاده ای، جز اینکه مسخره می کردند او را

كَذَٰلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (12 حجر)

اینچنین وارد می کنیم آن را در دل های بدکاران

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ (13 حجر)

ایمان نمی آورند به آن، و به درستی گذشت روش اولین ها

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ (14 حجر)

و اگر باز می کردیم بر آنان دری از آسمان را، پس ادامه می دادند، در آن بالا می روند

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ (15 حجر)

یقیناً می گفتند همانا ما چشم بندی شده ایم، بلکه ما جماعتی جادو شده ها هستیم

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ (16 حجر)

و يقيناً به درستی قرار داديم در آسمان برج هايی را، و آراستيم آن را برای بينندگان

وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (17 حجر)

و حفظ کرديم آن را از هر شيطان ملعونی

إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ (18 حجر)

جز کسی که استراق سمع کرد، پس دنبال کرد او را شهابی آشکار

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ (19 حجر)

و زمين را، گسترش داديم آن را، و انداختيم در آن کوه های استوار را، و رويانديم در آن از هر چيزی، متناسب

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ (20 حجر)

و قرار داديم برای شما در آن روزی ها، و کسی که نيستيد برای او از روزی دهندگان

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (21 حجر)

و نيست از چيزی، جز اينکه نزد ما انبارهای آن است، و آن را نازل نمی کنيم جز به اندازه ی شناخته شده

وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ (22 حجر)

و فرستاديم بادها را لقاح کنندگان، پس نازل کرديم از آسمان آبی را، پس شما را به آن سيراب کرديم، و نيستيد شما برای او از ذخيره کنندگان (يا انبار داران)

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ (23 حجر)

و همانا ما يقيناً خود زنده می کنيم و می ميرانيم، و ما ارث برندگان هستيم

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ (24 حجر)

و يقيناً به درستی شناختيم پيشينيان از شما را، و يقيناً به درستی شناختيم آيندگان را

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (25 حجر)

وهمانا ربّ تو خود گرد هم می آورد آنان را، همانا او صاحب حکمت داناست

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (26 حجر)

و يقيناً به درستی آفريديم انسان را از گلِ خشک، از گِل سياه بدبو

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ (27 حجر)

و جن را، آفریدیم آن را از قبل، از آتش گرم و سوزان

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (28 حجر)

و هنگامی که گفت ربّت به فرشتگان، همانا من آفریننده ی انسانی هستم از گلِ خشک، از گِل سیاه بدبو

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (29 حجر)

پس اگر درست کردم (یا منظم کردم) او را، و دمیدم در او از روحم، پس واقع شوید برای او سجده کنندگان

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (30 حجر)

پس سجده کرد فرشتگان، همگیشان همگی

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (31 حجر)

جز ابلیس که امتناع کرد، اینکه باشد با سجده کنندگان

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (32 حجر)

گفت ای ابلیس، تو را چه شده است، اینکه نباشی با سجده کنندگان

قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (33 حجر)

گفت هرگز نبودم تا سجده کنم بر انسانی که آفریدی او را از گلِ خشک، از گِل سیاه بدبو

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (34 حجر)

گفت پس خارج شو از آن، پس همانا تو ملعونی

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (35 حجر)

و همانا بر تو لعنت است تا روز جزا

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (36 حجر)

گفت ربّ، پس مهلتم ده تا روزی که برانگیخته می شوند

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (37 حجر)

گفت پس همانا تو از مهلت داده شدگان هستی

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (38 حجر)

تا روزِ هنگامِ شناخته شده

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (39 حجر)

گفت ربّ، به سبب آنکه گمراه کردی مرا، یقیناً زینت می دهم برای آنان در زمین، و یقیناً گمراهشان می کنم همگی را

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (40 حجر)

جز بندگانت از آنان، که بی ریاها (یا صادق ها) هستند

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ (41 حجر)

گفت این راهی است بر من، که راست است

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (42 حجر)

همانا بندگان من را نیست برای تو بر آنان قدرتی (یا دلیلی)، جز کسی که پیروی کرد تو را از گمراهان

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ (43 حجر)

و همانا جهنم، یقیناً وعده گاه آنان است همگی

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ (44 حجر)

برای آن هفت در است، برای هر دری، از آنان قسمتی تقسیم شده است

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (45 حجر)

همانا پرهیزکاران، در باغ ها و چشمه ها هستند

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ (46 حجر)

داخل شوید در آن با درودی، ایمن ها

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (47 حجر)

و درآوردیم آنچه در سینه هایشان از کینه بود، برادرانی بر تخت هایی در مقابل هم هستند

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ (48 حجر)

به آنان نمی رسد در آن رنج و مشقتی، و نیستند آنان از آن، از بیرون آورده شده ها

نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (49 حجر)

با خبر کن بندگانم را، همانا من خود بسیار آمرزنده ی بخشایشگر هستم

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ (50 حجر)

و همانا عذاب من خود، عذابی دردناک است

وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ (51 حجر)

و با خبر کن آنان را از مهمان ابراهیم

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ (52 حجر)

هنگامی که داخل شدند بر او، پس گفتند درود، گفت همانا ما از شما ترسان ها هستیم

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (53 حجر)

گفتند نترس، همانا ما تو را بشارت می دهیم به پسری دانا

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَى أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ (54 حجر)

گفت آیا مژده می دهید مرا، با اینکه فرا رسید مرا سالمندی، پس به چه بشارت می دهید

قَالُوا بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ (55 حجر)

گفتند مژده دادیم تو را به حقیقت، پس نباش از نا امیدان

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (56 حجر)

گفت، و چه کسی نا امید می شود از مهربانی ربّش، جز گمراهان

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (57 حجر)

گفت پس چیست کارتان، ای فرستادگان

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُجْرِمِينَ (58 حجر)

گفتند همانا ما فرستاده شدیم به جماعت بدکاران

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ (59 حجر)

مگر خاندان لوط، همانا ما یقیناً نجات بخش همگی آنها هستیم

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ (60 حجر)

جز زن او، مقدر کردیم همانا او یقیناً از بازماندگان است

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ (61 حجر)

پس وقتی که آمد نزد خاندان لوط، فرستادگان

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ (62 حجر)

گفت، همانا شما گروه ناشناسان هستید

قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ (63 حجر)

گفتند، بلکه آوردیم نزد تو، آنچه را در آن تردید می کردند

وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (64 حجر)

و آورديم نزد تو حقيقت را، و همانا ما يقيناً راستگويانيم

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ (65 حجر)

پس شبانه حركت كن با خانواده ات، از پاسی از شب، و عقب آنان برو، و هيچ يك از شما صورت را بر نگرداند، و انجام دهيد هر جا امر می شويد

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ (66 حجر)

و ابلاغ كرديم به او آن كار (يا فرمان) را، اينكه همانا ريشه ی آنان قطع شده است صبحگاهان

وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ (67 حجر)

و آمد ساكنين شهر، در حالی كه شادمان می شوند

قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ (68 حجر)

گفت، همانا اينان مهمان من هستند، پس رسوا نكنيد مرا

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ (69 حجر)

و حذر كنيد از خدا، و مرا خوار نسازيد

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ (70 حجر)

گفتند مگر هرگز منع نكرديم تو را از جهانيان

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (71 حجر)

گفت اينان دختران من هستند، اگر بوديد انجام دهندگان

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (72 حجر)

به زندگی تو سوگند، همانا آنان يقيناً در مستيشان سرگشته می شوند

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ (73 حجر)

پس آنان را گرفت فرياد، تابناكان (=هنگام طلوع آفتاب)

فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ (74 حجر)

پس قرار داديم بلند (يا مرتفع) آن را پست آن، و بارانديم بر آنان سنگ هايی از سنگ گِل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ (75 حجر)

همانا در آن يقيناً نشانه هايی است برای جويندگان نشان

وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُقِيمٍ (76 حجر)

و همانا آن یقیناً به راهی، ساکن است

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ (77 حجر)

همانا در آن یقیناً نشانه ای برای مؤمنان است

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ (78 حجر)

و همانا بود همنشینان ایکة، یقیناً ستمکاران

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُبِينٍ (79 حجر)

پس انتقام گرفتیم از آنان، و همانا آن دو، یقیناً بر راه روشنی، آشکار است

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ (80 حجر)

و یقیناً به درستی تکذیب کرد همنشینان حجر، فرستادگان را

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (81 حجر)

و دادیم به آنان آیاتمان را، پس بودند از آن روی گردان ها

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ (82 حجر)

و می تراشیدند از کوهها، خانه‌هایی ایمن را

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ (83 حجر)

پس گرفت آنها را فریاد، صبحگاهان

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (84 حجر)

پس بی نیاز نکرد از آنان، آنچه را فراهم می کردند

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ (85 حجر)

و نیافریدیم آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است را جز به حقیقت، و همانا هنگام قیامت، یقیناً در حال رسیدن است، پس روی برتاب، روی برتافتنی زیبا

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (86 حجر)

همانا ربّ تو خود، بسیار آفریننده ی داناست

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (87 حجر)

و یقیناً به درستی دادیم به تو هفت تایی از آیات قرآن را (=احتمالاً منظور سوره فاتحه است)، و قرآن بزرگ را

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (88 حجر)

اصلاً چشم ندوز به آنچه بهره مند کردیم با آن، همنشینانی از آنان را، و غمگین نشو بر آنان، و فروتنی داشته باش برای مؤمنان

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ (89 حجر)

و بگو همانا من خود، هشداردهنده ی آشکارم

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ (90 حجر)

چنانکه نازل کردیم بر قسمت کنندگان

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (91 حجر)

کسانی که قرار دادند قرآن را، بخش ها

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (92 حجر)

پس سوگند به ربّت، یقیناً از آنان می پرسیم همگی را

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (93 حجر)

از آنچه انجام می دادند

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (94 حجر)

پس آشکار کن (یا انجام ده) آنچه را امر می شوی، و روی برتاب از مشرکان

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ (95 حجر)

همانا ما بسنده هستیم برای تو، از مسخره کنندگان

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (96 حجر)

کسانی که قرار می دهند با خدا، خدایی دیگر را، پس به زودی می دانند

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ (97 حجر)

و یقیناً به درستی می دانیم همانا تو، تنگ می شود سینه ات از آنچه می گویند

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (98 حجر)

پس تسبیح بگو به ستایش ربّت، و باش از سجده کنندگان

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (99 حجر)

و پرستش کن ربّت را، تا بیاید نزد تو یقین (یا زدودگی شک)

سوره نحل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (1 نحل)

آمد امر خدا، پس به عجله وا ندارید آن را، پاک و منزه است او، و دور است از آنچه شریک قائل می شوند

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (2 نحل)

نازل می کند فرشتگان را با روح از امرش، بر کسی که می خواهد از بندگانش، اینکه هشدار دهید به یقین، نیست خدایی جز من، پس پروا کنید از من

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (3 نحل)

آفرید آسمان ها و زمین را به حقیقت، دور است از آنچه شریک قائل می شوند

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ (4 نحل)

آفرید انسان را از نطفه ای، پس ناگهان او دشمنی آشکار است

(منظور از ناگهان او دشمنی آشکار است، این است که او کافر می شود و با خدا دشمنی می کند.)

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (5 نحل)

و دام (یا حیوانات اهلی) را، آفرید آن را برای شما، در آن حرارتی و فایده هایی است، و از آن می خورید

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ (6 نحل)

و برای شما در آن زیبایی است، هنگامی که غروب گله را از چراگاه بر می گردانید، و هنگامی که صبح گله را به چراگاه می برید

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (7 نحل)

و حمل می کند بارهای سنگینتان را، به مکانی که هرگز نبودید رسیده ها به آن، جز با مشقت جان ها، همانا ربّ شما یقیناً بسیار دل رحم بخشایشگر است

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (8 نحل)

و گروه اسبان و استران و الاغ ها، تا سوارش شوید، و زیوری است، و می آفریند آنچه را نمی دانید

(بیان شده که اسب و استر و الاغ را خداوند آفرید تا سوار آنها شوید و همچنین برای شما زیوری است. در گذشته کسی که این حیوانات را داشته و بر آن سوار می شده است، نشان دهنده ی این بوده که او از نظر مالی فردی توانا است و این حیوانات علاوه بر راحت کردن کار و کمک به جابجایی او، حکم زیوری برای او داشته اند. نکته ی دیگر اینکه زندگی خوب داشتن و از نظر مالی در وضعیت خوب بودن، از نظر دین هیچ ایرادی ندارد و کسانی که به نام دین، به گونه ای بیان می کنند که اگر از نظر مالی وضع خوبی نداشته باشی، جایگاه بالاتری در روز قیامت خواهی داشت، جز دروغ نمی گویند و در قرآن ماجرای سلیمان بیان شده است که هم پیامبر خدا بود و هم از نظر قدرت و ثروت، در جایگاه بسیار بالایی قرار داشت.)

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (9 نحل)

و بر خداست هدف راه، و از آن، به صورت ستمگر است، و اگر می خواست یقیناً هدایت می کرد شما را همگی

(بیان شده که برخی از راه ها، راه ستم است و اگر خداوند می خواست همه انسان ها را به راه راست هدایت می نمود.)

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (10 نحل)

اوست آنکه نازل کرد از آسمان، آبی را، برای شما از آن آشامیدنی ای است، و از آن، گیاه ساقه داری است که در آن می چرانید

يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (11 نحل)

می رویاند برای شما با آن، کشت و زیتون و درختان خرما و انگورها و از همه ی میوه ها را، همانا در آن یقیناً نشانه ای است برای جماعتی که می اندیشند

وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (12 نحل)

و مغلوب کرد برای شما، شب و روز و خورشید و ماه و ستارگان را، مغلوب شده ها به امر او، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که درک می کنند

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (13 نحل)

و آنچه را آفرید برای شما در زمین، به صورت گوناگون است رنگ هایش، همانا در آن یقیناً نشانه ای است برای جماعتی که یادآوری می کنند

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (14 نحل)

و اوست آنکه مغلوب کرد دریا را، تا بخورید از آن گوشتی تر و تازه، و خواستار خروج شوید از آن، زیوری را که آن را می پوشید، و می بینی کشتی را، شکافنده ها در آن هستند، و تا طلب کنید از مزیت او، و شاید شما سپاسگزاری می کنید

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (15 نحل)

و انداخت در زمین کوه های استوار را، اینکه می لرزاند شما را، و رودها را، و راه ها را، شاید شما هدایت می شوید

(بیان شده که خداوند کوه های استواری را در زمین قرار داد تا زمین، شما را نلرزاند.)

وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (16 نحل)

و نشانه هایی را، و با ستاره، آنان هدایت می شوند

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (17 نحل)

آیا پس کسی که می آفریند، مانند کسی است که نمی آفریند، آیا پس یادآوری نمی کنید

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (18 نحل)

و اگر بشمارید نعمت خدا را، شمارش نمی کنید آن را، همانا خدا یقیناً بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (19 نحل)

و خدا می داند آنچه را پنهان می کنید، و آنچه را اظهار می دارید

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (20 نحل)

و کسانی را که صدا می کنند از غیر خدا، نمی آفرینند چیزی را، و آنان آفریده می شوند

أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (21 نحل)

مرده هایی هستند نه زنده هایی، و درک نمی کنند چه وقت برانگیخته می شوند

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (22 نحل)

خدای شما خدایی یگانه است، پس کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، دل هایشان انکار کننده است، و آنان کبر ورزندگان هستند

(در قرآن وقتی بیان می کند کسانی که کبر می ورزند، در بسیاری از موارد و شاید در همه ی موارد، منظور کافران هستند.)

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ (23 نحل)

بی تردید، همانا خدا می داند آنچه را پنهان می کنند، و آنچه را اظهار می دارند، همانا او دوست ندارد کبر ورزندگان را

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (24 نحل)

و اگر گفته شد به آنان، چه چیزی را نازل کرد ربّتان، گفتند افسانه های قدیمیِ نخست ها را

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (25 نحل)

تا حمل کنند بارهای سنگینشان را به طورکامل، روز قیامت، و از بارهای سنگین کسانی که گمراه می کنند آنان را به غیر از دانشی، آگاه باشید، بد است آنچه حمل می کنند

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (26 نحل)

به درستی نیرنگ زد کسانی از قبل از آنان، پس از بین برد خدا ساختمان آنان را از پایه ها، پس فرو افتاد بر آنان سقف از بالایشان، و داد به آنان عذاب را از جایی که درک نمی کنند

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ (27 نحل)

سپس روز قیامت خوار می کند آنان را، و می گوید کجاست شریکان من، کسانی که مخالفت ورزیدید به دلیل آنان، گفت کسانی که داده شدند دانش، همانا خوارىِ امروز و بدی، بر کافران

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (28 نحل)

کسانی که جان آنها را می گیرد فرشتگان، در حالی که ستمگران به خودشان هستند، پس از در تسلیم در آیند، نمی کردیم از بدی ای را، آری همانا خدا داناست به آنچه انجام می دادید

(در قرآن در آیاتی که در مورد مرگ می گوید، بیان می کند که فرشتگان، جان افراد را می گیرند، و یک فرشته مسئول این کار نیست و احتمالاً برای هر فردی، فرشته ای خاص او، این کار را انجام می دهد. اینکه بسیاری از مسلمانان معتقدند که یک فرشته به نام عزرائیل، مسئول گرفتن جان انسان ها است، اعتقادی نادرست است.)

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (29 نحل)

پس داخل شوید به درهای جهنم، همیشگی ها در آن، پس یقیناً بد است منزل متکبران

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ (30 نحل)

و گفته شد به کسانی که حذر کردند، چه چیزی را نازل کرد ربّتان، گفتند نیکویی ای را، برای کسانی که نیکوکاری کردند در این دنیا، نیکی ای است، و یقیناً منزل آخرت بهتر است، و یقیناً چه خوب است منزل پرهیزکاران

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ (31 نحل)

باغ های ماندگاری، داخل آن می شوند، جاری می شود از زیر آن رودها، برای آنان در آن است آنچه را می خواهند، اینچنین جزا می دهد خدا پرهیزکاران را

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (32 نحل)

کسانی که جانشان را می گیرد فرشتگان، پاک ها هستند، می گویند درود بر شما، داخل شوید به باغ، به سبب آنچه انجام می دادید

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (33 نحل)

آیا انتظار می کشند جز اینکه به سراغشان بیاید فرشتگان، یا بیاید فرمان ربّت، اینچنین انجام داد کسانی که از قبل آنان بودند، و ستم نکرد به آنان خدا، و لیکن خودشان ستم می کردند

(در مورد کافران بیان شده است.)

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (34 نحل)

پس اصابت کرد به آنان بدی هایی که انجام دادند، و احاطه کرد به آنان، آنچه که آن را مسخره می کردند

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (35 نحل)

و گفت کسانی که شریک قائل شدند، اگر می خواست خدا، نمی پرستیدیم از غیر او، از چیزی را، ما و نه پدرانمان، و حرام نمی کردیم از غیر او از چیزی را، اینچنین انجام داد کسانی که از قبل آنان بودند، پس آیا بر پیامبران جز رساندن آشکار است

(در روز قیامت، مشرکان می گویند که اگر خداوند می خواست، به جز خدا، چیزی را نمی پرستیدیم و چیزی را که خداوند حرام نکرده است، حرام نمی کردیم. در ادامه بیان شده که وظیفه ی پیامبران جز رساندن آشکار وحی خداوند نیست و نکته ی قابل اشاره در این مورد، عدم اجبار در دین است.)

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (36 نحل)

و یقیناً به درستی برانگیختیم در هر جماعتی فرستاده ای را، اینکه بپرستید خدا را و اجتناب ورزید از بت (یا شیطان)، پس از آنان کسی است که هدایت کرد خدا، و از آنان کسی است که بایسته شد بر او گمراهی، پس حرکت کنید در زمین، پس بنگرید چگونه بود پایان کار تکذیب کنندگان

إِنْ تَحْرِصْ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (37 نحل)

اگر آرزومندی بر هدایت آنان، پس همانا خدا هدایت نمی کند کسی را که گمراه می کند، و نیست برای آنان از یاری کنندگان

(به پیامبر بیان شده که اگر آرزو داری که آنان هدایت شوند، خداوند کسی را که گمراه می کند، هدایت نمی کند. پیامبر وحی خداوند را به مردم می رساننده است و هدایت از جانب خداوند صورت می پذیرد. هیچ اجباری در ایمان و دین وجود ندارد و اینکه کسی ایمان را بپذیرد یا نپذیرد، تصمیم خود اوست و اینکه هر اندازه هم که کسی تمایل داشته باشد که دیگران هدایت شوند، هدایت شدن یا نشدن افراد به خواست خداوند بستگی دارد.)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (38 نحل)

و قسم خوردند به خدا، سوگندهای با تلاششان را، که بر نمی انگیزد خدا کسی را که می میرد، آری وعده ای است بر او به حقیقت، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند

(منظور از سوگندهای با تلاش، سوگندهایی است که به صورت جدی و با تأکید بیان می شود و نوع دیگر سوگند، سوگندی است که برخی به صورت تکیه کلام و بدون جدّیت و تأکید، بیان می کنند.)

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ (39 نحل)

تا آشکار کند برای آنان آنچه را اختلاف دارند در آن، و تا بداند کسانی که کفر ورزیدند، همانا آنان بودند دروغگویان

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (40 نحل)

همانا گفتار ما به چیزی، اگر خواستیم آن را، این است که بگوییم به او باش، پس باشد

(خداوند اگر بخواهد چیزی را بیافریند، تنها به آن می گوید باش، پس آن چیز به وجود می آید.)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (41 نحل)

و کسانی که مهاجرت کردند به خاطر خدا، از پس از آنکه مورد ستم واقع شدند، یقیناً سکونت می دهیم آنان را در دنیا به نیکی، و یقیناً پاداش آخرت بزرگتر است اگر می دانستند

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (42 نحل)

کسانی که شکیبایی کردند، و بر ربّشان توکل می کنند

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (43 نحل)

و نفرستادیم از قبل تو جز مردانی را که وحی می کنیم به آنان، پس بپرسید از اهل به یاد آوردن، اگر نمی دانستید

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (44 نحل)

با دلایل و کتاب ها، و نازل کردیم به تو به یاد آوردن را، تا آشکار کنی برای مردم، آنچه را نازل شد به آنان، و شاید آنان می اندیشند

(به پیامبر بیان شده که بر تو قرآن را نازل کردیم تا آن را برای مردم آشکار کنی. پیامبر در زمینه ی دین، چیزی را از خود بیان نمی کرده است و تنها آنچه را به او وحی می شده، به مردم می رسانده است.)

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (45 نحل)

آیا پس آرامش یافتند، کسانی که نیرنگ زدند بدی ها را، اینکه ناپدید کند خدا آنان را در زمین، یا نزدشان می آید عذاب از جایی که درک نمی کنند

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (46 نحل)

یا بگیرد آنان را در گردششان، پس نیستند آنان از عاجز کنندگان

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (47 نحل)

یا بگیرد آنان را با ترسی در دل، پس همانا ربّ شما یقیناً بسیار دل رحم بخشایشگر است

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ (48 نحل)

آیا هرگز ننگریستند به آنچه آفرید خدا از چیزی، جابجا می شود سایه هایش از سمت راست و چپ ها، سجده کنان برای خدا هستند، و آنان ذلیلان هستند

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (49 نحل)

و برای خدا سجده می کند آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از جنبنده ای و فرشتگان، و آنان کبر نمی ورزند

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (50 نحل)

می ترسند از ربّشان، از بالایشان، و انجام می دهند آنچه را امر کرده می شوند

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ (51 نحل)

و گفت خدا، نگیرید دو خدای دو گانه را، همانا او خدایی یگانه است، پس از من پس بترسید

وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ (52 نحل)

و برای اوست آنچه در آسمان ها و زمین است، و برای اوست دین به صورت همیشگی، آیا پس از غیر از خدا حذر می کنید

وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ (53 نحل)

و آنچه با شما است از نعمتی، پس از خداست، سپس اگر رسید به شما زیانی، پس به او زاری و فروتنی می کنید

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (54 نحل)

سپس اگر بر طرف کرد زیان را از شما، ناگهان جماعتی از شما با ربّشان شریک قائل می شوند

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (55 نحل)

تا کفر ورزند به آنچه دادیم به آنان، پس بهره مند شوید، پس به زودی می دانید

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ (56 نحل)

و قرار می دهند برای آنچه نمی دانند، سهمی از آنچه روزی دادیم به آنان، به خدا سوگند، یقیناً حتماً مورد سؤال واقع می شوید از آنچه دروغ می بافتید

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ (57 نحل)

و قرار می دهند برای خدا دختران را، پاک و منزه است او، و برای آنان است آنچه که بسیار دوست دارند

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (58 نحل)

و اگر بشارت داده شد یکی از آنان به ماده ای، دائماً بود صورتش متمایل به سیاه، و او اندوهگین است

يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (59 نحل)

پنهان می شود از جماعت، از بدی آنچه بشارت داده شد به او، آیا او را نگه دارد با رسوایی، یا پنهان کند آن را در خاک، آگاه باشید، بد است آنچه را حکم صادر می کنند (یا قضاوت می کنند)

(اشاره به زنده به گور کردن دختران دارد.)

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (60 نحل)

برای کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، مَثَلِ بد است، و برای خدا مَثَلِ برتر (یا بالاتر) است، و او ارجمند صاحب حکمت است

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (61 نحل)

و اگر بگیرد خدا مردم را به سبب ستمشان، ترک نمی کرد بر آن از جنبنده ای، و لیکن به تأخیر می اندازد آنان را تا مهلتی معلوم، پس اگر آمد مهلتشان، تأخیر نمی کنند ساعتی را، و پیش نمی افتند

(بیان شده که اگر خداوند به خاطر ستم مردم، می خواست آنان را بگیرد، جنبنده ای بر روی زمین باقی نمی گذاشت، ولی خداوند به تأخیر می اندازد حساب آنان را تا مهلتی معلوم، که هنگام قیامت است.)

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَى لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ (62 نحل)

و قرار می دهند برای خدا آنچه را بیزار هستند، و توصیف می کند زبان هایشان دروغ را، که همانا برای آنان نیکوتر است، بی تردید همانا برای آنان آتش است، و همانا آنان پیشگامان هستند

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (63 نحل)

به خدا سوگند، یقیناً به درستی فرستادیم به جماعت هایی از قبل تو، پس آراست برای آنان شیطان، کارهایشان را، پس او دوست آنان است امروز، و برای آنان عذابی دردناک است

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (64 نحل)

و نازل نکردیم بر تو کتاب را، جز تا آشکار کنی برای آنان، آنچه را اختلاف داشتند در آن، و هدایت و مهربانی ای است برای جماعتی که ایمان می آورند

(قرآن به پیامبر وحی شد، تا آن را برای مردم آشکار کند، و قرآن هدایت و مهربانی ای است برای کسانی که ایمان می آورند. نکته اینکه با خواندن قرآن، می توان به دین حقیقی پی برد و در زمینه ی دین، حقیقت را از دروغ تشخیص داد و همچنین با خواندن قرآن می توان به راه راست و هدایت پی برد.)

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (65 نحل)

و خدا نازل کرد از آسمان آبی را، پس زنده کرد با آن زمین را پس از مرگش، همانا در آن یقیناً نشانه ای است برای جماعتی که می شنوند

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ (66 نحل)

و همانا برای شما در دام (یا حیوانات اهلی) یقیناً پندی است، می نوشانیم به شما از آنچه در شکم هایش است، از بین سرگینِ شکمبه و خونی، شیری خالصِ گوارا برای نوشنده ها

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (67 نحل)

و از میوه های درختان خرما و انگورها، می گیرید از آن شرابی (= چیز مستی آوری)، و روزیِ نیکویی را، همانا در آن یقیناً نشانه ای است برای جماعتی که درک می کنند

وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ (68 نحل)

و وحی کرد ربّ تو به زنبور، اینکه بگیر از کوه ها خانه هایی، و از درخت، و از آنچه بنا می کنند

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (69 نحل)

سپس بخور از همه ی میوه ها، پس وارد شو به راه های ربّت به صورت رام شدنی ها، خارج می شود از شکم هایش نوشیدنی ای متفاوت از نظر رنگ هایش، در آن بهبودی (یا دارو) است برای مردم، همانا در آن یقیناً نشانه ای است برای جماعتی که می اندیشند

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (70 نحل)

و خدا آفرید شما را، سپس جان شما را می گیرد، و از شما کسی است که برگردانده می شود به زندگی ناشایست (=سن پیری)، تا آنکه نداند پس از دانشی، چیزی را، همانا خدا دانای توانا است

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (71 نحل)

و خدا صاحب فضل دانست بعضی از شما را بر بعضی در روزی (=رزق)، پس نیستند کسانی که صاحب فضل دانسته شدند از عودت دهنده های روزیشان بر بردگانشان، سپس آنان در آن یکسان شوند، آیا پس به نعمت خدا کفر می ورزند

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ (72 نحل)

و خدا قرار داد برای شما از خودتان همسرانی را، و قرار داد برای شما از همسرانتان، پسران و نوه ها، و روزی داد به شما از پاک ها، آیا پس به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا، آنان کفر می ورزند

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ (73 نحل)

و می پرستند از غیر خدا را، آنچه که مالک نمی شود برای آنان روزی ای، از آسمان ها و زمین چیزی را، و توانایی انجام نمی یابند

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (74 نحل)

پس بیان نکنید برای خدا مَثَل ها را، همانا خدا می داند و شما نمی دانید

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (75 نحل)

بیان کرد خدا مَثَلی را، برده ای به ملکیت درآمده، توانا نمی شود بر چیزی، و کسی که روزی دادیم به او از خود، روزی نیکویی را، پس او خرج می کند از آن به صورت راز و به صورت آشکارا، آیا یکسان می شوند، ستایش برای خداست، بلکه بیشتر آنان نمی دانند

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّهْهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (76 نحل)

و بیان کرد خدا مَثَلی را، دو مرد، یکی از آن دو لال است، توانا نمی شود بر چیزی، و او سنگینی است بر دوستش، هر کجا می فرستد او را، نمی آورد نفعی را، آیا برابر می شود آن و کسی که امر می کند به دادگری، و او بر راهی راست است

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (77 نحل)

و برای خداست پنهان آسمان ها و زمین، و نیست فرمان (یا کار) قیامت جز مانند چشم بر هم زدنی، یا آن نزدیک تر است، همانا خدا بر هر چیزی توانا است

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (78 نحل)

و خدا خارج کرد شما را از شکم های مادرانتان، نمی دانید چیزی را، و قرار داد برای شما شنوایی و بینایی ها و قلب ها، شاید شما سپاسگزاری می کنید

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (79 نحل)

آیا هرگز ننگریستید به پرنده که تسخیر شده ها در هوای آسمان هستند، آنان را نگه نمی دارد جز خدا، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که ایمان می آورند

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ (80 نحل)

و خدا قرار داد برای شما از خانه هایتان سکونتی را، و قرار داد برای شما از پوست های دام (یا حیوانات اهلی) خانه هایی، که سبک می شمارید آن را روز کوچ کردنتان و روز اقامتتان، و از پشم هایش و کرک هایش و موهایش، اثاثیه ای و کالایی تا هنگامی

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ (81 نحل)

و خدا قرار داد برای شما از آنچه آفرید سایه هایی، و قرار داد برای شما از کوه ها پناهگاه هایی، و قرار داد برای شما پیراهن هایی که شما را نگه می دارد از گرما، و پیراهن هایی که شما را نگه می دارد از زیانتان (یا دردتان)، اینچنین کامل می کند نعمتش را بر شما، شاید شما تسلیم می شوید

(منظور از پیراهن هایی که نگه دارنده هستند در برابر زیان یا درد، احتمالاً لباس های جنگ هستند.)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (82 نحل)

پس اگر روی گرداندند، پس همانا بر تو رساندن آشکار است

(هیچ اجباری در ایمان و دین وجود ندارد و خداوند به پیامبر بیان کرده که اگر نپذیرفتند، تو فقط باید وحی را به آنها برسانی.)

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ (83 نحل)

می شناسند نعمت خدا را، سپس آن را انکار می کنند، و بیشترشان کافران هستند

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (84 نحل)

و روزی که بر می انگیزیم از هر جماعتی گواهی را، سپس اجازه داده نمی شود به کسانی که کفر ورزیدند، و نه آنان خواستار رضایت می شوند

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (85 نحل)

و اگر دید کسانی که ستم کردند، عذاب را، پس تخفیف داده نمی شود از آنان، و نه آنان مهلت داده می شوند

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ (86 نحل)

و اگر دید کسانی که شریک قائل شدند، شریکانشان را، گفتند ربّ ما، اینان شریکان ما هستند، کسانی که صدا می کردیم از غیر تو، پس ابلاغ کردند به آنان سخن را، که همانا شما یقیناً دروغگویان هستید

وَأَلْقَوْا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (87 نحل)

و ابلاغ کردند به خدا در آن روز، تسلیم را، و گم شد از آنان، آنچه را دروغ می بافتند

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ (88 نحل)

کسانی که کفر ورزیدند و باز داشتند از راه خدا، افزودیم به آنان عذابی بالای عذاب، به سبب آنچه تباه می کردند

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (89 نحل)

و روزی که بر می انگیزیم در هر جماعتی، گواهی را بر آنان از خودشان، و آوردیم تو را گواهی بر اینان، و نازل کردیم بر تو کتاب را، که روشن گویی ای است برای هر چیزی، و هدایتی و مهربانی ای، و مژده است برای تسلیم کنندگان

(خداوند در این آیه به پیامبر بیان نموده که قرآن را بر تو نازل کردیم و در قرآن به صورت روشن برای هر موردی در زمینه ی دین، بیان شده است و قرآن هدایت و مهربانی است. بنابراین قرآن به صورت کاملاً واضح و قابل فهم بیان شده است و هر کسی که آن را بخواند، قادر به فهم آن خواهد بود و برای پی بردن به راه هدایت، باید قرآن را خواند و مراجعه به منابع دیگر همچون احادیث و روایات در زمینه ی دین، جز عامل گمراهی نیست.)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (90 نحل)

همانا خدا امر می کند به دادگری و نیکوکاری، و عطا کردن به خویشاوند، و منع می کند از گناه بسیار زشت و عمل ناشایست و ستم، اندرز می دهد به شما، شاید شما یادآوری می کنید

(کارهایی که گناهان بسیار زشت و عمل ناشایست هستند، در قرآن به وضوح بیان شده است و با خواندن قرآن می توان پی به آنها برد. بنابراین کاری که در قرآن گناه بسیار زشت و عمل ناشایست دانسته نشده باشد، جزو آنها نیست. برخی از کارهایی که ستم هستند را می توان با توجه به قرآن پی به آنها برد و دیگر کارهایی که ستم هستند کاملاً مشخص هستند برای مثال آزار رساندن به دیگران، ستم است و یا آزار رساندن به حیوانات ستم است.)

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (91 نحل)

و وفا کنید به پیمان خدا، اگر پیمان بستید، و نقض نکنید سوگندها را پس از محکم بستن آن، و به درستی قرار دادید خدا را بر خودتان به عنوان ضامن، همانا خدا می داند آنچه را انجام می دهید

(بیان شده که پیمان هایی که می بندید و سوگندهایی که به صورت قاطع بیان می کنید و خداوند را بر خودتان ضامن می کنید، نقض نکنید.)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (92 نحل)

و نباشید مانند آنکه باز کرد رشته اش را از پس از محکم بافتن، می گیرید سوگندهایتان را به عنوان نیرنگ بینتان، اینکه باشی جماعتی که آن بیشتر شد از جماعتی، همانا می آزماید شما را خدا با آن، و یقیناً آشکار می کند برای شما روز قیامت، آنچه را در آن اختلاف داشتید

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (93 نحل)

و اگر می خواست خدا، یقیناً قرار می داد شما را جماعتی یگانه، و لیکن گمراه می کند کسی را که می خواهد، و هدایت می کند کسی را که می خواهد، و یقیناً حتماً مورد سؤال واقع می شوید از آنچه انجام می دادید

(هدایت شدن و گمراه شدن افراد، به خواست خداوند بستگی دارد و در زمینه ی ایمان و دین، هیچ اجباری از جانب کسی حتی پیامبر، بر دیگری وجود ندارد.)

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (94 نحل)

و نگیرید سوگندهایتان را به عنوان نیرنگ بینتان، پس بلغزد پایی پس از استحکام آن، و بچشید بدی را به سبب آنچه بازداشتید از راه خدا، و برای شما عذابی بزرگ است

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (95 نحل)

و نفروشید پیمان خدا را به بهایی اندک، همانا نزد خدا، خود بهتر است برای شما اگر می دانستید

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (96 نحل)

آنچه نزد شما است تمام می شود و آنچه نزد خداست به صورت پایدار است، و یقیناً حتماً پاداش می دهیم کسانی را که شکیبایی کردند، پاداششان را به بهتر از آنچه انجام می دادند

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (97 نحل)

کسی که انجام داد شایسته ای را از مذکر یا مؤنث، و او مؤمن است، پس یقیناً زنده می کنیم او را، زندگی پاکی، و یقیناً پاداش می دهیم به آنان، پاداششان را با بهتر از آنچه انجام می دادند

(اگر فردی ایمان داشته باشد و کار شایسته ای انجام دهد، پاداش کار شایسته اش را با بهتر از آن، در روز قیامت دریافت خواهد کرد.)

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (98 نحل)

پس اگر خواندی قرآن را، پس پناه ببر به خدا از شیطان ملعون

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (99 نحل)

همانا او را نیست برایش قدرتی (یا دلیلی) بر کسانی که ایمان آوردند و بر ربّشان توکل می کنند

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ (100 نحل)

همانا قدرت (یا دلیل) او بر کسانی است که به عنوان دوست می گیرند او را، و کسانی که آنان با او قائلان به شریک هستند

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (101 نحل)

و اگر تغییر دادیم آیه ای را با مکان آیه ای، و خدا داناتر است به آنچه نازل می کند، گفتند همانا تو دروغ بافنده ای، بلکه بیشترشان نمی دانند

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (102 نحل)

بگو نازل کرد آن را روح القدس از ربّت به حقیقت، تا استوار گرداند کسانی را که ایمان آوردند، و هدایتی است، و مژده است برای تسلیم کنندگان

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ (103 نحل)

و یقیناً به درستی می دانیم همانا آنان می گویند همانا به او می آموزد انسانی، زبان آنکه منحرف می شوند به او، غیر عرب است، و این زبانی منسوب به عرب آشکاری است

(کافران در مورد قرآن می گفته اند که قرآن از جانب خداوند نازل نشده است و آن را کسی به پیامبر می آموزد، خداوند در این آیه بیان می کند که آن فردی را که آنها می گویند قرآن را به پیامبر می آموزد، عرب زبان نیست و زبان قرآن به صورت عربی آشکار است.)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (104 نحل)

همانا کسانی که ایمان نمی آورند به آیات خدا، هدایت نمی کند آنان را خدا، و برای آنان عذابی دردناک است

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ (105 نحل)

همانا دروغ می بافند، دروغ را، کسانی که ایمان نمی آورند به آیات خدا، و آنان خود دروغگویانند

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (106 نحل)

کسی که کفر ورزید به خدا از پس از ایمانش، جز کسی که مجبور کرده شد و قلبش آرام است به ایمان، و لیکن کسی که گشود به کفر سینه ای را، پس برای آنان خشمی است از خدا، و برای آنان عذابی بزرگ است

ذَلِكَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (107 نحل)

آن به سبب این است که همانا آنان دوست داشتند زندگی دنیا را بر آخرت، و همانا خدا هدایت نمی کند جماعت کافران را

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (108 نحل)

آنان کسانی هستند که مهر زد خدا بر دل هایشان و گوششان و چشم هایشان، و آنان خود بی خبران هستند

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآَخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (109 نحل)

بی تردید، همانا آنان در آخرت، خود زیانکاران هستند

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (110 نحل)

سپس همانا ربّ تو برای کسانی که مهاجرت کردند، از پس از آنکه در آشوب افکنده شدند، سپس تلاش کردند و شکیبایی کردند، همانا ربّ تو از پس از آن، یقیناً بسیار آمرزنده بخشایشگر است

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (111 نحل)

روزی که بیاید، هر کسی دفاع می کند از خودش، و کامل داده می شود به هر کسی، آنچه را انجام داد، و آنان مورد ستم واقع نمی شوند

(منظور از آن روز، روز قیامت است.)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آَمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (112 نحل)

و بیان کرد خدا مَثَلی را، آبادی ای که بود به صورت ایمنِ آرمیده، نزدش می آید روزی اش به صورت راحت و مرفه از هر جایی، پس کفر ورزید به احسان های خدا، پس چشاند به آن خدا، لباس گرسنگی و ترس را، به سبب آنچه درست می کردند

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (113 نحل)

و یقیناً به درستی آمد نزد آنان فرستاده ای از آنان، پس تکذیب کردند او را، پس گرفت آنان را عذاب، و آنان ستمکاران هستند

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (114 نحل)

پس بخورید از آنچه روزی داد به شما خدا، به صورت حلالِ پاک، و سپاسگزاری کنید نعمت خدا را، اگر او را می پرستیدید

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (115 نحل)

همانا حرام کرد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه با صدای بلند گفته شد از غیر از خدا به آن، پس کسی که ناگزیر شد غیر از طلب کننده ای (یا ستم کننده ای) و نه دشمنی کننده ای، پس همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(بیان شده که کسی که ناچار به خوردن این حرام ها شد و قصد او طلب کردن (یا ستم کردن) و دشمنی کردن نبود، خوردن آنها ایرادی ندارد.)

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (116 نحل)

و نگویید برای آنچه توصیف می کند زبان هایتان، دروغ را، که این حلال است و این حرام است، تا دروغ ببافید بر خدا، دروغ را، همانا کسانی که دروغ می بافند بر خدا، دروغ را، رستگار نمی شوند

(در این آیه بیان شده که از جانب خود و به دروغ، چیزها را حلال و حرام اعلام نکنید و بر خدا دروغ نبندید و کسانی که بر خدا دروغ می بافند، رستگار نمی شوند. این اتفاقی است که در اسلام، بسیار رخ داده است و تحت عنوان سنت پیامبر در مذهب سنی و تحت عنوان احادیث و روایات پیامبر و امامان در مذهب شیعه، بسیاری از چیزهایی را که در قرآن حرام دانسته نشده است را به دروغ حرام اعلام نموده اند و بسیاری از احکام دروغین را به اسلام نسبت داده اند در حالی که هیچ کدام از آنها در قرآن بیان نشده است و اسلام دروغین را جایگزین اسلام حقیقی کرده اند. تنها راه پی بردن به اسلام حقیقی، خواندن قرآن است و هر چیزی که در قرآن حرام اعلام شده، حرام است و اگر چیزی در قرآن حرام اعلام نشده باشد، حرام نیست.)

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (117 نحل)

کالایی اندک، و برای آنان عذابی دردناک است

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (118 نحل)

و بر کسانی که یهودی شدند، حرام کردیم آنچه را نقل کردیم بر تو از قبل، و ستم نکردیم به آنان، و لیکن خودشان ستم می کردند

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (119 نحل)

سپس همانا ربّ تو بر کسانی که انجام دادند بدی را به سبب نادانی، سپس بازگشتند از پس از آن و اصلاح کردند، همانا ربّ تو از پس از آن یقیناً بسیار آمرزنده بخشایشگر است

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (120 نحل)

همانا ابراهیم بود روشی (یا جماعتی) به صورت اطاعت کننده برای خدا، که به صورت یکتاپرست بود، و هرگز نبود از قائلان به شریک برای خدا

شَاكِرًا لِأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (121 نحل)

شکرگزار برای نیکی هایش، برگزید او را و هدایت کرد او را به راهی راست

وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (122 نحل)

و دادیم به او در دنیا نیکی ای را، و همانا او در آخرت یقیناً از شایستگان است

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (123 نحل)

سپس وحی کردیم به تو، اینکه پیروی کن از آیین ابراهیم یکتا پرست، و نبود از قائلان به شریک برای خدا

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (124 نحل)

همانا قرار داده شد شنبه بر کسانی که اختلاف داشتند در آن، و همانا ربّ تو یقیناً حکم صادر می کند (یا قضاوت می کند) بین آنان روز قیامت، در آنچه در آن اختلاف می کردند

(حکم شنبه برای یهودیان قرار داده شده است.)

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (125 نحل)

فرا بخوان به راه ربّت، با حکمت و اندرز نیکو، و بحث کن با آنان به آنچه آن نیکوتر است، همانا ربّ تو خود داناتر است به کسی که گمراه شد از راه او، و او داناتر است به هدایت شدگان

(خداوند به پیامبر بیان کرده که آنها را به راه خدا فرا بخوان با اندرز نیکو، و با آنان به روشی بحث کن که آن نیکوتر است و خداوند خود داناتر است به کسی که گمراه شد و کسی که هدایت شد. این آیه نشان دهنده ی رفتار درست است که به پیامبر بیان شده است که انجام دهد. پس چگونه است که برخی تحت عنوان خدا و دین، به خود اجازه می دهند که به خیال خود، برای هدایت دیگران به راه راست، از هر توهینی و جنایتی در مقابل دیگران استفاده کنند و آنها را مجبور به انجام آن کاری که آن را دین می نامند، بکنند. هیچ اجباری در زمینه ی دین وجود ندارد و کسی حق اجبار دیگران به کاری را ندارد و اگر کسی می خواهد در زمینه ی دین، به کسی توصیه ای نماید، باید با نهایت احترام و با زبان خوب و بدون هیچ گونه بی احترامی، این کار را انجام دهد و البته اینکه طرف مقابل، توصیه ی او را بپذیرد یا نپذیرد، به خود او و تصمیم او بستگی دارد و اجباری در دین وجود ندارد.)

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ (126 نحل)

و اگر مجازات کردید، پس مجازات کنید به مثل آنچه مجازات شدید با آن، و یقیناً اگر شکیبایی کردید، یقیناً آن بهتر است برای شکیبایان

(بیان شده که اگر شکیبایی کنید و از مجازات کردن صرفنظر کنید، آن بهتر خواهد بود.)

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ (127 نحل)

و شکیبایی کن، و نیست شکیبایی تو جز با خدا، و اندوهگین نشو بر آنان، و نباش در دلتنگی از آنچه نیرنگ می زنند

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (128 نحل)

همانا خدا با کسانی است که پرهیزکار شدند، و کسانی که آنان بسیار نیکوکاران هستند

سوره إسراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (1 اسراء)

پاک و منزه است آنکه شبانه حرکت داد بنده اش را، شبی از مسجد (=سجده گاه) الحرام به مسجد الاقصی (=سجده گاه دورتر)، آنکه مبارک کردیم پیرامونش را، تا نشان دهیم به او از آیاتمان را، همانا او خود شنوای بیناست

(مسجد به معنای سجده گاه است و فقط به نوعی از آن که در اسلام است، گفته نمی شود و در دین یهودیان و مسیحیان نیز به محل عبادت آنها در عربی، مسجد گفته می شود.)

وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلًا (2 اسراء)

و دادیم به موسی کتاب را، و قرار دادیم آن را هدایتی برای فرزندان اسرائیل، که نگیرید از غیر من کارگزاری را

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا (3 اسراء)

نسل کسی که حمل کردیم با نوح، همانا او بود بنده ای بسیار سپاسگزار

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا (4 اسراء)

و ابلاغ کردیم به فرزندان اسرائیل در کتاب، که یقیناً تباه می کنید در زمین دو بار، و یقیناً تکبر می کنید، تکبر کردنی بزرگ را

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا (5 اسراء)

پس اگر آمد وعده ی اولین آن دو، برانگیختیم بر شما بندگانی از ما را، که صاحب قدرت نیرومند هستند، پس جستجو کردند پیرامون منزل ها (یا شهرها) را، و بود وعده ای انجام شده

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (6 اسراء)

سپس بازگرداندیم برای شما هجوم بر آنها را، و یاریتان دادیم با دارایی ها و فرزندان، و قرار دادیم شما را بیشتر از نظر نفرات

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا (7 اسراء)

اگر نیکی کردید، نیکی کردید برای خودتان، و اگر بدی کردید، پس برای آن، پس اگر آمد وعده ی دیگر، تا اندوهگین کنند چهره هایتان را، و تا داخل شوند به سجده گاه، چنانکه داخلش شدند اولین بار، و تا نابود کنند آنچه را تسلط یافتند، نابود کردنی

عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (8 اسراء)

چه بسا ربّتان، اینکه ترحم کند به شما، و اگر از سر گرفتید، از سر گرفتیم، و قرار دادیم جهنم را برای کافران، جایی تنگ (یا زندان)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (9 اسراء)

همانا این قرآن، هدایت می کند به آنچه که آن راست تر (یا درست تر) است، و مژده می دهد به مؤمنان، کسانی که انجام می دهند شایسته ها را، که همانا برای آنان پاداشی بزرگ است

(با خواندن قرآن، می توان به راه راست پی برد و می توان هدایت را از گمراهی در زمینه ی دین، تشخیص داد.)

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (10 اسراء)

و همانا کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، آماده کردیم برای آنان عذابی دردناک را

وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (11 اسراء)

و فرا می خواند انسان، بدی را مانند فراخواندنش به خوبی، و بود انسان عجله کننده

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا (12 اسراء)

و قرار دادیم شب و روز را دو نشانه، پس محو کردیم نشانه شب را و قرار دادیم نشانه روز را روشنگر، تا طلب کنید مزیتی از ربّتان، و تا بدانید شمارش سال ها را و محاسبه را، و هر چیزی را به روشنی بیان کردیم آن را، به روشنی بیان کردنی

وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا (13 اسراء)

و هر انسانی را، نگه داشتیم با او بهره اش را در گردنش، و خارج می کنیم برای او روز قیامت، کتابی را، که آن را ملاقات می کند گسترانده شده

اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (14 اسراء)

بخوان کتابت را، کافی است خودت امروز برای خود حساب کننده باشی

مَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (15 اسراء)

کسی که هدایت شد، پس همانا هدایت می شود برای خودش، و کسی که گمراه شد، پس همانا گمراه می شود علیه خود، و حمل نمی کند حمل کننده ای بار دیگری را، و نبودیم عذاب کنندگان، تا آنکه برانگیزیم فرستاده ای را

(در این آیه بیان شده که کسی که هدایت شد، پس برای خود هدایت شده است و کسی که گمراه شد، به زیان خود گمراه شده است و کسی به خاطر کارهای دیگری، مورد بازخواست قرار نمی گیرد و در ادامه بیان شده که عذاب کننده نبودیم تا زمانی که پیامبری را بفرستیم یعنی قبل از عذاب کردن قومی، پیامبری را می فرستاده ایم تا به راه هدایت دعوت نماید.)

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (16 اسراء)

و اگر خواستیم اینکه هلاک کنیم آبادی ای را، امر کردیم مرفه ها (یا زور گویان) آن را، پس از راه حق دور شدند در آن، پس بایسته شد بر آن سخن، پس ویران کردیم آن را ویران کردنی

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (17 اسراء)

و بسیار هلاک کردیم از نسل ها، از پس از نوح، و کافی است تا ربّ تو به گناهان بندگانش آگاهِ بینا باشد

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا (18 اسراء)

کسی که می خواست زودگذر را، پیش انداختیم برای او در آن، آنچه را که می خواهیم، برای کسی که می خواهیم، سپس قرار می دهیم برای او جهنم را، تحمل کند آن به صورت سرزنش شده ی پس رانده شده

(بیان شده که کسی که فقط زندگی دنیا را می خواهد، برای او آنچه را که می خواهیم، برای کسی که می خواهیم، در زندگی دنیا برایش قرار می دهیم و در روز قیامت، برای او جهنم را قرار می دهیم.)

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (19 اسراء)

و کسی که خواست آخرت را، و کوشش کرد برای آن، تلاشش را، و او مؤمن است، پس آنان بود تلاششان، سپاسگزاری شده

كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (20 اسراء)

همگی را مهلت می دهیم (یا یاری می رسانیم)، اینان و اینان را، از بخشش ربّت، و نبود بخشش ربّت جلوگیری شده

(بیان شده که به هر دو گروه، مهلت می دهیم و آنان در دنیا، تا مهلتشان زندگی خواهند کرد.)

انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا (21 اسراء)

بنگر چگونه صاحب فضل دانستیم بعضی از آنان را بر بعضی، و یقیناً آخرت بزرگتر است از نظر رتبه ها، و بزرگتر است از نظر برتری

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَخْذُولًا (22 اسراء)

قرار نده با خدا، خدایی دیگر را، پس بنشینی سرزنش شده ای یاری نشده

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (23 اسراء)

و حکم داد ربّ تو، که نپرستید جز او را، و به پدر و مادر نیکی ای را، اگر برسد نزد تو به سالخوردگی، یکی از آن دو یا هر دوی آنها، پس نگو به آن دو آخ، و به آن دو پرخاش نکن، و بگو به آن دو سخنی پسندیده را

(خداوند حکم داده است که جز او را نپرستید و حکم داده است که به پدر و مادرتان نیکی کنید و اگر پدر و مادرتان سالخورده شدند، به آنها آخ نگویید و به آنها پرخاش نکنید و با آنها به صورت پسندیده سخن بگویید.)

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (24 اسراء)

و فروتنی داشته باش بر آن دو، تواضع از مهربانی، و بگو ربّ، ترحم کن به آن دو، چنانکه مرا پرورش دادند در کوچکی

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا (25 اسراء)

ربّتان داناتر است به آنچه در جان هایتان است، اگر باشید شایسته ها، پس همانا او بود برای بسیار بازگشت کنندگان، بسیار آمرزنده

وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (26 اسراء)

و بده به خویشاوند بهره اش را، و به بی چیز و به مسافر، و اسراف (=ولخرجی) نکن، اسرافی را

(بیان شده که در راه خدا، به خویشاوند و به بی چیز و به مسافر نیازمند، کمک کن، ولی در کمک کردن زیاده روی (یا ولخرجی) نکن.)

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (27 اسراء)

همانا اسراف کاران بودند برادران شیطان ها، و بود شیطان بر ربّش کافر (یا ناسپاس)

وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا (28 اسراء)

و اگر باید روی بگردانی از آنان، در طلب مهربانی ای از ربّت که به آن امید داری، پس بگو بر آنان سخنی آسان

(بیان شده که اگر نمی توانی به آنها کمک کنی، پس به خاطر مهربانی ای که از خداوند برای خود می خواهی، با آنها خوب صحبت کن.)

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا (29 اسراء)

و قرار نده دستت را به صورت بسته به گردنت، و آن را باز نکن، همه ارائه را، پس بنشینی سرزنش شده ای از توان افتاده

(بیان شده که در کمک کردن، نه بخیل باش در کمک کردن و نه ولخرجی کن، که در نتیجه ی ولخرجی به بیچارگی بیفتی.)

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (30 اسراء)

همانا ربّ تو وسعت می دهد روزی را برای کسی که می خواهد، و تنگ می گیرد، همانا او بود به بندگانش به صورت آگاهِ بینا

(میزان روزی برای هر کسی توسط خداوند تعیین می شود و برخی از نظر مالی دارای وسعت هستند و برخی از نظر مالی در تنگنا قرار دارند.)

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا (31 اسراء)

و نکشید فرزندانتان را از ترس فقر، ما روزی می دهیم به آنان و به شما، همانا کشتن آنان بود خطایی بزرگ

وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (32 اسراء)

و نزدیک نشوید به زنا کردن، همانا آن بود گناهی بسیار زشت، و بد راهی است

(یکی از گناهان بسیار زشت، زنا است. زنا به آمیزش جنسی مرد با زنی که شوهر دارد و شوهرش فردی دیگر است، گفته می شود. به آمیزش جنسی مرد با زن مجرد، زنا گفته نمی شود.)

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (33 اسراء)

و نکشید جان را که حرام کرد خدا، جز به حقیقت، و کسی که کشته شد به صورت ستم دیده، پس به درستی قرار دادیم بر عهده دار کار او، توانایی (یا دلیلی) را، پس نباید زیاده روی کند در کشتن، همانا او بود یاری شده

(کشتن افراد فقط در مواردی که در قرآن مجاز دانسته شده است، می تواند صورت گیرد و در غیر این موارد، حرام است. و بیان شده که نکشید جان را که حرام کرد خدا، جز به حقیقت. منظور از جز به حقیقت، همان مواردی است که در قرآن بیان شده است و می توان در آن موارد، کسی را کشت. در ادامه بیان شده که کسی که به ستم کشته می شود، یعنی جزو آن مواردی که خداوند کشتن فرد را مجاز دانسته است، قرار ندارد و کشته شده است، برای عهده دار کار او از جانب خداوند، این امکان وجود دارد که انتقام کشته شدن او را بگیرد. طبق آنچه در مورد ترتیب نزول سوره های قرآن بیان شده است، سوره ی اسراء قبل تر از سوره ی بقره نازل شده است و در سوره ی بقره در آیه ی 178، در مورد مقابله به مثل در مورد کشته شدگان توضیح داده شده است. در این آیه بیان نشده که قاتل را باید به مجازات قتل کشت و بیان شده که عهده دار کار مقتول نباید زیاده روی در کشتن کند. با توجه به توضیح آیه ی 178 سوره ی بقره، این به احتمال زیاد به دلیل قبیله ای بودن اعراب در آن زمان بوده است و انتقام گیرنده ی مقتول با قبیله ی قاتل مواجه بوده و نه با خود او.)

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (34 اسراء)

و نزدیک نشوید به دارایی یتیم، جز به طریقی که آن نیکوتر است، تا برسد به سن بلوغش (یا سن ادراکش)، و به جا آورید پیمان را، همانا پیمان بود پرسیده شده

(در مورد مال یتیم بیان شده که به مال یتیم نزدیک نشوید جز به صورتی که نیکوتر است. در مورد روش استفاده از مال یتیم به صورت نیکو، در آیات قرآن بیان شده است. در ادامه بیان شده که پیمانتان را به جا آورید و در روز قیامت در این مورد پرسش خواهد شد.)

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (35 اسراء)

و کامل کنید پیمانه را، اگر پیمانه کردید، وزن کنید با ترازوی درست، آن بهتر است و نیکوتر است از نظر تعبیر

(بیان شده که اگر چیزی را به صورت پیمانه کردن می فروشید، پیمانه را به صورت کامل پر کنید و اگر چیزی را به صورت وزن کردن با ترازو می فروشید، با ترازوی درست وزن کنید و کم فروشی نکنید.)

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (36 اسراء)

و دنبال نکن آنچه را نیست برای تو به آن دانشی، همانا گوش و چشم و قلب، همه ی آنان بود از آن پرسیده شده

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (37 اسراء)

و گام بر ندار در زمین متکبرانه، همانا تو هرگز نمی شکافی زمین را، و هرگز نمی رسی به کوه ها از نظر بلندی

كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا (38 اسراء)

همه ی آن بود بدی اش، نزد ربّ تو به صورت ناپسند

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا (39 اسراء)

آن است از آنچه وحی کرد به تو ربّت، از حکمت، و قرار نده با خدا، خدایی دیگر را، پس انداخته می شوی در جهنم، سرزنش شده ی رانده شده

(موارد حکمت، در قرآن بیان شده است و با خواندن قرآن می توان به آنها پی برد.)

أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا (40 اسراء)

آیا پس اختصاص داد به شما ربّتان از پسران، و گرفت از فرشتگان، مؤنثان را، همانا شما یقیناً می گویید سخنی بزرگ را

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (41 اسراء)

و یقیناً به درستی به حالت های گوناگون بیان کردیم در این قرآن، تا یادآوری کنند، و نمی افزاید بر آنان جز تنفر را

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا (42 اسراء)

بگو اگر بود با او خدایانی، چنانکه می گویند، بدین ترتیب یقیناً درخواست می کردند به صاحب عرش، راهی را

سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا (43 اسراء)

پاک و منزه است او، و دور است از آنچه می گویند، بلند مرتبه شدنی بزرگ

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (44 اسراء)

تسبیح می گوید برای او آسمان های هفتگانه و زمین، و کسی که در آنهاست، و نیست از چیزی، جز اینکه تسبیح می گوید به ستایش او، و لیکن نمی فهمید تسبیحشان را، همانا او بود بردباری بسیار آمرزنده

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا (45 اسراء)

و اگر خواندی قرآن را، قرار دادیم بین تو و بین کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، حایلی پنهانی را

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا (46 اسراء)

و قرار دادیم بر دل هایشان پوشش هایی را، اینکه بفهمند آن را، و در گوش هایشان سنگینی ای را، و اگر به یاد آوردی ربّت را در قرآن، یگانگی اش را، روی برتافتند بر پشت هایشان متنفرانه

(در آیه ی قبل به پیامبر بیان شده اگر قرآن را خواندی، بین تو و بین کسانی که ایمان نمی آورند، حایلی قرار دادیم و در این آیه بیان شده که بر دل های کسانی که ایمان نمی آورند پوشش هایی قرار دادیم تا قرآن را نفهمند و در گوش هایشان سنگینی ای قرار دادیم. هدایت کردن یا گمراه کردن افراد به خواست خداوند بستگی دارد و اگر خداوند می خواست، همه ایمان می آوردند، و کار پیامبر تنها بیان کردن وحی خداوند برای مردم و دعوت مردم به ایمان بوده است و هیچ گونه اجباری در پذیرش ایمان و در دین وجود ندارد و این به تصمیم خود فرد بستگی دارد. پس چگونه است که افرادی حق خود می دانند که مردم را به کارهایی مجبور کنند که آن را دین می نامند و در این زمینه هر جنایت و ستمی را علیه مردم، مجاز می دانند. گفتار آنها دروغ بر خدا و دین است و رفتار آنها هیچ گونه ارتباطی با دین ندارد.)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا (47 اسراء)

ما داناتریم به آنچه گوش می کنند به آن، هنگامی که گوش می کنند به تو، و هنگامی که آنان رازگویان هستند، هنگامی که می گوید ستمکاران، پیروی نمی کنید جز مردی جادو شده را

انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (48 اسراء)

بنگر چگونه بیان کردند برای تو مَثَل ها را، پس گمراه شدند، پس توانایی نمی یابند راهی را

وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (49 اسراء)

و گفتند آیا اگر بودیم استخوان ها و خرده ریزی، آیا همانا ما یقیناً برانگیخته شدگان هستیم به صورت آفریدنی تازه

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا (50 اسراء)

بگو باشید به صورت سنگ ها یا آهن

أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا (51 اسراء)

یا آفریدنی از آنچه بزرگ تر است در سینه هایتان، پس خواهند گفت چه کسی ما را باز می گرداند، بگو آنکه آفرید شما را بار اول، پس تکان خواهند داد (=منظور به حالت تمسخر است) به تو سرهایشان را، و می گویند چه وقت است آن، بگو چه بسا اینکه باشد نزدیک

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (52 اسراء)

روزی که صدا می کند شما را، پس پاسخ می دهید با ستایش او، و گمان می کنید که درنگ نکردید جز اندکی را

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا (53 اسراء)

و بگو به بندگانم، که بگویند آنچه را که آن نیکوتر است، همانا شیطان تفرقه ایجاد می کند بین آنان، همانا شیطان بود برای انسان دشمنی آشکار

(بیان شده آنچه که نیکوتر است را بگویید. شیطان دشمن آشکار انسان است و تفرقه ایجاد می کند بین انسان ها و به واسطه ی گفتار انسان ها، می خواهد بین آنها تفرقه ایجاد کند.)

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (54 اسراء)

ربّ شما داناتر است به شما، اگر بخواهد، به شما ترحم کند، یا اگر بخواهد، عذاب کند شما را، و نفرستادیم تو را بر آنان کارگزار

(بیان شده که پیامبر به عنوان تصمیم گیرنده به جای مردم، فرستاده نشده است، هر کسی خود تصمیم گیرنده برای اعمال خود است. این نیز عدم اجبار در دین را نشان می دهد و اینکه حتی پیامبر نیز اجبار کننده ی کسی به کاری نبوده است و حق این کار را نداشته است.)

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (55 اسراء)

و ربّ تو داناتر است به کسی که در آسمان ها و زمین است، و یقیناً به درستی صاحب فضل دانستیم بعضی از پیامبران را بر بعضی، و دادیم به داوود، زبور را (یا نوشته هایی را)

(اینکه بیان شده برخی از پیامبران را بر بعضی دیگر، صاحب فضل دانستیم به این معنا نیست که پیامبران از نظر انسان بودن با هم تفاوت داشته اند، بلکه به این معنا است که از برخی جنبه ها، از پیامبران دیگر دارای برتری بوده اند مثلاً موسی پیامبری بوده است که خداوند با او سخن می گفته است و یا سلیمان پیامبری بوده است که پادشاهی قدرتمند بوده و از نظر قدرت و ثروت بسیار توانمند بوده و زبان حیوانات را می فهمیده است و با حیوانات صحبت می کرده است.)

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا (56 اسراء)

بگو صدا کنید کسانی را که مدعی شدید از غیر او، پس مالک نمی شوند به بر طرف کردن زیان از شما، و نه تغییری را

(مالک نمی شوند به بر طرف کردن زیان از شما، و نه تغییری را، به این معنا است که آنها نمی توانند از شما زیانی را بر طرف کنند و نمی توانند تغییری برای شما ایجاد کنند.)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (57 اسراء)

آنان کسانی هستند که صدا می زنند، طلب می کنند به ربّشان، عامل نزدیکی ای را، کدام یک از آنان نزدیک تر است، و امیدوارند به مهربانی او، و می ترسند از عذاب او، همانا عذاب ربّ تو بود پرهیز شده (یا پر خطر)

وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (58 اسراء)

و نیست از آبادی ای، جز اینکه ما هلاک کنندگان آن هستیم قبل از روز قیامت، یا عذاب کنندگان آن با عذابی نیرومند، بود آن در کتاب به صورت نوشته شده

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (59 اسراء)

و بازنداشت ما را اینکه بفرستیم از نشانه ها، جز اینکه تکذیب کرد آن را نخست ها، و دادیم به ثمود ماده شتری را به صورت آشکار شونده، پس ستم کردند به آن، و نمی فرستیم از نشانه ها، جز برای ترساندنی

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (60 اسراء)

و هنگامی که گفتیم به تو، همانا ربّ تو احاطه کرد به مردم، و قرار ندادیم رؤیا را که نشانت دادیم، جز در آشوب افکندنی برای مردم، و درخت نفرین شده در قرآن را، و می ترسانیم آنان را، پس نمی افزاید به آنان، جز بیدادگری ای بزرگ

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (61 اسراء)

و هنگامی که گفتیم به فرشتگان، سجده کنید به آدم، پس سجده کردند جز ابلیس، گفت آیا سجده کنم به کسی که آفریدی گِلی را

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (62 اسراء)

گفت آیا درک کردی تو این را، آنکه بزرگوار دانستی بر من، یقیناً اگر به تأخیر بیندازی مرا تا روز قیامت، یقیناً چیره می شوم به فرزندانش، جز اندکی را

قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا (63 اسراء)

گفت برو، پس کسی که دنبال تو رفت از آنان، پس همانا جهنم سزای شماست، سزایی به صورت کامل

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (64 اسراء)

و برانگیز کسی را که توانایی یافتی از آنان با صدایت، و گرد هم بیاور برای آنان از سوارانت و پیاده ات، و با آنان شریک شو در دارایی ها و فرزندان، وعده بده به آنان، و وعده نمی دهد به آنان شیطان، جز فریب دادنی را

(هر کسی خود تصمیم گیرنده است به اینکه چه راهی را در زمینه دین انتخاب کند و هیچ کسی حق ندارد و حتی پیامبر نیز این حق را نداشت که به جای دیگران تصمیم بگیرد و دیگران را به کاری در زمینه دین مجبور کند. اگر خداوند می خواست این توانایی را داشت که اراده کند و همه را در هدایت قرار دهد.)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا (65 اسراء)

همانا بندگان من را نیست برای تو بر آنان قدرتی (یا دلیلی)، و کافی است تا ربّ تو کارگزار باشد

رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (66 اسراء)

ربّتان که روان می کند برای شما کشتی را در دریا، تا طلب کنید از فزونی او، همانا او بود به شما بخشایشگر

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا (67 اسراء)

و اگر رسید به شما زیانی در دریا، گم شد کسی که صدا می کنید به جز او، پس وقتی که شما را نجات داد به خشکی، روی گرداندید و بود انسان کافر (یا ناسپاس)

(به مشرکان بیان شده که اگر در دریا جان شما به خطر بیفتد، کسانی را که با خداوند شریک قائل می شوید و آنها را صدا می کنید، ناگهان برای شما بی معنا می شوند و تنها خداوند را صدا می کنید، پس وقتی که خداوند شما را نجات داد، دوباره روی گردان می شوید و کفر می ورزید.)

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا (68 اسراء)

آیا پس آسوده خاطر شدید، اینکه فرو ریزد به شما بخشی از خشکی را، یا بفرستد بر شما تگرگی را، سپس نمی یابید برای خود کارگزاری را

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا (69 اسراء)

یا آسوده خاطر شدید، اینکه بازگرداند شما را در آن یک بار دیگر، پس بفرستد بر شما بسیار تند از باد، پس شما را غرق کند به سبب آنچه کفر ورزیدید، سپس نمی یابید برای خود بر ما از آن، یاریگری را

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (70 اسراء)

و یقیناً به درستی بزرگوار دانستیم فرزندان آدم را، و حمل کردیم آنان را در خشکی و دریا، و روزی دادیم به آنان از پاک ها، و صاحب فضل دانستیم آنان را بر بسیاری از کسی که آفریدیم، برتری ای را

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (71 اسراء)

روزی که صدا می کنیم همه ی انسان ها را با الگویشان، پس کسی که داده شد کتابش به دست راستش، پس آنان می خوانند کتابشان را و مورد ستم واقع نمی شوند به اندازه ی نخ نازک شکاف هسته ی خرمایی

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا (72 اسراء)

و کسی که بود در این نابینا، پس او در آخرت نابیناست و گمراه تر از نظر راه است

(منظور از کسی که بود در این نابینا، کسی است که در این دنیا حقیقت را ندید و درک نکرد.)

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لَاتَّخَذُوكَ خَلِيلًا (73 اسراء)

و همانا نزدیک بودند به اینکه یقیناً در آشوب بیندازند تو را، از آنچه وحی کردیم به تو، تا دروغ ببافی بر ما غیر از آن را، و بدین ترتیب یقیناً می گرفتند تو را به عنوان دوست صمیمی

وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (74 اسراء)

و اگر نبود اینکه ثابت نگه داشتیم تو را، یقیناً نزدیک بود که تو تکیه کنی به آنان، چیزی اندک را

إِذًا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (75 اسراء)

بدین ترتیب یقیناً می چشاندیم به تو، دو برابر زندگی و دو برابر مرگ، سپس نمی یابی برای خود بر ما یاری کننده ای را

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذًا لَا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا (76 اسراء)

و همانا نزدیک بود یقیناً تو را حرکت دهند از سرزمین، تا تو را بیرون کنند از آن، و بدین ترتیب درنگ نمی کنند بعد تو، جز اندکی را

(به پیامبر بیان شده که اگر تو را از سرزمین بیرون می کردند، بعد از تو جز اندکی در این دنیا درنگ نمی کردند.)

سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (77 اسراء)

روش کسی است که به درستی فرستادیم قبل از تو از فرستادگانمان، و نمی یابی برای روش ما تغییری را

(در مورد اقوام گذشته نیز اینگونه بوده است که اگر آنان پیامبر خود را از سرزمین خود بیرون می کرده اند، بر آنان عذاب نازل می شده است.)

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (78 اسراء)

بر پا دار نماز را از غروب خورشید تا تاریکی اول شب، و خوانش سپیده دم را، همانا خوانش سپیده دم بود قابل رؤیت

(در این آیه در مورد نماز مغرب و نماز صبح و وقت آنها بیان شده است. زمان نماز مغرب از هنگام غروب خورشید شروع می شود و تا تاریکی اول شب ادامه می یابد یعنی زمانی که خورشید غروب کرده و هوا تاریک شده ولی آسمان سیاه نشده است و تا زمانی که آسمان کاملاً سیاه شود، ادامه دارد.)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا (79 اسراء)

و از شب، پس بیدار شو بر آن، عبادت غیر واجب (یا بخششی، عطیه ای) است برای تو، چه بسا اینکه برانگیزد تو را ربّت به مقامی ستوده

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا (80 اسراء)

و بگو ربّ، مرا داخل کن، داخل کردنی نیکو، و خارجم کن، خارج کردنی نیکو، و قرار ده برای من از نزدت، قدرتی (یا دلیلی) یاری کننده را

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (81 اسراء)

و بگو آمد حقیقت و نابود شد باطل، همانا باطل بود نابودشونده

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (82 اسراء)

و نازل می کنیم از قرآن، آنچه را که آن مایه ی درمان و مهربانی ای است برای مؤمنان، و نمی افزاید ستمکاران را جز زیانی

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا (83 اسراء)

و اگر نعمت دادیم بر انسان، روی برگرداند و دور شد به پهلویش (=کنایه است از دور شدن و خود را کنار کشیدن از روی تکبر و نخوت)، و اگر به او رسید بدی، بود نا امید

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا (84 اسراء)

بگو همگی انجام می دهد طبق روشش، پس ربّتان داناتر است به کسی که او راه یافته تر است

(نشان دهنده ی عدم اجبار در زمینه ی دین است و اینکه هر کسی خود تصمیم گیرنده در زمینه ی ایمان و دین خود است و خداوند داناتر است به کسی که راه یافته تر است.)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (85 اسراء)

و از تو می پرسند از روح، بگو روح از فرمان (یا کار) ربّ من است، و به شما داده نشد از دانش، جز اندکی

وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا (86 اسراء)

و یقیناً اگر خواستیم، یقیناً ببریم آنچه را وحی کردیم به تو، سپس نمی یابی برای خود به آن، بر ما کارگزاری را

إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا (87 اسراء)

جز مهربانی ای از ربّت، همانا مزیت او بود بر تو بزرگ

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (88 اسراء)

بگو یقیناً اگر گرد هم آمد انسان و جن، برای اینکه بیاورند مثل این قرآن را، نمی آورند مثل آن را، اگرچه بود بعضی از آنان بر بعضی یاور

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (89 اسراء)

و یقیناً به درستی به حالت های گوناگون بیان کردیم برای مردم در این قرآن از هر مَثَلی را، پس امتناع کرد بیشتر مردم، جز کفر ورزیدن ها (یا ناسپاسی کردن ها) را

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا (90 اسراء)

و گفتند هرگز ایمان نمی آوریم به تو، تا بجوشانی برای ما از زمین چشمه ی آبی را

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا (91 اسراء)

یا باشد برای تو باغی از درخت خرما و انگور، پس بجوشانی رودهایی در بین آن، فوران کردنی را

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا (92 اسراء)

یا بیندازی آسمان را چنانکه ادعا کردی بر ما، به صورت قطعه ها، یا بیاوری خدا و فرشتگان را به صورت ضامن

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا (93 اسراء)

یا باشد برای تو خانه ای از طلا، یا بالا روی در آسمان، و هرگز ایمان نمی آوریم به بالا رفتن تو، تا نازل کنی بر ما کتابی را، که بخوانیم آن را، بگو پاک و منزه است ربّ من، آیا بودم جز انسانی فرستاده

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا (94 اسراء)

و منع نکرد مردم را اینکه ایمان بیاورند، هنگامی که آمد نزد آنان هدایت، جز اینکه گفتند آیا برانگیخت خدا انسانی را به صورت فرستاده

قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا (95 اسراء)

بگو اگر بود در زمین فرشتگانی که راه می روند آرام ها، یقیناً نازل می کردیم بر آنان از آسمان فرشته ای را به صورت فرستاده

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (96 اسراء)

بگو کافی است تا خدا گواه باشد بین من و بین شما، همانا او بود به بندگانش آگاهی بینا

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (97 اسراء)

و کسی را که هدایت کند خدا، پس او هدایت شده است، و کسی را که گمراه کند، پس هرگز نمی یابی برای آنان دوستان از غیر او، و جمع می کنیم آنان را روز قیامت بر صورت هایشان به صورت نابینایان و لال ها و ناشنوایان، پناهگاه آنان جهنم است، هر بار که فروکش کرد، افزودیم به آنان شعله ی آتشی را

(هدایت و گمراهی افراد، به خواست خداوند بستگی دارد و خداوند کسی را که بخواهد، هدایت می کند و کسی را که بخواهد گمراه می نماید، بنابراین اینکه افرادی، هدایت دیگران را وظیفه ی خود می دانند و برای هدایت دیگران، هر کاری را مجاز دانسته و به نام دین، مردم را به کارهایی که آن را دین می نامند، مجبور می کنند، جز دروغ نمی گویند و رفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد و هر کسی مسئول اعمال خود است و به خاطر اعمال دیگران بازخواست نمی شود.)

ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (98 اسراء)

آن جزای آنان است به سبب اینکه همانا آنان کفر ورزیدند به آیات ما، و گفتند آیا اگر بودیم استخوان ها و به صورت خرده ریزی، آیا همانا ما یقیناً برانگیخته شدگان هستیم به صورت آفریدنی تازه

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (99 اسراء)

آیا هرگز درک نکردند همانا خدا، آنکه آفرید آسمان ها و زمین را، تواناست بر اینکه بیافریند مثل آنها را، و قرار داد برای آنان مهلتی را که نیست شکی در آن، پس امتناع کرد ستمکاران، جز کفر ورزیدن هایی (یا ناسپاسی کردن هایی) را

(خداوند برای انسان ها زمانی را مشخص نموده است که در این دنیا زندگی می کنند و بیان شده که کافران از ایمان آوردن خودداری کردند.)

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا (100 اسراء)

بگو اگر شما مالک شوید انبارهای مهربانی ربّم را، بدین ترتیب یقیناً خودداری می کردید از ترس هزینه، و بود انسان بسیار بخیل

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا (101 اسراء)

و یقیناً به درستی دادیم به موسی نُه نشانه ای به صورت دلایل، پس بپرس از فرزندان اسرائیل هنگامی که آمد نزد آنان، پس گفت به او فرعون، همانا من یقیناً گمان می برم تو را ای موسی، به صورت جادو شده

(فرعون به موسی گفت که من گمان می کنم که تو جادو شده ای.)

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا (102 اسراء)

گفت یقیناً به درستی دانستی نازل نکرد اینان را جز ربّ آسمان ها و زمین، بینش ها، و همانا من یقیناً گمان می برم به تو ای فرعون، به صورت هلاک شده

فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا (103 اسراء)

پس خواست اینکه بیرون آورد آنان را از سرزمین، پس غرق کردیم او را و کسی که با او بود، همگی را

وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا (104 اسراء)

و گفتیم از پس از او به فرزندان اسرائیل، که سکونت کنید در سرزمین، پس اگر آمد وعده ی آخرت، آوردیم شما را به صورت گروه بزرگی از مردم

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (105 اسراء)

و به حقیقت نازل کردیم آن را، و به حقیقت نازل شد، و نفرستادیم تو را جز مژده دهنده ای و هشدار دهنده ای

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا (106 اسراء)

و قرآنی که از هم تفکیک کردیم آن را، تا بخوانی آن را بر مردم بر درنگی، و نازل کردیم آن را، نازل کردنی

قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا (107 اسراء)

بگو ایمان بیاورید به آن یا ایمان نیاورید، همانا کسانی که داده شدند دانش از قبل آن، اگر خوانده شود بر آنان، فرو می افتند بر چانه ها به صورت سجده کنندگان

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (108 اسراء)

و می گویند پاک و منزه است ربّ ما، همانا بود وعده ی ربّ ما یقیناً به صورت انجام شده

وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا (109 اسراء)

و فرو می افتند بر چانه ها، گریه می کنند و بر آنان می افزاید فروتنی ای را

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (110 اسراء)

بگو صدا کنید الله، یا صدا کنید الرَّحْمَنَ (=بخشاینده)، هر کدام را که صدا کنید پس برای او نام های نیکوتر است، و با صدای بلند نگو نمازت را و آهسته نگو آن را، و طلب کن بین آن راهی را

(اینکه برخی به نام خدا و دین می گویند که برخی از نمازها را باید مردها با صدای بلند بخوانند و برخی دیگر را با صدای آهسته بخوانند و زنان باید همه ی نمازهایشان را آهسته بخوانند، جز دروغ بستن به خدا و دین نیست و در این آیه بیان شده که نماز را نه با صدای بلند بخوان و نه آهسته بخوان، و بین آن صدای خود را تنظیم کن. دروغ دیگری که به نام خدا و دین بیان می کنند این است که صدای زن به دلیل اینکه زن است، باید در نماز خواندن آهسته باشد و دروغ دیگر اینکه گفته می شود آواز زن حرام است. با صدای بلند نخواندن نماز ارتباطی با زن بودن یا مرد بودن ندارد و به صورت کلی بیان شده است، و آواز زن در قرآن حرام دانسته نشده است و چیزهایی که در قرآن حرام دانسته نشده و برخی آنها را به نام خدا و دین، حرام اعلام کرده اند، دروغ هایی هستند که به خدا و دین نسبت داده اند.)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا (111 اسراء)

و بگو ستایش برای خداست، آنکه هرگز نگرفت فرزندی را، و هرگز نبود برای او شریکی در سلطه، و هرگز نبود برای او دوستی از خوار شدن، و او را بسیار بزرگ شمار

(منظور از هرگز نبود برای او دوستی از خوار شدن این است که اگر او دوستی داشته باشد به دلیل خوار شدن او نیست.)

سوره کهف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا (1 کهف)

ستایش برای خدا است، آنکه نازل کرد بر بنده اش کتاب را، و هرگز قرار نداد برای آن کجی ای را

قَيِّمًا لِيُنْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (2 کهف)

به صورت گرانبها، تا هشدار دهد قدرتی (یا عذابی) نیرومند را از نزدش، و بشارت دهد مؤمنان را، کسانی که انجام می دهند شایسته ها را، که همانا برای آنان پاداشی نیکو است

مَاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا (3 كهف)

ماندنی ها در آن برای همیشه

وَيُنْذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا (4 كهف)

و هشدار دهد کسانی را که گفتند، گرفت خدا فرزندی را

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (5 كهف)

نیست برای آنان به آن از دانشی، و نه برای پدرانشان، بزرگ است سخنی که خارج می شود از دهان هایشان، نمی گویند جز دروغی را

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا (6 كهف)

پس شاید تو ناکام کننده ی خودت باشی بر رد پاهای آنان، اگر هرگز ایمان نیاوردند به این گفتار، به صورت تأسف

(به پیامبر بیان شده که شاید تو از شدت تأسف برای آنان که ایمان نمی آورند به قرآن، خودت را ناکام کنی.)

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (7 كهف)

همانا ما قرار دادیم آنچه را بر زمین است، زیوری برای آن، تا بیازماییم آنان را، که کدامین آنان نیکوتر است از نظر عمل

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا (8 كهف)

و همانا ما قرار دهندگان هستیم آنچه بر آن است را، به صورت خاکی بی گیاه

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (9 كهف)

آیا پنداشتی همانا همنشینان غار بزرگ و کتیبه، بودند از نشانه های ما، به صورت شگفتی

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (10 كهف)

هنگامی که پناه بردند جوانمردان به غار بزرگ، پس گفتند ربّ ما، بده به ما از نزدت مهربانی ای را، و آماده کن برای ما از کارمان، هدایت شدنی را

فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (11 كهف)

پس زدیم بر گوش هایشان در غار بزرگ، سال های شمرده شده ای را

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (12 كهف)

سپس برانگیختیم آنان را، تا بدانیم کدام دو جماعت شمارش کرد برای آنچه درنگ کردند از نظر زمان

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى (13 كهف)

ما نقل می کنیم بر تو خبر آنان را به حقیقت، همانا آنان جوانمردانی هستند که ایمان آوردند به ربّشان، و به آنان افزودیم هدایتی را

وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا (14 كهف)

و پیوند دادیم بر دل هایشان، هنگامی که برخاستند، پس گفتند ربّ ما، ربّ آسمان ها و زمین است، هرگز صدا نمی کنیم از غیر او خدایی را، یقیناً به درستی گفتیم بدین ترتیب، از حق دور شدنی را

هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (15 كهف)

اینان جماعت ما هستند که گرفتند از غیر او خدایانی را، چرا نمی آورند بر آنان دلیلی را به صورت آشکار، پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغ بافت بر خدا، دروغی را

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا (16 كهف)

و هنگامی که کناره گیری کردند از آنان و آنچه می پرستند جز خدا، پس پناه بردند به غار بزرگ، بگستراند برای شما ربّتان از مهربانی اش، و فراهم کند برای شما از کارتان، گشایشی را

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا (17 كهف)

و می بینی خورشید را اگر طلوع کرد، متمایل می شود از غار بزرگشان، از سمت راست، و اگر غروب کرد، از آنها جدا می شود از سمت چپ، و آنان در شکافی از آن هستند، آن از نشانه های خدا است، کسی را که هدایت کند خدا، پس او هدایت یافته است، و کسی را که گمراه کند، پس هرگز نمی یابی برای او دوستی هدایت کننده را

(بیان شده که کسی را که هدایت کند خدا، پس او هدایت یافته است، و کسی را که خداوند گمراه کند، پس هرگز نمی یابی برای او دوستی هدایت کننده را. هدایت و گمراهی انسان ها، از جانب خداوند است و به خواست خداوند بستگی دارد و اگر خداوند می خواست، کافی بود اراده کند تا همه ی انسان ها، هدایت شوند، بنابراین هیچ کسی حق ندارد کسی را به ایمان و دین مجبور کند و هر کسی خودش برای ایمان و دین خود، تصمیم گیرنده است و اگر خداوند بخواهد کسی را گمراه کند، هر اندازه دیگران بخواهند او را هدایت کنند، موفق نخواهند شد و اگر خداوند بخواهد کسی را هدایت کند، آن فرد هدایت خواهد شد، حتی اگر در میان جماعتی باشد که همگی گمراه هستند.)

وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا (18 كهف)

و می پنداری آنان بیداران هستند، و آنان خواب رفته ها هستند، و آنان را می گردانیم به سمت راست و سمت چپ، و سگشان گسترنده است دو دستش را بر درگاه، اگر اطلاع می یافتی بر آنان، یقیناً روی بر می گرداندی از آنان به صورت فرار، و یقیناً پر می شدی از آنان از ترسی

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا (19 كهف)

و اینچنین برانگیختیم آنان را، تا از یکدیگر بپرسند بینشان، گفت گوینده ای از آنان، چقدر درنگ نمودید، گفتند درنگ نمودیم روزی یا پاره ای از روز را، گفتند ربّتان داناتر است به آنچه درنگ نمودید، پس برانگیزید یکی از خود را با این پولتان به شهر، پس باید نگاه کند کدامین آن پاکتر است، خوراکی ای، پس باید بیاورد برای شما روزی ای را از آن، و باید مدارا کند، و باید که آگاه نسازد به شما هیچ کسی را

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا (20 كهف)

همانا آنان اگر آگاه شوند بر شما، با سنگ می زنند شما را، یا شما را باز می گردانند در آیینشان، و هرگز رستگار نمی شوید بدین ترتیب، هیچگاه

وَكَذَلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا (21 كهف)

و اینچنین آگاه کردیم از آنان، تا بدانند همانا وعده ی خدا حقیقت است، و همانا هنگام قیامت، نیست شکی در آن، هنگامی که نزاع می کنند بینشان در مورد کارشان، پس گفتند بنا کنید بر آنان ساختمانی را، ربّشان داناتر است به آنان، گفت کسانی که برتری یافتند بر کارشان، یقیناً می گیریم بر آنان سجده گاهی را

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا (22 كهف)

خواهند گفت سه تا، چهارمین آنها سگشان است، و می گویند پنج تا، ششمین آنها سگشان است، حدسی است از پنهان، و می گویند هفت تا، و هشتمین آنها سگشان است، بگو ربّ من داناتر است به تعداد آنان، نمی داند آنها را جز اندکی، پس مجادله نکن به دلیل آنان، جز بگومگویی بر صورت ظاهر، و طلب فتوا نکن برای آنان از آنها، از هیچ کسی

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا (23 كهف)

و نگو برای چیزی، که همانا من انجام دهنده ی آن هستم فردا

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا (24 كهف)

جز اینکه بخواهد خدا، و به یاد آور ربّت را اگر فراموش کردی، و بگو چه بسا اینکه مرا هدایت کند ربّم به نزدیک تر از این، هدایت شدنی را

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا (25 کهف)

و توقف کردند در غار بزرگشان، سیصد سال و افزوده شدند نُهی را

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا (26 کهف)

بگو خدا داناتر است به آنچه توقف کردند، برای اوست پنهان آسمان ها و زمین، چه بینا و شنواست او، نیست برای آنان از غیر او از دوستی، و شریک نمی کند در قضاوت کردنش (یا حکم صادر کردنش) هیچ کسی را

وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (27 کهف)

و بخوان آنچه وحی شد به تو از کتاب ربّت، نیست تبدیل کننده ای برای کلمات او، و هرگز نمی یابی از غیر او پناهگاهی را

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا (28 کهف)

و شکیبایی کن خودت را، با کسانی که صدا می کنند ربّشان را، بر پگاه (یا بامداد، صبح زود) و شامگاه (یا اول شب)، می خواهند جهت او را، و آنان را از چشم خود نینداز، می خواهی زیور زندگی دنیا را، و اطاعت نکن کسی را که به حال خود گذاشتیم دلش را از به یاد آوردن ما، و پیروی کرد خواسته اش را، و بود کارش زیاده روی

(یک نکته که در این آیه می توان به آن توجه نمود، اهمیت نماز است.)

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (29 کهف)

و بگو حقیقت از ربّتان است، پس کسی که خواست، پس ایمان بیاورد، و کسی که خواست، پس کفر ورزد، همانا ما آماده کردیم برای ستمکاران آتشی را، که احاطه دارد بر آنان هاله ی دود آن (یا خیمه ی آن)، و اگر یاری طلبند، یاری می شوند با آبی مانند مس گداخته، بریان می کند چهره ها را، بد نوشیدنی است و زشت تکیه گاهی است

(در این آیه بیان شده که حقیقت از جانب خداوند است و هر کسی که می خواهد، می تواند ایمان بیاورد و هر کسی که می خواهد، می تواند کفر ورزد. این نشان دهنده ی عدم اجبار در دین است و اینکه در زمینه ی دین، هر کسی خود تصمیم گیرنده برای خود است و اگر خداوند می خواست، کافی بود تا اراده کند تا همه ی انسان ها ایمان بیاورند و بنابراین خداوند به این نیاز ندارد که افرادی به نام او و از جانب او، دیگران را به ایمان و انجام کارهایی که آن را دین می نامند، مجبور نمایند. افرادی که اجبار کردن دیگران در زمینه ی دین را، به خدا و دین نسبت می دهند و کار خود را جزئی از دین می نامند، جز دروغ نمی گویند و رفتار آنها ارتباطی با دین ندارد.)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (30 کهف)

همانا کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، همانا ما ضایع نمی کنیم پاداش کسی را که به نیکویی انجام داد کاری را

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (31 كهف)

آنان برایشان باغ های جاویدان است، جاری می شود از زیر آنها رودها، آراسته می شوند در آن از دست بندهایی از طلا، و می پوشند لباس هایی سبز از ابریشم و حریر، تکیه دهندگان در آن بر تخت ها، چه خوب است مزد نیکی و زیباست تکیه گاه

(در اسلام، بسیاری از احکامی که به عنوان دین معرفی کرده اند، دروغ هستند و در قرآن بیان نشده اند، و با خواندن قرآن می توان به اسلام حقیقی پی برد. یک نمونه از این احکام دروغین، حرام بودن تماس بدن مرد با طلا است، و نمونه ی دیگر، حرام بودن پوشیدن لباس ابریشمی توسط مردان است، و موردی دیگر، حرام بودن غذا خوردن از ظروف نقره است. اینها نمونه هایی از دروغ های بسته شده به خدا و دین هستند.)

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا (32 كهف)

و بیان کن برای آنان مَثَل دو مرد را، که قرار دادیم برای یکی از آن دو، دو باغ از انگورهایی، و احاطه کردیم به آن دو، با درخت خرما، و قرار دادیم بین آن دو، کِشته ای را

كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا (33 كهف)

هر دوی باغ ها می داد میوه اش را، و هرگز دریغ نمی ورزید از او چیزی را، و بیرون آوردیم در بین آن دو رودخانه ای را

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا (34 كهف)

و بود برای او میوه ای، پس گفت به همنشینش، و در حالی که او گفتگو می کند با او، من را بیشتر از تو دارایی است و ارجمندتر از نظر نفر هستم

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا (35 كهف)

و داخل شد به باغش، و او ستمکار به خودش است، گفت گمان نمی کنم اینکه نابود شود این، هیچگاه

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا (36 كهف)

و گمان نمی کنم هنگام قیامت، برپا شونده باشد، و یقیناً اگر بازگردانده شدم به ربّم، یقیناً می یابم بهتر از آن را در محل برگشت

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا (37 كهف)

گفت به او همنشینش، و در حالی که او گفتگو می کند با او، آیا کفر ورزیدی به آنکه آفرید تو را از خاکی، سپس از نطفه ای، سپس منظم کرد تو را به صورت مرد

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (38 كهف)

لیکن مرا، اوست خدا ربّ من، و شریک قائل نمی شوم با ربّم هیچ کس را

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا (39 کهف)

و چرا هنگامی که داخل شدی به باغت، نگفتی آنچه را خواست خدا، نیست قدرت جز از خدا، اگر می بینی مرا، که من کمتر هستم از تو، از نظر دارایی و فرزند

فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا (40 کهف)

پس چه بسا ربّ من، اینکه بدهد به من بهتری از باغ تو را، و می فرستد بر آن تیرهای کوچکی از آسمان، پس بگردد خاکی هموار و خالی

أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا (41 کهف)

یا بگردد آبش، آبی فرو رفته در زمین، پس هرگز نمی توانی از آن درخواست کردنی را

وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا (42 کهف)

و احاطه کرده شد به میوه اش، پس صبح آمد، بسیار دگرگون می کند دو کف دستش را بر آنچه خرج کرد در آن، و آن خالی بود بر سقف هایش (=کنایه از خرابی بسیار است)، و می گوید ای کاش من هرگز شریک قائل نمی شدم با ربّم هیچ کسی را

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا (43 کهف)

و هرگز نبود برای او جماعتی که او را یاری می کنند از غیر خدا، و نبود به صورت کامیاب

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (44 کهف)

آنجا اداره کردن برای خدای حقیقت است، او بهتر است از نظر پاداش کار خوب، و بهتر است از نظر پایان چیزی

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا (45 کهف)

و بیان کن برای آنان مَثَل زندگی دنیا را، که مانند آبی است که نازل کردیم آن را از آسمان، پس در هم آمیخت با آن گیاه زمین، پس گردید گیاه خشکی که به هر سو پراکنده کند آن را بادها، و بود خدا بر هر چیزی به صورت قدرتمند

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (46 کهف)

دارایی و فرزندان، زیور زندگی دنیا هستند، و شایسته های پایدار، بهتر است نزد ربّت، از نظر پاداش کار خوب، و بهتر است از نظر امید

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا (47 کهف)

و روزی که به حرکت وا می داریم کوه ها را، و می بینی زمین را به صورت آشکار، و گرد هم آوردیم آنان را، پس هرگز از قلم نمی اندازیم از آنان، هیچ کسی را

وَعُرِضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا (48 کهف)

و آشکار کرده شدند بر ربّت به صورت صف (یا ردیف)، یقیناً به درستی آمدید به سوی ما، آنچنانکه آفریدیم شما را اولین بار، بلکه ادعا کردید که هرگز قرار نمی دهیم برای شما وعده ای را

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (49 کهف)

و قرار داده شد کتاب، پس می بینی بدکاران را، نگران ها از آنچه در آن است هستند، و می گویند ای وای بر ما، این چه کتابی است، فرو نگذاشته است کوچکی را و نه بزرگی را، جز اینکه شمارش کرد آن را، و یافتند آنچه را انجام دادند به صورت حاضر، و ستم نمی کند ربّ تو به هیچ کسی

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (50 کهف)

و هنگامی که گفتیم به فرشتگان، سجده کنید بر آدم، پس سجده کردند جز ابلیس، که بود از جنّ، پس منحرف شد از فرمان ربّش، آیا پس می گیرید او را و نسل او را، دوستان از غیر من، و آنان برای شما به صورت دشمن هستند، بد جایگزینی است برای ستمکاران

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (51 کهف)

آنان را شاهد نگرفتم در آفرینش آسمان ها و زمین، و نه آفرینش خودشان، و نبودم گیرنده ی گمراه کنندگان به عنوان یاور

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا (52 کهف)

و روزی که می گوید صدا کنید شریکان من را، کسانی را که ادعا کردید، پس صدا کردند آنان را، پس هرگز پاسخ ندادند به آنان، و قرار دادیم بین آنان حایلی را

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا (53 کهف)

و دید بدکاران آتش را، پس یقین یافتند که همانا آنان واقع شوندگان در آن هستند، و هرگز نیافتند از آن گریزگاهی را

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (54 کهف)

و یقیناً به درستی به اَشکال گوناگون بیان کردیم در این قرآن برای مردم از هر مَثَلی را، و بود انسان بیشتر از هر چیزی به صورت شدت خصومت

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا (55 کهف)

و منع نكرد مردم را اينكه ايمان بياورند، هنگامی كه آمد نزد آنان هدايت، و طلب عفو كنند از ربّشان، جز اينكه به سراغشان بيايد روش نخست ها، يا به سراغشان می آيد عذاب، به صورت جلو

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنْذِرُوا هُزُوًا (56 كهف)

و نمی فرستيم فرستادگان را جز بشارت دهندگان و هشدار دهندگان، و جر و بحث می كنند كسانی كه كفر ورزيدند به باطل، تا نقض كنند با آن حقيقت را، و گرفتند آيات (يا نشانه های) من را و آنچه را هشدار داده شدند، به مسخره

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (57 كهف)

و چه كسی ستمكارتر است از كسی كه يادآوری كرده شد با آيات ربّش، پس روی گرداند از آن، و فراموش كرد آنچه را پيش انداخت دو دستش، همانا ما قرار داديم بر دل هايشان پوشش هايی را، اينكه بفهمند آن را، و در گوش هايشان سنگينی ای را، و اگر فراخوانی آنان را به هدايت، پس هرگز هدايت نمی شوند بدين ترتيب، هيچگاه

(پيامبر فقط مردم را به هدايت دعوت می كرده است و اينكه كسی اين دعوت را بپذيرد يا نپذيرد، بستگی به تصميم خود او داشته است و هيچ اجباری در دين نيست و اگر بنا به مجبور كردن انسان ها به دين بود، نيازی به پيامبر و دعوت مردم به هدايت نبود، و كافی بود تا خداوند اراده نمايد تا همه ی انسان ها ايمان بياورند. پس بر چه اساسی، برخی به نام خدا و دين، كاری را كه حتی پيامبر حق انجام آن را نداشته، انجام می دهند و مردم را با اجبار، به دين و كارهايی كه دستورات دين می نامند، وادار می كنند و در اين زمينه از هيچ ستم و جنايتی به مردم فروگذار نمی كنند. گفتار آنها دروغ است و رفتار آنها ارتباطی با دين ندارد.)

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا (58 كهف)

و ربّ تو بسيار آمرزنده ی صاحب مهربانی است، اگر بگيرد آنان را به سبب آنچه به دست آوردند، يقيناً شتابان می شد برای آنان عذاب، بلكه برای آنها وعده ای است، كه هرگز نمی يابند از غير او پناهگاهی را

وَتِلْكَ الْقُرَى أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا (59 كهف)

و آن آبادی ها را كه هلاكشان كرديم وقتی كه ستم كردند، و قرار داديم برای هلاک كردنشان وعده ای را

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا (60 كهف)

و هنگامی كه گفت موسی به جوانش (يا بنده اش)، آرام نگيرم تا برسم به محل به هم رسيدن دو دريا، يا طی می كنم مدت نامعلومی از زمان را

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا (61 كهف)

پس وقتی که رسیدند به محل به هم رسیدن بین آن دو، آن دو فراموش کردند ماهیشان را، پس گرفت راهش را در دریا در کانال آبی

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا (62 کهف)

پس وقتی که آن دو گذشتند، گفت به جوانش (یا بنده اش)، بیاور نزد ما صبحانه (یا ناهار) مان را، یقیناً به درستی دیدیم از این مسافرتمان، خستگی ای را

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنْسَانِيهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا (63 کهف)

گفت آیا دیدی هنگامی که پناه بردیم به تخته سنگ، پس همانا من فراموش کردم ماهی را، و مرا به فراموش کردن آن وا نداشت جز شیطان، اینکه به یاد آورم آن را، و گرفت راهش را در دریا به شکلی عجیب

قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا (64 کهف)

گفت آن است آنچه می طلبیدیم، پس بازگشتند بر رد پاهایشان (یا نشانه هایشان)، به صورت به تدریج دنبال کردن

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا (65 کهف)

پس یافتند بنده ای از بندگانمان را، که دادیم به او مهربانی ای از نزدمان، و آموختیم به او از نزدمان دانشی را

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (66 کهف)

گفت به او موسی، آیا به دنبال تو بیایم برای اینکه به من بیاموزی از آنچه یاد داده شدی، هدایتی (یا ادراکی) را

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (67 کهف)

گفت همانا تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی ای را

وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (68 کهف)

و چگونه شکیبایی می کنی بر آنچه هرگز احاطه نکردی بر آن آگاهی ای را

قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (69 کهف)

گفت خواهی یافت مرا اگر خواست خدا به صورت شکیبا، و نافرمانی نمی کنم از تو فرمانی را

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا (70 کهف)

گفت پس اگر پیروی می کنی مرا، پس نپرس از من از چیزی، تا بگویم برای تو از آن به یاد آوردنی را

فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا (71 کهف)

پس رفتند تا ناگهان آن دو سوار شدند در کشتی، پاره کرد آن را، گفت آیا پاره کردی آن را تا غرق کنی ساکنین آن را، یقیناً به درستی انجام دادی چیزی ناپسند را

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (72 کهف)

گفت آیا هرگز نگفتم همانا تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی ای را

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا (73 کهف)

گفت سرزنش نکن مرا به سبب آنچه فراموش کردم، و مرا به کار سخت وا ندار از کارم، سختی ای را

فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا (74 کهف)

پس رفتند تا ناگهان برخوردند به نوجوانی، پس کشت او را، گفت آیا کشتی کسی را که بی گناه است، به غیر از جانی، یقیناً به درستی انجام دادی چیزی بسیار ناشایست را

(موسی به او گفت که آیا کسی که بی گناه بود و قتلی انجام نداده بود را کشتی.)

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (75 کهف)

گفت آیا هرگز نگفتم به تو، همانا تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی ای را

قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا (76 کهف)

گفت اگر پرسیدم از تو از چیزی پس از آن، پس همراهی نکن با من، به درستی رسیدی از نزد من به بهانه ای

فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَّ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (77 کهف)

پس رفتند تا ناگهان آن دو رسیدند به ساکنین آبادی ای، غذا خواستند از ساکنین آن، پس امتناع کردند از اینکه مهمان کنند آن دو را، پس یافتند در آن دیواری را که می خواهد فرو ریزد، پس راست کرد آن را، گفت اگر می خواستی یقیناً می گرفتی برای آن دستمزدی را

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (78 کهف)

گفت این جدایی است بین من و بین تو، با خبر خواهم کرد تو را از تعبیر آنچه هرگز نتوانستی بر آن شکیبایی ای را

أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (79 کهف)

لیکن کشتی، پس بود برای بینوایانی که کار می کنند در دریا، پس خواستم که معیوب کنم آن را، و بود پشت سر آنان پادشاهی، که می گیرد هر کشتی ای را به زور

وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا (80 کهف)

و لیکن نوجوان، پس بود پدر و مادرش مؤمنان، پس ترسیدیم اینکه ملحق کند آن دو را به بیدادگری ای و کفری

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا (81 کهف)

پس خواستیم اینکه تعویض کند برای آن دو، ربّشان، بهتر از او را از نظر پاکی، و نزدیک تر به دل نازکی ای

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (82 کهف)

و لیکن دیوار، پس بود برای دو نوجوان یتیم در شهر، و بود زیر آن گنجی برای آن دو، و بود پدر آن دو شایسته ای، پس خواست ربّ تو اینکه برسند به سن ادراکشان، و خواستار خروج شوند گنجشان را، مهربانی ای است از ربّ تو، و انجام ندادم آن را از سلطه ام، آن تعبیر آنچه است که هرگز نتوانستی بر آن شکیبایی ای را

(منظور از انجام ندادم آن را از سلطه ام، این است که این کارهایی که انجام پذیرفت، به تصمیم من و به میل من نبوده است و به خواست خداوند بوده است.)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا (83 کهف)

و می پرسند از تو از دارنده ی دو شاخ، بگو خواهم خواند بر شما از او، به یاد آوردنی را

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (84 کهف)

همانا ما توانمند کردیم برای او در زمین، و دادیم به او از هر چیزی، علتی را

فَأَتْبَعَ سَبَبًا (85 کهف)

پس دنبال کرد علتی (یا طریقی) را

حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (86 کهف)

تا ناگهان رسید به جای غروب خورشید، یافت آن را غروب می کند در چشمه ای از گِل سیاه، و یافت نزد آن جماعتی را، گفتیم ای دارنده ی دو شاخ، یا اینکه عذاب می کنی، و یا اینکه می گیری برای آنان نیکی ای را

قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا (87 کهف)

گفت لیکن کسی که ستم کرد، پس به زودی عذاب می کنم او را، سپس برگردانده می شود به ربّش، پس او را عذاب می کند، عذابی بسیار ناشایست

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءً الْحُسْنَى وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (88 کهف)

و لیکن کسی که ایمان آورد و انجام داد شایسته ای را، پس برای او پاداشی نیکوتر است، و خواهیم گفت به او از فرمانمان، آسودگی را

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (89 کهف)

سپس دنبال کرد علتی (یا طریقی) را

حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَى قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا (90 کهف)

تا ناگهان رسید به محل طلوع خورشید، یافت آن را طلوع می کند بر جماعتی، که هرگز قرار ندادیم برای آنان از غیر آن، پوششی را

كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا (91 کهف)

اینچنین، و به درستی احاطه داشتیم به آنچه نزد او بود، آگاهی ای را

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (92 کهف)

سپس دنبال کرد علتی (یا طریقی) را

حَتَّى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (93 کهف)

تا ناگهان رسید بین دو مانع (یا کوه)، یافت از غیر آن دو، جماعتی را که به آسانی نمی فهمند سخنی را

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (94 کهف)

گفتند ای دارنده ی دو شاخ، همانا یأجوج و مأجوج فساد گران در زمین هستند، پس آیا قرار دهیم برای تو هزینه ای را، برای اینکه قرار دهی بین ما و بین آنان حایلی (یا مانعی) را

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا (95 کهف)

گفت آنچه را توانمند کرد مرا در آن ربّم، بهتر است، پس مرا یاری دهید با قدرتی، تا قرار دهم بین شما و بین آنان سدّی محکم را

آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا (96 کهف)

بیاورید نزد من قطعه های آهن را، تا اگر همتراز شد بین دو کرانه، گفت بدمید تا ناگهان قرار داد آن را آتشی، گفت بیاورید نزد من تا بریزم بر آن مس گداخته ای را

فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا (97 کهف)

پس نتوانستند اینکه بر آن بالا روند، و نتوانستند بر آن سوراخی را

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (98 کهف)

گفت این مهربانی ای از ربّم است، پس هر آینه آمد وعده ی ربّم، قرار داد آن را تپه ای کوچک، و بود وعده ی ربّم حقیقتی

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا (99 کهف)

و رها کردیم بعضی از آنان را در آن روز، موج می زنند در بعضی، و دمیده شد در صور (یا بوق)، پس آنان را گردآوری کردیم گردآوری ای

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا (100 کهف)

و پدیدار کردیم جهنم را در آن روز بر کافران، پدیدار شدنی

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا (101 کهف)

کسانی که بود چشمانشان در پوششی از به یاد آوردن من، و نمی توانستند شنیدنی را

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا (102 کهف)

آیا پس گمان کرد کسانی که کفر ورزیدند، اینکه بگیرند بندگان من را از غیر من دوستان، همانا ما مهیا کردیم جهنم را برای کافران منزلی

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (103 کهف)

بگو آیا با خبر کنیم شما را به زیانکارترین ها، از نظر کارها

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (104 کهف)

کسانی که ضایع شد تلاششان در زندگی دنیا، و آنان می پندارند که همانا آنان نیکوکاری می کنند، نیکی کردنی را

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا (105 کهف)

آنان کسانی هستند که کفر ورزیدند به آیات ربّشان و دیدار او، پس تباه شد کارهایشان، پس بر پا نمی کنیم برای آنان روز قیامت، سنجشی را

(برای کافران در روز قیامت، کارهایشان سنجیده نمی شود و اعمال آنها به دلیل کافر بودن آنها، از بین می رود و آنها را وارد جهنم می کنند.)

ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا (106 کهف)

آن سزای آنان است که جهنم است، به سبب آنچه کفر ورزیدند، و گرفتند آیات من را و فرستادگانم را، به مسخره

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا (107 کهف)

همانا کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، بود برای آنان باغ های فردوس، منزلی

(در روز قیامت، کارهای نیک افراد در یک کفه، و کارهای بد آنها در کفه ی دیگر ترازو قرار داده می شود و اگر نیکی ها سنگین تر باشند، فرد وارد بهشت می شود و اگر بدی ها سنگین تر باشند، فرد وارد جهنم می شود و البته سنجیدن اعمال برای افرادی صورت می گیرد که ایمان داشته باشند و برای کافران این سنجیدن انجام نمی شود و همه ی اعمال آنها تباه می شود و آنها را وارد جهنم می کنند.)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا (108 کهف)

همیشگی ها در آن هستند، نمی خواهند از آن جابجایی ای را

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (109 کهف)

بگو اگر بود دریا جوهری برای کلمه های ربّم، یقیناً تمام می شد دریا قبل از اینکه تمام شود کلمه های ربّم، اگرچه آوردیم مثل آن را به عنوان یاری

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (110 کهف)

بگو همانا من انسانی هستم مثل شما، وحی می شود به من، که چنین است که خدای شما خدایی یگانه است، پس کسی که امید می داشت به دیدار ربّش، پس باید انجام دهد کاری شایسته را، و شریک قائل نشود با پرستش ربّش هیچ کسی را

(بیان شده که کسی که ایمان دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و با خدا شریک قائل نشود. انجام کار شایسته، باعث می شود که در روز قیامت، نیکی های فرد سنگین تر از بدی هایش شود و او وارد بهشت گردد.)

سوره مریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

كهيعص (1 مریم)

کاف ها یا عین صاد

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا (2 مریم)

به یاد آوردن مهربانی ربّ تو، به بنده اش زکریّا

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (3 مریم)

هنگامی که صدا کرد ربّش را، صدایی پنهان

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (4 مریم)

گفت ربّ، همانا من را، سست شد استخوان از من، و سفید شد سر به صورت سپیدی موی سر، و هرگز نبودم به طلب خیر از تو ربّ، به صورت بدبخت

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا (5 مريم)

و همانا من ترسیدم از دوستانم، از پُشتم، و بود زنم نازا، پس ببخش بر من از نزدت عهده دار کاری را

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (6 مريم)

که از من ارث ببرد، و ارث ببرد از خاندان یعقوب، و قرار بده او را ربّ، پسندیده

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا (7 مريم)

ای زکریا، همانا ما بشارت می دهیم تو را به پسری، که نام او یحیی است، هرگز قرار ندادیم برای او از قبل، همنامی را

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (8 مريم)

گفت ربّ، چگونه باشد برای من پسری، و بود زنم نازا، و به درستی رسیدم از سالخوردگی به حالت فرتوتی

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا (9 مريم)

گفت اینچنین است، گفت ربّ تو، آن بر من آسان است و به درستی تو را آفریدم از قبل، و هرگز نبودی چیزی

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (10 مريم)

گفت ربّ، قرار بده برای من نشانه ای، گفت نشانه ی تو این است که سخن نمی گویی با مردم سه شب، در حال سلامتی

(بیان شده که نشانه ی زکریا از جانب خداوند این بوده است که در حالی که در سلامتی بوده است، نمی توانسته سه شب با مردم سخن بگوید.)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (11 مريم)

پس بیرون آمد بر قومش از بهترین جای خانه، پس اشاره کرد به آنان، اینکه تسبیح گویید صبح زود (یا بامدادان) و شامگاه (یا اول شب)

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (12 مريم)

ای یحیی، بگیر کتاب را با قدرت، و دادیم به او قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن) را از کودکی

وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا (13 مريم)

و دل نازکی ای (یا مهربانی ای) از نزد ما، و پاکی ای، و بود پرهیزکار

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا (14 مریم)

و نیکوکار به پدر و مادرش، و هرگز نبود مسلّطی (یا مستبدی) نافرمان

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (15 مریم)

و درود بر او، روزی که زاده شد و روزی که می میرد و روزی که برانگیخته می شود زنده

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (16 مریم)

و به یاد آور در کتاب، مریم را هنگامی که گوشه نشینی کرد (یا خود را کنار کشید) از خانواده اش، به محلی شرقی

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (17 مریم)

پس گرفت از غیر از آنان، پوششی (یا حایلی) را، پس فرستادیم به او روحِمان را، پس نمایان شد به او انسانی طبیعی

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا (18 مریم)

گفت همانا من پناه می برم به بخشاینده از تو، اگر بودی پرهیزکار

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا (19 مریم)

گفت همانا من فرستاده ی ربّ تو هستم تا عطا کنم به تو پسری پاکیزه از گناه را

قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا (20 مریم)

گفت چگونه باشد برای من پسری، و هرگز لمس نکرد مرا انسانی، و هرگز نبودم بدکاره ای

قَالَ كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا (21 مریم)

گفت اینچنین است، گفت ربّت، آن بر من ساده است، و تا قرار دهم آن را نشانه ای برای مردم، و مهربانی ای از ما، و بود کاری تحقق یافته

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (22 مریم)

پس حامله شد او را (=مسیح را)، پس خود را کنار کشید به سبب او، به محلی دور

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسْيًا مَنْسِيًّا (23 مریم)

پس به آمدن واداشت او را درد زایمان، به تنه ی درخت خرما، گفت ای کاش من مرده بودم قبل از این، و بودم فراموش شده ای از یاد رفته

فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا (24 مریم)

پس صدا کرد او را از زیرش، اینکه غم مخور، به درستی قرار داد ربّ تو در زیر تو جوی آبی را

وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا (25 مريم)

و به شدت تکان بده به خود به تنه ی درخت خرما، که بریزد بر تو خرمای رسیده ی تازه ای

فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا (26 مريم)

پس بخور و بیاشام و دیده روشن دار، پس اگر دیدی از انسان، کسی را، پس بگو همانا من برخود واجب کردم برای بخشاینده روزه ای را، پس هرگز سخن نمی گویم امروز با انسانی

(یک نوعی از روزه که در قبل از اسلام بوده است، روزه ی حرف زدن بوده است، یعنی فردی که این روزه را می گرفته، با کسی حرف نمی زده است. البته در اسلام این نوع روزه وجود ندارد.)

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (27 مريم)

پس آورد او را نزد قومش، در حالی که او را حمل می کند، گفتند ای مریم، یقیناً به درستی انجام دادی چیزی عجیب را

يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا (28 مريم)

ای خواهر هارون، نبود پدرت مرد بدی، و نبود مادرت بدکاره ای

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا (29 مريم)

پس اشاره کرد به او، گفتند چگونه سخن بگوییم با کسی که بود در گهواره، کودکی

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا (30 مريم)

گفت همانا من بنده ی خدا هستم، داد به من کتاب، و قرار داد مرا پیامبری

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (31 مريم)

و قرار داد مرا با برکت، هر کجا که بودم، و سفارشم کرد به نماز و زکات، تا زمانی که زنده ام

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا (32 مريم)

و نیکوکار به مادرم، و هرگز قرار نداد مرا مسلطی (یا مستبدی) بدبخت

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا (33 مريم)

و درود بر من، روزی که زاده شدم و روزی که می میرم و روزی که برانگیخته شوم زنده

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ (34 مريم)

آن عیسی پسر مریم است، سخن حقیقت است که در آن شک می ورزند

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (35 مريم)

نبود برای خدا، اینکه بگیرد از فرزندی، پاک و منزه است او، اگر تحقق بخشید کاری را، پس همانا می گوید به او باش، پس باشد

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (36 مریم)

و همانا خدا، ربّ من و ربّ شما است، پس بپرستید او را، این راهی راست است

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (37 مریم)

پس اختلاف داشت گروه ها از بین آنان، پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند، از گردهم آییِ روزی بزرگ

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (38 مریم)

چه شنوایند آنان، و بینایند، روزی که نزد ما بیایند، لیکن ستمکاران، امروز در گمراهی آشکاری هستند

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (39 مریم)

و هشدار ده آنان را از روز افسوس، هنگامی که تصمیم قطعی گرفته شد در مورد فرمان (یا کار)، و آنان در بی توجهی ای هستند، و آنان ایمان نمی آورند

(واژه ی ستمکاران در آیه ی قبل، برای کافران به کار رفته است.)

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (40 مریم)

همانا ما خود به ارث می بریم زمین و کسی که بر آن است را، و به ما بازگردانده می شوند

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (41 مریم)

و به یا آور در کتاب، ابراهیم را، همانا او بود بسیار راستگویی، پیامبر

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا (42 مریم)

هنگامی که گفت به پدرش، ای پدر جان، برای چه می پرستی آنچه که نمی شنود و نمی بیند و بی نیاز نمی کند از تو، چیزی را

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا (43 مریم)

ای پدر جان، همانا من را، به درستی آمد نزد من از دانش، آنچه که هرگز نیامد نزد تو، پس پیروی کن از من، تا هدایت کنم تو را به راهی مستقیم

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا (44 مریم)

ای پدر جان، نپرست شیطان را، همانا شیطان بود بر بخشاینده نافرمان

(پرستش شیطان، در مورد بت پرستان به کار رفته است و در حقیقت بت پرستان با پرستش بت، شیطان را می پرستیده اند.)

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (45 مريم)

ای پدر جان، همانا من می ترسم اینکه به تو برسد عذابی از بخشاینده، پس باشی برای شیطان دوستی

قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا (46 مريم)

گفت آیا بی میل هستی تو از خدایان من، ای ابراهیم یقیناً اگر هرگز دست بر نداشتی، یقیناً با سنگ می زنم تو را، و دوری گزین از من زمان درازی را

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (47 مريم)

گفت درودی بر تو، طلب مغفرت خواهم کرد برای تو از ربّم، همانا او بود از من، خوب استقبال کننده ای

وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَى أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا (48 مريم)

و کناره گیری می کنم از شما، و آنچه را صدا می کنید از غیر خدا، و صدا می کنم ربّم را، چه بسا اینکه نباشم از طلب خیر ربّم، بدبخت

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا (49 مريم)

پس وقتی که کناره گیری کرد از آنان، و آنچه می پرستند از غیر خدا، بخشیدیم به او اسحاق و یعقوب را، و همگی را قرار دادیم پیامبر

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (50 مريم)

و بخشیدیم به آنان از مهربانیمان، و قرار دادیم برای آنان زبان راستیِ بلند قدری را

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (51 مريم)

و به یاد آور در کتاب، موسی را، همانا او بود خالص شده ای، و بود فرستاده ای پیامبر

وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا (52 مريم)

و صدا کردیم او را از سمت راست طور، و نزدیک کردیم او را به صورت سخنگو

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا (53 مريم)

و بخشیدیم به او از مهربانیمان، برادرش هارون را، پیامبری

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (54 مريم)

و به یاد آور در کتاب، اسماعیل را، همانا او بود راستگو در وعده، و بود فرستاده ای پیامبر

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (55 مريم)

و امر می کرد خانواده اش را به نماز و زکات، و بود نزد ربّش، مورد رضایت

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (56 مريم)

و به یاد آور در کتاب، ادریس را، همانا او بود راستگویی پیامبر

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (57 مريم)

و بالا بردیم او را به مرتبه ای بلند قدر

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا (58 مريم)

آنان کسانی هستند که نعمت عطا کرد خدا بر آنان از پیامبران، از نسل آدم، و از کسی که حمل کردیم با نوح، و از نسل ابراهیم و اسرائیل، و از کسی که هدایت کردیم و برگزیدیم، اگر خوانده می شود بر آنان آیات بخشاینده، فرو می افتادند سجده کنندگان و گریان ها

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا (59 مريم)

پس جانشین شد از پس از آنان، جانشینی که از دست دادند نماز را، و پیروی کردند شهوت ها (یا جنبش های نفس در طلب لذت) را، پس به زودی ملاقات می کنند گمراهی را

(این آیه، آیه ای نیست که در آن حکمی از دین بیان شده باشد و اینکه در این آیه بیان شده، پیروی کردند شهوت ها را، این شهوت ها یک واژه ی کلی است و نمی توان از آن، حکم دینی به دست آورد و یا نمی توان به این نتیجه رسید که هر چیز لذت بخشی، گناه است. برای مثال غذای خوب خوردن، لذت بخش است و یا به طبیعت رفتن و گردش کردن، لذت بخش است و یا دید و بازدید کردن، کاری لذت بخش است و بسیاری از مثال های دیگر، ولی هیچکدام از این کارها در قرآن حرام اعلام نشده است، و آن چیزی که به روشنی در قرآن بیان شده که حرام است، حرام می باشد و اگر چیزی در قرآن حرام اعلام نشده باشد، حلال است.)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا (60 مريم)

به جز کسی که بازگشت و ایمان آورد و انجام داد شایسته ای را، پس آنان وارد می شوند به باغ، و مورد ستم واقع نمی شوند چیزی را

جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (61 مريم)

باغ های جاویدان، که وعده داد بخشاینده به بندگانش از پنهان، همانا او بود وعده اش آمدنی

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (62 مريم)

نمی شنوند در آن باطلی را جز درودی، و برای آنان روزیشان در آن بامدادان و شامگاهان است

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا (63 مريم)

آن باغی است که ارث می دهیم از بندگانمان، به کسی که بود پرهیزکار

وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا (64 مريم)

و نازل نمی شویم جز به فرمان ربّت، برای او است آنچه در برابر ما است، و آنچه پشت سر ما است، و آنچه بین آن است، و نبود ربّ تو فراموش کننده

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (65 مریم)

ربّ آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است، پس بپرست او را و شکیبا باش بر پرستش او، آیا می شناسی برای او همنامی را

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا (66 مریم)

و می گوید انسان، آیا اگر تا مرده بودم یقیناً به زودی خارج می شوم زنده

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا (67 مریم)

آیا به یاد نمی آورد انسان، همانا ما آفریدیم او را از قبل، و هرگز نبود چیزی

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (68 مریم)

پس به ربّ تو سوگند، یقیناً گرد هم می آوریم آنها را، و شیطان ها را، سپس یقیناً حاضر می کنیم آنان را پیرامون جهنم، به زانو درآمدگان

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا (69 مریم)

سپس یقیناً بیرون می کشیم از هر گروهی (یا پیروانی)، هر کدام که نیرومندتر بود بر بخشاینده، از نظر سرکشی

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَى بِهَا صِلِيًّا (70 مریم)

سپس یقیناً ما داناتریم به کسانی که آنان سزاوارتر هستند به آن، وارد شدن را

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا (71 مریم)

و نیست از شما، جز اینکه وارد شونده به آن است، بود بر ربّت حتمی ای تحقق یافته

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (72 مریم)

سپس رهایی می دهیم کسانی را که پرهیزکار شدند، و وا می گذاریم ستمکاران را در آن، به زانو درآمدگان

(بیان شده که همه ی انسان ها وارد جهنم می شوند و خداوند کسانی را که پرهیزکار شدند، از جهنم رهایی می دهد، و کسانی را که ستمکاران بودند، در آن باقی خواهد گذاشت.)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا (73 مریم)

و اگر خوانده شود بر آنان آیات ما، که دلایل است، گفت کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آوردند، کدامین دو گروه بهتر است از نظر رتبه، و نیکوتر است از نظر مجلس

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا (74 مريم)

و بسیار هلاک کردیم قبل از آنان از نسلی، که آنان بهتر بودند از نظر اثاثیه، و از نظر منظره

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا (75 مريم)

بگو کسی که بود در گمراهی، پس مهلت دهد بر او بخشاینده مهلتی را، تا اگر دیدند آنچه را وعده داده می شوند، یا عذاب و یا هنگام قیامت را، پس خواهند دانست که چه کسی برای او بد مکانی است، و ضعیف تر است از نظر لشکریان

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا (76 مريم)

و می افزاید خدا به کسانی که هدایت شدند هدایتی را، و پایدارهای شایسته ها، بهتر است نزد ربّت از نظر پاداش کار خوب، و بهتر است از نظر نتیجه

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا (77 مريم)

آیا پس دیدی آنکه را کفر ورزید به آیات ما، و گفت یقیناً به من داده می شود دارایی ای و فرزندی

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (78 مريم)

آیا آگاهی یافته از پنهان، یا گرفت نزد بخشاینده پیمانی را

كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا (79 مريم)

هرگز چنین نیست، خواهیم نوشت آنچه را می گوید، و می گسترانیم برای او از عذاب، گستراندنی را

وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا (80 مريم)

و از او به ارث می بریم آنچه را می گوید، و نزد ما می آید تک و تنها

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (81 مريم)

و گرفتند از غیر خدا، خدایانی را، تا باشند برای آنان بزرگی ای

كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا (82 مريم)

هرگز چنین نیست، کفر خواهند ورزید به پرستششان، و باشند برای آنان مخالفی (یا دشمنی)

(آن خدایانی که مشرکان به پرستش آنان مشغول هستند، در روز قیامت، به پرستیده شدن توسط مشرکان، کفر می ورزند و مخالف آنها خواهند بود.)

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا (83 مريم)

آیا هرگز ندیدی همانا ما فرستادیم شیطان ها را بر کافران، که به جوش آورد آنان را به جوش آوردنی

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا (84 مريم)

پس شتاب نکن بر آنان، همانا آماده می کنیم برای آنان شمارش کردنی را

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا (85 مريم)

روزی که گرد هم می آوریم پرهیزکاران را به بخشاینده، به عنوان فرستاده آمدنی

(منظور از عبارت به عنوان فرستاده آمدنی احتمالاً این است که آنها مانند فرستاده ای که نزد فرمانروا می آید، مورد احترام قرار می گیرند.)

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا (86 مريم)

و به جلو می رانیم بدکاران را به جهنم، با تشنگی

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (87 مريم)

مالک نمی شوند شفاعتی (یا درخواست عفو برای کسی) را، جز کسی که گرفت نزد بخشاینده، پیمانی را

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا (88 مريم)

و گفتند گرفت بخشاینده فرزندی را

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا (89 مريم)

یقیناً به درستی مرتکب شدید چیزی زشت و شگفت آور را

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا (90 مريم)

نزدیک است که آسمان ها شکافته شوند از آن، و بشکافد زمین، و فرو افتد کوه ها به صورت انهدام

أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا (91 مريم)

اینکه صدا کردند برای بخشاینده فرزندی را

وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا (92 مريم)

و سزاوار نیست برای بخشاینده، اینکه بگیرد فرزندی

إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا (93 مريم)

نیست هر کسی در آسمان ها و زمین، جز اینکه در حال رسیدن نزد بخشاینده هستند به صورت بنده

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا (94 مريم)

یقیناً به درستی شمارش کرد آنان را، و به حساب آورد آنان را، به حساب آوردنی

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا (95 مريم)

و همگی آنان در حال رسیدن به او هستند، در روز قیامت، به صورت منحصر به فرد

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (96 مریم)

همانا کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، قرار خواهد داد برای آنان بخشاینده، دوستی ای را

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا (97 مریم)

پس همانا آسان کردیم آن را به زبانت، تا مژده دهی با آن پرهیزگاران را، و هشدار دهی با آن دشمنان سرسختی را

(به پیامبر بیان شده که قرآن را به زبان تو آسان کردیم تا با آن، پرهیزکاران را مژده دهی و با آن، دشمنان را هشدار دهی. پیامبر با خواندن آیات قرآن، به مردم مژده و بیم می داده است و از خود چیزی را به عنوان دین به مردم نمی گفته است. بنابراین اگر بخواهیم بدانیم که پیامبر به مردم در زمینه ی دین چه بیان می کرده است، باید قرآن را بخوانیم، و مراجعه به احادیث و روایات برای پی بردن به رفتار و گفتار پیامبر برای فهم دین، باعث گمراهی از دین حقیقی می شود و همان اتفاقی که امروزه افتاده است، روی خواهد داد و نتیجه ی آن به وجود آمدن دین دروغین به جای دین حقیقی خواهد شد و هر دروغی را که بخواهند به خدا و دین نسبت دهند، تحت عنوان حدیث و روایت، وارد دین خواهند کرد.)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا (98 مریم)

و بسیار هلاک کردیم قبل از آنان از نسلی را، آیا حس می کنی از آنان، از هیچ کسی را، یا می شنوی از آنان، صدای آهسته ای را

سوره طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

طه (1 طه)

طا ها

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (2 طه)

نازل نکردیم بر تو قرآن را تا تیره بخت شوی

إِلَّا تَذْكِرَةً لِمَنْ يَخْشَى (3 طه)

جز عامل یادآوری ای برای کسی که می‌ترسد

(بیان شده که قرآن نازل شد به عنوان عامل یادآوری، برای کسی که می ترسد. هر کسی خود تصمیم گیرنده است که به این یادآوری توجه نماید یا توجه ننماید و به آن ایمان بیاورد یا نیاورد و هیچ گونه اجباری در زمینه ی دین وجود ندارد.)

تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى (4 طه)

وحی کردنی است از کسی که آفرید زمین و آسمان های گرانقدر را

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (5 طه)

بخشاینده، که بر عرش چیره شد

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى (6 طه)

برای او است آنچه در آسمان ها، و آنچه در زمین، و آنچه بین آن دو است، و آنچه زیر خاک نمناک است

وَإِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (7 طه)

و اگر آشکار کنی گفتار را، پس همانا او می داند راز و پنهان تر را

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (8 طه)

خداست، نیست خدایی جز او، برای اوست نام های نیکوتر

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (9 طه)

و آیا آمد نزد تو خبر موسی

إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى (10 طه)

هنگامی که دید آتشی را، پس گفت به خانواده اش بمانید، همانا من دریافتم آتشی را، شاید من نزد شما آوردم از آن پاره ای آتش را، یا بیابم بر آتش، هدایتی را

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى (11 طه)

پس وقتی که آمد نزد آن، صدا کرده شد ای موسی

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (12 طه)

همانا من خود، ربّ تو هستم، پس در آور کفش هایت را، همانا تو بر درّه ی پاکیزه شده ی طوی (یا چیز تا شده) هستی

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى (13 طه)

و من برگزیدم تو را، پس گوش کن به آنچه وحی کرده می شود

إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (14 طه)

همانا من خود، خدا هستم، نیست خدایی جز من، پس بپرست مرا، و بر پا دار نماز را، برای به یاد آوردن من

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى (15 طه)

همانا هنگام قیامت در حال رسیدن است، می خواهم پنهانش کنم تا پاداش داده شود هر کسی به آنچه کوشش می کند

فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى (16 طه)

پس نباید باز دارد تو را از آن، کسی که ایمان نمی آورد به آن، و پیروی کرد خواسته اش را، پس سقوط می کنی

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى (17 طه)

و چیست آن به دست راست تو، ای موسی

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى (18 طه)

گفت آن چوبدستی من است، تکیه می دهم بر آن، و برگ می تکانم با آن برای گوسفندانم، و برای من است در آن، نیازهای دیگری

قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى (19 طه)

گفت بینداز آن را، ای موسی

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى (20 طه)

پس انداخت آن را، پس ناگهان آن ماری است که راه می رود

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى (21 طه)

گفت بگیر آن را و نترس، بر خواهیم گرداند آن را به شکل اولش

وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى (22 طه)

و به آغوش بکش دستت را تا پهلویت، خارج شود سفید بی هیچ آسیبی، نشانه ای دیگر است

لِنُرِيَكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى (23 طه)

تا نشانت دهیم از نشانه های بزرگ ترمان را

اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (24 طه)

برو به فرعون، همانا او از اندازه تجاوز کرده است

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (25 طه)

گفت ربّ، بگشا برای من سینه ام را

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (26 طه)

و آسان کن برای من کارم را

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي (27 طه)

و بگشا گره از زبانم

يَفْقَهُوا قَوْلِي (28 طه)

تا بفهمند سخنم را

وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي (29 طه)

و قرار ده برای من، معاونی از خانواده ام

هَارُونَ أَخِي (30 طه)

هارون برادرم را

اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي (31 طه)

نیرومند گردان با او پشتم را

وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي (32 طه)

و شریک کن او را در کارم

كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا (33 طه)

تا تسبیح تو گوییم بسیار

وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا (34 طه)

و به یاد آوریم تو را بسیار

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا (35 طه)

همانا تو بودی به ما بینا

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى (36 طه)

گفت به درستی به تو داده شد درخواستت، ای موسی

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى (37 طه)

و یقیناً به درستی منّت گذاشتیم بر تو، باری دیگر

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّكَ مَا يُوحَى (38 طه)

هنگامی که وحی کردیم به مادرت، آنچه را وحی کرده می شود

أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي (39 طه)

اینکه بگذار او را در صندوق، پس بگذار او را در دریا، پس تا اندازد او را دریا به ساحل، بگیرد او را دشمنی برای من و دشمنی برای او، و انداختم بر تو علاقه ای از من، و تا پرورش یابی زیر نظر من

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى (40 طه)

هنگامی که راه می رود خواهرت، پس می گوید آیا راهنماییتان کنم بر کسی که سرپرستی کند از او، پس برگرداندیم تو را به مادرت، تا روشن شود چشمش، و غمگین نشوی، و کُشتی کسی را، پس تو را نجات دادیم از اندوه، و در آشوب افکندیم تو را، در آشوب افکندنی ای، پس درنگ کردی سال ها در ساکنین مدین، سپس آمدی طبق مقدّر کردنی، ای موسی

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي (41 طه)

و پرورش دادم تو را برای خودم

اذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي (42 طه)

برو تو و برادرت با نشانه هایم، و سستی نکنید در به یاد آوردن من

اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (43 طه)

بروید به نزد فرعون، همانا او از اندازه تجاوز کرد

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (44 طه)

پس بگویید بر او گفتاری نرم، شاید او به یاد آورد یا بترسد

قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى (45 طه)

گفتند ربّ ما، همانا ما می ترسیم، اینکه پیشی جوید (یا تجاوز کند) بر ما، یا اینکه از اندازه تجاوز کند

قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى (46 طه)

گفت نترسید، همانا من با شما هستم، می شنوم و می بینم

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى (47 طه)

پس به نزد او بروید، پس بگویید همانا ما دو فرستاده ی ربّ تو هستیم، پس بفرست با ما فرزندان اسرائیل را، و عذابشان نکن، به درستی آوردیم برای تو نشانه ای از ربّت، و درود بر کسی که پیروی کرد از هدایت

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (48 طه)

همانا ما را، به درستی وحی شده به ما، همانا عذاب بر کسی است که تکذیب کرد و روی برتافت

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى (49 طه)

گفت پس کیست ربّ شما، ای موسی

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (50 طه)

گفت ربّ ما آن است که عطا کرد به هر چیزی آفرینشش را، سپس هدایت کرد

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى (51 طه)

گفت پس چیست وضع نسل های نخست

قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى (52 طه)

گفت دانش آن نزد ربّم در کتابی است، گمراه نمی شود ربّم، و فراموش نمی کند

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى (53 طه)

آنکه قرار داد برای شما زمین را گهواره ای، و وارد کرد برای شما در آن راه هایی را، و نازل کرد از آسمان آبی را، پس خارج کردیم با آن جفت هایی از گیاه گوناگونی را

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى (54 طه)

بخورید و بچرانید دام هایتان را، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای صاحبان عقل

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (55 طه)

از آن آفریدیم شما را، و در آن باز می گردانیم شما را، و از آن خارج می کنیم شما را یک بار دیگر

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى (56 طه)

و یقیناً به درستی نشانش دادیم نشانه هایمان را، همگی اش را، پس تکذیب کرد و نپذیرفت

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى (57 طه)

گفت آیا آمدی نزد ما تا خارج کنی ما را از سرزمین مان با جادویت، ای موسی

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى (58 طه)

پس یقیناً می آوریم برای تو جادویی را مثل آن، پس قرار ده بین ما و بین خود وعده گاهی را، که خلف وعده نکنیم از آن، ما و نه تو، در محلی هموار

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى (59 طه)

گفت وعده گاه شما روز پیرایه است، و اینکه گرد هم آوَرَد مردم را، هنگام خورشیدِ در حال طلوع

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى (60 طه)

پس روى برتافت فرعون، پس گردآورى كرد نيرنگش را، سپس آورد

قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى (61 طه)

گفت بر آنان موسى، واى بر شما، دروغ نبافيد بر خدا، دروغى را، پس هلاک مى كند شما را با عذابى، و به درستى نوميد شد كسى كه دروغ بافت

فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى (62 طه)

پس نزاع كردند در كارشان بينشان، و پنهان كردند رازگويى را

قَالُوا إِنْ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى (63 طه)

گفتند همانا اين دو، يقيناً دو جادوگر هستند، مى خواهند اينكه بيرون كنند شما را از سرزمينتان با جادويشان، و ببرند مذهب برترتان را

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى (64 طه)

پس جمع كنيد نيرنگتان را، سپس بياوريد به صورت رديف، و به درستى رستگار شد امروز، كسى كه چيره شد

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى (65 طه)

گفتند اى موسى، يا اينكه مى افكنى، و يا اينكه باشيم اول كسى كه افكند

قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى (66 طه)

گفت بلكه بيندازيد، پس ناگهان طناب هايشان و عصاهايشان در خيالش چنين وانمود شد از جادويشان، كه همانا آن به راه مى افتد

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى (67 طه)

پس احساس كرد در خودش حالت ترسى را موسى

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى (68 طه)

گفتيم نترس، همانا تو خود برترى

وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى (69 طه)

و بينداز آنچه در دست راست تو است، ببلعد آنچه را ساختند، همانا ساختند نيرنگ جادوگرى را، و رستگار نمى شود جادوگر، هر كجا آمد

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى (70 طه)

پس فرو افكنده شد جادوگران سجده كنان، گفتند ايمان آورديم به ربّ هارون و موسى

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى (71 طه)

گفت ایمان آوردید به او، قبل از اینکه با خبر ساخت برای شما، همانا او یقیناً بزرگ شما است، آنکه آموخت به شما جادوگری را، پس یقیناً قطع می کنم دست هایتان را و پاهایتان را از عکس، و یقیناً به صلیب می کشانم شما را در تنه های درخت خرما، و تا بدانید کدام ما شدیدتر است از نظر عذاب، و باقی تر است

(فرعون به جادوگران گفت که به او ایمان آوردید قبل از اینکه شما را از دعوت خود آگاه نماید، این نشان دهنده ی این است که شما با او همدست هستید و او جادوگری را به شما یاد داده است.)

قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (72 طه)

گفتند هرگز تو را ترجیح نمی دهیم بر آنچه آمد نزد ما از دلایل، و آنکه آفرید ما را، پس حکم ده آنچه را تو حکم کننده ای، همانا حکم می دهی این زندگی دنیا را

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (73 طه)

همانا ما ایمان آوردیم به ربّمان، تا بیامرزد برای ما گناهانمان را، و آنچه را مجبور کردی ما را بر آن از جادو، و خدا بهتر و باقی تر است

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (74 طه)

به یقین کسی که بیاید نزد ربّش بدکار، پس همانا برای اوست جهنم، نمی میرد در آن، و نه زنده می شود

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى (75 طه)

و کسی که بیاد نزد او به صورت مؤمنی، که به درستی انجام داد شایسته ها را، پس آنان برایشان رتبه های گرانقدر است

جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى (76 طه)

باغ های جاویدان، که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند، و آن پاداش کسی است که پاکیزه شد

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى (77 طه)

و یقیناً به درستی وحی کردیم به موسی، اینکه شبانه حرکت ده بندگانم را، پس تعیین کن برای آنان راهی را در دریا به صورت خشکی، که نمی ترسی از رسیدنی، و نترسی

فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ (78 طه)

پس دنبال کرد آنان را فرعون با لشکریانش، پس احاطه کرد آنان را از دریا، آنچه که احاطه کرد آنان را

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى (79 طه)

و گمراه کرد فرعون قومش را، و هدایت نکرد

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى (80 طه)

ای فرزندان اسرائیل، به درستی نجاتتان دادیم از دشمنتان، و وعده دادیم به شما سمت راست کوه (یا کوه طور) را، و نازل کردیم بر شما شهد گیاه و بلدرچین

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (81 طه)

بخورید از پاک ها که روزی دادیم به شما، و از اندازه تجاوز نکنید در آن، پس نازل می شود بر شما خشم من، و کسی که نازل شود بر او خشم من، پس به درستی سقوط کرد

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (82 طه)

و همانا من یقیناً بسیار آمرزنده هستم بر کسی که بازگشت و ایمان آورد و انجام داد شایسته ای را، سپس هدایت شد

وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى (83 طه)

و چه چیز به عجله واداشت تو را از قومت، ای موسی

قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى (84 طه)

گفت آنان خود بر رد پای من هستند، و شتاب کردم به تو، ربّ من، تا خشنود گردی

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ (85 طه)

گفت پس همانا ما به درستی در آشوب افکندیم قومت را از پس از تو، و گمراه کرد آنان را سامری

فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي (86 طه)

پس بازگشت موسی به قومش خشمگین، به حالت متأسف، گفت ای قوم من، آیا هرگز به شما وعده نداد ربّتان، وعده ای نیکو را، آیا پس دراز شد برای شما پیمان، یا خواستید اینکه نازل شود بر شما خشمی از ربّتان، پس خلف وعده کردید وعده ی من را

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ (87 طه)

گفتند خلف وعده نکردیم وعده ی تو را به کنترلمان، و لیکن ما به حمل وادار شده بودیم بارهای سنگینی از زیور قوم را، پس آن را انداختیم، پس اینچنین انداخت سامری

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ (88 طه)

پس پدیدار کرد برای آنان گوساله ای را به صورت کالبد، که برای آن صدای گاو بود، پس گفتند این خدای شما است و خدای موسی، پس فراموش کرد

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (89 طه)

آیا پس نمی بینند که بر نمی گردد به آنان گفتاری، و کنترل نمی کند برای آنان ضرری و نه فایده ای را

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي (90 طه)

و یقیناً به درستی گفت به آنان هارون از قبل، ای قوم من، همانا در آشوب افکنده شدید با آن، و همانا ربّ شما بخشاینده است، پس پیروی کنید از من، و اطاعت کنید فرمانم را

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى (91 طه)

گفتند هرگز رخ بر نمی تابیم از آن، مقیمان هستیم تا برگردد به ما موسی

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا (92 طه)

گفت ای هارون، چه بازداشت تو را هنگامی که دیدی آنها را، گمراه شدند

أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي (93 طه)

که از من پیروی نکردی، آیا پس نافرمانی کردی فرمان من را

قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (94 طه)

گفت ای پسر مادر، نگیر ریش من را و نه سرم را، همانا من ترسیدم اینکه بگویی جدا کردی بین فرزندان اسرائیل را، و هرگز توجه نکردی سخنم را

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ (95 طه)

گفت پس چه است حال تو ای سامری

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي (96 طه)

گفت دیدم آنچه را هرگز ندیدند آن را، پس گرفتم به اندازه ی یک مشت از جای پای فرستاده را، پس انداختم آن را، و اینچنین از راه به در کرد برای من، نفس من

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (97 طه)

گفت پس برو، پس همانا برای تو در زندگی این است که بگویی، نه به لمس کردن، و همانا برای تو وعده ای است که هرگز تخلف نخواهد شد از آن، و بنگر به خدایت که دائماً بودی برای آن مقیم، یقیناً می سوزانیم آن را، سپس یقیناً می پاشیم آن را در دریا، پاشیدنی

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (98 طه)

همانا خدای شما الله است، آنکه نیست خدایی جز او، در بر گرفت همه چیز را از نظر دانش

كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا (99 طه)

اینچنین نقل می کنیم برای تو از خبرهایی، که به درستی پیش افتاد، و به درستی دادیم به تو از نزدمان، به یاد آوردنی را

(به یاد آوردنی که خداوند به پیامبر داده است، قرآن است.)

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا (100 طه)

کسی که روی برگرداند از آن، پس همانا او حمل می کند روز قیامت بار سنگینی را

خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا (101 طه)

همیشگی ها با آن هستند، و زشت و ناپسند شد برای آنان روز قیامت، از نظر بار

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (102 طه)

روزی که دمیده می شود در صور، و گرد هم می آوریم بدکاران را در آن روز، به گونه ی کبود رنگ

يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا (103 طه)

با یکدیگر آهسته صحبت می کنند بینشان، که درنگ ننمودید جز ده

(در روز قیامت، آنها با یکدیگر می گویند که جز ده روز درنگ نکرده اید و منظور از درنگ کردن، احتمالاً گذر زمان از هنگام مرگ تا هنگام دوباره زنده شدن در قیامت است.)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا (104 طه)

ما داناتریم به آنچه می گویند، هنگامی که می گوید بهتر آنها از نظر روش، که درنگ ننمودید جز روزی را

(و دیگری به آنها می گوید که جز یک روز درنگ نکردید.)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا (105 طه)

و می پرسند از تو از کوه ها، پس بگو با خاک یکسان می کند آن را ربّ من، با خاک یکسان کردنی

(در مورد اتفاقات روز قیامت بیان شده است.)

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (106 طه)

پس رهایش می کند به صورت زمین هموار و پستِ صاف

لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا (107 طه)

نمی بینی در آن کجی ای و نه بلندی ای

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (108 طه)

در آن روز پیروی می کنند صدا کننده را، نیست کجی برای او، و تسلیم شد صداها برای بخشاینده، پس نمی شنوی جز صدایی آهسته را

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا (109 طه)

در آن روز سود نمی رساند وساطت، جز کسی که اجازه داد برای او بخشاینده، و روا دانست برای او گفتاری را

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا (110 طه)

می داند آنچه را در برابر آنها است، و آنچه پشت سر آنان است، و احاطه ندارند از او دانشی را

وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا (111 طه)

و متواضع شد چهره ها برای زنده ی دائم الوجود، و به درستی مأیوس شد کسی که حمل کرد ستم کردنی را

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (112 طه)

و کسی که انجام دهد از شایسته ها را، و او مؤمن است، پس نمی ترسد از ستمی و نه کاستی ای

(کسی که در این دنیا کارهای خوب انجام داده و ایمان داشته است، در روز قیامت، از ستمی و کاستی ای نمی ترسد.)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا (113 طه)

و اینچنین نازل کردیم آن را خواندنی (یا قرآنی) منسوب به عرب، و به حالت های گوناگون بیان کردیم در آن از تهدید، شاید آنان حذر می کنند، یا روی دهد برای آنان به یاد آوردنی

(بیان شده که قرآن را به صورت عربی نازل کردیم و به روش های گوناگون در آن هشدار دادیم، شاید آنها حذر کنند و یا برای آنها یادآوری ای روی دهد.)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (114 طه)

پس دور است خدا مالکِ حقیقت، و شتاب نکن بر قرآن از قبل از اینکه ابلاغ کرده شود به تو وحی آن، و بگو ربّ، بیفزا به من دانشی را

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (115 طه)

و یقیناً به درستی توصیه کردیم به آدم از قبل، پس فراموش کرد، و هرگز نیافتیم در او قاطعیتی را

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى (116 طه)

و هنگامی که گفتیم به فرشتگان، سجده کنید به آدم، پس سجده کردند جز ابلیس، که امتناع کرد

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى (117 طه)

پس گفتیم ای آدم، همانا این دشمنی است برای تو و برای همسرت، پس شما را بیرون نکند از باغ، پس تیره بخت شوی

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى (118 طه)

همانا برای تو این است که گرسنه نشوی در آن، و برهنه نشوی

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى (119 طه)

و همانا تو بسیار تشنه نمی شوی در آن، و آفتاب نخوری

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى (120 طه)

پس وسوسه کرد به او شیطان، گفت ای آدم، آیا راهنماییت کنم بر درخت بقا، و سلطه ای که فرسوده نمی شود

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (121 طه)

پس خوردند از آن، پس آشکار شد برای آن دو شرمساری هایشان، و شروع کردند بچسبانند بر خودشان، از برگ درخت باغ، و نافرمانی کرد آدم از ربّش، پس گمراه شد

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى (122 طه)

سپس برگزید او را ربّش، پس بازگشت بر او، و هدایت کرد

(بیان شده که سپس خداوند او را برگزید و به او بازگشت و او را هدایت کرد.)

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (123 طه)

گفت فرود آیید (=هر دو) از آن، همگی، بعضی از شما بر بعضی به صورت دشمن هستید، پس اگر بیاید نزد شما از من هدایتی، پس کسی که پیروی کرد هدایت مرا، پس گمراه نمی شود، و تیره بخت نمی شود

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (124 طه)

و کسی که روی برگرداند از به یاد آوردن من، پس همانا برای او زندگی ای (یا روزی ای) سخت است، و گرد هم می آوریم او را روز قیامت، نابینا

(منظور از زندگی سخت برای او، زندگی در روز قیامت است که زندگی در جهنم است.)

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا (125 طه)

گفت ربّ، برای چه گرد هم آوردی مرا نابینا، و به درستی بودم بینا

قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى (126 طه)

گفت اینچنین آمد نزد تو نشانه های ما، پس از یاد بردی آن را، و اینچنین امروز فراموش کرده می شوی

وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى (127 طه)

و اینچنین جزا می دهیم کسی را که زیاده روی کرد و هرگز ایمان نیاورد به آیات ربّش، و یقیناً عذاب آخرت نیرومندتر و پاینده تر است

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى (128 طه)

آیا پس هرگز هدایت نکرد برای آنان، بسیار هلاک کردیم قبل از آنان از نسل ها را، که راه می روند در خانه هایشان، همانا در آن یقیناً نشانه هایی برای صاحبان عقل است

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى (129 طه)

و اگر نبود کلمه ای که پیش افتاد از ربّت، یقیناً بود به صورت بایسته شدن، و مهلتی معلوم است

(بیان شده که اگر خداوند مهلتی را معلوم نمی کرد، یقیناً همچون نسل های گذشته، عذاب برای آنها فرستاده می شد و آنها هلاک می شدند.)

فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى (130 طه)

پس شکیبایی کن بر آنچه می گویند، و تسبیح بگوی به ستایش ربّت، پیش از پدیداری خورشید و پیش از غروب آن، و از ساعات شب، پس تسبیح بگوی، و ناحیه های روز را، شاید تو راضی شوی

(به پیامبر بیان شده که در این زمان ها، به ستایش خداوند تسبیح بگو. پیش از پدیداری خورشید، زمان نماز صبح است و پیش از غروب خورشید، زمان نماز مغرب است و از ساعات شب، زمان نماز عشا است و در ناحیه های روز نیز بیان شده که نماز بخوان.)

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى (131 طه)

و اصلاً چشم ندوز به آنچه بهره مند کردیم با آن، همنشینانی از آنان را، زیبایی و شادابی زندگی دنیا است، تا در آشوب افکنیم آنان را در آن، و روزی (=رزق) ربّت بهتر و باقی تر است

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى (132 طه)

و امر کن بستگانت را به نماز، و بردباری نشان ده بر آن، درخواست نمی کنیم از تو روزی ای (=رزقی) را، ما روزی می دهیم به تو، و پایان کار برای پرهیزکاری است

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى (133 طه)

و گفتند چرا نمی آورد نشانه ای از ربّش، آیا هرگز نزدشان نیامد دلیل آنچه در کاغذهای نوشته شده ی نخست است

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى (134 طه)

و اگر اینکه ما هلاک می کردیم آنان را با عذابی از قبل آن، یقیناً می گفتند ربّ ما، چرا نفرستادی بر ما فرستاده ای، پس پیروی می کنیم آیاتت را، از قبل اینکه ذلیل شویم و خوار گردیم

(بیان شده که اگر قبل از اینکه پیامبری را برای آنها بفرستیم، با عذابی آنها را هلاک می کردیم، می گفتند ربّ ما، چرا برای ما پیامبری نفرستادی تا از آیاتت پیروی کنیم و اینگونه ذلیل و خوار نگردیم.)

قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى (135 طه)

بگو همگی منتظرند، پس منتظر باشید، پس خواهید دانست چه کسی همنشینان راه مستقیم است، و چه کسی هدایت شد

(هیچ اجباری در دین نیست و اینکه هر کسی چه راهی را انتخاب می کند، به تصمیم خود او بستگی دارد.)

سوره انبیاء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ (1 انبیاء)

قریب الوقوع شد برای مردم حسابشان، و آنان در بی توجهی ای روی برگرداننده اند

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ (2 انبیاء)

نمی آید نزد آنان از به یاد آوردنی از ربّشان به صورت جدید، جز اینکه گوش دادند به آن، و آنان به بازی می گیرند

(منظور از به یادآوردنی از ربّشان، آیات قرآن است.)

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (3 انبیاء)

به صورت بی اعتنا است دل هایشان، و پنهان نگه داشتند رازگویی را، کسانی که ستم کردند، آیا این جز انسانی مثل شما است، آیا پس می روید به جادو، و شما می بینید

(منظور از کسانی که ستم کردند، کافران هستند.)

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (4 انبیاء)

گفت ربّ من، می داند گفتار را در آسمان و زمین، و او شنوای داناست

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ (5 انبیاء)

بلکه گفتند خوابهای آشفته است، بلکه دروغ بافت او، بلکه او شاعری است، پس باید بیاورد نزد ما نشانه ای، چنانکه فرستاده شد برای نخست ها

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (6 انبیاء)

ایمان نیاورد قبل از آنان، از آبادی ای که نابود کردیم آن را، آیا پس آنان ایمان می آورند

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (7 انبیاء)

و نفرستادیم پیش از تو جز مردانی که وحی می کنیم به آنان، پس بپرسید از اهل به یاد آوردن، اگر نمی دانستید

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ (8 انبیاء)

و قرار ندادیم آنان را بدنی که نمی خورند غذا، و جاودانان نبودند

(پیامبران مانند دیگران، انسان بوده اند و غذا می خورده اند و جاودان نبوده اند.)

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ (9 انبیاء)

سپس انجام دادیم برای آنان وعده را، پس نجات دادیم آنان را، و هر که را می خواهیم، و هلاک کردیم زیاده روها را

(منظور از زیاده روها، کسانی هستند که کافر بوده اند و پیش نیازهای نازل شدن عذاب را دارا بوده اند و عذاب بر آنها نازل شده است و هلاک شده اند.)

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (10 انبیاء)

یقیناً به درستی نازل کردیم به شما کتابی را، که در آن به یاد آوردن شما است، آیا پس درک نمی کنید

(منظور از کتابی که در آن به یاد آوردن شما است، قرآن است و برای فهم دین اسلام، باید به قرآن مراجعه نمود و نه به منابع دیگر، از جمله احادیث و روایات.)

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (11 انبیاء)

و بسیار شکستیم از آبادی ای که ستمکار بود، و به وجود آوردیم بعد از آن، جماعتی دیگر را

فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ (12 انبیاء)

پس وقتی که احساس کردند قدرت ما را، ناگهان آنان از آن می‌گریزند

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ (13 انبیاء)

نگریزید و و بازگردید به آنچه غرق لذت شدید در آن، و خانه هایتان، شاید شما مورد سؤال واقع می شوید

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (14 انبياء)

گفتند ای وای بر ما، همانا ما بودیم ستمکاران

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ (15 انبياء)

پس همواره چنین است، آن ادعای آنان است، تا قرار دادیم آنان را کِشتی درو شده ی فرو نشسته

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (16 انبياء)

و نیافریدیم آسمان و زمین و آنچه بین آن دو است را به بازی گیرندگان

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْوًا لَاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ (17 انبياء)

اگر می خواستیم اینکه بگیریم سرگرمی ای را، یقیناً می گرفتیم آن را از نزدمان، اگر بودیم انجام دهندگان

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (18 انبياء)

بلکه با حقیقت بر باطل می کوبیم، پس مغلوب می کند آن را، پس ناگهان آن نابود شونده ای است، و برای شما نزول شر است از آنچه توصیف می کنید

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ (19 انبياء)

و برای او است کسی که در آسمان ها و زمین است، و کسی که نزد او است، کبر نمی ورزند از پرستش او، و خسته نمی شوند

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (20 انبياء)

تسبیح می گویند شب و روز، سست نمی شوند

أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ (21 انبياء)

یا اینکه گرفتند خدایانی از زمین، که آنان زنده می کنند

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (22 انبياء)

اگر بود در آن دو، خدایانی جز خدا، یقیناً تباه می شدند، پس پاک و منزه است خدا ربّ عرش، از آنچه توصیف می کنند

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ (23 انبياء)

از او سؤال نمی شود از آنچه انجام می دهد، و آنان مورد سؤال واقع می شوند

أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ (24 انبياء)

یا گرفتند از غیر او خدایانی را، بگو بدهید دلیلتان را، این است به یاد آوردن کسی که با من است، و به یاد آوردن کسی که قبل من است، بلکه بیشترشان درک نمی کنند حقیقت را، پس آنان روی برگردانندگان هستند

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ (25 انبیاء)

و نفرستادیم از قبل تو از فرستاده ای، جز اینکه وحی می کنیم به او، به یقین نیست خدایی جز من، پس بپرستید مرا

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ (26 انبیاء)

و گفتند گرفت بخشاینده فرزندی را، پاک و منزه است او، بلکه بندگانی که گرامی و ارجمند هستند

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (27 انبیاء)

پیشی نمی گیرند از او بر گفتار، و آنان به فرمان او عمل می کنند

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ (28 انبیاء)

می داند آنچه در برابر آنان است، و آنچه پشت سر آنان است، و طلب عفو نمی کنند جز برای کسی که راضی کرد، و آنان از ترس او نگران ها هستند

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (29 انبیاء)

و کسی که بگوید از آنان، همانا من خدایی هستم از غیر او، پس برای آن، جزا می دهیم به او جهنم را، اینچنین جزا می دهیم ستمکاران را

أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (30 انبیاء)

آیا هرگز ندید کسانی که کفر ورزیدند، همانا آسمان ها و زمین، آن دو بودند به هم چسبیده، پس آن دو را جدا ساختیم، و قرار دادیم از آب، هر چیزی را به صورت زنده، آیا پس ایمان نمی آورند

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (31 انبیاء)

و قرار دادیم در زمین، کوه های استوار را، اینکه بلرزاند آنان را، و قرار دادیم در آن، راه های گشاد میان دو کوه را، شاید آنان هدایت می شوند

(بیان شده که در زمین، کوه های استوار قرار دادیم تا زمین به لرزش در نیاید.)

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (32 انبیاء)

و قرار دادیم آسمان را بامی، به صورت نگه داری شده، و آنان از نشانه های آن روی گردان ها هستند

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (33 انبیاء)

و او است آنکه آفرید شب و روز و خورشید و ماه را، که همگی در مسیر گردش ستارگان، شناورند

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ (34 انبياء)

و قرار ندادیم برای انسانی از قبل تو بقا را، آیا پس اگر مُردی، پس آنان همیشگی ها هستند

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (35 انبياء)

هر کسی چشنده ی مرگ است، و می آزماییم شما را با بدی و خوبی، به صورت در آشوب افکندن، و به ما برگردانده می شوید

وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ (36 انبياء)

و اگر دید تو را کسانی که کفر ورزیدند، نمی گیرند تو را جز به مسخره، آیا این است آنکه به یاد می آورد خدایانتان را، و آنان بر به یاد آوردن بخشاینده، خود کافرانند

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (37 انبياء)

آفریده شد انسان از شتاب، نشان خواهم داد به شما آیاتم را، پس به عجله وا ندارید مرا

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (38 انبياء)

و می گویند چه وقت است این وعده، اگر بودید راستگویان

(می گویند که اگر راست می گویید، هنگام قیامت چه وقت است.)

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ (39 انبياء)

اگر می داند کسانی که کفر ورزیدند، هنگامی که باز نمی دارند از چهره هایشان آتش را، و نه از پشت هایشان، و نه آنان یاری می شوند

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (40 انبياء)

بلکه به سراغشان می آید به صورت غافلگیری، پس حیرت زده می کند آنان را، پس قادر به انجام نیستند ابطال آن را، و نه آنان مهلت داده می شوند

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (41 انبياء)

و یقیناً به درستی مسخره کرده شد فرستادگانی از قبل تو، پس احاطه کرد به کسانی که مسخره کردند از آنان، آنچه را که آن را مسخره می کردند

(در مورد نازل شدن عذاب بر اقوام گذشته بیان شده است و بیان شده که آنها را، آنچه را که مسخره می کردند، احاطه کرد.)

قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ (42 انبياء)

بگو چه کسی محافظت می کند شما را به شب و روز از بخشاینده، بلکه آنان از به یاد آوردن ربّشان روی گردانان هستند

(در مورد کافران بیان شده است و بیان شده که چه کسی از آنان در مقابل نازل شدن عذاب خداوند محافظت می کند.)

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ (43 انبیاء)

یا برای آنان خدایانی است که باز می دارد از آنان، از غیر ما، قادر به انجام نیستند یاری خودشان را، و نه آنان از ما همراهی کرده می شوند

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ (44 انبیاء)

بلکه بهره مند کردیم اینان را و پدرانشان را، تا دراز شد بر آنان زندگی، آیا پس نمی بینند همانا ما می آییم به زمین، از آن می کاهیم از کرانه های آن، آیا پس آنان غلبه کنندگان هستند

قُلْ إِنَّمَا أُنْذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنْذَرُونَ (45 انبیاء)

بگو همانا هشدار می‌دهم شما را با وحی، و نمی شنود کران، فراخواندن را، اگر آنچه را بیم داده می شوند

(به پیامبر بیان شده که به آنان بگو، همانا من هشدار می دهم به شما با قرآن. پیامبر از جانب خود چیزی در زمینه ی دین بیان نمی کرده است و در زمینه ی دین، همان چیزی را بیان می کرده که در قرآن به او وحی می شده است. پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان، به احکامی در اسلام اعتقاد دارند که در قرآن بیان نشده است و می گویند که این احکام را پیامبر به عنوان حکم اسلام بیان کرده و در قرآن بیان نشده است. این جز دروغ بستن به خدا و دین نیست و برای شناخت اسلام حقیقی، تنها باید به قرآن مراجعه نمود و اگر کسی می خواهد بداند که پیامبر در زمینه ی دین چه می گفته و چگونه رفتار می کرده، باید به قرآن مراجعه کند.)

وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (46 انبیاء)

و یقیناً اگر مبتلا شد آنان را دهشی از عذابِ ربّت، یقیناً می گویند ای وای بر ما، همانا ما بودیم ستمکاران

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (47 انبیاء)

و قرار می دهیم ترازوهای عدل را برای روز قیامت، پس ستم نبیند کسی چیزی را، و اگر بود هم وزن دانه ای از خردل، بیاوریم آن را، و کافی است تا ما حسابگران باشیم

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ (48 انبیاء)

و یقیناً به درستی دادیم به موسی و هارون، جدا کننده ی حق از باطل را، و روشنایی ای و به یاد آوردنی را، برای پرهیزکاران

(منظور تورات است.)

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ (49 انبياء)

کسانی که می ترسند از ربّشان به پنهان، و آنان از هنگام قیامت، نگران ها هستند

وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ (50 انبياء)

و این به یاد آوردنی با برکت است، که فرود آوردیم آن را، آیا پس شما به آن انکار کنندگانید (منظور قرآن است.)

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (51 انبياء)

و یقیناً به درستی دادیم به ابراهیم ادراکش (یا هدایتش) را از قبل، و بودیم به او آگاهان

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (52 انبياء)

هنگامی که گفت به پدرش و قومش، چیست این مجسمه هایی که شما برای آن مقیمان هستید

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (53 انبياء)

گفتند یافتیم پدرانمان را بر آن پرستندگان

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (54 انبياء)

گفت یقیناً به درستی بودید شما و پدرانتان، در گمراهی ای آشکار

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ (55 انبياء)

گفتند آیا آوردی برای ما حقیقت را، یا تو از شوخی کنندگانی

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَى ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (56 انبياء)

گفت بلکه ربّتان، ربّ آسمان ها و زمین است، آنکه آفرید آنها را، و من بر آن از گواهی دهندگان هستم

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ (57 انبياء)

و به خدا سوگند، یقیناً نقشه ای می کشم برای بت هایتان، پس از اینکه روی برتافتید پشت کنندگان

فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ (58 انبياء)

پس قرار داد آنها را به صورت شکسته شده، جز بزرگتری برای آنها، شاید آنها به آن بر می گردند

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ (59 انبياء)

گفتند چه کسی انجام داد این را با خدایان ما، همانا او یقیناً از ستمکاران است

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ (60 انبياء)

گفتند شنیدیم جوانی به یاد می آورد آنان را، که گفته می شود به او ابراهیم

قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ (61 انبياء)

گفتند پس بیاورید او را بر چشم های مردم، شاید آنان گواهی می دهند

قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ (62 انبياء)

گفتند آیا تو انجام دادی این را با خدایان ما، ای ابراهیم

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ (63 انبياء)

گفت بلکه انجام داد آن را بزرگتر آنان، که این است، پس بپرسید از آنان اگر سخن می گفتند

فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ (64 انبياء)

پس بازگشتند به خودشان، پس گفتند همانا شما خود ستمکارانید

ثُمَّ نُكِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ (65 انبياء)

سپس سر افکنده شدند، یقیناً به درستی دانستی که اینان سخن نمی گویند

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ (66 انبياء)

گفت آیا پس می پرستید از غیر خدا آنچه را سود نمی رساند به شما چیزی را، و زیان نمی رساند به شما

أُفٍّ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (67 انبياء)

آه بر شما، و برای آنچه می پرستید از غیر خدا، آیا پس درک نمی کنید

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانْصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (68 انبياء)

گفتند بسوزانید او را، و یاری کنید خدایانتان را، اگر بودید انجام دهندگان

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ (69 انبياء)

گفتیم ای آتش، باش به صورت سرد، و درودی بر ابراهیم

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (70 انبياء)

و خواستند بر او نیرنگی را، پس قرار دادیم آنان را زیانکارترین ها

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ (71 انبياء)

و نجات دادیم او را و لوط را، به سرزمینی که مبارک کردیم در آن، برای جهانیان

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ (72 انبياء)

و بخشیدیم به او اسحاق و یعقوب را، که نوه ای است، و همگی را قرار دادیم شایسته ها

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (73 انبیاء)

و قرار دادیم آنان را الگوهایی، که هدایت می کنند به فرمان ما، و وحی کردیم به آنان، انجام دادن نیکویی ها را، و بر پا داشتن نماز را، و دادن زکات را، و بودند برای ما پرستندگان

وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ (74 انبیاء)

و لوط را، دادیم به او قضاوت کردنی (یا حکم صادر کردنی) و دانشی را، و نجات دادیم او را از آبادی ای که انجام می داد ناپاک ها را، همانا آنان بودند جماعتی بدِ از راه حق دورشوندگان

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (75 انبیاء)

و داخل کردیم او را در مهربانی مان، همانا او از شایستگان بود

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (76 انبیاء)

و نوح را، هنگامی که صدا کرد از قبل، پس پاسخ دادیم به او، پس نجات دادیم او را و خانواده اش را، از عذاب بزرگ

وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (77 انبیاء)

و یاری کردیم او را از جماعت کسانی که تکذیب کردند آیات ما را، همانا آنان بودند جماعت بدی، پس غرق کردیم آنان را همگی

وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ (78 انبیاء)

و داوود و سلیمان را، هنگامی که حکم صادر کردند برای زمین زراعی، هنگامی که شبانگاه، بدون چوپان چرید در آن گوسفندان قوم، و بودیم به قضاوت آنان گواهان

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ (79 انبیاء)

پس فهماندیم آن را به سلیمان، و همگی را دادیم قضاوت کردنی (یا حکم صادر کردنی) و دانشی، و مغلوب کردیم با داوود کوه ها را، تسبیح می گویند و پرندگان را، و بودیم انجام دهندگان

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ (80 انبیاء)

و یاد دادیم به او ساختن زره ای را برای شما، تا مانع شما شود از زیانتان، پس آیا شما شکرگزاران هستید

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ (81 انبیاء)

و برای سلیمان باد تندی را، که می برد فرمانش را به سرزمینی که مبارک کردیم در آن، و بودیم به هر چیزی دانایان

وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَٰلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ (82 انبياء)

و از شیطان ها، کسی را که غواصی می کنند برای او، و انجام می دهند کاری غیر از آن را، و بودیم برای آنان نگهبانان

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (83 انبياء)

و ایوب را، هنگامی که صدا کرد ربّش را، که همانا مرا، دچار شد به من زیان، و تو مهربان ترین بخشایندگانی

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ (84 انبياء)

پس پاسخ دادیم به او، پس بر طرف کردیم آنچه را با او است از زیانی، و دادیم به او خانواده اش را، و مثل آنها را با آنان، مهربانی ای از نزد ما، و یادآوری ای برای پرستندگان

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ (85 انبياء)

و اسماعیل و ادریس و ذاالکفل (=صاحب ضمانت)، همگی از شکیبایان بودند

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ (86 انبياء)

و داخل کردیم آنان را در مهربانیمان، همانا آنان از شایسته ها هستند

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (87 انبياء)

و صاحب وال (لقب حضرت یونس)، هنگامی که رفت به صورت خشمگین، پس گمان برد به اینکه هرگز توانا نمی شویم بر او، پس صدا کرد در تاریکی ها، اینکه نیست خدایی جز تو، پاک و منزهی تو، همانا من بودم از ستمکاران

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (88 انبياء)

پس پاسخ دادیم به او، و نجات دادیم او را از اندوه، و اینچنین نجات می دهیم مؤمنان را

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (89 انبياء)

و زکریا، هنگامی که صدا کرد ربّش را، ربّ، رها نکن مرا تنها، و تو بهترین ارث برندگانی

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ (90 انبياء)

پس پاسخ دادیم به او، و بخشیدیم به او یحیی را، و اصلاح کردیم برای او همسرش را، همانا آنان می شتافتند برای نیکویی ها، و صدا می کنند ما را به صورت مورد پسند، و به صورت ترس، و بودند برای ما مطیعان

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ (91 انبياء)

و آنکه (=آن زن که) پاکدامن شد مجرای تناسلی اش، پس دمیدیم در آن از روحمان، و قرار دادیم او را و پسرش را، نشانه ای برای جهانیان

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (92 انبياء)

همانا این جماعت شما، جماعتی یگانه است، و من ربّ شما هستم، پس بپرستید مرا

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ (93 انبياء)

و قطعه قطعه کردند کارشان را بینشان، همگی به ما بازگردنده ها هستند

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ (94 انبياء)

پس کسی که انجام دهد از شایسته ها را، و او مؤمن است، پس نیست ناسپاسی ای برای تلاشش، و همانا ما برای او نویسندگانیم

وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (95 انبياء)

و حرام است بر آبادی ای که هلاک کردیم آن را، همانا آنان بر نمی گردند

حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ (96 انبياء)

تا ناگهان باز کرده شد یأجوج و مأجوج، و آنان از هر زمین بلندی به سرعت بیرون می جهند

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ (97 انبياء)

و قریب الوقوع شد وعده ی حقیقت، پس ناگهان آن اینگونه است که خیره شونده است چشم های کسانی که کفر ورزیدند، ای وای بر ما، به درستی بودیم در غفلت از این، بلکه بودیم ستمکاران

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ (98 انبياء)

همانا شما و آنچه را می پرستید از غیر خدا، هیزم جهنم است، که شما به آن وارد شوندگان هستید

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آلِهَةً مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ (99 انبياء)

اگر بود اینان خدایانی، وارد نمی شدند به آن، و همگی در آن همیشگی ها هستند

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ (100 انبياء)

برای آنان در آن نعره ی دردناکی است، و آنان در آن نمی شنوند

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ (101 انبياء)

همانا کسانی که پیشی گرفت برای آنان از ما، نیکوتر، آنان از آن دور نگه داشته شدگانند

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ (102 انبياء)

نمی شنوند جنبش آن را، و آنان در آنچه بسیار دوست داشت جان هایشان، همیشگی ها هستند

لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (103 انبیاء)

غمگین نمی کند آنان را ترس بزرگتر، و دیدار می کند با آنان فرشتگان، این روز شما است که وعده داده شده بودید

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (104 انبیاء)

روزی که به هم می پیچیم آسمان را، مانند تا کردن طومار برای نوشتن ها، چنانکه آغاز کردیم آغاز آفریدنی را، باز می گردانیم آن را، وعده ای است بر ما، همانا ما بودیم انجام دهندگان

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (105 انبیاء)

و یقیناً به درستی نوشتیم در زبور، از پس از به یاد آوردن، همانا زمین را، ارث می برند آن را، بندگان شایسته ی من

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ (106 انبیاء)

همانا در این، یقیناً رساندنی است برای جماعتی که پرستندگان هستند

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ (107 انبیاء)

و نفرستادیم تو را، جز مهربانی ای برای جهانیان

قُلْ إِنَّمَا يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (108 انبیاء)

بگو همانا وحی می شود به من، که همانا خدای شما خدایی یگانه است، پس آیا شما تسلیم کنندگان هستید

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَى سَوَاءٍ وَإِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ (109 انبیاء)

پس اگر روی برتافتند، پس بگو شما را به طور یکسان با خبر ساختم، و نمی‌دانم آیا نزدیک است یا دور، آنچه را وعده داده می شوید

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ (110 انبیاء)

همانا او می داند آشکار کردن از گفتار را، و می داند آنچه را پنهان می کنید

وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (111 انبیاء)

و نمی دانم، شاید آن در آشوب افکندنی است برای شما، و کالایی است تا هنگامی

قَالَ رَبِّ احْكُمْ بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (112 انبیاء)

گفت، ربّ قضاوت کن به حقیقت، و ربّ ما بخشاینده است، کسی که از او یاری خواسته می شود، ضد آنچه توصیف می کنید

سوره حج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (1 حج)

ای مردم، حذر کنید از ربّتان، همانا زلزله ی هنگام قیامت، چیزی بزرگ است

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (2 حج)

روزی که ببینید آن را، از یاد می برد هر دایه ای از آنچه شیر داد، و از دست می دهد هر صاحب بارداری ای، بارداری اش را، و می بینی مردم را مستان، و نیستند آنان مستان، و لیکن عذاب خدا نیرومند است

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ (3 حج)

و از مردم کسی است که جر و بحث می کند به دلیل خدا بدون دانشی، و پیروی می کند هر شیطان سرکشی را

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ (4 حج)

مقرر کرده شد بر او (=شیطان)، اینکه همانا او (=شیطان) کسی را که به عنوان دوست بگیرد او (=شیطان) را، پس همانا او (=شیطان)، گمراه می کند او را، و هدایت می کند او را به عذاب زبانه ی آتش

(بر شیطان مقرر شد که کسی که به عنوان دوست بگیرد شیطان را، شیطان او را گمراه می کند و هدایتش می کند به عذاب زبانه ی آتش.)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (5 حج)

ای مردم، اگر بودید در شک از قیامت، پس همانا ما آفریدیم شما را از خاکی، سپس از نطفه ای، سپس از خونی، سپس از قطعه گوشت جویده شده ای که خلقتش کامل شده، و خلقتش کامل نشده، تا آشکار کنیم برای شما، و قرار می دهیم در رحم ها آنچه را که می خواهیم تا مهلتی معلوم، سپس خارج می کنیم شما را به صورت کودک، سپس تا برسید به سن ادراکتان، و از شما کسی است که میرانده می شود، و از شما کسی است که برگردانده می شود به فرومایه ی زندگی، تا آنکه نداند از پس از دانشی چیزی را، و می بینی زمین را بی گیاه، پس ناگهان نازل کردیم بر آن آب را، تکان خورد و رشد کرد، و رویانید از هر جفتی شادمان

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (6 حج)

آن به سبب این است که همانا خدا خود، حقیقت است، و همانا او زنده می کند مردگان را، و همانا او بر هر چیزی توانا است

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ (7 حج)

و همانا هنگام قیامت در حال رسیدن است، نیست شکی در آن، و همانا خدا بر می انگیزد کسی را که در قبرها است

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (8 حج)

و از مردم کسی است که جر و بحث می کند به دلیل خدا، بدون دانشی و نه هدایتی و نه کتابی روشنایی بخش

ثَانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ (9 حج)

با روی گردانی اش، تا گمراه کند از راه خدا، برای او در دنیا خواری ای است، و به او می چشانیم روز قیامت، عذاب زبانه ی آتش را

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (10 حج)

آن به سبب آنچه است که ارائه کرد دو دست تو، و همانا خدا نیست بسیار ظالم به بندگان

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (11 حج)

و از مردم کسی است که می پرستد خدا را با انحراف، پس اگر به او رسید خوبی ای، مطمئن شد از او، و اگر رسید به او در آشوب افکندنی، زیر و رو شد بر چهره اش (یا جهتش)، زیان کرد دنیا و آخرت را، آن خود زیانکاری آشکار است

يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (12 حج)

صدا می کند از غیر خدا را، آنچه که زیان نمی رساند به او، و آنچه که سود نمی رساند به او، آن خود گمراهی دور است

يَدْعُو لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ (13 حج)

صدا می کند یقیناً کسی را که زیان آن نزدیک تر است از سود آن، یقیناً بد دوستی است و یقیناً بد فامیل نزدیکی است

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (14 حج)

همانا خدا داخل می کند کسانی را که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را به باغ هایی، که جاری می شود از زیر آن رودها، همانا خدا انجام می دهد آنچه را می خواهد

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ (15 حج)

کسی که گمان می بُرد به اینکه هرگز یاری نمی کند او را خدا در دنیا و آخرت، پس باید طنابی از سقف آویزان کند، پس باید قطع کند، پس باید ببیند آیا می برد نیرنگش، آنچه را به خشم می آورد

وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ (16 حج)

و اینچنین نازل کردیم آن را آیاتی آشکار، و همانا خدا هدایت می کند کسی را که می خواهد

(قرآن به صورت آشکار و قابل فهم است و خداوند کسی را که می خواهد هدایت می نماید.)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَىٰ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (17 حج)

همانا کسانی که ایمان آوردند، و کسانی که یهودی شدند، و صائبی ها و مسیحیان و زرتشتیان، و کسانی که شریک قائل شدند، همانا خدا جدا می کند بین آنان را روز قیامت، همانا خدا بر هر چیزی گواه است

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (18 حج)

آیا هرگز ندیدی، همانا خدا را، سجده می کند بر او هر کس که در آسمان ها و هر کس که در زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درخت و حیوانات و بسیاری از مردم، و بسیاری را بایسته شد برای او عذاب، و کسی را که تحقیر کند خدا، پس نیست برای او از احترام کننده ای، همانا خدا انجام می دهد آنچه را می خواهد

هَٰذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ (19 حج)

این دو، دو دشمن هستند که با هم ستیز کردند به دلیل ربّشان، پس کسانی که کفر ورزیدند، قطعه قطعه شد برای آنان لباس هایی از آتش، فرو ریخته می شود از بالای سرهایشان، آب گرم (یا شعله ی آتش)

يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (20 حج)

ذوب کرده می شود با آن، آنچه در شکم هایشان است و پوست ها

وَلَهُمْ مَقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ (21 حج)

و برای آنان پتک هایی است از آهن

كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (22 حج)

هرگاه که خواستند، اینکه خارج شوند از آن از اندوه، بازگردانیده شدند در آن، و بچشید عذاب زبانه ی آتش را

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (23 حج)

همانا خدا وارد می کند کسانی را که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، آراسته می شوند در آن، از دستبندهای از طلا و مروارید، و لباس آنان در آن، پارچه ابریشمی است

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ (24 حج)

و هدایت شدند به پاک از گفتار، و هدایت شدند به راه ستوده

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (25 حج)

همانا کسانی را که کفر ورزیدند و باز می دارند از راه خدا و مسجد الحرام، آنکه قرار دادیم آن را برای مردم به صورت یکسان، مقیم در آن و بادیه نشین، و کسی که بخواهد در آن دشمنی ورزیدنی (یا هتک حرمت کردنی) را به سبب ستمی، می چشانیم به او از عذابی دردناک

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (26 حج)

و هنگامی که آماده کردیم برای ابراهیم جای خانه را، اینکه شریک مگردان با من چیزی را، و پاکیزه کن خانه ام را برای چرخندگان و ایستادگان و رکوع کنندگان سجده کننده

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (27 حج)

و اعلام کن در مردم حج را، می آیند نزد تو، پیاده ها و بر هر باریک اندامی، می آیند از هر درّه ی عمیقی

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (28 حج)

تا مشاهده کنند منفعت هایی را برایشان، و به یاد آورند نام خدا را در روزهایی شناخته شده، بر آنچه روزی داد به آنان از حیوان چهارپای (=به جز درندگان و پرندگان) دام (یا حیوانات اهلی)، پس بخورید از آن، و بخورانید به بینوای تهیدست

(منظور از به یاد آورند نام خدا بر آن در روزهایی شناخته شده، قربانی کردن حیوانی است که در حج برای قربانی کردن در نظر گرفته اند و زمان قربانی کردن نیز در آیات مربوط به حج در قرآن مشخص شده است. قبل از قربانی کردن حیوان، باید نام خداوند را بر آن به یاد آورند.)

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (29 حج)

سپس باید بزدایند آلودگیشان را، و باید وفا کنند به نذرهایشان، و باید بچرخند بر خانه ی قدیمی

ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (30 حج)

آن است، و کسی که بزرگ شمارد قداست های خدا را، پس آن بهتر است برای او نزد ربّش، و حلال شد برای شما دام (یا حیوانات اهلی)، جز آنچه خوانده می شود بر شما، پس دوری کنید از وسوسه شیطان، از بتها، و دوری کنید از گفتار باطل

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ (31 حج)

یکتاپرستان برای خدا هستند، نه قائلان به شریک با او، و کسی که شرک ورزد با خدا، پس مثل این است که همانا سقوط کرد از آسمان، پس قاپید او را پرنده، یا او را پایین بیندازد باد، در محلی دور

ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (32 حج)

آن است، و کسی که بزرگ شمارد مناسک و آداب دینی (یا علامت های) خدا را، پس همانا آن از پرهیزگاری دل هاست

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ (33 حج)

برای شما در آن فایده ها است تا مهلتی مشخص، سپس محل فرود آمدن آن به خانه ی قدیمی است

(در مورد حیوان قربانی بیان شده است.)

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (34 حج)

و برای هر جماعتی قرار دادیم روش عبادتی (یا مکان قربانی کردنی) را، تا به یاد آورند نام خدا را بر آنچه روزی داد به آنان از حیوان چهارپای (=به جز درندگان و پرندگان) دام (یا حیوانات اهلی)، پس خدای شما خدایی یگانه است، پس برای او تسلیم شوید، و مژده ده تواضع کنندگان را

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (35 حج)

کسانی که اگر به یاد آورده شد خدا، ترسید دل هایشان، و بردباران هستند بر آنچه اصابت کرد به آنان، و بر پا دارندگان نماز هستند، و از آنچه روزی دادیم به آنان، خرج می کنند

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (36 حج)

و شتر قربانی را، قرار دادیم آن را برای شما از مناسک و آداب دینی (یا علامت های) خدا، که برای شما در آن فایده ای است، پس به یاد آورید نام خدا را بر آن به صف ایستاده ها، پس اگر سقوط کرد پهلوهایش، پس بخورید از آن، و غذا بدهید به قناعت کننده (=فقیری که هر چه به او بدهند قناعت می کند)، و فقیر (=آنکه برای طلب حاجت نزد انسان آمده است)، اینچنین مغلوب کردیم آن را برای شما، شاید شما سپاسگزاری می کنید

(نحوه ی قربانی کردن شتر را بیان کرده است و به این صورت است که شتر باید به حالت ایستاده باشد و آن را قربانی کنند و وقتی پهلوی شتر به زمین افتاد، قربانی انجام شده است.)

لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ (37 حج)

هرگز نمی رسد به خدا گوشت های آن و نه خون های آن، و لیکن می رسد به او پرهیزکاری از شما، اینچنین مغلوب کردیم آن را برای شما، تا بزرگ بشمارید خدا را برای آنچه هدایت کرد شما را، و مژده ده بسیار نیکوکاران را

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (38 حج)

همانا خدا دفاع می کند از کسانی که ایمان آوردند، همانا خدا دوست ندارد هر بسیار خیانتکار کافری (یا ناسپاسی) را

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (39 حج)

اجازه داده شد به کسانی که مورد جنگ قرار می گیرند، به سبب اینکه همانا آنان مورد ستم قرار گرفتند، و همانا خدا بر یاری آنان، یقیناً تواناست

(بیان شده که کسانی که مورد جنگ و تهاجم قرار گرفته اند، می توانند وارد جنگ شوند و با مهاجم بجنگند و این به آن دلیل است که آنان مورد ستم قرار گرفتند. در اسلام، حق شروع جنگ به مسلمانان داده نشده است و مسلمان نمی تواند شروع کننده ی جنگ باشد، ولی اگر مورد حمله قرار بگیرد، می تواند وارد جنگ با مهاجم بشود. بعد از درگذشت پیامبر، اعراب به نام خدا و دین، شروع به حمله به سرزمین های مختلف، و قتل و غارت آن سرزمین ها کردند، و این کار جز تجاوز به آن سرزمین ها نبود و از جانب اسلام، مجاز به این کار نبودند و این جز دروغی بر خدا و دین نبود و عمل آنها در حقیقت به خاطر غارت ثروت آن سرزمین ها صورت گرفت.)

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (40 حج)

کسانی که بیرون رانده شدند از خانه هایشان بدون حقیقتی، جز اینکه می گویند ربّ ما خداست، و اگر دفع نمی کرد خدا مردم را، بعضی از آنان را با بعضی، یقیناً ویران می شد صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مسجدها، که یادآوری می شود در آن نام خدا به صورت بسیار، و یقیناً یاری می کند خدا، کسی را که یاری می کند او را، همانا خدا یقیناً نیرومندی ارجمند است

(منظور از بیرون رانده شدند از خانه هایشان بدون حقیقتی، این است که آنها را از خانه هایشان بیرون کردند بدون اینکه حق این کار را داشته باشند.)

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (41 حج)

کسانی که اگر توانمند کردیم آنان را در زمین، بر پا داشتند نماز را، و دادند زکات را، و امر کردند به مشهور و منع کردند از ناشایست، و برای خداست فرجام کارها

(انجام کارهایی که در این آیه بیان شده است، به معنای اجبار در دین به دیگران نیست، و در دین هیچ اجباری وجود ندارد. بر پا کردن نماز و دادن زکات، کارهای شخصی هستند و هر کسی که خواست آنها را انجام می دهد و اگر نخواست انجام نمی دهد. امر به معروف و نهی از منکر نیز به معنای اجبار دیگران به انجام دادن یا ندادن کاری نیست و فقط در حد بیان است.)

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ (42 حج)

و اگر تو را تکذیب کنند، پس به درستی تکذیب کرد قبل از آنان، قوم نوح و عاد و ثمود

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ (43 حج)

و قوم ابراهیم و قوم لوط

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (44 حج)

و همنشینان مدین، و تکذیب شد موسی، پس مهلت دادم به کافران، سپس آنها را گرفتم، پس چگونه بود دگرگونی

فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ (45 حج)

پس چه بسیار از آبادی ای که هلاک کردیم آن را، و آن ستمکار بود، پس آن سرنگون شده بر سقف هایش، و چاهی تعطیل شده و کاخی بر پا است

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (46 حج)

آیا پس هرگز حرکت نکرده اند در زمین، پس باشد برای آنان دل هایی که درک می کنند با آن، یا گوش هایی که می شنوند با آن، پس همانا نابینا نیست چشم ها، و لیکن نابینا است دلهایی که در سینه‌هاست

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (47 حج)

و به عجله می اندازند تو را به عذاب، و هرگز خلف وعده نمی کند خدا وعده اش را، و همانا روزی که نزد ربّت مانند هزار سال است، از آنچه به حساب می آورید

(بیان شده که از تو تقاضای عذابی را دارند که خداوند به آنها وعده داده است، و منظور این است که وعده ی عذاب آنها در روز قیامت اتفاق خواهد افتاد.)

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ (48 حج)

و چه بسیار از آبادی ای که مهلت دادم به آن، و آن ستمکار بود، سپس گرفتم آن را، و برگشتن به من است

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (49 حج)

بگو ای مردم، همانا من برای شما هشدار دهنده ای آشکار هستم

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (50 حج)

پس کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، برای آنان آمرزش گناه و روزی ای ارجمند است

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (51 حج)

و کسانی که تلاش کردند در آیات ما عاجز کنندگان، آنان همنشینان آتش بسیار گرم و سوزان هستند

(بیان شده که کسانی که تلاش کردند تا در آیات قرآن نکته ای پیدا کنند و از آن، علیه قرآن و خداوند استفاده نمایند، وارد جهنم خواهند شد.)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (52 حج)

و نفرستادیم از قبل تو، از فرستاده ای و نه پیامبری، جز اینکه اگر آرزو کرد، ابلاغ کرد شیطان در آرزویش، پس باطل می کند خدا، آنچه را القاء می کند شیطان، سپس استوار می سازد خدا آیاتش را، و خدا دانای صاحب حکمت است

(دو دسته پیامبر وجود داشته است. یک دسته پیامبرانی بوده اند که از جانب خداوند برگزیده شدند تا مردم را به ایمان دعوت نمایند ولی از جانب خداوند کتابی به آنها وحی نشده است و دسته ی دیگر، پیامبرانی بوده اند که از جانب خداوند برگزیده شدند تا مردم را به ایمان دعوت نمایند و از جانب خداوند کتاب به آنان نازل گشته است. در این آیه نوع اول، رسول و نوع دوم، نبی نامیده شده است.)

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (53 حج)

تا قرار دهد آنچه را القاء می کند شیطان، در آشوب افکندنی برای کسانی که در دلهایشان بیماری است، و سخت است دل هایشان، و همانا ستمگران یقیناً در مخالفت ورزیدنی دورند

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (54 حج)

و تا بداند کسانی که داده شدند دانش، همانا آن حقیقت است از ربّ تو، پس ایمان می آورند به آن، پس فروتن گردد برای او دل هایشان، و همانا خدا یقیناً هدایت کننده ی کسانی است که ایمان آوردند، به راهی راست

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ (55 حج)

و پیوسته، کسانی که کفر ورزیدند، در شکی از آن هستند، تا اینکه به سراغشان بیاید هنگام قیامت، به صورت غافلگیری، یا به سراغشان می آید عذاب روزی بی فایده

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (56 حج)

سلطه در آن روز برای خداست، حکم صادر می کند بین آنان، پس کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، در باغ های ناز و نعمت هستند

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (57 حج)

و کسانی که کفر ورزیدند و تکذیب کردند آیات ما را، پس آنان برایشان عذابی اهانت آمیز است

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (58 حج)

و کسانی که مهاجرت کردند در راه خدا، سپس کشته شدند یا مردند، یقیناً روزی می دهد به آنان خدا، روزی ای نیکو را، و همانا خدا یقیناً خود، بهترین روزی دهندگان است

لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ (59 حج)

یقیناً داخل می کند آنان را به جایگاهی که راضی می شوند از آن، و همانا خدا یقیناً دانای بردبار است

ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (60 حج)

آن است، و کسی که مجازات کرد، به مثل آنچه مجازات شد به آن، سپس مورد ستم قرار گرفت برای آن، یقیناً یاری می کند او را خدا، همانا خدا یقیناً بسیار عفو کننده ی آمرزنده است

(بیان شده کسی که مورد ستم قرار گرفت و مانند ستمی که به او رفته است را به عنوان مجازات، بر علیه ستمگر اعمال نمود و سپس به خاطر این کار، مورد ستم قرار گرفت، خداوند یقیناً او را یاری خواهد کرد و خداوند بسیار عفو کننده ی آمرزنده است.)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (61 حج)

آن به سبب این است که همانا خدا داخل می کند شب را در روز، و داخل می کند روز را در شب، و همانا خدا شنوای بیناست

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (62 حج)

آن به سبب این است که همانا خدا خود، حقیقت است، و همانا آنچه را صدا می زنند از غیر او خود، باطل است، و همانا خدا خود، بلند قدر بزرگ است

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (63 حج)

آیا هرگز ندیدی همانا خدا نازل کرد از آسمان آبی را، پس می گردد زمین به صورت سبز شده، همانا خدا پر مهر آگاه است

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيد (64 حج)

برای اوست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و همانا خدا یقیناً خود، توانگر ستوده است

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (65 حج)

آیا هرگز ندیدی همانا خدا مغلوب کرد برای شما آنچه را در زمین است، و کِشتی جاری می شود در دریا به فرمان او، و نگه می دارد آسمان را از اینکه بیفتد بر زمین، جز با اجازه ی او، همانا خدا به مردم یقیناً بسیار دل رحم بخشایشگر است

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ (66 حج)

و اوست آنکه زنده کرد شما را، سپس می میراند شما را، سپس به شما زندگی می بخشد، همانا انسان یقیناً ناسپاس است

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ (67 حج)

برای هر جماعتی قرار دادیم روش عبادتی را، که آنها دنبال کننده ی آن هستند، پس نباید با تو خصومت ورزند در موضوع، پس فرا بخوان به ربّت، همانا تو یقیناً بر هدایتی راست هستی

وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (68 حج)

و اگر جر و بحث کردند با تو، پس بگو خدا داناتر است به آنچه انجام می دهید

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (69 حج)

خدا قضاوت می کند بین شما در روز قیامت، برای آنچه در آن اختلاف می کردید

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (70 حج)

آیا هرگز ندانستی همانا خدا می داند آنچه را در آسمان و زمین است، همانا آن در کتابی است، همانا آن بر خدا آسان است

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (71 حج)

و می پرستند از غیر خدا، آنچه را هرگز نازل نکرد بر آن دلیلی را، و آنچه را نیست برایشان به آن دانشی، و نیست برای ستمکاران از یاری کننده ای

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (72 حج)

و اگر خوانده شود برای آنان آیات ما، که به صورت آشکارهاست، آگاه می شوی در چهره های کسانی که کفر ورزیدند، انکار شده را، نزدیک است که با خشم حمله ور شوند به کسانی که می خوانند برای آنان آیات ما را، بگو آیا پس با خبرتان کنم به بدتر از آن، آتش است که وعده داد به آن خدا، کسانی را که کفر ورزیدند و بد برگشتنی است

(قرآن به صورت آشکار و قابل فهم نازل شده است و اینکه برخی می گویند برای فهم آیات قرآن، نیاز به داشتن تخصص در این زمینه است، کاملاً دروغ می گویند و هدف آنها از بیان این دروغ، توجیه دروغ های بعدی خودشان در زمینه ی دین است و اینکه نمی خواهند مردم از حقیقت دین آگاه شوند، زیرا اگر این اتفاق رخ دهد، دیگر دروغ های آنها خریداری نخواهد داشت.)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (73 حج)

ای مردم، زده شد مَثَلی، پس گوش دهید به آن، همانا کسانی را که صدا می زنید از غیر خدا، هرگز خلق نمی کنند مگسی را، اگر چه متحد شدند برای آن، و اگر برباید از آنان مگس، چیزی را، نجات نمی دهند آن را از آن، ناتوان است درخواست کننده و خواسته شده

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (74 حج)

بزرگ نشمردند خدا را شایستگی بزرگی او، همانا خدا یقیناً نیرومندی ارجمند است

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (75 حج)

خدا بر می گزیند از فرشتگان فرستادگانی را، و از مردم، همانا خدا شنوای بیناست

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (76 حج)

می داند آنچه را در برابر آنان است و آنچه را پشت سر آنان است، و به خدا برگردانده می شود کارها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (77 حج)

ای کسانی که ایمان آوردید، رکوع کنید و سجده کنید و بپرستید ربّتان را، و انجام دهید نیکویی (=کار نیک) را، شاید شما رستگار شوید

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (78 حج)

و تلاش کنید برای خدا، شایستگی تلاش او، او برگزید شما را، و قرار نداد بر شما در دین از تنگنایی را، آیین پدرتان ابراهیم، او نامید شما را تسلیم کنندگان از قبل و در این، تا باشد فرستاده، شاهدی بر شما، و باشید شاهدان بر مردم، پس برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و چنگ بزنید به خدا، او دوست شماست، پس چه خوب دوستی و چه خوب یاوری

سوره مؤمنون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (1 مؤمنون)

به درستی رستگار شد مؤمنان

(در آیات بعد، ویژگی های مؤمنانی که رستگار شدند را بیان می کند.)

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (2 مؤمنون)

کسانی که آنان، در نمازشان مطیعان هستند

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (3 مؤمنون)

و کسانی که آنان، از باطل روی گردانان هستند

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (4 مؤمنون)

و کسانی که آنان، برای زکات، انجام دهندگان هستند

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (5 مؤمنون)

و کسانی که آنان برای عورتهایشان، نگهبانان هستند

(اینکه بیان شده، کسانی که برای عورت هایشان نگهبانان هستند، نگهبان بودن به معنی عدم انجام آن نوع از آمیزش جنسی است که در قرآن بیان شده که آن را انجام ندهید، و به این معنا نیست که برای مفهوم نگهبان بودن، از جانب خود، کارهایی را بیان کنیم.)

إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (6 مؤمنون)

جز برای همسرانشان یا کنیزانشان، پس همانا آنان، غیر از سرزنش شدگانند

(در این آیه بیان شده، که آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان، اشکالی ندارد و آنان برای انجام این کار، سرزنش نمی شوند.)

فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (7 مؤمنون)

پس کسی که درخواست کرد پشت آن را، پس آنان خود متجاوزان هستند

(بیان شده، کسی که آمیزش جنسی با کسی غیر از همسران یا کنیزان خود انجام دهد، متجاوز است.)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (8 مؤمنون)

و کسانی که آنان برای امانت هایشان و پیمانشان، رعایت کنندگان هستند

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (9 مؤمنون)

و کسانی که آنان بر نمازهایشان، محافظت می کنند

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (10 مؤمنون)

آنان خود وارثان هستند

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (11 مؤمنون)

کسانی که ارث می برند گلزار را، آنان در آن همیشگی ها هستند

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (12 مؤمنون)

و یقیناً به درستی آفریدیم انسان را از تباری از گِل

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (13 مؤمنون)

سپس قرار دادیم او را نطفه ای در عامل سکونی استوار

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (14 مؤمنون)

سپس آفریدیم نطفه را به صورت خون، پس آفریدیم خون را به صورت رویان، پس آفریدیم رویان را به صورت استخوان ها، پس پوشاندیم استخوان ها را گوشتی، سپس ایجاد کردیم آن را آفریدنی دیگر، پس پر برکت است خدا، نیکوترین آفریدگاران

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ (15 مؤمنون)

سپس همانا شما بعد از آن، یقیناً مردگان هستید

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (16 مؤمنون)

سپس همانا شما روز قیامت، برانگیخته می شوید

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (17 مؤمنون)

و یقیناً آفریدیم بالای شما هفت شیار (یا راه)، و نبودیم از آفریدن، غفلت کنندگان

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ (18 مؤمنون)

و نازل کردیم از آسمان آبی را به اندازه ای، پس اسکان دادیم آن را در زمین، و همانا ما بر رفتن آن یقیناً تواناها هستیم

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (19 مؤمنون)

پس ایجاد کردیم برای شما با آن، باغ هایی را از نخل ها و انگورها، برای شما در آن میوه های بسیاری است، و از آن می خورید

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِلْآكِلِينَ (20 مؤمنون)

و درختی که خارج می شود از کوه (یا کوه طور) سرزمین سینا، که به بار می آورد روغنی و خورشی، برای خورندگان

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (21 مؤمنون)

و همانا برای شما در دام (یا حیوانات اهلی)، یقیناً پندی است، می نوشانیم به شما از آنچه در شکم های آن است، و برای شما در آن فایده های بسیاری است، و از آن می خورید

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (22 مؤمنون)

و بر آن و بر کشتی، حمل می شوید

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (23 مؤمنون)

و یقیناً به درستی فرستادیم نوح را به قومش، پس گفت ای قوم من، بپرستید خدا را، نیست برای شما از خدایی جز او، آیا پس حذر نمی کنید

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (24 مؤمنون)

پس گفت بزرگان قوم، کسانی که کفر ورزیدند از قومش، نیست این جز انسانی مثل شما، می‌خواهد اینکه ادعای برتری کند بر شما، و اگر می‌خواست خدا، یقیناً نازل می کرد فرشتگانی را، نشنیدیم این را در پدران نخستینمان

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ (25 مؤمنون)

نیست او جز مردی، که با او دیوانگی ای است، پس دست بردارید از او تا زمانی

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ (26 مؤمنون)

گفت، ربّ یاری کن مرا، به سبب آنچه تکذیب کردند مرا

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ (27 مؤمنون)

پس وحی کردیم به او، اینکه بساز کشتی را زیر نظر ما و وحی ما، پس اگر آمد فرمان ما، و فوران کرد تنور، پس داخل کن در آن از هر دو جفت دو تا، و خانواده ات را، جز کسی که پیش افتاد بر او گفتار از آنان، و حرف نزن با من به دلیل کسانی که ستم کردند، همانا آنان غرق شدکانند

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (28 مؤمنون)

پس اگر سوار شدی تو و کسی که با تو است بر کشتی، پس بگو ستایش برای خدا است، آنکه نجات داد ما را از جماعت ستمکاران

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (29 مؤمنون)

و بگو ربّ، فرود آور مرا، فرود آورده شده ای با برکت، و تو بهترین فرود آورندگانی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (30 مؤمنون)

همانا در آن یقیناً نشانه هایی است، و همانا بودیم یقیناً آزمایش کنندگان

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (31 مؤمنون)

سپس ایجاد کردیم از پس از آنان، نسلی دیگر

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (32 مؤمنون)

پس فرستادیم در آنان، فرستاده ای از آنان را، اینکه بپرستید خدا را، نیست برای شما از خدایی غیر از او، آیا پس حذر نمی کنید

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (33 مؤمنون)

و گفت بزرگان قوم از قومش، کسانی که کفر ورزیدند و تکذیب کردند دیدار آخرت را، و بهره مندشان کردیم در زندگی دنیا، نیست این جز انسانی مثل شما، می خورد از آنچه می خورید از آن، و می نوشد از آنچه می نوشید

وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ (34 مؤمنون)

و یقیناً اگر اطاعت کردید انسانی مثل خودتان را، همانا شما بدین ترتیب، یقیناً زیان دیدگانید

أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُمْ مُخْرَجُونَ (35 مؤمنون)

آیا وعده می دهد به شما، که همانا شما اگر مُردید و بودید خاک و استخوان هایی، همانا شما بیرون آورده شده ها هستید

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (36 مؤمنون)

دور است دور است، به آنچه وعده داده می‌شوید

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (37 مؤمنون)

نیست آن جز زندگی دنیای ما، می میریم و زنده می شویم، و نیستیم ما از برانگیخته شدگان

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ (38 مؤمنون)

نیست او جز مردی که دروغ می بافد بر خدا، دروغی را، و نیستیم ما برای او از مؤمنان

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ (39 مؤمنون)

گفت، ربّ یاریم کن به سبب آنچه تکذیب کردند مرا

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ (40 مؤمنون)

گفت به زودی یقیناً پشیمان ها می شوند

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (41 مؤمنون)

پس گرفت آنان را فریاد به حقیقت، پس قرار دادیم آنها را برگ کهنه درخت، که با کف سیل به هم آمیخته، پس دوری بر جماعت ستمکاران

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ (42 مؤمنون)

سپس ایجاد کردیم از پس از آنان، نسل هایی دیگر را

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (43 مؤمنون)

پیش نمی افتد از جماعتی مهلتش، و تأخیر نمی کنند

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَى كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (44 مؤمنون)

سپس فرستادیم فرستادگانمان را یکی پس از دیگری، هر آنچه آمد نزد جماعتی فرستاده اش، تکذیب کردند او را، پس دنبال کردیم بعضی از آنان را با بعضی، و قرار دادیم آنان را حکایات، پس دوری بر جماعتی که ایمان نمی آورد

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ (45 مؤمنون)

سپس فرستادیم موسی و برادرش هارون را، با نشانه هایمان و دلیلی آشکار

إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ (46 مؤمنون)

به فرعون و بزرگان قومش، پس کبر ورزیدند و بودند جماعتی سرکش

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (47 مؤمنون)

پس گفتند آیا ایمان می آوریم به دو انسان مثل خودمان، و جماعت آن دو برای ما پرستندگان (یا خدمتگزاران) هستند

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ (48 مؤمنون)

پس تکذیب کردند آن دو را، پس بودند از هلاک شدگان

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (49 مؤمنون)

و یقیناً به درستی دادیم به موسی کتاب را، شاید آنان هدایت می شوند

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ (50 مؤمنون)

و قرار دادیم پسر مریم و مادرش را نشانه ای، و جای دادیم آن دو را به تپه ای، که دارای مایه ی آرامش و آب جاری است

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (51 مؤمنون)

ای فرستادگان، بخورید از پاک ها و انجام دهید شایسته ای را، همانا من به آنچه انجام می دهید دانا هستم

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (52 مؤمنون)

و همانا این جماعت شما، جماعتی یگانه است، و من ربّتان هستم، پس حذر کنید از من

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (53 مؤمنون)

پس تکه تکه کردند کارشان را بینشان به صورت کتاب ها، هر جماعتی به آنچه نزدشان است شادمانان هستند

فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ (54 مؤمنون)

پس رها کن آنان را در بی خبری کاملشان، تا زمانی

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ (55 مؤمنون)

آیا می پندارند چنین است که یاری می رسانیم به آنان با آن، از دارایی ای و فرزندان

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ (56 مؤمنون)

شتاب می کنیم برای آنان در نیکویی ها، بلکه درک نمی کنند

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (57 مؤمنون)

همانا کسانی که آنان از ترس ربّشان، نگران ها هستند

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (58 مؤمنون)

و کسانی که آنان به آیات ربّشان، ایمان می آورند

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ (59 مؤمنون)

و کسانی که آنان با ربّشان، شریک قائل نمی شوند

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (60 مؤمنون)

و کسانی که می دهند آنچه را دادند، و دل هایشان به صورت ترسان است، که همانا آنان به ربّشان بازگردنده ها هستند

أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (61 مؤمنون)

آنان می شتابند در نیکویی ها، و آنان برای آن، سبقت گیرنده ها هستند

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (62 مؤمنون)

و به انجام کاری وا نمی داریم کسی را جز توانش، و نزد ما کتابی است که سخن می‌گوید به حقیقت، و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ (63 مؤمنون)

بلکه دل هایشان در غفلتی است از این، و برای آنان، کارهایی از غیر آن است، که آنان برای آن عمل کنندگان هستند

حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ (64 مؤمنون)

تا ناگهان گرفتیم در ناز و نعمت ها (یا مستبدان) آنها را با عذاب، ناگهان آنان ناله و فریاد می کنند

لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ (65 مؤمنون)

ناله و فریاد نکنید امروز، همانا شما از ما یاری نمی شوید

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُونَ (66 مؤمنون)

به درستی بود آیات من، که خوانده می شود بر شما، پس بر گذشته هایتان باز می گشتید

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ (67 مؤمنون)

متکبرین به آن، گفتگو کنندگان در شب، که هذیان می گویید

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (68 مؤمنون)

آیا پس هرگز دوراندیشی نکرده اند گفتار را، یا آمد نزد آنان آنچه که هرگز نیامد برای پدران نخستین آنها

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ (69 مؤمنون)

یا هرگز نشناخته اند فرستاده شان را، پس آنها برای او انکار کنندگانند

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (70 مؤمنون)

یا می‌گویند با او دیوانگی ای است، بلکه آورد نزد آنان حقیقت را، و بیشترشان از حقیقت بیزارانند

وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (71 مؤمنون)

و اگر پیروی می کرد حقیقت از خواسته هایشان، یقیناً تباه می‌شد آسمانها و زمین و کسی که در آنهاست، بلکه دادیم به آنان به یاد آوردنشان را، پس آنها از به یاد آوردنشان، روی گردان ها هستند

(به یاد آوردن در اسلام، قرآن است.)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (72 مؤمنون)

یا اینکه تقاضا می کنی از آنها هزینه ای را، پس خراج ربّت بهتر است، و او بهترین روزی دهندگان است

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (73 مؤمنون)

و همانا تو یقیناً فرا می خوانی آنان را به راهی راست

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ (74 مؤمنون)

و همانا کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، از راه یقیناً منحرف شوندگان هستند

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (75 مؤمنون)

و اگر ترحم کردیم به آنان، و بر طرف کردیم آنچه را با آنان است از زیان، یقیناً اصرار کردند در بیدادگریشان، در حالی که سرگشته می شوند

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ (76 مؤمنون)

و یقیناً به درستی گرفتیم آنان را با عذاب، پس سر فرود نیاوردند برای ربّشان، و تضرع نمی کنند

حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (77 مؤمنون)

تا ناگهان گشودیم بر آنان دری دارای عذابی سخت را، ناگهان آنان در آن درماندگان هستند

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (78 مؤمنون)

و اوست آنکه به وجود آورد برای شما حس شنوایی و بینایی ها و قلب ها را، اندکی هستید که سپاسگزاری می کنید

وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (79 مؤمنون)

و اوست آنکه آفرید شما را در زمین، و به او گرد هم آورده می شوید

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (80 مؤمنون)

و اوست آنکه زنده می کند و می میراند، و برای اوست جایگزینی شب و روز، آیا پس درک نمی کنید

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (81 مؤمنون)

بلکه گفتند مِثل آنچه را، که گفت اولین ها

قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (82 مؤمنون)

گفتند آیا اگر مُردیم و بودیم خاک و استخوان هایی، آیا همانا ما یقیناً برانگیخته شدگان هستیم

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (83 مؤمنون)

یقیناً به درستی وعده داده شدیم ما و پدرانمان به این از قبل، نیست این جز افسانه های قدیمی نخست ها

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (84 مؤمنون)

بگو برای کیست زمین و کسی که در آن است، اگر می دانستید

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (85 مؤمنون)

خواهند گفت برای خداست، بگو آیا پس یادآوری نمی کنید

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (86 مؤمنون)

بگو چه کسی است ربّ آسمان های هفتگانه، و ربّ عرشِ بزرگ

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (87 مؤمنون)

خواهند گفت برای خداست، بگو آیا پس حذر نمی کنید

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (88 مؤمنون)

بگو چه کسی به دست اوست عظمت هر چیزی، و او پناه می دهد و پناه داده نمی شود از او، اگر می دانستید

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ (89 مؤمنون)

خواهند گفت برای خداست، بگو پس چگونه فریب داده می شوید

بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (90 مؤمنون)

بلکه آوردیم نزد آنان حقیقت را، و همانا آنان یقیناً دروغگویان هستند

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (91 مؤمنون)

نگرفت خدا فرزندی را، و نبود با او از خدایی، که بدین ترتیب یقیناً می رفت هر خدایی با آنچه آفرید، و یقیناً توانا می شد بعضی از آنان بر بعضی، پاک و منزه است خدا از آنچه توصیف می کنند

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (92 مؤمنون)

دانای پنهان و آشکار است، پس دور است از آنچه شریک قائل می شوند

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ (93 مؤمنون)

بگو ربّ، اگر به من نشان دهی آنچه را وعده داده می شوند

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (94 مؤمنون)

ربّ، پس قرار نده مرا در جماعت ستمکاران

وَإِنَّا عَلَى أَنْ نُرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ (95 مؤمنون)

و همانا ما بر اینکه نشان دهیم به تو، آنچه را وعده می دهیم به آنان، یقیناً تواناها هستیم

ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (96 مؤمنون)

از خود دور کن با آنچه آن نیکوتر است، ناپسند را، ما داناتریم به آنچه توصیف می کنند

(به پیامبر بیان شده است که ناپسند را با نیکویی از خود دور کن. این یک نمونه از رفتاری است که به پیامبر توصیه شده است، پس چگونه است که برخی به نام خدا و دین، به مردم ستم می کنند و جنایات انجام می دهند و این رفتار خود را همان رفتاری معرفی می کنند که پیامبر انجام می داده است. اینها جز دروغ نمی گویند و رفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد.)

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ (97 مؤمنون)

و بگو ربّ، پناه می برم به تو از وسوسه های شیطان ها

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ (98 مؤمنون)

و پناه می برم به تو ربّ، از اینکه نزد من حاضر شوند

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (99 مؤمنون)

تا آنکه ناگهان آمد یکی از آنان را مرگ، گفت ربّ، بازگردانید مرا

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (100 مؤمنون)

شاید من انجام می دهم شایسته ای را در آنچه ترک کردم، اینچنین نیست، همانا آن سخنی است که او گوینده ی آن است، و از پشت سرشان حایلی است، تا روزی که بر انگیخته می شوند

(بیان شده، کسانی که می میرند، پشت سرشان حایلی قرار دارد و این حایل ارتباط آنها را با این جهان قطع می کند تا روزی که برانگیخته می شوند. کلمه ی حایل به زبان عربی برزخ نام دارد و این متفاوت است با تعریفی که از برزخ بیان می کنند و می گویند که روح پس از مرگ، وارد عالمی می شود که برزخ نام دارد. در قرآن اینگونه بیان نشده است و از عالمی به نام برزخ نام برده نشده است، و خداوند در قرآن بیان می کند که وقتی کسی می میرد، خداوند روح او را گرفته و به نزد خود می برد.)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ (101 مؤمنون)

پس اگر دمیده شد در صور، پس نیست نسب ها بین آنان در آن روز، و از یکدیگر نمی پرسند

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (102 مؤمنون)

پس کسی که سنگین شد ترازوهایش، پس آنان خود رستگاران هستند

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (103 مؤمنون)

و کسی که سبک شد ترازوهایش، پس آنان کسانی هستند که تباه کردند جان هایشان را در جهنم، همیشگی ها

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ (104 مؤمنون)

می سوزاند صورت هایشان را آتش، و آنان در آن عبوس ها هستند

أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (105 مؤمنون)

آیا هرگز آیات من خوانده نمی شد بر شما، پس آن را تکذیب می کردید

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (106 مؤمنون)

گفتند ربّ ما، چیره شد بر ما بدبختی ما، و بودیم جماعتی گمراه

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ (107 مؤمنون)

ربّ ما، خارج کن ما را از آن، پس اگر از سر گرفتیم، پس همانا ما ستمکاران هستیم

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ (108 مؤمنون)

گفت دور شوید در آن، و سخن نگویید با من

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (109 مؤمنون)

همانا آن را، جماعتی از بندگانم می گفتند، ربّ ما، ایمان آوردیم، پس بیامرز بر ما و مهربانی کن بر ما، و تو بهترین رحم کنندگانی

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ (110 مؤمنون)

پس گرفتید آنان را به مسخره، تا به فراموشی واداشتند شما را از به یاد آوردن من، و برای آنان می خندیدید

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ (111 مؤمنون)

همانا من پاداش دادم به آنان امروز، به سبب آنچه شکیبایی کردند، همانا آنان خود کامیابان هستند

قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ (112 مؤمنون)

گفت، چقدر درنگ کردید در زمین به شماره ی سال ها

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ (113 مؤمنون)

گفتند درنگ کردیم روزی را یا بخشی از روز را، پس بپرس از شمارندگان

قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (114 مؤمنون)

گفت درنگ نکردید جز اندکی را، اگر همانا شما می دانستید

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (115 مؤمنون)

آیا پس پنداشتید که چنین است که آفریدیم شما را به بیهودگی، و همانا شما به ما بازگردانده نمی شوید

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (116 مؤمنون)

پس دور است خدا مالک حقیقت، نیست خدایی جز او، ربّ عرش ارجمند

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (117 مؤمنون)

و کسی که صدا کند با خدا، خدایی دیگر را، که نیست دلیلی برای آن با او، پس همانا حساب او نزد ربّش است، به یقین رستگار نمی شود کافران

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (118 مؤمنون)

و بگو ربّ، بیامرز و ترحم کن، و تو بهترین رحم کنندگانی

سوره نور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (1 نور)

سوره ای است که نازلش کردیم، و مشخص کردیم آن را، و نازل کردیم در آن آیاتی آشکار را، شاید شما یادآوری کنید

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (2 نور)

زن زناکار و مرد زناکار را، پس تازیانه بزنید هر یک از آن دو را، صد تازیانه، و نگیرد شما را بر آن دو، ترحمی در دین خدا، اگر ایمان می آوردید به خدا و روز واپسین، و باید که مشاهده کند رنج آن دو را، گروهی از مؤمنان

(در این آیه برای زن و مرد زناکار، بیان شده که صد تازیانه به آنها زده شود. در هیچ آیه ای از قرآن بیان نشده که زنا کننده را سنگسار کنید و این کاری که به نام خدا و دین برای مجازات انجام دهنده زنا انجام می شود، جز دروغ بستن به خدا و جز جنایت و ریختن خون به ناحق نیست و انجام دهندگان این کار نه تنها کارشان هیچ ارتباطی با دین ندارد، بلکه هیچ بویی از انسانیت نبرده اند.)

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (3 نور)

مرد زناکار، ازدواج نمی کند جز با زن زناکاری یا مشرکی، و زن زناکار را ازدواج نمی کند با او (=زن) جز مرد زناکاری یا مشرکی، و حرام کرده شد آن بر مؤمنان

(اینکه بیان شده حرام کرده شد بر مؤمنان، به معنی این نیست که از مؤمنان بخواهد که این کار را انجام ندهند، بلکه به این معنی است که این کار به صورت خود به خود اتفاق می افتد و بیان شده، مرد زناکار ازدواج نمی کند جز با زن زناکار یا مشرک.)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (4 نور)

و کسانی که متهم می کنند زنان شوهر دار را، سپس هرگز نیاوردند چهار گواه، پس تازیانه بزنید به آنان، هشتاد تازیانه، و قبول نکنید از آنان گواهی ای را هیچگاه، و آنان خود از راه حق دور شوندگان هستند

(زنا به معنای خیانت به همسر است و به آمیزش جنسی مرد با زن شوهردار گفته می شود یعنی اگر زن شوهر دار با مردی غیر از شوهرش آمیزش جنسی داشته باشد، زنا انجام شده است. در این آیه بیان

شده، کسانی که زنان شوهردار را به زنا متهم می کنند و چهار شاهد برای این ادعای خود نمی آورند، به آن فرد خبر دهنده هشتاد تازیانه بزنید و دیگر هیچگاه از او گواهی ای را قبول نکنید و آنها از راه حق دور شوندگان هستند. بر این اساس اگر کسی زنا کردن دو نفر را دید ولی در مجموع چهار شاهد به این اتفاق شهادت ندهند، آن چیزی را که دیده است، بازگو نخواهد کرد و کسی را به دلیل زنا کردن، تازیانه نخواهند زد. البته می تواند تعداد زیادی شاهد یک اتفاق باشند ولی تمایلی به شهادت دادن در آن مورد را نداشته باشند و این عدم شهادت دادن، هیچ ایرادی ندارد.)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (5 نور)

جز کسانی که بازگشتند از پس از آن، و اصلاح کردند، پس همانا خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

(در ادامه ی توضیح آیه ی قبل در مورد شهادت دهندگانِ برای زنا، که چهار شاهد نیاورند، در این آیه شرطی را بیان کرده که در صورت وجود آن، دیگر نباید به آنها تازیانه زد و می توان از آنها در آینده گواهی قبول نمود.)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (6 نور)

و کسانی که متهم می کنند همسرانشان (=زنانشان) را، و هرگز نبود برای آنان گواهان جز خودشان، پس گواهی هر یک از آنان، چهار بار گواهی (یا سوگند) است به خدا، که همانا او یقیناً از راستگویان است

وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (7 نور)

و پنجم این است که همانا لعنت خدا بر او، اگر بود از دروغگویان

وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (8 نور)

و دفع می کند از او (=زن) عذاب را، اینکه گواهی دهد چهار بار گواهی (یا سوگند) به خدا، که همانا او (=شوهرش) یقیناً از دروغگویان است

وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ (9 نور)

و پنجم این است که خشم خدا بر او (=زن)، اگر بود از راستگویان

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (10 نور)

و اگر نبود مزیت خدا بر شما، و مهربانی او، و همانا خدا بسیار بازگشت کننده ی صاحب حکمت است

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (11 نور)

همانا کسانی که آوردند دروغ را، جماعتی از شما هستند، نپندارید آن را بدی ای برایتان، بلکه آن خوبی ای است برای شما، برای هر فردی از آنان، آنچه را به دست آورد از گناه، است و آنکه به عهده گرفت بخش عمده ی آن را از آنان، برای او است عذابی بزرگ

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ (12 نور)

چرا هنگامی که شنیدید آن را، حدس نزد مردان و زنان مؤمن با خودشان نیکویی ای را، و نگفتند این دروغی آشکار است

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ (13 نور)

چرا نیاوردند برای آن چهار شاهد، پس هنگامی که هرگز نیاوردند شاهدان را، پس آنان نزد خدا، خود دروغگویانند

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (14 نور)

و اگر نبود مزیت خدا بر شما، و مهربانی او در دنیا و آخرت، یقیناً مبتلا می شد به شما، در آنچه شرح و بسط دادید در آن، عذابی بزرگ

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (15 نور)

هنگامی که عهده دار شدند آن را زبان هایتان، و می گویید با دهان هایتان آنچه را نیست برای شما به آن دانشی، و می پندارید آن را به صورت ساده، و آن نزد خدا بزرگ است

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (16 نور)

و چرا هنگامی که شنیدید آن را، نگفتید روا نیست برای ما، اینکه سخن بگوییم از این، پاک و منزهی تو، این دروغی (یا تهمتی) بزرگ است

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (17 نور)

اندرزتان می دهد خدا، اینکه روی آورید از مثل آن را هرگز، اگر بودید مؤمنان

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (18 نور)

و آشکار می کند خدا برای شما آیات را، و خدا دانای صاحب حکمت است

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (19 نور)

همانا کسانی که دوست دارند اینکه منتشر شود (=منظور خبر است) گناه بسیار زشت در کسانی که ایمان آوردند، برای آنان عذابی دردناک در دنیا و آخرت است، و خدا می داند و شما نمی دانید

(در آیه های قبل، در مورد خبر دروغی صحبت شده است که از جانب افرادی بین مسلمانان پخش شد که در مورد زنا کردن دو نفر بوده است. در این آیه در مورد انتشار دادن همان خبر بین مسلمانان، صحبت شده است.)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (20 نور)

و اگر نبود مزیت خدا بر شما و مهربانی او، و همانا خدا بسیار دل رحم بخشایشگر است

(در آیات قبل در مورد خبر دروغی صحبت شده است که گروهی آن را بیان کردند، و آن در مورد زنا کردن کسانی بوده است، و در این آیات بیان شده که چرا هنگامی که این خبر را شنیدید، با خودتان فکر نیکو نکردید و نگفتید که این خبر دروغ است، و چرا آنهایی که این ادعا را کردند برای این خبر خود، چهار شاهد نیاوردند و وقتی که چهار شاهد نمی آورند، آنها خودشان دروغگو هستند، و اگر مزیت و مهربانی خدا بر شما نبود، در مورد آن خبر که با زبان هایتان، آن را منتشر کردید در حالی که به آن دانشی نداشتید، عذابی بزرگ برای شما می بود، و چرا هنگامی که این خبر را شنیدید، نگفتید که روا نیست برای ما، که سخن بگوییم در مورد این، و این دروغی (یا تهمتی) بزرگ است، و خداوند به شما اندرز می دهد که دیگر مانند این اشتباه را تکرار نکنید، و کسانی که دوست دارند که خبر گناه بسیار زشت در بین کسانی که ایمان آوردند، منتشر شود، برایشان عذابی دردناک در دنیا و آخرت است. یک نکته ای که در این آیات، می توان به آن پی برد این است که رفتار پسندیده در زمانی که یک چنین خبری را انسان می شنود، این است که آن خبر را بازگو نکند و حتی اگر یک چنین اتفاقی را مشاهده نمود، اقدام به انتشار خبر آن، بین همه نکند.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَى مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (21 نور)

ای کسانی که ایمان آوردید، پیروی نکنید گام های شیطان را، و کسی که پیروی کند گام های شیطان را، پس همانا او فرمان می دهد به گناه بسیار زشت و عمل ناشایست، و اگر نبود مزیت خدا بر شما و مهربانی او، پاک نمی شد از شما، از کسی هرگز، و لیکن خدا پاک و منزه می کند کسی را که می خواهد، و خدا شنوای داناست

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (22 نور)

و معطل نکند صاحبان مزیت از شما و توانگری، اینکه بدهند به خویشاوندان، و بی چیزان، و مهاجران در راه خدا، و باید عفو کنند، و باید از گناه بگذرند، آیا دوست ندارید اینکه بیامرزد خدا برای شما، و خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (23 نور)

همانا کسانی که متهم می کنند زنان شوهردار بی خبر با ایمان را، لعنت شدند در دنیا و آخرت، و برای آنان عذابی بزرگ است

(بیان شده که کسانی که تهمت دروغ زنا می زنند به زنان شوهردار، در دنیا و آخرت لعنت شدند و برای آنان عذاب بزرگ است.)

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (24 نور)

روزی که گواهی می دهد بر آنان زبان هایشان و دست هایشان و پاهایشان، به آنچه انجام می دادند

يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (25 نور)

در آن روز، به طور کامل می دهد به آنان خدا، جزایشان را به حقیقت، و می دانند همانا خدا، خود حقیقت آشکار است

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (26 نور)

زنان ناپاک، برای مردان ناپاک هستند، و مردان ناپاک، برای زنان ناپاک هستند، و زنان پاک، برای مردان پاک هستند، و مردان پاک، برای زنان پاک هستند، آنان، رهاها هستند از آنچه می گویند، برای آنان آمرزش گناه و روزی ای ارجمند است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (27 نور)

ای کسانی که ایمان آوردید، داخل نشوید به خانه هایی که غیر از خانه هایتان است، تا اُنس بگیرید، و درود فرستید بر ساکنین آن، آن بهتر است برای شما، شاید شما یادآوری کنید

(بیان شده که به خانه هایی که خانه ی شما نیستند، بی اجازه داخل نشوید مگر اینکه در آن خانه حالت خودمانی داشته باشید و برای ورود به خانه های دیگران، به ساکنین خانه برای ورود به خانه، درود بفرستید، انجام این کار برای شما بهتر است.)

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (28 نور)

پس اگر هرگز نیافتید در آن کسی را، پس داخل نشوید به آن، تا اجازه داده شود برای شما، و اگر گفته شد بر شما بازگردید، پس بازگردید، آن پاکیزه تر است برای شما، و خدا به آنچه انجام می دهید داناست

(و اگر در خانه هایی که در آیه قبل بیان شد برای ورود به آنها، به ساکنین خانه درود بفرستید، کسی از ساکنین خانه نبود تا برای ورود، به شما اجازه دهد، وارد خانه نشوید و اگر ساکنین خانه به شما گفتند که وارد نشوید، پس وارد نشوید و انجام این کارها، برای شما پاکیزه تر است.)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (29 نور)

نیست بر شما گناهی، اینکه داخل شوید به خانه هایی که غیر مسکونی است، که در آن کالایی برای شما است، و خدا می داند آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می کنید

(بیان شده که ورود بی اجازه به خانه های غیر مسکونی، که کالایی که مال شما است، در آن است، اشکالی ندارد.)

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (30 نور)

بگو به مردان مؤمن، نادیده بگیرند (یعنی انگار که ندیده اند) از چشم هایشان، و نگهداری کنند عورت هایشان را، آن پاکیزه تر است برای آنان، همانا خدا آگاه است به آنچه درست می کنند

(در این آیه بیان شده که نادیده بگیرند از چشم هایشان . در اینجا منظور ندیدن چیزی نیست، بلکه نادیده گرفتن چیزی است که دیده شده است. برای مثال به کسی گفته می شود این مسئله را ندید بگیر، و

منظور این نیست که آن را نبین، بلکه منظور این است که چیزی را که دیده ای ، ندیده فرض کن. نکته دیگر اینکه در این آیه بیان نشده که چه چیز را نادیده بگیرند از چشم هایشان، و این نشان دهنده این است که منظور این آیه، مربوط به ندیدن چیز خاصی نیست و مربوط به ادامه آیه است که بیان شده عورت هایشان را نگه داری کنند، و منظور این است که آن چیزی را که می بینید، ندید بگیرید و عورت های خود را نگه داری نمایید و نگه داری کردن عورت ها، مربوط به آن عمل آمیزش جنسی است که در قرآن بیان شده، آن را انجام ندهید.)

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (31 نور)

و بگو به زنان مؤمن، نادیده بگیرند (یعنی انگار که ندیده اند) از چشم هایشان، و نگهداری کنند عورت هایشان را، و آشکار نگردانند زیورهایشان را، جز آنچه آشکار می شود از آن، و باید بگیرند پوشش هایشان را بر یقه هایشان، و آشکار نگردانند زیورهایشان را، جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا فرزندان برادرانشان، یا فرزندان خواهرانشان، یا زنانشان، یا کنیزانشان، یا خدمتگذاران، غیر از صاحب هوشیاری از مردان، یا کودک، کسانی که هرگز مطلع نشدند بر کارهای شرم آور زنان (=هر کاری که از آن خجالت می کشند)، و ضربه نزنند با پاهایشان، تا پی برده شود آنچه را پنهان می کنند از زیورهایشان، و بازگردید به خدا همگی، ای مؤمنان، شاید شما رستگار شوید

(توضیح در مورد نادیده گرفتن از چشم، و محافظت کردن از عورت، مانند توضیح آیه ی قبل است. در این آیه، که آن را به حجاب نسبت می دهند و می گویند این یکی از آیه هایی است که در آن، حجاب برای زنان واجب گردیده است، هیچ ارتباطی به حجاب ندارد و مربوط به زیور آلات زنان است، و زیورآلات به چیزهایی همچون گردن بند، گوشواره، دستبند، پابند و چیزهایی از این دست، گفته می شود، و به معنی مو و اندام بدن نیست. در این آیه بیان شده، زیورهایشان را جز برای کسانی که در ادامه آیه بیان شده است، آشکار نگردانند مگر آنچه از آن به صورت خود به خود نمایان می گردد که آن ایرادی ندارد، و آنجا که بیان نموده، باید بگیرند پوشش هایشان را بر یقه هایشان، و آشکار نگردانند زیورهایشان را، مربوط به همین آشکار نکردن زیورها است و به منظور پنهان کردن زیورها، بیان شده است، و اینکه اگر زیورهایی را که بر گردن انداخته اند، با پوشش خود پنهان نکنند، جزو خود به خود آشکار شده ها نیست و در انتهای آیه بیان شده، ضربه نزنند با پاهایشان، تا پی برده شود آنچه را پنهان می کنند از زیورهایشان، و منظور این است که اگر عمداً پاهای خود را به گونه ای بر زمین بزنند که زیورهای بسته شده به پاها مانند پابند، پدیدار گردد، این جزو خود به خود آشکار شده ها نیست. در قرآن، در هیچ آیه ای در مورد اینکه زنان باید حجاب داشته باشند و مو و بدن خود را بپوشانند، بیان نشده است و این حجاب را که به نام خدا و دین، به زنان به عنوان حکم دین معرفی کرده اند، جز دروغی بر خدا و دین نیست، و حتی اگر حجاب در قرآن آمده بود، باز هم اجبار کردن آن از لحاظ دین، مجاز نیست و هیچ اجباری در دین وجود ندارد.)

(موضوعاتی که در این آیه و آیه ی قبل بیان شده است، حکم اسلام در مورد همه ی زمان ها نیست و فقط در مورد زمان پیامبر است، زیرا خداوند به پیامبر بیان کرده که به آنها بگو. این حکم مربوط به زمان پیامبر و کسانی است که در زمان پیامبر زندگی می کرده اند و پیامبر به آنها، این موضوع را بیان کرده است. بنابراین مثلاً آشکار کردن زینت ها توسط زن ها، امروزه اشکالی ندارد.)

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (32 نور)

و ازدواج کنید با افراد همسر مرده (ایامی به معنای مردان و زنان همسر مرده است) از شما، و شایستگان از بندگانتان و کنیزانتان، اگر باشند نیازمندان، بی نیازشان می کند خدا از مزیتش، و خدا گشایش ایجاد کننده ای داناست

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ (33 نور)

و باید خودداری کند، کسانی که نمی یابند ازدواجی را، تا بی نیازشان کند خدا از مزیتش، و کسانی که درخواست می کنند کتاب را، از آنکه بردگانتان هستند، پس بنویسید برای آنان، اگر پی بردید در آنان نیکویی ای را، و بدهید به آنان از دارایی خدا، که داد به شما، و وادار نکنید کنیزان جوانتان را برای خود فروشی، اگر خواستند پاکدامن بودن را، تا طلب کنید عطای زندگی دنیا را، و کسی که وادار کند آنان (=کنیزان جوان) را، پس همانا خدا از پس از اجبار آنان، بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ (34 نور)

و یقیناً به درستی نازل کردیم به شما آیاتی آشکار شده را، و مَثَلی را از کسانی که سپری شدند از قبل شما، و پندی برای پرهیزکاران

(قرآن به صورت آشکار و واضح و قابل فهم برای همه، نازل شده است.)

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (35 نور)

خدا نور آسمان ها و زمین است، مَثَل نور او مانند محفظه ی شیشه ای چراغی است، که در آن چراغی است، چراغ در شیشه ای است، شیشه مانند اینکه همانا ستاره ای درخشان است، می درخشد از درخت با برکت زیتونی، که نه شرقی است و نه غربی است، نزدیک است روغن آن نورانی کند، اگر چه هرگز به آن نرسیده باشد آتشی، نوری بر نوری، هدایت می کند خدا از نورش، کسی را که می خواهد، و بیان می کند خدا مَثَل ها را برای مردم، و خدا بر هر چیزی داناست

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (36 نور)

در خانه هایی که اجازه داد خدا، اینکه بالا برده شود، و به یاد آورده شود در آن نام او، تسبیح می گوید برای او در آن، پگاهان (یا مابین فجر و طلوع آفتاب ها) و تنگِ غروب ها (یا زمان های بین عصر و غروب)

(در این آیه، اشاره به نمازهای صبح و مغرب، و زمان آنها شده است.)

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (37 نور)

مردانی که مشغول نمی کند آنان را تجارتی (یا داد و ستدی)، و نه خرید و فروشی، از به یاد آوردن خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، می ترسند از روزی که زیر و رو می شود در آن، دل ها و چشم ها

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (38 نور)

تا جزا دهد به آنان خدا، نیکوتر از آنچه را انجام دادند، و بیفزاید به آنان از مزیتش، و خدا روزی می دهد کسی را که می خواهد، بدون شمارش

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (39 نور)

و کسانی که کفر ورزیدند، کارهایشان مانند سرابی است بر سرزمینی مسطح، می پندارد آن را تشنه، آبی، تا در صورتی که آمد نزد آن، هرگز نیافت آن را چیزی، و یافت خدا را نزدش، پس کامل داد به او شمارش اش را، و خدا شتابنده شمارش است

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (40 نور)

یا مانند تاریکی هایی در دریا در عمیق ترین نقطه، که می پوشاند آن را موجی که از بالای آن موجی است، که از بالای آن ابری است، تاریکی هایی که بعضی از آن بالای بعضی است، اگر خارج کرد دستش را، بعید است ببیند آن را، و کسی که هرگز قرار نداد خدا برای او نوری را، پس نیست برای او از نوری

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (41 نور)

آیا هرگز ندیدی، همانا خدا را، تسبیح می گوید برای او، کسی که در آسمان ها و زمین است، و پرنده های به صف ایستاده، همگی، به درستی دانست نماز خود را، و تسبیح گفتن خود را، و خدا داناست به آنچه انجام می دهند

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (42 نور)

و برای خداست سلطه ی آسمان ها و زمین، و به خداست برگشتن

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (43 نور)

آیا هرگز ندیدی، همانا خدا روان می کند ابری را، سپس پیوند می دهد بین آن را، سپس قرار می دهد آن را متراکم، پس می بینی باران را، خارج می شود از میان آن، و نازل می کند از آسمان، از کوه هایی در آن، تگرگی را، پس اصابت می کند آن، به کسی که می خواهد، و بر می گرداند آن را، از کسی که می خواهد، نزدیک است روشنی برق آن، ببرد بینایی ها را

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ (44 نور)

بسیار دگرگون می کند خدا شب و روز را، همانا در آن یقیناً پندی است برای صاحب بینایی ها

(منظور از صاحب بینایی، بینا بودن دل انسان است و اینکه با دل خود، به این نشانه ها پی ببرد.)

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (45 نور)

و خدا آفرید هر حیوانی را از آب، پس از آنان کسی است که راه می رود بر شکمش، و از آنان کسی است که راه می رود بر دو پا، و از آنان کسی است که راه می رود بر چهار، می آفریند خدا آنچه را می خواهد، همانا خدا بر هر چیزی توانا است

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (46 نور)

یقیناً به درستی نازل کردیم آیاتی آشکار را، و خدا هدایت می کند کسی را که می خواهد، به راهی راست

(قرآن به صورت آشکار و واضح و قابل فهم برای همه، نازل شده است و خداوند کسی را که بخواهد، به راهی راست هدایت می کند.)

وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (47 نور)

و می گویند ایمان آوردیم به خدا و به فرستاده، و اطاعت کردیم، سپس روی بر می تابند گروهی از آنان، از پس از آن، و نیستند آنان از مؤمنان

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ (48 نور)

و اگر فرا خوانده شدند به خدا و فرستاده اش، تا قضاوت کند (یا حکم صادر کند) بین آنان، ناگهان گروهی از آنان، روی گردان ها هستند

وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ (49 نور)

و اگر باشد برای آنان حقیقت، می آیند به او، مطیعان

(یعنی اگر حقیقت به نفع آنان و در جهت خواست آنان باشد، برای آن مطیع می شوند.)

أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمِ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (50 نور)

آیا در دلهایشان بیماری ای است، یا شك کردند، یا می‌ترسند از اینکه ظلم کند خدا بر آنان، و فرستاده‌اش، بلکه آنان خود ستمکارانند

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (51 نور)

همانا بود گفتار مؤمنان، اگر فرا خوانده شدند به خدا و فرستاده اش، تا قضاوت کند (یا حکم صادر کند) بین آنان، این است که می گویند شنیدیم و اطاعت کردیم، و آنان خود رستگارانند

(حکم صادر کردن پیامبر بر اساس قرآن انجام می پذیرفته است و با خواندن قرآن، می توان به حکمی که پیامبر صادر می کرده است پی برد.)

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (52 نور)

و کسی که اطاعت کند از خدا و فرستاده اش، و بترسد از خدا، و حذر کند از او، پس آنان خود کامیابان هستند

(پیامبر در زمینه ی دین، چیزی به غیر از قرآن بیان نمی کرده است و حکمی را تحت عنوان خدا و دین، از جانب خود درست نمی کرده است.)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (53 نور)

و قسم خوردند به خدا، سوگندهای با تأکیدشان را، که یقیناً اگر به آنان امر کردی، یقیناً بیرون می روند، بگو قسم نخورید، فرمانبرداری ای مشهور، همانا خدا آگاه است به آنچه انجام می دهید

(بیان شده که به آنها بگو نیازی نیست که قسم بخورید، به جای قسم خوردن، فرمانبرداری قابل قبولی داشته باشید و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.)

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (54 نور)

بگو اطاعت کنید از خدا، و اطاعت کنید از فرستاده، پس اگر روی گرداندید، پس همانا بر اوست آنچه را به عهده گذاشته شد، و بر شما است آنچه به عهده گذاشته شدید، و اگر اطاعت کنید از او، هدایت می شوید، و نیست بر فرستاده جز رساندن آشکار

(اطاعت از پیامبر در دو زمینه بوده است، یکی در زمینه ی دین و دیگری در زمینه ی غیر از دین. اطاعت از پیامبر در زمینه ی دین، به این معنا است که به دعوت پیامبر به ایمان آوردن، جواب مثبت بدهند و ایمان بیاورند. پیامبر در زمینه ی دین، چیزی به غیر از قرآن، بیان نمی کرده است و اطاعت از پیامبر در زمینه ی دین، در حقیقت اطاعت از قرآن بوده است. اطاعت از پیامبر در زمینه ی غیر از دین، به معنای اطاعت از دستوراتی بوده است که جنبه ی دینی نداشته اند و مربوط به امور روزمره بوده اند مثلاً پیامبر می گفته اند که برای مشورت در مورد موضوعی، جمع شوید و یا مثلاً پیامبر شخصی را به عنوان فرمانده ی لشکر مسلمانان، انتخاب می کرده است. اینها نمونه هایی از دستوراتی هستند که مربوط به قرآن و دین نمی شوند و مربوط به موضوعی خاص در آن زمان بوده اند. یک فرد مسلمان، در حال حاضر برای فهم دین خود، تنها باید به قرآن مراجعه کند و به احادیث و روایات پیامبر برای فهم دین نباید مراجعه کرد زیرا پیامبر در زمینه ی دین، چیزی به غیر از قرآن را بیان نمی کرده

و خود او در زمینه ی دین، تنها از قرآن پیروی می کرده است و مراجعه به احادیث و روایات برای فهم دین، تنها باعث گمراهی از دین حقیقی خواهد شد.)

(نکته ی دیگر در این آیه، عدم اجبار در زمینه ی دین است، بیان شده که اگر اطاعت کنید، هدایت می شوید و اگر اطاعت نکنید، پیامبر مسئول آن چیزی است که به عهده ی او گذاشته شده و شما مسئول آن چیزی هستید که به عهده ی شما است و مسئولیت پیامبر جز رساندن آشکار وحی خداوند که همان قرآن است، چیز دیگری نیست. بنابراین هر کسی خود تصمیم گیرنده برای اعمال خود است و پیامبر هم در زمان خود، حق اجبار کردن کسی را به دین، نداشته است. پس چگونه است که افرادی به نام خدا و دین، دیگران را به انجام دادن یا ندادن کارهایی مجبور می کنند که آن را دین می نامند، گفتار آنها جز دروغی بر خدا و دین نیست و رفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد.)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (55 نور)

وعده داد خدا به کسانی که ایمان آوردند از شما و انجام دادند شایسته ها را، که یقیناً جانشین می کند آنان را در زمین، همچنانکه جانشین کرد کسانی از قبل آنان را، و یقیناً مستحکم می کند برای آنان دینشان را، که راضی کرد برای آنان، و یقیناً جایگزین می کند برای آنان از پس از ترسشان، امنیتی را، می پرستند مرا، شریک قائل نمی شوند با من چیزی را، و کسی که کفر ورزید پس از آن، پس آنان خود از راه حق دور شوندگان هستند

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (56 نور)

و به پا دارید نماز را و بدهید زکات را و اطاعت کنید فرستاده را، شاید شما مورد ترحم قرار گیرید

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ (57 نور)

گمان نکن کسانی که کفر ورزیدند را، عاجز کنندگان در زمین، و پناهگاه آنان آتش است، و یقیناً بد برگشتنی است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (58 نور)

ای کسانی که ایمان آوردید، باید اجازه بخواهد از شما، کسانی که بردگان شما هستند و کسانی که هرگز نرسیدند به بالغ شدن از شما، سه بار، از پیش از نماز سپیده دم، و هنگامی که از دست می دهید لباس هایتان را از نیمروز، و از پس از نماز اول شب، سه موضوع شرم آوری (=هر چیزی که خجالت می کشید از آن) است برای شما ، نیست بر شما و نه بر آنها گناهی، که پس از آنها (=آن سه زمان)، بسیار دور زنندگان بر شما، بعضی از شما بر بعضی، اینچنین آشکار می کند خدا برای شما آیات را، و خدا دانای صاحب حکمت است

(این آیه در مورد زمان هایی بیان شده است که شما در حال آمیزش جنسی ممکن است باشید و بیان شده که برده های شما و بچه های بالغ نشده ی شما باید در این زمان ها از شما برای ورود اجازه بخواهند.

منظور از عبارت هنگامی که از دست می دهید لباس هایتان را از نیمروز، آمیزش جنسی است و منظور زمانی است که می خواهید آمیزش جنسی انجام دهید. نکته ی دیگر اینکه کسانی که باید از شما اجازه بگیرند، برده های شما و بچه های شما که به بالغ شدن نرسیده اند، هستند و این مربوط به برده های دیگران و بچه های دیگران، مثلاً همسایه شما نمی شود.)

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (59 نور)

و اگر رسید کودکان از شما، به بالغ شدن، پس باید اجازه بخواهند آنچنانکه اجازه خواست کسانی از قبل از آنان، اینچنین آشکار می کند خدا برای شما آیاتش را، و خدا دانای صاحب حکمت است

(در ادامه ی آیه ی قبل بیان شده که اگر کودکان شما، به بالغ شدن رسیدند، اجازه خواستن آنها از شما، در آن زمان هایی که در آیه ی قبل بیان شد، به گونه ای که مرسوم است باید باشد، یعنی اگر رسم است که اجازه گرفته شود، آنها نیز اجازه بگیرند و اگر رسم است که اجازه ای گرفته نشود، آنها نیز نیازی به این کار ندارند.)

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (60 نور)

و رها کننده ها از زنان (=زنانی که متوقف شد حامله شدن از آنها)، که امید ندارند به ازدواجی، پس نیست بر آنان گناهی، اینکه از دست بدهند لباس هایشان را، غیر از آرایش کنندگان با زیور، و اینکه خودداری کنند بهتر است برای آنان، و خدا شنوای داناست

(منظور از درآوردن لباس، آمیزش جنسی است و منظور در آوردن لباس برای آمیزش جنسی است و بیان شده، زنانی که حامله نمی شوند (که می تواند به دلایلی مانند بالا رفتن سن آنها باشد یا امروزه، استفاده از روش های پیشگیری باشد) و امیدی به ازدواج با کسی را ندارند، یعنی در حال حاضر، شوهر ندارند و امید به ازواج با کسی را هم ندارند، یعنی کسی به آنها وعده ی ازدواج نداده است، این زنان می توانند بدون ازدواج، آمیزش جنسی داشته باشند. در هیچ جای قرآن بیان نشده که درآوردن لباس و نپوشیدن لباس گناه است که در این آیه بیان شود که این زنان با این ویژگی ها، می توانند این کار را انجام دهند و برای آنها گناهی ندارد. نکته ی دیگر اینکه، فرق زنانی که بچه دار می شوند با زنانی که بچه دار نمی شوند در چیست، در بچه دار شدن است و حال سوال اینکه چه عاملی باعث بچه دار شدن یک زن می شود، پوشیدن یا نپوشیدن لباس و یا آمیزش جنسی، این نیز بیانگر این است که این آیه در مورد آمیزش جنسی است و نه پوشش. نکته دیگر اینکه فرق زنانی که بچه دار نمی شوند و شوهر ندارند با زنانی که بچه دار نمی شوند و شوهر دارند در چیست و شوهر داشتن یا نداشتن چه ارتباطی می تواند با پوشیدن یا نپوشیدن لباس داشته باشد، این نیز بیان کننده این است که در این آیه منظور پوشش نیست بلکه درآوردن پوشش، به قصد آمیزش جنسی است زیرا زن شوهردار اگر با کسی غیر از شوهرش آمیزش جنسی داشته باشد مرتکب زنا شده است ولی آمیزش جنسی زن بدون شوهر، زنا نیست. نکته دیگر اینکه در این آیه بیان شده که می توانند پوشش های خود را درآورند به جز وقتی که زیوری داشته باشند که این پوشش آن را پنهان کرده است و این بیان کننده و تائیدی بر این نکته است که در آیه 31 سوره نور، منظور از آشکار نکردن زیور، حجاب و پوشش داشتن بدن نیست بلکه منظور، آشکار نکردن زیورآلات است، و اگر منظور در آیه 31 سوره نور، پوشش داشتن بدن و به بیان دیگر حجاب

داشتن بود، برای این منظور از لغت زینت استفاده نمی کرد و محل هایی از بدن که باید پوشانده گردد را بیان می کرد، و در آن حالت، در آیه 60 سوره نور نیزهنگامی که می خواست بیان کند که زنان با این ویژگی، می توانند پوشش های خود را درآورند، قیدی برای زیورآلات بیان نمی کرد. آنچه در مورد زیورآلات در این آیه بیان شده، بیان کننده این است که حکم آیه 31 سوره نور، در مورد این زنان نیز هنوز وجود دارد و در آوردن پوشش ها به این معنی نیست که اگر زیوری آشکار گردد اشکالی ندارد. البته همانگونه که در آیه ی 31 سوره نور توضیح داده شد، این حکم آشکار نکردن زیور، مربوط به همان زمان پیامبر است و مربوط به زمان حال نیست.

در انتهای آیه بیان شده که اگر آنها از آمیزش جنسی خودداری کنند، برایشان بهتر است.

البته حکمی که در آیه های 22 و 23 و 24 سوره نساء بیان شده است، تغییری نکرده است.)

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (61 نور)

نیست بر نابینا تنگنایی، و نه بر لنگ تنگنایی، و نه بر بیمار تنگنایی، و نه بر خودتان، اینکه بخورید از خانه هایتان، یا خانه های پدرانتان، یا خانه های مادرانتان، یا خانه های برادرانتان، یا خانه های خواهرانتان، یا خانه های عموهایتان، یا خانه های عمه هایتان، یا خانه های دایی هایتان، یا خانه های خاله هایتان، یا آنچه را صاحب شدید کلیدهایش را، یا دوست راستینتان، نیست بر شما گناهی اینکه بخورید همگی را، یا به صورت متفرق، پس اگر داخل شدید به خانه هایی، پس درود فرستید بر خودتان، درودی از نزد خدا، آرزوی خیر و برکتی پاک، اینچنین آشکار می کند خدا برای شما آیات را، شاید شما درک می کنید

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (62 نور)

همانا مؤمنان کسانی هستند که ایمان آوردند به خدا و فرستاده اش، و اگر بودند با او برای موضوعی به صورت شامل شونده، هرگز نرفتند تا آنکه اجازه بخواهند از او، همانا کسانی که اجازه می خواهند از تو، آنان کسانی هستند که ایمان می آورند به خدا و فرستاده اش، پس اگر اجازه خواستند از تو برای بعضی کارشان، پس اجازه بده برای کسی که خواستی از آنان، و طلب عفو کن برای آنان از خدا، همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (63 نور)

قرار ندهید صدا کردن فرستاده را بینتان، مانند صدا کردن بعضی از شما بر بعضی، به درستی می داند خدا کسانی را که مخفیانه می روند از شما، به گونه ای که پشت سر دیگری پنهان شوند، پس باید بر

حذر باشد کسانی که مخالفت می کنند از دستور او، اینکه به آنان برسد در آشوب افکندنی، یا به آنان برسد عذابی دردناک

(این آیه مربوط به زمان پیامبر است و بیان شده که پیامبر را با احترام صدا بزنید و اینکه در ادامه ی توضیح آیه قبلی، بیان شده خداوند می داند که برخی به صورت پنهانی و بدون اجازه گرفتن، از جلسه ای که به درخواست پیامبر تشکیل شده است، خارج می شوند.)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (64 نور)

آگاه باشید، همانا برای خداست آنچه در آسمان ها و زمین است، به درستی می داند آنچه را شما بر آن هستید، و روزی که بازگردانده می شوند به او، پس با خبر می کند آنان را به آنچه انجام دادند، و خدا بر هر چیزی داناست

سوره فرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (1 فرقان)

پر برکت است آنکه پایین آورد جدا کننده ی حق از باطل را بر بنده اش، تا باشد برای جهانیان هشدار دادنی

(منظور از جدا کننده ی حق از باطل، قرآن است. با خواندن قرآن، می توان به حقیقت پی برد و حقیقت را از باطل و هدایت را از گمراهی در زمینه ی دین، تشخیص داد.)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا (2 فرقان)

آنکه برای اوست سلطه ی آسمان ها و زمین، و هرگز نگرفت فرزندی را، و نبود برای او شریکی در سلطه، و آفرید هر چیزی را، پس به اندازه گذاشت آن را، به اندازه گذاشتنی

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا (3 فرقان)

و گرفتند از غیر او خدایانی را، که نمی آفرینند چیزی را، و آنان آفریده می شوند، و مالک نمی شوند برای خودشان زیانی را، و نه فایده ای را، و مالک نمی شوند مرگی را، و نه زندگی ای را، و نه بر انگیختنی را

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا (4 فرقان)

و گفت کسانی که کفر ورزیدند، نیست این جز دروغی، که دروغ بافته آن را، و کمک کرده به او برای آن، جماعتی دیگر، پس به درستی مرتکب شدند ستمی و باطلی را

(کافران گفته بودند که قرآن، جز دروغی ساخته شده از جانب پیامبر نیست و برای درست کردن آن، افرادی به پیامبر یاری رسانده اند.)

وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (5 فرقان)

و گفتند افسانه‌های قدیمی نخست ها است که نوشت آن را، پس آن املاء می شود بر او، صبح زود (یا بامدادان) و تنگ غروب

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (6 فرقان)

بگو نازل کرد آن را، آنکه می داند راز را در آسمان ها و زمین، همانا او بود بسیار آمرزنده بخشایشگر

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا (7 فرقان)

و گفتند این چه فرستاده ای است که می خورد خوراک، و راه می رود در بازارها، چرا نازل نشد به او فرشته ای، پس باشد با او هشدار دهنده ای

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا (8 فرقان)

یا انداخته شود به او گنجی، یا باشد برای او باغی که می خورد از آن، و گفت ستمکاران، پیروی نمی کنید جز مردی جادو شده را

انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (9 فرقان)

بنگر چگونه گفتند برای تو مَثَل ها را، پس گمراه شدند، پس نمی توانند راهی را

تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلْ لَكَ قُصُورًا (10 فرقان)

پر برکت است آنکه اگر خواست قرار داد برای تو برگزیده تری از آن را، باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، و قرار می دهد برای تو قصرها را

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا (11 فرقان)

بلکه تکذیب کردند هنگام قیامت را، و مهیا کردیم برای کسی که تکذیب کرد هنگام قیامت را، شعله ی آتشی را

إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا (12 فرقان)

اگر ببیند آنان را از مکانی دور، شنیدند در آن اظهار خشم شدید و نعره ی دردناک

(بیان شده که اگر جهنم، آنان را از مکانی دور مشاهده کند، آنان از جهنم اظهار خشم شدید و نعره دردناک خواهند شنید.)

وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا (13 فرقان)

و اگر انداخته شدند از آن مکانی تنگ، به صورت به هم بسته شده ها، فرا خواندند آنجا نابودی را

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا (14 فرقان)

فرا نخوانید امروز نابودی را یکبار، و فرا بخوانید نابودی را بسیار

قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا (15 فرقان)

بگو آیا آن بهتر است یا باغِ بقا، که وعده داده شد به پرهیزکاران، بود برای آنان پاداشی و برگشتنی

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا (16 فرقان)

برای آنان در آن، آنچه را می خواهند همیشگی هاست، بود بر ربّت وعده ای پاسخگو

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ (17 فرقان)

و روزی که گرد هم می آورد آنان را، و آنچه را می پرستند از غیر خدا، پس می گوید آیا شما گمراه کردید این بندگان من را، یا آنان گم کردند راه را

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا (18 فرقان)

گفتند پاک و منزهی تو، پسندیده نمی بود برای ما اینکه بگیریم از غیر تو از دوستان، و لیکن بهره مند کردی آنان را و پدرانشان را، تا از یاد بردند به یاد آوردن را، و بودند جماعتی بی فایده

فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا (19 فرقان)

پس به درستی تکذیب کردند شما را، به سبب آنچه می گویید، پس نمی توانید برگرداندنی را و نه یاری کردنی را، و کسی که ستم کند از شما، می چشانیم به او عذابی بزرگ را

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا (20 فرقان)

و نفرستادیم قبل تو از فرستادگان، جز اینکه همانا آنان یقیناً می خورند خوراک، و راه می روند در بازارها، و قرار دادیم بعضی از شما را بر بعضی در آشوب افکندنی، آیا بردباری می کنید، و بود ربّ تو بینا

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا (21 فرقان)

و گفت کسانی که امید ندارند به دیدار ما، چرا نازل نشد بر ما فرشتگان، یا نمی بینیم ربّمان را، یقیناً به درستی کبر ورزیدند در خودشان، و گردنکشی کردند بی شرمی ای بزرگ را

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا (22 فرقان)

روزی که می بینند فرشتگان را، نیست خبر خوشی در آن روز برای بدکاران، و می گویند به صورت حرام است به صورت بازداشته شده

وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا (23 فرقان)

و پرداختیم به آنچه انجام دادند از عملی را، پس قرار دادیم آن را غباری پخش شده

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا (24 فرقان)

همنشینان باغ را در آن روز، بهتر اقامتگاهی است، و نیکوتر استراحتگاهی است

وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا (25 فرقان)

و روزی که می شکافد آسمان را با ابری، و پایین آورده شد فرشتگان، پایین آوردنی

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا (26 فرقان)

سلطه در آن روز به حقیقت برای بخشاینده است، و بود روزی که بر کافران دشوار است

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (27 فرقان)

و روزی که با دندان می‌گزد ستمکار بر دستش را، می‌گوید ای کاش من می گرفتم با فرستاده راهی را

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (28 فرقان)

ای وای، کاش من هرگز نگرفته بودم فلانی را، دوست صمیمی

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (29 فرقان)

یقیناً به درستی گمراه کرد مرا از به یاد آوردن، پس از هنگامی که آمد نزد من، و بود شیطان برای انسان به صورت بسیار بی یاور

(منظور از به یاد آوردن، قرآن است.)

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (30 فرقان)

و گفت فرستاده، ای ربّ، همانا قوم من گرفتند این قرآن را به صورت سخن غیر متداول

(پیامبر در روز قیامت می گوید، ای ربّ، همانا قوم من این قرآن را به صورت سخن غیر متداول گرفتند. این نشان دهنده ی اهمیت و جایگاه قرآن در دین اسلام است و برای فهم حقیقت دین، باید تنها به قرآن مراجعه کرد.)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا (31 فرقان)

و این گونه قرار دادیم برای هر پیامبری دشمنی از بدکاران را، و کافی است تا ربّ تو به صورت هدایت کننده و یاری کننده باشد

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا (32 فرقان)

و گفت کسانی که کفر ورزیدند، چرا نازل نشد بر او قرآنی که یکدفعه است، اینچنین است تا استوار کنیم با آن قلبت را، و خوب ترکیب کردیم آن را، به صورت خوش آوازی

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا (33 فرقان)

برای تو نمی آورند مَثَلی را، جز اینکه آوردیم برای تو حقیقت و توضیح بهتری را

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَى وُجُوهِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا (34 فرقان)

کسانی که گرد هم آورده می شوند بر چهره هایشان به جهنم، آنان را بد مکانی و راهی گمراه تر است

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (35 فرقان)

و یقیناً به درستی دادیم به موسی کتاب را، و قرار دادیم با او برادرش هارون را، به عنوان معاون

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا (36 فرقان)

پس گفتیم بروید (=هر دو) به جماعت کسانی که تکذیب کردند آیات ما را، پس از میان بردیم آنان را هلاک کردنی

وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (37 فرقان)

و قوم نوح را، وقتی که تکذیب کردند فرستادگان را، غرقشان ساختیم و قرار دادیم آنان را برای مردم نشانه ای، و آماده کردیم برای ستمکاران عذابی دردناک را

وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا (38 فرقان)

و عاد و ثمود و همنشینان چاه قدیمی، و نسلهای بسیاری بین آن را

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا (39 فرقان)

و همگی را بیان کردیم برای آن مَثَل ها را، و همگی را نابود کردیم هلاک کردنی

وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (40 فرقان)

و یقیناً به درستی سر زدند بر آبادی ای که باریده شد باران بد، آیا پس هرگز نمی دیدند آن را، بلکه امید نداشتند برانگیختنی را

وَإِذَا رَأَوْكَ إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (41 فرقان)

و اگر تو را دیدند، نمی گیرند تو را جز به مسخره، آیا این است کسی که برانگیخت خدا، به عنوان فرستاده

إِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا (42 فرقان)

همانا نزدیک بود یقیناً گمراه کند ما را از خدایانمان، اگر اینکه شکیبایی نمی‌کردیم بر آن، و به زودی می دانند هنگامی که می بینند عذاب را، چه کسی گمراه تر است از نظر راه

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا (43 فرقان)

آیا دیدی کسی را که گرفت خدایش را خواسته اش، آیا پس تو می باشی بر او به عنوان کارگزار

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (44 فرقان)

یا می پنداری که همانا بیشتر آنان می شنوند یا درک می کنند، نیستند آنان جز مانند دام، بلکه آنان گمراه تر هستند از نظر راه

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (45 فرقان)

آیا هرگز ننگریستی به ربّت که چگونه گستراند سایه را، و اگر می خواست یقیناً قرار می داد آن را بی حرکت، سپس قرار دادیم خورشید را بر آن دلیلی

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (46 فرقان)

سپس جمع و منقبض کردیم آن را به خود، جمع کردنی آسان

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (47 فرقان)

و اوست آنکه قرار داد برای شما شب را لباسی، و خواب را آسایشی، و قرار دادیم روز را برانگیختنی

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (48 فرقان)

و اوست آنکه فرستاد بادها را بشارت دهنده ای در برابر مهربانی اش، و نازل کردیم از آسمان آبی را به صورت طاهر کننده (یا پاک)

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا (49 فرقان)

تا زنده کنیم با آن سرزمینی مرده را، و بنوشانیم آن را از آنچه آفریدیم، از دامی و انسان های بسیاری را

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (50 فرقان)

و یقیناً به درستی روان ساختیم آن را بین آنان، تا یادآوری کنند، پس نپذیرفت بیشتر مردم جز کفر ورزیدنی (یا ناسپاسی کردنی) را

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا (51 فرقان)

و اگر خواستیم، یقیناً فرستادیم در هر آبادی ای، هشداردهنده ای را

فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (52 فرقان)

پس اطاعت نکن کافران را، و تلاش کن با آنان با آن، تلاشی بزرگ را

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا (53 فرقان)

و اوست آنکه مخلوط کرد دو دریا را، این آبی شیرین گوارا، و این نمکینی شور و تلخ، و قرار داد بین آن دو را مانعی، و به صورت حرام است، به صورت بازداشته شده

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (54 فرقان)

و اوست آنکه آفرید از آب، انسانی را، پس قرار داد او را اصل و نسبی، و خویشاوندی سببی ای، و بود ربّ تو توانا

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا (55 فرقان)

و می پرستند از غیر خدا، آنچه را نفعی نمی رساند به آنان، و زیان نمی رساند به آنان، و بود کافر علیه ربّش، به صورت یاور

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (56 فرقان)

و نفرستادیم تو را جز بشارت دهنده و هشدار دهنده ای

(وظیفه ی پیامبر فقط بشارت دادن و بیم دادن به مردم بوده است و پیامبر حق مجبور کردن کسی را به دین، نداشته است.)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (57 فرقان)

بگو تقاضا نمی کنم از شما برای آن از پاداشی را، جز کسی که خواست، اینکه بگیرد به ربّش راهی را

(پیامبر برای انجام وظیفه ی پیامبری خود، از مردم تقاضای دستمزدی نمی کرده است و پذیرفتن یا نپذیرفتن دعوت پیامبر در زمینه ی دین از جانب مردم، به تصمیم خود فرد بستگی داشته است و پیامبر کسی را به دین مجبور نمی کرده است.)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا (58 فرقان)

و توکل کن بر زنده ای که نمی میرد، و تسبیح گوی به ستایش او، و کافی است تا او به گناهان بندگانش آگاه باشد

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا (59 فرقان)

آنکه آفرید آسمان ها و زمین را، و آنچه بین آن دو است را، در شش هنگام، سپس قصد کرد بر عرش، بخشاینده، پس تقاضا کن از او، که به صورت آگاه است

(در دو آیه ی قبل بیان شده، به خدا توکل کن و به ستایش او تسبیح بگو و اگر تقاضایی داری، از او تقاضا کن. پس چگونه است که پیروان مذهب شیعه، به جای توکل به خدا، به امامان شیعه توکل می کنند و اگر خواسته ای داشته باشند، به جای اینکه از خداوند خواسته ی خود را تقاضا کنند، از امامان شیعه تقاضا می کنند و حتی برای بیان تقاضای خود، به مقبره ی این امامان برای زیارت می روند. اینها نمونه هایی از گمراهی های برخی از مسلمانان است و نمونه هایی از دروغ هایی است که به دین بسته اند.)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا (60 فرقان)

و اگر گفته شد به آنان، سجده کنید برای بخشاینده، گفتند و چیست بخشاینده، آیا سجده کنیم برای آنچه امر می کنی به ما، و افزود آنان را بیزاری ای

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا (61 فرقان)

پر برکت است آنکه قرار داد در آسمان برج هایی را، و قرار داد در آن چراغ روشنایی ای، و ماهی نور بخش

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا (62 فرقان)

و اوست آنکه قرار داد شب و روز را دنباله رو، برای کسی که خواست، اینکه یادآوری کند یا خواست، سپاسگزاری هایی را

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (63 فرقان)

و بندگان بخشاینده، کسانی هستند که راه می روند روی زمین به صورت فروتنی، و اگر مخاطب قرار داد آنان را نادانان، گفتند درودی را

(در این آیه و در آیه های بعد، نمونه هایی از ویژگی های بندگان خدا را بیان نموده است و در این آیه بیان کرده که آنان فروتن هستند و اگر نادانی به آنها توهین کرد، به نیکویی پاسخ می دهند.)

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (64 فرقان)

و کسانی که شب نشینی می کنند برای ربّشان، به صورت سجده کنندگان، و به حالت ایستاده

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (65 فرقان)

و کسانی که می‌گویند، ربّ ما، باز گردان از ما عذاب جهنم را، همانا عذاب آن بود هلاکتی

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (66 فرقان)

همانا آن بد قرارگاه و اقامتگاهی است

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (67 فرقان)

و کسانی که اگر خرج کردند، هرگز زیاده روی نکردند، و هرگز خسیس بازی در نیاوردند، و بود بین آن سازگاری ای

(در این آیه در مورد بندگان خدا بیان شده که اگر در راه خدا خرج کردند، هرگز زیاده روی نمی کنند و هرگز خسیس بازی در نمی آورند، و بین آن میزانی مناسب را انتخاب می کنند.)

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (68 فرقان)

و کسانی که صدا نمی کنند با خدا، خدایی دیگر را، و نمی کشند کسی را که حرام کرد خدا، جز به حقیقت، و زنا نمی کنند، و کسی که انجام دهد آن را، روبرو شود با مجازاتی

(بیان شده، نمی کشند کسی را که حرام کرد خدا، جز به حقیقت. کشتن انسان ها، حرام است و تنها در مواردی که در قرآن مجاز دانسته شده است، می توان این کار را انجام داد و این موارد، همان چیزی است که در این آیه، تحت عنوان حقیقت، بیان شده است. پس چگونه است که افرادی تحت عنوان خدا و دین، خون ها می ریزند و جنایات انجام می دهند و این رفتار خود را در راه خدا و دین معرفی می کنند، و بسیاری از روی جهل و نادانی، این حرف ها را باور می کنند. گفتار آنها جز دروغ بر خدا و دین نیست و رفتار آنها جز جنایت نیست و روز قیامت به حساب جنایات آنها رسیدگی خواهد شد.)

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا (69 فرقان)

دو چندان شود برای او عذاب در روز قیامت، و جاودانه ماند در آن، به صورت مورد اهانت واقع شده

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (70 فرقان)

جز کسی که بازگشت و ایمان آورد و انجام داد کاری شایسته را، پس آنان را جایگزین می کند خدا زشتی هایشان را به نیکی ها، و بود خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا (71 فرقان)

و کسی که بازگشت و انجام داد شایسته ای را، پس همانا او باز می گردد به خدا، بازگشتی را

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (72 فرقان)

و کسانی که گواهی نمی دهند به ناحق، و اگر عبور کردند از باطل، عبور کردند به صورت ارجمندان

(بیان شده که شهادت دروغ نمی دهند و اگر به عمل یا گفتار باطلی برخورد داشته باشند، به صورت ارجمند عبور می کنند و به آن توجه نمی کنند. برخی فکر می کنند که از نظر دین، رفتار بسیار پسندیده ای دارند و همین افراد، اگر شاهد رفتار ناشایستی از سوی کسی باشند، بلافاصله به دنبال برخورد با انجام دهنده ی آن رفتار می روند و یا در پی گزارش دادن و بازگو کردن آنچه که دیده اند، بر می آید. این در حالی است که رفتار پسندیده از نظر خداوند، این است که به صورت بزرگوارانه از آن عبور کند و عکس العملی نشان ندهد.)

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (73 فرقان)

و کسانی که اگر به یاد آورده شدند آیات ربّشان را، هرگز فرو نیفتادند بر آن به صورت ناشنوایان و نابینایان

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (74 فرقان)

و کسانی که می‌گویند ربّ ما، ببخش بر ما از همسرانمان و فرزندانمان، روشنی چشمان، و قرار ده ما را برای پرهیزکاران، به صورت الگو

(معنی کلمه ی الگو به عربی، امام است، و هر کسی می تواند الگویی برای دیگران باشد.)

أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا (75 فرقان)

آنان جزا داده می شوند اتاق را، به سبب آنچه شکیبایی کردند، و روبرو می شوند در آن با درود و سلامی

خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (76 فرقان)

همیشگی ها در آن هستند، زیبا قرارگاه و اقامتگاهی است

قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (77 فرقان)

بگو اهمیت نمی دهد به شما ربّ من، اگر نبود فراخواندن شما، پس به درستی تکذیب کردید، پس به زودی باشد به صورت بایسته شدن

سوره شعراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

طسم (1 شعراء)

طا سین میم

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (2 شعراء)

آن آیات کتاب آشکار است

(قرآن به صورت آشکار و قابل فهم نازل شده است.)

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (3 شعراء)

شاید تو شرمنده کننده خودت باشی، که چرا نباشند مؤمنان

(به پیامبر بیان شده، که شاید تو در خود احساس شرمندگی داشته باشی از آن جهت که آنان ایمان نیاورده اند.)

إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (4 شعراء)

اگر بخواهیم نازل کنیم بر آنان از آسمان، آیه ای (یا نشانه ای) را، پس باقی ماند گردن هایشان برای آن، فروتنان

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (5 شعراء)

و نیامد نزد آنان از به یاد آوردنی از بخشاینده، که به صورت جدید است، جز اینکه بودند از آن روی گردان ها

(بیان شده که آیه ی جدیدی از خداوند برای آنان نازل نشد، جز اینکه آنها از آن، روی گردانی کردند.)

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (6 شعراء)

پس به درستی تکذیب کردند، پس نزدشان خواهد آمد خبرهای آنچه که آن را مسخره می کردند

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (7 شعراء)

آیا هرگز ننگریستند به زمین، که چقدر رویانیدیم در آن، از هر جفت ارجمندی را

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (8 شعراء)

همانا در آن یقیناً نشانه ای است، و نبود بیشتر آنان مؤمنان

(بیان شده که در آن نشانه ای است ولی بیشتر آنها ایمان ندارند.)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (9 شعراء)

و همانا ربّ تو، یقیناً خود، ارجمند بخشایشگر است

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (10 شعراء)

و هنگامی که صدا کرد ربّت موسی را، اینکه برو به نزد جماعت ستمکاران

قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ (11 شعراء)

جماعت فرعون، آیا نمی پرهیزند

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ (12 شعراء)

گفت ربّ، همانا من می ترسم، اینکه مرا تکذیب کنند

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ (13 شعراء)

و تنگ می شود سینه ام، و سخن نمی گوید زبانم، پس بفرست به هارون

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (14 شعراء)

و برای آنان بر من گناهی است، پس می ترسم اینکه مرا بکُشند

(موسی گفت که جماعت فرعون، مرا انجام دهنده ی گناهی می دانند (منظور همان قتلی است که موسی انجام داد و فرار کرد)، و می ترسم که به خاطر آن، مرا بکشند.)

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ (15 شعراء)

گفت هرگز چنین نیست، پس به راه افتید (=دو نفر) با آیات ما، همانا ما با شما، شنوندگان هستیم

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (16 شعراء)

پس بروید نزد فرعون، پس بگویید (=دو نفر) همانا ما فرستاده ی ربّ جهانیان هستیم

أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (17 شعراء)

اینکه بفرست با ما، فرزندان اسرائیل را

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ (18 شعراء)

گفت آیا هرگز پرورش ندادیم تو را در میانمان از نوزادی، و اقامت گزیدی در میانمان از زندگی ات، سال هایی را

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (19 شعراء)

و انجام دادی کارت را، که انجام دادی، و تو از کافران هستی

(منظور از کاری که موسی انجام داده است، همان قتلی است که او مرتکب آن شد.)

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ (20 شعراء)

گفت انجام دادم آن را بدین ترتیب، و من از گمراهان بودم

(موسی گفت که آن قتل را، من در حالی که گمراه بودم، انجام دادم.)

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ (21 شعراء)

پس گریختم از شما، وقتی که ترسیدم از شما، پس ربّم قضاوت کردنی (یا حکم صادر کردنی) را به من بخشید، و قرار داد مرا از فرستادگان

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (22 شعراء)

و آن نعمتی که ارزانی کردی آن را بر من، این است که به بردگی گرفتی فرزندان اسرائیل را

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (23 شعراء)

گفت فرعون، و چیست ربّ جهانیان

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ (24 شعراء)

گفت ربّ آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است، اگر بودید یقین کنندگان

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ (25 شعراء)

گفت به کسی که اطرافش بود، آیا نمی شنوید

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (26 شعراء)

گفت، ربّتان و ربّ پدران نخستینتان

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (27 شعراء)

گفت، همانا فرستاده ی شما، که فرستاده شد به شما، یقیناً دیوانه است

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (28 شعراء)

گفت، ربّ مشرق و مغرب و آنچه بین آن دو است، اگر درک می کردید

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ (29 شعراء)

گفت، یقیناً اگر برگزیدی خدایی غیر از من را، یقیناً قرار می دهم تو را از زندانیان

(فرعون به موسی گفت که اگر خدایی غیر از من را برای خود انتخاب کرده ای، یقیناً تو را زندانی خواهم کرد.)

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ (30 شعراء)

گفت، آیا اگر آوردم نزد تو، چیزی آشکار را

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (31 شعراء)

گفت پس بیاور آن را، اگر بودی از راستگویان

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ (32 شعراء)

پس انداخت چوبدستی اش را، پس ناگهان آن، ماری آشکار شد

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ (33 شعراء)

و در آورد دستش را، پس ناگهان آن سفید بود برای بینندگان

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (34 شعراء)

گفت به بزرگان قوم در اطرافش، همانا این یقیناً جادوگری داناست

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (35 شعراء)

می خواهد اینکه شما را بیرون کند از سرزمینتان با جادویش، پس چه چیزی امر می کنید

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (36 شعراء)

گفتند مهلت ده به او و برادرش، و بفرست در شهرها، گرد هم آورندگان را

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ (37 شعراء)

بیاورند نزد تو، همه ی جادوگران دانا را

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (38 شعراء)

پس گرد آوری کرده شد جادوگران، برای قرار روزی شناخته شده

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ (39 شعراء)

و گفته شد به مردم، آیا شما اجتماع کنندگان هستید

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (40 شعراء)

شاید ما پیروی کنیم جادوگران را، اگر بودند آنان غلبه کنندگان

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (41 شعراء)

پس وقتی که آمد جادوگران، گفتند به فرعون، آیا همانا برای ما است یقیناً پاداشی، اگر بودیم ما غلبه کنندگان

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (42 شعراء)

گفت بله، و همانا شما بدین ترتیب، یقیناً از نزدیک شده ها هستید

قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ (43 شعراء)

گفت به آنان موسی، بیندازید آنچه را که شما اندازنده ها هستید

فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ (44 شعراء)

پس انداختند طناب هایشان را، و عصاهایشان را، و گفتند به گرانمایگی فرعون، که همانا ما یقیناً خود غلبه کنندگان هستیم

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (45 شعراء)

پس انداخت موسی عصایش را، پس ناگهان آن بلعید آنچه را دروغ می بافند

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (46 شعراء)

پس افتاده شدند جادوگران، سجده کنندگان

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (47 شعراء)

گفتند ایمان آوردیم به ربّ جهانیان

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ (48 شعراء)

ربّ موسی و هارون

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (49 شعراء)

گفت ایمان آوردید به او، قبل از اینکه با خبر ساخت برای شما، همانا او یقیناً بزرگ شما است، آنکه به شما تعلیم داد جادوگری را، پس یقیناً به زودی می دانید، یقیناً تکه تکه می کنم دست هایتان و پاهایتان را از عکس هم، و یقیناً به صلیب می کشانم شما را، همگی

(فرعون به جادوگران گفت که آیا قبل از اینکه برای شما ایمان به خدا را دعوت کند، به او ایمان آوردید، این نشان دهنده ی این است که همانا او بزرگ شما است و اوست که به شما جادوگری را آموخته است، پس یقیناً قطع خواهم کرد دست ها و پاهای شما را به صورت عکس هم، و شما را به صلیب خواهم کشاند.)

قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (50 شعراء)

گفتند، نیست ضرر، همانا ما به ربّمان بازگردنده ها هستیم

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (51 شعراء)

همانا ما طمع می ورزیم به اینکه بیامرزد برای ما ربّمان، گناهانمان را، اینکه بودیم نخست مؤمنان

(جادوگران گفتند، ما امیدواریم که خداوند گناهانمان را بیامرزد، به این دلیل که ما نخستین ایمان آورندگان بودیم.)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ (52 شعراء)

و وحی کردیم به موسی، اینکه شبانه حرکت ده بندگانم را، همانا شما تعقیب شوندگان هستید

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (53 شعراء)

پس فرستاد فرعون در شهرها، گرد هم آورندگان را

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ (54 شعراء)

همانا اینان، یقیناً جمعیت کوچک نه چندان زیادها هستند

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ (55 شعراء)

و همانا آنان برای ما، یقیناً خشمگین کنندگان هستند

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ (56 شعراء)

و همانا ما یقیناً همگی، آماده ها هستیم

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (57 شعراء)

پس خارج کردیم آنان را از باغ ها و چشمه ها

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (58 شعراء)

و گنج ها، و محل اقامتی ارجمند

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (59 شعراء)

اینچنین است، و میراث قرار دادیم آن را برای فرزندان اسرائیل

فَأَتْبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ (60 شعراء)

پس دنبال کردند آنان را، هنگام طلوع خورشید

فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ (61 شعراء)

پس وقتی که دیدند دو جمعیت، یکدیگر را، گفت همنشینان موسی، اینکه همانا ما یقیناً گرفتار شدگان هستیم

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (62 شعراء)

گفت هرگز چنین نیست، همانا با من، ربّم است، که مرا هدایت خواهد کرد

فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ (63 شعراء)

پس وحی کردیم به موسی، اینکه بزن با عصایت به دریا، پس شکافت، پس بود هر بخشی مانند کوه بزرگ

وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخَرِينَ (64 شعراء)

و نزدیک کردیم به آنجا، دیگران را

وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ (65 شعراء)

و نجات دادیم موسی و کسی که با او بود، همگی را

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ (66 شعراء)

سپس غرق کردیم دیگران را

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (67 شعراء)

همانا در آن یقیناً نشانه ای است، و نبود بیشترشان مؤمنان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (68 شعراء)

و همانا ربّ تو، یقیناً خود، ارجمند بخشایشگر است

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ (69 شعراء)

و بخوان بر آنان، خبر ابراهیم را

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (70 شعراء)

هنگامی که گفت به پدرش و قومش، چه می پرستید

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ (71 شعراء)

گفتند می پرستیم بت هایی را، پس دائماً هستیم برای آن، مقیمان

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ (72 شعراء)

گفت، آیا می شنوند شما را، هنگامی که صدا می کنید

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ (73 شعراء)

یا سود می رسانند به شما، یا زیان می رسانند

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ (74 شعراء)

گفتند بلکه یافتیم پدرانمان را، که اینچنین انجام می دهند

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (75 شعراء)

گفت، آیا پس دیدید آنچه را می پرستیدید

أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ (76 شعراء)

شما و پدران پیشینیانتان

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ (77 شعراء)

پس همانا آنان، دشمنی برای من هستند، جز ربّ جهانیان

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ (78 شعراء)

آنکه آفرید مرا، پس او هدایت می کند مرا

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (79 شعراء)

و آنکه خود، طعام می دهد مرا، و سیراب می کند مرا

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (80 شعراء)

و اگر بیمار شدم، پس او تندرستی می دهد مرا

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (81 شعراء)

و آنکه می میراند مرا، سپس زنده می کند مرا

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (82 شعراء)

و آنکه طمع دارم به اینکه بیامرزد برای من گناهم را، روز جزا

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (83 شعراء)

ربّ، ببخش بر من قضاوت کردنی (یا حکم صادر کردنی) را، و ملحق کن مرا به شایسته ها

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ (84 شعراء)

و قرار بده برای من، آوازه ی نیکویی را، در واپسین ها

وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ (85 شعراء)

و قرار بده مرا، از وارثان بهشت ناز و نعمت

وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ (86 شعراء)

و بیامرز برای پدرم، همانا او بود از گمراهان

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ (87 شعراء)

و خوار نکن مرا، روزی که برانگیخته می شوند

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (88 شعراء)

روزی که سود نمی دهد دارایی ای، و نه فرزندان

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (89 شعراء)

جز کسی که آورد نزد خدا، دلی سالم را

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ (90 شعراء)

و نزدیک کرده شد باغ، برای پرهیزکاران

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ (91 شعراء)

و آشکار شد آتش بسیار گرم و سوزان، برای گمراهان

وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (92 شعراء)

و گفته شد به آنان، کجاست آنچه که می پرستیدید

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ (93 شعراء)

از غیر خدا، آیا یاری می کنند شما را، یا غالب می شوند

فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ (94 شعراء)

پس واژگون کرده شدند در آن، آنان و گمراهان

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ (95 شعراء)

و لشکریان ابلیس، همگی

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ (96 شعراء)

گفتند، و آنان در آن با هم، ستیز می کنند

تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (97 شعراء)

به خدا سوگند، همانا بودیم یقیناً، در گمراهی آشکاری

إِذْ نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (98 شعراء)

هنگامی که برابر کردیم شما را، با ربّ جهانیان

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ (99 شعراء)

و گمراه نکرد ما را، جز بدکاران

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ (100 شعراء)

پس نیست برای ما، از شفاعت کنندگان

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (101 شعراء)

و نه دوستِ راستینِ صمیمی ای

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (102 شعراء)

پس اگر همانا برای ما بازگشتی بود، پس باشیم از مؤمنان

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (103 شعراء)

همانا در آن یقیناً نشانه ای است، و نبود بیشتر آنان مؤمنان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (104 شعراء)

و همانا ربّ تو، یقیناً خود ارجمند بخشاینده است

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ (105 شعراء)

تکذیب کرد قوم نوح، فرستادگان را

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (106 شعراء)

هنگامی که گفت به آنان، برادرشان نوح، آیا حذر نمی کنید

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (107 شعراء)

همانا من برای شما، فرستاده ای قابل اعتمادم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (108 شعراء)

پس حذر کنید از خدا، و اطاعتم کنید

(منظور نوح از بیان اطاعتم کنید این بوده است که ایمان بیاورید.)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (109 شعراء)

و تقاضا نمی کنم از شما برای آن از پاداشی را، نیست پاداش من جز بر ربّ جهانیان

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (110 شعراء)

پس حذر کنید از خدا، و اطاعتم کنید

قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ (111 شعراء)

گفتند، آیا ایمان بیاوریم به تو، و پیروی کرد از تو، فرومایگان

قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (112 شعراء)

گفت، و نیست دانش من به آنچه می‌کردند

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ (113 شعراء)

نیست حسابشان جز بر ربّم، اگر درک می کنید

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ (114 شعراء)

و نیستم من، دور کننده ی مؤمنان

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ (115 شعراء)

نیستم من، جز هشداردهنده‌ای آشکار

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ (116 شعراء)

گفتند، یقیناً اگر هرگز دست بر نداشتی، ای نوح، یقیناً می شوی از سنگسار شدگان

(در این آیه بیان شده که قوم نوح، نوح را تهدید کردند که اگر دست بر ندارد، کشته خواهد شد.)

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ (117 شعراء)

گفت ربّ، همانا قوم من تکذیب کردند مرا

فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (118 شعراء)

پس باز کن میان من و میان آنان را گشودنی، و نجات ده من را، و کسی که با من است از مؤمنان

فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (119 شعراء)

پس نجات دادیم او و کسی که با او در کشتی حمل شده بود

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ (120 شعراء)

سپس غرق کردیم پس از این، باقی ماندگان را

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (121 شعراء)

همانا در آن یقیناً نشانه ای است، و نبود بیشتر آنان مؤمنان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (122 شعراء)

و همانا ربّ تو، یقیناً خود، ارجمند بخشایشگر است

كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ (123 شعراء)

تکذیب کرد عاد، فرستادگان را

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ (124 شعراء)

هنگامی که گفت به آنان برادرشان هود، آیا حذر نمی کنید

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (125 شعراء)

همانا من برای شما، فرستاده ای قابل اعتماد هستم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (126 شعراء)

پس پروا کنید از خدا، و اطاعت کنید مرا

(اطاعت کنید مرا، به این معنا است که دعوت مرا بپذیرید.)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ (127 شعراء)

و درخواست نمی کنم از شما برای آن، از پاداشی را، نیست پاداش من، جز بر ربّ جهانیان

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ (128 شعراء)

آیا می سازید بر هر مکان بلندی، هیکلی را، کاری بیهوده انجام می دهید

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (129 شعراء)

و برمی گزینید دژهایی را، شاید شما همیشگی می شوید

(بیان شده که قلعه هایی برای خود می سازید و به خیال خود، در آن برای همیشه ماندگار خواهید بود.)

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ (130 شعراء)

و اگر با خشونت حمله‌ور شدید، با خشونت حمله ور شدید به صورت چیره ها

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (131 شعراء)

پس حذر کنید از خدا، و مرا اطاعت کنید

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ (132 شعراء)

و حذر کنید از آنکه یاری کرد شما را، با آنچه می دانید

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ (133 شعراء)

یاری کرد شما را با دام و فرزندان

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (134 شعراء)

و باغ ها و چشمه هایی

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (135 شعراء)

همانا من می ترسم برای شما، از عذاب روزی بزرگ

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ (136 شعراء)

گفتند، یکسان است برای ما، چه پند دادی، یا هرگز نبودی از پند دهندگان

إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ (137 شعراء)

نیست این جز عادت اولین ها

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (138 شعراء)

و نیستیم ما از عذاب شدگان

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (139 شعراء)

پس تکذیب کردند او را، پس هلاکشان کردیم، همانا در آن یقیناً نشانه ای است، و نبودند بیشترشان مؤمنان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (140 شعراء)

و همانا ربّ تو یقیناً خود، ارجمند بخشایشگر است

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ (141 شعراء)

تکذیب کرد ثمود، فرستادگان را

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (142 شعراء)

هنگامی که گفت به آنان، برادرشان صالح، آیا حذر نمی کنید

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (143 شعراء)

همانا من برای شما، فرستاده ای قابل اعتماد هستم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (144 شعراء)

پس حذر کنید از خدا، و اطاعت کنید مرا

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (145 شعراء)

و درخواست نمی کنم از شما، برای آن از پاداشی را، نیست پاداش من جز بر ربّ جهانیان

أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ (146 شعراء)

آیا رها کرده می شوید در آنچه اینجا است، ایمن ها

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (147 شعراء)

در باغ ها و چشمه هایی

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (148 شعراء)

و زراعت ها و درخت خرمایی، که شکوفه اش لطیف است

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ (149 شعراء)

و می تراشید از کوهها، خانه‌هایی را، چابُکان

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (150 شعراء)

پس حذر کنید از خدا، و مرا اطاعت کنید

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ (151 شعراء)

و اطاعت نکنید فرمان زیاده روها را

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (152 شعراء)

کسانی که تباه می کنند در زمین، و اصلاح نمی‌کنند

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (153 شعراء)

گفتند همانا تو از جادو شدگانی

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (154 شعراء)

نیستی تو جز انسانی مثل ما، پس بیاور نشانه ای را، اگر بودی از راست گویان

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (155 شعراء)

گفت این ماده شتری است، که برای او است بهره و نصیبی از آب، و برای شما است بهره و نصیب از آب، در روزی دانسته شده

وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ (156 شعراء)

و به آن نرسانید بدی ای را، پس می گیرد شما را، عذابِ روزی بزرگ

فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ (157 شعراء)

پس سر بریدند آن را، پس گشتند پشیمانان

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (158 شعراء)

پس گرفت آنان را عذاب، همانا در آن یقیناً نشانه ای است، و نبود بیشترشان مؤمنان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (159 شعراء)

و همانا ربّ تو یقیناً خود، ارجمند بخشایشگر است

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ (160 شعراء)

تکذیب کرد قوم لوط، فرستادگان را

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ (161 شعراء)

هنگامی که گفت به آنان، برادرشان لوط، آیا حذر نمی کنید

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (162 شعراء)

همانا من برای شما فرستاده ای قابل اعتمادم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (163 شعراء)

پس حذر کنید از خدا، و مرا اطاعت کنید

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ (164 شعراء)

و درخواست نمی کنم از شما برای آن از پاداشی را، نیست پاداش من جز بر ربّ جهانیان

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ (165 شعراء)

آیا انجام می دهید با مردان، از جهانیان

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (166 شعراء)

و رها می کنید آنچه را آفرید برای شما ربّتان، از همسرانتان، بلکه شما جماعتی دشمنی کنندگان هستید

(لوط به قوم خود گفت، آیا با مردان آمیزش جنسی انجام می دهید و آنچه را خداوند برای شما از همسرانتان آفرید، رها می کنید.)

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ (167 شعراء)

گفتند، یقیناً اگر هرگز دست بر نداشتی، ای لوط، یقیناً می شوی از اخراج شدگان

(قوم لوط، لوط را تهدید کردند که اگر دست برندارد، از شهر بیرونش خواهند کرد.)

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ (168 شعراء)

گفت، همانا من برای عمل شما، از کینه توزان هستم

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ (169 شعراء)

ربّ نجات بده مرا، و خانواده ی مرا، از آنچه انجام می‌دهند

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (170 شعراء)

پس نجات دادیم او و خانواده اش را، همگی

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (171 شعراء)

جز پیرزنی، همراه باقی‌ماندگان

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ (172 شعراء)

سپس از میان بردیم، دیگران را

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ (173 شعراء)

و باراندیم بر آنان بارانی را، پس زشت و ناپسند شد باران بیم داده شدگان

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (174 شعراء)

همانا در آن یقیناً نشانه ای است، و نبود بیشتر آنان مؤمنان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (175 شعراء)

و همانا ربّ تو یقیناً خود، ارجمند بخشایشگر است

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ (176 شعراء)

تکذیب کرد همنشینان بیشه، فرستادگان را

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ (177 شعراء)

هنگامی که گفت به آنان شعیب، آیا حذر نمی کنید

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (178 شعراء)

همانا من برای شما، فرستاده ای قابل اعتماد هستم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (179 شعراء)

پس حذر کنید از خدا، و از من فرمانبرداری کنید

(از من فرمانبرداری کنید، به این معنی است که دعوت مرا بپذیرید.)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (180 شعراء)

و درخواست نمی کنم از شما برای آن، از پاداشی را، نیست پاداش من، جز بر ربّ جهانیان

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ (181 شعراء)

کامل کنید پیمانه را، و نباشید از کم فروشان

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (182 شعراء)

وزن کنید با ترازوی راست (یا درست)

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (183 شعراء)

و کم نکنید از مردم چیزهایشان را، و خراب نکنید در زمین، تباه کنندگان

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِينَ (184 شعراء)

و حذر کنید از آنکه آفرید شما را، و سرشتِ نخست ها را

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (185 شعراء)

گفتند، همانا تو از جادو شدگانی

وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (186 شعراء)

و نیستی تو جز انسانی مثل ما، و همانا گمان می بریم که تو یقیناً از دروغگویان هستی

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (187 شعراء)

پس بینداز بر ما، قطعه هایی از آسمان را، اگر بودی از راستگویان

قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (188 شعراء)

گفت، ربّ من داناتر است به آنچه انجام می دهید

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (189 شعراء)

پس تکذیب کردند او را، پس گرفت آنان را عذاب روز سایبان، همانا آن بود عذاب روزی بزرگ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (190 شعراء)

همانا در آن یقیناً نشانه ای است، و نبود بیشترشان، مؤمنان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (191 شعراء)

و همانا ربّ تو، یقیناً خود، ارجمند بخشایشگر است

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (192 شعراء)

و همانا آن یقیناً وحی کردن ربّ جهانیان است

(قرآن از جانب خداوند، وحی شده است.)

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (193 شعراء)

نازل کرد آن را، روحِ قابل اعتماد

عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ (194 شعراء)

بر دلت، تا باشی از هشدار دهندگان

(قرآن، به وسیله ی روح قابل اعتماد، از جانب خداوند بر دل پیامبر، نازل شده است.)

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (195 شعراء)

به زبان منسوب به عرب آشکاری

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ (196 شعراء)

و همانا آن یقیناً در کتاب های نخست ها است

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (197 شعراء)

آیا هرگز نبود برای آنان نشانه ای، اینکه می شناسد آن را، دانشمندان فرزندان اسرائیل

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ (198 شعراء)

و اگر نازل می کردیم آن را، بر بعضی از غیر عرب ها

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ (199 شعراء)

پس خواند آن را بر آنها، نبودند به آن مؤمنان

(بیان شده که اگر قرآن که به زبان عربی است بر غیر عرب زبان ها نازل می شد و برای آنها خوانده می شد، به آن ایمان نمی آوردند زیرا آن را نمی فهمیدند.)

كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (200 شعراء)

اینچنین وارد کردیم آن را، در دل های بدکاران

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (201 شعراء)

ایمان نمی آورند به آن، تا ببینند عذاب دردناک را

فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (202 شعراء)

پس می آید نزد آنان، به صورت غافلگیری، و آنان حس نمی کنند

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ (203 شعراء)

پس می گویند آیا ما مهلت داده شدگانیم

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (204 شعراء)

آیا پس عذابِ ما را به عجله می اندازند

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ (205 شعراء)

آیا پس دیدی، اگر بهره مندشان کردیم سال ها

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ (206 شعراء)

سپس آمد نزد آنان، آنچه که وعده داده می شدند

مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ (207 شعراء)

بی نیاز نکرد از آنان، آنچه که بهره مند کرده می شدند

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ (208 شعراء)

و هلاک نکردیم از آبادی ای را، جز اینکه برای آن هشدار دهندگان است

ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ (209 شعراء)

یادآوری، و نبودیم ستمکاران

وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ (210 شعراء)

و نازل نکرد آن را شیطان ها

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ (211 شعراء)

و پسندیده نیست برای آنان، و قادر به انجام نمی باشند

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ (212 شعراء)

همانا آنان از شنیدن، یقیناً عزل شدگان هستند

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ (213 شعراء)

پس صدا نکن با خدا، خدایی دیگر را، پس باشی از عذاب شدگان

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (214 شعراء)

و هشدار ده، قبیله ی نزدیکانت را

وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (215 شعراء)

و فروتنی داشته باش، برای کسی که پیروی کرد تو را، از مؤمنان

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ (216 شعراء)

پس اگر نافرمانی کردند از تو، پس بگو همانا من رها هستم از آنچه انجام می دهید

(به پیامبر بیان شده که اگر کافران ایمان نیاوردند، به کافران بگو که من از آنچه انجام می دهید، رها هستم.)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (217 شعراء)

و توکل کن، بر ارجمند بخشایشگر

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ (218 شعراء)

آنکه می بیند تو را، هنگامی که می ایستی

وَتَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ (219 شعراء)

و گردش تو را، همراه سجده کنندگان

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (220 شعراء)

همانا او خود، شنوای داناست

هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ (221 شعراء)

آیا با خبر کنم شما را بر کسی، که نازل می شود شیطان ها

تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (222 شعراء)

نازل می شود بر هر دروغگوی گناهکاری

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ (223 شعراء)

گوش می سپارند، و بیشترشان دروغگویانند

(منظور از دروغگو در این آیات، دروغگویی در حالت عادی نیست بلکه در مورد اتفاقی است که در آن زمان روی داده است و در مورد کافران بوده است.)

وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (224 شعراء)

و شاعران را، پیروی می کند از آنان، گمراهان

(منظور از شاعران، که در این آیه بیان شده است، هر شاعری نیست و مربوط به اتفاقی بوده که در آن زمان روی داده و در مورد کافران بوده است و شاعرانی در آن نقش داشته اند.)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ (225 شعراء)

آيا هرگز ندیدی، همانا آنان در هر طریقتی، بی هدف گشت می زنند

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (226 شعراء)

و همانا آنان می گویند آنچه را، انجام نمی دهند

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (227 شعراء)

جز کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، و به یاد آوردند خدا را بسیاری، و دست ستمگر را کوتاه کردند از پس از آنچه مورد ستم واقع شدند، و خواهد دانست کسانی که ستم کردند، به کدام محل برگشتی، باز می گردند

سوره نمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ (1 نمل)

طا سین، آن آیات قرآن و کتابی آشکار است

(قرآن به صورت آشکار و قابل فهم نازل شده است.)

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (2 نمل)

هدایتی و مژده برای مؤمنان است

(قرآن کتابی هدایت کننده برای مؤمنان است، یعنی مسلمانان با خواندن قرآن، می توانند هدایت را از گمراهی تشخیص دهند و به دین حقیقی پی ببرند.)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (3 نمل)

کسانی که بر پا می دارند نماز را و می دهند زکات را، و آنان به آخرت، خود یقین می کنند

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (4 نمل)

همانا کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، آراستیم برای آنان کارهایشان را، پس آنان سرگشته می شوند

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (5 نمل)

آنان کسانی هستند که برایشان، عذاب بدی است، و آنان در آخرت، خود زیانکارترین ها هستند

وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (6 نمل)

و همانا تو، یقیناً ابلاغ کرده می شوی قرآن را، از نزد صاحب حکمتی دانا

(بیان شده که قرآن، از نزد صاحب حکمتی دانا، به پیامبر ابلاغ می شود.)

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (7 نمل)

هنگامی که گفت موسی به خانواده اش، همانا من حس کردم آتشی را، خواهم آورد برای شما از آن، خبری را، یا می آورم نزد شما، شعله آتشی را، شاید شما با آتش گرم شوید

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (8 نمل)

پس وقتی که آمد نزد آن، صدا کرده شد، اینکه مبارک باد کسی که در آتش است، و کسی که پیرامون آن است، و پاک و منزه است خدا، ربّ جهانیان

يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (9 نمل)

ای موسی، همانا آن، من هستم، خدای ارجمند صاحب حکمت

وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ (10 نمل)

و بینداز عصایت را، پس وقتی که دید آن را تکان می خورَد، مانند اینکه همانا آن ماری است، پشت کنان گریخت و هرگز باز پس نگردید، ای موسی نترس، به یقین نمی ترسد نزد من، فرستادگان

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (11 نمل)

جز کسی که ستم کرد، سپس جایگزین کرد نیکی ای را پس از بدی، پس همانا من بسیار آمرزنده بخشایشگر هستم

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (12 نمل)

و داخل کن دستت را در گریبانت، خارج شود سفید بدون بدی ای، از نُه نشانه ای است به فرعون و جماعتش، همانا آنان بودند جماعتی از راه حق دور شوندگان

(این دو مورد، از نُه مورد نشانه ای است که برای فرعون و جماعتش، قرار داده شده است.)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (13 نمل)

پس وقتی که آمد نزد آنان، نشانه های روشنگر ما، گفتند این جادویی آشکار است

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (14 نمل)

و انکار کردند آن را، و یقین یافت به آن، جان هایشان، ستمی و متکبر شدنی، پس بنگر چگونه بود پایان کار تباه کنندگان

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (15 نمل)

و يقيناً به درستی دادیم به داوود و سلیمان، دانشی را، و گفتند ستایش برای خداست، آنکه صاحب فضل دانست ما را، بر بسیاری از بندگان مؤمنش

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (16 نمل)

و ارث بُرد سلیمان از داوود، و گفت ای مردم، یاد داده شدیم گفتار پرندگان را، و به ما داده شد از هر چیزی، همانا این یقیناً خود، مزیت آشکار است

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (17 نمل)

و گرد آورده شد برای سلیمان، لشکریانش از جن و انسان و پرندگان، پس آنان به صف آراسته می شوند

حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (18 نمل)

تا ناگهان آمدند به درّه مورچه، گفت مورچه ای، ای مورچه، وارد شوید به خانه هایتان، تا نشکند شما را، سلیمان و لشکریانش، و آنان احساس نمی کنند

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (19 نمل)

پس لبخند زد، به صورتِ خنده کننده، از گفتار او، و گفت، ربّ، برانگیز مرا، که شکر کنم نعمتت را، که نعمت عطا کردی به من، و بر پدر و مادرم، و اینکه انجام دهم شایسته ای را، که راضی می شوی از آن، و وارد کن مرا به مهربانی ات، همراه بندگان شایسته ات

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (20 نمل)

و جستجو کرد پرندگان را، پس گفت، مرا چه شده است که نمی بینم هدهد را، یا بود از غایبان

لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (21 نمل)

یقیناً عذابش می کنم به عذابی نیرومند، یا یقیناً سر می برم او را، یا باید برایم بیاورد دلیلی آشکار را

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ (22 نمل)

پس دیری نپایید، پس گفت، احاطه یافتم به آنچه هرگز احاطه نیافتی به آن، و آوردم برای تو از سبأ، خبری یقینی را

(زیاد طول نکشید که هدهد آمد و گفت، از چیزی با خبر شدم که هرگز از آن با خبر نشدی و برای تو از سرزمین سبأ خبری درست آورده ام.)

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (23 نمل)

همانا من یافتم زنی را، که سلطنت می کند بر آنان، و داده شده از هر چیزی، و برای اوست تخت شاهی بزرگی

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (24 نمل)

یافتم او و قومش را، که سجده می کنند برای خورشید، از غیر از خدا، و آراست برای آنان شیطان، کارهایشان را، پس بازداشت آنان را از راه، پس آنان هدایت نمی شوند

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (25 نمل)

اینکه سجده نکنند برای خدا، آنکه خارج می کند مخفی را، در آسمان ها و زمین، و می داند آنچه را پنهان می کنید، و آنچه را آشکار می سازید

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (26 نمل)

خداست، نیست خدایی جز او، ربّ عرش بزرگ

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (27 نمل)

گفت خواهیم دید، آیا راستگو بودی، یا بودی از دروغگویان

اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (28 نمل)

برو با این نامه ی من، پس بینداز آن را به آنان، سپس روی گردان از آنان، پس بنگر به چه چیز باز می گردند

(سلیمان به هدهد گفت، این نامه را نزد آنها ببر و نزد آنان بینداز، و از آنها رویگردان شو، و مخفیانه ببین که چه عکس العملی نشان می دهند.)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ (29 نمل)

گفت ای بزرگان، به یقین رسانده شد به من نامه ای ارجمند

(ملکه ی سبأ به بزرگان گفت، به یقین نامه ای ارجمند به من رسانده شد.)

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (30 نمل)

همانا آن از سلیمان است، و همانا آن به نام خداوند بخشاینده ی بخشایشگر است

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (31 نمل)

که تکبر نکنید برای من، و بیایید نزد من، تسلیم کنندگان

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ (32 نمل)

گفت ای بزرگان، فتوا (یا نظر) بدهید به من در کارم، نبودم به صورت قطعی در کاری، تا آنکه حاضر باشید نزد من

(ملکه به بزرگان گفت که نظر خود را در این مورد به من بدهید، و من در هیچ کاری بدون مشورت با شما، تصمیم قطعی نگرفتم.)

قَالُوا نَحْنُ أُولُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ (33 نمل)

گفتند ما دارندگان قدرتی، و دارندگان عذابی نیرومند هستیم، و دستور به تو است، پس ببین به چه چیز فرمان می دهی

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ (34 نمل)

گفت همانا پادشاهان، اگر داخل شدند به آبادی ای، تباه کردند آن را، و قرار دادند ارجمندان ساکنین آن را، خوارها، و اینچنین می کنند

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (35 نمل)

و همانا من فرستنده به آنان هستم با هدیه ای، پس نظاره گر هستم به اینکه با چه بر می گردد فرستاده شدگان

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (36 نمل)

پس وقتی که آمد نزد سلیمان، گفت، آیا مرا یاری می کنید با دارایی ای، پس آنچه را داد به من خدا، بهتر است از آنچه داد به شما، بلکه شما به هدیه تان شادمان می شوید

(سلیمان به فرستادگانِ ملکه گفت، آیا می خواهید به من با دارایی هایی یاری برسانید، و آنچه را خداوند به من داد، بهتر از چیزی است که به شما داده است.)

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ (37 نمل)

بازگرد به آنان، پس یقیناً می آوریم برای آنان لشکریانی را، که نیست نیرویی برای آنان، بر آن، و یقیناً بیرون می کنیم آنان را از آن، به صورت خوارها، و آنان تحقیر شده ها هستند

(سلیمان به فرستادگان گفت، بازگردید به سرزمینتان، یقیناً لشکریانی برای آنان می فرستیم که قدرتی برای ایستادگی در مقابل آن نداشته باشند، و یقیناً آنان را از سبأ، به صورت خوار شده ها بیرون خواهیم کرد.)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (38 نمل)

گفت ای بزرگان، کدام یک از شما برای من می آورد تخت شاهی او را، قبل از اینکه نزد من بیایند تسلیم کنندگان

(سلیمان به بزرگان گفت، کدام یک از شما می تواند برای من تخت پادشاهی ملکه ی سبأ را بیاورد، قبل از اینکه آنان به صورت تسلیم کنندگان، نزد من بیایند.)

قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (39 نمل)

گفت، عفریتی از جن، من می آورم نزد تو آن را، قبل از اینکه بایستی از محل اقامتت، و همانا من بر آن یقیناً نیرومندی قابل اعتمادم

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (40 نمل)

گفت، آنکه نزد او بود دانشی از کتاب، که من می آورم نزد تو آن را، قبل از اینکه بازگردد به تو نگاه کردنت (=یعنی وقتی که به چیزی نگاه می کنی تا لحظه ای که بفهمی آن چیست)، پس وقتی که دید آن را به صورت ساکن نزدش، گفت این از مزیت ربّ من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزاری می کنم یا ناسپاسی می کنم، و کسی که سپاسگزاری کرد، پس همانا سپاسگزاری می کند برای خودش، و کسی که ناسپاسی کرد، پس همانا ربّ من، توانگری ارجمند است

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (41 نمل)

گفت پنهان کنید برای او، تخت پادشاهی اش را، تا ببینیم آیا هدایت می شود، یا اینکه باشد از کسانی که هدایت نمی شوند

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ (42 نمل)

پس وقتی که آمد، گفته شد، آیا بدین گونه است تخت پادشاهی تو، گفت مثل اینکه آن خودش است، و به ما داده شد دانش از قبل از آن، و بودیم تسلیم کنندگان

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ (43 نمل)

و بازداشت او را آنچه که می پرستید از غیر خدا، همانا او بود از جماعت کافران

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (44 نمل)

گفته شد به او، وارد شو به کاخ، پس وقتی که دید آن را، پنداشت آن را آبی عمیق، و پوشش برداشت از ساق های پایش، گفت همانا آن کاخی صاف شده از شیشه ها است، گفت ربّ، همانا من ستم کردم به خودم، و تسلیم شدم با سلیمان، برای خدا ربّ جهانیان

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (45 نمل)

و یقیناً به درستی، فرستادیم به ثمود، برادرشان صالح را، اینکه بپرستید خدا را، پس ناگهان آنان دو گروه شدند، که با هم دشمنی می کنند

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (46 نمل)

گفت ای قوم من، برای چه به عجله وا می دارید بدی را قبل از نیکی، چرا طلب عفو نمی کنید از خدا، شاید شما مورد ترحم واقع شوید

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (47 نمل)

گفتند، بد یُمن دانستیم تو و کسی که با تو است را، گفت سبب نیکبختی و بدبختی شما نزد خداست، بلکه شما جماعتی هستید که امتحان می شوید

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (48 نمل)

و بود در شهر، نُه قبیله ای که تباه می کنند در زمین، و اصلاح نمی کردند

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (49 نمل)

گفتند، سوگند دهید به خدا، که یقیناً شبیخون می زنیم به او و خانواده اش، سپس یقیناً می گوییم به عهده دار کارش، حاضر نبودیم در محل هلاکت خانواده اش، و همانا ما یقیناً راستگویانیم

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (50 نمل)

و نیرنگ زدند نیرنگی را، و نیرنگ زدیم نیرنگی را، و آنان درک نمی کنند

فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (51 نمل)

پس بنگر چگونه بود پایان کار نیرنگشان، همانا ما ویران کردیم آنان را، و جماعتشان را، همگی

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (52 نمل)

پس آن است خانه های آنها، که خالی است، به سبب آنچه ظلم کردند، همانا در آن یقیناً نشانه ای است برای جماعتی که می دانند

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (53 نمل)

و نجات دادیم کسانی را که ایمان آوردند، و حذر می کردند

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (54 نمل)

و لوط را، هنگامی که گفت به قومش، آیا انجام می دهید گناه بسیار زشت را، و شما می بینید

(منظور از گناه بسیار زشت در مورد قوم لوط، آمیزش جنسی مرد با مرد است.)

أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (55 نمل)

آیا همانا شما، یقیناً انجام می دهید با مردان شهوت (=جنبش نفس در طلب لذت) را از غیر زنان، بلکه شما جماعتی هستید که نادانی می کنید

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (56 نمل)

پس نبود پاسخ قومش، جز اینکه گفتند بیرون کنید خاندان لوط را از شهرتان، همانا آنها مردمی هستند که پاک می شوند

(قوم لوط علاوه بر اینکه کافر بودند، تصمیم گرفتند که خاندان لوط را از شهر خود بیرون کنند و خداوند او و خانواده اش را جز زنش، نجات داد و عذاب بر قوم لوط نازل کرد.)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ (57 نمل)

پس نجات دادیم او و خانواده اش را، جز زنش، که مقدر کردیم او را از باقی ماندگان

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ (58 نمل)

و باران باراندیم بر آنها، بارانی را، پس زشت و ناپسند شد بارانِ بیم داده شدگان

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ (59 نمل)

بگو ستایش برای خداست، و درودی بر بندگانش، کسانی که برگزید، آیا خدا بهتر است، یا آنچه را شریك قائل می شوند

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ (60 نمل)

یا کسی که آفرید آسمان ها و زمین را، و نازل کرد برای شما از آسمان، آبی را، پس رویاندیم با آن، باغ های دارای طراوت را، نبود برای شما اینکه برویانید درختش را، آیا خدایی با خداست، بلکه آنان جماعتی هستند که همتراز می کنند

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (61 نمل)

یا کسی که قرار داد زمین را مایه ی آرامشی، و قرار داد در بین آن رودهایی را، و قرار داد برای آن، کوه های استوار را، و قرار داد بین دو دریا حایلی را، آیا خدایی با خدا است، بلکه بیشتر آنان نمی دانند

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (62 نمل)

یا کسی که پاسخ می دهد ناچار را، اگر صدا کرد او را، و بر طرف می کند بدی را، و قرار می دهد شما را جانشینان زمین، آیا خدایی با خدا است، اندکی هستید که یادآوری می کنید

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (63 نمل)

یا کسی که هدایت می کند شما را، در تاریکی های خشکی و دریا، و کسی که می فرستد بادها را، مژده ای در برابر مهربانی اش، آیا خدایی با خدا است، دور است خدا، از آنچه شریک قائل می شوند

أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (64 نمل)

آیا کسی که شروع می کند آفریدن را، سپس باز می گرداند آن را، و کسی که روزی می دهد به شما از آسمان و زمین، آیا خدایی با خدا است، بگو بدهید دلیلتان را، اگر بودید راستگویان

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (65 نمل)

بگو نمی داند کسی در آسمان ها و زمین، پنهان را جز خدا، و درک نمی کنند کِی برانگیخته می شوند

بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ (66 نمل)

بلکه به هم رسید دانش آنان در مورد آخرت، بلکه آنان در تردیدی از آن هستند، بلکه آنان از آن، نابینایان هستند

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ (67 نمل)

و گفت کسانی که کفر ورزیدند، آیا اگر بودیم به صورت خاک، و پدرانمان، آیا همانا ما یقیناً نمایان کرده شده ها هستیم

(کسانی که کفر ورزیدند، گفتند که آیا هنگامی که ما و پدران ما مُردیم، و به صورت خاک درآمدیم، دوباره زنده خواهیم شد.)

لَقَدْ وُعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (68 نمل)

یقیناً به درستی وعده داده شدیم به این، ما و پدرانمان از قبل، نیست این جز افسانه های قدیمی نخست ها

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (69 نمل)

بگو حرکت کنید در زمین، پس بنگرید چگونه بود پایان کار بدکاران

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ (70 نمل)

و اندوهگین نشو برای آنان، و نباش در سختی ای، از آنچه نیرنگ می زنند

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (71 نمل)

و می گویند چه وقت است این وعده، اگر بودید راستگویان

قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ (72 نمل)

بگو چه بسا، اینکه باشد به دنبال شما، بعضی از آنچه به عجله وا می دارید

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (73 نمل)

و همانا ربّ تو، یقیناً دارای مزیت است بر مردم، و لیکن بیشترشان سپاسگزاری نمی کنند

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (74 نمل)

و همانا ربّ تو، یقیناً می داند آنچه را پنهان می دارد سینه هایتان، و آنچه را آشکار می کنند

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (75 نمل)

و نیست از ناپیدایی در آسمان و زمین، جز اینکه در کتابی آشکار است

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (76 نمل)

همانا این قرآن، نقل می کند بر فرزندان اسرائیل، بیشتر آنچه را که آنان، در آن اختلاف دارند

وَإِنَّهُ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (77 نمل)

و همانا آن، یقیناً هدایتی و مهربانی ای برای مؤمنان است

(قرآن کتابی است که می توان به وسیله ی آن در زمینه ی دین، هدایت را از گمراهی تشخیص داد و حق را از باطل شناخت. مسلمانان، برای شناخت دین حقیقی خود، تنها باید به قرآن مراجعه کنند و به دنبال شناخت دین از منابعی مانند احادیث و روایات نباشند، مراجعه به این منابع برای شناخت دین، جز گمراهی از دین حقیقی، نتیجه ای نخواهد داشت.)

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (78 نمل)

همانا ربّ تو، داوری می کند (یا حکم می دهد) بین آنان، با قضاوت کردنش، و او ارجمند داناست

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ (79 نمل)

پس توکل کن بر خدا، همانا تو بر حقیقت آشکار هستی

إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (80 نمل)

همانا تو نمی شنوانی به مردگان، و نمی شنوانی به ناشنوایان، فرا خواندن را، اگر روی برتافتند پشت کنندگان

(پیامبر کسی را با اجبار در راه هدایت قرار نمی داده است و هر کسی خود تصمیم گیرنده در مورد دین بوده است.)

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (81 نمل)

و نیستی تو هدایت کننده ی نابینایان از گمراهیشان، نمی شنوانی جز کسی را که ایمان می آورد به آیات ما، پس آنان تسلیم کنندگان هستند

(هیچ اجباری در پذیرش دین وجود ندارد، و پیامبر تنها رساننده ی وحی به مردم بوده است و اینکه کسی بپذیرد یا نپذیرد، به تصمیم خود او بستگی دارد.)

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (82 نمل)

و اگر رخ می داد گفتار برای آنان، خارج می کردیم برای آنان حیوانی را از زمین، که سخن می گوید با آنان، همانا مردم به آیات ما یقین نمی کردند

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ (83 نمل)

و روزی که گرد هم می آوریم از هر جماعتی، گروهی را، از کسی که تکذیب می کند آیات ما را، پس آنان مرتب و منظم کرده می شوند

حَتَّى إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (84 نمل)

تا اگر آمدند، گفت آیا تکذیب کردید آیات مرا، و هرگز احاطه نداشتید به آن، دانشی را، یا چه چیزی انجام می دادید

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ (85 نمل)

و رخ داد گفتار بر آنان، به سبب آنچه ستم کردند، پس آنان سخن نمی گویند

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (86 نمل)

آیا هرگز ندیدند که همانا ما قرار دادیم شب را، تا آرامش یابند در آن، و روز را به صورت روشنگر، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است، برای جماعتی که ایمان می آورند

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ (87 نمل)

و روزی که دمیده می شود در صور (=شاخی که در آن بدمند)، پس ترسید کسی که در آسمان ها و کسی که در زمین است، جز کسی که خواست خدا، و همگی نزد او آمدند خوارها

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ (88 نمل)

و می بینی کوه ها را، گمان می کنی که آن به صورت بی حرکت است، و آن گذر می کند مانند عبور ابر، ساختن خداست، آنکه استوار انجام داد هر چیزی را، همانا او آگاه است به آنچه انجام می دهید

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ (89 نمل)

کسی که آورد نیکی را، پس برای او است بهتر از آن، و آنان از ترسیدنی در آن روز، ایمن ها هستند

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (90 نمل)

و کسی که آورد بدی را، پس واژگون کرده شد چهره هایشان در آتش، آیا جزا داده می شوید جز آنچه را انجام می دادید

(در روز قیامت، اعمال نیک و بد انسان هایی که ایمان آورده بوده اند سنجیده می شود، و کسی که نیکی هایش سنگین تر از بدی هایش باشد، وارد بهشت می شود و کسی که بدی هایش سنگین تر از نیکی هایش باشد، وارد جهنم می شود.)

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (91 نمل)

همانا امر شدم به اینکه بپرستم ربّ این شهر را، که حرام کرد آن را، و برای او است هر چیزی، و امر شدم به اینکه باشم از تسلیم کنندگان

وَأَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنْذِرِينَ (92 نمل)

و اینکه بخوانم قرآن را، پس کسی که هدایت شد، پس همانا هدایت می شود برای خودش، و کسی که گمراه شد، پس بگو همانا من از هشدار دهندگانم

(وظیفه ی پیامبر خواندن وحی خداوند برای مردم بوده است و وحی خداوند، قرآن است. کسی که هدایت شود، برای خودش هدایت شده است و کسی که گمراه شود، به زیان خود، گمراه شده است و به پیامبر بیان شده که بگو من از هشدار دهندگان هستم. این نشان دهنده ی عدم اجبار در دین است و پیامبر کسی را به هدایت شدن، اجبار نمی کرده است و حق این کار را نداشته است و اگر قرار بود کسی مردم را به هدایت شدن اجبار کند، نیازی به پیامبر نبود و اگر خداوند اراده کند، همه هدایت خواهند شد. بنابراین هر کسی خود تصمیم گیرنده است که راه هدایت را انتخاب کند یا راه گمراهی را. پس چگونه است که افرادی به نام خدا و دین، می خواهند دیگران را به انجام دادن یا ندادن کارهایی وادار کنند که آن را دستور دین می نامند، اینها جز دروغ نمی گویند و رفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد.)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (93 نمل)

و بگو ستایش برای خدا است، نشان خواهد داد به شما آیاتش را، پس می شناسید آن را، و نیست ربّ تو غافل، از آنچه انجام می دهید

سوره قصص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

طسم (1 قصص)

طا سین میم

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (2 قصص)

آن آیات کتاب آشکار است

(قرآن به صورت آشکار و قابل فهم برای همه، نازل شده است و با خواندن قرآن می توان به اسلام حقیقی پی برد.)

نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَإِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (3 قصص)

می خوانیم بر تو از خبر موسی و فرعون به حقیقت، برای جماعتی که ایمان می‌آورند

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (4 قصص)

همانا فرعون تکبر کرد (یا چیره شد) در زمین، و قرار داد ساکنین آن را به صورت گروه ها، ضعیف می یابد جماعتی از آنان را، بسیار می کشد پسرانشان را، و زنده می گذارد زنانشان را، همانا او بود از تباه کنندگان

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (5 قصص)

و می خواهیم اینکه منّت گذاریم بر کسانی که ضعیف دانسته شدند در زمین، و قرار دهیم آنان را الگوهایی، و قرار دهیم آنان را ارث برندگان

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ (6 قصص)

و تقویت می کنیم برای آنان در زمین، و نشان می دهیم به فرعون و هامان، و لشکریان آن دو از آنان، آنچه را که دوری می گزیدند

وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (7 قصص)

و وحی کردیم به مادر موسی، اینکه شیر بده به او، پس اگر ترسیدی برای او، پس بینداز او را در دریا، و نترس و غم نخور، همانا ما برگرداننده های او به تو هستیم، و قرار دهندگان او هستیم از فرستادگان

فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ (8 قصص)

پس برداشتند او را خاندان فرعون، تا باشد برای آنان دشمنی و اندوهی، همانا فرعون و هامان و لشکریان آن دو، بودند خطاکاران

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (9 قصص)

و گفت زن فرعون، روشنی چشم برای من و برای تو است، نکُشید او را، چه بسا اینکه نفع برساند به ما، یا بگیریم او را به عنوان فرزند، و آنان درک نمی کنند

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (10 قصص)

و گردید قلب مادر موسی تهی، همانا نزدیک بود که یقیناً آشکار کند آن را، اگر که نمی بستیم (یا پیوند نمی دادیم) بر دلش، تا باشد از مؤمنان

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (11 قصص)

و گفت به خواهرش (=خواهر موسی)، دنبالش برو، پس دید او را از دور، و آنان درک نمی کنند

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ (12 قصص)

و حرام کردیم برای او زنان شیرده را از قبل، پس گفت آیا راهنماییتان کنم بر ساکنین خانه ای که سرپرستی کنند از او برای شما، و آنان برای او پند دهندگان هستند

(بیان شده، حرام کردیم برای او زنان شیرده را، یعنی شیر هیچ کدام از زنان شیرده را نمی خورد. این حرام کردیم برای او به این معنی است که خواستیم تا این اتفاق بیفتد و او شیر آنها را نخورد.)

فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (13 قصص)

پس باز گرداندیم او را به مادرش، تا روشن شود چشمش، و غم نخورد، و تا بداند همانا وعده ی خدا حقیقت است، و لیکن بیشتر آنان نمی دانند

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (14 قصص)

و وقتی که رسید به سن ادراکش، و به اوج جوانی رسید، دادیم به او قضاوت کردنی (یا حکم صادر کردنی) را، و دانشی را، و اینچنین جزا می دهیم بسیار نیکوکاران را

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ (15 قصص)

و داخل شد به شهر، در زمان بی توجهی ساکنین آن، پس یافت در آن، دو مرد را، که یکدیگر را می کشتند، این از پیروانش، و این از دشمنش، پس یاری طلبید از او آنکه از پیروانش بود، علیه آنکه از دشمنش بود، پس هل داد (یا با مشت زد) او را موسی، پس انجام داد علیه او، گفت این از کار شیطان است، همانا او به صورت دشمن گمراه کننده ی آشکاری است

(موسی باعث مرگ آن مرد شد.)

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (16 قصص)

گفت ربّ، همانا من ستم کردم به خودم، پس بیامرز بر من، پس آمرزید بر او، همانا او خود، بسیار آمرزنده بخشایشگر است

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ (17 قصص)

گفت ربّ، به سبب آنچه نعمت دادی بر من، پس هرگز نباشم یاوری برای بدکاران

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ (18 قصص)

پس گردید در شهر به صورت ترسان، انتظار می کشید، پس ناگهان آنکه یاری خواست از او دیروز، یاری طلبید از او، گفت به او موسی، همانا تو یقیناً گمراهی آشکاری

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ (19 قصص)

پس وقتی که خواست اینکه با خشونت حمله ور شود، به آنکه او، دشمنی بود برای آن دو، گفت ای موسی، آیا می خواهی اینکه مرا بکُشی، مانند اینکه کشتی کسی را دیروز، نمی خواهی جز اینکه باشی به صورت مسلط در زمین، و نمی خواهی اینکه باشی از اصلاح کنندگان

وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ (20 قصص)

و آمد مردی از شهر دورتر، که می دَوَد، گفت ای موسی، همانا بزرگان قوم، مشورت می کنند به سبب تو، تا بکُشند تو را، پس خارج شو، همانا من برای تو از نصیحت کنندگان هستم

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (21 قصص)

پس خارج شد از آن به صورت ترسان، در حالی که در انتظار است، گفت ربّ، نجات بده مرا از جماعت ستمکاران

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ (22 قصص)

و وقتی که روی آورد به دیدار مدین، گفت چه بسا ربّ من، اینکه هدایت کند مرا به راه راست

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ (23 قصص)

و وقتی که رسید به آبِ مدین، یافت بر آن جماعتی از مردم را که آب می دهند، و یافت از غیر آنان، دو زن را، که از خود دور می کردند، گفت گرفتاری شما چیست، گفتند (=دو زن) آب نمی دهیم تا برگردانند چوپان ها، و پدر ما سالخورده ای سرشناس است

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ (24 قصص)

پس آب داد برای آن دو، سپس روی برتافت به سایه، پس گفت ربّ، همانا من به آنچه نازل کردی به من از نیکویی ای، نیازمندم

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (25 قصص)

پس به نزد او آمد یکی از آن دو، در حالی که گام بر می دارد با کمرویی، گفت همانا پدر من فرا می خواند تو را، تا پاداش دهد به تو دستمزد آنچه را آب دادی برای ما، پس وقتی که آمد نزد او و نقل کرد برای او (=برای پدر دختران نقل کرد) داستان ها را، گفت نترس، نجات یافتی از جماعت ستمکاران

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ (26 قصص)

گفت یکی از آن دو، ای پدر جان، به کار بگمار او را، همانا بهترین کسی که به کار گماردی، نیرومند قابل اعتماد است

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (27 قصص)

گفت، همانا من می خواهم اینکه به ازدواج تو درآوردم یکی از این دو دخترم را، برای اینکه برای من کار کنی هشت سال، پس اگر کامل کردی ده را، پس از نزد تو است، و نمی خواهم اینکه سخت بگیرم بر تو، خواهی یافت مرا اگر خواست خدا، از شایستگان

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (28 قصص)

گفت، آن بین من و بین تو است، هرکدام از دو مهلت را به جا آوردم، پس نیست تعرضی بر من، و خدا بر آنچه می گوییم کارگزار است

فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (29 قصص)

پس وقتی که به جا آورد موسی، مهلت را، و حرکت کرد با خانواده اش، حس کرد از سمت کوه (یا کوه طور) آتشی را، گفت به خانواده اش، درنگ کنید، همانا من حس کردم آتشی را، چه بسا من آوردم نزد شما از آن خبری را، یا شعله ی فروزانی را از آتش، چه بسا شما خود را گرم می کنید

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (30 قصص)

پس وقتی که نزدش آمد، صدا کرده شد از کناره ی سمت راست دره، در منزلگاه خجسته و میمون شده از درخت، اینکه ای موسی، همانا من خود، خدا، ربّ جهانیان هستم

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ (31 قصص)

و اینکه بینداز عصایت را، پس وقتی که دید آن را تکان می خورد، مانند اینکه همانا آن مار کوچکی است، پشت کنان گریخت، و هرگز به پشت برنگشت، ای موسی، جلو بیا و نترس، همانا تو از ایمن ها هستی

اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (32 قصص)

داخل کن دستت را در گریبانت، خارج شود سفید بدون آسیبی، و جمع و جور کن به خود، دست و پهلویت را از ترس، این دو، دو دلیل است از ربّت، به فرعون و بزرگان قومش، همانا آنان بودند جماعتی از راه حق دور شوندگان

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (33 قصص)

گفت ربّ، همانا من کُشتم از آنان کسی را، پس می ترسم از اینکه مرا بکشند

وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ (34 قصص)

و برادرم هارون، او خوش بیان تر است از من، از نظر زبان، پس بفرست او را با من، به عنوان پشتیبان، مرا تصدیق می کند، همانا من می ترسم از اینکه مرا تکذیب کنند

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ (35 قصص)

گفت، نیرو خواهیم بخشید بازویت را با برادرت، و قرار می دهیم برای شما دلیلی را، پس نمی رسند به شما، به سبب نشانه های ما، شما و کسی که پیروی کرد از شما، غلبه کنندگان هستید

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (36 قصص)

پس وقتی که آمد نزد آنان موسی، با نشانه های آشکار ما، گفتند نیست این جز جادویی به دروغ نسبت داده شده، و نشنیدیم این را در پدران نخستینمان

وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَى مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (37 قصص)

و گفت موسی، ربّ من داناتر است به کسی که آورد هدایت را از نزدش، و کسی که باشد برای او پایان کار منزل، به یقین رستگار نمی شود ستمکاران

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (38 قصص)

و گفت فرعون، ای بزرگان قوم، ندانستم برای شما از خدایی غیر از من را، پس آتش روشن کن برای من ای هامان، بر گِل، پس بساز برای من ساختمان بلندی را، چه بسا من آگاهی یابم به خدای موسی، و همانا من یقیناً گمان می کنم که او از دروغگویان است

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ (39 قصص)

و کبر ورزید او و لشکریانش در زمین، به غیر از حقیقت، و گمان کردند همانا آنان به ما بازگردانده نمی شوند

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (40 قصص)

پس گرفتیم او و لشکریانش را، پس دور ریختیم آنان را در دریا، پس بنگر چگونه بود پایان کار ستمکاران

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ (41 قصص)

و قرار دادیم آنان را الگوهایی، که فرا می خوانند به آتش، و روز قیامت یاری نمی شوند

وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ (42 قصص)

و در پیِشان فرستادیم در این دنیا لعنتی را، و روز قیامت، آنان از محروم ها از خیر خداوند هستند

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (43 قصص)

و یقیناً به درستی دادیم به موسی کتاب را، از پس از آنچه هلاک کردیم نسل های نخست را، بینش ها است برای مردم، و هدایت و مهربانی ای است، شاید آنان به یاد می آورند

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ (44 قصص)

و نبودی بر جهت غربی، هنگامی که ابلاغ کردیم به موسی فرمان را، و نبودی از گواهان

وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (45 قصص)

و لیکن ما ایجاد کردیم نسل هایی را، پس به درازا انجامید بر آنان زندگی، و نبودی مقیم همراه ساکنین مدین، که بخوانی بر آنان آیات ما را، و لیکن ما بودیم فرستندگان

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (46 قصص)

و نبودی بر جهت کوه (یا کوه طور)، هنگامی که صدا کردیم، و لیکن مهربانی ای از ربّت است، تا هشدار دهی جماعتی را که نیامد نزدشان از هشدار دهنده ای از قبل از تو، شاید آنان به یاد می آورند

وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (47 قصص)

و اگر نه اینکه می رسد به آنها فاجعه ای، به سبب آنچه پیش انداخت دست هایشان، پس می گویند ربّ ما، چرا نفرستادی به ما فرستاده ای را، پس پیروی کنیم آیات تو را، و باشیم از مؤمنان

(خداوند بیان کرده که تو را نزد آنان به عنوان پیامبر انتخاب کردیم تا آنان را هشدار دهی و اینکه اگر به آنان به سبب آنچه انجام دادند فاجعه ای رسید، نگویند خدایا چرا برای ما پیامبری نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم و ایمان بیاوریم.)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَى أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ (48 قصص)

پس وقتی که آمد نزد آنان، حقیقت از نزد ما، گفتند چرا داده نشد مثل آنچه داده شد به موسی، آیا هرگز کفر نورزیدند به آنچه داده شد به موسی از قبل، گفتند دو جادو است که به یکدیگر کمک کردند، و گفتند همانا ما به همگی کافرانیم

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (49 قصص)

بگو پس بیاورید کتابی از نزد خدا، که آن هدایت کننده تر از آن دو باشد، تا پیروی کنم از آن، اگر بودید راستگویان

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (50 قصص)

پس اگر هرگز پاسخ ندادند به تو، پس بدان چنین است که پیروی می کنند خواسته هایشان را، و چه کسی گمراه تر است از کسی که پیروی کرد خواسته اش را، به غیر از هدایتی از خدا، همانا خدا هدایت نمی کند جماعت ستمکاران را

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (51 قصص)

و یقیناً به درستی پیوند دادیم برای آنان گفتار را، شاید آنان به یاد می آورند

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (52 قصص)

کسانی که دادیم به آنان کتاب را از قبل آن، خود به آن ایمان می آورند

وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (53 قصص)

و اگر خوانده شود بر آنان، گفتند ایمان آوردیم به آن، همانا آن حقیقت است از ربّ ما، همانا ما بودیم از قبل از آن، تسلیم کنندگان

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (54 قصص)

آنان داده می شوند پاداششان را دو بار، به سبب آنچه شکیبایی کردند، و دفع می کنند با نیکی، بدی را، و از آنچه روزی دادیم به آنان، خرج می کنند

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (55 قصص)

و اگر شنیدند باطلی را، روی گرداندند از آن، و گفتند برای ما است کارهایمان، و برای شما است کارهایتان، درودی بر شما، رغبت نداریم به نادانان

(در این آیه در مورد برخی از ویژگی های افراد درستکار صحبت شده است، بیان شده که اگر شنیدند حرف باطلی را، از آن روی گرداندند و گفتند برای ما است کارهایمان، و برای شما است کارهایتان، درود بر شما، رغبت نداریم به نادانان. این نشان دهنده ی یک نمونه رفتار پسندیده از نظر خداوند است. حرف باطلی که در این آیه در مورد آن صحبت شده، می تواند هر گونه سخن ناشایستی از جمله ناسزا به خدا و قرآن و پیامبر باشد. در این آیه رفتار درست را، توجه نکردن به حرف باطل آنها بیان کرده است و اینکه کارهای هر کسی، مربوط به خود او می شود و اگر کسی هدایت شده باشد، برای خودش هدایت شده و اگر از گمراهان باشد، به زیان خود گمراه شده است. پس چگونه است که برخی به نام خدا و دین، حق خود می دانند که اگر حرفی بر خلاف میلشان شنیدند و یا سخنی بر خلاف اعتقادات آنها بود، گوینده ی آن سخن را مجازات نمایند، و به نام خدا و اسلام، نظرات مخالف خود را سرکوب کنند و هر کسی با اعتقادات آنها مخالف بود و یا انتقادی به آن کرد را مورد تعرض قرار دهند و حتی او را به قتل برسانند. گفتار آنها جز دروغی بر خدا و دین نیست و رفتار آنها، هیچ ارتباطی با دین ندارد و جز جنایت نیست و در روز قیامت به حساب این دروغ ها و ستم های آنها، رسیدگی خواهد شد.)

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (56 قصص)

همانا تو هدایت نمی کنی کسی را که دوست داشتی، و لیکن خدا هدایت می کند کسی را که می خواهد، و او داناتر است به هدایت شدگان

(خداوند به پیامبر بیان می کند که تو هدایت کننده ی کسی نیستی، و خداوند کسی را که بخواهد، هدایت می کند. پیامبر وظیفه ی بیان کردن وحی خداوند که همان قرآن است را به مردم بر عهده داشت و این وظیفه را به درستی انجام داد. اگر کسی بخواهد به اسلام حقیقی پی ببرد، می تواند به قرآن مراجعه نماید و آن را بخواند. پیامبر کسی را به هدایت شدن اجبار نمی کرد و حق این کار را هم نداشت، بنابراین اگر کسی بگوید که وظیفه دینی او از جانب خداوند، این است که دیگران را به هدایت شدن، مجبور کند، جز دروغی بر خدا نبسته است و اگر خداوند هدایت شدن کسی را بخواهد، اگر حتی آن فرد در میان جماعتی

زندگی کند که همگی کافر هستند، هدایت خواهد شد و اگر خداوند هدایت شدن کسی را نخواهد، حتی اگر آن فرد در میان جماعتی زندگی کند که همگی با ایمان هستند، هدایت نخواهد شد.)

وَقَالُوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (57 قصص)

و گفتند اگر پیروی کنیم هدایت را با تو، ربوده می شویم از سرزمینمان، آیا هرگز تقویت نکردیم برای آنان حریمی ایمن را، که گردآوری کرده می شود به آن میوه ها، همه چیزی، روزی ای از نزد ما، و لیکن بیشتر آنان نمی دانند

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ (58 قصص)

و بسیار هلاک کردیم از آبادی ای، که ریخت و پاش کرد روزی اش را، پس آن خانه هایشان هرگز مورد سکونت قرار نگرفت از پس از آنان، جز اندکی، و بودیم ما وارثان

(منظور از بسیار هلاک کردیم از آبادی ای، که ریخت و پاش کرد روزی اش را، این نیست که هلاک کردن آنها به خاطر ریخت و پاش روزی بوده است، بلکه منظور این است که آنها از نظر رفاه و روزی، امکانات زیادی داشتند و مرفه بودند، ولی به دلیل اینکه عذاب بر آنها بایسته شده بود، آنها هلاک شدند.)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ (59 قصص)

و نبود ربّ تو هلاک کننده ی آبادی ها، تا آنکه برانگیزد در مرکزش فرستاده ای، که می خواند بر آنان آیات ما را، و نبودیم هلاک کنندگان آبادی ها، جز اینکه، و ساکنین آن ستمکاران بودند

(بیان شده خداوند عذاب بر آبادی ای نازل نمی کرد، قبل از اینکه فرستاده ای برای آنان برانگیزد که آیات خداوند را برای آنان می خواند. در ادامه بیان شده، خداوند هلاک کننده ی آبادی ای نبود مگر اینکه ساکنین آن آبادی، ستمگر بودند. در این آیه، دو مورد از پیش نیازهای نازل شدن عذاب بر اقوام گذشته، بیان شده است.)

وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ (60 قصص)

و آنچه داده شد به شما از چیزی، پس کالای زندگی دنیا و زیور آن است، و آنچه نزد خدا است، بهتر و باقی تر است، آیا پس درک نمی کنید

(زندگی دنیا و امکانات و زیبایی های آن، خوب است و اگر فرد، ایمان داشته باشد و کارهای نیک انجام دهد، جایگاه او در آخرت، بهشت خواهد بود که بهتر و باقی تر از زندگی دنیا است و این امکان وجود دارد که انسان هم در این دنیا و هم در آخرت، زندگی خوبی داشته باشد.)

أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (61 قصص)

آیا پس کسی که وعده دادیم به او، وعده ای نیکو را، سپس او ملاقات کننده ی آن است، مانند کسی است که بهره مند کردیم او را با کالای زندگی دنیا، سپس او روز قیامت از احضار شدگان است

(بیان شده آیا کسی که به او وعده ی بهشت داده شده است مانند کسی است که در این دنیا از امکانات زندگی دنیا، بهره مند شده است ولی در روز قیامت، جایگاهش جهنم است.)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (62 قصص)

و روزی که صدا می کند آنان را، پس می گوید کجاست شریکان من، کسانی که ادعا می کردید

(این آیه و آیه ی قبل، در مورد مشرکان بیان شده است. در روز قیامت، خداوند مشرکان را صدا می کند و به آنان می گوید، آن خدایانی که با من شریک قرار داده بودید، کجا هستند.)

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ (63 قصص)

گفت کسانی که بایسته شد برای آنان گفتار، ربّ ما، اینان کسانی هستند که گمراه کردیم، گمراه کردیم آنان را، چنانکه گمراه شدیم، بیزاری جستیم به تو، ما را نمی پرستیدند

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ (64 قصص)

و گفته شد، صدا کنید شریکانتان را، پس صدا کردند آنان را، پس هرگز پاسخ ندادند به آنان، و دیدند عذاب را، اگر همانا آنان هدایت می یافتند

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ (65 قصص)

و روزی که صدا می کند آنان را، پس می گوید چه چیزی را پاسخ دادید به فرستادگان

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ (66 قصص)

پس پوشیده و نامعلوم شد برای آنان خبرها، در آن روز، پس آنان از یکدیگر نمی پرسند

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ (67 قصص)

پس لیکن کسی که بازگشت و ایمان آورد و انجام داد شایسته ای را، پس چه بسا اینکه باشد از رستگاران

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (68 قصص)

و ربّ تو می آفریند آنچه را می خواهد، و بر می گزیند، نبود برای آنان برگزیده، پاک و منزه است خدا، و دور است از آنچه شریک قائل می شوند

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (69 قصص)

و ربّ تو می داند آنچه را پنهان می دارد سینه هایشان، و آنچه را آشکار می کنند

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (70 قصص)

و او است خدا، نیست خدایی جز او، برای او است ستایش در نخست و آخرت، و برای او است قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن)، و به او بازگردانده می شوید

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ (71 قصص)

بگو آیا درک کردید اگر قرار داد خدا برای شما شب را به صورت دائم، تا روز قیامت، چه خدایی غیر از خدا، می آورد نزد شما روشنایی ای را، آیا پس نمی شنوید

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (72 قصص)

بگو آیا درک کردید اگر قرار داد خدا برای شما روز را به صورت دائم، تا روز قیامت، چه خدایی غیر از خدا، برای شما می آورد شبی را، که آرامش می یابید در آن، آیا پس نمی بینید

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (73 قصص)

و از مهربانی اش قرار داد برای شما شب و روز را، تا آرامش یابید در آن، و تا طلب کنید از مزیتش، و شاید شما سپاسگزاری می کنید

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (74 قصص)

و روزی که صدا می کند آنان را، پس می گوید کجاست شریکان من، کسانی که ادعا می کردید

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (75 قصص)

و بیرون کشیدیم از هر جماعتی شاهدی را، پس گفتیم بدهید دلیلتان را، پس دانستند همانا حقیقت برای خداست، و گم شد از آنان، آنچه را دروغ می بافتند

(بیان شده که در روز قیامت از هر جماعتی شاهدی را بیرون می آورند و به آن شاهدان گفته می شود که دلیل این اعتقاد خود را بیان کنید مثلاً به مشرک گفته می شود که دلیل شریک قائل شدن برای خدا را بیان کن. در نتیجه آنان پی خواهند برد که همانا حقیقت برای خداست و گم شد از آنان، آنچه را دروغ می بافتند. تصور کنید در روز قیامت از شیعه خواسته شود که دلیل خود را برای اینکه بعد از پیامبر، به امامانی اعتقاد داشته و این اعتقاد را جزئی از دین می دانسته و از گفتار و رفتار آن امامان، احکام دین را به دست می آورده، بیان کند. پاسخ شیعه در برابر این سؤال چه خواهد بود. آیا در قرآن که از جانب خداوند وحی شده است، آیه ای وجود دارد که نام امامان شیعه را مطرح کرده و از مسلمانان بخواهد که پس از پیامبر، به آن امام ها اعتقاد داشته باشند. آیا در قرآن آیه ای وجود دارد که بیان کرده باشد که احکام اسلام را باید از گفتار و رفتار شخصی، غیر از قرآن به دست آورد. واضح است که شیعه برای این سؤالات، پاسخی نخواهد داشت و اعتقاد شیعه به امامت، جز دروغی بر خدا و دین نیست. البته در مورد مذهب اهل سنت نیز این ایراد وجود دارد که آنها احکام دین را از قرآن و از سنّت پیامبر به دست می آورند و نتیجه ی آن، به وجود آمدن بسیاری از احکام در اسلام است که در هیچ آیه ای از قرآن بیان نشده است. آیا غیر از این است که در قرآن بیان شده، پیامبر نیز از قرآن پیروی می کرده است، و آیا در قرآن بیان نشده که پیامبر از جانب خود، چیزی را در زمینه ی دین بیان نمی کرده است، و آیا در

قرآن بیان نشده که وظیفه ی پیامبر تنها بیان وحی خداوند به مردم بوده است، و آیا در قرآن بیان نشده که قرآن به صورت آشکار بیان شده است، و آیا در قرآن بیان نشده که قرآن وسیله ی هدایت است، و آیا در قرآن به پیامبر بیان نشده که با این قرآن، بین مردم قضاوت کن. پس چگونه است که در مذهب اهل سنت، بسیاری از احکام دین، در قرآن وجود ندارد و آنها به گفته ی خود، این احکام را از سنّت پیامبر به دست آورده اند. آیا آنها بر خلاف گفته ی قرآن، به این اعتقاد دارند که پیامبر از جانب خود، احکام دین را بیان می کرده است. آنها اگر به قرآن مراجعه می کردند و احکام اسلام را از قرآن، که به صورت واضح در آن بیان شده است، می فهمیدند، به صورت خود به خود، رفتار و گفتار پیامبر در زمینه ی دین را نیز می فهمیدند، زیرا پیامبر در زمینه ی دین، همان چیزی را بیان می کرده که در قرآن بیان شده است. بنابراین آن دینی که شیعه و سنّی، به نام اسلام معرفی کرده اند، جز دروغی بر خدا و دین نیست و این اعتقاداتی که بیان شد، تنها برای توجیه دروغ هایشان به دین، کاربرد دارد.)

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (76 قصص)

همانا قارون بود از قوم موسی، پس ستم کرد بر آنان، و دادیم به او از گنج ها، که همانا کلیدهای آن یقیناً سنگینی می کرد بر گروه نیرومندی، هنگامی که گفت به او قومش، شادمان نشو، همانا خدا دوست نمی دارد شادمانان را

(قارون از قوم موسی بود و به قوم موسی ستم کرد و به خاطر این ستمی که کرد، شادمان شد و قوم او به او گفتند که شادمان نشو، خدا دوست نمی دارد شادمانان را. دو نکته در مورد این آیه وجود دارد، نکته اول اینکه، این آیه جزو آیه های اصلی قرآن نیست یعنی جزو آیه هایی نیست که حکمی از اسلام، در آن باشد و مربوط به ماجرای قوم بنی اسرائیل است، بنابراین نباید از آن حکم در مورد اسلام به دست آورد. نکته ی دوم اینکه شادمان شدن ایرادی ندارد و در اینجا منظور از اینکه شادمان نشو، دلیل شادمان شدن قارون بوده است زیرا به دلیل ستمی که کرده بوده، شادمان شده است، و شادی ایرادی ندارد.)

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (77 قصص)

و طلب کن در آنچه داد به تو خدا، منزل آخرت را، و فراموش نکن سهمت از دنیا را، و نیکو کاری کن چنانکه نیکو کاری کرد خدا به تو، و طلب نکن تباهی در زمین را، همانا خدا دوست ندارد تباه کنندگان را

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ (78 قصص)

گفت همانا آن به من داده شده به خاطر دانشی که نزد من است، آیا هرگز ندانست همانا خدا به درستی نابود کرد از قبل از او از نسل ها را، کسی که او، توانمندتر بود از او، از نظر قدرت، و بیشتر از نظر جماعت، و مورد پرسش واقع نمی شود از گناهانشان، بدکاران

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (79 قصص)

پس بیرون آمد بر قومش در زیورش، گفت کسانی که می خواهند زندگی دنیا را، ای کاش برای ما بود مثل آنچه داده شد به قارون، همانا او یقیناً دارنده بهره ی بزرگی است

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (80 قصص)

و گفت کسانی که داده شدند دانش را، وای بر شما، پاداش خدا بهتر است برای کسی که ایمان آورد و انجام داد شایسته ای را، و در نمی یابد آن را جز شکیبایان

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ (81 قصص)

پس پنهان کردیم او و خانه اش را در زمین، پس نبود برای او از جماعتی که یاری می کنند او را از غیر خدا، و نبود از پیروزان

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (82 قصص)

و آشکار شد کسانی که آرزو کردند جای او را دیروز، می‌گویند وای، مثل اینکه خدا گسترش می دهد روزی را برای کسی که می خواهد از بندگانش، و تنگ می آورد، اگر اینکه منّت نمی گذاشت خدا بر ما، یقیناً پنهان می کرد ما را، وای، مثل اینکه آن اینگونه است، که رستگار نمی شود کافران

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (83 قصص)

آن منزل آخرت را، قرار می‌دهیم آن را برای کسانی که نمی خواهند تکبر کردنی در زمین را، و نه تباهی ای را، و پایان کار برای پرهیزکاران است

(در قرآن، در بسیاری از مواردی که از تکبر کردن صحبت شده است، در مورد کافران بیان شده است، به این معنا که کافران با کفر ورزیدن خود، تکبر می کنند.)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (84 قصص)

کسی که آورد نیکی را، پس برای او است بهتر از آن، و کسی که آورد بدی را، پس عقوبت کرده نمی شود کسانی که انجام دادند بدی ها را، جز آنچه را که انجام می دادند

(پاداش نیکی در آخرت، نیکی ای بهتر از آن است و جزای بدی در آخرت، جز مانند آن نیست.)

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (85 قصص)

همانا آنکه معین کرد بر تو قرآن را، یقیناً برگرداند تو را به برگرداندنی، بگو ربّ من داناتر است که چه کسی آورد هدایت را، و چه کسی خود در گمراهی آشکاری است

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ (86 قصص)

و امید نداشتی به اینکه ابلاغ کرده شود به تو کتاب، جز مهربانی ای از ربّت، پس به هیچ وجه نباش یاوری برای کافران

وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنْزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (87 قصص)

مبادا تو را باز دارند از آیات خدا، پس از هنگامی که نازل شد به تو، و فرا بخوان به ربّت، و به هیچ وجه نباش از قائلان به شریک برای خدا

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (88 قصص)

و صدا نکن با خدا، خدایی دیگر را، نیست خدایی جز او، همه چیز نابود شونده است جز جهت او، برای اوست قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن)، و به او برگردانده می شوید

سوره عنکبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الم (1 عنکبوت)

الف لام میم

أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (2 عنکبوت)

آیا گمان کرد مردم، که رها کرده می شوند، اینکه می گویند ایمان آوردیم، و آنان در آشوب افکنده نمی شوند

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (3 عنکبوت)

و یقیناً به درستی در آشوب افکندیم کسانی از قبل از آنان را، پس یقیناً می شناسد خدا کسانی را که راستگو بودند، و یقیناً می شناسد دروغگویان را

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (4 عنکبوت)

یا گمان کرد کسانی که انجام می دهند بدی ها را، اینکه پیش می افتند از ما، بد است آنچه که داوری می کنند

مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (5 عنکبوت)

کسی که امید می داشت دیدار خدا را، پس همانا مهلت خدا یقیناً آمدنی است، و او شنوای داناست

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (6 عنکبوت)

و کسی که تلاش کرد، پس همانا تلاش می کند برای خودش، همانا خدا یقیناً بی نیاز است از جهانیان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (7 عنکبوت)

و کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، یقیناً می پوشانیم از آنان بدی هایشان را، و یقیناً پاداش می دهیم به آنان، بهتر از آنچه را انجام می دادند

(نیکی ها، باعث پاک شدن بدی ها برای فرد با ایمان می شود. در قیامت خوبی ها و بدی های کسانی که ایمان داشته اند، سنجیده می شود. اگر خوبی ها سنگین تر از بدی ها باشد، فرد وارد بهشت می شود، و اگر بدی ها سنگین تر از خوبی ها باشد، فرد وارد جهنم می شود.)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (8 عنکبوت)

و سفارش کردیم به انسان، بر پدر و مادرش نیکی ای را، و اگر تلاش کردند با تو تا شریک قائل شوی با من آنچه را که نیست برای تو به آن دانشی، پس اطاعت نکن از آن دو، به من است بازگشتتان، پس با خبرتان می کنم به آنچه انجام می دادید

(بیان شده، به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند و اگر آنها اصرار داشتند که با خداوند شریک قائل شوی، از آنها اطاعت نکن. نیکی به پدر و مادر، به معنی اطاعت کردن از هر خواسته ای که آنها داشتند نیست. ممکن است آنها از شما خواسته هایی داشته باشند که با نظر و فکر شما منطبق نباشد، نیکی کردن به آن معنی نیست که شما نظر خود را نداشته باشید و طرز زندگی خود را به خواست آنها تغییر دهید. نیکی کردن به این معنا است که به آنها احترام بگذارید و به روش نیکو با آنها صحبت کنید و اگر در توان شما است، به آنها کمک کنید.)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ (9 عنکبوت)

و کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، یقیناً داخل می کنیم آنان را همراه شایستگان

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ (10 عنکبوت)

و از مردم کسی است که می گوید ایمان آوردیم به خدا، پس اگر اذیت کرده شد به دلیل خدا، قرار داد در آشوب افکندن مردم را مانند عذاب خدا، و یقیناً اگر آمد یاری کردنی از ربّت، یقیناً می گویند همانا ما بودیم با شما، آیا نیست خدا داناتر به آنچه در سینه های جهانیان است

(در آشوب افکنده شدن یا به عبارت دیگر مشکلات و اتفاقات ناگوار، مانند عذاب خداوند نیستند. در این آیه بیان شده که برخی می گویند که ایمان آوردیم و با شما هستیم، ولی اگر اتفاق ناگواری روی دهد، تغییر جهت می دهند و می گویند که این اتفاق ناگوار، عذاب خداوند بوده است برای شما، و اگر اتفاق خوبی روی دهد، می گویند که ما با شما بودیم.)

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ (11 عنکبوت)

و یقیناً می شناسد خدا کسانی را که ایمان آوردند، و یقینا می‌شناسد منافقان (یا متظاهران به ایمان با کفر باطنی) را

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (12 عنکبوت)

و گفت کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آوردند، پیروی کنید راه ما را، و یقیناً حمل می کنیم گناهان شما را، و نیستند آنان باربرندگان از گناهانشان، از چیزی را، همانا آنان یقیناً دروغگویانند

(کافران به مؤمنان می گفته اند که کافر شوید، اگر گناهی به حساب شما نوشته شد، ما آن را به جای شما حمل خواهیم کرد و برای شما مشکلی پیش نخواهد آمد. بیان شده که آنها گناه کسی را حمل نخواهند کرد و آنان دروغگویان هستند.)

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (13 عنکبوت)

و یقیناً حمل می کند بارهای سنگینشان را، و بارهای سنگینی با بارهای سنگینشان، و یقیناً پرسیده می شود روز قیامت، از آنچه دروغ می بافتند

(بیان شده که آنان بارهای سنگین خود را در روز قیامت حمل خواهند کرد و بارهای سنگینی به بارهای سنگین آنها اضافه خواهد شد و از آنچه دروغ می بافتند، پرسیده خواهند شد.)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (14 عنکبوت)

و یقیناً به درستی فرستادیم نوح را به قومش، پس اقامت گزید در آنان هزار سال، جز پنجاه سال، پس گرفت آنان را طوفان، و آنان ستمکاران بودند

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ (15 عنکبوت)

پس نجات دادیم او و همنشینان کشتی را، و قرار دادیم آن را نشانه ای برای جهانیان

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (16 عنکبوت)

و ابراهیم، هنگامی که گفت به قومش، بپرستید خدا را، و حذر کنید از او، آن بهتر است برای شما، اگر می دانستید

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (17 عنکبوت)

همانا می پرستید از غیر خدا، بت هایی را، و به هم می بافید دروغی را، همانا کسانی را که می پرستید از غیر خدا، مالک نمی شوند برای شما روزی ای را، پس طلب کنید نزد خدا روزی را، و بپرستید او را، و سپاسگزاری کنید از او، به او بازگردانده می شوید

وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (18 عنکبوت)

و اگر تکذیب کنید، پس به درستی تکذیب کرد جماعت هایی از قبل از شما، و نیست بر فرستاده جز رساندن آشکار

(وظیفه ی پیامبر، جز رساندن آشکار وحی خداوند نیست و پیامبر کسی را به ایمان آوردن مجبور نمی کند، و حق این کار را هم نداشته است. پیامبر مردم را به ایمان آوردن دعوت می کرده است، اگر کسی

می خواسته، ایمان می آورده و اگر نمی خواسته، ایمان نمی آورده است و در دین هیچ اجباری وجود ندارد.)

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (19 عنکبوت)

آیا درک نکردند چگونه آغاز می کند خدا، آفریدن را، سپس باز می گرداند (یا تکرار می کند) آن را، همانا آن بر خدا آسان است

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (20 عنکبوت)

بگو حرکت کنید در زمین، پس بنگرید چگونه آغاز شد آفریدن، سپس خدا پدید می آورد اتفاق افتادن آخرت را، همانا خدا بر هر چیزی تواناست

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ (21 عنکبوت)

عذاب می دهد کسی را که می خواهد، و مهربانی می کند به کسی که می خواهد، و به او بازگردانده می شوید

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (22 عنکبوت)

و نیستید شما درمانده کنندگان در زمین و نه در آسمان، و نیست برای شما از غیر خدا از دوستی، و نه یاری کننده ای

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (23 عنکبوت)

و کسانی که کفر ورزیدند به آیات خدا و دیدار او، آنان قطع امید کردند از مهربانی من، و آنان برایشان عذابی دردناک است

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (24 عنکبوت)

پس نبود پاسخ قومش جز اینکه گفتند، بکشید او را یا بسوزانیدش، پس نجات داد او را خدا از آتش، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که ایمان می آورند

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (25 عنکبوت)

و گفت همانا گرفتید از غیر خدا بت هایی را، محبت بینتان در زندگی دنیا، سپس روز قیامت دوری می جوید بعضی از شما از بعضی، و لعنت می کند بعضی از شما بعضی را، و پناهگاهتان آتش است، و نیست برای شما از یاری کنندگان

(بیان شده که ابراهیم گفت، همانا بت هایی را می پرستید که باعث ایجاد محبت بینتان در زندگی دنیا شده است، ولی روز قیامت، بعضی از شما از بعضی دیگر دوری می طلبد و بعضی، بعضی دیگر را لعنت می کند و جایگاه شما آتش خواهد بود و یاری کننده ای نخواهید داشت.)

فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (26 عنكبوت)

پس ایمان آورد به او لوط، و گفت همانا من هجرت کننده به ربّم هستم، همانا او خود ارجمند صاحب حکمت است

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (27 عنكبوت)

و بخشیدیم به او اسحاق و یعقوب را، و قرار دادیم در نسل او پیامبری خداوند و کتاب را، و دادیم به او پاداشش را در دنیا، و همانا او در آخرت یقیناً از شایستگان است

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (28 عنكبوت)

و لوط را هنگامی که گفت به قومش، همانا شما یقیناً انجام می دهید گناه بسیار زشت را، که پیش نیفتاد از شما بر آن از کسی از جهانیان

أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (29 عنكبوت)

آیا همانا شما یقیناً انجام می دهید با مردها، و قطع می کنید راه را، و انجام می دهید در انجمنتان، ناشایست را، پس نبود پاسخ قومش جز اینکه گفتند، بیاور برای ما عذاب خدا را، اگر بودی از راستگویان

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ (30 عنكبوت)

گفت ربّ، یاری کن مرا بر جماعت تباه کنندگان

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُو أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ (31 عنكبوت)

و وقتی که آورد فرستادگان ما، برای ابراهیم مژده را، گفتند همانا ما هلاک کنندگان ساکنین این آبادی هستیم، همانا ساکنین آن بودند ستمکاران

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (32 عنكبوت)

گفت، همانا در آن لوط است، گفتند ما داناتریم به کسی که در آن است، یقیناً نجات می دهیم او و خانواده اش را جز زنش، که بود از باقی ماندگان

(ابراهیم به فرستادگان گفت که لوط در آن آبادی است، و آنها پاسخ دادند که ما به کسی که در آن است، داناتریم و یقیناً نجات می دهیم او و خانواده اش را به جز زنش.)

وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (33 عنكبوت)

و وقتی که آمد فرستادگان ما نزد لوط، به واسطه ی آنان ناراحت شد و راهی برای خلاصی از آن نیافت، و گفتند نترس و اندوهگین نشو، همانا ما نجات دهندگان تو و خانواده ات هستیم جز زنت، که بود از باقی ماندگان

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (34 عنكبوت)

همانا ما نازل كنندگان هستيم بر ساكنين اين آبادى، عذابى را از آسمان، به سبب آنچه از راه حق دور شدند

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (35 عنكبوت)

و يقيناً به درستى رها كرديم از آن نشانه اى آشكار را، براى جماعتى كه درك مى كنند

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (36 عنكبوت)

و به مدين، برادرشان شعيب را، پس گفت اى قوم، بپرستيد خدا را، و اميد داشته باشيد به روز واپسين، و خراب نكنيد در زمين تباه كنندگان

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (37 عنكبوت)

پس تكذيب كردند او را، پس گرفت آنان را زلزله، پس گرديدند در خانه شان زمين گيران

وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ (38 عنكبوت)

و عاد و ثمود، و به درستى آشكار شد براى شما از خانه هايشان، و آراست براى آنان شيطان، كارهايشان را، پس بازداشت آنان را از راه، و بودند صاحبان بصيرت

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ (39 عنكبوت)

و قارون و فرعون و هامان، و يقيناً به درستى آورد نزد آنان موسى، دلايل را، پس كبر ورزيدند در زمين، و نبودند پيشى گيرنده ها

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (40 عنكبوت)

پس همگى را گرفتيم به گناهش، پس از آنان، كسى است كه فرستاديم بر او تگرگى را، و از آنان، كسى است كه گرفت او را فرياد، و از آنان، كسى است كه پنهان كرديم او را در زمين، و از آنان، كسى است كه غرق كرديم، و بر آن نبود خدا، تا ظلم كند بر آنان، و ليكن خودشان ستم مى كردند

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (41 عنكبوت)

مَثَل كسانى كه گرفتند از غير خدا، دوستان را، مانند مَثَل عنكبوت است كه گرفت خانه‌اى را، و همانا سست ترين خانه ها يقيناً خانه ى عنكبوت است، اگر مى دانستند

(منظور از كسانى كه گرفتند از غير خدا دوستان را، مشركان هستند كه به جاى پرستش خداى يگانه، بت ها را مى پرستيدند.)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (42 عنكبوت)

همانا خدا می‌داند آنچه را که صدا می کنند از غیر او، از چیزی را، و او ارجمند صاحب حکمت است

(منظور از آنچه را که صدا می کنند از غیر او از چیزی را، بت هایی است که مشرکان، صدا کننده ی آنها هستند.)

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ (43 عنكبوت)

و آن مَثَل هایی است که بیان می کنیم آن را برای مردم، و درک نمی کند آن را جز دانایان

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ (44 عنكبوت)

آفرید خدا آسمان ها و زمین را به حقیقت، همانا در آن یقیناً نشانه ای است برای مؤمنان

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (45 عنكبوت)

بخوان آنچه را وحی شده به تو از کتاب، و بر پا دار نماز را، همانا نماز باز می دارد از گناه بسیار زشت و عمل ناشایست، و یقیناً به یاد آوردن خدا بزرگتر است، و خدا می داند آنچه را می سازید

(خداوند به پیامبر بیان کرده که قرآن را که به تو وحی می شود، بخوان و نماز بخوان، و نماز، بازدارنده ی فرد از گناه بسیار زشت و عمل ناشایست است و به یاد آوردن خداوند به وسیله ی نماز، از آن بازدارندگی هایی که بیان شد، مهم تر است. موارد مربوط به گناه بسیار زشت و عمل ناشایست، در قرآن بیان شده است.)

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (46 عنكبوت)

و جز و بحث نکنید با اهل کتاب، جز به صورتی که آن نیکوتر است، جز کسانی که ستم کردند از آنان، و بگویید ایمان آوردیم به آنچه نازل شد به ما و نازل شد به شما، و خدای ما و خدای شما یکی است، و ما برای او تسلیم کنندگان هستیم

(بیان شده که با پیروان ادیان دیگر که دارای کتاب هستند مانند مسیحیان و یهودیان، جز به صورت نیکو بحث نکنید و به نیکویی با آنها صحبت کنید، جز کسانی که ستم کردند مثلاً علیه مسلمانان اقدامی از روی دشمنی انجام دادند. بیان شده است که بگویید ایمان آوردیم به قرآن و کتاب های نازل شده به شما، یعنی به کتاب های نازل شده از سوی خداوند که قبل از قرآن نازل شده اند نیز ایمان داریم مانند مثلاً انجیل مسیحیان و تورات یهودیان، و بگویید خدای ما و خدای شما یکی است و ما برای او تسلیم کنندگان هستیم. این روش پسندیده ی رفتار و گفتار بیان شده در قرآن، در مورد پیروان ادیان دیگر است. پس چگونه است که برخی از افراد به نام خدا و اسلام، پیروان ادیان دیگر را کافر می نامند و تجاوز به آنان و کشتن آنان را از نظر دین، مجاز می دانند. اسلام، حتی تعرض به کافران را از سوی مسلمانان، در شرایطی که کافران به مسلمانان تعرض و حمله نکرده اند، مجاز نمی داند. اینها نمونه هایی از دروغ هایی است که برخی به خدا و دین بسته اند و با این دروغ ها، جنایات و ستم های خود را برای افراد ناآگاه از دین حقیقی، موجه جلوه می دهند.)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ (47 عنکبوت)

و اینچنین نازل کردیم به تو کتاب را، پس کسانی که دادیم به آنان کتاب را، ایمان می آورند به آن، و از اینان کسی است که ایمان می آورد به آن، و انکار نمی کند آیات ما را جز کافران

(بیان شده که قرآن را به تو نازل کردیم، و کسانی که پیرو ادیان دیگر هستند و به آنان کتاب داده ایم، به قرآن ایمان می آورند، و از مردمی که کافر هستند نیز، برخی ایمان می آورند به قرآن، و قرآن را جز کافران، انکار نمی کند.)

وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ (48 عنکبوت)

و نمی خواندی از قبل از آن از کتابی را، و نمی نوشتی آن را با دست راستت، که بدین ترتیب، یقیناً تردید می کرد باطل کنندگان

(پیامبر بی سواد بود و به او بیان شده که قبل از قرآن، کتابی را نمی خواندی و چیزی را نمی نوشتی، و اگر اینگونه نبودی، باطل کنندگان می گفتند که خود تو این قرآن را نوشته ای.)

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ (49 عنکبوت)

بلکه آن آیاتی آشکار است در سینه های کسانی که داده شدند دانش را، و انکار نمی کند آیات ما را جز ستمکاران

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ (50 عنکبوت)

و گفتند چرا نازل نشد بر او نشانه هایی از ربّش، بگو همانا نشانه ها نزد خداست، و همانا من هشدار دهنده ای آشکارم

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (51 عنکبوت)

آیا هرگز کافی نبود برای آنان، اینکه همانا ما نازل کردیم بر تو کتاب را، که خوانده می شود بر آنان، همانا در آن یقیناً مهربانی ای و یادآوری است، برای جماعتی که ایمان می آورند

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (52 عنکبوت)

بگو کافی است تا خدا بین من و بین شما به صورت گواه باشد، می داند آنچه در آسمان ها و زمین است، و کسانی که ایمان آوردند به باطل، و کفر ورزیدند به خدا، آنان خود زیانکاران هستند

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (53 عنکبوت)

و به عجله وا می دارند تو را به عذاب، و اگر نبود مهلتی مشخص، یقیناً می آمد نزد آنان عذاب، و یقیناً می آید نزد آنان به صورت غافلگیری، و آنان درک نمی کنند

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (54 عنکبوت)

به عجله وا می دارند تو را به عذاب، و همانا جهنم یقیناً احاطه کننده است به کافران

(کافران به پیامبر می گفته اند که عذابی را که به ما وعده می دهی، برای ما بیاور، در جواب آنها، خداوند بیان کرده که اگر مهلتی برای آنان مشخص نشده بود، عذاب بر آنان نازل می شد و همانا عذاب جهنم احاطه کننده است بر کافران.)

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (55 عنکبوت)

روزی که می پوشاند آنان را عذاب از بالایشان و از زیر پاهایشان، و می گوید بچشید آنچه را انجام می دادید

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ (56 عنکبوت)

ای بندگان من، کسانی که ایمان آوردید، همانا زمین من پهن است، پس مرا، پس بپرستید مرا

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (57 عنکبوت)

هر کسی چشنده ی مرگ است، سپس به ما بازگردانده می شوید

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (58 عنکبوت)

و کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، یقیناً آماده می کنیم برای آنان از باغ، اتاق هایی را، که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند، چه خوب است پاداش عمل کنندگان

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (59 عنکبوت)

کسانی که شکیبایی کردند و بر ربّشان توکل می کنند

وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (60 عنکبوت)

و چه بسیار از جنبنده ای، که حمل نمی کند روزی اش را، خدا روزی می دهد به او، و شما را، و او شنوای داناست

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (61 عنکبوت)

و یقیناً اگر سؤال کردی از آنان، که چه کسی آفرید آسمان ها و زمین را، و مغلوب کرد خورشید و ماه را، یقیناً می گویند خدا، پس چگونه دروغ می بافند

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (62 عنکبوت)

خدا گسترش می دهد روزی را برای کسی که می خواهد از بندگانش، و تنگ می گیرد برای او، همانا خدا بر هر چیزی داناست

(خداوند روزی را برای کسی که می خواهد زیاد می کند و برای کسی که می خواهد کم می کند.)

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (63 عنکبوت)

و یقیناً اگر سؤال کردی از آنان، که چه کسی نازل کرد از آسمان آبی را، پس زنده کرد با آن زمین را از پس از مرگش، یقیناً می گویند خدا، بگو ستایش برای خداست، بلکه بیشتر آنان درک نمی کنند

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (64 عنکبوت)

و نیست این زندگی دنیا جز سرگرمی ای و بازی کردنی، و همانا خانه ی آخرت، یقیناً آن جاندار است، اگر می دانستند

(معنای سرگرمی و بازی کردن به عربی، لهو و لعب است و لهو و لعب چیز بدی نیست و گناه نیست و در قرآن در هیچ آیه ای بیان نشده که لهو و لعب گناه است. و در این آیه بیان شده که زندگی دنیا، لهو ولعب است. کسانی که تحت عنوان دین، می گویند که فلان کار حرام است چون لهو و لعب است، جز دروغی بر خدا و دین، نمی بندند و لهو و لعب، واژه هایی کلی است و می توان برای آنها مثال های گوناگونی از رفتارهای گوناگون بیان کرد، مثلاً دید و بازدید کردن، ورزش کردن، ازدواج کردن، غذا خوردن و از طبیعت لذت بردن را می توان رفتارهایی نامید که لهو و لعب هستند. در پاسخ کسانی که می گویند لهو و لعب گناه است، باید گفت که زندگی دنیا، لهو و لعب نامیده شده است، پس چرا به آن ادامه می دهید.)

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (65 عنکبوت)

پس اگر سوار شدند در کشتی، صدا کردند خدا را به صورتی که صادقانه ها برای او دین است، پس وقتی که نجات داد آنان را به خشکی، ناگهان آنان شریک قائل می شوند

(در مورد زمانی بیان شده که مشرکان در کشتی ای سوار شده اند که در خطر غرق شدن قرار دارد و آنان در آن لحظه که جان خود را در خطر می بینند، خداوند را به صورت صادقانه صدا می کنند، و وقتی که خداوند آنان را به خشکی نجات می دهد، دوباره آنان به خدا شرک می ورزند.)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (66 عنکبوت)

تا کفر ورزند (یا ناسپاسی کنند) به آنچه دادیم به آنان، و تا بهره مند شوند، پس به زودی می دانند

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ (67 عنکبوت)

آیا هرگز ندیدند همانا ما قرار دادیم حریمی ایمن را، و مورد دستبرد قرار می گیرد مردم، از دور و بر آنان، آیا پس به باطل ایمان می آورند، و به نعمت خدا کفر می ورزند

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ (68 عنکبوت)

و کیست ستمکارتر از کسی که دروغ بافت بر خدا دروغی را، یا تکذیب کرد حقیقت را وقتی که آمد نزد او، آیا نیست در جهنم منزلی برای کافران

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (69 عنکبوت)

و کسانی که تلاش کردند به دلیل ما، یقیناً هدایتشان می کنیم به راه هایمان، و همانا خدا یقیناً با بسیار نیکوکاران است

سوره روم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الم (1 روم)

الف لام میم

غُلِبَتِ الرُّومُ (2 روم)

شکست خورد روم

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (3 روم)

در سرزمین نزدیک تر، و آنان از پس از مغلوب شدنشان، پیروز خواهند شد

فِي بِضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (4 روم)

در عرض چند سال، برای خداست فرمان، از قبل و از بعد، و در آن روز، خوشحال می شود مؤمنان

بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (5 روم)

با یاری کردن خدا، یاری می کند کسی را که می خواهد، و او ارجمند بخشایشگر است

وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (6 روم)

وعده ی خداست، تخلف نمی کند خدا وعده اش را، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (7 روم)

می دانند نمایانی از زندگی دنیا را، و آنان از آخرت، خود غفلت کنندگانند

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (8 روم)

آیا هرگز فکر نکردند در خودشان، که نیافرید خدا آسمان ها و زمین را، و آنچه که بین آن دو است را، جز به حقیقت و مهلتی معین، و همانا بسیاری از مردم به دیدار ربّشان، یقیناً کافران هستند

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (9 روم)

آیا هرگز حرکت نکردند در زمین، پس ببینند چگونه بود پایان کار کسانی که از قبل از آنان هستند، بودند نیرومندتر از آنان از لحاظ قدرت، و زیر و رو کردند زمین را، و آباد کردند آن را، بیشتر از آنچه آباد کردند آن را، و آورد نزد آنان فرستادگانشان، دلایل را، پس بر آن نبود خدا که به آنان ستم ورزد، و لیکن خودشان ستم می کردند

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ (10 روم)

سپس بود پایان کار کسانی که بدی کردند، بدتر، اینکه تکذیب کردند آیات خدا را، و آن را مسخره می کردند

اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (11 روم)

خدا آغاز می کند آفرینش را، سپس باز می گرداند (یا تکرار می کند) آن را، سپس به او برگردانده می شوید

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ (12 روم)

و روزی که بر پا شود هنگام قیامت، نا امید می شود بدکاران

وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ (13 روم)

و هرگز نبود برای آنان از شریکانشان، طلب عفو کنندگان، و بودند به شریکانشان کافران

(بیان شده، خدایانی که مشرکان، آنها را با خدا، شریک قائل می شدند، در روز قیامت، آن خدایان برای مشرکان، طلب عفو کننده نیستند.)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ (14 روم)

و روزی که بر پا شود هنگام قیامت، در آن هنگام، از هم جدا می شوند

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ (15 روم)

پس لیکن کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، پس آنان در سبزه زار، شادمان کرده می شوند

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (16 روم)

و لیکن کسانی که کفر ورزیدند و تکذیب کردند آیات ما را و دیدار آخرت را، پس آنان در عذاب، احضار شده ها هستند

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ (17 روم)

پس پاک و منزه است خدا، هنگامی که وارد شب می شوید، و هنگامی که وارد صبح می شوید

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ (18 روم)

و برای اوست ستایش، در آسمان ها و زمین، و اول شب و هنگامی که وارد ظهر می شوید

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ (19 روم)

بیرون می آورد زنده را از مرده، و بیرون می آورد مرده را از زنده، و زنده می کند زمین را پس از مرگش، و اینچنین بیرون آورده می شوید

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ (20 روم)

و از نشانه های او، این است که آفرید شما را از خاکی، سپس ناگهان شما انسانی هستید که منتشر می شوید

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (21 روم)

و از نشانه‌های او، این است که آفرید برای شما از خودتان همسرانی (یا همنشینانی) را، تا آرامش یابید به آن، و قرار داد میانتان محبت و مهربانی ای را، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که فکر می کنند

(زن و مرد، هر دو انسان هستند و خداوند یک انسان آفرید و از خود او، جفتش را آفرید. بنابراین زن و مرد از نظر انسان بودن، هیچ تفاوتی با هم ندارد و فقط از لحاظ جنسیت، دو جنس هستند.)

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ (22 روم)

و از نشانه‌های او، آفریدن آسمانها و زمین و گوناگونی زبانهایتان و رنگهایتان است، همانا در آن یقیناً نشانه هایی برای دانایان است

(انسان ها با زبان های گوناگون و رنگ های گوناگون آفریده شده اند و این گوناگونی به معنای برتری یک گونه از گونه ی دیگر نیست. مردم با هر زبانی و هر رنگ پوستی، همگی انسان هستند و از لحاظ انسان بودن، تفاوتی با یکدیگر ندارند.)

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (23 روم)

و از نشانه های او، خواب شما به شب و روز، و طلب کردن شما از مزیت او است، همانا در آن یقیناً نشانه هایی برای جماعتی است که می شنوند

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (24 روم)

و از نشانه های او، اینکه نشان می دهد به شما برق را به صورت ترس و طمع ورزیدن، و نازل می کند از آسمان آبی را، پس زنده می کند با آن زمین را پس از مرگش، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که درک می کنند

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ (25 روم)

و از نشانه های او، اینکه بر پا شود آسمان و زمین به فرمان او، سپس اگر صدا کرد شما را به صورت فراخوانی از زمین، ناگهان شما بیرون می آیید

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ (26 روم)

و برای اوست کسی که در آسمان ها و زمین است، همگی برای او فرمانبرداران هستند

وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (27 روم)

و اوست آنکه آغاز می کند آفرینش را، سپس تکرار می کند (یا باز می گرداند) آن را، و آن آسان تر است برای او، و برای او است مَثَل برتر در آسمان ها و زمین، و اوست ارجمند صاحب حکمت

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (28 روم)

بیان کرد برای شما مَثَلی را از خودتان، آیا برای شما از برده هایتان، از شریکان است در آنچه روزی دادیم به شما، پس شما در آن به صورت برابر باشید، که می ترسید از آنان مانند ترستان از خودتان، اینچنین به روشنی بیان می کنیم آیات را برای جماعتی که درک می کنند

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (29 روم)

بلکه پیروی کرد کسانی که ستم کردند، خواسته هایشان را بدون دانشی، پس چه کسی هدایت می کند کسی را که گمراه کرد خدا، و نیست برای آنان از یاری کنندگان

(هیچ اجباری در دین وجود ندارد و هر کسی خود، تصمیم گیرنده در زمینه ی دین برای خود است. هدایت و گمراهی افراد به خواست خداوند بستگی دارد، خداوند هر کسی را که بخواهد، هدایت می کند و هر کسی را که بخواهد، گمراه می نماید و اگر خداوند کسی را گمراه کند، هیچ کسی قادر به هدایت کردن او نخواهد بود.)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (30 روم)

پس مستقیم کن جهتت را برای دین، به صورت یکتاپرست، آفرینش خدا که آفرید مردم را طبق آن، نیست تغییری برای آفریدن خدا، آن دین گرانقدر است، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (31 روم)

مکرراً بازگردندگان به او، و حذر کنید از او، و بر پا کنید نماز را، و نباشید از قائلان به شریک برای خدا

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (32 روم)

از کسانی که از هم تفکیک کردند دینشان را، و بودند به صورت فرقه ها، هر جماعتی (=مردم یکدل و متفق القول) به آنچه نزد آنان است شادمانان هستند

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (33 روم)

و اگر مبتلا شد به مردم زیانی، صدا کردند ربّشان را به صورت مکرراً بازگردندگان به او، سپس اگر به آنان چشاند از خود مهربانی ای را، ناگهان گروهی از آنان با ربّشان شریک قائل می شوند

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (34 روم)

تا کفر ورزند (یا ناسپاسی کنند) به آنچه دادیم به آنان، پس برخوردار شوید، پس به زودی می دانید

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ (35 روم)

یا نازل کردیم برای آنان دلیلی را، پس آن سخن می گوید از آنچه با او شریک قائل می شدند

(آیا دلیلی برای آنان نازل کردیم که در مورد شریک قائل شدن با خدا، برای آنان می گوید.)

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ (36 روم)

و اگر چشاندیم به مردم مهربانی ای را، شادمان شدند به آن، و اگر مبتلا شود آنان را بدی ای، به سبب آنچه پیش انداخت دست هایشان، ناگهان آنان نا امید می شوند

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (37 روم)

آیا هرگز ندیدند همانا خدا گسترش می دهد روزی را برای کسی که می خواهد، و تنگ می گیرد، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که ایمان می آورند

فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (38 روم)

پس بده به خویشاوند نصیبش را، و به بی چیز و مسافر، آن بهتر است برای کسانی که می خواهند جهت خدا را، و آنان خود رستگاران هستند

(بیان شده، به خویشاوند نیازمند و به بی چیز و به مسافری که در راه مانده است، نصیبش را بده، یعنی از دارایی خود، به آنان کمک کن، و انجام این کار برای کسانی که جهت خداوند را می خواهند، بهتر است و آنان رستگاران هستند.)

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (39 روم)

و آنچه را دادید از سود، تا افزایش یابد در دارایی های مردم، پس افزایش نمی یابد نزد خدا، و آنچه را دادید از زکات، که می خواهید جهت خدا را، پس آنان خود، دو برابر کنندگان هستند

(بیان شده که مالی را که به مردم می دهید تا همراه آن، از آنان سود دریافت کنید، آن مال نزد خداوند افزایش نمی یابد، ولی آنچه را برای کمک به نیازمند در راه خداوند می دهید، آن برای شما نزد خداوند، دو برابر خواهد شد.)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (40 روم)

خداست آنکه آفرید شما را، سپس روزی داد به شما، سپس می میراند شما را، سپس به شما زندگی می بخشد، آیا از شریکانتان، کسی انجام می دهد از آن، از چیزی را، پاک و منزه است او، و دور است از آنچه شریک قائل می شوند

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (41 روم)

آشکار شد تباهی در خشکی و دریا، به سبب آنچه که به دست آورد دست های مردم، تا بچشاند به آنان بخشی از آنچه را انجام دادند، شاید آنها باز می گردند

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ (42 روم)

بگو حرکت کنید در زمین، پس بنگرید چگونه بود پایان کار کسانی از قبل، بود بیشترشان قائلان به شریک برای خدا

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ (43 روم)

پس مستقیم کن جهتت را به دین گرانقدر، از قبل از اینکه بیاید روزی که اجتناب ناپذیر است از خدا، در آن روز پراکنده می شوند

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ (44 روم)

کسی که کفر ورزید، پس برای او است کفرش، و کسی که انجام داد شایسته ای را، پس برای خودشان به دست می آورند

(هر کسی مسئول کار خودش است و هیچ اجباری در دین وجود ندارد، و هر کسی خود تصمیم گیرنده است که ایمان بیاورد یا کفر ورزد، و اینکه چه اعمالی داشته باشد.)

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (45 روم)

تا جزا دهد کسانی را که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، از مزیتش، همانا او دوست ندارد کافران را

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (46 روم)

و از نشانه‌های او، اینکه می‌فرستد بادها را مژده دهنده ها، و تا بچشاند به شما از مهربانی اش، و تا روان شود کشتی به فرمانش، و تا درخواست کنید از مزیت او، و شاید شما سپاسگزاری می کنید

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (47 روم)

و یقیناً به درستی فرستادیم از قبل تو، فرستادگانی را به قومشان، پس آوردند برای آنان دلایل را، پس انتقام گرفتیم از کسانی که مرتکب جرم شدند، و بود حقیقتی بر ما، یاری کردن مؤمنان

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (48 روم)

خداست آنکه می فرستد بادها را، پس تحریک می کند ابری را، پس گسترش می دهد آن را در آسمان، هر گونه که می خواهد، و قرار می دهد آن را به صورت قطعه ها، پس می بینی باران را که خارج می شود از میان آن، پس اگر اصابت کرد آن، به کسی که می خواهد از بندگانش، ناگهان آنان شادمان می شوند

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ (49 روم)

و همانا بودند از قبل از اینکه نازل شود بر آنان، از قبل آن یقیناً نا امید شدگان

فَانْظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (50 روم)

پس بنگر به نشانه های مهربانی خدا، که چگونه زنده می کند زمین را پس از مرگش، همانا آن یقیناً زنده کننده ی مردگان است، و او بر همه چیزی توانا است

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ (51 روم)

و یقیناً اگر فرستادیم بادی را، پس دیدند آن را متمایل به زرد، یقیناً ادامه دادند از پس از آن، کفر می ورزند

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (52 روم)

پس همانا تو نمی شنوانی به مردگان، و نمی شنوانی به ناشنوایان، فرا خواندن را، اگر روی گرداندند پشت کنندگان

(به پیامبر بیان شده که نمی توانی به کسی که روی گردان از دعوت تو است، فراخواندن را بشنوانی. هر کسی خود تصمیم گیرنده است که ایمان بیاورد یا نیاورد و هیچ اجباری در دین وجود ندارد.)

وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعُمْيِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (53 روم)

و نیستی تو از هدایت کننده ی نابینایان، از گمراهیشان، نمی شنوانی جز کسی را که ایمان می آورد به آیات ما، پس آنان تسلیم کنندگان هستند

(منظور از نابینایان، کسانی هستند که حقیقت را با دل خود نمی بینند و درک نمی کنند. به پیامبر بیان شده که تو نمی توانی کسانی را که درک نمی کنند، از گمراهی بیرون آوری و آنان را هدایت کنی، و فقط به کسانی می توانی بشنوانی، که به آیات ما ایمان می آورند و آنان تسلیم کنندگان هستند. پیامبر کسی را به ایمان و دین اجبار نمی کرده است و حق این کار را نداشته است، و اگر بنا به اجبار کردن مردم به ایمان و دین بود، خداوند خود اراده می کرد و همه ایمان می آوردند و دیگر نیازی به دعوت پیامبران نبود. پیامبر فقط مردم را به ایمان آوردن دعوت می کرده است و آیات خداوند را برای مردم بازگو می کرده است و اینکه کسی بخواهد ایمان بیاورد یا نیاورد، به تصمیم خود او بستگی دارد.)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ (54 روم)

خداست آنکه آفرید شما را از ناتوانی ای، سپس قرار داد از پس از ناتوانی ای، قدرتی را، سپس قرار داد از پس از قدرتی، ناتوانی ای را، و پیری ای را، می آفریند آنچه را می خواهد، و او دانای تواناست

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (55 روم)

و روزی که بر پا شود هنگام قیامت، سوگند می خورد بدکاران، که درنگ نکردند جز ساعتی را، اینچنین دروغ می بافتند

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (56 روم)

و گفت کسانی که داده شدند دانش و اعتقاد به خدا را، یقیناً به درستی درنگ کردید در مقرر کردن خدا تا روز برانگیختن را، پس این روز برانگیختن است و لیکن شما نمی دانستید

(از زمانی که فرد می میرد تا هنگامی که در روز قیامت زنده می شود، احساس او این است که یک ساعت درنگ کرده است.)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (57 روم)

پس در آن روز نفع نمی رساند به کسانی که ستم کردند، عذرشان، و نه آنان خواستار رضایت می شوند

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (58 روم)

و یقیناً به درستی بیان کردیم برای مردم در این قرآن از هر مَثَلی را، و یقیناً اگر برایشان آوردی آیه ای را، یقیناً می گوید کسانی که کفر ورزیدند، نیستید شما جز باطل کنندگان

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (59 روم)

اینچنین مُهر می زند خدا بر دل های کسانی که نمی دانند

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ (60 روم)

پس شکیبایی کن، همانا وعده ی خدا حقیقت است، و مبادا تو را از راه درست دور کنند، کسانی که یقین نمی کنند

سوره لقمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الم (1 لقمان)

الف لام میم

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (2 لقمان)

آن آیات کتاب صاحب حکمت است

(در قرآن، حکمت است.)

هُدًى وَرَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ (3 لقمان)

هدایتی و مهربانی ای برای بسیار نیکوکاران است

(قرآن کتابی است که با خواندن آن، می توان به راه هدایت در زمینه ی دین، پی برد و هدایت را از گمراهی تشخیص داد. با خواندن قرآن می توان به اسلام حقیقی پی برد.)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (4 لقمان)

کسانی که بر پا می دارند نماز را و می دهند زکات را، و آنان به آخرت، خود یقین می کنند

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (5 لقمان)

آنان بر هدایتی از ربّشان هستند، و آنان خود رستگاران هستند

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (6 لقمان)

و از مردم، کسی است که می خَرَد سخن سرگرم کننده را، تا گمراه کند از راه خدا بدون دانشی، و بگیرد آن را به مسخره، آنان برایشان عذابی اهانت آمیز است

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (7 لقمان)

و اگر خوانده شود برای او آیات ما، روی برتافت به صورت کبر ورزنده، مانند اینکه هرگز نشنید آن را، مانند اینکه همانا در گوش هایش سنگینی ای است، پس مژده ده او را به عذابی دردناک

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ (8 لقمان)

همانا کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، برایشان باغ های ناز و نعمت است

خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (9 لقمان)

همیشگی ها در آن هستند، وعده خدا به صورت حقیقت است، و او ارجمند صاحب حکمت است

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (10 لقمان)

آفرید آسمان ها را بدون ستون هایی که ببینید آن را، و انداخت در زمین کوه های استوار را، اینکه بلرزاند شما را، و منتشر کرد در آن از هر جنبنده ای را، و نازل کردیم از آسمان آبی را، و رویاندیم از آن، از هر جفت ارجمندی را

(بیان شده در زمین کوه های استوار قرار دادیم تا از لرزش زمین جلوگیری کنند.)

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (11 لقمان)

این است آفریدن خدا، پس نشانم بدهید چه چیزی را آفرید کسانی از غیر او، بلکه ستمکاران در گمراهی آشکاری هستند

(بیان شده که این آفریدن خداوند است، پس نشان بدهید که خدایانی که با خدا شریک قائل می شوید، چه چیزی را آفریده اند.)

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (12 لقمان)

و یقیناً به درستی دادیم به لقمان حکمت را، اینکه سپاس گزاری کن برای خدا، و کسی که سپاسگزاری کند، پس همانا سپاسگزاری می کند برای خودش، و کسی که کفر ورزد، پس همانا خدا بی نیازی ستوده است

(بیان شده، کسی که از خداوند سپاسگزاری کند، برای خودش سپاسگزاری می کند و کسی که کفر ورزد، پس همانا خداوند بی نیاز است و نیازی به سپاسگزاری کسی ندارد. اعمال هر کسی مربوط به خود اوست و هر کسی مسئول کارهای خود است و هر کسی خود تصمیم گیرنده است که ایمان بیاورد یا کفر ورزد، و اجباری در دین نیست.)

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (13 لقمان)

و هنگامی که گفت لقمان به پسرش، و او اندرز می دهد به او، ای پسرکم، شریک قائل نشو با خدا، همانا شرک یقیناً ستمی بزرگ است

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (14 لقمان)

و سفارش کردیم انسان را بر پدر و مادرش، حامله شد او را مادرش، سست شدنی بر سست شدنی، و از شیر گرفتن او در دو سال است، اینکه سپاسگزاری کن از من و از پدر و مادرت، به من برگشتن است

وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (15 لقمان)

و اگر تلاش کردند با تو، برای اینکه شریک قائل شوی با من، آنچه را که نیست برای تو به آن دانشی، پس اطاعت نکن از آن دو، و همراهی کن با آن دو در دنیا به صورت مشهور، و پیروی کن راه کسی را که مکرراً بازگشت به من، سپس به من است بازگشت شما، پس با خبرتان می کنم به آنچه انجام می دادید

(بیان شده، به انسان سفارش کردیم که از پدر و مادرش، سپاسگزاری کند و بیان شده که اگر پدر و مادر تلاش کردند که با خداوند شریک قائل شود، در این مورد از آنها اطاعت نکند، و با آنها در دنیا به نیکویی همراهی کند. نیکی به پدر و مادر به معنی رفتار نیکو و سخن نیکو با آنها است و به معنی اطاعت کامل از آنها نیست. هر کسی نظری و طرز فکری و شیوه ی زندگی ای دارد، نیکی به پدر و مادر به این معنا نیست که اگر آنها خواستند، فرد طرز فکر و شیوه ی زندگی خود را کنار بگذارد و مطیع درخواست آنها باشد، بلکه به این معنی است که به آنها احترام بگذارد و با آنها به نیکویی رفتار کند و با آنها به نیکویی سخن بگوید یعنی مثلاً با صدای بلند و یا پرخاش با آنها سخن نگوید و با صدای آرام و با احترام با آنها سخن بگوید.)

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (16 لقمان)

ای پسرکم، همانا آن، اگر باشد هم وزن دانه ای از خدرل، پس باشد در تخته سنگی یا در آسمان ها یا در زمین، می آورد آن را خدا، همانا خدا رئوفی آگاه است

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (17 لقمان)

ای پسرکم، بر پا دار نماز را، و فرمان ده به مشهور، و منع کن از ناشایست، و شکیبایی کن بر آنچه که مبتلا شد به تو، همانا آن از جدّیت نشان دادن در کارها است

(فرمان دادن به مشهور و منع کردن از ناشایست، یا همان امر به معروف و نهی از منکر، به معنای اجبار کردن افراد به انجام دادن یا ندادن کارها نیست، بلکه امر به معروف به معنای پیشنهاد کردن برای انجام کاری پسندیده، و نهی از منکر به معنای پیشنهاد کردن برای انجام ندادن کاری است که گناه است. اینکه فرد این پیشنهادها را بپذیرد یا نپذیرد، به تصمیم خود او بستگی دارد و اجباری نباید در کار باشد. برای مثال فردی امر به معروف می کند و پیشنهاد می دهد که برای کمک به نیازمندی، افراد کمک مالی کنند، اینکه کسی بخواهد و کمک کند یا تمایلی به کمک کردن نداشته باشد، به تصمیم او بستگی دارد و فردِ امر به معروف کننده، حق ندارد او را به کمک کردن وادار نماید. نهی از منکر نیز به همین صورت است و اجباری در زمینه ی دین وجود ندارد.)

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (18 لقمان)

و از روی تکبر، کج نکن گونه ات را برای مردم، و راه نرو در زمین با تکبر، همانا خدا دوست نمی‌دارد هر متکبر فخرکننده ای را

وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (19 لقمان)

و میانه روی کن در راه رفتنت (=کنایه از اعتدال و میانه روی در مسیر زندگی است)، و کم کن از صدایت، همانا نامطبوع ترین صداها، یقیناً صدای خران است

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (20 لقمان)

آیا هرگز ندیدید همانا خدا مغلوب کرد برای شما آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و تمام و کامل کرد برای شما نعمت هایش را به صورت آشکار و پوشیده، و از مردم کسی است که جر و بحث می کند به علت خدا، بدون دانشی و نه هدایتی و نه کتابی نوربخش

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ (21 لقمان)

و اگر گفته شد به آنان، که پیروی کنید آنچه را نازل کرد خدا، گفتند بلکه پیروی می کنیم آنچه را یافتیم بر آن پدرانمان را، آیا اگر شیطان فرا می خواند آنان را به عذاب زبانه ی آتش

(بیان شده، هنگامی که به آنان گفته شد از آنچه خداوند نازل کرد پیروی کنید که در اسلام، قرآن است، آنان پاسخ دادند پیروی می کنیم از آنچه که پدرانمان آن را انجام می دادند. بیان شده آیا از پدرانتان پیروی می کنید، حتی اگر شیطان آنها را به عذاب آتش فرا می خواند.

بیان شده که از قرآن پیروی کنید، پیامبر نیز از قرآن پیروی می کرد، پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان به جای مراجعه به قرآن برای فهم دین خود، به منابع دیگری مراجعه می کنند و از احکامی تحت عنوان اسلام پیروی می کنند که در قرآن بیان نشده و هیچ ارتباطی با اسلام حقیقی ندارد. این احکام دروغین، جز دروغ بستن به خدا و دین نیست و این مسلمانان نیز دقیقاً پیرو همان دروغ هایی هستند که پدرانشان بوده اند.)

وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (22 لقمان)

و کسی که تسلیم کند جهتش را به خدا، و او بسیار نیکوکار باشد، پس به درستی متوسل شد به تکیه گاهی مطمئن تر، و به خدا انتهای کارهاست

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنْكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (23 لقمان)

و کسی که کفر ورزید، پس غمگین نگرداند تو را کفر او، به ما است بازگشتشان، پس با خبرشان می کنیم به آنچه انجام دادند، همانا خدا داناست به حقیقت سینه ها

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَى عَذَابٍ غَلِيظٍ (24 لقمان)

بهره مندشان می کنیم اندکی، سپس ناگزیر می کنیم آنان را به عذابی خشن

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (25 لقمان)

و یقیناً اگر پرسیدی از آنان، چه کسی آفرید آسمان ها و زمین را، یقیناً می گویند خدا، بگو ستایش برای خداست، بلکه بیشترشان نمی دانند

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (26 لقمان)

برای خداست آنچه در آسمان ها و زمین است، همانا خدا، خود بی نیاز ستوده است

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (27 لقمان)

و اگر همانا آنچه در زمین است از درختی، به صورت قلم ها، و دریا را یاری برساند به آن، از پس از آن هفت دریا، تمام نمی شود کلمات خدا، همانا خدا ارجمند صاحب حکمت است

مَا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (28 لقمان)

نیست آفریدن شما و نه برانگیختن شما، جز مانند نفری یگانه، همانا خدا شنوای بینا است

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (29 لقمان)

آیا هرگز ندیدی همانا خدا فرو می کند شب را در روز، و فرو می کند روز را در شب، و مغلوب کرد خورشید و ماه را، همگی روان است تا مهلتی معین، و همانا خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (30 لقمان)

آن به سبب این است که همانا خدا خود، حقیقت است، و همانا آنچه را صدا می کنند از غیر او، باطل است، و همانا خدا خود، بلند قدر بزرگ است

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (31 لقمان)

آیا هرگز ندیدی همانا کشتی جاری می شود در دریا، به سبب نعمت خدا، تا به شما نشان دهد از نشانه هایش را، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای هر بسیار بردبار بسیار سپاسگزاری

وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ (32 لقمان)

و اگر مبتلا شد به آنان موجی مانند سایبان ها، صدا کردند خدا را به گونه ای که صادقانه ها برای او دین است، پس وقتی که نجات داد آنان را به خشکی، پس از آنان میانه رَوی کننده ای است، و انکار نمی کند آیات ما را، جز هر خائن ناسپاسی

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ (33 لقمان)

ای مردم، حذر کنید از ربّتان، و بترسید از روزی که جزا نمی دهد پدری را (یا زایمان کرده ای را) به جای فرزندش، و نه زاییده شده ای است که او جزا داده شده است به جای پدرش (یا زایمان کرده اش) چیزی را، همانا وعده ی خدا حقیقت است، پس فریب ندهد شما را زندگی دنیا، و فریفته نگرداند شما را از خدا، فریبنده (یا غرور)

(در روز قیامت، هر کسی مسئول اعمال خودش است و کسی به جای دیگری مجازات نخواهد شد.)

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (34 لقمان)

همانا خدا، نزد او است دانشِ هنگامِ قیامت، و نازل می کند باران را، و می داند آنچه در رحم هاست، و نمی داند کسی، چه چیزی را به دست می آورد فردا، و نمی داند کسی، به کدامین زمین می میرد، همانا خدا دانای آگاه است

(اینکه هنگام قیامت چه وقت است، فقط خداوند می داند و حتی پیامبر نیز از این، آگاهی نداشته است. پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان از نشانه های هنگام قیامت صحبت می کنند و می گویند که این نشانه ها را پیامبر و امامان شیعه بیان کرده اند. چگونه می شود در حالی که پیامبر از هنگام قیامت خبر نداشته است، نشانه ها و اتفاقاتی را بیان کند که قبل از وقوع قیامت، رخ می دهند. در یک حالت، بیان این نشانه ها و اتفاقات از جانب پیامبر، امکان پذیر بوده است و آن اینکه پیامبر هم از هنگام قیامت خبر داشته باشد و هم از اتفاقات آینده با خبر باشد تا بداند که قبل از قیامت، چه روی خواهد داد، و این در حالی است که پیامبر از هیچ کدام از این دو، آگاهی نداشته است. توجه کردن به این گفته ها، فقط باعث گمراهی از اسلام حقیقی می شود و اینها چیزی جز دروغ هایی که بر دین بسته اند، نیست و هدف آنهایی که این دروغ ها را بیان کرده اند، گمراه کردن مسلمانان ناآگاه از اسلام حقیقی، و توجیه دروغ هایی است که می خواهند به خدا و دین ببندند.)

سوره سجده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الم (1 سجده)

الف لام میم

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2 سجده)

نازل کردن کتاب، که نیست شك در آن، از ربّ جهانیان است

(قرآن از جانب خداوند نازل شده است.)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (3 سجده)

یا می‌گویند دروغ بافته آن را، بلکه آن حقیقت است از ربّ تو، تا هشدار دهی جماعتی را که نیامد نزدشان از هشدار دهنده ای از قبل تو، شاید آنان هدایت می شوند

(پیامبر با استفاده از قرآن، به مردم هشدار می داده است و از آیات قرآن برای این منظور استفاده می کرده است و از جانب خود، چیزی را در زمینه ی دین به مردم بیان نمی کرده است.)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (4 سجده)

خداست آنکه آفرید آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است را در شش هنگام، سپس قصد کرد (یا غلبه کرد) بر عرش، نیست برای شما از غیر او، از دوستی و نه طلب عفو کننده ای، آیا پس به یاد نمی آورید

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (5 سجده)

اداره می کند کار را از آسمان تا زمین، سپس بالا می رود به او، در روزی که بود اندازه اش هزار سال، از آنچه شمارش می کنید

ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (6 سجده)

آن دانای پنهان و آشکار، ارجمندِ بخشایشگر است

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (7 سجده)

آنکه به نیکویی انجام داد هر چیزی را که آفرید آن را، و آغاز کرد آفریدن انسان را از گِل

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (8 سجده)

سپس قرار داد نسل او را از مختصری از آب حقیر

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (9 سجده)

سپس منظم کرد آن را، و دمید در آن از روحش، و قرار داد برای شما حس شنوایی و بینایی ها و دل ها، اندکی هستید که سپاسگزاری می کنید

وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ (10 سجده)

و گفتند آیا اگر گُم شدیم در زمین، آیا همانا ما یقیناً در آفریدنی تازه هستیم، بلکه آنان به دیدار ربّشان، کافران هستند

قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (11 سجده)

بگو جان شما را می گیرد فرشته ی مرگ، آنکه وکیل کرده شد به شما، سپس به ربّتان بازگردانده می شوید

وَلَوْ تَرَى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (12 سجده)

و اگر ببینی هنگامی که بدکاران سرازیر کنندگان هستند سرهایشان را نزد ربّشان، ربّ ما، دیدیم و شنیدیم، پس بازگردان ما را تا انجام دهیم شایسته ای را، همانا ما مطمئنان هستیم

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (13 سجده)

و اگر خواستیم، یقیناً می دادیم به هر کسی هدایتش را، و لیکن بایسته شد سخن از من، که یقیناً مالامال می کنم جهنم را از جن و آدمیان، همگی

(خداوند اگر بخواهد، توانا به این است که اراده نماید تا همه هدایت شوند. هر کسی خود تصمیم گیرنده در زمینه ی دین خود است و هیچ اجباری در دین وجود ندارد و اگر بنا بود با اجبار، کسی را به کاری در زمینه ی دین وادار نمایند، خود خداوند اراده می نمود و آن کار انجام می شد. کسانی که به نام خدا و دین، می گویند که باید از دین حفاظت کرد و باید مردم را به پیروی از دین وادار نمود، جز دروغ به خدا و دین نمی بندند و رفتار و گفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد.)

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (14 سجده)

پس بچشید به سبب آنچه که فراموش کردید دیدار این روزتان را، همانا ما فراموش کردیم شما را، و بچشید عذاب بقا را، به سبب آنچه که انجام می دادید

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (15 سجده)

همانا ایمان می آورد به آیات ما، کسانی که اگر به یاد آورده شدند آن را، فرو افتادند سجده کنان، و تسبیح گفتند به ستایش ربّشان، و آنان کبر نمی ورزند

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (16 سجده)

راحت نیست پهلوهایشان بر خوابگاه ها، صدا می کنند ربّشان را، به صورتِ با ترس و طمع ورزیدن، و از آنچه روزی دادیم به آنان، خرج می کنند

(منظور از راحت نیست پهلوهایشان بر خوابگاه ها، این است که برای نماز از خواب بیدار می شوند و به نماز می ایستند و زمانی را که باید برای نماز از خواب بلند شوند، به خوابِ خود ادامه نمی دهند.)

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (17 سجده)

پس نمی داند کسی، آنچه که پنهان کرده شده برای آنان از روشنی چشم ها، پاداشی است به آنچه انجام می دادند

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ (18 سجده)

آیا پس کسی که بود مؤمنی، مانند کسی است که بود از راه حق دور شونده ای، برابر نمی شوند

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (19 سجده)

لیکن کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، پس برای آنان باغ های امن است، منزلی است به سبب آنچه که انجام می دادند

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (20 سجده)

و لیکن کسانی که از راه حق دور شدند، پس پناهگاه آنان آتش است، هر بار که خواستند خارج شوند از آن، بازگردانده شوند در آن، و گفته شد به آنها، بچشید عذاب آتش را، که آن را تکذیب می کردید

وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (21 سجده)

و یقیناً می چشانیم به آنان از عذاب نزدیک تر، غیر از عذاب بزرگتر، شاید آنان باز می گردند

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ (22 سجده)

و چه کسی ستمکارتر است از کسی که یادآوری کرده شد آیات ربّش را، سپس روی برگرداند از آن، همانا ما از بدکاران، انتقام گیرندگانیم

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ (23 سجده)

و یقیناً به درستی دادیم به موسی کتاب را، پس نباش در تردیدی از دیدار او، و قرار دادیم آن را هدایتی برای فرزندان اسرائیل

(خداوند تورات را به موسی داد و تورات کتاب هدایتگر برای یهودیان است.)

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (24 سجده)

و قرار دادیم از آنان الگوهایی را، که هدایت می کنند به فرمان ما، وقتی که شکیبایی کردند و به آیات ما یقین می کردند

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (25 سجده)

همانا ربّ تو خود، جدا می کند بین آنان را روز قیامت، در آنچه در آن اختلاف می داشتند

أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ (26 سجده)

آیا هرگز هدایت نکرد برای آنان، چقدر نابود کردیم از قبل آنان از نسل ها را، که راه می روند در خانه هایشان، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است، آیا پس نمی شنوند

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ (27 سجده)

آیا هرگز ندیدند که همانا ما می رانیم آب را به زمینِ بی گیاه، پس خارج می کنیم از آن کشته ای را، می خورد از آن دامشان و خودشان، آیا پس نمی بینند

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (28 سجده)

و می گویند چه وقت است این گشودن، اگر بودید راستگویان

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (29 سجده)

بگو روز گشودن، سود نمی رساند به کسانی که کفر ورزیدند، ایمانشان، و نه آنان مهلت داده می شوند

(بیان شده که در روز گشودن، اگر کافر، ایمان بیاورد، دیگر فایده ای برای او ندارد و مهلت داده نمی شود.)

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ (30 سجده)

پس روی گردان از آنان، و منتظر باش، همانا آنان منتظران هستند

سوره احزاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (1 احزاب)

ای پیامبر، حذر کن از خدا، و اطاعت نکن از کافران و منافقان، همانا خدا بود دانای صاحب حکمت

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (2 احزاب)

و پیروی کن از آنچه که وحی می شود به تو از ربّت، همانا خدا بود به آنچه انجام می دهید آگاه

(خداوند به پیامبر بیان کرده که از قرآن پیروی کن. پیامبر در زمینه ی دین، باید فقط از قرآن پیروی می کرده است، پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان، برای فهم احکام دین اسلام، به جای اینکه فقط به قرآن مراجعه کنند، منابع دیگری از جمله رفتار و گفتار پیامبر را مورد بررسی قرار می دهند و از آن منابع، احکام اسلام را به دست می آورند. مگر غیر از این است که پیامبر در زمینه ی دین، فقط از قرآن پیروی می کرده است و فقط آن چیزی را که به او از قرآن وحی می شده است، به مردم بیان می کرده است. بنابراین اگر کسی می خواهد به رفتار و گفتار پیامبر در زمینه ی دین پی ببرد، باید قرآن را بخواند. استفاده از منابعی دیگر به غیر از قرآن برای فهم اسلام، نتیجه ای جز گمراهی از اسلام حقیقی نخواهد داشت و این دقیقاً همان اتفاقی است که بسیاری از مسلمانان به آن دچار شده اند و بسیاری از احکام را به نام اسلام پذیرفته اند که در قرآن بیان نشده است و این چیزی جز گمراهی و دروغ بستن به خدا و دین نیست.)

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (3 احزاب)

و توکل کن بر خدا، و کافی است تا خدا کارگزار باشد

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (4 احزاب)

قرار نداد خدا، برای مردی از دو قلب را در درونش، و قرار نداد همسرانتان (=زنانتان) را که ظهار می کنید (=با خواندن صیغه ای همسرانشان را مادران خود قلمداد می کردند تا بر آنها حرام شوند) از آنان، مادرانتان، و قرار نداد پسر خواندگانتان را، پسرانتان، آن سخن شماست به دهان هایتان، و خدا می گوید حقیقت را، و او هدایت می کند به راه

(بیان شده، زنانتان را که با خواندن صیغه ای، مادران خود قلمداد می کنید، مادران شما نیستند، و پسر خوانده های شما، پسران شما نیستند، و آن سخنی است که شما به زبان می آورید، و خداوند حقیقت را می گوید و خداوند به راه، هدایت می کند.)

ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (5 احزاب)

صدا کنید آنها (=مذکر) را به پدرانشان، آن عادلانه تر است نزد خدا، پس اگر هرگز ندانستید پدرانشان را، پس برادرانتان هستند در دین، و دوستان شما هستند، و نیست بر شما گناهی در آنچه خطا کردید آن را، و لیکن آنچه را قصد داشته است دل هایتان، و بود خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر

(بیان شده، پسر خوانده هایتان را به نام پدرانشان صدا کنید یعنی اگر برای مثال نام پدر او محسن است، به او بگویید پسرِ محسن. این روش برای صدا زدن همدیگر در میان اعراب، رایج بوده است یعنی به جای صدا زدن فرد با اسم خودش، او را به این صورت صدا می کرده اند. بیان شده که آن عادلانه تر است نزد خداوند، و اگر پدران آنها را نمی شناسید، آنها برادران شما در دین و دوستان شما هستند.)

النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَى أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (6 احزاب)

پیامبر سزاوارتر است به مؤمنان از خودشان، و همسران او، مادرانشان هستند، و خویشاوندان، بعضی از آنها، سزاوارتر هستند به بعضی، در مقرر کردن خدا، از مؤمنان و مهاجران، جز اینکه انجام دهید به دوستانتان مشهوری را، بود آن در کتاب، نوشته شده

(این آیه در مورد موضوعی که در زمان پیامبر مطرح بوده است، بیان شده است و پیشنهادی است که در مورد آن موضوع مطرح شده است. احتمالاً در مورد نیکی کردن و کمک کردن بوده است، و بیان شده که پیامبر سزاوارتر است به اینکه این نیکی در مورد او صورت بگیرد و همسران پیامبر، مادران مؤمنان هستند و احتمالاً منظور این بوده که حکم مادر آنها را دارند، و در ادامه بیان شده که برخی از خویشاوندان به برخی دیگر سزاوارتر هستند از میان خویشاوندان مؤمن و مهاجر، و البته این موارد جنبه ی پیشنهاد دارد و این تصمیم خود فرد است که به چه کسی نیکی کند و در ادامه بیان شده، جز اینکه بخواهید کار نیکی را در مورد دوستانتان انجام دهید.)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (7 احزاب)

و هنگامی که گرفتیم از پیامبران، پیمانشان را، و از تو، و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم، و گرفتیم از آنان پیمانی شدید را

لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (8 احزاب)

تا بپُرسد راستگویان را، از راستیشان، و آماده کرد برای کافران، عذابی دردناک را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (9 احزاب)

ای کسانی که ایمان آوردید، به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، هنگامی که آمد نزد شما لشکریانی، پس فرستادیم بر آنان بادی را، و لشکریانی را که هرگز ندیدید آن را، و بود خدا به آنچه انجام می دهید بینا

إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (10 احزاب)

هنگامی که آمدند نزد شما از بالای شما و از پایین تر از شما، و هنگامی که کج شد چشم ها و رسید قلب ها به حنجره ها، و گمان می کنید به خدا، گمان هایی را

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (11 احزاب)

آنجا، آزمایش کرده شد مؤمنان، و لرزانده شدند، لرزاندنی نیرومند

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (12 احزاب)

و هنگامی که می گوید منافقان (= متظاهران به ایمان با کفر باطنی)، و کسانی که در دل هایشان بیماری ای است، وعده نداد به ما خدا و فرستاده اش، جز فریب دادنی را

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (13 احزاب)

و هنگامی که گفت جماعتی از آنان، که ای ساکنین یثرب، نیست اقامتگاه برای شما، پس بازگردید، و اجازه می خواهد گروهی از آنان، از پیامبر، می گویند همانا خانه های ما بی حفاظ است، و نیست آن بی حفاظ، نمی خواهند جز گریز را

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (14 احزاب)

و اگر داخل می شد بر آنان از ناحیه های آن، سپس درخواست کرده می شدند در آشوب افکندن را، یقیناً مرتکب می شدند آن را، و درنگ نمی کردند به آن، جز اندکی

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا (15 احزاب)

و یقیناً به درستی عهد بسته بودند با خدا از قبل، که روی نمی گردانند به پشت ها، و بود عهد خدا سؤال شونده

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا (16 احزاب)

بگو هرگز سود نمی رساند به شما فرار، اگر فرار کردید از مرگ یا کشتن، و بدین ترتیب برخوردار نمی شوید جر اندکی

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (17 احزاب)

بگو کیست آنکه حفظ می کند شما را از خدا، اگر خواست بر شما بدی ای را، یا خواست بر شما مهربانی ای را، و نمی یابند برایشان از غیر خدا، دوستی و نه یاری کننده ای را

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا (18 احزاب)

به درستی می داند خدا تأخیری ها را از شما، و گویندگان به برادرانشان، که بیا نزد ما، و انجام نمی دهند شجاعت را، جز اندکی

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (19 احزاب)

بخیلان هستند بر شما، پس اگر آمد ترس، دیدی آنان را نگاه می کنند به تو، می چرخد چشم هایشان مانند آنکه مبتلا می شود بر او از مرگ، پس اگر رفت ترس، زخم زبان می زنند به شما با زبان هایی تیز و برنده، بخیلان هستند بر نیکویی، آنان هرگز ایمان نیاوردند، پس باطل کرد خدا کارهایشان را، و بود آن بر خدا آسان

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (20 احزاب)

می پندارند که جماعت ها هرگز نرفتند، و اگر بیاید جماعت ها، دوست دارند اگر همانا آنان صحرانشین ها همراه بادیه نشینان بودند، می پرسند از خبرهایتان، و اگر بودند همراه شما، نمی جنگیدند جز اندکی

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (21 احزاب)

یقیناً به درستی بود برای شما در فرستاده ی خدا، سرمشقی نیکو، برای کسی که امید می داشت به خدا و روز پایان، و به یاد آورد خدا را بسیار

(اکنون که پیامبر در میان مسلمانان نیست، برای فهم اینکه پیامبر در زمینه ی دین چگونه رفتار می کرده است و چه بیان می کرده است، باید قرآن را خواند، زیرا پیامبر در زمینه ی دین، جز از قرآن پیروی نمی کرده است و جز وحی خداوند که همان قرآن است را بیان نمی کرده است. کسانی که برای فهم اسلام، به دنبال روایات و احادیث نسبت داده شده به پیامبر هستند، نتیجه ای جز گمراهی برای آنان نخواهد داشت و اسلام حقیقی را فقط باید از قرآن فهمید.)

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (22 احزاب)

و وقتی که دیدند مؤمنان، جماعت ها را، گفتند این است آنچه که وعده داد به ما خدا و فرستاده اش، و راست گفت خدا و فرستاده اش، و نیفزود به آنان، جز ایمان و تسلیم شدنی را

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (23 احزاب)

از مؤمنان، مردانی وفا کردند آنچه را که عهد بستند با خدا بر آن، پس از آنان کسی است که انجام داد پیمانش را، و از آنان کسی است که منتظر است، و تغییر ندادند تغییری را

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (24 احزاب)

تا جزا دهد خدا راستگویان را بر راستیشان، و عذاب کند منافقان را اگر خواست، یا بازگردد بر آنان، همانا خدا بود بسیار آمرزنده ی بخشایشگر

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (25 احزاب)

و برگشت داد خدا کسانی را که کفر ورزیدند با خشمشان، هرگز به دست نیاوردند فایده ای را، و و بسنده کرد خدا از مؤمنان، جنگ را، و بود خدا نیرومندی ارجمند

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (26 احزاب)

و پایین آورد کسانی را که یاری رساندند به آنان از اهل کتاب، از قلعه هایشان، و انداخت در دل هایشان ترس را، جماعتی را می کُشید و اسیر می کنید جماعتی را

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَئُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (27 احزاب)

و میراث گذاشت برای شما سرزمینشان و خانه هایشان (یا شهرهایشان) و دارایی هایشان را، و زمینی را که هرگز وارد نشدید به آن، و بود خدا بر هر چیزی توانا

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (28 احزاب)

ای پیامبر، بگو به همسرانت، اگر می خواستید زندگی دنیا و زیور آن را، پس بیایید تا برخوردارتان کنم و طلاق دهم شما را، رهایی ای زیبا

وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا (29 احزاب)

و اگر می خواستید خدا و فرستاده اش و منزل آخرت را، پس همانا خدا آماده کرد برای بسیار نیکوکاران از شما، پاداشی بزرگ را

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (30 احزاب)

ای زنان پیامبر، کسی که می آورد از شما گناه بسیار زشتی را به صورت آشکار کننده، دو برابر می شود برای او عذاب، دو برابر، و بود آن برای خدا آسان

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (31 احزاب)

و کسی که اطاعت کند از شما (=زنان پیامبر) برای خدا و فرستاده اش، و انجام دهد شایسته ای را، می دهیم به او پاداشش را دو بار، و آماده کردیم برای او روزی ای سخاوتمند را

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (32 احزاب)

ای زنان پیامبر، نیستید مانند هیچ یک از زنان، اگر حذر کردید، پس تواضع نکنید بر گفتار، پس طمع ورزد آنکه در دلش بیماری ای است، و بگویید گفتاری مشهور را

(این آیه در مورد زنان پیامبر بیان شده است و ارتباطی با زنان دیگر ندارد و در مورد نحوه ی صحبت کردن زنان پیامبر بیان شده است. در قرآن در هیچ آیه ای بیان نشده که آواز خواندن زنان، گناه و حرام است و یا در آیه ای از قرآن بیان نشده که زنان در صحبت کردن با مردان، اینگونه صحبت کنند و اینگونه صحبت نکنند. اینکه تحت عنوان دین بیان می کنند که آواز زنان حرام است و برای نحوه صحبت کردن زنان با مردان، نحوه ی درست و نادرست مشخص کرده اند، نمونه هایی از دروغ هایی است که به خدا و دین بسته اند.)

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (33 احزاب)

با وقار بنشینید در خانه هایتان، و آرایش نکنید، آرایش دوره جاهلیت نخست را، و بر پا دارید نماز را و بدهید زکات را، و اطاعت کنید از خدا و فرستاده اش، همانا می خواهد خدا تا ببرد از شما وسوسه شیطان را، ساکنین خانه، و پاکیزه گرداند شما را پاکسازی ای

(این آیه در مورد زنان پیامبر و در ادامه ی آیه ی قبل بیان شده است و ارتباطی با دیگر زنان ندارد. در آیه ای از قرآن بیان نشده که زنان نباید در جامعه حضور داشته باشند و بیان نشده که زنان نباید با مردها در ارتباط باشند و همچنین در قرآن بیان نشده که زن ها نباید آرایش کنند و این چیزهایی که به نام خدا و دین برای زن ها در دوره هایی از تاریخ تا به امروز حرام اعلام کرده اند، جز دروغ های بسته شده به خدا و دین نیستند.

نکته دیگر در مورد این آیه، این است که بیان شده همانا می خواهد خدا تا ببرد از شما وسوسه شیطان را، ساکنین خانه، و پاکیزه گرداند شما را پاکسازی ای. این عبارت به معنای این نیست که این خواسته ی خداوند به صورت خود به خودی و با اراده خداوند انجام پذیرفته است بلکه به این معنا است که این کارهایی که بیان شده تا همسران پیامبر انجام دهند به این دلیل است تا این خواسته خداوند در مورد آنها تحقق یابد.)

وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (34 احزاب)

و به یاد آورید آنچه که خوانده می شود در خانه هایتان از آیات خدا و حکمت، همانا خدا بود رئوفی آگاه

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (35 احزاب)

همانا مردان و زنان تسلیم کننده، و مردان و زنان مؤمن، و مردان و زنان اطاعت کننده، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان خیّر (یا صدقه دهنده)، و مردان و زنان روزه گیر، و مردان و زنان نگاهدارنده ی آلت های تناسلیشان، و مردان و زنان بسیار به یاد آورندگان خدا، آماده کرد خدا برای آنان آمرزش گناه و پاداشی بزرگ را

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا (36 احزاب)

و نبود برای مرد مؤمنی و نه زن مؤمنی، اینکه اگر حکم داد خدا و فرستاده اش به کاری، اینکه باشد برای آنان بهتر از کارشان، و کسی که نافرمانی کند از خدا و فرستاده اش، پس به درستی گمراه شد گمراهی ای آشکار

(حکم خداوند، در آیات قرآن بیان شده است، و حکم دادن پیامبر در دو زمینه می توانسته اتفاق بیفتد، در یک حالت، پیامبر در مورد مسائل مربوط به دین، حکم می داده است که این حکم، عیناً همان حکمی بوده که در قرآن بیان شده است زیرا پیامبر در زمینه ی دین، فقط از قرآن پیروی می کرده است بنابراین با خواندن قرآن، می توان به حکم پیامبر در زمینه ی دین پی برد. در حالت دیگر، پیامبر در مورد مسائلی که مربوط به امور روزمره ی زمان خود بوده و ارتباطی با دین نداشته، دستوراتی را بیان می کرده است مثلاً پیامبر از مسلمانان درخواست می کرده که برای مشورت در محلی جمع شوند و یا در حین جنگ، پیامبر از مسلمانان می خواسته که کاری را انجام دهند. در این زمان، پیامبر در میان مردم زندگی نمی کند و اطاعت از دستورات پیامبر، جایگاهی ندارد. یک مسلمان برای شناخت دین خود، فقط باید به قرآن مراجعه نماید و مراجعه به روایات و گفتار پیامبر، جز گمراهی در دین، نتیجه ای نخواهد داشت. اگر حکمی را در زمینه ی دین به عنوان حکم اسلام معرفی کنند و آن حکم در قرآن بیان نشده باشد، آن حکم جز دروغی بر خدا و دین نیست.

منظور از عبارت اینکه باشد برای آنان بهتر از کارشان، این است که به کار خود بیشتر از حکم خدا و پیامبر اهمیت ندهند و حکم خدا و پیامبر را در اولویت قرار دهند.)

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (37 احزاب)

و هنگامی که می گویی به آنکه نعمت عطا کرد خدا بر او، و نعمت عطا کردی بر او، اینکه برای خودت نگه دار همسرت را، و حذر کن از خدا، و پنهان می کنی در خودت آنچه را خدا آشکار کننده آن است، و می ترسی از مردم، و خدا سزاوارتر است که بترسی از او، پس وقتی که بر طرف کرد زید از او (=همسرش) خواسته ای را، به نکاح تو در آوردیم او را، تا برای اینکه نباشد بر مؤمنان تنگنایی در همسران فرزند خوانده هایشان، اگر برطرف کردند از آنان خواسته ای را، و بود فرمان خدا به صورت انجام شده

(ازدواج با همسر فرزند خوانده در صورتی که از هم طلاق گرفته باشند، اشکالی ندارد.)

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا (38 احزاب)

نبود بر پیامبر از تنگنایی، در آنچه تعیین کرد خدا برای او، روش خداست برای کسانی که سپری شدند از قبل، و بود فرمان خدا مقدر کردنی، مقدر کرده شده

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (39 احزاب)

کسانی که می رسانند پیام های خدا را و می ترسند از او، و نمی ترسند از هیچ کسی جز خدا، و کافی است تا خدا حسابگر باشد

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (40 احزاب)

نبود محمد پدر هیچ یک از مردان شما، و لیکن فرستاده ی خدا و پایان پیامبران است، و بود خدا بر هر چیزی دانا

(محمد پسری نداشت و فرستاده خدا بود و آخرین نبي بود. نبي یعنی پیامبری که از جانب خداوند به او وحی می شده است تا آن وحی را به مردم برساند. همه ی پیامبران نبي نبوده اند یعنی از جانب خداوند به آنها وحی نمی شده است تا آن وحی را به مردم ابلاغ نمایند. محمد نبي بوده است و قرآن همان وحی خداوند به محمد بوده است تا آن را به مردم ابلاغ نماید.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (41 احزاب)

ای کسانی که ایمان آوردید، به یاد آورید خدا را، به یاد آوردنی بسیار

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (42 احزاب)

و تسبیح بگویید او را بامدادان و تنگِ غروب (یا زمان بین عصر و غروب)

(زمان نمازهای صبح و مغرب را بیان نموده است.)

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (43 احزاب)

اوست آنکه درود می فرستد بر شما و فرشتگانش، تا بیرون آورد شما را از تاریکی ها به روشنایی، و بود به مؤمنان، بخشاینده

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (44 احزاب)

درود بر آنان، روزی که دیدار می کنند او را، سلامی است، و آماده کرد برای آنان پاداشی ارجمند را

(بیان شده که درودی که به آنان گفته می شود در آن روز، سلام است.)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (45 احزاب)

ای پیامبر، همانا ما فرستادیم تو را گواهی دهنده ای و بشارتگر و هشداردهنده ای

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (46 احزاب)

و فرا خواننده ای به خدا، به اجازه او، و چراغی نوربخش

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا (47 احزاب)

و مژده ده به مؤمنان، به اینکه همانا برای آنان از خدا، مزیتی بزرگ است

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (48 احزاب)

و فرمانبرداری نکن از کافران و منافقان، و بگذر از آزارشان، و توکل کن بر خدا، و کافی است تا خدا کارگزار باشد

(به پیامبر بیان شده که از کافران و منافقان فرمانبرداری نکن و از آزاری که می رسانند، بگذر. در این آیه، رفتار پسندیده در برابر آزار آنها را، انجام ندادن عکس العمل در برابر آنها بیان کرده است و بیان شده از آزارشان بگذر. بیان نشده که از آنها به خاطر این کارشان، انتقام بگیر و یا به جان و مالشان تعرض کن یا آنها را بکُش. پس چگونه است که برخی به نام خدا و دین، به جان و مال افرادی به اتهام کافر یا منافق بودن، تعرض می کنند و حتی آنها را می کشند و رفتار خود را به خدا و دین و پیامبر نسبت می دهند. اینها جز دروغ نمی گویند و رفتار آنها هیچ ارتباطی با اسلام ندارد.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (49 احزاب)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر ازدواج کردید با زنان مؤمن، سپس طلاقشان دادید از قبل از اینکه لمس کنید آنها را، پس نیست برای شما بر آنان شماری، که به حساب آورید آن را، پس بهره مندشان کنید و طلاقشان دهید، رهایی ای زیبا

(بیان شده، اگر با زنان مؤمن ازدواج کردید و بدون اینکه با آنها آمیزش جنسی انجام دهید طلاقشان دادید، نیازی به حساب کردن شمارش روز برای زنان نیست که معلوم شود آیا حامله هستند یا نیستند. امروزه اگر بتوانند به روشی از جمله انجام تست حاملگی، مطمئن شوند که آیا خانم حامله هست یا نیست، دیگر نیازی به حساب کردن شمارش وجود ندارد.)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (50 احزاب)

ای پیامبر، همانا ما حلال کردیم برای تو همسرانت را، که دادی مزدهایشان را، و کنیزانت را، از آنچه عطا کرد خدا به تو، و دختران عمویت، و دختران عمه هایت، و دختران دایی ات، و دختران خاله هایت، که مهاجرت کردند با تو، و زن مؤمنی، اگر هدیه کرد خودش را به پیامبر، اگر خواست پیامبر، اینکه ازدواج کند با او، به صورت خالص برای تو است، غیر از مؤمنان، به درستی دانستیم چه تعیین کردیم برای آنان در همسرانشان و کنیزانشان، تا که نباشد برای تو تنگنایی، و بود خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر

(این آیه در مورد پیامبر بیان شده است و ارتباطی با دیگران ندارد. حکم ازدواج در قرآن بیان شده است و این آیه فقط در مورد پیامبر بیان شده است.)

تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (51 احزاب)

به تأخیر بینداز کسی را که می خواهی از آنان، و پیش خود جای ده کسی را که می خواهی، و کسی را که طلب کردی از کسی که دور کردی، پس نیست گناهی بر تو، آن نزدیک تر است به اینکه روشن شود چشمانشان، و اندوهگین نشوند و خرسند شوند به آنچه دادی به آنان، همگیشان، و خدا می داند آنچه را در دل هایتان است، و بود خدا دانای بردبار

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا (52 احزاب)

حلال نمی شود برای تو، زنان از این پس، و نه اینکه تعویض کنی با آنان، از همسران، اگرچه شگفت زده کرد تو را زیبایی آنان، جز کنیزانت، و بود خدا بر هر چیزی مراقب

(این آیه در مورد پیامبر بیان شده است. در این آیه خداوند به پیامبر بیان کرده که از این به بعد، زنان برای تو حلال نمی شوند یعنی نمی توانی از این به بعد ازدواجی داشته باشی و یا از همسران خود با زنان دیگر تعویض انجام دهی، حتی اگر شگفت زده کرد تو را زیبایی زنان، به جز کنیزانی که خواهی داشت. نکته ای که در این آیه به آن اشاره می کنم در مورد عبارت اگرچه شگفت زده کرد تو را زیبایی آنان، است. برخی به نام خدا و دین اینگونه بیان کرده اند که در اسلام حرامی تحت عنوان نگاه به نامحرم وجود دارد و آن یعنی نگاه مرد به بدن زن نامحرم و یا نگاه زن به بدن مرد نامحرم. در قرآن چیزی با عنوان نامحرم وجود ندارد و این محرم و نامحرمی که به دین نسبت داده اند جز دروغی بر خدا و دین نیست. در قرآن فقط در مورد آمیزش جنسی مرد و زن نکاتی بیان شده است و در مورد تماس بدنی زن و مرد یا در مورد نگاه کردن زن و مرد به همدیگر و یا در مورد پوشانده بودن بدن زن و مرد چیزی بیان نشده است و همه ی این مواردی که تحت عنوان محرم و نامحرم به اسلام نسبت داده اند، جز دروغ های بسته شده به خدا و دین نیستند. در این آیه خداوند به پیامبر بیان کرده حتی اگر شگفت زده کرد تو را زیبایی زنان، که این نشان دهنده این است که پیامبر به زنانی که از همسران خودش نبوده اند نیز نگاه می کرده است و حتی از زیبایی آنها به شگفت می آمده است.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (53 احزاب)

ای کسانی که ایمان آوردید، داخل نشوید به خانه های پیامبر، جز اینکه اجازه داده شود به شما به خوراکی ای، بدون اینکه انتظار کشنده های ظرفش باشید، و لیکن اگر دعوت شدید، پس داخل شوید، پس اگر خوردید، پس پراکنده شوید، و نه انس گرفته ها به سخنی، همانا آن آزار می داد پیامبر را، پس شرم می کند از شما، و خدا شرم نمی کند از حقیقت، و اگر درخواست کردید از آنان (=زنان پیامبر) کالایی را، پس بخواهید از آنان از پشت حایلی، آن پاکیزه تر است برای دل هایتان، و دل های آنان (=زنان پیامبر)، و نبود برای شما اینکه آزار دهید فرستاده ی خدا را، و نه اینکه ازدواج کنید با همسرانش، از پس از او هیچگاه، همانا آن بود نزد خدا بزرگ

(این آیه در مورد پیامبر و زنان پیامبر بیان شده است و ارتباطی با دیگران و زنان دیگر، ندارد.)

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (54 احزاب)

اگر آشکار کنید چیزی را، یا پنهانش کنید، پس همانا خدا بود بر هر چیزی دانا

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (55 احزاب)

نیست گناهی بر آنان (=زنان پیامبر)، به دلیل پدرانشان، و نه پسرانشان، و نه برادرانشان، و نه پسران برادرانشان، و نه پسران خواهرانشان، و نه زنانشان (=زنان مربوط به زن های پیامبر)، و نه بردگانشان، و حذر کنید از خدا، همانا خدا بود بر هر چیزی گواه

(این آیه در مورد زنان پیامبر بیان شده است و ارتباطی با زنان دیگر ندارد. در این آیه که در ادامه ی آیه ی قبل بیان شده است، بیان شده که در مورد افرادی که در این آیه بیان شد، اشکالی ندارد که زنان پیامبر بدون حایل، با آنان برخورد داشته باشند.)

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (56 احزاب)

همانا خدا و فرشتگانش، درود می فرستند بر پیامبر، ای کسانی که ایمان آوردید درود فرستید بر او، و تسلیم شوید، تسلیم شدنی

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا (57 احزاب)

همانا کسانی که آزار می دهند خدا و فرستاده اش را، لعنت کرد آنان را خدا در دنیا و آخرت، و آماده کرد برای آنان عذابی اهانت آمیز را

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا (58 احزاب)

و کسانی که آزار می دهند مردان و زنان مؤمن را، به غیر از آنچه که به دست آوردند، پس به درستی حمل کردند تهمت و گناهی آشکار را

(بیان شده، کسانی که مردان و زنان مؤمن را برای کاری که مرتکب نشده اند، آزار می دهند، تهمت و گناهی آشکار را حمل می کنند.)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (59 احزاب)

ای پیامبر، بگو به همسرانت و دخترانت و همسران مردان مؤمن، که نزدیک کنند بر خودشان از پیراهن های گشادشان، آن نزدیک تر است به اینکه شناخته شوند، پس مورد آزار قرار نگیرند، و بود خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر

(این آیه، در مورد آزاری بیان شده است که در آن زمان، از سوی افرادی برای زنان پیامبر و زنان مؤمنان روی داده است و خداوند در این آیه، پیشنهادی را برای جلوگیری از آن بیان کرده است. آزار دهندگان پس از اینکه برای زنان مؤمنان مزاحمت ایجاد می کردند، به دروغ بهانه ای را برای عمل خود می آوردند و می گفتند که ما نمی دانستیم که او از زنان مؤمنان بوده است، و اگر می دانستیم، این کار را انجام نمی دادیم. در این آیه به پیامبر بیان شده که به همسرانت و دخترانت و همسران مردان مؤمن بگو که پیراهن هایشان را به خود نزدیک کنند تا نشانه ای باشد که آنها زنانِ مردان مؤمن هستند و با این نشانه، دیگر آزار دهندگان نتوانند برای آزارشان، بهانه ی دروغ بیاورند. این آیه حکم اسلام نیست و تنها یک پیشنهاد برای همان زمان بوده است و ارتباطی با زمان های دیگر ندارد. دلیل اینکه این آیه حکم اسلام نیست، این است که به پیامبر بیان شده که به آنها بگو، و خداوند به شکل مستقیم حکمی را بیان نکرده است، و دلیل دیگر این است که علت این پیشنهاد در ادامه آیه بیان شده و بیان شده

که آن نزدیک تر است به اینکه شناخته شوند، پس مورد آزار قرار نگیرند. برخی می گویند که این آیه، یکی از آیه هایی است که حجاب را برای زنان واجب کرده است. در هیچ آیه ای از قرآن، موضوع حجاب برای زنان مطرح نشده است و این یکی از دروغ هایی است که به خدا و دین بسته اند. اگر خداوند حجاب را برای زن واجب می کرد، نحوه و چگونگی آن و اینکه کدام قسمت های بدن باید پوشانده شوند، به صورت واضح در قرآن بیان می شد.)

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (60 احزاب)

یقیناً اگر هرگز دست بر نداشتند منافقان و کسانی که در دل هایشان بیماری ای است و آشوب به پا کنندگان با پخش خبرهای نادرست در مدینه، یقیناً تو را بر آنان بر می انگیزیم، سپس در همسایگی تو قرار نمی گیرند در آن جز اندکی

(در این آیه خداوند بیان می کند که از این پس اگر آزار دهندگان، دست از کار خود بر ندارند، تو را بر علیه آنان بر خواهیم انگیخت و در همسایگی تو جز اندکی زندگی نخواهند کرد.)

مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا (61 احزاب)

لعنت شدگان، هر جا رسیده شدند، گرفته شدند، و بسیار کشته شدند، کشتاری را

(و در این حالت، سرنوشت آنها به این گونه خواهد بود که لعنت شدگان خواهند بود و هر کجا که آنها را یافتند، آنها را بگیرند و بسیاری از آنها را بکشند.)

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (62 احزاب)

روش خدا است برای کسانی که سپری شدند از قبل، و هرگز نمی یابی برای روش خدا تغییری را

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (63 احزاب)

می پرسد از تو مردم، از هنگام قیامت، بگو همانا دانش آن نزد خداست، و با خبر نمی شوی تو، شاید هنگام قیامت باشد نزدیک

(زمان وقوع قیامت را کسی جز خداوند نمی داند. خداوند به پیامبر بیان کرده که تو از هنگام قیامت با خبر نمی شوی، شاید هنگام آن نزدیک باشد. پیامبر که از زمان وقوع قیامت آگاهی نداشته است، چگونه ممکن است که از اتفاقات قبل از وقوع قیامت خبر دهد. مواردی که می گویند که پیامبر یا اشخاص دیگر در مورد اتفاقات قبل از قیامت بیان نموده اند، جز دروغ هایی که به خدا و دین بسته اند، چیز دیگری نیست و هدف آنها از بیان این دروغ ها، گمراه کردن مردم از اسلام حقیقی است.)

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا (64 احزاب)

همانا خدا لعنت کرد کافران را، و آماده کرد برای آنان زبانه ی آتشی را

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (65 احزاب)

همیشگی ها در آن برای همیشه هستند، نمی یابند دوستی و نه یاری کننده ای را

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا (66 احزاب)

روزی که بسیار دگرگون کرده می شود چهره هایشان در آتش، می گویند ای کاش ما اطاعت می کردیم از خدا، و اطاعت می کردیم فرستاده را

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا (67 احزاب)

و گفتند ربّ ما، همانا ما اطاعت کردیم سرورانمان و بزرگانمان را، پس گمراه کردند ما را از راه

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (68 احزاب)

ربّ ما، بده به آنان دو برابر از عذاب، و لعنتشان کن، لعنت کردنی بزرگ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا (69 احزاب)

ای کسانی که ایمان آوردید، نباشید مانند کسانی که آزار رساندند به موسی، پس مُبرا کرد او را خدا، از آنچه گفتند، و بود نزد خدا، صاحب منزلت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (70 احزاب)

ای کسانی که ایمان آوردید، حذر کنید از خدا، و بگویید سخنی درست کردار را

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (71 احزاب)

تا اصلاح کند برای شما کارهایتان را، و بیامرزد برای شما گناهانتان را، و کسی که اطاعت کند از خدا و فرستاده اش، پس به درستی به دست آورد موفقیتی بزرگ را

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (72 احزاب)

همانا ما عرضه کردیم امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه ها، پس امتناع کردند از اینکه حمل کنند آن را، و حذر کردند از آن، و حمل کرد آن را انسان، همانا او بود بسیار ستمگر نادانی

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (73 احزاب)

تا عذاب کند خدا، مردان و زنان منافق، و مردان و زنان قائل به شریک برای خدا را، و بازگردد خدا بر مردان و زنان مؤمن، و بود خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر

سوره سبأ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (1 سبأ)

ستایش برای خداوند است، آنکه برای اوست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و برای اوست ستایش در آخرت، و او صاحب حکمت با خبر است

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ (2 سبأ)

می داند آنچه وارد می شود در زمین، و آنچه خارج می شود از آن، و آنچه نازل می شود از آسمان، و آنچه بالا می رود در آن، و اوست بخشایشگر بسیار آمرزنده

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (3 سبأ)

و گفت کسانی که کفر ورزیدند، که نمی آید نزد ما هنگام قیامت، بگو آری، و سوگند به ربّم، یقیناً می آید نزد شما، دانای پنهان، از نظر ناپدید نمی شود از او مقدار بسیار ناچیز در آسمان ها و نه در زمین، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، جز اینکه در کتابی آشکار است

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (4 سبأ)

تا پاداش دهد کسانی را که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، آنان برایشان آمرزش گناه و روزی ای سخاوتمند است

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ (5 سبأ)

و کسانی که کوشش کردند در آیات ما عاجز کنندگان، آنان برایشان عذابی از درد و رنجی دردناک است

(بیان شده، کسانی که تلاش کردند تا از آیات خداوند بر علیه خداوند استفاده کنند، برایشان عذابی دردناک خواهد بود.)

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (6 سبأ)

و درک می کند کسانی که داده شدند دانش را، که آنچه که نازل شد به تو از ربّت، آن حقیقت است، و هدایت می کند به راه ارجمند ستوده

(کسانی که به آنان دانش داده شده است، درک می کنند که قرآن، حقیقت است و هدایت کننده است به راه خداوند. قرآن کتابی است که هدایت را از گمراهی مشخص می کند و برای فهمیدن اسلام حقیقی، فقط باید به قرآن مراجعه نمود.)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ (7 سبأ)

و گفت کسانی که کفر ورزیدند، آیا خاطر نشان کنیم شما را بر مردی، که با خبر می کند شما را، که اگر شکافته شدید به صورتِ به طور کامل متلاشی شده، همانا شما یقیناً در آفرینشی تازه هستید

أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ (8 سبأ)

آیا دروغ بافت بر خدا دروغی را، یا با او دیوانگی ای است، بلکه کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، در عذاب و گمراهی دور هستند

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنْ نَشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (9 سبأ)

آیا پس هرگز ندیدند آنچه را در برابر آنان است، و آنچه که پشت سر آنان است، از آسمان و زمین، اگر بخواهیم فرو نشانیم آنان را در زمین، یا می اندازیم بر آنان قطعه هایی از آسمان را، همانا در آن یقیناً نشانه ای است برای هر بنده ی مکرراً بازگردنده ای

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ (10 سبأ)

و یقیناً به درستی دادیم به داوود، از خودمان مزیتی را، ای کوه ها، هم صدا شوید با او، و پرندگان، و نرم کردیم برای او آهن را

أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (11 سبأ)

اینکه درست کن زره های گشادی را، و اندازه گیری کن در بافتن، و انجام دهید شایسته ای را، همانا من به آنچه انجام می دهید بینا هستم

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (12 سبأ)

و برای سلیمان باد را، که بامدادانِ آن ماهی (=یک ماه از سال) است و شامگاهِ آن ماهی (=یک ماه از سال) است، و نرم و روان ساختیم برای او چشمه ی مس گداخته را، و از جن، کسی است که کار می کند در برابر او با اجازه ی ربّش، و کسی را که منحرف شود از آنان از فرمان ما، می چشانیم به او از عذاب زبانه ی آتش

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (13 سبأ)

کار می کند برای او، آنچه را می خواهد از بهترین جاهای خانه، و مجسمه ها و خمره هایی مانند حوض های بزرگ و دیگ هایی ثابت، انجام دهید خاندان داوود، سپاسگزاری کردنی را، و اندکی از بندگانم، بسیار سپاسگزارند

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ (14 سبأ)

پس وقتی که مقرر کردیم بر او مرگ را، خاطر نشان نکرد آنان را به مرگ او، جز موریانه که می خورَد عصایش را، پس وقتی که فرو افتاد، آشکار شد برای جن، اینکه اگر می دانستند پنهان را، درنگ نمی کردند در عذاب اهانت آمیز

(هنگامی که سلیمان از دنیا رفت، جنیان که برای او کار می کردند، از مرگ او آگاه نشدند و سلیمان به حالت ایستاده و تکیه داده به عصایش، مرده بود و موریانه در حال خوردن عصای او بود. وقتی سلیمان

بر اثر پوسیدگی عصایش، افتاد، جنیان به ماجرا پی بردند، و اگر جنیان از قبل می دانستند که سلیمان مرده است، لحظه ای درنگ نمی کردند و برای او کار نمی کردند.)

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ (15 سبأ)

یقیناً به درستی بود برای سبأ در اقامتگاهشان نشانه ای، دو باغ از سمت راست و سمت چپ، بخورید از روزی ربّتان، و سپاسگزاری کنید برای او، شهری نیکو و ربّی بسیار آمرزنده است

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ (16 سبأ)

پس روی گرداندند، پس فرستادیم بر آنان آب بسیار و روان عَرِم را، و تبدیل کردیم برای آنان، دو باغشان را به دو باغ دارنده ی میوه ی تلخ مزه و درخت شوره گز و چیزی از درخت کُنار نحیف

ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ (17 سبأ)

آن را جزا دادیم به آنان، به سبب آنچه کفر ورزیدند، و آیا مجازات می کنیم جز کافر (یا ناسپاس) را

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ (18 سبأ)

و قرار دادیم بین آنان و بین آبادی هایی که مبارک کردیم در آن، آبادی های آشکار را، و مقدّر کردیم در آن عبور و مرور را، حرکت کنید در آن شب ها و روزها، به گونه ی دارای امنیت ها

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (19 سبأ)

پس گفتند ربّ ما، فاصله انداز بین سفرهایمان را، و ستم کردند به خودشان، پس قرار دادیم آنان را حکایت ها، و شکافتیم آنان را به طور کامل متلاشی شده، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای هر بسیار بردبارِ بسیار سپاسگزاری

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (20 سبأ)

و یقیناً به درستی صادق شمرد برای آنان شیطان، گمانش را، پس پیروی کردند از او، جز گروهی از مؤمنان

(گمان شیطان این بود که بسیاری از انسان ها را گمراه خواهد کرد، و در مورد آنها، این گمان شیطان به حقیقت پیوست، به جز در مورد گروهی از مؤمنان.)

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (21 سبأ)

و نبود برای او علیه آنان از چیرگی ای، جز تا بشناسیم کسی را که ایمان می آورد به آخرت، از کسی که او از آن در تردیدی است، و ربّ تو بر هر چیزی نگهبان است

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ (22 سبأ)

بگو صدا کنید کسانی را که ادعا کردید از غیر خدا، مالک نمی شوند مقدار بسیار ناچیزی را در آسمان ها و نه در زمین، و نیست برای آنان در آن دو از شریکی، و نیست برای او از آنان، از یاوری

(خداوند بیان می کند که به مشرکان بگو، خدایانشان را صدا کنند از غیر خدا، آنها حتی مقدار بسیار ناچیزی را در آسمان ها و زمین، مالک نمی شوند و آنها در آن دو شریک نیستند و آنان یاور خداوند نیستند.)

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّى إِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (23 سبأ)

و سود نمی رساند وساطت نزد او، جز برای کسی که اجازه داد برای او، تا اگر ترس از بین برده شد از دل هایشان، گفتند چه چیزی گفت ربّتان، گفتند حقیقت را، و او بلند قدر بزرگ است

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (24 سبأ)

بگو چه کسی روزی می دهد به شما از آسمان ها و زمین، بگو خدا، و همانا ما یا شما، یقیناً بر هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم

قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (25 سبأ)

بگو سؤال نخواهید شد از آنچه مرتکب جرم شدیم، و سؤال نمی شویم از آنچه انجام می‌دهید

(هر کسی مسئول کار خودش است و کسی به خاطر کارهای فرد دیگر، مورد سؤال واقع نخواهد شد.)

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (26 سبأ)

بگو گردآوری می کند میان ما را ربّ ما، سپس می گشاید میان ما را به حقیقت، و او بسیار گشاینده ی داناست

قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (27 سبأ)

بگو به من نشان دهید کسانی را که ملحق کردید به او به عنوان شریکان، هرگز چنین نیست، بلکه او خدای ارجمند صاحب حکمت است

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (28 سبأ)

و نفرستادیم تو را جز برای همگی مردم، مژده دهنده و هشدار دهنده ای، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (29 سبأ)

و می گویند چه وقت این وعده است، اگر بودید راستگویان

قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ (30 سبأ)

بگو برای شما، وعده گاه روزی است که تأخیر نمی کنید از آن ساعتی را، و پیشی نمی گیرید

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (31 سبأ)

و گفت کسانی که کفر ورزیدند، هرگز ایمان نمی آوریم به این قرآن، و نه به آنچه در برابر آن است، و اگر ببینی هنگامی که ستمکاران بازداشت شدگان هستند نزد ربّشان، بر می گرداند بعضی از آنان به بعضی گفتار را، می گوید کسانی که ناتوان دیده شدند به کسانی که کبر ورزیدند، اگر نبودید شما، یقیناً بودیم مؤمنان

(کافران گفتند که نه به این قرآن و نه به کتاب های قبل از آن، ایمان نمی آوریم. و در روز قیامت، کافران زیردست و فرمانبردار به کسانی که فرمان دهنده بودند می گویند که اگر شما نبودید، یقیناً ایمان آورده بودیم.)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ (32 سبأ)

گفت کسانی که کبر ورزیدند، به کسانی که ناتوان دیده شدند، آیا ما بازداشتیم شما را از هدایت، پس از اینکه آمد نزد شما، بلکه بودید بدکاران

(در جواب، کافران قدرتمند به زیردستان خود می گویند که آیا ما شما را از هدایت شدن بازداشتیم پس از اینکه هدایت نزد شما آمد، بلکه شما خود بدکار بودید.)

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (33 سبأ)

و گفت کسانی که ناتوان دیده شدند به کسانی که کبر ورزیدند، بلکه فریب شب و روز بود، هنگامی که امر می کردید به ما، اینکه کفر ورزیم به خدا، و قرار دهیم برای او همتایانی را، و پنهان نگه داشتند پشیمانی را، وقتی که دیدند عذاب را، و قرار دادیم طوق های آهنی را، در گردن های کسانی که کفر ورزیدند، آیا جزا داده می شوند جز آنچه را انجام می دادند

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (34 سبأ)

و نفرستادیم در آبادی ای از هشدار دهنده ای، جز اینکه گفت مرفه های (یا مستبدهای) آن، همانا ما به آنچه فرستاده شدید به آن، کافران هستیم

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (35 سبأ)

و گفتند ما را بیشتر است دارایی ها و فرزندانی، و نیستیم ما از عذاب شدگان

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (36 سبأ)

بگو همانا ربّ من، گسترش می دهد روزی را برای کسی که می خواهد، و تنگ می آورد، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ (37 سبأ)

و نیست دارایی هایتان و نه فرزندانتان، آنچه که نزدیک می کند شما را نزد ما، نزدیکی ای، جز کسی که ایمان آورد و انجام داد شایسته ای را، پس آنان برایشان پاداش دو برابر است، به سبب آنچه انجام دادند، و آنان در اتاق ها دارای امنیت ها هستند

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (38 سبأ)

و کسانی که تلاش می کنند در آیات ما عاجز کنندگان، آنان در عذاب، احضار شده ها هستند

(منظور از کسانی که تلاش می کنند در آیات ما عاجز کنندگان، کسانی است که می خواهند در آیات قرآن نکته ای پیدا کنند و به وسیله آن نکته، قرآن را تکذیب کنند.)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (39 سبأ)

بگو همانا ربّ من گسترش می دهد روزی را برای کسی که می خواهد از بندگانش، و تنگ می آورد برای او، و آنچه را خرج کردید از چیزی، پس او جانشین می گرداند آن را، و او بهترین روزی دهندگان است

(خداوند برای هر کسی که بخواهد، روزی را گسترش می دهد و برای هر کسی که بخواهد، روزی را تنگ می آورد، و اگر چیزی را در راه خدا خرج کنید مثلاً از مال خود به نیازمندی کمک نمایید، خداوند آن چیزی را که خرج کرده اید، جایگزین می نماید.)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ (40 سبأ)

و روزی که گرد هم می آورد آنها را همگی، سپس می گوید به فرشتگان، آیا اینان شما را می پرستیدند

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ (41 سبأ)

گفتند پاک و منزهی تو، تو دوست مایی از غیر آنان، بلکه می پرستیدند جن را، بیشترشان به آنان، مؤمنان بودند

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (42 سبأ)

پس امروز مالک نمی شود بعضی از آنان بر بعضی، فایده ای را، و نه زیانی را، و می گوییم به کسانی که ستم کردند، بچشید عذاب آتش را، که آن را تکذیب می کردید

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرًى وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (43 سبأ)

و اگر خوانده می شود بر آنان آیات آشکار ما، گفتند نیست این جز مردی که می خواهد اینکه باز دارد شما را از آنچه می پرستید پدرانتان، و گفتند نیست این جز دروغی، به دروغ نسبت داده شده، و گفت کسانی که کفر ورزیدند به حقیقت، وقتی که آمد نزد آنان، نیست این جز جادویی آشکار

وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ (44 سبأ)

و ندادیم به آنان از کتاب هایی که می خوانند (=فرا می گیرند) آن را، و نفرستادیم به آنان قبل از تو از هشدار دهنده ای

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (45 سبأ)

و تکذیب کرد کسانی از قبل از آنان، و نرسیدند به یک دهم آنچه دادیم به آنان، پس تکذیب کردند فرستادگان من را، پس چگونه بود دگرگونی

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (46 سبأ)

بگو همانا اندرز می دهم به شما یگانه ای را، اینکه برخیزید برای خدا دوتا دوتا و یکی یکی، سپس بیندیشید که نیست با همنشین شما از دیوانگی ای، نیست او جز هشدار دهنده ای برای شما، در برابر عذابی نیرومند

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (47 سبأ)

بگو آنچه را خواستم از شما از دستمزدی، پس آن برای شما، نیست مزد من جز بر خدا، و او بر هر چیزی گواه است

(به پیامبر بیان شده که بگو، آن دستمزدی که از شما برای پیامبر بودنم درخواست کردم، برای شما باشد. پیامبر برای انجام وظیفه ی پیامبری خود، از مردم دستمزدی طلب نمی کرده است و این آیه بیان شده تا به مردم یادآوری کند که دعوت کردن مردم از سوی پیامبر، هیچ منفعتی برای پیامبر نداشته است که بخواهد به دروغ این کار را انجام دهد.)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (48 سبأ)

بگو همانا ربّ من خارج می کند حقیقت را، بسیار دانای پنهان ها

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (49 سبأ)

بگو آمد حقیقت، و آغاز نمی شود باطل، و باز نمی گرداند

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ (50 سبأ)

بگو اگر گمراه شدم، پس همانا گمراه می شوم برای خودم، و اگر هدایت شدم، پس به سبب آنچه وحی می کند به من ربّ من، است، همانا او شنوای نزدیک است

(به پیامبر بیان شده که بگو، اگر گمراه شدم، گمراهی من علیه خودم است و اگر هدایت شدم، هدایت شدن من به سبب قرآنی است که خداوند به من وحی می کند. پیامبر نیز به واسطه ی قرآن، هدایت شده

است پس چگونه است که بسیاری از مسلمانان، به دنبال هدایت شدن از طریق منابع دیگری غیر از قرآن، از جمله گفتار و رفتار نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر هستند. این چیزی جز گمراهی از اسلام حقیقی به دنبال نخواهد داشت. موضوع دیگر اینکه در دین، هیچ اجباری وجود ندارد و هدایت شدن یا گمراه شدن هر کسی، به خود او مربوط می شود و هیچ کسی برای اعمال فرد دیگر، مورد سؤال واقع نخواهد شد.)

وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ (51 سبأ)

و اگر ببینی، هنگامی که ترسیدند، پس نیست فاصله ی بین دو انگشت، و گرفته شدند از جایی نزدیک

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (52 سبأ)

و گفتند ایمان آوردیم به آن، و چگونه برای آنان است گرفتن از جایی دور

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (53 سبأ)

و به درستی کفر ورزیدند به آن از قبل، و خارج می کنند از پنهان، از جایی دور

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ (54 سبأ)

و حایلی شد بین آنان، و بین آنچه بسیار راغب هستند، آنچنان که انجام داده شد با طرفدارانشان از قبل، همانا آنان بودند در تردیدی شبهه انگیز

سوره فاطر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (1 فاطر)

ستایش برای خداست، آفریننده ی آسمان ها و زمین، قرار دهنده ی فرشتگان، فرستادگانی صاحب بال های دوگانه، و سه گانه، و چهارگانه، می افزاید در آفرینش، آنچه را می خواهد، همانا خدا بر هر چیزی تواناست

مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (2 فاطر)

آنچه را بگشاید خدا، برای مردم از مهربانی ای، پس نیست بخیلی بر آن، و آنچه را خودداری کند، پس نیست فرستنده برای آن، از پس از او، و او ارجمند صاحب حکمت است

(اگر خداوند بخواهد مهربانی ای را برای مردم بفرستد، کسی نمی تواند مانع آن شود و اگر خداوند خودداری کند از چیزی، فرستنده ای برای آن، غیر از خداوند وجود ندارد.)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (3 فاطر)

ای مردم، به یاد آورید نعمت خدا را بر خود، آیا از آفریننده ای غیر از خدا، روزی می دهد به شما از آسمان و زمین، نیست خدایی جز او، پس چگونه دروغ می بافید

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (4 فاطر)

و اگر تو را تکذیب کنند، پس به درستی تکذیب کرده شد فرستادگان از قبل از تو، و به خدا برگردانده می شود کارها

(پیامبر مردم را به اجبار، پیرو دعوت خود نمی کرده است و این حق را نداشته است، و هر کسی می خواسته، ایمان می آورده و هر کسی می خواسته، کفر می ورزیده است، و در دین هیچ اجباری وجود ندارد.)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ (5 فاطر)

ای مردم، همانا وعده ی خدا حقیقت است، پس فریبتان ندهد زندگی دنیا، و نفریبد شما را به واسطه ی خدا، فریبنده

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (6 فاطر)

همانا شیطان برای شما، دشمنی است، پس بگیرید او را به عنوان دشمن، همانا فرا می خواند پیروانش را، تا باشند از همنشینان زبانه ی آتش

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (7 فاطر)

کسانی که کفر ورزیدند، برای آنان عذابی نیرومند است، و کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، برای آنان آمرزش گناه و پاداشی بزرگ است

(کسانی که در روز قیامت وارد بهشت می شوند، به این معنی نیست که اصلاً گناهی نداشته اند، بلکه آنها کسانی هستند که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، و در روز قیامت، به دلیل اینکه نیکی های آنها از بدی های آنها بیشتر بوده است، گناهان آنها آمرزیده شده و آنها رستگار شده اند. در قرآن، در بسیاری از آیات در مورد رستگاران اینگونه بیان شده، کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را.)

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (8 فاطر)

آیا پس کسی که آراسته شد برای او بدی کارش، و دید آن را به صورت نیکو، پس همانا خدا گمراه می کند کسی را که می خواهد، و هدایت می کند کسی را که می خواهد، پس خودت را از بین نبر برای آنان از افسوس ها، همانا خدا داناست به آنچه درست می کنند

(هدایت و گمراهی افراد، به خواست خداوند بستگی دارد. خداوند کسی را که بخواهد، هدایت می کند و کسی را که بخواهد، گمراه می کند و هدایت افراد، حتی به خواست پیامبر نیز بستگی نداشته است و

خداوند به پیامبر بیان کرده است که خودت را از افسوس خوردن برای آنان، از بین نبر. کسانی که گمان می کنند که از جانب خدا و دین، وظیفه دارند دیگران را به هر طریقی، حتی وادار کردن آنها به وسیله ی تهدید و جنایت، هدایت کنند، جز دروغ بر خدا و دین نمی گویند و رفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد و خود آنها در گمراهی هستند.)

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ (9 فاطر)

و خداست آنکه فرستاد بادها را، پس بر می انگیزد ابری را، پس جلو راندیم آن را به سرزمینی مرده، پس زنده کردیم با آن زمین را پس از مرگش، اینچنین است برانگیختن

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ (10 فاطر)

کسی که می خواست ارجمندی را، پس برای خداست ارجمندی، همگی، به او بالا می رود کلمات پاک و کار شایسته، بالا می بَرَد آن را، و کسانی که نیرنگ می زنند بدی ها را، برای آنان عذابی نیرومند است، و نیرنگ آنان خود، بی نتیجه است

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (11 فاطر)

و خدا آفرید شما را از خاکی، سپس از نطفه ای، سپس قرار داد شما را جفت هایی، و حمل نمی کند از ماده ای (=زن)، و فرو نمی نهد، جز به دانش او، و عمر نمی کند از کسی که عمر طولانی دارد، و کاسته نمی شود از زندگی اش، جز اینکه در مقرر کردنی است، همانا آن بر خدا آسان است

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (12 فاطر)

و مساوی نیست دو دریا، این گوارا است، آبی شیرین و خوش گوار است، گوارا است نوشیدنی آن، و این نَمَکینی است شور و تلخ، و از همگی می خورید گوشتی با طراوت را، و استخراج می کنید زیورآلاتی که می پوشید آن را، و می بینی کشتی را در آن شکافنده ها، تا طلب کنید از مزیت او، و شاید شما سپاسگزاری می کنید

(خوردن موجودات آبزی، حلال است و اینکه به نام دین، برخی از موجودات آبزی را حلال کرده اند و برخی را حرام کرده اند و برای حلال ها و حرام ها، ویژگی هایی را مشخص کرده اند، از جمله دروغ هایی است که بر خدا و دین بسته اند و در هیچ آیه ای از قرآن بیان نشده که مثلاً ماهی با این ویژگی ها، حلال است و اگر اینگونه نباشد، حرام است.)

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ (13 فاطر)

فرو می کند شب را در روز، و فرو می کند روز را در شب، و مغلوب کرد خورشید و ماه را، همگی روان است تا مهلتی مشخص، آن است خدا ربّتان، برای او است سلطه، و کسانی را که صدا می زنید از غیر او، مالک نمی شوند از پوست نازک روی هسته ی خرمایی را

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (14 فاطر)

اگر فرا بخوانید آنان را، نمی شنوند صدا کردن شما را، و اگر شنیدند، پاسخ ندادند برای شما، و روز قیامت، کفر می ورزند به شرکتان، و با خبر نمی کند تو را، مثل آگاه

(خبیر به معنای آگاه، یکی از نام های خداوند است.)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (15 فاطر)

ای مردم، شما نیازمندان هستید به خدا، و خدا خود، بی نیاز ستوده است

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (16 فاطر)

اگر بخواهد می بَرَد شما را، و می آوَرَد آفریدنی تازه را

وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (17 فاطر)

و نیست آن بر خدا، نیرومند

(بیان شده که انجام این کار، برای خداوند سخت نیست.)

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَى حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى إِنَّمَا تُنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (18 فاطر)

و حمل نمی کند حمل کننده ای، بار دیگری را، و اگر کمک بخواهد گرانباری به بارش، حمل نمی شود از آن چیزی، هر چند بود خویشاوند، همانا هشدار می دهی کسانی را که می ترسند از ربّشان بر پنهان، و بر پا داشتند نماز را، و کسی که پاکیزه شد، پس همانا پاکیزه می شود برای خودش، و به خدا است برگشتن

(هر کسی مسئول اعمال خودش است و هیچ کسی در روز قیامت، مسئولیت اعمال دیگری را بر عهده نمی گیرد و به خاطر اعمال دیگری، مورد سؤال واقع نخواهد شد. خداوند به پیامبر بیان کرده که هشدار دادن تو فقط برای کسانی فایده دارد که از ربّشان در پنهان می ترسند و نماز بر پا می دارند، و بیان شده اگر کسی پاکیزه شود، برای خودش پاکیزه می شود. پیامبر کسی را به دین اجبار نمی کرد و فقط مردم را به ایمان آوردن دعوت می کرد و وحی خداوند را به مردم می رساند. اینکه کسی ایمان بیاورد، به خواست پیامبر بستگی نداشته است و هر کسی خود تصمیم گیرنده در این زمینه بوده است.)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ (19 فاطر)

و مساوی نیست نابینا و بینا

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ (20 فاطر)

و نه تاریکی ها و نه روشنایی

وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ (21 فاطر)

و نه سایه و نه باد گرم و سوزان

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ (22 فاطر)

و مساوی نیست زنده ها و نه مرده ها، همانا خدا می شنواند کسی را که می خواهد، و نیستی تو از شنواننده ی کسی که در گورهاست

(خداوند هدایت می کند کسی را که می خواهد و گمراه می کند کسی را که می خواهد و هدایت شدن افراد، به خواست پیامبر نبوده است.)

إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (23 فاطر)

نیستی تو جز هشداردهنده ای

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (24 فاطر)

همانا ما فرستادیم تو را به حقیقت، بشارتگر و هشدار دهنده ای، و نیست از جماعتی، جز اینکه گذشت در آن، هشدار دهنده ای

(در هر جماعتی، پیامبری فرستاده شده است.)

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (25 فاطر)

و اگر تکذیب کنند تو را، پس به درستی تکذیب کرد کسانی از قبل از آنان، آمد نزد آنان فرستادگانشان با دلایل و با کتاب ها و با کتاب نوربخش

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (26 فاطر)

سپس گرفتم کسانی را که کفر ورزیدند، پس چگونه بود دگرگونی

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ (27 فاطر)

آیا هرگز ندیدی همانا خدا نازل کرد از آسمان آبی را، پس خارج کردیم با آن میوه هایی متفاوت از نظر رنگ ها را، و از کوه ها، علامت هایی سفید را، و سرخ های متفاوت از نظر رنگ هایش، و سیاهی های عجیب

وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (28 فاطر)

و از مردم و جنبندگان و دام، متفاوت از نظر رنگ های آن، اینچنین است، همانا می ترسد از خدا، از بندگانش، دانایان، همانا خدا ارجمند بسیار آمرزنده است

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ (29 فاطر)

همانا کسانی که می خوانند کتاب خدا را، و بر پا داشتند نماز را، و خرج کردند از آنچه روزی دادیم به آنان، سرّی و آشکارا، امید دارند به تجارتی که هرگز نابود نمی شود

(بیان شده، کسانی که می خوانند کتاب خدا را. کسی که می خواهد به اسلام حقیقی پی ببرد، تنها باید به قرآن مراجعه کند و مراجعه به منابعی از جمله گفتار و رفتار نسبت داده شده به پیامبر و افراد دیگر، برای شناخت اسلام، جز گمراهی از اسلام حقیقی، نتیجه ای نخواهد داشت.)

لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (30 فاطر)

تا به طور کامل به آنان بدهد پاداش هایشان را، و بیفزاید به آنان از مزیّتش، همانا او بسیار آمرزنده ی سپاسگزار است

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (31 فاطر)

و آنچه را وحی کردیم به تو از کتاب، آن حقیقت است، تصدیق کننده است برای آنچه در برابر آن است، همانا خدا به بندگانش یقیناً باخبری بیناست

(بیان شده، قرآن حقیقت است و تصدیق کننده ی کتاب های پیامبران قبل از خود است.)

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (32 فاطر)

سپس ارث گذاشتیم کتاب را برای کسانی که انتخاب کردیم از بندگانمان، پس از آنان، ستمکاری است به خودش، و از آنان، میانه رویی است، و از آنان، پیشی گیرنده است به کارهای نیک با اجازه ی خدا، آن خود مزیت بزرگ است

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (33 فاطر)

باغ های جاویدانی که وارد می شوند به آن، آراسته می شوند در آن، با دستبندهایی از طلا و مروارید، و لباس آنان در آن، ابریشم است

(یک نمونه از دروغ هایی که به دین بسته اند، حرام دانستن پوشیدن لباس ابریشمی برای مرد است. در هیچ آیه ای از قرآن، پوشیدن لباس ابریشمی برای مرد، حرام دانسته نشده است.)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ (34 فاطر)

و گفتند، ستایش برای خداست، آنکه بر طرف کرد از ما اندوه را، همانا ربّ ما یقیناً بسیار آمرزنده ی بسیار سپاسگزار است

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ (35 فاطر)

آنکه منزل داد به ما در منزلِ اقامت، از مزیتش، دچار نمی شود به ما در آن مشقّتی، و دچار نمی شود به ما در آن خستگی ای

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَى عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ (36 فاطر)

و کسانی که کفر ورزیدند، برای آنان آتش جهنم است، حکم داده نمی شود برای آنان تا بمیرند، و کاسته نمی شود از آنان از عذابش، اینچنین جزا می دهیم هر ناسپاسی را

وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (37 فاطر)

و آنان فریاد بر می آورند در آن، که ربّ ما خارج کن ما را، تا انجام دهیم شایسته ای را، غیر از آنچه انجام می دادیم، آیا هرگز طولانی نکردیم عمرتان را، که به یاد می آوَرَد در آن، کسی که به یاد آوَرد، و آمد نزد شما هشدار دهنده، پس بچشید، پس نیست برای ستمکاران از یاری کننده ای

إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (38 فاطر)

همانا خدا، دانای پنهانِ آسمان ها و زمین است، همانا او داناست به حقیقت سینه ها

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا (39 فاطر)

اوست آنکه قرار داد شما را جانشینان در زمین، پس کسی که کفر ورزید، پس علیه اوست کفرش، و نمی افزاید کافران را کفرشان، نزد ربّشان، جز بیزاری ای، و نمی افزاید کافران را کفرشان، جز زیانی

(هر کسی که کافر شد، کفرش علیه خود او است.)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (40 فاطر)

بگو آیا درک کردید شریکانتان را که صدا می کنید از غیر خدا، نشان دهید به من چه چیزی را آفریدند از زمین، یا برای آنان بهره ای است در آسمان ها، یا دادیم به آنان کتابی، پس آنان بر دلیلی از آن هستند، بلکه وعده نمی دهد ستمکاران، بعضی از آنان به بعضی، جز فریب دادنی را

(به پیامبر بیان شده که به مشرکان بگو، آیا برای خدایانی که از غیر خدا می پرستند، کتابی به آنان داده ایم که در آن کتاب، به آنان بیان شده که غیر از خدا، چندین خدا را بپرستند.

در اینجا یک سؤال از شیعیان پرسیده می شود و آن این است که آیا در آیه ای از قرآن، به آنها بیان شده که به امامت اعتقاد داشته باشند. و سؤالی که از پیروان مذهب شیعه و سنی پرسیده می شود این است که آیا در آیه ای از قرآن، بیان شده که برای شناخت احکام دین خود، به منابعی غیر از قرآن مراجعه کنند. اینها نمونه هایی از گمراهی هایی است که بسیاری از مسلمانان به آن دچار هستند.)

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (41 فاطر)

همانا خدا مانع می شود آسمان ها و زمین را، اینکه نابود شوند، و یقیناً اگر نابود شدند، مانع نشد آن دو را، از هیچ کسی از پس از او، همانا او بود بردباری بسیار آمرزنده

(بیان شده خداوند مانع نابود شدن آسمان ها و زمین می شود و اگر آن ها نابود شدند، کسی غیر از خدا مانع نابودی آنها نبوده است.)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (42 فاطر)

و سوگند خوردند به خدا، سوگندهای با تلاششان را، که یقیناً اگر آمد نزد آنان هشدار دهنده ای، یقیناً خواهند بود هدایت یافته تر از هر یک از جماعت ها، پس وقتی که آمد نزد آنان هشدار دهنده ای، نیفزود به آنان جز بیزار شدنی را

(سوگندهای با تلاش، یعنی سوگندهایی که با تأکید بیان می شود.)

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (43 فاطر)

کبر ورزی ای در زمین و فریبِ بد، و احاطه نمی کند فریبِ بد، جز بر ساکنین آن، پس آیا انتظار می کشند جز روش نخست ها را، پس هرگز نمی یابی برای روش خدا جایگزینی ای را، و هرگز نمی یابی برای روش خدا دگرگونی ای را

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (44 فاطر)

آیا هرگز حرکت نکردند در زمین، پس بنگرند چگونه بود پایان کار کسانی که از قبل از آنان هستند، و بودند توانمندتر از آنان از نظر قدرت، و نبود خدا، تا عاجز کند او را چیزی در آسمان ها و نه در زمین، همانا او بود دانایی توانا

(و نبود خدا، تا عاجز کند او را چیزی در آسمان ها و نه در زمین، به این معنا است که چیزی در آسمان ها و زمین، نمی تواند خداوند را عاجز کند.)

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (45 فاطر)

و اگر بگیرد خدا مردم را به سبب آنچه به دست آوردند، رها نمی کرد بر سطح آن از جنبنده ای را، و لیکن به تأخیر می اندازد آنان را تا مهلتی مشخص، پس اگر آمد مهلتشان، پس همانا خدا بود به بندگانش بینا

(خداوند برای انسان ها مهلتی را مشخص کرده است تا در زمین زندگی کنند و در روز قیامت، به حساب انسان ها رسیدگی خواهد شد.)

سوره یس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

یس (1 یس)

یا سین

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (2 یس)

سوگند به قرآن صاحب حکمت

(قرآن صاحب حکمت است و برای پی بردن به حکمت قرآن، باید قرآن را خواند.)

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (3 یس)

همانا تو یقیناً از فرستاده شدگانی

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (4 یس)

بر راهی راست

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (5 یس)

وحی کردنِ ارجمند بخشایشگر است

(قرآن از جانب خداوند وحی شده است.)

لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (6 یس)

تا هشدار دهی جماعتی را که هشدار داده نشد پدرانشان، پس آنان بی خبران هستند

(پیامبر به وسیله ی قرآن به مردم هشدار می داد و آیات قرآن را برای آنها بیان می کرد.)

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (7 یس)

یقیناً به درستی بایسته شد گفتار برای بیشترشان، پس آنان ایمان نمی آورند

(منظور از گفتار، به احتمال زیاد، همان گفته ی خداوند است که بیان کرد، جهنم را از شیطان و انسان هایی که از شیطان پیروی کنند، پر خواهم کرد.)

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ (8 یس)

همانا ما قرار دادیم در گردن هایشان طوق هایی آهنی را، پس آن تا چانه ها است، پس آنان سر بالا برده شده ها هستند

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (9 یس)

و قرار دادیم از برابرشان حایلی را، و از پشتشان حایلی را، پس بدون دید کردیم آنان را، پس آنان نمی بینند

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (10 یس)

و یکسان است برای آنان، چه هشدارشان دهی یا هرگز هشدارشان ندهی، ایمان نمی آورند

(ایمان آوردن و نیاوردن افراد، به تصمیم خود آنها بستگی دارد و پیامبر برای اجبار مردم به ایمان آوردن، از جانب خداوند برای پیامبری انتخاب نشد و پیامبر فقط آنها را به ایمان آوردن دعوت می نمود.)

إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (11 یس)

همانا هشدار می دهی کسی را که پیروی کرد یادآوری را، و ترسید از بخشاینده به پنهان، پس مژده ده او را به آمرزشی و پاداشی ارجمند

(منظور از یادآوری، قرآن است و به پیامبر بیان شده که هشدار دادن تو برای کسانی سودمند است که از قرآن پیروی می کنند و از خداوند در پنهان می ترسند.)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ (12 یس)

همانا ما خود زنده می گردانیم مردگان را، و می نویسیم آنچه را پیش انداختند، و اثرهایشان را، و هر چیزی را، شمارش کردیم آن را در الگویی آشکار

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (13 یس)

و بیان کن برای آنان مَثَلی را، همنشینان آبادی را، هنگامی که آمد نزد آن فرستادگان

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ (14 یس)

هنگامی که فرستادیم به آنان، دو (=مرد) را، پس تکذیب کردند آن دو را، پس تقویت کردیم با سومی، پس گفتند همانا ما به شما فرستادگانیم

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (15 یس)

گفتند نیستید شما جز انسانی مثل ما، و نازل نکرد بخشاینده از چیزی را، شما جز دروغ نمی گویید

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ (16 یس)

گفتند، ربّ ما می‌داند که همانا ما به شما یقیناً فرستاده شدگانیم

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (17 یس)

و نیست بر ما جز رساندن آشکار

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (18 یس)

گفتند همانا ما به فال بد گرفتیم شما را، یقیناً اگر هرگز دست بر ندارید، یقیناً با سنگ می زنیم شما را، و یقیناً دچار می شود به شما از ما، عذابی دردناک

قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ (19 يس)

گفتند سبب نیک بختی و بد بختی شما با شماست، آیا اگر یادآوری کرده شدید، بلکه شما جماعتی زیاده رو هستید

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (20 يس)

و آمد از دورترین شهر، مردی که می دود، گفت ای جماعت من، پیروی کنید از فرستادگان

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ (21 يس)

پیروی کنید کسی را که تقاضا نمی کند از شما پاداشی را، و آنان هدایت شدگان هستند

وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (22 يس)

و مرا چه شده، که نمی پرستم آنکه را آفرید مرا، و به او بازگردانده می شوید

أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ (23 يس)

آیا بگیرم از غیر او خدایانی را، که اگر بخواهد برای من، بخشاینده، زیانی را، بی نیاز نمی کند از من وساطت آنان، چیزی را، و نجات نمی دهند مرا

إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (24 يس)

همانا من بدین ترتیب، یقیناً در گمراهی آشکاری هستم

إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ (25 يس)

همانا من ایمان آوردم به ربّتان، پس بشنوید مرا

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (26 يس)

گفته شد، وارد شو به باغ، گفت ای کاش، قوم من بدانند

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (27 يس)

آنچه را آمرزید برای من، ربّ من، و قرار داد مرا از محترمین

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ (28 يس)

و نازل نکردیم بر قومش، از پس از او، از لشکری از آسمان، و نبودیم نازل کنندگان

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (29 يس)

نبود جز فریادی یگانه، پس ناگهان آنان فرو نشستگان بودند

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (30 يس)

ای افسوس بر بندگان، نیامد نزد آنان از فرستاده ای، جز اینکه او را مسخره می کردند

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (31 يس)

آیا هرگز ندیدند، چقدر نابود کردیم قبل از آنان از نسل ها را، همانا آنان به آنها بر نمی گردند

وَإِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (32 يس)

و نیستند همگی، جز اینکه همگی نزد ما احضار شده ها هستند

وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (33 يس)

و نشانه ای برای آنان، زمین مرده است که زنده اش کردیم، و خارج کردیم از آن دانه ای را، پس از آن می خورند

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ (34 يس)

و قرار دادیم در آن باغ هایی از درخت خرما و انگورها، و فوران کردیم در آن از چشمه ها

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (35 يس)

تا بخورند از میوه ی آن، و آنچه را درست کرد آن را دست هایشان، آیا پس سپاسگزاری نمی کنید

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (36 يس)

پاک و منزه است آنکه آفرید جفت ها را، همه اش را از آنچه می رویاند زمین، و از خودشان، و از آنچه نمی دانند

وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ (37 يس)

و نشانه ای برای آنان شب است، که در می آوریم از آن روز را، پس ناگهان آنان تیره و تارها هستند

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (38 يس)

و خورشید، جاری می شود تا محل استقراری برای آن، آن مقدر کردن ارجمند داناست

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (39 يس)

و ماه را، مقدر کردیم برای آن، خانه هایی را، تا به جای اولیه بازگشت، مانند شاخه ی خرمای کهنه

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (40 يس)

نه خورشید بایسته است برای آن، اینکه بپیوندد به ماه، و نه شب پیشی گیرنده است از روز، و همگی در مداری، سیر و سفر دراز می کنند

وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (41 يس)

و نشانه ای برای آنان، اینکه همانا ما حمل کردیم فرزندانشان را در کشتی ای، حمل شده

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (42 يس)

و آفریدیم برای آنان، از نظیر آن، آنچه را سوار می شوند

وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ (43 يس)

و اگر بخواهیم غرقشان می کنیم، پس نیست فریاد رسی برای آنان، و نه آنان نجات داده می شوند

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ (44 يس)

جز مهربانی ای از ما، و کالایی تا هنگامی

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (45 يس)

و اگر گفته شد به آنان، حذر کنید از آنچه در برابرتان است، و از آنچه پشتتان است، شاید شما مورد ترحم قرار گیرید

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (46 يس)

و نمی آید نزد آنان، از نشانه ای از نشانه های ربّشان، جز اینکه بودند از آن روی گردان ها

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (47 يس)

و اگر گفته شد به آنان، خرج کنید از آنچه روزی داد به شما خدا، گفت کسانی که کفر ورزیدند، به کسانی که ایمان آوردند، آیا غذا بدهیم به کسی که اگر می خواهد خدا، غذا داد به او، نیستید شما جز در گمراهی آشکاری

(بیان شده که اگر به آنان گفته شد که از دارایی هایتان برای کمک به نیازمندان، خرج کنید، کافران به کسانی که ایمان آوردند، گفتند آیا به کسانی غذا بدهیم که اگر خداوند می خواست، به آنها غذا می داد، شماها در گمراهی هستید.)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (48 يس)

و می گویند چه وقت است این وعده، اگر بودید راستگویان

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (49 يس)

انتظار نمی کشند جز فریادی یگانه را، که می گیرد آنان را، و آنان با هم درگیرند

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (50 يس)

پس توانایی نمی یابند سفارشی را، و نه به بستگانشان باز می گردند

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (51 يس)

و دمیده شد در صور (یا شیپور)، پس ناگهان آنان از گورها به ربّشان سریع می شوند

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (52 يس)

گفتند ای وای بر ما، چه کسی برانگیخت ما را از بسترمان، این است آنچه وعده داد بخشاینده، و راست گفت فرستادگان

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (53 يس)

نبود جز فریادی یگانه، پس ناگهان آنان همگی نزد ما احضار شده ها هستند

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (54 يس)

پس امروز مورد ستم واقع نمی شود کسی، چیزی را، و پاداش داده نمی شوید جز آنچه را انجام می دادید

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ (55 يس)

همانا همنشینان باغ، امروز در کاری، شوخی کنندگان هستند

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ (56 يس)

آنان و همسرانشان (یا همنشینانشان)، در سایه هایی بر تخت ها تکیه دهندگانند

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ (57 يس)

برای آنان در آن، میوه ای است، و برای آنان است آنچه را درخواست می کنند

سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ (58 يس)

درودی است، گفتاری از ربّ بخشایشگر

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ (59 يس)

و جدا شوید امروز، ای بدکاران

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (60 يس)

آیا هرگز توصیه نکردم به شما، ای فرزندان آدم، اینکه نپرستید شیطان را، همانا او برای شما دشمنی آشکار است

وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (61 يس)

و اینکه بپرستید مرا، این است راهی راست

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (62 يس)

و یقیناً به درستی گمراه کرد از شما، جماعتی بسیار را، آیا پس هرگز درک نمی کردید

(بیان می شود که شیطان، بسیاری از انسانها را گمراه کرد.)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (63 يس)

این است جهنمی، که وعده داده می شدید

اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (64 یس)

داخل آن شوید امروز، به سبب آنچه کفر می ورزیدید

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (65 یس)

امروز مُهر می زنیم بر دهان هایشان، و سخن می گوید با ما دست هایشان، و گواهی می دهد پاهایشان، به آنچه گرد می آوردند

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ (66 یس)

و اگر می خواهیم، یقیناً محو می کردیم بر چشم هایشان، پس سبقت گرفتند راه را، پس چگونه مشاهده می کنند

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ (67 یس)

و اگر می خواهیم، یقیناً بد چهره کردیم آنان را، بر اساس مرتبه شان، پس توانایی انجام نیافتند رفتنی را، و بر نمی گردند

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ (68 یس)

و کسی را که عمرش را طولانی می کنیم، واژگونش می کنیم در آفریدن، آیا پس درک نمی کنند

(منظور از واژگونش می کنیم در آفریدن، این است که پس از توانایی و دانش در سنین جوانی، در سنین پیری، از نظر بدنی به ناتوانی و از لحاظ عقلی به بی دانشی می رسد مثلاً دچار فراموشی می شود.)

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ (69 یس)

و نیاموختیم به او شعر را، و لازم نیست برای او، نیست آن جز به یاد آوردنی و قرآنی آشکار

(بیان شده که به پیامبر شعر نازل نکردیم، قرآن است که به او نازل شده است و قرآن، به یاد آوردنی است و به صورت آشکار و قابل فهم نازل شده است.)

لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (70 یس)

تا هشدار دهد کسی را که بود به صورت زنده، و بایسته شود گفتار بر کافران

(پیامبر به مردم، به وسیله ی قرآن و بیان آیات قرآن، هشدار می دهد و البته کسی که خواست، ایمان می آورد و کسی که خواست، کفر می ورزد.)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (71 یس)

آیا هرگز ندیدند همانا ما آفریدیم برای آنان، از آنچه انجام داد دست هایمان، دامی را، پس آنان برای آن، صاحبان هستند

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (72 يس)

و خوار کردیم آن را برای آنان، پس از آن مخصوص سواری آنان است، و از آن می خورند

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (73 يس)

و برای آنان در آن، فایده ها و نوشیدنی ها است، آیا پس سپاسگزاری نمی کنند

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ (74 يس)

و گرفتند از غیر خدا، خدایانی را، شاید آنان یاری کرده می شوند

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ (75 يس)

توانایی انجام نمی یابند یاری کردن آنان را، و آنان برای آنها، لشکری احضار شده ها هستند

فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (76 يس)

پس اندوهگین نسازد تو را گفتار آنان، همانا ما می دانیم آنچه را پنهان می کنند و آنچه را آشکار می کنند

(خداوند به پیامبر بیان کرده که گفتار کافران، تو را اندوهگین نسازد. به پیامبر بیان نشده که اگر حرفی زدند که کفر بود، و یا حرف نادرستی زدند، با آنها برخورد کن و به جان و مال آنها تعرض کن. پس چگونه است که برخی به نام خدا و دین، حق خود می دانند که با هر تفکر و عقیده و سخنی که از نظر آنها نادرست است، مقابله کنند و به جان و مال صاحب آن نظر و گفتار، تعرض داشته باشند و این رفتار خود را در برخی موارد به سنّت پیامبر نیز نسبت می دهند. مگر غیر از این است که خداوند به پیامبر خلاف این رفتار آنها را توصیه نموده است. گفتار آنها جز دروغی بر خدا و دین نیست و رفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد. برای شناخت اسلام حقیقی، فقط باید به قرآن مراجعه نمود و مراجعه به منابع دیگر مانند سخنان و رفتارهای نسبت داده شده به پیامبر و افراد دیگر، جز باعث گمراهی از شناخت اسلام حقیقی نمی شود.)

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ (77 يس)

آیا هرگز ندید انسان، که همانا ما آفریدیم او را از نطفه ای، پس ناگهان او دشمنی آشکار است

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (78 يس)

و بیان کرد برای ما مَثَلی را، و فراموش کرد آفریدنش را، گفت چه کسی زنده می کند استخوان ها را، و آن به صورت پوسیده است

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (79 يس)

بگو زنده می کند آن را، آنکه ایجاد کرد آن را اولین دفعه، و او بر هر آفریدنی داناست

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ (80 يس)

آنکه قرار داد برای شما از درخت سبز، آتشی را، پس ناگهان شما از آن بر می افروزید

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَى وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (81 يس)

آیا نیست آنکه آفرید آسمان ها و زمین را، توانا بر اینکه بیافریند مثل آنها را، آری، و او بسیار خلق کننده ی داناست

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (82 يس)

همانا فرمان او، اگر خواست چیزی را، این است که بگوید به او، باش، پس باشد

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (83 يس)

پس پاک و منزه است آنکه به دست اوست عظمت هر چیزی، و به او بازگردانده می شوید

سوره صافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا (1 صافات)

و سوگند به صف ایستاده ها، به صورت ردیف

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا (2 صافات)

پس بازدارندگان، بازداشتنی را

فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا (3 صافات)

پس تلاوت کنندگان، به یاد آوردنی را

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ (4 صافات)

همانا خدای شما، یقیناً یگانه است

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ (5 صافات)

ربّ آسمان ها و زمین، و آنچه بین آن دو است، و ربّ مشرق ها

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ (6 صافات)

همانا ما آراستیم آسمان دنیا را، با زیور ستارگان

وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ (7 صافات)

و نگهداری کردنی، از هر شیطان نافرمانی

لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (8 صافات)

گوش فرا نمی دهند به جماعت بالاتر، و پرتاب می شوند از هر جهتی

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (9 صافات)

پس زننده ای، و برای آنان عذابی همیشگی است

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (10 صافات)

جز کسی که ربود، ربوده شده را، پس دنبال کرد او را شهابی نافذ

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ (11 صافات)

پس همه پرسی کن از آنان، که آیا آنان نیرومندتر هستند از نظر آفریدن، یا کسی را که آفریدیم، همانا ما آفریدیم آنان را از گِلی چسبنده

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ (12 صافات)

بلکه متعجب شدی، و مسخره می کنند

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ (13 صافات)

و اگر یادآوری کرده شدند، به یاد نمی آورند

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ (14 صافات)

و اگر دیدند آیه ای (یا نشانه ای) را، مسخره می کنند

وَقَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (15 صافات)

و گفتند، نیست این جز جادویی آشکار

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (16 صافات)

آیا اگر مُردیم و بودیم خاکی و استخوان هایی، آیا همانا ما یقیناً برانگیخته شدگان هستیم

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (17 صافات)

آیا پدران نخستینمان

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ (18 صافات)

بگو بله، و شما ذلیلان هستید

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ (19 صافات)

پس همانا آن فریادی یگانه است، پس ناگهان آنان نگاه می کنند

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ (20 صافات)

و گفتند ای وای بر ما، این روز جزا است

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (21 صافات)

این روز جدا کردن است، که آن را تکذیب می کردید

احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ (22 صافات)

گرد هم آورید کسانی را که ستم کردند، و همنشینانشان را، و آنچه را می پرستیدند

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ (23 صافات)

از غیر از خدا، پس هدایت کنید آنان را به راه آتش بسیار گرم و سوزان

وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (24 صافات)

متوقف کنید آنان را، همانا آنان سؤال شوندگان هستند

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ (25 صافات)

شما را چه شده که یاری نمی رسانید

بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ (26 صافات)

بلکه آنان امروز تسلیم شدگان هستند

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (27 صافات)

و روی آورد بعضی از آنان بر بعضی، از یکدیگر می پرسند

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ (28 صافات)

گفتند همانا شما نزد ما می آمدید از دست راست (=کنایه از خیر خواهی)

(بعضی از آنها به بعضی گفتند که شما خود را خیر خواه ما معرفی می کردید و منظورشان این است که خیر خواه نبوده اید.)

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (29 صافات)

گفتند، بلکه هرگز نبودید مؤمنان

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ (30 صافات)

و نبود برای ما، بر شما از چیرگی ای، بلکه بودید جماعتی گردنکش

(آنها جواب می دهند که شما هرگز ایمان نمی آوردید و برای ما بر شما تسلطی نبود و ما شما را مجبور به کاری نکردیم و شما خود جماعتی گردنکش بودید.)

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ (31 صافات)

پس بایسته شد بر ما گفتار ربّمان، همانا ما یقیناً چشنده هاییم

(آنها می گویند که گفتار خداوند برای ما انجام می پذیرد و ما در عذاب جهنم قرار خواهیم گرفت.)

فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ (32 صافات)

پس گول زدیم (یا گمراه کردیم) شما را، همانا ما بودیم گمراهان

(آنها در جوابِ این صحبتِ بینشان، می گویند که ما، شما را گول زدیم، و ما گمراه بودیم.)

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (33 صافات)

پس همانا آنان در آن روز، در عذاب، مشارکت کنندگان هستند

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (34 صافات)

همانا ما اینچنین انجام می دهیم با بدکاران

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (35 صافات)

همانا آنان بودند که اگر گفته شد به آنان، نیست خدایی جز خدا، کبر می ورزند

وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُو آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ (36 صافات)

و می گویند آیا همانا ما یقیناً ترک کننده هاییم خدایانمان را، برای شاعری دیوانه

(منظور آنها از شاعر دیوانه، پیامبر بوده است و شعر او به گمان آنها، قرآن بوده است.)

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ (37 صافات)

بلکه آورد حقیقت را، و راستگو دانست فرستادگان را

(بیان شده که پیامبر حقیقت را آورد و منظور از حقیقت، قرآن است و پیامبران دیگر را راستگو دانست.)

إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (38 صافات)

همانا شما یقیناً چشنده های عذاب دردناک هستید

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (39 صافات)

و جزا داده نمی شوید جز آنچه را انجام می دادید

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (40 صافات)

جز بندگان خالصانه کننده های خدا

(این افراد، در عذاب دردناک وارد نمی شوند.)

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ (41 صافات)

آنان برایشان، روزی ای شناخته شده است

فَوَاكِهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ (42 صافات)

میوه ها، و آنان گرامی داشته شدگان هستند

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (43 صافات)

در باغ های ناز و نعمت

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (44 صافات)

بر تخت هایی در مقابل هم

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ (45 صافات)

می گرداند گرد آنان، جامی از آب جاری

بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ (46 صافات)

سفید گوارا برای نوشندگان

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ (47 صافات)

نیست در آن سر دردی، و نه آنان از آن، مست می شوند

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ (48 صافات)

و نزد آنان محدود کننده های (=مؤنث) زیر چشمی نگاه کردنِ چشم است (=کنایه از قانع بودن به شوهران خودشان است)

كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ (49 صافات)

مانند اینکه همانا آنان، سفیدهایی پوشانده شده اند (یا آرام گرفته شده اند)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (50 صافات)

پس روی آورد بعضی از آنان بر بعضی، از یکدیگر می پرسند

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ (51 صافات)

گفت گوینده ای از آنان، همانا من را بود برایم همنشینی

يَقُولُ أَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ (52 صافات)

می گوید، آیا همانا تو یقیناً از باور کنندگان هستی

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ (53 صافات)

آیا اگر مُردیم و بودیم به صورت خاک و استخوان هایی، آیا همانا ما یقیناً به حساب آمده ها هستیم

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ (54 صافات)

گفت، آیا شما آگاهان هستید

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ (55 صافات)

پس آگاه کرد، پس دید او را در میانه ی آتش بسیار گرم و سوزان

قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتَ لَتُرْدِينِ (56 صافات)

گفت، به خدا سوگند، همانا نزدیک بود که تو یقیناً باعث سقوط من شوی

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (57 صافات)

و اگر نبود نعمت ربّ من، یقیناً بودم از احضار شدگان

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ (58 صافات)

آیا پس نیستیم ما از مردگان

(می گوید که آیا ما دیگر نخواهیم مُرد.)

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (59 صافات)

جز مرگ نخست ما، و نیستیم ما از عذاب شدگان

(جز مرگ نخستینمان، و آیا ما عذاب نخواهیم شد.)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (60 صافات)

همانا این یقیناً خود، پیروزی بزرگ است

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ (61 صافات)

برای مثل این، پس باید انجام دهد انجام دهندگان

أَذَلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ (62 صافات)

آیا آن بهتر است به عنوان منزل، یا درخت زقوم

(آیا بهشت برای ساکن شدن بهتر است یا جهنم، که خوراک اهل آن از درخت زقوم است.)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ (63 صافات)

همانا ما قرار داديم آن را، در آشوب افكندنی برای ستمكاران

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ (64 صافات)

همانا آن درختی است كه خارج می شود از بيخ آتش بسيار گرم و سوزان

طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ (65 صافات)

شكوفه ی آن، مانند اين است كه همانا آن، سرهای شيطان ها است

فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (66 صافات)

پس همانا آنان يقيناً خورندگان از آن هستند، پس پر كنندگان از آن هستند شكم ها را

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ (67 صافات)

سپس همانا برای آنان در آن، يقيناً آميزه ای از آب گرم است

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ (68 صافات)

سپس همانا بازگشتشان يقيناً به آتش بسيار گرم و سوزان است

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ (69 صافات)

همانا آنان يافتند پدرانشان را، گمراهان

فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ (70 صافات)

پس آنان بر رد پاهای آنان می شتابند

(آنها از نسل قبلی خود كه گمراه بودند، پيروی كردند.)

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ (71 صافات)

و يقيناً به درستی گمراه شد قبل از آنان، بيشتر نخست ها

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ (72 صافات)

و يقيناً به درستی فرستاديم در آنان، هشدار دهندگان را

فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ (73 صافات)

پس بنگر چگونه بود پايان كار هشدار داده شدگان

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (74 صافات)

جز بندگان خالص كننده ی خدا

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (75 صافات)

و یقیناً به درستی صدا کرد ما را نوح، پس یقیناً چه خوب اجابت کنندگان است

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (76 صافات)

و رهایی دادیم او و خانواده اش را، از اندوه بزرگ

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ (77 صافات)

و قرار دادیم نسل او را خود، پایداران

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (78 صافات)

و بر جا گذاشتیم برای او، در واپسین ها

سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (79 صافات)

درودی برای نوح در جهانیان

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (80 صافات)

همانا ما اینچنین جزا می دهیم بسیار نیکوکاران را

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (81 صافات)

همانا او از بندگان مؤمن ما است

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ (82 صافات)

سپس غرق کردیم دیگران را

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ (83 صافات)

و همانا از پیروان او، یقیناً ابراهیم است

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (84 صافات)

هنگامی که آورد نزد ربّش، دلی سالم را

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (85 صافات)

هنگامی که گفت به پدرش و قومش، چه چیزی را می پرستید

أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ (86 صافات)

آیا به دروغ، خدایانی غیر از خدا را رغبت دارید

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (87 صافات)

پس چیست گمانتان به ربّ جهانیان

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ (88 صافات)

پس نگاه کرد، نگاهی در ستارگان

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (89 صافات)

پس گفت همانا من بیمارم

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ (90 صافات)

پس روی برتافتند از او، پشت کنندگان

فَرَاغَ إِلَى آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (91 صافات)

پس مخفیانه گرایش یافت به خدایانشان، پس گفت آیا نمی خورید

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ (92 صافات)

شما را چه شده که سخن نمی گویید

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ (93 صافات)

پس مخفیانه گرایش یافت بر آنان، ضربه زدنی با دست راست

(ابراهیم به صورت مخفیانه به محل بت ها رفت و آنها را شکست.)

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ (94 صافات)

پس روی آوردند به او، در حالی که شتابان می شوند

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ (95 صافات)

گفت آیا می پرستید آنچه را می تراشید

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ (96 صافات)

و خدا آفرید شما را، و آنچه را می سازید

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ (97 صافات)

گفتند بنا کنید برای او ساختمانی را، پس بیندازید او را در آتش بسیار گرم و سوزان

(قوم ابراهیم تصمیم گفتند که او را در آتش بسوزانند.)

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ (98 صافات)

پس خواستند بر او نیرنگی را، پس قرار دادیم آنان را پست ترها

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ (99 صافات)

و گفت همانا من رونده هستم به ربّم، هدایت خواهد کرد مرا

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (100 صافات)

ربّ، ببخش به من از شایستگان

فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ (101 صافات)

پس مژده دادیم به او پسری بردبار را

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (102 صافات)

پس وقتی که رسید با او کوشش (=منظور رسیدن به سنّی است که انسان می تواند برای نیازهای زندگی خود تلاش کند و منظور همان سن بلوغ است)، گفت ای پسرکم، همانا من می بینم در خواب، که همانا من سر می برم تو را، پس فکر کن چه چیزی درک می کنی، گفت ای پدر جان، انجام ده آنچه را امر می شوی، خواهی یافت مرا اگر خواست خدا، از شکیبایان

(وقتی پسر ابراهیم به سن بلوغ رسید، ابراهیم آن خواب را دید و با پسرش خواب خود را در میان گذاشت.)

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ (103 صافات)

پس وقتی که تسلیم شدند، و زمین زد او را بر پیشانی

(هنگامی که ابراهیم و پسرش برای انجام فرمان خداوند آماده شدند و ابراهیم پسرش را بر پیشانی روی زمین گذاشت تا او را سر ببُرد.)

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ (104 صافات)

و صدا کردیم او را، اینکه ای ابراهیم

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (105 صافات)

به درستی صادق شمردی رؤیا را، همانا ما اینچنین پاداش می دهیم بسیار نیکوکاران را

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (106 صافات)

همانا این یقیناً خود، آزمونی آشکار است

وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ (107 صافات)

و با فدیه آزاد کردیم او را، با ذبح کردنی ای بزرگ

(خداوند به ابراهیم گفت که جایگزینی برای ذبح پسرش قرار داده است و ذبح کردنی ای بزرگ، به جای ذبح پسرش قرار داده است و دیگر نیازی نیست که پسرش را سر ببُرد.)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (108 صافات)

و ترک کردیم برای او در واپسین ها

سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (109 صافات)

درودی بر ابراهیم را

(خداوند برای ابراهیم در آیندگان، درود و نامی نیکو قرار داد.)

كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (110 صافات)

اینچنین پاداش می دهیم بسیار نیکوکاران را

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (111 صافات)

همانا او از بندگان مؤمن ما است

وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (112 صافات)

و مژده دادیم به او اسحاق را، پیامبری از شایستگان

وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ (113 صافات)

و مبارک کردیم برای او و برای اسحاق، و از فرزندان آن دو، بسیار نیکوکاری است، و ستمکاری است بر خودش به صورت آشکار

(از فرزندان آنها، افرادی هستند که بسیار نیکوکارند، و افرادی هستند که ستمکار بر خودشان هستند.)

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ (114 صافات)

و یقیناً به درستی منّت گذاشتیم بر موسی و هارون

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (115 صافات)

و رهایی دادیم آن دو را، و قوم آن دو را، از اندوهی بزرگ

وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (116 صافات)

و یاری کردیم آنان را، پس بودند آنان غلبه کنندگان

وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ (117 صافات)

و دادیم به آن دو، کتاب آشکار کننده را

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (118 صافات)

و هدایت کردیم آن دو را به راه راست

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ (119 صافات)

و بر جا گذاشتیم برای آن دو، در واپسین ها

سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ (120 صافات)

درودی بر موسی و هارون

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (121 صافات)

همانا ما اینچنین پاداش می دهیم بسیار نیکوکاران را

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (122 صافات)

همانا آن دو از بندگان مؤمن ما هستند

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (123 صافات)

و همانا الیاس، یقیناً از فرستادگان است

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ (124 صافات)

هنگامی که گفت به قومش، آیا حذر نمی کنید

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (125 صافات)

آیا صدا می کنید بعل (=بت بزرگ) را، و رها می کنید بهترین آفریننده ها را

اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (126 صافات)

خدا ربّ شما و ربّ پدران نخستینتان است

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (127 صافات)

پس تکذیب کردند او را، پس همانا آنان یقیناً احضار شده ها هستند

(منظور از آنها احضار شده ها هستند، این است که آنها وارد جهنم خواهند شد.)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (128 صافات)

جز بندگان خالص کننده ی خدا

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (129 صافات)

و ترک کردیم برای او در واپسین ها

سَلَامٌ عَلَى إِلْ يَاسِينَ (130 صافات)

درودی بر ال یاسین

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (131 صافات)

همانا ما اینچنین پاداش می دهیم بسیار نیکوکاران را

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (132 صافات)

همانا او از بندگان مؤمن ما است

وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (133 صافات)

و همانا لوط، یقیناً از فرستادگان است

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (134 صافات)

هنگامی که رهایی دادیم او و خانواده اش را، همگی

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (135 صافات)

جز پیر زنی در باقی ماندگان

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ (136 صافات)

سپس ویران کردیم دیگران را

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ (137 صافات)

و همانا شما، یقیناً عبور می کنید بر آنان، بامدادان

وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (138 صافات)

و به شب، آیا پس درک نمی کنید

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (139 صافات)

و همانا یونس، یقیناً از فرستادگان است

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (140 صافات)

هنگامی که فرار کرد، به کشتی انباشته شده

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ (141 صافات)

پس قرعه کشی کرد، پس بود از مغلوبین

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ (142 صافات)

پس بلعید او را وال، و او سرزنش کننده بود

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ (143 صافات)

پس اگر نبود، همانا او از تسبیح گویان

لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (144 صافات)

یقیناً اقامت می گزید در شکم آن، تا روزی که برانگیخته می شوند

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ (145 صافات)

پس دور انداختیم او را بر فضای باز، و او بیمار بود

وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ (146 صافات)

و رویانیدیم برای او، درختی از کدو

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ (147 صافات)

و فرستادیم او را به یکصد هزار، یا زیاد می شوند

فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ (148 صافات)

پس ایمان آوردند، پس بهره مندشان کردیم تا هنگامی

فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ (149 صافات)

پس همه پرسی کن از آنان، که آیا برای ربّ تو دختران هستند، و برای آنان پسران

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ (150 صافات)

یا آفریدیم فرشتگان را به صورت ماده ها، و آنان مشاهده کنندگان هستند

أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ (151 صافات)

آگاه باشید، همانا آنان از دروغشان، یقیناً می گویند

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (152 صافات)

زایید خدا، و همانا آنان یقیناً دروغگویانند

(آنها به دروغ می گویند که خداوند فرزند زاییده است.)

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ (153 صافات)

برگزید دختران را بر پسران

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (154 صافات)

شما را چه شده، چگونه قضاوت می کنید

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (155 صافات)

آیا پس یادآوری نمی کنید

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ (156 صافات)

یا برای شماست دلیلی آشکار

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (157 صافات)

پس بیاورید کتابتان را، اگر بودید راستگویان

(به کافران بیان شده، آیا دلیلی آشکار برای ادعاهای خود در دست دارید، پس کتابی که برای شما از جانب خدا فرستاده شده و در آن، این ادعاهای شما تأیید شده است را بیاورید، اگر راست می گویید.

با توجه به آنچه در این آیه ها بیان شده است، سؤالی از پیروان مذهب شیعه و مذهب سنی مطرح می شود. پیروان مذهب شیعه، آیا از جانب خداوند، آیه ای در قرآن وجود دارد که از شما خواسته باشد تا در دین خداوند، اعتقاد به امامت داشته باشید و آن امامان وظیفه داشته باشند که احکامی را به دین خداوند اضافه نمایند و قرآن را کامل کنند. آیا خداوند در آیه ای از قرآن بیان کرده که این قرآن ناقص است و پیامبر و امامان شیعه، باید از جانب خود، آن را کامل کنند.

پیروان مذهب شیعه و سنّی، آیا آیه ای در قرآن وجود دارد که به پیامبر بیان کرده باشد که از جانب خود، حق دارد دستورات و احکامی را به نام خدا، به اسلام اضافه نماید. مگر خداوند در قرآن به پیامبر بیان نکرده است که فقط از قرآن پیروی کن، و مگر در قرآن بیان نشده است که پیامبر نیز فقط از قرآن پیروی می کند. پس این دستورات و احکامی که تحت عنوان سنّت پیامبر در دین وارد کرده اید و در کنار قرآن، آنها را احکام اسلام می دانید از کجا آمده اند. مگر غیر از این است که طبق آنچه در قرآن بیان شده است، برای شناخت اسلام و احکام آن، فقط باید به قرآن مراجعه نمود و پیامبر نیز همین کار را می کرده است. اینها نمونه هایی از اعتقادات باطل و دروغ هایی است که به خدا و دین نسبت داده شده اند و عامل گمراهی بسیاری از مسلمانان هستند.)

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (158 صافات)

و قرار دادند بین او و بین جن، خویشاوندی ای را، و یقیناً به درستی دانست جن، که همانا آنان، یقیناً احضار شده ها هستند

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (159 صافات)

پاک و منزه است خدا، از آنچه توصیف می کنند

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (160 صافات)

جز بندگان خالص کننده ی خدا

فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ (161 صافات)

پس همانا شما و آنچه را می پرستید

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ (162 صافات)

نیستید علیه او گمراه کننده

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ (163 صافات)

جز کسی که خود، دنباله روی آتش بسیار گرم و سوزان است

(بیان شده که مشرکان و آن خدایانی که از غیر خداوند می پرستند، علیه خداوند نمی توانند کسی را گمراه کنند، جز کسی را که خود دنباله روی آتش جهنم است. هر کسی خود تصمیم گیرنده است که راه هدایت را انتخاب کند یا راه گمراهی را، و هر کسی برای راهی که انتخاب می کند، خودش مسئول است و انتخاب خود او بوده است. نکته ی دیگر اینکه، این نیز نشان دهنده ی عدم اجبار در دین است.)

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ (164 صافات)

و نیست از ما، جز اینکه برای او رتبه ای شناخته شده است

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ (165 صافات)

و همانا ما یقیناً خود، صف کشیده ها هستیم

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (166 صافات)

و همانا ما یقیناً خود، تسبیح گویان هستیم

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ (167 صافات)

و همانا یقیناً می گفتند

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ (167 صافات)

اگر همانا نزد ما، به یاد آوردنی از نخست ها بود

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (169 صافات)

یقیناً بودیم بندگان خالص کننده ی خدا

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (170 صافات)

پس کفر ورزیدند به آن، پس به زودی می دانند

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (171 صافات)

و یقیناً به درستی پیش افتاد کلمه ی ما، برای بندگان فرستاده ی ما

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ (172 صافات)

همانا آنان یقیناً خود، یاری شدگان هستند

وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (173 صافات)

و همانا لشکر ما یقیناً خود، غلبه کنندگان هستند

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ (174 صافات)

پس روی گردان از آنان تا هنگامی

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (175 صافات)

و بنگر آنان را، پس به زودی می بینند

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (176 صافات)

آیا پس عذاب ما را به عجله وا می دارند

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ (177 صافات)

پس ناگهان فرود آمد به ناحیه ی آنان (کنایه است از نزول آن از همه طرف، به طوری که عذاب، ایشان را احاطه کند)، پس بد است بامداد هشدار داده شدگان

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ (178 صافات)

و روی گردان از آنان، تا هنگامی

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (179 صافات)

و بنگر، پس به زودی می بینند

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (180 صافات)

پاک و منزه است ربّ تو، ربّ ارجمندی، از آنچه توصیف می کنند

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (181 صافات)

و درودی بر فرستادگان

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (182 صافات)

و ستایش برای خدا، ربّ جهانیان است

سوره ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (1 ص)

صاد، سوگند به قرآن دارنده به یاد آوردن

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ (2 ص)

بلکه کسانی که کفر ورزیدند، در ارجمندی و مخالفت ورزیدنی هستند

(بیان شده، کسانی که کافر هستند، خود را ارجمند می دانند و مخالفت می ورزند.)

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ (3 ص)

بسیار هلاک کردیم از قبل از آنان، از نسلی را، پس صدا کردند، و نیست وقت جنبیدنی

(جماعت هایی که عذاب خداوند بر آنها نازل شد، وقتی خود را در هلاکت دیدند، خداوند را صدا کردند، ولی دیگر در آن لحظه، برای ایمان آوردن، دیر بود.)

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (4 ص)

و شگفت زده شدند از اینکه آمد نزد آنان هشدار دهنده ای از خودشان، و گفت کافران، این جادوگری دروغگوست

(کافران در مورد پیامبری که برای آنها برگزیده شده بود گفتند که جادوگری دروغگو است.)

أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ (5 ص)

آیا قرار داد خدایان را خدایی یگانه، همانا این یقیناً چیزی بسیار شگفت انگیز است

(کافران در مورد پیامبرشان می گفتند که آیا به جای خدایان، خدایی یگانه را می پرستد، و این چیزی شگفت انگیز است.)

وَانْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (6 ص)

و رفت بزرگان قوم از آنان، اینکه حرکت کنید و بردباری کنید بر خدایانتان، همانا این یقیناً چیزی است که می خواهد

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ (7 ص)

نشنیدیم این را در آیین واپسین، نیست این جز آفرینشی

أَأُنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ (8 ص)

آیا نازل شد بر او، به یاد آوردن، از بین ما، بلکه آنان در شکی از به یاد آوردن من هستند، بلکه هنوز نچشیدند عذاب را

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ (9 ص)

یا نزد آنان است گنجینه های مهربانی ربّ ارجمند بسیار بخشنده ی تو

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ (10 ص)

یا برای آنان است سلطه ی آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است، پس باید که بالا روند در راه ها (یا علت ها)

جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ (11 ص)

لشکر هر آنچه آنجاست، مغلوب است از گروه ها

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (12 ص)

تکذیب کرد قبل از آنان، قوم نوح و عاد و فرعون، دارنده ی میخ ها

وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ (13 ص)

و ثمود و قوم لوط و همنشینان بیشه، آنان جماعت ها بودند

إِنْ كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ (14 ص)

نبودند همگی، جز اینکه تکذیب کرد فرستادگان را، پس بایسته شد کیفر

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ (15 ص)

و انتظار نمی کشد اینان، جز فریادی یگانه را، نیست برای آن از فاصله ی میان باز کردن دست دوشنده تا گرفتن پستان (=منظور این است که مجالی نیست)

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (16 ص)

و گفتند ربّ ما، جلوتر بده برای ما، نصیب ما را، پیش از روز حساب

اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (17 ص)

بردباری کن بر آنچه می گویند و به یاد آور بنده ی ما داوود، صاحب قدرت را، همانا او بسیار بازگشت کننده است

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ (18 ص)

همانا ما مغلوب کردیم کوه ها را، با او تسبیح می گویند اول شب و تابش

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ (19 ص)

و پرندگان به صورت گرد هم آورده شده، همگی برای او بسیار بازگشت کننده است

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ (20 ص)

و توانمند کردیم سلطه اش را، و دادیم به او حکمت و سخن تعیین کننده (یا سخن داوری) را

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ (21 ص)

و آیا نزد تو آمد خبر طرف دعوا، هنگامی که بالا رفتند از بهترین جای خانه

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (22 ص)

هنگامی که وارد شدند بر داوود، پس ترسید از آنان، گفتند نترس، دو طرف دعوا هستیم که ستم کرد بعضی از ما بر بعضی، پس داوری کن بین ما به حقیقت، و از حق دور نشو، و راهنمایی کن ما را به راه برابر

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ (23 ص)

همانا این برادر من است، برای او نود و نه میش است، و برای من میشی یگانه است، پس گفت سرپرستی آن را به من بده، و نیرومند شد بر من در گفتمان

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (24 ص)

گفت یقیناً به درستی ستم کرد به تو، با تقاضای میش تو به میش هایش، و همانا بسیاری از شریکان، یقیناً ستم می کند بعضی از آنان بر بعضی، جز کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، و اندکی نیستند آنان، و گمان برد داوود، چنین است که در آشوب افکندیم او را، پس طلب عفو کرد از ربّش، و فرو افتاد به صورت رکوع کننده، و مکرراً بازگشت

(به احتمال زیاد این اتفاق در مورد ماجرای داوود و همسر سرباز لشکر او بوده است و داوود پس از این اتفاق، به عمل ناشاست خود پی بُرد و از خداوند طلب عفو نمود. پیامبران نیز مانند دیگر انسان ها، انسان بوده اند و امکان انجام گناه و خطا را داشته اند و پیامبر اسلام نیز از این لحاظ، با دیگر پیامبران تفاوتی نداشته است و چند نمونه از اشتباه های پیامبر اسلام در قرآن بیان شده است. اینکه شیعه اعتقاد دارد که پیامبر اسلام، معصوم بوده است یعنی هیچ گناه و اشتباهی نداشته است، اعتقادی باطل و از جمله دروغ هایی است که به خدا و دین بسته اند. در مورد اعتقاد شیعه در مورد معصوم بودن دوازده امام شیعه، باید گفت که اساس اعتقاد امامت در مذهب تشیع، باطل است و معصوم بودن این امامان نیز دروغی دیگر توسط شیعه است و البته یکی از دلایل بیان این دروغ ها، توجیه دروغ های دیگری است که تحت عنوان رفتار و گفتار پیامبر و امامان، می خواهند به دین نسبت دهند.)

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ (25 ص)

پس آمرزیدیم برای او، آن را، و همانا برای او نزد ما، یقیناً نزدیکی و بازگشت زیبا است

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (26 ص)

ای داوود، همانا ما قرار دادیم تو را جانشینی در زمین، پس قضاوت کن (یا حکم صادر کن) بین مردم به حقیقت، و پیروی نکن از خواسته، پس گمراه می کند تو را از راه خدا، همانا کسانی که گمراه می شوند از راه خدا، برای آنان عذابی نیرومند است، به سبب آنچه فراموش کردند روز حساب کردن را

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (27 ص)

و نیافریدیم آسمان و زمین و آنچه که بین آن دو است را به صورت بیهوده، آن گمان کسانی است که کفر ورزیدند، پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند، از آتش

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (28 ص)

یا اینکه قرار می دهیم کسانی را که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، مانند تباه کنندگان در زمین، یا قرار می دهیم پرهیزکاران را، مانند عدول کنندگان از حق

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (29 ص)

کتابی است که نازل کردیم آن را بر تو، به صورت با برکت، تا بیندیشند در آیات آن، و تا به یاد آورند خردمندان

(قرآن کتابی است که بر پیامبر نازل شد تا مردم در آیات آن بیندیشند و تا خردمندان با آن، به یاد آورند. قرآن به صورت آشکار و قابل فهم نازل شده است و برای فهم اسلام حقیقی، باید به قرآن مراجعه نمود و آیات قرآن را خواند.)

وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (30 ص)

و بخشیدیم به داوود، سلیمان را، چه خوب بنده ای است، همانا او بسیار بازگشت کننده است

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ (31 ص)

هنگامی که عرضه کرده شد بر او اول شب، اسبان ایستاده بر سه پای (که پای چهارمشان را به نوک سم گذاشته اند) تند رو

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (32 ص)

پس گفت همانا من علاقه داشتم عشق دارایی را، به جای یادآوری ربّم، تا پنهان شد بر حایل

(منظور از عبارت تا پنهان شد بر حایل، گذشتن زمان غروب آفتاب، و شروع شب است.)

رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ (33 ص)

برگردانید آن را بر من، پس شروع کرد به تمیزکاری ساق ها و گردن ها

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ (34 ص)

و یقیناً به درستی در آشوب افکندیم سلیمان را، و انداختیم بر تختش بدنی را، سپس مکرراً بازگشت

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (35 ص)

گفت، ربّ، بیامرز بر من، و ببخش به من سلطه ای را که بایسته نباشد بر کسی از پس از من، همانا تو خود بسیار بخشنده ای

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (36 ص)

پس مغلوب کردیم برای او باد را، جاری می شود به فرمان او، بادی بسیار ملایم، هر کجا که دست یافت

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ (37 ص)

و شیطان ها را همگی، به صورت بنّا و غوّاص

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (38 ص)

و دیگران، به هم بسته شده ها در غل ها

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (39 ص)

این بخشش ما است، پس عطا کن یا خودداری کن، بدون شمارش

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ (40 ص)

و همانا برای او نزد ما، یقیناً نزدیکی و بازگشت نیکو است

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ (41 ص)

و به یاد آور، بنده ی ما ایّوب را، هنگامی که صدا کرد ربّش را، که همانا مرا، به من رساند شیطان، بیماری ای و رنجی را

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ (42 ص)

هُل بده با پایت، این محل شستشویی سرد، و نوشیدنی ای است

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (43 ص)

و بخشیدیم به او خانواده اش را، و مثل آنان را با آنان، مهربانی ای از ما، و یادآوری ای برای خردمندان است

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (44 ص)

و بگیر به دستت، دسته ی تر و خشک علفی را، پس ضربه بزن با آن، و به باطل میل نکن، همانا ما یافتیم او را به صورت شکیبا، چه نیکو بنده ای، همانا او بسیار بازگشت کننده است

وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ (45 ص)

و به یاد آور بندگان ما، ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحب دست ها و چشم ها

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ (46 ص)

همانا ما خالص کردیم آنان را، از به صورت خالص، یادآوری خانه

وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ (47 ص)

و همانا آنان نزد ما، یقیناً از برگزیدگان بسیار نیکوکاران هستند

وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ (48 ص)

و به یاد آور اسماعیل و یَسَع و ذاالکفل (=دارنده ی ضمانت)، و همگی از بسیار نیکوکاران هستند

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ (49 ص)

این به یاد آوردنی است، و همانا برای پرهیزکاران، یقیناً بازگشتی نیکو است

(به یاد آوردن، همان قرآن است.)

جَنَّاتِ عَدْنٍ مُفَتَّحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ (50 ص)

باغ هایی جاویدان، گشوده شده است برای آنان درها

مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ (51 ص)

تکیه دهندگان در آن، فرا می خوانند در آن، میوه ی بسیاری و نوشیدنی ای را

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ (52 ص)

و نزد آنان محدود کنندگان زیر چشمی نگاه کردن (=کنایه از همسرانی است که به شوهران خود راضی و قانع هستند و چشم به دیگری ندارند) همسالان (یا همزادان) هستند

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (53 ص)

این است آنچه وعده داده می شوید برای روز حساب کردن

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ (54 ص)

همانا این یقیناً روزی ما است، نیست برای آن از پایانی

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ (55 ص)

این است، و همانا برای از حد درگذرندگان، یقیناً بازگشتی بد است

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ (56 ص)

جهنم است، وارد می شوند به آن، پس بد بستری است

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ (57 ص)

این است، پس باید بچشند آن را، آبی گرم و چرکین (=چرکی که تعفن بسیار دارد)

وَآخَرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ (58 ص)

و دیگری از همانند آن، به صورت همنشینان (یا جفت ها)

هَذَا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ (59 ص)

این جماعتی خود را به مشقت اندازنده با شما هستند نیست خوش آمدی بر آنان، همانا آنان هجوم کردند به آتش

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ (60 ص)

گفتند بلکه شما را، نیست خوش آمدی با شما، شما پیش انداختید آن را برای ما، پس بد مایه ی آرامش است

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ (61 ص)

گفتند، ربّ ما، کسی را که پیش انداخت برای ما این را، پس بیفزا برای او، عذابی دو برابر در آتش

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ (62 ص)

و گفتند، ما را چه شده، که نمی بینیم مردانی را، که در نظر می گرفتیم آنان را از اشرار

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ (63 ص)

آیا گرفتیم آنان را به مسخره، یا منحرف شد از آنان چشم ها

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (64 ص)

همانا آن یقیناً حقیقت است، مجادله ی ساکنین آتش

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنْذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (65 ص)

بگو همانا من هشداردهنده‌ای هستم، و نیست از خدایی، جز خدای یگانه ی بسیار چیره شونده

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (66 ص)

ربّ آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است، ارجمند بسیار آمرزنده

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (67 ص)

بگو، آن خبر بزرگی است

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (68 ص)

شما از آن، روی گردان ها هستید

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ (69 ص)

نبود برای من، از دانشی به بزرگان بالاتر، هنگامی که با هم ستیز می کنند

إِنْ يُوحَى إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ (70 ص)

وحی کرده نمی شود به من، جز اینکه چنین است که من، هشدار دهنده ای آشکارم

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ (71 ص)

هنگامی که گفت ربّت به فرشتگان، همانا من آفریننده ی انسانی از گِل هستم

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (72 ص)

پس اگر منظم کردم او را، و دمیدم در او از روحم، پس بیفتید برای او، سجده کنندگان

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (73 ص)

پس سجده کرد فرشتگان همگیشان، همگی

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (74 ص)

جز ابلیس، که کبر ورزید و بود از کافران

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ (75 ص)

گفت ای ابلیس، چه بازداشت تو را از اینکه سجده کنی، برای آنچه آفریدم به دستم، آیا کبر ورزیدی، یا بودی از بلند مرتبگان

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (76 ص)

گفت من بهترم از او، آفریدی مرا از آتش، و آفریدی او را از گِل

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (77 ص)

گفت، پس خارج شو از آن، پس همانا تو ملعونی

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (78 ص)

و همانا بر تو، لعنت من است تا روز جزا

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (79 ص)

گفت، ربّ، پس مهلت بده به من تا روزی که برانگیخته می شوند

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (80 ص)

گفت، پس همانا تو از مهلت داده شدگانی

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (81 ص)

تا روزِ هنگامِ شناخته شده

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (82 ص)

گفت، پس به ارجمندی تو سوگند، یقیناً گمراهشان می کنم همگی را

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (83 ص)

جز بندگان تو، از آنان که خالص کننده ها هستند

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ (84 ص)

گفت، پس حقیقت است، و حقیقت را می گویم

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (85 ص)

یقیناً پر می کنم جهنم را از تو، و از کسی که پیروی کرد تو را از آنان، همگی

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (86 ص)

بگو درخواست نمی کنم از شما برای آن، از پاداشی را، و نیستم من از عهده داران کاری، که به من مربوط نیست

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (87 ص)

نیست آن، جز به یاد آوردنی برای جهانیان

(قرآن کتابی یادآوری کننده، برای جهانیان است.)

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (88 ص)

و یقیناً بدانید خبر آن را، پس از زمانی

سوره زمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (1 زمر)

وحی کردن کتاب، از خداوند ارجمند صاحب حکمت است

(قرآن از جانب خداوند به پیامبر وحی شده است و پیامبر نیز آن را بدون هیچ تغییری برای مردم بیان کرده است.)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (2 زمر)

همانا ما نازل کردیم به تو کتاب را به حقیقت، پس بپرست خدا را، به گونه ای که صادقانه برای او دین است

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (3 زمر)

آگاه باشید، برای خداست دین خالص، و کسانی که گرفتند از غیر او دوستانی را، نمی پرستیم آنان را، جز اینکه تا نزدیک کنند ما را به خدا، نزدیکی ای، همانا خدا قضاوت می کند (یا حکم صادر می کند) بین آنان، در آنچه آنان در آن اختلاف دارند، همانا خدا هدایت نمی کند کسی را که، او دروغگوی بسیار کفر ورزنده است

(بیان شده، کسانی که گرفتند از غیر خداوند، دوستانی را، که منظور مشرکان هستند و گفتند که می خواهیم که آن خدایان ما را به خداوند نزدیک کنند، خداوند بین آنان در آنچه که اختلاف داشتند، قضاوت خواهد کرد و خداوند کسی را که دروغگوی کفر ورزنده است، هدایت نمی کند. منظور از کسانی که گرفتند از غیر خداوند دوستانی را، مشرکان هستند و دوستان به معنی دوستی دو نفر با همدیگر نیست، بلکه به معنی خدایانی است که مشرکان به آنها اعتقاد داشته اند.)

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (4 زمر)

اگر می خواست خدا، اینکه بگیرد فرزندی را، یقیناً برمی گزید از آنچه می آفریند، آنچه را می خواهد، پاک و منزه است او، او خداوند بی همتای بسیار چیره شونده است

(خداوند، یگانه است و فرزندی ندارد.)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (5 زمر)

آفرید آسمان ها و زمین را به حقیقت، در هم می پیچد شب را بر روز، و در هم می پیچد روز را بر شب، و مغلوب کرد خورشید و ماه را، همگی روان است تا مهلتی مشخص، آگاه باشید که او ارجمند بسیار آمرزنده است

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (6 زمر)

آفرید شما را از شخصی یگانه، سپس قرار داد از آن، جفتش را، و نازل کرد برای شما از دام، هشت جفت، می آفریند شما را در شکم های مادرانتان، آفریدنی از پس از آفریدنی، در تاریکی های سه گانه، آن خداست، ربّتان، برای اوست سلطه، نیست خدایی جز او، پس چگونه برگردانده می شوید

(خداوند یک انسان آفرید و از آن انسانی که آفریده بود، جنس دیگر او را آفرید و این نشان دهنده ی یکسان بودن زن و مرد از لحاظ انسانیت است و همچنین یکسان بودن انسان ها با رنگِ پوست های مختلف و نژادهای مختلف. همگی از یک انسان به وجود آمده اند و هیچ کدام از نظر انسانیت نسبت به دیگری برتری ندارند. بنابراین کسانی که به نام خدا و دین، مرد را از زن برتر می دانند، جز دروغی بر خدا و دین نبسته اند.)

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (7 زمر)

اگر کفر می ورزید، پس همانا خدا بی نیاز است از شما، و راضی نمی شود برای بندگانش کفر را، و اگر سپاسگزاری کنید، راضی شود از آن برای شما، و حمل نمی کند حمل کننده ای، بار سنگین دیگری

را، سپس به ربّتان بازگشت شماست، پس با خبر می کند شما را به آنچه انجام می دادید، همانا او داناست به حقیقت سینه ها

(بیان شده که اگر کفر ورزید، خداوند بی نیاز است از شما، و هیچ فرقی برای خداوند ندارد که کافر شوید یا ایمان بیاورید، و خداوند نیازمند به ایمان آوردن انسان ها نیست، ولی برای بندگانش کفر ورزیدن را نمی پسندد، و اگر سپاسگزاری کنید، آن را برای بندگانش می پسندد. یکی از نکات قابل فهم از این آیه، عدم اجبار در مورد دین است و اینکه هر کسی خود تصمیم گیرنده است که ایمان بیاورد یا کفر ورزد. در ادامه بیان شده که هر کسی مسئول اعمال خودش است و در روز قیامت، مسئولیت اعمال کسی بر عهده ی دیگری نیست. افرادی که تحت عنوان خدا و دین می گویند که این وظیفه ی آنها است که از دین خداوند محافظت کنند و می خواهند به زور و اجبار، دیگران را به آنچه که آن را ایمان و دین و دستورات دین می نامند، وادار نمایند، جز دروغ بر خدا و دین نمی بندند و اعمال آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد و اگر خداوند می خواست، اراده می نمود و همه هدایت می شدند. دین یک مسئله ی شخصی برای هر فردی است و هر فردی خود تصمیم گیرنده برای دین خود است و حتی پیامبر نیز حق مجبور کردن دیگران به دین را نداشته است و در قرآن در آیه های مختلف به موضوع عدم اجبار در زمینه ی دین، اشاره شده است.)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (8 زمر)

و اگر دچار شد به انسان زیانی، صدا کرد ربّش را به صورت مکرراً بازگردنده به او، سپس اگر اعطا کرد به او نعمتی را از خود، فراموش کرد آنچه را صدا می کرد به او از قبل، و قرار داد برای خدا همتاهایی را، تا گمراه کند از راه او، بگو برخوردار شو با کفرت اندکی را، همانا تو از همنشینان آتش هستی

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (9 زمر)

یا کسی که او فروتنی کننده است ساعات شب را، به صورت سجده کننده و ایستاده، حذر می کند از آخرت، و امید دارد به مهربانی ربّش، بگو آیا یکسان می شود کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، همانا به یاد می آورد خردمندان را

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (10 زمر)

بگو ای بندگانی که ایمان آوردید، حذر کنید از ربّتان، برای کسانی که نیکوکاری کردند در این دنیا، نیکی است، و زمین خدا دارای وسعت است، همانا کامل داده می شود به شکیبایان، پاداششان، بدون حساب کردنی

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (11 زمر)

بگو همانا من امر شدم به اینکه بپرستم خدا را، به گونه ای که صادقانه برای او دین است

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ (12 زمر)

و امر شدم به اینکه باشم اولین تسلیم کنندگان

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (13 زمر)

بگو همانا من می ترسم، اگر نافرمانی کردم از ربّم، از عذاب روزی بزرگ

قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي (14 زمر)

بگو خدا را می پرستم، صادقانه برای او است دین من

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (15 زمر)

پس بپرستید آنچه را خواستید از غیر او، بگو همانا زیان دیدگان، کسانی هستند که زیان کردند خودشان، و خانواده ی آنها روز قیامت، آگاه باشید، آن خود زیان آشکار است

(به پیامبر بیان شده که بگو، خداوند را به صورت صادقانه می پرستم، و بپرستید آنچه را از غیر خدا می خواهید. این نشان می دهد که پیامبر کسی را به ایمان آوردن اجبار نمی کرده است و خداوند نیز این اجازه را به پیامبر نمی داده است و هر کسی خود تصمیم گیرنده برای دین خود است.)

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (16 زمر)

برای آنان از بالایشان، سایبان هایی از آتش است و از زیرشان، سایبان هایی است، آن است که می ترساند خدا با آن، بندگانش را، ای بندگان من، پس حذر کنید از من

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ (17 زمر)

و کسانی که دوری گزیدند از بت (یا شیطان)، اینکه بپرستند آن را، و مکرراً بازگشتند به خدا، برای آنان مژده است، پس مژده ده بندگان را

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (18 زمر)

کسانی که گوش می دهند به سخن، پس پیروی می کنند نیکوترین آن را، آنان هستند کسانی که هدایت کرد آنان را خدا، و آنان خود، خردمندان هستند

(بیان شده، کسانی که به سخن گوش می دهند و از نیکوترین آن، پیروی می کنند. آنان کسانی هستند که خداوند آنان را هدایت نمود و آنان خردمندان هستند. بیان نشده، کسانی که گوش می کنند به سخن و اگر سخن مورد قبول آنها نبود، با آن برخورد می کنند. این دقیقاً همان رفتاری است که بسیاری به نام خدا و دین انجام می دهند و با گوینده ی هر سخنی که با اعتقادات آنها همخوانی نداشته باشد، برخورد می کنند و به جان و مال او تعرض می کنند. اعمال و گفتار آنها هیچ ارتباطی با خدا و دین ندارد.)

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ (19 زمر)

آیا پس کسی که بایسته شد بر او کلمه ی عذاب، آیا پس تو نجات می دهی کسی را که در آتش است

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ (20 زمر)

لیکن کسانی که حذر کردند از ربّشان، برای آنان اتاق هایی است که از بالای آن، اتاق هایی به صورت بنا شده است، جاری می شود از زیر آن رودها، وعده ی خدا است، خلف وعده نمی کند خدا وعده را

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (21 زمر)

آیا هرگز ندیدی، همانا خدا نازل کرد از آسمان، آبی را، پس داخل کرد آن را به چشمه های آب در زمین، سپس خارج می کند با آن، کِشتی گوناگون از نظر رنگ های آن، سپس خشک می شود، پس می بینی آن را متمایل به زرد، سپس قرار می دهد آن را خرده ریزه های چیز خشک، همانا در آن یقیناً یادآوری ای برای خردمندان است

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (22 زمر)

آیا پس کسی که گشود خدا سینه اش را برای تسلیم شدن، پس او بر نوری از ربّش است، پس وای بر آنان که سخت است دل هایشان از به یاد آوردن خدا، آنان در گمراهی آشکاری هستند

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (23 زمر)

خدا نازل کرد نیکوترین سخن را، کتابی با آیات به صورت شبیه هم، می لرزد از آن، پوست های کسانی که می ترسند از ربّشان، سپس نرم می شود پوست هایشان و دل هایشان به به یاد آوردن خدا، آن هدایت خدا است، هدایت می کند با آن کسی را که می خواهد، و کسی را که گمراه کند خدا، پس نیست برای او از هدایت کننده ای

(قرآن، نیکوترین سخنی است که خداوند نازل کرده است. خداوند کسی را که می خواهد، هدایت می کند و کسی را که خداوند گمراه کند، برای او هدایت کننده ای نیست. بنابراین هدایت و گمراهی فرد، به خواست خداوند است و به خواست دیگران نیست و اینگونه نیست که افرادی به نام خدا و دین، به خیال خود، بخواهند دیگران را به زور و اجبار، هدایت نمایند و اینگونه نیست که اگر فردی هدایت شد، به خاطر محیطی بوده که در آن زندگی می کرده است. خداوند اگر بخواهد کسی هدایت شود، اگر آن فرد در میان جماعتی کافر هم زندگی کند، باز هدایت خواهد شد و اگر خداوند بخواهد کسی را گمراه کند، اگر آن فرد در میان جماعتی هدایت شده هم زندگی کند، باز گمراه خواهد شد. در مورد دین، هیچ اجباری وجود ندارد و هر کسی خود، تصمیم گیرنده در زمینه ی دین خود است.

خداوند در آیه ی 18 سوره زمر می فرماید: کسانی که گوش می دهند به سخن، پس پیروی می کنند نیکوترین آن را، آنان هستند کسانی که هدایت کرد آنان را خدا، و آنان خود، خردمندان هستند و در این آیه خداوند می فرماید: خدا نازل کرد نیکوترین سخن را، کتابی با آیات به صورت شبیه هم. نیکوترین سخن، قرآن است و اگر کسی بخواهد در زمینه ی دین، پیرو نیکوترین سخن باشد، باید از قرآن پیروی نماید. بسیاری از مسلمانان پیرو اسلامی هستند که بسیاری از احکام آن در قرآن وجود ندارد و این احکام را از منابعی غیر از قرآن مانند سنت پیامبر و احادیث و روایات نسبت داده شده به پیامبر و

امامان شیعه به دست آورده اند. این نشان دهنده گمراهی مسلمانان از اسلام حقیقی است و آنها اگر بخواهند به اسلام حقیقی پی ببرند فقط باید به قرآن مراجعه نمایند.)

أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (24 زمر)

آیا پس کسی که حذر می کند صورتش را از بدی عذاب روز قیامت، و گفته شد به ستمکاران، بچشید آنچه را به دست می آوردید

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (25 زمر)

تکذیب کرد کسانی از قبل از آنان، پس آمد نزد آنان عذاب، از جایی که احساس نمی کنند

فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (26 زمر)

پس چشاند به آنان خدا، خواری را در زندگی دنیا، و یقیناً عذاب آخرت بزرگ تر است، اگر می دانستند

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (27 زمر)

و یقیناً به درستی بیان کردیم برای مردم در این قرآن، از هر مَثَلی را، شاید آنان به یاد می آورند

(خداوند در قرآن برای مردم، مَثَل های گوناگونی را بیان نموده است، شاید مردم با این مَثَل ها، ایمان بیاورند.)

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (28 زمر)

قرآنی به صورت منسوب به عرب، بدون دارنده ی کجی، شاید آنان حذر می کنند

(قرآنی است که به زبان عربی نازل شده است و هیچ کجی ای در آن نیست.)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (29 زمر)

بیان کرد خدا مَثَلی را، مردی برای او، شریکانی اختلاف پیدا کنندگان است، و مردی تسلیم است برای مردی، آیا آن دو یکسانند از نظر مَثَل، ستایش برای خداست، بلکه بیشترشان نمی دانند

(مَثَلی که خداوند در این آیه بیان نموده است، این است که برده ای چند ارباب دارد که با هم اختلاف دارند و او باید به دستورات آنها عمل کند، و برده ای دیگر، فقط یک ارباب دارد و باید فقط به دستورات او عمل کند. آیا موقعیت این دو برده، با یکدیگر برابر است. این مَثَل برای مشرکان بیان شده است.)

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ (30 زمر)

همانا تو به صورت مرده هستی، و همانا آنان مردگان هستند

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ (31 زمر)

سپس همانا شما روز قیامت نزد ربّتان، با هم ستیز می کنید

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ (32 زمر)

پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغ گفت بر خدا، و تکذیب کرد راستی را، هنگامی که آمد نزد او، آیا نیست در جهنم، منزلی برای کافران

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (33 زمر)

و آنکه آورد راستی را، و راستگو دانست آن را، آنان خود پرهیزکارانند

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (34 زمر)

برای آنان است آنچه را می خواهند نزد ربّشان، آن پاداش بسیار نیکوکاران است

لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (35 زمر)

تا بپوشاند خدا از آنان، بدترینِ آنچه را انجام دادند، و جزایشان دهد پاداششان را، به نیکوترین آنچه انجام می دادند

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (36 زمر)

آیا نیست خدا کفایت کننده ی بنده اش، و می ترسانند تو را با کسانی از غیر او، و کسی را که گمراه کند خدا، پس نیست برای او از هدایت کننده ای

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ (37 زمر)

و کسی را که هدایت کند خدا، پس نیست برای او از گمراه کننده ای، آیا نیست خدا ارجمند دارنده ی انتقام گرفتن

(کسی را که خداوند گمراه کند، برای او هدایت کننده ای نیست، یعنی هیچ کسی قادر نخواهد بود که او را هدایت کند، و کسی را که خداوند هدایت کند، برای او گمراه کننده ای نیست، یعنی هیچ کسی قادر نخواهد بود تا او را گمراه نماید. بنابراین هدایت کردن یا گمراه کردن افراد، به خواست دیگران نیست و به خواست خداوند بستگی دارد و افرادی که به نام خدا و دین، می گویند که وظیفه ی آنها است که از گمراهی مردم جلوگیری کنند و وظیفه دارند که آنها را هدایت نمایند، و در این زمینه انواع جنایت ها و ستم ها و تهدیدها را به کار می برند تا مردم را به زور به آنچه که آن را هدایت می نامند وادار کنند، جز دروغ بر خدا و دین نمی بندند و رفتار و گفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد. اینکه کسی، دیگران را به ایمان و کار نیک دعوت کند، و دیگران بدون هیچ اجباری، خود تصمیم گیرنده باشند، هیچ ایرادی ندارد و اجبار در دین جایگاهی ندارد.)

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (38 زمر)

و یقیناً اگر پرسیدی از آنان، چه کسی آفرید آسمان ها و زمین را، یقیناً می گویند خدا، بگو آیا پس درک کردید آنچه را صدا می کنید از غیر خدا، اگر خواست برای من خدا، زیانی را، آیا آنان پوشش بردارنده

های زیان او هستند، یا خواست برای من مهربانی ای را، آیا آنان بخیل های مهربانی او هستند، بگو کفایت است مرا خدا، بر او توکل می کند توکل کنندگان

(به پیامبر بیان شده، که اگر از مشرکان بپرسی که چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است، آنها پاسخ می دهند که خداوند آفریده است. به پیامبر بیان شده که به آنها بگو، آیا پس درک کردید که چه کسانی را با خداوند شریک قائل می شوید. اگر خداوند برای من زیانی را بخواهد، آن خدایان شما، نمی توانند که این زیان را از من بر طرف نمایند و اگر خداوند برای من مهربانی ای را بخواهد، آن خدایان شما، نمی توانند که مانع این مهربانی بر من شوند. به پیامبر بیان شده که بگو، خداوند برای من کفایت کننده است و توکل کنندگان بر او توکل می کنند.

در اینجا، همین سؤال را از پیروان مذهب شیعه می پرسم. آیا اگر خداوند برای شما زیانی را بخواهد، آیا امامان شما می توانند این زیان را از شما بر طرف نمایند و اگر خداوند برای شما مهربانی ای را بخواهد، آیا آن امامان، می توانند که مانع این مهربانی از شما شوند. خداوند در این آیه به پیامبر بیان کرده که بگو، خداوند برای من کفایت می کند و توکل کنندگان بر او توکل می کنند. خود پیامبر نیز تنها بر خدا توکل می کرده است و شما شیعیان، بر امامان خود توکل می کنید و از آنها یاری می خواهید. آیا این چیزی جز گمراهی است و آیا این اعتقاد شما، چیزی جز دروغ بستن به خدا و دین است. یکی دیگر از دروغ هایی که مشرکان بر خدا بسته بودند و عیناً همان دروغ را شیعیان بیان می کنند، این است که آنها می گفته اند که این بت ها، عامل نزدیکی ما به خدا هستند و شیعیان می گویند که امامان، عامل نزدیکی ما به خدا هستند و واسطه ی میان ما و خدا هستند. در کدام آیه از قرآن، خداوند بیان کرده که مسلمانان نیاز دارند برای ارتباط با خداوند و توکل کردن به خدا، واسطه ای برای خود قرار دهند. اینها جز دروغ و گمراهی نیستند.)

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (39 زمر)

بگو ای قوم من، عمل کنید بر اساس مرتبه ی خود، همانا من عمل کننده هستم، پس به زودی می دانید

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ (40 زمر)

چه کسی را می آید نزد او، عذابی که خوار می کند او را، و نازل می شود بر او عذابی دائم

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (41 زمر)

همانا ما نازل کردیم بر تو کتاب را، برای مردم به حقیقت، پس کسی که هدایت شد، پس برای خودش است، و کسی که گمراه شد، پس همانا گمراه می شود علیه خود، و نیستی بر آنان کارگزار

(خداوند قرآن را برای مردم، بر پیامبر نازل کرد تا پیامبر آن را به مردم برساند، و کسی که هدایت شود، برای خودش هدایت می شود، و کسی که گمراه شود، علیه خودش گمراه می شود و پیامبر به جای مردم، تصمیم گیرنده نیست و این نشان دهنده ی عدم اجبار در دین است. قرآن کتابی است که با مراجعه به آن، می توان هدایت را از گمراهی تشخیص داد و به اسلام حقیقی پی بُرد. قرآن برای مردم نازل شده است و آیات آن، به صورت آشکار و قابل فهم برای همه، بیان شده است و برای فهم آن، نیاز به این نیست که فرد، تخصص خاصی داشته باشد. پیامبر، بی سواد بود و بیشتر مردمی که پیامبر در میان آنها به پیامبری برگزیده شد نیز بی سواد بودند. قرآن به گونه ای نازل شد که قابل فهم برای همه باشد.

افرادی که می گویند قرآن قابل فهم برای همه نیست و نیاز به تفسیر از سوی افراد متخصص در این زمینه دارد، جز دروغ نمی گویند. در قرآن بیان شده، آیات قرآن دو دسته اند، یک دسته آیات استوار هستند که اصل کتابند و دسته ی دیگر آیات متشابه هستند. بیان شده، کسانی که به دنبال پیروی از آیات متشابه هستند، در دلشان انحراف است و به دنبال تفسیر این آیات هستند و تفسیر آیات متشابه قرآن را، جز خداوند نمی داند. آیات استوار قرآن که اصل کتاب هستند، نیاز به تفسیر ندارند و به صورت کاملاً مشخص، حکم اسلام را بیان کرده اند. بنابراین قرآن را نباید تفسیر کرد و اگر کسی گفت که باید آن را تفسیر کرد، آن فرد گمراه است و در دلش انحراف است. دلیل بیان این دروغ ها، ناآگاه نگه داشتن مردم از اسلام حقیقی است تا بتوانند دروغ هایی که به نام خدا و دین بیان می کنند را به مردم ارائه کنند و مردم ناآگاه از حقیقت، آن دروغ ها را بپذیرند.)

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (42 زمر)

خدا کامل می گیرد جان ها را، هنگام مرگش، و آنکه هرگز نمرد در خوابش، پس نگه می دارد آنکه را تحقق بخشید برای او مرگ را، و می فرستد دیگری را تا مهلتی معین، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است، برای جماعتی که می اندیشند

(در خواب و در مرگ، خداوند جان انسان را به طور کامل می گیرد، پس در مرگ، جان را نزد خود نگه می دارد و در خواب، آن را باز می گرداند.)

أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ (43 زمر)

یا گرفتند از غیر خدا میانجی ها را، بگو آیا اگر مالک نمی شدند چیزی را، و درک نمی کنند

(در مورد مشرکان بیان شده، که از غیر خداوند، میانجی ها یا شفاعت کنندگانی می گیرند. به پیامبر بیان شده که به آنها بگو، آیا این کار را انجام می دهید در حالی که آنها مالک چیزی نیستند. دقیقاً شیعه نیز همین گمراهی را با خود دارد و شفاعت کنندگانی تحت عنوان امامان را برای خود قرار داده است و اعتقاد دارد که آنها در این دنیا و در روز قیامت، به شیعیان کمک می کنند. در کدام آیه از قرآن، بیان شده که این افراد، حق شفاعت برای شما را دارند که به آن معتقد هستید. حتی اعتقاد به شفاعتگر بودن پیامبر نیز اعتقادی دروغ است و در قرآن بیان نشده است. در روز قیامت، اگر خداوند اجازه دهد، شفاعت صورت می گیرد و اینکه از جانب خداوند، این اجازه داده شود یا نه، و اگر اجازه داده شد، به چه کسی اجازه داده خواهد شد، معلوم نیست، و در بعضی از آیات قرآن بیان شده که در آن روز، شفاعتی وجود نخواهد داشت.)

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (44 زمر)

بگو برای خداست شفاعت، همگی، برای اوست سلطه ی آسمان ها و زمین، سپس به او برگردانده می شوید

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (45 زمر)

و اگر به یاد آورده شد خدا، یگانگی اش، منزجر شد دل های کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، و اگر به یاد آورده شد کسانی از غیر او، ناگهان آنان شادمان می شوند

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (46 زمر)

بگو بارخدایا، آفریننده ی آسمان ها و زمین، دانای پنهان و آشکار، تو داوری می کنی بین بندگانت، در آنچه در آن اختلاف داشتند

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ (47 زمر)

و اگر همانا برای کسانی که ستم کردند، آنچه در زمین است، همگی، و نظیر آن، با آن باشد، یقیناً فدیه دادند و آزاد کردند با آن، از بدی عذاب روز قیامت، و نمایان شد برای آنان از خدا، آنچه را هرگز به حساب نمی آوردند

(بیان شده اگر برای کسانی که ستم کردند، همه ی آن چیزی که در زمین است و مانند آن، با آن باشد، برای رهایی از عذاب روز قیامت، حاضرند که بدهند.)

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (48 زمر)

و نمایان شد برای آنان، بدی هایی که به دست آوردند، و احاطه کرد آنان را، آنچه که آن را مسخره می کردند

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (49 زمر)

پس اگر مبتلا شد به انسان زیانی، صدا کرد ما را، سپس اگر اعطا کردیم به او نیکی ای را از خود، گفت همانا داده شده به من آن، برای دانشی، بلکه آن در آشوب افکندنی است، و لیکن بیشتر آنان نمی دانند

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (50 زمر)

به درستی گفت آن را کسانی از قبل از آنان، پس بی نیاز نکرد از آنان، آنچه که به دست می آوردند

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (51 زمر)

پس اصابت کرد به آنان، بدی هایی که به دست آوردند، و کسانی که ستم کردند از اینان، اصابت خواهد کرد به آنان، بدی هایی که به دست آوردند، و نیستند آنان از عاجز کنندگان

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (52 زمر)

آیا هرگز ندانستند، همانا خدا وسعت می دهد روزی را، برای کسی که می خواهد، و تنگ می آورد، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که ایمان می آورند

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (53 زمر)

بگو ای بندگان من، کسانی که زیاده روی کردند بر خودشان، نا امید نشوید از مهربانی خدا، همانا خدا می آمرزد گناهان را همگی، همانا او خود بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(گناهی وجود ندارد که خداوند نبخشد. البته این به معنی آن نیست که هر گناهی به صورت خود به خود از جانب خداوند بخشیده می شود. برای بخشیده شدن برخی از گناهان، فرد باید پشیمان باشد و از خداوند طلب بخشش نماید. در آیه های بعدی در ادامه ی این آیه، توضیح داده شده است.)

وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ (54 زمر)

و مکرراً باز گردید به ربّتان، و تسلیم شوید برای او، از قبل از اینکه بیاید نزد شما عذاب، سپس یاری کرده نمی شوید

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (55 زمر)

و پیروی کنید نیکوترین آنچه را، نازل شد به شما از ربّتان، از قبل از اینکه بیاید نزد شما عذاب، به صورت غافلگیری، و شما احساس نمی کنید

(بیان شده که از قرآن پیروی کنید. با خواندن قرآن، می توان هدایت را از گمراهی، و راست را از دروغ در زمینه ی دین تشخیص داد. با مراجعه به قرآن، می توان حقیقت و باطل آن چیزی که امروزه به نام اسلام، معرفی شده است را تشخیص داد. آن چیزی که مذهب شیعه و سنّی به نام اسلام معرفی کرده است، اسلام حقیقی نیست زیرا به جای اینکه برای فهم اسلام حقیقی فقط به قرآن مراجعه کنند، به منابع دیگری از جمله رفتار و گفتار نسبت داده شده به پیامبر و امامان شیعه نیز مراجعه شده است و این باعث شده که هر دوی این مذهب ها، آن چیزی را که به عنوان اسلام معرفی می کنند، اسلام حقیقی نباشد و در حقیقت بیشتر احکام آنها دروغ هایی است که به خدا و دین نسبت داده اند. اسلام حقیقی تنها یک منبع برای شناخت خود دارد و آن قرآن است.)

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ (56 زمر)

اینکه بگوید کسی، ای افسوس بر آنچه از دست دادم در جهت خدا، و همانا بودم یقیناً از مسخره کنندگان

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (57 زمر)

یا بگوید اگر همانا خدا هدایت می کرد مرا، یقیناً بودم از پرهیزکاران

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (58 زمر)

یا بگوید هنگامی که ببیند عذاب را، اگر همانا برای من بازگشتی باشد، پس باشم از بسیار نیکوکاران

بَلَى قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (59 زمر)

آری، به درستی آمد نزد تو، آیات من، پس تکذیب کردی آن را، و کبر ورزیدی و بودی از کافران

(آیه های قبل در مورد کافران بیان شده است و بیان کننده ی آن چیزی است که کافران در روز قیامت می گویند. در این آیه پاسخ خداوند به کافران بیان شده است. خداوند به آنها بیان می کند که آیات من نزد شما آمد پس آن را تکذیب کردید و کبر ورزیدید و از کافران بودید.)

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْمُتَكَبِّرِينَ (60 زمر)

و روز قیامت، می بینی کسانی را که دروغ گفتند بر خدا، چهره هایشان را، متمایل به سیاه، آیا نیست در جهنم منزلی برای متکبران

وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (61 زمر)

و نجات می دهد خدا، کسانی را که حذر کردند، به سبب مایه ی رستگاریشان، مبتلا نمی شود به آنان بدی، و نه آنان اندوهگین می شوند

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (62 زمر)

خدا آفریننده ی همه چیز است، و او بر هر چیزی کارگزار است

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (63 زمر)

برای اوست کلیدهای آسمان ها و زمین، و کسانی که کفر ورزیدند به آیات خدا، آنان خود، زیان دیدگان هستند

قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ (64 زمر)

بگو آیا پس غیر از خدا را، به من امر می کنید که بپرستم، ای نادانان

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (65 زمر)

و یقیناً به درستی، وحی کرده شد به تو و به کسانی از قبل تو، یقیناً اگر شریک قائل شدی، یقیناً تباه می شود عمل تو، و یقیناً می شوی از زیان دیدگان

(اعمال مشرکان در روز قیامت، باطل می شود و آنها وارد جهنم می شوند.)

بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (66 زمر)

بلکه خدا را، پس بپرست، و باش از شکرگزاران

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (67 زمر)

و بزرگ نشمردند خدا را، سزاواری مرتبه ی او، و زمین، همگی در دست او است در روز قیامت، و آسمان ها، تا شده ها هستند با دست راست او، پاک و منزه است او، و دور است از آنچه شریک قائل می شوند

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ (68 زمر)

و دمیده شد در صور (یا شیپور)، پس از هوش رفت کسی که در آسمان ها و کسی که در زمین است، جز کسی که خواست خدا، سپس دمیده شد در آن، بار دیگر، پس ناگهان آنان، ایستاده ها می نگرند

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (69 زمر)

و نورانی شد زمین، با نور ربّش، و قرار داده شد کتاب، و آوردند پیامبران و گواهان را، و تصمیم قطعی گرفته شد بین آنان به حقیقت، و آنان مورد ستم واقع نمی شوند

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ (70 زمر)

و کامل داده شد به هر کسی، آنچه را انجام داد، و او داناتر است به آنچه انجام می دهند

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَى وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ (71 زمر)

و جلو رانده شد کسانی که کفر ورزیدند، به جهنم، به صورت جماعت ها، تا ناگهان آمدند نزد آن، گشوده شد درهای آن، و گفت به آنان، انبارداران آن، آیا هرگز نیامد نزد شما، فرستادگانی از شما، که می خوانند برای شما آیات ربّتان را، و هشدار می دهند به شما، دیدار این روزتان را، گفتند آری، و لیکن بایسته شد کلمه ی عذاب بر کافران

(پیامبران، آیات خداوند را برای مردم می خواندند و آن چیزی را که برای مردم، از جانب خداوند به آنها وحی می شد، بدون هیچ تغییری، به مردم می رساندند. آنچه که به پیامبر اسلام برای مردم از جانب خداوند وحی شد، قرآن است و پیامبر اسلام آیات قرآن را بدون هیچ تغییری، برای مردم می خواند. پیامبر نیز از قرآن پیروی می کرد و در زمینه ی دین، چیزی جز قرآن را بیان نمی کرد.)

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (72 زمر)

گفته شد، وارد شوید به درهای جهنم، همیشگی ها در آن، پس بد است منزل متکبران

(منظور از متکبران، کافران است.)

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (73 زمر)

و جلو رانده شد کسانی که حذر کردند از ربّشان، به باغ، به صورت جماعت ها، تا ناگهان آمدند نزد آن، و گشوده شد درهای آن، و گفت به آنان، انبارداران آن، درودی بر شما، نیکو شدید، پس داخل شوید به آن، همیشگی ها

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (74 زمر)

و گفتند ستایش برای خداست، آنکه راست گفت به ما وعده اش را، و میراث گذاشت برای ما زمین را، ساکن می شویم از باغ، هر کجا که می خواهیم، پس چه خوب است پاداش عمل کنندگان

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (75 زمر)

و می بینی فرشتگان را، حلقه زننده ها از پیرامون عرش، تسبیح می گویند به ستایش ربّشان، و تصمیم قطعی گرفته شد بین آنان به حقیقت، و گفته شد ستایش برای خداوند، ربّ جهانیان است

سوره غافر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

حم (1 غافر)

حا میم

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (2 غافر)

وحی کردن کتاب، از خداوند ارجمند داناست

(قرآن، از جانب خداوند وحی شده است.)

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (3 غافر)

آمرزنده ی گناه است و قبول کننده ی بازگشتن، نیرومند کیفرِ دارنده ی توانگری، نیست خدایی جز او، به او است برگشتن

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ (4 غافر)

جر و بحث نمی کند در آیات خدا، جز کسانی که کفر ورزیدند، پس فریب ندهد تو را گردش آنان در شهرها

(منظور از عبارت جر و بحث نمی کند در آیات خدا، جز کسانی که کفر ورزیدند، جر و بحث به منظور دروغ دانستن قرآن است یعنی کافران برای اثبات دروغ بودن قرآن و اینکه قرآن از جانب خداوند نیست در مورد قرآن جر و بحث می کرده اند.)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (5 غافر)

تکذیب کرد قبل از آنان، قوم نوح و جماعت ها از پس از آنان، و اهتمام ورزید هر امتی بر فرستادشان، تا غلبه کنند بر او، و جر و بحث کردند به باطل، تا نقض کنند با آن حقیقت را، پس گرفتم آنان را، پس چگونه بود کیفر

(منظور ازعبارت پس گرفتم آنان را، پس چگونه بود کیفر، نازل شدن عذاب بر آن اقوام، از جانب خداوند است.)

وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (6 غافر)

و اینچنین بایسته شد کلمه ی ربّت، بر کسانی که کفر ورزیدند، همانا آنان همنشینان آتش هستند

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (7 غافر)

کسانی که حمل می کنند عرش را، و کسی که گرداگرد آن است، تسبیح می گویند به ستایش ربّشان، و ایمان می آورند به او، و طلب عفو می کنند برای کسانی که ایمان آوردند، ربّ ما، در بر گرفتی هر چیزی را، از نظر مهربانی و دانش، پس بیامرز برای کسانی که بازگشتند و پیروی کردند راه تو را، حفاظت کن آنان را از عذاب آتش بسیار گرم و سوزان

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (8 غافر)

ربّ ما، و داخل کن آنان را به باغ های ماندگاری، که وعده دادی به آنان، و کسی که نیکو شد از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان، همانا تو خود، ارجمند صاحب حکمت هستی

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (9 غافر)

حفاظت کن آنان را از بدی ها، و کسی را که نگه داری از بدی ها در آن روز، پس به درستی مهربانی کردی به او، و آن خود پیروزی بزرگ است

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ (10 غافر)

همانا کسانی که کفر ورزیدند صدا کرده می شوند، یقیناً بیزاری خدا بزرگتر است از بیزاری شما از خودتان، هنگامی که فرا خوانده می شوید به ایمان، پس کفر می ورزید

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ (11 غافر)

گفتند ربّ ما، میراندی ما را دو بار، و زنده کردی ما را دو بار، پس اعتراف کردیم به گناهانمان، پس آیا به خارج شدن، از راهی است

ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (12 غافر)

آن به سبب این است که، همانا اگر صدا کرده شد خدا، تنها او، کفر ورزیدید، و اگر شریک قائل شود با او، ایمان می آورید، پس قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن) برای خداوند بلند قدر بزرگ است

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ (13 غافر)

اوست آنکه به شما نشان می دهد آیاتش را، و نازل می کند برای شما از آسمان، روزی ای را، و به یاد نمی آورد جز کسی که مکرراً باز می گردد

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (14 غافر)

پس صدا کنید خدا را، به صورتی که صادقانه ها برای او دین است، اگرچه بیزار بود کافران

(بیان شده که صدا کنید خدا را، به صورتی که صادقانه ها برای او دین است، بیان نشده که صدا کنید پیامبر و امامان شیعه را به جای خداوند. شیعیان به جای صدا کردن خداوند و یاری خواستن از او، امامان خود را صدا می کنند و از آنها یاری می خواهند. چقدر بین رفتار شیعیان و رفتار مشرکان شباهت وجود دارد.)

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ (15 غافر)

بلند مرتبه از نظر رتبه ها، صاحب عرش، ابلاغ می کند روح را از فرمانش، بر کسی که می خواهد از بندگانش، تا هشدار دهد روز ملاقات کردن را

(منظور از ابلاغ می کند روح را از فرمانش، بر کسی که می خواهد از بندگانش، این است که کسی را که خداوند می خواهد، به پیامبری بر می گزیند تا به مردم در مورد روز قیامت هشدار دهد.)

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (16 غافر)

روزی که آنان آشکارها هستند، پنهان نمی شود بر خدا از آنان چیزی، برای چه کسی است سلطه امروز، برای خداوند یگانه ی بسیار چیره شونده است

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (17 غافر)

امروز پاداش داده می شود هر کسی، به آنچه جمع آوری کرد، نیست ستمی امروز، همانا خدا شتابنده شمارش است

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ (18 غافر)

و هشدار ده آنان را از روز نزدیک شونده، هنگامی که دل ها نزد حنجره ها است، نگه دارنده ها، نیست برای ستمکاران، از دوستی و نه میانجی ای، که اطاعت کرده می شود

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (19 غافر)

می داند چشم های خیانت کار را، و آنچه را پنهان می کند سینه ها

(منظور از چشم های خیانت کار، چشم های ستمکاران است که در روز قیامت، زیر چشمی و پنهانی نگاه می کنند. و در آیه ی 45 شوری، در مورد آن بیان شده است.)

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (20 غافر)

و خدا داوری می کند به حقیقت، و کسانی را که صدا می کنند از غیر او، داوری نمی کنند به چیزی، همانا خدا خود، شنوای بیناست

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (21 غافر)

آیا هرگز حرکت نکردند در زمین، پس بنگرند که چگونه بود پایان کار کسانی که بودند از قبل از آنان، بودند آنان نیرومندتر از آنان، از نظر قدرت و نشانه هایی در زمین، پس گرفت آنان را خدا به گناهانشان، و نبود برای آنان از خدا، از حفاظت کننده ای

(منظور از عبارت پس گرفت آنان را خدا به گناهانشان، نازل شدن عذاب بر اقوام کافری بوده است که خداوند بر آنها به خاطر گناهانشان، عذاب نازل کرده است و ماجرای برخی از آنها در قرآن بیان شده است.)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (22 غافر)

آن به سبب این است که، همانا آنان را، می آوَرد نزد آنان فرستادگانشان، دلایل را، پس کفر ورزیدند، پس گرفت آنان را خدا، همانا او قدرتمندی، نیرومند کیفر است

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ (23 غافر)

و یقیناً به درستی فرستادیم موسی را با نشانه هایمان، و دلیلی آشکار

إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (24 غافر)

به فرعون و هامان و قارون، پس گفتند جادوگری دروغگو است

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (25 غافر)

پس وقتی که آورد نزد آنان، حقیقت را از نزد ما، گفتند بکُشید پسران کسانی را که ایمان آوردند با او، و زنده بگذارید زنانشان را، و نیست نیرنگ کافران جز در گمراهی

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ (26 غافر)

و گفت فرعون، بگذارید تا بکُشم موسی را، و باید که صدا کند ربّش را، همانا من می ترسم که تغییر دهد دین شما را، یا اینکه آشکار کند در زمین، تباهی را

وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ (27 غافر)

و گفت موسی، همانا من پناه بردم به ربّم و ربّ شما، از هر متکبری که ایمان نمی آورد به روز شمارش

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (28 غافر)

و گفت مردی با ایمان از خاندان فرعون، که پنهان می کند ایمانش را، آیا می کُشید مردی را که می گوید ربّ من، خداست، و به درستی آورد برای شما دلایلی را از ربّتان، و اگر باشد دروغگویی، پس

علیه اوست دروغش، و اگر باشد راستگویی، اصابت می کند به شما بعضی از آنچه وعده می دهد به شما، همانا خدا هدایت نمی کند کسی را که او، زیاده رو دروغگو است

يَا قَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ (29 غافر)

ای قوم من، برای شما سلطه است امروز، غلبه کنندگان در زمین، پس چه کسی یاری می کند ما را از قدرت (یا عذاب) خدا، اگر آمد نزد ما، گفت فرعون، نشان نمی دهم به شما، جز آنچه را می بینم، و هدایت نمی کنم شما را، جز به راه هدایت شدن

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ (30 غافر)

و گفت آنکه ایمان آورد، ای قوم من، همانا من می ترسم برای شما، از نظیر روز گروه ها

مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ (31 غافر)

نظیر عادت قوم نوح و عاد و ثمود، و کسانی که از پس از آنان هستند، و خدا نمی خواهد ستمی بر بندگان را

وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ (32 غافر)

و ای قوم من، همانا من می ترسم برای شما، از روز ندا دادن

يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (33 غافر)

روزی که روی می گردانید پشت کنندگان، نیست برای شما از خدا، از حفظ کننده ای، و کسی را که گمراه کند خدا، پس نیست برای او از هدایت کننده ای

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ (34 غافر)

و یقیناً به درستی آورد نزد شما یوسف از قبل، دلایل را، پس همواره بودید در تردیدی از آنچه آورد آن را نزد شما، تا ناگهان هلاک شد، گفتید هرگز بر نمی انگیزد خدا از پس از او فرستاده ای را، اینچنین گمراه می کند خدا، کسی را که او، زیاده رویی تردید کننده است

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (35 غافر)

کسانی که جر و بحث می کنند در آیات خدا، بدون دلیلی که آمد نزد آنان، بلند شد بیزاری ای نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آوردند، اینچنین مُهر می زند خدا بر هر دل متکبر خودرأیی

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ (36 غافر)

و گفت فرعون، ای هامان، بساز برای من ساختمان بلندی را، شاید من برسم به علت ها (یا راه ها)

أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ (37 غافر)

علت های (یا راه های) آسمان ها، پس اطلاع پیدا کنم به خدای موسی، و همانا من یقیناً گمان می کنم او را، دروغگویی، و اینچنین آراستیم برای فرعون، بدی کارش را، و بازداشته شد از راه، و نیست نیرنگ فرعون، جز در زیانی

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ (38 غافر)

و گفت آنکه ایمان آورد، ای قوم من، پیروی کنید از من، تا هدایت کنم شما را به راه هدایت شدن

يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (39 غافر)

ای قوم من، همانا این زندگی دنیا، کالایی است، و همانا آخرت، خود منزل ثبات است

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (40 غافر)

کسی که انجام داد بدی ای را، پس مجازات کرده نمی شود جز نظیر آن را، و کسی که انجام داد شایسته ای را از مرد یا زن، و او مؤمنی است، پس آنان داخل می شوند به باغ، روزی داده می شوند در آن، بدون شمارش

وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ (41 غافر)

و ای قوم من، مرا چه شده که فرا می خوانم شما را به نجات یافتن، و فرا می خوانید مرا به آتش

تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ (42 غافر)

فرا می خوانید مرا تا کفر ورزم به خدا، و شریک قائل شوم با او، آنچه را که نیست برای من به آن دانشی، و من فرا می خوانم شما را به ارجمند بسیار آمرزنده

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (43 غافر)

بی تردید، همانا آنچه که فرا می خوانید مرا به آن، نیست برای آن، فراخوانی ای در دنیا و نه در آخرت، و همانا بازگشت ما به خداست، و همانا زیاده روها خود، همنشینان آتش هستند

(منظور از زیاده روها در این آیه، کافران است.)

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (44 غافر)

پس به یاد خواهید آورد آنچه را می گویم برای شما، و وا می گذارم کارم را به خدا، همانا خدا بیناست به بندگان

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ (45 غافر)

پس حفاظت کرد او را خدا، از بدی های آنچه نیرنگ زدند، و احاطه کرد به خاندان فرعون، عذاب بدی

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ (46 غافر)

آتشی که آشکار کرده می شوند بر آن، صبح های زود و شامگاه، و روزی که برپا می شود هنگام قیامت، داخل کنید خاندان فرعون را به عذاب نیرومندتر

وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ (47 غافر)

و هنگامی که خصومت دارند در آتش، پس می گوید ناتوانان، به کسانی که کبر ورزیدند، همانا ما بودیم برای شما پیروانی، پس آیا شما بی نیاز کنندگان هستید از ما، سهمیه ای از آتش را

(در آتش جهنم، کافرانی که پیرو کافران قدرتمند بودند، به آنها می گویند، ما پیرو شما بودیم، آیا اکنون شما مقداری از آتش جهنم را از ما دور خواهید کرد.)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ (48 غافر)

گفت کسانی که کبر ورزیدند، همانا ما همگی در آن هستیم، همانا خدا به درستی قضاوت کرد (یا حکم صادر کرد) میان بندگان

(کافران قدرتمند در پاسخ آنها گفتند، ما همگی در عذاب جهنم هستیم.)

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ (49 غافر)

و گفت کسانی که در آتش هستند به انبارداران جهنم، صدا کنید ربّتان را، که تخفیف دهد از ما، یک روز از عذاب را

قَالُوا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (50 غافر)

گفتند، آیا هرگز نیاوردند نزد شما فرستادگانتان دلایل را، گفتند آری، گفتند پس صدا کنید، و نیست صدا کردن کافران جز در گمراهی

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ (51 غافر)

همانا ما یقیناً یاری می کنیم فرستادگانمان، و کسانی که ایمان آوردند را، در زندگی دنیا، و روزی که بر پا می شوند گواهی دهندگان

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (52 غافر)

روزی که سود نمی رساند ستمکاران را، عذرشان، و برای آنان لعنت کردن است، و برای آنان منزل بدی است

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ (53 غافر)

و یقیناً به درستی دادیم به موسی، هدایت را، و میراث گذاشتیم برای فرزندان اسرائیل، کتاب را

(خداوند بیان کرده، به موسی هدایت دادیم و برای فرزندان اسرائیل، کتاب را به میراث گذاشتیم. منظور از کتاب، تورات است که بر موسی نازل شد.)

هُدًى وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (54 غافر)

هدایتی و یادآوری، برای خردمندان است

(یک فرد یهودی برای اینکه به دین خود پی ببرد و آن را بشناسد، باید به تورات مراجعه کند. تورات کتاب هدایت کننده و یادآوری کننده برای یهودیان است.)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (55 غافر)

پس بردباری کن، همانا وعده ی خدا حقیقت است، و طلب عفو کن برای گناهت، و تسبیح بگوی به ستایش ربّت، به شامگاه (یا اول شب) و بامداد

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (56 غافر)

همانا کسانی که جر و بحث می کنند در آیات خدا، بدون دلیلی که نزدشان آمد، نیست در سینه هایشان جز تکبری، نیستند آنان از رسیده های به آن، پس پناه ببر به خدا، همانا او خود شنوای بیناست

(در مورد کافران بیان شده است.)

لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (57 غافر)

یقیناً آفریدن آسمان ها و زمین، بزرگتر است از آفریدن مردم، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ (58 غافر)

و مساوی نیست نابینا و بینا، و کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، و نه زیان آور، اندکی به یاد می آورید

(بیان شده، کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را با افراد زیان آور که کافران هم جزو آنها هستند، برابر نمی باشند.)

إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (59 غافر)

همانا هنگام قیامت، یقیناً در حال رسیدن است، نیست شکی در آن، و لیکن بیشتر مردم ایمان نمی آورند

وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (60 غافر)

و گفت ربّتان، صدا کنید مرا، پاسخ دهم برای شما، همانا کسانی که کبر می ورزند از پرستش من، داخل خواهند شد به جهنم، ذلیلان

(خداوند بیان می کند صدا کنید مرا تا پاسخ دهم به شما. خداوند بیان نکرده که صدا کنید پیامبر و امامان شیعه را، و یا آنها را به عنوان شفاعت کننده یا واسطه قرار دهید. اینها نمونه هایی از دروغ هایی است که پیروان مذهب شیعه، به خدا و دین بسته اند.)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (61 غافر)

خداست آنکه قرار داد برای شما شب را، تا آرامش یابید در آن، و روز را به صورت آشکار شده، همانا خدا یقیناً دارنده ی مزیتی بر مردم است، و لیکن بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (62 غافر)

آن است خدا، ربّ شما، آفریننده ی هر چیزی، نیست خدایی جز او، پس چگونه دروغ می گویید

(منظور از کسانی که دروغ می گویند، مشرکان هستند و دروغ آنها، قائل شدن شریک برای خداوند است.)

كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (63 غافر)

اینچنین دروغ می گویند کسانی که به آیات خدا کفر می ورزیدند

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (64 غافر)

خداست آنکه قرار داد برای شما زمین را مایه ی آرامشی، و آسمان را بنایی، و شکل داد به شما، پس نیکو کرد چهره هایتان را، و روزی داد به شما از نیکوها، آن است خدا، ربّتان، پس پر برکت است خدا، ربّ جهانیان

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (65 غافر)

اوست زنده، نیست خدایی جز او، پس صدا کنید او را به گونه ی صادقانه ها برای او دین، ستایش برای خداست، ربّ جهانیان

(بیان شده، اوست زنده. سؤالی از پیروان مذهب شیعه مطرح می شود، که مدام امامان خود را صدا می کنند و از آنها یاری می خواهند و به آنها توکل می کنند. آیا آنها زنده هستند، آیا گمان می کنید که آنها صدای شما را می شنوند، حتی اگر آنها زنده بودند و صدای شما را می شنیدند، آیا آنها در جایگاهی هستند که شما به جای خداوند، از آنها یاری بخواهید و به جای خداوند، به آنها توکل کنید. در کدام آیه از قرآن، خداوند بیان کرده که پیامبر و امامان شیعه را صدا کنید و از آنها یاری بخواهید و به آنها توکل کنید که شما اینچنین عمل می کنید و عمل خود را به خدا و دین نسبت می دهید. این اعمال شما دقیقاً همانند اعمال مشرکان است که بت های خود را صدا می کردند و از آنها یاری می خواستند و برخی اوقات مشرکان دلیل کار خود را، تقاضای شفاعت از آنان نزد خداوند، و همچنین در نظر گرفتن بت ها به عنوان عامل نزدیکی آنها به خداوند، بیان می کردند.)

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (66 غافر)

بگو همانا من منع کرده شدم اینکه بپرستم کسانی را که صدا می کنید از غیر از خدا، وقتی که آمد نزد من، دلایل از ربّم، و امر کرده شدم به اینکه تسلیم باشم برای ربّ جهانیان

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (67 غافر)

اوست آنکه آفرید شما را از خاکی، سپس از نطفه ای، سپس از خونی، سپس نمایان می کند شما را به صورت کودک، سپس تا برسید به سنّ ادراکتان، سپس تا باشید سالخورده هایی و از شما کسی است که میرانده می شود از قبل، و تا برسید به مهلتی معلوم، و شاید شما درک کنید

(بیان شده سپس تا باشید سالخورده هایی و از شما کسی است که میرانده می شود از قبل. این به آن معنا است که برخی به سن سالخوردگی می رسند و برخی قبل از رسیدن به این سن، از دنیا می روند.)

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (68 غافر)

اوست آنکه زنده می کند و می میراند، پس اگر انجام داد فرمانی را، پس همانا می گوید به او، باش، پس باشد

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى يُصْرَفُونَ (69 غافر)

آیا هرگز ننگریستی به کسانی که جر و بحث می کنند در آیات خدا، چگونه برگردانده می شوند

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (70 غافر)

کسانی که تکذیب کردند کتاب را، و آنچه را فرستادیم به سبب آن، فرستادگانمان را، پس به زودی می دانند

(این آیه و آیه ی قبل، در مورد کافران بیان شده است.)

إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ (71 غافر)

هنگامی که غلّ ها در گردن هایشان، و زنجیرها، بر زمین کشیده می شوند

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ (72 غافر)

در آب گرم، سپس در آتش برافروخته می شوند

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ (73 غافر)

سپس گفته شد به آنان، کجاست آنچه شریک قائل می شدید

مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُو مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ (74 غافر)

از غیر خدا، گفتند گم شدند از ما، بلکه هرگز صدا نمی کردیم از قبل، چیزی را، اینچنین گمراه می کند خدا، کافران را

ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ (75 غافر)

آن به سبب این است که شادمان می شدید در زمین به غیر از حقیقت، و به سبب آن است که ذوق می کردید

(در مورد کافران بیان شده است. بیان شده آن به سبب این است که شادمان می شدید در زمین به غیر از حقیقت، و به سبب آن است که ذوق می کردید. این شادمان شدن و ذوق کردن کافران، در زمینه ی کفر ورزیدن آنها بوده است و به این معنا نیست که آنها عذاب می شوند زیرا در زندگیشان شادمان بوده اند. شادمان بودن هیچ ایرادی ندارد و در اینجا، دلیل شادمانی آنها مد نظر است و نه حس شادی.)

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (76 غافر)

داخل شوید به درهای جهنم، همیشگی ها در آن، پس بد است منزل متکبران

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (77 غافر)

پس شکیبایی کن، همانا وعده ی خدا حقیقت است، پس یا به تو نشان دهیم بعضی از آنچه را وعده می دهیم به آنان، یا بمیرانیم تو را، پس به ما بازگردانده می شوند

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (78 غافر)

و یقیناً به درستی فرستادیم، فرستادگان را از قبل از تو، از آنان کسی است که نقل کردیم برای تو، و از آنان کسی است که هرگز نقل نکردیم برای تو، و نبود برای فرستاده ای، اینکه بیاورد نشانه ای را، جز به اجازه ی خدا، پس اگر آمد فرمان خدا، تصمیم قطعی گرفته شد به حقیقت، و زیان کرد آن زمان، دروغگویان

(منظور از دروغگویان، کافران است.)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (79 غافر)

خداست آنکه قرار داد برای شما دام را، تا سوار شوید از آن، و از آن می خورید

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (80 غافر)

و برای شما در آن فایده ها است، و تا برسید با آن، به خواسته ای که در سینه هایتان است، و بر آن، و بر کشتی، حمل کرده می شوید

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (81 غافر)

و نشان می دهد به شما آیاتش را، پس کدامین آیات خدا را نمی شناسید (یا انکار می کنید)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (82 غافر)

آیا پس هرگز حرکت نکردند در زمین، پس بنگرند چگونه بود پایان کار کسانی از قبل از آنان، بودند بیشتر از آنان، و نیرومندتر، از نظر قدرت و اثرهایی در زمین، پس دور نگه نداشت از آنان، آنچه را که گرد می آوردند

(منظور از، پس دور نگه نداشت از آنان، آنچه را که گرد می آوردند، این است که هنگامی که عذاب خداوند بر آنان فرستاده شد، آن قدرت و امکانات آنها، مانعِ از میان رفتن آنها نشد.)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (83 غافر)

پس وقتی که آورد نزد آنان فرستادگانشان، دلایل را، شادمان شدند به آنچه نزدشان است از دانش، و احاطه کرد به آنان، آنچه که آن را مسخره می کردند

(منظور از عبارت پس وقتی که آورد نزد آنان فرستادگانشان، دلایل را، شادمان شدند به آنچه نزدشان است از دانش، این است که آنها به دلیل دانشی که داشتند، خود را توانا تصور کردند و به خداوند ایمان نیاوردند.)

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (84 غافر)

پس وقتی که دیدند قدرت (یا عذاب) ما را، گفتند ایمان آوردیم به خدا، تنها او را، و کفر ورزیدیم به آنچه بودیم با او قائلان به شریک

(منظور از عبارت گفتند ایمان آوردیم به خدا، تنها او را، و کفر ورزیدیم به آنچه بودیم با او قائلان به شریک، این است که آنها در لحظه نازل شدن عذاب، گفتند که به خداوند، به صورت خدای یگانه، ایمان آوردیم و گفتند که کفر ورزیدیم به آنچه که با خداوند، شریک قائل می شدیم.)

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ (85 غافر)

پس هرگز نفع نمی داد به آنان، ایمانشان، وقتی که دیدند قدرت (یا عذاب) ما را، روش خداست که به درستی سپری شد در بندگانش، و زیان کرد آنجا، کافران

(بیان شده وقتی که عذاب بر آنها نازل می شد دیگر ایمان آوردن کافران در آن لحظه، مورد قبول واقع نمی شد.)

سوره فصلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

حم (1 فصلت)

حا میم

تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (2 فصلت)

وحی کردنی است از بخشاینده ی بخشایشگر

(قرآن از جانب خداوند، نازل شده است.)

كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (3 فصلت)

کتابی که به روشنی بیان کرده شد آیاتش، قرآنی منسوب به عرب، برای جماعتی که می دانند

(قرآن به صورت آشکار و قابل فهم نازل شده است.)

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (4 فصلت)

مژده دهنده ای و هشدار دهنده ای است، پس روی برگرداند بیشترشان، پس آنان نمی شنوند

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ (5 فصلت)

و گفتند، دل های ما در پوشش هایی است از آنچه فرا می خوانی ما را به آن، و در گوش هایمان سنگین شدنی است، و از بین ما و بین تو حایلی است، پس انجام ده، همانا ما عمل کنندگانیم

(آنهایی که ایمان نمی آوردند، به پیامبر گفتند، تو کار خود را انجام بده، ما نیز کار خود را انجام می دهیم.)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ (6 فصلت)

بگو همانا من انسانی مثل شما هستم، وحی می شود به من، که چنین است که خدای شما خدایی یگانه است، پس راست شوید به او، و طلب عفو کنید از او، و وای بر قائلان به شریک برای خدا

(معنای عبارت پس راست شوید به او، این است که جهت خود را به سوی او تغییر دهید و به راه او هدایت شوید.)

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (7 فصلت)

کسانی که نمی دهند زکات را، و آنان به آخرت، خود کافران هستند

(این آیه در مورد اتفاقی است که در آن زمان روی داده است و در کل، ندادن زکات، به معنای مشرک بودن نیست.)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (8 فصلت)

همانا کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، برایشان پاداشی بی منّت گذاشته شده (یا بدون ناقص کرده شده) است

قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (9 فصلت)

بگو، آیا همانا شما هستید که یقیناً کفر می ورزید به آنکه آفرید زمین را در دو هنگام، و قرار می دهید برای او همتایانی را، آن ربّ جهانیان است

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ (10 فصلت)

و قرار داد در آن، کوه های استوار، از بالای آن، و مبارک کرد در آن، و مقدّر کرد در آن، خوراکی ها را در چهار هنگام، یکسان است برای درخواست کنندگان

ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (11 فصلت)

سپس قصد کرد به آسمان، و آن دودی است، پس گفت به آن و به زمین، بیایید به گونه ی فرمانبردار شدن یا بیزار بودن، گفتند آمدیم فرمانبرداران

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (12 فصلت)

پس تحقق بخشید آنان را، هفت آسمان در دو هنگام، و وحی کرد در هر آسمانی، کارش را، و آراستیم آسمان دنیا را با چراغ ها، و نگهداری کردنی، آن مقدّر کردن ارجمند داناست

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ (13 فصلت)

پس اگر روی برگرداندند، پس بگو هشدار دادم به شما، آذرخشی مثل آذرخش عاد و ثمود را

إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (14 فصلت)

هنگامی که آمد نزد آنان، فرستادگان، از برابرشان و از پشتشان، که نپرستید جز خدا را، گفتند اگر می خواست ربّ ما، یقیناً نازل می کرد فرشتگانی را، پس همانا ما به آنچه فرستاده شدید بر آن، کافران هستیم

(منظور از عبارت آمد نزد آنان، فرستادگان، از برابرشان و از پشتشان، این است که پیامبران در نسل های قبل از آنان و در نسل آنان، آمدند و آنان را به ایمان آوردن دعوت نمودند.)

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (15 فصلت)

پس لیکن عاد، پس کبر ورزیدند در زمین به غیر از حقیقت، و گفتند چه کسی توانمندتر است از ما از نظر قدرت، آیا هرگز درک نکردند که همانا خدایی که آفرید آنان را، خود توانمندتر است از آنان از نظر قدرت، و به آیات ما کفر می ورزیدند

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ (16 فصلت)

پس فرستادیم برای آنان، بادی تند را در روزهایی نامیمون، تا بچشانیم به آنان عذاب خواری را در زندگی دنیا، و یقیناً عذاب آخرت خوار کننده تر است، و آنان یاری نمی شوند

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (17 فصلت)

و لیکن ثمود، پس هدایت کردیم آنان را، پس دوست داشتند نابینایی را بر هدایت، پس گرفت آنان را، آذرخش عذابِ خوار شدن، به سبب آنچه به دست می آوردند

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (18 فصلت)

و نجات دادیم کسانی را که ایمان آوردند و حذر می کردند

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (19 فصلت)

و روزی که گرد هم آورده می شود دشمنان خدا به آتش، پس آنان بازداشته می شوند

حَتَّى إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (20 فصلت)

تا در این صورت آمدند نزد آن، گواهی داد برای آنان، گوش هایشان و چشم هایشان و پوست هایشان، به آنچه انجام می دادند

وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (21 فصلت)

و گفتند به پوست هایشان، برای چه گواهی دادید علیه ما، گفتند به سخن آورد ما را خدا، آنکه به سخن آورد هر چیزی را، و او آفرید شما را دفعه ی اول، و به او برگردانده می شوید

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ (22 فصلت)

و استتار نمی کردید از اینکه گواهی دهد برای شما گوشتان، و نه چشم هایتان، و نه پوست هایتان، و لیکن گمان بردید همانا خدا نمی داند بسیاری از آنچه را انجام می دهید

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (23 فصلت)

و آن است گمان شما، که گمان بردید به ربّتان، هلاک کرد شما را، پس گردیدید از زیان دیدگان

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ (24 فصلت)

پس اگر شکیبایی کنند، پس آتش منزلی است برای آنان، و اگر خواستار رضایت شوند، پس نیستند آنان از متقاعد کنندگان

(بیان شده، اگر بر عذاب شکیبا باشند، آتش جهنم منزل آنها است، و اگر آنها خواستار رضایت خداوند شوند، آنان قادر به متقاعد کردن خداوند نیستند.)

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (25 فصلت)

و مقدر ساختیم برای آنان همنشینانی را، پس آراستند برای آنان، آنچه در برابرشان است و آنچه پشتشان است، و بایسته شد برای آنان گفتار، در جماعت هایی که به درستی سپری شد از قبل از آنان، از جن و انسان، همانا آنان بودند زیان دیدگان

(این آیه در مورد کافران بیان شده است، و منظور از بایسته شد برای آنان گفتار، این است که آن جماعت ها، وارد جهنم می شوند.)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ (26 فصلت)

و گفت کسانی که کفر ورزیدند، گوش نکنید به این قرآن، و بیهوده بگویید در آن، شاید شما پیروز شوید

فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (27 فصلت)

پس یقیناً می چشانیم به کسانی که کفر ورزیدند، عذابی نیرومند را، و یقیناً جزا می دهیم به آنان، بدترینِ آنچه را انجام می دادند

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (28 فصلت)

آن جزای دشمنان خدا است، آتش است برای آنان، در آن منزل بقا، جزایی به سبب آنکه به آیات ما کفر می ورزیدند

(منظور از دشمنان خدا، کافران است. منظور از منزل بقا، قیامت است.)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا اللَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ (29 فصلت)

و گفت کسانی که کفر ورزیدند، ربّ ما، نشانمان بده آن دو کسی را که گمراهمان کردند از جن و انس، تا قرار دهیم آن دو را زیر پاهایمان، تا آن دو باشند از پست ترها

(در قیامت، کافران به خداوند می گویند که آن کسانی که ما را گمراه کردند از جن و انسان، به ما نشان بده تا آنها را زیر پاهایمان قرار دهیم.)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (30 فصلت)

همانا کسانی که گفتند ربّ ما خداست، سپس درست شدند، نازل می شود بر آنان فرشتگان، که نترسید و اندوهگین نشوید، و شادمان شوید به باغ، که وعده داده می شدید

(در قیامت، کسانی که ایمان آوردند و فرد خوبی هم بوده اند، بر آنان فرشتگان نازل می شوند و به آنها می گویند که نترسید و اندوهگین نباشید و شادمان شوید به سبب بهشتی که به شما وعده داده می شد.)

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ (31 فصلت)

ما دوستان شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم، و برای شما است در آن، آنچه که بسیار دوست می دارد جان هایتان، و برای شماست در آن، آنچه که درخواست می کنید

نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ (32 فصلت)

عطایی است از بسیار آمرزنده ی بخشایشگر

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (33 فصلت)

و کیست نیکوتر از نظر گفتار، از کسی که فراخواند به خدا، و انجام داد شایسته ای را، و گفت، همانا من از تسلیم کنندگان هستم

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ (34 فصلت)

و یکسان نیست نیکی و نه بدی، از خود دور کن، با آنچه آن نیکوتر است، پس ناگهان آنکه بین تو و بین او دشمنی ای است، مانند این است که همانا او دوستی صمیمی است

(بیان شده، نیکی و بدی برابر نیستند. بیان شده که بدی را با آنچه که آن نیکوتر است، پاسخ بده، و اگر این کار را کردی، ناگهان بین تو و کسی که دشمن یکدیگر هستید، دوستی شکل می گیرد.)

وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (35 فصلت)

و نمی یابد آن را، جز کسانی که شکیبایی کردند، و نمی یابد آن را، جز دارنده ی بهره ای بزرگ

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (36 فصلت)

و یا تفرقه ایجاد کند در تو شیطان، تفرقه ایجاد کردنی را، پس پناه بیاور به خدا، همانا او خود شنوای داناست

(بیان شده که اگر شیطان در فکر تو اثر گذاشت، به خداوند پناه بیاور.)

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (37 فصلت)

و از نشانه های او، شب و روز و خورشید و ماه است، و سجده نکنید برای خورشید و نه ماه، و سجده کنید برای خدا، آنکه آفرید آنان را، اگر او را می پرستیدید

فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ (38 فصلت)

پس اگر کبر ورزیدند، پس کسانی که نزد ربّ تو هستند، تسبیح می گویند برای او، شب و روز، و آنان به ستوه نمی آیند

(خداوند بی نیاز است و نیازی ندارد که انسان ها او را بپرستند. هر کسی خود تصمیم گیرنده است که ایمان داشته باشد یا کفر ورزد و هر کسی پاسخگوی اعمال خود است.)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (39 فصلت)

و از نشانه های او، این است که همانا تو می بینی زمین را به صورت مطیع، پس اگر نازل کردیم بر آن آب را، تکان خورد و رشد کرد، همانا آنکه زنده کرد آن را، یقیناً زنده کننده است مردگان را، همانا او بر هر چیزی تواناست

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (40 فصلت)

همانا کسانی که دشمنی می کنند (یا هتک حرمت می کنند) در آیات ما، مخفی نیستند بر ما، آیا پس کسی که انداخته می شود در آتش، بهتر است یا کسی که می آید به صورت ایمن، روز قیامت، انجام دهید آنچه را خواستید، همانا او به آنچه انجام می دهید بیناست

(خداوند بیان کرده، کسانی که در مورد آیات قرآن، دشمنی می کنند، آنان از خداوند مخفی نیستند و بیان شده، آیا کسی که در آتش انداخته می شود، بهتر است یا کسی که در روز قیامت دارای امنیت است. در ادامه بیان شده که آنچه را می خواهید، انجام دهید، همانا خداوند به آنچه انجام می دهید، بینا است.

در این آیه بیان نشده که کسانی را که با آیات قرآن دشمنی می کنند، بگیرید و آنها را بکُشید و به جان و مال آنها تعرض کنید، بلکه در مورد جایگاه آنها در قیامت توضیح داده شده است و در انتهای آیه خداوند بیان کرده، هر کسی هر کاری را می خواهد، انجام دهد، خداوند از اعمال همه آگاهی دارد. یعنی اگر کسی می خواهد، با آیات قرآن دشمنی کند، و اگر کسی می خواهد، ایمان بیاورد، در روز قیامت به حساب همه رسیدگی خواهد شد. این نشان دهنده ی عدم اجبار در دین و نشان دهنده ی این است که اگر کسی کافر بود و حتی به قرآن بی احترامی کرد، کسی حق ندارد به این دلیل، به او تعرض داشته باشد. پس چگونه است که برخی به نام خدا و دین، حکم مرگ برای افرادی به اتهام بی احترامی به خدا و قرآن و پیامبر و اتهاماتی از این قبیل، صادر می کنند. رفتار و گفتار آنها هیچ ارتباطی با خدا و دین ندارد و آنهایی که این جنایات را انجام می دهند، حتی بویی از انسانیت نبرده اند.)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (41 فصلت)

همانا کسانی که کفر ورزیدند به به یاد آوردن، وقتی که آمد نزد آنان، و همانا آن یقیناً کتابی ارجمند است

(منظور از به یاد آوردن، قرآن است.)

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (42 فصلت)

نمی آید نزد آن باطل، از برابر آن و نه از پشت آن، وحی کردنی است از صاحب حکمتی ستوده

(بیان شده، باطل به قرآن راهی ندارد و قرآن از جانب خداوند وحی شده است.)

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (43 فصلت)

گفته نمی شود به تو، جز آنچه به درستی گفته شد به فرستادگان از قبل از تو، همانا ربّ تو یقیناً دارنده ی عفوی، و دارنده ی کیفری دردناک است

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (44 فصلت)

و اگر قرار می دادیم آن را قرآنی به صورت منسوب به غیر عرب، یقیناً می گفتند چرا به روشنی بیان کرده نشد آیات آن، آیا به صورت منسوب به غیر عرب و عرب، بگو آن، برای کسانی که ایمان آوردند، هدایتی و دارویی است، و کسانی که ایمان نمی آورند، در گوش هایشان سنگین شدنی است، و آن برای آنان نابینایی ای است، آنان صدا کرده می شوند از جایی دور

(قرآن به زبان عربی نازل شد زیرا مردمی که قرآن بر آنها نازل شده بود، عرب زبان بودند و اگر به زبانی غیر از عربی نازل می شد، آنها قرآن را نمی فهمیدند و می گفتند چرا آیات آن به روشنی بیان نشده و چرا برای عرب زبانان، قرآنی غیر عربی نازل شده است. اینکه برخی، زبان عربی را دارای جایگاه خاصی می دانند و دلیل این نظر خود را، عربی بودن زبان قرآن می دانند و مثلاً می گویند که نماز را باید فقط به صورت عربی خواند و اگر به زبان دیگری خوانده شود، باطل است، حرف نادرستی

می زنند و زبان عربی از نظر جایگاه، هیچ تفاوتی با دیگر زبان ها ندارد و تنها دلیلی که قرآن به عربی نازل شده است، عربی بودن زبان مردمی است که قرآن بر آنها نازل شده است و اگر این مردم زبان دیگری غیر از عربی می داشتند، قرآن به آن زبان نازل می شد. همانطور که کتاب های قبل از قرآن، به زبان مردمی نازل می شد که کتاب بر آنها نازل شده است. بنابراین اگر مثلاً فارسی زبانان، قرآن را به صورت عربی بخوانند و هیچ فهمی از معنای آن نداشته باشند، این قرآن خواندن آنها، هیچ فایده ای برای آنها نخواهد داشت.

بیان شده، قرآن برای کسانی که ایمان آوردند، هدایت است. با خواندن قرآن، می توان راه هدایت را از گمراهی، و دروغ را از حقیقت در زمینه ی دین تشخیص داد و برای شناخت اسلام حقیقی، تنها باید به قرآن مراجعه نمود.)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (45 فصلت)

و یقیناً به درستی دادیم به موسی کتاب را، پس اختلاف واقع شد در آن، و اگر نبود کلمه ای که پیش افتاد از ربّت، یقیناً تصمیم قطعی گرفته می شد بین آنان، و همانا آنان یقیناً در تردیدی از آن، مشکوک هستند

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (46 فصلت)

کسی که انجام داد شایسته ای را، پس برای خودش است، و کسی که بدی کرد، پس علیه او است، و نیست ربّ تو بسیار ستمگر به بندگان

(هر کسی مسئول کارهای خوب و بد خودش است و اگر کسی، کاری شایسته انجام دهد، برای خودش انجام می دهد و اگر کسی بدی ای را انجام دهد، علیه خودش انجام داده است. برخی که به نام خدا و دین می گویند که همه ی افراد جامعه، مسئول و جوابگوی اعمال یکدیگر هستند، جز دروغ بر خدا و دین نمی بندند و دلیل بیان این دروغ، توجیه جنایات و ستم هایی است که آنها به نام خدا و دین مرتکب می شوند. در دین، هیچ اجباری وجود ندارد و هر کسی در زمینه ی دین خود، خودش تصمیم گیرنده است.)

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِي قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ (47 فصلت)

به او برگردانده می شود دانشِ هنگام قیامت، و خارج نمی شود از میوه هایی از غلاف های شکوفه اش، و حمل نمی کند از ماده ای، و فرو نمی نهد، جز به دانش او، و روزی که صدا می کند آنان را، که کجاست شریکان من، گفتند مطلع می کنیم تو را، که نیست از ما از گواهی

(زمان قیامت را، فقط خداوند می داند و هیچ کس دیگری حتی پیامبر، از آن آگاهی ندارد. همه ی صحبت هایی که در مورد قیامت و اتفاق های قبل از آن، تحت عنوان صحبت های مثلاً پیامبر یا اشخاص دیگر، بیان می شود، جز دروغ نیستند و دلیل بیان این دروغ ها در مورد اتفاق های قبل از قیامت، توجیه دروغ های دیگری است که به خدا و دین می بندند.)

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ (48 فصلت)

و ضایع شد از آنان، آنچه را صدا می کردند از قبل، و یقین یافتند که نیست برای آنان از گریزگاهی

(در مورد مشرکان بیان شده است.)

لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ (49 فصلت)

به ستوه نمی آید انسان از فرا خواندن نیکویی، و اگر مبتلا شد به او بدی، پس نا امیدِ مأیوس است

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (50 فصلت)

و یقیناً اگر چشاندیم به او مهربانی ای از خود، از پس از گرفتاری، که مبتلا شد به او، یقیناً می گوید این از من است، و گمان نمی کنم که هنگام قیامت به صورت بر پا شونده است، و یقیناً اگر برگردانده شدم به ربّم، همانا برای من نزد او یقیناً نیکوتر است، پس یقیناً با خبر می کنیم کسانی را که کفر ورزیدند به آنچه انجام دادند، و یقیناً می چشانیم به آنان از عذابی خشن را

(در مورد کافران بیان شده است.)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ (51 فصلت)

و اگر نعمت عطا کردیم به انسان، روی برگرداند و دوری گزید به جهتش (=کنایه از دور شدن و خود را کنار کشیدن از روی تکبر است)، و اگر مبتلا شد به او بدی، پس دارای فراخوانی ای پهناور است

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (52 فصلت)

بگو آیا درک کردید که اگر بود از نزد خدا، سپس کفر ورزیدید به آن، چه کسی گمراه تر است از کسی که خود، در مخالفت ورزیدنی دور است

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (53 فصلت)

نشان خواهیم داد به آنان، نشانه هایمان را، در کرانه ها و در خودشان، تا آشکار شود برای آنان، که همانا آن حقیقت است، آیا هرگز کافی نبود تا ربّ تو، همانا خود، بر هر چیزی گواه باشد

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ (54 فصلت)

آگاه باشید، همانا آنان در تردیدی از دیدار ربّشان هستند، آگاه باشید، همانا او بر هر چیزی احاطه کننده است

سوره شوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

حم (1 شوری)

حا میم

عسق (2 شوری)

عَین سین قاف

كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (3 شوری)

اینچنین وحی می کند به تو و به کسانی از قبل تو، خداوند ارجمند صاحب حکمت

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (4 شوری)

برای اوست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و او بلند قدر بزرگ است

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (5 شوری)

نزدیک است آسمان ها شکافته شوند از بالای آنان، و فرشتگان تسبیح می گویند به ستایش ربّشان، و طلب عفو می کنند برای کسی که در زمین است، آگاه باشید، همانا خدا خود، بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (6 شوری)

و کسانی را که گرفتند از غیر او به عنوان دوستان، خدا نگهبان است بر آنان، و نیستی تو بر آنان کارگزار

(منظور از دوستان، در عبارت کسانی که گرفتند از غیر او به عنوان دوستان، خدایانی است که مشرکان، آنها را می پرستیده اند. به پیامبر بیان شده که تو بر آنان کارگزار نیستی، یعنی ای پیامبر، تو به جای آنها تصمیم گیرنده نیستی و آنها خود، تصمیم گیرنده در مورد دین و ایمان آوردن یا ایمان نیاوردنشان هستند.)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (7 شوری)

و اینچنین وحی کردیم به تو، قرآنی منسوب به عرب را، تا هشدار دهی مادر آبادی ها (یا مکه) را، و کسی را که پیرامون آن است، و هشدار دهی روز گردآوری کردن را، که نیست تردیدی در آن، گروهی در باغ هستند و گروهی در شعله ی آتش

(به پیامبر بیان شده، به تو قرآنی به زبان عربی نازل کردیم تا مردم مکه و کسی که پیرامون آن است را هشدار دهی. پیامبر مسئولیت داشته تا مردم مکه یعنی همان شهری که در آن ساکن بوده است، و مردم پیرامون مکه را هشدار دهد و به ایمان آوردن دعوت نماید، و پیامبر مسئولیت دعوت مردم شهرهای دیگر و مردم کشورهای دیگر به ایمان آوردن را نداشته است و اگر خداوند می خواست مثلاً مردم ایران را به ایمان آوردن دعوت نماید، برای ایرانیان پیامبری بر می گزید و برای آنها، کتابی به زبان فارسی نازل می کرد. البته این به آن معنا نیست که اگر کسی از مردم غیر عرب، پیرو دین اسلام شود، کاری

نادرست انجام داده است، زیرا قرآن، آخرین کتاب نازل شده بر پیامبران است و اسلام، به روزترین دین از جانب خداوند است.)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (8 شوری)

و اگر می خواست خدا، یقیناً قرار می داد آنان را جماعتی یگانه، و لیکن داخل می کند کسی را که می خواهد در مهربانی اش، و ستمکاران را، نیست برای آنان، از دوستی و نه یاری کننده ای

(بیان شده، اگر خداوند می خواست، اراده می نمود و همه ایمان می آوردند. خداوند کسی را که می خواهد، هدایت می نماید. اینکه کسی هدایت شود، به خواست پیامبر یا فرد دیگری، بستگی ندارد. مسئولیت پیامبر فقط دعوت مردم به ایمان آوردن بوده است و اینکه افراد ایمان بیاورند یا نیاورند، به تصمیم خودشان بستگی دارد و هیچ اجباری در دین وجود ندارد.)

أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (9 شوری)

یا گرفتند از غیر او دوستانی را، پس خدا خود، دوست است، و او زنده می کند مردگان را، و او بر هر چیزی توانا است

(منظور از دوستان در عبارت گرفتند از غیر او دوستانی را، دوستی افراد با یکدیگر نیست بلکه منظور خدایانی است که مشرکان، آنها را می پرستند و با خداوند یگانه، شریک قائل می شوند.)

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (10 شوری)

و آنچه را اختلاف داشتید در آن از چیزی، پس قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن) آن به خداست، آن است خدا، ربّ من، بر او توکل کردم و به او باز می گردم

(احکامی که تحت عنوان حکم خداوند در مورد موضوعات گوناگون صادر می شوند و هیچ کدام از آن احکام در قرآن بیان نشده اند و از منابعی مانند سنّت پیامبر و احادیث و روایات نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، به دست آمده اند، حکم خداوند نیستند و این احکام، جز دروغی بر خداوند و دین نیستند. چگونه ممکن است پیامبری که بر طبق گفته ی قرآن، خود از قرآن پیروی می کرده است و با مراجعه به قرآن، بین مردم قضاوت می نموده است، حکمی صادر نماید که در قرآن بیان نشده است.

اولین چیزی که با بیان قضاوت کردن بین افراد با توجه به حکم قرآن یا اسلام، به ذهن بسیاری می رسد، حکم ها و رفتارها و جنایاتی است که گروه ها و حکومت های به اصطلاح اسلام گرا، به نام خدا و اسلام، انجام می دهند و رفتار و جنایات این گروه ها و حکومت ها، به تصور بسیاری که از اسلام حقیقی اطلاعی ندارند، همان چیزی است که اسلام بیان کرده است. این در حالی است که با مراجعه به قرآن می توان پی برد که رفتار و گفتار این حکومت ها و گروه های جنایتکار، هیچ ارتباطی با اسلام و آن چیزی که خداوند در قرآن بیان نموده است، ندارد. به عنوان مثال در قرآن نوشیدن شراب، حرام نشده است و فقط توصیه شده که نوشیده نشود، پس تحت کدام آیه از قرآن، مجازات شلاق و حتی اعدام برای نوشنده ی شراب صادر می کنند. در قرآن برای زناکار یا به عبارت دیگر رابطه جنسی مرد با زن شوهر دار، تحت شرایطی که در قرآن بیان شده است، مجازات شلاق در نظر گرفته شده است، پس تحت کدام آیه از قرآن، برای مجازات زناکار، حکم کشته شدن به روش سنگسار و یا مجازات اعدام

صادر می کنند. تحت کدام آیه از قرآن، روزه خواری در ماه رمضان گناه است و برای آن مجازات شلاق در نظر گرفته شده است، و تحت کدام آیه از قرآن، برای بسیاری از اتهام های دیگر، به نام خدا و دین، حکم های اعدام و شلاق و غیره، صادر می کنند. در قرآن بیان شده که دین و اعتقادات هر کسی مربوط به خود اوست و هیچ اجباری در زمینه ی دین وجود ندارد، این یکی از نکاتی است که در قرآن بیان شده است و همین نکته تکلیف این حکومت های فاسد و گروه های جنایتکار به اصطلاح اسلام گرا را مشخص می کند و دروغ بودن ادعاها و ماهیت آنها را نشان می دهد. برای ملاک قرار دادن قرآن جهت قضاوت و صدور حکم، نیازی به حاکم شدن اسلام گرایان و تشکیل حکومت اسلامی در جامعه نیست و اگر مردم جامعه ای خواستار اجرای حکمی از قرآن باشند، می تواند این اتفاق بیفتد، و اگر در جامعه ای، حکومتی تحت عنوان حکومت اسلامی تشکیل شود، فساد بر آن جامعه حاکم خواهد شد و دلیل این اتفاق، حاکم شدن افراد فاسد به اصطلاح اسلام گرا و ریاکاران بر جامعه است که دروغ ها و جنایات خود را به نام خدا و اسلام، انجام می دهند و هر گونه انتقاد به عملکرد خود را، انتقاد به خدا و دین نسبت می دهند و با آن برخورد می نمایند. در آیه ی 34 سوره توبه، خداوند بیان می کند، همانا بسیاری از دانشمندان صالح و عابدان، یقیناً می خورند دارایی های مردم را به باطل، و باز می دارند از راه خدا. در میان حکومت های دیکتاتوری و فاسد، حکومت های دینی، بدترین آنها هستند، زیرا جنایات خود را به نام خدا و دین، توجیه می نمایند و این فقط در مورد اسلام نیست و در هر دینی، اگر حکومت دینی در جامعه تشکیل شود، همین اتفاقات خواهد افتاد و نمونه ی آن در مسیحیت، حکومت کلیسا در قرون وسطی است.)

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (11 شوری)

آفریننده ی آسمان ها و زمین است، قرار داد برای شما از خودتان جفت هایی را، و از دام جفت هایی را، زیاد می کند شما را در آن، نیست مانند نظیر او چیزی، و او شنوای بیناست

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (12 شوری)

برای اوست کلیدهای آسمان ها و زمین، گسترش می دهد روزی را برای کسی که می خواهد، و تنگ می گیرد، همانا او بر هر چیزی داناست

(میزان روزی و توانایی مالی هر کسی، از جانب خداوند مشخص می شود.)

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (13 شوری)

آشکار کرد برای شما از دین، آنچه را که سفارش کرد به آن نوح را، و آنچه را وحی کردیم به تو، و آنچه را که سفارش کردیم به آن، ابراهیم و موسی و عیسی را، اینکه به پا دارید دین را، و پراکنده نشوید در آن، دشوار شد بر مشرکان (=قائلان به شریک برای خدا)، آنچه که فرا می خوانی آنان را به آن، خدا انتخاب می کند به خود، کسی را که می خواهد، و هدایت می کند به خود، کسی را که مکرراً باز می گردد

(خداوند برای پیام آوری قرآن، یک فرد را به پیامبری برگزید و یک کتاب به نام قرآن، به او وحی نمود که برای شناخت اسلام حقیقی، باید به آن مراجعه نمود. اسلام، دارای مذهب نیست و پیدایش مذهب های گوناگون از جمله شیعه و سنی، در حقیقت دروغ بستن به خدا و دین است و در این مذهب ها، پیروان آنها، پیرو اسلام حقیقی نیستند زیرا برای شناخت اسلام، فقط به قرآن مراجعه نمی کنند.)

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (14 شوری)

و پراکنده نشدند جز از پس از آنچه که آمد نزد آنان دانش، به سبب ستمی بینشان، و اگر نبود کلمه ای که پیش افتاد از ربّت، تا مهلتی مشخص، یقیناً تصمیم قطعی گرفته می شد بین آنان، و همانا کسانی که به ارث بردند کتاب را از پس از آنان، یقیناً در تردیدی از آن هستند به گونه ی شبهه انگیز

(منظور از دانش در عبارت (آنچه که آمد نزد آنان دانش)، کتاب آن دین است مثلاً تورات یهودیان و انجیل مسیحیان.)

فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (15 شوری)

پس برای آن، پس فرا بخوان، و درست شو آنچنان که امر شدی، و پیروی نکن خواسته های آنان را، و بگو ایمان آوردم به آنچه نازل کرد خدا از کتاب، و امر شدم تا عادل باشم بین شما، خدا ربّ ما و ربّ شما است، برای ما است کارهای ما و برای شما است کارهای شما، نیست دلیلی (یا بهانه ای) بین ما و بین شما، خدا گردآوری می کند بین ما را، و به او است برگشتن

(خداوند به پیامبر بیان کرده که به اهل کتاب بگو، خدا ربّ ما و ربّ شما است، یعنی همه ی ما خداپرست هستیم و خدای یگانه را می پرستیم. در ادامه بیان شده، برای ما است کارهای ما و برای شما است کارهای شما، یعنی کارهای هر کسی مربوط به خود اوست و هر کسی مسئول اعمال خودش است و هیچ کسی به خاطر اعمال دیگری، مورد سؤال قرار نمی گیرد. بیان شده، نیست دلیلی (یا بهانه ای) بین ما و بین شما، یعنی دلیلی برای دشمنی بین ما و شما نیست. پس چگونه است که پس از درگذشت پیامبر، مسلمانان به نام خدا و اسلام، و با عنوان جنگ با سرزمین های کفر، و با عنوان گسترش اسلام، به کشورهای دیگر از جمله ایران و کشورهای اروپایی حمله کردند و در این کشورها، به قتل و غارت پرداختند. مگر غیر از این بود که ایرانیان خداپرست بودند و اروپاییان، مسیحی و خداپرست بودند، بنابراین آنها کافر نبودند و حتی اگر کافر هم می بودند، باز مسلمانان حق تجاوز و حمله به آنها را نداشتند و خداوند در قرآن حق حمله حتی علیه کافران را نداده است و فقط مسلمانان می توانند در واکنش به حمله ای که به آنها شده، وارد جنگ شوند. در مورد ادعای مسلمانان مبنی بر گسترش اسلام، باید بیان کرد که شما چه حقی داشته اید که بخواهید با جنگ، اسلام را گسترش دهید. خداوند در آیه 7 سوره شوری به پیامبر بیان کرد، و اینچنین وحی کردیم به تو، قرآنی منسوب به عرب را، تا هشدار دهی مادر آبادی ها (یا مکه) را، و کسی را که پیرامون آن است، و این نشان دهنده این است که حتی پیامبر نیز مسئولیت گسترش اسلام به سرزمین های دیگر را بر عهده نداشته است.)

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (16 شوری)

و کسانی که جر و بحث می کنند به دلیل خدا، از پس از آنکه پاسخ داد به او، دلیلشان به صورت باطل است نزد ربّشان، و برای آنان خشمی است، و برای آنان عذابی نیرومند است

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ (17 شوری)

خداست آنکه نازل کرد کتاب را به حقیقت، و ترازو را، و با خبر نمی کند تو را، شاید هنگام قیامت نزدیک است

(قرآن از جانب خداوند نازل شده است. زمان وقوع قیامت را فقط خداوند می داند و حتی پیامبر از آن با خبر نبوده است. چگونه ممکن است که پیامبری که از زمان وقوع قیامت بی خبر است، از اتفاق هایی خبر دهد که قبل از وقوع قیامت روی خواهد داد، در این آیه خداوند به پیامبر بیان می کند که خداوند تو را از هنگام قیامت با خبر نمی کند، شاید آن نزدیک باشد. اینکه برخی از اتفاق هایی صحبت می کنند که پیامبر و اشخاص دیگر از آنها به عنوان اتفاق های قبل از رخ دادن قیامت نام برده اند، جز دروغ بر خدا و دین نمی بندند و هدف آنها از این دروغ ها، حقیقت جلوه دادن دروغ های دیگری است که به خدا و دین نسبت می دهند.)

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (18 شوری)

به عجله وا می دارد آن را، کسانی که ایمان نمی آورند به آن، و کسانی که ایمان آوردند، نگران ها هستند از آن، و می دانند که همانا آن حقیقت است، آگاه باشید، همانا کسانی که بگو مگو می کنند به دلیل هنگام قیامت، یقیناً در گمراهی دوری هستند

(در مورد قیامت، بیان شده است. منظور از عبارت به عجله وا می دارد آن را، کسانی که ایمان نمی آورند به آن، این است که کافران به پیامبر می گفته اند که اگر قیامت حقیقت دارد، از خداوند بخواه که آن را برای ما بیاورد.)

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (19 شوری)

خدا پر محبت است به بندگانش، روزی می دهد به کسی که می خواهد، و او نیرومند ارجمند است

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (20 شوری)

کسی که می خواست کاشتن آخرت را، می افزاییم برای او در کاشتنش، و کسی که می خواست کاشتن دنیا را، می دهیم به او از آن، و نیست برای او در آخرت از بهره ای

(این انتخاب هر کسی است که آیا فقط زندگی دنیا را می خواهد و یا آخرت را نیز خواستار است. در دین هیچ اجباری وجود ندارد. بیان شده، کسی که آخرت را می خواهد و برای رستگاری در آخرت، تلاش می کند، به نتیجه ی تلاش او، خواهیم افزود و کسی که فقط زندگی دنیا را می خواهد، در زندگی دنیا، او را بهره مند می کنیم و در آخرت برای او بهره ای نیست. البته این به آن معنا نیست که کسی که رستگاری در آخرت را خواستار است، نمی تواند در این دنیا بهره مند باشد. انسان می تواند هم در این دنیا از نعمت های خداوند بهره مند باشد و هم در آخرت رستگار شود برای مثال می توان به سلیمان

اشاره کرد که از پیامبران خدا بود و خداوند در قرآن از او به نیکی یاد کرده است و در دنیا به او قدرت و ثروت فراوان داده بود و در آخرت از رستگاران است.)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (21 شوری)

یا برای آنان شریکانی است، که آشکار کردند برای آنان از دین، آنچه را که هرگز اجازه نداد به آن، خداوند، و اگر نبود کلمه ی جدا کردن، یقیناً تصمیم قطعی گرفته می شد بین آنان، و همانا ستمکاران برایشان عذابی دردناک است

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (22 شوری)

می بینی ستمکاران را نگران ها، از آنچه به دست آوردند، و آن رخ دهنده است بر آنان، و کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، در سبزه زارهای باغ ها هستند، برای آنان آنچه را می خواهند نزد ربّشان است، آن خود مزیت بزرگ است

(در مورد قیامت بیان شده است.)

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (23 شوری)

آن است آنچه که مژده می دهد خدا به بندگانش، کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، بگو تقاضا نمی کنم از شما برای آن پاداشی را، جز محبت به خویشاوندی (=فرد دارای خویشاوندی)، و کسی که مرتکب شد نیکی ای را، می افزاییم برای او در آن، نیکی ای را، همانا خدا بسیار آمرزنده ی بسیار سپاسگزار است

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (24 شوری)

یا می گویند دروغ بافت بر خدا، دروغی را، پس اگر بخواهد خدا، مُهر می زند بر دلت، و محو می کند خدا باطل را، و ثابت می کند حقیقت را با کلماتش، همانا او داناست به حقیقت سینه ها

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (25 شوری)

و اوست آنکه، قبول می کند بازگشت را از بندگانش، و عفو می کند از بدی ها را، و می داند آنچه را انجام می دهید

(خداوند کسی است که اگر کسی از بندگانش، به او بازگردد، بازگشت را از او می پذیرد و بدی ها را عفو می نماید، و آنچه را انجام می دهید، می داند.)

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (26 شوری)

و پاسخ می دهد به کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، و می افزاید به آنان از مزیتش، و کافران برایشان عذابی نیرومند است

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ (27 شوری)

و اگر گسترش داد خدا، روزی را برای بندگانش، یقیناً ستم کردند در زمین، و لیکن نازل می کند به اندازه ای که می خواهد، همانا او به بندگانش، آگاهی بیناست

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ (28 شوری)

و اوست آنکه نازل می کند باران را، از پس از اینکه نا امید شدند، و می گستراند مهربانی اش را، و او است دوست ستوده

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ (29 شوری)

و از نشانه های او، آفرینش آسمان ها و زمین است، و آنچه را پخش کرد در آن دو، از جنبنده ای، و او بر گردآوری کردن آنان، هر آینه که می خواهد، تواناست

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (30 شوری)

و آنچه مبتلا شد به شما از مصیبتی، پس به سبب آنچه به دست آورد دست هایتان است، و صرفنظر می کند از بسیاری

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (31 شوری)

و نیستید شما ناتوان کنندگان در زمین، و نیست برای شما از غیر خدا، از دوستی و نه یاری کننده ای

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (32 شوری)

و از نشانه های او، روان شونده ها در دریا است، مانند بیرق ها

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (33 شوری)

اگر بخواهد از حرکت نگه می دارد باد را، پس باقی می مانند بی حرکت ها بر سطح آن، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای هر بسیار بردبارِ بسیار سپاسگزاری

أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ (34 شوری)

یا نابود می کند آنها را، به سبب آنچه به دست آوردند، و صرفنظر می کند از بسیاری

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ (35 شوری)

و بداند کسانی که جر و بحث می کنند در آیات ما، نیست برای آنان از گریزگاهی

(منظور از جر و بحث کردن در آیات خدا، بحث کردن در جهت اثبات دروغ بودن و نادرست بودن قرآن است و اینکه بخواهند ثابت کنند که قرآن از جانب خداوند نیست.)

فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (36 شوری)

پس آنچه داده شد به شما از چیزی، پس کالای زندگی دنیا است، و آنچه نزد خداست، بهتر و پایدارتر است برای کسانی که ایمان آوردند، و بر ربّشان توکل می کنند

(بیان شده کسانی که ایمان آوردند و بر ربّشان توکل می کنند. بیان نشده کسانی که بر امامان شیعه توکل می کنند. در قرآن بیان شده، مؤمنان تنها باید بر خداوند توکل نمایند.)

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (37 شوری)

و کسانی که اجتناب می ورزند از گناهان بزرگ و گناهان بسیار زشت، و در صورتی که خشمگین شدند، آنان عفو می کنند

(بیان شده، در صورتی که خشمگین شدند، آنان عفو می کنند. یکی از ویژگی های رستگاران، این است که خشم خود را کنترل می نمایند و از اشتباه دیگران، می گذرند و آنان را می بخشند. این درست بر عکس رفتار گروه های به اصطلاح اسلام گرایی است که به نام خدا و اسلام، ترویج خشونت می کنند و با خشونت و بدرفتاری، با مردم برخورد می نمایند.)

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (38 شوری)

و کسانی که پاسخ دادند به ربّشان، و بر پا داشتند نماز را، و کارشان مشورت بینشان است، و از آنچه روزی دادیم به آنان، خرج می کنند

(منظور از، از آنچه روزی دادیم به آنان، خرج می کنند، این است که آنان در راه خداوند، از مالی که دارند، به نیازمندان کمک می کنند.)

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ (39 شوری)

و کسانی که اگر مبتلا شد به آنان ستم، آنان دست ستمگر را کوتاه می کنند (یا انتقام می گیرند)

(در برابر ستمگر، عکس العمل نشان می دهند و با او برخورد می کنند.)

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (40 شوری)

و سزای بدی، بدی ای مثل آن است، پس کسی که عفو کرد و اصلاح کرد (یا نیکی کرد)، پس پاداش او بر خداست، همانا او دوست ندارد ستمکاران را

(این آیه در ادامه ی آیه ی قبل بیان شده، و بیان می کند که مجازات بدی، بدی ای مانند آن است مثلاً کسی که به ستم، دست کسی را شکسته است، مجازات او، شکسته شدن دست اوست و یا کسی که به ستم، کسی را کشته است، مجازات او کشته شدن است. در ادامه بیان شده، اگر کسی بدی کننده را ببخشد و اصلاح کند (یا نیکی کند)، پاداش او با خداوند است. یعنی اگر از مجازات بدی کننده صرفنظر کند و او را عفو کند، خداوند به کسی که عفو کرده پاداش خواهد داد.)

وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ (41 شوری)

و یقیناً کسی که دست ستمگر را کوتاه کرد (یا انتقام گرفت)، پس از ستمش، پس آنان را، نیست بر آنان، از راهی

(بیان شده، اگر کسی ستمگر را پس از ستمی که انجام داده، به همان روشی که در آیه قبل بیان شده مجازات کرد، به خاطر مجازات ستمگر، کسی حق ندارد او مجازات کند.)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (42 شوری)

همانا راه بر کسانی است که ستم می کنند بر مردم، و تجاوز می کنند در زمین، به غیر از حقیقت، آنان برایشان عذابی دردناک است

(کسانی را می توان مجازات کرد که بر مردم ستم می کنند، و در زمین، به ناحق تجاوز می کنند. برای آنان در روز قیامت، عذابی دردناک خواهد بود.)

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (43 شوری)

و یقیناً کسی که بردباری کرد و عفو کرد، همانا آن یقیناً از اراده ی قوی داشتن در کارهاست

(در ادامه ی آیات قبل در مورد مجازات کردن ستمگر، بیان شده که اگر کسی بردباری نمود و ستمگر را عفو کرد، آن نشان دهنده ی اراده ی قوی او در کارها است.)

وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ (44 شوری)

و کسی را که گمراه کند خدا، پس نیست برای او از دوستی، از پس از او، و می بینی ستمکاران را، وقتی که دیدند عذاب را، می گویند آیا به بازگشت، از راهی است

(کسی را که خداوند گمراه نماید، برای او پس از خداوند، دوستی نخواهد بود و وقتی که ستمکاران در روز قیامت، عذاب را دیدند، می گویند آیا راهی برای بازگشت وجود دارد.)

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ (45 شوری)

و می بینی آنان را، آشکار کرده می شوند بر آن، به صورت مطیعان، از ذلیل شدن، می نگرند از گوشه چشم به صورت پنهان (=به دلیل ترس یا شرم)، و گفت کسانی که ایمان آوردند، همانا زیان دیدگان کسانی هستند که زیان کردند خودشان و خانواده هایشان، روز قیامت، آگاه باشید همانا ستمکاران در عذابی همیشگی هستند

(بیان شده، ستمکاران در روز قیامت، وارد عذاب می شوند و به دلیل اینکه ذلیل شده اند، به صورت مطیعان هستند.)

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ (46 شوری)

و نبود برای آنان، از دوستانی که یاری می کنند آنان را، از غیر خدا، و کسی را که گمراه کند خدا، پس نیست برای او از راهی

(در روز قیامت برای ستمکاران، دوستانی که یاری کننده ی آنها باشند، غیر از خداوند، وجود ندارد و کسی را که خداوند گمراه نماید، راهی برای او وجود ندارد.)

اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ (47 شوری)

پاسخ دهید به ربّتان، از قبل از اینکه بیاید روزی، که گریز ناپذیر است از خدا، نیست برای شما از پناهگاهی در آن روز، و نیست برای شما از دگرگونی ای

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ (48 شوری)

پس اگر روی گرداندند، پس نفرستادیم تو را بر آنان به عنوان نگاهدارنده، نیست بر تو جز رساندن، و همانا ما اگر چشاندیم به انسان از خود، مهربانی ای را، شادمان شد به سبب آن، و اگر مبتلا شود به آنان بدی ای، به سبب آنچه پیش انداخت دست هایشان، پس همانا انسان ناسپاس است

(خداوند به پیامبر بیان نموده که اگر آنها روی گرداندند و دعوت تو را نپذیرفتند، ما تو را بر آنان به عنوان نگهدارنده نفرستادیم، و وظیفه ی تو جز رساندن وحی خداوند به آنان، که همان قرآن است، چیز دیگری نیست. پیامبر فقط وظیفه داشته که آیات قرآن را که به او از جانب خداوند وحی می شده است، به مردم برساند و به مردم به وسیله ی قرآن، هشدار دهد، و مجبور کننده ی آنها به ایمان آوردن و پذیرفتن، نبوده است و از جانب خداوند، حق این کار را نداشته است. اگر خداوند می خواست، اراده می نمود و همه ایمان می آوردند و هدایت و گمراهی افراد، به خواست خداوند است و به خواست حتی پیامبر، بستگی ندارد. پس چگونه است که افرادی به نام خدا و دین، می خواهند مردم را مجبور به آنچه که آن را دین می نامند، بکنند و برای این منظور، هر اقدامی را حق خود می دانند و هر گونه توهین و ستم و جنایتی را بر علیه مردم روا می دانند. رفتار و گفتار آنها، هیچ ارتباطی با خدا و دین ندارد و آنها جز دروغ بر خدا و دین، نمی بندند.)

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ (49 شوری)

برای خداست سلطه ی آسمان ها و زمین، می آفریند آنچه را می خواهد، عطا می کند به کسی که می خواهد ماده هایی را، و عطا می کند به کسی که می خواهد نرها را

(خداوند به کسی که می خواهد فرزند پسر می دهد و به کسی که می خواهد فرزند دختر می دهد.)

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (50 شوری)

یا به هم متصل می کند آنان را، به صورت نرهایی و ماده هایی، و قرار می دهد کسی را که می خواهد به صورت عقیم، همانا او دانایی تواناست

(یا به کسی که می خواهد، به صورت همزمان، پسران و دختران می دهد، و کسی را که می خواهد، به صورت عقیم قرار می دهد و به او فرزندی نمی دهد.)

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ (51 شوری)

و نبود برای انسانی، اینکه سخن بگوید با او خدا، جز به صورت وحی کردن، یا از پشت حایلی، یا می فرستد فرستاده ای را، پس وحی کند با اجازه ی او، آنچه را می خواهد، همانا او بلند قدری صاحب حکمت است

(خداوند با هیچ انسانی سخن نگفته است مگر به صورت وحی کردن، یا به صورت سخن گفتن از پشت حایلی، یا فرستادن فرستاده ای، که آن فرستاده به او از جانب خداوند وحی نماید.)

وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (52 شوری)

و اینچنین وحی کردیم به تو، روحی از فرمانمان را، نمی دانستی چیست کتاب، و نه ایمان، و لیکن قرار دادیم آن را نوری، که هدایت می کنیم با آن، کسی را که می خواهیم از بندگانمان را، و همانا تو یقیناً هدایت می کنی به راهی راست

(خداوند قرآن را نوری قرار داد که با آن کسی را که می خواهد، هدایت می کند. با خواندن قرآن، می توان در زمینه دین، هدایت را از گمراهی، و حقیقت را از دروغ تشخیص داد و به اسلام حقیقی پی برد. برای شناخت اسلام حقیقی، باید فقط به قرآن مراجعه نمود و مراجعه به منابعی دیگر برای شناخت اسلام، از جمله احادیث و روایات نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، جز گمراهی از اسلام حقیقی، نتیجه ای نخواهد داشت.)

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (53 شوری)

راه خدا، آنکه برای اوست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، آگاه باشید، به خدا بر می گردد کارها

سوره زخرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

حم (1 زخرف)

حا میم

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (2 زخرف)

سوگند به کتاب آشکار

(قرآن به صورت آشکار و قابل فهم نازل شده است.)

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (3 زخرف)

همانا ما قرار دادیم آن را قرآنی به صورت منسوب به عرب، شاید شما درک می کنید

(خداوند قرآن را به زبان عربی نازل کرد زیرا مردمی که قرآن برای آنها نازل شده بود، عرب زبان بودند و اگر قرآن به زبان دیگری نازل می شد، آنها آن را نمی فهمیدند.)

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ (4 زخرف)

و همانا آن، در مادر کتاب در نزد ما، یقیناً بلند قدری صاحب حکمت است

(قرآن در مادر کتاب در نزد خداوند، بلند قدر صاحب حکمت است.)

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ (5 زخرف)

آیا پس بازداریم از شما به یاد آوردن را، به صورت روی تافتن، به دلیل اینکه بودید جماعتی زیاده رو

(بیان شده که آیا به این دلیل که شما جماعتی زیاده رو بودید، از فرستادن قرآن برای شما صرفنظر نماییم.)

وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ (6 زخرف)

و چه قدر فرستادیم از پیامبر در نخست ها

(بیان شده که در میان جماعت های گذشته، پیامبران را فرستادیم.)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (7 زخرف)

و نیامد نزد آنان از پیامبری، جز اینکه او را مسخره می کردند

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ (8 زخرف)

پس هلاک کردیم نیرومندتر از آنان را، از نظر شجاعت، و گذشت روایت نخست ها

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (9 زخرف)

و یقیناً اگر سؤال کردی از آنان، که چه کسی آفرید آسمان ها و زمین را، یقیناً می گویند آفرید آنان را، ارجمند دانا

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (10 زخرف)

آنکه قرار داد برای شما زمین را گهواره ای، و قرار داد برای شما در آن راه هایی را، شاید شما هدایت می شوید

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (11 زخرف)

و آنکه نازل کرد از آسمان آبی را به اندازه ای، پس دوباره زنده کردیم با آن شهری مرده را، اینچنین بیرون آورده می شوید

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (12 زخرف)

و آنکه آفرید جفت ها را، همه اش را، و قرار داد برای شما از کشتی (=شناور) و دام، آنچه را سوار می شوید

لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (13 زخرف)

تا سوار شوید بر پُشت هایش، سپس به یاد آورید نعمت ربّتان را، اگر سوار شدید بر آن، و بگویید پاک و منزه است آنکه مغلوب کرد برای ما این را، و نبودیم برای آن توانا شوندگان

وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ (14 زخرف)

و همانا ما به ربّمان، یقیناً بازگردنده ها هستیم

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ (15 زخرف)

و قرار دادند برای او از بندگانش، بخشی را، همانا انسان یقیناً ناسپاسی آشکار است

أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ (16 زخرف)

یا گرفت از آنچه می آفریند دخترانی را، و اختصاص داد برای شما از پسران

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (17 زخرف)

و اگر مژده داده شد یکی از آنان، به آنچه بیان کرد برای بخشاینده مَثَلی را، باقی ماند صورتش متمایل به سیاه، و او اندوهگین است

(بیان شده که اگر به آنها خبر دهند که دختر دار شده است، صورتش متمایل به سیاه می شود و اندوهگین می شود.)

أَوَمَنْ يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ (18 زخرف)

آیا کسی که پرورش می یابد در زیورآلات، و او در نزاع غیر آشکار است

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ (19 زخرف)

و قرار دادند فرشتگان را، کسانی که خود، بندگان بخشاینده هستند را، ماده ها، آیا مشاهده کردند آفریدن آنان را، نوشته خواهد شد گواهی دادن آنان، و سؤال کرده می شوند

(بیان شده که فرشتگان را ماده در نظر می گیرند، آیا آنان آفریدن فرشتگان را مشاهده کرده اند که اینگونه گواهی می دهند. گواهی دادن آنان نوشته خواهد شد و آنان برای این سخنشان، سؤال کرده می شوند.)

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (20 زخرف)

و گفتند اگر می خواست بخشاینده، نمی پرستیدیم آنان را، نیست برای آنان بر آن از دانشی، آنان جز حدس نمی زنند

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ (21 زخرف)

یا دادیم به آنان کتابی را از قبل از آن، پس آنان به آن متوسل شونده ها هستند

(بیان شده آن چیزی را که مشرکان بیان می کرده اند، هیچ کتابی را از قبل برای آنها نفرستاده ایم که آنها با استناد به آن کتاب، این چیزها را بگویند.

این نشان دهنده ی اهمیت کتاب نازل شده از جانب خداوند در زمینه ی دین است و قرآن کتابی است که خداوند برای مردم در دین اسلام، نازل کرد. یک مسلمان در زمینه ی شناخت و فهم دین خود و شناخت اعتقاداتی که باید داشته باشد، باید به قرآن مراجعه نماید و مراجعه به منابع دیگر برای این منظور، از جمله احادیث و روایات نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، جز گمراهی از اسلام حقیقی، نتیجه ای نخواهد داشت.)

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ (22 زخرف)

بلکه گفتند، همانا ما یافتیم پدرانمان را بر روشی، و همانا ما بر ردّ پاهای آنان هدایت شدگان هستیم

(مشرکان می گفته اند که ما همان روشی که پدران ما در پیش گرفتند را ادامه می دهیم و با این کار، از هدایت شدگان خواهیم بود.)

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ (23 زخرف)

و اینچنین نفرستادیم از قبل تو در آبادی ای از هشدار دهنده ای را، جز اینکه گفت مرفه ها (یا زورگویان) آن، که همانا ما یافتیم پدرانمان را بر روشی، و همانا ما بر ردّ پاهای آنان پیروی کنندگانیم

(همین پاسخ را کافران در جماعت های گذشته، به پیامبران خود می دادند و می گفتند که ما همان روشی که پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی خواهیم نمود.)

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (24 زخرف)

گفت آیا اگر آوردم نزد شما، هدایت کننده تر از آنچه را یافتید بر آن پدرانتان را، گفتند همانا ما به آنچه فرستاده شدید به آن، کافران هستیم

(پیامبر آنان گفت اگر نزد شما هدایت کننده تر از آنچه که پدرانتان را بر آن یافتید آوردم، چه می کنید و آنان جواب دادند که ما به آنچه برای آن فرستاده شده اید، کافر هستیم.)

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (25 زخرف)

پس انتقام گرفتیم از آنان، پس بنگر چگونه بود پایان کار تکذیب کنندگان

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ (26 زخرف)

و هنگامی که گفت ابراهیم، به پدرش و قومش، همانا من بی گناهی هستم، از آنچه می پرستید

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ (27 زخرف)

جز آنکه آفرید مرا، پس همانا او هدایت خواهد کرد مرا

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (28 زخرف)

و قرار داد آن را کلمه ای پایدار در فرزندانش، شاید آنان بر می گردند

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُبِينٌ (29 زخرف)

بلکه از نعمت ها برخوردار کردم اینان و پدرانشان را، تا آمد نزد آنان حقیقت و فرستاده ای آشکار

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (30 زخرف)

و وقتی که آمد نزد آنان حقیقت، گفتند این جادویی است، و همانا ما به آن کافران هستیم

(منظور از حقیقت، قرآن است.)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ (31 زخرف)

و گفتند چرا نازل نشد این قرآن بر مردی از دو آبادی، که بزرگ است

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (32 زخرف)

آیا آنان تقسیم می کنند مهربانی ربّت را، ما تقسیم کردیم بین آنان، شیوه ی زندگیشان را در زندگی دنیا، و بالا بردیم بعضی از آنان را بالای بعضی، از نظر رتبه ها، تا بگیرد بعضی از آنان بعضی را، به صورت به خدمت گرفته شده، و مهربانی ربّت بهتر است از آنچه گردآوری می کنند

وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (33 زخرف)

و اگر نبود اینکه باشد مردم، جماعتی یگانه، یقیناً قرار می دادیم برای کسی که کفر می ورزد به بخشاینده، برای خانه هایشان، بام هایی از نقره، و پلکان ها را، که بر آن بالا می روند

(بیان شده که اگر به این خاطر نبود که مردم به صورت جماعتی یگانه باشند، برای کسانی که به خداوند کفر می ورزند بام و پلکان های خانه هایشان را از نقره قرار می دادیم یعنی از نظر دارایی دنیا به آنها بسیار عطا می کردیم.)

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ (34 زخرف)

و برای خانه هایشان، درها و تخت هایی است که بر آن تکیه می زنند

وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (35 زخرف)

و طلایی، و نیست همه ی آن جز کالای زندگی دنیا، و آخرت نزد ربّت برای پرهیزکاران است

وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (36 زخرف)

و کسی که رویگردان شود از به یاد آوردن بخشاینده، مقدر می سازیم برای او شیطانی را، پس آن برای او همنشین است

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ (37 زخرف)

و همانا آنها (=شیطان ها)، یقیناً باز می دارند آنان را از راه، و می پندارند که همانا آنان، هدایت شدگان هستند

حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ (38 زخرف)

تا اگر آمد نزد ما، گفت ای کاش بین من و بین تو، فاصله ی دو مشرق بود، پس بد همنشینی است

(آنها هنگامی که در روز قیامت، نزد خداوند حاضر می شوند، به شیطان همنشینشان می گویند، ای کاش بین من و بین تو، فاصله ی دو مشرق بود.)

وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (39 زخرف)

و هرگز سود نمی رساند به شما امروز، زیرا که ستم کردید، همانا شما در عذاب مشارکت کنندگان هستید

(به آنها در روز قیامت بیان می شود که دیگر این پشیمانی شما، به شما سود نمی رساند.)

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (40 زخرف)

آیا پس تو می شنوانی ناشنوایان را، یا هدایت می کنی نابینایان را، و کسی که بود در گمراهی آشکاری

(هدایت شدن مردم به خواست پیامبر بستگی نداشته است، و خداوند هر کسی را که بخواهد هدایت می نماید و هر کسی را که بخواهد گمراه می نماید.)

فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ (41 زخرف)

پس یا ببریم تو را، پس همانا ما از آنان انتقام گیرندگان هستیم

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ (42 زخرف)

یا نشان می دهیم به تو، آنچه را وعده دادیم به آنان، پس همانا ما بر آنان توانا‌ها هستیم

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (43 زخرف)

پس متوسل شو به آنچه وحی کرده شد به تو، همانا تو بر راهی راست هستی

(خداوند به پیامبر بیان نموده است که به قرآن متوسل شو، همانا تو بر راهی راست هستی. در قرآن، راه هدایت از گمراهی مشخص شده است و با مراجعه به قرآن، می توان حقیقت را از دروغ در زمینه ی دین تشخیص داد. بنابراین یک مسلمان برای فهم اسلام حقیقی، فقط باید به قرآن مراجعه نماید.)

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ (44 زخرف)

و همانا آن، یقیناً به یاد آوردنی است برای تو و برای قوم تو، و به زودی سؤال کرده می شوید

(به پیامبر بیان شده، قرآن به یاد آوردن است برای تو و برای قوم تو، و به زودی سؤال کرده می شوید. پیامبر نیز فقط از قرآن پیروی می کرد و قرآن کتابی است که با خواندن آن، می توان به اسلام حقیقی پی برد.)

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ (45 زخرف)

و بپرس از کسی که فرستادیم از قبل از تو، از فرستادگانمان، آیا قرار دادیم از غیر بخشاینده، خدایانی که پرستش شوند

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (46 زخرف)

و یقیناً به درستی فرستادیم موسی را با نشانه هایمان، به فرعون و بزرگانش، پس گفت همانا من فرستاده ی ربّ جهانیان هستم

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ (47 زخرف)

پس وقتی که آورد نزد آنان نشانه هایمان را، ناگهان آنان، آن را ریشخند می کنند

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (48 زخرف)

و نشان نمی دهیم به آنان از نشانه ای را، جز اینکه آن بزرگتر است از مشابهش، و گرفتیم آنان را به عذاب، شاید آنان باز می گردند

وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ (49 زخرف)

و گفتند ای جادوگر، صدا کن برای ما ربّت را، به آنچه متعهد کرد نزد تو، همانا ما یقیناً هدایت شدگانیم

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ (50 زخرف)

پس وقتی که بر طرف کردیم از آنان عذاب را، ناگهان آنان نقض می کنند

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ (51 زخرف)

و صدا کرد فرعون در قومش، گفت ای قوم من، آیا نیست برای من سلطه ی مصر و این رودها که جاری می شود از زیر من، آیا پس نمی بینید

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ (52 زخرف)

یا من بهتر هستم از این کسی که خود حقیر است و نمی تواند مقصود خود را تفهیم کند

(منظور فرعون، موسی بوده است.)

فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (53 زخرف)

پس چرا انداخته نشد برای او دستبندهایی از طلا، یا نیامد با او فرشتگانی پیوند یافته

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (54 زخرف)

پس نادان شمرد قومش را، پس اطاعت کردند از او، همانا آنان بودند جماعتی از راه حق دور شدگان

فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (55 زخرف)

پس وقتی که اندوهگین کردند ما را، انتقام گرفتیم از آنان، پس غرق کردیم آنان را همگی

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ (56 زخرف)

پس قرار دادیم آنان را، پیشاپیش و مَثَلی برای واپسین ها

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ (57 زخرف)

و وقتی که بیان کرده شد پسر مریم، به عنوان مَثَل، ناگهان قوم تو از آن، صدایشان به مسخره و خنده بلند می شود

وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ (58 زخرف)

و گفتند آیا خدایان ما بهتر است یا او، بیان نکردند آن را برای تو جز به عنوان شدت خصومت، بلکه آنان جماعتی ثابت در دشمنی هستند

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ (59 زخرف)

نیست او جز بنده ای که نعمت عطا کردیم بر او، و قرار دادیم او را مَثَلی برای فرزندان اسرائیل

(در مورد عیسی بیان شده است.)

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ (60 زخرف)

و اگر می خواهیم یقیناً قرار می دادیم به جای شما فرشتگانی را در زمین، که جانشین می شوند

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (61 زخرف)

و همانا آن یقیناً دانشی برای هنگام قیامت است، پس تردید نکنید به آن، و پیروی کنید از من، این راهی راست است

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (62 زخرف)

و باز ندارد شما را شیطان، همانا او برای شما دشمنی آشکار است

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (63 زخرف)

و وقتی که آورد عیسی دلایل را، گفت به درستی آوردم برای شما حکمت را، و تا آشکار کنم برای شما بعضی از آنچه را اختلاف دارید در آن، پس حذر کنید از خدا، و اطاعت کنید از من

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (64 زخرف)

همانا خدا خود، ربّ من و ربّ شما است، پس بپرستید او را، این راهی راست است

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ (65 زخرف)

پس اختلاف داشت جماعت ها از میان آنان، پس وای بر کسانی که ستم کردند، از عذاب روزی دردناک

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (66 زخرف)

آیا انتظار می کشند جز هنگام قیامت را، اینکه بیاید نزد آنان به صورت غافلگیری، و آنان احساس نمی کنند

الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (67 زخرف)

دوستان صمیمی در آن روز، بعضی از آنها برای بعضی به صورت دشمن هستند، جز پرهیزکاران

يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (68 زخرف)

ای بندگان من، نیست ترسی برای شما امروز، و نه شما اندوهگین می شوید

(در مورد پرهیزکاران بیان شده است.)

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ (69 زخرف)

کسانی که ایمان آوردند به آیات ما، و بودند تسلیم کنندگان

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ (70 زخرف)

داخل شوید به باغ، شما و همسرانتان، شادی می کنید

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (71 زخرف)

گرداگردشان می گردانند دیس های پنج نفره ای از طلا، و جام هایی را، و در آن است آنچه که بسیار دوست دارد آن را، جان ها، و خوشمزه می یابد چشم ها، و شما در آن همیشگی ها هستید

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (72 زخرف)

و آن باغی است که به ارث بردید آن را، به سبب آنچه انجام می دادید

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ (73 زخرف)

برای شما در آن میوه ی بسیاری است، از آن می خورید

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (74 زخرف)

همانا بدکاران در عذاب جهنم، همیشگی ها هستند

لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (75 زخرف)

آرام گردانیده نمی شود از آنان، و آنان در آن ناامیدها هستند

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ (76 زخرف)

و ستم نکردیم به آنان، و لیکن بودند خودشان ستمکاران

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ (77 زخرف)

و صدا كردند اى مالک، تا ما را بميراند ربّ تو، گفت همانا شما درنگ كنندگان هستيد

لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (78 زخرف)

يقيناً به درستى آورديم براى شما حقيقت را، و ليكن بيشتر شما به حقيقت بيزاران هستيد

أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ (79 زخرف)

يا تأييد كردند كارى را، پس همانا ما تأييد كنندگانيم

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ (80 زخرف)

يا مى پندارند كه همانا ما نمى شنويم رازهايشان و رازگوييشان را، آرى، و فرستادگان ما نزد آنان مى نويسند

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ (81 زخرف)

بگو اگر بود براى بخشاينده فرزندى، پس من نخست پرستندگان بودم

(به پيامبر بيان شده كه بگو اگر براى خداوند فرزندى بود، من اولين كسى بودم كه او را مى پرستيدم.)

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (82 زخرف)

پاک و منزه است ربّ آسمان ها و زمين، ربّ عرش، از آنچه توصيف مى كنند

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (83 زخرف)

پس رها كن آنان را، تا بگويند و به بازى بگيرند، تا برخورد كنند با روزشان، كه وعده داده مى شوند

(به پيامبر بيان شده كه آنان را به حال خود رها كن تا اين دروغ ها را به خدا ببندند و به بازى بگيرند، تا آنان به روزى كه به آنها وعده داده شده است، برسند. به پيامبر بيان نشده كه به دليل اين سخنانى كه آنها مى گويند، آنها را مورد آزار و مجازات قرار بده و يا آنها را بكش. اينگونه رفتارهايى كه برخى به نام خدا و دين انجام مى دهند و ديگران را به خاطر عقيده و نظر متفاوت با نظر خود مورد مجازات قرار مى دهند و حتى به قتل مى رسانند، جز دروغ بستن به خدا و دين نيست و آنها پاسخگوى ستم ها و جنايات خود در روز قيامت خواهند بود.)

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (84 زخرف)

و اوست آنكه در آسمان، خداست، و در زمين، خداست، و او صاحب حكمت داناست

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (85 زخرف)

و پر بركت است آنكه براى اوست سلطه ى آسمان ها و زمين و آنچه بين آن دو است، و نزد اوست دانش هنگام قيامت، و به او بازگردانده مى شويد

(زمان وقوع قیامت را فقط خداوند می داند و هیچ کسی حتی پیامبر، از آن آگاهی نداشته است.)

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (86 زخرف)

و مالک نمی شود، کسانی را که صدا می کنند از غیر او، درخواست عفو برای کسی را، جز کسی که گواهی داد به حقیقت، و آنان می دانند

(بیان شده، خدایانی را که مشرکان، غیر از خداوند یگانه، صدا می کنند، نمی توانند برای کسی در روز قیامت، درخواست عفو کنند.)

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (87 زخرف)

و یقیناً اگر سؤال کردی از آنان، که چه کسی آفرید آنان را، یقیناً می گویند خدا، پس چگونه دروغ می بافند

(بیان شده که اگر از کافران سؤال کنی که چه کسی آنها را آفریده است، آنان پاسخ می دهند که خداوند آنها را آفریده است. پس چگونه دروغ می بافند.)

وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ (88 زخرف)

و پاسخ اوست که ای ربّ، همانا اینان جماعتی هستند که ایمان نمی آورند

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (89 زخرف)

پس روی برتاب از آنان، و بگو درودی را، پس به زودی می دانند

(خداوند به پیامبر بیان نموده که از کافران روی برگردان و به آنها درود بگو، پس به زودی خواهند دانست.

پیامبر مردم را به ایمان آوردن دعوت می نموده است و اینکه مردم ایمان بیاورند یا نیاورند، به تصمیم خودشان بستگی داشته است و پیامبر آنها را به چیزی در زمینه ی دین، مجبور نمی کرده است و هیچ اجباری در زمینه ی دین وجود ندارد. افرادی که به نام خدا و دین، می خواهند دیگران را به آن چیزی که آن را دین و دستورات دین می نامند مجبور نمایند، و این کار را وظیفه ی دینی خود معرفی می کنند، جز دروغ به خدا و دین نمی بندند و اعمال و گفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد. نکته ی دیگر اینکه خداوند به پیامبر بیان نموده که به آنها درود بگو. آنها کافر بوده اند و ایمان نمی آورده اند، و خداوند به پیامبر بیان کرده که به آنها درود بگو، خداوند به پیامبر بیان نکرده که به آنها توهین کن یا آنها را مورد آزار و مجازات قرار بده یا آنها را بکش. این رفتاری که به پیامبر توصیه شده تا انجام دهد، درست متضاد رفتار افرادی است که رفتار و گفتار خود را منطبق با دین می دانند و اگر کسی نظر و گفتار و رفتاری مخالف با نظر آنها در زمینه ی دین داشته باشد، حق خود می دانند که به او هر توهینی را انجام دهند و یا حتی به مال و جان او تعرض داشته باشند.)

سوره دخان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

حم (1 دخان)

حا میم

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (2 دخان)

سوگند به کتاب آشکار

(قرآن به صورت آشکار و قابل فهم نازل شده است و برای فهم آن، نیازی به داشتن تخصص در زمینه ای خاص نمی باشد.)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ (3 دخان)

همانا ما نازل کردیم آن را در شبی صاحب برکت شده، همانا ما بودیم هشدار دهنده ها

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (4 دخان)

در آن جدا می شود هر موضوعی به صورت صاحب حکمت

(در قرآن همه ی موضوعات مربوط به دین به صورت قابل فهم بیان شده است و با مراجعه به قرآن، می توان حقیقت را از دروغ و راه راست را از گمراهی در زمینه دین تشخیص داد و همچنین قرآن صاحب حکمت است. یک مسلمان برای فهم دین خود، فقط باید به قرآن مراجعه نماید و مراجعه به منابع دیگر از جمله احادیث و روایات نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، جز باعث گمراهی از دین حقیقی، نخواهد شد.)

أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (5 دخان)

کاری است از نزد ما، همانا ما بودیم فرستندگان

(قرآن از جانب خداوند نازل شده است.)

رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (6 دخان)

مهربانی ای است از ربّ تو، همانا او خود، شنوای داناست

(قرآن، مهربانی ای از جانب خداوند است.)

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ (7 دخان)

ربّ آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است، اگر بودید مطمئن ها

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (8 دخان)

نیست خدایی جز او، زنده می کند و می میراند، ربّ شما و ربّ پدران نخستین شما

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ (9 دخان)

بلکه آنان در تردید کردنی، به بازی می گیرند

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ (10 دخان)

پس منتظر باش روزی را که بیاورد آسمان، دودی آشکار را

يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (11 دخان)

فرا می گیرد مردم را، این است عذابی دردناک

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (12 دخان)

ربّ ما، بر طرف کن از ما عذاب را، همانا ما مؤمنان هستیم

أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ (13 دخان)

چگونه برای آنان یادآوری است، و به درستی آمد نزد آنان، فرستاده ای آشکار

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ (14 دخان)

سپس روی برتافتند از او، و گفتند آموزش دیده ای دیوانه است

(کافران می گفتند که پیامبر از جانب خداوند فرستاده نشده است، بلکه کسی به او آموزش داده که این حرف ها را بگوید و او دیوانه است.)

إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ (15 دخان)

همانا ما بر طرف کننده های عذاب هستیم به صورت اندکی، همانا شما بازگشت کننده ها هستید

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ (16 دخان)

روزی که با خشونت حمله ور می شویم، ضربه ای بزرگ را، همانا ما انتقام گیرندگانیم

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ (17 دخان)

و یقیناً به درستی آزمودیم قبل از آنان، قوم فرعون را، و آمد نزد آنان فرستاده ای ارجمند

أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (18 دخان)

اینکه برسانید به من بندگان خدا را، همانا من برای شما فرستاده ای قابل اعتمادم

وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (19 دخان)

و اینکه تکبر نکنید برای خدا، همانا من آوردم نزد شما دلیلی آشکار را

وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ (20 دخان)

و همانا من پناه بردم به ربّم و ربّتان، اینکه با سنگ بزنید مرا (یا بر من غلبه کنید)

وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ (21 دخان)

و اگر هرگز ایمان نیاوردید به من، پس کناره گیری کنید از من

فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ (22 دخان)

پس صدا کرد ربّش را، که همانا اینان جماعتی بدکار هستند

فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ (23 دخان)

پس شبانه حرکت ده بندگانم را، شبی، همانا شما تعقیب شوندگان هستید

(خداوند به موسی بیان کرد که قوم بنی اسرائیل را شبانه حرکت ده، و شما از جانب فرعون، تعقیب خواهید شد.)

وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ (24 دخان)

و ترک کن دریا را با آرامش، همانا آنان لشکری غرق شدگانند

(خداوند به موسی بیان نمود که از دریا با آرامش عبور کن، و لشکر فرعون که تعقیب کنندگان شما هستند غرق خواهند شد.)

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (25 دخان)

چقدر ترک کردند از باغ هایی و چشمه هایی را

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (26 دخان)

و کِشت ها و منزلتی ارجمند را

وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ (27 دخان)

و نعمتی که بودند در آن، شوخ طبعان

(در مورد فرعون و جماعتش بیان شده است.)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ (28 دخان)

اینچنین است، و میراث گذاشتیم آن را برای جماعتی دیگر

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ (29 دخان)

پس گریه نکرد برای آنان، آسمان و زمین، و نبودند مهلت داده شدگان

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ (30 دخان)

و یقیناً به درستی رهایی دادیم فرزندان اسرائیل را از عذاب اهانت آمیز

مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِنَ الْمُسْرِفِينَ (31 دخان)

از فرعون، همانا او تکبر کننده ای از زیاده روها بود

وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (32 دخان)

و یقیناً به درستی برگزیدیم آنان را در دانش، بر جهانیان

وَآتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ (33 دخان)

و دادیم به آنان از نشانه ها، آنچه را در آن آزمونی آشکار است

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ (34 دخان)

همانا اینان یقیناً می گویند

إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ (35 دخان)

نیست آن جز مرگ اول ما، و نیستیم ما از برانگیخته شدگان

فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (36 دخان)

پس بیاورید پدرانمان را، اگر بودید راستگویان

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (37 دخان)

آیا آنان بهترند یا قوم تُبَّع (=لقب پادشاهان یمن)، و کسانی از قبل از آنان، که نابود کردیم آنان را، همانا آنان بودند بدکاران

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (38 دخان)

و نیافریدیم آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است را، بازی کنندگان

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (39 دخان)

نیافریدیم آن دو را جز به حقیقت، و لیکن بیشتر آنان نمی دانند

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ (40 دخان)

همانا روز جدا کردن، قرار آنان است، همگی

(منظور از روز جدا کردن، روز قیامت است.)

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ (41 دخان)

روزی که بی نیاز نمی کند دوستی از دوستی، چیزی را، و نه آنان یاری شوند

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (42 دخان)

جز کسی که ترحم کرد خدا، همانا او خود، ارجمند بخشایشگر است

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ (43 دخان)

همانا درخت زقوم (یا غذای کشنده، غذای سمی)

طَعَامُ الْأَثِيمِ (44 دخان)

خوراک گناهکار

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ (45 دخان)

مانند مس گداخته، می جوشد در شکم ها

كَغَلْيِ الْحَمِيمِ (46 دخان)

مانند جوشیدن آب گرم

خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ (47 دخان)

بگیرید او را، پس با خشونت و تندی بکشید او را به میانه ی آتش بسیار گرم و سوزان

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ (48 دخان)

سپس بریزید بالای سر او، از عذاب آب گرم

ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ (49 دخان)

بچش، همانا تو خود، ارجمند شریف هستی

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ (50 دخان)

همانا این است آنچه که به آن، تردید می کردید

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ (51 دخان)

همانا پرهیزکاران در منزلتی قابل اعتماد هستند

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (52 دخان)

در باغ ها و چشمه ها

يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ (53 دخان)

می پوشند از گونه ای پارچه ابریشمی (=پارچه ی ابریشمی نازک) و دیبا (=پارچه ی ابریشمی ضخیم)، در حالی که روبه روی یکدیگرند

كَذَٰلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (54 دخان)

اینچنین است، و به نکاح درآوردیم آنان را با زیبا چشمان درشت چشم

يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ (55 دخان)

فرا می خوانند در آن از هر میوه ای، به گونه ای که ایمن ها هستند

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (56 دخان)

نمی چشند در آن مرگ را جز مرگ اول، و حفاظت کرد آنان را از عذاب آتش بسیار گرم و سوزان

فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (57 دخان)

مزیتی است از ربّت، آن خود موفقیتی بزرگ است

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (58 دخان)

پس همانا آسان کردیم آن را بر زبانت، شاید آنان به یاد می آورند

فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ (59 دخان)

پس منتظر باش، همانا آنان منتظرانند

(در دین هیچ اجباری وجود ندارد و اینکه کسی ایمان بیاورد یا نیاورد، به تصمیم خودش بستگی دارد و حتی پیامبر نیز حق اجبار کردن کسی به ایمان آوردن را نداشته است.)

سوره جاثية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

حم (1 جاثية)

حا میم

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (2 جاثية)

وحی کردن کتاب، از خداوند ارجمند صاحب حکمت است

(قرآن از جانب خداوند وحی شده است.)

إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ (3 جاثية)

همانا در آسمان ها و زمین، یقیناً نشانه هایی برای مؤمنان است

وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (4 جاثية)

و در آفريدن شما، و آنچه را پخش می کند از جنبنده ای، نشانه هايی است برای جماعتی که يقين می کنند

وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (5 جاثية)

و جانشين شدن شب و روز، و آنچه را نازل کرد خدا از آسمان، از روزی ای، پس زنده کرد با آن زمين را پس از مرگش، و تغيير جهت دادن بادها، نشانه هايی است برای جماعتی که درک می کنند

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (6 جاثية)

آن است آيات خدا، که می خوانيم آن را برای تو به حقيقت، پس به کدامين سخن پس از خدا و آياتش ايمان می آورند

(بيان شده، به کدامين سخن پس از خدا و آياتش ايمان می آورند. منظور اين است که بايد به قرآن که از جانب خداوند نازل شده است، ايمان داشته باشند و نه به سخنان ديگر. قرآن کتابی است که هدايت را از گمراهی، و دروغ را از حقيقت در زمينه ی دين، مشخص کرده است و يک مسلمان برای فهم اسلام حقيقی، بايد فقط به قرآن مراجعه نمايد و به سخنانی غير از قرآن برای فهم اسلام، مراجعه نکند. بسياری از احکام نسبت داده شده به اسلام در مذهب شيعه و سنّی، از منابعی غير از قرآن به دست آمده اند و اين احکام اصلاً در قرآن بيان نشده اند و بيان می شود که اين احکام از گفتار و رفتار پيامبر و امامان شيعه حاصل شده اند. احکامی که در قرآن بيان نشده اند و از اين منابع به اسلام نسبت داده شده اند، جز دروغی بر خدا و دين نيستند.)

وَيْلٌ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (7 جاثية)

وای بر هر دروغ پرداز گناهکاری

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (8 جاثية)

می شنود آيات خدا را که خوانده می شود بر او، سپس پافشاری می کند به گونه ی کبر ورزنده، مانند اينکه هرگز نشنيد آن را، پس مژده ده او را به عذابی دردناک

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (9 جاثية)

و اگر دانست از آيات ما چيزی را، گرفت آن را به مسخره، آنان برايشان عذابی اهانت آميز است

مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (10 جاثية)

از پشتشان جهنم است، و بی نياز نمی کند از آنان، آنچه که به دست آوردند، چيزی را، و نه آنچه که گرفتند از غير خدا دوستان، و برای آنان عذابی بزرگ است

(بیان شده، آن چیزی را که آنان در این دنیا به دست آوردند، باعث نمی شود که عذاب جهنم از آنان دور شود و همچنین آن خدایانی که به جای خداوند یگانه می پرستیدند نیز قادر به دور کردن عذاب جهنم از آنان نیستند، و منظور از عبارت آنچه که گرفتند از غیر خدا دوستان، خدایانی است که مشرکان آنها را به جای خداوند یگانه می پرستیدند، و منظور از دوستان، دوستی افراد با همدیگر نیست.)

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ (11 جاثية)

این هدایتی است، و کسانی که کفر ورزیدند به آیات ربّشان، برای آنان عذابی از شکنجه ای دردناک است

(قرآن، هدایت است.)

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (12 جاثية)

خداست آنکه مغلوب کرد برای شما دریا را، تا روان شود کشتی در آن به فرمان او، و تا طلب کنید از مزیت او، و شاید شما سپاسگزاری می کنید

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (13 جاثية)

و مغلوب کرد برای شما، آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، همگی را، از خود، همانا در آن یقیناً نشانه هایی است برای جماعتی که می اندیشند

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (14 جاثية)

بگو به کسانی که ایمان آوردند که عفو کنند برای کسانی که امید ندارند به روزهای خدا، تا جزا دهد جماعتی را به سبب آنچه به دست می آوردند

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (15 جاثية)

کسی که انجام داد شایسته ای را، پس برای خودش است، و کسی که بدی کرد، پس علیه او است، سپس به ربّتان بازگردانده می شوید

(هر کسی مسئول کارهای خودش است و اگر خوبی کند، برای خودش است و اگر بدی کند، علیه خودش است. هیچ کسی در روز قیامت، مسئول اعمال دیگران نخواهد بود. افرادی که کارشان دخالت کردن در زندگی دیگران و مجبور کردن دیگران به کارهایی است که آن را دین می نامند و این عمل خود را به خدا و دین نسبت می دهند جز دروغ به خدا و دین نمی بندند و این اعمال آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد.)

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (16 جاثية)

و یقیناً به درستی دادیم به فرزندان اسرائیل، کتاب و قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن) و پیامبری را، و روزی دادیم به آنان از پاک ها، و صاحب فضل دانستیم آنان را بر جهانیان

وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (17 جاثية)

و دادیم به آنان دلایلی از فرمان (یا موضوع) را، پس اختلاف نداشتند جز از پس از آنچه آمد نزد آنان دانش، ستمی بین آنان، همانا ربّ تو داوری می کند بین آنان روز قیامت، در آنچه در آن اختلاف داشتند

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (18 جاثية)

سپس قرار دادیم تو را بر قانونی (یا آیینی) از فرمان، پس پیروی کن از آن، و پیروی نکن از خواسته های کسانی که نمی دانند

(پیامبر نیز فقط از قرآن پیروی می کرده است.)

إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (19 جاثية)

همانا آنان هرگز بی نیاز نمی کنند از تو، از خدا چیزی را، و همانا ستمکاران، بعضی از آنان دوستان بعضی هستند، و خدا دوست پرهیزکاران است

هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (20 جاثية)

این بینش هایی برای مردم است، و هدایتی و مهربانی ای برای جماعتی که یقین می کنند

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (21 جاثية)

یا گمان کرد کسانی که به دست آوردند بدی ها را، اینکه قرار می دهیم آنان را مانند کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، به صورت یکسان است زندگی آنان و مرگشان، ناپسند شد آنچه که داوری می کنند

(کسانی که بدی ها کردند مانند کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، نیستند و زندگی و مرگ آنان، مانند یکدیگر نیست.)

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (22 جاثية)

و آفرید خدا آسمان ها و زمین را به حقیقت، و تا پاداش داده شود هر کسی، به آنچه به دست آورد، و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (23 جاثية)

آیا پس دیدی کسی را که گرفت خدایش را خواسته اش، و گمراه کرد او را خدا با دانشی، و مُهر زد بر شنوایی اش و دلش، و قرار داد بر بینایی اش پوششی را، پس چه کسی هدایت می کند او را از پس از خدا، آیا پس یادآوری نمی کنید

(در مورد کافران بیان شده است و در آیات بعد، در ادامه ی این آیه توضیح داده شده است.)

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (24 جاثية)

و گفتند نیست آن جز زندگی ما در دنیا، می میریم و زنده می شویم، و نابود نمی کند ما را جز روزگار، و نیست برای آنان به آن از دانشی، آنان جز گمان نمی برند

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (25 جاثية)

و اگر خوانده شود برای آنان آیات ما که دلایلی است، نبود بهانه ی آنان، جز اینکه گفتند بیاورید پدران ما را، اگر بودید راستگویان

(کافران در پاسخ بیان می کرده اند که اگر راست می گویید که قیامتی وجود دارد و مردگان در آن روز زنده می شوند، پدران ما را که مرده اند زنده کنید.)

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (26 جاثية)

بگو خدا زنده می کند شما را، سپس می میراند شما را، سپس گردآوری می کند شما را به روز قیامت، نیست شکی در آن، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ (27 جاثية)

و برای خداست سلطه ی آسمان ها و زمین، و روزی که بر پا شود هنگام قیامت، در آن روز زیان می کند باطل کنندگان

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (28 جاثية)

و می بینی هر جماعتی را به صورت رکوع کننده، هر جماعتی فرا خوانده می شود به کتابش، امروز جزا داده می شوید آنچه را انجام می دادید

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (29 جاثية)

این کتاب ما، سخن می گوید برای شما به حقیقت، همانا ما تصویر می گرفتیم آنچه را انجام می دادید

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (30 جاثية)

پس لیکن کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، پس داخل می کند آنان را ربّشان در مهربانی اش، آن خود موفقیت آشکار است

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ (31 جاثية)

و لیکن کسانی که کفر ورزیدند، آیا پس هرگز خوانده نمی شد آیات من برای شما، پس کبر ورزیدید و بودید جماعتی بدکار

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ (32 جاثية)

و اگر گفته شد همانا وعده ی خدا حقیقت است، و هنگام قیامت، نیست تردیدی در آن، گفتید نمی دانیم که چیست هنگام قیامت، گمان نمی بریم جز گمانی را، و نیستیم از یقین یافتگان

(در مورد کافران بیان شده است.)

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (33 جاثية)

و آشکار شد برای آنان، بدی هایی که انجام دادند، و احاطه کرد به آنان، آنچه که آن را مسخره می کردند

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (34 جاثية)

و گفته شد امروز از یاد می بریم شما را، آنچنان که از یاد بردید دیدار این روزتان را، و پناهگاهتان آتش است، و نیست برای شما از یاری کنندگان

ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (35 جاثية)

آن است به سبب اینکه، همانا شما گرفتید آیات خدا را به مسخره، و فریفت شما را زندگی دنیا، پس امروز بیرون آورده نمی شوند از آن، و نه آنان خواستار رضایت می شوند

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (36 جاثية)

پس برای خداست ستایش، ربّ آسمان ها و ربّ زمین، ربّ جهانیان

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (37 جاثية)

و برای اوست عظمت، در آسمان ها و زمین، و او ارجمند صاحب حکمت است

سوره احقاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

حم (1 احقاف)

حا میم

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (2 احقاف)

وحی کردن کتاب، از خداوند ارجمند صاحب حکمت است

(قرآن از جانب خداوند، وحی شده است.)

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ (3 احقاف)

نیافریدیم آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است را، جز به حقیقت، و مهلتی مشخص، و کسانی که کفر ورزیدند، از آنچه هشدار داده شدند، روی گردان ها هستند

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (4 احقاف)

بگو آیا درک کردید آنچه را صدا می کنید از غیر خدا، نشان دهید به من، چه چیز را آفریدند از زمین، یا برای آنان مشارکتی در آسمان ها است، بیاورید نزد من کتابی از قبل از این را، یا باقی مانده ای از دانشی را، اگر بودید راستگویان

(به پیامبر بیان شده که به مشرکان بگو، آن خدایانی که به جای خداوند یگانه می پرستید، چه چیزی را از زمین آفریده اند و یا اینکه برای آنان در آفرینش آسمان ها، مشارکتی است. به مشرکان بیان شده، اگر راست می گویید، بیاورید کتاب خود را که قبل از قرآن بر شما نازل شده است و شما این اعتقاد خود را در آن یافته اید و یا بیاورید آن دانشی را که این اعتقاد شما را تأیید می کند.

از پیروان مذهب سنّی، سؤال می کنم که این اعتقاد شما مبنی بر اینکه برای شناخت احکام اسلام، علاوه بر قرآن، باید به رفتار و گفتار پیامبر نیز مراجعه نمود و بسیاری از احکام اسلام را با وجود اینکه در قرآن بیان نشده اند، باید از منبعی به نام سنّت پیامبر به دست آورد، از کدام آیه از قرآن به دست آورده اید. آیا خداوند در قرآن به پیامبر بیان نموده که از جانب خود احکامی برای دین درست کن و وارد اسلام کن. مگر غیر از این است که خداوند در قرآن به پیامبر بیان کرده که فقط از قرآن پیروی کن. چگونه ممکن است که پیامبری که فقط از قرآن پیروی می کرده و در زمینه ی دین، چیزی غیر از قرآن بیان نمی کرده، رفتار و گفتاری را به دین نسبت دهد که در قرآن، بیان نشده است. این اعتقاد پیروان مذهب سنّی، جز دروغ به خدا و دین نیست و با همین دروغ، بسیاری از دروغ های دیگری را که وارد اسلام کرده اند، توجیه می نمایند.

از پیروان مذهب شیعه سؤال می کنم که بر اساس کدام آیه از قرآن، به امامت اعتقاد دارید و بسیاری از احکامی را که در قرآن بیان نشده اند، به نام احکام اسلام، از رفتار و گفتار امامان خود، وارد اسلام کرده اید. مگر غیر از این است که خداوند در قرآن بیان می کند که فقط از قرآن پیروی نمایید. این اعتقاد پیروان مذهب شیعه، جز دروغ بستن به خدا و دین نیست و با این دروغ، بسیاری از احکام دروغینی که وارد اسلام کرده اند را توجیه می نمایند.)

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (5 احقاف)

و چه کسی گمراه تر است از کسی که، صدا می کند از غیر خدا، کسی را که پاسخ نمی دهد برای او تا روز قیامت، و آنان از صدا کردن آنان، بی خبران هستند

(در مورد مشرکان بیان شده و بیان می کند، چه کسی گمراه تر از کسی است که غیر از خداوند یگانه، خدایانی را صدا می کند که به او تا روز قیامت پاسخی نمی دهند و آن خدایان، از صدا کردن مشرکان، بی خبران هستند.

پیروان مذهب شیعه، شما نیز در گمراهی، بسیار شبیه مشرکان هستید زیرا با وجود اینکه امامان خود را نمی پرستید، مدام آنها را صدا می کنید و از آنها یاری می خواهید. مگر غیر از این است که خداوند در قرآن بیان نموده، مؤمنان فقط باید بر خداوند توکل کنند.)

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ (6 احقاف)

و اگر گرد هم آورده شد مردم، بودند برای آنان دشمنان، و بودند به پرستش آنان، کافران

(منظور از عبارت اگر گرد هم آورده شد مردم، روز قیامت است که همه انسان ها در آن روز گردآوری کرده می شوند.)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (7 احقاف)

و اگر خوانده شود برای آنان آیات آشکار ما، گفت کسانی که کفر ورزیدند به حقیقت، وقتی که آمد نزد آنان، که این جادویی آشکار است

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (8 احقاف)

یا می گویند دروغ بافت آن را، بگو اگر دروغ بافتم آن را، پس مالک نمی شوید برای من از خدا چیزی را، او داناتر است به آنچه به تفصیل بیان کردید برای آن، کافی است تا او گواه باشد بین من و بین شما، و او بسیار آمرزنده بخشایشگر است

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ (9 احقاف)

بگو نبودم نو ظهوری از فرستادگان، و نمی دانم چه انجام می شود با من، و نه با شما، پیروی نمی کنم جز آنچه را وحی می شود به من، و نیستم من جز هشدار دهنده ای آشکار

(خداوند به پیامبر بیان کرده که بگو، من مانند دیگر پیامبران هستم و نمی دانم که چگونه با من و با شما برخورد خواهد شد و فقط از قرآن پیروی می کنم و جز هشدار دهنده ای آشکار نیستم.

پیامبر اسلام مانند دیگر پیامبران بود، پس چگونه است که برخی از مسلمانان گمان می کنند که باید پیامبر اسلام را فراتر از دیگر پیامبران در نظر بگیرند و مثلاً ترسیم چهره ی او را نادرست می دانند، و این در حالی است که در مورد پیامبران دیگر، این نظر را ندارند. باید به این دسته از مسلمانان گفت که پیامبر اسلام مانند دیگر پیامبران، انسانی بود که به پیامبری برگزیده شد تا پیام خداوند را که قرآن است، به مردم برساند، و شایسته این بود که به جای برجسته کردن جنبه ی جسمانی و انسانی پیامبر اسلام، به قرآن توجه می نمودید و با خواندن قرآن، به اسلام حقیقی پی می بردید تا پس از گذشت چندین قرن از نازل شدن قرآن، به واسطه ی دروغ هایی که به خدا و دین بسته اید، در جهل و عقب ماندگی و گمراهی نباشید.

پیامبر اسلام جز قرآن که به او وحی می شده است، آگاهی دیگری از عالم غیب نداشته است و بیان شده که بگو، نمی دانم چه انجام می شود با من، و نه با شما. سخنان نسبت داده شده به پیامبر، که از اتفاقاتی خبر می دهند که در روز قیامت رخ خواهد داد، و از چگونگی برخورد با انسان ها در آن روز خبر می دهند، قابل استناد نیستند و نباید به این حرف ها توجه نمود زیرا باعث گمراهی از اسلام حقیقی خواهد شد. فقط آن اتفاقاتی که خداوند در قرآن، در مورد روز قیامت بیان کرده است، قابل توجه است و می توان از وقوع آنها مطمئن بود.

به پیامبر بیان شده که بگو، پیروی نمی کنم جز آنچه را وحی می شود به من. پیامبر در زمینه ی دین، فقط از قرآن پیروی می کرده است و در زمینه ی دین، چیزی جز آیات قرآن، بیان نمی کرده است. پس

چگونه است که بسیاری از مسلمانان، پیرو احکامی در اسلام هستند که در قرآن بیان نشده است و وقتی از آنها در این مورد سؤال می شود، پاسخ می دهند که این احکام، به دست آمده از گفتار و رفتار پیامبر است. چگونه ممکن است که پیامبری که فقط از قرآن پیروی می کرده است، رفتار و گفتاری در زمینه ی دین داشته باشد که در قرآن بیان نشده است. این نشان دهنده ی گمراهی مسلمانان است که به جای خواندن قرآن برای فهم اسلام حقیقی، به رفتار و گفتار نسبت داده شده به پیامبر مراجعه می کنند و به این روش، هر دروغی را به خدا و دین نسبت می دهند و وارد اسلام می کنند.

به پیامبر بیان شده که بگو، نیستم من جز هشدار دهنده ای آشکار. پیامبر فقط با قرآن، به مردم هشدار می داد و مردم را به ایمان آوردن دعوت می نمود و قرآن را که به او از جانب خداوند وحی می شد، بدون هیچ تغییری برای مردم بیان می کرد. پیامبر کسی را به دین اجبار نمی کرد و از جانب خداوند، حق این کار را هم نداشت. اینکه برخی حق خود می دانند که دیگران را به آنچه که آن را دین می نامند، مجبور نمایند و این کار خود را دستور خدا و دین می نامند، جز دروغ به خدا و دین نمی بندند و رفتار و گفتار آنها، هیچ ارتباطی با خدا و دین ندارد.)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (10 احقاف)

بگو آیا درک کردید اگر بود از نزد خدا، و کفر ورزیدید به آن، و گواهی داد گواهی دهنده ای از فرزندان اسرائیل، بر اساس مِثل آن، پس ایمان آورد و کبر ورزیدید، همانا خدا هدایت نمی کند جماعت ستمکاران را

(منظور از عبارت آیا درک کردید اگر بود از نزد خدا، و کفر ورزیدید به آن، قرآن است. منظور از کسانی که کبر ورزیدند، کافران است.)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ (11 احقاف)

و گفت کسانی که کفر ورزیدند، به کسانی که ایمان آوردند، اگر بود برگزیده تر، پیش نمی افتادند از ما به آن، و چون هرگز هدایت نشدند به آن، پس خواهند گفت این دروغی قدیمی است

(منظور از عبارت اگر بود برگزیده تر، پیش نمی افتادند از ما به آن، قرآن است. کافران گفتند که اگر قرآن برگزیده تر بود، آنهایی که به آن ایمان آوردند، برای ایمان آوردن به آن، بر ما پیشی نمی گرفتند.)

وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ (12 احقاف)

و از قبل آن، کتاب موسی، الگویی و مهربانی ای است، و این کتاب، تصدیق کننده است به صورت زبان منسوب به عرب، تا هشدار دهد کسانی را که ستم کردند، و مژده ای است برای بسیار نیکوکاران

(بیان شده که کتاب موسی، از قبل از قرآن نازل شد، و الگو و مهربانی ای است، و قرآن تصدیق کننده ی کتاب موسی است، یعنی آن را حقیقت می داند، و قرآن، کتابی است که به صورت عربی نازل شده است، تا کسانی که ستم کردند را هشدار دهد و مژده دهنده است برای بسیار نیکوکاران.)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (13 احقاف)

همانا کسانی که گفتند ربّ ما خداست، سپس درست شدند، پس نیست ترسی برای آنان، و نه آنان اندوهگین می شوند

(بیان شده، کسانی که به خداوند یگانه ایمان آوردند و پس از آن، فرد خوبی شدند، در روز قیامت، ترسی برای آنان نخواهد بود و آنان اندوهگین نخواهند شد.)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (14 احقاف)

آنان همنشینان باغ هستند، جاودانان در آن، پاداشی است به سبب آنچه انجام می دادند

(بیان شده که آنان وارد بهشت می شوند و برای همیشه در آن ساکن می شوند.)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (15 احقاف)

و توصیه کردیم به انسان، به پدر و مادرش نیکوکاری ای را، باردار شد او را مادرش با مشقت، و به دنیا آورد او را با مشقت، و حاملگی و از شیر گرفتن او، سی ماه است، تا اگر رسید به سن ادراکش، و رسید به چهل سالگی، گفت ربّ، بر دلم بیفکن، اینکه سپاسگزاری کنم نعمتت را، که ارزانی داشتی بر من، و بر پدر و مادرم، و اینکه انجام دهم شایسته ای را، که خشنود باشی از آن، و اصلاح کن برای من در فرزندانم، همانا من بازگشت کردم به تو، و همانا من از تسلیم کنندگان هستم

أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (16 احقاف)

آنان کسانی هستند که قبول می کنیم از آنان، نیکوترین آنچه را انجام دادند، و در می گذریم از بدی هایشان، همراه همنشینان باغ، وعده ی راستی، که وعده داده می شدند

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَكُمَا أَتَعِدَانِنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (17 احقاف)

و آنکه گفت به پدر و مادرش، آه بر شما، آیا به من وعده می دهید، اینکه خارج شوم، و به درستی سپری شد نسل ها از قبل من، و آن دو یاری می طلبند از خدا، وای بر تو، ایمان بیاور، همانا وعده ی خدا حقیقت است، پس می گوید، نیست این جز افسانه های قدیمی نخست ها

(منظور از عبارت آیا به من وعده می دهید، اینکه خارج شوم، این است که آیا به من وعده می دهید که پس از مرگ، در روز قیامت زنده خواهم شد.)

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (18 احقاف)

آنان کسانی هستند که بایسته شد برای آنان گفتار، در جماعت هایی که به درستی سپری شد از قبل از آنان، از جن و انسان، همانا آنان بودند زیان دیدگان

(منظور از عبارت بایسته شد برای آنان گفتار، این است که آنان وارد جهنم خواهند شد.)

(در آیه های 15 و 17، در مورد دو فرد با دو دیدگاه و رفتار متفاوت، صحبت شده است.)

وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (19 احقاف)

و برای همه رتبه هایی است از آنچه انجام دادند، و تا کامل داده شود به آنان کارهایشان، و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند

(در مورد روز قیامت بیان شده است و بیان شده که برای هر کسی با توجه به اعمالی که دارد رتبه ای خواهد بود.)

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ (20 احقاف)

و روزی که عرضه کرده می شود کسانی که کفر ورزیدند، بر آتش، زدودید نیکوهایتان را در زندگی دنیایتان، و بهره مند شدید به آن، پس امروز جزا داده می شوید با عذاب خوار شدن، به سبب آنچه کبر می ورزیدید در زمین، به غیر از حقیقت، و به سبب آنچه از راه حق دور می شدید

وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (21 احقاف)

و به یاد آور برادر عاد را، هنگامی که هشدار داد به قومش بر ریگزارها، و به درستی سپری شد هشدار دهنده ها از برابر او و از پشت او، که نپرستید جز خدا را، همانا من می ترسم برای شما، از عذاب روزی بزرگ

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (22 احقاف)

گفتند آیا آمدی نزد ما تا تغییر دهی ما را از خدایانمان، پس بیاور برای ما آنچه را وعده می دهی به ما، اگر بودی از راستگویان

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (23 احقاف)

گفت همانا دانش، نزد خداست، و می رسانم به شما آنچه را فرستاده شدم بر آن، و لیکن من می بینم شما را جماعتی که نادانی می کنید

(منظور از عبارت می رسانم به شما آنچه را فرستاده شدم بر آن، این است که آن پیامی را که برای رساندن آن به شما، از جانب خداوند به پیامبری برگزیده شدم را به شما می رسانم.)

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (24 احقاف)

پس وقتی که دیدند آن را ابری پهن شده در افق، روی آورنده به درّه هایشان، گفتند این ابری پهن شده در افق است که باران زای ما است، بلکه آن آنچه است که به عجله می انداختید آن را، بادی است که در آن عذابی دردناک است

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (25 احقاف)

از میان می بَرَد هر چیزی را به فرمان ربّش، پس گردیدند، دیده نمی شود جز خانه هایشان، اینچنین جزا می دهیم جماعت بدکاران را

وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (26 احقاف)

و یقیناً به درستی توانمند کردیم آنان را، در آنچه توانمند نکردیم شما را در آن، و قرار دادیم برای آنان حس شنوایی ای و بینایی هایی و قلب هایی را، پس کفایت نکرد از آنان، شنواییشان و نه چشم هایشان و نه قلب هایشان، از چیزی را، وقتی که انکار می کردند آیات خدا را، و احاطه کرد به آنان، آنچه که آن را مسخره می کردند

(منظور از عبارت کفایت نکرد از آنان، شنواییشان و نه چشم هایشان و نه قلب هایشان، از چیزی را، این است که شنوایی و چشم و قلب هایشان باعث نشد که عذاب از آنها دور شود.)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَى وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (27 احقاف)

و یقیناً به درستی هلاک کردیم آنچه که پیرامون شما است از آبادی ها، و به اشکال گوناگون بیان کردیم آیات را، شاید آنان باز می گردند

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (28 احقاف)

پس چرا یاریشان نکرد، کسانی را که گرفتند از غیر خدا به عنوان وسیله نزدیکی ای، به صورت خدایان، بلکه گم شدند از آنان، و آن دروغ آنان است و آنچه را دروغ می بافتند

(بیان شده، چرا آن خدایانی که به عنوان عامل نزدیکی می پرستیدند، آنها را در هنگام عذاب، یاری نکردند.)

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ (29 احقاف)

و وقتی که به تو متوجه کردیم گروهی از جن را، که گوش می دهند به قرآن، پس وقتی که حضور یافتند نزد او، گفتند سرا پا گوش دهید، پس وقتی که انجام داده شد، روی تافتند به قومشان، هشدار دهندگان

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ (30 احقاف)

گفتند ای قوم ما، همانا ما شنیدیم کتابی را که نازل شد از پس از موسی، به صورت تصدیق کننده است برای آنچه در برابر آن است، هدایت می کند به حقیقت، و به راهی راست

(آن جن ها به قومشان گفتند که ما شنیدیم کتابی را، که نازل شد از پس از کتاب موسی، و آن تأیید کننده ی کتاب هایی است که قبل از آن، از جانب خداوند نازل شده است، و آن هدایت می کند به حقیقت و به راه راست.)

(با خواندن قرآن، می توان حقیقت را از دروغ، و هدایت را از گمراهی در زمینه دین تشخیص داد و یک مسلمان برای فهم اسلام حقیقی، فقط باید به قرآن مراجعه نماید، و مراجعه به منابع دیگر از جمله گفتار و رفتار نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، جز گمراهی از اسلام حقیقی، نتیجه ای نخواهد داشت.)

يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (31 احقاف)

ای قوم ما، پاسخ دهید فرا خواننده ی خدا را، و ایمان آورید به او، تا بیامرزد برای شما از گناهانتان را، و حمایت کند شما را از عذابی دردناک

وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (32 احقاف)

و کسی که پاسخ ندهد فرا خواننده ی خدا را، پس نیست عاجز کننده در زمین، و نیست برای او از غیر او دوستان، آنان در گمراهی آشکاری هستند

(منظور از پاسخ دادن به فراخواننده ی خدا، پذیرفتن دعوت پیامبر خدا و ایمان آوردن به خداوند است و منظور از عبارت نیست برای او از غیر او دوستان، این است که برای آنان غیر از خداوند، دوست دیگری نخواهد بود.)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى بَلَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (33 احقاف)

آیا هرگز درک نکردند که همانا خداست، آنکه آفرید آسمان ها و زمین را، و هرگز درمانده نشد از آفریدن آنان، توانا است بر اینکه زنده کند مردگان را، آری، همانا او بر هر چیزی توانا است

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (34 احقاف)

و روزی که عرضه می شود کسانی که کفر ورزیدند بر آتش، آیا نیست این حقیقت، گفتند آری، سوگند به ربِّ ما، گفت پس بچشید عذاب را به سبب آنچه کفر می ورزیدید

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ (35 احقاف)

پس شکیبایی کن، آنچنانکه شکیبایی کرد صاحبان قاطعیت از فرستادگان، و به عجله وا ندار برای آنان، مانند این است که همانا آنان، روزی که می بینند آنچه را وعده داده می شوند، هرگز درنگ نکردند جز ساعتی از روز را، رساندنی است، پس آیا نابود می شود جز جماعت از راه حق دور شونده

(خداوند به پیامبر بیان نموده است که شکیبایی کن، مانند شکیبایی کردن پیامبرانی که صاحب قاطعیت بودند، و برای آنان به عجله وا ندار نازل شدن عذاب را، و هنگامی که آنان عذاب را در روز قیامت مشاهده نمایند، مانند این است که جز ساعتی از روز را درنگ نکرده اند، یعنی از زمان مرگ آنها در این دنیا، تا زنده شدن آنها در روز قیامت، مانند گذشتن ساعتی از روز، در احساس آنها است.)

سوره محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (1 محمد)

کسانی که کفر ورزیدند و بازداشتند از راه خدا، از بین بُرد کارهایشان را

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (2 محمد)

و کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، و ایمان آوردند به آنچه نازل شد بر محمد، و آن حقیقت است از ربّشان، پوشاند از آنان بدی هایشان را، و اصلاح کرد حالشان را

(منظور از آنچه نازل شد بر محمد، قرآن است. قرآن، حقیقت است و از جانب خداوند نازل شده است.)

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (3 محمد)

آن به سبب این است که همانا کسانی که کفر ورزیدند، پیروی کردند از باطل، و همانا کسانی که ایمان آوردند، پیروی کردند از حقیقت، که از ربّشان است، اینچنین بیان می کند خدا برای مردم، مَثَل هایشان را

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (4 محمد)

پس اگر روبرو شدید با کسانی که کفر ورزیدند، پس زدنِ گردن ها، تا اگر ناتوان کردید آنان را، پس محکم کنید بند را (=منظور اسیر گرفتن و محکم بستن آنان است) پس یا منّت گذاشتنی، سپس، و یا با مال آزاد کردنی، تا جنگ پایان یابد، آن است، و اگر می خواهد خدا، یقیناً انتقام می گرفت از آنان، و لیکن تا بیازماید بعضی از شما را با بعضی، و کسانی که کشته شدند در راه خدا، پس هرگز از بین نمی برد کارهایشان را

(آنچه در این آیه بیان شده است، در مورد جنگی است که در آن زمان بین مسلمانان و کافران روی داده است و مربوط به زمان غیر جنگ نمی باشد. اینکه بیان شده گردن های آنها را بزنید، به این معنا نیست که زمانی که کافران با شما وارد جنگ نشده اند، اگر کافری دیدید، او را بکشید، بلکه این مربوط به زمان جنگ بوده است و در اسلام، مسلمانان حق شروع جنگ، حتی علیه کافران را ندارند و اگر به آنها حمله شد، می توانند وارد جنگ شوند. یک مسلمان حق تعرض به جان و مال دیگران، حتی کافران را ندارد و فقط در حالتی که به مسلمان تعرض شده باشد، می تواند به صورتی که در قرآن بیان شده است، عکس العمل نشان دهد. و در مورد اسیران گرفته شده، بیان شده که یا به آنها منّت بگذارید و آنها را آزاد نمایید و یا در قبال آزادی آنها، مالی بگیرید. به هر صورت، بیان شده که اسیران را آزاد نمایید. در ادامه

بیان شده که اگر خداوند می خواست، از آنها انتقام می گرفت. نکته قابل توجه این است که کسی حق کشتن اسیران را ندارد.)

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ (5 محمد)

هدایت خواهد کرد آنان را، و اصلاح می کند حالشان را

(در مورد کشته شده های در راه خدا، بیان شده است.)

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ (6 محمد)

و داخل می کند آنان را به باغ، که تعریف کرد آن را برای آنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (7 محمد)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر یاری کنید خدا را، یاری کند شما را، و تثبیت می کند پاهایتان را

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (8 محمد)

و کسانی که کفر ورزیدند، پس نابودی ای است برای آنان، و از بین بُرد کارهایشان را

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (9 محمد)

آن به سبب این است که، همانا آنان بیزار بودند از آنچه نازل کرد خدا، پس بی اثر کرد کارهایشان را

(بیان شده، آن به سبب بیزاری کافران از قرآن است.)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (10 محمد)

آیا پس هرگز حرکت نکردند در زمین، پس ببینند چگونه بود پایان کار کسانی که از قبل از آنان، ویران کرد خدا بر آنان، و برای کافران نظایر آن است

(منظور از ویران کرد خدا بر آنان، این است که خداوند بر آنها عذاب نازل کرد.)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (11 محمد)

آن به سبب این است که، همانا خدا دوست کسانی است که ایمان آوردند، و همانا کافران را، نیست دوست برای آنان

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ (12 محمد)

همانا خدا داخل می کند کسانی را که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، و کسانی که کفر ورزیدند، برخوردار می شوند و می خورند، چنانچه می خورد دام، و آتش منزلی است برای آنان

(خداوند کسانی را که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، در روز قیامت وارد بهشت می نماید و کسانی را که کفر ورزیدند، در این دنیا برخوردار می کند و در روز قیامت، جایگاه آنها جهنم است.)

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ (13 محمد)

و چه بسیار از آبادی، که آن توانمندتر بود از نظر قدرت، از آبادی تو، که از پیش خود راند تو را، هلاک کردیم آنان را، پس نیست یاری کننده ای برای آنان

أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (14 محمد)

آیا پس کسی که بود بر دلیلی از ربّش، مانند کسی است که آراسته شد برای او بدی کارش، و پیروی کردند از خواسته هایشان

(منظور از کسی که آراسته شد برای او بدی کارش، و پیروی کردند از خواسته هایشان، کافران است.)

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ (15 محمد)

مَثَل باغ که وعده داده شد به پرهیزکاران، در آن رودهایی از آبی است بدون آب گندیده ای، و رودهایی از شیری، که هرگز تغییر نکند مزه اش، و رودهایی از شرابی، که به صورت گوارایی برای آشامنده ها است، و رودهایی از عسلی خالص است، و برای آنان در آن از همه ی میوه ها است، و آمرزش گناهی از ربّشان، مانند کسی است که او همیشگی در آتش است، و آب داده شدند، آبی گرم را، پس تکه تکه کرد روده هایشان را

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (16 محمد)

و از آنان کسی است که گوش می دهد به تو، تا اگر خارج شدند از نزد تو، گفتند به کسانی که داده شدند دانش، چه چیزی گفت هم اکنون، آنان کسانی هستند که مُهر زد خدا بر دل هایشان، و پیروی کردند خواسته هایشان را

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (17 محمد)

و کسانی که هدایت شدند، افزود بر آنان هدایتی را، و داد به آنان پرهیزکاریشان را

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ (18 محمد)

پس آیا انتظار می کشند جز هنگام قیامت را، که بیاید نزد آنان به صورت غافلگیری، پس به درستی آمد شرط هایش، پس چگونه است برای آنان، اگر آمد نزد آنان، یادآوریشان

(منظور ازعبارت اگر آمد نزد آنان، یادآوریشان، رخ دادن قیامت است.)

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ (19 محمد)

پس بدان، به یقین نیست خدایی جز خدا، و طلب عفو کن برای گناهت، و برای مردان و زنان مؤمن، و خدا می داند تغییر ایجاد شده در شما، از وضعیتی به وضعیت دیگر را، و منزلتان را

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى لَهُمْ (20 محمد)

و می گوید کسانی که ایمان آوردند، چرا نازل نشد سوره ای، پس اگر نازل شد سوره ای استوار، و به یاد آورده شد در آن جنگیدن، دیدی کسانی را که در دل هایشان بیماری ای است، می نگرند به تو به حالت نگاه کردنِ بیهوش از مرگ، پس شایسته تر است برای آنان

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ (21 محمد)

فرمانبرداری و گفتاری مشهور، پس اگر جدیت نشان داد در مورد کار، پس اگر راستگو بودند با خدا، یقیناً بود بهتر برای آنان

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ (22 محمد)

پس آیا ممکن است شما، اگر روی برتافتید، اینکه تباه کنید در زمین، و تکه تکه کنید خویشاوندی هایتان را

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ (23 محمد)

آنان کسانی هستند که لعنت نمود آنان را خدا، و ناشنوا کرد آنان را، و نابینا کرد چشم هایشان را

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (24 محمد)

آیا پس فکر نمی کنند در قرآن، یا بر دل هایشان قفل های آن است

(قرآن کتابی است که به صورت آشکار و قابل فهم نازل شد و با خواندن آن می توان به اسلام حقیقی پی برد.)

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ (25 محمد)

همانا کسانی که عقب رفتند بر پشت هایشان، از پس از آنچه آشکار شد برای آنان هدایت، شیطان گول زد برای آنان، و املاء کرد برای آنان

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ (26 محمد)

آن به سبب این است که همانا آنان گفتند به کسانی که بیزار بودند از آنچه که نازل کرد خدا، که فرمانبرداری خواهیم کرد از شما در بعضی از کار، و خدا می داند نهان کردنشان را

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ (27 محمد)

پس چگونه است اگر جانشان را گرفت فرشتگان، می زنند بر صورت هایشان و پشت هایشان

ذَلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (28 محمد)

آن به سبب این است که همانا آنان پیروی کردند آنچه را که خشمگین کرد خدا را، و بیزار بودند از خشنودی او، پس بی اثر کرد کارهایشان را

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ (29 محمد)

یا گمان کردند کسانی که در دل هایشان بیماری ای است، اینکه هرگز بیرون نمی آورد خدا، کینه هایشان را

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ (30 محمد)

و اگر بخواهیم یقیناً نشان می دهیم به تو آنان را، پس یقیناً شناختی آنان را با چهره هایشان، و یقیناً می شناسی آنان را در آهنگ گفتار، و خدا می داند کارهایتان را

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ (31 محمد)

و یقیناً می آزماییم شما را، تا بدانیم تلاش کنندگان از شما و شکیبایان را، و بیازماییم خبرهایتان را

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ (32 محمد)

همانا کسانی که کفر ورزیدند و بازداشتند از راه خدا، و مخالفت ورزیدند با فرستاده، از پس از آنچه آشکار شد برای آنان، هدایت، هرگز زیان نمی رسانند به خدا چیزی را، و باطل خواهد کرد کارهایشان را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ (33 محمد)

ای کسانی که ایمان آوردید، فرمانبرداری کنید از خدا، و فرمانبرداری کنید از فرستاده، و تباه نکنید کارهایتان را

(پیامبر در زمینه ی دین، چیزی غیر از قرآن، بیان نمی کرده است و خود پیامبر نیز فقط از قرآن پیروی می کرده است و در زمینه دین، فرمانبرداری از پیامبر، در حقیقت فرمانبرداری از خدا بوده است و امروزه که پیامبر در بین مسلمانان نیست، در زمینه دین فقط فرمانبرداری از خداوند مطرح است و برای این منظور، فقط باید به قرآن مراجعه نمود و مراجعه به منابع دیگر از جمله احادیث و روایات نسبت داده شده به پیامبر یا اشخاص دیگر، جز گمراهی از اسلام حقیقی نتیجه ای نخواهد داشت و نیازی هم به این کار نیست زیرا با خواندن قرآن و پی بردن به اسلام حقیقی، می توان به رفتار و گفتار پیامبر نیز پی برد. فرمانبرداری از پیامبر در زمینه ی غیر دین نیز، مربوط به زمان پیامبر بوده است و ارتباطی با زمان های دیگر ندارد و همچنین ارتباطی با دین ندارد. مثلاً پیامبر از مردم می خواسته تا برای مشورت کردن در مورد موضوعی، در جایی جمع شوند، و اطاعت کردن در این مورد، به این معنا بوده که مردم به درخواست پیامبر عمل کنند و در آن محل جمع شوند.)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (34 محمد)

همانا کسانی که کفر ورزیدند و بازداشتند از راه خدا، سپس مردند و آنان کافران بودند، پس هرگز نمی آمرزد خدا برای آنان

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ (35 محمد)

پس سست نشوید و فرا نخوانید به صلح، و شما برترها هستید و خدا با شما است و هرگز نمی کاهد از کارهایتان

(در مورد جنگی بیان شده است که در زمان پیامبر، بین مسلمانان و کافران روی داده است.)

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ (36 محمد)

همانا زندگی دنیا بازی کردن و سرگرمی ای است، و اگر ایمان بیاورید و پرهیزکار شوید، می دهد به شما پاداش هایتان را، و تقاضا نمی کند از شما دارایی هایتان را

إِنْ يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ (37 محمد)

اگر تقاضا کند آن را از شما، پس اصرار کند به شما، خِسَت به خرج می دهید، و آشکار کند کینه هایتان را

هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (38 محمد)

آری، شما اینانید که فرا خوانده می شوید تا خرج کنید در راه خدا، پس از شما کسی است که خِسَت به خرج می دهد، و کسی که خِسَت به خرج دهد، پس همانا خِسَت به خرج می دهد در مورد خودش، و خدا توانگر است و شما نیازمندان هستید، و اگر روی برتابید، جایگزین کند جماعتی غیر از شما را، سپس نباشند نظایر شما

(اگر کسی کار نیکی انجام دهد، پاداش نیکی اش را دریافت خواهد کرد و اگر کسی در راه خدا، به نیازمندی کمک کند، پاداش این نیکوکاری اش را در روز قیامت دریافت خواهد کرد و اگر کسی برای کمک کردن، خِسَت به خرج دهد، در حقیقت، در مورد خودش خِسَت به خرج داده است زیرا در روز قیامت، خود را از این پاداش، محروم کرده است.)

سوره فتح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا (1 فتح)

همانا ما گشودیم برای تو، گشودنی آشکار را

لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (2 فتح)

تا بیامرزد برای تو، خدا، آنچه را پیش افتاد از گناه تو، و آنچه را عقب می اندازی، و کامل کند نعمتش را بر تو، و هدایت کند تو را به راهی راست

(پیامبر اسلام نیز در زندگی خود، گناهان و اشتباهاتی داشته است و در قرآن به برخی از آنها اشاره شده است. اینکه برخی از مسلمانان، پیامبر را معصوم می دانند، یعنی هیچگونه گناه و اشتباهی مرتکب نشده است، اعتقادی نادرست دارند.)

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا (3 فتح)

و یاری کند تو را خدا، یاری کردنی ارجمند

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (4 فتح)

اوست آنکه نازل کرد متانت را در دل های مؤمنان، تا بیفزایند ایمانی را با ایمانشان، و برای خدا، لشکریان آسمان ها و زمین است، و بود خدا، دانای صاحب حکمت

لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا (5 فتح)

تا داخل کند مردان و زنان مؤمن را به باغ هایی، که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند، و بپوشاند از آنان، بدی هایشان را، و بود آن نزد خدا، پیروزی بزرگی

وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (6 فتح)

و عذاب دهد مردان و زنان منافق (=متظاهر به ایمان با کفر باطنی)، و مردان و زنان مشرک (=قائل به شریک برای خدا) را، گمان برندگان به خدا، گمان بد را، برای آنان است مصیبت بد، و خشمگین شد خدا بر آنان، و لعنت کرد آنان را، و مهیا کرد برای آنان، جهنم را، و ناپسند شد برگشتن

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (7 فتح)

و برای خدا است لشکریان آسمان ها و زمین، و بود خدا، ارجمندی صاحب حکمت

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (8 فتح)

همانا ما فرستادیم تو را، گواهی دهنده ای و مژده دهنده ای و هشدار دهنده ای

لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (9 فتح)

تا ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، و بزرگ شمرید او را، و ارج بگذارید او را، و تسبیح بگویید او را، صبح زود (یا بامداد) و تنگِ غروب (یا زمان بین عصر و غروب)

(زمان نمازهای صبح و مغرب را بیان کرده است.)

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (10 فتح)

همانا کسانی که بیعت می کنند (یا عهد وفاداری می بندند) با تو، همانا بیعت می کنند با خدا، دست خدا بالای دست های آنان است، پس کسی که نقض کرد، پس همانا نقض می کند بر خودش، و کسی که بجا آورد آنچه را عهد بست با او، خدا، پس خواهد داد به او، پاداشی بزرگ را

(در مورد اتفاقی بیان شده است که در زمان پیامبر روی داده است و بیان شده کسی که بیعت خود را با پیامبر نقض کند، بر علیه خودش این کار را انجام داده است و کسی که بر بیعت خود بماند، خداوند به او پاداش بزرگی خواهد داد. این نشان دهنده این موضوع است که هر کسی خود تصمیم گیرنده در این مورد بوده است و پیامبر کسی را به اجبار وادار به بیعت و یا حفظ بیعتش نمی کرده است. نکته دیگر اینکه خداوند به پیامبر بیان نکرده است که اگر کسی بیعت خود را نقض کرد او را مجازات کن یا به جان و مال او تعرض کن. این نیز نشان دهنده واقعیت اسلام و نشان دهنده دروغ بودن جنایات و ستم هایی است که برخی به نام خدا و دین در طول تاریخ بر علیه مردم انجام داده اند.)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (11 فتح)

خواهد گفت به تو، به جای ماندگان از بادیه نشینان، مشغول کرد ما را دارایی هایمان و خانواده هایمان، پس طلب عفو کن برای ما، می گویند با زبان هایشان آنچه را نیست دردل هایشان، بگو پس چه کسی مالک می شود برای شما از خدا چیزی را، اگر خواست بر شما زیانی را، یا خواست بر شما سودی را، بلکه بود خدا به آنچه انجام می دهید آگاه

(اگر خداوند برای کسی زیانی یا سودی را بخواهد، کسی نمی تواند مانع آن شود.)

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا (12 فتح)

بلکه گمان بردید اینکه هرگز بر نمی گردد فرستاده و مؤمنان، به خانواده هایشان هرگز، و آراسته شد آن در دل هایتان، و گمان بردید گمانی بد را، و بودید جماعتی بی خِیر

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا (13 فتح)

و کسی که هرگز ایمان نیاورد به خدا و فرستاده اش، پس همانا ما آماده کردیم برای کافران، زبانه ی آتشی را

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (14 فتح)

و برای خداست سلطه ی آسمان ها و زمین، می آمرزد برای کسی که می خواهد، و عذاب می دهد کسی را که می خواهد، و بود خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا (15 فتح)

خواهد گفت به جای ماندگان، اگر سریع رفتید به غنیمت ها تا بگیرید آن را، رها کنید ما را تا دنباله روی کنیم شما را، می خواهند اینکه تغییر دهند سخن خدا را، بگو هرگز دنباله روی نمی کنید ما را،

اینچنین درباره شما گفت خدا، از قبل، پس خواهند گفت بلکه حسادت می کنید به ما، بلکه درک نمی کردند جز اندکی

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (16 فتح)

بگو به بر جای ماندگان از بادیه نشینان، که فرا خوانده خواهید شد به جماعتی که دارنده ی قدرتی نیرومند هستند، تا با آنان بجنگید، یا تسلیم می شوند، پس اگر فرمانبرداری کنید، می دهد به شما خدا، پاداشی نیکو را، و اگر روی برتابید آنچنانکه روی برتافتید از قبل، عذاب دهد شما را، عذابی دردناک

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا (17 فتح)

نیست بر نابینا، در تنگنا بودنی، و نه بر لنگ، در تنگنا بودنی، و نه بر بیمار، در تنگنا بودنی، و کسی که فرمانبرداری کند از خدا و فرستاده اش، داخل می کند او را به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، و کسی که روی برتابد، عذاب می دهد به او، عذابی دردناک را

(برای افراد نابینا و لنگ و بیمار، اجباری برای حضور در جنگ وجود ندارد و اشکالی ندارد که به جنگ نروند.)

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (18 فتح)

یقیناً به درستی خرسند شد خدا، از مؤمنان، هنگامی که با تو بیعت می کنند زیر درخت، پس دانست آنچه در دل هایشان است، پس نازل کرد متانتی بر آنان، و عطا کرد به آنان، گشایشی نزدیک را

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (19 فتح)

و غنیمت های بسیاری را، که می گیرند آن را، و بود خدا، ارجمند صاحب حکمت

وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (20 فتح)

وعده داد به شما خدا، غنیمت های بسیاری را، می گیرید آن را، پس شتابان شد برای شما این، و بازداشت دست های مردم را از شما، و تا باشد نشانه ای برای مؤمنان، و هدایت کند شما را به راهی راست

وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (21 فتح)

و دیگری که هرگز توانا نشدید بر آن، به درستی احاطه کرد خدا بر آن، و بود خدا بر هر چیزی توانا

وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (22 فتح)

و اگر جنگید با شما، کسانی که کفر ورزیدند، یقیناً پشت کنان گریختند، سپس نمی یابند دوستی و نه یاری کننده ای را

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (23 فتح)

روش خدا است که به درستی سپری شد از قبل، و هرگز نمی یابی برای روش خدا، جایگزینی ای را

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (24 فتح)

و اوست آنکه بازداشت دست های آنان را از شما، و دست های شما را از آنان، در درون مکه، از پس از اینکه پیروز کرد شما را بر آنان، و بود خدا به آنچه انجام می دهید بینا

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (25 فتح)

آنان کسانی هستند که کفر ورزیدند و بازداشتند شما را از مسجدالحرام، و گوسفند قربانیِ نگه داشته شده ای را، از اینکه برسد به مکانش، و اگر نبود مردان مؤمن و زنان مؤمنی، که هرگز نمی شناختید آنان را، اینکه لگدمالشان کنید، پس مبتلا شود به شما از آنان، تاوانی بدون دانشی، تا داخل کند خدا در مهربانی اش کسی را که می خواهد، اگر پراکنده کنند، یقیناً عذاب می دادیم به کسانی که کفر ورزیدند از آنان، عذابی دردناک را

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (26 فتح)

هنگامی که قرار داد کسانی که کفر ورزیدند، در دل هایشان تعصب را، تعصبِ نادانی (یا دوره ی جاهلیت) را، پس نازل کرد خدا متانت را بر فرستاده اش و بر مؤمنان، و ناگزیر کرد با آنان کلمه ی پرهیزکاری را، و بودند سزاوارتر به آن و خانواده ی آن، و بود خدا بر هر چیزی دانا

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا (27 فتح)

یقیناً به درستی انجام داد خدا رؤیای فرستاده اش را به حقیقت، یقیناً داخل می شوید به مسجد الحرام، اگر خواست خدا، به گونه ی دارای امنیت، تراشنده های سرهایتان و کوتاه کنندگان، نمی ترسید، پس دانست آنچه را هرگز ندانستید، پس قرار داد از غیر آن، گشودنی نزدیک را

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (28 فتح)

اوست آنکه فرستاد، فرستاده اش را با هدایت و دین حقیقت، تا مطلع کند او را بر دین، همه اش، و کافی است تا خدا گواه باشد

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (29 فتح)

محمد فرستاده ی خدا است، و کسانی که با او هستند، نیرومندان بر کافران، بخشاینده ها بینشان هستند، می بینی آنان را رکوع کنندگانی سجده کنندگان، درخواست می کنند مزیتی از خدا را، و خشنودی ای را، علامت آنان در چهره هایشان، از اثر سر فرود آوردن است، آن مَثَل آنان در تورات است، و مَثَل آنان در انجیل، مانند کِشته ای است که نمایان کرد برگش را، پس یاری رساند به آن، پس ستبر و سفت شد، پس ایستاد بر ساقه هایش، شگفت زده می کند کشاورزان را، تا خشمگین کند به آنان، کافران (یا ناسپاسان) را، وعده داد خدا، کسانی را که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را از آنان، به آمرزش گناهی و پاداشی بزرگ

(اینکه بیان شده، علامت آنان در چهره هایشان، از اثر سر فرود آوردن است، مَثَلی است که در تورات بیان شده است و در مورد کسانی است که با محمد بوده اند و مربوط به زمان پیامبر می شود و ارتباطی با زمان های دیگر ندارد و به این معنا هم نیست که اگر کسی می خواسته با پیامبر باشد، باید کاری می کرده که این نشانه را داشته باشد، بلکه این نشانه ای بوده که ناخواسته به وجود آمده بوده است و در این آیه، از آن خبر داده شده است. بنابراین این به معنای آن نیست که امروزه هر کسی این نشانه را داشته باشد فرد خوبی است. امروزه بسیاری از جنایتکاران را می توان یافت که برای ریاکاری و فریب دادن مردم، جای مهری بر پیشانی خود درست می کنند و ظاهر خود را به گونه ای درست می کنند که افراد ناآگاه از اسلام حقیقی را فریب دهند و بتوانند به منافعی که می خواهند، برسند.

اینکه بیان شده، نیرومندان بر کافران هستند، به این معنا نیست که هر جا کافری را دیدند باید به آن حمله کنند و به جان و مال او تعرض کنند، بلکه منظور در زمان جنگ است و زمانی که کافران به مسلمانان حمله می کنند و جنگ را شروع می کنند، آنها با قدرت وارد جنگ می شوند. اسلام به مسلمانان اجازه ی تجاوز و شروع جنگ را، حتی بر علیه کافران، نداده است.)

سوره حجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (1 حجرات)

ای کسانی که ایمان آوردید، پیشی نگیرید در برابر خدا و فرستاده اش، و حذر کنید از خدا، همانا خدا شنوای داناست

(در مورد موضوعی بیان شده که در آن زمان مطرح بوده است.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (2 حجرات)

ای کسانی که ایمان آوردید بالا نبرید صداهایتان را، بالای صدای پیامبر، و با صدای بلند نگویید به او گفتار را، مانند با صدای بلند گفتن بعضی از شما به بعضی، اینکه تباه شود کارهایتان، و شما درک نمی کنید

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (3 حجرات)

همانا کسانی که پایین می آورند صداهایشان را نزد فرستاده ی خدا، آنان کسانی هستند که آزمود خدا دل هایشان را برای پرهیزکاری، برای آنان آمرزش گناه و پاداشی بزرگ است

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (4 حجرات)

همانا کسانی که صدا می کنند تو را از پشت اتاق ها، بیشترشان درک نمی کنند

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (5 حجرات)

و اگر همانا آنان شکیبایی می کردند تا خارج شوی به آنان، یقیناً بود بهتر برای آنان، و خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (6 حجرات)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر آورد نزد شما از راه حق دور شده ای، خبری را، پس بررسی کنید، اینکه گرفتار کنید جماعتی را به سبب نا آگاهی، پس گردید بر آنچه انجام دادید، پشیمانان

(بیان شده که اگر از راه حق دور شده ای، برای شما خبری آورد، درستی خبر را بررسی کنید تا مانع شود که به اشتباه، جماعتی را گرفتار کنید و سپس پشیمان گردید.)

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (7 حجرات)

و بدانید همانا همراه شما فرستاده ی خدا است، اگر اطاعت کند از شما در بسیاری از کار، یقیناً در کار دشوار گرفتار شدید، و لیکن خدا دوستدار کرد به شما ایمان را، و آراست آن را در دل هایتان، و بیزار کرد به شما کفر را، و دور شدن از راه حق را، و نافرمانی را، آنان خود به راه راست آمدگان هستند

(منظور از عبارت همانا همراه شما فرستاده ی خدا است، اگر اطاعت کند از شما در بسیاری از کار، یقیناً در کار دشوار گرفتار شدید، این است که اگر پیامبر در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، در دشواری گرفتار خواهید شد.)

فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (8 حجرات)

مزیتی است از خدا، و نعمتی است، و خدا دانای صاحب حکمت است

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (9 حجرات)

و اگر دو طایفه از مؤمنان، یکدیگر را کشتند، پس صلح دهید میان آن دو را، پس اگر تجاوز کرد یکی از آن دو بر دیگری، پس بجنگید با آنکه تجاوز می کند، تا بازگردد به فرمان خدا، پس اگر بازگشت، پس صلح دهید بین آن دو را به دادگری، و عادل باشید، همانا خدا دوست دارد دادگران را

(اسلام حق تجاوز و شروع جنگ را به مسلمانان نداده است.)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (10 حجرات)

همانا مؤمنان، برادران هستند، پس صلح دهيد ميان برادرانتان را، و حذر كنيد از خدا، شايد شما مورد مهربانی قرار گيريد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (11 حجرات)

ای كسانی كه ايمان آورديد مسخره نكند جماعتی، از جماعتی را، چه بسا اينكه باشند بهتر از آنان، و نه زنانی، از زنان را، چه بسا اينكه باشند بهتر از آنان، و عيبجويی نكنيد از خودتان، و لقب نگذاريد با لقب ها، بد است نامِ دور شدن از راه حق پس از ايمان، و كسی كه هرگز بازنگشت، پس آنان خود ستمكاران هستند

(در اين آيه بيان شده كه يكديگر را مسخره نكنيد و از يكديگر عيبجويی نكنيد و به يكديگر لقب ندهيد.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ (12 حجرات)

ای كسانی كه ايمان آورديد، اجتناب كنيد از بسياری از گمان بردن، همانا بعضی گمان بردن، گناه است، و جستجو نكنيد، و بدگويی (=غيبت) نكند بعضی از شما از بعضی، آيا دوست دارد كسی از شما، اينكه بخورد گوشت برادرش را كه مرده است، پس بيزار بوديد از آن، و حذر كنيد از خدا، همانا خدا بسيار بازگشت كننده ی بخشايشگر است

(بيان شده كه از بسياری از گمان ها، اجتناب كنيد و برخی از گمان ها، گناه است و منظور گمان بد و گمان گناهكار بودن در مورد ديگران است و جستجو نكنيد، يعنی به دنبال سر درآوردن از كار يكديگر و زندگی خصوصی يكديگر نباشيد، و از يكديگر بدگويی نكنيد.)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (13 حجرات)

ای مردم، همانا ما آفريديم شما را از مردی و زنی، و قرار داديم شما را قبيله های بزرگی، و قبيله ها، تا شناختيد يكديگر را، همانا ارجمندترين شما نزد خدا، با تقواترين شما است، همانا خدا دانای آگاه است

(همه ی انسان ها، از يک مرد و زن آفريده شده اند و تفاوت در ظاهر انسان ها، به معنی برتر بودن يک گروه بر گروه ديگر نيست، و بيان شده كه ارجمندترين انسان ها نزد خداوند، باتقواترين آنها است.)

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (14 حجرات)

گفت بادیه نشینان، ایمان آوردیم، بگو هرگز ایمان نیاوردید، و لیکن بگویید تسلیم شدیم، و هنوز وارد نشد ایمان در دل هایتان، و اگر فرمانبرداری کنید از خدا و فرستاده اش، کم نمی دهد به شما از کارهایتان، چیزی را، همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (15 حجرات)

همانا مؤمنان کسانی هستند که ایمان آوردند به خدا و فرستاده اش، سپس هرگز تردید نکردند، و تلاش کردند با دارایی هایشان و جان هایشان در راه خدا، آنان خود راستگویان هستند

قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (16 حجرات)

بگو آیا می آموزید به خدا دینتان را، و خدا می داند آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و خدا بر هر چیزی داناست

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (17 حجرات)

منّت می گذارند بر تو، اینکه تسلیم شدند، بگو منّت نگذارید بر من تسلیم شدنتان را، بلکه خدا منّت می گذارد بر شما، اینکه هدایت کرد شما را به ایمان، اگر بودید راستگویان

(اگر کسی هدایت شود، برای خود هدایت شده است و برای هدایت شدنش، نمی تواند بر کسی منّت بگذارد، بلکه خداوند است که بر او منّت گذاشته و او را هدایت کرده است.)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (18 حجرات)

همانا خدا می داند پنهان آسمان ها و زمین را، و خدا بیناست به آنچه انجام می دهید

سوره ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ (1 ق)

قاف، سوگند به قرآن بلند مرتبه

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (2 ق)

بلکه شگفت زده شدند از اینکه آمد نزد آنان، هشدار دهنده ای از آنان، پس گفت کافران، که این چیزی شگفت انگیز است

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ (3 ق)

آیا اگر مُردیم و بودیم خاکی، آن بازگشتنی دور است

(کافران می گفته اند که اگر مُردیم و تبدیل به خاک شدیم، چگونه دوباره زنده خواهیم شد.)

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ (4 ق)

به درستی دانستیم آنچه را ناقص می کند زمین از آنان، و نزد ما کتابی نگاهدارنده است

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ (5 ق)

بلکه تکذیب کردند حقیقت را، وقتی که آمد نزد آنان، پس آنان در کاری در هم پیچیده اند

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (6 ق)

آیا پس هرگز ننگریستند به آسمان بالایشان، که چگونه بنا کردیم آن را، و آراستیم آن را، و نیست برای آن از شکاف هایی

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (7 ق)

و زمین را، گسترانديم آن را، و انداختیم در آن کوه های استوار را، و رویاندیم در آن از هر جفتی دلپذیر را

تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (8 ق)

روشنگری ای و یادآوری ای است برای هر بنده ی مکرراً بازگردنده ای

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ (9 ق)

و نازل کردیم از آسمان آبی با برکت را، پس رویاندیم با آن، باغ هایی را، و دانه ی کشت درو شده را

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ (10 ق)

و درخت خرما با شاخه های بلند و مرتفع را، برای آن است شکوفه ی خرمای روی هم چیده شده

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ (11 ق)

روزی ای برای بندگان است، و زنده کردیم با آن شهری مرده را، اینچنین است خارج شدن

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ (12 ق)

تکذیب کرد قبل از آنان قوم نوح، و همنشینان چاه قدیمی، و ثمود

وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ (13 ق)

و عاد و فرعون و برادران لوط

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ (14 ق)

و همنشینان بیشه، و قوم تبّع (لقب پادشاهان یمن)، همه تکذیب کرد فرستادگان را، پس بایسته شد تهدید

أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ (15 ق)

آیا پس از عهده ی انجام بر نیامدیم بر آفریدن نخست، بلکه آنان در ابهامی هستند از آفریدنی تازه

(خداوند بیان کرده که هنگامی که خواستیم آنها را برای اولین بار بیافرینیم، آیا قادر به انجام آن نبودیم که آنان در مورد آفریدن دوباره ی خود، تردید دارند.)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (16 ق)

و یقیناً به درستی آفریدیم انسان را، و می دانیم آنچه را وسوسه می کند به او، جان او، و ما نزدیک تریم به او از رگ سیاهرگ

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ (17 ق)

هنگامی که دریافت می کند، دو دریافت کننده، از طرف راست و از طرف چپ، به صورت همنشین

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (18 ق)

نمی گوید از سخن، جز اینکه نزد او محافظی آماده است

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ (19 ق)

و آمد مستی مرگ به حقیقت، آن است آنچه که از آن، به یک طرف می رفتی

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ (20 ق)

و دمیده شد در صور (=شاخی که در آن بدمند)، آن است روز تهدید

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (21 ق)

و آمد هر کسی، با آن است پیش برنده ای و گواهی

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (22 ق)

یقیناً به درستی بودی در فراموش کردنی از این، پس پوشش برداشتیم از تو، پوشش تو را، پس بینایی تو امروز تیز است

(بیان شده که این روز را فراموش کرده بودی، پس از تو پوشش برداشتیم و توانستی که این روز را ببینی.)

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ (23 ق)

و گفت همنشین او، این است آنچه نزد من است به صورت مهیا

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (24 ق)

بیندازید (=شما دو نفر) در جهنم، هر بسیار کفر ورزنده ی یک دنده ای را

مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ (25 ق)

بسیار بازدارنده ای برای نیکویی، تجاوزگری مشکوک

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ (26 ق)

آنکه قرار داد با خدا، خدایی دیگر را، پس بیندازید (=شما دو نفر) او را در عذاب نیرومند

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (27 ق)

گفت همنشین او، ربّ ما، وانداشتم او را به نافرمانی، و لیکن بود در گمراهی دوری

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ (28 ق)

گفت با هم ستیر نکنید نزد من، و به درستی جلو انداختم به شما از تهدید

(بیان شده که خداوند گفت که نزد من با هم ستیز نکنید، از قبل برای شما، هشدار در این مورد دادم.)

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (29 ق)

تبدیل نمی شود گفتار نزد من، و نیستم من بسیار ستمگر به بندگان

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ (30 ق)

روزی که می گوییم به جهنم، آیا آکنده شدی، و می گوید آیا از افزوده شدنی است

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ (31 ق)

و نزدیک کرده شد باغ به پرهیزکاران، نَه دور

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ (32 ق)

این است آنچه وعده داده می شوید، برای هر بسیار بازگشت کننده ی نگهدارنده ای

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (33 ق)

کسی که ترسید از بخشاینده به پنهان، و آورد دلی مکرراً بازگردنده را

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (34 ق)

داخل شوید به آن با درودی، آن روز جاودانگی است

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (35 ق)

برای آنان است آنچه را می خواهند در آن، و نزد ما افزودن است

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ (36 ق)

و بسیار هلاک کردیم قبل از آنان از نسلی، که آنان نیرومندتر هستند از آنان، از نظر شجاعت (یا ستم)، پس دنبال راه گریز بودند در شهرها، آیا از گریزگاهی است

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (37 ق)

همانا در آن، یقیناً یادآوری ای است برای کسی که بود برای او دلی، یا گوش فرا داد، و او گواه است

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ (38 ق)

و یقیناً به درستی آفریدیم آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است را، در شش هنگام، و مبتلا نشد به ما خستگی ای

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ (39 ق)

پس شکیبایی کن بر آنچه می گویند، و تسبیح بگو به ستایش ربّت، قبل از پدیداری خورشید و قبلِ غروب

(خداوند به پیامبر بیان کرده که بر آنچه که کافران می گویند، شکیبایی کن. به پیامبر بیان نشده که آنها را بگیر و بکش و به جان و مال آنها تعرض داشته باش. این رفتارهایی که جنایتکاران به نام خدا و دین، علیه هر کسی که نظری غیر از نظر آنها داشته باشد، انجام می دهند، هیچ ارتباطی با دین ندارد و جز دروغی بر خدا و دین نیست.

در این آیه، زمان نمازهای صبح و مغرب بیان شده است. زمان نماز صبح، قبل از پدیدار شدن خورشید است و زمان نماز مغرب، قبل از تاریکی کامل آسمان است.)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ (40 ق)

و از شب، پس تسبیح بگو او را، و انتهاهای سر فرود آوردن

(زمان نماز عشا را بیان کرده است و زمان آن، هنگامی است که آسمان کاملاً سیاه می شود. بیان شده، انتهای سر فرود آوردن (=سجده کردن)، خداوند را تسبیح بگو.)

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ (41 ق)

و گوش کن، روزی که صدا می کند ندا کننده ای، از محلی نزدیک

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (42 ق)

روزی که می شنوند فریاد را به حقیقت، آن روز بیرون آمدن است

(در مورد زنده شدن مردگان در هنگام قیامت، بیان شده است.)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ (43 ق)

همانا ما خود زنده می کنیم و می میرانیم، و به ما برگشتن است

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (44 ق)

روزی که می شکافد زمین از آنان به صورت شتابندگان، آن گرد هم آوردنی است که بر ما آسان است

(در آن روز، زمین شکافته می شود و مردگان زنده می شوند و از گورها به صورت شتابان، بیرون می آیند.)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ (45 ق)

ما داناتریم به آنچه می گویند، و نیستی تو بر آنان به صورت مسلط، پس یادآوری کن با قرآن، کسی را که می ترسد از تهدید

(خداوند به پیامبر بیان کرده که تو بر آنها مسلّط نیستی. پیامبر کسی را به کاری در زمینه ی دین، اجبار نمی کرد و حتی حق اجبار کردن کسی را به دین، از جانب خداوند نداشت. هر کسی خود، تصمیم گیرنده در زمینه پذیرش یا عدم پذیرش دعوت پیامبر بود. خداوند به پیامبر بیان نموده که یادآوری کن با قرآن، کسی را که می ترسد از تهدید که منظور از تهدید، هشدار در مورد عذاب جهنم است. پیامبر فقط به مردم با بیان قرآن، یادآوری می کرد و در زمینه ی دین، چیزی غیر از قرآن بیان نمی کرد. برای فهم اسلام حقیقی، فقط باید به قرآن مراجعه کرد و مراجعه به منابع دیگر برای این منظور مانند مراجعه به احادیث و روایات نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، جز باعث گمراهی از اسلام حقیقی نخواهد شد.)

سوره ذاریات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا (1 ذاریات)

سوگند به بادهایی که به حرکت در می آورد خاک را، پراکنده کردنی

فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا (2 ذاریات)

پس حمل کنندگان بار سنگینی

(احتمالاً منظور، ابرهای باران زا است.)

فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا (3 ذاریات)

پس جاری شوندگان به صورت آسان

(زمانی که باران می بارد و آب جاری می شود.)

فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا (4 ذاریات)

پس تقسیم کنندگان فرمانی را

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ (5 ذاريات)

همانا آنچه را وعده داده می شوید، یقیناً حقیقی است

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ (6 ذاريات)

و همانا جزا، یقیناً پیش آینده است

(منظور از جزا، رسیدگی به حساب اعمال انسان ها در روز قیامت است.)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ (7 ذاريات)

سوگند به آسمان دارنده ی مسیرهای ستارگان

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ (8 ذاريات)

همانا شما یقیناً در گفتاری متفاوت، هستید

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (9 ذاريات)

دروغ می بافد درباره ی آن، کسی که دروغ گفته شد

قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ (10 ذاريات)

کشته باد دروغگویان

الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ (11 ذاريات)

کسانی که آنان، در گرفتاری ای، غافلان هستند

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ (12 ذاريات)

می پرسند که چه وقت است روز جزا

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ (13 ذاريات)

روزی که آنان بر آتش، در آشوب افکنده می شوند

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (14 ذاريات)

بچشید در آشوب افکندنتان را، این است آنچه که آن را به عجله وا می داشتید

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (15 ذاريات)

همانا پرهیزکاران، در باغ ها و چشمه ها هستند

آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ (16 ذاريات)

گیرندگانند آنچه را داد به آنان، ربّشان، همانا آنان بودند قبل از آن، بسیار نیکوکاران

كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (17 ذاريات)

اندکی از شب است که می خوابیدند

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (18 ذاريات)

و بر سحرها، آنان طلب عفو می کنند

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (19 ذاريات)

و در دارایی هایشان، نصیبی برای گدایی کننده و بازداشته شده از خیر است

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ (20 ذاريات)

و در زمین، نشانه هایی برای یقین کنندگان است

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (21 ذاريات)

و در خودتان، آیا پس نمی بینید

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (22 ذاريات)

و در آسمان، روزی (=رزق) شما و آنچه وعده داده می شوید، است

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ (23 ذاريات)

پس سوگند به ربّ آسمان و زمین، همانا آن یقیناً حقیقت است، مثل آنکه همانا شما سخن می گویید

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ (24 ذاريات)

آیا رسید به تو خبر مهمانان ابراهیم، که ارجمند بودند

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ (25 ذاريات)

هنگامی که وارد شدند بر او، پس گفتند درودی را، گفت درودی را، جماعتی ناشناسان هستید

فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (26 ذاريات)

پس مخفیانه گرایش یافت به خانواده اش، پس آورد گوساله ای فربه را

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (27 ذاريات)

پس نزدیک کرد آن را به آنان، گفت آیا نمی خورید

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (28 ذاريات)

پس احساس کرد از آنان ترسی را، گفتند نترس، و مژده دادند به او پسری دانا را

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (29 ذاريات)

پس روی آورد زنش با اخمی، پس سیلی زد صورتش را و گفت، پیرزنی نازا

قَالُوا كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (30 ذاریات)

گفتند اینچنین گفت ربّ تو، همانا او خود، صاحب حکمت دانا است

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (31 ذاریات)

گفت پس چیست کار شما، ای فرستاده شدگان

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُجْرِمِينَ (32 ذاریات)

گفتند همانا ما فرستاده شدیم به جماعتی بدکار

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ (33 ذاریات)

تا بفرستیم بر آنان سنگهایی از گِل

مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ (34 ذاریات)

به صورت نشان دار است نزد ربّت، برای زیاده روها

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (35 ذاریات)

پس خارج کردیم کسی را که بود در آن، از مؤمنان

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (36 ذاریات)

پس نیافتیم در آن، جز خانه ای از تسلیم کنندگان را

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (37 ذاریات)

و رها کردیم در آن، نشانه ای برای کسانی که می ترسند از عذاب دردناک

وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (38 ذاریات)

و در موسی، هنگامی که فرستادیم او را به فرعون، با دلیلی آشکار

فَتَوَلَّى بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (39 ذاریات)

پس روی برتافت با ارجمندی اش، و گفت، جادوگری یا دیوانه ای است

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ (40 ذاریات)

پس گرفتیم او و لشکریانش را، پس دور انداختیم آنان را در دریا، و او سرزنش کننده بود

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ (41 ذاریات)

و در عاد، هنگامی که فرستادیم بر آنها، باد بی ثمر را

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ (42 ذاريات)

رها نمی کند چیزی را که رسید بر آن، جز اینکه قرار داد آن را مانند پوسیده

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّى حِينٍ (43 ذاريات)

و در ثمود، هنگامی که گفته شد به آنان، بهره مند شوید تا هنگامی

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ (44 ذاريات)

پس گردنکشی کردند از فرمان ربّشان، پس گرفت آنان را آذرخش، و آنان نگاه می کنند

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ (45 ذاريات)

پس توانایی انجام نیافتند برای ایستادن، و نبودند کامیابان

وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (46 ذاريات)

و قوم نوح از قبل، همانا آنان بودند جماعتی از راه حق دور شوندگان

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (47 ذاريات)

و آسمان را، بنا کردیم آن را با قدرتی، و همانا ما یقیناً وسعت دهندگان هستیم

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (48 ذاريات)

و زمین را، گستراندیم آن را، پس چه خوب گسترش دهندگان است

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (49 ذاريات)

و از هر چیزی، آفریدیم دو جفت، شاید شما یادآوری می کنید

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ (50 ذاريات)

پس بگریزید به خدا، همانا من برای شما از او، هشدار دهنده ای آشکارم

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ (51 ذاريات)

و قرار ندهید با خدا، خدایی دیگر را، همانا من برای شما از او، هشدار دهنده ای آشکارم

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (52 ذاريات)

اینچنین است، نیامد نزد کسانی که از قبل از آنان بودند، از فرستاده ای، جز اینکه گفتند جادوگری یا دیوانه ای است

(کسانی که قبل از آنان بودند، به پیامبرانشان گفتند که شما، دیوانه یا جادوگر هستید.)

أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (53 ذاريات)

آیا به یکدیگر توصیه کردند آن را، بلکه آنان جماعتی از حد در گذرندگان هستند

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ (54 ذاریات)

پس روی گردان از آنان، پس نیستی تو سرزنش شده

(خداوند به پیامبر بیان کرده که از کافران روی گردان و تو به خاطر کفر ورزیدن آنها، سرزنش شده نیستی.)

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (55 ذاریات)

و یادآوری کن، پس همانا یادآوری سود می رساند به مؤمنان

(خداوند به پیامبر بیان کرده که یادآوری کن، و یادآوری برای مؤمنان سودمند است.)

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (56 ذاریات)

و نیافریدم جن و انسان را، جز تا بپرستند مرا

(جن و انسان باید به خداوند ایمان بیاورند و منظور از پرستیدن، ایمان آوردن است.)

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ (57 ذاریات)

نمی خواهم از آنان از روزی ای را، و نمی خواهم اینکه غذا دهند به من

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (58 ذاریات)

همانا خدا خود، بسیار روزی دهنده است، دارنده ی قدرت استوار است

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ (59 ذاریات)

پس همانا برای کسانی که ستم کردند، نصیبی است مثل نصیب همنشینانشان، پس به عجله وا ندارند مرا

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (60 ذاریات)

پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند، از روزشان، که وعده داده می شوند

(منظور از عبارت روزشان، که وعده داده می شوند، روز قیامت است.)

سوره طور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالطُّورِ (1 طور)

سوگند به کوه (=شاید منظور کوه طور)

وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ (2 طور)

و کتابی نوشته شده

فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ (3 طور)

در کاغذ سفیدی گسترانده شده

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (4 طور)

و خانه ی آباد

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ (5 طور)

و بام بالا برده شده

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (6 طور)

و دریای مملو و بی حرکت

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ (7 طور)

همانا عذاب ربّت، یقیناً رخ دهنده است

(در مورد قیامت بیان شده است.)

مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ (8 طور)

نیست برای آن، از دفع کننده ای

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا (9 طور)

روزی که متلاطم می شود آسمان، متلاطم شدنی

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا (10 طور)

و راه می رود کوه ها، راه رفتنی

فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (11 طور)

پس وای بر تکذیب کنندگان، در آن روز

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ (12 طور)

کسانی که آنان در بررسی کردن، به بازی می گیرند

يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا (13 طور)

روزی که به شدت پرت می شوند به آتش جهنم، به شدت پرت کردنی

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (14 طور)

این آتشی است که آن را تکذیب می کردید

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ (15 طور)

آیا پس جادو کردنی است این، یا شما نمی بینید

اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (16 طور)

تحمل کنید آن را، پس شکیبایی کنید یا شکیبایی نکنید، یکسان است برای شما، همانا جزا داده می شوید آنچه را انجام می دادید

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ (17 طور)

همانا پرهیزکاران، در باغ ها و ناز و نعمتی هستند

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (18 طور)

پسند کنندگان به آنچه داد به آنان، ربّشان، و حفظ کرد آنان را، ربّشان، از عذاب آتش بسیار گرم و سوزان

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (19 طور)

بخورید و بیاشامید، گوارا به آنچه انجام می دادید

مُتَّكِئِينَ عَلَى سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (20 طور)

تکیه دهندگان بر تخت هایی مرتب شده، و به نکاح درآوردیم آنان را با زیبا چشمان درشت چشم

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (21 طور)

و کسانی که ایمان آوردند و پیروی کردند از آنان، فرزندانشان، ایمان را، رساندیم به آنان، فرزندانشان را، و کم نکردیم از آنان، از کارشان، چیزی را، هر کسی به آنچه جمع آوری کرد، گرو است

(از فرزندان بهشتیان، کسی که ایمان آورد، در بهشت به آنها می پیوندد و هر کسی جایگاهش در روز قیامت، به اعمال خودش بستگی دارد.)

وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ (22 طور)

و یاری کردیم آنان را با میوه ای و گوشتی، از آنچه بسیار دوست دارند

يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (23 طور)

سوی خود می کشند در آن، جامی را که نیست باطلی در آن، و نه گناهکار شمردنی

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ (24 طور)

و می چرخند بر آنان، بنده هایی (=پسران نوجوانی) برای آنان، مانند اینکه همانا آنان مروارید پوشانده شده هستند (در اینجا مکنون معنی گرانبها می دهد یعنی مروارید گرانبها)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (25 طور)

و روی آورد بعضی از آنها بر بعضی، از یکدیگر می پرسند

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ (26 طور)

گفتند همانا ما بودیم در قبل، در خانوادمان، دلسوزی کنندگان

فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ (27 طور)

پس منّت گذاشت خدا بر ما و حفظ کرد ما را از عذاب باد گرم و سوزان

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ (28 طور)

همانا ما از قبل صدا می زدیم او را، همانا او خود، نیکوکار بخشایشگر است

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ (29 طور)

پس یادآوری کن، پس نیستی تو به نعمت ربّت، پیشگویی و نه دیوانه ای

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ (30 طور)

یا می گویند شعر سراینده ای است، در انتظار هستیم بر او، حوادث روزگار را

(کافران در مورد پیامبر می گفته اند که او شعر می سراید و قرآن را شعر او می نامیده اند.)

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ (31 طور)

بگو منتظر باشید، پس همانا من با شما از منتظران هستم

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (32 طور)

یا دستور می دهد به آنان، عقل هایشان (یا رؤیاهایشان) به این، یا آنان جماعتی از حد درگذرنده هستند

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (33 طور)

یا می گویند دروغ بافت آن را، بلکه ایمان نمی آورند

(کافران در مورد پیامبر می گفته اند که قرآن را دروغ می بافد و به دروغ به خدا نسبت می دهد.)

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (34 طور)

پس باید بیاورند سخنی مثل آن را، اگر بودند راستگویان

(خداوند در جواب کافران بیان کرده است که کافران اگر راست می گویند، سخنی مثل قرآن را بیاورند.)

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ (35 طور)

یا آفریده شدند از غیر از چیزی، یا آنان آفریدگاران هستند

(بیان شده که مگر غیر از این است که آنها وجود نداشتند و از هیچ آفریده شده اند.)

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ (36 طور)

یا آفریدند آسمان ها و زمین را، بلکه یقین نمی کنند

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ (37 طور)

یا نزد آنان است انبارهای ربّت، یا آنان مسلط ها هستند

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (38 طور)

یا برای آنان است وسیله ای که گوش می کنند در آن، پس باید بیاورد شنونده ی آنان، دلیلی آشکار را

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ (39 طور)

یا برای او است دختران، و برای شما است پسران

(در مورد سخن کافران بیان شده است که می گفته اند برای خداوند دختران است و برای ما پسران.)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ (40 طور)

یا درخواست می کنی از آنان دستمزدی را، پس آنان از تاوانی، سنگین باران هستند

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (41 طور)

یا نزد آنان است پنهان، پس آنان می نویسند

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ (42 طور)

یا می خواهند نیرنگ زدنی را، پس کسانی که کفر ورزیدند خود، دچار نیرنگ شده ها هستند

أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (43 طور)

یا برای آنان است خدایی غیر از خدا، پاک و منزه است خدا، از آنچه شریک قائل می شوند

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ (44 طور)

و اگر ببینند قطعه هایی از آسمان را به صورت زمین افتنده، می گویند ابری متراکم است

فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ (45 طور)

پس رها کن آنان را تا ملاقات کنند روزشان را، که در آن دچار صاعقه می شوند

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ (46 طور)

روزی که بی نیاز نمی کند از آنان، نیرنگشان، چیزی را، و نه آنان یاری کرده می شوند

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (47 طور)

و همانا برای کسانی که ستم کردند، عذابی است غیر آن، و لیکن بیشتر آنان نمی دانند

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (48 طور)

و شکیبایی کن برای قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن) ربّت، پس همانا تو زیر نظرما هستی، و تسبیح بگوی به ستایش ربّت، هنگامی که می ایستی

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (49 طور)

و از شب، پس تسبیح بگوی او را، و ناپدید شدن ستارگان

(به پیامبر بیان شده که در هنگام شب، به تسبیح گفتن برای خداوند بپرداز و هنگامی که ستارگان در صبح ناپدید می شوند نیز این کار را انجام بده.)

سوره نجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى (1 نجم)

سوگند به ستاره، اگر سقوط کرد

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى (2 نجم)

گمراه نشد همنشینتان، و منحرف نشد

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى (3 نجم)

و سخن نمی گوید از هوس

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى (4 نجم)

نیست آن جز وحی کردنی، که وحی می شود

(قرآن جز وحی کردنی از جانب خداوند، نیست.)

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى (5 نجم)

یاد داد به او، نیرومند قدرت ها

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى (6 نجم)

دارنده ی قدرت، پس ایستاد

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى (7 نجم)

و او به افقِ بالاتر است

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى (8 نجم)

سپس نزدیک شد، پس پایین آمد

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى (9 نجم)

پس بود فاصله ی دو کمان، یا نزدیک تر

فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى (10 نجم)

پس وحی کرد به بنده اش، آنچه را وحی کرد

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى (11 نجم)

دروغ نگفت قلب، آنچه را مشاهده کرد

أَفَتُمَارُونَهُ عَلَى مَا يَرَى (12 نجم)

آیا پس بگومگو می کنید با او، بر آنچه مشاهده می کند

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى (13 نجم)

و یقیناً به درستی دید او را، در نزولی دیگر

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى (14 نجم)

نزد درخت کُنار آخرین درجه (یا انتها)

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى (15 نجم)

نزد آن، باغ امن است

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى (16 نجم)

هنگامی که پوشیده نگه می دارد درخت کُنار را، آنچه پوشیده نگه می دارد

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى (17 نجم)

منحرف نشد چشم، و از اندازه تجاوز نکرد

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (18 نجم)

یقیناً به درستی مشاهده کرد، از آیات بزرگتر ربّش را

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى (19 نجم)

آیا پس دیدید لات و عُزّی را

وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى (20 نجم)

و منات، سومی دیگر را

أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنْثَى (21 نجم)

آیا برای شما مذکر است و برای او مؤنث

تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى (22 نجم)

آن بدین ترتیب، تقسیم ناکامل است

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى (23 نجم)

نیست آن، جز نام هایی که نامگذاری کردید آن را شما و پدرانتان، نازل نکرد خدا بر آن از دلیلی را، پیروی نمی کنند جز گمان بردن را، و آنچه را دوست دارد جان ها، و یقیناً به درستی آمد نزد آنان از ربّشان، هدایت

(بیان شده، آن نام های بت هایی که می پرستید را، شما و پدرانتان نامگذاری کرده اید، و خداوند دلیلی را برای این اعتقاد شما، نازل نکرده است و مشرکان جز از گمان پیروی نمی کنند و پیروی می کنند از آنچه که جان هایشان دوست دارد، و برای آنان از جانب خداوند، قرآن که هدایت است نازل شد.

سؤالی از پیروان مذهب شیعه پرسیده می شود و آن اینکه، آیا خداوند آیه ای برای شما در قرآن نازل کرد که در آن بیان کرده، به امامت در اسلام اعتقاد داشته باشید.

سؤالی از پیروان شیعه و سنّی پرسیده می شود و آن اینکه، آیا خداوند در قرآن بیان کرد که از منبعی غیر از قرآن، احکام اسلام را به دست آورید و احکامی را به دین وارد کنید که در قرآن بیان نشده اند.

اینها نمونه هایی از اعتقادات باطل و دروغ هایی است که به خدا و دین بسته اند.)

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى (24 نجم)

یا برای انسان است آنچه را آرزو کرد

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى (25 نجم)

پس برای خداست آخرت و نخست

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى (26 نجم)

و بسیار از فرشته ای که در آسمان ها است، که بی نیاز نمی کند وساطت آنان، چیزی را، جز از پس از اینکه اجازه دهد خدا، برای کسی که می خواهد، و راضی شود

(بیان شده که فرشته های زیادی در آسمان ها هستند که وساطت کردن آنان، باعث رهایی کسی از عذاب قیامت نمی شود، مگر هنگامی که خداوند به آنان اجازه ی وساطت برای کسی را بدهد و راضی به این کار شود.)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنْثَى (27 نجم)

همانا کسانی که ایمان نمی آورند به آخرت، یقیناً نامگذاری می کنند فرشتگان را، نامگذاری کردنی مؤنث

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (28 نجم)

و نیست برای آنان به آن از دانشی، پیروی نمی کنند جز گمان بردن را، و همانا گمان بردن بی نیاز نمی کند از حقیقت، چیزی را

(بیان شده، کسانی که کافر هستند، فرشتگان را به صورت زن نامگذاری می کنند و آنان برای این کار خود، دانشی ندارند و جز از گمان پیروی نمی کنند و گمان بردن باعث بی نیازی از حقیقت، نمی شود.)

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (29 نجم)

پس روی برگردان از کسی که روی برتافت از به یاد آوردن ما، و هرگز نخواست جز زندگی دنیا را

(به پیامبر در مورد کافران بیان شده، و منظور از کسی که روی برتافت از به یاد آوردن ما، کسانی است که ایمان نمی آورند و منظور از به یاد آوردن ما، قرآن است.)

ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى (30 نجم)

آن اندازه ی آنان از دانش است، همانا ربّ تو خود، داناتر است به کسی که گمراه شد از راه او، و او داناتر است به کسی که هدایت شد

(بیان شده، خداوند بهتر می داند که چه کسی گمراه است و چه کسی هدایت شده است.)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى (31 نجم)

و برای خداست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، تا جزا دهد کسانی را که بدی کردند، به آنچه انجام دادند، و جزا دهد کسانی را که نیکوکاری کردند، به نیکوتر

(خداوند کسانی که بدی کرده اند را، به آنچه بدی کرده اند، جزا می دهد و کسانی که نیکی کرده اند را، به نیکوتر از آنچه انجام داده اند، جزا می دهد.)

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى (32 نجم)

کسانی که اجتناب می ورزند گناهان بزرگ و گناهان بسیار زشت را، جز گناهان کوچک را، همانا ربّ تو، فراخ آمرزش گناه است، او داناتر است به شما، هنگامی که به وجود آورد شما را از زمین، و هنگامی که شما جنین ها بودید در شکم های مادرانتان، پس موجه جلوه ندهید خودتان را، او داناتر است به کسی که حذر کرد

(بیان شده، کسانی که گناهان بزرگ و گناهان بسیار زشت را انجام نمی دهند و فقط مرتکب گناهان کوچک شده اند، خداوند گناهان آنان را می آمرزد و بیان شده که خداوند به شما داناتر است، پس خودتان را موجه و بی گناه جلوه ندهید، خداوند داناتر است به کسی که حذر می کند. گناهان بزرگ و گناهان بسیار زشت، در قرآن مشخص شده اند و گناهانی که جزو آنها نباشند، گناهان کوچک هستند.

در برخی از جوامع اسلامی، برخی افراد به نام خدا و دین، مردم را از کارهایی که آن را حرام دین می نامند، به اجبار باز می دارند و برای این منظور، اِعمال هر گونه ظلم و توهین و جنایتی را بر علیه مردم، مجاز و حق دینی خود می دانند. برای مثال حجاب را برای زن، واجب دینی می نامند و بی حجابی را گناه، و به زور و اجبار، حجاب بر تن زنان می کنند و اگر کسی آن طور که آنان می خواهند، حجاب نپوشد، او را مجازات می کنند. چند نکته در این مثال وجود دارد، نکته اول اینکه، در کدام آیه از قرآن، حجاب برای زن واجب شده و بی حجاب بودن، گناه است. نکته ی دیگر اینکه، مگر در قرآن بیان نشده که اجباری در دین وجود ندارد و هر کسی مسئول دین و اعمال خودش است پس بر چه اساسی مردم را وادار به کاری می کنند که آن را حکم دین می نامند. نکته ی دیگر اینکه، همین افرادی که خود را بی گناه می دانند و موجه جلوه می دهند و مردم را برای کاری که گناه نیست، اجبار و مجازات می کنند که حتی اگر گناه هم می بود، حق اجبار و مجازات مردم را نداشتند، بزرگترین گناهان را مرتکب می شوند و به نام خدا و دین، جنایات انجام می دهند و به خدا و دین، دروغ ها می بندند. این ناشی از ناآگاهی مسلمانان از قرآن و اسلام حقیقی است و نتیجه ی آن، عقب ماندگی جوامع مسلمان است.)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى (33 نجم)

آیا پس دیدی، کسی را که روی برتافت

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى (34 نجم)

و عطا کرد اندکی را، و بخل ورزید

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى (35 نجم)

آیا نزد او دانش پنهان است، پس او می بیند

أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى (36 نجم)

یا هرگز با خبر نشد به آنچه در کاغذهای نوشته شده ی موسی است

وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى (37 نجم)

و ابراهیم، که کامل داد

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (38 نجم)

که حمل نمی کند بار برنده ای، بار سنگین دیگری را

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (39 نجم)

و اینکه نیست برای انسان، جز آنچه را کوشش کرد

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى (40 نجم)

و همانا تلاش او، به زودی دیده می شود

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى (41 نجم)

سپس جزا داده می شود به او، جزایی با وفاتر

وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى (42 نجم)

و همانا به ربّت است، پایان

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى (43 نجم)

و همانا او خود، به خنده آورد و به گریه انداخت

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا (44 نجم)

و همانا او خود، میراند و زنده کرد

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى (45 نجم)

و همانا او آفرید دو جفت مذکر و مؤنث

مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى (46 نجم)

از نطفه، اگر بریزد

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى (47 نجم)

و همانا بر او است، پدید آمدن دیگر

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى (48 نجم)

و همانا او خود، توانگر کرد و سرمایه بخشید

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرَى (49 نجم)

و همانا او خود، ربّ ستاره ی شباهنگ (=ستاره ای که در فلک جوزاء و در اوج گرما طلوع می کند) است

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى (50 نجم)

و همانا او هلاک کرد عاد نخست را

وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَى (51 نجم)

و ثمود را، پس باقی نگذاشت

وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى (52 نجم)

و قوم نوح را از قبل، همانا آنان بودند خود، ستمکارتر و سرکش تر

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى (53 نجم)

و زیر و رو کننده، افکند

فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى (54 نجم)

پس پوشش گذاشت به آن، آنچه را پوشاند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى (55 نجم)

پس به کدامین نعمت های ربّت، ستیز می کنی

هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى (56 نجم)

این هشدار دهنده ای است از هشدار دهنده های نخست

أَزِفَتِ الْآزِفَةُ (57 نجم)

نزدیک شد نزدیک شونده

لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ (58 نجم)

نیست برای آن از غیر خدا، آشکار کننده ای

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ (59 نجم)

آیا پس، از این سخن، شگفت زده می شوید

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ (60 نجم)

و می خندید و نمی گریید

وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ (61 نجم)

و شما غفلت کنندگانید

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا (62 نجم)

پس سجده کنید برای خدا، و بپرستید

سوره قمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ (1 قمر)

قریب الوقوع شد هنگام قیامت، و شکافته شد ماه

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ (2 قمر)

و اگر ببینند نشانه ای را، روی بر می گردانند و می گویند، جادویی همیشگی است

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقِرٌّ (3 قمر)

و تکذیب کردند و پیروی کردند خواسته هایشان را، و هر کاری به صورت پایدار است

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ (4 قمر)

و یقیناً به درستی آمد نزد آنان، از خبرهای آنچه در آن به صورت بازداشته شده است

حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ (5 قمر)

حکمتی نافذ (یا رسیده) است، پس بی نیاز نمی کند هشدار دادن ها

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُكُرٍ (6 قمر)

پس روی برتاب از آنان، روزی که فرا بخواند فراخواننده، به چیزی دشوار

خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ (7 قمر)

به صورت مطیعان چشم هایشان، خارج می شوند از قبرها، مانند اینکه همانا آنان ملخ هایی پراکنده هستند

(در مورد زنده شدن مردگان در هنگام قیامت، بیان شده است.)

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ (8 قمر)

نگاه کنندگان به صورت خوار شدن و فروتنی، به فراخواننده هستند، می گوید کافران، این روزی بد خوی است

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ (9 قمر)

تکذیب کرد قبل از آنان، قوم نوح، پس تکذیب کردند بنده ی ما را، و گفتند دیوانه‌ای است، و بازداشته شد

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ (10 قمر)

پس صدا کرد ربّش را، همانا من شکست خورده ای هستم، پس پیروز شو

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ (11 قمر)

پس گشودیم درهای آسمان را به آبی سیلابی

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (12 قمر)

و فوران کردیم از زمین چشمه هایی را، پس برخورد کرد آب، بر اساس فرمانی که به درستی مقدر شد

وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ (13 قمر)

و حمل کردیم او را بر دارنده ی تخته ها و میخ های چوبی (یا بی پرچ)

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرَ (14 قمر)

جاری می شود زیر نظر ما، پاداشی برای کسی که مورد تکذیب قرار گرفته بود

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ (15 قمر)

و یقیناً به درستی رها کردیم آن را نشانه ای، پس آیا از یادآوری کننده ای (=کسی که به یاد خود می آورد) است

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (16 قمر)

پس چگونه بود عذاب من و هشدار دادن ها

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ (17 قمر)

و یقیناً به درستی آسان کردیم قرآن را برای به یاد آوردن، پس آیا از یادآوری کننده ای (=کسی که به یاد می آورد) است

(قرآن به صورت واضح و قابل فهم بیان شده است.)

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (18 قمر)

تکذیب کرد عاد، پس چگونه بود عذاب من و هشدار دادن ها

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ (19 قمر)

همانا ما فرستادیم بر آنان، بادی تند (یا سرد) را، در روز شومی به صورت پیوسته

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ (20 قمر)

از جا می کَنَد مردم را، مانند اینکه همانا آنان ریشه های درخت خرمای از ریشه کنده شده هستند

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (21 قمر)

پس چگونه بود عذاب من و هشدار دادن ها

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ (22 قمر)

و یقیناً به درستی آسان کردیم قرآن را برای به یاد آوردن، پس آیا از یادآوری کننده ای (=کسی که به یاد می آورد) است

(برای فهم اسلام حقیقی، تنها باید به قرآن مراجعه نمود و مراجعه به منابع دیگر برای این منظور، از جمله گفتار و رفتار نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، نتیجه ای جز گمراهی از اسلام حقیقی نخواهد داشت.)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (23 قمر)

تکذیب کرد ثمود هشداردهندگان را

فَقَالُوا أَبَشَرًا مِنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (24 قمر)

پس گفتند آیا انسانی از ما، که تنها است را، پیروی کنیم از او، همانا ما بدین ترتیب، یقیناً در گمراهی و دیوانگی ای هستیم

أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (25 قمر)

آیا ابلاغ کرده شد به یاد آوردن، بر او از بین ما، بلکه او دروغگویی خودپسند است

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ (26 قمر)

خواهند دانست فردا، چه کسی دروغگوی خودپسند است

إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ (27 قمر)

همانا ما ارسال کننده های ماده شتر هستیم، که در آشوب افکندنی است برای آنان، پس منتظر آنان باش و تحمل کن

وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ (28 قمر)

و با خبر کن آنان را، که همانا آب تقسیم است بین آنان، همه در زمان نوبت خود، بر آب حاضر شوند

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (29 قمر)

پس صدا کردند همنشینشان را، پس گرفت، پس زخمی کرد (یا سر برید)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (30 قمر)

پس چگونه بود عذاب من و هشدار دادن ها

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ (31 قمر)

همانا ما فرستادیم بر آنان فریادی یگانه را، پس بودند مانند خرد شده ی روی هم انباشته

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ (32 قمر)

و یقیناً به درستی آسان کردیم قرآن را برای به یاد آوردن، پس آیا از یادآوری کننده ای (=کسی که به یاد می آورد) است

(پیامبر در زمینه ی دین، فقط قرآن را بیان می کرد و چیزی را از خود به نام دین، بیان نمی کرد.)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ (33 قمر)

تکذیب کرد قوم لوط، هشدار دهندگان را

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ (34 قمر)

همانا ما فرستادیم بر آنان تگرگی را، جز خاندان لوط، که نجات دادیم آنان را سحر

نِعْمَةً مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ (35 قمر)

نعمتی از نزد ما است، اینچنین پاداش می‌دهیم کسی را که سپاسگزاری کرد

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ (36 قمر)

و یقیناً به درستی هشدار داد آنها را از ضربه ی ما، پس ستیز کردند با هشدارها (یا هشداردهندگان)

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ (37 قمر)

و یقیناً به درستی خواستند از او، از مهمانانش را، پس محو کردیم چشم هایشان را، پس بچشید عذاب من و هشدارها را

وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ (38 قمر)

و یقیناً به درستی بامداد، آمد نزد آنان عذابی استوار

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ (39 قمر)

پس بچشید عذاب من و هشدارها را

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ (40 قمر)

و یقیناً به درستی آسان کردیم قرآن را برای به یاد آوردن، پس آیا از یادآوری کننده ای (=کسی که به یاد می آورد) است

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (41 قمر)

و یقیناً به درستی آمد نزد خاندان فرعون، هشداردهندگان

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ (42 قمر)

تکذیب کردند آیات ما را، همه اش را، پس گرفتیم آنان را، گرفتن ارجمندی قدرتمند

أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَئِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ (43 قمر)

آیا کافران شما، بهتر است از آنان، یا برای شما رهایی ای است در کتاب ها

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ (44 قمر)

یا می‌گویند ما، همگی پیروز هستیم

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ (45 قمر)

شکست داده خواهد شد گروه، و پشت کنان فرار می کنند

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمَرُّ (46 قمر)

بلکه هنگام قیامت، وعده آنان است، و هنگام قیامت، مصیبت و تلخ تر (یا قوی تر) است

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (47 قمر)

همانا بدکاران، در گمراهی و زبانه های آتشی هستند

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (48 قمر)

روزی که روی زمین کشانده می شوند در آتش، بر صورت هایشان، بچشید لمس کردن جهنم را

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (49 قمر)

همانا ما، هر چیزی را آفریدیم آن را، به اندازه ای

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ (50 قمر)

و نیست فرمان ما جز به صورت یگانه، مانند نگاهی انداختن با چشم

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ (51 قمر)

و یقیناً به درستی هلاک کردیم امثال شما را، پس آیا از یادآوری کننده ای (=کسی که به یاد می آورد) است

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ (52 قمر)

و هر چیزی را که انجام دادند آن را، در کتاب ها است

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ (53 قمر)

و هر کوچک و بزرگی، نوشته شده است

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ (54 قمر)

همانا پرهیزکاران در باغ هایی و رودی (یا فراخی ای)، هستند

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ (55 قمر)

در نشستنگاه راستی ای، نزد پادشاهی توانا هستند

سوره رحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الرَّحْمَنُ (1 رحمن)

بخشاینده

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (2 رحمن)

یاد داد قرآن را

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (3 رحمن)

آفرید انسان را

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (4 رحمن)

یاد داد به او آشکار شدن (یا زبان آوری) را

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (5 رحمن)

خورشید و ماه، بر محاسبه ای هستند

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (6 رحمن)

و بوته و درخت، سجده می کنند

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (7 رحمن)

و آسمان را، بالا بُرد آن را، و قرار داد ترازو را

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (8 رحمن)

تا از اندازه تجاوز نکنید در ترازو

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (9 رحمن)

و اجرا کنید وزن کردن را به عدل، و کم فروشی نکنید در ترازو

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (10 رحمن)

و زمین را، قرار داد آن را برای مردم (یا خلق)

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (11 رحمن)

در آن میوه ای و درخت خرمای دارای غلاف های شکوفه است

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (12 رحمن)

و دانه ی دارای برگِ کشت، و گیاه معطر

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (13 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (14 رحمن)

آفرید انسان را از گِل خشک مانند سفال

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ (15 رحمن)

و آفرید جنّیان را از شعله بلندی از آتش

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (16 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

(منظور از شما دو تا، انسان و جن است.)

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (17 رحمن)

ربّ دو مشرق و ربّ دو مغرب

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (18 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (19 رحمن)

مخلوط کرد دو دریا را، برخورد می کنند

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (20 رحمن)

بین آن دو حایلی است، که تجاوز نمی کنند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (21 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (22 رحمن)

خارج می شود از آن دو، مروارید و مرجان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (23 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (24 رحمن)

و برای او است روان شونده های ایجاد شده ها در دریا، مانند پرچم ها

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (25 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (26 رحمن)

هر کسی که بر آن است، نابود شونده ای است

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (27 رحمن)

و پا بر جا می ماند مقام ربّت، صاحب عظمت و بزرگداشت

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (28 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (29 رحمن)

درخواست می کند از او، کسی که در آسمان ها و زمین است، هر وقتی او، در امری است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (30 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ (31 رحمن)

قصد خواهیم کرد برای شما، ای دو سنگینی

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (32 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (33 رحمن)

ای جماعت جنّ و انسان، اگر قادر به انجام شدید که نفوذ کنید از کرانه های آسمان ها و زمین، پس نفوذ کنید، نفوذ نمی کنید جز با توانایی ای

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (34 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (35 رحمن)

می فرستد بر شما زبانه ای از آتشی (بدون دود است)، و دود بدون شعله ای را، پس پیروز نمی شوید

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (36 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (37 رحمن)

پس اگر شکافته شد آسمان، پس بود گُل سرخی مانند پوست قرمز

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (38 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ (39 رحمن)

پس در آن هنگام سؤال کرده نمی شود از گناهش، انسان و نه جنیان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (40 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (41 رحمن)

شناخته می شود بدکاران با چهره شان، پس گرفته می شود با پیشانی ها و پاها

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (42 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (43 رحمن)

این است جهنم، که تکذیب می کند آن را بدکاران

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ (44 رحمن)

گردش می کنند بین آن و بین آبی گرم، اکنون

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (45 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ (46 رحمن)

و برای کسی که ترسید از منزلت ربّش، دو باغ است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (47 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ (48 رحمن)

دو دارنده ی شاخه های دراز درخت

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (49 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (50 رحمن)

در آن دو، دو چشمه جاری می شوند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (51 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (52 رحمن)

در آن دو، از هر میوه ای، دو جفت است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (53 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (54 رحمن)

تکیه دهندگان بر فرش هایی، که درون های آن از دیبا است، و محصول دو باغ، نزدیک است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (55 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (56 رحمن)

در آنها، محدود کنندگان زیر چشمی نگاه کردن (=کنایه از همسرانی است که به شوهران خود راضی و قانع هستند و چشم به دیگری ندارند) است، هرگز آمیزش انجام نداده با آنان، انسانی قبل از آنان، و نه جنیانی

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (57 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (58 رحمن)

مانند اینکه همانا آنان، یاقوت و مرجان هستند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (59 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (60 رحمن)

آیا پاداش نیکی، جز نیکی است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (61 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (62 رحمن)

و از غیر آن دو، دو باغ است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (63 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

مُدْهَامَّتَانِ (64 رحمن)

دو بسیار سرسبز

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (65 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (66 رحمن)

در آن دو، دو چشمه ی جوشان است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (67 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ (68 رحمن)

در آن دو، میوه ای و درخت خرمایی و اناری است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (69 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (70 رحمن)

در آنها، زنانی نیکوکار زیبا هستند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (71 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (72 رحمن)

زیبا چشم های (=که سفیدی و سیاهی چشم هایشان بسیار است) حفظ شده ی پرده نشین کرده شده در خیمه ها

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (73 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (74 رحمن)

هرگز آمیزش انجام نداده با آنان، انسانی قبل از آنان و نه جنیانی

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (75 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ (76 رحمن)

تکیه دهندگان بر بالشتی به صورت سبزها، و خارق العاده زیباها

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (77 رحمن)

پس به کدامین نعمت های ربّتان، تکذیب می کنید (=شما دو تا)

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (78 رحمن)

مبارک است نام ربّت، دارنده ی عظمت و گرامی داشت

سوره واقعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (1 واقعة)

اگر رخ داد رویداد

لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ (2 واقعة)

نیست برای رخ دادنش، دروغگویی

خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ (3 واقعة)

پایین آورنده ای بالا برنده است

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا (4 واقعة)

اگر لرزانده شد زمین، لرزیدنی

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا (5 واقعة)

و ریز ریز کرده شد کوه ها، ریز ریز شدنی

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا (6 واقعة)

پس بود غباری پراکنده شده

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (7 واقعة)

و بودید همنشینانی سه گانه

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (8 واقعة)

پس همنشینان برکت (یا دست راست)، چیست همنشینان برکت (یا دست راست)

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (9 واقعة)

و همنشینان نحسی ، چیست همنشینان نحسی

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (10 واقعة)

و جلو زنندگان، جلو زنندگان هستند

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (11 واقعة)

آنان اشخاص نزدیک هستند

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (12 واقعة)

در باغ های ناز و نعمت

ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ (13 واقعة)

جماعتی از اولین ها

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ (14 واقعة)

و اندکی از واپسین ها

عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ (15 واقعة)

بر تخت های جواهر بافت

مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ (16 واقعة)

تکیه دهندگان بر آن، به گونه ی رو به روها

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ (17 واقعة)

می چرخند بر آنها، کودکانی (یا بندگانی) دیر پیر شونده

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ (18 واقعة)

با لیوان ها و آبریزها و جامی از آب جاری

لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ (19 واقعة)

دچار سر درد نمی شوند از آن، و مست نمی شوند

وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ (20 واقعة)

و میوه ای از آنچه انتخاب می کنند

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ (21 واقعة)

و گوشت پرنده ای، از آنچه بسیار دوست دارند

وَحُورٌ عِينٌ (22 واقعة)

و زیبا چشمان (که سفیدی و سیاهی چشمشان بسیار باشد) درشت چشم

كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ (23 واقعة)

مانند نظیرهای مروارید پوشانده شده (در اینجا مکنون معنی گرانبها می دهد یعنی مروارید گرانبها)

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (24 واقعة)

پاداشی به آنچه انجام می دادند

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (25 واقعة)

نمی شنوند در آن باطلی را، و نه گناهکار شمردنی را

إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (26 واقعة)

جز به صورت گفتن درودی است، درودی

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (27 واقعة)

و همنشینان خیر و برکت (یا سمت راست)، چیست همنشینان خیر و برکت (یا سمت راست)

فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ (28 واقعة)

در درخت سدری بی خار

وَطَلْحٍ مَنْضُودٍ (29 واقعة)

و درخت موزی (یا مغیلانی) روی هم چیده شده

وَظِلٍّ مَمْدُودٍ (30 واقعة)

و سایه ای گسترده شده

وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ (31 واقعة)

و آبی ریخته شده

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ (32 واقعة)

و میوه ای بسیار

لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (33 واقعة)

نه قطع شده ای و نه منع شده ای

وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ (34 واقعة)

و بسترهایی بالا برده شده (=فرش مرفوعة کنایه از زنانی ارجمند نیز است)

إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً (35 واقعة)

همانا ما خلق کردیم آنان را، خلق کردنی

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا (36 واقعة)

پس قرار دادیم آنان را، به صورت باکره ها

عُرُبًا أَتْرَابًا (37 واقعة)

زن های عاشق شوهر، که به صورت همسالان هستند

لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ (38 واقعة)

برای همنشینان خیر و برکت (یا سمت راست)

ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ (39 واقعة)

جماعتی از نخست ها

وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ (40 واقعة)

و جماعتی از واپسین ها

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ (41 واقعة)

و همنشینان سمت چپ، چیست همنشینان سمت چپ

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ (42 واقعة)

در بادی گرم و سوزان و آبی گرم

وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ (43 واقعة)

و سایه ای از دود

لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ (44 واقعة)

نه به صورت سرد و نه به صورت مهمان نواز

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ (45 واقعة)

همانا آنان بودند قبل از آن، در ناز و نعمت ها (یا زورگویان)

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ (46 واقعة)

و اصرار می کردند بر رو به گناه (یا باطل) نهادن بزرگ

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (47 واقعة)

و می گفتند آیا اگر مردیم و بودیم خاک و استخوان هایی، آیا همانا ما یقیناً برانگیخته شدگان هستیم

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (48 واقعة)

آیا پدران نخستین ما

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ (49 واقعة)

بگو همانا نخست ها و واپسین ها

لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (50 واقعة)

یقیناً گردآوری شده ها به وعده ی روزی شناخته شده هستند

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ (51 واقعة)

سپس همانا شما، ای گمراهانِ تکذیب کننده

لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ (52 واقعة)

یقیناً خورندگان از درختی از غذای کشنده (یا گیاه زقوم) هستید

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (53 واقعة)

پس پرکنندگانِ از آن، شکم ها را

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ (54 واقعة)

پس آشامندگان بر آن، از آب گرم

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ (55 واقعة)

پس آشامندگان، به روش نوشیدن مبتلایان به بیماری تشنگی شَدید

هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (56 واقعة)

این است منزل (یا غذای میهمان) آنان، در روز جزا

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ (57 واقعة)

ما آفریدیم شما را، پس چرا صادق نمی شمرید

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ (58 واقعة)

آیا پس درک کردید، آنچه را می ریزید

أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (59 واقعة)

آیا شما می آفرینید آن را، یا ما آفرینندگانیم

نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (60 واقعة)

ما مقدّر کردیم بین شما مرگ را، و نیستیم ما از مغلوبین

عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ (61 واقعة)

بر اینکه تعویض کنیم با نظایرتان، و پدید آوریم شما را در آنچه نمی دانید

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (62 واقعة)

و یقیناً به درستی دانستید پدید آمدن نخست را، پس چرا یادآوری نمی کنید

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ (63 واقعة)

آیا پس درک کردید آنچه را زراعت می کنید

أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (64 واقعة)

آیا شما می کارید آن را، یا ما کشت کننده ها هستیم

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (65 واقعة)

اگر می خواهیم، یقیناً قرار دادیم آن را خرده ریزه های چیز خشکی، پس دائماً به شوخی می پردازید

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ (66 واقعة)

همانا ما یقیناً زیان دیده ها هستیم

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (67 واقعة)

بلکه ما محرومان هستیم

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ (68 واقعة)

آیا پس دیدید آب را که می نوشید

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ (69 واقعة)

آیا شما نازل کردید آن را از ابر، یا ما نازل کنندگان هستیم

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (70 واقعة)

اگر می خواهیم، قرار دادیم آن را شور و تلخی، پس چرا سپاسگزاری نمی کنید

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (71 واقعة)

آیا پس درک کردید آتش را، که روشن می کنید

أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ (72 واقعة)

آیا شما ایجاد کردید درختش را، یا ما ایجاد کنندگانیم

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ (73 واقعة)

ما قرار دادیم آن را عامل یادآوری ای و کالایی، برای در بیابان بی آب و علف وارد شونده ها

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (74 واقعة)

پس تسبیح بگوی به نام ربّ بزرگت

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (75 واقعة)

پس نه، سوگند می خورم به محل های وقوع (یا فرو افتادن) ستارگان

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (76 واقعة)

و همانا آن یقیناً سوگندی است که اگر می دانید بزرگ است

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (77 واقعة)

همانا آن یقیناً، قرآنی ارجمند است

فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ (78 واقعة)

در کتابی پوشانده شده

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (79 واقعة)

لمس نمی کند آن را جز پاک شدگان

(در هیچ آیه ای از قرآن، بیان نشده که برای لمس کردن قرآن، باید وضو بگیرید. آنهایی که این دروغ را بیان می کنند، این آیه را نشان دهنده ی تأیید حرف خود می دانند. در آیه ی 77 بیان می کند که آن، قرآنی ارجمند است و در ادامه ی آن، در آیه ی 78 بیان شده، در کتابی پوشانده شده. این کتاب پوشانده شده، منظور کتابی است که نزد خداوند است و قرآن در آن کتاب، ارجمند است. و در آیه ی 79 بیان می کند که لمس نمی کند آن را جز پاک شدگان. منظور از (آن) در لمس نمی کند آن را، کتابی است که نزد خداوند است و منظور قرآن نیست، و منظور از پاک شدگان نیز، وضو گرفتن نیست، و در قرآن فقط برای نماز خواندن، بیان شده که وضو بگیرید و وضو گرفتن به معنای پاک شدن نیست.)

تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (80 واقعة)

وحی کردنی است از ربّ جهانیان

(قرآن از جانب خداوند، وحی شده است.)

أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ (81 واقعة)

آیا پس به این سخن، شما فریب دهندگان هستید

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ (82 واقعة)

و قرار می دهید روزیتان را، همانا شما تکذیب می کنید

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ (83 واقعة)

پس چرا نه، اگر رسید به گلو

وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ (84 واقعة)

و شما در آن هنگام، می نگرید

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ (85 واقعة)

و ما نزدیک تریم به او از شما، و لیکن نمی بینید

فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (86 واقعة)

پس اگر نه، اگر بودید غیر از حساب شده ها

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (87 واقعة)

برگردانید آن را، اگر بودید راستگویان

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (88 واقعة)

پس لیکن، اگر بود از نزدیکان

فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ (89 واقعة)

پس شادی (یا آسودگی)، و گیاه خوشبو، و باغ ناز و نعمت

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (90 واقعة)

و لیکن اگر بود از همنشینان خیر و برکت (یا سمت راست)

فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (91 واقعة)

پس درودی است برای تو، از همنشینان خیر و برکت (یا سمت راست)

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (92 واقعة)

و لیکن اگر بود از تکذیب کنندگان گمراه

فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ (93 واقعة)

پس منزلی (یا غذای مهمانی) از آب گرم

وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ (94 واقعة)

و داخل کردن به آتشی بسیار گرم و سوزان

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (95 واقعة)

همانا این یقیناً خود، حقیقت مطمئن است

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (96 واقعة)

پس تسبیح بگوی به نام ربّ بزرگت

سوره حدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (1 حدید)

تسبیح گفت برای خدا، آنچه در آسمان ها و زمین است، و او ارجمند صاحب حکمت است

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (2 حدید)

برای او است سلطه ی آسمان ها و زمین، زنده می کند و می میراند، و او بر هر چیزی تواناست

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (3 حدید)

اوست نخست و پایان، و آشکار و پنهان، و او بر هر چیزی داناست

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (4 حدید)

اوست آنکه آفرید آسمان ها و زمین را در شش هنگام، سپس قصد کرد (یا چیره شد) بر عرش، می داند آنچه را که فرو می رود در زمین، و آنچه را که خارج می شود از آن، و آنچه نازل می شود از آسمان، و آنچه بالا می رود در آن، و او با شماست، هر کجا که بودید، و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (5 حدید)

برای او است سلطه ی آسمان ها و زمین، و به خدا برگردانده می شود کارها

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (6 حدید)

داخل می کند شب را در روز، و داخل می کند روز را در شب، و او داناست به حقیقت سینه ها

آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (7 حدید)

ایمان آورید به خدا و فرستاده اش، و خرج کنید از آنچه قرار داد شما را، جانشینان در آن، پس کسانی که ایمان آوردند از شما، و خرج کردند، برای آنان پاداشی بزرگ است

(منظور از خرج کنید از آنچه قرار داد شما را، جانشینان در آن، آن چیزهایی است که خداوند به انسان داده است و فرد مالک آن است. و بیان شده که از آن، در راه خداوند خرج کنید. در مورد میزان خرج کردن، در قرآن بیان شده است و فرد نباید در خرج کردن، زیاده روی نماید.)

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (8 حدید)

و شما را چه شده که ایمان نمی آورید به خدا و فرستاده، فرا می خواند شما را تا ایمان بیاورید به ربّتان، و به درستی گرفت پیمانتان را، اگر بودید مؤمنان

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (9 حدید)

اوست آنکه نازل می کند بر بنده اش آیاتی آشکار را، تا بیرون آوَرَد شما را از تاریکی ها به نور، و همانا خدا به شما، یقیناً بسیار دل رحم بخشایشگر است

(خداوند به پیامبر، آیات قرآن را که به صورت آشکار و قابل فهم است، نازل کرده است تا با قرآن، افراد را از تاریکی ها به نور، هدایت نماید. قرآن کتابی است که به صورت واضح و قابل فهم بیان شده است و با خواندن آن، می توان هدایت را از گمراهی، و حقیقت را از دروغ، در زمینه ی دین، تشخیص داد و برای فهم اسلام حقیقی، باید فقط به قرآن مراجعه نمود و مراجعه به منابع دیگر، از جمله رفتار و گفتار نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، جز گمراهی از اسلام حقیقی، نتیجه ای نخواهد داشت و خود پیامبر نیز فقط از قرآن پیروی می کرده است و در زمینه ی دین، چیزی را جز قرآن، بیان نمی کرده است. برای خواندن و فهم قرآن و فهم اسلام حقیقی از طریق خواندن قرآن، نیازی به داشتن

تحصیلات در زمینه ی خاص و داشتن تخصص خاص، نمی باشد و آنهایی که می گویند فقط ما می توانیم قرآن را درک کنیم و دیگران باید از ما در مورد دین سؤال کنند، جز دروغ نمی گویند و هدف آنها، گمراه کردن افراد ناآگاه از اسلام حقیقی و پنهان کردن حقیقت، و حقیقت جلوه دادن دروغ هایی است که به خدا و دین بسته اند.)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (10 حدید)

و شما را چه شده که خرج نمی کنید در راه خدا، و برای خداست میراث آسمان ها و زمین، برابر نمی شود از شما، کسی که خرج کرد از قبل از گشودن، و جنگید، آنان را بزرگوارتر است رتبه، از کسانی که خرج کردند از بعد، و جنگیدند، و همگی را وعده داد خدا به نیکوتر (یا عاقبت خوب)، و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است

(در مورد اتفاقات آن زمان، بیان شده است.)

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (11 حدید)

کیست آنکه قرض می دهد به خدا، قرضی نیکو را، پس دو برابر کند آن را برای او، و برای او پاداشی ارجمند است

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (12 حدید)

روزی که می بینی مردان و زنان مؤمن را، به راه می افتد نورشان، در برابرشان و به سمت راستشان، مژده باد بر شما امروز، باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن، آن خود موفقیت بزرگ است

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (13 حدید)

روزی که می گوید مردان و زنان منافق (=متظاهر به ایمان با کفر باطنی) به کسانی که ایمان آوردند، که فرصت دهید به ما تا بهره مند شویم از نورتان، گفته شد بازگردید به پشتتان، پس بطلبید نوری را، پس برافراشته شد بین آنان با حصاری، برای آن دری است که درون آن، در آن مهربانی است و رویه ی آن از طرفش، عذاب است

(در مورد اتفاقات روز قیامت، بیان شده است.)

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ (14 حدید)

صدا می کنند آنان را، که آیا هرگز نبودیم با شما، گفتند آری، و لیکن شما در فتنه افکندید خودتان را، و در انتظار بودید و تردید کردید، و فریب داد شما را آرزوها، تا آمد فرمان خدا، و فریب داد شما را از خدا، فریبنده

(منظور از آرزوها در عبارت فریب داد شما را آرزوها، آرزوهای روزمره افراد در زندگی نیست بلکه وعده هایی است که شیطان به پیروان خود می دهد. در آیه 119 سوره نساء بیان شده که شیطان گفت: و یقیناً گمراهشان می کنم، و یقیناً دچار آرزو می کنم آنان را و در آیه 120 سوره نساء بیان شده: وعده می دهد به آنان و آرزومندشان می کند، و وعده نمی دهد شیطان جز فریب دادن را.)

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (15 حدید)

پس امروز گرفته نمی شود از شما فدیه ای (=مالی که در ازای آزادی کسی دهند)، و نه از کسانی که کفر ورزیدند، پناهگاه شما آتش است، آن دوست شما است و بد برگشتن است

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (16 حدید)

آیا هرگز زمان آن نرسیده، برای کسانی که ایمان آوردند، اینکه فروتن شود دل هایشان برای به یاد آوردن خدا، و آنچه نازل شد از حقیقت، و نباشند مانند کسانی که داده شدند کتاب از قبل، پس دراز شد بر آنان زمان، پس سخت شد دل هایشان، و بسیاری از آنان، از راه حق دور شوندگانند

(منظور از آنچه نازل شد از حقیقت، قرآن است. برای شناخت اسلام حقیقی، باید به قرآن مراجعه کرد.)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (17 حدید)

بدانید همانا خدا، زنده می کند زمین را پس از مرگش، به درستی آشکار کردیم برای شما آیات (یا نشانه ها) را، شاید شما درک می کنید

إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (18 حدید)

همانا مردان و زنان صدقه دهنده، و قرض دادند به خدا قرضی نیکو را، دو برابر می شود برای آنان، و برای آنان است پاداشی ارجمند

(منظور از دو برابر می شود برای آنان، پاداشی است که آنان در روز قیامت دریافت می نمایند.)

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (19 حدید)

و کسانی که ایمان آوردند به خدا و فرستاده هایش، آنان خود راستگویان و گواهان هستند، نزد ربّشان، برای آنان پاداششان و نورشان است و کسانی که کفر ورزیدند و تکذیب کردند آیات ما را، آنان همنشینان آتش بسیار گرم و سوزان هستند

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (20 حدید)

بدانید همانا زندگی دنیا، بازی کردن و سرگرمی و زیور و افتخاری بین شما، و افزایش در دارایی ها و فرزندان است، مانند مَثَل باران است که شگفت زده کرد کشاورزان (یا کافران) را، دارای گیاه شدن آن، سپس خشک می شود، پس می بینی آن را زرد رنگ، سپس باشد خرده ریزه های چیزی خشک، و در

آخرت، عذابی نیرومند، و آمرزش گناه از خدا و خشنودی ای است، و نیست زندگی دنیا جز کالای فریب دادن

(بیان شده زندگی دنیا، بازی کردن و سرگرمی و زیور و افتخاری بین شما، و افزایش در دارایی ها و فرزندان است. این به معنی آن نیست که زندگی دنیا بد است یا این مواردی که بیان شد، بد است، بلکه توضیحی در مورد آن چیزی که هست، بیان شده است. معنای کلمات بازی کردن و سرگرمی در عربی، لهو و لعب است و به کسانی که به نام خدا و دین، می گویند که لهو و لعب حرام است، و بسیاری از کارها را تحت عنوان لهو و لعب، حرام کرده اند، باید گفت که زندگی دنیا در کل، لهو و لعب نامیده شده است، پس طبق گفته شما، زندگی کردن حرام است، پس چرا زنده هستید و به زندگی ادامه می دهید. در هیچ آیه ای از قرآن، کاری به خاطر اینکه لهو و لعب است، حرام نشده است و لهو و لعب، واژه هایی کلی است که رفتارهای بسیاری را شامل می شود.)

سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (21 حدید)

جلو بزنید به آمرزش گناهی از ربّتان، و باغی که وسعت آن مانند وسعت آسمان و زمین است، آماده شد برای کسانی که ایمان آوردند به خدا و فرستادگانش، آن مزیت خداست که می دهد آن را به کسی که می خواهد، و خدا دارای مزیت بزرگ است

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (22 حدید)

اصابت نکرد از مصیبتی، در زمین و نه در خودتان، جز اینکه در کتابی است، از قبل از اینکه به وجود آوریم آن را، همانا آن بر خدا آسان است

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (23 حدید)

تا برای اینکه غمگین نکنید بر آنچه از دست دادید، و شادمان نشوید (یا کفران نعمت نکنید) به آنچه داد به شما، و خدا دوست ندارد هر متکبر بسیار افتخار کننده ای را

(منظور از شادمان شدن، شادی کردن روزمره نیست و منظور کفر ورزیدن توسط کافران است و در ادامه در این مورد بیان شده که خدا دوست ندارد هر متکبر بسیار افتخار کننده ای را.)

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (24 حدید)

کسانی که خِسَت به خرج می دهند و امر می کنند مردم را به خست، و کسی که روی برتابد، پس همانا خدا خود بی‌نیاز ستوده است

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (25 حدید)

یقیناً به درستی فرستادیم فرستادگانمان را با دلایل، و نازل کردیم با آنان، کتاب و ترازو را، تا بپا خیزد مردم به عدل، و نازل کردیم آهن را که در آن قدرتی (یا رنجی) نیرومند و سودها برای مردم است، و تا بداند خدا کسی را که یاری می کند او و فرستادگانش را به پنهان، همانا خدا نیرومندِ ارجمند است

(بیان شده، فرستادیم فرستادگانمان را با دلایل، و نازل کردیم با آنان، کتاب و ترازو را، تا بپا خیزد مردم به عدل. مردم در زمینه ی دین، با مراجعه به کتاب نازل شده از جانب خداوند، می توانسته اند راه هدایت را از گمراهی و عدالت را از بی عدالتی تشخیص دهند. کتاب نازل شده از جانب خداوند در اسلام، قرآن است. پس چگونه است که بسیاری از احکامی که به نام خدا و اسلام، توسط بسیاری از مسلمانان پذیرفته شده است، در قرآن بیان نشده است و مسلمانانِ پیرو این احکام، آنان را از منابعی غیر از قرآن به دست آورده اند. این نشان دهنده ی گمراهی و دروغ هایی است که به خدا و دین نسبت داده اند.)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (26 حديد)

و یقیناً به درستی فرستادیم نوح و ابراهیم را، و قرار دادیم در نسل آن دو، پیامبری خدا و کتاب را، پس از آنان، هدایت شده ای است، و بسیاری از آنان، از راه حق دور شوندگان هستند

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (27 حديد)

سپس فرستادیم به دنبال آنان، فرستادگانمان را، و فرستادیم عیسی پسر مریم را، و دادیم به او انجیل را، و قرار دادیم در دل های کسانی که پیروی کردند از او، ترحم و مهربانی ای را، و گوشه نشینی و ترک دنیایی را که بدعت آوردند (یا ساختند) آن را، مقرر نکردیم آن را بر آنان، جز طلب کردن خشنودی خدا، پس توجه نکردند به آن، شایستگی توجه به آن، پس دادیم به کسانی که ایمان آوردند از آنان، پاداششان را، و بسیاری از آنان، از راه حق دور شوندگان هستند

(بیان شده، گوشه نشینی و ترک دنیایی را که بدعت آوردند (یا ساختند) آن را، مقرر نکردیم آن را بر آنان. این ترک دنیایی که در میان پیروان دین مسیحیت، به عنوان رفتاری مربوط به دین، پذیرفته شده بوده است و برخی آن را انجام می دادند، ارتباطی با دین مسیحیت ندارد و این را به دروغ وارد دین کرده اند و خداوند، آن را برای مسیحیان قرار نداده است. موارد بسیاری در اسلام می توان مثال زد که مسلمانان آنها را به عنوان حکم دین خود پذیرفته اند ولی در قرآن، بیان نشده اند و اینها در حقیقت، دروغ هایی است که به خدا و دین بسته اند. برای شناخت اسلام حقیقی و تشخیص حقیقت از دروغ در زمینه اسلام، باید فقط به قرآن مراجعه نمود و مراجعه به منابع دیگر، از جمله رفتار و گفتار نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، جز باعث گمراهی از اسلام حقیقی، نخواهد شد.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (28 حديد)

ای کسانی که ایمان آوردید، حذر کنید از خدا، و ایمان بیاورید به فرستاده اش، می دهد به شما دو نصیب از مهربانی اش، و قرار می دهد برای شما، نوری را که گام بر می دارید بر آن، و بیامرزد برای شما، و خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (29 حديد)

تا بداند اهل کتاب، که توانا نمی شوند بر چیزی از مزیت خدا، و همانا مزیت به دست خداست، می دهد آن را به کسی که می خواهد، و خدا دارای مزیت بزرگ است

سوره مجادلة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (1 مجادلة)

به درستی شنید خدا گفتار آنکه (=زن) را جر و بحث می کند با تو به دلیل همسرش، و شکایت می کند به خدا، و خدا می شنود گفتگوی شما دو نفر را، همانا خدا شنوای بیناست

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (2 مجادلة)

کسانی که ظِهار می کنند از شما از زنانشان (=به زنانشان می گویند تو مثل مادرم بر من حرام هستی)، نیستند آنان (=زنان)، مادرانشان، نیست مادران آنان، جز آن زنان که زاییدند آنان را، و همانا آنان یقیناً می گویند ناشایستی را از گفتار، و باطلی را، و همانا خدا یقیناً بسیار آمرزنده ی بخشنده است

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (3 مجادلة)

و کسانی که ظِهار می کنند از زنانشان (=به زنانشان می گویند تو مثل مادرم بر من حرام هستی)، سپس دست بر می دارند از آنچه گفتند، پس آزاد کردن برده ای، از قبل از اینکه آن دو همدیگر را لمس کنند (=منظور آمیزش است)، آن است که پند داده می شوید به آن، و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است

(بیان شده که اگر مردی که زنش را ظهار کرده است، دست از گفته ی خود بردارد، باید قبل از اینکه با زنش آمیزش جنسی داشته باشد، برده ای را آزاد نماید.)

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (4 مجادلة)

پس کسی که هرگز نیافت، پس روزه ی دو ماه پی در پی، از قبل از اینکه آن دو همدیگر را لمس کنند (=منظور آمیزش است)، پس کسی که هرگز توانایی انجام نیافت، پس خوراک دادن شصت فقیر، آن است تا ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، و آن حد و مرزهای خدا است، و برای کافران، عذابی دردناک است

(بیان شده، کسی که توانایی آزاد کردن برده نداشت، به جای آزاد کردن برده، قبل از آمیزش جنسی با زنش، دو ماه به صورت پی در پی روزه بگیرد و کسی که توانایی روزه گرفتن ندارد، به جای روزه گرفتن، شصت فقیر را غذا بدهد.)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (5 مجادلة)

همانا کسانی که دشمنی می کنند با خدا و فرستاده اش، ذلیل شدند آنچنانکه ذلیل شد کسانی از قبل از آنان، و به درستی نازل کردیم آیاتی آشکار را، و برای کافران، عذابی اهانت آمیز است

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (6 مجادلة)

روزی که بر می انگیزد آنان را خدا، همگی را، پس با خبر می کند آنان را به آنچه انجام دادند، شمارش کرد آن را خدا، و فراموش کردند آن را، و خدا بر هر چیزی گواه است

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (7 مجادلة)

آیا هرگز درک نکردی همانا خدا می داند آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است را، نیست از رازگویی سه تا، جز اینکه او چهارمین آنان است، و نه پنج تا، جز اینکه او ششمین آنها است، و نه پایین تر از آن، و نه بیشتر، جز اینکه او با آنان است، هر کجا که بودند، سپس با خبر می کند آنان را به آنچه انجام دادند، روز قیامت، همانا خدا بر هر چیزی داناست

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ (8 مجادلة)

آیا هرگز ننگریستی به کسانی که منع شدند از رازگویی، سپس باز می گردند به آنچه منع شدند از آن، و نجوا می کنند به گناه و تجاوز و نافرمانی کردن فرستاده، و اگر آمد نزد تو، سلام کرد به تو، به آنچه هرگز سلام نکرد به تو با آن خدا، و می گویند در خودشان، چرا عذاب نمی کند ما را خدا به آنچه می گوییم، کفایت است آنان را جهنم، وارد می شوند به آن، پس بد برگشتن است

(در مورد موضوعی بیان شده است که در زمان پیامبر بوده است. بیان شده که اگر آنها نزد پیامبر آمدند، آنچنان به پیامبر سلام می کنند که خداوند هرگز به پیامبر اینگونه سلام نداده است و یعنی بسیار با پیامبر دوستی نشان می دهند، ولی در حقیقت اینگونه نیستند.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (9 مجادلة)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر نجوا کردید پس نجوا نکنید به گناه و تجاوز و نافرمانی کردن فرستاده، و نجوا کنید به فرمانبرداری (یا نیکی) و پرهیزکاری، و حذر کنید از خدا، آنکه به او، گرد هم آورده می شوید

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (10 مجادلة)

همانا رازگویی از شیطان است، تا اندوهگین کند کسانی را که ایمان آوردند، و نیست زیان رساننده ی به آنان، چیزی را جز با اجازه ی خدا، و بر خدا پس باید توکل کند مؤمنان

(رازگویی کردن گناه نیست و بیان شده به گناه و تجاوز و نافرمانی کردن از پیامبر، رازگویی نکنید و این آیه ها در مورد راز گویی، در مورد اتفاقی در زمان پیامبر بیان شده است.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (11 مجادلة)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر گفته شد به شما، جا باز کنید در تجمع ها، پس جا باز کنید، جا باز کند خدا برای شما، و اگر گفته شد بلند شوید، پس بلند شوید، بالا ببرد خدا کسانی را که ایمان آوردند از شما، و کسانی را که داده شدند دانش، رتبه هایی را، و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است

(بیان شده که خداوند رتبه کسانی را که ایمان آورده اند از شما و کسانی را که دارای دانش هستند را بالا می برد.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (12 مجادلة)

ای کسانی که ایمان آوردید اگر راز دل گفتید با فرستاده، پس تقدیم کنید در برابر رازگوییتان صدقه ای (= بخششی به منظور ثواب) را، آن بهتر است برای شما و پاکیزه تر است، پس اگر هرگز نیافتید، پس همانا خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(این آیه در مورد زمان پیامبر است و ارتباطی با دیگر زمان ها ندارد.)

أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (13 مجادلة)

آیا ترسیدید از اینکه تقدیم کنید در برابر رازگوییتان صدقه هایی (= بخشش هایی به منظور ثواب) را، پس وقتی که هرگز انجام ندادید و بازگشت خدا بر شما، پس بر پا دارید نماز را و بدهید زکات را و اطاعت کنید از خدا و فرستاده اش، و خدا آگاه است به آنچه انجام می دهید

(در ادامه ی توضیح آیه ی قبل بیان شده است و در مورد زمان پیامبر است و ارتباطی با زمان های دیگر ندارد.)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (14 مجادلة)

آیا هرگز ننگریستی به کسانی، که به عنوان دوست گرفتند جماعتی را، که خشمگین شد خدا بر آنان، نیستند آنان از شما، و نه از آنان، و قسم می خورند به دروغ، و آنان می دانند

(منظور از به عنوان دوست گرفتند، به معنای دوستی معمولی دو نفر با همدیگر نیست بلکه به معنای کمک و همکاری با یکدیگر بر علیه جماعتی دیگر است.)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (15 مجادلة)

آماده کرد خدا برای آنان، عذابی نیرومند را، همانا آنان، بد است آنچه را انجام می دادند

(این آیه در ادامه ی آیه ی قبل بیان شده و بیان کرده، به خاطر آنچه انجام می دادند خداوند عذابی نیرومند برای آنان آماده کرده است. این عذاب به دلیل دوستی معمولی دو گروه با همدیگر نیست بلکه به دلیل همکاری و کمک به همدیگر بر علیه مسلمانان بوده است. در آیه ی بعد، بیان شده که آنان از راه خدا باز می داشتند.)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (16 مجادلة)

گرفتند سوگندهایشان را به عنوان سپر، پس بازداشتند از راه خدا، پس برای آنان عذابی اهانت آمیز است

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (17 مجادلة)

هرگز بی نیاز نمی کند از آنان، دارایی هایشان و نه فرزندانشان، از خدا چیزی را، آنان همنشینان آتش هستند، آنان در آن همیشگی ها هستند

(بیان شده دارایی ها و فرزندان آنها، باعث نمی شود که آنها از عذاب جهنم، محفوظ بمانند.)

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ (18 مجادلة)

روزی که بر می انگیزد آنان را خدا، همگی را، پس قسم می خورند برای او، آنچنانکه قسم می خورند برای شما، و می پندارند که همانا آنان بر چیزی هستند، آگاه باشید، همانا آنان خود، دروغگویانند

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (19 مجادلة)

چیره شد بر آنان شیطان، پس به فراموشی واداشت آنان را از به یاد آوردن خدا، آنان جماعت شیطان هستند، آگاه باشید، همانا جماعت شیطان خود، خسارت دیدگانند

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ (20 مجادلة)

همانا کسانی که دشمنی می کنند با خدا و فرستاده اش، آنان در خوارترین ها هستند

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (21 مجادلة)

مقرر کرد خدا، یقیناً چیره خواهیم گردید من و فرستادگانم، همانا خدا نیرومندی ارجمند است

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (22 مجادلة)

نمی یابی جماعتی را که ایمان می آورند به خدا و روز واپسین، که دوستی برقرار می کنند با کسی که دشمنی کرد با خدا و فرستاده اش، اگرچه بودند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا قبیله شان، آنان را مقرر کرد در دل هایشان، ایمان را، و تقویت کرد آنان را با روحی از خود، و داخل می کند آنان را به

باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن هستند، راضی شد خدا از آنان، و راضی شدند از او، آنان جماعت خدا هستند، آگاه باشید، همانا جماعت خدا خود، رستگارانند

(این دوستی برقرار کردن، به معنای دوستی معمولی بین دو نفر نبوده نیست بلکه به معنای کمک و همکاری با یکدیگر، بر علیه جماعت مسلمانان و پیامبر بوده است.)

سوره حشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (1 حشر)

تسبیح گفت برای خدا، آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و او ارجمند صاحب حکمت است

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ (2 حشر)

اوست آنکه خارج کرد کسانی را که کفر ورزیدند از اهل کتاب، از خانه هایشان، برای آغاز گرد هم آوردن، گمان نمی کردید اینکه خارج شوند، و گمان بردند که همانا آنان را، بازدارنده ی آنان هستند قلعه هایشان، از خدا، پس آمد نزد آنان خدا، از جایی که هرگز گمان نمی کردند، و انداخت در دل هایشان ترس را، خراب می کنند خانه هایشان را با دست هایشان، و دست های مؤمنان، پس عبرت گیرید ای صاحبان بینایی ها

(در مورد جنگی است که در زمان پیامبر رخ داده است. منظور از عبارت گمان بردند که همانا آنان را، بازدارنده ی آنان هستند قلعه هایشان، از خدا، این است که آنها گمان می کردند که قلعه هایشان، می تواند از آنها در برابر خداوند، محافظت نماید.)

وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ (3 حشر)

و اگر اینکه مقرر نمی کرد خدا بر آنان، ترک دیار کردن (یا اخراج کردن) را، یقیناً عذاب می داد به آنان در دنیا، و برای آنان در آخرت، عذاب آتش است

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (4 حشر)

آن به سبب این است که همانا آنان، مخالفت ورزیدند (یا دشمنی کردند) با خدا و فرستاده اش، و کسی که مخالفت ورزد (یا دشمنی کند) با خدا، پس همانا خدا، نیرومند کیفر است

(این آیه در مورد اتفاقات زمان پیامبر بیان شده است و مخالفت ورزیدن با خدا و پیامبر، به معنای بیان نظر مخالف با خدا و پیامبر نیست، بلکه به معنای انجام اقداماتی عملی در زمینه ی این مخالفت است و به معنای دیگر، دشمنی کردن است.)

مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ (5 حشر)

آنچه را قطع کردید از درخت خرما، یا رها کردید آن را به صورت ایستاده بر ریشه هایش، پس به اجازه ی خدا است، و تا خوار کند از راه حق دور شوندگان را

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (6 حشر)

و آنچه را غنیمت داد خدا بر فرستاده اش از آنان، پس نتاختید بر آن از گروه اسبانی، و نه شتری را، و لیکن خدا چیره می کند فرستادگانش را بر کسی که می خواهد، و خدا بر هر چیزی توانا است

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (7 حشر)

آنچه را غنیمت داد خدا بر فرستاده اش از ساکنین آبادی ها، پس برای خدا و برای فرستاده و برای دارنده ی خویشاوندی و یتیمان و بی چیزان و مسافر است، برای اینکه نباشد رسنده از کسی به کس دیگر، بین توانگران از شما، و آنچه را داد به شما فرستاده، پس بگیرید آن را، و آنچه را منع کرد شما را از آن، پس دست بردارید، و حذر کنید از خدا، همانا خدا نیرومند کیفر است

(این آیه در مورد یکی از جنگ های زمان پیامبر است و ارتباطی با جنگ های دیگر ندارد. بیان شده، در این جنگ، غنیمت ها به شکل غنیمت های جنگ های دیگر تقسیم نمی شود و غنیمت ها در این جنگ، به دلیل پیروزی در جنگ به واسطه ی جنگیدن حاصل نشده است و غنیمت ها بدون جنگیدن حاصل شده است. بیان شده که غنیمت های این جنگ برای خدا و برای پیامبر و برای دارنده ی خویشاوندی و یتیمان و بی چیزان و مسافر است، و دلیل آن را اینگونه بیان کرده که این غنیمت ها بین توانگران از شما دست به دست نشود و بیان شده که اگر چیزی را پیامبر به شما از غنیمت ها داد، آن را بگیرید و آنچه را از شما منع کرد، آن را بر ندارید.)

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (8 حشر)

برای نیازمندانِ مهاجران، کسانی که اخراج شدند از خانه هایشان و دارایی هایشان، طلب می کنند مزیتی از خدا و خشنودی ای را، و یاری می کنند خدا و فرستاده اش را، آنان خود راستگویان هستند

(این آیه در ادامه ی آیه ی قبل بیان شده و بیان کننده ی کسانی است که غنیمت جنگ، به آنها می رسد.)

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (9 حشر)

و کسانی که ساکن شدند در خانه (یا شهر) و ایمان، از قبل از آنان، دوست دارند کسی را که مهاجرت کرد به آنان، و نمی یابند در سینه هایشان نیازی از آنچه داده شدند، و ترجیح می دهند بر خودشان، اگرچه بود با آنان تنگدستی ای، و کسی که حفظ کرده شود از بخل ورزیدن جانش، پس آنان خود رستگارانند

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (10 حشر)

و کسانی که آمدند از پس از آنان، می گویند ربّ ما، بیامرز بر ما و برای برادرانمان، کسانی که جلو زدند بر ما بر ایمان، و قرار نده در دل های ما کینه ای برای کسانی که ایمان آوردند، ربّ ما، همانا تو بسیار دل رحمی بخشایشگر هستی

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (11 حشر)

آیا هرگز ننگریستی به کسانی که نفاق کردند (یا کفر را پنهان کردند و به ایمان تظاهر کردند)، می گویند به برادرانشان، کسانی که کفر ورزیدند از اهل کتاب، که یقیناً اگر اخراج شدید، یقیناً بیرون می آییم با شما، و اطاعت نمی کنیم به دلیل شما از کسی هرگز، و اگر جنگیدند با شما، یقیناً یاری می کنیم شما را، و خدا گواهی می دهد که همانا آنان، یقیناً دروغگویانند

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ (12 حشر)

یقیناً اگر اخراج شدند، خارج نمی شوند با آنان، و یقیناً اگر با آنان جنگیدند، یاری نمی کنند آنان را، و یقیناً اگر یاری کردند آنان را، یقیناً پشت کنان روی گردان می شوند و فرار می کنند، سپس یاری نمی شوند

لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (13 حشر)

یقیناً شما نیرومندتر هستید از نظر ترسی در سینه هایشان، از خدا، آن به سبب آن است که همانا آنان، جماعتی هستند که نمی فهمند

لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (14 حشر)

نمی جنگند با شما همگی، جز در آبادی های مستحکم شده ای، یا از پشت دیوارها، شجاعت آنان، بینشان نیرومند است، می پنداری آنان را همگی، و دل هایشان پراکنده است، آن به سبب این است که همانا آنان جماعتی هستند که درک نمی کنند

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (15 حشر)

مانند مَثَل کسانی از قبل از آنان، که به صورت نزدیک، چشیدند عاقبت بد کارشان را، و برای آنان عذابی دردناک است

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (16 حشر)

مانند مَثَل شیطان، هنگامی که گفت به انسان، کافر شو، پس وقتی که کفر ورزید، گفت همانا من بی تقصیر (یا رها) هستم از تو، همانا من می ترسم از خدا، ربّ جهانیان

فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (17 حشر)

پس بود پایان کار آن دو، اینکه همانا آن دو در آتش، همیشگی ها در آن هستند، و آن سزای ستمکاران است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (18 حشر)

ای کسانی که ایمان آوردید، حذر کنید از خدا، و باید بنگرد شخص، آنچه را پیش انداخت برای فردا، و حذر کنید از خدا، همانا خدا آگاه است به آنچه انجام می دهید

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (19 حشر)

و نباشید مانند کسانی که فراموش کردند خدا را، پس به فراموشی واداشت آنان را خودشان، آنان خود، از راه حق دور شوندگان هستند

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ (20 حشر)

مساوی نمی شود همنشینان آتش و همنشینان باغ، همنشینان باغ خود، کامیابان هستند

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (21 حشر)

اگر نازل می کردیم این قرآن را بر کوهی، یقیناً می دیدی آن را مطیع (یا منهدم)، به صورت ترک برداشته از ترسیدن خدا، و آن مَثَل هایی است که بیان می کنیم آن را برای مردم، شاید آنان می اندیشند

(برای فهم اسلام حقیقی، باید قرآن را خواند. دین اسلام یک کتاب دارد و آن قرآن است که از جانب خداوند وحی شده است، پس چگونه است که در اسلام، فرقه ها و مذهب های گوناگونی درست شده است. پیروان این فرقه ها و مذهب ها، پیرو اسلام حقیقی که همان قرآن است، نیستند و پیرو آن چیزی هستند که فقط نام اسلام را بر آن گذاشته اند و ارتباطی با آنچه که در قرآن بیان شده است، ندارد. آنچه که فرقه ها و مذهب های درست شده در اسلام، به نام اسلام معرفی کرده اند و پیرو آن هستند، در حقیقت، گمراهی از اسلام حقیقی و در حقیقت، دروغ هایی است که به خدا و دین بسته اند. اگر مسلمانی، اعتقاد به اسلامی داشته باشد که در قرآن بیان شده، او پیرو اسلام حقیقی است و آن مسلمان، فقط مسلمان است و پیرو مذهبی نیست.)

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (22 حشر)

اوست خدایی که نیست خدایی جز او، دانای پنهان و آشکار است، اوست بخشاینده ی بخشایشگر

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (23 حشر)

اوست خدایی که نیست خدایی جز او، مالکِ پاک و منزه از هر گونه عیبِ درودِ مؤمنِ ایمن کننده ی ارجمندِ مسلّطِ متکبّر است، پاک و منزه است خدا، از آنچه شریک قائل می شوند

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (24 حشر)

اوست خدا، آفریننده ی پدید آورنده ی شکل دهنده است، برای اوست نام های نیکوتر، تسبیح می گوید برای او، آنچه در آسمان ها و زمین است، و او ارجمند صاحب حکمت است

سوره ممتحنة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (1 ممتحنة)

ای کسانی که ایمان آوردید، نگیرید دشمن من و دشمنتان را دوستان، اظهار می دارید به آنان دوستی را، و به درستی کفر ورزیدند به آنچه آمد نزد شما از حقیقت، بیرون می کنند فرستاده را و شما را، اینکه ایمان بیاورید به خدا ربّتان، اگر خارج شده اید برای تلاش کردنی در راه من، و طلب کردن خشنودی من، پنهان نگه می دارید به آنان دوستی را، و من داناترم به آنچه پنهان کردید و آنچه را اظهار داشتید، و کسی که انجام دهد آن را از شما، پس به درستی گمراه شد از راه راست

(این آیه در مورد اتفاقات همان زمان و در شرایطی که کافران با مؤمنان دشمنی می کرده اند، نازل شده است و در مورد کافرانی بیان شده که با مسلمانان دشمنی کرده اند و آنان را بیرون کرده اند و به این معنا نیست که در حالت عادی، اگر یک فرد مؤمن با فرد کافر دوست باشد، اشکالی دارد و در آیه ی 8 همین سوره، بیان شده، خداوند شما را از خوش رفتاری با آنهایی که با شما دشمنی نکرده اند، منع نمی کند. و در آیه های بعد، در ادامه ی این آیه، توضیح داده شده است.)

إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ (2 ممتحنة)

اگر پیروز شوند (یا برسند) به شما، باشند برای شما دشمنانی، و دراز می کنند به شما دست هایشان را و زبان هایشان را به بدی، و دوست داشتند اگر کفر می ورزید

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (3 ممتحنة)

هرگز نفع نمی رساند به شما خویشاوندی هایتان و نه فرزندانتان، روز قیامت، جدا می کند بینتان را، و خدا به آنچه انجام می دهید بیناست

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (4 ممتحنة)

به درستی بود برای شما سرمشقی نیکو، در ابراهیم و کسانی که با او بودند، هنگامی که گفتند به قومشان، همانا ما بی تقصیرها (یا رهاها) هستیم از شما، و از آنچه می پرستید از غیر خدا، کفر ورزیدیم به شما، و آشکار شد بین ما و بین شما دشمنی و بیزاری برای همیشه، تا ایمان بیاورید به خدا،

تنها او را، جز گفتار ابراهیم به پدرش، که یقیناً طلب عفو خواهم کرد برای تو، و مالک نمی شوم برای تو از خدا، از چیزی را، ربّ ما، بر تو توکل کردیم و به تو پیاپی برگشتیم، و به تو است برگشتن

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (5 ممتحنة)

ربّ ما، قرار نده ما را در آشوب افکندنی، برای کسانی که کفر ورزیدند، و بیامرز برای ما، ربّ ما، همانا تو خود ارجمند صاحب حکمت هستی

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (6 ممتحنة)

یقیناً به درستی بود برای شما در آنان سرمشقی نیکو، برای کسی که امیدوار بود به خدا و روز واپسین، و کسی که روی برتابد، پس همانا خدا خود، توانگر ستوده است

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (7 ممتحنة)

چه بسا خدا، اینکه قرار دهد بین شما و بین کسانی که دشمنی کردید از آنان، دوستی ای را، و خدا توانا است، و خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (8 ممتحنة)

منع نمی کند شما را خدا، از کسانی که هرگز نجنگیدند با شما به دلیل دین، و هرگز بیرون نکردند شما را از خانه هایتان، اینکه خوشرفتاری کنید با آنان، و عادل باشید به آنان، همانا خدا دوست دارد عادلان را

(خداوند مسلمانان را از خوش رفتاری و عادل بودن با کافرانی که با مسلمانان به دلیل دین، نجنگیده اند و مسلمانان را از خانه هایشان بیرون نکرده اند، منع نمی کند و مسلمانان و کافران می توانند در کنار هم، بدون دشمنی کردن با یکدیگر، زندگی خوبی داشته باشند و با یکدیگر، رفتار خوبی داشته باشند. هر کسی مسئول اعمال و اعتقادات خودش است و هیچ کسی به خاطر اعمال دیگری، مجازات نخواهد شد.

نکته ی دیگر، رعایت عدالت، حتی در مورد کافران است. خداوند عادلان را دوست دارد و دین و اعتقادات کسی، نباید باعث شود که در مورد او عدالت اجرا نشود. برخی تحت عنوان خدا و دین، در مورد پیروان ادیان و اعتقادات دیگر، عدالت را رعایت نمی کنند و به جای رعایت عدالت، از کسی که هم دین و هم اعتقاد خودشان است، حمایت می کنند و این رفتار و بی عدالتی را، توصیه شده از جانب خداوند معرفی می نمایند و هر گونه اِعمال ظلم و بی عدالتی را بر پیروان ادیان دیگر و اعتقادات دیگر، مجاز می دانند و این رفتار خود را به خدا و دین نسبت می دهند. گفتار آنها جز دروغی بر خدا و دین نیست و رفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد.)

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (9 ممتحنة)

همانا منع می کند شما را خدا، از کسانی که جنگیدند با شما به دلیل دین، و بیرون کردند شما را از خانه هایتان، و یاری رساندند بر بیرون کردنتان، اینکه به عنوان دوست بگیرید آنان را، و کسی که به عنوان دوست بگیرد آنان را، پس آنان خود، ستمکارانند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُمْ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (10 ممتحنة)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر آمد نزد شما، زنان مؤمن مهاجر، پس امتحان کنید آنان را، خدا داناتر است به ایمان آنان، پس اگر پی بردید که آنان زنان مؤمن هستند، پس بر نگردانید آنان را به کافران، نه آنان (=زنان) حلال شدنی است برای آنان (=مردان)، و نه آنان (=مردان) حلال می شوند برای آنان (=زنان)، و بدهید به آنان (=مردان)، آنچه را خرج کردند، و نیست گناهی بر شما اینکه ازدواج کنید با آنان (=زنان)، اگر دادید به آنان مزدهایشان را، و متوسل نشوید به نگهداری کافران (=زنان)، و درخواست کنید آنچه را خرج کردید، و باید درخواست کنند آنچه را خرج کردند، آن است قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن) خدا، قضاوت می کند (یا حکم صادر می کند) بینتان، و خدا دانای صاحب حکمت است

(اینکه بیان شده، بدهید به مردان کافر، آنچه را برای زنان مؤمن خرج کرده اند، منظور از مردان کافر، شوهران این زنان هستند که زنان آنها، ایمان آورده اند ولی شوهرانشان، کافر هستند و این زنان در زمانی که مسلمانان مهاجرت کردند، از نزد شوهرانشان به مسلمانان پناه آورده اند و بیان شده، این زنان را به شوهرانشان بر نگردانید و به شوهران آنها، آنچه که به عنوان مهریه به آنها داده اند، بدهید و بیان شده، که اگر خواستید با این زنان ازدواج کنید، مزد یا همان مهریه ی زنان را، به زن ها بدهید و به این صورت نباشد که نخواهید به آنها مزدشان را بدهید. و بیان شده که اگر زنان شما، کافر بودند، به زور آنها را نزد خود نگه ندارید و اگر از نزد شما رفتند، از کافران، آن چیزی را که به عنوان مهریه به آنها دادید، طلب نمایید و کافران نیز باید از شما برای زنانی که ایمان آوردند و از نزد آنها رفتند، همین را طلب نمایند.

یک نکته ای که در این آیه می توان آن را مشاهده کرد، عدالتی است که حتی در مورد کافران، باید رعایت شود و در این آیه بیان شده که مؤمنان باید حق کافران را به آنها بدهند و به دلیل اینکه آنها کافر هستند، خوردن حق آنها مجاز دانسته نشده است.)

وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (11 ممتحنة)

و اگر از دست دادید چیزی را از همسرانتان به کافران، پس در پی رفتید، پس بدهید به کسانی که رفت همسرانشان، مثل آنچه را خرج کردند، و حذر کنید از خدا، آنکه شما به او مؤمنان هستید

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (12 ممتحنة)

ای پیامبر، اگر آمد نزد تو زنان مؤمن، که عهد وفاداری ببندند با تو، بر اینکه شریک قائل نشوند با خدا چیزی را، و دزدی نکنند و زنا نکنند و نکشند فرزندانشان را، و نیاورند تهمتی را که دروغ می بافند آن را بین دست هایشان و پاهایشان، و نافرمانی نکنند از تو در مشهوری، پس عهد وفاداری ببند با آنان، و طلب عفو کن برای آنان از خدا، همانا خدا بسیار آمرزنده ای بخشایشگر است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (13 ممتحنة)

ای کسانی که ایمان آوردید، به عنوان دوست نگیرید جماعتی را که خشمگین شد خدا بر آنان، به درستی نا امید شدند از آخرت، آنچنانکه نا امید شد کافران از همنشینان قبرها

سوره صف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (1 صف)

تسبیح گفت برای خدا، آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، و او ارجمند صاحب حکمت است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (2 صف)

ای کسانی که ایمان آوردید، برای چه می گویید آنچه را انجام نمی دهید

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (3 صف)

بلند شد (=از نظر مقام) بیزاری ای نزد خدا، اینکه بگویید آنچه را انجام نمی دهید

(در مورد جنگی بیان شده که در زمان پیامبر رخ داده است. در آیه ی بعد، در مورد آن بیان می کند. احتمالاً برخی از مسلمان ها گفته بوده اند که در جنگ شرکت می کنند ولی این کار را نکرده اند.)

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ (4 صف)

همانا خدا دوست دارد کسانی را که می جنگند در راه او، به شکل ردیف، مانند اینکه همانا آنان، بنیاد نهادنی استوار و به هم پیوسته هستند

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (5 صف)

و هنگامی که گفت موسی به قومش، ای قوم من، برای چه اذیت می کنید مرا، و به درستی می دانید همانا من فرستاده ی خدا به شما هستم، پس وقتی که منحرف شدند، به کجی واداشت خدا دل هایشان را، و خدا هدایت نمی کند جماعت از راه حق دور شوندگان را

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (6 صف)

و هنگامی که گفت عیسی پسر مریم، ای فرزندان اسرائیل، همانا من فرستاده ی خدا به شما هستم، تصدیق کننده ای به آنچه در برابر من است از تورات، و مژده دهنده ای به فرستاده ای که می آید از پس از من، که نام او احمد (=ستوده تر) است، پس وقتی که آورد نزد آنان دلایل را، گفتند این جادویی آشکار است

(منظور از عبارت تصدیق کننده ای به آنچه در برابر من است از تورات، هستم، این است که تورات که کتاب وحی شده بر موسی است و قبل از من آمده است، را صادق و از جانب خداوند می شمارم و تأیید می کنم.)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (7 صف)

و چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغ بافت بر خدا، دروغ را، و او فرا خوانده می شود به تسلیم شدن، و خدا هدایت نمی کند جماعت ستمکاران را

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (8 صف)

می خواهند تا خاموش کنند نور خدا را با دهان هایشان، و خدا کامل کننده ی نورش است، اگرچه بیزار بودند کافران

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (9 صف)

اوست آنکه فرستاد فرستاده اش را با هدایت و دین حقیقت، تا مطلع کند او را بر دین همه اش، اگرچه بیزار بود قائلان به شریک برای خدا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (10 صف)

ای کسانی که ایمان آوردید، آیا راهنمایی کنم شما را بر تجارتی که نجات می دهد شما را از عذابی دردناک

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (11 صف)

ایمان می آورید به خدا و فرستاده اش، و تلاش می کنید در راه خدا با دارایی هایتان و جان هایتان، آن است که بهتر است برای شما، اگر می دانستید

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (12 صف)

بیامرزد برای شما گناهانتان را، و داخل کند شما را به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، و اقامتگاه هایی پاک در باغ هایی جاویدان، آن است موفقیت بزرگ

وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (13 صف)

و دیگر که دوست دارید آن را، یاری کردنی از خدا و گشودنی نزدیک است، و مژده ده مؤمنان را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (14 صف)

ای کسانی که ایمان آوردید، باشید یاری کنندگان خدا، آنچنانکه گفت عیسی پسر مریم به حواریون، که چه کسی است یاری کنندگان من به خدا، گفت حواریون، ما یاری کنندگان خدا هستیم، پس ایمان آورد جماعتی از فرزندان اسرائیل، و کفر ورزید جماعتی، پس پشتیبانی کردیم کسانی را که ایمان آوردند بر دشمنشان، پس گردیدند غلبه کنندگان

سوره جمعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (1 جمعة)

تسبیح می گوید برای خدا، آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، مالکِ پاک و منزه از هر گونه عیبِ ارجمندِ صاحب حکمت

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (2 جمعة)

اوست آنکه برانگیخت در بی سوادان، فرستاده ای از آنان را، که می خواند برای آنان آیات او را، و پاک و منزه می کند آنان را، و می آموزد به آنان کتاب و حکمت را، و همانا بودند از قبل، یقیناً در گمراهی آشکاری

(مردمی که پیامبر اسلام در میان آنها به پیامبری برگزیده شد، بیشترشان بی سواد بودند و خود پیامبر نیز بی سواد بود. قرآن به گونه ای بیان شده است که قابل فهم برای همه باشد، حتی اگر آنها مردمی بی سواد باشند.)

وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (3 جمعة)

و دیگران از آنان، که هنوز نپیوسته اند به آنان، و او ارجمند صاحب حکمت است

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (4 جمعة)

آن مزیت خدا است که می دهد آن را به کسی که می خواهد، و خدا دارنده ی مزیت بزرگ است

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (5 جمعة)

مَثَل کسانی که به عهده گذاشته شدند تورات را، سپس هرگز حمل نکردند آن را (=کنایه از عمل نکردن به آن است)، مانند مَثَل خر است که حمل می کند کتاب های بزرگی را، بد است مَثَل جماعت کسانی که تکذیب کردند آیات خدا را، و خدا هدایت نمی کند جماعت ستمکاران را

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (6 جمعة)

بگو ای کسانی که یهودی شدید، اگر ادعا کردید که همانا شما دوستان هستید برای خدا از غیر مردم، پس آرزو کنید مرگ را، اگر بودید راستگویان

(به یهودیان بیان شده که اگر ادعا می کنید که فقط شما دوستان خدا هستید و دیگر مردم اینگونه نیستند، پس مرگ را آرزو کنید اگر راست می گویید.)

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (7 جمعة)

و آرزو نمی کنند آن را هرگز، به سبب آنچه پیش انداخت دست هایشان، و خدا داناست به ستمکاران

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (8 جمعة)

بگو همانا مرگ که می گریزید از آن، پس همانا آن ملاقات کننده ی شماست، سپس برگردانده می شوید به دانای پنهان و آشکار، پس با خبر می کند شما را به آنچه انجام می دادید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (9 جمعة)

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر فرا خوانده شد به نماز از روز جمعه، پس قصد کنید (یا تلاش ورزید) به، به یاد آوردن خدا، و رها کنید معامله را، آن است بهتر برای شما، اگر می دانستید

(منظور از نماز در روز جمعه، همان نمازهای روزمره است و نماز روز جمعه، متفاوت از نمازهای دیگر روزها نیست و فقط از نظر اهمیت، دارای اهمیت بیشتری است. وقت های نماز در شبانه روز، در قرآن مشخص شده است و نمازهای روز جمعه نیز مانند نمازها در دیگر روزها، در همان زمان ها است.)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (10 جمعة)

پس اگر به جا آورده شد نماز، پس پراکنده شوید در زمین و طلب کنید از مزیت خدا، و به یاد آورید خدا را به صورت بسیار، شاید شما رستگار شوید

(منظور از عبارت: پس اگر به جا آورده شد نماز، پس پراکنده شوید در زمین و طلب کنید از مزیت خدا، این است که هنگامی که نماز را به جا آوردید، به دنبال کار و فعالیت و داد و ستد خود بروید.)

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (11 جمعة)

و اگر دیدند داد و ستدی را، یا سرگرمی ای را، پراکنده شدند به آن، و رها کردند تو را ایستاده، بگو آنچه نزد خدا است بهتر است، از سرگرمی و از داد و ستد، و خدا بهترین روزی دهندگان است

سوره منافقون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (1 منافقون)

اگر آمد نزد تو منافقان (یا متظاهران به ایمان با کفر باطنی)، گفتند گواهی می دهیم که همانا تو، یقیناً فرستاده ی خدا هستی، و خدا می داند همانا تو یقیناً فرستاده اش هستی، و خدا گواهی می دهد که همانا منافقان، یقیناً دروغگویانند

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (2 منافقون)

گرفتند سوگندهایشان را به عنوان سپر، پس بازداشتند از راه خدا، همانا آنان، بد است آنچه که انجام می دادند

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (3 منافقون)

آن به سبب این است که همانا آنان، ایمان آوردند سپس کفر ورزیدند، پس مهر زده شد بر دل هایشان، پس آنان نمی فهمند

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (4 منافقون)

و اگر دیدی آنان را، شگفت زده می کند تو را بدن هایشان، و اگر بگویند، گوش می دهی به سخنان آنان، مانند اینکه همانا آنان چوب هایی تکیه داده شده هستند، می پندارند هر فریادی را برای خود، آنان دشمن هستند، پس حذر کن از آنان، جنگید با آنان خدا، چگونه دروغ می بافند

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (5 منافقون)

و اگر گفته شد به آنان، بیایید تا طلب عفو کند برای شما فرستاده ی خدا، پیچ و تاب انداختند سرهایشان را، و دیدی آنان را، باز می دارند و آنان متکبرانند

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (6 منافقون)

یکسان است برای آنان، که طلب عفو کردی برای آنان یا هرگز طلب عفو نکردی برای آنان، هرگز نمی آمرزد خدا برای آنان، همانا خدا هدایت نمی کند جماعت از راه حق دور شوندگان را

(به پیامبر بیان شده که اگر برای منافقان، طلب عفو بکنی یا نکنی، خداوند برای آنان نمی آمرزد و آنان را هدایت نمی کند.)

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُّوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (7 منافقون)

آنان کسانی هستند که می گویند خرج نکنید برای کسی که نزد فرستاده ی خداست، تا پراکنده شوند، و برای خدا است انبارهای آسمان ها و زمین، و لیکن منافقان نمی فهمند

يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (8 منافقون)

می گویند یقیناً اگر بازگشتیم به شهر (یا شهرِ مدینه)، یقیناً بیرون می کند ارجمندتر از آن، ذلیل تر را، و برای خداست ارجمندی، و برای فرستاده اش و برای مؤمنان، و لیکن منافقان نمی دانند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (9 منافقون)

ای کسانی که ایمان آوردید، سرگرم نکند (=منظور سرگرم شدن و از چیزی باز ماندن است) شما را دارایی هایتان و نه فرزندانتان، از به یاد آوردن خدا، و کسی که انجام دهد آن را، پس آنان خود زیان دیدگان هستند

(بیان شده، ای کسانی که ایمان آوردید، سرگرم شدن به دارایی ها و فرزندانتان، شما را از به یاد آوردن خداوند باز ندارد و کسی که اینگونه انجام دهد، زیان دیده است.)

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (10 منافقون)

و خرج کنید از آنچه روزی دادیم به شما، از قبل از اینکه بیاید یکی از شما را مرگ، پس بگوید ربّ، چرا به تأخیر نینداختی برای من تا مهلتی نزدیک، پس صدقه دهم و باشم از شایسته ها

(منظور از خرج کنید از آنچه روزی داد خداوند به شما، این است که از دارایی هایی که خداوند به شما داده است، در راه خداوند خرج کنید مثلاً به نیازمندان کمک کنید.)

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (11 منافقون)

و هرگز به تأخیر نمی اندازد خدا کسی را، اگر بود مهلتش، و خدا آگاه است به آنچه انجام می دهید

(هر کسی، مهلتی مشخص برای مرگ دارد و وقتی که به مهلتش برسد، لحظه ای تأخیر نخواهد کرد و خواهد مُرد.)

سوره تغابن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (1 تغابن)

تسبیح می گوید برای خدا، آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، برای اوست سلطه و برای اوست ستایش، و او بر هر چیزی تواناست

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (2 تغابن)

اوست آنکه آفرید شما را، پس از شما کافری است و از شما مؤمنی است، و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (3 تغابن)

آفرید آسمان ها و زمین را به حقیقت، و شکل داد به شما، پس نیکو کرد شکل هایتان را، و به او است برگشتن

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (4 تغابن)

می داند آنچه در آسمان ها و زمین است، و می داند آنچه را پنهان نگه می دارید و آنچه را آشکار می کنید، و خدا داناست به حقیقت سینه ها

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (5 تغابن)

آیا هرگز نیامد برای شما خبر کسانی که کفر ورزیدند از قبل، پس چشیدند عاقبت بد کارشان را، و برای آنان عذابی دردناک است

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (6 تغابن)

آن به سبب این است که همانا می آورد نزد آنان فرستادگانشان، دلایل را، پس گفتند آیا انسانی، هدایت می کنند ما را، پس کفر ورزیدند و روی برتافتند، و بی نیاز شد خدا، و خدا توانگری ستوده است

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (7 تغابن)

ادعا کرد کسانی که کفر ورزیدند، اینکه هرگز برانگیخته نمی شوند، بگو آری، و سوگند به ربّ من، که یقیناً برانگیخته می شوید، سپس یقیناً با خبر می شوید به آنچه انجام دادید، و آن بر خدا آسان است

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (8 تغابن)

پس ایمان آورید به خدا و فرستاده اش و نوری که نازل کردیم، و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است

(قرآن نوری است که خداوند نازل کرده است.)

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (9 تغابن)

روزی که گردآوری می کند شما را، در روز گردآوری کردن، آن روزِ سر هم کلاه گذاشتن است، و کسی که ایمان بیاورد به خدا و انجام دهد شایسته ای را، می پوشاند از او بدی هایش را، و داخل می کند او را به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن برای همیشه، آن موفقیت بزرگ است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (10 تغابن)

و کسانی که کفر ورزیدند و تکذیب کردند آیات ما را، آنان همنشینان آتش هستند، همیشگی ها در آن، و بد برگشتن است

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (11 تغابن)

اصابت نکرد از مصیبتی، جز به اجازه ی خدا، و کسی که ایمان بیاورد به خدا، هدایت کند دلش را، و خدا بر هر چیزی داناست

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (12 تغابن)

و اطاعت کنید از خدا و اطاعت کنید از فرستاده، پس اگر روی برتافتید، پس همانا بر فرستاده ی ما، رساندن آشکار است

(ایمان آوردن یا کفر ورزیدن هر کسی، بسته به تصمیم و انتخاب خود اوست و هیچ اجباری در دین وجود ندارد. پیامبر فقط وظیفه ی رساندن آشکار وحی خداوند به مردم را داشته است و حق اجبار کردن کسی به ایمان آوردن را نداشته است.)

اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (13 تغابن)

خداست، نیست خدایی جز او، و بر خدا، پس باید توکل کند مؤمنان

(مؤمنان فقط باید بر خدا توکل نمایند. پس چگونه است که پیروان مذهب شیعه، بیشتر از توکل بر خداوند، بر امامان خود توکل می کنند و از آنها یاری می خواهند. این جز گمراهی پیروان مذهب شیعه نیست.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (14 تغابن)

ای کسانی که ایمان آوردید، همانا از همسرانتان و فرزندانتان، دشمنی است برای شما، پس بر حذر باشید از آنان، و اگر عفو کنید و روی برتابید و ببخشید، پس همانا خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

(این آیه در مورد اتفاقات همان زمان نازل شده است و بیان شده که از میان همسران و فرزندانتان، دشمنانی برای شما هستند، از آنها بر حذر باشید و اگر به دلیل دشمنی آنها با شما، آنها را عفو کنید و روی برتابید و آنها را ببخشید، کار نیکویی انجام داده اید و خداوند بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است و به خاطر این نیکویی شما، از گناهان شما، خواهد بخشید. بخشش دیگران، یک کار نیک است و این بر

خلاف آن چیزی است که برخی به نام خدا و دین بیان می کنند و تعریف آنها از دین، خشونت و جنایت و ظلم به یکدیگر است. گفتار آنها جز دروغ بر خدا و دین نیست و رفتار آنها ارتباطی با دین ندارد.)

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (15 تغابن)

همانا دارایی هایتان و فرزندانتان، در آشوب افکندنی است، و خدا نزد او، پاداشی بزرگ است

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (16 تغابن)

پس حذر کنید از خدا، آنچه که توانایی انجام یافتید، و بشنوید و اطاعت کنید و خرج کنید دارایی ای را برای خودتان، و کسی که حفظ کرده شود از بخل ورزیدن جانش، پس آنان خود رستگارانند

(منظور از خرج کنید دارایی ای را برای خودتان، این است که فرد مقداری از دارایی اش را در راه خداوند خرج نماید. نحوه ی خرج کردن در راه خدا و میزان آن، در قرآن بیان شده است.)

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (17 تغابن)

اگر قرض دهید به خدا قرضی نیکو را، دو برابر می کند آن را برای شما، و بیامرزد برای شما، و خدا، بسیار سپاس گزاری بردبار است

(کسی که به خداوند قرض نیکو دهد، خداوند برای او در روز قیامت، دو برابر پاداش نیکی اش را قرار می دهد.)

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (18 تغابن)

دانای پنهان و آشکار ارجمند صاحب حکمت است

سوره طلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (1 طلاق)

ای پیامبر، اگر طلاق دادید زنان را، پس طلاق دهید آنان را در شمار آنان، و شمارش کنید شمار را، و حذر کنید از خدا ربّتان، بیرون نکنید آنان را از خانه هایشان، و بیرون نروند جز اینکه انجام دهند گناه بسیار زشت آشکار شده ای را، و آن حد و مرزهای خداست و کسی که تجاوز کند از حد و مرزهای خدا، پس به درستی ستم کرد به خودش، نمی دانی، شاید خدا ایجاد کند پس از آن، وضعیتی را

(بیان شده، اگر کسی خواست زنش را طلاق دهد، باید پس از شمارش تعداد روزی که در قرآن مشخص شده است، او را طلاق دهد تا از حامله بودن یا نبودن او مطمئن شود و قبل از کامل شدن شمارش، نباید زن را از خانه اش بیرون کند و آنها نیز نباید خانه ی شوهر را قبل از شمارش به منظور طلاق، ترک کنند مگر اینکه زن، زنای آشکار شده ای را انجام داده باشد. البته این شمارش کردن به منظور اطمینان از حامله نبودن زن انجام می شده است و امروزه که به روش های علمی می توان اطمینان حاصل کرد که زن حامله است یا نه، دیگر نیازی به شمارش نیست.)

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (2 طلاق)

پس اگر رسیدند (=زنان) به مهلتشان، پس مانع شوید آنان را به مشهور، یا جدا شوید از آنان به مشهور، و شاهد گیرید دو صاحب عدل را از خود، و به پا دارید گواهی دادن را برای خدا، آن است که پند داده می شود به آن، کسی که ایمان می آورد به خدا و روز واپسین، و کسی که حذر کند از خدا، قرار می دهد برای او خارج شدنی را

(بیان شده، هنگامی که زن به شمارش روزش رسید، اگر خواستید، آنها را نزد خود به صورت مشهور نگه دارید و طلاق ندهید، و اگر خواستید از آنها به صورت مشهور جدا شوید، و دو نفر عادل از میان خودتان به عنوان شاهد انتخاب کنید که بر تصمیم و عمل شما، شاهد باشند و گواهی دهند.)

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (3 طلاق)

و روزی می دهد به او از جایی که گمان نمی کند، و کسی که توکل کند بر خدا، پس او (=خداوند) کفایت است برای او، همانا خدا رساننده است فرمانش را، به درستی قرار داد خدا برای هر چیزی اندازه ای را

وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (4 طلاق)

و آنهایی که (=زنان) ناامید شدند از عادت ماهیانه از زنانتان، اگر شک کردید، پس شمار آنان را سه ماه، و آنانکه (=زنان) هرگز عادت ماهیانه نشدند و دارندگان جنین ها (=زنان باردار)، مهلتشان این است که بنهند جنینشان را، و کسی که حذر کند از خدا، قرار می دهد برای او از کارش سهولتی را

(زن هایی که دیگر عادت ماهیانه نمی شوند (برای مثال به دلیل سن آنها)، اگر شک کردید که ممکن است حامله باشند، پس شمارش آنها را برای سه ماه در نظر بگیرید و آنهایی که تا به حال هنوز عادت ماهیانه نشدند، و آنهایی که حامله بودند، باید تا زمان زایمان کردنشان، از آنها جدا نشوید.

این شمارش کردن روز برای طلاق دادن، برای زمانی بوده است که به روش های دیگر، امکان فهمیدن حامله بودن زنان، وجود نداشته است. امروزه به دلیل وجود روش های علمی، می توان به جای شمارش روزها، از این روش ها برای اطمینان در این زمینه، استفاده نمود و دیگر نیازی به شمارش نیست.)

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا (5 طلاق)

آن فرمان خدا است که نازل کرد آن را به شما، و کسی که حذر کند از خدا، می پوشاند از او بدی هایش را، و بزرگ می کند برای او، پاداشی را

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَى (6 طلاق)

اسکان دهید آنان (=زنان) را، از جایی که سکونت کردید از توانگریتان، و ضرر نرسانید به آنان (=زنان)، تا سخت گیرید بر آنان، و اگر بودند (=زنان) دارندگان جنین (=بارداری)، پس خرج کنید برای آنان، تا بنهند جنینشان را، پس اگر شیر دادند برای شما، پس بدهید به آنان دستمزدهایشان را، و مشورت کنید بینتان به مشهور، و اگر به توافق نرسیدید، پس شیر خواهد داد به او، دیگری

(بیان شده، در مدتی که زن را نزد خود نگه می دارید، آنها را در جایی سکونت دهید که متناسب با توانگری شما است و خودتان ساکن هستید و آنها را در جای بد، سکونت ندهید، و به آنان ضرر نرسانید تا آنان را اذیت کنید، و اگر آنان حامله بودند، باید برای آنان خرج کنید و نیازهای آنان را تأمین نمایید تا زایمان نمایند و اگر به نوزادشان شیر دادند برای شما، به آنها دستمزدشان را بدهید و با آنها در زمینه ی میزان دستمزد، مشورت کنید و به توافق برسید و اگر در مورد دستمزد به توافق نرسیدید، فردی دیگر را برای شیر دادن به نوزاد، در نظر بگیرید.

این دستمزد دادن به مادر برای شیر دادن به نوزادش، به این دلیل بیان شده است که زن و مرد از یکدیگر طلاق گرفته اند و اگر طلاق نگرفته بودند، نیازی به پرداخت دستمزد به مادر برای شیر دادن به نوزادش نبود.)

لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (7 طلاق)

تا خرج کند دارنده ی توانگری ای، از توانگری اش، و کسی که تنگ آورده شد بر او روزی اش، پس باید خرج کند از آنچه داد به او خدا، به انجام کاری وا نمی دارد خدا کسی را، جز آنچه را داد به او، قرار خواهد داد خدا پس از سختی، آسانی ای را

(از هر کسی به اندازه ی توانایی مالی ای که دارد، در این زمینه انتظار هزینه کردن وجود دارد، و خداوند کسی را فراتر از توانایی اش، به انجام کاری وا نمی دارد.)

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا (8 طلاق)

و چه بسیار از آبادی ای، که تجاوز کرد از فرمان ربّش و فرستادگانش، پس محاسبه کردیم آن را شمارش کردنی نیرومند، و عذاب دادیم به آن، عذابی بسیار زشت را

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (9 طلاق)

پس چشید عاقبت بد کارش را، و بود پایان کارش، زیان

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (10 طلاق)

آماده کرد خدا برای آنان، عذابی نیرومند را، پس حذر کنید از خدا، ای خردمندان، کسانی که ایمان آوردید، به درستی نازل کرد خدا به شما، به یاد آوردنی را

(قرآن، به یاد آوردنی است که خداوند نازل کرده است.)

رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا (11 طلاق)

فرستاده ای که می خواند برای شما، آیات خدا را، که آشکار کننده ها است، تا خارج کند کسانی را که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، از تاریکی ها به نور، و کسی که ایمان بیاورد به خدا و انجام دهد شایسته ای را، داخل می کند او را به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن برای همیشه، به درستی نیکو کرد خدا برای او، روزی را

(پیامبر، آیات قرآن را برای مردم می خواند. آیات قرآن، آشکار کننده های حقیقت از دروغ و هدایت از گمراهی در زمینه ی دین، هستند. قرآن، خارج کننده ی کسانی است که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، از تاریکی ها به نور.

یک مسلمان، برای فهم اسلام حقیقی، باید فقط به قرآن مراجعه نماید و مراجعه به منابع دیگر برای این منظور، از جمله رفتار و گفتار نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، جز باعث گمراهی از اسلام حقیقی، نخواهد شد.)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (12 طلاق)

خداست آنکه آفرید هفت آسمان را، و از زمین، مِثل آنها را، آهسته پایین می آید فرمان (یا کار) بین آنان، تا بدانید همانا خدا بر هر چیزی تواناست، و همانا خدا به درستی احاطه کرد بر هر چیزی، از نظر دانش

سوره تحریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (1 تحریم)

ای پیامبر، برای چه حرام می کنی آنچه را حلال دانست خدا برای تو، که طلب کنی خشنودی همسرانت را، و خدا بسیار آمرزنده بخشایشگر است

(در این آیه، یکی از اشتباهات و یا شاید گناهان پیامبر بیان شده است و آن، حرام دانستن چیزی بر خودش بوده، که خداوند آن را بر پیامبر حلال کرده است. افرادی که اعتقاد دارند که پیامبر معصوم بوده است یعنی هیچ گونه گناه و اشتباهی نداشته است، اعتقادشان نادرست است و در قرآن به برخی از اشتباهات پیامبر اشاره شده است.)

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (2 تحريم)

به درستی تعیین کرد خدا برای شما بخشش سوگندهایتان را، و خدا دوست شما است، و او دانای صاحب حکمت است

وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (3 تحريم)

و هنگامی که مخفیانه گفت پیامبر، به بعضی از همسرانش سخنی را، پس وقتی که با خبر کرد از آن (=آن زن، راز را به دیگری گفت)، و مطلع کرد او را (=پیامبر را) خدا، از آن، آگاه کرد بعضی از آن را، و روی برگرداند از بعضی، پس وقتی که با خبر کرد (=پیامبر با خبر کرد) او (=زن) را از آن، گفت (=زن گفت)، چه کسی خبر داد به تو (=پیامبر) این را، گفت (=پیامبر گفت)، با خبر کرد مرا دانای آگاه

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (4 تحريم)

اگر بازگردید (=دو زن) به خدا، پس به درستی مایل شد دل های شما (=دو نفر)، و اگر به همدیگر یاری رساندند (=دو نفر) علیه او (=پیامبر)، پس همانا خدا خود، دوست اوست (=خداوند دوست پیامبر است)، و جبریل و شایسته ی مؤمنان و فرشتگان، پس از آن، یاور هستند

عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا (5 تحريم)

چه بسا ربّ او (=پیامبر)، اگر طلاق داد شما (=زنان) را، اینکه تعویض کند برای او، همسرانی را بهتر از شما، تسلیم کنندگانِ (=زنان) مؤمن های فرمانبرداری کننده های بازگردنده های پرستش کننده های سِیر و سفر کنندگانِ (یا روزه داران) بیوه ها (یا مطلقه ها) و باکره ها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (6 تحريم)

ای کسانی که ایمان آوردید، حفظ کنید خودتان و خانواده هایتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ ها است، بر آن فرشتگانی به صورت خشن نیرومند هستند که نافرمانی نمی کنند از خدا، آنچه را فرمان داد به آنان، و انجام می دهند آنچه را فرمان داده می شوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (7 تحريم)

ای کسانی که کفر ورزیدید، عذرخواهی نکنید امروز، همانا جزا داده می شوید آنچه را انجام می دادید

(این سخن، در روز قیامت به کافران گفته می شود.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (8 تحريم)

ای کسانی که ایمان آوردید، بازگردید به خدا، بازگشتی صادقانه، چه بسا ربّتان، اینکه بپوشاند از شما بدی هایتان را، و داخل کند شما را به باغ هایی که جاری می شود از زیر آن رودها، روزی که خوار نمی کند خدا، پیامبر و کسانی را که ایمان آوردند با او، نور آنان به راه می افتد در برابرشان و سمت راستشان، می گویند ربّ ما، کامل کن برای ما نورمان را، و بیامرز برای ما، همانا تو بر هر چیزی توانا هستی

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (9 تحریم)

ای پیامبر، تلاش کن با کافران و منافقان (=متظاهران به ایمان با کفر باطنی)، و خشن شو بر آنان، و پناهگاه آنان جهنم است، و بد برگشتن است

(این آیه در مورد دشمنی ای است که بین مؤمنان و کافران، در آن زمان روی داده است.)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (10 تحریم)

بیان کرد خدا مَثَلی را، برای کسانی که کفر ورزیدند، زن نوح و زن لوط را، که بودند زیر دو بنده از بندگان شایسته ی ما، پس خیانت کردند به آن دو، پس هرگز کفایت نکردند (=نوح و لوط) از آن دو (=زن نوح و لوط)، از خدا چیزی را، و گفته شد داخل شوید به آتش، با وارد شوندگان

(زن نوح و زن لوط، با وجود اینکه همسر پیامبران خدا بودند، به دلیل عمل خودشان، وارد عذاب جهنم شدند و نوح و لوط قادر به این نبودند که عذاب خداوند را از آنها دور کنند. پس چگونه است که برخی گمان می کنند که اگر بدن آنها را پس از مرگ در محلی خاص و یا در کنار فردی خاص دفن کنند، به واسطه آن محل یا آن شخص، آنها نیز وارد بهشت می شوند. اینها نمونه هایی از دروغ هایی است که به خدا و دین نسبت داده اند.)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (11 تحریم)

و بیان کرد خدا مَثَلی را، برای کسانی که ایمان آوردند، زن فرعون، هنگامی که گفت ربّ، بنا کن برای من نزدت خانه ای را در باغ، و رهایی بده من را از فرعون و عملش، و رهایی بده من را از جماعت ستمکاران

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ (12 تحریم)

و مریم دختر عمران، آنکه (=مریم) محکم و تسخیر ناپذیر کرد عورتش را، پس دمیدیم در آن از روحمان، و صادق شمرد کلمه های ربّش را، و کتاب های او را، و بود از فرمانبرداری کنندگان

سوره ملک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (1 ملک)

مبارک است، آنکه به دست او است سلطه، و او بر هر چیزی توانا است

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (2 ملک)

آنکه آفرید مرگ و زندگی را، تا بیازماید شما را، که کدامین شما نیکوتر است از نظر عمل، و او ارجمند بسیار آمرزنده است

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (3 ملک)

آنکه آفرید هفت آسمان را به صورت مطابق بودن، نمی بینی در آفریدن بخشاینده از تفاوتی، پس برگردان چشم را، آیا می بینی از شکاف هایی را

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (4 ملک)

سپس برگردان چشم را دوباره، برگردد به تو چشم به صورت خوار، و آن به صورت ناتوان است

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (5 ملک)

و یقیناً به درستی آراستیم آسمان دنیا را با چراغ ها، و قرار دادیم آن را شهاب سنگ هایی برای شیطان ها، و آماده کردیم برای آنان عذاب زبانه ی آتش را

وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (6 ملک)

و برای کسانی که کفر ورزیدند به ربّشان، عذاب جهنم را، و بد برگشتن است

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (7 ملک)

اگر انداخته شدند در آن، شنیدند از آن عَرعَری را، و آن می جوشد

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (8 ملک)

نزدیک است جدا کند از خشم، هر بار که انداخته شد در آن جماعتی، پرسید از آنان، انبارداران آن، که آیا هرگز نیامد نزد شما هشدار دهنده ای

قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (9 ملک)

گفتند آری، به درستی آمد نزد ما هشدار دهنده ای، پس تکذیب کردیم و گفتیم نازل نکرد خدا از چیزی را، نیستید شما جز در گمراهی بزرگی

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (10 ملک)

و گفتند، اگر می شنیدیم یا درک می کردیم، نبودیم همراه همنشینان زبانه ی آتش

فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ (11 ملک)

پس اعتراف کردند به گناهشان، پس دوری بر همنشینان زبانه ی آتش

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (12 ملک)

همانا کسانی که می ترسند از ربّشان به پنهان، برای آنان آمرزش گناه و پاداشی بزرگ است

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (13 ملک)

و پنهان نگه دارید گفتارتان را، یا آشکار کنید آن را، همانا او داناست به حقیقت سینه ها

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (14 ملک)

آگاه باشید که می داند کسی را که آفرید، و او رئوف آگاه است

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (15 ملک)

اوست آنکه قرار داد برای شما زمین را به صورت رام شدنی، پس گام بردارید در راه های آن، و بخورید از روزی او، و به او است برانگیختن

أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ (16 ملک)

آیا آسوده خاطر شدید از کسی که در آسمان است، اینکه ناپدید کند شما را در زمین، پس ناگهان آن، تکان می خورَد

أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ (17 ملک)

یا آسوده خاطر شدید از کسی که در آسمان است، اینکه بفرستد بر شما تگرگی را، پس خواهید دانست که چگونه است هشدار دادن من

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (18 ملک)

و یقیناً به درستی تکذیب کرد کسانی که از قبل از آنان بودند، پس چگونه بود دگرگونی من

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (19 ملک)

آیا هرگز ننگریستند به پرنده در بالایشان، به صورت بی حرکت گشوده ها هستند (=بال هایشان را بی حرکت گشوده اند)، و جمع می کنند، جلوگیری نمی کند آنان را جز بخشاینده، همانا او بر هر چیزی بیناست

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (20 ملک)

یا چه کسی است، این کسی که خود، لشکری است برای شما، یاری می کند شما را از غیر از بخشاینده، نیستند کافران جز در اباطیل

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ (21 ملک)

یا چه کسی است این کسی، که روزی می دهد به شما، اگر بازداشت روزی اش را، بلکه پافشاری کردند در بی شرمی ای و بیزار شدنی

(بیان شده، چه کسی به شما روزی خواهد داد، اگر خداوند روزی اش را از شما بازدارد.)

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (22 ملک)

آیا پس کسی که گام بر می دارد به شکلِ همواره نگاه کننده به زمین بر جهتش، هدایت یافته تر است، یا کسی که گام بر می دارد به شکلِ صحیح، بر راهی راست

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (23 ملک)

بگو اوست آنکه به وجود آورد شما را، و قرار داد برای شما شنوایی و چشم ها و قلب ها، اندکی هستید که سپاسگزاری می کنید

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (24 ملک)

بگو اوست، آنکه آفرید شما را در زمین، و به او گرد هم آورده می شوید

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (25 ملک)

و می گویند چه وقت است این وعده، اگر بودید راستگویان

(زمان اتفاق افتادن قیامت را سؤال می کرده اند.)

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ (26 ملک)

بگو همانا دانش، نزد خداست، و همانا من هشدار دهنده ای آشکار هستم

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ (27 ملک)

پس وقتی که دیدند آن را به صورت نزدیکی، زشت شد چهره های کسانی که کفر ورزیدند، و گفته شد، این است که آن را درخواست می کردید

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (28 ملک)

بگو آیا درک کردید، اگر هلاک کرد من را خدا، و کسی را که با من است، یا مهربانی کرد به ما، پس چه کسی به فریاد کافران می رسد، از عذابی دردناک

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (29 ملک)

بگو اوست بخشاینده، ایمان آوردیم به او، و بر او توکل کردیم، پس خواهید دانست که چه کسی خود، در گمراهی آشکاری است

(پیامبر نیز فقط به خداوند توکل می کرده است. چه گمراهند کسانی که به جای توکل بر خدا، بر بنده ی خدا توکل می کنند و به جای صدا کردن نام خداوند، نام بندگان از دنیا رفته ی خداوند را صدا می کنند و از آنها یاری می خواهند. این است نمونه ای از گمراهی های پیروان مذهب شیعه.)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ (30 ملک)

بگو آیا درک کردید، که اگر گردید آب شما به صورتِ فرو رفته در زمین، پس چه کسی می آوَرَد برای شما آبی جاری را

سوره قلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (1 قلم)

نون، سوگند به قلم، و آنچه می نویسند

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (2 قلم)

نیستی تو به نعمت ربّت، دیوانه

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (3 قلم)

و همانا برای تو، یقیناً پاداشی بی منّت گذاشته شده، است

وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ (4 قلم)

و همانا تو یقیناً بر خویی بزرگ، هستی

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (5 قلم)

پس خواهی دید و می بینند

بِأَيْيِكُمُ الْمَفْتُونُ (6 قلم)

کدامین شما دیوانه است

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (7 قلم)

همانا ربّ تو خود، داناتر است به کسی که گمراه شد از راه او، و او داناتر است به هدایت شدگان

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (8 قلم)

پس اطاعت نکن از تکذیب کنندگان

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (9 قلم)

دوست داشتند اگر دلسوزی کنی، پس دلسوزی می کنند

وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ (10 قلم)

و اطاعت نکن از هر بسیار سوگند خور حقیری

هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ (11 قلم)

غیبت کننده ای، بسیار راه رونده بر سخن چینی است

مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (12 قلم)

بسیار باز دارنده از نیکویی، متجاوزی گناهکار

عُتُلٍّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ (13 قلم)

بدخویی، پس از آن فرومایه ای است

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (14 قلم)

اینکه بود دارای دارایی ای و فرزندان

إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (15 قلم)

اگر خوانده شود بر او آیات ما، گفت افسانه های قدیمی نخست ها است

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ (16 قلم)

علامت خواهیم گذاشت به او، بر بینی

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (17 قلم)

همانا ما آزمودیم آنان را، چنانکه آزمودیم همنشینان باغ را، هنگامی که سوگند خوردند که یقیناً بچینند آن را بامدادان

وَلَا يَسْتَثْنُونَ (18 قلم)

و مستثنی نمی کنند

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (19 قلم)

پس چرخید در آن گردش کننده ای از ربّت، و آنان خوابیدگان بودند

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (20 قلم)

پس گرديد مانند زمين درو شده

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ (21 قلم)

پس همديگر را صدا كردند بامدادان

أَنِ اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ (22 قلم)

اينكه صبح زود برويد بر زمين زراعيتان، اگر بوديد چينندگان

فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ (23 قلم)

پس تند رفتند و آنان با يكديگر آهسته صحبت مى كنند

أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ (24 قلم)

اينكه بايد داخل آن نشود امروز، بر شما بى چيزى

وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ (25 قلم)

و صبح زود رفتند، بر بازداشتن، تواناها

(مى خواستند كه جلوى ورود فقيران را به باغشان، بگيرند.)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ (26 قلم)

پس وقتى كه ديدند آن را، گفتند همانا ما يقيناً گمراهانيم

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (27 قلم)

بلكه ما محرومان (يا بازداشته شدگان از خير) هستيم

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ (28 قلم)

گفت بينابين آنان، كه آيا هرگز نگفتم براى شما، چرا تسبيح نمى گوييد

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (29 قلم)

گفتند پاك و منزه است ربّ ما، همانا ما بوديم ستمكاران

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ (30 قلم)

پس روى آورد بعضى از آنان به بعضى، همديگر را سرزنش مى كنند

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ (31 قلم)

گفتند اى واى بر ما، همانا ما بوديم از اندازه تجاوز كنندگان

عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ (32 قلم)

چه بسا ربّ ما، اینکه تعویض کند برای ما، بهتری از آن را، همانا ما به ربّمان مشتاقانیم

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (33 قلم)

اینچنین است عذاب، و یقیناً عذاب آخرت بزرگتر است، اگر می دانستند

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (34 قلم)

همانا برای پرهیزکاران نزد ربّشان، باغ های ناز و نعمت است

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (35 قلم)

آیا پس قرار می دهیم تسلیم کنندگان را، مانند بدکاران

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (36 قلم)

شما را چه شده، چگونه قضاوت می کنید

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (37 قلم)

یا برای شما کتابی است که در آن مطالعه می کنید (=مطالعه از لحاظ آموختن است)

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (38 قلم)

همانا برای شما در آن است، یقیناً آنچه را ترجیح می دهید

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ (39 قلم)

یا برای شما است سوگندی نافذ بر ما، تا روز قیامت، که همانا برای شماست، یقیناً آنچه که حکم می کنید

(به کافران بیان شده، که آیا برای شما کتابی از نزد خداوند است که با توجه به آن سخن می گویید، و در آن کتاب، آنچه را ترجیح می دهید، بیان شده است، و یا خداوند سوگند خورده است که آنچه را حکم می کنید، برای شما خواهد بود. این آیه ها، بیان کننده ی اساس دروغ هایی است که کافران به خدا می بسته اند.

سؤالی که از پیروان مذهب شیعه و سنّی می پرسم این است که آیا همه ی این احکامی را که به خدا و دین نسبت داده اید، خداوند در قرآن بیان کرده است. بسیاری از احکامی که در اسلام وارد کرده اید، در قرآن بیان نشده اند. این احکام جز دروغ بستن به خدا نیستند. پیامبر اسلام، فقط از قرآن پیروی می کرده است و در مورد دین، چیزی را به غیر از قرآن، بیان نمی کرده است. وظیفه ی پیامبر، رساندن وحی خداوند که همان قرآن است، به مردم بوده است و پیامبر، اضافه یا کم کننده ی حکمی از جانب خود، به اسلام نبوده است و حق این کار را نداشته است. برای شناخت اسلام حقیقی، فقط باید به قرآن مراجعه نمود و مراجعه به رفتار و گفتار نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، جز باعث گمراهی از اسلام حقیقی، نخواهد شد.)

سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ (40 قلم)

بپرس از آنان، که کدامین آنان به آن، ضامن است

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (41 قلم)

یا برای آنان است شریکان، پس باید بیاورند شریکانشان را، اگر بودند راستگویان

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (42 قلم)

روزی که آشکار کرده می شود از ساق پا (=منظور این است که سختی به نهایت می رسد زیرا وقتی انسان دچار این شدت سختی می شود دامن لباسش را بالا می کشد تا بهتر و سریع تر تلاش کند)، و فرا خوانده می شوند به سجده کردن، پس توانایی انجام نمی یابند

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ (43 قلم)

به صورت مطیع است چشم هایشان، می پیوندد به آنان خواری ای، و به درستی فرا خوانده می شدند به سجده کردن، و آنان تندرستان بودند

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَٰذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (44 قلم)

پس رها کن مرا و کسی را که تکذیب می کند این گفتار را، نزدیک خواهیم کرد آنان را از جایی که نمی دانند

(منظور از گفتار در عبارت کسی را که تکذیب می کند این گفتار را، قرآن است. هیچ اجباری در دین وجود ندارد و هر کسی خود، در زمینه ی دین خود، تصمیم گیرنده است. پیامبر نیز کسی را در زمینه ی دین به کاری وادار نمی کرد و حق این کار را هم از جانب خداوند نداشت.)

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (45 قلم)

و مهلت می دهم برای آنان، همانا نیرنگ زدن من نیرومند است

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ (46 قلم)

یا درخواست کردی از آنان پاداشی را، پس آنان از خسارتی، سنگین باران هستند

(پیامبر به خاطر پیامبر بودنش، از مردم دستمزدی را طلب نمی کرد.)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (47 قلم)

یا نزد آنان پنهان (=غیب) است، پس آنان می نویسند

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ (48 قلم)

پس شکیبایی کن برای قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن) ربّت، و نباش مانند همنشین وال (=نهنگ بزرگ)، هنگامی که صدا کرد و او دارای غم بود

(منظور از همنشین وال، پیامبری است که در قرآن، ماجرای او بیان شده است و توسط نهنگ، بلعیده شد و در شکم او گرفتار شد.)

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (49 قلم)

اگر اینکه نمی رسید به او نعمتی از ربّش، یقیناً انداخته می شد به فضایی باز، و او نکوهیده بود

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (50 قلم)

پس انتخاب کرد او را ربّش، پس قرار داد او را از شایستگان

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (51 قلم)

و همانا نزدیک است کسانی که کفر ورزیدند، یقیناً بلغزانند تو را (یا چشم غرّه بروند به تو) با چشم هایشان، وقتی که شنیدند به یاد آوردن را، و می گویند همانا او، یقیناً دیوانه ای است

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (52 قلم)

و نیست آن جز به یاد آوردنی برای جهانیان

(قرآن، به یاد آوردنی برای جهانیان است.)

سوره حاقة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الْحَاقَّةُ (1 حاقة)

اتفاق ناگوار

مَا الْحَاقَّةُ (2 حاقة)

چیست اتفاق ناگوار

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (3 حاقة)

و با خبر نکرد تو را که چیست اتفاق ناگوار

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ (4 حاقة)

تکذیب کرد ثمود و عاد، کوبنده را

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (5 حاقة)

پس لیکن ثمود، پس هلاک کرده شدند با از اندازه تجاوز کننده (یا چیره شونده)

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (6 حاقة)

و لیکن عاد، پس هلاک کرده شدند با بادی، که تندِ (یا سردِ) گردنکشی کننده است

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (7 حاقة)

مغلوب کرد آن را برای آنان، هفت شب و هشت روز به صورت نامیمون، پس می بینی جماعت را در آن، زمین افتاده ها، مانند اینکه همانا آنان، ریشه های درخت خرمای تو خالی هستند

فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ (8 حاقة)

پس آیا می بینی برای آنان، از باقی مانده ای

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ (9 حاقة)

و آمد فرعون و کسی که پیش از او بود، و زیر و رو کننده ها از خطاکار

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً (10 حاقة)

پس نافرمانی کردند فرستاده ی ربّشان را، پس گرفت آنان را، گرفتنی شدید

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (11 حاقة)

همانا ما وقتی که طغیان کرد آب، حمل کردیم شما را در جاری شونده (یا کشتی مسافربری)

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ (12 حاقة)

تا قرار دهیم آن را برای شما، عامل یادآوری ای، و حفظ کند آن را گوش شنوایی

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ (13 حاقة)

پس اگر دمیده شد در صور (=شاخی که در آن بدمند)، دَمِشی یگانه

(در مورد رخ دادن قیامت بیان شده است.)

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (14 حاقة)

و حمل کرده شد زمین و کوه ها، پس ویران کرده شدند (=آن دو)، ویران کردنی بی مانند

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (15 حاقة)

پس در آن روز، رخ داد رویداد

وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (16 حاقة)

و شکافته شد آسمان، پس آن در آن روز، پاره شونده است

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ (17 حاقة)

و فرشته بر کرانه های آن، و حمل می کند عرش ربّت را بالایشان، در آن روز، هشت

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ (18 حاقة)

در آن روز پدیدار می شوید، پنهان نمی شود از شما مخفی ای

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَهْ (19 حاقة)

پس لیکن کسی که داده شد کتابش به دست راستش، پس می گوید، بیایید بخوانید کتاب من را

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهْ (20 حاقة)

همانا من گمان می بردم که همانا من، ملاقات کننده ی شمارشم هستم

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (21 حاقة)

پس او در زندگی ای خرسند است

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (22 حاقة)

در باغی بلند

قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (23 حاقة)

میوه های چیده شده اش، نزدیک است

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ (24 حاقة)

بخورید و بیاشامید به صورت گوارا، به سبب آنچه دادید (یا وام دادید) در روزهای گذشته

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ (25 حاقة)

و لیکن کسی که داده شد کتابش به سمت چپش، پس می گوید ای کاش مرا، هرگز داده نمی شد به من، کتابم

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ (26 حاقة)

و هرگز با خبر کرده نمی شدم که چیست شمارشم

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ (27 حاقة)

ای کاش آن بود بر طرف کننده

مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيَهْ (28 حاقة)

بی نیاز نکرد از من، دارایی من

هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ (29 حاقة)

نابود شد از من، توانایی من

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ (30 حاقة)

بگیرید او را، پس به غُلّ ببندید او را

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ (31 حاقة)

سپس آتش بسیار گرم و سوزان، داخل کنید او را

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (32 حاقة)

سپس در زنجیری که پیمودن آن هفتاد ذرع است، پس داخل کنید او را

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (33 حاقة)

همانا او ایمان نمی آوَرد به خداوند بزرگ

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (34 حاقة)

و تشویق نمی کند بر سیر شدن بی چیز

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (35 حاقة)

پس نیست برای او امروز، در اینجا، دوستی

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ (36 حاقة)

و نیست خوراکی ای، جز از چرکاب

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (37 حاقة)

نمی خورد آن را، جز خطاکاران

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ (38 حاقة)

پس نه، سوگند می خورم به آنچه می‌بینید

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (39 حاقة)

و آنچه را نمی بینید

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (40 حاقة)

همانا آن یقیناً، گفتار فرستاده ای ارجمند است

(در مورد قرآن، بیان شده است.)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ (41 حاقة)

و نیست آن از گفتار شاعری، اندکی هستید که ایمان می آورید

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (42 حاقة)

و نیست از گفتار غیب گویی (یا آخوند در ادیان مختلف)، اندکی هستید که به یاد می آورید

تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (43 حاقة)

وحی کردنی است از ربّ جهانیان

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (44 حاقة)

و اگر سخنِ دروغ می بافت بر ما، بعضی از گفتارها را

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (45 حاقة)

یقیناً می گرفتیم از او، از دست راست

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (46 حاقة)

سپس یقیناً قطع می کردیم از او، سرخرگ قلب را

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (47 حاقة)

پس نیست از شما، از کسی که از آن، مانع ها است

(قرآن از جانب خداوند وحی شده است و خداوند بر اینکه قرآن به درستی به مردم رسانده شود، نظارت داشته است و در قرآن، گفتاری به دروغ، به خداوند نسبت داده نشده است و خداوند از این لحاظ، اطمینان داده است.)

وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ (48 حاقة)

و همانا آن یقیناً، عامل یادآوری ای است برای پرهیزکاران

(در مورد قرآن بیان شده است.)

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ (49 حاقة)

و همانا ما یقیناً می دانیم که همانا از شما، تکذیب کنندگان هستند

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (50 حاقة)

و همانا آن یقیناً، افسوس خوردنی است بر کافران

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (51 حاقة)

و همانا آن یقیناً، حقیقت یقین است

(در مورد قرآن بیان شده است.)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (52 حاقة)

پس تسبیح بگوی به نام ربّ بزرگت

سوره معارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (1 معارج)

پرسید پرسش کننده ای، از عذابی رخ دهنده

لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (2 معارج)

برای کافران است، نیست برای آن، دفع کننده ای

مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ (3 معارج)

از خداوند صاحب پلکان ها است

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (4 معارج)

بالا می‌رود فرشتگان و روح به او، در روزی که بود اندازه اش، پنجاه هزار سال

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (5 معارج)

پس شکیبایی کن، شکیبایی ای زیبا

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (6 معارج)

همانا آنان می بینند آن را، دور

(کافران، وقوع عذاب را در هنگام قیامت، دور می پندارند.)

وَنَرَاهُ قَرِيبًا (7 معارج)

و می بینیم آن را نزدیک

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (8 معارج)

روزی که باشد آسمان، مانند فلز گداخته

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (9 معارج)

و باشد کوه ها، مانند پشم

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (10 معارج)

و نمی پرسد دوستی از دوستی

يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ (11 معارج)

نشانشان می دهند آنان را، دوست دارد بدکار، اگر فدیه دهد (=مالی که در ازاء آزادی کسی دهند) از عذاب، در آن روز، با فرزندانش

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ (12 معارج)

و همسرش (=زنش) و برادرش را

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (13 معارج)

و بستگانش را که پناه می دهد به او

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ (14 معارج)

و کسی که در زمین است را همگی، سپس رهایی دهد او را

كَلَّا إِنَّهَا لَظَى (15 معارج)

هرگز چنین نیست، همانا آن شعله ور شدن است

(بدکاران در روز قیامت، دوست داشتند اگر می توانستند برای رهایی از عذاب، فرزندانشان و همسر و برادرشان و بستگانشان و همه ی کسانی که در زمین هستند را، به عنوان فدیه بدهند ولی هرگز اینگونه نخواهد بود.)

نَزَّاعَةً لِلشَّوَى (16 معارج)

بسیار کَنَنده است، از دست ها و پاها و سر آدمی را

(آن عذاب، بسیار دست و پا و سر آدمی را می کَنَد.)

تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (17 معارج)

فرا می خواند کسی را که پشت کرد و روی برتافت

وَجَمَعَ فَأَوْعَى (18 معارج)

و گرد آوری کرد، پس در بر گرفت

(آن عذاب، جهنمیان را گردآوری می کند و آنها را در بر می گیرد.)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (19 معارج)

همانا انسان، آفریده شد به صورت ناشکیبا

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (20 معارج)

اگر مبتلا شد به او بدی، به صورت بی تاب است

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (21 معارج)

و اگر مبتلا شد به او خوبی، به صورت بسیار بازدارنده است

إِلَّا الْمُصَلِّينَ (22 معارج)

غیر از نمازگزاران

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (23 معارج)

کسانی که آنان، بر نمازشان همیشگی ها هستند

(کسانی که همواره نمازهایشان را می خوانند و در این مورد، غفلت نمی کنند.)

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ (24 معارج)

و کسانی که در دارایی هایشان، نصیبی شناخته شده است

(کسانی که در دارایی هایشان، سهمی برای نیازمندان در نظر می گیرند.)

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (25 معارج)

برای گدا و محروم (یا بازداشته شده از خیر)

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (26 معارج)

و کسانی که صادق می شمارند روز جزا را

(کسانی که به قیامت، اعتقاد دارند.)

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (27 معارج)

و کسانی که آنان، از عذاب ربّشان، نگران ها هستند

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (28 معارج)

همانا عذاب ربّشان، بدون قابل اعتماد است

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (29 معارج)

و کسانی که آنان، برای عورت هایشان، نگهبانان هستند

إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (30 معارج)

جز برای همسرانشان یا کنیزانشان (=برده)، پس همانا آنان غیر از سرزنش شده ها هستند

(در مورد کسانی بیان شده که از انجام کاری که با آلت تناسلی انجام می شود و خداوند آن را حرام کرده، خودداری می کنند مثلاً زنا انجام نمی دهند. آنها اگر با همسران و کنیزانشان آمیزش جنسی داشته باشند، ایرادی نخواهد داشت.)

فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (31 معارج)

پس کسی که طلب کرد پشت آن را، پس آنان خود، تجاوزگران هستند

(کسی که آمیزش جنسی با غیر از همسر و کنیزش انجام دهد، تجاوزگر است.)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (32 معارج)

و کسانی که آنان، برای امانتهایشان و پیمانشان، نگه دارندگان هستند

(کسانی که امانت دار هستند و به پیمانی که بسته اند، وفادارند.)

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (33 معارج)

و کسانی که آنان، به گواهی دادن هایشان، به پا خاسته ها هستند

(کسانی که برای گواهی هایی که بر عهده ی آنها گذاشته شده، یعنی آنها را به عنوان شاهد بر موضوعی انتخاب کرده اند تا در زمان مورد نیاز، گواهی دهند، آماده ی گواهی دادن هستند.)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (34 معارج)

و کسانی که آنان بر نمازشان، محافظت می کنند

أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ (35 معارج)

آنان در باغ هایی، احترام گذاشته شدگانند

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ (36 معارج)

پس چه شده کسانی را که کفر ورزیدند، به سوی تو، به صورت نگاه کنندگان به صورت خوار شدن و فروتنی

(پس چه شده است که آنهایی که کفر ورزیدند، در روز قیامت، به تو به صورتی که خوار و فروتن هستند، نگاه می کنند.)

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ (37 معارج)

از سمت راست و از سمت چپ، جماعت های متفرق هستند

أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (38 معارج)

آیا طمع می ورزد هر کس از آنان، اینکه داخل کرده شود به باغ ناز و نعمت

كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ (39 معارج)

هرگز چنین نیست، همانا ما آفریدیم آنان را از آنچه می دانند

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (40 معارج)

پس نه، سوگند می خورم به ربّ مشرق ها و مغرب ها، که همانا ما یقیناً توانا‌ها هستیم

عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (41 معارج)

بر اینکه جایگزین کنیم بهتر از آنان را، و نیستیم ما از مغلوبین

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (42 معارج)

پس رها کن آنان را که بپردازند و به بازی بگیرند، تا آنکه رو در رو شوند با روزشان، که وعده داده می شوند

(بیان شده، کافران را رها کن تا آنطور که می خواهند رفتار کنند و به بازی بگیرند، تا آنکه با روز قیامت، که وعده داده می شدند، رو در رو شوند. هر کسی خود، تصمیم گیرنده در زمینه ی دین خود است و هیچ اجباری در دین وجود ندارد و پیامبر نیز کسی را به دین مجبور نمی کرد و حق این کار را از جانب خداوند نداشت.)

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ (43 معارج)

روزی که خارج می شوند از گورها به صورت شتابنده ها، مانند اینکه همانا آنان به علامتی، شتابان می شوند

(در روز قیامت، مردگان زنده می شوند و از گورها به صورت شتابان، خارج می شوند.)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (44 معارج)

به صورت مطیع است چشم هایشان، می رسد به آنان خواری ای، آن روزی است که وعده داده می شدند

سوره نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (1 نوح)

همانا ما فرستادیم نوح را به قومش، اینکه هشدار ده قومت را، از قبل اینکه بیاید نزدشان، عذابی دردناک

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (2 نوح)

گفت ای قوم من، همانا من برای شما، هشدار دهنده ای آشکار هستم

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ (3 نوح)

اینکه بپرستید خدا را و حذر کنید از او، و اطاعت کنید از من

(منظور از اطاعت کنید از من، این است که به خداوند ایمان بیاورید و دعوت مرا بپذیرید.)

يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (4 نوح)

بیامرزد برای شما از گناهانتان را، و عقب بیندازد شما را تا مهلتی معلوم، همانا مهلت خدا اگر آمد، عقب انداخته نمی شود، اگر می دانستید

(منظور از عقب بیندازد شما را تا مهلتی معلوم، این است که اگر ایمان بیاورید، بر شما عذاب نازل نمی کند و شما تا زمان مرگ، در دنیا زندگی خواهید کرد و به حساب شما در روز قیامت، رسیدگی خواهد شد.)

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (5 نوح)

گفت ربّ، همانا من فرا خواندم قومم را، شب و روز

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا (6 نوح)

پس هرگز نیفزود به آنان فراخواندن من، جز گریزی را

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (7 نوح)

و همانا من هر بار که فرا خواندم آنان را، تا بیامرزی برای آنان، قرار دادند انگشتانشان را در گوش هایشان، و صورت می پوشانند با لباس هایشان، و اصرار ورزیدند و کبر ورزیدند، تکبر ورزیدنی را

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا (8 نوح)

سپس همانا من فرا خواندم آنان را به صورت آشکار

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (9 نوح)

سپس همانا من بیان داشتم برای آنان، و مخفیانه صحبت کردم برای آنان، به طور نهانی

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (10 نوح)

پس گفتم طلب عفو کنید از ربّتان، همانا او بود بسیار آمرزنده ای

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (11 نوح)

بفرستد آسمان را برای شما، به صورت بسیار ریزان

وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا (12 نوح)

و یاری کند شما را با دارایی هایی و فرزندان، و قرار دهد برای شما باغ هایی را، و قرار دهد برای شما رودهایی را

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (13 نوح)

شما را چه شده که امید ندارید برای خدا، متانتی را

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (14 نوح)

و به درستی آفرید شما را به صورت شکل ها (یا مرحله ها)

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (15 نوح)

آیا هرگز ندیدید چگونه آفرید خدا، هفت آسمان را، به صورت مطابق بودن

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا (16 نوح)

و قرار داد ماه را در آنان، نوری، و قرار داد خورشید را، چراغ روشنایی ای

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (17 نوح)

و خدا رویانید شما را از زمین، به صورت گیاه

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (18 نوح)

سپس باز می گرداند شما را در آن، و بیرون می آورد شما را، بیرون آوردنی

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا (19 نوح)

و خدا قرار داد برای شما زمین را، به صورت فرش

لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (20 نوح)

تا وارد شوید از آن، راه هایی را به صورت راه های فراخ و آشکار میان دو کوه

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا (21 نوح)

گفت نوح، ربّ، همانا آنان نافرمانی کردند از من، و پیروی کردند کسی را که هرگز نیفزود به او دارایی اش و فرزندش، جز زیانی را

وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا (22 نوح)

و نیرنگ زدند، نیرنگ زدنی بزرگ را

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا (23 نوح)

و گفتند رها نکنید خدایانتان را، و رها نکنید ودّ و نه سواع و نه یغوث و یعوق و نسر را

(این اسامی که در آیه بیان شده است، نام بت های آنها بوده است.)

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (24 نوح)

و به درستی گمراه کردند بسیاری را، و نیفزا ستمکاران را، جز گمراهی ای

مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا (25 نوح)

به جهت آنچه گناهان آنان است، غرق کرده شدند، پس داخل کرده شدند به آتشی، پس هرگز نیافتند برای خود از غیر خدا، یاری کننده هایی را

(عذابی که بر اقوام گذشته از جانب خداوند نازل می شده است، پیش شرط هایی داشته است از جمله اینکه، آنها کافر بودند و دیگری اینکه پیامبری از جانب خداوند، برای آنها برگزیده می شد و آنها را به ایمان آوردن دعوت می نمود ولی ایمان نمی آوردند. فقط به خاطر کفر ورزیدن، عذاب بر آن جماعت ها نازل نمی شد و عذاب هنگامی نازل می شد که آنها کاری انجام می دادند که باعث نازل شدن عذاب می شد مثلاً در قوم ثمود، آنها وقتی ماده شتر را کشتند، عذاب بر آنها نازل شد. در این آیه در مورد قوم نوح، بیان شده که آنها به جهت آنچه گناهان آنها بود، غرق کرده شدند. در جماعت هایی که عذاب بر آنها نازل می شد، خداوند آنهایی را که ایمان آورده بودند، از عذاب رهایی می داد.)

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (26 نوح)

و گفت نوح، ربّ، رها نکن بر زمین از کافران، دیر نشینی را

إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (27 نوح)

همانا تو اگر رها کنی آنان را، گمراه می کنند بندگانت را، و نمی زایند جز مخالفت کننده ای (یا منحرف شونده ای) بسیار کفر ورزنده را

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (28 نوح)

ربّ، بیامرز بر من و بر پدر و مادرم و بر کسی که وارد شد به خانه ام، که مؤمن است و بر مردان و زنان مؤمن، و نیفزا ستمکاران را جز هلاکتی

سوره جن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (1 جن)

بگو وحی کرده شد به من همانا آن، که گوش کرد گروهی از جن (=گروه سه تا ده نفری)، پس گفتند همانا ما شنیدیم قرآنی را، به صورت شگفت زده شدن

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (2 جن)

هدایت می کند به راه راست (یا هدایت)، پس ایمان آوردیم به آن، و هرگز شریک قائل نمی شویم با ربّمان، کسی را

(قرآن کتابی است که از جانب خداوند نازل شده است و به راه راست هدایت می نماید. با خواندن قرآن، می توان حقیقت را از دروغ، و هدایت را از گمراهی، در زمینه ی دین، تشخیص داد. یک مسلمان برای فهم اسلام حقیقی، فقط باید به قرآن مراجعه نماید و مراجعه به منابع دیگر برای این منظور، از جمله رفتار و گفتار نسبت داده شده به پیامبر و اشخاص دیگر، نتیجه ای جز گمراهی از اسلام حقیقی نخواهد داشت. این همان اتفاقی است که امروزه برای بسیاری از مسلمانان، روی داده است و آنها پیرو اسلامی هستند که بسیار متفاوت از اسلامی است که در قرآن معرفی شده است.)

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (3 جن)

و همانا آنکه، دور است منزلت ربّ ما، نگرفت همنشینی (=مؤنث) را، و نه فرزندی را

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (4 جن)

و همانا آنکه، می گفت بی خردِ ما بر خدا، دور شدن از حق را

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (5 جن)

و همانا ما گمان بردیم اینکه، هرگز نمی گوید انسان و جن بر خدا، دروغی را

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (6 جن)

و همانا آنکه، مردانی از انسان که پناه می بردند به مردانی از جن، پس افزودند به آنان، ستم کردنی را

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (7 جن)

و همانا آنان گمان می بردند آنچنانکه گمان بردید، اینکه هرگز بر نمی انگیزد خدا کسی را

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا (8 جن)

و همانا ما جستجو کردیم آسمان را، پس یافتیم آن را پُر کرده شده، از نگهداری کردنی نیرومند و شهاب هایی

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا (9 جن)

و همانا ما می نشستیم از آن، محل های نشستن برای شنیدن، پس کسی که گوش دهد، اکنون می یابد برای خود، شهاب نگهبانی را

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (10 جن)

و همانا ما نمی دانیم، که آیا بدی خواسته شده بر کسی که در زمین است، یا خواست بر آنان، ربّشان، هدایت شدنی را

وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا (11 جن)

و اینکه ما، از ما شایسته ها هستند، و از ما غیر آن هستند، بودیم مسلک های با آراء و افکار گوناگونی

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (12 جن)

و اینکه ما گمان بردیم، اینکه هرگز عاجز نمی کنیم خدا را در زمین، و هرگز عاجز نمی کنیم او را با فرار کردنی

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (13 جن)

و اینکه ما، وقتی که شنیدیم هدایت را، ایمان آوردیم به آن، پس کسی که ایمان بیاورد به ربّش، پس نمی ترسد از به صورت اندک، و نه ستم کردنی

وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (14 جن)

و اینکه ما، از ما تسلیم کنندگان هستند، و از ما، از راه حق دور شوندگان هستند، پس کسی که تسلیم شد، پس آنان قصد کردند هدایت شدنی را

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (15 جن)

و لیکن دور شوندگان از راه حق، پس بودند برای جهنم هیزمی

وَأَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا (16 جن)

و اینکه اگر درست شدند در مسلک، یقیناً آب می دهیم به آنان، آبی بسیار را

لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (17 جن)

تا در آشوب افکنیم آنان را در آن، و کسی که روی برگرداند از به یاد آوردن ربّش، داخل می کند او را به عذابی به صورت سختی

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (18 جن)

و همانا سجده گاه ها (یا مسجدها) برای خداست، پس صدا نکنید با خدا، کسی را

(بیان شده، سجده گاه ها برای خداست، پس صدا نکنید با خدا، کسی را. شیعه در سجده گاه ها، امامان خود را نیز صدا می کند و از آنها، یاری می طلبند. این نمونه ای از گمراهی پیروان مذهب شیعه است.)

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (19 جن)

و همانا آنکه، وقتی که برخاست بنده ی خدا، تا صدا کند او را، نزدیک بود باشند بر او جمعیتی انبوه (= نزدیک بود جمعیتی انبوه بر او بریزند)

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (20 جن)

بگو همانا صدا می کنم ربّم را، و شریک قائل نمی شوم با او، کسی را

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (21 جن)

بگو همانا من مالک نمی شوم برای شما زیانی را، و نه هدایت شدنی را

(به پیامبر بیان شده که بگو، زیان و هدایت کسی، به خواست من بستگی ندارد.)

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (22 جن)

بگو همانا من را، هرگز به فریاد من نمی رسد از خدا، کسی، و هرگز نمی یابم از غیر او پناهگاهی را

(به پیامبر بیان شده که بگو، در مقابل خداوند، کسی به فریاد من نخواهد رسید و غیر از خداوند، پناهگاهی نخواهم یافت.)

إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا (23 جن)

جز رساندنی از خدا و پیام های او، و کسی که نافرمانی کند از خدا و فرستاده اش، پس همانا برای او آتش جهنم است، همیشگی ها در آن برای همیشه هستند

(وظیفه ی پیامبر فقط دریافت وحی از جانب خداوند و رساندن وحی خداوند به مردم بوده است. کسی که از خدا و پیامبر خدا نافرمانی کند، برای او آتش جهنم خواهد بود. منظور از نافرمانی از خدا و پیامبر خدا، ایمان نیاوردن است.)

حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا (24 جن)

تا اگر دیدند آنچه را وعده داده می شوند، پس خواهند دانست چه کسی ضعیف تر است از نظر یاری کننده، و اندک تر است از نظر شمارش

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (25 جن)

بگو نمی دانم آیا نزدیک است آنچه که وعده داده می شوید، یا قرار می دهد برای آن ربّ من، زمانی را

(منظور از عبارت آنچه که وعده داده می شوید ، زمان وقوع قیامت است.)

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا (26 جن)

دانای پنهان است، پس آگاه نمی کند بر پنهانش، کسی را

(پیامبر نیز از زمان وقوع قیامت، آگاهی نداشته است.)

إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (27 جن)

جز کسی را که راضی کرد از فرستاده ای، پس همانا او را وارد می کند از برابرش و از پشتش، نگهبانانی را

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (28 جن)

تا بداند اینکه به درستی رساندند ارسال های ربّشان را، و در بر گرفت آنچه را نزد آنان است، و شمارش کرد هر چیزی را شمارشی

(منظور از عبارت در بر گرفت آنچه را نزد آنان است، این است که خداوند بر همه چیز آگاه است.)

(خداوند کسی را از پنهان خود یا به عبارت دیگر از غیب خود آگاه نمی کند و فقط به پیامبرانی که می خواسته از پنهان یا غیب خود به آنها آگاهی دهد و به عبارت دیگر به آنها از پنهان یا غیب، آگاهی هایی را وحی نماید، در حدی که می خواست وحی می نمود. به عنوان نمونه قرآن از جانب خداوند بر پیامبر وحی شده است تا پیامبر وحی خداوند را به مردم برساند. قرآن همان اندازه از آگاهی از غیب خداوند است که خداوند می خواسته مردم را از آن آگاه نماید. خداوند، نگهبانانی را برای پیامبران قرار می داد تا مواظب باشند که پیامبران، وحی خداوند را به درستی به مردم می رسانند و البته خداوند بر همه چیز آگاه است.

نکته ای که باید به آن توجه نمود این است که به عنوان مثال پیامبر اسلام غیر از قرآن، از غیب خداوند آگاهی نداشته است و اینگونه نبوده است که غیر از قرآن، موضوعی به پیامبر وحی شود زیرا بیان شده که خداوند پس از وحی، نگهبانانی را برای پیامبران قرار می داده است که اطمینان حاصل شود که آنها وحی خداوند را به صورت کامل و درست به مردم می رسانند.)

سوره مزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (1 مزمل)

ای جامه به خود پیچیده (کنایه از سهل انگار نیز می شود)

(در این آیات، روی سخن خداوند، با پیامبر است.)

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (2 مزمل)

به پا خیز شب را جز اندکی

نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (3 مزمل)

نصف آن را، یا ناقص کن از آن اندکی را

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (4 مزمل)

یا بیفزا بر آن، و آهسته و شمرده بخوان (یا با آهنگ موزون بخوان) قرآن را، خوش آوازی ای (یا ادای آرام و بی تکلف کلمات)

(بیان شده که وقتی در شب برای مناجات کردن از خواب بیدار شدی، قرآن بخوان. روش خواندن قرآن را نیز بیان کرده است.)

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (5 مزمل)

همانا ما خواهیم رساند بر تو گفتاری سنگین را

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (6 مزمل)

همانا از خواب برخاستن شب، آن نیرومندتر است از نظر مهیا کردن، و راست تر از نظر سخن گفتن است

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (7 مزمل)

همانا برای تو در روز، سیر و سفرِ دراز کردنِ بلندی است

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (8 مزمل)

و به یاد آور نام ربّت را، و از دنیا ببُر و روی بیاور به او، بریدنی

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (9 مزمل)

ربّ مشرق و مغرب، نیست خدایی جز او، پس بگیر او را به عنوان کارگزار

وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (10 مزمل)

و شکیبایی کن بر آنچه می گویند، و محل نگذار به آنان، محل نگذاشتنی زیبا

(خداوند به پیامبر بیان کرده که نسبت به آنچه که کافران می گویند، شکیبایی کن و به آنها به صورت زیبا، محل نگذار. به پیامبر بیان نشده که به آنها تعرض داشته باش و آنها را به خاطر آنچه که می گویند، مجازات کن. اینگونه رفتارهایی که جنایتکاران و ظالمان تحت عنوان خدا و دین انجام می دهند، هیچ ارتباطی با دین نداشته و جز دروغ بر خدا نمی بندند.)

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا (11 مزمل)

و رها کن من و تکذیب کنندگان صاحب نعمت را، و مهلت ده به آنان، اندکی را

(دین هر کسی مربوط به خود اوست و هیچ کسی حق اجبار کردن کسی را در زمینه ی دین، ندارد. خداوند به پیامبر بیان کرده که کار تکذیب کنندگان صاحب نعمت را به من بسپار یعنی واکنشی بر علیه آنان نشان نده. و در ادامه خداوند به پیامبر بیان کرده که مهلت ده به آنان، اندکی را، یعنی بگذار تا هنگام مرگ، آنها به حال خود باشند تا در روز قیامت به حساب آنها رسیدگی شود.)

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا (12 مزمل)

همانا نزد ما است قید و بندهای سختی، و آتش بسیار گرم و سوزانی

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا (13 مزمل)

و خوراکی ای گلوگیر، و عذابی دردناک

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا (14 مزمل)

روزی که به لرزه درآید زمین و کوه ها، و بود کوه ها، تپه شنیِ فرو پاشیده شده ای

(در مورد روز قیامت، بیان شده است.)

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا (15 مزمل)

همانا ما فرستادیم به شما، فرستاده ای را، گواهی دهنده ای بر شما، چنانکه فرستادیم به فرعون، فرستاده ای را

فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا (16 مزمل)

پس نافرمانی کرد فرعون از فرستاده، پس گرفتیم او را گرفتنی شدید

(منظور از اینکه بیان شده، نافرمانی کرد فرعون از فرستاده، این است که فرعون، ایمان نیاورد.)

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (17 مزمل)

پس چگونه حذر می کنید اگر کفر ورزیدید، از روزی که وا می دارد نوزادان را سپید مویان

(در روز قیامت، نوزادان به صورت سفید مویان می شوند.)

السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (18 مزمل)

آسمان شکافته شده است به سبب آن، بود وعده ی آن انجام شده

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (19 مزمل)

همانا این، عامل یادآوری ای است، پس کسی که خواست، گرفت به ربّش، راهی را

(قرآن، عامل یادآوری است و کسی که خواست، به سوی خداوند، راهی را در پیش گرفت. بیان شده کسی که خواست، گرفت به ربّش، راهی را، این نشان دهنده این است که هر کسی خود در زمینه ی دین خود، تصمیم گیرنده است و هیچ اجباری در مورد دین، وجود ندارد.)

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (20 مزمل)

همانا ربّ تو می داند، همانا تو بر می خیزی نزدیک تر از دو سوم شب را، و نصف آن را، و یک سوم آن را، و جماعتی از کسانی که با تو هستند، و خدا تخمین می زند شب و روز را، دانست اینکه هرگز شمارش نمی کنید آن را، پس بازگشت بر شما، پس بخوانید آنچه را تسهیل کرد از قرآن، دانست اینکه خواهد بود از شما بیماران، و دیگرانی که حرکت می کنند در زمین، طلب می کنند از مزیت خدا، و دیگرانی که می جنگند در راه خدا، پس بخوانید آنچه را تسهیل کرد از آن، و به پا دارید نماز را، و بدهید زکات را، و قرض دهید به خدا، قرضی نیکو را، و آنچه را پیش اندازید برای خودتان از نیکویی

ای، می یابید آن را نزد خدا، آن بهتر است و بزرگتر است از نظر پاداش، و طلب عفو کنید از خدا، همانا خدا بسیار آمرزنده ی بخشایشگر است

(بیدار شدن از شب برای مناجات کردن، که در این آیات در مورد آن بیان شده است، در مورد پیامبر بیان شده است و واجب دینی برای همه ی مسلمانان نیست.)

سوره مدثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ (1 مدثر)

ای که جامه دور خود پیچیده ای

قُمْ فَأَنْذِرْ (2 مدثر)

برخیز و هشدار ده

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ (3 مدثر)

و ربّت را، پس بزرگ بدار

وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ (4 مدثر)

و لباس هایت را، پس پاکیزه کن

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ (5 مدثر)

و کثافت را، پس دوری گزین

(منظور از کثافت، احتمالاً آلودگی ناشی از منی است که به بدن یا لباس ریخته شده است و در آیه ی قبل، بیان شده بود که لباس هایت را پاکیزه کن.)

وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ (6 مدثر)

و عطا نکن (یا منّت نگذار)، که به مقدار بیشتری تمایل نشان دهی

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ (7 مدثر)

و برای ربّت، پس شکیبایی کن

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ (8 مدثر)

پس اگر دمیده شد در صور (یا شیپور)

فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (9 مدثر)

پس آن در آن روز، روزی دشوار است

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ (10 مدثر)

بر کافران، به جز آسانی است

(آن روز بر کافران، آسان نیست.)

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا (11 مدثر)

رها کن مرا و کسی را که آفریدم، به تنهایی

(خداوند بیان می کند که در روز قیامت، کار کسانی را که آفریده ام، به من بسپار.)

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا (12 مدثر)

و قرار دادم برای او، دارایی ای بسیار را

وَبَنِينَ شُهُودًا (13 مدثر)

و فرزندانی حاضر شونده ها (یا گواهی دهنده ها)

وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا (14 مدثر)

و گستراندم برای او، گستراندنی

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (15 مدثر)

سپس طمع می ورزد به اینکه بیفزایم

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا (16 مدثر)

هرگز چنین نیست، همانا او بود برای آیات ما، به صورت یک دنده

(در مورد کافران بیان شده است.)

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا (17 مدثر)

وا خواهم داشت او را به گردنه ای سخت

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ (18 مدثر)

همانا او اندیشید و بررسی کرد

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (19 مدثر)

پس کُشته باد، چگونه بررسی کرد

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (20 مدثر)

سپس کشته باد، چگونه بررسی کرد

ثُمَّ نَظَرَ (21 مدثر)

سپس نگریست

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ (22 مدثر)

سپس اخم کرد و چهره در هم کشید

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (23 مدثر)

سپس پشت کرد و کبر ورزید

فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ (24 مدثر)

پس گفت، نیست این جز جادویی که نقل می کند

إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (25 مدثر)

نیست این جز گفتار انسان

(کافران در مورد قرآن می گفته اند که قرآن جادویی است که پیامبر آن را نقل می کند و یا اینکه می گفتند قرآن گفتار انسان است و از جانب خداوند نیست.)

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ (26 مدثر)

خواهم انداخت او را به سَقَر

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ (27 مدثر)

و نمی دانی چیست سقر

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ (28 مدثر)

باقی نمی گذارد و رها نمی کند

لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ (29 مدثر)

بسیار سیاه کننده است برای رویه های پوست

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (30 مدثر)

بر آن نوزده است

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا

أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ (31 مدثر)

و قرار ندادیم همنشینان (یا دارندگان) آتش را جز فرشتگانی، و قرار ندادیم تعداد آنان را جز در آشوب افکندنی، برای کسانی که کفر ورزیدند، تا یقین یابند کسانی که داده شدند کتاب، و بیفزاید کسانی را که ایمان آوردند، ایمانی را، و تردید نمی کند کسانی که داده شدند کتاب و مؤمنان، و تا بگوید کسانی که در دل هایشان بیماری ای است و کافران، چه چیز خواست خدا به سبب این مَثَل، اینچنین گمراه می کند خدا کسی را که می خواهد، و هدایت می کند کسی را که می خواهد، و نمی داند لشکریان ربّت را جز او، و نیست آن جز یادآوری ای برای انسان

كَلَّا وَالْقَمَرِ (32 مدثر)

هرگز چنین نیست، سوگند به ماه

وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ (33 مدثر)

سوگند به شب، هنگامی که پشت کرد

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ (34 مدثر)

سوگند به بامداد، اگر روشنایی بخشید

إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ (35 مدثر)

همانا آن یقیناً یکی از بزرگترین ها است

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ (36 مدثر)

هشدار دادنی است برای انسان

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (37 مدثر)

برای کسی که خواست از شما، اینکه پیش افتد یا تأخیر کند

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (38 مدثر)

هر کسی به آنچه جمع آوری کرد، گروگان است

(عاقبت هر کسی در روز قیامت به آنچه در این دنیا انجام داده است، وابسته است.)

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (39 مدثر)

جز همنشینان سمت راست

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (40 مدثر)

در باغ هایی از یکدیگر می پرسند

عَنِ الْمُجْرِمِينَ (41 مدثر)

از بدکاران

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ (42 مدثر)

چه داخل کرد شما را در سَقَر (یا جهنم)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (43 مدثر)

گفتند هرگز نبودیم از نمازگزاران

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ (44 مدثر)

و هرگز غذا نمی دادیم به بی چیز

وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (45 مدثر)

و می گفتیم با گویندگان

(احتمالاً به این معنا است که آنچه را کافران بر علیه دین و ایمان بیان می کردند، ما نیز بیان می کردیم.)

وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ (46 مدثر)

و تکذیب می کردیم روز جزا را

(بیان شده که در روز قیامت، بهشتیان از بدکاران که به سقر وارد شده اند می پرسند که چه چیزی باعث شد که شما وارد سقر شوید و آنها در جواب بیان می کنند که هرگز نبودیم از نمازگزاران، و هرگز غذا نمی دادیم به بی چیز، و می گفتیم با گویندگان، و تکذیب می کردیم روز جزا را. در آیات قرآن بیان شده است کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، وارد بهشت می شوند و همچنین بیان شده است که در قیامت کسانی که نیکی های آنها از بدی های آنها سنگین تر باشد، وارد بهشت می شوند و همچنین بیان شده کسانی که کافر هستند اعمال آنها از بین خواهد رفت و آنها وارد جهنم خواهند شد. با توجه به مواردی که بیان شد منظور از آیات 43 و 44 و 45 و 46 سوره مدثر این نیست که اگر کسی نماز نخوانده باشد و به بی چیز غذا نداده باشد وارد جهنم می شود زیرا فرد می تواند ایمان داشته باشد و انسان نیکوکاری باشد و از جمله ی بدکاران نباشد، و در آیه 41 و 42 سوره مدثر بیان شده که بهشتیان از بدکاران دلیل وارد شدن آنها به سقر را پرسیده اند. این می تواند به این معنا باشد که آنهایی که وارد سقر شده اند اگر ایمان آورده بودند و نماز خوانده بودند و به نیازمند غذا داده بودند، شاید وارد سقر نمی شدند زیرا در قرآن بیان شده که نیکی های انسان بدی های او را از بین می برد. نماز خواندن و غذا دادن به نیازمند از جمله نیکی های بزرگ هستند که می توانند در روز قیامت، بسیار به انسان کمک کننده باشند. همچنین در قرآن بیان شده است که نماز، انسان را از گناه بسیار زشت و عمل ناشایست باز می دارد و این نیز می تواند عاملی باشد که انسان در روز قیامت وارد بهشت شود.)

حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ (47 مدثر)

تا آمد نزد ما، یقین

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (48 مدثر)

پس سود نمی رساند به آنان، وساطتِ وساطت کنندگان

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ (49 مدثر)

پس آنان را چه شده که از عامل یادآوری، روی گردانانند

(عامل یادآوری، قرآن است.)

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ (50 مدثر)

مانند اینکه همانا آنان، اُلاغانی رمنده هستند

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (51 مدثر)

که گریخت از شیری

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنَشَّرَةً (52 مدثر)

بلکه می خواهد هر کسی از آنان، اینکه داده شود کاغذهای نوشته شده ی گسترانده شده

(کافران انتظار دارند که هر کدام از آنها، کتابی مانند قرآن را از نزد خداوند به طور مستقیم، دریافت نماید.)

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (53 مدثر)

هرگز چنین نیست، بلکه نمی ترسند از آخرت

كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ (54 مدثر)

هرگز چنین نیست، همانا آن عامل یادآوری ای است

(قرآن، عامل یادآوری است.)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ (55 مدثر)

پس کسی که خواست، به یاد آوَرد او را

(هر کسی خود، تصمیم گیرنده در زمینه ی ایمان آوردن و امور دینی خود است و هیچ اجباری در زمینه ی دین، وجود ندارد.)

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (56 مدثر)

و به یاد نمی آورند، جز اینکه بخواهد خدا، او اهل پرهیزکاری و اهل آمرزش است

(کسی ایمان نمی آورد مگر اینکه خداوند بخواهد. هدایت و گمراهی انسان ها، به خواست خداوند بستگی دارد.)

سوره قیامة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ (1 قیامة)

سوگند نمی خورم به روز قیامت

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (2 قیامة)

و سوگند نمی خورم به روانِ (=جان) بسیار ملامت کننده

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ (3 قیامة)

آیا گمان می کند انسان، که هرگز گردآوری نمی کنیم استخوان هایش را

بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ (4 قیامة)

آری، تواناها هستیم بر اینکه منظم کنیم نوک انگشتانش را

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (5 قیامة)

بلکه می خواهد انسان، تا حفر کند روبرویش را

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ (6 قیامة)

می پرسد چه وقت است روز قیامت

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (7 قیامة)

پس ناگهان دستپاچه شد چشم

وَخَسَفَ الْقَمَرُ (8 قیامة)

و خسوف شد ماه

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (9 قیامة)

و گردآوری کرده شد خورشید و ماه

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ (10 قیامة)

می گوید انسان در آن روز، کجاست گریزگاه

كَلَّا لَا وَزَرَ (11 قيامة)

هرگز چنین نیست، حمل نکرد

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (12 قيامة)

به ربّت در آن روز، قرارگاه است

يُنَبَّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (13 قيامة)

با خبر می کند انسان را در آن روز، به آنچه پیش انداخت و عقب انداخت

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (14 قيامة)

بلکه انسان بر جانش، شاهد است

وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ (15 قيامة)

اگرچه اظهار داشت عذرهایش را

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (16 قيامة)

نجنبان به آن زبانت را، تا شتاب کنی به آن

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (17 قيامة)

همانا بر ما است گردآوری کردن آن، و خواندن آن

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (18 قيامة)

پس اگر خواندیم آن را، پس پیروی کن خواندن آن را

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (19 قيامة)

سپس همانا بر ما است، آشکار شدن آن

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (20 قيامة)

هرگز چنین نیست، بلکه دوست دارید شتابان را

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (21 قيامة)

و رها می کنید آخرت را

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ (22 قيامة)

چهره هایی در آن روز، شاداب شده است

إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (23 قیامة)

به ربّش نظاره گر است

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (24 قیامة)

و چهره هایی در آن روز، عبوس و غمگین است

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (25 قیامة)

گمان می بَرَد، اینکه انجام شود بر او، پیشامد بسیار بدی

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ (26 قیامة)

هرگز چنین نیست، اگر رسید به استخوان های ترقوه (=استخوان های اطراف گردن)

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (27 قیامة)

و گفته شد، چه کسی بالا رونده است

وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (28 قیامة)

و گمان برد که همانا آن، جدایی است

وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (29 قیامة)

و پیچ خورد ساقِ پا به ساق پا

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (30 قیامة)

به ربّت در آن روز، گرایش است

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى (31 قیامة)

پس صادق نشمرد و نماز نخواند

(منظور از کسی که صادق نشمرد، کافران است زیرا ایمان نیاوردند.)

وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (32 قیامة)

و لیکن تکذیب کرد و روی برتافت

(در مورد کافران بیان شده است.)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى (33 قیامة)

سپس رفت به بستگانش، با ناز و ادا راه می رود

أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى (34 قیامة)

شایسته تر است برای تو، پس شایسته تر است

ثُمَّ أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى (35 قیامة)

سپس شایسته تر است برای تو، پس شایسته تر است

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (36 قیامة)

آیا گمان می کند انسان، اینکه رها می شود به صورت بیهوده

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى (37 قیامة)

آیا هرگز نبود نطفه ای از منی، که ریخته می شود

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (38 قیامة)

سپس بود خونی، پس آفرید، پس منظم کرد

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى (39 قیامة)

پس قرار داد از او، دو جفت (یا همنشین) نر و ماده را

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى (40 قیامة)

آیا نیست آن توانا، بر اینکه زنده کند مرده ها را

سوره انسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا (1 انسان)

آیا آمد بر انسان هنگامی از روزگار، که هرگز نبود چیزی یاد شده

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (2 انسان)

همانا ما آفریدیم انسان را از نطفه ای آمیخته شده، می آزماییم او را، پس قرار دادیم او را شنوای بینا

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (3 انسان)

همانا ما راهنمایی کردیم او را به راه، یا شکرگزار است و یا کافر (یا ناسپاس)

(خداوند راه هدایت را برای انسان آشکار کرده است. به تصمیم خود فرد بستگی دارد که شکرگزاری کند و ایمان بیاورد، یا ناسپاسی کند و کفر ورزد. در دین هیچ اجباری وجود ندارد.)

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (4 انسان)

همانا ما آماده کردیم برای کافران، زنجیرها و غلّ هایی و زبانه ی آتشی را

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (5 انسان)

همانا نیکوکاران، می نوشند از جامی که بود طبع آن، شکوفه ی خرمایی

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (6 انسان)

چشمه ای که سیراب می شود با آن بندگان خدا، فوران می کنند آن را فوران کردنی

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (7 انسان)

وفا می کنند به نذر (=آنچه انسان بر خود واجب کند یا آنچه در راه خدا ادا کند)، و می ترسند از روزی که بود بدی آن، به صورت پراکنده

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (8 انسان)

و غذا می دهند خوراک را برای عشق او، به بی چیزی و یتیمی و اسیری (یا در بندی)

(به عشق خداوند، به بی چیز و یتیم و اسیر، خوراک می دهند.)

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (9 انسان)

همانا غذا می دهیم به شما برای جهت خدا، نمی خواهیم از شما پاداشی را، و نه تشکر کردن هایی را

(آنها به خاطر خداوند، به آنها خوراک می دهند و از آنها انتظار پاداش و تشکر کردنی را ندارند.)

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (10 انسان)

همانا ما می ترسیم از ربّمان، روزی که به صورت سختِ دشوار است

(منظور از روز سخت دشوار، روز قیامت است.)

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (11 انسان)

پس حفاظت کرد آنان را خدا، از بدیِ آن روز، و سوی آنان انداخت شادابی ای و شادمانی ای را

وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا (12 انسان)

و پاداش داد به آنان، به سبب آنچه شکیبایی کردند، باغی و ابریشمی را

(منظور از ابریشم، لباس ابریشمی است.)

مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (13 انسان)

تکیه دهندگانِ در آن، بر تخت ها هستند، نمی بینند در آن خورشیدی را و نه اوج سرمایی را

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا (14 انسان)

و نزدیک است بر آنان سایه های آن، و خوار کرده شد میوه های چیده شده ی آن، خوار کردنی

(میوه های بهشت، به صورت چیده شده، در دسترس بهشتیان است.)

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا (15 انسان)

می چرخانند گرداگرد آنان، ظرف هایی از نقره و لیوان هایی که بود شیشه

قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (16 انسان)

ظرف های شیشه ای از نقره، به اندازه گذاشتند آن را، به اندازه گذاشتنی

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا (17 انسان)

و آب داده می شوند در آن، جامی که بود طبع آن، زنجبیلی

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (18 انسان)

چشمه ای در آن است که نامگذاری کرده شد، سلسبیل (=آب روان و خوشگوار)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا (19 انسان)

و می چرخند بر آنان کودکانی (یا بنده هایی) جاودانی شده ها، اگر دیدی آنان را، گمان کردی که آنان مروارید افشانده شده هستند

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا (20 انسان)

و اگر دیدی آنجا را، دیدی ناز و نعمتی و سلطه ای بزرگ را

عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (21 انسان)

بالای آنان، لباس های ابریشمی به رنگ سبز، و دیبایی، و آراسته شدند با دستبندهای از نقره، و آب داد به آنان ربّشان، نوشیدنی ای پاک را

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (22 انسان)

همانا این بود برای شما پاداشی، و بود تلاشتان به شکل سپاسگزاری شده

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (23 انسان)

همانا ما خود، نازل کردیم بر تو قرآن را، نازل کردنی

(قرآن از جانب خداوند بر پیامبر نازل شد.)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (24 انسان)

پس شکیبایی کن بر قضاوت کردن (یا حکم صادر کردن) ربّت، و اطاعت نکن از آنان، گناهکاری یا کافری (یا ناسپاسی) را

(حکمی که خداوند صادر کرده است، در قرآن بیان شده است.)

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (25 انسان)

و به یاد آور نام ربّت را، بامدادان و تنگِ غروب

(زمان نماز صبح و مغرب، بیان شده است.)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (26 انسان)

و از شب، پس سجده کن (یا از روی فروتنی خم شو) برای او، و تسبیح بگو برای او، شبی بلند را

(در مورد نماز شب بیان شده است و البته به پیامبر بیان شده است و واجب برای دیگر مسلمانان نیست.)

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (27 انسان)

همانا اینان دوست دارند شتابان را، و رها می کنند پشتشان، روزی سنگین را

(منظور از عبارت اینان دوست دارند شتابان را، و رها می کنند پشتشان، روزی سنگین را، این است که اینان برخورداری از زندگی دنیا را دوست دارند و روز قیامت را نادیده می گیرند و به آن توجهی ندارند.)

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا (28 انسان)

ما آفریدیم آنان را، و توانمند کردیم قدرتشان را، و اگر خواستیم جایگزین کردیم شبیه های آنان را، جایگزینی ای

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (29 انسان)

همانا این عامل یادآوری ای است، پس کسی که خواست، گرفت به ربّش راهی را

(قرآن، عامل یادآوری است. کسی که بخواهد، راهی را به خداوند در پیش می گیرد. هر فردی در زمینه ی دینِ خود، خودش تصمیم گیرنده است و هر کسی بخواهد، راه هدایت را انتخاب می کند و هر کسی بخواهد، گمراهی را انتخاب می کند و هیچ اجباری در زمینه ی دین وجود ندارد. آنهایی که به نام خدا و دین، می خواهند مردم را به آنچه که آنان، آن را هدایت می نامند، وادار نمایند، جز دروغ به خدا و دین نمی بندند و رفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد.)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (30 انسان)

و نمی خواهید جز اینکه بخواهد خدا، همانا خدا بود دانایی صاحب حکمت

(هدایت انسان ها، به خواست خداوند صورت می پذیرد و خداوند کسی را که بخواهد، هدایت می نماید و کسی را که بخواهد، گمراه می نماید.)

يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (31 انسان)

داخل می کند کسی را که می خواهد در مهربانی اش، و ستمکاران را آماده کرد برای آنان، عذابی دردناک را

سوره مرسلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (1 مرسلات)

سوگند به فرستاده شدگانِ بخششی

فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (2 مرسلات)

پس بادهای تند و سخت است، تند وزیدنی

وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا (3 مرسلات)

سوگند به پخش کنندگانِ به صورت پخش کردن

فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا (4 مرسلات)

پس جدا کننده ها به صورت جدا کردن

فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (5 مرسلات)

پس ابلاغ کنندگانِ به یاد آوردنی

عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (6 مرسلات)

عذری (یا حجتی)، یا هشداری

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ (7 مرسلات)

همانا آنچه را وعده داده می شوید، یقیناً رخ دهنده است

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (8 مرسلات)

پس اگر ستارگان محو کرده شد

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (9 مرسلات)

و اگر آسمان باز کرده شد

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ (10 مرسلات)

و اگر کوه ها منهدم کرده شد

وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ (11 مرسلات)

و اگر فرستادگان، دارای وقت شد

لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ (12 مرسلات)

در کدامین روز، زمان تعیین کرده شد

لِيَوْمِ الْفَصْلِ (13 مرسلات)

برای روز جدا کردن

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ (14 مرسلات)

و با خبر نکرد تو را، که چیست روز جدا کردن

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (15 مرسلات)

وای بر تکذیب کنندگان، در آن روز

أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ (16 مرسلات)

آیا هرگز هلاک نکردیم نخست ها را

ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ (17 مرسلات)

سپس می رسانیم به آنان، واپسین ها را

كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (18 مرسلات)

اینچنین انجام می دهیم با بدکاران

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (19 مرسلات)

وای بر تکذیب کنندگان، در آن روز

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (20 مرسلات)

آیا هرگز نیافریدیم شما را از آبی حقیر و زبون

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (21 مرسلات)

پس قرار دادیم آن را، در مایه ی آرامشی استوار

(منظور از مایه ی آرامشی استوار، رحم مادر است.)

إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ (22 مرسلات)

تا اندازه ای شناخته شده

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ (23 مرسلات)

پس مقدّر کردیم، پس چه خوب مقدّر کننده ها است

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (24 مرسلات)

وای بر تکذیب کنندگان در آن روز

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (25 مرسلات)

آیا هرگز قرار ندادیم زمین را به صورت ملحق کردنی

أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا (26 مرسلات)

زنده ها و مرده ها

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا (27 مرسلات)

و قرار دادیم در آن، کوه های استوار بلند شونده ای را، و آب دادیم به شما، آبی بسیار گوارا را

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (28 مرسلات)

وای بر تکذیب کنندگان در آن روز

انْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (29 مرسلات)

بروید به آنچه که آن را تکذیب می کردید

انْطَلِقُوا إِلَى ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (30 مرسلات)

بروید به سایه ای که دارنده ی سه بخش است

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ (31 مرسلات)

نه به صورت سایه دار است و نه بی نیاز می کند از زبانه ی آتش

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (32 مرسلات)

همانا آن پرتاب می کند از جرقه ی آتشی مانند کاخ

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ (33 مرسلات)

مانند اینکه همانا آن، شترهایی به صورت مس است

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (34 مرسلات)

وای بر تکذیب کنندگان، در آن روز

هَذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ (35 مرسلات)

این روزی است که سخن نمی گویند

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (36 مرسلات)

و گوش داده نمی شود به آنان، پس عذرخواهی می کنند

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (37 مرسلات)

وای بر تکذیب کنندگان، در آن روز

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ (38 مرسلات)

این روز جدا کردن است، گردآوری کردیم شما و نخست ها را

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ (39 مرسلات)

پس اگر بود برای شما فریب دادنی، پس فریب دهید مرا

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (40 مرسلات)

وای بر تکذیب کنندگان، در آن روز

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ (41 مرسلات)

همانا پرهیزکاران، در سایه ها و چشمه ها هستند

وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ (42 مرسلات)

و میوه ها، از آنچه بسیار دوست دارند

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (43 مرسلات)

بخورید و بیاشامید به صورت گوارا، به سبب آنچه انجام می دادید

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (44 مرسلات)

همانا ما اینچنین پاداش می دهیم بسیار نیکوکاران را

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (45 مرسلات)

وای بر تکذیب کنندگان، در آن روز

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ (46 مرسلات)

بخورید و برخوردار شوید اندکی، همانا شما بدکاران هستید

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (47 مرسلات)

وای بر تکذیب کنندگان، در آن روز

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ (48 مرسلات)

و اگر گفته شد به آنان، رکوع کنید، رکوع نمی کنند

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (49 مرسلات)

وای بر تکذیب کنندگان، در آن روز

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (50 مرسلات)

پس به کدامین سخن، پس از آن، ایمان می آورند

(منظور از آن، در عبارت پس به کدامین سخن پس از آن، ایمان می آورند، قرآن است.

ای پیروان مذهب شیعه و سنّی، به کدامین سخن پس از قرآن، ایمان آورده اید. اسلامی که شما پیرو آن هستید و بسیاری از احکام آن را از منابعی غیر از قرآن، مانند سنّت پیامبر، و رفتار و گفتار امامان شیعه، به دست آورده اید، اسلام حقیقی نیست، بلکه دروغی است که به خدا بسته اید و فقط نام آن را اسلام گذاشته اید.)

سوره نبأ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (1 نبأ)

از چه، از یکدیگر می پرسند

عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ (2 نبأ)

از خبر بزرگ

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (3 نبأ)

آنکه، آنان در آن، دارای اختلاف هستند

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (4 نبأ)

هرگز چنین نیست، خواهند دانست

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (5 نبأ)

سپس هرگز چنین نیست، خواهند دانست

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (6 نبأ)

آیا هرگز قرار ندادیم زمین را، بستری

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (7 نبأ)

و کوه ها را، میخ هایی

وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (8 نبأ)

و آفریدیم شما را، جفت ها

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (9 نبأ)

و قرار دادیم خوابیدن شما را، آسایشی

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا (10 نبأ)

و قرار دادیم شب را، لباسی

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (11 نبأ)

و قرار دادیم روز را، روزی ای (=رزقی)

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (12 نبأ)

و بنا کردیم بالایتان را، به صورت هفت استوار

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا (13 نبأ)

و قرار دادیم چراغ روشنایی ای، بسیار درخشان

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا (14 نبأ)

و نازل کردیم از ابرهای باران زا، آبی تند ریزان را

لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (15 نبأ)

تا خارج کنیم با آن، دانه ای و گیاهی را

وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (16 نبأ)

و باغ هایی انبوه را

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (17 نبأ)

همانا روز جدا کردن، بود وعده ای

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (18 نبأ)

روزی که دمیده می شود در صور (=شاخی که در آن می دمند)، پس می آیید به صورت جماعت ها

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (19 نبأ)

و باز شد آسمان، پس بود درهایی

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (20 نبأ)

و به حرکت واداشته شد کوه ها، پس بود سرابی

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (21 نبأ)

همانا جهنم بود کمینگاهی

لِلطَّاغِينَ مَآبًا (22 نبأ)

برای از اندازه تجاوز کنندگان، برگشتی است

لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا (23 نبأ)

ساکنان در آن، برای روزگارانی

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (24 نبأ)

نمی چشند در آن سرمایی، و نه نوشیدنی ای را

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (25 نبأ)

جز آب گرمی و خونابه ای

جَزَاءً وِفَاقًا (26 نبأ)

پاداشی است، به صورت سازگاری

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (27 نبأ)

همانا آنان امید نداشتند به حساب کردنی

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا (28 نبأ)

و تکذیب کردند آیات ما را، تکذیب کردنی

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (29 نبأ)

و هر چیزی را، شمارش کردیم آن را، مقرر کردنی

فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (30 نبأ)

پس بچشید، پس هرگز نمی افزاییم شما را، جز عذابی

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (31 نبأ)

همانا برای پرهیزکاران، مایه ی رستگاری ای است

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (32 نبأ)

باغ ها و انگورها است

وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (33 نبأ)

و برآمده سینه های همسال

وَكَأْسًا دِهَاقًا (34 نبأ)

و جامی لبریز

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا (35 نبأ)

نمی شنوند در آن باطلی را، و نه تکذیب کردنی را

جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (36 نبأ)

پاداشی است از ربّت، بخششی به صورت شمارش کردن است

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (37 نبأ)

ربّ آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است، بخشاینده، مالک نمی شوند از او گفتمانی را

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (38 نبأ)

روزی که به پا می ایستد روح، و فرشتگان به صورت ردیف، سخن نمی گویند، جز کسی که اجازه داد بر او بخشاینده، و گفت به صورت درست

ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ مَآبًا (39 نبأ)

آن است روز حقیقت، پس کسی که خواست، گرفت به ربّش بازگشتی را

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (40 نبأ)

همانا ما هشدار دادیم به شما عذابی نزدیک را، روزی که می نگرد انسان به آنچه پیش انداخت دو دستش، و می گوید کافر، ای کاش من بودم به صورت خاک

سوره نازعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا (1 نازعات)

سوگند به از جا درآورندگانِ به صورت نیرومند

وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا (2 نازعات)

سوگند به خارج شونده ها، خارج شدنی

وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا (3 نازعات)

سوگند به تیزروها، به سرعت حرکت کردنی

فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (4 نازعات)

پس جلو زننده ها، جلو زدنی

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (5 نازعات)

پس اداره کنندگانِ کاری

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (6 نازعات)

روزی که می لرزد، لرزنده ای

تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ (7 نازعات)

به دنبال آن می آید، در پی درآینده

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (8 نازعات)

دل هایی در آن روز، به صورت مضطرب است

أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (9 نازعات)

چشم هایش، به صورت مطیع است

يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ (10 نازعات)

می گویند آیا همانا ما یقیناً برگردانده شده ها هستیم از زمین حفر شده

أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً (11 نازعات)

آیا اگر بودیم استخوان هایی پوسیده

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (12 نازعات)

گفتند، آن بدین ترتیب، دفعه ای از دست داده است

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (13 نازعات)

پس همانا آن، فریادی یگانه است

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ (14 نازعات)

پس ناگهان آنان، بر سطح زمین هستند

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (15 نازعات)

آیا رسید به تو خبر موسی

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (16 نازعات)

هنگامی که صدا کرد او را ربّش، به درّه ی پاکیزه شده ی طوی (=جلگه ای است در دامنه ی کوه طور)

اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (17 نازعات)

برو به فرعون، همانا او از اندازه تجاوز کرد

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى (18 نازعات)

پس بگو آیا برای شما است، به اینکه پاک و منزه کنی

وَأَهْدِيَكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى (19 نازعات)

و هدایت کنم تو را به ربّت، پس بترسی

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى (20 نازعات)

پس نشان داد به او، نشانه ی بزرگتر را

فَكَذَّبَ وَعَصَى (21 نازعات)

پس تکذیب کرد و نافرمانی کرد

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (22 نازعات)

سپس پشت کرد، تلاش ورزید

فَحَشَرَ فَنَادَى (23 نازعات)

پس گرد هم آورد، پس صدا کرد

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى (24 نازعات)

پس گفت، من ربّ برترتان هستم

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (25 نازعات)

پس گرفت او را خدا، به مجازات آخرت و نخست

(مجازات نخست، مجازاتی است که در این دنیا روی دهد.)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى (26 نازعات)

همانا در آن یقیناً پندی است برای کسی که می ترسد

أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا (27 نازعات)

آیا شما نیرومندتر هستید از نظر آفریدن، یا آسمان، که بنا کرد آن را

رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا (28 نازعات)

بالا بُرد بلندی (یا سقف) آن را، پس منظم کرد آن را

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (29 نازعات)

و تاریک کرد شبِ آن را، و آشکار کرد خورشیدش (یا روشنی اش) را

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا (30 نازعات)

و زمین را پس از آن، گستراند آن را

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا (31 نازعات)

آشکار کرد از آن، آب آن را و چراگاه آن را

وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا (32 نازعات)

و کوه ها، متوقف کرد آن را

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (33 نازعات)

کالایی برای شما، و برای دام شما

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى (34 نازعات)

پس اگر آمد پیشامد بسیار بد بزرگتر

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (35 نازعات)

روزی که به یاد می آورد انسان، آنچه را تلاش ورزید

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى (36 نازعات)

و آشکار کرده شد آتش بسیار گرم و سوزان، برای کسی که می بیند

فَأَمَّا مَنْ طَغَى (37 نازعات)

پس لیکن کسی که از اندازه تجاوز کرد

وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (38 نازعات)

و برتر دانست زندگی دنیا را

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (39 نازعات)

پس همانا آتش بسیار گرم و سوزان، خود پناهگاه است

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (40 نازعات)

و لیکن کسی که ترسید از منزلت ربّش، و منع کرد روان را از خواسته

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (41 نازعات)

پس همانا باغ، خود پناهگاه است

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (42 نازعات)

می پرسند از تو از هنگام قیامت، که چه وقت است لنگر انداختنش

فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا (43 نازعات)

به دلیل چیست تو را، از یادآوری آن

إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا (44 نازعات)

به ربّت، پایان آن است

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرُ مَنْ يَخْشَاهَا (45 نازعات)

همانا تو هشدار دهنده ی کسی که از آن می ترسد، هستی

(پیامبر هشدار دهنده بود و اینکه کسی راه هدایت را انتخاب کند یا گمراهی را، خودش تصمیم گیرنده است و هیچ اجباری در دین وجود ندارد.)

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (46 نازعات)

مانند این است که همانا آنان، روزی که می بینند آن را، هرگز درنگ نکردند جز شامگاهی را، یا روشنی اش را

(روزی که قیامت اتفاق می افتد، درک انسان ها از زمان مرگ تا هنگام قیامت، مانند گذر زمان یک شامگاه یا روشنی شامگاه است.)

سوره عبس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

عَبَسَ وَتَوَلَّى (1 عبس)

ترشرویی کرد و روی برتافت

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (2 عبس)

اینکه آمد نزد او نابینا

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى (3 عبس)

و اطلاع داده نمی شود به تو، شاید او اصلاح کند

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى (4 عبس)

یا یادآوری می کند، پس سود رساند به او یادآوری

أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى (5 عبس)

لیکن کسی که بی نیاز شد

فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (6 عبس)

پس تو به او پرداختی

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (7 عبس)

و نیست بر علیه تو، که اصلاح نکند

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (8 عبس)

و لیکن کسی که آمد نزد تو، که تلاش می ورزد

وَهُوَ يَخْشَى (9 عبس)

و او می ترسد

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى (10 عبس)

پس تو به جای او، مشغول می کنی

(تو به جای توجه به او، به دیگران توجه می کنی.)

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (11 عبس)

هرگز چنین نیست، همانا آن، عامل یادآوری ای است

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ (12 عبس)

پس کسی که خواست، به یاد آوَرد آن را

(قرآن، عامل یادآوری است برای کسی که بخواهد به یاد آورد. در دین هیچ اجباری وجود ندارد و هر کسی خود، تصمیم گیرنده در زمینه دین خود است.)

فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ (13 عبس)

در کاغذهای نوشته شده ای، که بزرگوار دانسته شده است

(این آیه و آیه های 14 و 15 و 16 در مورد قرآن بیان شده است.)

مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ (14 عبس)

بالا برده شده ای پاک شده

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (15 عبس)

به دستان نویسندگانی

كِرَامٍ بَرَرَةٍ (16 عبس)

ارجمندانی نیکوکار

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ (17 عبس)

کشته باد انسان، چگونه کفر ورزید به او

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (18 عبس)

از کدامین چیزی، آفرید او را

مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (19 عبس)

از نطفه ای آفرید او را، پس مقدّر کرد او را

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (20 عبس)

سپس راه را آسان کرد برای او

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (21 عبس)

سپس میراند او را، پس به خاک سپرد او را

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ (22 عبس)

سپس اگر خواست، دوباره زنده کرد او را

(در مورد زنده شدن مردگان در روز قیامت، بیان شده است.)

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (23 عبس)

هرگز چنین نیست، انجام نداد آنچه را فرمان داد به او

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (24 عبس)

پس باید بنگرد انسان، به خوراکش

أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (25 عبس)

همانا ما ریختیم آب را، ریختنی

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (26 عبس)

سپس شکافتیم زمین را، شکافتنی

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (27 عبس)

پس رویانیدیم در آن، دانه ای را

وَعِنَبًا وَقَضْبًا (28 عبس)

و انگوری و درخت بلندی، با شاخه های فروهشته

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (29 عبس)

و درخت زیتونی و درخت خرمایی

وَحَدَائِقَ غُلْبًا (30 عبس)

و باغ های پر درخت

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (31 عبس)

و میوه ای و چراگاهی

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (32 عبس)

کالایی برای شما و برای دامتان

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ (33 عبس)

پس اگر آمد فریادی نیرومند که کر کننده ی گوش است

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (34 عبس)

روزی که فرار می کند شخص از برادرش

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (35 عبس)

و مادرش و پدرش

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (36 عبس)

و همنشینش و فرزندانش

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (37 عبس)

برای هر کسی از آنان در آن روز، مطلبی است که بی نیاز می کند او را

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ (38 عبس)

چهره هایی در آن روز، درخشان است

ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ (39 عبس)

خندانی شادمان است

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ (40 عبس)

و چهره هایی در آن روز، بر آن، غُباری است

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (41 عبس)

ملحق می شود به آن، دودی سیاهی

أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ (42 عبس)

آنان خود، کافران عدول کننده از حق، هستند

سوره تکویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (1 تکویر)

اگر خورشید به هم پیچیده شد

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (2 تکویر)

و اگر ستارگان پراکنده شد

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (3 تکویر)

و اگر کوه ها به حرکت واداشته شد

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (4 تکویر)

و اگر ماده شتران زائو، بدون چوپان گذاشته شد

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (5 تکویر)

و اگر حیوانات وحشی، گرد هم آورده شد

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (6 تکویر)

و اگر دریاها، خروشان شد

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (7 تکویر)

و اگر جان ها، پیوند داده شد

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (8 تکویر)

و اگر دختر زنده بگور شده، سؤال کرده شد

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (9 تکویر)

به کدامین گناه، کشته شد

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (10 تکویر)

و اگر کاغذهای نوشته شده، گسترانده کرده شد

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (11 تکویر)

و اگر آسمان، آشکار کرده شد

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (12 تکویر)

و اگر آتش بسیار گرم و سوزان، شعله ور کرده شد

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ (13 تکویر)

و اگر باغ، نزدیک کرده شد

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ (14 تکویر)

دانست جان، آنچه را حاضر کرد

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ (15 تکویر)

پس سوگند نمی خورم به سیّارات (=سیاره ی اخترشناسی)

الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (16 تکویر)

نزدیکی جارو کننده ها (یا در سوراخ پنهان شونده ها)

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ (17 تکویر)

سوگند به شب، اگر تاریک شد

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (18 تکویر)

سوگند به بامداد، اگر سپیده زد

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (19 تکویر)

همانا آن یقیناً، سخن فرستاده ای ارجمند است

(در مورد قرآن، بیان شده است.)

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (20 تکویر)

دارنده ی قدرتی، نزد صاحب عرشِ بلند مرتبه است

مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (21 تکویر)

مورد اطاعت است، آنجا قابل اعتماد است

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (22 تکویر)

و نیست همنشین شما، دیوانه ای

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ (23 تکویر)

و یقیناً به درستی دید او را، بر افقِ آشکار

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (24 تکویر)

و نیست او بر پنهان، بخیل

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (25 تکویر)

و نیست آن، از سخن شیطان سنگسار شده (یا ملعون)

(در مورد قرآن، بیان شده است.)

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (26 تکویر)

پس کجا می‌روید

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (27 تکویر)

نیست آن، جز به یاد آوردنی برای جهانیان

(در مورد قرآن، بیان شده است.)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (28 تکویر)

برای کسی که خواست از شما، اینکه راست شود

(قرآن برای کسی که بخواهد هدایت شود، عامل هدایت است. هیچ اجباری در دین وجود ندارد و هر کسی خود، در این زمینه تصمیم گیرنده برای خود است.)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (29 تکویر)

و نمی خواهید جز اینکه بخواهد خدا، ربّ جهانیان

(هدایت و گمراهی انسان ها، به خواست خداوند انجام می پذیرد. خداوند اگر بخواهد کسی هدایت شود، هدایت می شود و اگر بخواهد کسی گمراه شود، گمراه می شود.)

سوره انفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (1 انفطار)

اگر آسمان، شکافته شد

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ (2 انفطار)

و اگر ستارگان، افشانده شد

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (3 انفطار)

و اگر دریاها، فوران کرده شد

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (4 انفطار)

و اگر قبرها، به هم ریخته شد

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (5 انفطار)

دانست شخص، آنچه را پیش انداخت و عقب انداخت

(این آیات در مورد قیامت بیان شده است.)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (6 انفطار)

ای انسان، چه فریب داد تو را، به ربّ ارجمندت

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (7 انفطار)

آنکه آفرید تو را، پس منظم کرد تو را، پس همتراز کرد تو را

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ (8 انفطار)

به کدامین شمایلی که خواست، ترکیب کرد تو را

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ (9 انفطار)

هرگز چنین نیست، بلکه تکذیب می کنید جزا را

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ (10 انفطار)

و همانا بر شما، یقیناً نگهبانانی است

كِرَامًا كَاتِبِينَ (11 انفطار)

ارجمندانی نویسنده

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (12 انفطار)

می دانند آنچه را انجام می دهید

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (13 انفطار)

همانا نیکوکاران، یقیناً در ناز و نعمت هستند

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (14 انفطار)

و همانا عدول کنندگان از حق، یقیناً در آتش بسیار گرم و سوزان هستند

يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ (15 انفطار)

وارد می شوند به آن، روز جزا

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ (16 انفطار)

و نیستند آنان از آن، غایب شونده ها

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (17 انفطار)

و با خبر نکرد تو را، که چیست روز جزا

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (18 انفطار)

سپس با خبر نکرد تو را، که چیست روز جزا

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (19 انفطار)

روزی که مالک نمی شود شخصی برای شخصی چیزی را، و فرمان در آن روز، برای خداست

(در روز قیامت، کسی نمی تواند چیزی را برای کسی تغییر دهد و فرمان در آن روز برای خداوند است.)

سوره مطففين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ (1 مطففين)

وای بر کم فروشان

الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (2 مطففين)

کسانی که اگر پیمانه کردند برای مردم، کاملاً می گیرند

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (3 مطففين)

و اگر پیمانه کردند برای آنان، یا وزن کردند برای آنان، زیان می رسانند

(کسانی که کم فروشی می کنند اگر برای خرید کالایی از مردم، کالا را وزن یا پیمانه می کنند با دقت و کامل وزن یا پیمانه می کنند و کالا را کامل دریافت می کنند و اگر برای فروش کالایی به مردم، کالا را وزن یا پیمانه می کنند کمتر از وزنی که باید به خریدار بدهند را به او می دهند. این بیان کننده تعمد در این کار است زیرا اگر غیر عمدی این کار انجام می پذیرفت، هم برای خرید و هم برای فروش باید اتفاق می افتاد و نه فقط برای فروش.)

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (4 مطففين)

آیا گمان نمی کنند آنان، که همانا آنان برانگیخته شدگانند

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (5 مطففين)

برای روزی بزرگ

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (6 مطففين)

روزی که به پا می ایستد مردم، نزد ربّ جهانیان

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ (7 مطففين)

هرگز چنین نیست، همانا کتاب عدول کنندگان از حق، یقیناً در سجین است

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ (8 مطففين)

و با خبر نکرد تو را، که چیست سجین

كِتَابٌ مَرْقُومٌ (9 مطففين)

مقرر کردنی است، نوشته شده

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (10 مطففين)

وای بر تکذیب کنندگان در آن روز

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (11 مطففين)

کسانی که تکذیب می کنند روز جزا را

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (12 مطففين)

و تکذیب نمی کند آن را، جز هر تجاوز کننده ی گناهکاری

إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (13 مطففين)

اگر خوانده شود برای او آیات ما، گفت افسانه‌های قدیمی نخست ها است

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (14 مطففين)

هرگز چنین نیست، بلکه چیره شد بر دل هایشان، آنچه را گرد می آوردند

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ (15 مطففين)

هرگز چنین نیست، همانا آنان از ربّشان در آن روز، یقیناً پوشیده و پنهان ها هستند

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ (16 مطففين)

سپس همانا آنان یقیناً، هجوم بردند به آتش بسیار گرم و سوزان

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (17 مطففين)

سپس گفته می شود، این است که آن را تکذیب می کردید

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ (18 مطففين)

هرگز چنین نیست، همانا کتاب نیکوکاران یقیناً در بلندی ها است

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ (19 مطففین)

و با خبر نکرد تو را، که چیست بلندی ها

كِتَابٌ مَرْقُومٌ (20 مطففین)

مقرر کردنی است، نوشته شده

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (21 مطففین)

مشاهده می کند آن را (یا گواهی می دهد به آن)، نزدیکان

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (22 مطففین)

همانا نیکوکاران یقیناً، در ناز و نعمت هستند

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (23 مطففین)

بر تخت ها، نگاه می کنند

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (24 مطففین)

می شناسی در چهره هایشان، شادابی ناز و نعمت را

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ (25 مطففین)

آب داده می شوند از مشروبی مهر شده

خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (26 مطففین)

مُهر و موم آن مُشک است، و برای آن، پس باید به رقابت برخیزد رقیبان

وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ (27 مطففین)

و طبع آن از تسنیم است

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (28 مطففین)

چشمه ای است که سیراب می شود با آن، نزدیکان

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (29 مطففین)

همانا کسانی که مرتکب جرم شدند، از کسانی که ایمان آوردند را، مسخره می کردند

(کسانی که مرتکب جرم شدند، کسانی که ایمان آوردند را مسخره می کردند.)

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (30 مطففین)

و اگر عبور کردند از آنان، با چشم به هم اشاره می دهند

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمُ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (31 مطففين)

و اگر بازگشتند به خانوادشان، بازگشتند بذله گویان

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (32 مطففين)

و اگر دیدند آنان را، گفتند همانا اینان، یقیناً گمراهان هستند

وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ (33 مطففين)

و فرستاده نشدند بر آنان، نگهبانان

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (34 مطففين)

پس امروز کسانی که ایمان آوردند، به جهت کافران، می خندند (یا مسخره می کنند)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (35 مطففين)

بر تخت ها، نگاه می کنند

هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (36 مطففين)

آیا بازگشت داده شد (یا جزا داده شد) کافران، به آنچه انجام می دادند

سوره انشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ (1 انشقاق)

اگر آسمان شکافته شد

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (2 انشقاق)

و گوش فرا داد به ربّش، و بایسته کرده شد

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (3 انشقاق)

و اگر زمین کشیده شد

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (4 انشقاق)

و دور ریخت آنچه در آن است، و رها کرد

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (5 انشقاق)

و گوش فرا داد به ربّش، و بایسته کرده شد

(این آیات، در مورد روز قیامت بیان شده است.)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (6 انشقاق)

ای انسان، همانا تو زحمتکشی هستی به ربّت، بسیار زحمت کشیدنی، پس ملاقات کننده ی او هستی

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (7 انشقاق)

پس لیکن کسی که داده شد کتابش، به دست راستش

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (8 انشقاق)

پس به زودی حساب کرده می شود، حساب کردنی آسان

وَيَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا (9 انشقاق)

و بر می گردد به بستگانش، به صورت شادمان

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (10 انشقاق)

و لیکن کسی که داده شد کتابش، پشت کمرش

فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (11 انشقاق)

پس به زودی صدا می کند نابودی ای را

وَيَصْلَى سَعِيرًا (12 انشقاق)

و درآید به زبانه ی آتشی

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (13 انشقاق)

همانا او بود در بستگانش، به صورت شادمان

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (14 انشقاق)

همانا او گمان بُرد، اینکه هرگز باز نمی گردد

بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (15 انشقاق)

آری، همانا ربّ او بود به او، به صورت بینا

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (16 انشقاق)

پس سوگند نمی خورم به سرخی نور خورشید در اول شب

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (17 انشقاق)

سوگند به شب، و آنچه جمع آوری کرد

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (18 انشقاق)

سوگند به ماه، اگر کامل شد

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ (19 انشقاق)

یقیناً طی می کنید حالی، از حالی را

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (20 انشقاق)

پس آنان را چه شده که ایمان نمی آورند

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (21 انشقاق)

و اگر خوانده شد بر آنان قرآن، سجده نمی کنند

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ (22 انشقاق)

بلکه کسانی که کفر ورزیدند، تکذیب می‌کنند

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (23 انشقاق)

و خدا داناتر است به آنچه در بر می گیرند

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (24 انشقاق)

پس مژده ده به آنان، عذابی دردناک را

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (25 انشقاق)

جز کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، برای آنان پاداشی بدون منّت گذاشته شده (یا بدون قطع شده) است

سوره بروج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (1 بروج)

سوگند به آسمانِ دارنده ی صورت های فَلَکی

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (2 بروج)

سوگند به روزی که وعده داده شده است

(منظور روز قیامت است.)

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ (3 بروج)

سوگند به مشاهده کننده ای و مورد مشاهده ای

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (4 بروج)

کشته باد همنشینان شیارِ زمین

(در مورد برخوردی که کافران با مؤمنان انجام داده بودند، بیان شده است.)

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ (5 بروج)

آتش دارنده ی آتشگیره (=سوخت)

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (6 بروج)

هنگامی که آنان، بر آن نشسته ها بودند

وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (7 بروج)

و آنان بر آنچه انجام می دهند با مؤمنان، گواهی دهندگان هستند

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (8 بروج)

و مجازات نکردند از آنان را، جز اینکه ایمان می آورند به خدای ارجمند ستوده

(کافران به خاطر ایمان آوردن مؤمنان، آنها را مجازات کردند.)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (9 بروج)

آنکه برای اوست سلطه ی آسمان ها و زمین، و خدا بر هر چیزی گواه است

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (10 بروج)

همانا کسانی که در آشوب افکندند مردان و زنان مؤمن را، سپس هرگز بازنگشتند، پس برای آنان عذاب جهنم است، و برای آنان عذاب شعله آتش است

(منظور از عبارت سپس هرگز بازنگشتند، این است که آنان هرگز ایمان نیاوردند.)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (11 بروج)

همانا کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، برای آنان باغ هایی است که جاری می شود از زیر آن رودها، آن موفقیت بزرگ است

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (12 بروج)

همانا دلیری ربّت، یقیناً نیرومند است

إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ (13 بروج)

همانا او خود، به وجود می آورد و باز می گرداند (یا تکرار می کند)

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (14 بروج)

و او بسیار آمرزنده ی پُر مهر است

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (15 بروج)

دارنده ی عرش بلند مرتبه است

فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ (16 بروج)

اثر بخش است برای آنچه می خواهد

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ (17 بروج)

آیا آمد نزد تو، خبر لشکریان

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ (18 بروج)

فرعون و ثمود

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (19 بروج)

بلکه کسانی که کفر ورزیدند، در انکاری هستند

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ (20 بروج)

و خدا از پشت سر آنان، احاطه کننده است

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ (21 بروج)

بلکه آن، قرآنی بلند مرتبه است

فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ (22 بروج)

در لوحی نگهداری شده

سوره طارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (1 طارق)

سوگند به آسمان، و آنکه شب، سر رسد (یا ستاره ی صبح)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (2 طارق)

و با خبر نکرد تو را، که چیست، آنکه شب سر رسد (یا ستاره ی صبح)

النَّجْمُ الثَّاقِبُ (3 طارق)

ستاره ی نافذ است

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (4 طارق)

نیست هر کسی، جز اینکه بر آن، نگهدارنده ای است

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (5 طارق)

پس باید ببیند انسان، که از چه آفریده شد

خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ (6 طارق)

آفریده شد از آبی جهنده

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (7 طارق)

خارج می شود از بین ستون فقرات و استخوان های سینه

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (8 طارق)

همانا او، بر برگرداندن او، یقیناً توانا است

(خداوند، بر زنده کردن مجدد انسان در روز قیامت، توانا است.)

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (9 طارق)

روزی که آشکار شود رازها

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (10 طارق)

پس نیست برای او از قدرتی، و نه یاری کننده ای

(منظور از او، انسان است.)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (11 طارق)

سوگند به آسمانِ دارنده ی باران پیاپی

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (12 طارق)

سوگند به زمینِ دارنده ی شکافتن

إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ (13 طارق)

همانا آن یقیناً، سخنِ جدا کردن است

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (14 طارق)

و نیست آن، مزاح

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (15 طارق)

همانا آنان نیرنگ می زنند، نیرنگ زدنی را

وَأَكِيدُ كَيْدًا (16 طارق)

و نیرنگ می زنم، نیرنگی را

فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا (17 طارق)

پس مدارا کن (یا مهلت ده) به کافران، به نرمی و ملایمت رفتار کن با آنان (یا مهلت ده به آنان)، به آرامی

(خداوند به پیامبر بیان کرده که با کافران مدارا کن و با آنها به ملایمت رفتار کن. به پیامبر بیان نشده که به جان و مال کافران تعرض داشته باش و آنها را به خاطر کافر بودنشان، مورد آزار قرار بده و آنها را بکش. این رفتارها، که از سوی برخی، به نام خدا و دین انجام می شود، هیچ ارتباطی با خدا و دین ندارد و جز دروغ بر خدا و دین نیست. انجام دهندگان این اعمال حتی بویی از انسانیت نبرده اند.)

سوره اعلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (1 اعلی)

تسبیح بگوی نام ربّ برترت را

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (2 اعلی)

آنکه آفرید، پس منظم کرد

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (3 اعلی)

و آنکه مقدّر کرد، پس هدایت کرد

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى (4 اعلی)

و آنکه آشکار کرد چراگاه را

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى (5 اعلی)

پس قرار داد آن را، خاشاکی سرخ مایل به سیاه

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى (6 اعلی)

خواهیم خواند به تو، پس فراموش نکنی

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى (7 اعلی)

جز آنچه را خواست خدا، همانا او می داند آشکارا را، و آنچه را که پنهان می شود

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى (8 اعلی)

و تسهیل می کنیم برای تو، به آسانتر

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى (9 اعلی)

پس یادآوری کن، اگر نفع رساند یادآوری

سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَى (10 اعلی)

یادآوری خواهد کرد، کسی را که می ترسد

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (11 اعلی)

و اجتناب می ورزد از آن، بد بخت تر

الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى (12 اعلی)

آنکه درآید در آتش بزرگتر

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (13 اعلی)

سپس نمی میرد در آن، و نه زنده می شود

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (14 اعلی)

به درستی رستگار شد کسی که پاکیزه شد

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (15 اعلی)

و به یاد آوَرد نام ربّش را، پس نماز خواند

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (16 اعلی)

بلکه ترجیح می دهید زندگی دنیا را

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (17 اعلی)

و آخرت، بهتر و باقی تر است

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (18 اعلی)

همانا این یقیناً، در کاغذهای نوشته شده ی نخست است

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (19 اعلی)

کاغذهای نوشته شده ی ابراهیم و موسی

سوره غاشیة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (1 غاشیة)

آیا آمد نزد تو خبر حادثه ی ناگوار

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (2 غاشیة)

چهره هایی در آن روز مطیع است

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ (3 غاشیة)

عمل کننده ای، خسته کننده است

تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً (4 غاشیة)

در آید در آتشی داغ

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ (5 غاشیة)

آب داده می شود از چشمه ای، که به صورتِ نهایت شدت گرما است

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ (6 غاشیة)

نیست برای آنان خوراکی، جز از ضریع (=نوعی خار خشک تهوع آور است)

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (7 غاشية)

چاق نمی کند و کفایت نمی کند از گرسنگی

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ (8 غاشية)

چهره هایی در آن روز، راحت است

لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (9 غاشية)

بر تلاشش، خرسند است

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (10 غاشية)

در باغی بلند

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً (11 غاشية)

نمی شنود در آن باطلی را

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (12 غاشية)

در آن چشمه ای جاری شونده است

فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ (13 غاشية)

در آن تخت هایی بالا برده شده است

وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ (14 غاشية)

و جام هایی گذاشته شده است

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (15 غاشية)

و بالش های کوچک مرتب و منظم شده

وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ (16 غاشية)

و بالش هایی پخش کرده شده

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (17 غاشية)

آیا پس نمی نگرند به شتر، که چگونه آفریده شد

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (18 غاشية)

و به آسمان، که چگونه بالا برده شد

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (19 غاشية)

و به کوه ها، که چگونه برپا داشته شد

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (20 غاشية)

و به زمین، که چگونه گسترانده شد (یا مسطح کرده شد)

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (21 غاشية)

پس یادآوری کن، همانا تو به یاد آورنده هستی

(پیامبر، یادآوری کننده بوده است.)

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ (22 غاشية)

نیستی بر آنان، مسلط

(پیامبر کسی را به دین اجبار نمی کرده است و حق این کار را از جانب خداوند نداشته است.)

إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ (23 غاشية)

جز کسی که روی برتافت و کفر ورزید

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (24 غاشية)

پس عذاب می دهد به او خدا، عذاب بزرگ تر را

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (25 غاشية)

همانا به ما است بازگشت آنان

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (26 غاشية)

سپس همانا بر ما است شمارش کردن آنان

سوره فجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالْفَجْرِ (1 فجر)

سوگند به سپیده دم

وَلَيَالٍ عَشْرٍ (2 فجر)

و شب های ده گانه

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (3 فجر)

سوگند به عدد زوج و فرد

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (4 فجر)

سوگند به شب، اگر بر طرف شود

هَلْ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ (5 فجر)

آیا در آن، سوگندی است برای دارنده ی عقل

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (6 فجر)

آیا هرگز ندیدی چگونه انجام داد ربّت، با عاد

إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (7 فجر)

شهر ارم، دارنده ی ساختمان های بلند

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (8 فجر)

آنکه هرگز ساخته نشد نظیر آن، در شهرها

وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (9 فجر)

و ثمود، کسانی که سوراخ کردند سنگ های بزرگ و سخت را از درّه

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (10 فجر)

و فرعون، دارنده ی میخ ها

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (11 فجر)

کسانی که از اندازه تجاوز کردند در شهرها

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (12 فجر)

پس زیاد کردند در آن، تباهی را

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (13 فجر)

پس فرو فرستاد بر آنان ربّت، تازیانه ی عذاب را

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (14 فجر)

همانا ربّت یقیناً، بر کمینگاه است

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (15 فجر)

پس لیکن انسان، اگر تا آزمایش کرد او را ربّش، پس ارج نهاد بر او و در ناز و نعمت قرار داد او را، پس می گوید، ربّ من ارج نهاد بر من

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (16 فجر)

و لیکن اگر تا آزمایش کرد او را، پس تنگ آورد بر او روزی اش را، پس می گوید، ربّ من خوار کرد مرا

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (17 فجر)

هرگز چنین نیست، بلکه ارج نمی نهید یتیم را

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (18 فجر)

و تشویق نمی کنید بر خوراک بی چیز

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا (19 فجر)

و می خورید میراث را، خوردنی به صورت گردآوردن (=منظور اینکه علاوه بر سهم خود، سهم دیگران را نیز می خورید)

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (20 فجر)

و دوست دارید مال را، دلبستگی شدیدِ بسیاری

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (21 فجر)

هرگز چنین نیست، اگر صاف کرده شد زمین، صاف کردنی، صاف کردنی

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (22 فجر)

و آمد ربّت و فرشته ها، به صورت ردیف ردیف

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى (23 فجر)

و آوردند در آن روز جهنم را، در آن روز به یاد می آورد انسان، و چه موقع برای اوست یادآوری

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (24 فجر)

می گوید ای کاش من، جلو انداخته بودم برای زندگی ام

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (25 فجر)

پس در آن روز، عذاب نمی دهد عذابِ او را، کسی

(در آن روز، هیچ کسی عذاب او را نمی دهد.)

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (26 فجر)

و نمی بندد بندِ او را، کسی

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (27 فجر)

ای جانِ آرمیده

ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً (28 فجر)

بازگرد به ربّت، به صورت خرسندِ مورد رضایت

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (29 فجر)

پس داخل شو همراه بندگانم

وَادْخُلِي جَنَّتِي (30 فجر)

و داخل شو به باغم

سوره بلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (1 بلد)

سوگند نمی خورم به این شهر

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (2 بلد)

و تو ساکنی به این شهر

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ (3 بلد)

سوگند به زائو (=زایمان کرده) و آنچه زایید

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (4 بلد)

یقیناً به درستی، آفریدیم انسان را در مشقت

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (5 بلد)

آیا گمان می کند اینکه، هرگز توانمند نشود بر او کسی

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا (6 بلد)

می گوید نابود کردم دارایی بسیاری را

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (7 بلد)

آیا گمان می کند اینکه، هرگز ندید او را کسی

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (8 بلد)

آیا هرگز قرار ندادیم برای او، دو چشم

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (9 بلد)

و زبانی و دو لب

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (10 بلد)

و نشان دادیم به او، دو راه مرتفع را

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (11 بلد)

پس نیندیشیده وارد گردنه کوه نشد

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (12 بلد)

و با خبر نکرد تو را که چیست گردنه ی کوه

فَكُّ رَقَبَةٍ (13 بلد)

آزاد کردن برده ای

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (14 بلد)

یا خوراک دادن در روزی، صاحب گرسنگی ای را

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (15 بلد)

یتیمی، دارای خویشاوندی

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (16 بلد)

یا بی چیزی، دارای تنگدستی

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (17 بلد)

سپس بود از کسانی که ایمان آوردند، و به یکدیگر توصیه کردند به شکیبایی، و به یکدیگر توصیه کردند به مهربانی

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (18 بلد)

آنان همنشینان برکت (یا دست راست) هستند

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (19 بلد)

و کسانی که کفر ورزیدند به آیات ما، آنان همنشینان نحسی هستند

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ (20 بلد)

بر آنان آتشی روی هم گذاشته شده است

سوره شمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (1 شمس)

سوگند به خورشید و روشنی اش

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا (2 شمس)

سوگند به ماه، اگر به دنبال آن رفت

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا (3 شمس)

سوگند به روز، اگر آشکار کرد آن را

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (4 شمس)

سوگند به شب، اگر می پوشاند آن را

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (5 شمس)

سوگند به آسمان، و آنچه بنا کرد آن را

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (6 شمس)

سوگند به زمین، و آنچه پرتاب کرد آن را

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (7 شمس)

سوگند به جان، و آنچه منظم کرد آن را

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (8 شمس)

پس الهام کرد به آن، منحرف شدن آن را و پرهیزکاری آن را

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (9 شمس)

به درستی رستگار شد، کسی که پاک و منزه کرد آن را

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (10 شمس)

و به درستی ناموفق شد، کسی که پنهان کرد آن را

(هر کسی خود، تصمیم گیرنده است که راه هدایت را انتخاب کند یا گمراهی را. هیچ اجباری در دین وجود ندارد و سرانجام هدایت و گمراهی، در قرآن بیان شده است.)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (11 شمس)

تکذیب کرد ثمود، با بیدادگری اش

إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا (12 شمس)

هنگامی که برانگیخته شد، بدبخت ترین آن

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (13 شمس)

پس گفت بر آنان، فرستاده ی خدا، ماده شتر خدا است، و آب دهیِ آن را

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا (14 شمس)

پس تکذیب کردند او را، پس سر بریدند آن را، پس غرش کرد بر آنان ربّشان، به سبب گناهشان، پس مسطح کرد آن را

(آنها ماده شتر خداوند را سر بریدند.)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (15 شمس)

و نمی ترسد از پایان کار آن

سوره لیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (1 لیل)

سوگند به شب، اگر تاریک شود

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (2 لیل)

سوگند به روز، اگر آشکار شد

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى (3 لیل)

سوگند به آنچه آفرید، نر و ماده

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى (4 لیل)

همانا تلاشتان، یقیناً متفاوت است

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى (5 لیل)

پس لیکن کسی که عطا کرد و حذر کرد

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى (6 لیل)

و صادق شمرد نیکوتر را

(احتمالاً یعنی ایمان آورد.)

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى (7 لیل)

پس تسهیل خواهیم کرد برای او، از آسان تر را

(آسانی را برای او قرار خواهیم داد.)

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى (8 لیل)

و لیکن کسی که خست به خرج داد و بی نیاز شد

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى (9 لیل)

و تکذیب کرد نیکوتر را

(احتمالاً یعنی کفر ورزید.)

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى (10 لیل)

پس تسهیل خواهیم کرد برای او، از سختی را

(برای او، سختی قرار خواهیم داد.)

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (11 لیل)

و بی نیاز نمی کند از او، دارایی اش، اگر سقوط کرد

(در روز قیامت، دارایی او، باعث نجات او نخواهد شد.)

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى (12 لیل)

همانا بر ما است یقیناً هدایت

(هدایت شدن هر کسی، به خواست خداوند انجام می پذیرد.)

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى (13 لیل)

و همانا برای ما است یقیناً، آخرت و نخست

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى (14 لیل)

پس هشدار دادم شما را به آتشی که زبانه کشید

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى (15 لیل)

در نیاید در آن، جز بدبخت تر

(بدبخت ترین افراد، وارد عذاب جهنم می شوند.)

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى (16 لیل)

آنکه تکذیب کرد و روی برتافت

(کسی وارد عذاب جهنم می شود که کفر ورزید و ایمان نیاورد.)

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى (17 لیل)

و دور کرده خواهد شد از آن، پرهیزکارتر

(افراد پرهیزکارتر، از عذاب جهنم دور کرده خواهند شد.)

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (18 لیل)

آنکه می دهد دارایی اش را، پاک و منزه می شود

(کسی که از دارایی اش، در راه خداوند خرج می کند، باعث پاک شدن او می شود.)

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (19 لیل)

و نیست برای کسی، نزد او از نعمتی، که پاداش داده شود

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى (20 لیل)

جز طلب کردنِ جهت ربّ برترش

وَلَسَوْفَ يَرْضَى (21 لیل)

و یقیناً به زودی خرسند می شود

سوره ضحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالضُّحَى (1 ضحی)

سوگند به روشنی

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى (2 ضحی)

سوگند به شب، اگر آرام گرفت

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى (3 ضحی)

ترک رابطه نکرد با تو ربّت، و بیزار نشد

(روی سخن آیه های این سوره، با پیامبر است.)

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى (4 ضحی)

و یقیناً آخرت بهتر است برای تو، از نخست

(منظور از نخست، این دنیا است.)

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (5 ضحی)

و یقیناً به زودی می دهد به تو ربّت، پس خرسند می شوی

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى (6 ضحی)

آیا هرگز نیافت تو را یتیمی، پس پناه داد

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (7 ضحی)

و یافت تو را به صورت گمراه، پس هدایت کرد

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى (8 ضحی)

و یافت تو را به صورت نیازمند، پس بی نیاز کرد

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (9 ضحی)

پس لیکن یتیم را، پس غلبه نکن

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (10 ضحی)

و لیکن درخواست کننده (یا گدایی کننده) را، پس تَشَر نزن

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (11 ضحی)

و لیکن به نعمت ربّت، پس سپاسگزاری کن

سوره شرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (1 شرح)

آیا هرگز فراخ نکردیم برای تو، سینه ات را

(روی سخن آیه های این سوره، با پیامبر است.)

وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ (2 شرح)

و انداختیم از تو، سنگینی ات را

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (3 شرح)

آنکه سنگینی کرد به کمرت

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (4 شرح)

و بالا بردیم برای تو، به یاد آوردنت را

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (5 شرح)

پس همانا با سختی، آسانی ای است

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (6 شرح)

همانا با سختی، آسانی ای است

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ (7 شرح)

پس اگر آسوده شدی، پس تلاش کن

وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ (8 شرح)

و به ربّت، پس رغبت کن

سوره تین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ (1 تین)

سوگند به درخت انجیر و درخت زیتون

وَطُورِ سِينِينَ (2 تین)

سوگند به کوه (یا کوه طور) سرزمین سینا

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (3 تین)

سوگند به این شهرِ قابل اعتماد

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (4 تین)

یقیناً به درستی آفریدیم انسان را در نیکوترین اصلاح کردنی (یا سالنامه ای)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (5 تین)

سپس برگرداندیم او را به پایین ترین فرومایه ها

(در مورد کسانی بیان شده است که در روز قیامت، وارد جهنم می شوند.)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (6 تین)

جز کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، پس برای آنان پاداشی بدون منّت گذاشته شده (یا بدون قطع شده) است

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ (7 تین)

پس چه تو را به تکذیب وا می دارد سپس، به دین (یا جزا)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ (8 تین)

آیا نیست خدا داورترین داوران

سوره علق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (1 علق)

بخوان به نام ربّت، که آفرید

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (2 علق)

آفرید انسان را از خون

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (3 علق)

بخوان، و ربّ تو ارجمندتر است

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (4 علق)

آنکه آموخت با قلم

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (5 علق)

آموخت به انسان، آنچه را هرگز نمی دانست

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى (6 علق)

هرگز چنین نیست، همانا انسان یقیناً از اندازه تجاوز می کند

أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى (7 علق)

اینکه دید خود را، که بی نیاز شد

إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى (8 علق)

همانا به ربّت است، برگشتن

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (9 علق)

آیا دیدی آنکه را، منع می کند

عَبْدًا إِذَا صَلَّى (10 علق)

بنده ای را، اگر نماز خواند

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى (11 علق)

آیا دیدی، اگر بود بر هدایت

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى (12 علق)

یا امر کرد به پرهیزکاری

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (13 علق)

آیا دیدی، اگر تکذیب کرد و روی برتافت

أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (14 علق)

آیا هرگز ندانست که همانا خدا می بیند

كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (15 علق)

هرگز چنین نیست، یقیناً اگر هرگز دست بر نداشت، یقیناً می کِشیم از موی جلوی سر

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (16 علق)

موی جلوی سرِ دروغگویی خطاکار را

(منظور از دروغگو، کسی که در زندگی روزمره دروغ می گوید نیست بلکه منظور همان فردی است که در آیه ی 13 و 14 و 15 در مورد او بیان شده است و احتمالاً منظور از دروغگو، فرد کافر است.)

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (17 علق)

پس باید صدا کند، صدا کننده اش را

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ (18 علق)

صدا خواهیم کرد فرشتگانی که جهنمی ها را به دوزخ می برند

كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (19 علق)

هرگز چنین نیست، اطاعت نکن از او، و سجده کن و نزدیک شو

سوره قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (1 قدر)

همانا ما نازل کردیم آن را، در شب مقدّر کردن

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (2 قدر)

و با خبر نکرد تو را، که چیست شب مقدّر کردن

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (3 قدر)

شب مقدر کردن، بهتر است از هزار ماه

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (4 قدر)

نازل می شود فرشتگان و روح در آن، به اجازه ی ربّشان، از هر کاری

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (5 قدر)

درودی است آن، تا طلوع کردن سپیده دم

سوره بینة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (1 بینة)

هرگز نبود کسانی که کفر ورزیدند از اهل کتاب و قائلان به شریک برای خدا، جدا شده ها، تا بیاید نزد آنان دلیل

(هرگز کسانی که کفر ورزیدند از اهل کتاب و قائلان به شریک برای خدا، بر آن نبودند که جدا شوند تا آنکه دلیل برای آنان بیاید.)

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً (2 بینة)

فرستاده ای از خدا، که می خواند کاغذهای نوشته شده ای پاک شده را

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ (3 بینة)

در آن، مقرر کردن های گرانقدری است

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ (4 بینة)

و پراکنده نشد کسانی که داده شدند کتاب را، جز از پس از آنچه که آمد نزد آنان دلیل

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ (5 بینة)

و امر نشدند جز تا بپرستند خدا را، به صورت صادقانه ها برای او دین، به صورت یکتاپرستان، و به پا دارند نماز را، و بدهند زکات را، و آن دین گرانقدر است

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (6 بینة)

همانا کسانی که کفر ورزیدند از اهل کتاب و قائلان به شریک برای خدا، در آتش جهنم، همیشگی ها در آن هستند، آنان خود، بد مخلوقی هستند

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (7 بينة)

همانا کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، آنان خود، مخلوق بهتر هستند

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (8 بينة)

پاداش آنان نزد ربّشان، باغ های ماندگاری است، جاری می شود از زیر آن رودها، همیشگی ها در آن، برای همیشه هستند، خرسند شد خدا از آنان، و خرسند شدند از او، آن برای کسی است که ترسید از ربّش

سوره زلزلة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (1 زلزلة)

اگر لرزانده شد زمین، لرزاندنش

(در مورد روز قیامت بیان شده است.)

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (زلزلة)

و آشکار کرد زمین، بارهای سنگینش را

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (3 زلزلة)

و گفت انسان، آن را چه شده

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (4 زلزلة)

در آن روز، آگاه می کند از خبرهایش

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (5 زلزلة)

به اینکه همانا ربّت، وحی کرد به او

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (6 زلزلة)

در آن روز خارج می شود (یا باز می گردد) مردم، به صورت پراکنده ها، تا نشان داده شوند کارهایشان را

(در مورد زنده شدن مرده ها در روز قیامت، بیان شده است.)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (7 زلزلة)

پس کسی که انجام دهد مقدار بسیار ناچیز نیکویی ای را، می بیند آن را

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (8 زلزلة)

و کسی که انجام دهد مقدار بسیار ناچیز بدی ای را، می بیند آن را

سوره عادیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (1 عادیات)

سوگند به دوندگان به سرعت، به صورت نفس نفس زدن

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (2 عادیات)

پس جرقه جهانندگان، مشتعل کردنی

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (3 عادیات)

پس یورش کنندگان بامداد

فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا (4 عادیات)

پس زیر و رو کردند با آن، گرد و خاکی را

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (5 عادیات)

پس در میانه ی آن واقع شدند، در بر گرفتنی

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (6 عادیات)

همانا انسان به ربّش، یقیناً ناسپاس است

وَإِنَّهُ عَلَى ذَلِكَ لَشَهِيدٌ (7 عادیات)

و همانا او بر آن، یقیناً گواه است

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (8 عادیات)

و همانا او بر دلبستگی نیکویی (یا دارایی)، یقیناً نیرومند است

(انسان، نیکویی (یا دارایی) را بسیار دوست دارد.)

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (9 عاديات)

آیا پس نمی داند اگر به هم ریخته شد آنچه در گورهاست

(در مورد روز قیامت بیان شده است.)

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (10 عاديات)

و گردآوری کرده شد، آنچه در سینه هاست

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ (11 عاديات)

همانا ربّ آنان، به آنان در آن روز، یقیناً آگاه است

سوره قارعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

الْقَارِعَةُ (1 قارعة)

کوبنده

مَا الْقَارِعَةُ (2 قارعة)

چیست کوبنده

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (3 قارعة)

و با خبر نکرد تو را، که چیست کوبنده

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (4 قارعة)

روزی که باشد مردم مانند پروانه ها، پراکنده

(در مورد روز قیامت بیان شده است.)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (5 قارعة)

و باشد کوه ها، مانند پشم حلاجی شده

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (6 قارعة)

پس لیکن کسی که سنگین شد ترازوهایش

(یعنی نیکی هایش از بدی هایش سنگین تر شد.)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (7 قارعة)

پس او در زندگی ای، خرسند است

(این فرد، وارد بهشت می شود.)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (8 قارعة)

و لیکن کسی که سبک شد ترازوهایش

(کسی که بدی هایش از نیکی هایش سنگین تر باشد.)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (9 قارعة)

پس ریشه اش، هاوية (یا جهنم) است

(این فرد وارد جهنم می شود.)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ (10 قارعة)

و با خبر نکرد تو را که چیست، خودِ آن

نَارٌ حَامِيَةٌ (11 قارعة)

آتشی است داغ

سوره تکاثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ (1 تکاثر)

بهترین پاداش را داد به شما، فزونی

(فزونی و دارا بودن، به شما بهترین پاداش را داده است و شما را راضی کرده است.)

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (2 تکاثر)

تا دیدار کردید گورستان ها را

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (3 تکاثر)

هرگز چنین نیست، به زودی می دانید

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (4 تکاثر)

سپس هرگز چنین نیست، به زودی می دانید

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (5 تکاثر)

هرگز چنین نیست، اگر می دانید شناختن یقین را

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (6 تکاثر)

یقیناً خواهید دید آتش بسیار گرم و سوزان را

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (7 تکاثر)

سپس یقیناً خواهید دید آن را، با چشم یقین

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (8 تکاثر)

سپس یقیناً مورد سؤال واقع می شوید در آن روز، از ناز و نعمت

سوره عصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَالْعَصْرِ (1 عصر)

سوگند به روزگار

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (2 عصر)

همانا انسان یقیناً در زیان است

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (3 عصر)

جز کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند شایسته ها را، و به یکدیگر توصیه کردند حقیقت را، و به یکدیگر توصیه کردند شکیبایی را

سوره همزة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ (1 همزة)

وای بر هر خرده گیر عیبجویی

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (2 همزة)

آنکه جمع کرد دارایی ای را، و شمارش کرد آن را

(در مورد اتفاق و شخصی که در آن زمان بوده است، بیان شده است.)

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (3 همزة)

گمان می کند که همانا دارایی اش، همیشگی کرد او را

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (4 همزة)

هرگز چنین نیست یقیناً دور انداخته می شود در بسیار خورد کننده

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (5 همزة)

و با خبر نکرد تو را که چیست بسیار خورد کننده

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ (6 همزة)

آتش خدا است که شعله ور شده است

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (7 همزة)

که ناگهان می آید بر قلب ها

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ (8 همزة)

همانا بر آنان، روی هم گذاشته شده است

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (9 همزة)

در ستون هایی کشیده شده

سوره فیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (1 فیل)

آیا هرگز ندیدی چگونه انجام داد ربّت، با همنشینان فیل

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (2 فیل)

آیا هرگز قرار نداد نیرنگ زدن آنان را، در گمراه کردنی

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (3 فیل)

و فرستاد بر آنان پرندگانی، دسته ها

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (4 فیل)

پرتاب می کند به آنان، سنگ هایی از سنگ گِل

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (5 فیل)

پس قرار داد آنان را، مانند برگِ کشت خوراکی

سوره قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ (1 قریش)

برای پیمان قریش

إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (2 قریش)

پیمانشان در سفر زمستان و تابستان

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (3 قریش)

پس باید بپرستند ربّ این خانه را

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (4 قریش)

آنکه غذا داد به آنان از گرسنگی ای، و داد به آنان امنیتی را از ترسی

سوره ماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ (1 ماعون)

آیا دیدی کسی را که تکذیب می کند جزا را

(منظور از جزا، روز قیامت است.)

فَذَلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ (2 ماعون)

پس آن است که با خشونت می راند یتیم را

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (3 ماعون)

و تشویق نمی کند بر خوراک بی چیز

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (4 ماعون)

پس وای بر نمازگزاران

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (5 ماعون)

کسانی که آنان از نمازشان فراموشکارانند (یا غافلانند)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (6 ماعون)

کسانی که خود ریاکاری می کنند (= دو رویی نشان می دهند)

(منظور از نمازگزارانی که از نمازشان غافل هستند و ریاکاری می کنند، افرادی است که برای ریاکاری به نماز می ایستند ولی ایمان ندارند و برای فریب دادن مردم، نماز می خوانند.)

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (7 ماعون)

و منع می کنند نیکی (یا زکات) را

سوره کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (1 کوثر)

همانا عطا کردیم به تو کوثر (یا شراب گوارا) را

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (2 کوثر)

پس نماز بخوان (یا درود بفرست) برای ربّت، و ذبح کن (یا اول وقت بخوان)

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (3 کوثر)

همانا مرد کینه توز تو، خود بدون فرزند است

سوره کافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (1 کافرون)

بگو ای کافران

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (2 کافرون)

نمی‌پرستم آنچه را می‌پرستید

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (3 کافرون)

و نه شما، پرستندگان آنچه می پرستم، هستید

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (4 کافرون)

و نه من، پرستنده ی آنچه پرستیدید، هستم

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (5 کافرون)

و نه شما، پرستندگان آنچه می پرستم، هستید

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (6 کافرون)

برای شما است دین شما، و برای من است دین من

(دین هر کسی مربوط به خود اوست و هیچ اجباری در زمینه ی دین وجود ندارد. کسانی که به نام خدا و دین، می خواهند مردم را به آنچه که آن را دین می نامند وادار نمایند، جز دروغ بر خدا و دین نمی بندند و رفتار آنها هیچ ارتباطی با دین ندارد.)

سوره نصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (1 نصر)

اگر آمد یاری کردن خدا و گشودن

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (2 نصر)

و دیدی مردم را، وارد می شوند در دین خدا، به صورت گروه ها

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (3 نصر)

پس تسبیح بگوی به ستایش ربّت، و طلب عفو کن از او، همانا او بود به صورت بسیار بازگشت کننده

سوره مسد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (1 مسد)

بریده باد دو دست ابولهب، و بریده شد

مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (2 مسد)

بی نیاز نکرد از او دارایی اش، و آنچه جمع آوری کرد

سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (3 مسد)

در خواهد آمد به آتشی، که دارنده ی زبانه ی آتش است

وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (4 مسد)

و زن او، باربر هیزم است

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ (5 مسد)

در گردن او (=زن ابولهب)، طنابی از لیف خرما است

سوره اخلاص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (1 اخلاص)

بگو اوست خدای یگانه

اللَّهُ الصَّمَدُ (2 خلاص)

خدای ابدی

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (3 اخلاص)

هرگز نزایید و هرگز زاییده نشد

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (4 اخلاص)

و هرگز نبود برای او، یک همانندی

سوره فلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (1 فلق)

بگو پناه می برم به ربّ بامداد

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (2 فلق)

از بدیِ آنچه آفرید

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (3 فلق)

و از بدیِ بسیار تاریک شونده، اگر فراگیر شد

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (4 فلق)

و از بدی جادوگران (=زنان جادوگر)، در گره ها

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (5 فلق)

و از بدی حسود، اگر حسادت کرد

سوره ناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاينده بخشايشگر

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (1 ناس)

بگو پناه می برم به ربِّ مردم

مَلِكِ النَّاسِ (2 ناس)

مالک (يا پادشاه) مردم

إِلَهِ النَّاسِ (3 ناس)

خدای مردم

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (4 ناس)

از بديِ وسوسه ی (يا انديشه ی بد) شيطان

الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (5 ناس)

آنکه وسوسه می کند در سينه های مردم

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (6 ناس)

از جن و مردم